

چاپ دوم

بِقَدْرِ اللَّهِ
حَبْلُ الْكَرَامَةِ فِي مَنَابِقِ

صحیفہ حضرت زینب



مجموعہ مہمی از نماز، دعا و زیارت مائی کہ از ناحیہ مقدسہ امام زمان عجل اللہ تعالی فرجہ

صادر شدہ و یاد بارہ آن حضرت از بقیہ امامان علیہم السلام نقل کردیدہ است.

کتاب شریف

صحیفہ محمدیہ

مجموعہ معنی از نماز، دعا و زیارت مانی کہ از ناحیہ مقدسہ امام زمان عجل اللہ تعالی فرجہ صادر شدہ
و یاد بارہ آن حضرت نقل شدہ است

تالیف

سید مرتضیٰ محقق کدی سستانی



صحیفہ مہدیہ

ترجمہ «الصحیفہ المہدیہ»

مؤلف: سید مرتضیٰ مجتہدی سیستانی

مترجم: موسسہ اسلامی ترجمہ

مصصح ترجمہ: محمد ظریف، محمد حسین رحیمیان

ناشر: نشر الماس

چاپ: الہادی

نوبت چاپ: دہم

«با ویرایش جدید و اضافات»

تاریخ چاپ: تابستان ۱۳۸۷

قطع و صفحہ: وزیری/۷۵۲

تیراژ: ۵۰۰۰

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

شابک: ISBN:964-7753-14-4

تلفن مرکز پخش:

۲۹۱۸۹۹۲ (۰۲۵۱)

۰۹۱۲۲۵۱۰۳۵۸ - ۰۹۱۲۱۵۳۹۹۷۹

www.almas_publish.com

Email: info@almas_publish.com

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قسمتی از زیارت حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه :

يا أنوار الله في أرضه التي لا تطفى
يا عيون الله في خلقه
أنا منتظر لأمركم مترقب لدولتكم
معكم لا مع غيركم إليكم لا إلى عدوّكم
آمنت بكم وبما أنزل إليكم وأبرء إلى الله من عدوّكم .

ای نورهای جاویدان الهی
ای دیدگان خداوند در میان آفریدگان
من در انتظار امر شما و فرا رسیدن حکومت شما هستم
من با شما هستم نه با غیر شما
من به شما ایمان دارم و از دشمنانتان بیزارم

فهرست مطالب

مقدمه

۲۳ نکته مهم
۲۵ ضرورت دعا از نظر عقل و نقل
۲۸ آداب دعا
۴۲ اهمیت مداومت بر دعا
۴۳ نقش یقین در مستجاب شدن دعا
۴۵ یقین و آثار شگفت‌انگیز آن
۴۷ دعا برای ظهور امام عصر ارواحنا فداه لازم و ضروری است
۵۱ مظلوم‌ترین فرد عالم
۵۳ نصیحتی از مرحوم حاج شیخ رجبعلی خیاط
۵۴ تجربه مهم مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی
۵۶ دعای امام عصر ارواحنا فداه برای کسی که برای فرج و یاری آن حضرت دعا کند
۶۰ تشکیل مجالس دعا برای تعجیل ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه
۶۲ مکان‌های مخصوص به آن حضرت ارواحنا فداه

- ۱ - فضیلت مسجد کوفه و اینکه آنجا جایگاه نماز حضرت مهدی ارواحنا فداه در عصر ظهور است. ۶۳
- ۲ - فضیلت مسجد سهله که مقام حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه در آنجاست ... ۶۴
- ۳ - مسجد مقدّس جمکران ۶۶
- توجّه به وظایف دوران غیبت ۷۱
- اعتیاد به عصر غیبت امام عصر ارواحنا فداه! ۷۳
- روش فکری خود را تغییر دهید! ۷۵
- به سوی امیر عالم هستی ۷۶
- توجّه به حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه لازم است ۸۰
- انتظار ۸۵
- انتظارِ ظهور یا اعتقاد به ظهور؟! ۹۰
- معرفت یا راه انتظار ۹۱
- احساس حضور، یا نشانی از معرفت ۹۳
- معنای حضور چیست؟ ۹۷
- عظمت امام عصر ارواحنا فداه در کلمات اهل بیت علیهم السلام ۹۸

بخش اوّل

نمازها

- ۱ - نماز امام زمان عجل الله تعالی فرجه ۱۱۵
- ۲ - نماز دیگر امام زمان عجل الله تعالی فرجه ۱۱۵
- ۳ - نماز مسجد مقدّس جمکران ۱۱۷
- ۴ - نماز امام زمان ارواحنا فداه در مقام آن حضرت در حله و نعمانیّه ۱۱۸
- ۵ - نماز منسوب به امام زمان ارواحنا فداه برای برآورده شدن حاجت‌ها ۱۱۹
- ۶ - نماز توجّه به حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه ۱۲۰
- ۷ - نماز و دعای فرج برای رفع مشکلات مهمّ ۱۲۱
- ۸ - نماز استغاثه به امام زمان عجل الله تعالی فرجه ۱۲۷

- ۹ - نماز هدیه خدمت امام زمان عجل الله تعالی فرجه ۱۳۰
- ۱۰ - اهداء نماز به امام زمان عجل الله تعالی فرجه در روز پنجشنبه ۱۳۱
- ۱۱ - نماز استغاثه به امام زمان ارواحنا فداء در شبهای پنجشنبه و جمعه ۱۳۲
- ۱۲ - نماز استغاثه به نحو دیگر ۱۳۳
- ۱۳ - نماز امام زمان عجل الله تعالی فرجه در شب جمعه ۱۳۳
- ۱۴ - نماز دیگر امام زمان عجل الله تعالی فرجه ۱۳۶
- ۱۵ - نماز روز بیست و هفتم ماه رجب ۱۳۶
- ۱۶ - نماز شب نیمه ماه شعبان ۱۳۸
- ۱۷ - نماز دیگر در شب نیمه شعبان ۱۳۹

بخش دوم

دعاهای قنوت

- ۱ - دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه در قنوت نمازها ۱۴۵
- ۲ - قنوت حضرت امام سجّاد علیه السلام برای برطرف شدن ظلم و ستم از جهان ۱۴۶
- ۳ - قنوت حضرت امام باقر علیه السلام ۱۴۸
- ۴ - قنوت حضرت امام رضا علیه السلام ۱۵۰
- ۵ - قنوت حضرت امام جواد علیه السلام ۱۵۲
- ۶ - دعای دیگر امام جواد علیه السلام در قنوت ۱۵۳
- ۷ - قنوت حضرت امام هادی علیه السلام ۱۵۶
- ۸ - دعای امام حسن عسکری علیه السلام در قنوت ۱۵۸
- ۹ - دعای قنوت حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه ۱۷۱
- ۱۰ - دعای دوّم حضرت بقیة الله ارواحنا فداء در قنوت ۱۷۳
- ۱۱ - دعای سوّم آن حضرت در قنوت ۱۷۷
- ۱۲ - دعا در قنوت نماز جمعه برای ظهور آن بزرگوار عجل الله تعالی فرجه ۱۷۷



بخش سوم

ادعیه بعد از نمازها

- ۱ - دعا برای ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداه بعد از هر نماز واجب ۱۸۱
- ۲ - دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه پس از نمازهای واجب ۱۸۱
- ۳ - دعا برای تشرّف خدمت حضرت بقیة الله ارواحنا فداه که بعد از نمازهای واجب خوانده می‌شود ۱۸۳
- ۴ - دعای دیدار امام زمان ارواحنا فداه ۱۸۴
- ۵ - دعای بعد از نماز صبح ۱۸۶
- ۶ - دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه در تعقیب نماز صبح ۱۸۷
- ۷ - دعای دیگر برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه پس از نماز صبح ۱۸۸
- ۸ - دعای دیگری برای حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه بعد از نماز صبح ۱۸۸
- ۹-۱۱ - دعاهایی که حضرت بقیة الله ارواحنا فداه برای برطرف شدن مشکلات شدید به مردی آموختند ۱۸۹
- ۱۲ - دعا برای ظهور آن حضرت پس از نماز صبح و ظهر در هر روز ۱۹۲
- ۱۳ - دعا برای ظهور آن بزرگوار ارواحنا فداه پس از نماز ظهر در هر روز ۱۹۳
- ۱۴ - دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه پس از نماز عصر ۱۹۶
- ۱۵ - دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه بعد از دو رکعت اول نماز شب ۱۹۸
- ۱۶ - دعا برای ظهور آن حضرت عجل الله تعالی فرجه بعد از رکعت چهارم نماز شب ۲۰۰

بخش چهارم

دعاهای ایام هفته

- ۱ - دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه در روزهای پنجشنبه ۲۰۳
- ۲ - صلوات برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه از عصر روز پنجشنبه تا پایان روز جمعه ۲۰۳
- ۳ - دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه در شب جمعه ۲۰۴
- ۲۰۵ - حکایت دعای علوی مصری ۲۰۵

- ۴ - دعای علوی مصری از امام زمان ارواحنا فداء که در گرفتاری‌های شدید خوانده می‌شود. ۲۰۷
- ۲۳۸ روز جمعه؛ روز حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداء است
- ۲۳۹ فضیلت دعای ندبه
- ۲۴۱ ۵ - دعای ندبه
- ۲۵۶ ۶ - دعا در روز جمعه بعد از نماز صبح برای تعجیل فرج
- ۲۵۶ ۷ - دعا برای ظهور امام زمان عجل الله فرجه در روز جمعه
- ۲۵۷ ۸ - دعای دیگری برای ظهور آن حضرت در روز جمعه
- ۲۵۷ ۹ - صلواتی که هر کس بعد از نماز جمعه بخواند از اصحاب امام زمان ارواحنا فداء خواهد بود
- ۲۵۸ ۱۰ - دعا برای ظهور آن حضرت عجل الله فرجه در روز جمعه، عید فطر و عید قربان
- ۲۵۹ حکایت صلوات ضرباب اصفهانی
- ۲۶۴ ۱۱ - صلوات ضرباب اصفهانی
- ۲۶۹ ۱۲ - صلوات و دعا در عصر روز جمعه برای ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداء
- ۲۷۰ ۱۳ - فضیلت خواندن سوره بنی اسرائیل در هر شب جمعه

بخش پنجم

دعاهای هر ماه

- ۲۷۳ ۱ - دعا برای ظهور حضرت مهدی ارواحنا فداء در ظهر روز عاشورا
- ۲۸۱ ۲ - دعای دیگری در روز عاشورا
- ۲۸۲ ۳ - دعای ایام ماه رجب که از ناحیه مقدسه امام زمان ارواحنا فداء صادر شده است
- ۲۸۵ ۴ - دعای دیگر در ایام ماه رجب که از ناحیه مقدسه رسیده است
- ۲۸۶ ۵ - دعای سوّم در ایام ماه رجب
- ۲۹۰ ۶ - دعای روز سوّم ماه شعبان
- ۲۹۲ فضیلت شب نیمه شعبان
- ۲۹۳ ۷ - دعای شب نیمه شعبان



- ۲۹۵ فضیلت (دعای خضر علیه السلام معروف به) دعای کمیل در آن شب
- ۲۹۶ ۸- دعای افتتاح
- ۳۰۵ ۹- دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه بعد از هر نماز در ماه مبارک رمضان
- ۳۰۶ ۱۰- دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه در روز سیزدهم ماه مبارک رمضان
- ۳۰۸ ۱۱- دعای دیگر در روز سیزدهم ماه مبارک رمضان
- ۳۱۴ ۱۲- دعا هنگام واقع شدن صدای عجیب در ماه مبارک رمضان
- ۳۱۶ ۱۳- دعا برای ظهور حضرت مهدی ارواحنا فداه در روز هیجدهم ماه مبارک رمضان
- ۳۱۷ ۱۴- دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان
- ۳۱۸ ۱۵- دعای دیگر برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان
- ۳۲۰ ۱۶- دعای سوم برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان
- ۳۲۱ از ادب شیعه نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه در روز عید فطر
- ۱۷- دعای روز عید غدیر کسی که آن را بخواند مانند کسی است که زیر پرچم حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه و در خیمه آن حضرت باشد ۳۲۳
- ۳۲۸ ۱۸- تسبیح حضرت امام زمان ارواحنا فداه از روز هیجدهم تا آخر هر ماه

صیغه



بخش ششم

دعاهایی که مخصوص روز معینی از ایام هفته نیست

- ۳۳۱ ۱- دعای عهد
- ۳۳۵ معنای بیعت با حضرت مهدی ارواحنا فداه
- ۳۳۷ ۲- دعای عهد دیگر
- ۳۴۰ ۳- دعای زمان غیبت
- ۳۴۶ ۴- دعای زمان غیبت به روایتی دیگر
- ۳۵۴ ۵- دعای معرفت در زمان غیبت
- ۳۶۳ ۶- دعای دیگر در زمان غیبت

- ۷ - دعای دیگری نیز در زمان غیبت ۳۶۴
- ۸ - دعای غریق در زمان غیبت ۳۶۵
- ۹ - دعایی مناسب با زمان غیبت ۳۶۶
- ۱۰ - دعای نجات از فتنه‌های آخرالزمان ۳۶۶
- ۱۱ - دعای امام جواد علیه السلام برای رفع ظلم و ستم از جهان ۳۶۸
- ۱۲ - دعا برای حفظ شدن از شرّ دجال ۳۷۰
- ۱۳ - دعای فرج (إلهی عظم البلاء) ۳۷۴
- ۱۴ - دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه در حرم حضرت موسی بن جعفر علیه السلام ۳۷۵
- ۱۵ - دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه در سجده شکر ۳۷۶
- ۱۶ - دعای هنگام عطسه ۳۷۷
- ۱۷ - دعای سفر در ساعت مخصوص به حضرت بقیة الله ارواحنا فداه ۳۷۸
- ۱۸ - دعا برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه در ساعت دوازدهم روز ۳۸۰
- ۱۹ - دعای دیگر در ساعت مخصوص به آن حضرت ارواحنا فداه ۳۸۲
- ۲۰ - صلوات بر امام زمان ارواحنا فداه ۳۸۶
- ۲۱ - دعایی از امام زمان عجل الله تعالی فرجه در آغاز نمازها ۳۸۷
- ۲۲ - دعای حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه ۳۸۹
- ۲۳ - دعای سهم اللیل، از امام زمان ارواحنا فداه ۳۸۹
- ۲۴ - دعای دیگر از امام زمان عجل الله تعالی فرجه ۳۹۲
- ۲۵ - دعای «یا نور النور» از امام زمان عجل الله تعالی فرجه ۳۹۳
- ۲۶ - دعای دیگر از امام زمان ارواحنا فداه برای رفع مشکلات ۳۹۴
- ۲۷ - دعای مهمّ دیگر از امام زمان عجل الله تعالی فرجه برای برآورده شدن حاجت‌ها ۳۹۵
- ۲۸ - دعای امام عصر عجل الله تعالی فرجه برای شفاء از بیماری‌ها ۳۹۷
- ۲۹ - دعای دیگر از امام زمان ارواحنا فداه برای رهایی از سختی‌ها و حفظ شدن از دزدان ... ۳۹۸
- ۳۰ - دعای دیگری از امام زمان عجل الله تعالی فرجه برای رهایی از سختی‌ها و مشکلات ... ۳۹۹



- ۳۱ - حرز امام زمان عجل الله تعالى فرجه ۴۰۱
- ۳۲ - دعای حجاب (پنهان بودن)، از امام عصر عجل الله تعالى فرجه ۴۰۲
- ۳۳ - دعا برای فرج در روز ظهور ۴۰۳
- ۳۴ - دعای حضرت بقیة الله ارواحنا فداء در اول ظهور ۴۰۵
- ۳۵ - دعای شیعه هنگام خروج حضرت قائم ارواحنا فداء ۴۰۶
- ۳۶ - دعای آن حضرت عجل الله تعالى فرجه هنگام عبور از وادی السلام ۴۰۷
- ۳۷ - صلوات بر حضرت فاطمة زهرا علیها السلام (اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی فَاطِمَةَ وَأَبِيهَا ...) ۴۰۸
- ۳۸ - ثواب خواندن سورة مباركة «كهف» ۴۰۹
- ۳۹ - از خواص سورة «يس» ۴۱۰
- ۴۰ - فضیلت سوره‌های «مسیحات» ۴۱۰
- ۴۱ - خواندن سورة «القارعة» سبب ایمنی از فتنه دجال است ۴۱۲

بخش هفتم

توسل به حضرت بقیة الله ارواحنا فداء

- جریان دعای توسل خواجه نصیر علیه السلام ۴۱۶
- ۱ - دعای توسل معروف به دعای توسل خواجه نصیر علیه السلام ۴۲۰
- ۲ - دعای توسل به حضرت بقیة الله عجل الله تعالى فرجه ۴۳۴
- ۳ - توسل به حضرت بقیة الله ارواحنا فداء در مشکلات ۴۳۵
- ۴ - توسل دیگر به حضرت بقیة الله عجل الله تعالى فرجه در مشکلات (یا فارس الحجاز) ۴۳۸
- ۵ - توسل دیگر به حضرت بقیة الله عجل الله تعالى فرجه در مشکلات (یا محمد یا علی...) ۴۳۸
- ۶ - توسل دیگر به حضرت بقیة الله ارواحنا فداء (یا صاحب الزمان) ۴۴۱
- ۷ - توسل دیگر به آن حضرت صلوات الله علیه ۴۴۲
- ۸ - توسل دیگر به حضرت حجّت ارواحنا فداء (یا حجة القائم) ۴۴۲
- ۹ - توسل برای رفع بیماری ۴۴۳

بخش هشتم

عریضه ها

- ۴۴۸ جریانی در مورد نوشتن نامه به محضر امام زمان ارواحنا فداه
- ۴۵۰ جریانی دیگر در مورد نوشتن نامه به حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه
- ۴۵۳ ۱ - کیفیت نوشتن نامه به محضر امام عصر عجل الله تعالی فرجه
- ۴۵۹ ۲ - عریضه‌ای به خداوند که در عریضه حضرت بقیة الله ارواحنا فداه قرار داده می‌شود
- ۴۶۴ ۳ - عریضه استغاثه دیگری به امام زمان عجل الله تعالی فرجه

بخش نهم

استخاره ها

- ۴۷۱ دعای استخاره آخرین توقیعی بود که از ناحیه مقدسه صادر شد
- ۴۷۲ ۱ - دعای استخاره که از امام عصر ارواحنا فداه روایت شده است
- ۴۷۴ نکته حایز اهمیت!
- ۴۷۴ ۲ - دعا برای ظهور آن حضرت عجل الله تعالی فرجه در دعای استخاره با قرآن
- ۴۷۶ ۳ - استخاره با رقعہ که از حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه روایت شده است
- ۴۷۷ انواع استخاره با تسبیح که از حضرت بقیة الله ارواحنا فداه روایت شده است
- ۴۷۷ ۴ - استخاره اول
- ۴۷۸ ۵ - استخاره دوم
- ۴۷۹ ۶ - استخاره سوم
- ۴۷۹ ۷ - استخاره چهارم
- ۴۸۰ ۸ - استخاره پنجم

بخش دهم

دعاهایی که حضرت بقیة الله ارواحنا فداء

از پدران بزرگوار خود نقل فرموده‌اند

- ۱ - دعای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در سختی‌ها به نقل از حضرت بقیة الله ارواحنا فداء ... ۴۸۳
حکایت حرز یمانی ۴۹۹
- ۲ - حرز یمانی ۵۰۳
- ۳ - دعای حریق که صبحگاهان خوانده می‌شود ۵۱۴
- ۴ - دعای الحاج از امام صادق علیه السلام به نقل از حضرت بقیة الله ارواحنا فداء ۵۲۹
- ۵ - دعای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام پس از نماز واجب به نقل از حضرت بقیة الله ارواحنا فداء ... ۵۳۰
- ۶ - دعای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در سجده شکر به نقل از حضرت بقیة الله ارواحنا فداء ۵۳۲
- ۷ - دعای سجده امام سجّاد علیه السلام در مسجد الحرام به نقل از حضرت بقیة الله ارواحنا فداء ... ۵۳۳
حکایت دعای عبرات ۵۳۵
- ۸ - دعای عبرات ۵۳۷

صورت حضرت



بخش یازدهم

زیارت‌ها

- ۵۵۱ استحباب زیارت حضرت بقیة الله ارواحنا فداء در هر زمان و مکان
- ۵۵۲ زیارت حضرات معصومین علیهم السلام و هدیه ثواب آن به پیشگاه حضرت بقیة الله ارواحنا فداء
- ۵۵۳ آداب زیارت
- ۱ - زیارت آل یس ۵۶۰
- ۲ - زیارت ندبه ۵۶۶
- ۳ - زیارت امام زمان ارواحنا فداء در روز جمعه ۵۷۵



- ۴ - زیارت حضرت بقیة الله ارواحنا فداء که در مشکلات و موارد ترسناک خوانده می شود . ۵۷۷
- ۵ - زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در روز یکشنبه که از حضرت بقیة الله عجل الله فرجه روایت شده است . ۵۷۸
- ۶ - زیارت ناحیه مقدسه ۵۸۰
- ۷ - زیارت رجبیه که در حرم های مطهر اهل بیت علیهم السلام در ماه رجب خوانده می شود ۶۰۴
- ۸ - زیارت حضرت صاحب الامر ارواحنا فداء در حرم مطهر حضرت امام رضا علیه السلام ۶۰۶
- ۹ - اذن ورود به حرم های ائمه علیهم السلام و سرداب مقدس ۶۰۷
- ۱۰ - زیارت حضرت بقیة الله ارواحنا فداء در سرداب مقدس ۶۱۰
- ۱۱ - زیارت دوّم حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداء ۶۲۴
- ۱۲ - زیارت سوّم حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداء ۶۲۴
- ۱۳ - زیارت چهارم در سرداب مقدس ۶۲۴
- ۱۴ - زیارت پنجم حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه ۶۳۱
- ذکر صلوات بر امام زمان ارواحنا فداء ۶۳۴
- ۱۵ - زیارت ششم حضرت بقیة الله ارواحنا فداء ۶۳۵
- ۱۶ - چگونگی سلام کردن بر امام زمان ارواحنا فداء ۶۳۹
- ۱۷ - سلام بر آن حضرت ارواحنا فداء به شیوه های دیگر ۶۴۰
- ۱۸ - زیارت امام هادی و امام عسکری علیهم السلام ۶۴۰
- ۱۹ - زیارت حضرت نرجس خاتون علیها السلام ۶۴۳
- ۲۰ - زیارت حضرت حکیمه خاتون علیها السلام ۶۴۷

بخش دوازدهم

زیارات نواب امام عصر ارواحنا فداء

و بعضی از دعاهایی که اصحاب آن حضرت نقل نموده اند

- ۱ - زیارت نواب امام زمان ارواحنا فداء ۶۵۱
- ۲ - زیارت نایب اول جناب عثمان بن سعید رضوان الله علیه ۶۵۳

- ۳ - نماز برای وسعت رزق که از جناب محمد بن عثمان رضی الله عنه نقل شده است ۶۵۷
- ۴ - دعای مهم که جناب محمد بن عثمان رضی الله عنه آن را بسیار عظیم و باارزش دانسته است . ۶۵۸
- ۵ - دعای سمات که از نایب دوّم جناب محمد بن عثمان رضی الله عنه روایت شده است ۶۶۴
- ۶ - دعای روز عید فطر که از جناب محمد بن عثمان رضی الله عنه روایت شده است ۶۷۴
- ۷ - زیارت مولای ما امام صادق علیه السلام به نقل از عثمان بن سعید و حسین بن روح قدس سرهما ۶۸۲
- ۸ - دعای حضرت خضر علیه السلام معروف به دعای کمیل ۶۸۳

خاتمه کتاب یا ملحقات

بعضی از عباداتی که مورد توجه
حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه می باشند

- نماز شب ۷۰۳
- زیارت عاشورا ۷۰۶
- دعای بعد از زیارت عاشورا (دعای علقمه) ۷۱۲
- ستایش مولایمان امام زمان عجل الله فرجه از زیارت جامعه کبیره ۷۱۹
- زیارت جامعه کبیره ۷۲۱
- زیارت امین الله و فضیلت آن ۷۳۴
- زیارت وارث ۷۳۸
- منابع و مصادر کتاب ۷۴۵

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه^۱

حمد و سپاس خدایی را که ما را آفرید، و پیامبر خود را که خاتم انبیاء است به سوی ما فرستاد و ولایت اولیایش، ائمه هدی علیهم السلام را برای ما آشکار گردانید برای کامل کردن دین^۲ و روی آوردن به عمل^۳ها و ما را به سوی مکارم اخلاق^۴ و بدست آوردن پاداش کردارها^۵ هدایت نمود تا در بهشت^۶ وارد شویم و در بوستانهای ابدی بهشت^۷ جاوید بمانیم و به جایگاه بلندمرتبه و رفیع^۸ در بهشتی که خانه آسایش است^۹ برسیم تا فرشتگان را مشاهده کنیم که خطاب به ما بگویند: «سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ»^{۱۰}؛

۱. لازم به ذکر است که مؤلف محترم در این مقدمه از فنون بلاغت استفاده کرده، به این گونه که ضمن مقدمه نام تعدادی از کتاب‌هایی که در این نوشته مورد استفاده قرار گرفته، ذکر نموده که حُسن آن در متن عربی کتاب به خوبی جلوه‌گر است؛ به این فن در اصطلاح علم بدیع و بلاغت «براعت استهلال» می‌گویند. (ویراستار)

۲. کتاب «کمال الدین»، تألیف: محدث بزرگوار شیخ صدوق رحمته الله.

۳. کتاب «إقبال الأعمال»، تألیف: عالم جلیل القدر سید بن طاووس رحمته الله.

۴. کتاب «مکارم الأخلاق»، تألیف: عالم بزرگوار ابو نصر حسن طبرسی رحمته الله.

۵. کتاب «ثواب الأعمال»، تألیف: محدث بزرگوار شیخ صدوق رحمته الله.

۶. کتاب «دار السلام»، یکی تألیف: محدث نوری رحمته الله، و دیگری تألیف: عالم بزرگوار شیخ محمود عراقی رحمته الله.

۷. کتاب «جَنَاتِ الْخُلُودِ»، تألیف: عالم بزرگوار امامی خاتون آبادی رحمته الله.

۸. کتاب «المقام الأسنى»، تألیف: عالم جلیل القدر کفعمی رحمته الله.

۹. کتاب «جَنَّةِ الْمَأْوَى»، تألیف: محدث نوری رحمته الله. ۱۰. سوره یس، آیه ۵۸.

«سلامی که گفتاری از پروردگار مهربان است».

و درود و سلام بر آخرین پیامبران و فرستادگان خدا، ابی القاسم محمد، که درود خدا بر او و بر خاندان پاکش باد، همان بزرگوارانی که برای بیان وظایف بشریت^۱ با بهترین و پاکیزه‌ترین کلمات^۲ و ارشاد بندگان به سوی دریاهای نور^۳، آمدند. آن هم در پرتو چراغی^۴ که مانند «ستاره‌ای درخشان از درخت پربرکت زیتون افروخته باشد»^۵، و روشن‌گر راه‌های عارفان^۶ است، عارفانی که اراده رسیدن به شهر علم و حکمت را داشته، و از درب رستگاری^۷ وارد آن شهر گشته‌اند.

و سلام و درود مخصوص، بر آخرین این خاندان نور و رحمت، قائم ایشان، صاحب دعوت نبوی، و نیرو و توان حیدری، و پاکدامنی فاطمی، و بردباری حسنی، و شجاعت حسینی، و عبادت سجّادی، و سنت‌های نیکو و برجای ماندنی باقری، و آثار و نشانه‌های جعفری، و دانش‌های کاظمی، و برهان‌های رضوی، و سخاوت تقوی، و پاکی نقوی، و شکوه عسکری، و غیبت الهی، قیام‌کننده به حق و کسی که مردم را به سوی راستی مطلق فرامی‌خواند، کلمه الهی و امان الهی و برهان خداوند، پیروز به امر او و دافع از حریم او، امام پنهان و آشکار، برطرف کننده غصه‌ها و سختی‌ها، صاحب کرم و بخشش‌ها، امام به حق ابی القاسم محمد بن الحسن صاحب عصر و زمان، جانشین خداوند و امام انسان‌ها و جنیان، کسی که ستاره درخشان^۸ در شب بسیار تاریک است، و هم اوست که ایمنی‌دهنده از خطرهای سفرها و زمان‌ها^۹ است. او که

۱. کتاب «تکالیف الأنام»، تألیف: عالم محترم علی اکبر همدانی رحمته الله.

۲. کتاب «الکلم الطیب»، تألیف: عالم بزرگوار سید علی خان مدنی رحمته الله.

۳. کتاب «بحار الأنوار»، تألیف: علامه مجلسی رحمته الله.

۴. کتاب «المصباح»، تألیف: عالم جلیل القدر کفعمی رحمته الله.

۵. ﴿كُوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ﴾؛ سورة نور، آیه ۳۵.

۶. کتاب «منهاج العارفين»، تألیف: عالم بزرگوار محمد حسن سمنانی رحمته الله.

۷. کتاب «باب السعادة»، تألیف: عالم شهیر فیض کاشانی رحمته الله.

۸. کتاب «نجم الناقب»، تألیف: محدث نوری رحمته الله.

۹. کتاب «الأمان من أخطار الأسفار والأزمان»، تألیف: عالم بزرگوار سید بن طاووس رحمته الله.

سپر حفظ‌کننده^۱ در سختی‌ها و گرفتاری‌هاست.

این کتاب، اثر ناچیزی است از بنده ضعیف و فانی، به عنوان هدیه به شما ای سرور مهربان و بزرگوار؛ اگر مورد قبول قرارش دهی متنی است عظیم از سوی پروردگار منان؛ که به وجود مبارک شما و بخشش بی‌پایان شما ای صاحب زمان بر من منت نهاد و این کتاب با قبول شما، برای من باقیات صالحات^۲ و توشه روز جزا^۳ برای روزی که «ثروت و فرزندان، نفعی نمی‌بخشد»^۴ قرار می‌گیرد، و نیز وسیله رستگاری سنوال‌کننده^۵ و چراغ شب زنده‌دار^۶ خواهد شد، برای هر کسی که آن را بخواند و کلید رستگاری^۷ را برای گشودن درهای رحمت الهی^۸ طلب کند.

امیدوارم به واسطه قبول نیکوی شما - ای صاحب بخشش و بزرگواری - این کتاب آگاهی دهنده دوست^۹ در راه کشف کلیدهای عالم غیب^{۱۰} گردد، برای کسی که آن را با تأمل و درنگ می‌خواند و ان شاء الله به واسطه آن در گروه اولیاء مقربت درخواهد آمد، همان‌هایی که دارای ساز و برگ‌های نیرومند^{۱۱} هستند، که خداوند آنان را برای یاری شما آماده کرده تا شما را یاری و کمک کنند.

پس ای عزیز؛ «مَسْنَا وَأَهْلْنَا الضَّرُّ وَجِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ»^{۱۲}؛ «ما و خاندان‌مان گرفتار شده‌ایم، و سرمایه ناچیزی

۱. کتاب «الجنة الواقية»، منسوب به عالم عالیقدر میر داماد رحمته الله و همچنین عالم بزرگوار کفعمی رحمته الله.

۲. کتاب «الباقيات الصالحات»، تألیف: محدث قمی رحمته الله.

۳. کتاب «زاد المعاد»، تألیف: علامه مجلسی رحمته الله.

۴. ﴿لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ﴾؛ سورة شعراء، آیه ۸۸.

۵. کتاب «فلاح السائل»، تألیف: عالم بزرگوار سید بن طاووس رحمته الله.

۶. کتاب «مصباح المتهجد»، تألیف: عالم بزرگوار شیخ طوسی رحمته الله.

۷. کتاب «مفتاح الفلاح»، تألیف: عالم نامی شیخ بهانی رحمته الله.

۸. کتاب «فتح الأبواب»، تألیف: عالم بزرگوار سید بن طاووس رحمته الله.

۹. کتاب «تبصرة الولي»، تألیف: علامه سید هاشم بحرانی رحمته الله.

۱۰. کتاب «مفاتيح الغيب»، تألیف: علامه مجلسی رحمته الله.

۱۱. کتاب «العدد القويّة»، تألیف: عالم جلیل القدر رضی الدین حلی رحمته الله.

۱۲. سورة يوسف، آیه ۸۸.

آورده‌ایم؛ پس، پیمانۀ ما را پر کن و به ما صدقه بده؛ همانا خداوند صدقه دهندگان را پاداش می‌دهد».

این کتاب مجموعه‌ای است از نمازها و دعاها و زیارت‌هایی که از ناحیۀ مقدّسه حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه به دست ما رسیده و یا در مورد حضرت بقیۀ الله حجّة بن الحسن العسکری صاحب ولایت کامل و فرمانروایی مطلق در عالم وجود - که برترین درود و سلام بر او و اجداد گرامی‌اش باشد - نقل شده است.

مؤلف، در گردآوری دعاها و زیارات و ... که در کتب معتبر^۱ آمده و به دستش رسیده سعی داشته است و ادّعا ندارد که این کتاب مجموعه‌ای کاملی از همه دعاها و ... باشد. زیرا عصر غیبت و دوری ما از حضرت حجّت ارواحنا فداه باعث شده بسیاری از دعاهای صادر شده از ناحیۀ مقدّسه از دسترس ما دور بماند همانند بسیاری از نمازها و زیارات و اذکار؛ چون با کمال تأسّف در عصر غیبت به خاطر دوری و نیز غفلت ما از ساحت شریف امام ارواحنا فداه، بسیاری از آنچه که از ناحیۀ مقدّسه صادر شده است را نمی‌یابیم.

چه بسا برخی از این مطالب به دوستان بزرگوارشان رسیده که بنا به دلایلی از ما پنهان کرده‌اند و در جایی ثبت نکرده‌اند. برای اثبات این ادّعا ما جرایبی را که برای عالم ربّانی مرحوم آیة الله حاج شیخ مرتضی حائری رضوان الله تعالی علیه اتّفاق افتاده است نقل می‌کنیم؛ ایشان چنین فرمودند:

۱. بنا بر قاعده «تسامح در ادلّة سنن» و همچنین «اخبار من بلغ» دقت بسیار در اسناد ادعیه و زیارات وارده لازم نیست. ولی نباید قاعده «تسامح در ادلّة سنن» و «اخبار من بلغ» را دستاویز قرار داده و هرگونه دعا و زیارت را اگر چه جعلی باشد برای دیگران نقل نمائیم و یا خود به خواندن آنها سرگرم شویم؛ بلکه باید از این گونه دعاها و زیارت‌ها دوری بجوئیم؛ زیرا علاوه بر مضمون‌های اشتباهی که در بسیاری از این قبیل ادعیه و زیارات وجود دارد، آن قدر دعاها و زیارات وارده از خاندان بیت وحی علیهم‌السلام در دسترس ما وجود دارد که نیازی به رجوع و نقل و یا خواندن دعاها و زیارت‌هایی که مدرکی ندارند، نداریم.

با توجّه به این حقیقت، ما آن قسمت از دعاها و زیارت‌هایی را که در منابع معتبر وجود ندارد نقل نمی‌کنیم، و نمازها، دعاها و زیارات‌هایی را در این کتاب می‌آوریم که در منابع و مصادر قدیم و کتاب‌های معتبر وجود دارند و به جز موارد اندکی متعرّض اختلاف نسخه‌ها نمی‌شویم تا خواننده سر درگم نشده و متحرّج نگردد. کسانی که می‌خواهند از اختلاف نسخه‌ها آگاه شوند به کتاب «الصحیفة المبارکة المهدیّة» مراجعه نمایند.

دوستی داشتیم که با حضرت حجّت صلوات الله علیه در ارتباط بود و گاهی پیش من می آمد و تا اول انقلاب در ایران، پیوسته باهم ارتباط داشتیم؛ ولی پس از انقلاب، پیش من نیامد و او را زیارت نکردم. به هر حال زمانی برای من مشکلی پیش آمده بود و در همان ایام با او در میان گذاشتم و حلّ آن را از او درخواست کردم. آن مشکل این بود که بعضی از طلبه ها و نیز افراد دیگر به من مراجعه می کردند و کمک می خواستند، و من بعضی از آنها را نمی شناختم و به همین دلیل شک می کردم که باید به آنان کمک کنم، یا نه؟

چون اگر به کسی که او را نمی شناسم کمک کنم ممکن است مستحقّ نباشد و در صورت کمک نکردن، این احتمال وجود دارد که او محتاج و مستحقّ واقعی باشد.

وقتی این مشکل را با ایشان - که با امام زمان صلوات الله علیه در ارتباط بودند - در میان گذاشتم، به من گفتند: من این شاء الله جواب را از امام ارواحنا فداه برایتان می آورم.

وی از پیش من رفت و بعد از چند روز برگشت و دعایی از طرف حضرت حجّت ارواحنا فداه به من عطا کرد و گفت: اگر کسی از تو چیزی خواست و تو او را نمی شناختی اول این دعا را بخوان و بعد به او چیزی بده. همانا حضرت حجّت ارواحنا فداه فرمودند: وقتی که این دعا را بخواند امکان ندارد مراجعه کننده بتواند این مال را در جایی که رضای ما نباشد مصرف کند.

و آن دعا مختصر بود و من مکرّر شاهد بودم که آن مرحوم هنگامی که شخص ناشناسی به ایشان مراجعه می کرد آن را می خواندند.

غرض از نقل این قضیه مهمّ - که پذیرش آن برای بعضی مشکل است - این بود که بدانید همه آنچه که از ناحیه مقدّسه صادر شده به دست ما نرسیده است و بسیاری از دعاها و زیارات و نمازها در قلب پاک دوستان آن حضرت مانده و برای مردم ظاهر نکرده اند تا وارد خاک شده اند.

محدّث نوری رحمته الله می فرماید: گروهی از علمای مورد اعتماد به من خبر دادند که صاحب الأمر ارواحنا فداه را در حال بیداری دیده اند و معجزات متعدّدی را از آن حضرت مشاهده کرده اند و آن حضرت بسیاری از اخبار غیبی را به ایشان خبر داده

است و ایشان را به دعاهای مستجاب دعا نمودند؛ و آنها را از خطرهای هلاکت بار نجات داده‌اند که کلمات را یارای توصیف و تفصیل آنها نیست.^۱

و آنچه را که ما در این کتاب گرد آورده‌ایم در کتاب‌های معتبر آمده است و این تألیف از الطاف خداوند مهربان در حق من است. آنچه از زیبایی و خوبی که در این کتاب می‌بینید از تأییدات حضرت بقیة الله صلوات الله علیه می‌باشد و آنچه کمبود و اشتباه در این کتاب مشاهده کنید از ناحیه مؤلف می‌باشد.

از خداوند تعالی امید دارم که راستی و اخلاص عطا کند و این کتاب را نیز وسیله تذکر و راهی برای نزدیک شدن به خدا و ولی او حضرت صاحب الامر ارواحنا فداء قرار دهد.

این کتاب^۲ علاوه بر مقدمه و خاتمه، دارای دوازده «باب» است، همان گونه که:

إِنَّ الشُّهُورَ عِنْدَ اللَّهِ اثْنِي عَشَرَ شَهْرًا، وَأَنَّ الْأُمَّةَ اثْنِي عَشَرَ إِمَامًا، وَأَنَّ
النَّبِيَّاءَ اثْنِي عَشَرَ نَبِيًّا.^۳

همانا تعداد ماه‌ها نزد خداوند، دوازده ماه است و امامان نیز دوازده نفر هستند و به درستی که نقیبان نیز دوازده نفرند.

و بدانید که:

﴿إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا﴾^۴. ﴿فَاقْرَأُوا مَا تَيَسَّرَ

۱. دار السلام: ۱۳۷/۲.

۲. کتاب «الصحيفة المباركة المهدية» با اضافاتی که پس از چاپ اول به آن افزودیم دارای بیش از چهار صد و پنجاه نماز، دعا، زیارت، استخاره... است، از آنجا که باب چهارم، پنجم، یازدهم و دوازدهم آن - یعنی دعاهایی که امام عصر (ارواحنا فداء) برای افراد یا علیه دیگران نموده‌اند و همچنین دعاهایی که هنگام ولادت قرائت نموده‌اند و دعاهایی که در ضمن دعاهای دیگر و همچنین زیارات درباره آن بزرگوار وارد شده است - دارای جنبه تخصصی می‌باشد و برای اهل تحقیق مفید است و از نظر قرائت برای عموم فایده نداشت حذف نموده و با تغییراتی در ترتیب و تسویب آن، کتاب «الصحيفة المهدية يا المختار من الصحيفة المباركة المهدية» تدوین گردید تا این شاء الله مورد استفاده عموم قرار گیرد.

و این کتاب - صحیفه مهدیه - ترجمه آن است که اکنون در اختیار شما قرار دارد.

۳. بحار الأنوار: ۳۹۹/۳۶.

۴. سورة مزمل، آیه ۱۹.

مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا
لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ
اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ^۱.

همانا این یک وسیله یادآوری است؛ پس هر که خواهد راهی به سوی پروردگارش
در پیش گیرد. هر چه از آن می‌توانید بخوانید؛ و نماز را بپا دارید و زکات بپردازید و
برای خدا قرض و وام نیکو بدهید و (بدانید) هر خیر و خوبی که برای خویشتن
پیش بفرستید، آن را نزد خداوند بهتر و با پاداشی بزرگ‌تر خواهید یافت؛ و از
خداوند طلب آمرزش کنید؛ همانا خداوند آمرزنده مهربان است.

نکته مهم:

امامان ما علیهم الصلاة والسلام در فضای سیاسی خاصی قرار داشتند که حکومت
ملعون و غاصب «حبتری»^۲ آن را تأسیس کرده بود تا حکومت عدل علوی، پانگردد.
لذا به دلیل وجود طاغوت‌های اموی و عباسی، فرصتی برای بیان اسرار الهی
توسط امامان علیهم‌السلام نبود. از این رو حضرت علی بن ابی طالب علیه‌السلام - اولین شخصی که
حَقُّش غصب شد؛ فرمانروای فرمانروایان راستین - فرمودند:

كَانَ لِرَسُولِ اللَّهِ ﷺ سِرٌّ لَا يَعْلَمُهُ إِلَّا قَلِيلٌ ... وَلَوْ لَا طَغَاةُ هَذِهِ الْأُمَّةِ لَبُثَّتْ
هَذَا السِّرُّ.^۳

برای پیامبر اکرم ﷺ سَرِّ بود که جز اندکی، آن را نمی‌دانستند ... و اگر
طاغوت‌های این امت نبودند این سَرِّ را فاش و منتشر می‌کردم.

بدین ترتیب درمی‌یابیم که این اسرار را برای مردم بیان نکردند و جز برای تعداد
کمی از بزرگان و برترین اولیائشان فاش نساختند، و از آنجایی که مردم توان پذیرش
و نگه‌داری اسرار و حقایق معنوی را نداشتند، برای ایشان فاش کردن اسرار و حقایق
ممکن نبود؛ زیرا مردم در دولت حبتری قرار داشتند که آن هم تا ظهور حکومت

۱. سوره مزمل، آیه ۲۰.

۲. حبتری، کنایه از اسم اولین غاصب حق خلفای الهی است؛ رجوع کنید به بحار الأنوار: ۲۳۶/۲۵.

۳. بحار الأنوار: ۳۰۶/۹۵.



لہی حضرت قائم ارواحنا فداء ادامه می یابد.

امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه **﴿وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ﴾**^۱ می فرماید:

هي دولة حبر، فهي تسري إلى قيام القائم علیه السلام.^۲

مراد از «شب»، دولت حبر است که تا قیام قائم (صلوات الله علیه) ادامه می یابد.

به این جهت، امامان علیهم السلام بسیاری از آن حقایق را تحت عنوان دعا و مناجات بیان فرموده اند که باید آن حقایق معنوی را در میان دعاها جستجو کنید. البته اهل بیت علیهم السلام که اسرار و حقایق را در دعاها و زیارت ها به دلیل جو سیاسی در آن عصر گنجاندند، منحصر به بیان آنها نکردند؛ بلکه مسایل مهم اعتقادی و معارف عالیہ ای را در دعاها و مناجات ها و زیارت ها بیان نموده اند و این حقیقت با مراجعه به آنها، آشکار می گردد. اهل بیت علیهم السلام به بیان بسیاری از مسایلی که تأثیر اساسی در حیات بشر دارد نیز پرداخته اند و به جامعه بشری بهترین درس های زندگی را داده اند.

در «صحیفه کامله سجادیه» که امام عصر ارواحنا فداء درستی آن را تأیید کرده اند، دقت کنید تا مشاهده نمایید که امام زین العابدین علیه السلام چه حقایق بزرگی را در الفاظ کوتاه به عنوان دعا و مناجات، بیان فرموده است. همچنین در دعاها و دیگر از آن حضرت و امامان دیگر علیهم السلام این حقیقت، ظاهر و آشکار است.

اکنون به یک درس از درسهای زندگی که در ادعیه به ما آموخته اند، اشاره می کنیم: در مناجات انجیلیه امام سجاد علیه السلام از خداوند می خواهیم:

أسألك من الهمم أعلاها.^۳

پروردگارا؛ از همت ها برترین آن را از تو درخواست می کنم.

این سخن، هشدار می دهد از امام سجاد علیه السلام است برای هر کسی که دعا می کند و خدا را می خواند. یعنی دعاکننده، هر کس که می خواهد باشد - گرچه خود را جداً حقیر و پست

۱. سورة فجر، آیه ۴.

۲. بحار الأنوار: ۷۸/۲۴.

۳. بحار الأنوار: ۱۵۵/۹۴.

می‌شمارد - بایستی از خداوند بخواهد که به او برترین همت‌ها را عنایت کند تا در سایه آن، تحوّل در زندگی خود، ایجاد نماید تا وجود او در جامعه، دارای تأثیر اساسی و مهمی باشد و این حقیقتی است که با تابش نور امام علیه السلام در قلب انسان تحقق پیدا می‌کند. آنچه از اهل بیت علیهم السلام از دعاها به ما رسیده است طور سینای ولایت هستند. هر کس می‌خواهد به وادی ایمن برود، و بر فراز طور سینای هدایت بالا رود، باید کفش‌هایش را بیرون آورده، لباس‌هایش را پاک نماید و آداب دعا و مناجات را بیاموزد تا آثار عنایت و اجابت را مشاهده نماید.

آنچه بیان شد، از قرآن و روایات به دست ما رسیده است. آن‌ها را بپذیرید و فرصت را غنیمت دانسته و از رحمت الهی ناامید نباشید، که «إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ»^۱؛ «همانا جز قوم کافر از رحمت خدا ناامید نمی‌شود».

و بر این امر یقین داشته باشید تا آن نور را ببینید و آن سر را بشناسید؛ چرا که ائمه طاهرین علیهم السلام مردم را با دعاها و مناجات خود، به آن اسرار و حقایق هدایت و راهنمایی می‌کنند.

ضرورت دعا از نظر عقل و نقل

قبل از بحث درباره آداب دعا، درباره ضرورت دعا از نظر عقل و نقل سخن می‌گوییم:

(الف) «دلیل عقلی: دور کردن زیان از خویش - در صورت امکان و توان - واجب است؛ از سویی رسیدن زیان در این دنیا به هر انسانی حتمی است. زیرا هر انسانی مسایلی دارد که عقلش را مشغول ساخته و فکرش را مشوّش می‌کند و به او ضرر می‌رساند. این مسایل یا از درونش پیدا می‌شود، مثل عارضه‌ای که جسم او را دچار بیماری کند یا از خارج است همچون آزار ستمگران، و چیزهای ناپسندی که از ناحیه همسایه و یا شریک می‌رسد.

و اگر اکنون به این ضررها مبتلا نباشد عقل احتمال رویداد آنها را در آینده می‌دهد. چگونه این حقیقت را انکار نماییم و حال آن که آدمی در منزلگاه حادثه‌هاست و این

۱. سوره یوسف، آیه ۸۷.

منزلگاه هیچگاه به یک حال نیست و سختی های آن از او جدا نمی گردد. بنابراین، ضررهای دنیا یا بر انسان وارد شده اند و یا وارد خواهند شد. و در صورت توان و امکان هر دو را باید از بین برد. با دعا چنین توانی حاصل می گردد. دعا هم که در توان است، پس در هر حال باید انسان به دعا روی آورد. حضرت امیرالمؤمنین و سید الوصیین علیه السلام نیز بدین معنا خبر داده و فرموده اند:

ما من أحد ابتلي وإن عظمت بلواه بأحق بالدعاء من المعافي الذي لا يأمن من البلاء.^۱

کسی که به بلایی مبتلا باشد گرچه بلایش عظیم باشد، سزاوارتر به دعا کردن نیست از شخصی که در عافیت است؛ که او هم از بلا و گرفتاری در امان نمی باشد.

ب) **دلیل روایی:** از نظر روایات آشکار است که همه به دعا محتاج اند، خواه به بلا مبتلا شده باشند و خواه نشده باشند. فایده دعا یا برطرف کردن بلایی است که وارد شده و یا دور کردن بدی ای است که به آدمی رسیده است، یا به دست آوردن منفعت و فایده ای است که دلخواه می باشد، یا پایدار کردن و نگهداری نمودن و جلوگیری از زایل شدن و از بین رفتن خیری است که موجود می باشد.

زیرا ائمه علیهم السلام دعا را به عنوان «سلاح» توصیف نموده اند و سلاح وسیله ای است که سودبخش و برطرف کننده زیان است. همچنین، دعا را «تُرس» نامیده اند و تُرس سپری است که با آن از ناپسندی ها جلوگیری به عمل می آید.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

ألا أدلكم على سلاح ينجيكم من أعدائكم ويدّر أرزاقكم؟ قالوا: بلى يا رسول الله. قال: تدعون ربكم بالليل والنهار، فإنّ سلاح المؤمن الدعاء.^۲
می خواهید شما را به سلاحی راهنمایی کنم تا او شما را از دشمنان تان نجات دهد و روزی هایتان را بسیار نماید؟ گفتند: بلی ای رسول خدا.
فرمود: پروردگارتان را در هر روز و شب بخوانید؛ زیرا که دعا، اسلحه مؤمن است.

۱. بحار الأنوار: ۳۸۰/۹۳.

۲. الکافی: ۴۶۸/۲.

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود:

الدعاء ترس المؤمن، ومتى تكثر قرع الباب يفتح لك^۱.

دعا سپر مؤمن است، و وقتی دری را زیاد کوبیدی، سرانجام برایت باز شود.

امام صادق علیه السلام فرمود:

الدعاء أنفذ من السنان الحديد^۲.

دعا نافذتر از سرنیزه آهنین است.

امام کاظم علیه السلام فرمود:

إنَّ الدعاء يردُّ ما قدَّر وما لم يقدر، قال: قلت: وما قد قدر فقد عرفته،

فما لم يقدر؟ قال: حتى لا يكون^۳.

همانا دعا باز می گرداند آنچه را تقدیر شده و آنچه را که تقدیر نشده است.

راوی می گوید: پرسیدم: «آنچه تقدیر شده است» را می دانم، اما «آنچه تقدیر نشده است» چگونه است؟

فرمود: دعا می کند تا در آینده بلا مقدر نشود.

امام کاظم علیه السلام در روایتی دیگر می فرماید:

عليكم بالدعاء، فإنَّ الدعاء والطلب إلى الله تعالى يردُّ البلاء، وقد قدر

وقضى فلم يبق إلا إمضائه فإذا دعي الله وسئل صرفه صرفه^۴.

شما را سفارش می کنم به دعا کردن؛ همانا دعا و طلب از خداوند تعالی، بلا را دور می کند در حالی که تقدیر شده و قضای الهی بر طبق آن صورت پذیرفته؛ ولی فقط اجرای آن باقی مانده است و اگر خداوند خوانده شود و از او بازگرداندن بلا سؤال شود، خداوند آن را برمی گرداند.

و زراره رضی الله عنه از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

۱. الکافی: ۴۶۸/۲.

۲ و ۳. الکافی: ۴۶۹/۲.

۴. الکافی: ۴۷۰/۲.

ألا أدلكم على شيء لم يستثن فيه رسول الله ﷺ؟ قلت: بلى.

قال: الدعاء يرده القضاء وقد أبرم إبراهيم^١، وضم أصابعه.

آیا می‌خواهید شما را به چیزی راهنمایی کنم که رسول خدا ﷺ در آن هیچ استثنایی نکرده است؟ زراره گفت: آری.

آن حضرت - انگشتان مبارکشان را در هم کردند و - فرمودند: دعا قضا (تقدیر الهی) را باز می‌گرداند اگرچه استوار و حتمی شده باشد.

و از امام سید العابدین علیه السلام روایت شده است که فرمود:

إنّ الدعاء والبلاء ليتوافقان إلى يوم القيامة، إنّ الدعاء ليردّ البلاء وقد أبرم إبراهيم^٢.

همانا دعا و گرفتاری تا روز قیامت همراهند. دعا بلا را - حتی اگر حتمی شده باشد - دور می‌گرداند.

آن حضرت در جای دیگر می‌فرمایند:

الدعاء يرده البلاء النازل وما لم ينزل.

دعا، بلائی نازل شده و نیز بلائی را که هنوز نازل نشده است باز می‌گرداند.^٣

آداب دعا

حال که اهمیت دعا کردن و آثار شگفت‌آور آن با این گفتار روشن گردید و نیز این مطلب فهمیده شد که اگر دعاکننده آداب دعا را مراعات کند به حاجت خود می‌رسد، به بیان آداب دعا می‌پردازیم:

در کتاب «المختار من کلمات الإمام المهدي علیه السلام» نقل کرده است:

«آداب دعا را رعایت کنید و بنگرید چه کسی را می‌خوانید؟ و چگونه و برای چه دعا می‌کنید؟ و در مورد آنچه سؤال و درخواست می‌کنید تفکر و تأمل کنید که چه

١. الكافي: ٢/٤٧٠.

٢. الكافي: ٢/٤٦٩.

٣. عده الداعي: ١١.

چیزی درخواست می‌کنید، چه مقدار و برای چه آن را می‌طلبید؟

به راستی که دعا طلب اجابت تمام خواسته‌های شما برای حضرت حق، و خالص شدن روح و روان در مشاهده پروردگار است. همانا دعا، برداشتن همه اختیارات از خود و تسلیم همه امور باطنی و ظاهری به خدای قادر متعال است. حال اگر شرط دعا را بجا نیاوردید نباید منتظر اجابت آن باشید؛ همانا خداوند پنهان و آشکار را می‌داند پس شاید خدا را به چیزی می‌خوانید که خداوند از درون شما خلاف آن را می‌داند. بدانید که اگر خدا ما را به دعا امر نمی‌کرد و ما خدا را با اخلاص می‌خواندیم، خداوند با اجابت خود به ما تفضل می‌کرد، پس حالا که به دعا امر نموده و ضامن شده اجابت را برای کسی که با شرایط آن خدا را بخواند، چگونه خواهد بود؟^۱

سپس می‌گوید: «آداب دعا عبارتند از:

اول: شروع کردن با نام خداوند.

حضرت رسول ﷺ فرمود:

لا یردّ دعاء أوّله «بسم الله الرحمن الرحیم».^۲

دعایی که با «بسم الله الرحمن الرحیم» شروع شود، رد نمی‌شود.

دوم: دعا با حمد و ستایش خداوند باشد.

مولای ما حضرت امام صادق علیه السلام فرموده است:

کلّ دعاء لا یکون قبله تحمید فهو أبتّر.^۳

هر دعایی که قبل از آن حمد و ستایش خداوند نباشد، ناقص است و نتیجه ندارد.

در نامه امیرالمؤمنین علیه السلام وارد شده است:

اول ستایش و بعد درخواست کردن و طلب نمودن از خداوند. بنابراین، هنگامی

که خدای عزوجل را خواندی او را حمد و ثنا بگو و ستایش کن و تمجید نما.

۱. بحار الأنوار: ۳۲۲/۹۳.

۲. بحار الأنوار: ۳۱۳/۹۳.

۳. الکافی: ۵۰۳/۲.

راوی می‌گوید: گفتم: چگونه او را تمجید کنم؟

فرمود: می‌گویی:

يَا مَنْ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ، يَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، يَا مَنْ هُوَ
بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَى، يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ.

ای کسی که از رگ گردن به من نزدیک‌تری؛ ای کسی که میان انسان و قلبش حایل می‌شوی؛
ای کسی که در چشم‌انداز بلندی هستی؛ ای کسی که هیچ چیزی مانند تو نیست.^۱

سوم: صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد عليهم السلام.

پیامبر اکرم صلوات الله عليه می‌فرماید:

صَلَاتُكُمْ عَلَيَّ إِجَابَةٌ لِدَعَائِكُمْ، وَزَكَاةٌ لِأَعْمَالِكُمْ.^۲

صلوات فرستادن شما بر من، هم باعث اجابت دعاهاى تان است و هم سبب پاکی
اعمال تان می‌گردد.

مولای ما امام صادق عليه السلام فرمود:

لَا يَزَالُ الدُّعَاءُ مُحْجُوبًا حَتَّى يَصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلُ مُحَمَّدٍ.^۳

دعا پیوسته در حجاب است تا اینکه بر محمد و آل محمد عليهم السلام صلوات فرستاده شود.

و نیز فرموده‌اند:

مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ حَاجَةٌ فَلْيَبْدَأْ بِالصَّلَاةِ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلِهِ، ثُمَّ
يَسْأَلُهُ حَاجَتَهُ، ثُمَّ يَخْتَمُ بِالصَّلَاةِ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلِ مُحَمَّدٍ، فَإِنَّ اللَّهَ أَكْرَمُ مَنْ
أَنْ يَقْبَلَ الطَّرْفَيْنِ وَيَدْعَ الْوَسْطَ، إِذَا كَانَتْ الصَّلَاةُ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَآلِ مُحَمَّدٍ
لَا تَحْجُبُ عَنْهُ.^۴

هر کسی که حاجتی از خداوند بخواهد، باید با صلوات بر محمد و آل محمد عليهم السلام
آغاز کند، سپس حاجتش را بخواهد و آن را با صلوات بر محمد و آل محمد عليهم السلام به
پایان برساند؛ زیرا خداوند بزرگوارتر از آنست که ابتدا و انتهای دعا را قبول کند؛

۲. بحار الأنوار: ۵۴/۹۴.

۱. بحار الأنوار: ۳۱۵/۹۳.

۴. بحار الأنوار: ۳۱۶/۹۳.

۳. بحار الأنوار: ۳۱۲/۹۳ و ۳۱۶.

ولی وسط آن رارها کند و قبول ننماید، زمانی که بر محمد و آل محمد علیهم السلام صلوات فرستاده شود از او محجوب نمی شود.

چهارم: طلب شفاعت کردن است. مولای ما امام کاظم علیه السلام فرمود:

زمانی که حاجتی از خدا داشتی بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ، فَإِنَّ لَهُمَا عِنْدَكَ شَأْنًا مِنَ الشَّأْنِ،
وَقَدْرًا مِنَ الْقَدْرِ، فَبِحَقِّ ذَلِكَ الشَّأْنِ وَبِحَقِّ ذَلِكَ الْقَدْرِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ
مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا....

خدایا؛ من از تو درخواست می کنم به حق محمد و علی، زیرا که آن دو بزرگوار در پیشگاه تو شأن و منزلتی و قدر و ارزشی دارند. پس به آن شأن و مقامی که نزد تو دارند بر ایشان صلوات بفرست و این خواسته را برای من انجام بده.

به درستی هنگامی که روز قیامت فرا رسد هیچ فرشته مقربتی و هیچ پیامبر مرسلتی و هیچ مؤمن آزموده شده ای باقی نمی ماند مگر اینکه در آن روز محتاج به شفاعت این دو بزرگوار باشند.^۱

و برای این که حاجت ها برآورده شود و به خواسته خود برسیم، به ناچار باید به پیشگاه خداوند عز و جل و سیله ای را تقدیم کنیم. به تحقیق که خداوند ما را به این امر دستور داده و فرموده است: «وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ»^۲؛ «به سوی او وسیله ای بجویید»، و هیچ وسیله ای مقرب تر و ارزشمندتر از محمد و آل محمد صلی الله علیهم وسلم نیست و آن، شفاعت است.

در زیارت جامعه کبیره آمده است:

اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجَدْتُ شُفْعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ،
الْأَيِّمَةِ الْأَبْرَارِ لَجَعَلْتُهُمْ شُفْعَائِي....

خدایا؛ هر آینه اگر من شفیعی مقرب تر و آبرومندتر از محمد و اهل بیت نیکو کردار و بزرگوارش که پیشوایان خیر خواهند نزد تو پیدا می کردم آنها را شفیع خود قرار می دادم....

۱. بحار الأنوار: ۲۲/۹۴.

۲. سوره مائده، آیه ۳۵.

از سویی نص صریح روایات دلالت می کند که «وسیله»، همان ائمه علیهم السلام هستند و این منافاتی ندارد با این که ما «وسیله» را به نردبان و یا غیر آن تفسیر کنیم. (چون منظور از نردبان در اینجا وسیله ترقی و پیشرفت است).
در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است:

هم العروة الوثقی والوسیلة إلى الله.^۱

آنان - یعنی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام - دست آویز محکم و قابل اطمینان و وسیله هستند به سوی پروردگار.
سپس این آیه را قرائت فرمودند:

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ ﴾^۲.

ای ایمان آورندگان؛ تقوای الهی پیشه کنید و به سوی او وسیله ای جستجو کنید.
شاید دو صفت ایمان و تقوا شرط لازم برای به دست آوردن وسیله به سوی خداوند متعال باشد، همان طور که وسیله بدون این دو سودی ندارد.
بنابراین، هنگامی که این دو صفت جمع شدند، وسیله سود می بخشد؛ چون ولایت وجود نخواهد داشت مگر با ایمان و تقوا.

پنجم: اعتراف به گناهان است.

در روایتی که از مولای ما امام صادق علیه السلام نقل شده، می فرماید:

إنما هي المدحة، ثم الإقرار بالذنب ثم المسألة؛ والله ما خرج عبد من ذنب إلا بالإقرار.^۳

به درستی که دعا عبارت است از ثنای خدا و بعد اقرار به گناه و بعد از آن سؤال و درخواست. به خدا قسم هیچ بنده ای از گناه خارج نمی شود مگر با اقرار به گناهش (نزد خدای متعال).

۱. تفسیر صافی: ۴۴۱/۱.

۲. سوره مائده، آیه ۳۵.

۳. بحار الأنوار: ۳۱۸/۹۳.

ششم: این که دعا از روی غفلت و بیهودگی نباشد، بلکه با روی آوردن دل و توجه باشد. همان طور که امام صادق علیه السلام فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَجِيبُ دَعَاءَ بَظْهَرِ قَلْبِ سَاهٍ، فَإِذَا دَعَوْتَ فَأَقْبِلْ بِقَلْبِكَ، ثُمَّ اسْتَيْقِنِ الْإِجَابَةَ.^۱

خداوند دعای شخص غافل را اجابت نمی‌کند. بنابراین، زمانی که دعا کردی، با توجه و حضور قلب دعا کن، سپس به اجابت آن یقین داشته باش.

چون غافل، در حقیقت دعاکننده نیست و دعا واقع نمی‌شود مگر با توجه قلب به سوی کسی که خوانده می‌شود.

هفتم: پاک بودن غذا و نوشیدنی و لباس.

چون دعای صالح از عمل صالح و درست است، و چگونه صلاح و درستی با حرام و ناپاکی جمع خواهد شد؟ این سخن خداوند تبارک و تعالی: «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحاً»^۲؛ «ای فرستادگان الهی؛ از پاکیزه‌ها بخورید و عمل صالح و شایسته انجام دهید»، دلالت می‌کند بر ارتباط تنگاتنگ بین عمل صالح و خوراک حلال و پاک.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید:

مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَسْتَجَابَ دَعَاؤُهُ فَلْيَطِيبْ مَطْعَمَهُ وَمَكْسَبَهُ.^۳

کسی که دوست دارد دعایش اجابت شود باید خوراک و کسب و کارش حلال باشد.

در حدیث دیگری آمده است:

طَهَّرْ مَا كَلَّكَ، وَلَا تَدْخُلْ فِي بَطْنِكَ الْحَرَامَ.^۴

طعام و خوراکی را پاک کن، و در شکم خود حرام را داخل نکن.

۱. بحار الأنوار: ۳۲۳/۹۳.

۲. سوره مؤمنون، آیه ۵۱.

۳. بحار الأنوار: ۳۷۲/۹۳.

۴. بحار الأنوار: ۳۷۳/۹۳.

در حدیث دیگری آمده است:

أطب كسبك تستجاب دعوتك؛ فإنَّ الرجل يرفع اللقمة إلى فيه حراماً فما
تستجاب له أربعين يوماً.^۱

کسب و کار و درآمد خود را پاک کن تا دعایت اجابت شود؛ همانا شخصی که لقمه
حرامی را در دهانش می برد تا چهل روز دعایش به اجابت نمی رسد.

در حدیث قدسی آمده است:

فمنك الدعاء وعليّ الإجابة، فلا تحجب عني دعوة إلا دعوة أكل الحرام.^۲

از تو دعا کردن و از من اجابت آن؛ هیچ دعایی از من محجوب نمی شود مگر دعای
کسی که حرام می خورد.

مولای ما امام صادق علیه السلام می فرماید:

من سرّه أن يستجاب دعاؤه فليطيب كسبه.^۳

کسی که دوست دارد دعایش به اجابت رسد، باید کسب و کار و درآمد خود را پاک
کند.

در روایت دیگری می فرماید:

إذا أراد أحدكم أن يستجاب له فليطيب كسبه، وليخرج من مظالم الناس،
وإنَّ الله لا يرفع دعاء عبد وفي بطنه حرام، أو عنده مظلمة لأحد من
خلقه.^۴

زمانی که یکی از شما بخواهد دعایش اجابت شود باید کسب و کارش را پاک کند و
حق مردم در گردنش نباشد؛ چون خداوند دعای بنده ای را که در شکمش غذای
حرام باشد، و حق احدی از مردم بر گردن او باشد، بالا نمی برد.

هشتم: پرداخت حق مردم که بر گردن دعاکننده باشد.

۱. بحار الأنوار: ۳۵۸/۹۳.

۲ و ۳. بحار الأنوار: ۳۷۳/۹۳.

۴. بحار الأنوار: ۳۲۱/۹۳.

مولای ما امام صادق علیه السلام فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَا أُجِيبُ دَعْوَةَ مَظْلُومٍ دَعَانِي فِي مَظْلَمَةٍ ظَلَمَهَا، وَلَا أَحَدٍ عِنْدَهُ مِثْلُ تِلْكَ الْمَظْلَمَةِ.^۱

به راستی خداوند متعال می فرماید: به عزت و جلالم سوگند، دعای مظلومی را که به او ظلم شده و مراد در مورد آن می خواند در حالی که خودش همان ظلم را در حق دیگری کرده است، هرگز اجابت نمی کنم.

و مولای ما امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ أَوْحَى إِلَى عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ: قُلْ لِلْمَلَائِكَةِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ: ... إِنِّي غَيْرُ مُسْتَجِيبٍ لِأَحَدٍ مِنْكُمْ دَعْوَةَ وَلَا أَحَدٍ مِنْ خَلْقِي قَبْلَهُ مَظْلَمَةٌ.^۲

خداوند به عیسی بن مریم وحی فرستاد: به همه بنی اسرائیل بگو: ... من دعای یکی از شما را در حالی که برای یکی از بندگانم در گردن او حقی باشد، اجابت نمی کنم.

نهم: ترک گناهی که مانع از برآوردن حاجت می شود.

امام باقر علیه السلام می فرماید:

إِنَّ الْعَبْدَ يَسْأَلُ الْحَاجَةَ فَيَكُونُ مِنْ شَأْنِهِ قِضَاؤُهَا إِلَى أَجَلٍ قَرِيبٍ، أَوْ إِلَى وَقْتٍ بَطِيءٍ فَيُذْنِبُ الْعَبْدُ ذَنْبًا، فَيَقُولُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِلْمَلِكِ: لَا تَقْضِ حَاجَتَهُ وَأَحْرَمَهُ إِثْمًا، فَإِنَّهُ تَعَرَّضَ لِسَخْطِي وَاسْتَوْجِبَ الْحَرَمَانَ مِنِّي.^۳

همانا بنده ای حاجتی را از خدا طلب می کند و امکان دارد حاجتش زود برآورده شود یا به تأخیر بیفتد؛ در این هنگام، بنده گناهی انجام می دهد که خداوند تبارک و تعالی به ملک دستور می دهد: حاجتش را برآورده مکن و او را از آن محروم گردان چون او خود را در معرض غضب من قرار داده و موجب محرومیت از من شده است.

دهم: خوش گمان بودن به اجابت دعا.

مقصود از آن، طلب یقین است به این که خداوند خلف وعده نمی کند؛ زیرا در

۱. بحار الأنوار: ۳۲۰/۹۳.

۲. بحار الأنوار: ۳۷۳/۹۳.

۳. بحار الأنوار: ۳۲۸/۷۳.

کلام خود به دعا امر کرده و مستجاب شدن آن را تضمین نموده است: ﴿أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾^۱؛ «مرا بخوانید، تا اجابت کنم شما را»، و خداوند خلف وعده نمی‌کند؛ همان گونه که در قرآن به آن تصریح کرده است:

﴿وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ﴾^۲.

این وعده خداوند است؛ خداوند خلاف وعده‌اش رفتار نمی‌کند؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

خداوند چگونه خلف وعده کند در حالی که بی‌نیاز، توانا، بسیار رحم‌کننده، مهربان و بزرگوار است؟ در حدیث آمده است:

فَإِذَا دَعَوْتَ فَأَقْبِلْ بِقَلْبِكَ ثُمَّ اسْتَيْقِنِ الْإِجَابَةَ^۳.

زمانی که دعا می‌کنی، با تمام وجود خدا را بخوان، سپس یقین به اجابت داشته باش.

یازدهم: اصرار و پافشاری در دعا.

علامه مجلسی^۴ این مورد را از آداب دعا شمرده و فرموده است: در وحی قدیم چنین آمده است:

لَا تَمَلَّ مِنَ الدَّعَاءِ، فَإِنِّي لَا أَمَلُّ مِنَ الْإِجَابَةِ^۵.

از دعا کردن خسته مشو؛ زیرا من از اجابت خسته نمی‌شوم.

عبدالعزیز طویل از امام صادق^۶ روایت کرده است:

إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا دَعَا لَمْ يَزَلْ اللَّهُ فِي حَاجَتِهِ مَا لَمْ يَسْتَعْجَلْ^۶.

همانا بنده وقتی دعا می‌کند، خداوند پیوسته در برآوردن حاجتش می‌باشد مادامی که شتابزدگی نکند.

۱. سوره غافر، آیه ۶۰.

۲. سوره روم، آیه ۶.

۳. بحار الأنوار: ۳۲۳/۹۳.

۴. المختار من كلمات الإمام المهدي: ۲۳۸/۱.

۵. بحار الأنوار: ۳۷۳/۹۳.

۶. الكافي: ۴۷۴/۲.

حضرت در جواب فرمودند :

يا أحمد؛ إِيَّاكَ وَالشَّيْطَانَ أَنْ يَكُونَ لَكَ سَبِيلٌ، حَتَّى يَقْنَطَكَ، إِنَّ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام كَانَ يَقُولُ: إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَيَسْأَلُ اللَّهَ حَاجَةً فَيُؤَخَّرُ عَنْهُ تَعْجِيلَ إِجَابَتِهِ حَبًّا لَصَوْتِهِ وَاسْتِمَاعَ نَحِيْبِهِ.

ثمَّ قَالَ: وَاللَّهِ مَا أَخَّرَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ مَا يَطْلُبُونَ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا خَيْرَ لَهُمْ مِمَّا عَجَّلَ لَهُمْ فِيهَا، وَأَيُّ شَيْءٍ الدُّنْيَا.^۱

ای احمد؛ بپرهیز از این که شیطان به تو راه یابد و تو را ناامید کند، همانا امام باقر علیه السلام می فرمود:

مؤمن از خداوند حاجتی را می طلبد ولی خداوند اجابت آن را به تأخیر می اندازد به این دلیل که صدای بنده اش را دوست دارد و می خواهد ناله او را بشنود.

سپس فرمود: به خدا قسم، خداوند آنچه را که مؤمنان در این دنیا می طلبند به تأخیر نمی اندازد مگر این که این تأخیر برای ایشان بهتر است از آنچه برای ایشان تعجیل فرموده است، مگر دنیا چه ارزشی دارد؟!

از امام صادق علیه السلام روایت شده است:

إِنَّ الْعَبْدَ الْوَلِيَّ لَيَدْعُو اللَّهَ فِي الْأَمْرِ يَنْوِبُهُ، فَيَقَالُ لِلْمَلِكِ الْمَوْكَلِ بِهِ: إِقْضِ لِعَبْدِي حَاجَتَهُ وَلَا تَعْجَلْهَا، فَإِنِّي أَشْتَهِي أَنْ أَسْمَعَ نِدَاءَهُ وَصَوْتَهُ. وَإِنَّ الْعَبْدَ الْعَدُوَّ لَيَدْعُو اللَّهَ فِي الْأَمْرِ يَنْوِبُهُ، فَيَقَالُ لِلْمَلِكِ الْمَوْكَلِ بِهِ: إِقْضِ لِعَبْدِي حَاجَتَهُ وَعَجِّلْهَا، فَإِنِّي أَكْرَهُ أَنْ أَسْمَعَ نِدَاءَهُ وَصَوْتَهُ.

قال: فيقول الناس: ما أعطي هذا إلا لكرامته، وما منع هذا إلا لهوانه.^۲

همانا بنده ای که دوست خداست در امری خدا را می خواند و به درگاه او ناله و زاری می کند، پس به فرشته ای که مأمور اوست گفته می شود: حاجت بنده ام را برآورده کن ولی شتاب نکن؛ چون دوست دارم ندا و صدای او را بشنوم.

و بنده ای که دشمن خداست خداوند را در امری می خواند و ناله می کند، پس به فرشته ای که مأمور آن است گفته می شود: حاجتش را برآورده کن و تعجیل نما،

چون من کراحت دارم صدا و ناله او را بشنوم .

حضرت فرمود: ولی مردم چنین گویند که حاجت دسته دوم داده نشده مگر به این دلیل که کرامتی نزد خداوند دارند و حاجت دسته اول به تأخیر نیفتاده مگر به خاطر پستی آنها در درگاه خداوند .

از آن امام علیه السلام روایت شده است :

لا يزال المؤمن بخير ورخاء ورحمة من الله ما لم يستعجل فيقنط فيترك الدعاء، قلت له: كيف يستعجل؟

قال: يقول: قد دعوت منذ كذا وكذا، ولا أرى الإجابة.^۱

مؤمن مادامی که شتابزدگی نکند پیوسته در خوبی، راحتی و رحمت الهی است تا آن که عجله می کند و ناامید می شود و دعا را ترک می کند .

به امام علیه السلام گفتم: چگونه عجله می کند؟

فرمود: می گوید: از فلان وقت، مدتی طولانی است که خدا را می خوانم ولی اجابت آن را نمی بینم .

و نیز آن حضرت فرمودند :

إن المؤمن ليدعو الله في حاجته فيقول عز وجل: أخروا إجابته، شوقاً إلى صوته ودعائه. فإذا كان يوم القيامة قال الله: عبدي دعوتني وأخرت إجابتك وثوابك كذا وكذا، ودعوتني في كذا وكذا فأخرت إجابتك وثوابك كذا.

قال: فيتمنى المؤمن أنه لم يستجب له دعوة في الدنيا مما يرى من حسن الثواب.^۲

همانا مؤمن خدا را در مورد حاجتش می خواند، ولی خداوند عزوجل (به ملائکه) می فرماید: اجابتش را به تأخیر بیندازید به خاطر شوق و علاقه در شنیدن صدا و دعایش. تا آن که روز قیامت فرامی رسد؛ خداوند می فرماید: بنده من؛ مرا خواندی ولی اجابت دعایت را به تأخیر انداختم و حالا در مقابل آن، ثواب تو نیز

چنین و چنان است. در فلان مورد نیز دعا کردی ولی من پاسخت را به تأخیر انداختم؛ حالا ثواب تو چنان است.

حضرت فرمود: در آن هنگام که جزا و پاداش نیکوی الهی را مشاهده کرد، مؤمن آرزو می‌کند ای کاش هیچ دعایی از او در دنیا مستجاب نمی‌شد.

امام صادق علیه السلام فرمودند: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است:

رحم الله عبداً طلب من الله حاجة فألح في الدعاء، أستجيب له أو لم يستجب له، وتلا هذه الآية:

﴿وَأَدْعُو رَبِّي عَسَىٰ أَنْ لَا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا﴾^۱.

خداوند رحمت کند بنده‌ای را که از خداوند حاجتی را بخواهد و در دعا اصرار کند؛ چه دعایش اجابت شود و یا نشود. و این آیه را تلاوت فرمودند: «و پروردگارم را می‌خوانم؛ بدان امید که به خاطر خواندن خدای خود، شقی نباشم».

در تورات آمده است:

یا موسی؛ من أحببتي لم ينسني، ومن رجا معروفی ألح في مسألتي.
یا موسی؛ إني لست بغافل عن خلقي ولكن أحب أن تسمع ملائكتي
ضجيج الدعاء من عبادي، وترى حفظتي تقرب بني آدم إلي بما أنا
مقويهم عليه ومسببه لهم.

یا موسی؛ قل لبني إسرائيل: لا تبطرنكم النعمة فيعاجلكم السلب،
ولا تغفلوا عن الشكر فيقارعكم الذل، وألحوا في الدعاء تشملكم الرحمة
بالإجابة، وتهنئكم العافية.^۳

ای موسی؛ آن که مرا دوست دارد فراموش نمی‌کند. و کسی که امید خیر از من دارد در درخواست کردن از من اصرار می‌ورزد.

ای موسی؛ من از آفریدگان خودم غافل نیستم، اما دوست دارم فرشتگانم ضجه و فریاد دعای بندگانم را بشنوند و نگهبانان من ببینند که انسان‌ها و فرزندان آدم

۱. سوره مریم، آیه ۴۸.

۲ و ۳. بحار الأنوار: ۳۷۵/۹۳.

چگونه با این ناله‌ها که خودم آنان را به آن نیرو بخشیدم و سبب دعای آنان شدم، به من نزدیک می‌شوند.

ای موسی؛ به بنی اسرائیل بگو: نعمت شما را دچار گردنکشی و غرور نکند؛ زیرا در این صورت به سرعت از شما گرفته می‌شود. از شکر غافل نشوید تا ذلت شما را درهم نکوبد. در دعا اصرار کنید تا رحمت الهی به سبب اجابت دعا شامل حالتان شود و عافیت گوارای شما گردد.

امام باقر علیه السلام فرمود:

لا يُلحَّ عبد مؤمن على الله في حاجته إلا قضاها له.^۱

بنده من در حاجتش بر خداوند اصرار نمی‌کند مگر این که آن را برای او برآورده می‌کند.

از منصور صیقل روایت شده است:

قلت لأبي عبد الله عليه السلام: ربّما دعا الرجل فاستجيب له ثمّ أُخّر ذلك إلى

حين؟ قال: فقال: نعم، قلت: ولمّ ذلك ليزداد من الدعاء؟ قال: نعم.^۲

به امام صادق علیه السلام عرض کردم: ممکن است کسی دعا کند و دعایش مستجاب گردد سپس تا مدتی به تأخیر بیفتد؟

حضرت فرمود: بلی.

عرض کردم: چرا چنین می‌شود؟ آیا برای این است که بیشتر دعا کند؟

حضرت فرمود: بلی.

آن چه نقل کردیم امور مهمّ در آداب دعا بود و اکنون بعضی از امور را با تأکید

بیشتر بیان می‌کنیم:

اهمیت مداومت بر دعا

مداومت بر دعا و اصرار ورزیدن در ادامه آن دارای نقش بسیار مهمی در رسیدن به مقصود و بدست آوردن حاجت می باشد. و این نکته بسیار مهمی است که همه کسانی که با دعا سر و کار دارند، باید به آن توجه داشته باشند؛ زیرا بیشتر افراد قدرت و توانائی آن را ندارند که با خواندن یک دعا و یا یک زیارت، و یا گفتن یک ذکر، حاجت خود را بگیرند و به مقصودشان نایل شوند.

به عنوان مثال: در بسیاری از امراض جسمانی اگر مرض سطحی باشد، یا تازه شروع شده و کهنه و مزمن نشده باشد می توان آن را با یک نسخه مداوا و معالجه نمود؛ ولی اگر مدت بیماری طولانی و مرض کهنه گردیده باشد، بدیهی است که محتاج به تکرار معالجه و ادامه مصرف دارو است.

در امراض روحی نیز جریان از همین قرار است، اگر شخصی گرفتاری روحی شدیدی داشته باشد و یا در اصل شدید نبوده، ولی بر اثر گذشت زمان و طولانی شدن آن، در روح جایگزین و به آن معتاد شده، در این صورت بدیهی است که مشکل این گونه گرفتاری ها را با خواندن یک بار دعا نمی توان برطرف نمود، بلکه نیاز به تکرار دعا دارد؛ همان گونه که در بسیاری از امراض جسمانی انسان محتاج تکرار و تداوم استفاده از دارو است.

بنابراین، همان گونه که در امراض جسمی مداوا را ادامه می دهیم تا دارو کاملاً اثر خود را ببخشد، در مواردی که نیاز به دعا می باشد نیز باید خواندن دعا را همچنان ادامه دهیم تا اثر آن ظاهر شود.

البته ممکن است افرادی با خواندن یک دعا، یا ذکر یک اسم از اسماء الله، به نتیجه برسند ولی این گونه افراد در مجتمع بشری نادر الوجود و کمیاب اند و عموم افراد نباید توقع داشته باشند که مانند آنان با خواندن یک بار دعا، نتیجه ای که آن ها می گیرند، بگیرند.

این یکی از جهاتی است که در روایات درباره الحاح و اصرار در دعا تأکید شده است.

نقش یقین در مستجاب شدن دعا

دو چیز در اجابت دعا، دارای تأثیر فراوان و اساسی است:

۱- رفع موانع قلبی و حجاب‌های ظلمانی و زدودن تیرگی‌های درونی از قلب.

۲- ایجاد مقتضی و به وجود آوردن صفا و نورانیت باطنی.

انسان برای آنکه تیر دعایش به هدف بخورد، به این دو چیز احتیاج دارد و باید این دو را ایجاد نماید تا نوبت به اضطرار نرسد.

بنابراین: ۱- هم باید پرده‌های تیرگی را از قلب کنار بزند. ۲- و هم انوار الهی را جایگزین آن نماید. و یقین، این کار را انجام می‌دهد. هم ظلمت‌ها، تاریکی‌ها و شک را از قلب می‌زداید و هم صفا و نورانیت را در قلب انسان ایجاد می‌نماید.

همه کسانی که در معارف و اعتقادات صحیح به یقین رسیده‌اند، دارای قلبی با صفا و نورانی بوده و هستند؛ زیرا لازمه وجودی یقین، روشنایی و نور در قلب است، و نوری مانند نور یقین وجود ندارد.

حضرت امام باقر علیه السلام می‌فرمایند:

لا نور کنور الیقین.^۱

هیچ نوری مانند نور یقین نیست.

بدیهی است وقتی یقین در قلب آدمی جای گرفت و قلب نورانی گردید، تیرگی‌ها و تاریکی‌ها از میان می‌روند؛ زیرا نور و ظلمت در یک جا جمع نمی‌شوند.

پس با به دست آوردن یقین می‌توان هم تیرگی‌ها را که مانع اجابت دعا می‌باشند، برطرف نمود و هم صفا و نورانیت را که مقتضی اجابت دعا است، فراهم نمود.

اکنون برای آن که از نقش یقین در اجابت دعا بیشتر آگاه شوید، به جریان مهمی که در جلد اول کتاب «اسرار موفقیت» نقل کرده‌ایم، توجه کنید:

مرحوم آیه الله العظمی خوئی در رابطه با اثرات «بسم الله الرحمن الرحیم» - در

صورتی که با یقین گفته شود - جریان بسیار جالبی را از شیخ احمد، خادم استاد الفقهاء مرحوم میرزای بزرگ شیرازی نقل کرده‌اند که وی گفته است:

مرحوم میرزا، خادم دیگری داشتند به نام شیخ محمد که پس از فوت مرحوم میرزا، از همنشینی با مردم کناره گرفت.

روزی شخصی نزد شیخ محمد رفت، دید هنگام غروب آفتاب چراغ خود را از آب پر نمود و روشن کرد؛ آن شخص بسیار تعجب کرد و علت آن را از او پرسید.

شیخ محمد در جواب گفت: پس از فوت مرحوم میرزا از غم و اندوه جدایی از آن بزرگوار، معاشرت با مردم را قطع نمودم و خانه نشین گردیدم و دلم بسیار گرفته و حزن و اندوه شدید وجودم را فرا گرفته بود.

در ساعت‌های آخر یکی از روزها، جوانی به صورت یکی از طلاب عرب بر من وارد شد و با من انس گرفت و تا غروب نزد من ماند. از بیانات او به قدری لذت بردم که تمام غم و اندوه از دلم برطرف شد. او چند روزی نزد آمد تا من به او مأنوس شدم. در یکی از روزها که با من صحبت می‌کرد، به خاطر آمد که امشب چراغ نفت ندارد. چون در آن وقت رسم چنین بود که مغازه‌ها را هنگام غروب می‌بستند و شب همه مغازه‌ها بسته بود.

از این جهت در فکر بودم که اگر برای خرید نفت از منزل خارج شوم، از فیض سخنان ایشان محروم می‌شوم، و اگر نفت خریداری نکنم، شب را باید در تاریکی بسر برم. چون مرا متحیر یافت، متوجه من شده و فرمود: تو را چه شده است که به سخنان من خوب گوش نمی‌دهی؟

گفتم: متوجه گفتار شما هستم.

فرمود: هرگز، درست به آنچه می‌گویم دل نمی‌دهی!

گفتم: حقیقت این است که امشب چراغ نفت ندارد.

فرمود: بسیار جای تعجب است که این همه ما برایت حدیث خواندیم و از فضیلت «بسم الله الرحمن الرحيم» سخن گفتیم و تو این قدر بهره‌مند نشدی که از خرید نفت بی‌نیاز شوی!؟

گفتم: یادم نیست حدیثی در این باره فرموده باشید!

فرمود: فراموش کرده‌ای که گفتم از خواص و فواید «بسم الله الرحمن الرحيم» این است که چون آن را به قصدی بگویی، آن مقصود حاصل می‌شود؟ تو چراغ خود را از آب پر کن، و به این قصد که آب دارای خاصیت نفت باشد، بگو: «بسم الله الرحمن الرحيم».

من قبول کردم، برخاستم چراغ خود را از آب پر نمودم و در آن هنگام به همان نیت گفتم: «بسم الله الرحمن الرحيم»، چون آن را روشن کردم، افرخته شد و شعله کشید. از آن زمان هر گاه چراغ خالی می‌شود، آن را از آب پر می‌کنم و «بسم الله الرحمن الرحيم» می‌گویم و روشن می‌کنم.

مرحوم آیه الله خوئی پس از نقل این جریان فرمودند: تعجب این است که پس از نشر این قضیه و پخش شدن آن بین مردم، آنچه شیخ محمد عمل می‌کرد از اثر نیفتاد. همان گونه که ملاحظه کردید، گفتن یک مرتبه «بسم الله الرحمن الرحيم» از روی یقین، دارای اثر شگفت و خارق العاده بوده است.

آنان که دارای اسم اعظم‌اند - و خیلی تعداد آن‌ها کم است - نیز، از همان اسم‌هایی که میان همه مردم متداول است استفاده می‌کنند؛ ولی آنچه که عمل آنان را از دیگران ممتاز می‌سازد، یقین آنان است؛ زیرا یقین آنان در تأثیر نامی که تلفظ می‌کنند، نقش اساسی دارد.

یقین و آثار شگفت‌انگیز آن

چون یقین یکی از مسایل اساسی و دارای آثار بسیار مهمی می‌باشد، بحث درباره آن را ادامه داده و در این ارتباط مقدمه کوتاهی را بیان می‌کنیم:

بسیاری از کسانی که در راه سیر و سلوک و پیمودن راه معنویت تلاش می‌کنند، در جستجوی آنند که موانع راه خود را بشناسند و بدانند چه عواملی در آنان وجود دارد که آنان را متوقف ساخته و مانع از ترقی و پیشرفت معنوی ایشان می‌شود، بلکه گاهی حالت تنزل و عقب‌گرد روحی پیش می‌آورد.

آن عوامل که سبب توقف و تنزل می‌شوند چه چیزهایی هستند؟ و چگونه می‌توان آن‌ها را شناسایی نمود؟ و از همه مهم‌تر چگونه می‌توان آن‌ها را برطرف نموده و نابود ساخت؟!

اینها سئوالات مهمی است که برای بسیاری از کسانی که در جستجوی امور معنوی می‌باشند پیش می‌آید و نمی‌دانند چگونه باید مشکل خود را حل کنند؟ و چگونه به پاسخ سئوالات خود دست یابند؟

به دنبال این سئوالات، سؤال اساسی‌تر دیگری به وجود می‌آید - که با به دست آوردن پاسخ آن، مشکلات قبلی آسان می‌شود - و آن این است که آیا برای سیر و سلوک و گام نهادن در عالم معنی و پیمودن راه معنویت، شناخت موانع لازم است؟ آیا حتماً باید عواملی را که مانع پیشرفت انسان و سبب رکود و توقف و گاه تنزل انسان می‌باشند، شناسایی نموده، سپس برای برطرف ساختن آن‌ها تلاش نمود؟ یا راهی وجود دارد که با پیمودن آن، همه موانع خود بخود ریشه کن می‌شود گرچه آن‌ها را شناسایی نکرده باشد؟ آیا پادزهری وجود دارد که اثر همه زهرها را - از هر نوعی که باشند - نابود سازد؟

اگر چنین چیزی وجود داشته باشد که چاره همه دردها بوده و اثر هر گونه زهر را از بین ببرد حتماً باید در راه تحصیل و بدست آوردن آن تلاش نمود و بعد از آن نیازی به شناختن نوع زهری که انسان را گرفتار ساخته، نمی‌باشد.

بعضی از بزرگان معتقدند راه‌هایی وجود دارد که با شناختن آن‌ها می‌توان راه صد ساله را یک شبه پیمود؛ و عواملی وجود دارد که با آن می‌توان موانع را از سر راه برداشت - گرچه آن‌ها را شناسایی نکرده باشد - و به سر منزل مقصود رسید.

مرحوم محدث نوری، «یقین» را یکی از آن عوامل می‌داند و معتقد است تأثیر یقین آن چنان زیاد است که می‌تواند بدون شناخته شدن جزئیات موانع، آثار آن‌ها را ریشه کن نموده و وسیله پیشرفت را در انسان ایجاد کند.

ایشان می‌فرماید: کسی که می‌خواهد قلب خود را از صفات زشت پاک نماید و به خصلت‌های پسندیده زینت بخشد، بدون آن که خود را در شناخت جزئیات بیماری‌های

قلبی و علاج آن و شناخت اضداد و نتایج آن به زحمت افکند، باید برای تحصیل نور یقین اقدام نماید.

یقینی که وقتی در قلب جای گیرد به طور خودکار آن را از همه آلودگی‌ها و پلیدی‌ها پاک نماید و نور همه صفات پسندیده را به آن بتاباند. بدون یقین، برطرف ساختن مرض قلبی سودی ندارد و تحصیل خصلت پسندیده ممکن نیست. به همین جهت است که می‌بینیم در اخبار فراوان همه خصلت‌های پسندیده را از ثمرات یقین قرار داده‌اند.^۱

مرحوم محدث نوری بعد از این کلامش فرموده است: دست کشیدن به خار مگیلان آسان‌تر از رسیدن به یقین است؛ ولی کسی که دارای آن شود آن چنان قلبش نورانی می‌شود که موانع را از بین می‌برد و یا حداقل آن را بی‌اثر می‌سازد. ما در اینجا به این مقدار اکتفا می‌کنیم؛ کسانی که خواهان مطالب بیشتری درباره یقین و راه‌های به دست آوردن آن می‌باشند به کتاب «اسرار موفقیت ج ۱» بخش «یقین» مراجعه نمایند.

دعا برای ظهور امام عصر ارواحنا فداه لازم و ضروری است

پس از بیان آداب دعا می‌گوییم: لازم‌ترین دعا در زمان غیبت، دعا برای ظهور مولایمان حضرت بقیة الله ارواحنا فداه است، زیرا او صاحب ما، و صاحب عصر و زمان؛ بلکه صاحب امر و سرپرست تمام جهان‌ها است.

آخر چگونه نسبت به آن حضرت - که پیشوا و امام ماست - غفلت و بی‌توجهی کنیم؟! در حالی که این غفلت، در حقیقت بی‌توجهی به یکی از اصول و پایه‌های دین است. بدین سان، دعا برای آن حضرت باید پیش از دعا برای خویشتن، خانواده و برادران صورت گیرد.

جناب سید بن طاووس رحمته الله علیه در «جمال الأسبوع» می‌فرماید: پیش‌تر بیان شد که



بزرگان و رهبران دینی ما، توجه و اهمیت خاصی نسبت به دعا برای حضرت مهدی ارواحنا فداه در هر شب و روز داشته‌اند و این در زمان‌های گذشته مرسوم بوده است. از این مطلب بر می‌آید که دعا برای آن بزرگوار، از مسایل و شیوه‌های مورد اهتمام مسلمانان و مؤمنان بوده است، چنان که در تعقیب نماز ظهر روایت کردیم که امام صادق علیه السلام، بیشتر و بهتر از آنچه در مورد خویش دعا کنند، در مورد حضرت مهدی ارواحنا فداه دعا نموده‌اند.

و نیز، در بخش اعمال شب و روز در تعقیباتی که برای نماز عصر بیان کردیم، بخش زیبایی را آوردیم که امام کاظم علیه السلام برای حضرت مهدی صلوات الله علیه به گونه‌ای شیوا و بهتر از دعا برای خویش، دعا فرموده‌اند.

اگر کسی بخواهد دلیلی برای این کار بیاورد در صورتی که جایگاه امام صادق و امام کاظم علیه السلام را در اسلام و مسلمین بداند؛ همین کار آن دو بزرگوار، دلیلی بسیار خوب برایش خواهد بود.^۱

نیز سید بن طاووس علیه السلام پس از بیان ثواب دعا کردن برای برادران دینی، می‌گوید: در جایی که دعا کردن برای برادران دینی این قدر ارزش و ثواب داشته باشد؛ پس دعا کردن برای سلطانی که سبب خلقت تو است، و اعتقاد داری که اگر او نبود خداوند نیز تو را نمی‌آفرید؛ بسیار بالاتر و به مراتب باارزش‌تر است.

همان امامی که اگر نبود، هیچ یک از مکلفان در زمان خودش و زمان تو، به وجود نمی‌آمدند؛ آن بزرگوار که سبب وجود تمام حالاتی که در تو و در غیر توست، و تمام خیرات و بهره‌هایی است که شماها به آن می‌رسید.

زنهار، زنهار؛ از این که خودت یا یکی از مخلوقات را در دوستی و دعا کردن، بر آن عزیز، مقدم و پیش بداری؛ قلب و زبانت را هنگام دعا برای آن سرور ارجمند و والا مقام، با یکدیگر هماهنگ کن.

مبادا خیال کنی این سفارشات که می‌کنم، به دلیل احتیاج آن حضرت به دعای

توست، هرگز؛ اگر چنین باوری داشته باشی بدان که در اعتقاد و دوستی خود، بیمار می باشی. پر واضح است، این گفتار من و سفارشاتى که کردم، تنها به این خاطر است که بتوانم قدری از حق بزرگ او را که بر عهده توست، به تو بشناسانم و برایت روشن کنم که چه نیکی های شایانی بر تو ارزانی داشته است.

از سویی اگر تو پیش از خودت و عزیزان و نزدیکانت، برای آن عزیز، دعا کنی، بهتر می توانی درهای اجابت الهی را فراروی خویش بازگردانی؛ زیرا درهای اجابت و پذیرش دعا را خودت - ای بنده خدا؛ - بسته ای و این کار را با جنایتهایت انجام داده ای!

لذا هنگامی که دعا کردی برای آن مولای عزیز نزد مالک مردگان و زندگان، امید است که به زودی و به سرعت درهای اجابت آستان الهی برای خاطر آن بزرگوار باز گردد، و پس از وارد شدن به سرای اجابت و پاسخ گویی خداوند، بتوانی برای خودت و دیگران، در زمره فزون بخشى او دعا کنی.

بدین سان، رحمت و بزرگواری و توجه خداوند نیز به تو تعلق می گیرد، به این جهت که در دعا، به ریسمان و دستاویز خداوند، آویخته و دعا کرده ای.

ممکن است بگویند: فلان شخص و فلان شخصی را می شناسم که جزو اساتید دینی تو هستند و این کار را نیز انجام نمی دهند، ولی من به خوبی آگاهم که این افراد در بی توجهی و غفلت نسبت به مولای ما ارواحنا فداه به سر می برند! و نسبت به او کوتاهی نموده اند.

در پاسخ این اشکال به شما عرض می کنم: کاری را که گفتم شما انجام بده؛ زیرا، این حقیقتی آشکار و روشن است، هر کسی مولای ما را واگذارد و به او بی توجهی روا دارد به خدا سوگند در اشتباهی رسواگر به سر می برد!

سید بن طاووس رحمته الله علیه در ادامه می گوید: فکر می کنی نظر امامان علیهم السلام در این مورد چیست؟ آیا ایشان همانند تو نسبت به اهمیت دعا برای آن حضرت، بی توجهی نموده و آن را سبک می شمارند؟! بنابراین، از زیاد دعا نمودن در نمازهای واجب برای آن حضرت صلوات الله علیه و برای کسی که دعا برای او جایز است خودداری نکن.

روایتی صحیح با سند خودم از محمد بن علی بن محبوب (مرجع و استاد علمای قم در زمان خودش) نقل می‌کنم که او در کتابش به نام «المصنّف» از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که حضرتش فرمود:

كَلَّمَا كَلَّمْتُ اللَّهَ تَعَالَى فِي صَلَاةِ الْفَرِيضَةِ فَلَيْسَ بِكَلَامٍ.

آنچه با خدا گفتگو کنی در نماز واجب، کلام باطل کننده نماز به حساب نمی‌آید.

(سید علیه السلام می‌افزاید:) در چنین شرایطی، دیگر هیچ بهانه‌ای برای ترک دعا برای آن حضرت نداری.^۱

در کتاب «مکیال المکارم» آمده است: بر اساس آیات قرآن و نیز احادیث، دعا از جمله بزرگ‌ترین عبادت‌هاست.

از طرفی شکی نیست که یکی از بهترین، بزرگ‌ترین و ارزش‌مندترین دعا‌های انسان، دعا برای کسی است که خداوند حق او را و دعا کردن برای او را بر تمام انسان‌ها واجب فرموده است، و نعمت‌های الهی به برکت آن حضرت بر تمام آفریدگانش سرازیر می‌شود.

نیز، شکی نیست که معنای مشغول شدن به خداوند، مشغول شدن به عبادت الهی است، پس دعا کردن برای امام عصر ارواحنا فداء به طور همیشگی، موجب توفیق الهی در بندگی و عبادت او خواهد شد و خدا او را از دوستان خود قرار خواهد داد.

نتیجه سخن آن که: مواظبت کردن بر دعا برای امام عصر، حضرت حجّت ارواحنا فداء و درخواست کردن از خداوند تعجیل فرج و ظهور آن حضرت را، و برطرف کردن غم و اندوهش را و خشنود نمودن آن امام بزرگوار، موجب دستیابی به دوستی خداوند و توفیق در عبادات الهی خواهد بود (و این مطلبی نیست که بر کسی پوشیده باشد).

پس لازم است تمام مؤمنان نسبت به این مسأله مهم همیشه و در همه جا توجه خاصی مبذول داشته و اهتمام ورزند.

از جریاناتی که درستی گفتار ما را تأیید می‌کند، آن است که برادر عزیز ایمانی‌ام،
فاضل وارسته - که مؤید به تأییدات ربّانی است - جناب میرزا محمد باقر اصفهانی که
خدا سایه‌اش را مستدام بدارد و او را به آرزوهایش در این ایام برساند می‌گوید:

در خواب، یا در حالتی بین خواب و بیداری، در یکی از همین شب‌ها دیدم که امام
بزرگوارمان، آن مولای همه آفریدگان و حجّت الهی بر همه موجودات، حضرت امام
حسن مجتبی علیه الصلاة والسلام سخنانی (به این مضمون) فرمودند:

بر منبرها به مردم بگویید و دستور بدهید که توبه کنند و برای فرج و
تعجیل ظهور امام زمان علیه السلام دعا کنند. این دعا، مانند نماز میّت واجب
کفایی نیست که اگر یک یا چند نفر از مردم آن را انجام دادند، تکلیف از
دیگران برداشته شود؛ بلکه، همانند نمازهای واجب روزانه، بر هر یک از
مکلفان واجب است که انجام دهند....^۱

با توجه به مطالب یاد شده، لزوم دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداء روشن شد.

مظلوم‌ترین فرد عالم

پس از آن که ضرورت دعا برای مولایمان امام زمان ارواحنا فداء را ذکر کردیم
می‌گوییم: متأسفانه در بیشتر مجالس مذهبی از یاد امام زمان ارواحنا فداء و دعا برای
تعجیل ظهور آن حضرت غفلت می‌شود. و اگر بدانیم که تاکنون چقدر از آن حضرت
غافل بوده‌ایم، متوجه می‌شویم که آن حضرت مظلوم‌ترین فرد عالم هستند.
اکنون جریاناتی را درباره مظلومیت آن بزرگوار ذکر می‌کنیم:

۱- حجّة الإسلام والمسلمین مرحوم آقای حاج سید اسماعیل شرفی نقل نمودند:
به عتبات مقدّسه مشرف شده بودم و در حرم مطهر حضرت سید الشهداء علیه السلام
مشغول زیارت بودم. چون دعای زائرین در قسمت بالای سر امام حسین علیه السلام
مستجاب است، در آنجا از خداوند خواستم مرا به محضر مبارک مولایم حضرت

مهدی ارواحنا فداه مشرف گرداند و دیدگانم را به جمال بی مثال آن بزرگوار روشن نماید.

ناگهان هنگامی که مشغول زیارت بودم خورشید جهان تاب جمالش ظاهر شد، گرچه در آن هنگام حضرتش را نشناختم؛ ولی شدیداً مجذوب آن بزرگوار شدم، پس به او سلام کردم و از ایشان سؤال کردم: آقا؛ شما کیستید؟
فرمودند: من مظلوم ترین فرد عالم هستم.

من مقصود آن حضرت را متوجه نشدم و با خود گفتم: شاید ایشان از علمای بزرگ نجف هستند و چون مردم به ایشان گرایش پیدا نکرده اند خود را مظلوم ترین فرد عالم می داند، در این هنگام ناگهان متوجه شدم که کسی در کنارم نیست. اینجا بود که فهمیدم خداوند دعایم را مستجاب فرموده و مرا به لقای حضرتش شرفیاب نموده، و او مظلوم ترین فرد عالم و امام زمان من بود، و نعمت حضور آن بزرگوار را زود از دست دادم.

۲- حجة الإسلام والمسلمین آقای حاج سید احمد موسوی - که از شیفتگان حضرت امام عصر عجل الله تعالی له الفرج می باشند - از حجة الإسلام والمسلمین عالم ربانی مرحوم آقای حاج شیخ محمد جعفر جوادی نقل نمودند که ایشان در عالم کشف، یا شهود خدمت حضرت بقیة الله ارواحنا فداه مشرف شده و ایشان را بسیار غمگین می بیند از حال آن بزرگوار سؤال می کند، حضرت می فرمایند:

دلم خون است، دلم خون است.

۳- حضرت امام حسین علیه السلام در عالم مکاشفه به یکی از علمای قم فرمودند:

«... مهدی ما در عصر خودش مظلوم است، تا می توانید درباره آن حضرت سخن بگویید و قلم فرسایی کنید؛ آنچه درباره شخصیت این معصوم بگویید درباره همه معصومین (علیهم السلام) گفته آید؛ چون حضرات معصومین همه در عصمت و ولایت و امامت یکی هستند و چون این زمان، دوران مهدی ما است سزاوار است درباره او بیشتر گفتگو شود.

و در خاتمه فرمودند :

باز تأکید می‌کنم درباره مهدی ما زیاد سخن بگویید و بنویسید، مهدی ما مظلوم است، بیش از آنچه نوشته و گفته شده باید درباره‌اش نوشت و گفت.^۱

نصیحتی از مرحوم حاج شیخ رجبعلی خیاط

اکنون که از مظلومیت آن حضرت آگاه شدیم باید توجه داشته باشیم که هدف ما از دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه رسیدن به حالات و مقامات نباشد؛ بلکه خشنودی پروردگار و تقرب به خداوند و امام زمان ارواحنا فداه را ملاک عمل قرار دهیم.

اینک به این جریان مهم توجه کنید: مرحوم آقای شرفی که از منتظران ظهور امام عصر ارواحنا فداه بودند، نقل می‌کردند: در زمانی که برای تبلیغ، از مشهد مقدس به شهرستان‌ها می‌رفتم در یکی از مسافرت‌ها چند روزی قبل از ایام ماه مبارک رمضان با یکی از دوستان در تهران به محضر مرحوم حاج شیخ رجبعلی خیاط - که از سابقین و ثابتین در راه انتظار بودند و مردم را به این راه تشویق می‌نمودند - مشرف شدیم و از ایشان تقاضای راهنمایی کردیم، و خواستیم که چیزی به ما بیاموزد.

آن بزرگوار طریقه ختم آیه شریفه ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ﴾ را به ما آموختند^۲ و فرمودند: اول صدقه بدهید و چهل روز، روزه بگیرید و این ختم را در حال روزه انجام دهید. نکته مهمی که مرحوم حاج شیخ رجبعلی خیاط فرمودند این بود که: مقصودتان از انجام این ختم تقرب به حضرت رضا علیه السلام باشد و حاجت‌های مادی را در نظر نگیرید. مرحوم آقای شرفی فرمودند: من ختم را شروع کردم ولی نتوانستم آن را ادامه دهم و ترک نمودم، ولی دوست من موفق شد و آن را به پایان رساند. پس از آن که به

۱. بوستان ولایت: ۱۸/۲.

۲. دستور این ختم از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده و مرحوم آیه الله حاج شیخ علی اکبر نهاوندی آن روایت را در کتاب «گلزار اکبری» نقل کرده است.

مشهد مقدّس برگشت، وقتی ایشان به حرم مطهر حضرت امام رضا علیه السلام مشرف گردید، آن حضرت را به صورت نور زیارت کرد. کم کم این حالت در ایشان تقویت شد تا توانست آن حضرت را ببیند و با آن بزرگوار صحبت نماید.

هدف ما از نقل این جریان، نکته مهمی است که در دعاها و توسّلات باید رعایت شود و آن این است که انسان علاوه بر آنکه در انجام نمازها، دعاها و توسّلات باید اخلاص را رعایت کند هدف او هم باید از انجام آنها، تقرب به خداوند باشد تا به رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام نیز نزدیک شود، یعنی اعمالش را به تبت عبودیت و بندگی خدا انجام دهد، نه برای رسیدن به حالات و مقامات.

یکی از افراد مشهور و صاحب نفس که دعایش اثر داشت و با آن، گره از کار افراد می گشود، از شخصی که او را صاحب بصیرت می دانست، سؤال کرده بود: به نظر شما من چه موقعیت و منزلتی نزد خدا دارم؟

ایشان پس از تأمل در جواب گفته بودند: شما در کارهای خداوند زیاد دخالت کرده‌ای.

پس دعاکننده نباید هیچ گونه سوء استفاده‌ای از دعاهایش بنماید، بلکه آنها را باید به قصد بندگی پروردگار انجام دهد، نه این که به وسیله آنها دخالت در کارهای خداوند نموده و یا مردم را به سوی خود جلب نماید.

تجربه مهم

مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی

اکنون جریان مهمی را از مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی که دلیل بر اهمیت مسأله انتظار است نقل می کنیم:

ایشان از دوران کودکی به عبادات و ریاضت‌های شرعی اشتغال داشته و زحمات فراوان و طاقت‌فرسایی را برای رسیدن به اهداف بلند روحی و معنوی متحمّل شده بودند.

ایشان هر چه از اذکار و اوراد و ختومات و همچنین نمازها و آیات قرآنی را که در مدّت عمر خود از کودکی انجام داده بودند، یادداشت کرده و به خاطر متضمّن بودن آن نوشته بر اسرار و نکات مهمّ، صلاح نمی‌دانستند که آن را در اختیار همگان قرار دهند. و به این جهت آن را مخفی نگه داشته و پنهان می‌نمودند.

مرحوم والد معظم در ارتباط با آن نوشته‌ها می‌فرمودند: مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی در اواخر حیات خود آن نوشته‌ها را به مرحوم آیه الله حاج سید علی رضوی دادند.^۱

مقصود از نقل این جریان، نکته مهمّی است که آن را مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی در آخر آن کتاب مرقوم فرموده بودند و باید درس مهمّی برای همه کسانی که در راه معنویات و سیر و سلوک شرعی گام برمی‌دارند، باشد.

آنچه ایشان در آخر کتاب خود نوشته بودند این نکته بود که:

ای کاش این اذکار و اوراد و ختومات را در راه نزدیک شدن و تقرّب به مولایم امام زمان عجل الله تعالی له الفرج انجام می‌دادم.

ببینید یک شخصیت مهمّ که نام ایشان زبان زد خاصّ و عامّ بوده و هست چگونه در آخر عمر اظهار تأسّف می‌نماید و آرزو می‌کند که ای کاش هدف خود را از انجام آن اعمال، تقرّب به حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه قرار داده بود.

هیچ گونه تردیدی وجود ندارد که مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی دارای قدرت مهمّ روحی بوده و از نیرو و قدرتی بسیار کم نظیر در میان افراد و چهره‌های شناخته شده، بهره‌مند بوده است؛ با این همه، آرزو می‌کند که کاش سعی و تلاش خود را در راه تقرّب به امیر عالم هستی به کار می‌برد، و بدست آوردن قدرت تصرف در افراد و بازگرداندن صحّت و سلامتی را به افراد مریض و کارهایی دیگر از این قبیل را هدف خود قرار نمی‌داد.

۱. مرحوم آیه الله حاج سید علی رضوی از علمای ربّانی مشهد مقدّس بودند و مرحوم والد معظم اینجانب با ایشان دوستی و رفاقت خالصانه‌ای داشتند.

بزرگ‌ترین درس برای انسان‌ها این است که در هر مسیری که می‌پیمایند از تجربه‌های مردان بزرگ در آن راه، تجربه آموخته و از یک عمر تلاش و کوشش آن‌ها استفاده کرده و از معارفی که آنان پس از سال‌های سال به دست آورده‌اند بهره‌مند شوند و به آخرین تجربه‌ها و نتیجه‌هایی که آنان در مسیر طولانی حیات خود به آن رسیده‌اند، کاملاً توجه نموده و به آن عمل نمایند.

به این نکته توجه کنید:

استفاده از تجربه‌های مهم مردان بزرگ، ارزش حیات و نتیجه زندگی را صدها برابر افزایش می‌دهد. پس سعی کنید به آنچه مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی تجربه نموده و در نوشته خود متذکر شده‌اند، عمل نمایید و دعاها، زیارات و سایر عباداتی را که انجام می‌دهید برای تقرب به پروردگار باشد تا به این وسیله به ساحت مقدس امام عصر ارواحنا فداه تقرب پیدا کنید و مقاصد کوچک و کم‌ارزش را ترک کنید. این حقیقتی است که اگر به آن عمل کنید از حیات و زندگی خود کاملاً نتیجه می‌گیرید.

دعای امام عصر ارواحنا فداه

برای کسی که برای فرج و یاری آن حضرت دعا کند

نویسنده «مکیال المکارم» می‌گوید: از جمله اثرات دعا برای مولای ما حضرت مهدی ارواحنا فداه آن است که دعای آن بزرگوار شامل حال کسی می‌شود که برای آن حضرت دعا کند.

دلیل این مطلب آن است که علاوه بر این که ایشان بیش از هر کس نسبت به سپاسگزاری از کسی که به وی نیکی و احسان کند، اهتمام دارند؛ در دعای حجاب خود که در کتاب «مهج الدعوات» آمده است؛ پس از دعا برای تعجیل فرج فرموده است:

... وَاجْعَلْ مَنْ يَتَّبِعُنِي لِنُصْرَةِ دِينِكَ مُؤَيَّدِينَ، وَفِي سَبِيلِكَ مُجَاهِدِينَ،
وَعَلَى مَنْ أَرَادَنِي وَأَرَادَهُمْ بِسُوءٍ مَنصُورِينَ ...

... هر کسی را که برای پیروزی آیین تو از من پیروی می‌نماید تأیید فرما، و در راه

خودت از مجاهدین و جهادکنندگان قرار بده و بر کسانی که سوء قصدی نسبت به من و ایشان کرده‌اند، یاری فرما ...

بدون شک، دعا برای آن حضرت و تعجیل در فرج باکفایتش، نوعی پیروی و یاری کردن آن بزرگوار است؛ زیرا یکی از نمونه‌های یاری دین و ایمان و یاری امام زمان ارواحنا فداء، یاری کردن زبانی است، و دعا برای آن حضرت از اقسام یاری کردن زبانی به حساب می‌آید؛ و این چیزی نیست که بر کسی پنهان باشد.

همچنین بیان علی بن ابراهیم قمی در تفسیرش، گفتار ما را تأیید می‌کند. ایشان در تفسیر آیه شریفه «وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا»؛ «اگر به شما ادای احترام شد، شما نیز بهتر از آن یا به همان شکل ادای احترام را پاسخ دهید»، فرموده است: منظور از تحیت، سلام و موارد دیگری از کارهای نیک است.

زیرا که دعا از برترین نوع احسان و نیکی است. بنابراین، هنگامی که بنده مؤمن برای مولایش امام عصر ارواحنا فداء دعا کند و این کار را خالصانه انجام دهد؛ مولای بزرگوارش نیز در پاداش او دعایی خالص برای او خواهد کرد. بدیهی است، دعای امام زمان ارواحنا فداء برای شخص، کلید تمام خیرات و خوبی‌ها، و نابودکننده همه بدی‌ها است.

گواهی و تأیید این گفتار، سخن مرحوم قطب راوندی در کتاب «خرائج» است، وی می‌گوید:

گروهی از اهل اصفهان - که از جمله ایشان ابوالعباس احمد بن نصر؛ و ابو جعفر محمد بن علویه هستند - برایم بازگو کردند که مردی به نام عبدالرحمان در اصفهان بود و از شیعیان به حساب می‌آمد. از او پرسیده شد که به چه دلیل تو از بین تمام مردم روزگار خود، امام هادی علیه السلام را انتخاب کرده و او را امام و پیشوای خود قرار دادی؟! وی گفته است: چیزی را مشاهده کردم که برایم واجب شده است تا او را امام خود بدانم. من مردی فقیر و بی چیز بودم، ولی زبانی گویا داشتم و پر جرأت بودم. در

یکی از سال‌ها مردم اصفهان مرا از شهر بیرون کردند؛ من نیز به همراه عده‌ای که برای شکایت و دادخواهی به دیار متوکل عباسی (حاکم وقت) می‌رفتند، به راه افتادم؛ تا آن که به قصر حکومتی او رسیدیم. در این هنگام، دستور احضار امام هادی علیه السلام را صادر کرد.

از بعضی از حاضران پرسیدم: این مردی که دستور احضارش را داده‌اند، کیست؟ گفتند: او یکی از فرزندان علی علیه السلام است که شیعیان او را امام و پیشوای خود می‌دانند. و من حتم دارم که متوکل او را برای کشتن احضار کرده است.

من گفتم: از این جا نمی‌روم تا ببینم او چگونه مردی است!

پس از مدتی آن حضرت را در حالی که سوار بر اسب بود مشاهده کردم، مردم در سمت راست و چپ آن حضرت صف کشیده بودند و به سویش می‌نگریستند. با دیدن او، محبت و دوستیش در قلبم قرار گرفت، و برای او در درون خود مشغول دعا شدم تا خداوند او را از شر متوکل (لعین) در امان بدارد.

آن بزرگوار نگاهش را به یال اسب دوخته بود و از بین مردم حرکت می‌کرد، و به راست و چپ خود نیز نگاه نمی‌کرد. من نیز در درون پیوسته برای او دعا می‌کردم. هنگامی که خواست از کنار من عبور کند، رو به من کرد و فرمود:

استجاب الله دعاك، وطول عمرک وکثر مالک وولدک.

خداوند، دعایت را اجابت فرماید؛ عمرت را طولانی، و دارایی و فرزندان را بسیار گرداند.

آن گاه، من از شکوه و هیبت او برخوردار شدم و بین دوستانم افتادم؛ پرسیدند: چه اتفاقی برایت افتاده است؟

گفتم: خوبم (ولی هیچ چیزی در مورد آن جریان به هیچ کس نگفتم). پس از این جریان به اصفهان بازگشتیم، و به واسطه دعای آن بزرگوار، خداوند نیز راه‌های درآمد را به رویم گشود، به گونه‌ای که در حال حاضر هزار هزار درهم ارزش خانه و اموال درون خانه‌ام می‌باشد، و بیرون از منزل نیز بسیار ثروت و دارایی دارم. ده فرزند نیز

نصیب شده، و بیش از هفتاد سال از عمرم می‌گذرد.

من، این مرد بزرگوار را به عنوان پیشوای خود برگزیدم و او را امام می‌دانم؛ چرا که او چیزی را که در خاطر من گذشت متوجه شد، و برایم دعا کرد و خداوند نیز دعایش را در حَقْم مستجاب فرمود.

عرض می‌کنم: ای خردمند؛ با دقت اندیشه کن و ببین چگونه مولای ما امام هادی علیه السلام، پاداش دعا و احسان این مرد اصفهانی را داد، و آن گونه برایش دعا فرمود؛ با این که وقتی آن شخص برای امام علیه السلام دعا کرد، هنوز جزو پیروان امام علیه السلام نبود. آیا با وجود این جریان، می‌توانی گمان کنی در مورد امام عصر و مولایمان حضرت مهدی ارواحنا فداه، با این که تو از شیعیان او هستی، که اگر دعایش کنی، او در مقابل برای تو دعای خیر نمی‌کند؟!

نه؛ به خدایی که جن و بشر را آفرید، چنین نیست؛ بلکه، آن حضرت - اگر چه مؤمنان نسبت به این جهت بی‌توجهی می‌کنند - برای مؤمنان و شیعیانش دعا می‌کند؛ زیرا تمام احسان‌ها و نیکی‌ها از ناحیه آن حضرت است.

از جمله اموری که تأکید بر مدّعی ما می‌نماید این است که یکی از برادران شایسته و بزرگوارم به من گفت که در عالم رؤیا حضرت مهدی صلوات الله علیه را ملاقات کرده، و آن حضرت به او فرموده‌اند:

إِنِّي أَدْعُو لِكُلِّ مُؤْمِنٍ يَدْعُو لِي بَعْدَ ذِكْرِ مَصَائِبِ سَيِّدِ الشُّهَدَاءِ علیه السلام فِي مَجَالِسِ الْعِزَاءِ.

من حتماً برای هر مؤمنی که در مجلس عزاء، بعد از یاد مصیبت‌های سید الشهداء علیه السلام برایم دعا کند، دعا می‌کنم.

از خداوند درخواست توفیق دعا برای آن حضرت را داریم؛ همانا، او شنوای دعاست.^۱



تشکیل مجالس دعا

برای تعجیل ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه

همان طور که می توان به تنهایی دعا کرد، می توان به طور گروهی به دعا پرداخت. بدین شکل که مجالسی تشکیل شود و در آن ها از امام عصر ارواحنا فداه یاد شود؛ چرا که با این کار، افزون بر این که برای امام علیه السلام دعا شده است، کارهای نیک دیگری مانند زنده کردن امر (امامت) امامان علیهم السلام؛ بیان و بازگو کردن حدیث هایی که از اهل بیت علیهم السلام رسیده است؛ و... صورت می گیرد.

نویسنده کتاب «مکیال المکارم» می گوید: یکی از تکلیف ها و وظایف مردم در زمان غیبت حضرت مهدی ارواحنا فداه، آن است که مجالسی برپا کنند که در آن از امام زمان علیه السلام یاد شود، و خوبی ها، فضیلت ها و مقامات شکوهمندش گفتگو گردد و به اطلاع همگان برسد، و برای آن وجود شریف در آن مجالس دعا شود و از بذل و بخشش جان و مال در این راه خودداری نگردد؛ چرا که این کارها، رواج دادن و گسترش آیین خدا، بزرگداشت و بالا بردن کلام خدا، و کمک کردن به یکدیگر برای انجام نیکی و تقوا، و گرامی داشت مراسم و شعائر الهی، و یاری نسبت به ولی پروردگار است. افزون بر مطالبی که بیان شد و نیز ارزش های دیگری که در مورد برپایی این مجالس می توان برشمرد؛ فرمایش امام صادق علیه السلام - که در کتاب «وسائل الشیعه» و غیر آن نقل شده است - نیز بر این مطلب دلالت دارد:

تزاوروا، فإن فی زیارتکم إحياءاً لقلوبکم و ذکراً لأحاديثنا، وأحاديثنا تعطف بعضکم علی بعض، فإن أخذتم بها رشدتم و نجوتم، وإن ترکتموها ضللتهم و هلکتهم فخذوا بها وأنا بنجاتکم زعيم^۱.

به دیدار یکدیگر بروید؛ زیرا این دید و باز دیدها موجب زنده شدن دل های شما، و بازگو کردن و یادآوری حدیث های ماست. حدیث ها و سخنان ما، باعث همبستگی

و مهربانی بیش تر بین برخی از شما با برخی دیگر خواهد شد. اگر سخنان ما را پذیرفتید و به کار گرفتید، هدایت می شوید و نجات می یابید؛ و اگر سخن ما را رد کردید، گمراه می گردید و هلاک می شوید؛ بنابراین، شما احادیث و سخنان ما را بپذیرید و به کار بندید، من نیز ضامن و عهده دار نجات شما می باشم.

دلالت روایت بر مطلب ما به این گونه است که: دلیل دستور دادن آن حضرت به دید و بازدید شیعیان این است که انگیزه و وسیله ای برای زنده شدن امر (امامت) ایشان و بازگویی احادیث شان است؛ پس، نتیجه می گیریم که بدون شک، تشکیل این گونه مجالس که در آن یاد فضایل او، و اموری که مربوط به آن حضرت است؛ دارای برتری و استحباب است و ائمه علیهم السلام به این کار، علاقه مند هستند.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز در حدیث «أربع مائة»، مطالبی فرموده اند که مربوط به موضوع بحث ماست:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِطَّلَعَ إِلَى الْأَرْضِ فَاخْتَارَنَا، وَاخْتَارَ لَنَا شِيعَةَ
يَنْصُرُونَنَا، وَيَفْرَحُونَ لِفِرْحَانَا، وَيَحْزَنُونَ لِحَزْنَانَا، وَيَبْذُلُونَ أَمْوَالَهُمْ
وَأَنْفُسَهُمْ فِينَا، أَوْلَئِكَ مَنَا وَإِلَيْنَا، الْخَيْرُ.^۱

همانا، خدای تبارک و تعالی، با آگاهی و روشن بینی که نسبت به زمین (و موجوداتش) داشت، ما را برگزید؛ و شیعیان و پیروانی نیز برای ما انتخاب کرد، تا ما را یاری کنند، و به جهت شادی ما شادمان، و برای ناراحتی و اندوه ما اندوهگین باشند، و ثروت و جان خویش را در راه ما بذل و بخشش نمایند. اینان از ما هستند، و به سوی ما آیند ...

هشدار و آگاهی: می توان گفت: در برخی از زمان ها، واجب است چنین مجالسی تشکیل شود، همانند وقتی که مردم در حال کشیده شدن به انحراف و گمراهی باشند، و بتوان با تشکیل این گونه مجالس، آنان را از هلاکت و تباهی و انحراف بازداشت و به شاهراه هدایت ارشاد و راهنمایی نمود.

و جوب این امر با توجه به دلیل های امر به معروف و نهی از منکر؛ و نیز، راهنمایی گم شدگان، و نیز بازداشتن اهل بدعت و گمراهی به دست می آید. البته، در همه حالات تنها خدای متعال است که انسان را حفظ می کند و از گناه باز می دارد.^۱

مکان های مخصوص به آن حضرت ارواحنا فداه

جهت اطلاع بیش تر خوانندگان محترم، به بررسی برخی از مکان هایی می پردازیم که ویژه آن حضرت هستند.

مرحوم محدث نوری می فرماید: پوشیده نیست که برخی از مکان های ویژه امام عصر صلوات الله علیه که مشهور به مقام امام زمان علیه السلام می باشند؛ مکان هایی هستند مانند: وادی السلام (نجف اشرف)، مسجد سهله، مسجد حله، مسجد جمکران در خارج شهر مقدس قم، و

به نظر می رسد برخی از کسانی که آن امام علیه السلام را دیده اند، در این مکان ها به زیارتش شرفیاب شده اند؛ یا این که در این جاها، معجزه ای از آن حضرت نمودار شده است؛ بدین جهت، جزو مکان های شرافتمند و بابرکت به حساب می آیند، و جایی هستند که می توان با آن حضرت مانوس شد، و فرشتگان الهی در آنجا از آسمان فرود می آیند، شیطان ها رفت و آمدشان کم است و این ها خود از وسایل و اسبابی است که موجب اجابت زودتر دعا، و پذیرش سریع تر عبادت می شود.

در برخی از روایات آمده است: خدای عز و جل دوست می دارد در مکان هایی همانند این مکان ها و مسجدها و حرم های امامان علیهم السلام، و قبرهای فرزندان امامان علیهم السلام، و قبر بندگان صالح و نیکوکار، که در شهرهای مختلف پراکنده اند پرستش شود.

این، از لطف های پنهانی خداوند است نسبت به بندگان که دچار گمراهی، یا اضطراب و ناچاری، بیماری، بدهکاری، ستم دیدگی، ترس و وحشت، نیاز و احتیاج، و از این قبیل امور باشند؛ بندگان که دچار اندوه و مشکلات شده اند و

قلب‌شان به هم ریخته و دارای ظاهری آشفته و حواسی از کار افتاده هستند. این افراد، می‌توانند به جاهای مزبور پناهنده شوند، و گریه و زاری نموده و به وسیله کسی که صاحب آن مقام است، به خداوند متوسل شوند و درخواست علاج دردها و شفای بیماری‌ها، و برطرف شدن شرّ مردمان شرور، و دیگر گرفتاری‌ها را بنمایند. در بسیاری از موارد، خواسته این افراد پاسخ داده می‌شود: بیماری که در حال مریضی به آن جا رفته است، شفا گرفته و برمی‌گردد؛ ستم‌دیده‌ای که رفته است، برمی‌گردد در حالی که حقش را گرفته است؛ کسی که بانگرانی و اضطراب به آن اماکن شرفیاب شده است، برمی‌گردد در حالی که دلش آرام و خیالش راحت شده است.

البته، طبیعی است هر کس ادب و احترام بیش‌تری به جا آورد، بهره و خیر بیش‌تری نیز به دست می‌آورد.

و احتمال دارد تمام این مکان‌های شریف، جزو خانه‌های خدا باشند که دستور داده شده است که آن خانه‌ها رفیع و بلندمرتبه گردد و نام خدا در آن‌ها برده شود، و هر کس در آن خانه‌ها صبح‌گاهان و شام‌گاهان به تسبیح و ثناگویی خداوند بپردازد، ستوده شده است. و این مقام، گنجایش ندارد که بیش از این به شرح و توضیح مطلب بپردازیم.^۱

۱- فضیلت مسجد کوفه

و این که آنجا مصلاّی حضرت مهدی ارواحنا فداء در عصر ظهور است

مسجد کوفه، یکی از مسجد‌های چهارگانه است که دستور کوچ کردن به سوی آن‌ها و اقامت و بزرگ‌داشت‌شان داده شده است.

آن چهار مسجد: مسجد الحرام (مکه)، مسجد پیامبر ﷺ (در مدینه)، مسجد الأقصی (در بیت المقدس)، و مسجد کوفه هستند.



مسجد کوفه یکی از همان چهار مکانی است که مسافر، در آن جا اختیار دارد که نمازهای چهار رکعتی خود را به صورت کامل یا به صورت شکسته بخواند. و آنها عبارتند از: مسجد الحرام، مسجد پیامبر ﷺ، حرم امام حسین ﷺ و مسجد کوفه. این مسجد جایگاه نماز پیامبران و جانشینان ایشان بوده است؛ و به زودی محل برگزاری نماز امام زمان ارواحنا فدا خواهد بود.

در روایتی آمده است: هزار نفر از پیامبران، و هزار نفر از اوصیاء پیامبران؛ در این مسجد، نماز به جای آورده‌اند.^۱

اعمال مسجد کوفه بسیار زیاد است؛ سید بزرگوار علی بن طاووس ﷺ در کتاب «مصباح الزائر»، به بیان آنها پرداخته است؛ و چون ممکن است موجب طولانی شدن این گفتار شود، از بازگویی آن خودداری کردیم.

۲- فضیلت مسجد سهله

که مقام حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه در آنجاست

بعد از مسجد اعظم کوفه، مسجدی از نظر فضل و مرتبه بافضیلت‌تر از مسجد سهله در آن مکان نیست؛ زیرا آنجا خانه ادریس و ابراهیم ﷺ است؛ خضر پیامبر ﷺ نیز در آنجا وارد شد و سکونت گزید.

روایت شده است: آنجا جایگاه صالحان و پیامبران و رسولان است و روایات بسیاری در فضیلت این مسجد وارد شده است.

امام صادق ﷺ به ابو بصیر فرمود:

أتراني أنظر إلى صاحب الأمر داخلاً إلى مسجد السهلة بأهله وعياله
ومتخذة منزلاً له، وإن الله تعالى لم يرسل نبياً قط إلا وصلّى فيه، وكلّ من
أقام فيه فكأنما أقام في خيمة رسول الله ﷺ، وما من مؤمن ولا مؤمنة
إلا وقلبه يحنّ إليه، وفيه حجر عليه صور جميع الأنبياء صلوات الله عليهم.

وما من أحد يصلي فيه ويدعو بنية خالصة إلا أعطاه الله حاجته، وما من أحد يطلب فيه الأمان إلا آمنه الله من كل ما يخاف، وما من يوم أو ليلة إلا وتنزل الملائكة لزيارته وعبادة الله فيه، وما لم أذكره لك من فضيلة هذا المسجد أكثر مما ذكرته.

آیا باور می‌کنی که من صاحب الأمر (صلوات الله علیه) را می‌نگرم در حالی که با اهل و عیالش به مسجد سهله داخل می‌شود و در آن مأوا می‌گزیند؟ خداوند بلندمرتبه هیچ پیامبری را نفرستاد مگر این که در آنجا نماز گزارد. هر که در آنجا اقامت کند، مثل این است که در خیمه رسول خدا ﷺ اقامت نموده است؛ هیچ زن و مرد مؤمنی نیست مگر این که قلبش بدان مشتاق و مایل است و در آن مسجد سنگی است که صورت‌های همه پیامبران در آن، نقش بسته است.

کسی نیست که در آن مکان نماز گزارد و خداوند را با نیتی خالص بخواند مگر این که خدا حاجتش را عطا کند. هر کس که در آنجا از خدا امان بخواهد، خدا از آنچه که می‌ترسد او را ایمنی بخشد. شب و روزی نیست که فرشتگان به زیارت آنجا فرود نیایند و در آنجا عبادت پروردگار نمایند. آنچه از فضیلت این مسجد برای تو نگفتم، بیش از آن است که برایت گفتم.

نیز از همان امام علیه السلام روایت شده است:

من صلی رکعتین فی مسجد السهلة، زاد الله فی عمره عامین.

هر کس دو رکعت نماز در مسجد سهله بجا آورد، خداوند دو سال بر عمرش بیفزاید.

در روایتی دیگر وارد شده است:

أنّ منه یكون النفخ في الصور، ويحشر من حوله سبعون ألفاً يدخلون الجنة بغير حساب.

نفخ در صور از آنجاست؛ و از اطراف آن مسجد هفتاد هزار نفر محشور شده و بدون حساب وارد بهشت می‌شوند.

ابن قولویه در «کامل الزیارات» با سند معتبر از حضر می‌از امام باقر علیه السلام یا امام

صادق علیه السلام روایت می کند که حضرمی می گوید: به امام علیه السلام گفتم: کدام بقعه بعد از حرم خدا و حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله، برتر است؟ فرمود:

الكوفة يا أبابكر؛ هي الزكيّة الطاهرة، فيها قبور النبيين المرسلين وغير المرسلين والأوصياء الصادقين، وفيها مسجد سهيل الذي لم يبعث الله نبياً إلا وقد صلى فيه.

ومنها يظهر عدل الله، وفيها يكون قائمه والقوام من بعده، وهي منازل النبيين والأوصياء والصالحين.

ای ابوبکر؛ کوفه؛ آنجا پاکیزه و طاهر است. در آنجا قبور پیامبران مرسل و غیر مرسل و جانشینان راستین است و در آن، مسجد سهله است که خداوند پیامبری را برنمیگيخته است که در آن مکان نماز نخوانده باشد. از آنجا عدل الهی ظاهر می شود و قائم خدا و قائمان بعد از او در آنجا آیند و آن، منزلگاه پیامبران، اوصیاء و صالحان است.^۱

۳- مسجد مقدّس جمکران

بنای این مسجد در جمکران قم، بنا به دستور خاص حضرت مهدی صلوات الله علیه در بیداری صورت گرفته است.

آن گونه که شیخ نیک رفتار و عقیف، جناب حسن بن مثله جمکرانی می گوید: در شب سه شنبه ۱۷ رمضان سال (۳۹۳) هجری قمری در منزل خوابیده بودم؛ همین که نصف شب شد گروهی بر درب منزل آمده، بیدارم نمودند و گفتند: برخیز و (حضرت) صاحب الزمان صلوات الله علیه را پاسخ گو که تو را فرامی خواند.

بلند شدم و خود را آماده ساختم. گفتم: بگذارید تا پیراهنم را بپوشم؛ ناگهان ندایی از طرف درب آمد که آن پیراهن تو نیست. پس، رهائش کردم و شلوارم را برداشتم. ندا آمد که این از آن تو نیست و شلوار خود را بگیر. آن را انداختم شلوار خود را برداشته و پوشیدم. برخاستم تا کلید درب را بجویم، ندا آمد که درب باز است.

۱. مفتاح الجنّات: ۴۲۶/۱.

هنگامی که به سوی درب آمدم، گروهی از بزرگان را دیدم، بر آنها سلام کردم. پاسخ دادند و به من خوش آمد گفتند و مرا به مکانی بردند که جایگاه فعلی مسجد است؛ چون نیک نگاه کردم، تختی دیدم که فرش‌هایی نیکو بر آن گسترده‌اند و پستی‌های زیبایی نهاده‌اند و جوانی در حدود سی ساله تکیه بر آن کرده بود. پیرمردی در حضورش بود و کتابی در دست داشت که برای او می‌خواند و در اطراف او بیش از شصت مرد بودند که در آن مکان نماز می‌گزاردند. بعضی لباس سفید بر تن کرده بودند و بعضی لباس سبز. آن پیرمرد، خضر پیامبر بود؛ مرا نشانند، و آن گاه امام علیه السلام مرا به اسم صدا زده و فرمود:

نزد حسن بن مسلم برو، و به او بگو: تو، سال‌هاست که این زمین را (غاصبانه) آباد کرده و در آن زراعت می‌کنی، و ما آن را خراب می‌کنیم، پنج سال است که در آن کشت و زرع کرده‌ای؛ امسال هم همان گونه مشغول هستی؛ ولی دیگر اجازه نداری به این زمین بازگردی و باید منافعی را که از کشت و زرع این زمین برده‌ای، بپردازی تا در آنجا مسجد بنا گردد.

و نیز به او بگو: این زمین محترم و باارزشی است که خداوند آن را از میان دیگر مکان‌ها برگزیده است و بر آنها برتری و شرافت داده است؛ و تو آن را بر زمین‌های خودت افزوده‌ای؛ در سزای این عمل، خداوند دو فرزند جوانت را به مرگ گرفتار نمود، ولی تو از این غفلت، آگاه نشدی. اگر این دستوری را که دادم اجرا نکنی، عذاب الهی از جایی که نمی‌فهمی به سراغت خواهد آمد.

جناب حسن بن مثله می‌گوید: گفتم: مولای من؛ باید نشانه و علامتی داشته باشم؛ زیرا مردم آنچه را که بدون نشانه و دلیل باشد نمی‌پذیرند و گفتار مرا تصدیق نخواهند کرد.

حضرت فرمود:

ما در آنجا این کار را خواهیم کرد، تو برو و پیغام ما را برسان؛ و نزد سید

ابی الحسن^۱ نیز برو و به او بگو بیاید و محدوده زمین را معین نموده، منافع سال‌های گذشته را از حسن بن مسلم بگیرد و به مردم بدهد، تا مسجد را بنا نمایند. آنچه از هزینه ساخت مسجد، کم می‌آید از غلّه زمینی که در رهق اردهال داریم، کامل کند و مسجد را تمام نماید؛ ما نصف رهق را برای این مسجد وقف نمودیم تا هر سال غلّه آن را گرفته و برای عمارت مسجد صرف نماید.

به مردم بگو: بدین مکان رغبت نمایند و با اشتیاق به آن روی آورند و آن را عزیز و گرامی بدانند و در آنجا چهار رکعت نماز به جای آورند.^۲

جناب حسن بن مثله می‌گوید: با خود گفتم: گویا این همان مکان است که تو آن را مسجد امام صاحب الزمان ارواحنا فداه می‌دانی در حالی که به جوانی که بر پشتی‌ها تکیه داده بود اشاره می‌کردی، پس آن جوان به من اشاره فرمود که بروم.^۳

مسجد شریف جمکران از مکان‌های بسیار مهم معنوی در صحنه گیتی است و کسانی که به آن مکان مقدّس شرفیاب می‌شوند، باید کاملاً آداب آن را رعایت نموده و از اهمّیت و موقعیت معنوی آن، آگاه باشند؛ تا با تشرف به آن مکان پرفیض، روح و جان خود را سرشار از معنویت نموده و وجود خویش را باصفا و نورانی سازند. اینک بعضی از نکاتی را که دانستن آن برای افرادی که به آن مکان معنوی شرفیاب می‌شوند مفید است، بیان می‌کنیم:

۱. بدان، جریان مسجد جمکران که در عالم بیداری برای حسن بن مثله واقع شده، نشانگر شأن و بزرگواری و مقام والای جناب سید ابوالحسن الرضا است، زیرا در عصر او سادات زیادی از فرزندان ائمه طاهریین علیهم‌السلام در قم ساکن بودند، لذا برگزیده شدن ایشان از طرف امام زمان صلوات الله علیه بیانگر مقام والا و اهمّیت موقعیت آن بزرگوار است. بارگاه آن بزرگوار در شهر مقدّس قم، خیابان آذر می‌باشد، مکانی که مورد توجه مردم بوده و دوستداران اهل بیت علیهم‌السلام به زیارت آن مشرف می‌شوند، سزاوار است کسانی که به مسجد جمکران مشرف می‌شوند در صورت امکان آن بزرگوار را در مزار شریف ایشان زیارت کنند، و بر مجاورین و همسایگان آن بارگاه شریف لازم است که به آن مکان مقدّس احترام گذاشته و در زیارت آن اهتمام ورزند.

۲. دستور نماز مسجد مقدّس جمکران در ص ۱۱۷ این کتاب بیان خواهیم کرد.

۳. بحار الأنوار: ۲۳۰/۵۳، نجم الثاقب: ۲۸۳. تاریخی که در این جریان ذکر شده صحیح نیست؛ زیرا آن را مرحوم شیخ صدوق نقل کرده و وفات ایشان قبل از تاریخ مذکور است.

۱- حضرت امام عصر ارواحنا فداء در بیداری توسط جناب حسن بن مثله جمکرانی به امامزاده عظیم الشأن سید ابوالحسن الرضا فرمان دادند آن مسجد مقدس را بنیان گذارد. و جریان آن در تمام منابع و مدارک به عنوان بیداری نقل شده است نه خواب.

۲- صدها سال قبل از فرمان حضرت بقیة الله ارواحنا فداء به بنا کردن آن مکان مقدس، حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام از وقوع آن خبر داده‌اند و در روایتی که صاحب کتاب «انوار المشعشعین: ۴۵۴/۱» ذکر نموده است امیر دائرة هستی و ولی عوالم امکان حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام به تفصیل آن را در پیشگویی خود بیان نموده‌اند.

در آن روایت شریف در بیان عظمت مسجد مقدس جمکران سرّی را بیان کرده‌اند که همه تاب تحمل و پذیرش آن را ندارند.

۳- مسجد مقدس جمکران در عصر ظهور امام عصر ارواحنا فداء بزرگترین پایگاه قدرت آن حضرت پس از کوفه است و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در آن روایت فرموده‌اند:

در عصر ظهور، پرچم لشکریان امام عصر (ارواحنا فداء) بر فراز کوه سفید - که همان کوه خضر در نزدیکی مسجد است - به اهتزاز درمی‌آید.

۴- نکته بسیار مهمی که باید به آن توجه داشت این است که نه تنها مسجد مقدس جمکران در عصر ظهور امام عصر ارواحنا فداء عظمت و موقعیت خاصی دارد و مرکز قدرت و محلّ تحولات روحی و معنوی است که در زمان غیبت آن حضرت نیز این چنین است.

این نکته را از فرمایش امام زمان ارواحنا فداء استفاده می‌کنیم که فرموده‌اند: «هر کس این نماز را در این مکان بخواند گویا که در داخل خانه خدا آن را انجام داده». و خانه خدا نه تنها مرکز مغناطیس زمین است و از نظر روحی و جسمی در انسان تأثیر می‌گذارد، که در برابر بیت المعمور و مکان‌های معنوی آسمانی و فضائی است.

بنابراین انسان با بودن در خانه خدا و اقامه نماز در آن، راه ارتباط برایش باز می‌شود و خود را در اختیار جاذبه‌های روحی و جسمی زمین و آسمان قرار می‌دهد و در معرض

تشنشعات امواج نامرئی قرار می‌گیرد که در جسم و جان انسان تحوّل سازنده به وجود می‌آورد و مکان اصلی مسجد مقدّس جمکران نیز دارای همین اثر ارزنده است.

و دلالت می‌کند بر این مطلب کلام امام عصر ارواحنا فداء که فرموده است: «نماز خواندن در آن مکان همچون نماز خواندن در داخل خانه خدا می‌باشد».

همانا برای مکان اصلی مسجد جمکران اسراری ناشناخته نهفته است که مردم آن را نمی‌دانند. و همان گونه که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرموده‌اند:

ما من علمٍ إلّا وأنا أفتحه، وما من سرٍّ إلّا والقائم يخرمه.^۱

هیچ علمی نیست مگر آن که من آن را می‌گشایم و هیچ سری نیست مگر آن که قائم آن را بیان می‌کند و به پنهان بودنش خاتمه می‌دهد.

بناء مسجد مقدّس جمکران و عظمت و راز آن را نیز اوّل حضرت امیر المؤمنین علیه السلام خبر داده‌اند و بیان همه اسرار آن در عصر ظهور حضرت صاحب الامر ارواحنا فداء صورت خواهد گرفت إن شاء الله.

ما یاد آن زمان پرشکوه را در خاطره‌ها تجدید می‌کنیم و از خدای مهربان می‌خواهیم هر چه زودتر آن ظهور نورانی را برساند تا اسرار عالم وجود را فاش ساخته و دانش بیکران و عدل و داد را در سراسر جهان بگستراند.

۵- افرادی که به آن مکان مقدّس مشرف می‌شوند باید بدانند در جایی بسیار باعظمت گام برمی‌دارند که مورد توجه امام عصر ارواحنا فداء می‌باشد و آنان در منظر و محضر نورانی آن بزرگوار هستند به گونه‌ای که گویی در منزل آن حضرت وارد شده‌اند و در خدمت آن بزرگوار حاضر گشته‌اند.

بنابراین باید شرایط حضور را در این مکان بیش از اماکن دیگر رعایت کنند و بدانند که علم و آگاهی حضرت بقیّة الله ارواحنا فداء کاملاً بر آنان احاطه دارد و نه تنها از اعمال و رفتار و گفتار آنان، بلکه از افکار و اندیشه‌ها و نیّت‌های ایشان، و بلکه از افکار و خطورات نهفته در ضمیر ناخودآگاه و نفس آنان نیز باخبرند.

به این جهت باید مواظب رفتار و گفتار و افکار خود باشند؛ زیرا آنان در مسجد مقدّس جمکران میهمان آن حضرت هستند، پس باید شرایط ادب و حضور را از قبل از تشرّف بیشتر رعایت کنند.

۶- یکی از شرایط ادب برای کسی که در آن مکان مقدّس تشرّف پیدا می‌کند، این است که هدف خود را از تشرّف به آن مسجد مقدّس مشخص نموده و بهترین، مهم‌ترین و عالی‌ترین هدف را برای خود برگزیند و خود را پای‌بند مقاصد کوچک و مسائل مادی و نفسانی خود نسازد، و بداند بزرگ‌ترین مسأله در این عصر و زمان، تعجیل ظهور امام زمان ارواحنا فدا می‌باشد.

زیرا در عصر ظهور آن حضرت، مشکلات مادی و معنوی همه انسان‌ها برطرف می‌شود و دیگر غم به خانه‌ای راه نخواهد یافت. پس چه بهتر که در آن مکان مقدّس برای نجات همه انسان‌ها از گرفتاری‌ها و مشکلات دعا کند. و هدف اصلی خود را از تشرّف به مسجد مقدّس جمکران، استغاثه و دعا برای امام عصر ارواحنا فدا و تعجیل فرج و ظهور آن بزرگوار قرار دهد.

توجه به وظایف دوران غیبت

گرچه ما این کتاب را - با توفیق خداوند و لطف حضرت بقیّة الله ارواحنا فدا - درباره آشنایی با یکی از وظایف زمان غیبت یعنی دعا برای تعجیل ظهور امام زمان صلوات الله علیه، تألیف نموده‌ایم؛ ولی سزاوار است در مقدّمه آن، بعضی از وظایف‌ها و برنامه‌های دیگر دوران تاریک غیبت را نیز بیان کنیم؛ گرچه امیدواریم ان شاء الله فرج آن حضرت را به زودی شاهد بوده و در پایان دوران غیبت باشیم؛ زیرا بنا بر روایاتی که از ائمّه اطهار علیهم‌السلام وارد شده، لازم است که هر صبح و شام متوقّع واقع شدن ظهور آن امام همام و چشم به راه آمدن او باشیم.

متأسفانه در این زمینه تاکنون مردم نوعاً از تمام وظایفی که در دوران غیبت به عهده دارند بی‌اطلاعند، و کتاب‌های ارزنده‌ای که در این باب نوشته شده مشتمل بر بعضی از وظایف‌های زمان تاریک غیبت می‌باشد. و چنانچه مردم از اولین روزهای سیاه

غیبت با حال تباه خود آشنا می شدند، عصر غیبت این گونه طولانی نمی شد.

به هر حال همه مردم بالأخص کسانی که دارای وظیفه بیان این گونه مسائل بوده اند و از گفتن آن غفلت یا تغافل ورزیده اند، باید از عمل خود سخت غمگین و شرمسار باشند.

آیا سزاوار است امیر عالم هستی که عالم به همه نیازمندی ها در این منظومه و همه منظومه ها و کهنکشانهاست در میان ما باشند و ما از آن حضرت غافل باشیم؟
آیا سزاوار است قوای مغزی میلیاردها انسان بر اثر پنهان بودن نور خدا همچنان در پرده ظلمت قرار داشته باشد؟

آیا سزاوار است میلیاردها انسان هر یک جام جهان نمائی به نام قلب با خود همراه داشته باشند و از عظمت آن بی خبر باشند؟

آیا در چه زمانی قلبها به حیات اصلی خویش باز می گردند و با زندگی عالی انسانی به معنای واقعی آشنا می شوند؟

آیا در چه دورانی انسانها به عظمت قلب خویش و آن آئینه ای که با آن می توانند جهانی را مشاهده کنند آگاه می شوند؟

آیا در کدامین زمان تحرّکی در عقل و خرد و اندیشه انسانها پدید می آید و جامعه بشریت با گسترش دانش به مقامات عالی و والای علمی راه پیدا می کند؟

آیا در کدامین روزگار انسانها بر اثر آشنا شدن با نور خدا، تیرگی ها و تاریکی ها، زورگویی ها و تزویرها را کنار نهاده و به حکومت عادلانه الهی که جهانی خواهد بود می رسند؟ آیا چه زمانی ... و آیا چه زمانی ...

آیا اینها همه، جز در حکومت حضرت بقیّة الله ارواحنا فداء میسر است؟ پس چرا شکوه آن زمان را احساس نمی کنیم؟ و چرا از تیرگی این زمان شکوه نمی نمائیم؟
چرا از وضع جهان در آینده^۱ آگاهی نداریم؟ و چرا به وظیفه های دوران غیبت عمل نمی نمائیم؟!

۱. رجوع کنید به اثر دیگر مؤلف: «دولت کریمه امام زمان ارواحنا فداء».

اعتیاد به عصر غیبت امام عصر ارواحنا فداه!

پاسخ همه این سئوالات این است که ما به عصر غیبت و تاریکی و ظلم و ستم در آن خو گرفته‌ایم! به حدی که مجذوب ظلم و ظلمت گشته و به آن معتاد شده‌ایم! و اعتیاد یک قدرت بسیار قوی برای کشاندن انسان‌ها به طور ناخودآگاه به سوی خوبی‌ها و یا بدی‌هاست!

اعتیاد و خو گرفتن انسان به هر چیزی همچون فطرت و طبیعت او، آدمی را به سوی آن می‌کشاند به طوری که گویی اراده و اختیار را از انسان در مقابل آن و عمل کردن برخلاف آن گرفته است! این قدرت را خداوند در اعتیاد قرار داده است تا آدمی با خو گرفتن به خوبی‌ها بدون زحمت و ناخودآگاه به سوی آن‌ها جذب شوند و از بدی‌ها و زشتی‌ها کناره گیرند.

به این جهت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام عادت را طبیعت دوم انسان برشمرده و فرموده‌اند:

العادة طبع ثانٍ^۱.

عادت طبیعت دوم است.

این کلام کوتاه حقایق مهمی را دربردارد. بنابراین فرمایش همان گونه که انسان به سوی آنچه فطرت و طبیعت او اقتضا دارد به راه می‌افتد، به سوی آنچه به آن خو گرفته و عادت نموده نیز حرکت می‌کند.

انسان باید از این قدرت بزرگ، در راه صحیح و هدف‌های ارزنده استفاده کند، و از آلوده ساختن خویش به عادت‌های زشت و ناپسند خودداری نماید.

متأسفانه جامعه بشری بر اثر نداشتن رهبری صحیح و نبود قدرتی که بتواند اجتماع را به سوی فضیلت‌های اخلاقی و صفات برجسته انسانی سوق داده و هدایت نماید، به عادت‌های اشتباه فردی و اجتماعی گرفتار شده است.

اعتیادهای اجتماعی قدرتی بسیار بیشتر از اعتیادهای فردی دارند و آسان‌تر

می‌توانند انسان را به سوی چیزی که اجتماع به آن خو گرفته است، بکشانند.
یکی از عادت‌های شوم اجتماعی که جامعه ما را به خود گرفتار نموده و در بند اسارت خویش کشیده است، خو گرفتن به وضع موجود و سازش با آن است به گونه‌ای که هرگز درباره آینده‌ای حیاتبخش و نجات‌دهنده فکر و اندیشه‌ای نکنند.

با آن که رسول خدا ﷺ و اهل بیت  با بیان مسأله «انتظار» و تشویق انسان‌ها به سوی آن، مردم را به اشتباه بودن سوختن و ساختن آگاه نموده و با بیان مسأله انتظار آنان را به امید و حرکت به سوی آینده روشن فرا خوانده‌اند.

متأسفانه کسانی که وظیفه داشته‌اند این مسأله مهم حیاتی را برای مردم بیان کنند، در این وظیفه کوتاهی ورزیده‌اند. به این جهت مردمان همچنان به سوختن و ساختن عادت کرده‌اند و درباره رسیدن به آینده درخشان، تلاش نکرده‌اند؛ و با کمال تأسف مسأله غیبت امام عصر ارواحنا فداه هنوز ادامه یافته است!

هنوز اکثریت جامعه ما به یک نوع اعتیاد که غفلت از مسأله ظهور امام عصر ارواحنا فداه می‌باشد، گرفتار است؛ و آن را به دلیل قانون وراثت از نسل‌های گذشته به ارث برده است! و در نتیجه هنوز جامعه ما در حال رکود به سر می‌برد و حرکتی در جهت ترقی و رسیدن به مراتب عالی و ارزنده ننموده است! در حالی که اگر کسی بتواند عادت‌های اشتباه را کنار زده و خود را به خصلت‌های ارزنده انسانی زینت دهد به بهترین مقامات عالی دست می‌یابد.

حضرت امیرالمؤمنین  می‌فرمایند:

بغلبة العادات الوصول إلى أشرف المقامات.^۱

رسیدن به ارزنده‌ترین مقامات، با غلبه بر عادات به دست می‌آید.

جامعه ما باید با ایجاد حالت انتظار و دعا برای ظهور منجی جهان حضرت بقیة الله ارواحنا فداه عادت دیرینه غفلت از وجود تاریکی عصر غیبت را کنار بگذارد و به وسیله دعا از اعماق دل و جان خواهان فرار رسیدن حکومت عدل امام عصر صلوات الله علیه از خداوند باشد.

روش فکری خود را تغییر دهید!

با یک جهش روحی و با یک تغییر سبک و روش فکری، تحوّل مهمّی در خود ایجاد کنید و راه خود را از افرادی که برای شان غیبت و ظهور تفاوت چندانی ندارد جدا کنید. یقین داشته باشید همانگونه که بی تفاوتی و غفلت نسبت به پدر جسمانی گناهی بزرگ است؛ بی تفاوتی و غفلت از پدر معنوی گناهی بزرگتر است؛ و سرانجامی تاریک و شوم برای انسان خواهد داشت.

اگر تاکنون نسبت به امام عصر ارواحنا فداه بی تفاوت بوده‌اید و فرق میان ظهور و غیبت آن حضرت را درک نکرده‌اید و در اندیشه ظهور حیاتبخش آن حضرت نبوده‌اید؛ اگر تاکنون اهل دعا و نیایش برای فرارسیدن روزگار پرشکوه عصر ظهور نبوده‌اید، و نمی‌دانستید که نسبت به امام زمان و رهبر و مولای خویش وظیفه‌ای ویژه بر عهده دارید، اکنون که این حقیقت را دریافتید و درک نمودید که در زمان غیبت وظیفه‌ای سنگین بر عهده مردم است، خود را از غفلت نجات بخشیده و با یک اراده قوی و با یک تصمیم جدی، گذشته خود را جبران کنید. و با تلاش و کوشش در مسیر انتظار حضرت بقیة الله ارواحنا فداه گام بردارید و بدانید رأفت و مهربانی شدید آن حضرت نسبت به دوستداران مقام ولایت، سبب می‌شود که غفلت‌های گذشته آنها مورد عفو و بخشش قرار گیرد و قلب مهربان آن بزرگوار اشتباهات ایشان را نادیده خواهد گرفت.

مگر حضرت یوسف علی نبینا و آله و علیه السلام به برادران خود با آن همه ظلم و ستمی که بر ایشان روا داشتند، نفرمود:

﴿ لَا تَثْرِبَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ ﴾^۱.

امروز سرزنشی بر شما نیست، خداوند شما را می‌آمرزد و او رحم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگان است.

یقین داشته باشید روح عظیم انسان، آفریده نشده است که وابسته به مادیات و

مسائل بی ارزش دیگر گردد، بلکه برای آن خلق شده است که با آشنائی با مسائل معنوی و شناخت خداوند و جانشینان او به سوی مسائل الهی کشیده شود.

آیا سزاوار است انسانی که می تواند همچون سید بحر العلوم و مرحوم شیخ انصاری با امام عصر ارواحنا فداه ارتباط داشته باشد، روح خود را غرق در اندیشه های مادی نموده و وجود خویش را گرفتار قید و بندهای غفلت زانماید؟!

آیا سزاوار است انسانی که می تواند بر فراز فضای آشنایی با خاندان وحی به پرواز درآید، پر و بال خود را بشکند و در زندان دنیا خود را بازیچه و اسیر شیاطین گرداند؟!

آیا سزاوار است در میان هفت میلیارد جمعیت انسان در سراسر جهان تعدادی بس اندک با مفسد عصر غیبت آشنایی داشته باشند؟!

چرا نباید همه انسان ها از ارزش انسانی خویش باخبر باشند و بدانند در صورتی دارای قدر و بها هستند که بتوانند به خداوند و جانشین او در این روزگار توجه داشته باشند؟

اگر همه انسان ها لیاقت چنین مقامی را ندارند و این مقام از آن گروهی خاص است، چرا ما و شما از آنان نباشیم؟

کاروان رفت و تو در خواب و بیابان در پیش
کی روی؟ ره ز که پرسی؟ چه کنی؟ چون باشی؟

به سوی امیر عالم هستی

یقین داشته باشید کسی که صادقانه در جستجوی امام عصر ارواحنا فداه باشد و در راه آن حضرت خدمت نماید و درباره تعجیل ظهور آن بزرگوار دعا و تلاش نماید، سرانجام راه به جایی می برد و روزنه ای به سوی گشوده می شود؛ بنابراین از کمک و فداکاری نسبت به آن حضرت که دوران غیبت - همچون ریسمانی که دشمنان به گردن اول مظلوم عالم هستی حضرت امیر المؤمنین علیه السلام افکندند، و دستان آن بزرگوار را بستند - دستان آن حضرت را بسته است؛ دست برندارید. و با تلاش در راه ظهور

حضرت بقیة الله ارواحنا فداه و فراهم کردن مقدمات آن، تازی از ریسمان غیبت را پاره کنید. اطمینان داشته باشید اگر کسی از خورشید تابناک وجود او در زندگی بهره مند شود و شکی به خود راه ندهد، منظور نظر حضرتش قرار می گیرد و آن بزرگوار با کلامی یا پیامی یا نگاهی خاطر او را خشنود و قلبش را شاد می نماید؛ زیرا ممکن نیست کسی در جستجوی حقیقتی باشد و در راه آن قدم بردارد، مگر آنکه سرانجام به همه مقصود خویش و یا به مقداری از آن دست می یابد.

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمایند:

من طلب شیئاً ناله أو بعضه.^۱

کسی که در جستجوی چیزی باشد به تمام آن یا مقداری از آن می رسد.

شما با قاطعیت و یقین معتقد باشید که اینک گرچه دوران تاریک غیبت است و نوبت اظهار ولایت و قدرت حضرت بقیة الله ارواحنا فداه نرسیده؛ ولی با این وجود آن حضرت قطب دائرة امکان و امیر عالم هستی هستند و ولایت مطلقه آن بزرگوار سراسر جهان را فرا گرفته است. در زیارت آن حضرت می خوانیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قُطْبَ الْعَالَمِ.^۲

سلام بر شما ای قطب عالم هستی.

همه موجودات عالم هستی در عصر تاریک غیبت و همچنین در دوران نورانی ظهور در پرتو آن وجود مقدس به زندگی ادامه می دهند و مدیون امامت و رهبری آن بزرگوار می باشند. نه تنها ذرات مادی جهان بلکه بزرگان عالم که مسیحا نفسند تابع و پیرو فرمان آن بزرگوارند؛ بلکه شخص حضرت عیسی علیه السلام دم مسیحائی و مقام ارزشمند خود را به یمن وجود آن حضرت و آباء گرامی آن بزرگوار بدست آورده است. و نه تنها در عصر ظهور که اکنون نیز در تحت لواء امامت و رهبری آن بزرگوار به انجام وظیفه مشغول است.

۱. شرح غرر الحکم: ۲۰۵/۵.

۲. همین کتاب: ۵۷۷.

در زیارت امام زمان ارواحنا فداء می خوانیم:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمَسِيحِ.^۱

سلام بر شما ای پیشوای مسیح.

این ولایت و رهبری، مخصوص روزگار پرشکوه ظهور نیست؛ بلکه اکنون نیز حضرت عیسی در جایگاه عظیم خود افتخار پیروی از مقام امامت و رهبری آن بزرگوار را دارا می باشد.

همه نجباء، نقباء و اولیاء خدا که پا بر هوای نفس خود گذاشته و قصد و نیت خویش را خالص نموده اند، به قدر ارزشی که در پیشگاه خداوند دارند، راه و یا روزنه ای به سوی مقام نورانیت آن حضرت که نور عالم هستی در این عصر و زمان است بدست آورده اند، و امام عصر ارواحنا فداء تنهایی و غربت خویش را با این گونه اشخاص که به مقامات عالی راه یافته اند بر طرف می نماید. در روایت می خوانیم:

وما بثلاثين من وحشة.^۲

با وجود سی نفر (از یاوران خالص) احساس تنهایی برای آن حضرت نیست.

مقصود از بیان مطالب گذشته این است که دوران غیبت به این معنی نیست که امدادهای غیبی حضرت بقیة الله ارواحنا فداء از موجودات قطع گردیده و آن بزرگوار از کسی دستگیری نمی کنند و کسی در عصر تیره غیبت راهی به نور و روزنه ای به روشنائی نمی یابد؛ بلکه همان گونه که گفتیم کسانی که با صداقت به سوی آن بزرگوار می شتابند و در پرتو بهره مند شدن از دریای بیکران معارف امام عصر ارواحنا فداء روزگار پرشکوه ظهور را در زندگی خود لحظه شماری می کنند، با پیامی یا نگاهی از سوی حضرتش قلب های استوار خود را استوارتر می کنند.

و اگر گوش جان باز کنیم و ندای این افراد با اخلاص را بشنویم، پیام شان به ما این

گونه است: ﴿فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِي الْمُقَدَّسِ طُوًى﴾^۳.

۱. همین کتاب: ۵۷۷.

۲. بحار الأنوار: ۱۵۲/۵۲.

۳. سوره طه، آیه ۱۲.

کفش خود را در آورید و ببینید چگونه پای خود را آزرده‌اید که تاکنون از رفتن به سوی امیر عالم هستی و قطب عالم امکان باز مانده‌اید!

متأسفانه عده‌ای از افراد نه تنها خود را خالص نمی‌گردانند و ریگ از کفش خود خارج نمی‌کنند که در کفش دیگران نیز ریگ می‌اندازند و آنان را می‌آزارند. این گونه افراد با نیش زبان، بیشتر به قلب دوستان واقعی می‌زنند؛ زیرا بر اثر القائات شیطانی مایلند همگان از راه رفتن در طریق امام عصر ارواحنا فداء باز مانند. گویی که نمی‌دانند دشمنی با مسیر امام زمان ارواحنا فداء و مخالفت با دوستان واقعی آن حضرت، دشمنی با شخص آن بزرگوار است. مگر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در «نهج البلاغه» فرموده‌اند:

أصدقاءك ثلاثة وأعداؤك ثلاثة، فأصدقاؤك: صديقك، وصديق صديقك، وعدو عدوك، وأعداؤك: عدوك، وعدو صديقك، وصديق عدوك.^۱

دوستان تو سه گروهند و دشمنان تو نیز سه گروه می‌باشند.

اما دوستان عبارتند از: ۱- دوست خودت، ۲- دوست دوستت، ۳- دشمن دشمنت.

و دشمنان عبارتند از: ۱- دشمن خودت، ۲- دشمن دوستت، ۳- دوست دشمنت.

بنابراین آیا دشمنی کردن با دوستان امام عصر ارواحنا فداء، مخالفت با آن بزرگوار نیست؟!

بگذریم که این سخنان خوشایند همگان نیست! زیرا که اکنون ریگ و ریگزار فراوان است و بیابان‌های تفتیده ریگ‌های داغ فراوان دارد! و خشکسالی و قحطی چهره کریه خود را به همه نشان داده است و فکر باران افراد را به خود مشغول ساخته و عده‌ای در پی انجام نماز استسقاء رفته‌اند.

اما صدها سال از غیبت آن آب گوارای حیات می‌گذرد و مردم دست‌شان از آن چشمه زلال حیات مادی و معنوی کوتاه است ولی برای رسیدن به آن کوشش نمی‌کنند و به فکر باران می‌باشند در حالیکه باران به برکت وجود آن حضرت می‌بارد.

آیا در زیارت جامعه نمی خوانیم :

وبکم ينزل الغيث.

به وسیله شما باران سودمند می بارد .

ولی ما چنین بوده و چنین هستیم ، اصل را فراموش کرده و به جستجوی فرع می پردازیم . همان گونه که مسبب الأسباب را از یاد می بریم و به دنبال اسباب می رویم .

توجه به حضرت بقیة الله ارواحنا فداء لازم است

باید بدانیم که توجه به حضرت بقیة الله الأعظم ارواحنا فداء ، توجه به خداوند کریم است ؛ همانگونه که توجه به بقیة ائمة طاهرین علیهم السلام توجه به خداوند می باشد .

پس زیارت و توسل به ائمة اطهار علیهم السلام ، مایة توجه به خداوند تبارک و تعالی است . به این جهت کسی که قصد تقرب به خداوند بزرگ بنماید به ائمة اطهار علیهم السلام روی می آورد . در زیارت جامعه می خوانیم :

وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ.

کسی که او (خداوند) را قصد نماید به سوی شما روی می آورد .

انسان با توجه به ائمة اطهار علیهم السلام نه تنها عوامل موفقیت و پیشرفت را به سوی خود جلب می کند بلکه موانعی را که مانع رسیدن به مقامات عالی هستند نیز برطرف می نماید ؛ زیرا به وسیله توجه به امام زمان ارواحنا فداء و همچنین بقیة ائمة اطهار علیهم السلام درهای رحمت و مغفرت الهی به سوی انسان گشوده می شود و تاریکی ها از باطن او برطرف می گردد .

حضرت باقر العلوم علیه السلام در شرح کلام حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمودند: «أنا باب الله» ، می فرمایند :

يعني مَنْ تَوَجَّهَ بِي إِلَى اللَّهِ غُفِرَ لَهُ .^۱

یعنی کسی که به وسیله من توجه به خداوند نماید آمرزیده می شود .

بنابراین با توجه به باب الله، خداوند گناهان او را آمرزیده و موانع پیشرفت روحی او را برطرف می‌کند.

گرچه همه چهارده معصوم علیهم‌السلام به دلیل دارا بودن «مقام نورانیت» محیط بر هر عصر و زمانی هستند و انسان‌ها در هر عصر و زمان باید توجه به همه آن بزرگواران بنمایند ولی بز اساس مقامات تنزیله زمانیّه، هر انسانی باید به امام عصر و زمان خودش بیشتر از بقیه ائمه علیهم‌السلام توجه داشته باشد.

اینک به روایت عبدالله بن قدامة ترمذی از حضرت ابا الحسن علیه‌السلام توجه نمایید که فرمودند:

من شك في أربعة فقد كفر بجميع ما أنزل الله عز وجل؛ أحدها معرفة الإمام في كل زمان وأوان بشخصه ونعته.^۱

کسی که درباره چهار چیز شک کند به تمامی آنچه که خداوند نازل فرموده کافر شده است؛ یکی از آنها شناختن امام در هر عصر و زمان است که شخص امام و صفاتی را که داراست بشناسد.

پس در هر زمان معرفت و شناخت نسبت به امام آن زمان واجب است و چگونه ممکن است کسی معرفت به امام زمان خویش داشته باشد و از عظمت آن بزرگوار گاه باشد، ولی به او توجه نداشته باشد؟!!

بنابراین، توجه نداشتن به امام عصر ارواحنا فداء و شناختن اوصاف و خصوصیات قام رفیع آن بزرگوار، اگر چه انسان به امامان دیگر توجه داشته باشد صحیح نیست. پس وظیفه ما در این عصر و زمان اینست که به حضرت بقیة الله ارواحنا فداء که در ران امامت آن بزرگوار هستیم توجه خاص داشته باشیم.

یکی از اولیاء خدا به یکی از علمای معروف گذشته به نام مرحوم ملا قاسم رشتی ایی تعلیم نمودند و فرمودند: آن را به دیگران یاد بده تا اگر مؤمنی در بلایی گرفتار آن را بخواند که تأثیر آن مجرب است، و دعا چنین است:

یا محمد یا علی یا فاطمة یا صاحب الزمان ادرکنی ولا تهلکنی.

چون دعا را این گونه به ایشان تعلیم نمود، می گوید: اندکی تأمل کردم و به فکر فرو رفتم. فرمودند: این عبارت را غلط می دانی؟ عرض کردم: آری؛ چون خطاب به چهار نفر است و فعل بعد از آن ها باید جمع باشد.

فرمودند: اشتباه می کنی، زیرا در این زمان نظم دهنده جهان حضرت بقیة الله علیه السلام است، ما در این دعا حضرات محمد و علی و فاطمه علیهم السلام را برای شفاعت نزد آن بزرگوار می خوانیم و از آن حضرت به تنهایی استمداد می کنیم.^۱

لازم است به این نکته توجه داشته باشیم: همان گونه که در زمان پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و در زمان حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام جناب سلمان و ابوذر و مقداد و سایر اولیاء خدا متوجه آن بزرگواران بودند و در گرد شمع وجود ایشان می گشتند و همچنین اولیاء الهی در زمان امام حسن مجتبی و حضرت سید الشهداء علیه السلام و ... متوجه آن بزرگواران بودند و از یاد آنان غفلت نمی ورزیدند، در این زمان نیز آنان که به تکامل معنوی و درجات عالی راه یافته اند، یاد و توجه به مولای خود حضرت بقیة الله ارواحنا فداه را فراموش نمی نمایند.

در دعای شریف ندبه می خوانیم:

أین وجه الله الَّذی إلیه یتوجه الأولیاء.

کجاست آن آئینه تمام نمای الهی که اولیاء خدا به سوی او توجه می نمایند؟

پس در این زمان نیز اولیاء بزرگ خداوند به امام عصر خویش توجه دارند، گرچه آنان در میان مردم ناشناخته اند ولی با آن بزرگوار در ارتباط هستند و از فرمایشات آن بزرگوار بهره مند می شوند، در زیارت آل یس می خوانیم:

السَّلَامُ عَلَیْكَ حَیْنَ تَقْرَأُ وَتَبِیِّنُ.

سلام بر شما در آن هنگام که (قرآن را) تلاوت می کنید و (اسرار آن را) بیان می فرمائید.

۱. دار السلام مرحوم عراقی: ۳۱۷. تمام این جریان را در ص ۴۲۸ این کتاب نقل می کنیم.

بنابراین، لازم است انسان در هر عصر و زمانی که زندگی می‌کند به امام زمان خویش توجه خاصی داشته باشد. اکنون به این روایت که از امام رضا علیه السلام نقل شده است توجه کنید:

عن مولانا الرضا عن آبائه عليهم السلام قال: قال رسول الله صلى الله عليه وآله في قول الله تبارك وتعالى: ﴿يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمَامِهِمْ﴾^۱ قال: يدعى كل قوم بإمام زمانهم، وكتاب الله وسنة نبيهم.^۲

حضرت امام رضا علیه السلام از پدران گرامی خود نقل فرمودند که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره فرمایش خداوند: «روزی که همه انسانها را با امامشان فرا می‌خوانیم» فرمودند: هر گروهی با امام زمانش و کتاب خداوند و سنت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله خوانده می‌شود.

و معنی روایت این است که: هر انسانی در روز قیامت درباره این سه مسأله حیاتی مورد پرس و جو و بازرسی قرار می‌گیرد که آیا وظیفه‌اش را نسبت به امام زمان خود و همچنین کتاب خدا و سنت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله انجام داده است یا نه؟ پس در روز قیامت از مسأله امامت سؤال می‌شود و بررسی می‌کنند که آیا انسان به امام زمانش معرفت و شناخت داشته است یا نه؟

یکی از راه‌های مهم توجه به امام عصر ارواحنا فداه خواندن نمازها، دعاها و زیاراتی است که از ائمه اطهار علیهم السلام درباره آن حضرت وارد شده است و یا از ناحیه مقدسه آن بزرگوار صادر گردیده است.

سفارش جناب محمد بن عثمان، دوّمین نایب خاص امام عصر ارواحنا فداه به احمد ابن ابراهیم در برابر درخواستی که از ایشان کرده بود، این است:

توجه إليه بالزيارة.^۳

به سوی آن حضرت به وسیله این زیارت توجه نما.^۴

۱. سورة اِسراء، آیه ۷۱.

۲. بحار الأنوار: ۱۰/۸. ۳. بحار الأنوار: ۱۷۲/۵۳.

۴. مقصود «زیارت ندبه» است که آن را در این کتاب در بخشی «زیارت‌ها» می‌آوریم.

از این کلام می توان استفاده نمود که به وسیله زیارات یا دعاهایی که در ارتباط با آن حضرت است، انسان می تواند به سوی آن بزرگوار توجه نموده و قلب و روح خود را مجذوب آن وجود مقدس نماید.

مسأله توجه داشتن به مقام و شخصیت امام عصر ارواحنا فداء و اظهار اندوه و غم در هجران و فراق آن بزرگوار نه تنها در زمان غیبت، بلکه در زمان حضور ائمه اطهار علیهم السلام نیز مطرح بوده و اهل بیت علیهم السلام عظمت مقام و شخصیت حضرت بقیة الله ارواحنا فداء را بیان کرده اند و از غیبت و فراق آن سرور عالم امکان اظهار تأسف نموده اند.

در واقع اهل بیت علیهم السلام نه تنها با بیانات خود مردم را موظف نموده اند که به یاد سرور عالم هستی باشند و در غیبت و فراق آن بزرگوار اندوهگین و غمناک باشند؛ بلکه عملاً نیز با ریختن اشک و کشیدن آه از دل پر درد خود، نسبت به غیبت طولانی حضرتش، همه را درس سوز و انتظار آموخته اند؛ ولی متأسفانه شیعیان این مسأله حیاتی را که در تمام ابعاد زندگی دنیوی و اخروی آنها دارای مهم ترین اثر است، به دست غفلت و فراموشی سپرده اند.

بزرگانی که وظیفه داشته و دارند مردم را با این موضوع بسیار مهم که در عالم هستی تأثیر عظیم دارد آشنا نمایند، سهل انگاری کردند؛ و با غفلت و بی توجهی جامعه شیعه در گذشته و حال از این مسئله مهم و حیاتی، جهان همچنان از نعمت ظهور حضرت بقیة الله الأعظم ارواحنا فداء بی بهره است و بر اثر دوری و غیبت آن سرور عالم هستی به نعمت تکامل در تمام ابعاد علمی و معنوی، دست نیافته و همچنان زور و زر و تزویر بر جهان و جهانیان حکومت می کند و ادامه حکومت لعنت شده حبتری میلیاردها انسان مسلمان و غیر مسلمان را در چنگال خونبار خود گرفتار نموده است. جامعه ما آنگونه در مسائل دنیوی غرق شده و آنچنان چشم به اسباب دوخته که **مسبب الأسباب را فراموش کرده است**، درست است که دنیا سرای اسباب می باشد و ما باید برای کارهای خود در پی اسباب و وسیله باشیم، ولی این نباید تا به آن حد باشد که سبب آفرین را فراموش کنیم. جامعه ما، هم به خداوند که مسبب الأسباب است کم توجه می باشد و هم از ولی و جانشین او غفلت می ورزد.

یکی از علل مهمی که باعث غفلت و یا کم توجهی بسیاری از مردم نسبت به امام عصر ارواحنا فداه شده است، عدم آگاهی و شناخت آنان از مقام و شخصیت آن بزرگوار است که در روایات خاندان وحی کاملاً به عظمت آن بزرگوار تصریح شده است، متأسفانه کسانی که وظیفه داشته‌اند این حقایق را به مردم برسانند و آنان را به سوی سرور عالم وجود و رهبر جهان هستی متوجه سازند، موفق به انجام این وظیفه مهم شرعی نشدند.

اکنون آنچه را که برادران حضرت یوسف به حضرت یعقوب گفتند، به امام زمان خویش ارواحنا فداه عرض می‌کنیم و به این وسیله از پیشگاه امام رثوف طلب عفو و بخشش می‌نمائیم:

﴿ يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ ﴾^۱

ای پدر ما، برای گناهان ما استغفار نما؛ به راستی که ما خطاکار بودیم.

امید است که با عفو و بخشش آن حضرت از گذشته ما، آینده را جبران نموده و به یاد آن بزرگوار باشیم و تا توان داریم دیگران را به سوی ساحت مقدس آن حضرت متوجه سازیم.

انتظار

ترک عادت‌های اجتماعی و رها شدن از قید و بند غفلت از آثار ارزشمندی که ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداه به همراه دارد، انسان را به برترین و بافضیلت‌ترین مقامات می‌رساند و در پرتو انتظار ظهور امام عصر صلوات الله علیه نه تنها از قید و بند غفلت از آن حضرت رها می‌شود بلکه غیبت برای او به منزله مشاهده می‌شود. اکنون به این روایت بسیار جالب توجه کنید: حضرت امام سجّاد علیه السلام به ابی خالد کابلی فرمودند:

تمت الغيبة بولي الله الثاني عشر من أوصياء رسول الله صلوات الله وسلامه والأئمة بعده.

یا ابا خالد؛ إنَّ أهل زمان غيبته، القائلین بإمامته، المنتظرین لظهوره
أفضل أهل كلِّ زمان، لأنَّ الله تعالى ذكره أعطاهم من العقول والأفهام
والمعرفة ما صارت به الغيبة عندهم بمنزلة المشاهدة وجعلهم في ذلك
الزمان بمنزلة المجاهدين بين يدي رسول الله ﷺ بالسيف، أولئك
المخلصون حقاً وشيعتنا صدقاً والدعاة إلى دين الله سرّاً وجهرّاً.

وقال ﷺ: انتظار الفرّج من أعظم الفرّج.^۱

غیبت نسبت به دوازدهمین نفر از اوصیاء رسول خدا ﷺ و امامان بعد از او امتداد
پیدا می‌کند و طولانی می‌شود.

ای ابا خالد؛ به راستی که اهل زمان غیبت او که به امامت ایشان معتقدند و منتظر
ظهور او می‌باشند برترین اهل هر زمان هستند. زیرا که خداوند - که یارش بزرگ
باد - آن چنان به آنان عقل و فهم و معرفت عنایت نموده است، که مسئله غیبت برای
آنان به منزله مشاهده گردیده و خداوند آنان را در آن زمان به منزله کسانی قرار داده
است که پیشاپیش رسول خدا ﷺ با شمشیر جنگیده‌اند، آنان حقیقتاً صاحبان
اخلاص، و شیعیان راستین ما و دعوت کنندگان به دین خدا در نهان و آشکار
می‌باشند.

و حضرت سجّاد علیه السلام فرمودند: انتظار فرّج از بزرگ‌ترین نوع فرّج است.

امام سجّاد علیه السلام در این روایت کسانی را که در زمان غیبت امام زمان ارواحنا فداه زندگی
می‌کنند ولی مسئله غیبت نتوانسته آنان را در قید و بند غفلت اسیر کند و در انتظار
ظهور آن بزرگوار به سر می‌برند، برترین مردمان هر زمان معرفی فرموده‌اند، زیرا آنان
توانسته‌اند با عقل و فهم و معرفتی که خداوند به آنان داده است نه تنها گرفتار عادت
اجتماعی غفلت از امام زمان ارواحنا فداه نباشند، بلکه نتوانسته‌اند آن چنان در حالات
روحی خود تحوّل ایجاد کنند که مسئله غیبت برای آنان همچون مشاهده شود.

بنا به فرمایش امام سجّاد علیه السلام این گونه افراد شیعیان راستین اهل بیت و پیروان
واقعی خاندان وحی ﷺ می‌باشند.

ما اگر خواهان رسیدن به مقامات شیعیان راستین و واقعی هستیم باید مسیری را بپیماییم که آنان پیموده‌اند و در راهی گام برداریم که آنان در آن راه گام برداشته‌اند، و همچون آنان اعتیاد به غفلت را از خود زدوده، و خود را با توجه و انتظار ظهور زینت بخشیم؛ زیرا انتظار پدیدآورنده فکر و اندیشه، نیروبخش و عمل آفرین است، و بر این اساس پیغمبر اکرم ﷺ فرموده‌اند:

أفضل جهاد أمتي انتظار الفرج.^۱

بافضلیت‌ترین جهاد اُمت من، انتظار فرج است.

انتظار زمینه‌ای مهم برای برقراری و تسلط حکومت جهانی امام عصر ارواحنا فداه می‌باشد و علت سفارشات فراوان خاندان وحی پیرامون این موضوع، اهمیت آن است. و حضرت امام صادق علیه السلام یکی از شرایط پذیرفته شدن عبادت بندگان را انتظار حکومت حضرت قائم ارواحنا فداه بر شمرده‌اند، و پس از بیان این موضوع فرموده‌اند:

إِنَّ لَنَا دَوْلَةً يَجِيئُ اللَّهُ بِهَا إِذَا شَاءَ، ثُمَّ قَالَ: مَنْ سَرَّ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظَرٌ، فَإِنْ مَاتَ وَقَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كَانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ، فَجَدُّوا وَانْتَظِرُوا هُنَيْئًا لَكُمْ أَيْتُهَا الْعَصَابَةُ الْمَرْحُومَةُ.^۲

برای ما دولتی است که هر گاه خداوند بخواهد آن را می‌آورد. سپس فرمودند: کسی که دوست دارد از اصحاب (حضرت) قائم (ارواحنا فداه) باشد، باید منتظر ظهور باشد و به ورع و اخلاق نیکو رفتار کند در حالی که در صراط انتظار گام برمی‌دارد؛ پس در این حالت اگر مرگ او فرارسد و (حضرت) قائم بعد از او قیام کنند، پاداش او همانند کسی است که آن بزرگوار را درک می‌نماید. پس کوشش کنید و منتظر باشید. گوارا باد بر شما ای گروهی که مورد رحمت خداوند هستید.

امام صادق علیه السلام در روایت دیگری در پیرامون وظیفه مردم در زمان غیبت امام عصر

ارواحنا فداه می‌فرمایند:

۱. بحار الأنوار: ۱۴۳/۷۷.

۲. بحار الأنوار: ۱۴۰/۵۲.

وانتظر الفرج صباحاً ومساءً.^۱

صبح و شام در انتظار فرج و ظهور باش.

و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام دارا بودن حالت انتظار را از صفات دوستداران و شیفتگان اهل بیت علیهم السلام می دانند و محبتین خاندان وحی را به دارا بودن صفت انتظار در هر صبح و شام توصیف می نمایند. آن حضرت می فرمایند:

إِنَّ مَحَبَّتَنَا يَنْتَظِرُ الرُّوحَ وَالْفَرَجَ كُلَّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ.^۲

به راستی که دوستان ما در هر روز و شب در انتظار فرارسیدن روز آسایش و راحتی و فرج می باشند.

یکی از یاران حضرت امام هادی علیه السلام از آن بزرگوار درباره برنامه عملی و وظیفه عموم شیعیان در زمان غیبت امام عصر ارواحنا فداه سؤال کرد:

كيف تصنع شيعتك؟

در زمان غیبت، شیعیان شما چه کاری انجام دهند؟

قال علیه السلام: عليكم بالدعاء وانتظار الفرج.^۳

امام هادی علیه السلام فرمودند: بر شما باد به دعا و نیایش و انتظار فرج.

بنابراین، همان گونه که در روایت وارد شده است، انتظار ظهور مصلح جهان، از شرایط پذیرفته شدن اعمال مردم و از وظائف پیروان و شیفتگان خاندان رسالت است.

پس شخصی که خود را صالح می پندارد، باید منتظر ظهور مصلح باشد، همان گونه که «خلقی که در انتظار ظهور مصلح بسر می برد، باید خود صالح باشد».

اینک با نقل کلامی گهربار از حضرت جواد الائمه علیه السلام در پیرامون وجوب انتظار حکومت جهانی امام عصر ارواحنا فداه بر ارزش کلام می افزائیم.

۱. بحار الأنوار: ۱۲۳/۵۲.

۲. بحار الأنوار: ۱۲۱/۲۷ و ج ۳۸/۶۸.

۳. مهج الدعوات به نقل بحار الأنوار: ۳۳۶/۹۵.

حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام می فرماید:

دخلت على سيدي محمد بن علي عليه السلام وأنا أريد أن أسأله عن القائم، أهو المهديّ أو غيره؟ فبداني، فقال عليه السلام:

يا أبا القاسم؛ إن القائم منا هو المهديّ الذي يجب أن ينتظر في غيبته ويطاع في ظهوره وهو الثالث من ولدي، والذي بعث محمداً بالنبوة وخصنا بالإمامة أنه لو لم يبق من الدنيا إلا يوم واحد لطوّل الله ذلك اليوم حتى يخرج فيملاً الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت جوراً وظلماً وإن الله تبارك وتعالى يصلح أمره في ليلة كما أصلح أمر كليمة موسى عليه السلام ليقتبس لأهله ناراً فرجع وهو رسول نبيّ.

ثمّ قال عليه السلام: أفضل أعمال شيعتنا إنتظار الفرج^۱.

من به محضر مولایم حضرت جواد علیه السلام وارد شدم و تصمیم داشتم از آن بزرگوار درباره قائم آل محمد علیه السلام سؤال کنم که آیا او همان مهدی است یا دیگری؟ قبل از آن که چیزی بگویم، آن حضرت فرمود:

ای ابا القاسم؛ قائم ما آل محمد، همان مهدی است که واجب است در دوران غیبت انتظار او را کشید و در زمان ظهورش اطاعتش نمود.

او سومین نفر از نسل من است. سوگند به آن کسی که محمد صلی الله علیه و آله را به نبوت مبعوث نمود و امامت را به ما اختصاص داد، اگر از دنیا باقی نماند مگر یک روز، خداوند آن روز را طولانی می کند تا آن حضرت خروج کند و زمین را پر از عدل و داد نماید، همان گونه که از جور و ستم پر شده باشد.

خداوند امر او را در یک شب اصلاح می کند، همان گونه که کار کلیم خود حضرت موسی علیه السلام را اصلاح نمود؛ او برای به دست آوردن آتش برای خانواده اش رفت، و در حالی برگشت که دارای مقام نبوت و رسالت بود.

آن گاه حضرت جواد علیه السلام فرمودند: بافضیلت ترین اعمال شیعیان ما، انتظار فرج است.

به امید آن روز که ندای دلربایش در فضا طنین افکن شود و دل‌های دردناک و آزرده را شفا بخشد و بزرگ مردان الهی که خدا در توصیف‌شان فرموده است: ﴿أَيْنَمَا تَكُونُوا يُاتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً﴾^۱ به سوی آن بزرگوار بشتابند و ...

انتظارِ ظهور یا اعتقاد به ظهور؟!

انتظار، تنها به معنای آمادگی برای پذیرش ظهور نیست؛ بلکه علاوه بر آن، در اندیشه آن بودن و آرزو داشتن آن را نیز می‌طلبد.

ممکن است بسیاری از افراد آمادگی و امکانات برای پذیرایی از میهمان را داشته باشند ولی از کسی دعوت نکرده و در انتظار آمدن میهمان نباشند. این گونه افراد را تنها به خاطر آمادگی داشتن برای پذیرایی، نمی‌توان منتظر میهمان دانست؛ زیرا نه منتظر آمدن میهمان هستند و نه از نیامدن آن، ناراحت می‌شوند.

با این بیان روشن می‌شود که در خودسازی و تهذیب نفس، بدون توجه به مسأله انتظار و فرارسیدن روزگاری که سراسر جهان از وجود ظلم و ستم پاکسازی می‌شود، کمبود وجود دارد؛ زیرا کسی که این گونه است یکی از وظایف بزرگ خود را که انتظار داشتن برای پاکسازی جهانی و حرکت به سوی آن مقصد است، به دست فراموشی سپرده است.

به عبارت دیگر؛ اصلاح نفس و پاکسازی در صورتی به تکامل و اوج خود می‌رسد که انسان در آرزو و اندیشه پاکسازی سراسر جهان باشد و تنها به تهذیب نفس خویش نیندیشد. پس کسی که برای اصلاح حال خویش تلاش می‌کند باید در انتظار ظهور مصلح جهان باشد و تنها به اعتقاد داشتن به این موضوع بسنده نکند.

بنابراین، نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد این است که: میان انتظارِ ظهور و اعتقاد به آن تفاوت بسیاری وجود دارد. زیرا همه شیعیان بلکه بسیاری از ملت‌های دیگر جهان به ظهور مصلحی که سرانجام سراسر جهان را پر از عدل و داد کند اعتقاد دارند؛ ولی همه آنانی که اعتقاد به این حقیقت دارند در انتظار تحقق آن نیستند!

۱. سوره بقره، آیه ۱۴۸: «هر کجا باشید خداوند همه شما را می‌آورد».

کسی منتظر ظهور امام زمان ارواحنا فدا می باشد که علاوه بر اعتقاد، امید و انتظار درک آن زمان را داشته باشد و بر اساس انتظار و امید، عمل نماید.

تمام روایاتی که مسأله انتظار در آن ها ستوده شده است، بر لزوم امیدواری و امکان وقوع و درک ظهور امام عصر ارواحنا فدا دلالت می کنند؛ زیرا اگر انتظار و امید نباشد و انسان مأیوس از درک زمان ظهور باشد، چگونه به روایات انتظار که درس امید و آرزو را به انسان ها می آموزند، عمل کرده است؟!

بنابراین، علاوه بر اعتقاد به مسأله ظهور و آمادگی برای درک آن روزگار - به دلیل روایاتی که درس انتظار را به ما می آموزند - هر انسانی وظیفه دارد در اندیشه ظهور بوده و امیدوار به درک آن، و معتقد به امکان فرارسیدن آن در زمان خود باشد، و برای آن که با عافیت زمان ظهور را درک کند دعا نماید و بداند که خداوند آنچه بخواهد انجام می دهد.

معرفت یا راه انتظار

یکی از اموری که درس انتظار را به ما می آموزد و لازم است به آن توجه داشته باشیم، مسأله معرفت و شناخت خداوند و جانشینان او و عظمت مقام آنان می باشد. کسی که واقعاً در راه معرفت پروردگار و شناخت صحیح ائمه اطهار علیهم السلام گام بردارد و با لطف و عنایت آن بزرگواران، قلبش با انوار تابناک معارف الهیة خاندان وحی روشن شود، به این وسیله و از این طریق، با وظیفه های دیگر خود آشنا می گردد و متوجه می شود که غفلت از امام عصر ارواحنا فدا زشت و ناپسند است.

این نورانیت بر اثر درخشیدن نور امام علیه السلام است؛ زیرا امام علیه السلام در هر زمانی قلب دوستان واقعی خود را نورانی و روشن می سازد.

اکنون به این روایت جالب توجه کنید:

عن أبي خالد الكابلي قال: سألت أبا جعفر عليه السلام عن قول الله عز وجل ﴿فَأْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا﴾^۱.

فقال: يا أبا خالد، النور والله الأئمة من آل محمد ﷺ إلى يوم القيامة، وهم والله نور الله الذي أنزل، وهم والله نور الله في السماوات وفي الأرض. والله يا أبا خالد، لنور الإمام في قلوب المؤمنين أنور من الشمس المضيئة بالنهار، وهم والله ينورون قلوب المؤمنين، ويحجب الله عز وجل نورهم عمّن يشاء فتظلم قلوبهم.

والله يا أبا خالد، لا يحبنا عبد ويتولانا حتى يطهر الله قلبه، ولا يطهر الله قلب عبد حتى يسلم لنا، ويكون سلماً لنا، فإذا كان سلماً لنا سلمه الله من شديد الحساب، وآمنه من فزع يوم القيامة الأكبر.^۱

ابو خالد کابلی می گوید: از امام محمد باقر علیه السلام در مورد آیه شریفه که می فرماید: «پس ایمان بیاورید به خدا و پیامبر او و نوری که فرو فرستادیم» پرسیدم. حضرت فرمود: ای ابو خالد؛ به خدا سوگند، منظور از نور همان امامان از آل محمد علیهم السلام تا روز قیامت می باشد.

به خدا سوگند؛ آنان همان نور خداوند هستند که فرو فرستاده است.

به خدا سوگند؛ آنان نور خدا در آسمانها و زمین می باشند.

به خدا سوگند ای ابو خالد؛ نور امام در قلبهای مؤمنین تابناک تر از خورشید فروزان در روز است.

به خدا سوگند؛ آنان قلبهای مؤمنین را روشن می سازند، و خداوند نور آنان را از هر کس که بخواهد پنهان می نماید، پس قلبهای شان تاریک می شود.

به خدا سوگند ای ابو خالد؛ هیچ بنده ای به ما محبت نمی ورزد و ولایت ما را نمی پذیرد مگر بعد از آنکه خداوند دل او را پاک نماید، و دل هیچ بنده ای را خداوند پاک نمی گرداند تا این که منقاد و تسلیم ما شود و سر سازش با ما داشته باشد. پس هنگامی که با ما سازش داشت، خداوند او را از سختی های حساب (در روز قیامت) سالم نگه می دارد، و او را از ترس و وحشت روز بزرگ قیامت ایمن می گرداند.

آیا ممکن است کسی قلبش به نور امام زمان ارواحنا فداه نورانی و روشن شده باشد ولی از آن حضرت غافل باشد؟

احساس حضور، یا نشانی از معرفت

وظیفه مردم در عصر غیبت به طور کلی به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱- آنچه اختصاص به دوران غیبت دارد.

۲- آنچه تنها به دوران غیبت اختصاص ندارد بلکه انجام آن در زمان غیبت و عصر ظهور و حضور امام علیه السلام لازم است.

یکی از وظایف و برنامه‌هایی که مربوط به قسم دوم است و تأثیر مهمی در چگونگی زندگی انسان دارد و اگر رعایت شود تحوّل عظیمی در زندگی او ایجاد نموده و حیاتی پربار برای انسان به ارمغان می‌آورد اعتقاد به مسأله حضور و عمل کردن بر طبق آن است.

یعنی اگر انسان معتقد باشد همه در محضر خداوند کریم و جانشینان او می‌باشند و او در زمان حضور یا غیبت و یا ظهور آن بزرگواران در محضر آنان می‌باشد. و زمان و مکان برای ما محدودیت می‌آورد نه برای مقامات نورانیّه آنان؛ نمی‌تواند حضور آنان را مقید و محدود به زمان و یا مکان خاصی بنماید.

زیرا زمان و مکان از قیود ماده است و مقام نورانیت اهل بیت علیهم السلام که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آن را در حدیث نورانیت تشریح فرموده‌اند، فوق ماده است و بلکه محیط بر آنست، بنابراین زمان و مکان نسبت به مقام نورانیت آنان، محدودیت و تقید ایجاد نمی‌نماید.

برای توضیح مطلب می‌توانید به حدیث «نورانیت» که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آن را برای جناب سلمان و ابوذر بیان فرموده‌اند رجوع کنید. و ما به خاطر طولانی بودنش از نقل آن در اینجا خودداری می‌کنیم و روایت مهم دیگری را که حضرت امام باقر علیه السلام بیان فرموده‌اند و به خاطر مختصر بودنش با این بحث مناسب است، نقل می‌کنیم:

ابوبصیر که از اصحاب حضرت امام باقر علیه السلام است می‌گوید:

دخلت المسجد مع أبي جعفر علیه السلام والناس يدخلون ويخرجون.

فقال لي: سل الناس هل يروني؟

فكلّ من لقيته قلت له: رأيت أبا جعفر عليه السلام فيقول: لا وهو واقف حتى دخل أبوهارون المكفوف، قال: سلّ هذا؟ فقلت: هل رأيت أبا جعفر؟ فقال: أليس هو بقائم؟ قال: وما علمك؟ قال: وكيف لا أعلم وهو نور ساطع. قال: وسمعتة يقول لرجل من أهل الإفريقيّة: ما حال راشد؟ قال: خلفته حيناً صالحاً يقرؤك السلام.

قال: رحمه الله، قال: مات؟ قال: نعم، قال: متى؟ قال: بعد خروجك بيومين. قال: والله ما مرض ولا كان به علة، قال: وإنما يموت من يموت من مرض أو علة. قلت: من الرجل؟ قال: رجل لنا موالٍ ولنا محبّ.

ثمّ قال: أترون أنّه ليس لنا معكم أعينٌ ناظرة، أو اسماع سامعة، لبئس ما رأيتم، والله لا يخفى علينا شيء من أعمالكم فاحضرونا جميعاً وعودوا أنفسكم الخير، وكونوا من أهله تعرفوا فبأني بهذا أمر ولدي وشيعتي.^۱

با امام باقر عليه السلام وارد مسجد شدم، و مردم در حال رفت و آمد بودند. امام عليه السلام به من فرمودند: از مردم بپرس آیا مرا می بینند؟ من با هر کس ملاقات کردم از او سؤال کردم که آیا امام باقر عليه السلام را دیدی؟ می گفت: نه؛ در حالی که امام عليه السلام ایستاده بود، تا فردی نابینا به نام ابوهارون وارد شد.

امام عليه السلام فرمودند: از این مرد سؤال کن. به او گفتم: آیا امام باقر عليه السلام را دیدی؟

ابوهارون در جواب گفت: مگر ایشان اینجا نایستاده اند؟

ابو بصیر گفت: از او سؤال کردم تو از کجا دانستی که امام عليه السلام ایستاده است؟

ابوهارون گفت: چگونه به آن علم و آگاهی پیدا نکنم و حال آن که امام عليه السلام نوری است آشکار و نمایان.

ابو بصیر می گوید: و شنیدم که امام باقر عليه السلام به مردی از اهل آفریقا می فرمود: حال راشد چگونه است؟

او گفت: از آفریقا که خارج شدم او زنده و سالم بود و به شما سلام می رساند.

امام باقر عليه السلام فرمودند: خداوند او را رحمت کند. مرد آفریقایی گفت: او مرد؟!

امام علیه السلام فرمودند: آری. او پرسید: در چه زمانی؟

امام علیه السلام فرمودند: دو روز بعد از خارج شدن تو از آفریقا مُرد.

آفریقایی گفت: به خدا قسم راشد نه مریض بود و نه هیچ گونه دردی داشت!

امام علیه السلام به او فرمودند: مگر هر کس که می‌میرد به خاطر مرض یا درد می‌میرد؟

ابوبصیر گفت: از امام علیه السلام پرسیدم: این مرد آفریقایی کیست؟

امام علیه السلام فرمودند: دوست ما و پیرو ما خاندان است.

آن‌گاه امام علیه السلام فرمودند: آیا می‌پندارید برای ما با شما، چشمانی نظاره‌گر و

گوش‌هایی شنوا وجود ندارد؟ چه پندار نادرستی؛ به خدا قسم بر ما هیچ چیزی از

اعمال شما پنهان نیست. پس همه ما را حاضر در نزد خود بدانید و نفس‌های خود

را به کارهای پسندیده عادت دهید و اهل کارهای نیک شوید تا به آن شناخته شوید.

من فرزندان و شیعیان خود را به آنچه گفتم امر می‌کنم.

این روایت مطالب مهمی را دربردارد که برای درک معانی آن، لازم است دقت

کامل نمود.

نکته مهمی که از این روایت استفاده می‌کنیم، اعتقاد به حضور خاندان وحی علیهم السلام

می‌باشد، و درک این واقعیت امکان‌پذیر است به شرطی که شرایطی را که امام باقر علیه السلام

برای درک آن بیان فرموده‌اند رعایت شود.

نکته بسیار مهمی که آن حضرت در پایان فرمایش خود فرموده‌اند این است که آن

بزرگوار شیعیان و فرزندان خود را به آن سفارش و امر فرموده‌اند. و این دلیل بر آن

است که باید همه برای شناخت و دریافت واقعیتی را که بیان فرموده‌اند، سعی و

کوشش کنند.

بنابراین روایت، هر یک از آن بزرگواران عین الله هستند که اعمال و رفتار ما را

می‌بینند و اذن الله هستند که تمام گفتار ما را می‌شنوند. آن‌گاه امام علیه السلام کسانی را که این

حقایق را نپذیرفته‌اند مورد خطاب و نکوهش قرار داده و می‌فرمایند واقعاً بد

اعتقادی دارید به خدا سوگند هیچ چیزی از اعمال شما از ما پوشیده نیست.

حضرت امام باقر علیه السلام پس از بیان این نکات به نتیجه‌گیری از فرمایشات خود

می‌پردازند و به چند نکته تصریح می‌فرمایند:

۱- همه ما را نزد خود حاضر بدانید.

این کلام اشاره به مقام نورانیت اهل بیت علیهم السلام است که آن بزرگواران به مقام نورانیت، محیط بر زمان می باشند، و فرقی میان هیچ یک از آنان نیست و شیعه در هر زمانی که باشد، باید خود را نزد همه آن بزرگواران بداند، و همانگونه که انسان باید خود را در حضور خداوند ببیند باید احساس کند که در محضر اهل بیت علیهم السلام نیز می باشد. بدیهی است کسی که این حقیقت را بفهمد و آن را عملی سازد **تحول بزرگی در رفتار و کردار او ایجاد می شود.**

۲- نفس های خود را به کارهای نیک عادت دهید و از اهل خیر باشید.

بنابراین فرمایش نه تنها انسان باید به کارهای زشت و ناپسند عادت نکند بلکه باید به اعمال شایسته و رفتار خوب، نفس خود را عادت دهد. یعنی آنچه را که در تہذیب نفس و خودسازی کوشا باشد که نفس او نه تنها از انجام کارهای پسندیده متنفر و منزجر نباشد، بلکه به آنها خو گرفته و عادت داشته باشد.

نکته قابل توجه در این روایت اینست که عادت کردن به کارهای پسندیده و ارزنده در صورتی ارزش دارد که ذات انسان به آنها عادت کرده باشد یعنی در ذات او اثر گذاشته باشد، لذا عادت کردن به کارهای نیکو و پسندیده در صورتی که در ذات شخص اثری نگذاشته باشد اهمیت چندانی نخواهد داشت؛ زیرا ممکن است انسان بر اثر جو جامعه و محیط زندگی به انجام بعضی از کارهای خوب و پسندیده عادت کرده باشد ولی در ذات او رسوخ نکرده باشند، در نتیجه سنخیتی با آنچه انجام می دهد نیافته و اهل آن به حساب نیاید. و این نکته دقیقی است که کاملاً باید به آن توجه شود. برای توضیح مطلب می گوئیم: عادت کردن به کارهای پسندیده به دو صورت ممکن است واقع شود:

۱- صورت اول: از راه مخالفت با نفس و مطیع ساختن نفس برای انجام کارهای خوب. اگر منشأ اعتیاد انسان به کارهای نیک این گونه باشد، ذات و سرشت آدمی به رفتار و گفتار خوب خو گرفته و عادت می نماید. این گونه عادت کردن، دارای نقش اساسی و اثر حیاتی در پیشرفت و تکامل انسان است.

۲- صورت دوم: این است که انسان به کارهای خوب انس گرفته و به رفتار پسندیده عادت کند نه از راه مخالفت با نفس و خودسازی و آماده ساختن ذات برای انجام این گونه اعمال؛ بلکه بر اثر محیط زیست و اجتماعی که در آن زندگی می‌کند، به بعضی از کارهای خوب انس گرفته و عادت کرده باشد.

مثلاً چون در خانواده‌ای بوده است که مقید به نماز اول وقت یا نماز جماعت بوده‌اند، او هم به آن عادت کرده است. در این صورت اگر محیط زندگی او تغییر کند چون ذاتاً به آن کار عادت نکرده است، با مرور زمان رفتار او عوض می‌شود و از برنامه قبلی خود دست برمی‌دارد.

این گونه عادت کردن‌ها که تأثیری در ذات او نگذاشته‌اند بلکه بر اثر رنگ گرفتن از محیط می‌باشد، اهمیتی ندارد و با تغییر محیط از دست می‌رود.

به این جهت حضرت باقر العلوم علیه السلام می‌فرمایند: علاوه بر آن که نفس‌های خود را به کارهای خیر عادت می‌دهید، اهل آن نیز باشید؛ نه آن که فقط رنگ افراد خوب را به خود بگیرید؛ زیرا رنگ گرفتن از نیکان بدون آن که در ذات و سرشت انسان رسوخ نموده باشد تأثیری در رفتار او ندارد و تحوّل در او به وجود نمی‌آورد و نقشی در درک حقایق نخواهد داشت و هنگامی که در ذات انسان رسوخ کرد و استقرار یافت، این حقایق عظیم و باارزش را درک می‌کند.

معنای حضور چیست؟

نکته دیگری که ممکن است مورد بحث قرار گیرد این است که حضور به چه معنا است، آیا مقصود از حضور، حضور علمی است یا حضور عینی؟

مرحوم علامه مجلسی در بیان روایت فرموده است: اگر «فاحضرونا» از باب افعال باشد معنای روایت چنین است: یعنی بدانید که همه ما نزد شما حاضر هستیم به وسیله علمی که داریم. مقصود مرحوم علامه مجلسی حضور علمی است.^۱

در روایتی حضرت امام رضا علیه السلام درباره حضرت خضر می فرمایند:

إنه ليحضر حيث ما ذكر، فمن ذكره منكم فليسلم عليه.^۱

او هر زمان که یاد شود حاضر می شود، پس هر کس از شماها او را یاد کرد باید بر او سلام کند.

مرحوم آیه الله مستنبط در این باره می نویسد: مقام حضرت خضر علیه السلام که تابع و رعیت امام زمان ارواحنا فداء می باشد در این حدّ است، پس مقام و عظمت حضرت بقیّة الله صلوات الله علیه که امام و پیشوای او است تا چه حدّ و پایه است؟!^۲
از این روایت، حضور شخصی - در بعضی از زمان ها - استفاده می شود نه حضور علمی.

مسأله حضور از مسائل مهمّ در معارف اهل بیت علیهم السلام می باشد و نیاز به تفصیل بیشتر دارد. به این جهت این گفتار را با کلامی دلنشین از فرمایشات حضرت امیر المؤمنین علیه السلام پایان می دهیم:

أحضروا آذان قلوبكم تفهموا!^۳

(اگر خواهان درک حقایق هستید) گوش دل را باز کنید، تا آن را دریابید.

عظمت امام عصر ارواحنا فداء در کلمات اهل بیت علیهم السلام

آشنایی با عظمت امام عصر ارواحنا فداء وسیله ای بسیار مؤثر برای وارد شدن در صراط انتظار می باشد. در توضیح کلام می گوئیم:
روایاتی که از اهل بیت علیهم السلام درباره شخصیت و عظمت امام عصر ارواحنا فداء بسم ما رسیده است، آنچنان مهیج و تکان دهنده است که آدمی را شگفت زده می سازد! چگونه می شود با آن همه سخنانی که در اعماق وجود انسان تأثیر می گذارد، جامعه ما

۱. کمال الدین: ۲/۳۹۰.

۲. القطرة: ۲/۵۳۶.

۳. بحار الأنوار: ۲۱۲/۳۴.

نسبت به آن بزرگوار آن گونه که باید دل نبسته است و زاغ و زغن را به جای «طاووس بهشت»^۱ برگزیده است؟ این همه غفلت چرا؟ و این همه فراموشی از چه جهت است؟ آیا عالمان و بزرگان دین در این راه کاری که شایسته باشد انجام داده‌اند؟ آیا مهتران و پیشوایان قوم و قدرتمندانی که خود را به آن حضرت نسبت می‌دهند خدمتی نموده‌اند؟ آیا ثروتمندان و توانمندان شیعه در راه کمک به این مسأله که اساسی‌ترین مسأله حیاتی دین است، کوشش کرده‌اند؟ آیا توده مردم با توجه به امام زمان صلوات الله علیه، سرنوشت غمبار خویش را تغییر داده‌اند؟

حقیقت این است که همه اقشار مردم در این غفلت زدگی، کم و بیش سهیم هستند، (اگر چه افرادی بوده‌اند و هستند از عالمان و غیر عالمان، که همچون شقایق داغ بر دل داشته و روزگاری با غم و حسرت می‌گذرانند و به قدر توفیق و توان خویش به احیاء این امر پرداخته و می‌پردازند.) بگذریم که حقیقت تلخ است و دل خودپسندان را می‌آزارد.

اکنون کلماتی را از خاندان وحی می‌آوریم تا ببینید آنان با چه عباراتی از آخرین حجّت الهی حضرت صاحب الأمر صلوات الله علیه یاد نموده‌اند و چگونه کوشش کرده‌اند تا مردم را به سوی آن حضرت متوجه سازند و چگونه درس بزرگداشت آن حضرت را به ما آموخته‌اند:

۱- پیغمبر اکرم ﷺ فرمودند:

پدرم و مادرم فدای او باد، او هم نام من و شبیه من است.

این کلام را پیغمبر اکرم ﷺ به حضرت امیر المؤمنین علیه السلام پس از شرح دوران غم‌انگیز و تأسف بار غیبت امام عصر ارواحنا فداه بیان نموده‌اند.
اینک به فرمایش آن حضرت توجه کنید:

... سيكون بعدي فتنة صماء صيلم يسقط فيها كل وليجة و بطانة، وذلك عند فقدان شيعتك الخامس من السابع من ولدك، يحزن لفقده أهل

الأرض والسماء، فكم مؤمن ومؤمنة متأسف متلهف حيران عند فقده.
ثم أطرق ملياً ثم رفع رأسه وقال:
بأبي وأمي سمّي وشبهي وشبيه موسى بن عمران عليه جلايب النور
يتوقّد من شعاع القدس.^۱

بعد از من فتنه‌ای ایجاد می‌شود بسیار سخت و دشوار و از پا درآورنده، که در آن هر
شخص مورد اعتماد و رازداری سقوط می‌کند و این در هنگامی است که شیعیان تو
پنجمین نفر از فرزندان تو از هفتمین امام را گم کنند، برای فقدان او اهل آسمان و
زمین غمگین می‌شوند، پس چه بسیارند مردان و زنان باایمانی که در هنگام غیبت
او، متأسف و حسرت‌زده و حیرانند.
سپس آن حضرت سر خود را به آرامی پائین برده و آن گاه سر بلند نموده و فرمودند:
پدر و مادرم فدای او باد، هم نام من و شبیه من و شبیه موسی بن عمران است، بر
او پیراهن‌هایی از نور است که از شعاع قدس برافروخته است.

۲- حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام درباره آن حضرت فرمودند:

جانم فدای او باد ...

این کلام را مرحوم علامه مجلسی به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نسبت داده و
فرموده است در دیوان شعری که منسوب به آن حضرت می‌باشد، از آن بزرگوار نقل
شده که فرمودند:

فثمّ يقوم القائم الحقّ منكم وبالحقّ يأتیکم وبالحقّ يعمل
سمّي نبيّ الله نفسي فداؤه فلاتخذلوه يا بنيّ وعجلوا^۲

پس در آن هنگام (بعد از حکومت‌های ناشایسته) از شما کسی که حق را به پا
می‌دارد قیام می‌کند، و حق را برای شما می‌آورد و به آن عمل می‌کند.
هم‌نام رسول خداوند است جانم فدای او باد، پس ای فرزندان من مدد رسانی به او
را ترک نکنید و برای یاریش شتاب کنید.

۱. کفایة الأثر: ۱۵۸، بحار الأنوار: ۳۶/۳۳۷ و ۵۱/۱۰۹.

۲. بحار الأنوار: ۵۱/۱۳۱.

۳- حضرت امیر المؤمنین علیه السلام :

پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد.^۱

اول مظلوم عالم حضرت امیر المؤمنین علیه السلام پس از بیان اوصاف جسمانی امام عصر ارواحنا فداء با بیان جمله‌ای که آوردیم اشتیاق عظیم قلبی خویش را اظهار نموده‌اند. این روایت را جناب جابر جعفی که از نقباء و از اصحاب سرّ امام باقر و امام صادق علیهما السلام بوده نقل نموده است.

در این روایت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام به بیان صفات نیکوی جسمانی امام عصر ارواحنا فداء اکتفا کرده‌اند و از تشریح خصلت‌های معنوی و ملکوتی آن حضرت خودداری فرموده‌اند؛ زیرا با کسی سخن می‌گفته‌اند که او علت اصلی همه تباهی‌ها و فسادها در عالم خلقت است.

اکنون به این روایت توجه کنید: جناب جابر جعفی می‌گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

سایر عمر بن الخطاب امیر المؤمنین علیه السلام فقال: أخبرني عن المهدی ما اسمه؟ فقال: أمّا اسمه فإنّ حبيبي عهد إليّ أن لا أحدث باسمه حتى يبعثه الله، قال: فأخبرني عن صفته.

قال: هو شابٌ مربع حسن الوجه حسن الشعر، يسيل شعره على منكبيه، و نور وجهه يعلو سواد لحيته ورأسه، بأبي ابن خيرة الإماء.^۲

عمر بن خطاب در خدمت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام راه می‌رفت به آن بزرگوار عرض کرد: مرا از نام مهدی خبر ده.

حضرت فرمودند: اما درباره اسم او، حبيب من از من پیمان گرفته است که از نام او سخن نگویم، تا آن زمان که خداوند او را برانگیزد.

عرض کرد: از اوصاف و شمایل او به من خبر ده.

۱. حضرت نرجس خاتون علیها السلام شاهزاده بزرگ روم، برای پیوستن به خاندان وحی علیه السلام، لباس کنیزان را پوشید و در میان آنان رفت و افتخار جاودانه مادر شدن برای حضرت بقیة الله ارواحنا فداء را نصیب خود ساخت. به جهت پوشیدن لباس کنیزان و اسارت، از ایشان به عنوان بهترین کنیزان در روایات یاد شده است.

۲. بحار الأنوار: ۳۶/۵۱.

حضرت فرمودند: او جوانی است چهار شانه، نیکو روی و زیبا موی که مویش بر شانه‌اش ریخته و نور صورتش بر سیاهی موی سر و صورتش برتری دارد.
پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد.

۴- حضرت امیر المؤمنین علیه السلام:

پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد.

این کلام را حضرت امیر المؤمنین علیه السلام دیگر بار تکرار نموده‌اند و حارث همدانی آن را از حضرت امیر مؤمنان علیه السلام نقل کرده است.

آن بزرگوار در این روایت بیان فرموده‌اند که پایان ظلم و ستمگری ستمگران با شمشیر انتقامی است که در دست توانای حضرت بقیة الله ارواحنا فداه می‌باشد، و فرموده‌اند: جام تلخ زهر را به کام همه ستمگران جهان فرو خواهد ریخت.

اکنون در دنباله مطلب به کلام آن بزرگوار که دل غمزدگان را شاد می‌کند توجه کنید:

بأبي ابن خيرة الإمام - يعني القائم من ولده علیه السلام - يسومهم خسفاً،
ويسقيهم بكأس مصبرة، ولا يعطيهم إلا السيف هرجاً.^۱

پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد - یعنی حضرت قائم که از فرزندان آن حضرت است - خواری و پستی و فرومایگی را بر آنان وارد می‌سازد و با ظرفی که از صبر (دوایی بسیار تلخ) پر است به آنان (ستمگران) می‌خوراند و به آنان چیزی حواله نمی‌کند مگر شمشیر خونریز را.

آری در آن روز است که حکومت سقیفه نشینان و وارثان آنان به پایان می‌رسد و جام تلخ زهر را همه آنها سر خواهند کشید!

۵- حضرت امیر المؤمنین علیه السلام:

پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد.

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام این گفتار را دیگر بار در یکی از خطبه‌های خود ایراد فرموده‌اند:

فانظروا أهل بيت نبيكم فإن لبدوا فالبدوا وإن استنصروكم فانصروهم،
ليخرجن الله برجل منا أهل البيت، بأبي ابن خيرة الإمام لا يعطيهم إلا
السيف هرجاً هرجاً موضعاً على عاتقه ثمانية.^۱

به اهل بیت پیامبرتان بنگرید؛ اگر آرام گرفتند شما نیز آرام بگیرید و اگر شما را به
یاری طلبیدند آنان را یاری کنید، خداوند به طور حتم مردی از ما اهل بیت را (برای
نابودی ستمگران) خارج می‌سازد.

پدرم فدای پسر بهترین کنیزان باد، به آنان نمی‌دهد مگر شمشیر را چه آشوبی؛
چه آشوبی؛ هشت ماه شمشیر را بر شانه خود می‌نهد.

در این خطبه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام اصلاح جهان و پاکسازی دنیا را از وجود
پلیدان لعنت شده نوید می‌دهند، که مدت هشت ماه جنگ با ستمگران در صحنه گیتی
ادامه می‌یابد و آن گاه صلح و صفا در سراسر جهان حاکم می‌شود.

۶- حضرت امیر المؤمنین علیه السلام :

آه، چقدر مشتاقم او را ببینم!

این کلام را حضرت امیر المؤمنین علیه السلام پس از بیان فتنه‌ها و آشوب‌های آینده و یاد
از خصلت‌های امام عصر ارواحنا فداه بیان نمودند:

هاه - وأوماً بیده إلی صدره - شوقاً إلی رؤيته.^۲

آه - و اشاره به سینه مبارک خود نمودند - چقدر مشتاقم او را ببینم!

زیرا آن بزرگوار با احاطه علمی که بر همه چیز داشتند، می‌دانستند فتنه‌هایی که
سقیفه‌نشینان در سقیفه بذر آن را افشاندند، همچنان ادامه خواهد یافت و آتش آن سراسر
گیتی را تا زمان‌های دور، سیاه خواهد نمود و سیه‌روزی و بدبختی را نصیب همه
مردمان جهان خواهد کرد و این ظلم و جنایت همچنان ادامه می‌یابد تا آن روز که
منتقم آل محمد حضرت امام عصر ارواحنا فداه همراه با سیصد و سیزده تن از

۱. بحار الأنوار: ۱۲۱/۵۱.

۲. بحار الأنوار: ۱۱۵/۵۱.

شخصیت‌های خودساخته، که امر ولایت در جان و دل آنان ریشه دوانده است با تعدادی دیگر از مؤمنان از کنار خانه خدا قیام نمایند، و انتقام همهٔ مظلومین جهان را از همهٔ ستمگران بگیرند.

اگر در روز تاریک سقیفه یاورانی از جان گذشته در کنار وجود مقدس اول مظلوم عالم حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام می‌بودند، دشمنان نمی‌توانستند خانهٔ وحی را به آتش کشیده و ریسمان به گردن امیر عالم هستی افکنده و چهرهٔ ماه را کبود کنند. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در یکی از خطبه‌های خود می‌فرمایند:

فَنظرتَ فَإِذَا لَيْسَ لِي مَعِينٌ إِلَّا أَهْلُ بَيْتِي فَضَنْتَ بِهِمُ عَنِ الْمَوْتِ،
وَأَغْضَيْتَ عَلَيَّ الْقَذَى، وَشَرَبْتَ عَلَيَّ الشَّجِي، وَصَبَرْتَ عَلَيَّ أَخْذَ الْكُظْمِ،
وَعَلَى أَمْرٍ مِنْ طَعْمِ الْعَلْقَمِ.

چون مخالفین، خلافت را که حق من بود غصب کردند، (در کار خویش) اندیشه کردم؛ دیدم در آن هنگام به غیر از اهل بیت خود یاوری ندارم، راضی نشدم که آنها کشته شوند، و چشمی که خاشاک در آن رفته بود بر هم نهادم؛ با این که استخوان گلویم را گرفته بود، جام تلخ را آشامیدم؛ و خشم خود فرو خوردم و بر چیزهای تلخ‌تر از طعم علقم (که گیاهی است بسیار تلخ) شکیبایی نمودم.^۱

آری مظلوم‌ترین فرد جهان هستی پس از بیان همهٔ ستم‌هایی که بر او روا شده، آنگاه که از فتنه‌های آینده یاد می‌کند و نام پایان‌دهندهٔ همهٔ ظلم‌ها و ستم‌ها را به زبان جاری می‌سازد می‌فرماید:

آه، چقدر مشتاقم او را بینم!

۷- امام باقر علیه السلام می‌فرمایند:

اگر در آن زمان باشم جان خود را برای صاحب این امر نگه می‌دارم.

این کلام از کسی صادر شده است که شکافندهٔ همهٔ علوم و دانش‌ها در سراسر هستی و آگاه از همهٔ اسرار خلقت می‌باشد، آن کسی که آینده و آیندگان، گذشته و

گذشتگان، برای ایشان همچون افرادی هستند که در محضرش حاضر می‌باشند. آن حضرت وقتی که سخن از آینده و آیندگان به میان می‌آورد، و یکی از قیام‌هایی را که قبل از ظهور امام عصر ارواحنا فداه واقع می‌شود بیان می‌کنند، می‌فرمایند:

... أما إنِّي لو أدركت ذلك لاستبقيت نفسي لصاحب هذا الأمر.^۱

آگاه باشید اگر من آن زمان را درک نمایم جان خود را برای صاحب این امر حفظ می‌کنم.

مرحوم آیه الله شیخ محمد جواد خراسانی در کتاب خود نوشته است: مقصود حضرت از آن زمان، وقتی است که گروهی از «شیلا» برای گرفتن حق قیام می‌کنند.

۸- امام باقر علیه السلام:

پدر و مادرم فدای او باد، او همان من و دارای کثیفة من است.
پدرم فدای کسی باد که سراسر گیتی را سرشار از عدل و داد می‌کند
همانگونه که پر از ظلم و ستم شده باشد.

این روایت را ابو حمزة ثمالی - که از بزرگان اصحاب آن حضرت است - نقل نموده؛ او می‌گوید: روزی در محضر امام باقر علیه السلام بودم، آنگاه که مردم از خدمت آن بزرگوار مرخص شدند به من فرمودند:

يا أبا حمزة، من المحتوم الذي حتمه الله قيام قائمنا، فمن شك فيما أقول
لقى الله وهو به كافر، ثم قال:

بأبي وأمي المسمي باسمي والمكتي بكنيتي، السابع من ولدي، بأبي
من يملأ الأرض عدلاً وقسطاً كما ملئت ظلماً وجوراً.

يا أبا حمزة، من أدركه فيسلم له ما سلم لمحمد وعليّ فقد وجبت له
الجنة، ومن لم يسلم فقد حرّم الله عليه الجنة وماواه النار وبس مشوى
الظالمين.^۲

۱. الغيبة مرحوم نعمانی: ۲۷۲.

۲. بحار الأنوار: ۱۳۹/۵۱، ۲۴۱/۲۴ و ۲۹۴/۳۶.

ای ابا حمزه؛ از چیزهایی که خداوند آنها را حتمی قرار داده است قیام قائم ما است و کسی که در آنچه می‌گوییم شک کند، خداوند را ملاقات می‌کند در حالی که به او کافر است.

پدر و مادرم فدای کسی باد که به نام من نامیده شده و کنیه‌اش کنیه من است و هفتمین فرد از نسل من است.

پدرم فدای کسی باد که سراسر زمین را پر از عدل و داد می‌نماید همان گونه که از ظلم و ستم پر شده باشد.

ای ابا حمزه؛ هر کس در زمان او باشد و تسلیم او گردد همان گونه که تسلیم محمد و علی بوده، بهشت بر او واجب است، و کسی که تسلیم او نباشد خداوند بهشت را بر او حرام می‌کند و جایگاه او آتش می‌باشد و بد منزلی است جایگاه ستم کاران.

۹- امام صادق علیه السلام:

اگر او را درک کنم، تا زنده باشم به او خدمت می‌کنم.

این کلام را امام صادق علیه السلام هنگامی فرمودند که درباره حضرت بقیة الله ارواحنا فداه از آن بزرگوار سؤال شد:

هل ولد القائم؟

قال: لا، ولو أدركته لخدمته أيام حياتي.^۱

آیا (حضرت) قائم متولد شده است؟

حضرت فرمودند: نه، و اگر من او را درک نمایم در تمام دوران زندگی و حیاتم به او خدمت می‌کنم.

۱۰- امام صادق علیه السلام:

برای نور آل محمد علیهم السلام دعا نمودم.

عباد بن محمد مداینی می‌گوید: امام صادق علیه السلام پس از نماز ظهر دست‌ها را بلند

۱. الغيبة مرحوم نعمانی: ۲۷۳، بحار الأنوار: ۱۴۸/۵۱. صاحب کتاب «عقد الدرر» این روایت و روایات دیگری را به امام حسین علیه السلام نسبت داده و به دلیل سند آن اشتباه است و علت اشتباهش این است که کنیه «ابو عبدالله» را که مشترک است میان امام حسین و امام صادق علیهم السلام، به امام حسین علیه السلام نسبت داده است. رجوع کنید به کتاب «الصحيفة المباركة المهدية».

نموده و دعا کردند. گفتم: جانم به فدایتان؛ برای خودتان دعا نمودید؟
فرمودند:

دعوت لنور آل محمد ﷺ و سائقهم و المنتقم بأمر الله من أعدائهم^۱.
برای نور آل محمد ﷺ و پیشرو آنان و کسی که به امر خدا از دشمنان آنان انتقام
می‌گیرد، دعا نمودم.

البته خاندان وحی همه آنها نور هستند و معرفت آنان به نورانیت معرفه الله است،
ولی بنا به فرمایش امام صادق ﷺ در این روایت آن حضرت، نور الأنوار می‌باشند.
۱۱- امام موسی کاظم ﷺ:

پدرم فدای کسی باد که در راه خدا، سرزنش ملامتگران در او تأثیر
نمی‌گذارد.
پدرم فدایش باد که به امر خداوند قیام می‌کند.

یحیی بن فضل نوفلی می‌گوید: حضرت موسی بن جعفر ﷺ بعد از نماز عصر
دست‌ها را به دعا بلند نموده و دعائی را قرائت کردند. به آن حضرت عرض کردم:
برای چه کسی دعا نمودید:

قال: ذلك المهدي من آل محمد ﷺ، قال: بأبي المنبذ البطن، المقرون
الحاجيين، أحمش الساقين، بعيد ما بين المنكبين، أسمر اللون، يعتاده مع
سمرته صفرة من سهر الليل، بأبي من ليله يرعى النجوم ساجداً وراكعاً،
بأبي من لا يأخذه في الله لومة لائم، مصباح الدجى، بأبي القائم بأمر الله^۲.
حضرت فرمودند: برای مهدی آل محمد ﷺ.

آن‌گاه فرمودند: پدرم فدای آن وجودی باد که دلی برجسته و ابروانی پیوسته و
ساق‌های باریک دارد، و چهارشانه و قوی هیکل و گندم‌گون است، و بر اثر تهجد و
شب‌زنده‌داری رنگش زرد است.

۱. فلاح السائل: ۱۷۰.

۲. بحار الأنوار: ۸۱/۸۶.

پدرم فدای کسی باد که شب‌ها در حال سجده و رکوع، بسر می‌برد و به ستارگان می‌نگرد و آن‌ها را زیر نظر دارد.

پدرم فدای کسی باد که در راه خدا سرزنش ملامتگران در او تأثیر نمی‌گذارد، او چراغ هدایت در تاریکی‌های شدید است.
پدرم فدای او که به امر خدا قیام می‌کند.

۱۲- حضرت امام رضا علیه السلام :

پدرم و مادرم فدایش باد، او همانم جدّم علیه السلام و شبیه من و شبیه موسی بن عمران است.

این کلام را حضرت امام رضا علیه السلام پس از ذکر فتنه‌های بسیار سختی که از اوّل زمان غیبت امام عصر ارواحنا فداء واقع شد، بیان نموده‌اند.

این فتنه‌ها آن چنان سخت و ویرانگر است که افراد بسیار زیرک و فهمیده را نیز به دام خود گرفتار می‌نماید؛ گرچه آنان مدّعی دین و دینداری هستند.

و بر اثر گمراهی آنان، آنچنان غربت و تنهایی امام عصر ارواحنا فداء را فرامی‌گیرد که اهل آسمان و زمین بر او می‌گریند و هر انسان آزاده و دل‌آگاه برای آن حضرت به گریه می‌نشیند.

اکنون به کلام حضرت امام رضا علیه السلام توجه کنید:

لا بدّ من فتنة صمّاء صيلم يسقط فيها كلّ بطانة و وليجة و ذلك عند فقدان الشيعة الثالث من ولدي، يبكي عليه أهل السماء و أهل الأرض و كلّ حرّي و حرّان و كلّ حزين و لهفان.

ثمّ قال علیه السلام : بأبي و أمّي سمّي جدّي علیه السلام و شبیهی و شبیه موسی بن عمران علیه السلام ، عليه جيوب النور، يتوقّد من شعاع ضياء القدس.^۱

ناگزیر فتنه‌ای بسیار سخت و از پا درآورنده واقع می‌شود که در آن هر فرد راز دار و مورد اعتمادی سقوط می‌کند و این در زمانی است که شیعیان سوّمین نفر از فرزندان

۱. الفیبة نعمانی: ۱۸۰، کمال الدین: ۳۷۰، بحار الأنوار: ۱۵۲/۵۱، إلزام الناصب: ۲۲۱/۱.

مرا از دست می دهند، بر او اهل آسمان و زمین می گیرند و هر مرد و زنی که تشنه دیدار او باشند و هر غمگین و حسرت زده ای بر او می گیرند.

سپس فرمودند: پدر و مادرم فدای او باد، او همانم **جَدَمُ مُحَمَّدٍ ﷺ** و شبیه من و شبیه موسی بن عمران **علیه السلام** است، بر او پیراهن های نور می باشد که از شعاع نور قداست و پاکی فروغ می گیرد.

شبیه این روایت را از پیغمبر اکرم **ﷺ** نقل نمودیم.

«از حضرت امام رضا **علیه السلام** روایت شده که آن حضرت در مجلسی که در خراسان داشتند هنگام ذکر لفظ «قائم» ایستادند و دو دست خود را بر سر مبارک نهادند و گفتند: **اللَّهُمَّ عَجَّلْ فَرْجَهُ وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ**. آن گاه از خصوصیات حکومت آن حضرت صحبت فرمودند.

مرحوم محدث نوری در کتاب «نجم الثاقب» فرموده است: قیام و تعظیم نمودن مردم به هنگام شنیدن نام امام زمان ارواحنا فداه مخصوصاً لقب مخصوص آن حضرت، سیره و روش همه شیعیان از عرب و عجم و ترک و هند و دیلم و غیر آن در همه بلاد است بلکه اهل سنت نیز به آن عمل می کنند.^۱

مرحوم علامه امینی در «الغدیر» می نویسد: روایت شده که وقتی دعبل قصیده خود را برای امام رضا **علیه السلام** خواند و از حضرت **حجّت عجل الله تعالی فرجه یاد نمود:**

فلولا الذي أرجوه في اليوم أو غدٍ تقطع نفسي إثرهم حسراتي
خروج إمام لا محالة خارج يقوم على اسم الله والبركات

اگر نبود آنچه برای امروز یا فردا به آن امیدوارم، نفس من از روی حسرت قطع می گشت.

و آن خروج امامی است که ناگزیر خروج خواهد کرد و با نام نامی پروردگار و برکات الهی قیام می نماید.

حضرت امام رضا علیه السلام دست خود را بر سر نهادند و تواضع نمودند در حالی که برای فرج آن حضرت دعا می نمودند.^۱

* * *

مقدمه کتاب را با نقل روایتی که در کتاب «تنزیه الخاطر» آورده است پایان می دهیم:

از امام صادق علیه السلام از علت ایستادن در وقتی که لفظ «قائم» - که از القاب حضرت حجّت صلوات الله علیه است - برده می شود، سؤال شد.
امام صادق علیه السلام فرمودند:

به این جهت که زیرا برای ایشان غیبتی است طولانی و از شدت رأفت آن حضرت به دوستانش، نظر می کند به هر کسی که او را به این لقب - که دلالت بر دولت او و حسرت به غربت او دارد - یاد نماید، و از تعظیم نمودن بندهای که برای صاحب خود خضوع می نماید این است که به هنگامی که مولای باجلالت او با دیدگان شریفش به سوی او می نگرد، در برابر او بایستد. پس هر کس این نام را به زبان می آورد باید بایستد و باید از خداوند بزرگ تعجیل فرج او را طلب نماید.^۲

از خداوند بزرگ می خواهیم که ما را از منتظران ظهور آن حضرت صلوات الله علیه قرار دهد و ستایش مخصوص خداوند است که پروردگار جهانیان است.

وما توفیقی إلا بالله

مرتضی مجتهدی سیستانی

۱. الغدير: ۳۶۱/۲. شبيه این روایت را علامه مجلسی علیه السلام در «بحار الأنوار: ۱۵۴/۵۱» نقل نموده است.

۲. إلزام الناصب: ۲۷۱/۱.

السلام عليك يا صاحب الزمان

محمّد طه



محفظه
محمّد

بخش اول

بخش اول

۱۱۳

نمازها

در این بخش بعضی از نمازهایی را که از امام زمان ارواحنا فداه روایت شده، یا برای آن حضرت نقل گردیده، می‌آوریم:



نماز امام زمان عجل الله تعالی فرجه

قطب راوندی رحمته می‌نویسد: نماز امام زمان ارواحنا فداه دو رکعت است؛ در هر رکعت یک مرتبه سوره «حمد» را باید خواند و چون به «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» رسید، آن را صد مرتبه باید گفت، و بعد از نماز صد مرتبه بر محمد و آل محمد علیهم السلام صلوات فرستاده، و از خدا حاجتش را بخواهد.^۱

این نماز به زمان و مکان خاصی اختصاص ندارد و خواندن سوره بعد از «حمد» شرط نشده و خواندن دعای مخصوصی بعد از نماز وارد نشده است.



نماز دیگر امام زمان عجل الله تعالی فرجه

سید بن طاووس رحمته می‌فرماید: نماز حضرت حجّت ارواحنا فداه دو رکعت است؛ در

هر رکعت سوره «حمد» را تا ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ می خوانی، و چون به این آیه رسیدی صد مرتبه آن را تکرار می کنی، و بعد بقیه سوره «حمد» را خوانده و بعد از آن سوره «اخلاص» را یک مرتبه می خوانی و پس از نماز این دعا را می خوانی:

اللَّهُمَّ عَظُمَ الْبَلَاءُ، وَبَرِحَ الْخِفَاءُ، وَانْكَشَفَ الْغَطَاءُ، وَضَاقَتْ

خداوندا! بلا و مصیبت بزرگ شد، و پنهانی برطرف گشت (آنچه پنهان بود آشکار شد)، و پرده کنار زده شد،

الْأَرْضُ بِمَا وَسِعَتِ السَّمَاءُ، وَإِيَّاكَ يَا رَبُّ الْمُشْتَكَى، وَعَلَيْكَ

و زمین (بر ما) تنگ آمد با وجود وسعت آسمان، و شکایت ما تنها به سوی توست، و اعتماد

الْمُعَوَّلُ فِي الشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

و تکیه ما در هر سختی و سستی بر توست. خداوندا! درود بفرست بر محمد و آل محمد،

الَّذِينَ أَمَرْنَا بِطَاعَتِهِمْ. وَعَجِّلِ اللَّهُمَّ فَرَجَهُمْ بِقَائِمِهِمْ، وَأَظْهِرْ

کسانی که ما را به اطاعتشان امر کردی. خداوندا! فرج آل محمد را به وسیله قائم ایشان تعجیل فرما،

إِعْزَازَهُ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ إِكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا

و عزت و بزرگی او را ظاهر کن؛ ای محمد؛ ای علی؛ ای علی؛ ای محمد؛ مرا کفایت کنید

كَافِيَايَ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ أَنْصُرَانِي فَإِنَّكُمَا

که شما کفایت کنندگان من هستید. ای محمد؛ ای علی؛ ای علی؛ ای محمد؛ مرا یاری کنید، که شما

نَاصِرَايَ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ إِحْفَظَانِي فَإِنَّكُمَا

یاری کنندگان من هستید. ای محمد؛ ای علی؛ ای علی؛ ای محمد؛ مرا حفاظت کنید که شما

حَافِظَايَ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ

حافظ و نگهدار من هستید. ای مولای من؛ ای صاحب الزمان؛ ای مولای من؛ ای صاحب

الزَّمَانِ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، الْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ،

الزمان؛ ای مولای من؛ ای صاحب الزمان؛ به فریاد رس، به فریاد رس، به فریاد رس،

أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي أَدْرِكْنِي، الْأَمَانَ الْأَمَانَ الْأَمَانَ. ۱

مرا دریاب مرا دریاب مرا دریاب، امانم ده امانم ده امانم ده.

این نماز نیز به زمان و مکان معینی اختصاص ندارد، اما خواندن سوره «اخلاص» بعد از قرائت سوره «حمد» و خواندن دعایی که نقل شد، بعد از نماز شرط شده است.



نماز مسجد مقدس جمکران

حسن بن مثله رضی الله عنه می گوید: مولای مان امام زمان صلوات الله علیه به من فرمودند:

به مردم بگو: باید به این مکان رغبت کنند (بیایند)، و آن را عزیز و بزرگ دارند و در اینجا چهار رکعت نماز گذارند: دو رکعت برای تحیت و احترام مسجد، که در هر رکعت یک مرتبه سوره «حمد» و هفت مرتبه سوره «اخلاص»، و در هر رکوع و سجده، ذکر آن را هفت مرتبه بگویند.

و پس از آن دو رکعت برای امام زمان صلوات الله علیه به گونه‌ای که ذکر می‌شود انجام دهد: سوره «حمد» را شروع کند، به آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» که رسید آن را صد مرتبه تکرار کند، سپس سوره «حمد» را تمام کرده، سوره «اخلاص» را بعد از آن بخواند و در هر رکوع و سجده ذکر آن را هفت مرتبه بگوید و رکعت دوم را نیز همین گونه بخواند.

و چون نماز را به پایان برد، تهلیل^۱ گفته و تسبیح حضرت فاطمه زهرا رضی الله عنها بگوید و چون از آن فارغ شد به سجده رفته بر محمد و آل محمد صد مرتبه صلوات فرستد.

سپس حضرت این کلمات را فرمودند:

فمن صلاها فكأنما صلى في البيت العتيق.

هر کس این نماز را بخواند گویا در بیت عتیق (کعبه) خوانده است.^۲

۱. «لا إله إلا الله» یا «لا إله إلا الله وحده وحده».

۲. جنة المأوى: ۲۳۱.





نماز امام زمان ارواحنا فداء در مقام آن حضرت در حلّه و نعمانیّه^۱

محدّث نوری علیه السلام می گوید: فاضل جلیل القدر میرزا عبدالله اصفهانی (مشهور به افندی) در جلد پنجم کتاب «ریاض العلماء» در شرح حال شیخ ابن ابی جواد نعمانی می گوید:

ایشان از کسانی است که در زمان غیبت کبری، امام زمان صلوات الله علیه را دیده است و از آن حضرت حدیث نقل کرده است. من در جای دیگر نقلی از خطّ شیخ زین الدین علی بن حسن بن محمد خازن حایری (شاگرد شهید) نیز دیده‌ام که ابن ابی جواد نعمانی مولای ما حضرت مهدی ارواحنا فداء را دیده و از آن حضرت سؤال کرده است: مولای من؛ آیا شما مقامی در نعمانیّه و مقامی در حلّه دارید؛ چه وقت در آن دو مکان حضور دارید؟
حضرت فرمودند:

شب و روز سه شنبه در نعمانیّه هستم، و شب و روز جمعه در حلّه؛ اما اهل حلّه، ادب را در مقام من بجای نمی‌آورند؛ و کسی نیست که با ادب داخل مقام من شود و بارعایت ادب بر من و ائمه سلام کند، و بر من و ایشان، دوازده مرتبه صلوات بفرستد؛ سپس دو رکعت نماز با دو سوره بخواند و با خداوند مناجات کند؛ مگر این که خدا آنچه می‌خواهد به او عنایت کند که یکی از آن‌ها مغفرت و بخشش پروردگار برای اوست.

گفتم: مولای من؛ آن مناجات را به من بیاموز.
حضرت فرمودند: بگو:

۱. نعمانیّه: شهری بین واسط و بغداد در کشور عراق است.

اللَّهُمَّ قَدْ أَخَذَ التَّأْدِيبُ مِنِّي، حَتَّى مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ

بارالها! مجازات و مکافات اعمالم به سراغم آمد، تا این که به سختی و بدحالی گرفتار آمدم و تو مهربان‌ترین

الرَّاحِمِينَ، وَإِنْ كَانَ مَا اقْتَرَفْتُهُ مِنَ الذُّنُوبِ أَسْتَحِقُّ بِهِ أَضْعَافَ

مهربانانی، و هر چند گناهایی که مرتکب شدم مرا سزاوار چندین و چندین برابر این مجازات‌هایی که

أَضْعَافَ مَا أَدَّبْتَنِي بِهِ وَأَنْتَ حَلِيمٌ ذُو أَنْوَاءٍ، تَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ حَتَّى

با آن‌ها مرا ادب فرمودی کرده است، ولی تو بردبار و مدارا کننده‌ای، از گناهان زیاد چشم‌پوشی می‌کنی تا

يَسْبِقَ عَفْوُكَ وَرَحْمَتُكَ عَذَابَكَ.

بخشش و رحمت تو بر عذابت پیشی گرفته باشد.

حضرت این دعا را سه مرتبه برایم تکرار فرمود تا یاد گرفتم.^۱



نماز منسوب به امام زمان ارواحنا فداه

برای برآورده شدن حاجت‌ها

خاتون آبادی رحمة الله این نماز را در «جنات الخلود» به امام زمان ارواحنا فداه نسبت داده است: شب قبل از خواب، ظرف تمیزی را که پر از آب پاکیزه است در کنار سر خود بگذارید و با پارچه تمیزی آن را بپوشانید و چون برای نماز شب برخاستید سه جرعه از آن آب بنوشید و با باقی مانده آن وضو بسازید. رو به قبله بایستید اذان و اقامه بگویید و دو رکعت نماز با هر سوره‌ای که خواستید بخوانید.

بعد از خواندن سوره به رکوع رفته و بیست و پنج مرتبه بگویید: «يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ» (ای فریادرس دادخواهان). سپس سر از رکوع برداشته همین ذکر را بیست و پنج مرتبه بگویید و همین کار را در سجده اول و بعد از سجده اول، و در سجده دوم و بعد از سجده دوم تکرار کنید.

سپس برای رکعت دوم برخاسته و همین کار را در رکعت دوم نیز انجام دهید، که

در این هنگام سیصد مرتبه این ذکر را گفته‌اید. سپس تشهد خوانده و سلام نماز را می‌گویید، بعد سر را به سوی آسمان بلند کنید و سی مرتبه بگویید: «مِنَ الْعَبْدِ الذَّلِيلِ إِلَى الْمَوْلَى الْجَلِيلِ»؛ (از سوی بنده‌ای خوار به سوی مولایی بزرگوار)، و حاجت خود را بگویید که به اذن خدای متعال زود اجابت می‌شود.^۱

نگارنده گوید: محدث قمی رحمته الله این نماز را تحت عنوان «نماز استغاثه» در کتاب «الباقيات الصالحات» نقل کرده، ولی آن را به امام زمان ارواحنا فداء نسبت نداده است.



نماز توجّه

به حضرت صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه

احمد بن ابراهیم گوید: به ابی جعفر محمد بن عثمان علاقه‌ام را برای دیدن مولای مان صاحب الزمان ارواحنا فداء عرض کردم.

به من گفت: آیا با اشتیاق فراوان دوست داری امام را ببینی؟ گفتم: آری.

به من گفت: خدا به این اشتیاق پاداش دهد و جمال حضرت را به آسانی و عافیت به تو نشان دهد. اما ای ابا عبدالله؛ التماس نکن که او را ببینی؛ زیرا در ایام غیبت شوق دیدار آن حضرت وجود دارد ولی دیدار او درخواست نمی‌شود^۲، چرا که این اراده

۱. جنات الخلود: ۴۱.

۲. گفتنی است که برای احمد بن ابراهیم این گونه تقدیر شده است نه برای تمام شیعه؛ چون برخی دیگر از شیعیان چنین حاجتی از شیخ عمری رحمته الله داشته‌اند و اجابت شده است.

زهری می‌گوید: خیلی می‌خواستم امام زمان ارواحنا فداء را ببینم، حتی در این راه مال زیادی هم خرج کردم تا به شیخ عمری رسیدم و او را خدمت کردم و با اصرار از او خواستم امام زمان ارواحنا فداء را به من نشان بدهد.

گفت: این کار ممکن نیست؛ به او اصرار کردم تا آن که گفت: فردا صبح بیا. صبح فردا که رفتم شیخ به استقبال آمد در حالی که جوانی در نهایت زیبایی و خوشبویی همراه او بود و در آستینش چیزی داشت که او را به شکل تجار نشان می‌داد.

چون آن جوان را دیدم به سوی شیخ عمری رفتم، شیخ اشاره کرد که به سوی آن جوان بروم، و من هم به سوی جوان رفتم و از او سئوالاتی پرسیدم که هر چه پرسیدم جواب داد، سپس خواست داخل خانه‌ای شود که به آن اعتنایی نمی‌شد.

شیخ عمری گفت: اگر می‌خواهی از او سؤال کنی بپرس که بعد از این او را نخواهی دید. (الإحتجاج: ۲/۲۹۷).

خداست و تسلیم در برابر اراده او بهتر است اما با خواندن زیارت به آن حضرت توجه کن. اما کیفیت عمل: آنچه به محمد بن علی املا کرده و دیگران از او نسخه برداری کرده اند آن توجه به صاحب الزمان ارواحنا فداه است با خواندن زیارت بعد از دو ازده رکعت نماز که به صورت دو رکعتی انجام می دهی و ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ را در تمام این رکعت ها می خوانی، بر محمد و آل محمد صلوات فرستاده و می گویی سخن خداوند عزوجل را:

﴿سَلَامٌ عَلَى آلِ يَاسِينَ﴾، ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ،

سلام بر آل یاسین، این همان فضل آشکار است از جانب خداوند.

وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، إِمَامُهُ مَنْ يَهْدِيهِ صِرَاطُهُ الْمُسْتَقِيمَ، قَدْ

و خدا صاحب فضل بزرگ است، پیشوای او کسی است که او را به راه مستقیم خداوند هدایت کند؛

أَتَاكُمْ اللَّهُ خِلَافَتَهُ يَا آلَ يَاسِينَ... ۱

به تحقیق خداوند به شما جانشینی اش را داده است ای آل یاسین.



نماز و دعای فرج

برای رفع مشکلات مهم

ابو جعفر محمد بن جریر طبری در کتاب «مسند فاطمه (ع)» می گوید: ابو حسین کاتب گفت: کاری را از ابی منصور صالحان به عهده گرفتم و چیزی میان من و او پیش آمد که لازم شد مخفی شوم و او در جستجوی من بود و تهدیدم می کرد.

مدتی از ترس او مخفی شدم و در شب جمعه ای که باد و باران می وزید به قبرستان قریش رفتم. آنجا برای دعای حجره ای نشستم و از ابن جعفر قیّم خواستم که درها را ببندد و کوشش کند تا آن محل خلوت باشد و من برای دعا و نیایش با خدا خلوت کنم، و ایمن باشم از وارد شدن شخصی که نسبت به او ایمن نیستم و از دیدارش

۱. بحار الأنوار: ۱۷۲/۵۳. و زیارت را به طور کامل - إن شاء الله - در باب زیارات ذکر خواهیم کرد.

بیمناکم. ابن جعفر درها را قفل کرد و شب به نیمه رسید و آن قدر باد وزید و باران بارید که دیگر کسی به آنجا نمی توانست بیاید.

من دعا و زیارت و نماز می خواندم تا این که در این بین صدای پایی از کنار قبر مولایمان حضرت موسی بن جعفر علیه السلام به گوشم رسید، در این هنگام مردی را دیدم که زیارت می خواند. در زیارتش به حضرت آدم و پیامبران اولوالعزم علیهم السلام و هر یک از ائمه علیهم السلام درود فرستاد تا به امام زمان صلوات الله علیه رسید ولی آن حضرت را یاد نکرد. از این کار او تعجب کردم و با خود گفتم: شاید فراموش کرد یا نمی داند یا مذهب این مرد این گونه است.

وقتی زیارتش به پایان رسید دو رکعت نماز خواند و رو کرد به طرف قبر مولایمان ابی جعفر امام جواد علیه السلام و مثل همان زیارت و سلام را خواند و دو رکعت نماز گزارد. در حالی که من از او بیمناک بودم چون او را نمی شناختم. و او را جوانی از بزرگان دیدم که لباس های سفیدی بر تن داشت و عمامه ای که دارای تحت الحنک بود و ردایی که بر دوش داشت.

به من گفت: ای اباالحسین پسر ابی العلاء؛ چرا دعای فرج نمی خوانی؟

گفتم: چگونه است ای سرور من؟ فرمود:

دو رکعت نماز می خوانی و می گویی:

يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَسَتَرَ الْقَبِيحَ، يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ

ای کسی که زیبایی را آشکار کرد و زشتی را پوشانید، ای آن که به گناه مؤاخذه نکرده

وَلَمْ يَهْتِكِ السُّتْرَ، يَا عَظِيمَ الْمَنْ، يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ، يَا مُبْتَدِيَّ

و پرده را ندرد، ای آن که احسانش بر بندگان بزرگ و عفو و گذشت او بزرگوارانه است، ای آغازگر

النِّعَمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا، يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ، يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ، يَا

نعمتها قبل از استحقاق آن، ای صاحب گذشت نیکو، و آمرزش فراگیر، ای

بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ، يَا مُنْتَهَى كُلِّ نَجْوَى، وَيَا غَايَةَ كُلِّ

آن که دستان رحمتش باز است، ای نهایت هر نجوا و رازگویی، و ای پایان هر

شَكْوَى، وَيَا عَوْنَ كُلِّ مُسْتَعِينٍ، يَا مُبْتَدِئًا بِالنُّعْمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا،

شکوه و شکایت، ای یار هر یاری طلب، ای آغازگر نعمت‌ها قبل از استحقاق آن.

«يَا رَبَّاهُ» ده مرتبه، «يَا سَيِّدَاهُ» ده مرتبه، «يَا مَوْلَاهُ» ده مرتبه، «يَا

ای پروردگارم؛ ای آقا و سرورم؛ ای مولایم، ای

غَايَتَاهُ» ده مرتبه، «يَا مُنْتَهَى رَغْبَتَاهُ» ده مرتبه. أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ

نهایت مقصودم؛ ای نهایت اشتیاقم؛ از تو می‌خواهم به حق

الْأَسْمَاءِ، وَبِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ إِلَّا مَا

این نام‌ها و به حق محمد و آل پاکش - که بر آنان درود باد - که

كَشَفْتَ كَرْبِي، وَنَفْسَتَ هَمِّي، وَفَرَّجْتَ عَنِّي، وَأَصْلَحْتَ حَالِي.

بلا و سختی را از من برطرف کنی، و اندوهم را بزدایی، و گشایش در کارم دهی، و حالم را اصلاح نمایی.

بعد از آن هر چه می‌خواهی دعا کن، و حاجتت را بطلب؛ سپس گونه راست

صورت را بر زمین گذاشته و صد مرتبه در آن حال می‌گویی:

يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ، اِكْفِيَانِي فَاِنَّكُمَا كَافِيَانِي،

ای محمد ای علی؛ ای علی ای محمد؛ مرا کفایت کنید که همانا شما مرا کفایت‌کننده‌اید

وَأَنْصُرَانِي فَاِنَّكُمَا نَاصِرَانِي.

و یاریم کنید که شما مرا یاری‌کننده‌اید.

سپس گونه چپ صورت را بر زمین گذاشته و صد مرتبه می‌گویی: «أَذْرِكُنِي» (مرا

دریاب) و آن را بسیار تکرار کن. و سپس به اندازه یک نفس می‌گوئی: «الْغَوْثَ

[الْغَوْثَ] «الْغَوْثَ» (به فریادم برس، به فریادم برس، به فریادم برس)؛ بعد سر از زمین بردار

که خداوند با بزرگواریش حاجتت را برآورده می‌کند *إِنْ شَاءَ اللَّهُ*.

وقتی به نماز و دعا مشغول شدم او خارج شد. بعد از نماز به سراغ ابن جعفر رفتم

تا از او درباره آن مرد و چگونگی ورودش پرسم. دیدم درها بسته و قفل هستند،

تعجب کردم و با خود گفتم: شاید او از ابتدای شب این جا بوده و من نمی‌دانستم. ابن

جعفر قیم را صدا زدم. ابن جعفر از اطاقی که روغن چراغ‌های حرم در آنجا بود آمد.

از او درباره این مرد و چگونگی ورودش سؤال کردم. گفت: همان طور که می بینی درها بسته است و من آن را باز نکرده ام. دوباره جریان را از او جویا شدم، گفت: آن مرد مولای مان امام زمان صلوات الله علیه بود و من بارها ایشان را در مثل امشب و هنگامی که این جا خالی از مردم است دیده ام.

با شنیدن این حرف، تأسف و حسرت فراوان خوردم که چرا ندانستم. نزدیک طلوع فجر از آنجا خارج شدم تا به محلی که در آن مخفی شده بودم روانه شوم. آفتاب هنوز بالا نیامده بود که کسانی از سوی ابن صالحان با امان نامه ای از وزیر و نامه ای به خط خودش سراغ مرا از دوستانم می گرفتند و به دنبال من می گشتند. با یکی از دوستان مطمئن خود نزد او رفتم، برایم برخاست و مرا چنان احترام کرد که هرگز مانند آن را به یاد نداشتم.

رو کرد به من و گفت: حالت آن گونه شد که به امام زمان ارواحنا فداء شکایت مرا نمودی؟ گفتم: من تنها دعا و درخواست کردم. گفت: وای بر تو، دیشب (شب جمعه) مولایم امام زمان صلوات الله علیه را در خواب دیدم که مرا به نیکی کردن درباره تو امر فرمود و در این مورد چنان به من تندی نمود که ترسیدم.

پس گفتم: لا إله إلا الله؛ شهادت می دهم که ائمه علیهم السلام بر حق اند و حق به آنان ختم می شود؛ من دیشب آقایم را در بیداری دیدم و به من چنین و چنان فرمودند. و آنچه با چشم خود دیده بودم شرح دادم.

ابی منصور از آن تعجب کرد و کارهای بزرگ نیکی انجام داد. و به برکت مولایمان صاحب الزمان ارواحنا فداء آنچه فکر آن را هم نمی کردم، از سوی امیر درباره من انجام شد.^۱ علامه شیخ علی اکبر نهاوندی رحمته الله در «العقربى الحسان» می گوید: من این دعا را چندین بار تجربه کرده ام و در استجابت و رسیدن به مقصود مؤثر دیدم. سپس سخن آیه الله عراقی در «دارالسلام» را نقل کرده است که آن به این شرح است:

آثار عجیبی از این دعا دیده ام و اولین اثر آن را در شهر تهران در سال ۱۲۶۶

۱. تبصرة الولی: ۱۹۲، بحار الأنوار: ۲۴۹/۹۱، دلائل الإمامة: ۵۵۱.

مشاهده کردم. من در منزل ملک التجار، مهمان حاج میرزا باقر امام جمعه بودم. ایشان از وطنش تبعید شده بود و از طرف حاکم اجازه نداشت به تبریز برگردد. من هر چند مهمان او بودم و تهیة خوردنی و آشامیدنی بر من لازم نبود اما به خاطر مخارج دیگر، چون غریب بودم و با اهل آنجا مأنوس نبودم قرض برایم امکان نداشت، و لذا به شدت در تنگدستی بودم.

یک روز با امام جمعه در صحن خانه نشسته بودیم. من بلند شدم و به اتاق بالا برای استراحت و نماز رفتم. بعد از خواندن نماز ظهر و عصر کتابی را در اتاق دیدم. آن را برداشتم و دیدم ترجمه جلد سیزدهم «بحار الأنوار» است که در احوالات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف نوشته شده است.

چون کتاب را باز کردم این دعا را در باب معجزات حضرت دیدم. با خود گفتم: آن را امتحان می‌کنم. پس بلند شدم، نماز خواندم و دعا کردم و سجده انجام دادم. سپس پیش شیخ رفتم و در کنارش نشستم که در این هنگام مردی با کاغذی در دست وارد شد و آن را به امام جمعه داد و پارچه سفیدی را در پیش او گذاشت.

امام جمعه بعد از خواندن نامه، آن را به همراه پارچه به من داد و گفت: این مال توست. وقتی پارچه را باز کردم دیدم تاجر علی اصغر تبریزی بیست تومان در پارچه گذاشته و در نامه نوشته که به من برسانند. به زمان نوشتن نامه که نگاه کردم دیدم درست همان زمانی است که از دعا فارغ شدم. تعجب کردم و در حالی که خدا را تسبیح می‌گفتم تبسمی کردم، امام جمعه علت را از من پرسید و من داستان را برایش گفتم. امام جمعه گفت: سبحان الله؛ من هم این کار را به خاطر برطرف شدن مشکلم انجام می‌دهم.

به او گفتم: بلند شو و شتاب کن.

به اتاق رفت و پس از خواندن نماز ظهر و عصرش همان کارهایی را که من انجام داده بودم بجا آورد و زمانی نگذشت که حاکمی که او را به تهران احضار کرده بود برکنار شد و شاه از او معذرت‌خواهی کرد و او را با احترام به تبریز برگردانید و از آن

پس، این کار ذخیره‌ای برایم در گرفتاری‌ها بود و آثار عجیبی از آن مشاهده کردم. سالی نیز در نجف، بیماری وبا زیاد شده بود و بسیاری بر اثر آن جان خود را از دست دادند و مردم مضطرب و پریشان‌خاطر گشته بودند. چون این گونه دیدم از شهر بیرون رفته و این کار را انجام دادم و از خدا خواستم و با را برطرف کند. سپس وارد شهر شدم و به کسی نگفتم چه کاری انجام داده‌ام. ولی به نزدیکانم خبر برطرف شدن وبا را دادم.

به من گفتند: از کجا می‌گویی؟ گفتم: مستند خود را در این گفتار به شما نمی‌گویم. گفتند: فلانی و فلانی دیشب به وبا مبتلا شدند. گفتم: این طور نیست به طور حتم، قبل از دیشب مبتلا شده بودند. و بعد از تحقیق درستی گفتارم ثابت شد. چندین بار دوستانم گرفتار سختی‌ها شدند و من این کار را به آنان یاد دادم و به سرعت مشکلاتشان رفع شد.

روزی در خانه یکی از دوستان بودم، از گرفتاری و سختی حال او اطلاع پیدا کردم و این کار را به او یاد دادم و به خانه‌ام بازگشتم. بعد از زمان کوتاهی صدای کوبیدن درب را شنیدم و همان مرد به خانه من آمد و گفت: از برکت دعای فرج، مشکلم رفع شد و مالی بدست آوردم؛ چه مقدار نیاز داری تا به تو بدهم؟

گفتم: من به برکت این دعا هیچ گونه احتیاجی ندارم ولی برایم ماجرایت را بگو. گفت: جریان این بود که بعد از رفتن تو از خانه‌ام به حرم حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مشرف شده و این کار را انجام دادم وقتی از حرم شریف بیرون آمدم مردی را ملاقات کردم و او به اندازه نیازم به من بخشید.

خلاصه این که من اثر این کار را خیلی زود دیدم. اما فقط به کسی که در تنگنا و نیاز شدید باشد این دعا را یاد می‌دهم و خودم انجام نمی‌دهم مگر این که در چنین حالی باشم؛ چون نامگذاری این دعا به دعای فرج توسط امام زمان صلوات الله علیه این مطلب را می‌رساند که در زمان شدت گرفتاری و در تنگنا اثر می‌کند.^۱

۱. العبری الحسان: ۱۲۹/۱ المسک الأذفر و دار السلام عراقی: ۱۹۲ با اندکی تصرّف در عبارات.



نماز استغاثه به امام زمان عجل الله تعالى فرجه

سید علیخان علیه السلام در «الکلم الطیب» می گوید: این استغاثه به امام زمان ارواحنا فداه است، هر جا باشی دو رکعت نماز با حمد و سوره بجای آور، آن گاه رو به قبله زیر آسمان بایست و بگو:

سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلُ التَّامُّ الشَّامِلُ الْعَامُّ، وَصَلَوَاتُهُ الدَّائِمَةُ وَبَرَكَاتُهُ

سلام کامل و تمام و شامل و عام خداوند، و دروذهای همیشگی و برکات

الْقَائِمَةُ التَّامَّةُ، عَلَى حُجَّةِ اللَّهِ وَوَلِيِّهِ فِي أَرْضِهِ وَبِلَادِهِ، وَخَلِيفَتِهِ

باینده و کامل خدا، بر حجت خدا و ولی او بر روی زمین و شهرهای او، و جانشین او

عَلَى خَلْقِهِ وَعِبَادِهِ، وَسُلَالَةِ النَّبُوَّةِ، وَبَقِيَّةِ الْعِثْرَةِ وَالصَّفْوَةِ،

بر آفریدگان او و بندگانش و بر نسل پاک نبوت، و باقی مانده عترت و برگزیدگان،

صَاحِبِ الزَّمَانِ، وَمُظْهِرِ الْإِيمَانِ، وَمُلَقِّنِ أَحْكَامِ الْقُرْآنِ، وَمُطَهِّرِ

حضرت صاحب الزمان، و آشکار کننده ایمان، و آموزنده و تعلیمگر احکام قرآن، و پاک کننده

الْأَرْضِ، وَنَاشِرِ الْعَدْلِ فِي الطُّولِ وَالْعَرْضِ، وَالْحُجَّةِ الْقَائِمِ

زمین، و نشر دهنده عدل در طول و عرض (جهان)، و حجت قائم

الْمَهْدِيِّ، الْإِمَامِ الْمُنْتَظَرِ الْمَرْضِيِّ، وَابْنِ الْأَئِمَّةِ الطَّاهِرِينَ،

مهدی، امام منتظر پسندیده، و فرزند پیشوایان پاک،

الْوَصِيِّ بْنِ الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ، الْهَادِي الْمَعْصُومِ بْنِ الْأَئِمَّةِ

وصی که فرزند اوصیاء پسندیده است، راهنمای معصومی که فرزند امامان

الْهُدَاةِ الْمَعْصُومِينَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِعْزَ الْمُؤْمِنِينَ الْمُسْتَضْعَفِينَ،

هدایتگر معصوم است. سلام بر تو ای عزت بخش مؤمنانی که آنها را ضعیف شمرده و به ناتوانی واداشته اند،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِذْلَ الْكَافِرِينَ الْمُتَكَبِّرِينَ الظَّالِمِينَ. السَّلَامُ

سلام بر تو ای خوار کننده کافران متکبر، ستمگر؛ سلام

عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ

بر تو ای مولای من ای صاحب الزمان؛ سلام بر تو ای فرزند رسول

اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ

خدا؛ سلام بر تو ای فرزند امیر مؤمنان؛ سلام بر تو ای فرزند

فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْأَيْمَةِ

فاطمه زهرا بانوی زنان جهانیان؛ سلام بر تو ای فرزند امامان

الْحُجَجِ الْمَعْصُومِينَ وَالْإِمَامِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

که حجّت‌های معصوم بودند و ای رهبر و پیشوای تمام خلایق؛ سلام بر تو

يَا مَوْلَايَ سَلَامٌ مُخْلِصٌ لَكَ فِي الْوِلَايَةِ. أَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ

ای مولای من؛ سلام کسی که در ولایت برای تو اخلاص دارد (تنها ولایت و محبت تو را دارد). شهادت می‌دهم که همانا تو پیشوای

الْمَهْدِيِّ قَوْلًا وَفِعْلًا، وَأَنْتَ الَّذِي تَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا،

هدایت‌شده و هدایتگری از جهت گفتار و کردار؛ و تو همان کسی هستی که زمین را از عدل و داد پر خواهی کرد

بَعْدَ مَا مِلْتُ جَوْرًا وَظُلْمًا، فَعَجَّلَ اللَّهُ فَرَجَكَ، وَسَهَّلَ مَخْرَجَكَ،

بعد از آن که از جور و ستم پر شده باشی؛ پس خدا در ظهورت تعجیل کند، و خروجت را آسان

وَقَرَّبَ زَمَانَكَ، وَكَثَّرَ أَنْصَارَكَ وَأَعْوَانَكَ، وَأَنْجَزَ لَكَ مَا وَعَدَكَ،

و زمان ظهورت را نزدیک نماید، و یاران و یاوران تو را زیاد گرداند، و به آنچه به تو وعده داده است وفا

فَهُوَ أَصْدَقُ الْقَائِلِينَ ﴿وَتُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُوا فِي

کند، که او راستگوترین سخنگویان است (آنجا که می‌فرماید: «می‌خواهیم بر اهل ایمانی که در زمین ضعیف شمرده شده‌اند

الْأَرْضِ وَنَجَعَلَهُمْ أَيْمَةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾. يَا مَوْلَايَ يَا

ممت گذاشته و ایشان را پیشوایان خلق و وارثان زمین قرار دهیم. ای مولای من ای

صَاحِبَ الزَّمَانِ، يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، حَاجَتِي كَذَا وَكَذَا، وَبِهِ جَايَ «كَذَا

صاحب الزمان، ای فرزند رسول خدا؛ حاجتم چنین و چنان است؛

وَكَذَا» حَاجَتِ خُودِ رَا ذَكَرَ نَمَائِدُ، فَاشْفَعُ لِي فِي نَجَاحِهَا، فَقَدْ تَوَجَّهْتُ

تو در مورد برآورده شدن آن برای من (در پیشگاه خدا) شفاعت کن، که من

إِلَيْكَ بِحَاجَتِي، لِعِلْمِي أَنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَفَاعَةً مَقْبُولَةً، وَمَقَاماً

به شما برای رفع حاجتم روی آورده‌ام؛ چون می‌دانم که شفاعت تو در پیشگاه خدا پذیرفته شده و برای شما مقام

مَحْمُوداً، فَبِحَقِّ مَنْ اخْتَصَّكُمْ بِأَمْرِهِ، وَارْتِضَاكُمْ لِسِرِّهِ، وَبِالشَّانِ

ستوده است؛ پس به حق آن کسی که شما را به امر خودش اختصاص داد و برای اسرار خود برگزید، و به آن شان

الَّذِي لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ، سَلِ اللَّهَ تَعَالَى فِي نُجْحِ طَلِبَتِي،

و مقامی که نزد خدا برای شما است و ارتباطی که میان شما و اوست از خدا بخواهید که خواسته‌هایم را برآورده ساخته

وَإِجَابَةِ دَعْوَتِي، وَكَشْفِ كُرْبَتِي.

و دعایم را مستجاب گرداند، و اندوهم را برطرف سازد.

و هر چه دوست داری دعا کن و بخواه که ان شاء الله برآورده می‌شود.^۱

علامه شیخ محمود عراقی در کتاب «دار السلام» - که در آن جریان کسانی ذکر شده است که به ملاقات و عرض سلام خدمت امام زمان ارواحنا فداء شرفیاب شده‌اند - می‌فرماید: این عمل را خودم تجربه کرده و آثار عجیبی از آن مشاهده کرده‌ام، بعضی از علما از یاد دادن آن به ناهلان خودداری می‌کردند و از کارهایی بود که در گرفتاری‌های بزرگ آن را تجربه کرده بودند.^۲

ایشان در «دار السلام» می‌فرماید: به نظر می‌رسد سوره «فتح» و «نصر» برای بعد از سوره «حمد» تعیین شده و فاضل معاصر آن را معین فرموده است؛ و بعید نیست که انجام این عمل در نیمه شب معین شده باشد؛ چون راوی در آن وقت مأمور به انجام شده بود و اطلاقی در کلام نیست تا غیر آن وقت را هم شامل شود، لذا قدر متیقن و آن وقت حتمی و یقینی همان نیمه شب است.

فاضل معاصر از قول کفعمی رحمته الله قبل از نماز و زیارت علاوه بر تعیین این دو سوره، غسل را نیز افزوده است، هر چند در کتاب «مصباح الزائر» سوره معین نشده است. بنابراین، آنچه از فرمایشات این بزرگواران ظاهر می‌شود این است که تعیین سوره‌ها و تعیین وقت گرچه اقوی نیست ولی به احتیاط نزدیک‌تر می‌باشد و انجام دادن غسل شرط نشده گرچه آن هم مطابق با احتیاط است.^۳

۱. مفاتیح الجنان: ۲۴۳، به نقل از الکلم الطیب: ۸۳.

۲. التحفة الرضویة: ۱۳۴. ۳. دار السلام عراقی: ۱۹۷.

نماز هدیه خدمت امام زمان عجل الله تعالى فرجه

سید جلیل القدر علی بن طاووس رحمته الله می فرماید: ابو محمد صیمری گفته است: ابو عبدالله احمد بن عبدالله بجلی با سندی که آن را به ائمه علیهم السلام رسانده، گفته است: ... اگر کسی بتواند علاوه بر نمازهای پنجگانه و نوافل، نماز دیگری بخواند (هر چند هر روز دو رکعت باشد) و آن را به یکی از ائمه علیهم السلام هدیه کند. شروع این نماز در رکعت اول مانند شروع نماز واجب با هفت، یا سه و یا یک تکبیر است و بعد از ذکر رکوع و سجده در هر رکعت سه بار بگوید: «صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ»؛ (درود خداوند بر محمد و آل پاک و پاکیزه او باد)، و چون تشهد خواند و سلام داد (بعد از نمازی که به امام زمان ارواحنا فداء هدیه می کند) بگوید:

اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ صَلِّ

بار خداوندا؛ تو سلامی (مایه سلامت و آرامش و ایمنی هستی) و سلام از جانب توست؛ ای صاحب بزرگی و احترام؛ درود فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ، وَأَبْلِغْهُمْ

بر محمد و آل محمد که پاکان و پاکیزگان و نیکوکارانند، و بهترین سلام و تحیت

مِنِّي أَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلَامِ. اللَّهُمَّ إِنَّ هَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ هَدِيَّةٌ

از طرف من به ایشان برسان. خدایا؛ همانا این دو رکعت هدیه ای است

مِنِّي إِلَى عَبْدِكَ وَابْنِ عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ وَابْنِ وَوَلِيِّكَ سِبْطِ نَبِيِّكَ فِي

از من برای بندهات و فرزند بندهات و ولی تو و فرزند ولی تو، نوه پیامبر و فرستادهات در

أَرْضِكَ وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، يَا وَلِيَّ

روی زمین تو و حجتت بر مخلوقات تو؛ ای سرپرست مؤمنان، ای سرپرست

الْمُؤْمِنِينَ، يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ. ۱

مؤمنان، ای سرپرست مؤمنان.



اهداء نماز به امام زمان عجل الله تعالى فرجه در روز پنجشنبه

شیخ طوسی رحمته الله در کتاب «مصباح کبیر» خود می‌گوید: روایت شده که برای هدیه کردن نماز به معصومین علیهم السلام به این طریق باید عمل کرد:
روز جمعه هشت رکعت نماز بخواند؛ چهار رکعت هدیه به رسول خدا صلی الله علیه و آله و چهار رکعت هدیه به فاطمه زهرا علیها السلام.

روز شنبه چهار رکعت هدیه به امیرالمؤمنین علیه السلام و هر روز چهار رکعت هدیه برای یکی از ائمه علیهم السلام تا روز پنجشنبه که چهار رکعت به امام جعفر صادق علیه السلام هدیه می‌کند. سپس دوباره روز جمعه هشت رکعت نماز بخواند؛ چهار رکعت هدیه به رسول خدا صلی الله علیه و آله و چهار رکعت هدیه به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام.

سپس روز شنبه، چهار رکعت هدیه به امام کاظم علیه السلام و همین کار را ادامه دهد تا روز پنجشنبه، چهار رکعت به امام زمان ارواحنا فداه هدیه کرده و بین دو رکعت نماز این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ، وَمِنْكَ السَّلَامُ، وَإِلَيْكَ يَعُودُ السَّلَامُ، حِينَا

بار خداوندا؛ تو سلامی (مایه سلامت و آرامش و ایمنی هستی) و سلام از جانب توست، و به سوی تو باز می‌گردد.

رَبَّنَا مِنْكَ بِالسَّلَامِ. اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ الرَّكَعَاتِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَيْكَ

پروردگارا؛ سلامی از سوی خودت بر ما هدیه کن. خداوندا؛ این چند رکعت نماز، هدیه‌ای است از من به

الْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ^۱، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَلِّغْهُ إِثْمَانًا،

حجت بن الحسن، پس بر محمد و آل محمد درود بفرست و این هدیه را به او برسان

وَأَعْطِنِي أَفْضَلَ أَمْلِي وَرَجَائِي فِيكَ، وَفِي رَسُولِكَ صَلَوَاتِكَ

و به من فزون‌تر از آرزو و امیدی که در مورد تو و رسالت - که رحمت و درود تو

۱. نام امامی را که نماز را به او هدیه می‌کنی بگو.

عَلَيْهِ وَآلِهِ [وَفِيهِ] . و هر چه دوست داری طلب کن و دعا کن .^۱

بر او و آل او باد . [و در مورد حجتت] دارم ، عطا فرما .



نماز استغاثه به امام زمان ارواحنا فداء

در شب‌های پنج‌شنبه و جمعه

در کتاب «التحفة الرضویة» آمده است : عالم جلیل القدر سید حسین همدانی نجفی رحمته الله به من فرمود :

هر کس حاجتی دارد ، شب پنج‌شنبه و جمعه در زیر آسمان با سر و پای برهنه دو رکعت نماز بخواند و بعد از نماز دست‌ها را به سوی آسمان بلند کرده و ۵۹۵ مرتبه بگوید : «یا حُجَّةُ الْقَائِمِ» .

سپس به سجده رفته و در سجده هفتاد مرتبه بگوید : «یا صَاحِبَ الزَّمَانِ اَغْنِنِي» ؛ (یا صاحب الزمان به فریادم برس) ، و آن گاه حاجتش را بخواند .

این نماز در مورد حاجت‌های مهم تجربه شده و اگر در هفته اول حاجتش برآورده نشد هفته بعد آن را بخواند و اگر باز هم برآورده نشد در هفته سوم نماز را بخواند که به طور حتم حاجتش برآورده خواهد شد .

سید محمد علی جواهری حایری به من فرمودند : برای حاجتی این نماز را خواندم و در همان شب در عالم خواب حضرت مهدی ارواحنا فداء را دیده و حاجت خود را به ایشان عرضه کردم و خداوند به برکت آن حضرت ، حاجتم را برآورده ساخت .

و نیز فرموده‌اند که : من خود این نماز را تجربه کرده‌ام .^۲

۱. جمال الأسبوع : ۳۴ ، دعوات راوندی : ۱۰۸ ، مصباح المتهجد : ۳۲۲ .

۲. التحفة الرضویة : ۱۳۵ .



نماز استغاثه به نحو دیگر

همین نماز را صدر الإسلام همدانی رحمته در کتاب ارزشمندش «تکالیف الأنام فی غیبة الإمام» با کیفیت دیگری آورده است:

ایشان از سید مورد اعتماد، استاد و عالم ربّانی، حکیم صمدانی، فقیه و مجتهد کامل سید محمد هندی نجفی رحمته و او از عالم بزرگوار سید حسن قزوینی، و او از سید حسین شوشتری - امام جماعت - با سند خود از سید علیخان - شارح صحیفه سجّادیه - نقل کرده‌اند:

در شب پنجشنبه یا شب جمعه دو رکعت نماز در زیر آسمان و بر بالای بام با سر برهنه می‌خوانی و بعد از نماز با سر برهنه «یا حُجَّةُ الْقَائِمِ» به تعداد عدد اُبعْدش یعنی ۵۹۵ مرتبه می‌گویی که تجربه شده است.

و بدان که عددش «۱۰ (ی) + ۱ (ا) + ۸ (ح) + ۳ (ج) + ۴۰۰ (ة) + ۱ (ا) + ۳۰ (ل) + ۱۰۰ (ق) + ۱ (ا) + ۱ (ا) + ۴۰ (م)» است که مجموع آن ۵۹۵ می‌شود. ایشان فرموده‌اند: این عمل را (از غیر اهلش) مخفی بدار، چون از اسرار است و من آن را چند بار تجربه کرده‌ام.^۱



نماز امام زمان عجل الله تعالی فرجه

در شب جمعه

سید بن طاووس رحمته می‌فرماید: در کتاب «کنوز النجاج» نوشته ابو علی فضل بن حسن طبرسی رحمته آمده است: احمد بن دربی از خزامه و او از ابی عبدالله حسین بن محمد بزوفری روایت کرده است که از ناحیه مقدسه وارد شده است:

۱. تکالیف الأنام فی غیبة الإمام: ۲۵۱.



هر کس از درگاه ربوبی حاجتی دارد شب جمعه بعد از نصف شب غسل کرده و به جایگاه نماز خود رفته و دو رکعت نماز بخواند. در رکعت اول سوره حمد را بخواند تا برسد به آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» و آن را صد مرتبه تکرار کند و سپس سوره حمد را تا آخر و سوره توحید را یک مرتبه بخواند. سپس به رکوع و سجده رفته و در هر کدام، ذکر آن را هفت مرتبه بگوید.

رکعت دوم را نیز به همین صورت بجا آورد سپس دعایی را که ذکر می‌شود بخواند، که خدای تعالی به طور قطع حاجتش را هر چه باشد برآورده می‌کند؛ مگر آن که قطع صلۀ رحم را خواسته باشد.

و دعا (چنین است):

اللَّهُمَّ إِنْ أَطَعْتُكَ فَأَلْمَحَمْدَةَ لَكَ، وَإِنْ عَصَيْتُكَ فَأَلْحُجَّةَ لَكَ،

خداوندا! اگر تو را اطاعت کردم حمد و سپاس شایسته توست، و اگر تو را نافرمانی کردم حجت و دلیل تو بر من تمام است.

مِنْكَ الرُّوحُ وَمِنْكَ الْفَرَجُ، سُبْحَانَ مَنْ أَنْعَمَ وَشَكَرَ، سُبْحَانَ مَنْ

آسایش و راحتی و حل مشکلات از ناحیه توست، پاک و منزّه است کسی که نعمت داد و شکر گزارد، پاک و منزّه است کسی که

قَدَرَ وَغَفَرَ. اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتُ قَدْ عَصَيْتُكَ، فَإِنِّي قَدْ أَطَعْتُكَ فِي

قدرت داشت و بخشید. خداوندا! اگر معصیت و نافرمانی تو را کردم؛ به راستی که در

أَحَبِّ الْأَشْيَاءِ إِلَيْكَ وَهُوَ الْإِيمَانُ بِكَ، لَمْ أَتَّخِذْ لَكَ وَلَدًا، وَلَمْ

محبوب‌ترین چیزها نزد تو که ایمان به توست، تو را اطاعت کرده‌ام؛ فرزندی برای تو نگرفتم؛ و

أَدْعُ لَكَ شَرِيكًا، مَنَّأَ مِنْكَ بِهٍ عَلَيَّ لَا مَنَّأَ مِنِّي بِهٍ عَلَيْكَ، وَقَدْ

شریکی برایت نخواندم؛ و این‌ها منتهی از تو بر من است نه منتهی باشد از من بر تو؛

عَصَيْتُكَ يَا إِلَهِي عَلَى غَيْرِ وَجْهِ الْمُكَابَرَةِ، وَلَا الْخُرُوجِ عَنِ

خدای من! تو را نافرمانی کردم نه از روی گردنکشی و نه برای خارج شدن از

عُبُودِيَّتِكَ، وَلَا الْجُحُودِ لِرُبُوبِيَّتِكَ، وَلَكِنْ أَطَعْتُ هَوَايَ، وَأَزَلَّنِي

مرتبه بندگی تو، و نه برای انکار ربوبیت تو؛ بلکه از هوای نفسم پیروی کردم و

الشَّيْطَانَ، فَلَكَ الْحُجَّةُ عَلَيَّ وَالْبَيَانُ، فَإِنْ تُعَذِّبُنِي فَبِذُنُوبِي غَيْرِ

شیطان مرا دچار لغزش ساخت؛ پس حجت و بیان تو بر من تمام است، پس اگر عذابم کنی به خاطر گناهانم می‌باشد و تو

ظَالِمٍ، وَإِنْ تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي، فَإِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ، يَا كَرِيمُ يَا

ستمگر نیستی و اگر مرا بیامرزی و ترخم نمایی همانا تو بخشنده بزرگواری، ای بزرگوار ای

كَرِيمُ، (این کلمه را به قدر یک نفس تکرار کند)، سپس بگوید: يَا أَمِنًا مِنْ كُلِّ

بزرگوار، ای آن که از هر چیزی ایمن

شَيْءٍ، وَكُلُّ شَيْءٍ مِنْكَ خَائِفٌ حَذِرٌ، أَسْأَلُكَ بِأَمْنِكَ مِنْ كُلِّ

هستی، و همه از تو ترسان و بیمناکند؛ از تو می‌خواهم به امنیت و امان تو از هر

شَيْءٍ، وَخَوْفٍ كُلِّ شَيْءٍ مِنْكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

چیز و ترس هر چیز از تو، که بر محمد و آل محمد درود بفرستی

مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُعْطِيَنِي أَمَانًا لِنَفْسِي وَأَهْلِي وَوَالِدِي، وَسَائِرِ مَا

و به من در مورد خودم و خانواده و فرزندانم و دیگر نعمت‌هایی که به من داده‌ای

أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ، حَتَّى لَا أَخَافَ أَحَدًا، وَلَا أَخْذَرَ مِنْ شَيْءٍ أَبَدًا،

امنیت و آسودگی عطا کنی، تا هرگز از کسی نترسم و از چیزی بیمناک نباشم؛

إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، يَا كَافِي

همانا تو بر هر کاری قادر و توانایی. و خداوند، ما را بس است و او خوب وکیلی است، ای کفایت کننده

إِبْرَاهِيمَ نَمْرُودَ، يَا كَافِي مُوسَى فِرْعَوْنَ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

ابراهیم از شر نمروود، و ای کفایت کننده موسی از شر فرعون، از تو می‌خواهم که بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَكْفِيَنِي شَرَّ فُلَانٍ بِنِ فُلَانٍ.

محمد و آل محمد درود بفرستی و مرا از شر فلانی فرزند فلانی کفایت کنی.

پس به خواست خدا، دعاکننده از شر کسی که از او می‌ترسد در امان خواهد بود. آن گاه سجده کرده و حاجتش را می‌طلبد و به سوی خدا تضرع و ناله می‌کند.

هیچ زن و مرد مؤمنی نیست که این نماز را بخواند و با خلوص نیت دعا کند مگر این که برای او درهای آسمان برای اجابت باز شده و در همان وقت و همان شب هر که باشد دعایش اجابت می‌شود و این از فضل خداوند بر ما و مردم است.^۱



نماز دیگر امام زمان عجل الله تعالى فرجه

نمازی که ذکر شد در کتاب «نجم الثاقب» از کتاب سید فضل الله راوندی به عنوان نماز مولای مان حضرت بقیة الله ارواحنا فداء نقل شده و بعد از نماز صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام ذکر شده است. دعای دیگری بعد از نماز گفته نشده و زمان خاصی برای آن معین نشده است.^۱



نماز روز بیست و هفتم ماه رجب

ابوالعباس احمد بن علی بن نوح رضی الله عنه می گوید: ابو احمد محسن بن عبدالحکم سجری به من فرمود و من از اصل کتابش نوشتم که در کتاب ابی نصر جعفر بن محمد بن حسن بن هیثم نوشته شده که این نماز از ابوالقاسم حسین بن روح رضی الله عنه نقل شده است:

نماز روز بیست و هفتم ماه رجب، دوازده رکعت است و در هر رکعت سوره «حمد» را با هر سوره ای که توانست می خواند و بعد از هر دو رکعت سلام می دهد و این دعا را می خواند:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ،

ستایش خدایی را که فرزندی نگرفته و شریکی در ملک و سلطنت ندارد.

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ وَكَبْرُهُ تَكْبِيرًا، يَا عُدَّتِي فِي مَدَّتِي،

و برایش سرپرست و یاور از جهت خواری و ذلت نمی باشد، و او را به عظمت و بزرگی یاد کن. ای ساز و برگ من در مدت زندگی،

وَيَا صَاحِبِي فِي شِدَّتِي، وَيَا وَلِيِّي فِي نِعْمَتِي، يَا غِيَاثِي فِي

وای همدم من در سختی و گرفتاریم، و ای سرپرست من در نعمتم، ای فریادرس من در هر

۱. مکیال المکارم: ۴۱۱/۲.



رَغْبَتِي، يَا مُجِيبِي فِي حَاجَتِي، يَا حَافِظِي فِي غَيْبَتِي، يَا كَالِي

نیازم، ای اجابت‌گر من در درخواست من، ای حافظ من در غیاب من، ای نگهدار من

فِي وَحْدَتِي، يَا أَنْسِي فِي وَحْشَتِي. أَنْتَ السَّاتِرُ عَوْرَتِي، فَلَكَ

در تنهایی من، ای مونس من در وحشت من، تنها تو پوشاننده زشتی‌های من هستی؛ پس

الْحَمْدُ، وَأَنْتَ الْمُقِيلُ عَثْرَتِي، فَلَكَ الْحَمْدُ، وَأَنْتَ الْمُنْفُسُ

ستایش تو راست و تو از لغزش‌هایم درمی‌گذری؛ پس حمد، تنها سزاوار توست، و تنها تو برطرف‌کننده

صَرَعَتِي، فَلَكَ الْحَمْدُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاسْتُرْ

زمین‌افتادم هستی، پس حمد تنها سزاوار توست، بر محمد و آل محمد درود بفرست و

عَوْرَتِي، وَآمِنُ رَوْعَتِي، وَأَقْلِنِي عَثْرَتِي، وَاصْفَحْ عَن جُرْمِي،

عیوب مرا بیوشان، و مرا از ترس ایمنی بخش، و از لغزشم درگذر، و از جرمم چشم‌پوشی کن،

وَتَجَاوَزْ عَن سَيِّئَاتِي فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ وَعَدَّ الصَّدَقِ الَّذِي

و از گناهانم درگذر و در میان اهل بهشت که وعده صدق به

كَانُوا يُوعَدُونَ.

آنان دادند (مرا داخل گردان).

وقتی از نماز فارغ شدی و دعا را تمام کردی، هر کدام از سوره‌های «حمد»، ﴿قُلْ

هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾، ﴿قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ﴾، ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾، ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾،

﴿إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ﴾ و «آیه الکرسی» را هفت مرتبه می‌خوانی، سپس هفت

مرتبه می‌گویی:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَسُبْحَانَ اللَّهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

معبودی جز خدا نیست و خدا بزرگ‌تر و منزّه است و جنبشی و نیرویی نیست مگر به سبب خدا.

و هفت بار نیز می‌گویی: اللَّهُ اللَّهُ رَبِّي، لَا أُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا.

خدا، خدا پروردگار من است، به او چیزی را شریک نسازم.

و بعد در مورد هر چه دوست داری دعا می‌کنی.^۱



نماز شب نیمه ماه شعبان

ابو یحییٰ صنعانی و سی نفر از افراد مورد اعتماد، از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت کرده‌اند که آن دو بزرگوار فرمودند:

هرگاه شب نیمه شعبان شد چهار رکعت نماز، در هر رکعت «حمد» یک مرتبه و «قل هو الله أحد» صد مرتبه می‌خوانی، و چون نمازت تمام شد، می‌گویی:

اللَّهُمَّ إِنِّي فَقِيرٌ وَمِنْ عَذَابِكَ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ. اللَّهُمَّ لَا تُبَدِّلْ

خداوندا، من فقیر و محتاجم و از عذابت ترسان و به تو پناهنده‌ام. خداوندا؛ نامم را (با نام دیگری) عوض مکن،

اسْمِي، وَلَا تُغَيِّرْ جِسْمِي، وَلَا تُجْهِدْ بِلَائِي، وَلَا تُشْمِتْ بِي

و بدنم را دگرگون مساز، و بلایم را سخت مگردان، و دشمنانم را سرزنش کننده من قرار مده.

أَعْدَائِي، أَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ عِقَابِكَ، وَأَعُوذُ بِرَحْمَتِكَ مِنْ عَذَابِكَ،

از کيفرت به بخشش پناه می‌برم، و از عذابت به رحمتت پناه می‌برم

وَأَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْكَ، جَلَّ ثَنَاؤُكَ، أَنْتَ

و از خشم تو به خشنودیت پناه می‌برم و از تو به خودت پناه می‌برم، ستایش تو والاست؛ تو،

كَمَا أَثْنَيْتَ عَلَيَّ نَفْسِكَ وَفَوْقَ مَا يَقُولُ الْقَائِلُونَ. ۱

آن چنانی که خودت خود را ستوده‌ای و برتر از گفتار گویندگانی.

پنجشنبه

بخش اول



نماز دیگر در شب نیمه شعبان

ابو یحیی از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که از امام باقر علیه السلام درباره فضیلت شب نیمه شعبان سؤال شد، حضرت فرمودند:

شب نیمه شعبان بعد از شب قدر، برترین و بافضیلت‌ترین شب‌ها است. در این شب خدا فضل و رحمتش را شامل حال بندگانش می‌گرداند و ایشان را به بزرگواری خود می‌بخشد. در این شب سعی کنید به خدا تقرب جوید.

زیرا شبی است که خداوند بر خود لازم کرده و قسم یاد نموده که هیچ درخواست کننده‌ای را رد نکند مگر این که درخواست معصیت و حرامی بکند. و شبی است که خدا در عوض شب قدر که برای پیغمبرمان صلی الله علیه و آله قرار داد، آن را برای ما اهل بیت قرار داده است.

پس در دعا و ستایش خدا تلاش کنید؛ زیرا هر کس در این شب صد مرتبه خدا را تسبیح نموده یعنی «سُبْحَانَ اللَّهِ» بگوید و صد مرتبه او را ستایش نموده یعنی «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگوید و صد مرتبه او را به بزرگی یاد کرده یعنی «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید، خداوند گناهان گذشته‌اش را می‌بخشد و از حاجات دنیا و آخرت آنچه را بخواهد، و آنچه نیازمند آن باشد - هر چند آن را نخواهد - خداوند به خاطر بزرگواری و رحمتش بر بندگان، آن‌ها را برآورده می‌سازد.

ابو یحیی می‌گوید: به سرورم امام صادق علیه السلام عرض کردم: بهترین دعا در این شب چیست؟ حضرت فرمودند:

هنگامی که نماز عشا را بجا آوردی دو رکعت نماز بخوان. در رکعت اول بعد از سوره حمد، یک مرتبه سوره «جحد» یعنی «قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ»، و در رکعت دوم بعد از سوره حمد، یک مرتبه سوره «توحید» را بخوان. وقتی سلام دادی سی و سه مرتبه: «سُبْحَانَ اللَّهِ»، و سی و سه مرتبه: «الْحَمْدُ لِلَّهِ»، و سی و چهار مرتبه: «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگو، و سپس این دعا را بخوان:

يَا مَنْ إِلَيْهِ مَلَجًا الْعِبَادِ فِي الْمُهْمَاتِ، وَإِلَيْهِ يَفْرَعُ الْخَلْقُ فِي

ای کسی که پناهگاه بندگان در سختی‌ها و مشکلات به سوی او است، و مخلوقات در بلا و مصیبت به او پناه می‌برند؛

الْمُلَمَّاتِ، يَا عَالِمَ الْجَهْرِ وَالْخَفِيَّاتِ، وَيَا مَنْ لَا تَخْفَى عَلَيْهِ

ای دانای هر چه آشکار و پنهان است، ای کسی که خطور فکر و اندیشه‌ها و رفت و آمد

خَوَاطِرُ الْأَوْهَامِ وَتَصَرَّفُ الْخَطَرَاتِ، يَا رَبَّ الْخَلَائِقِ وَالْبَرِيَّاتِ،

خیالات و خاطرات بر او پنهان نیست؛ ای پروردگار خلائق و آفریدگان؛

يَا مَنْ بِيَدِهِ مَلَكَوَتُ الْأَرْضِينَ وَالسَّمَاوَاتِ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا

ای کسی که ملکوت زمین‌ها و آسمان‌ها به دست قدرت اوست؛ تو آن خدایی هستی که جز تو خدایی

أَنْتَ، أُمَّتٌ إِلَيْكَ بِلا إِلَهٍ إِلَّا أَنْتَ، فَبِلا إِلَهٍ إِلَّا أَنْتَ، اجْعَلْنِي فِي

نیست؛ من به وسیله «لا اله الا الله» تو را قصد می‌کنم و به تو روی می‌آورم، پس به خاطر این که اعتقاد دارم جز تو خدایی نیست،

هَذِهِ اللَّيْلَةِ مِمَّنْ نَظَرْتَ إِلَيْهِ فَرَحِمْتَهُ، وَسَمِعْتَ دُعَاءَهُ فَأَجَبْتَهُ،

در این شب مرا از کسانی قرار بده که نظر لطف به او کرده پس به حالش ترخّم فرموده‌ای و دعایش را شنیده پس آن را اجابت

وَعَلِمْتَ اسْتِقَالَتَهُ فَأَقْلَتَهُ، وَتَجَاوَزْتَ عَنْ سَائِفِ خَطِيئَتِهِ، وَعَظِيمِ

کرده‌ای، و درخواست گذشت او را دانسته پس از او درگذشتی، و از خطاهای گذشته و گناهان بزرگ او گذشت کردی.

جَرِيرَتِهِ، فَقَدْ اسْتَجَرْتُ بِكَ مِنْ ذُنُوبِي، وَلَجَأْتُ إِلَيْكَ فِي سِتْرِ

پس من از گناهانم به تو پناه آورده‌ام و برای پوشاندن زشتی‌هایم به تو پناهانده گشتم.

عُيُوبِي. اللَّهُمَّ فَجِدْ عَلَيَّ بِكَرَمِكَ وَفَضْلِكَ، وَاحْطُطْ خَطَايَايَ

ای خدا! تو به فضل و کرمت بر من بخشش و احسان فرما و با بردباری و عفو گناهانم

بِحِلْمِكَ وَعَفْوِكَ، وَتَغَمَّدْنِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ بِسَابِغِ كَرَامَتِكَ،

را بریز و مرا در این شب با کرامت و بزرگواری فراوانت غرق احسانت نما.

وَاجْعَلْنِي فِيهَا مِنْ أَوْلِيَّائِكَ الَّذِينَ اجْتَبَيْتَهُمْ لِطَاعَتِكَ، وَاخْتَرْتَهُمْ

و مرا در این شب از دوستانت قرار بده که آن‌ها را برای فرمان‌برداری از خودت برگزیدی،

لِعِبَادَتِكَ، وَجَعَلْتَهُمْ خَالِصَتَكَ وَصِفْوَتَكَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِمَّنْ

و برای عبادتت انتخاب فرمودی و از خالصان و خالصان خود قرار دادی. خداوندا! مرا از آنان قرار بده که

سَعَدَ جَدُّهُ، وَتَوَفَّرَ مِنَ الْخَيْرَاتِ حَظُّهُ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ سَلِمَ فَنِعِمَ

از کوشش خود به سعادت رسیدند و از خیرات و خوبی‌ها بهره کامل بردند؛ و از آنان که در زندگی سالم ماندند پس منتعم گردیدند

وَفَازَ فَعْنِمَ، وَاكْفِنِي شَرَّ مَا اَسْلَفْتُ، وَاعْصِمْنِي مِنَ الْاِزْدِيَادِ فِي

و پیروز گشتند پس غنیمت یافتند؛ و مرا از شر کارهای گذشته‌ام کفایت فرما و از این که در آینده بر نافرمانی تو بیفزایم حفظ

مَعْصِيَتِكَ، وَحَبِّبْ اِلَيَّ طَاعَتَكَ وَمَا يَقْرِبُنِي مِنْكَ وَيُزِلْفَنِي عِنْدَكَ.

فرما، و فرمان برداری از خودت را و آن چه را باعث نزدیک شدن به حضرت توست و به من نزد تو منزلت می‌دهد محبوب من گردان.

سَيِّدِي اِلَيْكَ يَلْجَا الْهَارِبُ، وَمِنْكَ يَلْتَمِسُ الطَّالِبُ، وَعَلَى

ای آقای من؛ گریختگان به سوی تو پناهنده می‌شوند و جویندگان به درگاه تو التماس می‌کنند، و

كَرَمِكَ يُعَوَّلُ الْمُسْتَقِيلُ الثَّائِبُ، اَدَّبْتَ بِالتَّكْرُمِ وَاَنْتَ اَكْرَمُ

آنان که طلب گذشت می‌کنند و توبه کار شدند اعتمادشان بر کرم توست؛ تو بندگانت را با رفتار بزرگوانه‌ات در حالی که بزرگوارترین

الْاَكْرَمِينَ، وَاَمَرْتَ بِالْعَفْوِ عِبَادَكَ وَاَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ. اَللّٰهُمَّ

کریمان هستی، آدب کردی؛ و به بندگانت دستور بخشش دادی در حالی که خودت بخشنده و مهربانی.

فَلَا تَحْرِمْنِي مَا رَجَوْتُ مِنْ كَرَمِكَ، وَلَا تُؤَيِّسْنِي مِنْ سَابِغِ نِعَمِكَ،

ای خدا؛ مرا از امیدی که به بزرگواری‌ات دارم محروم مکن، و از نعمت فراگیر و فراوانت ناامید مگردان،

وَلَا تُخَيِّبْنِي مِنْ جَزِيلِ قَسَمِكَ فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ لِأَهْلِ طَاعَتِكَ،

و از قسمت‌های بزرگت برای فرمان بردارانت در این شب مرا هم ناکام مساز،

وَاجْعَلْنِي فِي جَنَّةٍ مِنْ شِرَارِ بَرِيَّتِكَ. رَبِّ، اِنْ لَمْ اَكُنْ مِنْ اَهْلِ

و مرا از آفریدگان شرور و بدرفتارت در حفظ خود بدار. بارپروردگارا! اگر من قابل آنچه درخواست کردم نیستم،

ذَلِكَ فَانْتَ اَهْلُ الْكَرَمِ وَالْعَفْوِ وَالْمَغْفِرَةِ، وَجُدْ عَلَيَّ بِمَا اَنْتَ

لیکن تو اهل بزرگواری و بخشش و آمرزشی؛ بر من به آنچه سزاوار مقام توست کرامت فرما

اَهْلُهُ لَا بِمَا اَسْتَحِقُّهُ فَقَدْ حَسُنَ ظَنِّي بِكَ، وَتَحَقَّقَ رَجَائِي لَكَ،

نه آنچه شایسته من است؛ چون به تو خوش‌گمان بوده و امیدم به سوی توست،

وَعَلِقْتُ نَفْسِي بِكَرَمِكَ، فَانْتَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ وَاَكْرَمُ الْاَكْرَمِينَ.

و جانم به کرامتت بسته است؛ چون عقیده دارم که تو مهربان‌ترین مهربانان و بزرگوارترین بزرگواران هستی.

اللَّهُمَّ وَاخْصُصْنِي مِنْ كَرَمِكَ بِجَزِيلِ قِسْمِكَ، وَأَعُوذُ بِعَفْوِكَ مِنْ

بارالها؛ مرا از راه بزرگواریات به قسمت‌های بزرگ خویش مخصوص گردان، من از کيفرت به بخشش تو پناه می‌برم.

عُقُوبَتِكَ، وَاغْفِرْ لِي الذَّنْبَ الَّذِي يَحْبِسُ عَلَيَّ الْخُلُقَ، وَيُضَيِّقُ

آن دسته از گناهان مرا ببخش که خوی و سرشت را بر من محبوس و روزی را

عَلَيَّ الرِّزْقَ حَتَّى أَقُومَ بِصَالِحِ رِضَاكَ، وَأَنْعَمَ بِجَزِيلِ عَطَائِكَ،

بر من تنگ می‌سازد، تا به خشنودی نیکوی تو پردازم و با بخشش بزرگت بهره‌مند شوم

وَأَسْعِدَ بِسَابِغِ نِعْمَائِكَ، فَقَدْ لُذْتُ بِحَرَمِكَ، وَتَعَرَّضْتُ لِكَرَمِكَ،

و به نعمت‌های فراوانت نیک‌بخت‌گردم؛ زیرا، من به حریم قدس تو پناه آورده و خود را در معرض بزرگواریات درآورده‌ام؛

وَأَسْتَعِذُّ بِعَفْوِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ، وَبِحِلْمِكَ مِنْ غَضَبِكَ، فَجِدْ بِمَا

و از کيفرو مجازاتت به بخششت و از خشمت به بردباریات پناه جسته‌ام؛ پس مرا آن چه خواستم عطا فرما

سَأَلْتُكَ، وَأَنْلِ مَا التَّمَسْتُ مِنْكَ، أَسْأَلُكَ لِأَبْشِيءٍ هُوَ أَعْظَمُ مِنْكَ.

و به آن چه از تو التماس نموده‌ام برسان، من از تو چیزی را می‌خواهم که از تو بزرگ‌تر نیست.

سپس به سجده می‌روی و بیست مرتبه: «يَا رَبُّ»، هفت مرتبه: «يَا اللَّهُ»،

هفت مرتبه: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»، و ده مرتبه: «مَا شَاءَ اللَّهُ»، و ده مرتبه:

«لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» گفته و بر پیامبر و آل پیامبر علیهم‌السلام صلوات می‌فرستی و از خدا

حاجت را می‌طلبی.

به خدا سوگند؛ اگر به تعداد قطرات باران از خدا حاجت بطلبی، از بزرگواری و

فضلش تو را به حاجاتت می‌رساند.^۱

مؤلف می‌گوید: چهار رکعت نماز وارد شده که در ظهر روز عاشورا خوانده می‌شود و بعد از نماز، دعایی قرائت می‌شود که به مناسبت دعا‌های هر ماه آن را در بخش ادعیه ماه‌ها ص ۲۷۱ بیان می‌کنیم. و نیز در بخش یازدهم، نمازی را برای وسعت رزق، از جناب محمد بن عثمان رضی‌الله‌تعالی‌عنه نقل می‌کنیم.

بخش دوم

بخش دوم



دعای قنوت



دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه در قنوت نمازها

شهید اول علیه السلام در کتاب «ذکرى» می گوید: ابن ابی عقیل، این دعا را که از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده برای خواندن در قنوت انتخاب کرده است:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ شَخَصَتِ الْأَبْصَارُ، وَنُقِلَتِ الْأَقْدَامُ، وَرُفِعَتِ الْأَيْدِي،

بارالها! چشم‌ها، به تو دوخته شده است، گام‌ها به سوی تو برداشته شده، دست‌ها به سوی تو بالا آمده،

وَمُدَّتِ الْأَعْنَاقُ، وَأَنْتَ دُعِيتَ بِاللُّسْنِ، وَإِلَيْكَ سِرُّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ

گردن‌ها به سوی تو کشیده شده است. تویی که با زبان‌ها، فراخوانده می‌شوی؛ و کارهای پنهانی و رازهای (مردم)

فِي الْأَعْمَالِ، رَبَّنَا افْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ

به طرف توست؛ پروردگارا! بین ما و قوم ما به حق حکم کن، که تو بهترین

الْفَاتِحِينَ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ غَيْبَةَ نَبِيِّنَا وَقِلَّةَ عَدَدِنَا، وَكَثْرَةَ

حکم کننده و قضاوت کننده هستی. بارالها! از عدم حضور پیامبرمان، کمی نفراتمان، فراوانی

عَدُوِّنَا، وَتَظَاهِرَ الْأَعْدَاءِ عَلَيْنَا، وَوُقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا، فَفَرِّجْ ذَلِكَ اللَّهُمَّ

دشمنانمان، پشتیبانی دشمنانمان از یکدیگر علیه ما و وجود فتنه‌های فراوان برای ما؛ به تو شکایت می‌کنیم. بارالها! با عدالتی که آشکارش می‌کنی، و

بِعَدْلٍ تُظْهِرُهُ، وَإِمَامٍ حَقٌّ تَعْرِفُهُ، إِلَهَ الْحَقِّ أَمِينٍ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

امام و پیشوای راستینی که به همگان معرفی می‌کنی، این گرفتاری‌ها را برطرف کن و گشایشی فرما؛ ای معبود به حق، اجابت کن؛ ای پروردگار جهانیان.

وی می‌افزاید: روایتی به من رسیده است که امام صادق علیه السلام همواره به شیعیان خود دستور می‌فرمودند پس از کلمات فرج، در قنوت این دعا را بخوانند.^۱



قنوت حضرت امام سجّاد علیه السلام

برای برطرف شدن ظلم و ستم از جهان

این قنوت را سومین نایب امام زمان ارواحنا فداه، جناب حسین بن روح نوبختی، از نایب دوم یعنی جناب محمد بن عثمان رضوان الله علیهما نقل فرموده است:

اللَّهُمَّ إِنَّ جِبِلَّةَ الْبَشَرِيَّةِ، وَطِبَاعَ الْإِنْسَانِيَّةِ، وَمَا جَرَتْ عَلَيْهِ

بار خدایا؛ به راستی که سرشت بشری، و طبیعت آدمی، و آنچه از

تَرَكَيبَاتِ النَّفْسِيَّةِ، وَأَنْعَقَدَتْ بِهِ عُقُودُ النَّسَبِيَّةِ [النَّسَبِيَّةِ، خ]،

ترکیبات روانی بر آن عارض گشته، و امور وراثتی که آغاز خلقت بر آن بسته شده؛

تَعْجِزُ عَنْ حَمْلِ وَاِرْدَاتِ الْأَقْضِيَّةِ إِلَّا مَا وَفَّقَتْ لَهُ أَهْلَ

نمی‌توانند احکام قضا و قدرت را تحمل کنند؛ مگر در مواردی

الْأَصْطِفَاءِ، وَأَعْنَتْ عَلَيْهِ ذَوِي الْأَجْتِبَاءِ. اللَّهُمَّ وَإِنَّ الْقُلُوبَ فِي

برگزیدگان را موفق ساخته و نخبگان را بر آن یاری نمودی. بارالها؛ به خوبی آگاهم که قلبها در

قَبْضَتِكَ، وَالْمَشِيَّةَ لَكَ فِي مَلَكَتِكَ، وَقَدْ تَعَلَّمَ أَيُّ رَبِّ مَا الرَّغْبَةُ

اختیار توست و تصمیم‌گیری در دائره فرمان‌رواییات برای تو می‌باشد. و خودت خوب می‌دانی - ای پروردگار من - که آنچه را که مشتاق

إِلَيْكَ فِي كَشْفِهِ وَاقِعَةٌ لِأَوْقَاتِهَا بِقُدْرَتِكَ، وَاقِفَةٌ بِحَدِّكَ مِنْ

برطرف‌شدنش هستم، در زمان مقرر و با قدرت و توان خودت به وقوع می‌پیوندد، و همان جایی که

مجموعه

بخش دوم



إِرَادَتِكَ، وَإِنِّي لَأَعْلَمُ أَنَّ لَكَ دَارَ جَزَاءٍ مِنَ الْخَيْرِ وَالشَّرِّ مَثُوبَةً

خواست و اراده تو تعیین کرده، متوقف گشته و من به خوبی می‌دانم که تو سرایی برای پاداش خوبی‌ها

وَعُقُوبَةً، وَأَنَّ لَكَ يَوْمًا تَأْخُذُ فِيهِ بِالْحَقِّ، وَأَنَّ أَنْتَ أَشْبَهُهُ

و کیفر بدی‌ها داری؛ و روزی را برپا می‌کنی که در آن، به حق مؤاخذه می‌کنی. و این که مهلت‌دادن تو، شبیه‌ترین

الْأَشْيَاءِ بِكَرَمِكَ، وَأَلْيَقُهَا بِمَا وَصَفْتَ بِهِ نَفْسَكَ فِي عَطْفِكَ

چیزها به کرامت و بزرگواریت، و شایسته‌ترین آن‌ها به چیزی است که خود را به آن توصیف فرموده‌ای و آن لطف و مهربانی

وَتَرَآءُفِكَ، وَأَنْتَ بِالْمِرْضَادِ لِكُلِّ ظَالِمٍ فِي وَخِيمِ عُقْبَاهُ وَسُوءِ

تو است؛ و تو در کمینگاه هستی برای هر ستمگری که او را به پایان و سرنوشتی بسیار ناهنجار و جایگاهی بد دچار کنی.

مَثْوَاهُ. اللَّهُمَّ وَإِنَّكَ قَدْ أَوْسَعْتَ خَلْقَكَ رَحْمَةً وَحِلْمًا، وَقَدْ بَدَّلْتَ

بارالها؛ تو، رحمت و بردباریت را برای همه مخلوقات فراگیر نمودی؛ با این که

أَحْكَامُكَ، وَغُيِّرْتَ سُنَنُ نَبِيِّكَ، وَتَمَرَّدَ الظَّالِمُونَ عَلَى خُلَصَائِكَ،

دستورات تو عوض شده، و سنت‌های پیامبرت تغییر داده شده، و ستمکاران، نسبت به سفارشاتت در مورد برگزیدگان

وَاسْتَبَاحُوا حَرِيمَكَ، وَرَكَبُوا مَرَائِبَ الْأِسْتِمْرَارِ عَلَى الْجُرْأَةِ

خالصت، سرپیچی کرده‌اند، و حریم تو را شکستند، و به طور دایم و پیوسته بر تو با مرکب جرات و پررویی تاختند.

عَلَيْكَ. اللَّهُمَّ فَبَادِرْهُمْ بِقَوَاصِفِ سَخَطِكَ، وَعَوَاصِفِ تَنَكُّلَاتِكَ،

خدایا؛ هرچه سریع‌تر آن‌ها را با صداهای سخت خشمت، و طوفان‌های عقوبت و تنبیه شدیدت،

وَاجْتِنَاتِ غَضَبِكَ، وَطَهِّرِ الْبِلَادَ مِنْهُمْ، وَاعْفُ عَنْهَا أَثَارَهُمْ،

و غضب ریشه‌کن کننده‌ات گرفتار کن، و سرزمین‌ها را از آن‌ها پاکسازی کن، و آثار بجای مانده ایشان را از آن محو کن،

وَاحْطُطْ مِنْ قَاعَاتِهَا وَمَظَانِّهَا مَنَارَهُمْ، وَاصْطَلِمَهُمْ بِبِوَارِكَ حَتَّىٰ

و فرو بریز از دشت‌ها و راه‌ها، نشانه‌های ایشان را، و آن‌ها را به هلاکت و نابودی ریشه‌کن ساز تا

لَا تَبْقَ مِنْهُمْ دِعَامَةٌ لِنَاجِمٍ، وَلَا عَلَمٌ لِأُمَّمٍ، وَلَا مَنَاصًا لِقَاصِدٍ،

باقی نماند تکیه‌گامی از آنان برای جستجوکننده و پرچمی برای روی‌آورنده و گریزی برای قصدکننده

وَلَا رَأِيْدًا لِمُرْتَادٍ. اللَّهُمَّ امْحُ أَثَارَهُمْ، وَاطْمِسْ عَلَى أَمْوَالِهِمْ

و پیشرو و راهنمایی برای آنهایی که از دنبال می‌آیند. بارالها؛ نشانه‌های‌شان را محو و نابود ساز، و دارایی‌ها

وَدِيَارِهِمْ، وَامْحَقْ أَعْقَابَهُمْ، وَافْكُكْ أَصْلَابَهُمْ، وَعَجِّلْ إِلَى

و سرزمین‌شان را نابدید گردان، و نسل‌شان را هلاک گردان، و کمر مردان‌شان را سست و گسسته ساز، و

عَذَابِكَ السَّرْمَدِ انْقِلَابَهُمْ، وَأَقِمْ لِلْحَقِّ مَنَاصِبَهُ، وَأَقْدَحْ لِلرَّشَادِ

بازگشت ایشان را به سرعت به طرف عذاب همیشگی‌ات بگردان. منصب‌های حق را برپا کن، و شعله‌های هدایت و کمال را

زِنَادَهُ، وَأَثِرُ لِلثَّارِ مَثِيرَةٌ، وَأَيُّدُ بِالْعَوْنِ مُرْتَادَةٌ، وَوَفْرٌ مِنَ النَّصْرِ

فروزان ساز و برای انتقام و خونخواهی منتقم را برانگیز، و کمک جویان را یاری برسان، و پیروزی‌های پی در پی را

زَادَهُ، حَتَّىٰ يَعُودَ الْحَقُّ بِجِدَّتِهِ، وَتُنِيرَ مَعَالِمَ مَقَاصِدِهِ، وَيَسْلُكَهُ

توشه‌اش ساز؛ تا حق دوباره به تازگی و شادابی‌اش بازگردد، و نشانه‌ها و چراغ‌های اهدافش روشن گردد، و

أَهْلُهُ بِالْأَمْنَةِ حَقَّ سُلُوكِهِ، إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ۱

حق جویان با آرامش و به طوری که شایسته است راه حق را ببیمایند؛ به راستی که تو بر هر کاری توانایی.



قنوت حضرت امام باقر عليه السلام

این قنوت را مرحوم سید بن طاووس در «مهج الدعوات» و مرحوم کفعمی در «البلد الامین» از امام باقر عليه السلام نقل کرده‌اند:

يَا مَنْ يَعْلَمُ هَوَاجِسَ السَّرَائِرِ، وَمَكَامِنَ الضَّمَائِرِ، وَحَقَائِقَ

ای کسی که نسبت به خطورات نهان، و آن چه در اندرون و باطن‌ها مخفی شده است، و حقیقت و واقعیت

الْخَوَاطِرِ، يَا مَنْ هُوَ لِكُلِّ غَيْبٍ حَاضِرٌ، وَلِكُلِّ مَنْسِيٍّ ذَاكِرٌ، وَعَلَىٰ

آن چه در خاطر افراد است؛ آگاه هستی. ای کسی که برای هر پنهانی، حضور داری؛ هر فراموش شده‌ای را به یاد داری؛ بر هر

كُلِّ شَيْءٍ قَادِرٌ، وَإِلَىٰ الْكُلِّ نَاطِرٌ، بَعْدَ الْمَهَلِّ، وَقَرَبَ الْأَجَلِ،

چیزی توانایی و بر همه نظارت و سرپرستی می‌کنی؛ زمان پیشی‌جویی در خیر و نیکی دور گشت، و مرگ نزدیک گردید،

وَضَعْفَ الْعَمَلِ، وَأَرَابَ الْأَمَلِ، وَأَنَّ الْمُثْقَلَ. وَأَنْتَ يَا اللَّهُ

و عمل‌ها ضعیف و ناتوان شده‌اند، و آرزوها به ناامیدی کشیده شده‌اند، و زمان انتقال به جهان دیگر فرا رسید. تو، ای

۱. مهج الدعوات: ۶۹، البلد الامین: ۶۵۰ با اندکی تفاوت.

مجموعه تفسیر بخش دوم



الْآخِرُ كَمَا أَنْتَ الْأَوَّلُ، مُبِيدُ مَا أَنْشَأْتَ، وَمُصَيِّرُهُمْ إِلَى الْبَلِي،

خدا، همان گونه که آغاز هستی، پایان نیز تو هستی؛ هر چه را که ایجاد کرده‌ای خودت نیز نابود می‌سازی، و به فرسوده شدن و

وَمُقَلِّدُهُمْ أَعْمَالَهُمْ، وَمَحْمَلُهَا ظُهُورُهُمْ إِلَى وَقْتِ نُشُورِهِمْ مِنْ

پوسیدن می‌کشانی، و اعمال و رفتارشان را هم چون قلاده‌ای بر گردن‌شان می‌آوری، و بر پشت‌شان بار می‌کنی؛ تا آن‌گاه که

بَعَثَ قُبُورِهِمْ عِنْدَ نَفْخَةِ الصُّورِ، وَأَنْشِقَاقِ السَّمَاءِ بِالنُّورِ،

با دمیدن در صور اسرافیل از قبرها برانگیخته و پراکنده شوند؛ همان زمان که آسمان، به سبب نور روشنی شکافته می‌شود،

وَالْخُرُوجِ بِالْمَنْشَرِ إِلَى سَاحَةِ الْمَحْشَرِ، لَا تَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ أَبْصَارُهُمْ

و پس از اعلام گردهم‌آیی از قبر به میدان محشر می‌آیند؛ چشمان‌شان به سوی‌شان نمی‌گردد،

وَأَفِيدَتُهُمْ هَوَاءً. مُتْرَاطِمِينَ فِي غَمَّةٍ مِمَّا أَسْلَفُوا، وَمُطَالِبِينَ بِمَا

و دل‌های‌شان هواست، پیوسته در اندوه و غم رفتارهای ناشایست گذشته خود غرق‌اند، و به خاطر تباهی‌های گذشته‌شان مورد

اِحْتَقَبُوا، وَمُحَاسِبِينَ هُنَاكَ عَلَى مَا أَرْتَكِبُوا، الصَّخَائِفُ فِي

بازخواست قرار می‌گیرند، و در این جاست که بر آنچه مرتکب شده‌اند مورد حساب قرار می‌گیرند. نامه عمل‌ها به

الْأَعْنَاقِ مَنْشُورَةً، وَالْأَوْزَارُ عَلَى الظُّهُورِ مَازُورَةً، لَا انْفِكَكَ

گردن‌ها آویخته شده، و بارهای سنگین بر پشت هر کس نهاده شده، و هیچ جدایی

وَلَا مَنَاصَ وَلَا مَحِيصَ عَنِ الْقِصَاصِ قَدْ أَفْحَمْتُهُمُ الْحُجَّةَ،

و رهایی و گریزی از قصاص وجود ندارد. حجت و دلیل روشن الهی، همه آن‌ها را ساکت و لال کرده است

وَحَلُّوا فِي حَيْرَةِ الْمَحْجَّةِ وَهَمْسِ الضَّجَّةِ، مَعْدُولٌ بِهِمْ عَنِ

و ضجه‌کنان گرفتار حیرت و سردرگمی در برابر دلیل‌های خداوند شده‌اند. آن‌ها را از

الْمَحْجَّةِ إِلَّا مَنْ سَبَقَتْ لَهُ مِنَ اللَّهِ الْحُسْنَى، فَنَجَا مِنْ هَوْلِ

راه برگردانند؛ مگر کسی که از پیش‌تر (دنیا)، مورد لطف و نیکی خداوند قرار گرفته باشد؛ چنین شخصی، از هراس و ترس

الْمَشْهَدِ وَعَظِيمِ الْمَوْرِدِ، وَلَمْ يَكُنْ مِمَّنْ فِي الدُّنْيَا تَمَرَّدَ، وَلَا

چنین محلی که بسیار مهم و جایگاه حضور است، نجات می‌یابد. او در دنیا از کسانی نبود که سرپیچی کرده‌اند و

عَلَى أَوْلِيَاءِ اللَّهِ تَعَنَّدَ، وَلَهُمْ اسْتَبَعَدَ، وَعَنْهُمْ بِحُوقِهِمْ تَفَرَّدَ.

بر اولیای الهی عناد ورزیدند، و از آنان دوری کردند، و حق‌شان را مخصوص خودشان دانستند.

اللَّهُمَّ فَإِنَّ الْقُلُوبَ قَدْ بَلَغَتِ الْحَنَاجِرَ، وَالنُّفُوسَ قَدْ عَلَتِ التَّرَاقِي،

بارالها! واقمیت آن است که قلبها به حنجرهها رسیده است؛ روانها به گلوگاه بالا آمده؛

وَالْأَعْمَارَ قَدْ نَفَدَتْ بِالْإِنْتِظَارِ، لَا عَنْ نَقْضِ اسْتِبْصَارٍ، وَلَا عَنْ

و عمرها، با انتظار رو به پایان است؛ این نه از روی نقض کردن و برهم زدن بینش است، و نه به خاطر

اتِّهَامِ مِقْدَارٍ، وَلَكِنْ لِمَا تُعَانِي مِنْ رُكُوبِ مَعَاصِيكَ، وَالْخِلَافِ

درگیری با تقدیر؛ بلکه، به خاطر گناههای فراوان، مخالفت با

عَلَيْكَ فِي أَوْامِرِكَ وَنَوَاهِيكَ، وَالتَّلَعُّبِ بِأَوْلِيَائِكَ وَمُظَاهَرَةِ

دستورات و نواهی تو، به بازی گرفتن اولیایت، و پشتیبانی کردن از

أَعْدَائِكَ. اللَّهُمَّ فَقَرِّبْ مَا قَدْ قَرَّبَ، وَأَوْرِدْ مَا قَدْ دَنَى، وَحَقِّقْ

دشمنانت می باشد. خدایا؛ گرچه فرج و ظهور نزدیک است، ولی نزدیک ترش ساز؛ و اگرچه به نزدیکی ما رسیده است، ولی آن را

ظُنُونَ الْمُوقِنِينَ، وَبَلِّغِ الْمُؤْمِنِينَ تَأْمِيلَهُمْ، مِنْ إِقَامَةِ حَقِّكَ،

برسان؛ و گمان اهل یقین را محقق ساز؛ مؤمنان را به آرزوی شان که برپایی حق تو،

وَنَصْرِ دِينِكَ، وَإِظْهَارِ حُجَّتِكَ، وَالْإِنْتِقَامِ مِنْ أَعْدَائِكَ. ۱

و یاری دین تو، و آشکار شدن حجت تو و انتقام گرفتن از دشمنان توست برسان.



قنوت حضرت امام رضا علیه السلام

این قنوت و سه قنوت بعد را نیز آن دو بزرگوار از امام رضا علیه السلام نقل کرده اند:

الْفَرْعُ الْفَرْعُ إِلَيْكَ يَا ذَا الْمُحَاضِرَةِ، وَالرَّغْبَةُ الرَّغْبَةُ إِلَيْكَ يَا مَنْ

پناه، پناه، به سوی توست ای خدایی که همه را در حضور دارد؛ اشتیاق، اشتیاق، به سوی توست ای خدایی که تنها

بِهِ الْمُفَاخِرَةُ، وَأَنْتَ اللَّهُمَّ مُشَاهِدٌ هَوَاجِسِ النُّفُوسِ، وَمُرَاصِدٌ

به او می توان افتخار کرد؛ خدایا؛ تو به خطورات روانها شاهده؛ و مراقب

۱. مهج الدعوات: ۷۲، البلد الامین: ۶۵۱.

حجرت محمد

بخش دوم



حَرَكَاتِ الْقُلُوبِ، وَمُطَالَعِ مَسَرَّاتِ السَّرَائِرِ مِنْ غَيْرِ تَكْلُفٍ وَلَا

و در کمین حرکت‌های قلب آدم (به این سو و آن سو) هستی؛ و بدون هیچ زحمتی و مشقتی از پنهان‌کاری‌های درون‌ها،

تَعَسُفٍ، وَقَدْ تَرَى اللَّهُمَّ مَا لَيْسَ عَنْكَ بِمُنْطَوِيٍّ، وَلَكِنَّ حِلْمَكَ

اطلاع داری، خدایا؛ به خوبی آن چه را که از تو پنهان نشده است می‌بینی؛ لیکن حلم و بردباری تو

أَمِنْ أَهْلِهِ عَلَيْهِ جُرْئَةٌ وَتَمَرُّدٌ وَعُتُوٌّ وَعِنَادٌ، وَمَا يُعَايِنُهُ أَوْلِيَاؤُكَ

ایمنی بخشیده به افرادی که چنین بدکرداری‌هایی دارند، و باعث شده بیشتر جرات و سرپیچی و لجبازی و دشمنی با تو کنند؛ و می‌بینی

مِنْ تَعْفِيَةِ أَثَارِ الْحَقِّ، وَدُرُوسِ مَعَالِمِهِ، وَتَزْيِيدِ الْفَوَاحِشِ،

رنج‌هایی را که اولیای تو می‌کشند به خاطر نابودی آثار حق و ناپدید گشتن نشانه‌های آن، و افزایش یافتن فحشا و کارهای زشت،

وَاسْتِمْرَارِ أَهْلِهَا عَلَيْهَا، وَظُهُورِ الْبَاطِلِ وَعُمُومِ التَّغَاثُمِ،

و ادامه‌دادن بدکاران بر زشتی‌های خود، و آشکار شدن باطل و نادرستی، و ظلم و ستم همگانی،

والتَّراضي بِذَلِكَ فِي الْمُعَامِلَاتِ وَالْمُتَصَرِّفَاتِ مُذْ جَرَتْ بِهِ

و راضی شدن طرفین به ظلم و ستم در معاملات و کارها که عادات به آن جاری گشته است

الْعَادَاتُ، وَصَارَ كَالْمَفْرُوضَاتِ وَالْمَسْنُونَاتِ. اللَّهُمَّ فَبَادِرْنَا مِنْكَ

و همانند واجبات و مستحبات شده است. خداوند! به سرعت، ما را دریاب

بِالْعَوْنِ الَّذِي مَنْ أَعْنَتَهُ بِهِ فَازَ، وَمَنْ أَيْدَتَهُ لَمْ يَخَفْ لَمَزَ لَمَازٍ،

به امدادی که هر کس را با آن مدد رسانی رستگار شود، و هر کس را موفق گردانی دیگر از عیب‌جویی هیچ کس نمی‌ترسد،

وَخُذِ الظَّالِمَ أَخْذًا عَنيفًا، وَلَا تَكُنْ لَهُ رَاحِمًا وَلَا بِهِ رَؤُوفًا. اللَّهُمَّ

ستمگر را به شدت گرفتار کن، و هیچ رحم و مهربانی نیز در حقش روا مدار. خدایا؛

اللَّهُمَّ اللَّهُمَّ بَادِرْهُمْ. اللَّهُمَّ عَاجِلْهُمْ. اللَّهُمَّ لَا تُمَهِّلْهُمْ. اللَّهُمَّ

خدایا؛ خدایا؛ شتاب کن. خدایا؛ (در مورد آن‌ها) عجله کن؛ خدایا؛ مهلت‌شان مده. خدایا؛ آن‌ها

غَادِرْهُمْ بُكْرَةً وَهَجِيرَةً وَسُحْرَةً وَبَيَاتًا وَهُمْ نَائِمُونَ، وَضَحَى

را بامدادان و در وسط روز و در سحرها و شب هنگام که در خواب هستند و هنگام روز که سرگرم‌اند و مشغولند گرفتارشان کن؛

وَهُمْ يَلْعَبُونَ، وَمَكْرًا وَهُمْ يَمَكُرُونَ، وَفُجَاءَةً وَهُمْ أَمِنُونَ. اللَّهُمَّ

و فریبشان بده، و وقتی حيله می‌کنند، بر آن‌ها مکر کن؛ و هنگامی که خود را در آرامش می‌بینند، ناگهان گرفتارشان ساز. خدایا؛

بَدَّدَهُمْ، وَبَدَّدَ أَعْوَانَهُمْ، وَأَفْلَلُ أَعْضَادَهُمْ، وَاهْزِمُ جُنُودَهُمْ،

خودشان و کمک کارشان را پراکنده و درمانده ساز، و هم‌دستانشان را شکست بده، و سپاهیان‌شان را فراری بده،

وَأَفْلَلُ حَدَّهُمْ، وَاجْتَثَّ سَنَاْمَهُمْ، وَأَضْعِفْ عَزَائِمَهُمْ. اللَّهُمَّ

و تیزی شمشیرهاشان را بشکن، و سران آن‌ها را ریشه کن ساز، و اراده‌های قوی آن‌ها را ناتوان ساز. خدایا؛ لطف کن و

امْنَحْنَا أَكْتِفَاهُمْ، وَمَلَكْنَا أَكْنَفَاهُمْ، وَبَدَّلْهُمْ بِالنَّعْمِ النَّقْمِ، وَبَدَّلْنَا

آنان را اسیر ما گردان، و سرزمین‌هایشان را به تصرف ما درآور؛ و نعمت‌هایشان را به بدبختی‌ها تبدیل کن؛ و به جای ترس

مِنْ مُحَاذَرَتِهِمْ وَبَغْيِهِمُ السَّلَامَةَ، وَاعْنِمْنَاهُمْ أَكْمَلَ الْمَعْنَمِ. اللَّهُمَّ

ما از آن‌ها و ستم‌شان، سلامت و راحتی را جایگزین فرما؛ و کامل‌ترین بهره‌ها و غنیمت‌های جنگی را از آنان به ما برسان. خدایا؛

لَا تَرُدَّ عَنْهُمْ بِأَسْكَ الَّذِي إِذَا حَلَّ بِقَوْمٍ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنْذَرِينَ. ۱

سختی و عذابت را از آنان برنگیر؛ همان عذابی که به هر گروهی برسد، بدبختی بدروزگار می‌شوند.



قنوت حضرت امام جواد علیه السلام

اللَّهُمَّ مَنَّا حُكَّ مُتَّابِعَةٌ، وَأَيَادِيكَ مُتَوَالِيَةٌ، وَنِعْمَكَ سَابِغَةٌ،

خدایا؛ بخشش‌های خاص تو، پی‌درپی است، خوبی‌هایت یکی پس از دیگری می‌رسد؛ نعمت‌هایت فراگیر و فراوان است؛

وَشُكْرُنَا قَصِيرٌ، وَحَمْدُنَا يَسِيرٌ، وَأَنْتَ بِالتَّعَطُّفِ عَلَيَّ مَنْ اعْتَرَفَ

سپاسگزاری ما نارسا و اندک، و ستایش ما نسبت به تو بسیار ناچیز است؛ و تو، سزاواری که اگر کسی اعتراف (به بدی‌هایش) کرد،

جَدِيرٌ. اللَّهُمَّ وَقَدْ غُصَّ أَهْلُ الْحَقِّ بِالرِّيقِ، وَارْتَبَكَ أَهْلُ الصِّدْقِ

به او مهربانی کنی. خدایا؛ به راستی که اهل حق آب دهان از گلوی‌شان (به خاطر شدت ناراحتی) پایین نمی‌رود؛ و راستگویان،

فِي الْمَضِيقِ، وَأَنْتَ اللَّهُمَّ بِعِبَادِكَ وَذَوِي الرَّغْبَةِ إِلَيْكَ شَفِيقٌ،

به شدت گرفتارند و در تنگنا قرار دارند؛ و تو - خداوند - نسبت به بندگان و مشتاقان مهربان و دلسوزی؛ و به حقیقت نسبت به

وَبِاجَابَةِ دُعَائِهِمْ وَتَعْجِيلِ الْفَرَجِ عَنْهُمْ حَقِيقٌ. اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيَّ

پاسخ دادن به درخواست‌شان و شتاب کردن در گشایش کارشان شایسته و سزاواری. خدایا؛ بر

پیوسته

بخش دوم



مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَادِرْنَا مِنْكَ بِالْعَوْنِ الَّذِي لَا خِذْلَانَ بَعْدَهُ،

محمد و آل محمد درود بفرست؛ و کمک و امداد سریعی از ناحیه خودت به ما برسان که دیگر بعد از آن خواری و بیچارگی نباشد؛

وَالنَّصْرِ الَّذِي لَا بَاطِلَ يَتَكَادَهُ، وَأَتَّحِ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ مُتَاحاً فَيَاحاً

و آن گونه پیروز گردان که هیچ باطلی نتواند آن را دچار مشکل سازد؛ و چنان راحتی از ناحیه والا و گسترده خود برسان که

يَأْمَنُ فِيهِ وَلِيِّكَ، وَيَخِيبُ فِيهِ عَدُوَّكَ، وَيُقَامُ فِيهِ مَعَالِمُكَ،

ولی و دوستت در آن ایمن باشد، ولی دشمنت ناکام شود؛ آثار و نشانه‌های تو برپا گردد،

وَيُظْهِرُ فِيهِ أَوْامِرُكَ، وَتَنْكَفُ فِيهِ عَوَادِي عِدَاتِكَ. اَللّٰهُمَّ بَادِرْنَا

و دستوراتت آشکار شود، و بهره‌هایی که وعده دادی فراهم و آماده گردد. خدایا؛ شتاب کن

مِنْكَ بِدَارِ الرَّحْمَةِ، وَبَادِرْ اَعْدَائِكَ مِنْ بَاسِكَ بِدَارِ النِّقْمَةِ. اَللّٰهُمَّ

نسبت به ما شتاب رحمت، و شتاب کن نسبت به دشمنانت از روی خشم و غضبت، شتاب انتقام و مجازات، بارالها؛

اَعِنَّا وَاعِثْنَا، وَارْفَعْ نَقِمَتَكَ عَنَّا، وَاحِلِّهَا بِالْقَوْمِ الظَّالِمِينَ. ۱

به ما کمک کن و به فریادمان برس؛ و گرفتاری و کيفر و خشم را از ما بردار، و آن را نصیب گروه‌های ستمگر کن.



دعای دیگر امام جواد علیه السلام در قنوت

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْاَوَّلُ بِلاَ اَوَّلِيَّةٍ مَّعْدُوْدَةٍ، وَالْاٰخِرُ بِلاَ اٰخِرِيَّةٍ مَّحْدُوْدَةٍ،

بارالها؛ تو اول هستی، ولی اولیت تو شمارش شده عددی نیست؛ و پایان هستی، ولی انتها و محدودیت نداری؛

اَنْشَأْتَنَا لِاِلْعَلَّةٍ اِقْتِسَاراً، وَاخْتَرَعْتَنَا لِاحَاْجَةِ اِقْتِدَاراً، وَابْتَدَعْتَنَا

به وجود آوردی ما را نه به خاطر علتی از روی اکراه و اجبار، و آفریدی ما را نه به خاطر حاجتی و نیازی از روی اقتدار و توانمندی

بِحِكْمَتِكَ اِخْتِياراً، وَبَلَوْتَنَا بِاَمْرِكَ وَنَهْيِكَ اِخْتِياراً، وَآيَدْتَنَا

و پدید آوردی ما را به حکمتت از روی اختیار، و با فرمان و نهی خود؛ ما را آزمایش کردی؛ و با وسایلی که در اختیارمان قرار دادی،

بِالْاَلاتِ، وَمَنْحَتَنَا بِالْاَدْوَاتِ، وَكَلَّفْتَنَا الطَّاقَةَ، وَجَشَّمْتَنَا

زمینه موفقیت‌مان را فراهم نمودی، و ادوات مختلف به ما بخشیدی؛ تا حدی که توان داریم بر ما تکلیف فرمودی، و فرمان برداریت

الطَّاعَةَ، فَأَمَرْتَ تَخِييراً، وَنَهَيْتَ تَحْذِييراً، وَخَوَّلْتَ كَثِييراً،

را به ما تکلیف کردی؛ دستور دادی ولی ما را در اطاعتت مختار کردی، و بازداشتی و ما را بر حذر داشتی؛ نعمت‌های بسیاری دادی، ولی

وَسَأَلْتَ يَسِييراً، فَعَصِيَّ أَمْرِكَ فَحَلَمْتَ، وَجُهَلَ قَدْرُكَ فَتَكْرَمْتَ.

درخواست (عبادت) کمی نمودی؛ دستورت، نافرمانی شد ولی بردباری کردی؛ ارزش و منزلتت دانسته نشد، ولی رفتار بزرگوارانه

فَأَنْتَ رَبُّ الْعِزَّةِ وَالْبِهَاءِ، وَالْعِزَّةِ وَالْكَبْرِيَاءِ، وَالْإِحْسَانِ

در پیش گرفتی (و مجازات را به تأخیر انداختی). بدین‌سان، تو پروردگار صاحب عزت و فز و شکوه و عظمت و کبریایی، و احسان

وَالنَّعْمَاءِ، وَالْمَنِّ وَالْآلَاءِ، وَالْمِنَحِ وَالْعَطَاءِ، وَالْإِنْجَازِ وَالْوَفَاءِ،

و نعمت و لطف و عنایت و بخشش و عطا هستی، و عهدهات را تحقق می‌بخشی و وفا می‌کنی.

وَلَا تُحِيطُ الْقُلُوبُ لَكَ بِكُنْهِ، وَلَا تُدْرِكُ الْأَوْهَامُ لَكَ صِفَةً،

قلبها به گنه و حقیقت تو احاطه نمی‌یابند؛ وهمها و خیالها نمی‌توانند صفات تو را دریابند؛

وَلَا يُشَبِّهُكَ شَيْءٌ مِنْ خَلْقِكَ، وَلَا يُمَثِّلُ بِكَ شَيْءٌ مِنْ صَنْعَتِكَ،

هیچ یک از آفریدگانت شبیه تو نیستند؛ هیچ یک از ساخته‌های تو را نمی‌توان به تو مثال زد؛

تَبَارَكَ أَنْ تُحَسَّ أَوْ تُمَسَّ أَوْ تُدْرِكَ الْحَوَاسُ الْخَمْسُ، وَأَنْتَ

بالتر از آن هستی که حس شوی، یا لمس شوی، یا با حواس پنج‌گانه دریافت شوی. کجایمی‌تواند

يُدْرِكُ مَخْلُوقٌ خَالِقَهُ، وَتَعَالَيْتَ يَا إِلَهِي عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ

آفریده، آفریننده خود را درک کند؟! خدایا! تو از آن چه ستم‌کاران می‌گویند،

عُلُوًّا كَبِييراً. اَللّٰهُمَّ اَدِلْ لِاَوْلِيَّائِكَ مِنْ اَعْدَائِكَ الظَّالِمِينَ الْبَاغِينَ

برتر و بزرگ‌تر هستی، بارالها! دوستانت را بر دشمنان ستم‌کار، متجاوز،

النَّاكِثِينَ الْقَاسِطِينَ الْمَارِقِينَ، الَّذِينَ اَضَلُّوا عِبَادَكَ، وَحَرَفُوا

پیمان شکن و نابکار و از دین بیرون روندگانت غلبه و چیرگی و استیلا ببخش؛ دشمنانی که بندگان را گمراه، قرآن را تحریف،

كِتَابَكَ، وَبَدَّلُوا اَحْكَامَكَ، وَجَحَدُوا حَقَّكَ، وَجَلَسُوا مَجَالِسَ

دستورات دینیت را عوض کرده، و حق تو را انکار کردند؛ و جایگاه مخصوص اولیای تو را اشغال کردند،

اَوْلِيَّائِكَ، جُرَاةً مِنْهُمْ عَلَيْكَ، وَظُلْمًا مِنْهُمْ لِاَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ،

و این کار را از روی بی‌باکی و جرات بر تو انجام دادند و از روی ستم کردن بر اهل بیت پیامبرت

بیت‌نامه

بخش دوم



عَلَيْهِمْ سَلَامُكَ وَصَلَوَاتُكَ وَرَحْمَتُكَ وَبَرَكَاتُكَ، فَضَلُّوا وَأَضَلُّوا

که درود و سلام و رحمت و برکات بر ایشان نثار باد - انجام دادند. و با این کارشان گمراهی خود را ثابت کرده.

خَلْقِكَ، وَهَتَكُوا حِجَابَ سِرِّكَ عَنْ عِبَادِكَ. وَاتَّخَذُوا اللَّهُمَّ

مردم را نیز گمراه نمودند، و پرده پوشش تو را از بندگانت دریدند. خدایا؛ این دشمنان پست،

مَالِكَ دُولًا، وَعِبَادَكَ خَوْلًا، وَتَرَكَوا اللَّهُمَّ عَالِمَ أَرْضِكَ فِي

دارایی های ویژه تو را به عنوان دولت و سرمایه در اختیار خود گرفتند، و بندگانت را غلام و کنیز خودشان کردند. خدایا؛ عالم و دانشمند روی زمینت

بِكَمَاءٍ عَمِيَاءٍ ظُلْمَاءٍ مُدْلِهَمَّةً، فَأَعْيَيْتَهُمْ مَفْتُوحَةً، وَقَلُوبُهُمْ عَمِيَّةٌ،

را رها کردند؛ در حال کوری و کوری و در فضایی که تاریک و فاسد بود. بدین سان، شرایطی پیش آمد که چشمان شان باز بود و می دید،

وَلَمْ تَبْقِ لَهُمُ اللَّهُمَّ عَلَيْكَ مِنْ حُجَّةٍ، لَقَدْ حَذَرْتَ اللَّهُمَّ عَذَابَكَ،

ولی قلب های شان کور بود. خدای بزرگ؛ حجتی بر تو برای ایشان باقی نماند، و آنها را از عذابت ترسانیدی،

وَبَيَّتَ نَكَالَكَ، وَوَعَدْتَ الْمُطِيعِينَ إِحْسَانَكَ، وَقَدَّمْتَ إِلَيْهِمْ

و تهدیدهای شدیدی را بیان نمودی؛ به فرمان بردارانت، وعده نیکی و احسان دادی، و پیش تر برای

بِالنُّذْرِ فَاَمَنْتَ طَائِفَةً. فَأَيِّدِ اللَّهُمَّ الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيَّ عَدُوِّكَ

آنان بیم دهندگانی فرستادی و از عذابت ترسانیدی؛ تا در نهایت، گروهی ایمان آوردند. بارالها؛ آن گروهی را که ایمان آوردند بر دشمن

وَعَدُوِّ أَوْلِيَاءِكَ، فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ، وَإِلَى الْحَقِّ دَاعِينَ،

خودت و دشمن اولیا و دوستانت تأیید و یاری کن، تا چیره و پیروز گردند، و به حق و حقیقت فرا خوانند،

وَاللِّمَامِ الْمُنْتَظَرِ الْقَائِمِ بِالْقِسْطِ تَابِعِينَ، وَجَدِّدِ اللَّهُمَّ عَلَيَّ

و دنباله رو پیشوای مورد انتظاری باشند که برای برقراری عدل و داد قیام می کند. خدایا؛ آتش جهنم و عذاب خود را

أَعْدَائِكَ وَأَعْدَائِهِمْ نَارَكَ وَعَذَابَكَ، الَّذِي لَا تَدْفَعُهُ عَنِ الْقَوْمِ

که از گروه ستمگران، برطرف نخواهی کرد - را بر دشمنانت و دشمنان اولیایت پیوسته تازه کن.

الظَّالِمِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَقَوِّ ضَعْفَ

خدایا؛ درود پیوستهات را بر محمد و آل محمد بفرست؛ و ناتوانی کسانی را که دوستی و محبت خالصانه با تو دارند، تبدیل به

الْمُخْلِصِينَ لَكَ بِالْمَحَبَّةِ، الْمَشَايِعِينَ لَنَا بِالْمُوَالَاةِ، الْمُتَّبِعِينَ لَنَا

قوت مندی و نیرو کن؛ همان دوستانی که با موالات و دوستی فرمان بردارانه شان، از ما پیروی می کنند، و

بِالتَّصَدِيقِ وَالْعَمَلِ، الْمُؤَاظِرِينَ لَنَا بِالْمُؤَاَسَاةِ فِينَا، الْمُحِبِّينَ

با تصدیق زبانی و عملی و قلبی دنباله‌رو ما هستند، و با مواسات و رفتار دوستانه با یکدیگر به خاطر ما، به ما کمک می‌رسانند،

ذِكْرَنَا عِنْدَ اجْتِمَاعِهِمْ، وَشَدِّدِ اللَّهُمَّ رُكْنَهُمْ، وَسَدِّدِ اللَّهُمَّ لَهُمْ

و هر گاه گرد هم می‌آیند عاشق یاد ما هستند. خدایا؛ پایه و اساس ایشان را محکم و قوی فرما و استوار گردان برای ایشان

دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ لَهُمْ، وَأَثِمِمْ عَلَيْهِمْ نِعْمَتَكَ، وَخَلِّصْهُمْ

دینشان را که برای آنها پسندیده‌ای، و نعمتت را بر آنها کامل گردان، و آنها را خالص گردان

وَاسْتَخْلِصْهُمْ، وَسُدِّدِ اللَّهُمَّ فَقْرَهُمْ، وَالْأُمَمِ اللَّهُمَّ شَعَثَ فَاقْتِهِمْ.

و برگزین، و نیازشان را برطرف کن، و گرفتاری و بیچارگی و پریشانی فقرشان را جبران فرما.

وَاعْفِرِ اللَّهُمَّ ذُنُوبَهُمْ وَخَطَايَاهُمْ، وَلَا تُزِغْ قُلُوبَهُمْ بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَهُمْ،

و گناهان و اشتباهاتشان را ببخش، و پس از هدایتشان دل‌هایشان را منحرف مساز،

وَلَا تُخَلِّهِمْ أَيُّ رَبِّ بِمَعْصِيَتِهِمْ، وَاحْفَظْ لَهُمْ مَا مَنَحْتَهُمْ بِهِ مِنْ

و به سبب نافرمانیت - ای پروردگار! - تنها و رهایشان مساز،

الطَّهَارَةِ بِوِلَايَةِ أَوْلِيَائِكَ، وَالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكَ، إِنَّكَ سَمِيعٌ

و پاکی و طهارتی که به واسطه ولایت و دوستی ما (اهل بیت) و دشمنی و بیزاری از دشمنان ما نصیبشان ساختی برای ایشان

مُجِيبٌ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ. ۱

نگه دار؛ به راستی که تو شنوا و اجابت‌کننده هستی؛ و خداوند، بر محمد و آل پاک و پاکیزه‌اش درود پیوسته نثار کند.



قنوت حضرت امام هادی عليه السلام

اللَّهُمَّ مَنَاهِلَ كَرَامَاتِكَ بِجَزِيلِ عَطِيَّاتِكَ مُثْرَعَةً، وَأَبْوَابَ مُنَاجَاتِكَ

بارالها؛ چشمه‌های کرامت و بزرگواری تو، با بخشش‌های شایانت پرآب است؛ درهای مناجات و رازگویی تو.

لِمَنْ أَمَّكَ مُثْرَعَةً، وَعَطُوفَ لِحَطَّاتِكَ لِمَنْ ضَرَعَ إِلَيْكَ غَيْرُ

برای هر کسی که تو را قصد کرده باز است؛ نگاه‌های مهربانه‌ات پیوسته به کسانی که در نهایت خواری و فروتنی به

ببخش دوم

ببخش دوم



مُنْقَطِعَةٍ، وَقَدْ أُلْجِمَ الْحِذَارُ، وَاشْتَدَّ الْأَضْطِرَارُ، وَعَجَزَ عَنِ

درگاهت روی آورده‌اند می‌رسد؛ این در حالی است که ترس و هراس به نهایت و اضطرار و سردرگمی و بیچارگی شدید گشته،

الْأَضْطِبَارِ أَهْلُ الْإِنْتِظَارِ. وَأَنْتَ اللَّهُمَّ بِالْمَرْصَدِ مِنَ الْمُكَارِ،

و منتظران نیز از صبر بیش‌تر ناتوان شده‌اند. خدایا؛ تو در کمینگاه حيله‌گران هستی،

وغيرُ مُهْمَلٍ مَعَ الْإِمْهَالِ، وَاللَّائِذُ بِكَ أَمِنٌ، وَالرَّاعِبُ إِلَيْكَ

و باوجود مهلت‌هایی که می‌دهی ولی کار را رها نکرده‌ای؛ تنها، هر کس به تو تکیه کند در آرامش و امنیت است، و هر کس مشتاق

غَانِمٌ، وَالْقَاصِدُ اللَّهُمَّ لِبَابِكَ سَالِمٌ. اللَّهُمَّ فَعَاجِلٌ مَنْ قَدْ امْتَرَّ فِي

تو باشد بهره‌مند است، و تنها هر کس - خدایا - آهنگ دربار تو کرده، سالم می‌ماند. بار الها؛ مجازاتت را زودتر به کسانی برسان که

طُغْيَانِهِ، وَاسْتَمَرَ عَلَى جَهَالَتِهِ لِعُقْبَاهُ فِي كُفْرَانِهِ، وَأَطْمَعَهُ حِلْمُكَ

سرکشی را به نهایت رسانیده، و ادامه داده است به خاطر نادانی‌اش نسبت به سرانجام کارش در کفر ورزیدن و ناسپاسی‌اش، و بردباری

عَنْهُ فِي نَيْلِ إِزَادَتِهِ، فَهُوَ يَتَسَرَّعُ إِلَى أَوْلِيَائِكَ بِمَكَارِهِهِ،

تو، موجب طمع او نسبت به پیگیری مقاصدش شده است و بدین جهت به سرعت نسبت به دوستان و اولیای تو

وَيُؤَاصِلُهُمْ بِقَبَائِحِ مَرَاصِدِهِ، وَيَقْصُدُهُمْ فِي مَظَانِّهِمْ بِأَذِيَّتِهِ.

بدی می‌کند، و دام‌های زشت خود را پیوسته در راهشان قرار می‌دهد، و به قصد اذیت ایشان به موضع و محل آنان می‌رود.

اللَّهُمَّ اكْشِفِ الْعَذَابَ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ، وَابْعَثْهُ جَهْرَةً عَلَى الظَّالِمِينَ.

خدایاندا؛ عذاب و کیفر خود را از مؤمنان برطرف کن و به صورت آشکار آن را بر ستمگران برانگیز.

اللَّهُمَّ اكْفِ الْعَذَابَ عَنِ الْمُسْتَجِيرِينَ، وَاصْبِئْهُ عَلَى الْمُغِيرِينَ.

بار الها؛ عذابت را از کسانی که به تو پناه آورده‌اند باز دار، و بر سر تغییردهندگان بریز.

اللَّهُمَّ بَادِرْ عُسْبَةَ الْحَقِّ بِالْعَوْنِ، وَبَادِرْ أَعْوَانَ الظُّلْمِ بِالْقَضْمِ.

خدایا؛ کمک سریعیت را به جمعیت حق و حقیقت برسان، و شکست و نابودیت را به سرعت نصیب کم‌کمرسانان ستم و ظلم کن.

اللَّهُمَّ أَسْعِدْنَا بِالشُّكْرِ، وَآمَنْحَنَا النَّصْرَ، وَأَعِدْنَا مِنْ سُوءِ الْبِدَارِ

خدایا؛ با سپاسگزاریت ما را خوشبخت گردان، و پیروزیت را نصیب ما کن، و از بدی‌های شتابان،

وَالْعَاقِبَةِ وَالْخَيْرِ ۱.

و بدی عاقبت، و فریفته‌شدن در امان دار.



دعای امام حسن عسکری علیه السلام در قنوت

امام حسن عسکری علیه السلام در قنوت خود این دعا را می خواندند؛ هنگامی که مردم قم از موسی بن بغی به آن حضرت شکایت کردند، دستور فرمود این دعا را (در قنوت) بخوانند: ^۱

۱. در کتاب «مکیال المکارم» می نویسد: این دعای قنوت، از مولای ما، حضرت امام حسن عسکری علیه السلام روایت شده است، و شیخ طوسی رحمه الله در کتاب «المصباح» و نیز «مختصر المصباح» خود در باب دعاهای قنوت نماز وتر یادآور شده است. سید بن طاووس رحمه الله در کتاب «مهج الدعوات» در باب دعاهای قنوت امامان علیهم السلام ذکر کرده است، لیکن - بر اساس برخی روایات - به نظر می رسد که این دعا به وقت خاصی تعلق ندارد؛ گرچه بهتر است در اوقات ویژه و مخصوص و دارای فضیلت بیش تر، خوانده شود.

از روایت سید بن طاووس رحمه الله و دیگر روایات برمی آید که این دعا دارای اثری ویژه و کامل برای راندن ستمگر، و گرفتن حق ستمدیدگان از ستمگران است؛ به همین جهت، می توان از این مطلب استفاده کرد که یکی از فایده های این دعا اگر برای درخواست فرج و ظهور و یاری امام زمان علیه السلام خوانده شود آن است که ستمگر و بدی و سلطه او دفع گردد.

سید بن طاووس رحمه الله در مورد این دعا می فرماید: امام حسن عسکری علیه السلام در قنوت خود این دعا را خوانده و به مردم قم - که از موسی بن بغی شکایت کرده بودند - نیز دستور خواندن این دعا را داد. (پایان سخن سید بن طاووس رحمه الله).

نویسنده کتاب «منح البرکات» - که شرحی است بر کتاب «مهج الدعوات» - از کتاب «إعلام الوری فی تسمیة القرئ» (نوشته ابو سعید اسماعیل بن علی سمعانی حنفی) نقل می کند که: موسی بن بغی بن کلیب بن شمر بن مروان بن عمرو بن غطه؛ از یاران متوکل عباسی لمانه الله و از کارگزاران او بود که بر قم فرمانروایی می کرد. این خبیث ناپاک، همان کسی است که متوکل ملعون، دستور ویران کردن قبر مولای مان حضرت امام حسین علیه الصلاة والسلام و تبدیل آن جا به یک مزرعه را؛ به او داد. وی، ستمگری خون ریز و حرمت شکن، و حاکم قم بود و بیش از ده سال بر مردم این شهر حکمرانی می نمود. مردم قم به شدت از او می ترسیدند، چون به شدت نسبت به پیشوایان بزرگوار علیهم السلام عناد می ورزید و در میان مردم قم ایجاد فساد می نمود و آنها را با قتل و کشتار تهدید نموده و بر این امر مصمم بود. تا آن که از او به امام حسن عسکری علیه السلام شکایت کردند، و آن حضرت دستور دادند که مردم قم، «نماز مظلوم» را بخوانند، و موسی بن بغی (حاکم وقت قم) را نفرین کنند و برای نفرین به او این دعا را بخوانند. پس از این که مردم قم این کار را انجام دادند، خداوند حتی به اندازه یک چشم برهم زدن به آن حاکم ستمگر مهلت نداد، و به سختی و مقتدرانه او را نابود کرد.

نویسنده کتاب مزبور می گوید: این گفتار نگارنده کتاب «منح البرکات» را نقل به معنا کردم؛ چون، آن کتاب به زبان فارسی است، وی چگونگی خواندن «نماز مظلوم» را بیان نکرده است؛ لیکن، در بخش نمازها به بیان «نماز مظلوم» که در کتاب

مکتب

بخش دوم



الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا لِنِعْمَائِهِ، وَاسْتِدْعَاءً لِمَزِيدِهِ، وَاسْتِخْلَاصًا لَهُ

سپاس و ستایش سزاوار خداوند است، از جهت شکرگزاری نعمت‌هایش، و درخواست فزونی آن، و طلب رهایی

وَبِهِ دُونَ غَيْرِهِ، وَعِيَاذًا بِهِ مِنْ كُفْرَانِهِ وَالْإِلْحَادِ فِي عَظَمَتِهِ

به سبب آن نه غیر آن، و پناه بردن به سبب آن از ناسپاسی او و انکار عظمت

وَكَبْرِيَاءِهِ، حَمْدٌ مَنْ يَعْلَمُ أَنَّ مَا بِهِ مِنْ نِعْمَائِهِ فَمِنْ عِنْدِ رَبِّهِ،

و کبریایی‌اش، ستایش کردن کسی که می‌داند هر نعمتی دارد از پروردگارش است،

وَمَا مَسَّهُ مِنْ عُقُوبَتِهِ فَبِسُوءِ جِنَايَةِ يَدِهِ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ

و هر بدبختی و مجازاتی که به او رسیده است از جنایت و بدکاری‌های خودش است. و خداوند، بر محمد

عَبْدِهِ وَرَسُولِهِ، وَخَيْرَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ، وَذُرِّيَعَةِ الْمُؤْمِنِينَ إِلَى

که بنده و فرستاده اوست، و برگزیده الهی از بین مخلوقات او می‌باشد، و وسیله مؤمنان برای رسیدن به رحمت

رَحْمَتِهِ، وَإِلَى الطَّاهِرِينَ وَوَلَاةِ أَمْرِهِ. اللَّهُمَّ إِنَّكَ نَدَبْتَ إِلَى

خداوند می‌باشد. و نیز بر آل آن حضرت، خاندان پاک‌ی که امر و فرمان الهی را عهده‌دارند درود پیوسته فرستد، بار الها! به راستی

فَضْلِكَ، وَأَمَرْتَ بِدُعَائِكَ، وَضَمِنْتَ الْإِجَابَةَ لِعِبَادِكَ، وَلَمْ تُخَيِّبْ

که تو، تشویق به فضل و احسانت کردی، و دستور دادی تو را بخوانند، و پاسخ مثبت خود را برای بندگانی که دعا کنند تضمین

مَنْ فَرَعَ إِلَيْكَ بِرَغْبَتِهِ، وَقَصَدَ إِلَيْكَ بِحَاجَتِهِ، وَلَمْ تَرْجِعْ يَدُ

نمودی؛ اگر کسی با اشتیاق خود به تو پناه آورد و برای برآورده شدن حاجت خویش به درگاه تو روی آورد او را ناامید نمی‌کنی؛

→ نویسنده «مکیال المکارم» در بخشی دیگر از کتاب خود می‌گوید: نماز مظلوم بدین صورت است که دو رکعت نماز -

با هر سوره‌ای که خواستی - می‌خوانی، و هر قدر توانستی بر محمد و آل محمد عليهم السلام صلوات می‌فرستی؛ سپس می‌گویی:

اللَّهُمَّ إِنَّ لَكَ يَوْمًا تَنْتَقِمُ فِيهِ لِلْمَظْلُومِ مِنَ الظَّالِمِ، لَكِنَّ هَلْعِي وَجَزْعِي لَا يَبْلُغَانِ بِي الصَّبْرَ عَلَى أَنَاتِكَ

بارالها! تو، روزی را داری که در آن روز برای ستم‌دیده از ستمگر انتقام می‌گیری؛ لیکن، بی‌سبری و زودرنجی من نمی‌گذارد بتوانم نسبت به مهلت دادن و بردباری تو (با ستمگران) صبر

وَحِلْمِكَ، وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ فُلَانًا ظَلَمَنِي، وَاعْتَدَى عَلَيَّ بِقُوَّتِهِ عَلَيَّ ضَعْفِي، فَأَسْأَلُكَ يَا رَبَّ الْعِزَّةِ،

کنم و تاب بیاورم. خدایا! به خوبی می‌دانم که فلان شخص بر من ستم روا داشته است و با قدرت و توانی که دارد و با توجه به ناتوانی من در برابر او نسبت به حقوق من تجاوز کرده است

وَقَاسِمِ الْأَرْزَاقِ، وَقَاصِمِ الْجَبَابِرَةِ، وَنَاصِرِ الْمَظْلُومِينَ، أَنْ تُرِيَهُ قُدْرَتَكَ، أَقْسَمْتُ عَلَيْكَ يَا رَبَّ

پس ای خدای صاحب عزت! ای تقسیم‌کننده روزی‌ها، ای کوبنده زورگویان! ای باور و پیروز کننده ستم‌دیدگان! از تو درخواست می‌کنم توان و قدرتت را به او بنمایانی و نشان دهی. ای پروردگار

الْعِزَّةِ، السَّاعَةَ السَّاعَةَ.

عزت‌منده! تو را سوگند می‌دهم که این کار را همین حالا و در همین ساعت، در همین ساعت، انجام دهی.

(مکیال المکارم: ۸۶/۲)

طَالِبَةٌ صِفْرًا مِنْ عَطَائِكَ، وَلَا خَائِبَةٌ مِنْ نَحْلِ هِبَاتِكَ، وَأَيُّ رَاحِلٍ

دستی را که به درخواست به سویت آمده است، خالی از بخشش و عطای خود بر نمی‌گردانی، و از هدیه‌های خوبت محروم

رَحَلٍ إِلَيْكَ فَلَمْ يَجِدْكَ قَرِيبًا، أَوْ وَاوَدَّ وَفَدَّ عَلَيْكَ فَاقْتَطَعَتْهُ

نمی‌گردانی، تا به حال، کدام کوچ‌کننده‌ای به سوی تو کوچ کرده است و تو را نزدیک نیافته است؟ یا کدام واردشونده‌ای بر تو وارد

عَوَائِقُ الرَّدِّ دُونَكَ، بَلْ أَيُّ مُخْتَفِرٍ مِنْ فَضْلِكَ لَمْ يُمْهِهِ فَيْضٌ

شده، او را رد کرده و پذیرایی ننموده‌ای؟ بلکه کدام کسی است که فضل تو را کاوش کند و از سرچشمه جود و

جُودِكَ، وَأَيُّ مُسْتَنْبِطٍ لِمَزِيدِكَ أَكْدَى دُونَ اسْتِمَاحَةِ سِجَالِ

بخشش تو سیراب نگردد؟ و کدام کسی است که در جستجوی فزونی از جانب تو باشد، و از عطای فراوان

عَطِيَّتِكَ. اللَّهُمَّ وَقَدْ قَصَدْتُ إِلَيْكَ بِرَغْبَتِي، وَقَرَعْتُ بَابَ فَضْلِكَ

تو بهره‌مند نگردد؟ بار الها! و من با شوق و علاقه‌ای وصف‌ناپذیر، به قصد حضرت تو آمدم؛ و با دست خواهش خود، درگاه فضل و

يَدُ مَسْأَلَتِي، وَنَاجَاكَ بِخُشُوعِ الْأِسْتِكَانَةِ قَلْبِي، وَوَجَدْتُكَ خَيْرَ

فزون‌بخش تو را کوییدم؛ و قلبم در نهایت بیچارگی و خاشعانه به مناجات و رازگویی با تو پرداخته است؛ و تو را بهترین

شَفِيعٍ لِي إِلَيْكَ، وَقَدْ عَلِمْتُ مَا يَحْدُثُ مِنْ طَلِبَتِي قَبْلَ أَنْ يَخْطُرَ

واسطه خود برای شفاعت به سوی تو یافتم؛ و به خوبی می‌دانم خواسته‌های تو و تازه‌ام را، پیش از آن که از اندیشه من بگذرد،

بِفِكْرِي، أَوْ يَقَعَ فِي خَلْدِي، فَصَلِّ اللَّهُمَّ دُعَائِي إِلَيْكَ بِاجَابَتِي،

یا در روان من بیفتد. پس، - خداوند! - دعایم را به اجابت برسان،

وَاشْفَعْ مَسْأَلَتِي بِنُجْحِ طَلِبَتِي. اللَّهُمَّ وَقَدْ شَمَلْنَا زَيْغَ الْفِتَنِ،

و درخواستم را به دست‌یابی به خواهشم برآورده ساز. بار الها! فتنه‌های گمراه‌کننده، ما را در برگرفته است؛

وَاسْتَوْلَتْ عَلَيْنَا غَشْوَةُ الْحَيْرَةِ، وَقَارَعَنَا الذُّلُّ وَالصَّغَارُ، وَحَكَمَ

و فرورفتن در حیرت و سردرگمی بر ما چیره شده است؛ و خواری و کوچکی، ما را درهم کوبیده است؛ و کسانی که

عَلَيْنَا غَيْرُ الْمَأْمُونِينَ فِي دِينِكَ، وَابْتَزَّ أُمُورَنَا مَعَادِنُ الْأَبْنِ مِمَّنْ

امین در دین تو نیستند، حاکم بر ما شده‌اند؛ و امور ما به دست افرادی از معدن‌های آبنه و عیب افتاده از کسانی که

عَطَّلَ حُكْمَكَ، وَسَعَى فِي إِتْلَافِ عِبَادِكَ وَإِفْسَادِ بِلَادِكَ. اللَّهُمَّ

تعطیل کننده دستورات تو، و تلاش‌گر در جهت تلف کردن و نفله کردن بندگان تو، و خراب کردن و به فساد کشیدن شهرهای تو هستند. خدایا!

ببخشید

بخش دوم



۱۶۰

وَقَدْ عَادَ فَيْئُنَا دَوْلَةً بَعْدَ الْقِسْمَةِ، وَإِمَارَتُنَا غَلْبَةً بَعْدَ الْمَشُورَةِ،

پس از این که غنیمت ما را - بعد از تقسیم میان خود - مایهٔ چیرگی و استیلای خویش قرار دادند؛ و پس از آن که فرمانروایی را

وَعَدْنَا مِيرَاثًا بَعْدَ الْإِخْتِيَارِ لِلْأُمَّةِ، فَاشْتَرَيْتِ الْمَلَاهِي وَالْمَعَارِفُ

به ما دادی، آن را بر اساس شوری به کسی دیگر دادند؛ و پس از آن که برگزیدهٔ الهی بودیم به عنوان ارث آن‌ها شدیم. بدین سان،

بِسَبِّهِمُ الْيَتِيمِ وَالْأَرْمَلَةِ، وَحَكَمَ فِي أَبْشَارِ الْمُؤْمِنِينَ أَهْلُ الذُّمَّةِ،

وسایل لهو و لعب و خوشگذرانی با بهره و نصیب یتیمان و بیوه‌زنان از بیت‌المال خریداری شد، و اهل ذمه، حاکم و فرمانروای مؤمنان راستین

وَوَلِيَّ الْقِيَامِ بِأُمُورِهِمْ فَاسِقُ كُلِّ قَبِيلَةٍ، فَلَا ذَائِدَ يَذُودُهُمْ عَنْ

شدند؛ و فاسقان هر قبیله‌ای، سرپرست امور آن‌ها شدند، دیگر در این شرایط نه کسی بود تا ایشان را از

هَلَكَةٍ، وَلَا رَاعٍ يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ بِعَيْنِ الرَّحْمَةِ، وَلَا ذُو شَفَقَةٍ يُشْبِعُ

نابودشدن و هلاکت نجات بخشد؛ و نه سرپرستی که مراعات کند و با دیدهٔ رحمت به سوی ایشان بنگرد؛ و نه کسی پیدا شد تا

الْكَبِدَ الْحَرِيَّ مِنْ مَسْغَبَةٍ، فَهُمْ أَوْلُوا ضَرْعَ بِدَارٍ مَضِيعَةٍ، وَأَسْرَاءُ

دلش بسوزد و جگر سوزان آن‌ها را از گرسنگی نجات بخشد و سیر کند؛ بدین سان، آنان در سزایی تپاه‌شده با خواری بسر می‌برند؛ و اسیرانی

مَسْكَنَةٍ، وَخُلَفَاءُ كِتَابَةٍ وَذِلَّةٍ. اللَّهُمَّ وَقَدْ اسْتَحْصَدَ زَرْعُ الْبَاطِلِ،

بیچاره، و جانشینانی غم و اندوه و خوارشده گشتند. بارالها؛ در واقع، زمان برداشت کشتزار باطل و نادرستی فرا رسید،

وَبَلَغَ نِهَائَتَهُ، وَاسْتَحْكَمَ عَمُودُهُ، وَاسْتَجْمَعَ طَرِيدُهُ، وَخَذَرَفَ

و به نهایت رسید و پایه و ستونش محکم شد و رانده‌شدگان‌شان گردآوری شدند، و نسل‌شان زیاد شد،

وَلِيدُهُ، وَبَسَقَ فَرْعُهُ، وَضُرِبَ بِجِرَانِهِ. اللَّهُمَّ فَاتِحَ لَهُ مِنَ الْحَقِّ

و شاخ و برگ دواندند، و پایه‌های حکومت‌شان استوار و مستقر گردیدند. بارالها؛ دست توانایی از حق را

يَدًا خَاصِدَةً تَصْدَعُ قَائِمَهُ، وَتَهْشُمُ سُوقَهُ، وَتَجِبُ سَنَامَهُ،

برای برکندن ریشه و اساس باطل آماده ساز؛ تا بازارش را کساد، و علو و برتری آن را از بین ببرد،

وَتَجْدَعُ مَرَاغِمَهُ، لِيَسْتَخْفِيَ الْبَاطِلُ بِقُبْحِ صُورَتِهِ، وَيُظْهِرَ الْحَقُّ

و دماغ‌شان را به خاک بمالد؛ تا در نتیجه، باطل مجبور شود چهرهٔ زشتش را پنهان کند، و حق و حقیقت نیز

بِحُسْنِ حُلِيِّتِهِ. اللَّهُمَّ وَلَا تَدْعُ لِلْجَوْرِ دِعَامَةً إِلَّا قَصَمْتَهَا، وَلَا

چهرهٔ زیبا و نیکوی خود را آشکار گرداند. خدایا؛ تمام ارکان و پایه‌های باطل را درهم بشکن؛ تمام

جِنَّةً إِلَّا هَتَّكَتْهَا، وَلَا كَلِمَةً مُجْتَمِعَةً إِلَّا فَرَّقَتْهَا، وَلَا سَرِيَّةً ثَقُلَ

سپهرهایش را دریده، و اجتماع کلمه و اتحادش را پراکنده، و لشکر سنگینش را

إِلَّا خَفَّفَتْهَا، وَلَا قَائِمَةً عَلُوًّا إِلَّا حَطَّطَتْهَا، وَلَا رَافِعَةً عِلْمًا إِلَّا

بی‌ارزش (و خلع سلاح) فرما، تمام پایه‌های بلند و برتری‌اش را به زیر کشیده، و تمام علم‌ها و پرچم‌های برافراشته‌اش را

نَكَّسَتْهَا، وَلَا خَضْرَاءَ إِلَّا أَبْرَتْهَا. اللَّهُمَّ فَكَوِّرْ شَمْسَهُ، وَحُطِّ

سرنگون، و تمام سبزه‌زارهایش را خشک کن، خدایا؛ خورشید باطل را تاریک و خاموش گردان، و روشنی‌اش را از بین ببر،

نُورَهُ، وَاطْمِسْ ذِكْرَهُ، وَارْمِ بِالْحَقِّ رَأْسَهُ، وَفُضِّ جُيُوشَهُ،

و یادش را محو و ناپدید گردان؛ به واسطه حق و حقیقت، سرش را بیفکن؛ و سپاهیانش را پراکنده ساز؛

وَازْعِبْ قُلُوبَ أَهْلِهِ. اللَّهُمَّ وَلَا تَدْعُ مِنْهُ بَقِيَّةً إِلَّا أَفْنَيْتَ، وَلَا

و دل‌های آن‌ها را بر از رعب و وحشت کن. خدایا؛ از باطل هیچ باقی‌مانده‌ای نگذار، و همه را نابود ساز؛

بُنْيَةَ إِلَّا سَوَّيْتِ، وَلَا حَلَقَةَ إِلَّا قَصَمْتِ، وَلَا سِلَاحًا إِلَّا أَكَلَلْتِ،

تمام ساختمان‌هایش را با خاک یکسان کن؛ تمام حلقه‌های محاصره آن‌ها را بشکن؛ تمام سلاح‌های آن را بی‌اثر کن؛

وَلَا حَدًّا إِلَّا فَلَائِ، وَلَا كُرَاعًا إِلَّا اجْتَحَتِ، وَلَا حَامِلَةً عِلْمًا إِلَّا

لبه‌های تیز آن‌ها را بشکن؛ تمام چارپایان‌شان را نابود و بیچاره کن؛ و تمام پرچم‌داران‌شان را بر

نَكَّسْتِ. اللَّهُمَّ وَأَرِنَا أَنْصَارَهُ عِبَادِيَدَ بَعْدَ الْأُلْفَةِ، وَشَتَّى بَعْدَ

زمین بزن. خدایا؛ به ما بنمایان که یاران باطل، پس از آن که از یکدیگر جدا نمی‌شدند به بردگی رفته‌اند؛ و پس از آن که با یکدیگر

اجْتِمَاعِ الْكَلِمَةِ، وَمُقْنَعِي الرَّؤُوسِ بَعْدَ الظُّهُورِ عَلَى الْأُمَّةِ،

وحدت داشتند و هم‌پیمان شده بودند، پراکنده گشته‌اند؛ و بعد از غلبه و چیرگی بر امت، سرافکنده و خوار شده‌اند.

وَأَسْفِرْ لَنَا عَنْ نَهَارِ الْعَدْلِ، وَأَرِنَاهُ سَرْمَدًا لَا ظُلْمَةَ فِيهِ، وَنُورًا

(خدایا؛ روز عدل و دادگری را برای ما آشکار کن، و آن را به ما بنمایان در حالی که پاینده است و هیچ تاریکی در آن نیست، و

لَا شَوْبَ مَعَهُ، وَاهْطِلْ عَلَيْنَا نَاشِئَتَهُ، وَأَنْزِلْ عَلَيْنَا بَرَكَتَهُ، وَأَدِلْ

روشنی‌اش بدون هیچ شائبه‌ای است، و از باران همیشگی آن بر ما نازل، و برکتش را به ما برسان، و هر کسی

لَهُ مِمَّنْ نَاوَاهُ، وَأَنْصُرُهُ عَلَى مَنْ عَادَاهُ. اللَّهُمَّ وَأَظْهِرِ الْحَقَّ،

قصد بدی راجع به او دارد مغلوبش گردان، و او را بر تمام دشمنانش پیروز گردان. بارالها؛ حق را آشکار کن،

بیت

بخش دوم



۱۶۲

وَأَصْبِحْ بِهِ فِي غَسَقِ الظُّلْمِ وَبِهِمُ الْحَيْرَةُ. اللَّهُمَّ وَأَخِي بِهِ

و صبح و پایان تاریکی‌ها و سرگردانی‌ها را برسان. خدایا، به وسیله او قلب‌های مرده را

الْقُلُوبَ الْمَيِّتَةَ، وَاجْمَعْ بِهِ الْأَهْوَاءَ الْمُتَفَرِّقَةَ، وَالْأَرَءَاءَ الْمُخْتَلِفَةَ،

زنده گردان، و گرایش‌های پراکنده را گرد هم آور، و نظرات متفاوت را یکی کن،

وَأَقِمْ بِهِ الْحُدُودَ الْمُعْطَلَةَ، وَالْأَحْكَامَ الْمُهْمَلَةَ، وَأَشْبِعْ بِهِ

و حدود تعطیل‌شده را برپا دار، و دستورات دینی و گذاشته‌شده را دوباره به جریان بینداز، و

الْخِمَاصَ السَّاعِبَةَ، وَأَرِحْ بِهِ الْأَبْدَانَ اللَّاعِبَةَ الْمُتَعَبَةَ، كَمَا

گرسنگان را سیر گردان و بدن‌های رنجیده و سختی کشیده را آسوده و راحت گردان؛ همان گونه که

الْهَجْتَنَا بِذِكْرِهِ، وَأَخْطَرْتَ بِبَالِنَا دُعَاءَكَ لَهُ، وَوَفَّقْتَنَا لِلدُّعَاءِ

زبان ما را به یاد او گویا کردی، و بر قلب ما گذراندی که تو را به خاطر او بخوانیم و دعایش کنیم، و موفق‌مان گرداندی تا مردم

إِلَيْهِ، وَحِيَاشَةَ أَهْلِ الْغَفْلَةِ عَنْهُ، وَأَسَكَنْتَ فِي قُلُوبِنَا مَحَبَّتَهُ،

را به سوی او فرا بخوانیم، و غافلان را از او دور کنیم؛ محبت و دوستی نسبت به او را در دل ما جای دادی،

وَالطَّمَعِ فِيهِ، وَحُسْنِ الظَّنِّ بِكَ، لِإِقَامَةِ مَرَامِهِ. اللَّهُمَّ فَآتِ لَنَا

و گرایش‌یافتن و میل کردن به او را، و خوش‌گمانی به خودت نسبت به برپا شدن دولت او را، در دل‌مان گذاشتی. بارالها!

مِنْهُ عَلَى أَحْسَنِ يَقِينٍ، يَا مُحَقِّقَ الظُّنُونِ الْحَسَنَةِ، وَيَا مُصَدِّقَ

بهترین یقین نسبت به او را به ما بده؛ ای تحقق‌بخش خوش‌گمانی‌ها؛ ای راست آورنده

الْأَمَالِ الْمُبْطِنَةِ. اللَّهُمَّ وَأَكْذِبْ بِهِ الْمُتَالِّينَ عَلَيْكَ فِيهِ، وَأَخْلِفْ

آرزوهای درونی؛ بارالها؛ به وسیله او کسانی را که در مورد او علیه تو حکم می‌کنند، تکذیب کن؛ و

بِهِ ظُنُونِ الْقَانِطِينَ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَالْأَيْسِينَ مِنْهُ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا

به واسطه او گمان‌های کسانی را که از رحمت تو ناامید و از او مایوس‌اند، نادرست گردان. خدایا؛

سَبَبًا مِنْ أَسْبَابِهِ، وَعَلَمًا مِنْ أَعْلَامِهِ، وَمَعْقَلًا مِنْ مَعَاقِلِهِ،

ما را وسیله‌ای از وسایل او و پرچمی از پرچم‌های او و پناهگاهی از پناهگاه‌های او قرار ده؛

وَنَضْرًا وَجُوهَنَا بِتَحْلِيَّتِهِ، وَأَكْرِمْنَا بِنُصْرَتِهِ، وَاجْعَلْ فِينَا خَيْرًا

و چهره‌های ما را به واسطه زینت‌بخشیدن او زیبا گردان؛ و ما را با یاری‌نمودن او گرامی بدار؛ و خیر و نیکی در ما قرار ده

تُظْهِرُنَا لَهُ بِهِ، وَلَا تُشْمِتْ بِنَا حَاسِدِي النِّعَمِ، وَالْمُتْرَبِّصِينَ بِنَا

تا به وسیله آن ما را در نظر او قرار دهی؛ و ما را مورد شماتت و سرزنش کسانی که به نعمت‌های ما حسادت می‌ورزند، و در کمین پشیمان شدن و

حُلُولِ النَّدَمِ، وَنُزُولِ الْمُثَلِّ، فَقَدْ تَرَى يَا رَبُّ بَرَاءَةَ سَاحَتِنَا،

گرفتار شدن مان و نازل شدن عقوبت‌ها هستند قرار مده. پروردگارا! تو به خوبی می‌بینی که دل ما پاک است،

وَخُلُوءَ ذَرَعِنَا مِنَ الْأَضْمَارِ لَهُمْ عَلَى إِحْنَةٍ، وَالتَّمَنِّي لَهُمْ وَقُوعَ

و قلب ما از پنهان کردن کینه‌های نسبت به افراد خالی است، و آرزوی گرفتاری و نابودی‌شان را نیز

جَائِحَةٍ، وَمَا تَنَازَلَ مِنْ تَحْصِينِهِمْ بِالْعَافِيَةِ، وَمَا أَضْبَوْنَا لَنَا مِنْ

نداریم؛ و می‌بینی آنچه را که بر ایشان نازل می‌شود از حفظ شدن آنان به وسیله عافیت؛ و در مقابل، آنان در کمین نشسته‌اند تا

انْتِهَازِ الْفُرْصَةِ، وَطَلَبِ الْوُثُوبِ بِنَا عِنْدَ الْغَفْلَةِ. اللَّهُمَّ وَقَدْ

فرستی علیه ما به دست آورند، و غافلگیرانه بر ما هجوم آورند. بارها؛

عَرَفْنَا مِنْ أَنْفُسِنَا، وَبَصَّرْنَا مِنْ عُيُوبِنَا خِلَالَ نَخْشَى أَنْ تَقْعُدَ

خودت را از راه خویشتن‌مان به ما شناساندی، و عیب‌ها و زشتی‌هایی که ما داشتیم به ما نشان دادی به گونه‌ای که ترسیدیم

بِنَا عَنِ اشْتِهَارِ إِجَابَتِكَ، وَأَنْتَ الْمُتَفَضِّلُ عَلَى غَيْرِ الْمُسْتَحِقِّينَ،

نگذارند به پاسخ‌گویی آشکار تو دست یابیم. این در حالی است که تو به کسانی که استحقاق ندارند مهربانی و فضل و بخشش

وَالْمُبْتَدِئُ بِالْإِحْسَانِ غَيْرِ السَّائِلِينَ، فَأَتِ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا عَلَى

می‌کنی؛ و نسبت به کسانی که درخواست نیز نمی‌کنند، خودت شروع به احسان و نیکی می‌کنی. بدین سان، کار ما را بر

حَسَبِ كَرَمِكَ وَجُودِكَ وَفَضْلِكَ وَامْتِنَانِكَ، إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ،

حسب کرامت و بزرگواری، سخاوت، فضل و منت نهادنت، درست کن. همانا، تو هر کاری بخواهی انجام می‌دهی؛

وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ، إِنَّا إِلَيْكَ رَاغِبُونَ، وَمِنْ جَمِيعِ ذُنُوبِنَا تَائِبُونَ.

و به هر چه اراده کنی، حکم می‌کنی. ما به سوی تو اشتیاق داریم، و از تمام گناهان‌مان توبه می‌کنیم.

اللَّهُمَّ وَالِدَاعِي إِلَيْكَ، وَالْقَائِمُ بِالْقِسْطِ مِنْ عِبَادِكَ، الْفَقِيرُ إِلَى

بارها؛ همان کسی را که تنها به سوی تو فرامی‌خواند، و از بین بندگان برای برقراری عدل و داد دست به قیام می‌زند، و خود را

رَحْمَتِكَ، الْمُحْتَاجُ إِلَى مَعُونَتِكَ عَلَى طَاعَتِكَ، إِذِ ابْتَدَأَتْهُ بِنِعْمَتِكَ،

نیازمند رحمت می‌داند، و احتیاج به کمک تو برای فرمان‌برداریت دارد؛ همان کسی که ابتداءً نعمت را به او مرحمت کردی،

بخش دوم

بخش دوم



۱۶۴

وَأَلْبَسْتَهُ أَثْوَابَ كَرَامَتِكَ، وَأَلْقَيْتَ عَلَيْهِ مَحَبَّةَ طَاعَتِكَ، وَثَبَّتَ

و لباس‌های کرامت و بزرگواری خود را بر او پوشانیدی، و دوست داشتن فرمان‌برداریت را بر دلش افکندی، و از روی محبتت

وَطَأْتَهُ فِي الْقُلُوبِ مِنْ مَحَبَّتِكَ، وَوَفَّقْتَهُ لِلْقِيَامِ بِمَا أَعْمَضَ فِيهِ

جایگاهش را در قلب‌ها محکم گردانیدی، و موفق کردی بعضی از دستورات را که

أَهْلُ زَمَانِهِ مِنْ أَمْرِكَ، وَجَعَلْتَهُ مَفْرَعًا لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ، وَنَاصِرًا

مردم زمانه از انجامش خودداری کرده‌اند، انجام دهد؛ و او را گریزگاه و پناه‌گاهی برای بندگمان ستم‌دیده‌ات، یاور

لِمَنْ لَا يَجِدُ نَاصِرًا غَيْرَكَ، وَمُجَدِّدًا لِمَا عَطَّلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ،

کسانی که جز تو یآوری نیافته‌اند، تازه‌کننده احکام تعطیل شده و فراموش شده قرآنت،

وَمُشِيدًا لِمَا رُدَّ مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ، وَسُنَنِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَالِهِ

و محکم‌کننده آن دسته از نشانه‌های دینت که رد شده است، و محکم‌کننده و برپاکننده سنت‌ها و روش‌های کنار زده شده

سَلَامُكَ وَصَلَوَاتُكَ وَرَحْمَتُكَ وَبَرَكَاتُكَ. فَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ فِي

پیامبرت - که درود و سلام و رحمت و برکت‌های تو بر او و آل او باد - قرار دادی. خدایا؛ (بدین جهت‌ها)

حِصَانَةٍ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ، وَأَشْرِقْ بِهِ الْقُلُوبَ الْمُخْتَلِفَةَ مِنْ

او را در پناه‌گاهی قرار ده تا از شر متجاوزان در امان باشد؛ و دل‌هایی را که از

بُغَاةِ الدِّينِ، وَبَلِّغْ بِهِ أَفْضَلَ مَا بَلَّغْتَ بِهِ الْقَائِمِينَ بِقِسْطِكَ مِنْ

ستم ستمگران دچار اختلاف گشته به سبب او روشن گردان؛ و او را به برترین چیزهایی برسان، که قیام‌کنندگان برای عدالت - در

أَتْبَاعِ النَّبِيِّينَ. اللَّهُمَّ وَأَذِلُّ بِهِ مَنْ لَمْ تُسْهِمْ لَهُ فِي الرَّجُوعِ إِلَى

بین پیروان پیامبرانت - بدان‌ها دست یافته‌اند. خدایا؛ کسانی که سهمی برای بازگشت به محبت خودت برای ایشان قرار نداده‌ای

مَحَبَّتِكَ، وَمَنْ نَصَبَ لَهُ الْعَدَاوَةَ، وَازِمٌ بِحَجْرِكَ الدَّامِعِ مَنْ أَرَادَ

را به دست آن حضرت، خوار و ذلیل گردان؛ و نیز، کسانی را که بنای دشمنی با او دارند، خوار کن. و بیفکن سنگ عذاب نابودکننده‌ات را

التَّالِبِ عَلَى دِينِكَ بِإِذْلَالِهِ، وَتَشْتِيتِ أَمْرِهِ، وَاغْضَبْ لِمَنْ لَا

به طرف تمام کسانی که قصد دارند با شوراندن مردم علیه دین تو، او را به خواری و بیچارگی بکشانند و آموزش را پراکنده کنند. (خدایا) غضب

تِرَةً لَهُ وَلَا طَائِلَةَ، وَعَادَى الْأَقْرَبِينَ وَالْأَبْعَدِينَ فَيْكَ مَنَّا مِنْكَ

نما برای شخصی که طلب‌کننده خونی برای او نباشد و قوت توانگری برای او نباشد و دشمنی می‌کند با نزدیکان و دوران در راه تو. این کارها را به

عَلَيْهِ، لَا مَنَّا مِنْهُ عَلَيْكَ. اَللّٰهُمَّ فَكَمَا نَصَبَ نَفْسَهُ غَرَضًا فَيْكَ

عنوان منتهی از تو بر او می‌دانیم، نه این که او بر تو منتهی داشته باشد. بار الها! همان گونه که جان خویش را به خاطر تو در تیررس

لِلْأَبْعَدِينَ، وَجَادَ بِبَدْلِ مُهْجَتِهِ لَكَ فِي الذَّبِّ عَنْ حَرِيمِ الْمُؤْمِنِينَ،

مخالفتان قرار داد، و سعی نیکو نموده است به بدل خون خود از برای دفاع نمودن از حریم مؤمنان؛

وَرَدَّ شَرَّ بُغَاةِ الْمُرْتَدِّينَ الْمُرِيْبِينَ حَتَّىٰ أَخْفَىٰ مَا كَانَ جُهِرَ بِهِ مِنْ

و در ردّ شرّ و بدی ستم‌کاران، بی‌دین‌شدگان و شک‌کنندگان؛ تا جایی که گناهایی که آشکار شده بود پنهان کرد

الْمَعَاصِي، وَأَبْدَا مَا كَانَ نَبَذَهُ الْعُلَمَاءُ وَرَأَىٰ ظُهُورِهِمْ مِمَّا أَخَذَتْ

و چیزهایی را آشکار کرد که دانشمندان دینی پیمان داده بودند آن چیزها را

مِيثَاقَهُمْ عَلَىٰ أَنْ يُبَيِّنُوهُ لِلنَّاسِ وَلَا يَكْتُمُوهُ، وَدَعَا إِلَىٰ إِفْرَادِكَ

برای مردم تبیین و روشن کنند و کتمان نکنند؛ ولی آن امور را به فراموشی سپرده بودند؛ و مردم را تنها

بِالطَّاعَةِ، وَالْأَلَّا يَجْعَلَ لَكَ شَرِيكًا مِنْ خَلْقِكَ يَعْزُومُ أَمْرَهُ عَلَىٰ

به فرمان‌برداری از تو فرا خواند، و اینکه کسی از مخلوقات را برای تو شریک قرار ندهد و دستورش را

أَمْرِكَ، مَعَ مَا يَتَجَرَّعُهُ فَيْكَ مِنْ مَرَازَاتِ الْغَيْظِ الْجَارِحَةِ

برتر از دستور تو قرار ندهد. افزون بر آن چه گفته شد، تلخی سختی‌ها و رنج‌های خشمی را که

بِحَوَاسِّ [بِمَوَاسِي خ] الْقُلُوبِ، وَمَا يَعْتَوِرُهُ مِنَ الْغُومِ، وَيَفْزَعُ

قلب را مجروح می‌کند، در راه تو جرعه جرعه می‌نوشد؛ غم‌هایی را که پیوسته به او می‌رسد، تحمل می‌کند؛

عَلَيْهِ مِنْ أَحْدَاثِ الْخُطُوبِ، وَيَشْرِقُ بِهِ مِنَ الْغُصَصِ الَّتِي

امور دردناکی که تازه به او می‌رسد که هر لحظه تازه‌تر می‌شود؛ غصه‌هایی که در

لَا تَبْتَلِعُهَا الْحُلُوقُ وَلَا تَحْنُو عَلَيْهَا الضُّلُوعُ عِنْدَ نَظَرِهِ إِلَىٰ أَمْرِ

گلی مانده و از حلقوم فرو نمی‌رود، و پهلوهای انسان توان تحملش را ندارد؛ تحمل می‌کند. این‌ها در هنگامی است که به دستوری

مِنْ أَمْرِكَ، وَلَا تَنَالُهُ يَدُهُ بِتَغْيِيرِهِ وَرَدَّهُ إِلَىٰ مَحَبَّتِكَ. فَاشْدُدْ

از دستورات و کارهای تو می‌نگرد، ولی دستش کوتاه است و نمی‌تواند آن دستور دگرگون شده را تغییر دهد و آن گونه که تو دوست داری قرارش

اللّٰهُمَّ أَرْزُهُ بِنَصْرِكَ، وَأَطِلْ بَاعَهُ فِيمَا قَصَرَ عَنْهُ مِنْ إِطْرَادِ

دهد. خدایا! با یاریت پشتش را محکم گردان، و توانائی‌اش بده در مورد آنچه نتوانسته انجام دهد از دور کردن

بیت

بخش دوم



الرَّاتِعِينَ فِي حِمَاكَ، وَزِدَّهُ فِي قُوَّتِهِ بَسْطَةً مِنْ تَأْيِيدِكَ،

خوشگذران‌ها در راه حرام و معصیت تو؛ و نیروی او را از جهت باز شدن دستش با تأیید خودت افزایش بده؛

وَلَا تُوحِشْنَا مِنْ أُنْسِهِ، وَلَا تَخْتَرِمُهُ دُونَ أَمَلِهِ مِنَ الصَّلَاحِ

ما را از انس گرفتن با او مگریزان (به وحشت مینداز)؛ آرزویش را - که درستی و اصلاح

الْفَاشِي فِي أَهْلِ مِلَّتِهِ، وَالْعَدْلِ الظَّاهِرِ فِي أُمَّتِهِ. اَللّٰهُمَّ وَشَرَّفْ

فراگیر امور مردمش و عدالت آشکار در بین‌شان است - بر باد مده و ناامیدش مساز. خدایا! هنگام

بِمَا اسْتَقْبَلَ بِهِ مِنَ الْقِيَامِ بِأَمْرِكَ لَدَى مَوْقِفِ الْحِسَابِ مَقَامَهُ،

حساب و کتاب بندگانت، جایگاه او را به خاطر آنچه استقبال کرد از برپا داشتن فرمانت، شرافت‌مند گردان؛

وَسِرِّ نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُؤُوسِهِ، وَمَنْ تَبِعَهُ عَلَى

پیامبرت حضرت محمد را - که درود تو بر او و آل او باد - با دیدن آن بزرگوار و کسانی که دعوتش را پذیرفته و از او پیروی

دَعْوَتِهِ، وَأَجْزِلْ لَهُ عَلَى مَا وَأَيْتَهُ قَائِمًا بِهِ مِنْ أَمْرِكَ ثَوَابَهُ،

کردند؛ شادمان گردان. و به خاطر این که به دستور تو قیام کرده و دستورات را اجرا می‌کند، ثوابش را بر آنچه وعده کرده‌ای افزون

وَابْنِ قُرْبٍ دُنُوهُ مِنْكَ فِي حَيَاتِهِ، وَارْحَمْ اسْتِكَانَتَنَا مِنْ بَعْدِهِ،

و شایسته گردان؛ در زمان زندگانش نیز او را به مقام قرب خود نزدیک بگردان، و به بیچارگی و بدبختی ما پس از او رحم کن؛

وَاسْتِخْذَاءَنَا لِمَنْ كُنَّا نَقْمَعُهُ بِهِ إِذَا فَقَدْتَنَا وَجْهَهُ، وَبَسَطْتَ أَيْدِي

(خدایا!) به ما رحم کن آن گاه که پس از کم کردن روی مبارک او، مجبور به فروتنی در برابر کسانی شویم که با او نابودشان

مَنْ كُنَّا نَبْسُطُ أَيْدِيَنَا عَلَيْهِ لِنُرْدَهُ عَنِ مَعْصِيَتِهِ، وَافْتِرَاقَنَا بَعْدَ

می‌کردیم؛ و کسانی که ما برایشان مسلط شده بودیم تا آنها را از نافرمانی آن حضرت باز داریم، بر ما مسلط شوند؛

الْأَلْفَةِ وَالْإِجْتِمَاعِ تَحْتَ ظِلِّ كَنَفِهِ، وَتَلَهُّفُنَا عِنْدَ الْفُوتِ عَلَى مَا

رحم کن بر ما که پس از هماهنگی و دوستی و گرد آمدن در زیر سایه حمایت او، دوباره پراکنده شویم؛ رحم کن حسرت خوردن

أَقْعَدْتَنَا عَنْهُ مِنْ نُصْرَتِهِ، وَطَلَبْنَا مِنَ الْقِيَامِ بِحَقِّ مَا لَا سَبِيلَ لَنَا

ما را - هنگام از دست دادن - بر آنچه ما را بازداشتی از یاری او و طلب برپائی حق آنچه برای ما راهی

إِلَى رَجْعَتِهِ. وَاجْعَلْهُ اللَّهُمَّ فِي أَمْنٍ مِمَّا يُشْفَقُ عَلَيْهِ مِنْهُ، وَرُدِّ

به سوی بازگشت آن نیست. خدایا! او را در امان بدار از چیزهایی که برایش می‌ترسیم؛

عَنْهُ مِنْ سِهَامِ الْمَكَائِدِ مَا يُوجِّهُهُ أَهْلُ الشَّنَانِ إِلَيْهِ وَإِلَى

و از او دور گردان تیرهای نیرنگی را که کینه‌توزان و بدخواهانش پرتاب می‌کنند به سوی او

شُرَكَائِهِ فِي أَمْرِهِ، وَمُعَاوِنِيهِ عَلَى طَاعَةِ رَبِّهِ، الَّذِينَ جَعَلْتَهُمْ

(و همراهان و کمک رسانان او در راه فرمان‌برداری از پروردگارش)؛ همان مددکارانی که آنان را

سِلَاحَهُ وَحِصْنَهُ وَمَفْرَعَهُ وَأُنْسَهُ، الَّذِينَ سَلَّوْا عَنِ الْأَهْلِ

اسلحه، دژ، پناهگاه و مونس آن حضرت قرار داده‌ای؛ همان عزیزان و یاورانی که از خانواده و فرزندان‌شان دست کشیده،

وَالْأَوْلَادِ، وَجَفَّوْا الْوَطْنَ، وَعَطَّلُوا الْوَثِيرَ مِنَ الْمِهَادِ، وَرَفَضُوا

و وطن را ترک کردند، و از بستر و خواب آرام گذشتند، و

تِجَارَاتِهِمْ، وَأَضْرَبُوا بِمَعَايِشِهِمْ، وَفَقِدُوا فِي أُنْدِيَّتِهِمْ بَغِيرَ غَيْبَةٍ

تجارت‌ها و بازرگانی خود را رها کردند، و به کسب و کار خویش ضرر و زیان وارد کردند؛ و بدون پنهان شدن

عَنْ مِصْرِهِمْ، وَخَالَلُوا الْبَعِيدَ مِمَّنْ عَاضَدَهُمْ عَلَى أَمْرِهِمْ، وَقَلَّوْا

از شهرشان در مجالس و محافل عمومی و مهم‌شان پیدایشان نشد؛ و با افراد دوردستی که نسبتی نداشتند، به خاطر کمک و یاری

الْقَرِيبَ مِمَّنْ صَدَّ عَنْ وَجْهِتِهِمْ، فَاتَّكَلَفُوا بَعْدَ التَّدَابُرِ وَالتَّقَاطُعِ

آنها در کارشان، رابطه دوستی برقرار کردند؛ و نزدیکانی را که سد راه‌شان می‌شدند، کنار گذاشتند، و پس از آن همه اختلاف و دشمنی و

فِي دَهْرِهِمْ، وَقَطَعُوا الْأَسْبَابَ الْمُتَّصِلَةَ بِعَاجِلِ حُطَامِ الدُّنْيَا.

قطع رابطه در روزگارشان، گروهی تشکیل دادند؛ و همه وسیله‌هایی را که آنها را به خار و خاشاک زودگذر دنیا می‌رسانید از بیخ و

فَجَعَلَهُمُ اللَّهُمَّ فِي أَمْنٍ حِرْزِكَ وَظِلِّ كَنْفِكَ، وَرُدَّ عَنْهُمْ بَأْسَ مَنْ

بن برکنندند. بارالها! بدین ترتیب، ایشان را در امان نگهدار، و سایه حمایت خودت قرار بده؛

قَصَدَ إِلَيْهِمْ بِالْعَدَاوَةِ مِنْ عِبَادِكَ، وَأَجْزَلُ لَهُمْ عَلَى دَعْوَتِهِمْ مِنْ

و بدی و شر هر یک از بندگانت را که قصد دشمنی با آنان را دارد، از ایشان برگردان؛ و به خاطر دعوتشان به سوی تو،

كِفَايَتِكَ وَمَعُونَتِكَ، وَأَمِدَّهُمْ بِتَأْيِيدِكَ وَنَصْرِكَ، وَأَزْهِقْ بِحَقِّهِمْ

سرپرستی و امداد خویش را برای آنها زیاد کن؛ و با توفیق و یاری و پیروزی، حمایت‌شان کن؛ و به وسیله حق و حقیقت آنها

بَاطِلَ مَنْ أَرَادَ إِطْفَاءَ نُورِكَ. اللَّهُمَّ وَأَمْلَأْ بِهِمْ كُلَّ أَفْقٍ مِنْ

باطل را از کسانی که قصد خاموش کردن نور تو را دارند، نابود گردان، بارالها! به وسیله ایشان، تمام افق‌های هستی،

تفسیر

بخش دوم



۱۶۸

الْآفَاقِ، وَقَطْرٍ مِنَ الْأَقْطَارِ قِسْطًا وَعَدْلًا وَمَرْحَمَةً وَقَضْلًا،

و تمام گوشه‌ها و اقطار جهان را، پر از داد و عدل و رحم و مهربانی و احسان گردان،

وَأَشْكُرُهُمْ عَلَى حَسَبِ كَرَمِكَ وَجُودِكَ وَمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ

و به ایشان (یاران آن حضرت) پاداش بده بر حسب کرامت و سخاوت‌مندی و ممت‌هایی که نسبت به بندگان

الْقَائِمِينَ بِالْقِسْطِ مِنْ عِبَادِكَ، وَادَّخَرْتَ لَهُمْ مِنْ ثَوَابِكَ مَا يَرْفَعُ

عدالت‌مندی داری، و ثواب‌هایی که برای‌شان ذخیره کرده‌ای، و درجه‌ای ایشان را به آن بالا می‌بری،

لَهُمْ بِهِنَّ الدَّرَجَاتِ، إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ . ۱

به راستی که تو هر چه را بخواهی انجام می‌دهی، و آنچه را اراده کنی، حکم می‌فرمایی.

در کتاب «البلد الامین» این عبارات نیز وجود دارد:

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى خَيْرَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَطْهَارِ . اللَّهُمَّ

و خداوند، درود پیوسته‌اش را بر برگزیده مخلوقاتش یعنی حضرت محمد و خاندان پاکش نثار کند. بارالها!

إِنِّي أَجِدُ هَذِهِ النُّدْبَةَ امْتَحَتْ دَلَالَتَهَا، وَدَرَسَتْ أَعْلَامُهَا، وَعَفَتْ

این گونه فکر می‌کنم که این ندبه و زاری دلالتش محو شده، و نشانه‌های آشکارش کهنه شده، و تنها

إِلَّا ذِكْرُهَا، وَتِلَاوَةُ الْحُجَّةِ بِهَا . اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُ بَيْنِي وَبَيْنَكَ

یادش و قرائت‌کردن استدلال به آن مانده. خدایا! من، بین خودم و تو،

مُشْتَبِهَاتٍ تَقْطَعُنِي دُونَكَ، وَمُضْطَبَّاتٍ تَقْعُدُ بِي عَنْ إِجَابَتِكَ،

اشتباهاتی می‌بینم که مرا از تو جدا می‌سازند؛ و موانعی که مرا از اجابت تو باز می‌دارند،

وَقَدْ عَلِمْتُ أَنِّي عَبْدُكَ وَلَا يُرْحَلُ إِلَيْكَ إِلَّا بِزَادٍ وَأَنَّكَ لَا تَحْجُبُ

و به خوبی می‌دانم که من بنده‌ات هستم، و نیز معلوم است که تنها با زاد و توشه می‌توان به سوی تو کوچ کرد؛ تو،

عَنْ خَلْقِكَ إِلَّا أَنْ يَحْجِبَهُمُ الْأَعْمَالُ دُونَكَ، وَقَدْ عَلِمْتُ أَنَّ زَادَ

از مخلوقات فاصله نداری، و این کارهای بندگان است که ایشان را از تو محجوب و محروم می‌سازد. خدایا! به خوبی می‌دانم که توشه

الرَّاحِلِ إِلَيْكَ عَزْمٌ إِرَادَةٌ يَخْتَارُكَ بِهَا، وَيَصِيرُ بِهَا إِلَى مَا يُؤَدِّي

کوچ‌کننده به سوی تو، همان اراده و تصمیم قطعی است که تو را به آن برمی‌گزیند. تا به سویت بیاید.



إِيَّاكَ. اللَّهُمَّ وَقَدْ نَادَاكَ بِعَزْمِ الْإِرَادَةِ قَلْبِي فَاسْتَبْقِنِي نِعْمَتِكَ

و بدین وسیله برای رسیدن به سوی تو حرکت می‌کند. بارالها! قلب من، با تصمیم قطعی خود تو را ندا می‌دهد؛ پس، نعمت را

بِفَهْمِ حُجَّتِكَ لِسَانِي وَمَا تَيَسَّرَ لِي مِنْ إِرَادَتِكَ. اللَّهُمَّ فَلَا

برایم به سبب فهمیدن حجتت پایدار کن، و هر چه ممکن است با اراده خودت برایم فراهم کن. بارالها!

أُخْتَزَلَنَّ عَنْكَ وَأَنَا أُمَّكَ، وَلَا أُحْتَلَجَنَّ عَنْكَ وَأَنَا أَتَحْرَاكَ. اللَّهُمَّ

من تو را قصد کردم؛ پس، مرا از خود جدا مساز؛ و من در جستجوی تو هستم، پس مگذار از تو بریده شوم. خدایا!

وَأَيِّدْنَا بِمَا نَسْتَخْرِجُ بِهِ فُاقَةَ الدُّنْيَا مِنْ قُلُوبِنَا، وَتَنْعَشُنَا مِنْ

به طوری ما را موفق گردان که فقر و نیاز دنیوی را از قلبمان بیرون کنیم، و ما را بلند کن از

مَصَارِعِ هَوَانِهَا، وَتَهْدِمُ بِهِ عَنَا مَا شِيدَ مِنْ بُسْيَانِهَا، وَتَسْقِينَا

محل‌های سقوط پست و بی‌ارزش دنیایی؛ و پایه‌های محکم علاقه به دنیا در درون ما را ویران ساز؛ و

بِكَأْسِ السَّلْوَةِ عَنْهَا حَتَّى تُخَلِّصَنَا لِعِبَادَتِكَ، وَتُورِثَنَا مِيرَاثَ

به ما جامی از جدایی و رهایی از آن بنوشان تا برای بندگیات ما را خالص گردانی، و میراث جاودانه

أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ ضَرَبْتَ لَهُمُ الْمَنَازِلَ إِلَى قَصْدِكَ، وَأَنْتَ

دوستان خودت را نصیب‌مان کن، همان دوستانی که جایگاه‌هایی برای رسیدن به خودت برای‌شان درست کردی،

وَخَشَتَهُمْ حَتَّى وَصَلُوا إِلَيْكَ. اللَّهُمَّ وَإِنْ كَانَ هَوَى مِنْ هَوَى

و وحشت‌شان را تبدیل به انس و آرامش نمودی تا در نهایت به وصال تو رسیدند. خدایا! اگر از خواهش‌ها یا

الدُّنْيَا أَوْ فِتْنَةٍ مِنْ فِتْنِهَا عَلِقَ بِقُلُوبِنَا حَتَّى قَطَعْنَا عَنْكَ أَوْ حَبَبْنَا

فتنه‌ها و فریبندگی‌های دنیایی، باز هم چیزی به دل‌مان چسبیده بود تا ما را از تو جدا سازد یا از

عَنْ رِضْوَانِكَ، وَقَعَدَ بِنَا عَنْ إِجَابَتِكَ، فَاقْطَعْ اللَّهُمَّ كُلَّ حَبَلٍ مِنْ

رضوان و خشنودیت محروم سازد، و از دست‌یابی به اجابت تو بازمان دارد؛ (خدایا!) هر رشته علاقه دنیایی را که بخواهد

حِبَالِهَا جَذَبْنَا عَنْ طَاعَتِكَ، وَأَعْرَضَ بِقُلُوبِنَا عَنْ أَدَاءِ فَرَائِضِكَ،

ما را از فرمان‌برداری تو برگیرد و جذب دنیا کند، یا قلب‌های ما را از انجام واجبات تو باز داشته و روگردان کند؛ از بیخ و بن برکن.

وَاسْقِنَا عَنْ ذَلِكَ سَلْوَةً وَصَبْرًا يُورِدُنَا عَلَى عَفْوِكَ، وَيُقَدِّمُنَا

و جام رهایی و استقامت در برابر آن را به ما بنوشان که ما را به عفو و بخشش تو برساند، و ما را وا دارد

بِحُجَّتِكَ

بِحُجَّتِكَ



عَلَى مَرْضَاتِكَ، إِنَّكَ وَلِيٌّ ذَلِكَ. اللَّهُمَّ وَاجْعَلْنَا قَائِمِينَ عَلَى

تا به رضوان و خشنودیت دست یابیم؛ به راستی که اختیار این کارها در دست باکفایت توست. بار الهاء! ما را چنان کن که

أَنْفُسِنَا بِأَحْكَامِكَ حَتَّى تُسْقِطَ عَلَيْنَا مَوْزُونَ الْمَعَاصِي، وَاقْمَعَ

خود را و اذار به انجام دستورات و احکامت کنیم تا رنج و سنگینی گناهان را نیز از ما بیندازد؛ و

الْأَهْوَاءَ أَنْ تَكُونَ مُسَاوِرَةً، وَهَبْ لَنَا وَطْءَ أَثَارِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

هوس‌های مان را از این که همواره به ما حمله‌ور باشند، سرکوب کن؛ و پیمودن راه و روش حضرت محمد و آل او را

صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، وَاللُّحُوقَ بِهِمْ حَتَّى يَرْفَعَ الدِّينُ

که درودت بر او و ایشان باد - و ملحق‌شدن به آن بزرگواران را بر ما ارزانی بدار، تا در نهایت، دین،

أَعْلَامَهُ ابْتِغَاءَ الْيَوْمِ الَّذِي عِنْدَكَ. اللَّهُمَّ فَمَنْ عَلَيْنَا بِوَطْءِ أَثَارِ

پرچم‌هایش را برافرازد؛ به امید روزی که نزد تو باشد. بار الهاء! این منت را بر ما بگذار که آثار و آنچه بجای مانده از

سَلَفِنَا، وَاجْعَلْنَا خَيْرَ فَرَطٍ لِمَنْ أَتَمَّ بِنَا، فَإِنَّكَ عَلَى ذَلِكَ قَدِيرٌ

گذشتگان (و پیشوایان) مان را بپیماییم؛ و ما را بهترین پیشگامان برای کسانی قرار ده که می‌خواهند دنباله‌رومان باشند. به راستی که تو هم توان

وَذَلِكَ عَلَيْكَ يَسِيرٌ، وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى

این کار را داری، و هم انجام آن برایت آسان است؛ و تو، مهربان‌ترین مهربانان هستی؛ و خداوند، درود

مُحَمَّدٍ سَيِّدِنَا وَآلِهِ الْأَبْرَارِ وَسَلَّمَ. ۱

و سلام پیوسته‌اش را بر محمد - سرور ما - و خاندان نیک رفتارش، نثار کند.



دعای قنوت حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه

این قنوت را سید بن طاووس رحمته الله در «مهج الدعوات» و مرحوم کفعمی در «البلد

الأمین» از حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه نقل نموده‌اند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَكْرِمِ أَوْلِيَاءَكَ بِإِنْجَازِ

بار الهاء! بر محمد و آل محمد درود فرست؛ و اولیا و دوستانت را با عمل به وعدهات

وَعْدِكَ، وَيَبْلَغُهُمْ دَرَكَ مَا يَأْمُلُونَهُ مِنْ نَصْرِكَ، وَكَفَّفَ عَنْهُمْ

گرامی بدار، و آنان را به دستیابی آنچه آرزو دارند از یاری تو برسان، و باز بدار از ایشان

بَأْسٍ مَنْ نَصَبَ الْخِلَافَ عَلَيْكَ، وَتَمَرَّدَ بِمَنْعِكَ عَلَى رُكُوبِ

سختی و شکنجه و عذاب کسی را که بنای مخالفت با تو را دارد، و از منع تو نسبت به ارتکاب گناه و مخالفت سرپیچی نموده

مُخَالَفَتِكَ، وَاسْتَعَانَ بِرِفْدِكَ عَلَى فُلِّ حَدِّكَ، وَقَصَدَ لِكَيْدِكَ

و به کمک و عطای تو یاری جسته بر شکستن حرمتت؛ و به وسیله خوبی‌ها و نعمت‌هایی که از توست، قصد فریب‌دادن

بِأَيْدِكَ، وَوَسِعَتْهُ حِلْمًا لِتَأْخُذَهُ عَلَى جَهْرَةٍ، وَتَسْتَأْصِلَهُ عَلَى

تو را دارد. البته تو نسبت به این مخالف خود بردباری کرده‌ای تا ناگهان و آشکارا او را گرفتار کنی، و با وجود قدرتی که یافته -

عِزَّةً. فَإِنَّكَ اللَّهُمَّ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ ﴿ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ

او را به سختی مستأصل و بیچاره کنی. خداوندا؛ تو در قرآن فرموده‌ای و گفته‌ی تو حقیقت دارد: «تا آن که زمین

زُخْرُفَهَا وَازَيَّنَّتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا

آراسته و دارای زر و برق شد، و اهلیش گمان کردند که قدرت و توانایی بر آن را دارند؛ - در این حال - دستور ما،

لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا كَأَنْ لَمْ تَغْنَبِ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ

شبانه یا به هنگام روز در رسید، و آن‌ها را درو شده ساختیم؛ به گونه‌ای که گویا دیروز هیچ نداشته است؛ این گونه

نُفِصِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ ﴿ ۱ 〉، وَقُلْتَ ﴿ فَلَمَّا اسْفُونا انْتَقَمْنَا

نشانه‌ها را برای کسانی که اهل تفکر و اندیشه باشند، به تفصیل بیان می‌کنیم. و نیز فرموده‌ای: «وقتی ما را به خشم آورده و ناراحت کردند،

مِنْهُمْ ﴿ ۲ 〉، وَإِنَّ الْغَايَةَ عِنْدَنَا قَدْ تَنَاهَتْ، وَإِنَّا لِعَضْبِكَ غَاضِبُونَ،

از ایشان انتقام گرفتیم. (خدا یا!) واقعتاً آن است که ما به آخر خط رسیده‌ایم و تحمل نداریم، ما با خشم تو به خشم می‌آییم،

وَإِنَّا عَلَى نَصْرِ الْحَقِّ مُتَعَصِبُونَ، وَإِلَى وُرُودِ أَمْرِكَ مُشْتَاقُونَ،

و برای یاری حق و حقیقت به هم پیوسته‌ایم، و مشتاق رسیدن دستورت هستیم،

وَلِإِنِّجَارِ وَعْدِكَ مُرْتَقِبُونَ، وَلِحُلُولِ وَعِيدِكَ بِأَعْدَائِكَ مُتَوَقِّعُونَ.

و انتظار محقق‌شدن وعدهات را می‌کشیم، و انجام تهدیدهایت علیه دشمنانت را متوقع هستیم.

اللَّهُمَّ فَأَذِنُ بِذَلِكَ، وَافْتَحَ طُرُقَاتِهِ، وَسَهَّلَ خُرُوجَهُ، وَوَطَّأَ

بارالها؛ اجازه این کار را صادر کن، و راه‌های آن را بگشا، و قیام او را آسان گردان، و

مختصر

بخش دوم



مَسَالِكُهُ، وَأَشْرِعَ شَرَائِعَهُ، وَأَيَّدَ جُنُودَهُ وَأَعْوَانَهُ، وَبَادِرَ بِأُسْكَ

محل پیمودنش را آماده و هموار ساز، و راه‌های او را آشکار ساز، و سپاهیان و یارانش را نیرومند و قوی گردان، و ستم‌کاران

الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ، وَأَبْسَطُ سَيْفَ نَقِمَتِكَ عَلَى أَعْدَائِكَ الْمُعَانِدِينَ،

را به سرعت گرفتار شکنجه و عذابت کن، و شمشیر انتقامت را بر دشمنانت که آگاهانه مخالفت و سرپیچی می‌کنند مسلط ساز،

وَخُذْ بِالثَّارِ، إِنَّكَ جَوَادٌ مَكَارٌ. ۱

و انتقام را بگیر، که تو بخشنده چاره‌جویی هستی.



دعای دوّم حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه

در قنوت

این قنوت را سید بن طاووس رحمته الله در «مهج الدعوات» و مرحوم کفعمی در «البلد
الأمین» از امام زمان ارواحنا فداه نقل نموده‌اند:

[قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ، وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ

(بگو:) خدایا! مالک و اختیاردار جهانی؛ فرمان‌فرمایی را به هر کسی که خواهی می‌دهی؛ و از هر که خواهی می‌گیری؛

مِمَّنْ تَشَاءُ، وَتُعِزُّ مَنْ تَشَاءُ، وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ، بِيَدِكَ الْخَيْرُ، إِنَّكَ

هر کسی را که خواهی عزیز می‌گردانی؛ و هر که را خواهی خوار می‌کنی؛ خیر و خوبی تنها در دست توست؛ به راستی که تو

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، يَا مَاجِدُ يَا جَوَادُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ،

بر هر چیز توانایی. ای شکوه‌مند؛ ای سخاوت‌مند؛ ای دارنده قدر و عظمت و بخشش و بزرگواری؛

يَا بَطَّاشُ يَا ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ، يَا فَعَّالًا لِمَا يُرِيدُ، يَا ذَا الْقُوَّةِ

ای بسیار سخت‌گیر؛ ای صاحب سخت‌گیری شدید، ای انجام‌دهنده هر چه می‌خواهد؛ ای صاحب نیروی

الْمَتِينِ، يَا رَوْوْفُ يَا رَحِيمٌ، يَا لَطِيفُ يَا حَيُّ حِينَ لَا حَيٌّ.

قوی و محکم؛ ای رؤوف؛ ای مهربان؛ ای لطف‌کننده؛ ای زنده، در زمانی که هیچ زنده‌ای نبود؛

أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْمَخْرُوجِ الْمَكْنُونِ الْحَيِّ الْقَيُّومِ، الَّذِي اسْتَأْثَرْتَ

از تو می‌خواهم به واسطه اسمت که ذخیره‌شده، پنهان، زنده و پایدار است؛ که

بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ لَمْ يَطَّلِعْ عَلَيْهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَسْأَلُكَ

در دانش پنهان خود، مخفی‌ش کرده‌ای و هیچ‌کس از آفریدگانت بدان آگاهی ندارد؛ و از تو درخواست می‌کنم

بِاسْمِكَ الَّذِي تُصَوِّرُ بِهِ خَلْقَكَ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ تَشَاءُ، وَبِهِ

به واسطه آن اسمت که آفریدگانت را با آن در رحم مادران، هر گونه بخواهی صورت می‌بخشی؛

تَسْوِقُ إِلَيْهِمْ أَرْزَاقَهُمْ فِي أَطْبَاقِ الظُّلُمَاتِ، مِنْ بَيْنِ الْعُرُوقِ

و روزی ایشان را در طبقه‌های تاریک، از بین رگها و

وَالْعِظَامِ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي أَلْفَتْ بِهِ بَيْنَ قُلُوبِ أَوْلِيَائِكَ،

استخوان‌ها به ایشان می‌رسانی؛ و از تو درخواست می‌کنم به واسطه آن اسمت که با آن بین دل‌های دوستانت پیوند و الفت برقرار

وَأَلْفَتْ بَيْنَ الثَّلْجِ وَالنَّارِ، لَا هَذَا يُذِيبُ هَذَا، وَلَا هَذَا يُطْفِئُ

کردی؛ و برف و آتش را باهم گرد آوردی، به گونه‌ای که نه آتش برف را آب کند، و نه برف آتش را خاموش نماید؛

هَذَا. وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي كَوَّنتَ بِهِ طَعْمَ الْمِيَاهِ، وَأَسْأَلُكَ

و از تو درخواست می‌کنم به واسطه آن اسمت که با آن، به آب‌ها طعم بخشیدی، و از تو درخواست می‌کنم

بِاسْمِكَ الَّذِي أَجْرَيْتَ بِهِ الْمَاءَ فِي عُرُوقِ النَّبَاتِ بَيْنَ أَطْبَاقِ

به آن اسمت که با آن آب را در بین لایه‌های زمین در ریشه‌های گیاه جاری ساختی،

الثَّرَى، وَسَقَّتَ الْمَاءَ إِلَى عُرُوقِ الْأَشْجَارِ بَيْنَ الصَّخْرَةِ الصَّمَاءِ،

و از میان سنگ‌های سخت، آب را به سوی ریشه درختان روان نمودی،

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي كَوَّنتَ بِهِ طَعْمَ الثَّمَارِ وَالْوَانِهَاءِ. وَأَسْأَلُكَ

و از تو درخواست می‌کنم به آن اسمت که به وسیله آن طعم و رنگ‌های مختلف را به میوه‌ها دادی؛ و از تو درخواست می‌کنم

بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ تُبَدِّئُ وَتُعِيدُ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْفَرْدِ الْوَاحِدِ،

با آن نامی که با آن، آغاز می‌کنی و باز می‌گردانی؛ و از تو درخواست می‌کنم با آن اسم یکتای یگانه‌ات،

الْمُتَّفَرِّدِ بِالْوَحْدَانِيَّةِ، الْمُتَّوَحِّدِ بِالصَّمَدَانِيَّةِ، وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

اسمی که به یکتایی اشاره دارد، و برای بی‌نیازی، یگانه است؛ و از تو می‌خواهم به واسطه نامی که

حقیقت

بخش دوم



الَّذِي فَجَّرَتْ بِهِ الْمَاءَ مِنَ الصَّخْرَةِ الصَّمَاءِ، وَسُقَّتَهُ مِنْ حَيْثُ

با آن، آب را با نیرو و فشار از تکه‌سنگ‌های سفت و محکم بیرون آوردی، و از هر جایی که خواستی روان ساختی؛

سِئْتِ. وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي خَلَقْتَ بِهِ خَلْقَكَ، وَرَزَقْتَهُمْ كَيْفَ

و از تو می‌خواهم به واسطه اسمی که با آن، آفریدگانت را آفریدی و هر گونه که خواستی و هر گونه

سِئْتِ وَكَيْفَ شَأْوُوا، يَا مَنْ لَا يُغَيِّرُهُ الْأَيَّامُ وَاللَّيَالِي، أَدْعُوكَ بِمَا

که خواستند آنان را روزی دادی؛ ای کسی که روزها و شب‌ها، در او دگرگونی ایجاد نمی‌کنند؛ می‌خوانم تو را با

دَعَاكَ بِهِ نُوحٌ حِينَ نَادَاكَ فَأَنْجَيْتَهُ وَمَنْ مَعَهُ، وَأَهْلَكَتَ قَوْمَهُ،

همان دعایی که نوح هنگامی که تو را ندا داد خواند، پس او را با همراهانش نجات بخشیدی، و قوم (ستمگر)ش را نابود کردی؛

وَأَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ إِبْرَاهِيمُ خَلِيلَكَ حِينَ نَادَاكَ فَأَنْجَيْتَهُ

و تو را می‌خوانم با همان دعایی که ابراهیم - دوستت - هنگامی که تو را ندا داد دعا کرد، پس او را نجات دادی،

وَجَعَلْتَ النَّارَ عَلَيْهِ بَرْدًا وَسَلَامًا، وَأَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ مُوسَى

و آتش را برایش سرد و سلامت گردانیدی، و تو را می‌خوانم با همان دعایی که موسی

كَلِيمِكَ حِينَ نَادَاكَ فَقَلَقْتَ لَهُ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْتَهُ وَبَنِي إِسْرَائِيلَ،

- هم‌سخنت - هنگامی که تو را ندا داد، با آن دعا تو را خواند، پس دریا را برایش شکافتی و او را با بنی‌اسرائیل نجات دادی،

وَأَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَقَوْمَهُ فِي الْيَمِّ. وَأَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ عِيسَى

و فرعون و سپاهش را در آب غرق فرمودی، و تو را می‌خوانم با دعایی که عیسی

رُوحَكَ حِينَ نَادَاكَ فَنَجَّيْتَهُ مِنْ أَعْدَائِهِ وَإِلَيْكَ رَفَعْتَهُ، وَأَدْعُوكَ

- روح تو - هنگامی که تو را ندا داد، با آن دعا تو را خواند، و در نتیجه او را از دست دشمنانش نجات دادی، و به سوی خودت بالا بردی؛ و تو را

بِمَا دَعَاكَ بِهِ حَبِيبِكَ وَصَفِيِّكَ وَنَبِيِّكَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

می‌خوانم با همان دعایی که حضرت محمد همان دوست، برگزیده و پیامبرت - که درود خدا بر او و آل او باد - با آن دعا تو را خواند،

فَأَسْتَجِبْتَ لَهُ، وَمِنَ الْأَحْزَابِ نَجَّيْتَهُ، وَعَلَى أَعْدَائِكَ نَصْرَتَهُ.

پس به او پاسخ مثبت دادی، و از گروه‌های متشکل نجاتش بخشیدی، و بر دشمنانت یاری‌اش نمودی؛

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أَجَبْتَ، يَا مَنْ لَهُ الْخَلْقُ

و از تو می‌خواهم با آن نامت که هر گاه با آن خوانده شوی به طور حتم پاسخ می‌دهی، ای کسی که آفرینش و دستور

وَالْأَمْرُ، يَا مَنْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا، يَا مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ

و حکم فرمایی، از آن اوست؛ ای کسی که دانشش همه چیز را فرا گرفته است؛ ای کسی که تعداد همه چیز را می‌داند؛

عَدَدًا، يَا مَنْ لَا تُغَيِّرُهُ الْأَيَّامُ وَاللَّيَالِي، وَلَا تَتَشَابَهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ،

ای کسی که روزها و شبها در او دگرگونی ایجاد نمی‌کند؛ و صداهای مختلف او را به اشتباه نمی‌اندازد؛

وَلَا تَخْفَى عَلَيْهِ اللُّغَاتُ، وَلَا يُبْرِمُهُ الْإِحَاحُ الْمُلْحِنِينَ. أَسْأَلُكَ أَنْ

و لغت‌ها بر او پنهان نیست؛ اصرار و پافشاری اصرارکنندگان او را به ستوه نمی‌آورد؛ از تو درخواست می‌کنم

تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، فَصَلِّ عَلَيْهِمْ

بر حضرت محمد و آل محمد که برگزیدگان از آفریدگانت هستند درود بفرستی. پس بر آنان

بِأَفْضَلِ صَلَوَاتِكَ، وَصَلِّ عَلَيَّ جَمِيعِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، الَّذِينَ

به برترین درودهایت، درود بفرست. و بر تمام پیامبران و فرستادگان خود که راهنمایی‌های تو را

بَلَّغُوا عَنْكَ الْهُدَى، وَأَعْقِدُوا لَكَ الْمَوَاطِقَ بِالطَّاعَةِ، وَصَلِّ عَلَيَّ

به درستی و به طور کامل به بندگانت رساننده و پیمان‌های محکم برای فرمان‌برداری با تو، بستند؛ درود بفرست، و بر

عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ. يَا مَنْ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي،

تمام بندگان شایسته و نیکوکار درود فرست. ای کسی که خلاف وعده‌اش رفتار نمی‌کند؛ وعده‌ای را که به من دادی، وفا کن؛

وَاجْمَعْ لِي أَصْحَابِي وَصَبْرَهُمْ، وَأَنْصُرْنِي عَلَيَّ أَعْدَائِكَ وَأَعْدَاءِ

و تمام یارانم را برایم گرد آور، و به ایشان صبر و استقامت عطا کن، و مرا بر دشمنان خودت و دشمنان

رَسُولِكَ، وَلَا تُخَيِّبْ دَعْوَتِي، فَإِنِّي عَبْدُكَ، ابْنُ عَبْدِكَ، ابْنُ

پیامبرت - حضرت محمد ﷺ - پیروز فرما؛ و دعایم را بی‌بهره مگردان؛ که من بنده تو و فرزند بنده تو، و فرزند

أَمَتِكَ، أَسِيرٌ بَيْنَ يَدَيْكَ، سَيِّدِي أَنْتَ الَّذِي مَنَنْتَ عَلَيَّ بِهَذَا

کنیز تو هستم، در پیشگاه تو اسیرم. سرور و آقای من؛ تویی که چنین مقام و منزلتی را بر من منت نهاده‌ای

الْمَقَامَ وَتَفَضَّلْتَ بِهِ عَلَيَّ دُونَ كَثِيرٍ مِنْ خَلْقِكَ، أَسْأَلُكَ أَنْ

و مرا به وسیله آن از بسیاری از آفریدگانت برتری داده‌ای، از تو درخواست می‌کنم که

تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُجِزَ لِي مَا وَعَدْتَنِي، إِنَّكَ

بر محمد و آل محمد درود فرستی و به وعده‌ای که به من دادی وفا کنی، که به راستی

محمد صلی الله علیه و آله

بخش دوم



أَنْتَ الصَّادِقُ وَلَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ، وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.^۱

تو راستگو هستی، و خلاف وعدهات رفتار نمی‌کنی؛ و تو بر هر چیزی توانایی داری.



دعای سوّم آن حضرت در قنوت

آیه الله سیّد نصر الله مستنبط رحمته، در حرم حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به دیدار امام زمان ارواحنا فداه شرفیاب شد، در حالی که آن حضرت نماز می‌خواند؛ به آنچه آن حضرت می‌خواندند گوش فرا داد و شنید که آن حضرت در قنوتش این گونه دعا می‌کرد:

اللَّهُمَّ إِنَّ مَعَاوِيَةَ بْنَ أَبِي سُفْيَانَ قَدْ عَادَى عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ،

بارالها؛ به راستی که معاویه پسر ابوسفیان، با علی بن ابی طالب علیه السلام دشمنی سرسختانه‌ای کرد؛

فَالْعَنَهُ لَعْنًا وَبِيلاً.^۲

پس او را به شدت لعنت کن.



دعا در قنوت نماز جمعه

برای ظهور آن بزرگوار عجل الله تعالی فرجه

پسر مقاتل روایت نموده که امام رضا علیه السلام فرمود:

در قنوت نماز جمعه چه می‌گویید و چه دعایی می‌کنید؟

گفتم: همان دعاهایی که مردم می‌خوانند.

۱. مهج الدعوات: ۹۱، البلد الأمين: ۶۶۵.

۲. معجم رجال الفكر والأدب في النجف خلال ألف عام: ۱۱۹۹/۳.



فرمود: آن طور که آن‌ها دعا می‌کنند، دعا مکن؛ بلکه بگو:

اللَّهُمَّ أَصْلِحْ عَبْدَكَ وَخَلِيفَتَكَ بِمَا أَصْلَحْتَ بِهِ أَنْبِيَاءَكَ وَرُسُلَكَ،

بار الها؛ به وسیله آنچه که کار پیامبران و فرستادگانت را اصلاح فرمودی، امور بنده و جانشینت (امام عصر علیه السلام) را نیز اصلاح فرما؛

وَخَفَّهُ بِمَلَائِكَتِكَ، وَأَيِّدَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ مِنْ عِنْدِكَ، وَاسْلُكُهُ مِنْ

و با فرشتگانت گرداگردش را فرا بگیر؛ و او را با روح القدس از جانب خودت، تأییدش گردان؛ و مراقب و نگهبانانی

بَيْنَ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا يَحْفَظُونَهُ مِنْ كُلِّ سَوْءٍ، وَأَبْدِلْهُ مِنْ

در پیش‌رو و از پشت سرش بگمار، تا نگذارند هیچ بدی به او برسد؛ و پس از شرایط

بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا، يَعْبُدُكَ لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا، وَلَا تَجْعَلْ لِأَحَدٍ مِنْ

ترسناکی که دارد، محیطی سراسر آرامش برایش فراهم کن، تا تو را بپرستد و چیزی را شریک تو نگرداند؛ و

خَلْقِكَ عَلَىٰ وَلِيِّكَ سُلْطَانًا، وَأُذِنَ لَهُ فِي جِهَادِ عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِ،

و چیرگی و قدرت برای هیچ یک از آفریدگانت بر ولایت قرار مده؛ و به او اجازه بده تا با دشمن تو و دشمن خودش به نبرد برخیزد؛

وَاجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ، إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. ۱

و مرا نیز از یاران آن حضرت قرار ده؛ همانا، تو بر هر چیزی توانا هستی.

مخبر

بخش دوم



بخش سوم

بخش سوم



ادعیه بعد از نمازها



دعا برای ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداء بعد از هر نماز واجب

در کتاب «جمال الصالحین» از مولای مان امام صادق علیه السلام نقل شده است که حضرت فرمودند:
همانا از حقوق ما بر شیعیان ما این است که بعد از هر نماز واجب دست‌هایشان را بر چانه گذاشته و سه مرتبه بگویند:

يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ عَجَلُ فَرَجِ آلِ مُحَمَّدٍ، يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ إِحْفَظْ غَيْبَةَ

ای پروردگار محمد؛ فرج و گشایش امور آل محمد را تعجیل فرما، ای پروردگار محمد؛ محافظت کن (دین را در) غیبت

مُحَمَّدٍ، يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ أَنْتِقِمُ لِابْنَةِ مُحَمَّدٍ عليها السلام.

محمد، ای پروردگار محمد؛ انتقام دختر محمد علیها السلام را بگیر.



دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداء پس از نمازهای واجب

امام جواد علیه السلام فرمودند:

وقتی از نماز واجب فارغ شدی بگو:



رَضِيْتُ بِاللَّهِ رَبًّا، وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا، وَبِالْقُرْآنِ كِتَابًا، وَبِمُحَمَّدٍ ﷺ

خشنودم که خداوند پروردگار من، اسلام دین من، قرآن کتابم، حضرت محمد ﷺ

نَبِيًّا، وَبِعَلِيِّ وَوَلِيِّيًّا، وَبِالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، وَعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ،

پیامبرم، حضرت علی سرپرست و صاحب اختیارم، حسن و حسین و علی بن حسین

وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، وَعَلِيٍّ

و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر و علی

ابْنِ مُوسَى، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَالْحَسَنِ بْنِ

ابن موسی و محمد بن علی و علی بن محمد و حسن بن

عَلِيٍّ، وَالْحُجَّةِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ أَيْمَةً. اللَّهُمَّ وَلِيَّكَ الْحُجَّةُ

علی و حجت بن الحسن بن علی امامان و پیشوایان من باشند. خداوندا؛ ولی تو حضرت حجت است.

فَاخْفِظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ، وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ،

پس او را از رو به رو و پشت سرش و از طرف راست و چپش،

وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ، وَامْدُدْ لَهُ فِي عُمُرِهِ، وَاجْعَلْهُ الْقَائِمَ

و از بالا و پایین حفظ فرما، و عمرش را طولانی کن، و او را قیام‌کننده

بِأَمْرِكَ، الْمُنْتَصِرَ لِدِينِكَ، وَأَرِهِ مَا يُحِبُّ وَتَقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ فِي نَفْسِهِ

به امرت قرار بده، تا یاری‌گر دینت باشد و آنچه دوست می‌دارد و باعث چشم‌روشنی‌اش می‌شود در مورد خودش

وَفِي ذُرِّيَّتِهِ، وَأَهْلِهِ وَمَالِهِ، وَفِي شَيْعَتِهِ وَفِي عَدُوِّهِ، وَأَرِهِمْ مِنْهُ

و فرزندانش و خانواده‌اش و مالش و پیروان و دشمنانش به او نشان ده؛ و آنچه دشمنانش در

مَا يَخْذَرُونَ، وَأَرِهِ فِيهِمْ مَا يُحِبُّ وَتَقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ، وَأَشْفِ بِهِ

مورد او پرهیز دارند به آنان نشان ده، و آنچه آن حضرت در مورد دشمنانش دوست دارد و چشمش به آن روشن می‌شود به او نشان

صُدُورَنَا وَصُدُورَ قَوْمِ مُؤْمِنِينَ.

ده و سینه‌های ما را و سینه‌های مؤمنان را به وسیله او شفا بخش.

این حدیث، دعا کردن برای فرج مولای مان حضرت حجت ارواحنا فداه را بعد از هر نماز واجب مورد تأکید قرار می‌دهد.^۱

۱. مکیال المکارم: ۳/۲، و مانند آن در «نزّهة الزاهد: ۹۱» وارد شده است.

ببخش سوم





دعا برای تشرّف خدمت حضرت بقیّة الله ارواحنا فداء
که بعد از نمازهای واجب خوانده می شود

روایت شده است:

هر کس بعد از نمازهای واجب این دعا را بخواند و بر آن مواظبت کند، آن قدر عمرش طولانی شود و زندگیش ادامه یابد که از زندگی دلتنگ شود و به سبب این دعا به دیدار حضرت صاحب الأمر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) مشرف گردد.

آن دعا چنین است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، اللَّهُمَّ إِنَّ رَسُولَكَ الصَّادِقَ

خداوندا! بر محمد و آل محمد درود بفرست. خدای من! همانا رسول راستگو

الْمُصَدِّقَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ إِنَّكَ قُلْتَ مَا تَرَدَّدْتُ فِي

و تأیید شده‌ات - که درودهای تو بر او و آل او باد - گفته است: که همانا تو فرموده‌ای: در مورد هیچ کدام

شَيْءٍ أَنَا فَأَعِلُّهُ كَتَرَدَّدِي فِي قَبْضِ رُوحِ عَبْدِي الْمُؤْمِنِ، يَكْرَهُ

از کارهایی که انجام می‌دهم مثل قبض روح بنده مؤمنم دچار تردید نشده‌ام؛ زیرا او

الْمَوْتَ وَأَنَا أَكْرَهُ مَسَاءَتَهُ. اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

مرگ را خوش نمی‌دارد و من ناراحتی او را نمی‌پسندم. خداوندا! پس بر محمد و آل محمد درود بفرست

وَعَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ، وَالنَّصْرَ وَالْعَافِيَةَ، وَلَا تَسْؤُنِي فِي نَفْسِي،

و فرج و گشایش کار ولّیت و پیروزی و عافیتش را تعجیل فرما و موجبات ناراحتی مرا در مورد خودم

وَلَا فِي فُلَانٍ.

و فلانی فراهم مساز.

فرمود: و هر که را که می خواهی به جای «فلانی» نام ببر.^۱

۱. مکارم الأخلاق: ۲/۲۵، و در مصباح المتهدّد: ۵۸ و الصحیفة الصادقیة: ۱۷۸ با اندکی تفاوت.



دعای دیدار امام زمان ارواحنا فداه

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمودند:

هر کس بعد از هر نماز واجب این دعا را بخواند، همانا او حضرت حجت علیه السلام را در بیداری یا خواب می بیند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، أَيُّنَمَا كَانَ وَحَيْثُمَا كَانَ، مِنْ

خداوندا؛ به مولایمان صاحب الزمان هر کجا و هر گونه که باشد در

مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، سَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، عَنِّي وَعَنْ وَالِدَيَّ،

شرق و غرب زمین، بیابان و کوه آن، درود و تحیتی از طرف من

وَعَنْ وُلْدِي وَإِخْوَانِي التَّحِيَّةَ وَالسَّلَامَ عَدَدَ خَلْقِ اللَّهِ، وَزِنَةَ

و والدینم و از سوی فرزندانم و برادرانم به تعداد آفریدگان خدا و سنگینی

عَرْشِ اللَّهِ، وَمَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ، وَأَحَاطَ عِلْمُهُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّ

عرش الهی و آنچه کتابش دربردارد و دانشش به آن احاطه دارد؛ برسان. خداوندا؛ همانا من

لَهُ فِي صَبِيحَةِ هَذَا الْيَوْمِ، وَمَا عِشْتُ فِيهِ مِنْ أَيَّامِ حَيَاتِي، عَهْدًا

در بامداد امروز و دیگر روزهای زندگی، با او عهد

وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَهُ فِي عُنُقِي، لَا أَحُولُ عَنْهَا وَلَا أَزُولُ. اللَّهُمَّ

و پیمان و بیعتی را که از او برگردنم است تجدید می کنم و هرگز از این بیعت دگرگون نمی شوم و کنار هم نمی زنم. خداوندا؛

اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَنُصَّارِهِ الذَّابِّينَ عَنْهُ، وَالْمُمْتَلِينَ لِأَمْرِهِ

مرا از یارانش و جان نثاری که از او دفاع می کنند قرار بده، و از آنان که دستورات

وَتَوَاهِبِهِ فِي أَيَّامِهِ، وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ. اللَّهُمَّ فَإِنْ خَالَ

و نهی هایش را در دوران حکومتش فرمان می برند و نیز از شهادت جوین در رکابش قرار بده. خداوندا؛ اگر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ، الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَيَّ عِبَادِكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا

بین من و او مرگ فاصله انداخت؛ - مرگی که برای بندگانت حتمی و قطعی قرار داده‌ای -

فَأَخْرِجْنِي مِنْ قَبْرِي مُؤْتَزِرًا كَفْنِي، شَاهِرًا سَيْفِي، مُجَرِّدًا قَنَاتِي،

پس مرا از قبرم خارج کن در حالی که کفنم را به کمر بسته، شمشیرم کشیده، نیزه‌ام آماده و بیرون کشیده شده

مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي فِي الْحَاضِرِ وَالْبَادِي. اَللّٰهُمَّ اَرِنِي الطَّلْعَةَ

و دعوت دعوت‌کننده را در شهر باشم یا صحرا، لیبیک گویم. خداوندا! به من طلعت

الرَّشِيدَةَ وَالْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ، وَاكْحُلْ بَصْرِي بِنَظْرَةِ مَنِّي اِلَيْهِ،

راه‌گشا و چهره ستوده شده را نشان بده، و با نگاهی از من به سوی او چشمم را سرمه کن،

وَعَجِّلْ فَرَجَهُ، وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ. اَللّٰهُمَّ اشْدُدْ اَزْرَهُ، وَقَوِّ ظَهْرَهُ،

و فرجش را تعجیل فرما، و خروجش را آسان گردان. خداوندا! پشتش را محکم، و کمرش را قوی و نیرومند گردان

وَطَوِّلْ عُمُرَهُ، وَاَعْمِرِ اللّٰهُمَّ بِهٖ بِلَادَكَ، وَاَخِي بِهٖ عِبَادَكَ، فَاِنَّكَ

و عمرش را طولانی کن و - خداوندا - به وسیله او، سرزمین‌هایت را آباد گردان و به واسطه او بندگانت را زنده گردان؛ زیرا تو

قُلْتَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ ﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ

گفتی در حالی که سخن تو حق است؛ فساد در خشکی و دریا ظاهر شده به واسطه آنچه مردم با

اَيْدِي النَّاسِ﴾^۱، فَاظْهِرِ اللّٰهُمَّ لَنَا وَلِيَّكَ وَاِبْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ،

دست خود انجام دادند. پس خداوندا! ولی خود و فرزند دختر پیامبرت را

الْمُسَمَّى بِاسْمِ رَسُوْلِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ، حَتَّى لَا يَظْفَرَ

- که همنام است با رسولت که دروذهای تو بر او و آل او باد - برای ما ظاهر کن تا بر چیزی

بِشَيْءٍ مِّنَ الْبَاطِلِ اِلَّا مَرَّقَهُ، وَيُحِقَّ اللهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيُحَقِّقَهُ.

از باطل دست نیابد مگر آن که آن را پاره کند، و خدا به کلماتش، حق را ثابت کند و آن را محقق سازد.

اَللّٰهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْغُمَّةَ عَن هَذِهِ الْاُمَّةِ بِظُهُورِهِ، اِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ

خداوندا! این گرفتاری و اندوه را از این امت با ظهورش برطرف ساز که همانا آنان (مخالفان) آن را

بَعِيدًا، وَنَرَاهُ قَرِيْبًا، وَصَلَّى اللهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِهِ^۲.

دور می‌بینند و ما نزدیک می‌بینیم؛ و خدا بر محمد و آل محمد درود بفرستد.



دعای بعد از نماز صبح

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمه الله در کتاب «مصباح الزائر» می نویسد: این دعایی است که هر روز پس از نماز صبح مولایمان امام زمان ارواحنا فداه با آن زیارت می شود:

اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَايَ صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ عَنْ جَمِيعِ

خداوندا؛ برسان به مولایم صاحب الزمان - که درودهای خدا بر او باد - از سوی تمام

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، وَبَرِّهَا

مردان و زنان مؤمن در شرق و غرب زمین و در خشکی

وَبَحْرِهَا، وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، حَيْثُمْ وَمَيَّتِهِمْ، وَعَنْ وَالِدَيَّْ وَوُلْدِي،

و دریا و بیابان و کوه، زنده و مرده آنها، و از سوی پدر و مادر و فرزندانم

وَعَنِّي مِنَ الصَّلَوَاتِ وَالتَّحِيَّاتِ، زِينَةَ عَرْشِ اللَّهِ، وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ،

و خودم درود و تحیتی همسنگ عرش الهی، و گستردگی کلمات او

وَمُنْتَهَى رِضَاهُ، وَعَدَدَ مَا أَحْصَاهُ كِتَابُهُ، وَأَحَاطَ بِهِ عِلْمُهُ. اللَّهُمَّ

و نهایت رضایتش، و آن مقدار که کتابش گردآورده و علمش به آن احاطه دارد. بارالها؛

إِنِّي أَجِدُّ لَهُ فِي هَذَا الْيَوْمِ، وَفِي كُلِّ يَوْمٍ، عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً

در امروز و در هر روز، عهد (زبانی) و پیمان (قلبی) و بیعت (عملی) که نسبت به او

[لَهُ] فِي رَقَبَتِي. اللَّهُمَّ كَمَا شَرَّفْتَنِي بِهَذَا الشَّرِيفِ، وَفَضَّلْتَنِي

بر گردنم است تجدید می کنم. خداوندا؛ همان گونه که مرا به این شرافت سرافراز کردی،

بِهَذِهِ الْفَضِيلَةِ، وَخَصَّصْتَنِي بِهَذِهِ النُّعْمَةِ، فَصَلِّ عَلَيَّ مَوْلَايَ

و به این فضیلت برتری دادی، و به این نعمت مخصوص گرداندی، پس بر مولایم

وَسَيِّدِي صَاحِبِ الزَّمَانِ، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَشْيَاعِهِ،

و آقایم صاحب الزمان درود فرست و مرا از یاوران و پیروان

بخش سوم



وَالذَّائِبِينَ عَنْهُ، وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ، طَائِعًا

و مدافعانش قرار بده، و مرا از شهادت طلبان در پیشگاه و رکاب همایونی او قرار بده که با تمام شوق آرزوی شهادت می‌کنند

غَيْرَ مُكْرَهٍ، فِي الصَّفِّ الَّذِي نَعَتَ أَهْلَهُ فِي كِتَابِكَ، فَقُلْتُ صَفًّا

نه با اجبار؛ در صفی که اهل آن را در قرآنت وصف کرده‌ای و گفتم: صف بسته‌اند،

كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ ۱ عَلَى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ وَآلِهِ

گویی اینان بنیانی هستند در فرمان‌برداری تو و رسالت و آل او

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. اللَّهُمَّ هَذِهِ بَيْعَةٌ لَهُ فِي عُنُقِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ۲.

- که بر ایشان درود باد - خداوندا! این بیعتی است برای او در گردنم تا روز قیامت.



دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه

در تعقیب نماز صبح

شیخ بهایی رحمته الله در تعقیب نماز صبح می‌گوید: در حالی که محاسن خود را در دست راست گرفته‌ای و کف دست چپ را رو به آسمان بالا برده باشی، هفت مرتبه می‌گویی:

يَا رَبِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ

ای پروردگار محمد و آل محمد؛ بر محمد و آل محمد درود فرست، و در

فَرِّجْ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ۳.

فرج محمد و آل محمد شتاب فرما.

۱. سوره صف، آیه ۴.

۲. زاد المعاد: ۴۸۷، مصباح الزائر: ۴۵۴.

بعضی از بزرگان این دعا را در بخش زیارت‌ها ذکر کرده‌اند؛ زیرا این دعا به منزله بیعت با امام زمان صلوات الله علیه است.

۳. مفتاح الفلاح: ۲۰۶، مصباح المتجهّد: ۵۲ (با کمی تفاوت).



دعای دیگر برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه

پس از نماز صبح

در «منهاج العارفين» آمده است: مستحب است نماز گزار بعد از نماز صبح صد مرتبه بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ. ۱

خداوندا! بر محمد و آل محمد درود فرست و در فرجشان تعجیل فرما.



دعای دیگری برای حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه

بعد از نماز صبح

علامه مجلسی رحمته الله در کتاب «مقباس» در تعقیب نماز صبح روایت می کند: پیش از آن که کلامی بر زبان بیاورد صد مرتبه بگوید:

يَا رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ،

ای پروردگار من! بر محمد و آل محمد درود فرست و در فرج و راحتی آل محمد شتاب فرما.

وَأَعْتِقْ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ. ۲

و مرا از آتش رها و آزاد کن.

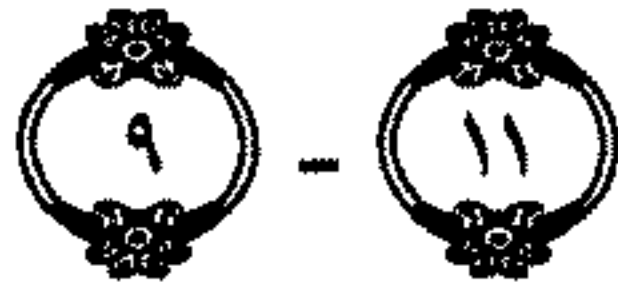
صحیفه حضرت زین العابدین

بخش سوم



۱. منهاج العارفين: ۱۰۸.

۲. مکالم المکارم: ۱۳/۲.



دعاهایی که حضرت بقیة الله ارواحنا فداء برای برطرف شدن مشکلات شدید به مردی آموختند

محدث نوری رحمته الله در «دار السلام» می گوید:

عالم عامل ملافتحعلی سلطان آبادی رحمته الله به من گفت که: فاضل مقدّس پرهیزگار ملا محمد صادق عراقی رحمته الله در نهایت فقر و تنگدستی و در سختی و بلا بود و گرفتاری و بدبختی از هر سو به او رو آورده بود.

روزگاری به همین ترتیب گذشت و گشایش در کارش حاصل نشد و تنگدستی او برطرف نشد تا این که شبی در خواب دید که گویا در بیابانی است و در آن بیابان خیمه بزرگی برپا می باشد و قبه ای بر بالای آن است.

شیخ از صاحب آن خیمه پرسش نمود. به او گفته شد: در این خیمه، پناهگاه محکم و استوار، فریادرس گرفتار بیچاره، حجّت قائم، حضرت مهدی و امام منتظر مرضی - که خداوند تعالی در راحتی و فرجش شتاب کند و خروجش را آسان فرماید - حضور دارند. شیخ به سرعت به سمت خیمه رفت؛ زیرا برطرف شدن گرفتاریش را در آن یافته بود.

وقتی به حضور حضرت رسید، از پریشانی و فشار زمان و سختی حال خانواده اش شکایت کرد و از حضرت دعایی خواست که با آن غم و اندوه از او برداشته شده و گرفتاریش برطرف شود.

حضرت او را به سیدی از فرزنداناش حواله کرد و به خیمه اش اشاره کرد. شیخ از حضور حضرت مرخص شده و به آن خیمه رفت. در آنجا سید سند دانشمند مورد اعتماد، عالم والا مقام و مورد تأیید جناب سید محمد سلطان آبادی را دید که بر سجاده اش نشسته و در حال نیایش است.

بعد از سلام، آنچه حجّت پروردگار حواله کرده بود عرض کرد و سید دعایی که رفع تنگدستی و سختی کند و موجب افزایش روزی باشد به او آموخت.

در این هنگام شیخ از خواب بیدار شد، در حالی که دعا در ذهنش مانده بود. سپس به سوی خانه سید محمد روانه شد با آن که قبل از آن خواب به دلیلی که ذکر نمی‌کرد از سید کناره می‌گرفت و نمی‌خواست او را ببیند.

وقتی به خانه سید رسید و داخل شد سید را دید که بر روی سجاده نمازش - همان گونه که در خواب دیده بود - نشسته و ذکر خدا می‌گوید و استغفار می‌کند.

به سید سلام کرد و او جواب داد در حالی که خنده‌ای بر لب داشت، گویا قضیه را می‌داند و از اسرار پنهانی آگاه است. شیخ آنچه در خواب پرسیده بود از سید پرسید و سید همان دعا را به او آموخت.

شیخ مدت کمی آن دعا را خواند و دنیا از هر طرف به او روی آورد. همیشه استاد مادام‌ظله آن سید را با احترام تعریف می‌نمود، در حالی که او را در اواخر عمرش درک کرده و زمان کوتاهی شاگردی ایشان نموده بود.

آنچه سید علیه السلام در خواب و بیداری به شیخ آموخت، سه چیز است:

۱ - بعد از نماز صبح در حالی که دستش را بر روی سینه گذاشته، هفتاد مرتبه «یا فتاح» بگوید.

کفعمی علیه السلام نیز در کتاب «مصباح» می‌گوید: هر کس به این شکل این ذکر را بگوید خداوند تعالی حجاب را از قلبش برطرف کند.

۲ - آنچه کلینی در کتاب «کافی» آن را روایت کرده است که:

یکی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله چند روزی به خدمت ایشان نرسید و هنگامی که حضور حضرت رسید، رسول خدا صلی الله علیه و آله به او فرمودند:

چه چیزی تو را از دیدار ما در این چند روز باز داشت؟

مرد گفت: بیماری و فقر.

حضرت فرمود: آیا نمی‌خواهی به تو دعایی بیاموزم که خدا فقر و بیماری را به وسیله آن از تو دور کند؟

مرد گفت: البته، ای رسول خدا.

حضرت فرمودند: بگو:

لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ [الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ]، تَوَكَّلْتُ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي

هیچ جنبش و توانایی نیست مگر به سبب خداوند [بلندمرتبه بزرگ]؛ توکل کردم بر (خدای) زنده‌ای که

لَا يَمُوتُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ [صَاحِبَةً وَلَا] وَلَدًا، وَلَمْ يَكُنْ

هرگز نمی‌میرد، و حمد و ستایش مخصوص خدایی است که [همسر و] فرزندی ندارد،

لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الذَّلِّ، وَكِبْرُهُ تَكْبِيرًا.

و در فرمانروایی شریکی برایش نیست، و برای او از روی خواری و ذلت ولی و سرپرستی نیست؛ و به بزرگی از او یاد کن.

راوی گوید: زمان اندکی گذشت که آن مرد صحابی نزد رسول خدا ﷺ بازگشت

و گفت: ای رسول خدا؛ خداوند بیماری و فقر را از من برطرف کرد.

۳- آنچه ابن فهد حلی در کتاب «عده الداعی» از رسول خدا ﷺ روایت کرده است:

هر کس این دعا را هر روز بعد از نماز صبح بخواند، هیچ حاجتی از خدای تعالی

نخواهد مگر آن که به آسانی برآورده شود و خداوند کارهای مهم او را کفایت

نماید:

بِسْمِ اللَّهِ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَفْوَضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ،

به نام خدا و خداوند بر محمد و آل محمد درود فرستد، و کارم را به خدا واگذار می‌کنم؛

إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ، فَوْقَهُ اللَّهُ سَيِّئَاتِ مَا مَكَّرُوا، لَا إِلَهَ إِلَّا

همانا خدا نسبت به بندگان بیناست، پس خدا او را از بدی‌های آنچه مکر و حيله کرده‌اند محفوظ داشت؛ هیچ خدایی جز تو

أَنْتَ، سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ، فَاسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجِّنَاهُ

نیست؛ پاک و منزهی تو، همانا من از گروه ستمگران بودم؛ پس دعای او را اجابت کردیم و او را

مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنْجِي الْمُؤْمِنِينَ، وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ،

از غم و اندوه رهانیدیم و این گونه مؤمنان را نیز نجات می‌بخشیم و خدا ما را کفایت می‌کند و او خوب وکیلی است.

فَانْقَلَبُوا بِنِعْمَةِ مِنَ اللَّهِ، وَفَضْلٍ لَمْ يَمَسْسَهُمْ سُوءٌ، مَا شَاءَ اللَّهُ لَا

پس با نعمتی از سوی خدا و فضل و احسان در حالی که هیچ بدی به آنان راه نرسید دگرگون شدند. آنچه خدا بخواهد

حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ لَا مَا شَاءَ النَّاسُ، مَا شَاءَ اللَّهُ

همان شود و هیچ جنبش و توانایی نیست مگر به سبب خدا؛ هر چه خدا بخواهد همان شود نه آنچه مردم بخواهند؛ هر چه خدا

وَإِنْ كَرِهَ النَّاسُ . حَسْبِيَ الرَّبُّ مِنَ الْمَرْبُوبِينَ ، حَسْبِيَ الْخَالِقُ

بخواهد همان شود؛ هر چند مردم خوش نداشته باشند. پرورش دهنده، مرا از پرورش یافتگان کفایت می‌کند؛

مِنَ الْمَخْلُوقِينَ ، حَسْبِيَ الرَّازِقُ مِنَ الْمَرْزُوقِينَ ، حَسْبِيَ اللَّهُ رَبُّ

آفریننده، مرا از آفریدگان کفایت می‌کند؛ روزی‌دهنده مرا از روزی‌خواران کفایت می‌کند؛ خدایی که پروردگار

الْعَالَمِينَ ، حَسْبِيَ مَنْ هُوَ حَسْبِي ، حَسْبِيَ مَنْ لَمْ يَزَلْ حَسْبِي ،

جهانیان است مرا کفایت می‌کند. کفایت می‌کند مرا آن کسی که برایم کافی است؛ کفایت می‌کند مرا آن که همیشه کفایت می‌کند؛

حَسْبِيَ مَنْ كَانَ مُذْكَرْتُ [لَمْ يَزَلْ] حَسْبِي ، حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا

کفایت می‌کند مرا آنکه از ابتدایی که بودم پیوسته مرا کفایت می‌کند؛ خدایی مرا کفایت می‌کند که جز او خدایی

هُوَ ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ .

نیست؛ تنها بر او توکل کردم و او پروردگار عرش بزرگ است.

مواظبت در مداومت این اوراد شایسته است، زیرا که فهم و درایت و خبر، این اذکار و دعاها را تصدیق کرده است.^۱



دعا برای ظهور آن حضرت

پس از نماز صبح و ظهر در هر روز

امام صادق علیه السلام می‌فرمایند:

هر کس بعد از نماز صبح و ظهر، در روز جمعه و دیگر روزها بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

خداوندا! بر محمد و آل محمد درود فرست و در فرج و راحتی ایشان تعجیل بفرما.

نمی‌میرد تا این که حضرت قائم مهدی (صلوات الله علیه) را درک کند.^۲

۱. دار السلام: ۲۶۶/۲.

۲. مصباح المتجهّد: ۳۶۸، بحار الأنوار: ۷۷/۸۶ و ۳۶۳/۸۹، و در «الصحيفة الصادقية»: ۱۶۹ نقل کرده است که این صلوات را صد مرتبه بگوید.

دعا برای ظهور آن بزرگوار ارواحنا فداه

پس از نماز ظهر در هر روز

در کتاب «فلاح السائل» آمده است: از اذکار مهم در تعقیب نماز ظهر، اقتدا کردن به امام صادق علیه السلام در دعا کردن برای حضرت مهدی صلوات الله علیه است. امامی که رسول خدا حضرت محمد صلی الله علیه و آله در روایات صحیح به امتش بشارت او را داده است و به آنها وعده داده که آن حضرت در آخر الزمان ظهور می کند.

محمد بن رهبان دبیلی روایت کرده است: ابو علی محمد بن حسن بن محمد بن جمهور قمی گفت: پدرم از پدرش محمد بن جمهور و او از احمد بن حسین سکری و او از عباد بن محمد مدائنی نقل کرد که: در مدینه بر امام صادق علیه السلام وارد شدم هنگامی که از نماز ظهر فارغ شده بود، آن حضرت دستها را به سوی آسمان بلند کرده بود و می گفت:

يَا سَامِعَ كُلِّ صَوْتٍ، يَا جَامِعَ (كُلِّ فَوْتٍ)، يَا بَارِيَّ كُلِّ نَفْسٍ بَعْدَ

ای شنونده هر صدا؛ ای گردآورنده (هر نابود)؛ ای آفریننده هر جان و روان بعد از

الْمَوْتِ، يَا بَاعِثُ، يَا وَارِثُ، يَا سَيِّدَ السَّادَةِ، يَا إِلَهَ الْإِلَهَةِ، يَا

مړی؛ ای برانگیزاننده؛ ای وارث؛ ای اقا و سرور آقایان؛ ای معبود معبودها؛ ای

جَبَّارَ الْجَبَابِرَةِ، يَا مَلِكَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ، يَا مَلِكَ

چیره و متسلط بر چیره شوندگان؛ ای پادشاه دنیا و آخرت؛ ای پرورش دهنده پرورش دهندگان، ای پادشاه

الْمُلُوكِ، يَا بَطَّاشُ، يَا ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ، يَا فَعَّالًا لِمَا يُرِيدُ، يَا

پادشاهان؛ ای بسیار سخت گیر؛ ای صاحب سخت گیری شدید؛ ای انجام دهنده هر چه می خواهد؛ ای

مُحْصِي عَدَدِ الْأَنْفَاسِ وَنَقْلِ الْأَقْدَامِ، يَا مَنْ السِّرُّ عِنْدَهُ عَلَانِيَةٌ،

شمارشگر تعداد نفسها و حرکت و جایجایی قدمها؛ ای کسی که پنهان در نزد او آشکار است؛

يَا مُبْدِيُّ، يَا مُعِيدُ. أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ عَلَى خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ،

ای آغازگر آفرینش؛ ای بازگرداننده؛ از تو می خواهم به حق خودت بر بندگان برگزیده ات از میان آفریدگانت،

وَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَى نَفْسِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

و به حقی که برای ایشان بر خودت لازم کردی؛ که بر محمد

وَأَهْلَ بَيْتِهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَأَنْ تَمَنَّيَ عَلَيَّ السَّاعَةَ السَّاعَةَ

و اهل بیتش درود بفرستی که سلام بر او و بر آنان باد، و در همین ساعت، در همین ساعت بر من منت گذاشته

بِفِكَاكِ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَأَنْجِزْ لَوْلِيِّكَ وَابْنِ نَبِيِّكَ الدَّاعِيَ إِلَيْكَ

و مرا از آتش، رها کنی؛ و برای ولی خودت و فرزند پیامبر خودت که دعوت‌کننده به سوی تو

بِإِذْنِكَ، وَأَمِينِكَ فِي خَلْقِكَ، وَعَيْنِكَ فِي عِبَادِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَيَّ

به اجازه تو و امانت‌داریت در میان خلق تو و چشم تو در میان بندگان تو، و حجت تو بر

خَلْقِكَ، عَلَيْهِ صَلَوَاتُكَ وَبَرَكَاتُكَ وَعُدَّةٌ. اللَّهُمَّ أَيِّدُهُ بِنَصْرِكَ،

آفریدگان تو است - که درودها و برکات تو بر او باد - وعدهات را انجام بده. خداوندا؛ با یاری خودت او را تأیید کن،

وَأَنْصُرْ عَبْدَكَ، وَقَوِّ أَصْحَابَهُ وَصَبِّرْهُمْ، وَاجْعَلْ لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ

و بندهات را یاری نما، و اصحابش را قوت بخش و آنان را شکیبایی عنایت کن؛ و برای ایشان از نزد خودت

سُلْطَانًا نَصِيرًا، وَعَجِّلْ فَرَجَهُ، وَأَمْكِنُهُ مِنْ أَعْدَائِكَ وَأَعْدَاءِ

قدرت یاری‌کننده‌ای را قرار ده؛ و در راحتی و فرجش تعجیل کن، و او را بر دشمنانت و دشمنان

رَسُولِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

رسولت مکن و قدرت ببخش، ای مهربان‌ترین مهربانان.

گفتم: فدایت شوم؛ آیا این طور نیست که برای خویش دعا نمودی؟ حضرت فرمود:

برای نور آل محمد ﷺ و پیش‌رو و جلودار و انتقام‌گیرنده از دشمنان آل محمد به امر خدا، دعا کردم.

گفتم: فدایت شوم؛ کی خروج می‌کند؟

حضرت فرمود: هر گاه آن که آفرینش و امور عالم در دست اوست، بخواهد.

گفتم: آیا برای خروج او علامتی هست؟

حضرت فرمود: آری؛ نشانه‌های مختلفی هست. گفتم: مانند چه چیزی؟

حضرت فرمود: خروج علامت و پرچمی از شرق و پرچمی از غرب و فتنه‌ای که

بر اهل «زوراء» سایه می‌افکند، و خروج مردی از فرزندان عمویم زید در یمن، و به

تاراج رفتن پرده بیت الحرام^۱، و خداوند هر چه بخواهد، انجام می دهد.^۲

در کتاب «مکیال المکارم» آمده است: از این دعا چند چیز استفاده می شود:

اول: مستحب است دعا کردن در حق حضرت حجّت صلوات الله علیه و درخواست تعجیل فرج آن حضرت بعد از نماز ظهر.

دوم: مستحب است بالا بردن دست ها هنگام دعا برای حضرت حجّت ارواحنا فداه.

سوم: مستحب است شفیع گرفتن ائمه و درخواست کردن به حق ایشان، قبل از طلب حاجت.

چهارم: مستحب است حمد و ستایش خدای عزوجل در ابتدای دعا.

پنجم: مستحب است مقدم داشتن صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام بر طلب حاجت.

ششم: پاک کردن روان از گناهان به وسیله استغفار و مثل آن؛ تا روان پاک و برای اجابت آماده شود. شاهد این مطلب، طلب مغفرت و رهایی از آتش است که امام علیه السلام درخواست نموده است.

هفتم: منظور از ولی مطلق که بدون اضافه و قید باشد در گفتار ائمه علیهم السلام و دعای ایشان همان مولایمان صاحب الزمان ارواحنا فداه است.

هشتم: مستحب است دعا کردن در حق اصحاب و یاوران حضرت.

نهم: امام صلوات الله علیه در هر حالی شاهد بر اعمال بندگان است، آنها و رفتارشان را می نگرد که جمله «چشم تو در میان بندگان» به آن اشارت و دلالت دارد.

دهم: یکی از القاب حضرت حجّت ارواحنا فداه نور آل محمد علیهم السلام است؛ در روایات نیز شاهد بر آن وجود دارد؛ محقق نوری رحمته الله علیه بعضی از آنها را در کتابش بنام «نجم الثاقب» ذکر کرده است.

یازدهم: آن حضرت ارواحنا فداه بعد از امیر مؤمنان علی علیه السلام، امام حسن و امام حسین علیهم السلام افضل و برتر از دیگر ائمه علیهم السلام می باشد و روایات دیگری نیز آن را تأیید می کند.

۱. بحار الأنوار: ۶۲/۸۶، فلاح السائل: ۱۷۰، المصباح: ۴۸، البلد الأمين: ۲۷.

۲. مکیال المکارم: ۱۱/۲.

دوازدهم: خداوند عزّاسمه حضرت را ذخیره فرموده و آمدنش را به تأخیر انداخته است برای انتقام گرفتن از دشمنان خودش و دشمنان رسولش؛ و روایات در این باره متواتر است.

سیزدهم: زمان ظهورش از امور پنهانی است که مصلحت الهی چنین اقتضا کرده است؛ در این مورد هم روایات متواتر است.

چهاردهم: نشانه‌های گفته‌شده در روایت از علایم حتمی و قطعی نیست؛ به خاطر این جمله که در آخر کلام فرموده است: «و خداوند هر چه بخواهد، انجام می‌دهد».^۱



دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه پس از نماز عصر

سید بن طاووس رحمته الله علیه در کتاب «فلاح السائل» می‌نویسد: از اذکار مهم بعد از نماز عصر اقتدا کردن به مولای مان حضرت موسی بن جعفر رحمته الله علیه در دعا نمودن برای مولای مان حضرت مهدی صلوات الله علیه است.

چنان که یحیی بن فضل نوفلی روایت کرده است که گفت: در بغداد بر ابی الحسن موسی بن جعفر رحمته الله علیه - وقتی از نماز عصر فارغ شده بود - وارد شدم. دیدم دست‌ها را به سوی آسمان بلند کرده و شنیدم که می‌گوید:

أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ، وَأَنْتَ

تو خدایی هستی که معبودی جز تو نیست، اول و آخر و ظاهر و باطن / تویی؛

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، إِلَيْكَ زِيَادَةُ الْأَشْيَاءِ وَنُقْصَانُهَا، وَأَنْتَ اللَّهُ لَا

خدایی هستی که معبودی جز تو نیست؛ افزونی و کاستی چیزها در اختیار توست؛ تو خدایی

إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، خَلَقْتَ الْخَلْقَ بِغَيْرِ مَعُونَةٍ مِنْ غَيْرِكَ، وَلَا حَاجَةَ

هستی که معبودی جز تو نیست؛ آفرینش را بدون کمک دیگران و بدون نیاز به آنان آفریدی؛

إِيَّاهُمْ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، مِنْكَ الْمَشِيَّةُ وَإِلَيْكَ الْبَدْءُ. أَنْتَ

تو خدایی هستی که معبودی جز تو نیست، مشیت از توست و آغاز کردن بستگی به تو دارد. تو

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، قَبْلَ الْقَبْلِ وَخَالِقُ الْقَبْلِ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا

خدایی هستی که معبودی جز تو نیست، قبل از هر قبلی بوده‌ای و تو آفریدگار قبل هستی؛ تو خدایی

أَنْتَ، بَعْدَ الْبَعْدِ وَخَالِقُ الْبَعْدِ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، تَمْحُو مَا

هستی که معبودی جز تو نیست، بعد از هر بعدی هستی و آفریدگار بعد تویی، تو خدایی هستی که معبودی جز تو نیست، هر چه را

تَشَاءُ وَتُثَبِّتُ وَعِنْدَكَ أُمُّ الْكِتَابِ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، غَايَةُ

بخواهی محو یا اثبات می‌کنی و ام کتاب نزد توست، تو خدایی هستی که معبودی جز تو نیست، نهایت

كُلِّ شَيْءٍ وَوَارِثُهُ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، لَا يَعْزُبُ عَنْكَ الدَّقِيقُ

و وارث هر چیزی؛ تو خدایی هستی که معبودی جز تو نیست، هیچ چیز کوچک

وَلَا الْجَلِيلُ، أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، لَا يَخْفَى عَلَيْكَ اللَّغَاتُ،

و بزرگ از نظرت پنهان نمی‌ماند؛ تو خدایی هستی که معبودی جز تو نیست، هیچ لغتی بر تو پوشیده نمی‌ماند

وَلَا تَشَابَهُ عَلَيْكَ الْأَصْوَاتُ. كُلَّ يَوْمٍ أَنْتَ فِي شَأْنٍ، لَا يَشْغَلُكَ

و صداهای مختلف تو را به اشتباه نمی‌اندازد. هر روز تو در شأن و کاری هستی که هیچ

شَأْنٌ عَنْ شَأْنٍ، عَالِمُ الْغَيْبِ وَأَخْفَى، دَيَّانُ الدِّينِ، مُدَبِّرُ الْأُمُورِ،

شانی تو را از شأن دیگر باز نمی‌دارد. دانای غیب و پنهانی‌ها، پاداش دهنده کار، تدبیرگر امور،

بَاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ، مُحْيِي الْعِظَامِ وَهِيَ رَمِيمٌ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

برانگیزاننده افرادی که در قبرهایند، زنده‌کننده استخوان‌ها در حالی که پودر و خاکستر شده‌اند تو هستی؛ از تو

الْمَكْنُونِ الْمَخْرُورِ، الْحَيِّ الْقَيُّومِ، الَّذِي لَا يَخِيبُ مَنْ سَأَلَكَ بِهِ،

می‌خواهم به اسم پنهان ذخیره‌شده‌ات، که زنده و پاینده است، که هر کس تو را به آن نام بخواند ناامید نمی‌شود؛

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ الْمُنتَقِمِ لَكَ مِنْ

که بر محمد و آل محمد درود بفرستی و فرج و گشایش در کار انتقام گیرنده‌ات از

أَعْدَائِكَ، وَأَنْجِزْ لَهُ مَا وَعَدْتَهُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

دشمنانت را تعجیل فرمایی و آنچه به او وعده داده‌ای به جای آوری؛ ای صاحب جلال و کرامت؛

یحیی بن فضل می‌گوید: عرض کردم: برای چه کسی دعا کردید؟ حضرت فرمود:

برای مهدی آل محمد علیهم السلام.

آنگاه فرمودند: پدرم فدای آن که دارای شکم ستبر، ابروهای به هم پیوسته است؛ ساق باریک؛ شانتهای پهن و رنگ گندمگون دارد که به خاطر شبزنده‌داری کمی مایل به رنگ زرد است.

پدرم فدای آن کسی که با رکوع و سجده شب را به صبح می‌رساند؛ پدرم فدای آن کسی که در راه خدا از سرزنش هیچ ملامتگری نمی‌هراسد؛ چراغ فروزنده در تاریکی‌ها است؛ پدرم فدای قیام‌کننده به امر خدا باد.

گفتم: چه وقت خروج می‌کند؟ حضرت فرمود:

هنگامی که دیدی لشکریان به ساحل فرات و صرات و دجله آمده‌اند و پل کوفه ویران شد و بعضی از خانه‌های کوفه سوزانده شد، هنگامی که این نشانه‌ها را مشاهده کردی، بدان که خداوند آنچه بخواهد انجام می‌دهد و کسی نیست که بر امر خدا غلبه کند و یا حکمش را به تأخیر بیندازد.^۱



دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه

بعد از دو رکعت اول نماز شب

شیخ طوسی اعلی الله مقامه می‌گوید: مستحب است در تعقیب این دو رکعت نماز،

این دعا خوانده شود:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَلَمْ يُسْأَلْ مِثْلَكَ، أَنْتَ مَوْضِعُ مَسْأَلَةِ السَّائِلِينَ

خداوندا! همانا من از تو می‌خواهم، در حالی که کسی مانند تو نیست که سؤال شود. تو محل خواسته درخواست‌کنندگان

وَمُنْتَهَى رَغْبَةِ الرَّاعِبِينَ، أَدْعُوكَ وَلَمْ يُدْعَ مِثْلَكَ، وَأَرْغَبُ إِلَيْكَ

و نهایت شوق مشتاقانی؛ تو را صدا می‌زنم در حالی که مثل تو کسی نیست که خوانده شود، و به سوی تو مشتاقم

وَلَمْ يُرْغَبْ إِلَيَّ مِثْلِكَ، أَنْتَ مُجِيبُ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ وَأَرْحَمُ

در حالی که کسی چون تو نیست که به او میل شود؛ تو اجابت‌گر دعای بیچارگانی و مهربان‌ترین

۱. فلاح السائل: ۱۹۹، و در المصباح: ۵۱ و البلد الأمين: ۲۵ با تفاوتی.

الرَّاحِمِينَ. أَسْأَلُكَ بِأَفْضَلِ الْمَسَائِلِ وَأَنْجَحِهَا وَأَعْظَمِهَا، يَا اللَّهُ

مهربانانی. از تو می‌خواهم به برترین خواسته‌ها و کامیاب‌ترین و بزرگ‌ترین خواسته‌ها. ای خدا!

يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمٌ وَيَا سَمَائِكَ الْحُسْنَى، وَأَمْثَالِكَ الْعُلْيَا، وَنِعْمِكَ

ای بخشنده، ای مهربان! و به نام‌های نیکویت و مثل‌های بلندمرتبهات و نعمت‌هایت

الَّتِي لَا تُحْصَى. وَيَا كَرَمَ أَسْمَائِكَ عَلَيْكَ، وَأَحَبِّهَا إِلَيْكَ، وَأَقْرَبِهَا

که به شمارش نیاید، و به گرامی‌ترین نام‌هایت، و محبوب‌ترین آن‌ها نزد تو و نزدیک‌ترین آن‌ها از

مِنْكَ وَسِيلَةً، وَأَشْرَفِهَا عِنْدَكَ مَنزَلَةً، وَأَجْزَلِهَا لَدَيْكَ ثَوَابًا،

نظر وسیله بودن به سوی تو، و باشرافت‌ترین آن‌ها نزد تو از نظر قدر و منزلت، و فراوان‌ترین آن‌ها از نظر پاداش،

وَأَسْرَعِهَا فِي الْأُمُورِ إِجَابَةً، وَيَا سَمِيكَ الْمَكْنُونِ الْأَكْبَرِ الْأَعَزِّ الْأَجَلِّ

و سریع‌ترین آن‌ها در امور از نظر اجابت، و به نام پنهان بزرگ‌تر، عزیزتر، بزرگوارتر،

الْأَعْظَمِ الْأَكْرَمِ، الَّذِي تُحِبُّهُ وَتَهْوَاهُ، وَتَرْضَى بِهِ عَمَّنْ دَعَاكَ،

عظیم‌تر و گرامی‌ترت که آن را دوست می‌داری و می‌خواهی و به واسطه آن از کسی که با آن نام، تو را بخواند راضی و خشنود

فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ، وَحَقُّ عَلَيْكَ أَنْ لَا تَحْرِمَ سَائِلَكَ وَلَا تَرُدَّهُ.

می‌شوی و دعایش را اجابت می‌کنی، و بر تو سزاوار است که خواننده خود را محروم نساخته و او را رد نکنی.

وَبِكُلِّ اسْمٍ هُوَ لَكَ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْقُرْآنِ

و به هر اسمی که برای توست در تورات، انجیل، زبور و قرآن

الْعَظِيمِ، وَبِكُلِّ اسْمٍ دَعَاكَ بِهِ حَمَلَةٌ عَرْشِكَ وَمَلَائِكَتُكَ، وَأَنْبِيَاؤُكَ

عظیم! و به هر اسمی که حاملان عرش و فرشتگان و پیامبران

وَرُسُلُكَ، وَأَهْلُ طَاعَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

و فرستادگانت و مخلوقات فرمانبرداری تو را به آن اسم می‌خوانند؛ که بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ، وَتُعَجِّلَ خِزْيَ أَعْدَائِهِ.

محمد درود فرستی و در فرج و گشایش کار ولی و فرزند ولی خود تعجیل کنی و در خواری و ذلت دشمنانش شتاب نمایی.

در این جا هر چه دوست داری دعا کن.^۱

در کتاب «مکیال المکارم» آمده است: در کتاب «جمال الصالحین» اضافه‌ای برای

این دعا یافتم که چنین است: **وَتَجْعَلُنَا مِنْ أَصْحَابِهِ وَأَنْصَارِهِ، وَتَرْزُقَنَا**

و ما را از اصحاب و یارانش قرار بدهی و به

بِهِ رَجَاءَنَا، وَتَسْتَجِيبَ بِهِ دُعَاءَنَا.^۱

واسطه او امید ما را برآورده و ارزانی داری، و دعای ما را اجابت کنی.

مرحوم کفعمی گوید: مستحب است که این دعا بعد از هر دو رکعت از نمازهای شب خوانده شود.^۲



دعا برای ظهور آن حضرت عجل الله تعالی فرجه

بعد از رکعت چهارم نماز شب

بعد از رکعت چهارم نماز شب، دو سجده شکر می گذاری و در آن دو سجده صد مرتبه می گویی: «مَا شَاءَ اللَّهُ، مَا شَاءَ اللَّهُ»؛ سپس این دعا را می خوانی:

يَا رَبِّ، أَنْتَ اللَّهُ، مَا شِئْتَ مِنْ أَمْرٍ يَكُونُ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

ای پروردگار من؛ تو خداوندی، هر چه از امور بخوای انجام می شود؛ پس بر محمد

وَأَلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ لِي فِيهَا تَشَاءُ أَنْ تُعَجِّلَ فَرَجَ أَلِ مُحَمَّدٍ،

و آل محمد درود فرست، و برایم در آنچه می خواهی این را قرار بده که فرج آل محمد را تعجیل فرمایی

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، وَتَجْعَلَ فَرَجِي وَفَرَجَ إِخْوَانِي مَقْرُونًا

که خدا بر آن حضرت و آنان درود فرستد - و گشایش کار مرا و گشایش کار برادرانم را همراه با

بِفَرَجِهِمْ، وَتَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا. و برای هر چه دوست داری دعا کن.^۳

فرج آل محمد قرار دهی و برای من (چنین و چنان) کنی.

در بخش چهارم دعایی را که بعد از نماز صبح در روز جمعه خوانده می شود و نیز دعای دیگری را که بعد از نماز جمعه خوانده می شود نقل می کنیم.

۲. المصباح: ۷۵.

۱. مکيال المكارم: ۱۴/۲.

۳. مصباح المتعجد: ۱۴۵.

بخش چهارم

بخش چهارم



دعای ایام هفته



دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالى فرجه در روزهای پنجشنبه

سید بن طاووس رحمه الله می نویسد: از جمله وظایف روز پنجشنبه آن است که مستحب است انسان هزار بار بر پیغمبر صلوات الله علیه صلوات بفرستد، و مستحب است که بگوید:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَّ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ ۱.

خداوندا! بر محمد و آل محمد درود بفرست و فرج ایشان را تعجیل فرما.



صلوات برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه از عصر روز پنجشنبه تا پایان روز جمعه

شیخ طوسی رحمه الله می نویسد: مستحب است بعد از نماز عصر روز پنجشنبه تا آخر روز جمعه بسیار صلوات فرستادن بر پیامبر صلوات الله علیه به این گونه:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ، وَأَهْلِكَ

خداوندا! بر محمد و آل محمد درود فرست و فرج ایشان را تعجیل فرما و

عَدُوَّهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ.

دشمنان آنان را از جن و انس از اولین و آخرین هلاک گردان.

و اگر آن را صد مرتبه بگوید فضیلت بسیاری دارد.^۱

کفعمی ﷺ نیز می گوید: مستحب است که انسان در روز پنجشنبه هزار مرتبه سوره

«قدر» را بخواند و هزار مرتبه بر پیغمبر ﷺ و آل او صلوات بفرستد؛ بعد دعایی که

ذکر کردیم بخواند.^۲



دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه

در شب جمعه

شیخ ابو جعفر طوسی ﷺ در کتاب «مختصر المصباح» وقتی وظایف شب جمعه را

نقل می کند می فرماید:

صد مرتبه یا هر اندازه که می توانی این گونه بر پیغمبر ﷺ صلوات می فرستی:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ، وَأَهْلِكَ

خداوندا! بر محمد و آل محمد درود فرست و فرج ایشان را تعجیل فرما و

عَدُوَّهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ.^۳

دشمنان آنان را از جن و انس از اولین و آخرین هلاک گردان.

پیغمبر

بخش چهارم



۱. مصباح المتجهّد: ۲۶۵، و ص ۲۵۷ با کمی تفاوت.

۲. المصباح: ۱۷۷.

۳. مکیال المکارم: ۳۱/۲.

حکایت دعای علوی مصری

سید جلیل القدر رضی الدین علی بن طاووس رحمه الله در «مهج الدعوات» می گوید:
دعای علوی مصری را در کتابی قدیمی - که نویسنده اش خود را حسین بن علی بن هند معرفی کرده و گفته آن را در شوال سال سیصد و نود و شش نوشته ام - یافتم، نویسنده سند دعایش را این گونه بیان کرده است:

دعایی است که مولایمان امام منتظر صلوات الله علیه به مردی از شیعیان خود که گرفتار ظلم و ستم بود در خواب آموخته است و خداوند برای او گشایشی ایجاد کرد و دشمنش را کشت ...

سید اجل فرموده است: دعای معروف به دعای علوی مصری برای هر کار سخت و بزرگ خوانده می شود.

سید بن طاووس رحمه الله به دو طریق این دعا را نقل می کند و می فرماید: ابوالحسن علی بن حماد بصری گفت: ابو عبدالله حسین بن محمد علوی به من خبر داد که: محمد بن علی علوی حسینی مصری برایم گفت: غم و اندوه شدید و پیش آمد ناگواری از طرف یکی از ملوک دیارم به من رسید به طوری که تمام فکرم را به خود مشغول کرده بود و بسیار هراسناک بودم و هرگز امیدی برای رهائی خویش نداشتم.

به زیارتگاه سرورانم و پدرانم رحمهم الله در عراق رفتم، و پناهنده به ایشان و قبورشان گشتم، و از بلای بزرگ کسی که از او می ترسیدم به آن جا پناه آوردم و پانزده روز در حالی که شب و روز دعا و گریه و ناله می کردم در آن جا اقامت کردم که قائم زمان و ولی رحمان علیه و علی آبانه افضل التحیة والسلام در بین خواب و بیداری نزد آمد و خود را به من نشان داد و فرمود: ای فرزندم؛ آیا از فلانی می ترسی؟

گفتم: آری، به من چنین و چنان قصدی نموده است و من به سروران و موالیانم رحمهم الله روی آورده و به ایشان شکایت می کنم تا مرا از شر او خلاص کنند.

حضرت فرمود: چرا خدا را که پروردگار تو و پروردگار پدرانت می باشد با دعاهایی که اجدادم پیامبران صلوات الله علیهم هنگام شدت و گرفتاری می خواندند و رفع

گرفتاری از آن‌ها می‌شد نمی‌خوانی و دعا نمی‌کنی؟

گفتم: آن‌ها چگونه دعا می‌کردند تا من هم دعا کنم؟

حضرت فرمودند: چون شب جمعه شد برخیز و غسل کن و نمازت را بخوان و چون از سجده شکر فارغ شدی در حالی که بر سر دو زانویت نشسته‌ای، این دعا را با تضرع و ناله بخوان.

محمد بن علی گفت: آن حضرت، پنج شب پیاپی نزد من آمد و این دعا را برایم تکرار کرد تا آن که حفظ کردم و آمدنش را در شب جمعه قطع کرد؛ پس برخاستم و غسل کردم و لباسم را عوض کرده و خود را خوشبو نمودم و آن چه از نماز شب بر من لازم بود بجا آوردم و بر زانوهایم نشسته و خدا را با این دعا خواندم.

شب شنبه نیز به صورت شب‌های گذشته آن حضرت نزد من آمد و به من فرمود: ای محمد؛ دعایت مستجاب شد و دشمنت کشته شد، و چون از دعا فارغ شدی خداوند عزوجل او را هلاک کرد.

محمد بن علی گفت: چون صبح شد هیچ اندوهی نداشتم مگر غم و دای سرورانم علیهم‌السلام و بازگشتن به سوی منزلی که از آن گریخته بودم. وقتی مقداری از راه را طی کردم فرستاده فرزندانم را دیدم و نامه‌های آنان به دستم رسید که نوشته بودند: مردی که از او گریختی در مجلسی که برقرار کرده بود گروهی را جمع کرد و بعد از آن که همه خوردند و نوشیدند و پراکنده شدند، او با غلامان خود آن جا خوابیدند.

صبح که شد هیچ حس و حرکتی از او شنیده نشد؛ پرده از صورتش کنار زدند و دیدند که از پشت سر ذبح شده است و خونس روان است و این حادثه در شب جمعه اتفاق افتاده است و نمی‌دانند چه کسی آن کار را کرده است؟ فرزندانم از من خواسته بودند هرچه سریع‌تر به خانه برگردم.

وقتی به خانه رسیدم درباره زمان این حادثه پرسیدم و دانستم درست هنگام فراغ من از دعا بوده است.^۱



دعای علوی مصری از امام زمان ارواحنا فداه
که در گرفتاری های شدید خوانده می شود

رَبِّ مَنْ ذَا الَّذِي دَعَاكَ فَلَمْ تُجِبْهُ، وَمَنْ ذَا الَّذِي سَأَلَكَ فَلَمْ تُعْطِهِ،

پروردگارا! چه کسی است که تو را خوانده و تو او را جواب ندادی؟ و چه کسی است که از تو درخواست کرد و به او عطا نکردی؟

وَمَنْ ذَا الَّذِي نَاجَاكَ فَخَيَّبْتَهُ، أَوْ تَقَرَّبَ إِلَيْكَ فَأَبْعَدْتَهُ. وَرَبِّ

و چه کسی است که با تو مناجات کرده و او را ناامید ساختی یا به تو نزدیک شده پس او را دور گردانیدی؟ ای پروردگار من!

هَذَا فِرْعَوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ، مَعَ عِنَادِهِ وَكُفْرِهِ وَعُتُوِّهِ وَإِذْعَانِهِ

این فرعون، صاحب قوتهاست که با وجود انحرافش از حق و کفرش و سرکشی اش و ادعای

الرُّبُوبِيَّةِ لِنَفْسِهِ، وَعِلْمِكَ بِأَنَّهُ لَا يَتُوبُ، وَلَا يَرْجِعُ وَلَا يَتُوبُ،

ربوبیت برای خودش و با آگاهی تو به این که توبه نمی کند و باز نمی گردد و نمی آید

وَلَا يُؤْمِنُ وَلَا يَخْشَعُ، اسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ، وَأَعْطَيْتَهُ سُؤْلَهُ، كَرَمًا

و ایمان نمی آورد و خشوع نمی کند، دعایش را اجابت کردی و خواسته اش را عطا نمودی، به جهت بزرگواری

مِنْكَ وَجُودًا، وَقِلَّةَ مِقْدَارٍ لِمَا سَأَلَكَ عِنْدَكَ، مَعَ عِظَمِهِ عِنْدَهُ،

و بخششی که داشتی و کم مقدار بودن آنچه خواسته بود در نزد تو، با وجود بزرگیش در نزد او

أَخْذًا بِحُجَّتِكَ عَلَيْهِ، وَتَأْكِدًا لَهَا حِينَ فَجَرَ وَكَفَرَ، وَاسْتِطَالَ

تا حجتت را بر او تمام ساخته و تأکید کرده باشی وقتی که تباهی و فساد کرد و کفر ورزید و

عَلَى قَوْمِهِ وَتَجَبَّرَ، وَبِكُفْرِهِ عَلَيْهِمْ افْتَخَرَ، وَبِظُلْمِهِ لِنَفْسِهِ تَكَبَّرَ،

بر قومش زورگویی کرد و سرکشی نمود و به کفر خود برای شان فخر کرد و به ظلمش بر نفس خود، تکبر ورزید

وَبِحِلْمِكَ عَنْهُ اسْتَكْبَرَ، فَكَتَبَ وَحَكَمَ عَلَى نَفْسِهِ جُرْأَةً مِنْهُ، أَنْ

و به سبب بردباری تو درباره اش سرپیچی و گردنکشی نمود، پس مقرر کرد و بر خود با جرات حکم کرد که همانا

جَزَاءً مِثْلَهُ أَنْ يُغْرَقَ فِي الْبَحْرِ، فَجَزَيْتَهُ بِمَا حَكَمَ بِهِ عَلَى نَفْسِهِ.

کیفر مثل او (در کفر و تکبر) این است که در دریا غرق شود؛ پس او را کیفر دادی به آنچه خود بر خودش حکم کرد.

إِلَهِي وَأَنَا عَبْدُكَ، ابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أُمَّتِكَ، مُعْتَرِفٌ لَكَ بِالْعُبُودِيَّةِ،

خدای من! و من بنده تو هستم؛ فرزند بنده و فرزند کنیز تو؛ به بندگی تو اعتراف می‌کنم؛

مُقَرَّرٌ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ خَالِقِي، لَا إِلَهَ لِي غَيْرُكَ، وَلَا رَبَّ لِي سِوَاكَ،

اقرار دارم به این که تو خدای آفریننده من هستی؛ هیچ معبودی برایم جز تو نیست؛ و هیچ پروردگاری برایم غیر از تو نیست؛

مُوقِنٌ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ رَبِّي، وَإِلَيْكَ مَرَدِّي وَإِيَابِي، عَالِمٌ بِأَنَّكَ

یقین دارم که همانا تو خداوندی و پروردگار من هستی و بازگشت و رجوعم به سوی توست؛ می‌دانم که

عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ، لَا مُعَقَّبَ

بر هر چیزی توانایی و هر چه بخواهی انجام می‌دهی و هر چه اراده کنی حکم می‌نمایی؛ به تأخیر اندازنده‌ای نیست

لِحُكْمِكَ، وَلَا زَادَ لِقَضَائِكَ، وَأَنَّكَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ

حکم تو را، و ردکننده‌ای نیست فرمان تو را؛ و می‌دانم همانا تو اول و آخر و ظاهر

وَالْبَاطِنُ، لَمْ تَكُنْ مِنْ شَيْءٍ، وَلَمْ تَبِنْ عَنْ شَيْءٍ، كُنْتَ قَبْلَ كُلِّ

و باطن هستی؛ از چیزی به وجود نیامدی و از چیزی ساخته نشدی؛ پیش از هر چیزی بودی

شَيْءٍ، وَأَنْتَ الْكَائِنُ بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ، وَالْمُكَوَّنُ لِكُلِّ شَيْءٍ، خَلَقْتَ

و تو بعد از هر چیز خواهی بود؛ و ایجادکننده هر چیزی هستی؛

كُلَّ شَيْءٍ بِتَقْدِيرٍ، وَأَنْتَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ. وَأَشْهَدُ أَنَّكَ كَذَلِكَ

هر چیزی را به اندازه و مقدار آفریدی و تو شنوای بینایی. و گواهی می‌دهم که تو این گونه

كُنْتَ وَتَكُونُ، وَأَنْتَ حَيٌّ قَيُّومٌ، لَا تَأْخُذُكَ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ،

بودی و خواهی بود؛ و تو زنده پاینده‌ای؛ چرت و خواب تو را فرا نمی‌گیرد؛

وَلَا تُوصَفُ بِالْأَوْهَامِ، وَلَا تُدْرَكُ بِالْحَوَاسِّ، وَلَا تُقَاسُ بِالْمِقْيَاسِ،

و با خیالات و توهم‌ها وصف نمی‌گردد؛ و با حواس درک نمی‌شوی؛ و با مقیاسی قیاس نمی‌شوی؛

وَلَا تُشَبَّهُ بِالنَّاسِ، وَأَنَّ الْخَلْقَ كُلَّهُمْ عِبِيدُكَ وَإِمَاؤُكَ، أَنْتَ الرَّبُّ

و به مردم تشبیه نمی‌گردد؛ و این که تمام آفریدگان، بندگان و کنیزان تو هستند؛ تو پروردگاری

وَنَحْنُ الْمَرْبُوبُونَ، وَأَنْتَ الْخَالِقُ وَنَحْنُ الْمَخْلُوقُونَ، وَأَنْتَ

و ما پرورش یافتگان تو، و تو آفریننده‌ای و ما آفریده شده؛ و تو

الرَّازِقُ وَنَحْنُ الْمَرْزُوقُونَ. فَلَكَ الْحَمْدُ يَا إِلَهِي، إِذْ خَلَقْتَنِي

روزی دهنده‌ای و ما روزی خوار. پس حمد و ستایش تو راست ای خدای من؛ چون مرا

بَشْرًا سَوِيًّا، وَجَعَلْتَنِي غَنِيًّا مَكْفِيًّا، بَعْدَ مَا كُنْتُ طِفْلاً صَبِيًّا،

بشری درست و بی‌عیب آفریدی و مرا بی‌نیاز و کفایت‌شده قرار دادی بعد از آن که کودکی کوچک بودم،

تَقْوَتَنِي مِنَ الثَّدْيِ لَبَنًا مَرِيًّا، وَغَذَّيْتَنِي غَدَاءً طَيِّبًا هَنِيًّا،

شیر گوارا را از پستان مادر خوراک من قرار دادی و با غذای پاک لذیذ گوارا مرا تغذیه کردی

وَجَعَلْتَنِي ذَكَرًا مِثْلًا سَوِيًّا. فَلَكَ الْحَمْدُ حَمْدًا إِنْ عُدَّ لَمْ يُحْصَ،

و مرا مردی به شکلی متناسب و هماهنگ قرار دادی. پس حمد مخصوص توست؛ حمدی که اگر شمرده شود به شمارش نیاید

وَإِنْ وُضِعَ لَمْ يَتَّسِعْ لَهُ شَيْءٌ، حَمْدًا يَفُوقُ عَلَى جَمِيعِ حَمْدِ

و اگر (در محلی) گذاشته شود چیزی گنجایش آن را ندارد؛ ستایشی که بالاتر از تمام ستایش‌های

الْحَامِدِينَ، وَيَعْلُو عَلَى حَمْدِ كُلِّ شَيْءٍ، وَيَفْخُمُ وَيَعْظُمُ عَلَى

ستایشگران باشد و بر ستایش هر چیزی برتری یابد و بر تمام آن‌ها بلندمرتبه‌گی و بزرگی کند؛

ذَلِكَ كُلِّهِ، وَكَلَّمَا حَمِدَ اللَّهُ شَيْءًا. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ كَمَا يُحِبُّ اللَّهُ أَنْ

و هر گاه چیزی خدا را ستایش کند. و حمد و ستایش خدا راست آن طور که خدا دوست می‌دارد که

يُحَمِّدَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَدَدَ مَا خَلَقَ، وَزِنَةَ مَا خَلَقَ، وَزِنَةَ أَجَلٍ مَا

حمد شود، و حمد و ستایش مخصوص خداست به تعداد مخلوقات او و هم وزن آنچه آفرید و هم وزن بزرگ‌ترین چیزی که

خَلَقَ، وَبِوزْنِ أَخْفِ مَا خَلَقَ، وَبِعَدَدِ أَصْغَرِ مَا خَلَقَ. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

خلق کرد و به وزن سبک‌ترین چیزی که آفرید و به تعداد کوچک‌ترین مخلوقاتش. و حمد و ستایش خدا راست

حَتَّى يَرْضَى رَبُّنَا وَبَعْدَ الرِّضَا، وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

به قدری که پروردگارمان راضی شود و پس از رضایت و خشنودیش؛ و از خدا می‌خواهم که بر محمد

وَأَلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ يَغْفِرَ لِي ذَنْبِي، وَأَنْ يَحْمَدَ لِي أَمْرِي، وَيَتُوبَ

و آل محمد درود فرستد و گناهم را ببخشد و کارم را سپاس گزارد، و توبه‌ام را بپذیرد؛

عَلَيَّ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ. إِلَهِي وَإِنِّي أَنَا أَدْعُوكَ وَأَسْأَلُكَ

همانا او توبه‌پذیر مهربان است. خدای من؛ همانا من تو را می‌خوانم و از تو می‌خواهم

بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ صَفْوَتُكَ أَبُوْنَا اَدَمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَهُوَ

- به آن نامت که (بنده) برگزیده‌ات پدرمان آدم - که بر او درود باد - تو را به آن نام خواند و در حالی که

مُسِيءٌ ظَالِمٌ حِينَ اَصَابَ الْخَطِيئَةَ، فَغَفَرْتَ لَهُ خَطِيئَتَهُ، وَتُبَّتْ

گناه‌کار و ستم‌کننده بر نفس شد وقتی که خطا از او سرزد پس خطایش را بخشیدی و توبه‌اش را پذیرفتی

عَلَيْهِ، وَاسْتَجَبْتَ لَهُ دَعْوَتَهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، اَنْ

و دعایش را اجابت نمودی و به او نزدیک بودی، ای نزدیک - که

تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ، وَاَنْ تَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي وَتَرْضَى

بر محمد و آل محمد درود فرستی و خطایم را ببخشی و از من راضی و خشنود شوی؛

عَنِّي، فَاِنْ لَمْ تَرْضَ عَنِّي فَاعْفُ عَنِّي، فَاِنِّي مُسِيءٌ ظَالِمٌ خَاطِئٌ

و اگر از من راضی نمی‌شوی، پس مرا مورد عفو خود قرار دهی که همانا من گناه‌کار ظالم، خطاکار

عَاصٍ، وَقَدْ يَعْفُو السَّيِّدُ عَنْ عَبْدِهِ، وَلَيْسَ بِرَاضٍ عَنَّهُ، وَاَنْ

سرکش هستم؛ و آقا بنده‌اش را عفو می‌کند در حالی که از او راضی نیست؛ و (می‌خواهم) که

تَرْضَى عَنِّي خَلْقَكَ، وَتُمِيطَ عَنِّي حَقَّكَ. اِلٰهِي وَاَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

آفریدگانت را از من راضی گردانی و حقت را از من برداری. خدای من؛ و از تو می‌خواهم به آن نامت

الَّذِي دَعَاكَ بِهِ اِدْرِيسُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَجَعَلْتَهُ صِدِّيقًا نَبِيًّا،

که به وسیله آن، ادریس - که بر او درود باد - تو را خواند؛ پس او را تصدیق‌کننده و پیامبر قرار دادی،

وَرَفَعْتَهُ مَكَانًا عَلِيًّا، وَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا

و در مرتبه بلندی بالا بردی؛ و دعایش را اجابت نمودی و تو به او نزدیک بودی، ای

قَرِيبُ، اَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ، وَاَنْ تَجْعَلَ مَآبِي اِلَى

نزدیک؛ (می‌خواهم) که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و محل بازگشتم را به سوی

جَنَّتِكَ، وَمَحَلِّي فِي رَحْمَتِكَ، وَتُسَكِّنَنِي فِيهَا بِعَفْوِكَ، وَتُرَوِّجَنِي

بهشت خویش قرار دهی، و جایگاهم را در رحمت خود قرار داده و در آن مرا با گذشت خویش ساکن گردانی، و

مِنْ حُورِهَا، بِقُدْرَتِكَ يَا قَدِيرٌ. اِلٰهِي وَاَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي

از حوریه‌اش برآیم تزویج کنی، با توانایی‌ات ای خدای توانا. خدای من؛ و از تو می‌خواهم به واسطه آن نامت که

دَعَاكَ بِه نُوْحٌ، اِذْ نَادَى رَبَّهُ ﴿اَنْى مَغْلُوْبٌ فَاَنْتَصِرُ * فَفَتْحْنَا

نوح به آن نام تو را خواند؛ آن هنگام که پروردگارش را ندا داد؛ «من شکست خورده‌ام پس یاری برسان * در این هنگام

اَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مِنْهُمْ * وَفَجَّرْنَا الْاَرْضَ عُيُوْنًا فَالْتَقَى

درهای آسمان را با آبی فراوان و ریزان گشودیم * و زمین را شکافتیم و چشمه‌های زیادی بیرون فرستادیم و این

الْمَاءُ عَلَى اَمْرٍ قَدْ قُدِرَ، وَنَجَّيْتَهُ عَلَى ذَاتِ الْوَاْحِ وَدُسِّرَ،

آبها به اندازه مقدر باهم آمیختند و سوار بر چیزی که دارای تخته‌ها و میخ‌ها بود (کشتی) نجاتش دادی،

فَاَسْتَجَبْتَ دُعَاةَهُ وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيْبًا يَا قَرِيْبُ، اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى

پس دعایش را اجابت نمودی و تو پیوسته به او نزدیک بودی، ای نزدیک؛ (می‌خواهم) که بر

مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ، وَاَنْ تُنَجِّيَنِيْ مِنْ ظُلْمٍ مَنْ يُرِيْدُ ظُلْمِيْ،

محمد و آل محمد درود فرستی و مرا از ستم آن که می‌خواهد به من ستم کند نجات دهی،

وَتَكْفُفَّ عَنِّيْ بَأْسَ مَنْ يُرِيْدُ هَضْمِيْ، وَتَكْفِيْنِيْ شَرَّ كُلِّ سُلْطٰنٍ

و مرا از شر و عذاب آن که شکستم را می‌خواهد، نگه داری، و مرا کفایت کنی از شر هر سلطان

جَائِرٍ، وَعَدُوِّ قَاهِرٍ، وَمُسْتَخِفِّ قَادِرٍ، وَجَبَّارٍ عَنِيدٍ، وَكُلِّ شَيْطٰنٍ

ستم‌پیشه و منحرف، و دشمن چیره‌شونده، و خوارکننده پرتوان، و زورگوی ستیزه‌گر، و هر شیطان

مَرِيْدٍ، وَاِنْسِيٍّ شَدِيْدٍ، وَكَيْدِ كُلِّ مَكِيْدٍ، يَا حَلِيْمُ يَا وَدُوْدُ. اِلٰهِي

سرکش و نافرمان و هر انسان سخت‌گیر، و مکر هر حيله‌گر، ای بردبار؛ ای بسیار مهربان؛ خدای من؛

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِيْ دَعَاكَ بِه عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ صٰلِحٌ عَلَيْهِ

از تو می‌خواهم به واسطه آن نامت که به آن نام بنده و پیامبر تو حضرت صالح - که بر او

السَّلَامُ فَنَجَّيْتَهُ مِنَ الْخَسْفِ، وَأَعْلَيْتَهُ عَلَى عَدُوِّهٖ، وَاسْتَجَبْتَ

درود باد - تو را خواند؛ پس او را از فرو رفتن (خواری و نقصان) نجات دادی، و بر دشمنانش برتری بخشیدی،

دُعَاةَهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيْبًا يَا قَرِيْبُ، اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ

و دعایش را اجابت نمودی، و تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک؛ (می‌خواهم) که بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَاَنْ تُخَلِّصَنِيْ مِنْ شَرِّ مَا يُرِيْدُنِيْ اَعْدَائِيْ بِهٖ، وَسَعٰى

محمد درود فرستی، و مرا از شر آنچه دشمنانم نسبت به من می‌خواهند و حسودانم تلاش می‌کنند

بِي حُسَادِي، وَتَكْفِيَتِيهِمْ بِكِفَايَتِكَ، وَتَتَوَلَّانِي بِوِلَايَتِكَ، وَتَهْدِي

رها گردانی، و به کفایت خود مرا از آنان کفایت کنی، و به ولایت خود مرا سرپرستی نمایی،

قَلْبِي بِهَذَاكَ، وَتُوَيِّدُنِي بِتَقْوَاكَ، وَتُبَصِّرُنِي (وَتَنْصُرُنِي) بِمَا فِيهِ رِضَاكَ،

و قلبم را به هدایت خود هدایت سازی، و به تقوای خود مرا نیرو بخشی، و مرا در آنچه رضای توست بینا و آگاه گردانی،

وَ تَغْنِيَنِي بِغِنَاكَ يَا حَلِيمٌ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ

و به بی‌نیازی خود مرا بی‌نیاز سازی، ای بردبار؛ خدای من؛ از تو می‌خواهم به واسطه آن اسمت که به آن اسم،

عَبْدُكَ وَنَبِيِّكَ وَخَلِيلِكَ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، حِينَ أَرَادَ نُمُودُ

بنده و پیامبر و دوستت حضرت ابراهیم - که بر او درود باد - تو را خواند، هنگامی که نمود

الْقَائَهُ فِي النَّارِ، فَجَعَلَتْ لَهُ النَّارَ بَرْدًا وَسَلَامًا، وَاسْتَجَبْتَ لَهُ

خواست او را در آتش بیندازد؛ پس، آتش را بر او سرد و سلامت قرار دادی، و

دُعَاةَهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

دعایش را اجابت کردی، و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک، (می‌خواهم) که بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُبَرِّدَ عَنِّي حَرَّ نَارِكَ، وَتُطْفِئَ عَنِّي لَهَبَهَا، وَتَكْفِيَنِي

محمد درود فرستی، و حرارت آشت را بر من سرد گردانی، و شعله آن را از من خاموش کنی

حَرَّهَا، وَتَجْعَلَ نَائِرَةَ أَعْدَائِي فِي شِعَارِهِمْ وَدِثَارِهِمْ، وَتَرُدَّ

و از حرارتش مرا کفایت کنی، و آتش فتنه‌انگیز دشمنانم را در لباس‌های زیر و روی‌شان (ظاهر و باطن ایشان) قرار دهی،

كَيْدَهُمْ فِي نُحُورِهِمْ، وَتُبَارِكَ لِي فِيمَا أَعْطَيْتَنِيهِ، كَمَا بَارَكْتَ

و نیرنگ‌شان را به خودشان بازگردانی، و در آنچه به من عطا فرمودی برکت دهی؛ همچنان که برکت دادی

عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ الْحَمِيدُ الْمَجِيدُ. إِلَهِي

بر او و بر دودمانش؛ همانا تو بسیار بخشنده، ستوده شده و باشکوه و عظمتی. خدای من؛

وَأَسْأَلُكَ بِالْإِسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ إِسْمَاعِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَجَعَلْتَهُ

از تو می‌خواهم به آن نامی که به واسطه آن، اسماعیل - که بر او درود باد - تو را خواند؛ پس او را

نَبِيًّا وَرَسُولًا، وَجَعَلْتَ لَهُ حَرَمَكَ مَنْسَكًا وَمَسْكَنًا وَمَأْوَى،

پیامبر و رسول قرار دادی، و حرمت را برایش محل عبادت و منزلگاه و پناهگاه قرار دادی،

وَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ، وَنَجَّيْتَهُ مِنَ الذَّبْحِ^۱، وَقَرَّبْتَهُ رَحْمَةً مِنْكَ،

و دعایش را اجابت نمودی، و او را از قربانی شدن نجات بخشیدی، و از رحمت و لطف خود وی را مقرب ساختی،

وَكَنتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

و تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک؛ (می‌خواهم) بر محمد و آل محمد درود فرستی

وَأَنْ تَفْسَحَ لِي فِي قَبْرِي، وَتَحُطَّ عَنِّي وَزْرِي، وَتَشُدَّ لِي أَرْزِي،

و قبرم را وسعت دهی و بار سنگین گناه را از من برداری و پشتم را محکم سازی،

وَتَغْفِرَ لِي ذَنْبِي، وَتَرْزُقَنِي التَّوْبَةَ بِحَطِّ السَّيِّئَاتِ، وَتَضَاعِفَ

و گناهم را ببخشی و توبه را روزیم کنی با فروریختن زشتی‌ها و بدی‌ها و افزودن خوبی‌ها و

الْحَسَنَاتِ، وَكَشْفِ الْبَلِيَّاتِ، وَرَبِّحِ التَّجَارَاتِ، وَدْفَعِ مَعْرَةَ

نیکی‌ها و برطرف کردن بلاها، و سود تجارت‌ها، و دور کردن بدی‌ها و اذیت‌های

السُّعَايَاتِ، إِنَّكَ مُجِيبُ الدَّعَوَاتِ، وَمُنْزِلُ الْبَرَكَاتِ، وَقَاضِي

سخن‌چینی‌ها؛ همانا تو اجابت‌گر دعاها و فرو فرستنده برکت‌ها، و برآورنده

الْحَاجَاتِ، وَمُعْطِي الْخَيْرَاتِ، وَجَبَّارُ السَّمَاوَاتِ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ

حاجت‌ها، و بخشنده خیرات و خوبی‌ها، و جبار و حاکم آسمان‌هایی. خدای من؛ از تو می‌خواهم

بِمَا سَأَلَكَ بِهِ ابْنُ خَلِيلِكَ إِسْمَاعِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، الَّذِي نَجَّيْتَهُ

به آنچه که به واسطه آن از تو خواست فرزند دوستت اسماعیل - که بر او درود باد - آن کسی که او را

مِنَ الذَّبْحِ، وَفَدَيْتَهُ بِذَبْحِ عَظِيمٍ، وَقَلَّبْتَ لَهُ الْمَشْقَصَ حِينَ (حَتَّى)

از کشته شدن نجات بخشیدی، و قربانی بزرگ را از طرف او فدیه قرار دادی و برای او کارد را برگرداندی؛ هنگامی که

نَاجَاكَ مُوقِنًا بِذَبْحِهِ، رَاضِيًا بِأَمْرِ وَالِدِهِ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ،

با تو مناجات کرد در حالی که یقین به کشته شدن خود داشت و راضی به امر پدرش بود؛ پس دعایش را برای او اجابت نمودی

وَكَنتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

و تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک؛ (می‌خواهم) بر محمد و آل محمد درود فرستی

وَأَنْ تُنَجِّتَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ وَبَلِيَّةٍ، وَتَصْرِفَ عَنِّي كُلَّ ظُلْمَةٍ

و مرا از هر بدی و بلایی نجات دهی و هر تاریکی شدید را از من بازگردانی

۱. الذَّبْحُ - به فتح ذال -؛ یعنی کشته شدن، و به کسر ذال؛ یعنی چیزی که کشته می‌شود.

وَخِيَمَةٍ، وَتَكْفِيَنِي مَا أَهَمَّنِي مِنْ أُمُورِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي، وَمَا

و کفایتم کنی آنچه را از امور دنیا و آخرتم که مرا اندوهگین ساخته است، و آنچه

أَحَازِرُهُ وَأَخْشَاهُ، وَمِنْ شَرِّ خَلْقِكَ أَجْمَعِينَ، بِحَقِّ آلِ يَسٍ. إِلَهِي

از آن پرهیز می‌کنم و می‌ترسم، و از شر همه آفریدگانت به حق آل محمد ﷺ. خدای من!

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ لُوطٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَنَجَّيْتَهُ

از تو می‌خواهم به آن نامت که به واسطه آن، لوط - که بر او درود باد - تو را خواند، پس او

وَأَهْلَهُ مِنَ الْخَشْفِ وَالْهَدْمِ وَالْمَثَلَاتِ وَالشُّدَّةِ وَالْجُهْدِ،

و اهلش را از فرورفتن (در زمین) و ویران شدن (خانه‌ها) و شکنجه‌ها و سختی و مشقت نجات دادی

وَأَخْرَجْتَهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ، وَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ،

و او و اهلش را از گرفتاری بزرگ رهانیدی، و دعایش را اجابت نمودی،

وَكَنتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

و تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک! (می‌خواهم) بر محمد و آل محمد درود فرستی،

وَأَنْ تَأْذَنَ لِي بِجَمِيعِ مَا سُئِتَ مِنْ شَمْلِي، وَتُقِرَّ عَيْنِي بِوَلَدِي

و مرا اجازه دهی به جمع نمودن تمام کارهای پراکنده‌ام، و دیده‌ام را به فرزندم

وَأَهْلِي وَمَالِي، وَتُصْلِحَ لِي أُمُورِي، وَتُبَارِكَ لِي فِي جَمِيعِ

و خانواده‌ام و مالم روشن گردانی، و امورم را اصلاح کنی، و تمام حالاتم را مبارک گردانی،

أَحْوَالِي، وَتُبَلِّغَنِي فِي نَفْسِي أَمَالِي، وَأَنْ تُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ،

و مرا به آرزوهایم در مورد خودم برسانی، و از آتش پناهم دهی،

وَ تَكْفِيَنِي شَرَّ الْأَشْرَارِ بِالْمُصْطَفَيْنِ الْأَخْيَارِ، الْأَيْمَّةِ الْأَبْرَارِ،

و مرا کفایت کنی از بدی بدکاران، به واسطه برگزیدگان نیکان، (یعنی) امامان نیکوکار

وَنُورِ الْأَنْوَارِ مُحَمَّدٍ وَإِلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ، الْأَيْمَّةِ

و روشنی‌بخش روشنی‌ها، محمد و آل او که پاکان و پاکیزگان و نیکان‌اند، پیشوایان

الْمَهْدِيِّينَ، وَالصَّفْوَةَ الْمُنتَجَبِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ،

هدایت‌گر، و برگزیدگان نجیبان - که درودهای خدا بر تمام‌شان باد - هستند.

محمد زید

بخش چهارم



214

وَتَرْزُقَنِي مُجَالَسَتَهُمْ، وَتَمُنَّ عَلَيَّ بِمُرَافَقَتِهِمْ، وَتُوفِّقَ لِي

و همنشینی آنان را روزی من گردانی، و بر من به رفاقت و همراهی آنان منت گذاری، و مرا موفق به

صُحْبَتَهُمْ، مَعَ أَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ، وَمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَعِبَادِكَ

همدمی و همنشینی ایشان نمایی، با پیامبران رسالت داده شده، و فرشتگان مقربیت، و بندگان

الصَّالِحِينَ، وَأَهْلِ طَاعَتِكَ أَجْمَعِينَ، وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ وَالْكَرُوبِيِّينَ.

نیکوکار و صالحت، و تمام فرمانبرداران تو و حاملان عرش و فرشتگان کزویبان.

إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي سَأَلْتُكَ بِهِ يَعْقُوبُ، وَقَدْ كَفَّ بَصْرَهُ،

خدای من؛ از تو می‌خواهم به آن نامت که به واسطه آن، یعقوب از تو درخواست کرد، در حالی که چشمش کور شده

وَسُتِّتَ شَمْلُهُ (جَمْعُهُ)، وَفُقِدَ قُرَّةُ عَيْنِهِ ابْنُهُ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ،

و اجتماعش پراکنده شده، و نور چشمش (یعنی) پسرش گم شده بود؛ پس دعایش را اجابت نمودی

وَجَمَعْتَ شَمْلَهُ، وَأَقْرَرْتَ عَيْنَهُ، وَكَشَفْتَ ضُرَّهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا

و پراکندگی او را جمع نمودی، و چشمش را روشن کردی، و گرفتاریش را برطرف نمودی، و توبه او نزدیک بودی،

يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَأْذَنَ لِي

ای نزدیک؛ (می‌خواهم) بر محمد و آل محمد درود فرستی و مرا در

بِجَمِيعِ مَا تَبَدَّدَ مِنْ أَمْرِي، وَتُقِرَّ عَيْنِي بِوَلَدِي وَأَهْلِي وَمَالِي،

جمع نمودن آنچه از امرم پراکنده شده اذن دهی و چشمم را به فرزندم و خانواده‌ام و مالم روشن نمایی،

وَتُصْلِحَ شَأْنِي كُلَّهُ، وَتُبَارِكَ لِي فِي جَمِيعِ أَحْوَالِي، وَتُبَلِّغَنِي

و تمام کارهایم را اصلاح کنی، و همه حالات و تحولات زندگی را برآیم مبارک گردانی، و مرا به تمام

فِي نَفْسِي أَمَالِي، وَتُصْلِحَ لِي أَفْعَالِي، وَتَمُنَّ عَلَيَّ يَا كَرِيمُ، يَا

آرزوهایم در مورد خودم برسانی، و کارهایم را اصلاح کنی، و بر من منت گذاری ای بزرگوار؛ ای

ذَا الْمَعَالِي بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

صاحب بزرگی‌ها و برتری‌ها؛ به رحمت تو ای مهربان‌ترین مهربانان؛ خدای من؛ از تو می‌خواهم به آن اسمت

الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ يُوسُفُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ،

که به واسطه آن نام، بنده و پیامبرت یوسف - که بر او درود باد - تو را خواند پس دعایش را اجابت کردی،

وَنَجَّيْتَهُ مِنْ غِيَابَتِ الْجُبِّ، وَكَشَفْتَ ضُرَّهُ، وَكَفَيْتَهُ كَيْدَ إِخْوَتِهِ،

و او را از اعماق چاه نجات دادی، و گرفتاریش را برطرف نمودی، و او را از مکر برادرانش کفایت کرده

وَجَعَلْتَهُ بَعْدَ الْعُبُودِيَّةِ مَلِكًا، وَاسْتَجَبْتَ دُعَاءَهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا

و بعد از بندگی و بردگی او را پادشاه قرار دادی، و دعایش را اجابت نمودی، و تو به او نزدیک بودی

يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَدْفَعَ عَنِّي

ای نزدیک، (می‌خواهم) بر محمد و آل محمد درود فرستی، و

كَيْدَ كُلِّ كَائِدٍ، وَشَرَّ كُلِّ حَاسِدٍ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. إِلَهِي

نیرنگ هر حيله‌گر، و شر هر حسود را از من دور کنی، همانا تو بر هر چیزی توانایی. خدای من؛

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ مُوسَى بْنُ عِمْرَانَ

از تو می‌خواهم به آن نامت که به آن نام، بنده و پیامبرت موسی بن عمران تو را خواند

إِذْ قُلْتَ تَبَارَكَ وَتَعَالَيْتَ ﴿وَنَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ

آن هنگام که گفتی - ای پاک و بلندمرتبه - : «ما او را از طرف راست کوه طور فرا خواندیم

وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا﴾، وَضَرَبْتَ لَهُ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا، وَنَجَّيْتَهُ

و او را برای رازگویی، به خود نزدیک ساختیم؛ و راهی خشک در دریا برایش گشودیم،

وَمَنْ مَعَهُ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ، وَأَغْرَقْتَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا،

و او و همراهانش از بنی‌اسرائیل را نجات دادی، و فرعون و هامان و سپاهیانشان را غرق کردی،

وَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَسْأَلُكَ أَنْ

و دعای موسی را اجابت نمودی، و تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک؛ (می‌خواهم)

تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُعِيدَنِي مِنْ شَرِّ خَلْقِكَ،

بر محمد و آل محمد درود فرستی، و مرا از شر آفریدگانت در پناه خود نگه داری،

وَتُقَرِّبَنِي مِنْ عَفْوِكَ، وَتَشْشُرَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ مَا تُغْنِينِي بِهِ عَنْ

و مرا با گذشتت مقرب خود گردانی، و از فضل خود بر من گسترش دهی آن قدر که مرا از

جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَيَكُونُ لِي بَلَاغًا أَنَالُ بِهِ مَغْفِرَتَكَ وَرِضْوَانَكَ،

تمام خلق بی‌نیاز کند، و برآیم به قدر کفایت باشد که به واسطه آن به آمرزش و رضوان تو برسم،

يَا وَلِيِّيَ وَوَلِيِّ الْمُؤْمِنِينَ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِالْإِسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ

ای صاحب اختیار من و صاحب اختیار مؤمنان. خدای من؛ از تو می‌خواهم به آن نامی که به واسطه آن،

عَبْدُكَ وَنَبِيِّكَ دَاوُودُ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاؤَهُ، وَسَخَّرْتَ لَهُ الْجِبَالَ،

بنده و پیامبرت داود تو را خواند، پس دعایش را اجابت کردی، و کوه‌ها را مسخر و تحت فرمان او ساختی،

يُسَبِّحُنَ مَعَهُ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ، وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلُّ لَهَا أَوَّابٌ،

که با او در شام‌گاهان و صبح‌گاهان تسبیح گویند، و پرندگان که پیرامون او بودند همگی را فرمانبردار او گردانیدی،

وَشَدَّدْتَ مُلْكَهُ، وَأَتَيْتَهُ الْحِكْمَةَ وَفَضَلَ الْخِطَابِ، وَأَلَنْتَ لَهُ

و سلطنتش را محکم نمودی، و حکمت و فصل الخطاب (حکم قاطعی که باعث تمام شدن اختلاف گردد) را به او عطا کردی،

الْحَدِيدَ، وَعَلَّمْتَهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَهُمْ، وَغَفَرْتَ ذَنْبَهُ، وَكُنْتَ مِنْهُ

و آهن را برایش نرم گردانیدی، و صنعت زره‌سازی را به او آموختی، و گناهش را بخشودی، و توبه او نزدیک بودی،

قَرِيبًا يَا قَرِيبٌ. أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

ای نزدیک. از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی،

وَأَنْ تُسَخِّرَ لِي جَمِيعَ أُمُورِي، وَتُسَهِّلَ لِي تَقْدِيرِي، وَتَرْزُقَنِي

و تمام امورم را تحت فرمانم قرار دهی، و تقدیرم را برای من آسان سازی،

مَغْفِرَتَكَ وَعِبَادَتَكَ، وَتَدْفَعَ عَنِّي ظُلْمَ الظَّالِمِينَ، وَكَيْدَ الْكَاذِبِينَ،

و آمرزش و عبادت خود را روزیم کنی، و از من دور کنی ستم ستمگران، و نیرنگ حیله‌گران،

وَمَكْرَ الْمَاكِرِينَ، وَسَطَوَاتِ الْفِرَاعِنَةِ الْجَبَّارِينَ، وَحَسَدَ

و مکر مکاران، و یورش‌های فرعون‌های زورگوار، و حسد

الْحَاسِدِينَ، يَا أَمَانَ الْخَائِفِينَ، وَجَارَ الْمُسْتَجِيرِينَ، وَثِقَةَ

حسودان را. ای ایمنی‌بخش بیمناکان، و امان‌دهنده پناهجویان، و محل اطمینان

الْوَائِقِينَ، وَذَرِيعَةَ الْمُؤْمِنِينَ، وَرَجَاءَ الْمُتَوَكِّلِينَ، وَمُعْتَمَدَ

اعتماد‌کنندگان، و دستاویز مؤمنان، و امید توکل‌کنندگان، و محل اعتماد

الصَّالِحِينَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِالْإِسْمِ

نیکوکاران، ای مهربان‌ترین مهربانان! خدای من؛ از تو می‌خواهم بار پروردگارا! به آن اسمی

الَّذِي سَأَلَكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُدَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ،

که بنده و پیامبرت سلیمان فرزند داوود - که بر هر دو درود باد - تو را خواند

إِذْ قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي

هنگامی که گفت: «بارالها! مرا ببخش و مرا سلطنتی عطا فرما که پس از من کسی سزاوار آن نباشد

إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ»، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاؤَهُ، وَأَطَعْتَ لَهُ الْخَلْقَ،

که همانا تو بسیار بخشنده‌ای؛ پس دعایش را اجابت نمودی، و آفریدگان را مطیع او ساختی،

وَحَمَلْتَهُ عَلَى الرِّيحِ، وَعَلَّمْتَهُ مَنْطِقَ الطَّيْرِ، وَسَخَّرْتَ لَهُ

و او را سوار بر باد کردی، و زبان پرندگان را به او آموختی، و

الشَّيَاطِينَ مِنْ كُلِّ بَنَاءٍ وَغَوَّاصٍ، وَأَخْرَجْتَ مَقَرَّيْنِ فِي الْأَصْفَادِ،

شیاطین - بناکننده و فرورونده در آب - را مسخر او ساختی، و دیگران را در بند و زنجیر او کشیدی؛

هَذَا عَطَاؤُكَ لَا عَطَاءَ غَيْرِكَ، وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ. أَنْ

این، بخشش توست نه بخشش غیر تو؛ و تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک. (می‌خواهم) که

تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَهْدِيَ لِي قَلْبِي، وَتَجْمَعَ

بر محمد و آل محمد درود فرستی، و قلبم را برایم هدایت کنی، و عقلم را برایم متمرکز

لِي لُبِّي، وَتَكْفِينِي هَمِّي، وَتُؤْمِنَ خَوْفِي، وَتَفُكَّ أَسْرِي، وَتَشُدَّ

گردانی، و اندوهم را کفایت کنی، و ترسم را ایمن گردانی، و از بند اسارتم رها کنی، و پشتم را محکم

أَزْرِي، وَتُمْهِلَنِي وَتُنْفِسَنِي، وَتَسْتَجِيبَ دُعَائِي، وَتَسْمَعَ نِدَائِي،

گردانی، و مرا مهلت دهی، و آسوده خاطر سازی، و دعایم را اجابت کنی، و ندایم را بشنوی،

وَلَا تَجْعَلَ فِي النَّارِ مَأْوَايَ، وَلَا الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّي، وَأَنْ تُوسِّعَ

و جایگاهم را در آتش قرار ندهی، و دنیا را بزرگ‌ترین مقصود من قرار ندهی، و روزی‌ام را برایم وسعت

عَلَيَّ رِزْقِي، وَتُحَسِّنَ خُلُقِي، وَتُعْتِقَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، فَإِنَّكَ

دهی، و اخلاقم را نیکو گردانی، و مرا از آتش آزاد کنی؛ همانا تو

سَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمُؤَمَّلِي. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ الَّذِي

آقای من و مولای من و نهایت آرزوی من هستی. خدای من؛ از تو می‌خواهم پروردگارا! به آن اسمت که به

دَعَاكَ بِهٖ أَيُّوبُ، لَمَّا حَلَّ بِهٖ الْبَلَاءُ بَعْدَ الصَّحَّةِ، وَنَزَلَ السَّقَمُ مِنْهُ

آن اسم، ایوب تو را خواند، هنگامی که بلا بعد از صحت به او رسید، و بیماری

مَنْزَلَ الْعَافِيَةَ، وَالضِّيقُ بَعْدَ السَّعَةِ وَالْقُدْرَةَ، فَكَشَفَتْ ضُرَّهُ،

جای عافیت او نشست و تنگی و شدت بعد از فراخی و توانایی بر او روی آورد؛ پس گرفتاریش را برطرف کردی،

وَرَدَدْتَ عَلَيْهِ أَهْلَهُ، وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ، حِينَ نَادَاكَ، دَاعِيًا لَكَ،

و خانواده‌اش و مثل ایشان را که با ایشان بودند به او بازگرداندی، هنگامی که تو را ندا داد، در حالی که دعاکننده برای تو و

رَاغِبًا إِلَيْكَ، رَاجِعًا لِفَضْلِكَ، شَاكِيًا إِلَيْكَ رَبِّ إِنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ

روی آورنده به سوی تو، و امیدوار به بخشش تو، و شکوه‌کننده به سوی تو بود (و گفت: ای پروردگار من؛ همانا بیچارگی بر من

وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاءَهُ، وَكَشَفْتَ ضُرَّهُ،

رسیده و تو مهربان‌ترین مهربانانی؛ پس، دعایش را اجابت کردی و بیچارگی او را برطرف نمودی

وَكُنْتَ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ. أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

و تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک. (می‌خواهم) که بر محمد و آل محمد درود فرستی،

وَأَنْ تَكْشِفَ ضُرِّي، وَتُعَافِيَنِي فِي نَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي وَوَلَدِي

و بیچارگی مرا برطرف کنی، و در جان و خانواده و مال و فرزند

وَأَخْوَانِي فِيكَ، عَافِيَةً بَاقِيَةً شَافِيَةً كَافِيَةً، وَافِرَةً هَادِيَةً نَامِيَةً،

و برادران دینی‌ام عافیت دهی، عافیت پایدار، شفابخش، کفایتگر، فراوان و فراگیر، هدایت‌گر، رشد‌دهنده،

مُسْتَعْنِيَةً عَنِ الْأَطِبَّاءِ وَالْأَدْوِيَةِ، وَتَجْعَلَهَا شِغَارِي وَدِثَارِي،

بی‌نیازکننده از پزشکان و دواها؛ و آن را لباس زیر و رویم قرار دهی (کنایه از اینکه همواره با من همراه باشد)،

وَتُمَتِّعَنِي بِسَمْعِي وَبَصْرِي، وَتَجْعَلَهُمَا الْوَارِثَيْنِ مِنِّي، إِنَّكَ عَلَى

و مرا به چشم و گوشم بهره‌مند سازی، و آن دو را وارثان من قرار دهی؛ که همانا تو بر

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ يُونُسُ

هر چیزی توانایی. خدای من؛ از تو می‌خواهم به آن اسمت که به واسطه آن اسم، یونس

بْنُ مَتَّى فِي بَطْنِ الْحُوتِ حِينَ نَادَاكَ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ۖ أَنْ لَا

پسر متی در شکم ماهی تو را خواند، هنگامی که تو را در تاریکی‌های سه‌گانه خواند (و گفت:) هیچ

إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ ﴿١﴾ وَأَنْتَ أَرْحَمُ

معبودی نیست غیر از تو، تو پاک و منزهی؛ همانا من از ستمگران - بر خویش - هستم و (حال آنکه) تو مهربانترین

الرَّاحِمِينَ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ دُعَاؤَهُ، وَأَنْبَتَّ عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَقْطِينٍ،

مهربانانی؛ پس دعایش را اجابت نمودی، و بوته‌ای از کدو برایش رویاندی؛

وَأَرْسَلْتَهُ إِلَى مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ، وَكُنْتُ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ،

و او را به سوی صد هزار نفر یا بیشتر فرستادی، و تو به او نزدیک بودی ای نزدیک،

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَسْتَجِيبَ دُعَائِي،

(می‌خواهم) که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و دعایم را اجابت کنی،

وَتُذَارِكَنِي بِعَفْوِكَ، فَقَدْ غَرِقْتُ فِي بَحْرِ الظُّلْمِ لِنَفْسِي، وَرَكِبْتَنِي

و با گذشت خود گذشتم را جبران کنی؛ زیرا، در دریایی از ستم بر خویش، غرق شده‌ام؛ و

مَظَالِمٌ كَثِيرَةٌ لِيَخْلُقَكَ عَلَيَّ، صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

حق و حقوق بسیاری برای بندگانت به دوش من است، بر محمد و آل محمد درود فرست،

وَأَسْتُرْنِي مِنْهُمْ، وَأَعْتِقْنِي مِنَ النَّارِ، وَاجْعَلْنِي مِنْ عِتْقَائِكَ

و مرا از آنان پنهان دار، و مرا از آتش رهایی بخش، و مرا از آزادشدگان

وَطَلْقَائِكَ مِنَ النَّارِ، فِي مَقَامِي هَذَا، بِمَنْكَ يَا مَنْنًا. إِلَهِي

و رهایی‌یافتگان از آتش در همین مقام و موقعیتم قرار بده؛ به خاطر لطف و احسانت - ای بسیار احسان‌کننده - خدای من؛

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ

از تو می‌خواهم به آن اسمت که به واسطه آن، بنده و پیامبرت عیسی پسر مریم تو را خواند

عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِذْ أَيْدَتْهُ بِرُوحِ الْقُدْسِ، وَأَنْطَقْتَهُ فِي الْمَهْدِ،

که بر هر دو درود باد - در آن هنگام که او را با روح القدس نیرو بخشیدی، و در گهواره گویا نمودی،

فَأَخِي بِهِ الْمَوْتَى، وَأَبْرَأُ بِهِ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِكَ، وَخَلَقَ

و به وسیله او، مردگان زنده شدند، به وسیله او با اجازه تو کور مادرزاد و بیمار پسی گرفته شفا یافت، و

مِنَ الطَّيْنِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَصَارَ طَائِرًا بِإِذْنِكَ، وَكُنْتُ مِنْهُ قَرِيبًا يَا

از گل، شکل پرندهای را درست کرد پس به اذن تو پرنده و پروازکننده گردید؛ و تو به او نزدیک بودی، ای

مخبر

بخش چهارم



قَرِيبٌ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُفَرِّغَنِي لِمَا

نزدیک، (می‌خواهم) که بر محمد و آل محمد درود فرستی و مرا برای آنچه

خَلَقْتَ لَهُ، وَلَا تُشْغَلَنِي بِمَا قَدْ تَكَلَّفْتَهُ لِي، وَتَجْعَلَنِي مِنْ عِبَادِكَ

آفریده شده‌ام (از مشغولیتات) فارغ بداری، و مرا مشغول نکنی به آنچه برایم عهده‌دار گشته‌ای، و مرا از عبادت‌پیشگان

وَزُهَّادِكَ فِي الدُّنْيَا، وَمِمَّنْ خَلَقْتَهُ لِلْعَافِيَةِ، وَهَنَاتَهُ بِهَا مَعَ

و زاهدان خود در دنیا قرار دهی، و از آنان که برای عافیت و سلامت آن‌ها را آفریده‌ای، و به

كَرَامَتِكَ يَا كَرِيمٌ يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمٌ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي

بزرگواریات، زندگی را با داشتن عافیت برای‌شان گوارا گردانندی؛ ای بخشنده؛ ای بلندمرتبه؛ ای بزرگ. خدای من؛ از تو می‌خواهم به

دَعَاكَ بِهِ أَصْفُ بْنُ بَرَخِيَا عَلَى عَرْشِ مَلِكَةِ سَبَا، فَكَانَ أَقْلٌ مِنْ

خاطر آن اسمت که به واسطه آن، آصف پسر برخیا بر (احضار) تخت ملکه سبا تو را خواند؛ پس در کمتر از

لَحْظَةِ الطَّرْفِ، حَتَّى كَانَ مُصَوَّرًا بَيْنَ يَدَيْهِ، فَلَمَّا رَأَتْهُ قِيلَ

چشم برهم گذاشتنی در پیش چشمش حاضر شد، به گونه‌ای که وقتی ملکه، آن را دید به او گفته شد:

أَهْكَذَا عَرْشُكَ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ، فَاسْتَجَبَتْ دُعَاءَهُ، وَكُنْتُ مِنْهُ

آیا تخت تو چنین است؟ (بلقیس) گفت: گویا همین است؛ پس دعایش را اجابت نمودی، و تو

قَرِيبًا يَا قَرِيبٌ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتُكْفِرَ عَنِّي

به او نزدیک بودی، ای نزدیک، (می‌خواهم) که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و گناهان

سَيِّئَاتِي، وَتَقْبَلَ مِنِّي حَسَنَاتِي، وَتَقْبَلَ تَوْبَتِي، وَتَتُوبَ عَلَيَّ،

و بدی‌هایم را ببوشانی، و کارهای نیکویم را از من قبول کنی، و توبه‌ام را بپذیری، و بر من روی آوری،

وَتُغْنِي فَقْرِي، وَتَجْبُرَ كَسْرِي، وَتُخَيِّ قُوَادِي بِذِكْرِكَ، وَتُخَيِّتَنِي

و فقرم را برطرف سازی، و شکست مرا جبران کنی، و قلبم را با یاد خود زنده کنی، و مرا

فِي عَافِيَةٍ، وَتُمِيتَنِي فِي عَافِيَةٍ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِالْإِسْمِ الَّذِي

در عافیت زنده بداری و در عافیت بمیرانی. خدای من؛ از تو می‌خواهم به آن اسمی که

دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ زَكْرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ حِينَ سَأَلَكَ، دَاعِيًا

به واسطه آن اسم، بنده و پیامبرت زکریا - که بر او درود باد - تو را خواند؛ هنگامی که از تو درخواست نمود در حالیکه دعاکننده

لَكَ، رَاغِبًا إِلَيْكَ، رَاغِبًا لِفَضْلِكَ، فَقَامَ فِي الْمِحْرَابِ يُنَادِي نِدَاءً

بود، و اشتیاق به سوی تو و امیدواری به بخشش تو داشت، پس در محراب عبادت ایستاد در حالی که با ندای

خَفِيًّا، فَقَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا * يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ

پنهانی که می‌داد گفت: پروردگارا! از نزد خود، جانشین (و فرزندی) به من عطا کن؛ که از من و

أَلِ يَعْقُوبَ وَاجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا^۱ فَوَهَبْتُ لَهُ يَحْيَى، وَاسْتَجَبْتُ

آل یعقوب ارث ببرد، و او را وارثی صالح و پسندیده قرار ده، پس یحیی را به او بخشیدی، و دعایش

لَهُ دُعَاءَهُ، وَكُنْتُ مِنْهُ قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

را اجابت نمودی، و تو به او نزدیک بودی، ای نزدیک؛ (می‌خواهم) که بر محمد

وَأَلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُبْقِيَ لِي أَوْلَادِي، وَأَنْ تُمَتِّعَنِي بِهِمْ، وَتَجْعَلَنِي

و آل محمد درود فرستی، و فرزندانم را برایم نگه داری، و مرا از وجود ایشان بهره‌مند سازی، و من

وَإِيَّاهُمْ مُؤْمِنِينَ لَكَ، رَاغِبِينَ فِي ثَوَابِكَ، خَائِفِينَ مِنْ عِقَابِكَ،

و آنان را از ایمان آورندگان به خودت؛ و از مشتاقان ثوابت، بیمناکان از کیفرت،

رَاغِبِينَ لِمَا عِنْدَكَ، أَيْسِينَ مِمَّا عِنْدَ غَيْرِكَ حَتَّى تُحْيِيَنَا حَيَوَةً

امیدواران به آنچه نزد توست، ناامیدان از آنچه نزد غیر توست فراردهی؛ تا ما را به زندگی پاک و پاکیزه زنده داری

طَيِّبَةً، وَتُمِيتَنَا مِيتَةً طَيِّبَةً، إِنَّكَ فَعَالٌ لِمَا تُرِيدُ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ

و به مرگ پاک و پاکیزه بمیرانی؛ همانا تو هر چه خواهی انجام می‌دهی. خدای من؛ از تو می‌خواهم

بِالْإِسْمِ الَّذِي سَأَلْتُكَ بِهِ امْرَأَةً فِرْعَوْنَ، إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي

به آن اسمی که به واسطه آن، همسر فرعون تو را خواند وقتی گفت: بارالها! برایم

عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ

در نزد خود خانه‌ای در بهشت بنا کن و مرا از فرعون و کارگزارانش نجات ده و مرا از

الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ^۲، فَاسْتَجَبْتُ لَهَا دُعَائَهَا، وَكُنْتُ مِنْهَا قَرِيبًا يَا

گروه ستمکاران رهایی بخش، پس دعایش را اجابت نمودی، در حالی که تو به او نزدیک بودی، ای

قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُقَرَّرَ عَيْنِي بِالنَّظَرِ

نزدیک؛ (می‌خواهم) که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و دیده‌ام را با نظر به

إِلَى جَنَّتِكَ، وَوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَأَوْلِيَّاتِكَ، وَتَفَرَّجَنِي بِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ،

بهشت خود، و به دیدن لطف کریمانه خود و اولیای خودت روشن کنی، و به واسطه محمد و آل محمد مرا به گشایش و راحتی

وَتُوْنَسَنِي بِهِ وَبِآلِهِ، وَبِمُصَاحِبَتِهِمْ وَمُرَافَقَتِهِمْ، وَتُمْكِّنْ لِي فِيهَا،

برسانی، و مرا با او و آل او، و هم‌صحبتی و همراهی ایشان مانوس گردانی؛ و مرا در بهشت جای دهی و متمکن سازی؛

وَتُنَجِّنِي مِنَ النَّارِ، وَمَا أُعِدُّ لِأَهْلِهَا مِنَ السَّلَاسِلِ وَالْأَغْلَالِ،

و از آتش نجاتم بخشی، و از آنچه که برای اهل آتش آماده شده است از زنجیرها و غل‌ها،

وَالشَّدَائِدِ وَالْأَنْكَالِ، وَأَنْوَاعِ الْعَذَابِ، بِعَفْوِكَ يَا كَرِيمٌ. إِلَهِي

و نیز سختی‌ها و فشارها، و انواع عذاب‌ها رهایی بخشی؛ با گذشت خودت، ای بخشنده بزرگوار؛ خدای من؛

وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَعَيْتَكَ بِهِ عَبْدُكَ وَصِدِّيقُكَ مَرْيَمُ الْبَتُولُ

از تو می‌خواهم به آن اسمی که به واسطه آن اسم، بنده و تصدیق‌کننده‌ات مریم پاکدامن

وَأُمُّ الْمَسِيحِ الرَّسُولِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، إِذْ قُلْتَ «وَمَرْيَمَ ابْنَتَ

و مادر مسیح رسول - که بر هر دو درود باد - تو را خواند؛ هنگامی که گفتی: «یاد آر - حال مریم دختر

عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنْتَ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَقْتَ

عمران را که عورت خود را حفظ کرد؛ پس آن گاه در آن از روح قدسی خویش بدسیدیم؛ و مریم نیز

بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ وَكَانَتْ مِنَ الْقَانِتِينَ» فَاسْتَجَبْتَ لَهَا

کلمات و کتاب‌های پروردگارش را با کمال ایمان تصدیق کرد، و از فرمانبرداران خدا بوده پس دعای او را اجابت

دُعَائِهَا، وَكُنْتَ مِنْهَا قَرِيبًا يَا قَرِيبُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

نمودی در حالی که تو به او نزدیک بودی ای نزدیک، (می‌خواهم) که بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُحْصِنَنِي بِحِصْنِكَ الْحَصِينِ، وَتَحْجُبَنِي بِحِجَابِكَ

محمد درود فرستی و مرا با حصار محکم خودت نگهداری کنی، و با پوشش بازدارنده‌ات مرا

الْمَنِيْعِ، وَتُخْرِزَنِي بِحِرْزِكَ الْوَثِيْقِ، وَتَكْفِيَنِي بِكِفَايَتِكَ الْكَافِيَةِ،

بیوشانی، و به حرز محکمت مرا حفظ و حراست نمایی، و مرا به کفایت کافی خودت کفایت کنی؛

مِنْ شَرِّ كُلِّ طَاغٍ، وَظَلْمِ كُلِّ بَاغٍ، وَمَكْرِ كُلِّ مَآكِرٍ، وَغَدْرِ كُلِّ

از شر هر سرکش، و ستم هر تجاوزگر، و مکر و نیرنگ هر حيله‌گر، و خیانت هر



غَادِرٍ، وَسِحْرِ كُلِّ سَاحِرٍ، وَجَوْرِ كُلِّ سُلْطَانٍ جَائِرٍ، بِمَنْعِكَ يَا

خیانتکار، و جادوی هر جادوگر، و ستم هر سلطان ستمگر؛ با بازدارندگی و نگهداری خودت، ای

مَنْعٍ. إِلَهِي وَأَسْأَلُكَ بِالْإِسْمِ الَّذِي دَعَاكَ بِهِ عَبْدُكَ وَنَسِيئِكَ،

بازدارنده؛ خدای من؛ از تو می‌خواهم به آن اسمی که با آن اسم، بنده و پیامبر

وَصَفِيئِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَمِينِكَ عَلَيَّ وَحِيكَ، وَبَعِيئِكَ إِلَيَّ

و برگزیده و منتخب از میان مخلوقات، و امین بر وحیت، و برانگیخته‌شده به

بَرِيئَتِكَ، وَرَسُولِكَ إِلَيَّ خَلْقِكَ مُحَمَّدٌ خَاصَّتِكَ وَخَالِصَتِكَ، صَلَّى

سوی آفریدگانت، و فرستاده‌ات به سوی خلقت، محمد، بنده خاص و خالص تو - که درود و سلام

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، فَاسْتَجِبْتَ دُعَاءَهُ، وَأَيَّدْتَهُ بِجُنُودٍ لَمْ يَرَوْهَا،

خدا بر او و آل او باد - تو را خواند؛ پس دعایش را اجابت نمودی و با سپاه‌یانی که آن‌ها را نمی‌دیدند، او را تأیید کرده و یاری

وَجَعَلْتَ كَلِمَتَكَ الْعُلْيَا، وَكَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى، وَكُنْتَ مِنْهُ

رساندی، و کلمه خود را برتر قرار دادی، و کلمه آنان را که کفر ورزیدند پست و پایین قرار دادی؛ در حالی که تو به او

قَرِيبًا يَا قَرِيبُ. أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، صَلَاةً

نزدیک بودی، ای نزدیک. (می‌خواهم) که بر محمد و آل محمد درود فرستی؛ درودهای

زَاكِيَةً طَيِّبَةً، نَامِيَةً بَاقِيَةً مُبَارَكَةً، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَيَّ أَبِيهِمْ إِبْرَاهِيمَ

پاک و پاکیزه، رشدکننده پایدار، مبارک؛ چنان که بر پدرشان ابراهیم و آل

وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، وَبَارِكْ عَلَيْهِمْ كَمَا بَارَكْتَ عَلَيْهِمْ، وَسَلِّمْ عَلَيْهِمْ

ابراهیم درود فرستادی؛ و بر آنان مبارک گردان همچنان که بر آل ابراهیم مبارک گرداندی؛ و بر آل محمد سلام برسان

كَمَا سَلَّمْتَ عَلَيْهِمْ، وَزِدْهُمْ فَوْقَ ذَلِكَ كُلِّهِ زِيَادَةً مِنْ عِنْدِكَ،

چنان که بر آل ابراهیم سلام رساندی؛ و بهره ایشان را از جانب خودت فوق آنچه گفته شد زیاد کن؛

وَاخْلُطْنِي بِهِمْ، وَاجْعَلْنِي مِنْهُمْ، وَاحْشُرْنِي مَعَهُمْ، وَفِي زُمْرَتِهِمْ

و مرا آمیخته با ایشان و از آنان قرار بده، و با ایشان محشور کن، و در زمره ایشان قرار بده،

حَتَّى تَسْقِيَنِي مِنْ حَوْضِهِمْ، وَتُدْخِلَنِي فِي جُمَّلَتِهِمْ، وَتَجْمَعَنِي

تا از حوض (کوثر) آنان مرا سیراب کنی، و در گروه آنان وارد کنی، و مرا با

وَإِيَّاهُمْ، وَتَقَرَّرَ عَيْنِي بِهِمْ، وَتُعْطِيَنِي سُؤْلِي، وَتُبَلِّغْنِي أَمَالِي فِي

آنان در یکجا جمع نمایی، و چشم مرا به ایشان روشن سازی، و خواسته‌ام را عطا کنی، و مرا به آرزوهایم در

دینی و دنیایی و آخرتی، و مَحْيَايَ وَمَمَاتِي، وَتُبَلِّغَهُمْ سَلَامِي،

دین و دنیا و آخرت و در زندگی و مرگم برسانی؛ و سلام مرا به ایشان برسانی،

وَتَرُدَّ عَلَيَّ مِنْهُمْ السَّلَامَ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

و پاسخ از آنان به من برگردانی؛ سلام و رحمت و برکات خدا بر ایشان باد.

إِلٰهِي وَأَنْتَ الَّذِي تُنَادِي فِي أَنْصَافِ كُلِّ لَيْلَةٍ هَلْ مِنْ سَائِلٍ

خدای من؛ تو همانی که در نیمه‌های هر شب ندا می‌دهی؛ آیا درخواست‌کننده‌ای هست

فَاعْطِيَهُ، أَمْ هَلْ مِنْ دَاعٍ فَاجِبِيَهُ، أَمْ هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ فَأَغْفِرَ لَهُ،

تا به او عطا کنم؟ آیا دعاکننده‌ای هست تا او را اجابت نمایم؟ آیا استغفارکننده‌ای هست تا او را ببامرزم؟

أَمْ هَلْ مِنْ رَاجٍ فَأُبَلِّغَهُ رَجَاءَهُ، أَمْ هَلْ مِنْ مُؤَمِّلٍ فَأُبَلِّغَهُ أَمَلَهُ، هَا

آیا امیدواری هست تا او را به امیدش برسانم؟ آیا آرزومندی هست تا او را به آرزویش برسانم؟ اینک

أَنَا سَائِلُكَ بِفِنَائِكَ، وَمِسْكِينُكَ بِبَابِكَ، وَضَعِيفُكَ بِبَابِكَ، وَفَقِيرُكَ

من در درگاهت درخواست‌کننده از تو هستم، و بیچاره توام در درب خانه تو، و ناتوان توام به درب خانه‌ات، و بینوای توام

بِبَابِكَ، وَمُؤَمِّلُكَ بِفِنَائِكَ، أَسْأَلُكَ نَائِلِكَ، وَأَرْجُو رَحْمَتَكَ،

به درب خانه‌ات، و آرزومند در درگاه تو هستم؛ از تو عطا و بخشش تو را می‌خواهم؛ و امیدوار رحمت تو

وَأُوْمَلُّ عَفْوَكَ، وَأَلْتَمِسُ عُفْرَانَكَ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.

و آرزومند گذشت تو هستم؛ و آمرزش تو را تمنا می‌نمایم؛ پس بر محمد و آل محمد درود فرست،

وَأَعْطِنِي سُؤْلِي، وَبَلِّغْنِي أَمَلِي، وَاجْبُرْ فَقْرِي، وَارْحَمْ عِصْيَانِي،

و خواسته‌ام را عطا کن؛ و مرا به آرزویم برسان؛ و فقرم را جبران کن، و به عصیان و سرکشی‌ام رحم کن؛

وَاعْفُ عَن ذُنُوبِي، وَفُكَّ رَقَبَتِي مِنَ الْمَظَالِمِ لِعِبَادِكَ رَكِبَتِي،

و از گناهانم درگذر؛ و حق و حقوقی که از بندگانت بر عهده من است، مرا از آن رها کن؛

وَقَوِّ ضَعْفِي، وَأَعِزِّ مَسْكِنَتِي، وَثَبِّثْ وَطْأَتِي، وَاعْفِرْ جُرْمِي،

و ناتوانیم را قوت بخش؛ و بیچارگی‌ام را عزت بخش؛ و محکم‌هایم را محکم و استوار گردان؛ و جرمم را ببخش؛

وَأَنْعِمْ بَالِي، وَأَكْثِرْ مِنَ الْحَلَالِ مَالِي، وَخِزْ لِي فِي جَمِيعِ أُمُورِي

و فکر و ذهنم را رشد بده؛ و مالم را از حلال زیاد کن؛ و در تمام امور و کارهایم برابم خیر و

وَأَفْعَالِي، وَرَضِّنِي بِهَا، وَارْحَمْنِي وَوَالِدَيَّ وَمَا وَلَدًا مِنْ

خوبی مقدر فرما؛ و مرا به آنها راضی و خشنود گردان؛ و رحم کن بر من و پدر و مادرم و فرزندان آنان از

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ، الْأَخْيَاءِ مِنْهُمْ

مردان و زنان مؤمن، و مردان و زنان مسلمان، زندگان از آنها

وَالْأَمْوَاتِ، إِنَّكَ سَمِيعُ الدَّعَوَاتِ، وَالْأَهْمَنِي مِنْ بَرِّهِمَا مَا أُسْتَحِقُّ

و مردگان از آنها؛ همانا تو شنونده دعاهایی. به من الهام کن از نیکی کردن نسبت به آن دو (پدر و مادرم) آنچه

بِهِ ثَوَابِكَ وَالْجَنَّةَ، وَتَقَبَّلْ حَسَنَاتِهِمَا، وَاعْفِرْ سَيِّئَاتِهِمَا، وَاجْزِهِمَا

با آن شایستگی ثواب و بهشت تو را پیداکنم، و کارهای نیک آنها را قبول فرما، و بدیهای آنها را ببخش،

بِأَحْسَنِ مَا فَعَلَا بِي ثَوَابِكَ وَالْجَنَّةَ. إِلَهِي وَقَدْ عَلِمْتُ يَقِينًا أَنَّكَ

و به خاطر خوبیهایی که آن دو درباره من کردهاند پاداشت و بهشت را نصیب آن دو فرما. خدای من؛ به یقین می دانم تو

لَا تَأْمُرُ بِالظُّلْمِ وَلَا تَرْضَاهُ، وَلَا تَمِيلُ إِلَيْهِ وَلَا تَهْوَاهُ وَلَا تُحِبُّهُ

دستور به ستم نمی دهی، و به آن راضی نیستی، و میل به آن نمی نمایی، و آن را نمی خواهی و دوستش نمی داری،

وَلَا تَغْشَاهُ، وَتَعْلَمُ مَا فِيهِ هُوَ لِآءِ الْقَوْمِ مِنْ ظُلْمِ عِبَادِكَ وَبَغْيِهِمْ

و نمی پوشانی آن را؛ و می دانی آنچه را که این قوم از ظلم به بندگانت و تجاوزگری آنها

عَلَيْنَا، وَتَعَدَّيْهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ وَلَا مَعْرُوفٍ، بَلْ ظُلْمًا وَعَدْوَانًا وَزُورًا

بر علیه ما، و تعدی و تجاوز ناحق و نامعروفشان که از روی ظلم و دشمنی و زور

وَبُهْتَانًا، فَإِنْ كُنْتَ جَعَلْتَ لَهُمْ مُدَّةً لَابِدًا مِنْ بُلُوغِهَا، أَوْ كَتَبْتَ

و تهمت آن را انجام می دهند؛ پس اگر بر ایشان مدتی قرار دادی که باید آن مدت بسر آید؛ یا

لَهُمْ أَجَالًا يَنْأَلُونَهَا، فَقَدْ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ وَوَعْدُكَ الصِّدْقُ

مهلت هایی بر ایشان نوشتی و معین کردی که باید به پایان برسد، پس تو گفتی - و سخنت حق و وعدهات راست است -:

﴿يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ﴾. فَأَنَا أَسْأَلُكَ

آنچه را خدا بخواهد محو و نابود می کند و آنچه را بخواهد ثابت می دارد؛ و ام کتاب نزد اوست. پس من از تو می خواهم،

ببخش چهارم

ببخش چهارم

۲۲۶

بِكُلِّ مَا سَأَلَكَ بِهِ أَنْبِيَائُكَ الْمُرْسَلُونَ وَرُسُلُكَ، وَأَسْأَلُكَ بِمَا

به واسطه تمام آن چه به آن، پیامبران مرسل - که رسالت تبلیغ داشتند - و رسولانت از تو خواستند، و از تو می‌خواهم

سَأَلَكَ بِهِ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ، وَمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبُونَ، أَنْ تَمْحُو مِنِّي

به واسطه آنچه بندگان صالح و شایسته‌ات و فرشتگان مقربت با آن از تو خواستند؛ که از

أُمَّ الْكِتَابِ ذَلِكَ، وَتَكْتُبَ لَهُمُ الْإِضْمِحْلَالَ وَالْمَحَقَّ، حَتَّى تُقَرِّبَ

امم الكتاب (لوح محفوظ)، آن مدت و مهلت را محو کنی و نابودی و پراکندگی و از هم پاشیدگی را برای‌شان بنویسی تا

أَجَالَهُمْ، وَتَقْضِيَ مَدَّتَهُمْ، وَتُذْهِبَ أَيَّامَهُمْ، وَتُبَيِّرَ أَعْمَارَهُمْ،

اجل‌های‌شان را نزدیک سازی، و مدت‌شان را پایان دهی، و روزهای‌شان را سپری سازی، و رشته عمرشان را پاره کنی،

وَتُهْلِكَ فُجَارَهُمْ، وَتَسْلُطَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ، حَتَّى لَا تُبْقِيَ

و فاسقانشان را هلاک سازی، و بعضی از آنها را بر بعضی دیگر مسلط سازی؛ تا

مِنْهُمْ أَحَدًا، وَلَا تُنَجِّيَ مِنْهُمْ أَحَدًا، وَتُفَرِّقَ جُمُوعَهُمْ، وَتَكِلَ

آن که یک نفر از آنان را باقی نگذاری، و احدی از آنان را نجات ندهی، و اجتماع‌شان را متفرق سازی؛

سِلَاحَهُمْ، وَتُبَدِّدَ شَمْلَهُمْ، وَتَقْطَعَ أَجَالَهُمْ، وَتَقْصِرَ أَعْمَارَهُمْ،

و سلاح‌شان را ناتوان و بی‌اثر، و جمع آنان را پراکنده کنی، و مهلت ایشان را قطع، و عمرشان را کوتاه،

وَتُرْزِلَ أَقْدَامَهُمْ، وَتُطَهَّرَ بِلَادَكَ مِنْهُمْ، وَتُظْهِرَ عِبَادَكَ عَلَيْهِمْ،

و قدم‌های‌شان را متزلزل کنی؛ و سرزمین‌هایت را از وجودشان پاک، و بندگانت را بر آنان مسلط سازی؛

فَقَدْ غَيَّرُوا سُنَّتَكَ، وَنَقَضُوا عَهْدَكَ، وَهَتَكُوا حَرِيمَكَ، وَأَتَوْا عَلَى

چرا که آنان سنت تو را تغییر دادند، و عهدت را شکستند، و حریمت را هتک کردند،

مَا نَهَيْتَهُمْ عَنْهُ، وَعَتَوْا عُنْوًا كَبِيرًا كَبِيرًا، وَضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا،

و آنچه نهی کردی انجام دادند و (از فرمان‌های تو) سرپیچی نمودند؛ سرپیچی و نافرمانی بزرگ بزرگ، و گمراه شدند گمراهی عمیق،

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأُذِّنْ لِمَجْمَعِهِمُ بِالشَّتَاتِ، وَلِحَيِّهِمْ

پس بر محمد و آل محمد درود فرست، و بر جمع و اجتماع آنان پراکندگی را، و برای زنده‌ان آنان

بِالْمَمَاتِ، وَالْأَزْوَاجِهِمُ بِالنَّهْبَاتِ، وَخَلِّصْ عِبَادَكَ مِنْ ظُلْمِهِمْ،

مرگ را، و برای زوج‌هایشان غارت و چپاول را اراده کن و فرمان بده؛ و بندگانت را از ستم آنان رهایی ده،

وَاقْبِضْ أَيْدِيَهُمْ عَنِ هَضْمِهِمْ، وَطَهِّرْ أَرْضَكَ مِنْهُمْ، وَأُذِنْ بِحَصْدِ

و با شکستشان دست‌هایشان را ببند، و زمینت را از آنان پاک گردان، و فرمان بده به درو شدن و نابودی

نَبَاتِهِمْ، وَاسْتِیْضَالَ شَاقَتِهِمْ، وَشَتَاتِ شَمْلِهِمْ، وَهَدْمِ بُنْيَانِهِمْ، يَا

زراعتشان و به از بین رفتن اموالشان و پراکندگی امورشان و نابودی اصل و اساسشان؛ ای

ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. وَأَسْأَلُكَ يَا إِلَهِي وَإِلَهَ كُلِّ شَيْءٍ، وَرَبِّي

صاحب شکوه و بزرگواری. و از تو می‌خواهم ای معبود من؛ و ای معبود هر چیزی؛ و ای پروردگار من

وَرَبَّ كُلِّ شَيْءٍ، وَأَدْعُوكَ بِمَا دَعَاكَ بِهِ عَبْدَاكَ وَرَسُولَاكَ،

و پروردگار هر چیزی؛ تو را می‌خوانم با آنچه دو بنده و دو فرستاده

وَنَبِيَّاكَ وَصَفِيَّاكَ مُوسَى وَهَارُونَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، حِينَ قَالَا،

و دو پیامبر و برگزیده‌ات موسی و هارون - که بر آنان درود باد - تو را خواندند؛ آن هنگام که گفتند

دَاعِيَيْنِ لَكَ، رَاجِعِينَ لِفَضْلِكَ، ﴿رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَأَهُ

- در حالت دعاگویی به درگاهت و امیدواری به فضلت - : پروردگارا! تو، به فرعون و گروهش

زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَن سَبِيلِكَ رَبَّنَا

در زندگی دنیا زیور و اموال بسیار بخشیدی که با آن بندگان را از راه تو گمراه کنند؛ پروردگارا!

اطْمَسَ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَأَشَدُّ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّى يَرَوْا

اموال آنان را نابود گردان، و دل‌هایشان را سخت گردان، که اینان ایمان نیاورند، تا هنگامی که

الْعَذَابَ الْأَلِيمَ﴾^۱، فَمَنْتَ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِمَا بِالْإِجَابَةِ لَهُمَا إِلَى أَنْ

عذاب دردناک تو را مشاهده کنند؛ پس بر آنان با اجابت دعایشان منت گذارده و نعمت دادی؛ تا این که

قَرَعْتَ سَمْعَهُمَا بِأَمْرِكَ، فَقُلْتَ اللَّهُمَّ رَبِّ ﴿قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا

فرمانت را به گوش آنان رساندی، پس گفתי: - ای خدا و ای پروردگار من؛ - دعای شما را مستجاب کردم؛

فَأَسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانَّ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾^۲. أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ

پس هر دو استقامت بورزید، و پیروی از راه مردم جاهل نکنید، (می‌خواهم) که بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَطْمِسَ عَلَيَّ أَمْوَالِ هَؤُلَاءِ الظَّالِمَةِ، وَأَنْ

محمد و آل محمد درود فرستی، و اموال این ستم‌گران را محو و نابود کنی، و بر

سوره بقره

بخش چهارم



تَشَدَّدَ عَلَى قُلُوبِهِمْ، وَأَنْ تَخْصِفَ بِهِمْ بَرَكَ، وَأَنْ تُغْرِقَهُمْ فِي

قلوبشان سخت گردانی، و آنان را به بیابان خود فرو بری، و در دریای خودت آنان را غرق

بَحْرِكَ، فَإِنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا فِيهِمَا لَكَ، وَأَرِ الْخَلْقَ

کنی؛ همانا آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست در اختیار توست،

قُدْرَتِكَ فِيهِمْ، وَبَطَشَتِكَ عَلَيْهِمْ، فَاَفْعَلْ ذَلِكَ بِهِمْ، وَعَجِّلْ لَهُمْ

و قدرت خود را در مورد آنان، و سختگیریت را بر ایشان به مردم نشان بده؛ این کار را دربارهٔ آنان انجام ده و برای آنان در

ذَلِكَ، يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ، وَخَيْرَ مَنْ دُعِيَ، وَخَيْرَ مَنْ تَذَلَّلَتْ لَهُ

این کار شتاب کن؛ ای بهترین کسی که از او درخواست شده؛ و بهترین کسی که خوانده شده؛ و بهترین کسی که برای او

الْوُجُوهُ، وَرَفَعَتْ إِلَيْهِ الْأَيْدِي، وَدُعِيَ بِاللُّسُنِ، وَشَخَصَتْ إِلَيْهِ

چهرهها به خاک مذلت افتاده؛ و دستها به سوی او بالا رفته؛ و با زبانها خوانده شده؛ و نگاهها به سوی

الْأَبْصَارُ، وَأَمَّتْ إِلَيْهِ الْقُلُوبُ، وَنَقَلَتْ إِلَيْهِ الْأَقْدَامُ، وَتُحَوِّمَ إِلَيْهِ

او دوخته شده؛ و قلبها به سوی او روی آورده؛ و قدمها به سوی او برداشته شده؛ و داوری

فِي الْأَعْمَالِ. إِلَهِي وَأَنَا عَبْدُكَ أَسْأَلُكَ مِنْ أَسْمَائِكَ بِأَبْنَاهَا، وَكُلِّ

در کارها به سوی او برده شده است. خدای من؛ من بندهات هستم که از تو می‌خواهم با شکوه‌مندترین نام‌هایت؛ البته تمام

أَسْمَائِكَ بِهِيَّ، بَلْ أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ كُلِّهَا، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

نام‌های تو باشکوه است بلکه از تو به واسطه تمام نام‌هایت می‌خواهم که بر محمد

وَالِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُرَكِّسَهُمْ عَلَى أُمَّرُؤُسِهِمْ فِي زُبَيْتِهِمْ، وَتُرَدِّيَهُمْ

و آل محمد درود فرستی، و اهل ستم را با مغز سرشان در حفره و گودالی که روی آن را پوشیده‌اند واژگون کنی، و آنان را در

فِي مَهْوَى حُفْرَتِهِمْ، وَأَزْمِهِمْ بِحَجَرِهِمْ، وَذَكَّهِمْ بِمَشَاقِصِهِمْ،

عمق حفره‌هایشان بیندازی، و با سنگ‌شان آنان را بزنی، و آنان را بگشی با تیرهای‌شان.

وَكَبَيْبُهُمْ عَلَى مَنَاخِرِهِمْ، وَاخْنَقَهُمْ بِوَتَرِهِمْ، وَأَزِدُّدْ كَيْدَهُمْ فِي

و با بینی‌شان بر زمین بکوبی، و با زه‌کمان‌هایشان آنان را خفه کنی، و نیرنگ‌شان را به خودشان

نُحُورِهِمْ، وَأَوْبِقُهُمْ بِنَدَامَتِهِمْ، حَتَّى يَسْتَحْذِلُوا وَيَتَضَاءَلُوا بَعْدَ

باز گردانی، و با پشیمانی‌شان آن‌ها را هلاک سازی، تا بعد از غرورشان خوار و ذلیل شوند، و پس از این همه

نِخْوَتِهِمْ ، وَيَنْقِمِعُوا بَعْدَ اسْتِطَالَتِهِمْ ، أَذِلَّاءَ مَأْسُورِينَ فِي رِبْقِ

خود برترینی خرد و کوچک شوند و بعد از گردنکشی خوار شوند، در حالی که ذلیل‌های اسیر شده در بند

حَبَائِلِهِمْ ، الَّتِي كَانُوا يُؤَمِّلُونَ أَنْ يَرَوْنَا فِيهَا ، وَتُرِينَا قُدْرَتَكَ

طناب‌هایشان باشند - همان طناب‌هایی که آرزو داشتند ما را در آن ببینند - و به ما قدرت خود را

فِيهِمْ ، وَسُلْطَانَكَ عَلَيْهِمْ ، وَتَأْخُذَهُمْ أَخْذَ الْقَرِي وَهِيَ ظَالِمَةٌ ، إِنَّ

در مورد آنان، و سلطنت خود بر آنان را نشان بده، و آنان را مجازات کن همانند مجازات بلده‌هایی که اهل آن ظالم بودند؛ همانا

أَخْذَكَ الْأَلِيمِ الشَّدِيدِ ، وَتَأْخُذَهُمْ يَا رَبِّ أَخْذَ عَزِيزٍ مُقْتَدِرٍ ، فَإِنَّكَ

مجازات دردناک و شدید است؛ ای پروردگار من! آنان را مجازات کن، مانند مجازات فرد باعزت و مقتدر، زیرا تو

عَزِيزٌ مُقْتَدِرٌ ، شَدِيدُ الْعِقَابِ ، شَدِيدُ الْمِحَالِ . اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

نیرومند غالب و باقتداری، کیفر تو سخت و توانایی تو شدید است. خدای من! بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَعَجِّلْ أَيْرَادَهُمْ عَذَابَكَ الَّذِي أَعْدَدْتَهُ

محمد و آل محمد درود فرست، و در وارد کردن (ظالمان) به عذابت که

لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَمْثَالِهِمْ ، وَالطَّاعِينَ مِنْ نُظْرَائِهِمْ ، وَارْفَعْ حِلْمَكَ

برای ستمکارانی مثل آن‌ها، و سرکشانی نظیر آنان آماده کرده‌ای تعجیل کن؛ و می‌خواهم که بردباری خود را

عَنْهُمْ ، وَاحْلُلْ عَلَيْهِمْ غَضَبَكَ الَّذِي لَا يَقُومُ لَهُ شَيْءٌ ، وَأْمُرْ فِي

از آنان برداری و بر آنان غضبت را روا داری؛ غضبی که چیزی در برابر آن مقاومت و ایستادگی ندارد و در

تَعْجِيلِ ذَلِكَ عَلَيْهِمْ بِأَمْرِكَ الَّذِي لَا يُرَدُّ وَلَا يُؤَخَّرُ ، فَإِنَّكَ شَاهِدٌ

تعجیل غضبت بر آنان دستور بده، دستوری که برنمی‌گردد و به تأخیر نمی‌افتد؛ همانا تو شاهد

كُلِّ نَجْوَى ، وَعَالِمُ كُلِّ فَحْوَى ، وَلَا تَخْفَى عَلَيْكَ مِنْ أَعْمَالِهِمْ

هر گفتگو و رازی، و آگاه از معنا و مفهوم هر کلامی، و پنهان‌کاری آنان در کارهای‌شان بر تو

خَافِيَةٌ ، وَلَا تَذْهَبُ عَنْكَ مِنْ أَعْمَالِهِمْ خَائِنَةٌ ، وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ ،

مخفی نمی‌ماند؛ و هیچ یک از اعمال خائنانه آنان دور از نظرت نمی‌ماند؛ و تو نسبت به آنچه پنهان است بسیار دانایی

عَالِمٌ بِمَا فِي الضَّمَائِرِ وَالْقُلُوبِ . وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ وَأُنَادِيكَ بِمَا

و به آنچه در خاطرها و نهادها و دل‌ها است آگاهی؛ و خدای من! از تو می‌خواهم و ندا می‌دهم به آن چه که

صحیفه

بخش چهارم



نَادَاكَ بِهِ سَيِّدِي، وَسَأَلَكَ بِهِ نُوحٌ، إِذْ قُلْتَ تَبَارَكْتَ وَتَعَالَيْتَ

سرور من تو را به آن ندا داد و به واسطه آن نوح از تو درخواست نمود آن هنگام که گفتی - ای که پاک و منزّه و بلندمرتبه‌ای - :

«وَلَقَدْ نَادَانَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ»، أَجَلِ اللَّهُمَّ يَا رَبِّ أَنْتَ

و تو به راستی نوح ما را ندا داد پس ما چه خوب اجابت‌کنندگان هستیم، آری! خدای من! ای پروردگار من! تو

نِعْمَ الْمُجِيبُ، وَنِعْمَ الْمَدْعُوُّ، وَنِعْمَ الْمَسْئُولُ، وَنِعْمَ الْمُعْطَى،

بهترین اجابت‌کننده‌ای، و بهترین خوانده شده‌ای، و بهترین درخواست‌شده هستی و بهترین عطاکننده‌ای!

أَنْتَ الَّذِي لَا تُخَيِّبُ سَائِلَكَ، وَلَا تَرُدُّ رَاجِيَكَ، وَلَا تَطْرُدُ الْمُلِحَّ عَنْ

تو همان کسی هستی که درخواست‌کننده‌ات را ناامید نمی‌کنی، و امیدوار به خودت را رد نمی‌کنی، و اصرارکننده را از

بَابِكَ، وَلَا تَرُدُّ دُعَاءَ سَائِلِكَ، وَلَا تَمَلُّ دُعَاءَ مَنْ أَمَلَكَ، وَلَا تَتَّبِرُّمُ

دربارت نمی‌رانی، و دعای ستوال‌کننده‌ات را رد نمی‌کنی، و از دعای آرزومندت، گرفته و دل‌گیر نمی‌شوی،

بِكثْرَةِ حَوَائِجِهِمْ إِلَيْكَ، وَلَا بِقَضَائِهَا لَهُمْ، فَإِنَّ قَضَاءَ حَوَائِجِ جَمِيعِ

و از زیادی خواسته‌هایشان، و به خاطر برآوردن خواسته‌هایشان به ستوه نمی‌آیی؛ همانا برآوردن حاجات تمام

خَلْقِكَ إِلَيْكَ فِي أَسْرَعٍ لِحَظٍ مِنْ لَمَحِ الطَّرْفِ، وَأَخْفُ عَلَيْكَ،

آفریدگانت در نزد تو سریع‌تر است از چشم برهم زدن، و سبک‌تر

وَأَهْوَنُ عِنْدَكَ مِنْ جَنَاحِ بَعُوضَةٍ. وَحَاجَتِي يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ،

و آسان‌تر است بر تو از بال پشه. و حاجت من ای آقا و مولای من،

وَمُعْتَمِدِي وَرَجَائِي، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ

و تکیه‌گاه و امید من؛ این است که می‌خواهم بر محمد و آل محمد درود فرستی، و

تَغْفِرَ لِي ذَنْبِي، فَقَدْ جِئْتُكَ ثَقِيلَ الظَّهْرِ بِعَظِيمِ مَا بَارَزْتُكَ بِهِ مِنْ

گناهانم را ببخشی؛ زیرا به درگاهت آمدم در حالی که پشتم از بار گناهانم سنگین شده؛ گناهان بزرگی که به واسطه آن‌ها با تو به

سَيِّئَاتِي، وَرَكِبْتِي مِنْ مَظَالِمِ عِبَادِكَ مَا لَا يَكْفِينِي، وَلَا يُخَلِّصُنِي

مبارزه برخاستم، و حقوق زیادی از بندگانت بر عهده من است که جز تو کفایت نمی‌کند، و جز تو مرا

مِنْهَا غَيْرُكَ، وَلَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ، وَلَا يَمْلِكُهُ سِوَاكَ، فَاْمَحْ يَا سَيِّدِي

از آن‌ها رهایی نمی‌دهد، و بر آن توان ندارد، و در اختیار کسی جز تو نیست، پس از بین ببر ای آقای من!

كثرة سيئاتي يسير عبراتي، بل بقساوة قلبي، وجمود عيني،

زیادی گناهانم را با کمی اشک‌هایم؛ بلکه با سنگدلی و خشکی چشم!

لا بل برحمتك التي وسعت كل شيء، وأنا شيء، فلتسغني

نه، بلکه به خاطر رحمت خودت که هر موجودی را فرا گرفته است، و من نیز یکی از آن موجودات هستم، پس

رحمتك، يا رحمان يا رحيم، يا ارحم الراحمين، لا تمتحنني في

رحمتت شامل من نیز هست، ای بخشنده! ای مهربان! ای مهربان‌ترین مهربانان! در

هذه الدنيا بشيء من المحن، ولا تسلط علي من لا يرحمني،

این دنیا با محنت‌ها و دشواری‌ها مرا امتحان مکن، و کسی را که بر من رحم نمی‌کند بر من مسلط مکن،

ولا تهلكني بذنوبي، وعجل خلاصي من كل مكروه، وادفع

و به وسیله گناهانم هلاکم مساز، و در رهاییم از هر ناپسند و ناخوش‌آیند تعجیل فرما،

عني كل ظلم، ولا تهتك شري، ولا تفضحني يوم جمعك

و هر ستمی را از من دور کن و پردمام را مدر، و در روزی که آفریدگانت را برای

الخلايق للحساب، يا جزيل العطاء والثواب، أسألك أن تصلي

حساب گرد می‌آوری مرا رسوا مکن، ای بسیار عطاکننده و پاداش‌دهنده؛ از تو می‌خواهم

على محمد و آل محمد، وأن تحييني حياة السعداء، وتميتني

بر محمد و آل محمد درود فرستی، و مرا به زندگی سعادتمندان زنده بداری، و به

ميتة الشهداء، وتقبلني قبول الأوداء، وتحفظني في هذه

مرگ شهیدان بمیرانی، و مانند پذیرش دوست‌داران مرا بپذیری، و در این

الدنيا الدنيئة، من شر سلاطينها وفجارها، وشرارها ومحبيها،

دنیاى پست، مرا از شر پادشاهان دنیا و بدکاران آن و شروران و دوست‌داران آن،

والعاملين لها وما فيها، وقني شر طغاتها وحسادها، وباغي

و عمل‌کنندگان برای دنیا و آن چه در آن است؛ حفظ کنی، و مرا از شر سرکشان دنیا و حسودان آن، و طالب

الشرك فيها، حتى تكفيني مكر المكرة، وتفقأ عني أعين

شرك در آن، نگه داری، تا مرا از مکر مکاران کفایت کنی، و چشم‌های کفار را نسبت به من کور نمایی،

ببخش چهارم



الْكَفْرَةَ، وَتُفْحِمَ عَنِّي أَلْسِنَ الْفَجْرَةِ، وَتَقْبِضَ لِي عَلَى أَيْدِي

و زبان بدکاران را از من کوتاه و لال گردانی، و دستهای ستمگران را برابم ببندی،

الظُّلْمَةَ، وَتُوهِنَ عَنِّي كَيْدَهُمْ، وَتُمِيتَهُمْ بِغَيْظِهِمْ، وَتَشْغَلَهُمْ

و نقشه‌ها و مکرایشان را بر من سست و بی‌پایه کنی، و آنان را با خشم درونی‌شان بمیرانی، و آنان را به

بِأَسْمَاعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ وَأَفْئِدَتِهِمْ، وَتَجْعَلَنِي مِنْ ذَلِكَ كُلِّهِ فِي

گوش‌ها و چشم‌ها و دل‌هایشان مشغول سازی؛ و مرا از تمام آن‌ها در

أَمْنِكَ وَأَمَانِكَ، وَحِرْزِكَ وَسُلْطَانِكَ، وَحِجَابِكَ وَكَنْفِكَ، وَعِيَاذِكَ

امن و امان خودت، و حفظ و سلطنتت، و پوشش و حمایتت، و پناه

وَجَارِكَ، وَمِنْ جَارِ السُّوْءِ وَجَلِيسِ السُّوْءِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

و جوارت قرار دهی؛ و از همسایه بد و همنشین بد نیز در امان داری؛ همانا تو بر هر چیزی

قَدِيرٌ، إِنْ وَلِيَّيَ اللَّهُ الَّذِي نَزَلَ الْكِتَابَ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ.!

توانایی؛ همانا سرپرست من خدایی است که کتاب را فرستاد و او سرپرست صالحان است.

اللَّهُمَّ بِكَ أَعُوذُ، وَبِكَ أَلُوذُ، وَلَكَ أَعْبُدُ، وَإِيَّاكَ أَرْجُو، وَبِكَ

خدای من؛ به تو پناه آورده‌ام و به تو پناهنده‌ام و برای تو عبادت می‌کنم و فقط امیدوار به لطف تو هستم و از تو

أَسْتَعِينُ، وَبِكَ أَسْتَكْفِي، وَبِكَ أَسْتَعِيثُ، وَبِكَ أَسْتَقِذُ، وَمِنْكَ

کمک می‌جویم و از تو درخواست کفایت می‌کنم و از تو دادخواهی می‌نمایم و به وسیله تو رهایی می‌طلبم؛ و از تو

أَسْأَلُ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا تُرَدَّنِي إِلَّا بِذَنْبٍ

می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی، و مرا باز نگردانی مگر با گناه

مَغْفُورٍ، وَسَعْيٍ مَشْكُورٍ، وَتِجَارَةٍ لَنْ تَبُورَ، وَأَنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ

بخشوده شده و تلاش سپاسگزاری شده و تجارتی که هرگز کساد نشود؛ و با من آنچه تو

أَهْلُهُ، وَلَا تَفْعَلَ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ، فَإِنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ،

اهل هستی انجام دهی، و با من آنچه اهلش هستم انجام مدهی که همانا تو اهل تقوا و اهل آمرزش

وَأَهْلُ الْفَضْلِ وَالرَّحْمَةِ. إِلَهِي وَقَدْ أَطَلْتُ دُعَائِي، وَأَكْثَرْتُ

و اهل فضل و رحمت هستی، خدای من؛ به راستی که دعایم را طول دادم و



خِطَابِي، وَضِيقُ صَدْرِي حَدَانِي عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ، وَحَمَلَنِي عَلَيْهِ،

خطابم را زیاد کردم، که تنگی و فشار سینهام بر تمام این‌ها مرا کشاند، و مرا بر آن‌ها وادار کرد،

عِلْمًا مِنِّي بِأَنَّهُ يُجْزِيكَ مِنْهُ قَدْرُ الْمِلْحِ فِي الْعَجِينِ، بَلْ يَكْفِيكَ

با این که می‌دانم از تمام این‌ها فقط به اندازه نمک خمیر، تو را کفایت می‌کند؛ بلکه

عَزْمُ إِزَادَةٍ وَأَنْ يَقُولَ الْعَبْدُ بِنِيَّةٍ صَادِقَةٍ وَلِسَانٍ صَادِقٍ يَا رَبِّ،

قصد خواستن و این که بنده با نیت راست و زبان صادق بگوید: ای پروردگار من! کافی است

فَتَكُونَ عِنْدَ ظَنِّ عَبْدِكَ بِكَ، وَقَدْ نَاجَاكَ بِعَزْمِ الْإِزَادَةِ قَلْبِي،

که تو در نزد گمان بنده‌ات به تو حضور داری. به راستی که قلبم به قصد خواستن با تو مناجات کرد؛

فَأَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُقَرِّنَ دُعَائِي

پس از تو می‌خواهم بر محمد و آل محمد درود فرستی و دعایم را قرین

بِالْإِجَابَةِ مِنْكَ، وَتُبَلِّغَنِي مَا أَمَلْتَهُ فِيكَ، مِنْهُ مِنْكَ وَطَوَّلًا، وَقُوَّةً

اجابت خود سازی، و مرا به آرزوهایی که نسبت به تو دارم از جهت لطف و احسانی که به من داری و قدرت و توانی که در

وَحَوْلًا، لَا تُقِيمُنِي مِنْ مَقَامِي هَذَا إِلَّا بِقَضَاءِ جَمِيعِ مَا سَأَلْتُكَ،

تو هست برسانی، از جایم بر مخیزان مگر به برآوردن تمام آنچه از تو خواستم؛

فَإِنَّهُ عَلَيْكَ يَسِيرٌ، وَخَطَرُهُ عِنْدِي جَلِيلٌ كَثِيرٌ، وَأَنْتَ عَلَيْهِ قَدِيرٌ،

همانا این کار بر تو آسان است و قدر و ارزش آن در نزد من شکوهمند و زیاد است؛ و در حالی که تو بر این کار توانایی

يَا سَمِيعُ يَا بَصِيرُ. إِلَهِي وَهَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ،

ای شنوا! ای بینا! خدای من! این جایگاه پناهنده به تو از آتش

وَالْهَارِبِ مِنْكَ إِلَيْكَ، مِنْ ذُنُوبٍ تَهَجَّمَتْهُ، وَعُيُوبٍ فَضَحَتْهُ،

و گریزنده از (غضب) تو به (رحمت) تو است؛ از گناهایی که بر او هجوم آورده، و عیوبی که او را رسوا کردند؛

فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانظُرْ إِلَيَّ نَظْرَةَ رَحِيمَةٍ أَفُوزُ

پس بر محمد و آل محمد درود فرست، و بر من نظر کن نظری از روی لطف و رحمت که

بِهَا إِلَيَّ جَنَّتِكَ، وَاعْطِفْ عَلَيَّ عَطْفَةً أَنْجُو بِهَا مِنْ عِقَابِكَ، فَإِنَّ

به وسیله آن به سوی بهشت تو کامیاب گردم؛ و به من مهربانی کن، نوعی مهربانی که با آن از کیفر تو نجات یابم، همانا

الْجَنَّةَ وَالنَّارَ لَكَ وَبِيَدِكَ، وَمَفَاتِيحَهُمَا وَمَغَالِقَهُمَا إِلَيْكَ، وَأَنْتَ

بهشت و آتش از آن تو و به دست توست و کلیدها و قفل‌هایشان به سوی توست، و تو

عَلَى ذَلِكَ قَادِرٌ، وَهُوَ عَلَيْكَ هَيِّنٌ يَسِيرٌ، فَأَفْعَلْ بِي مَا سَأَلْتُكَ

بر آن توانایی، و آن امر بر تو سهل و آسان است، پس آنچه از تو خواستم برای من انجام بده؛

يَا قَدِيرٌ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، وَحَسْبُنَا اللَّهُ

ای توانا؛ و هیچ جنبش و توانایی نیست مگر به توان خداوند بلندمرتبه بزرگ؛ و خدا ما را کافی است،

وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، نِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

و خوب پشتیبانی است؛ خوب سرور، و خوب یاری‌کننده‌ای است، و حمد و ستایش مخصوص خدایی است که

الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ الطَّاهِرِينَ^۱

پروردگار جهان است، و خداوند بر سرورمان محمد و آل پاکش درود فرستد.

علی بن حماد می‌گوید: این دعا را از ابو الحسن علی علوی عریضی گرفتم و او با من شرط کرد که آن را به مخالف ندهم و به هیچ کس ندهم مگر آن که مذهبش را بدانم، و بدانم که او از دوست‌داران آل محمد علیهم‌السلام است؛ این دعا پیش من و برادران دینی‌ام (شیعیان) بود تا آن که یک قاضی اهوازی که مخالف مذهب بود در بصره نزد من آمد. او در گذشته به من احسان کرده بود و در شهرش به او احتیاج پیدا کرده بودم و در خانه‌اش بودم. شاه او را گرفته و بیست هزار درهم از او خواسته بود.

دلم به حالش سوخت، بر او رحم نموده و این دعا را به او دادم. او دعا را خواند، هنوز یک هفته تمام نشده بود که شاه او را بخشید و بیست هزار درهم را از او نخواست و با احترام، او را به شهرش باز گردانید و من او را تا «ابله» مشایعت نمودم و به بصره باز گشتم. بعد از چند روزی دعا را نیاز داشتم اما نیافتم، و تمام کتاب‌هایم را جستجو نمودم ولی هیچ اثری از آن ندیدم. پس، دعا را از ابو مختار حسینی خواستم که او نیز نسخه‌ای از دعا داشت اما در کتاب‌های او نیز نیافتیم؛ تا بیست سال دنبال دعا می‌گشتم اما نمی‌یافتیم؛ فهمیدم که این مجازاتی است از طرف خداوند عزوجل؛ چون دعا را به مخالف مذهب داده بودم؛

بیست سال که گذشت، دعا را در کتاب‌های خود یافتیم در حالی که بارها به دنبال دعا گشته بودیم؛ لذا، با خود عهد کردم جز به کسی که اطمینان به دینش داشته باشم - که از معتقدان به ولایت آل رسول ﷺ است - دعا را ندهم بعد از این که از او هم عهد بگیرم که این دعا را جز به کسی که لایق آن است نهد و از خدا کمک می‌جویم و بر او توکل می‌کنیم.^۱

در کتاب «جواهر المنثوره» سید عبدالحسیب علوی، جملاتی بیش از آنچه در «مهج الدعوات» است وارد شده که چنین است:

وَصَلِّ اللَّهُمَّ عَلَى سَيِّدِ الْأَنْبِيَاءِ، وَخَيْرِ الْأَوْلِيَاءِ، وَأَفْضَلِ الْأَصْفِيَاءِ،

خدای من! بر سرور انبیا و بهترین اولیا و برترین برگزیدگان

وَأَعْلَى الْأَزْكَيَاءِ، وَأَكْمَلِ الْأَتْقِيَاءِ، أَرْسَلَهُ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا،

و والاترین پاکان و کامل‌ترین پرهیزکاران که او را به حقیقت بشارت‌دهنده و ترساننده فرستاده؛

وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ، وَسِرَاجًا مُنِيرًا، مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى وَآلِهِ

و دعوت‌کننده به سوی خدا به اذن خدا، و چراغ روشنگر، یعنی حضرت محمد ﷺ برگزیده و آل او

مَفَاتِيحَ أَشْرَارِ الْعُلَى، وَمَصَابِيحَ أَنْوَارِ الثَّقَى. وَالسَّلَامُ عَلَى مَنْ

- که کلیدهای اسرار بلندمرتبه و چراغ‌های پر نور پرهیزکاری هستند - درود فرست. و سلام بر کسی که

اتَّبَعَ الْهُدَى، وَصَلِّ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَعَلَى أَهْلِ

از هدایت پیروی نماید، و درود فرست بر تمام انبیا و رسولان، و بر تمام

طَاعَتِكَ أَجْمَعِينَ، مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، وَاخْصُصْ

فرمان‌بردارانت اعم از آسمانیان و زمینیان؛ و محمد ﷺ را مخصوص گردان

مُحَمَّدًا بِأَفْضَلِ الصَّلَاةِ وَالتَّسْلِيمِ. اللَّهُمَّ ارْحَمْنَا فِيهِمْ، وَاغْفِرْ

به برترین درودها و سلام‌ها. خدایا! ما را در میان ایشان رحمت رسان، و ما را با آنان بیامرز؛

لَنَا مَعَهُمْ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

به خاطر رحمت خودت، ای مهربان‌ترین مهربانان؛

نویسنده کتاب «جواهر المشورة» می گوید: دعایی را که بعد از این ذکر می شود به خط جدم محقق داماد رحمته الله یافتیم و در آخر دعای علوی مصری خوانده می شود:

اللَّهُمَّ بِكَ يَصُولُ الصَّائِلُ، وَبِقُدْرَتِكَ يَطُولُ الطَّائِلُ، وَلَا حَوْلَ

خدای من؛ حمله کننده به کمک تو حمله می کند؛ و به کمک قدرت تو غلبه کننده غلبه می کند؛ و هیچ جنبش و توانی

لِكُلِّ ذِي حَوْلٍ إِلَّا بِكَ، وَلَا قُوَّةَ يَمْتَازُهَا ذُو الْقُوَّةِ إِلَّا مِنْكَ،

برای هیچ جنبنده و توانائی نیست، مگر به کمک تو؛ و هیچ قوتی نیست که قدرت داری را ممتاز کند، مگر آن که از توست؛

بِصَفْوَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَخَيْرَتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ، مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ وَعِثْرَتِهِ

تو را به حق برگزیده خلقت، و انتخاب شده از آفریدگانت حضرت محمد صلی الله علیه و آله پیامبر و خاندان

وَسُلَالَتِهِ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ، صَلِّ عَلَيْهِمْ، وَاكْفِنِي شَرَّ هَذَا

و دودمانش - که بر او و آنان درود باد - بر آنان درود فرست، و مرا از شر این

الْيَوْمِ وَضُرِّهِ، وَارْزُقْنِي خَيْرَهُ وَيَمْنَهُ، وَأَقْضِ لِي فِي مَتَصَرَّفَاتِي

روز و سختی آن کفایت کن، و خیر و خوبی آن را روزیم گردان، و در تمام تصرفات من و کارهایی که انجام می دهم

بِحُسْنِ الْعَافِيَةِ، وَبُلُوغِ الْمَحَبَّةِ، وَالظَّفْرِ بِالْأَمْنِيَّةِ، وَكِفَايَةِ

عافیت نیکو مرحمت فرما و محبت و دستیابی به آرزو و کفایت

الطَّاعِيَةِ الْمُغْوِيَةِ، وَكُلِّ ذِي قُدْرَةٍ لِي عَلَى أَذِيَّةٍ، حَتَّى أَكُونَ فِي

از سرکشان فریب دهنده، و هر صاحب قدرتی که قصد اذیت و آزار مرا دارد؛ مرحمت کن تا در

جَنَّةٍ وَعِصْمَةٍ مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَنِقْمَةٍ، وَأَبْدِلْنِي فِيهِ مِنَ الْمَخَافِ

حفظ و پوشش و پناه باشم، از هر بلا و عذابی، و در کارهایم، هر چیز ترسناکی را

أَمْنًا، وَمِنَ الْعَوَاقِقِ فِيهِ يُسْرًا، حَتَّى لَا يَصُدَّنِي ضَادٌّ عَنِ الْمُرَادِ،

به امن و امنیت مبدل کن، و موانع را آسان گردان تا هیچ بازدارنده ای مرا از آن چه تصمیم گرفته ام باز ندارد،

وَلَا يَحِلُّ بِي طَارِقٌ مِنْ أَدَى الْبِلَادِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ،

و هیچ پیش آمد ناگواری از اذیت و آزار شهرها بر من وارد نشود؛ همانا تو بر هر چیزی توانایی

وَالْأُمُورُ إِلَيْكَ تَصِيرُ، يَا مَنْ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ، وَهُوَ السَّمِيعُ

و همه کارها و امور مخلوقات به سوی تو بازمی گردد، ای کسی که چیزی همانند او نیست، و او شنوای

الْبَصِيرُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۱.

بیناست، و حمد و ستایش شایسته خداوند است که پروردگار جهانیان است.

روز جمعه؛ روز حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداء است

ابو سلیمان بن اُورمه می گوید: در روزگار متوکل به سامرا رفتم و بر سعید حاجب (دربان) وارد شدم، و متوکل ابا الحسن علیه السلام را به او سپرده بود تا آن حضرت را به قتل برساند. چون بر او داخل شدم، گفت: آیا دوست داری به سوی خدایت نظر کنی؟
گفتم: پاک و منزّه است خدا؛ خدای من را چشم‌ها درک نمی‌کنند و دیدگان از دیدنش عاجزند.

گفت: همان که گمان می‌کنید او امام شما است. گفتم: از این دیدن بدم نمی‌آید.
گفت: دستور قتل او را داده‌ام و فردا او را می‌کشم؛ و در نزد او اکنون پیام‌رسانی است چون خارج شد نزد او برو. کمی که گذشت و آن پیام‌رسان از نزد امام علیه السلام خارج شد رفت، سعید حاجب به من گفت: نزد او (امام علیه السلام) برو.
داخل خانه‌ای که امام در آن زندانی بود شدم، آن حضرت را دیدم که در کنار قبر حفر شده‌ای هستند؛ داخل شدم و سلام کردم و به شدت گریستم.
حضرت فرمود:

چرا گریه می‌کنی؟

گفتم: به خاطر آن چه می‌بینم.

فرمود: به خاطر آن گریه مکن؛ زیرا این کار به دست آنان انجام نمی‌گیرد.

با فرمایش آن حضرت، اندوهم تسکین یافت. و بعد فرمود:

او بیش از دو روز زنده نمی‌ماند تا این که خدا، خون او و دوستش را که دیدی بریزد.

سلیمان می‌گوید: به خدا سوگند، دو روز نگذشت که کشته شد.

به ابو الحسن علیه السلام گفتم: این حدیث پیغمبر صلی الله علیه و آله است:

لا تعادوا الأيام فتعاديكم .

با روزها دشمنی نکنید که با شما دشمنی می کنند .

حضرت فرمودند :

آری ؛ ولی این گفتار رسول خدا ﷺ تأویلی دارد :

شنبه : رسول خدا ﷺ است .

یکشنبه : امیر المؤمنین علی عليه السلام است .

دوشنبه : امام حسن و امام حسین عليهما السلام است .

سه شنبه : علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد عليهم السلام است .

چهارشنبه : موسی بن جعفر و علی بن موسی و محمد بن علی عليهم السلام و من (علی

بن محمد) هستیم .

پنجشنبه : فرزندان حسن عليه السلام است .

جمعه : قائم (قیام کننده) ما اهل بیت است .^۱

فضیلت دعای ندبه

صدر الإسلام همدانی اعلی الله مقامه در کتاب «تکالیف الأنام» می گوید : از خواص دعای ندبه این است که هر گاه در جایی با حضور قلب و اخلاص تمام و توجه به مضامین عالی آن خوانده شود عنایت و توجه امام زمان ارواحنا فداه را به آن مکان جلب می کند بلکه باعث حضور حضرت عليه السلام در آنجا می گردد ؛ چنان که در بعضی جاها اتفاق افتاده است.^۲

آیه الله شیخ علی اکبر نهاوندی رحمته الله در کتاب «العبری الحسان» می گوید : در نوشته های حجّت الإسلام حاج شیخ مهدی - که از کتاب سید جواد نقل کرده بود و او یکی از امام جماعت های مورد اطمینان در اصفهان و دارای مقامات عالی معنوی بود «و آسمان بر راستگوتر از او سایه نیفکنده بود» - دیدم که چنین نگاشته بود :

روستای «صالح آباد» متعلق به من و چند شریکم بود . عده ای تصمیم گرفتند

۱. جمال الأسبوع : ۳۶ .

۲. تکالیف الأنام فی غیبة الإمام : ۱۹۷ .

روستارا از ما به زور بگیرند و گروهی را به سوی ما فرستادند و هر چه صحبت کردیم سودی نداشت. عریضه‌ای برای امام ارواحنا فداه نوشتم و آن را در جوی آبی رها کردم و به «تخت فولاد» رفتم و دعای ندبه را با تضرع و گریه خواندم و چند بار تکرار کردم «هل إليك يا بن أحمد سبيل فتلقى؟»؛ «ای فرزند احمد؛ آیا به سوی تو راهی هست که ملاقات شوی؟»، یک دفعه صدای پای اسبی را شنیدم و عرب اسب‌سواری را دیدم که به من نظری کرد و از دیده‌ام پنهان شد و قلبم با آن مشاهده آرام گرفت و راحت شد و اطمینان پیدا کردم که کارم درست می‌شود. شب بعد کارم به بهترین شکل درست شد؛ من، آن حضرت صلوات الله علیه را بارها در خواب دیده‌ام و او به همین اوصاف بوده است.^۱

سید رضا - که از علمای مورد اطمینان و اعتماد اصفهان است - می‌گوید: به خاطر قرض و فقر فراوان، به اموات متوسل شدم و از خداوند برای دویست نفر از آنان طلب مغفرت نمودم و آن‌ها را با اسم خاطر نشان ساختم؛ سپس به امام زمان صلوات الله علیه متوسل شدم و بعضی از عبارت‌های دعای ندبه مثل «هل إليك يا بن أحمد سبيل فتلقى؟» را خواندم؛ هنگام خواندن آن، نور خاصی حجره‌ام را روشن کرد که روشن‌تر از نور خورشید بود و در همان روز برایم گشایش کاملی حاصل شد.^۲

محدث نوری رحمته الله می‌گوید: آغا محمد که شخصی مورد اطمینان و عادل و امین و مجاور حرم عسکریین رحمته الله است؛ از زبان مادرش - که از زنان صالحه و اهل عبادت بود - برایم چنین نقل کرد: روزی به همراه خانواده مولا سلماسی در سرداب شریف بودم و آقا رحمته الله دعای ندبه می‌خواند و ما نیز به دنبال او می‌خواندیم. او همچون فرد آشفته و حیران و محزون گریه می‌کرد و مانند گرفتاران ضججه می‌زد و ما نیز با گریه او گریه می‌کردیم و کسی غیر از ما آن جا نبود.

در همین حال بودیم که بوی مشک در سرداب منتشر شد و فضا و هوای سرداب را معطر کرد و چنان شدید شد که آن حالت از همه ما رفت و سکوت کردیم. «گویا بر سر ما پرنده‌ای است» و نمی‌توانیم حرکت کنیم، یا حرفی بزنیم. حیران و مستحیر

۱. العبري الحسان: ۱۰۱/۲ الياقوت الأحمر.

۲. العبري الحسان: ۱۹۸/۲ الياقوت الأحمر.

ماندیم تا این که زمان اندکی گذشت و آن بوی خوش رفت و به حال اول برگشتیم و به باقی مانده دعا مشغول شدیم. وقتی به خانه بازگشتیم از آقا علیه السلام علت آن بوی خوش را پرسیدم، امتناع ورزید و گفت: تو را چه به این سؤال؟ و به من جواب نداد. برادر برگزیده‌ام، عالم باوفا، و چراغ راه سالکین و عبادت پیشه‌گان آقا علی رضا اصفهانی علیه السلام چنین به من گفت: از همین آقای بزرگوار روزی درباره دیدارش با حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه سؤال کردم. و اعتقاد داشتم که او هم مانند استادش سید بحر العلوم خدمت امام زمان ارواحنا فداه شرفیاب شده است. ایشان همین جریان را حرف به حرف برایم تعریف کرد والحمد لله أولاً و آخراً.^۱



دعای ندبه

علامه مجلسی علیه السلام در کتاب «زاد المعاد» با سند معتبر از امام صادق علیه السلام روایت می‌کند: خواندن دعای ندبه در اعیاد چهارگانه یعنی روز جمعه، عید فطر، عید قربان و عید غدیر مستحب است.^۲

علامه مجلسی علیه السلام در «مزار بحار» از سید بن طاووس علیه السلام از بعضی از اصحاب امامیه نقل نموده است: محمد بن علی بن ابی قرّة گفت: من دعای ندبه را از کتاب «محمد بن حسین بن سفیان بزوفری» نقل کرده‌ام و افزوده است که: آن، دعای امام زمان صلوات الله علیه است که خواندنش در اعیاد چهارگانه مستحب است.

و نیز، این دعا را عالم بزرگوار محدث نوری علیه السلام در «تحیة الزائر» از «مصباح الزائر» سید بن طاووس علیه السلام و «مزار» محمد بن مهدی با همان سند روایت نموده است. و همچنین از کتاب «مزار قدیم» هم نقل کرده و اضافه نموده است که خواندن آن در شب جمعه مستحب است همان گونه که در اعیاد اربعه استحباب دارد.^۳ و دعا این است:

۱. دار السلام: ۲۲۴/۲.

۲. زاد المعاد: ۴۹۱.

۳. مکیال المکارم: ۹۳/۲.

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَي سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ

حمد و سپاس سزاوار پروردگار عالمیان است و درود خدا بر سید و سرور ما (حضرت) محمد، پیامبر خدا

وَالِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا. اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا جَرَى بِهِ قَضَاؤُكَ

و بر آل او سلام و تحیتی کامل. بار پروردگارا؛ سپاس از آن توست در مورد آن چه که از قضا و قدرت

فِي أَوْلِيَائِكَ، الَّذِينَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِكَ وَدِينِكَ، إِذِ اخْتَرْتَ

در مورد دوستانت، جاری گشت؛ آنهایی که وجودشان را برای حضرتت و برای دینت خالص گردانیدی؛ زیرا که برگزیدی

لَهُمْ جَزِيلَ مَا عِنْدَكَ، مِنَ النِّعَمِ الْمُقِيمِ، الَّذِي لَا زَوَالَ لَهُ وَلَا

برای آنها چیزهای باارزشی که نزد تو است؛ از نعمت‌های پایدار که نابودی و زوال برای آنها

اضْمِحْلَالَ، بَعْدَ أَنْ شَرَطْتَ عَلَيْهِمُ الزُّهْدَ فِي دَرَجَاتِ هَذِهِ الدُّنْيَا

نیست. البته پس از آن که زهدورزیدن و بی‌رغبتی را در مورد این دنیای

الدُّنْيَا، وَزُخْرُفِهَا وَزِبْرَجِهَا، فَشَرَطُوا لَكَ ذَلِكَ، وَعَلِمْتَ مِنْهُمْ

پست و زر و زیور آن با آنها شرط نمودی؛ آنان نیز متعهد شدند و تو نیز

الْوَفَاءَ بِهِ. فَقَبِلْتَهُمْ وَقَرَّبْتَهُمْ، وَقَدَّمْتَ لَهُمُ الذِّكْرَ الْعَلِيِّ، وَالثَّنَاءَ

وفاداری ایشان را دانستی. پس آنان را قبول کردی و به درگاه خویش نزدیکشان ساختی و نامی بلند و ستایشی

الْجَلِيِّ، وَأَهْبَطْتَ عَلَيْهِمْ مَلَائِكَتَكَ، وَكَرَّمْتَهُمْ بِوَحْيِكَ، وَرَفَدْتَهُمْ

ارجمند به آنها دادی. و فرشتگانت را بر آنان فرو فرستادی و آنها را با وحی خود گرامی داشتی و از علم خود بهره‌مند ساختی

بِعِلْمِكَ، وَجَعَلْتَهُمُ الذَّرِيعَةَ إِلَيْكَ، وَالْوَسِيلَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ.

و آنان را وسیله به سوی درگاهت ساختی و واسطه‌ای برای جلب رضایت و خشنودیت قرار دادی.

فَبَعْضٌ أَسْكَنَتْهُ جَنَّتِكَ، إِلَى أَنْ أَخْرَجْتَهُ مِنْهَا، وَبَعْضٌ حَمَلَتْهُ فِي

پس بعضی از آنها را در بهشت خود جای دادی تا زمانی که او را از آن بیرون آوردی، و برخی دیگر را در

فُلُوكَ وَنَجَّيْتَهُ وَمَنْ أَمِنَ مَعَهُ مِنَ الْهَلَاكَةِ بِرَحْمَتِكَ، وَبَعْضٌ

کشتی‌ات سوار نمودی و با رحمت خود او و مؤمنین همراهش را از هلاکت رهایی بخشیدی.

اتَّخَذَتْهُ لِنَفْسِكَ خَلِيلًا، وَسَأَلْتَ لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْأَخْرَيْنِ

و بعضی دیگر را برای خودت دوست قرار دادی و هنگامی که از تو لسان صدق و خوش‌نامی بین دیگران را درخواست کرد،

فَأَجَبْتَهُ، وَجَعَلْتَ ذَلِكَ عَلِيًّا، وَبَعْضُ كَلِمَتِهِ مِنْ شَجَرَةٍ تَكْلِيمًا،

اجابتش نمودی و او را بلندآوازه قرار دادی، و با بعضی دیگر از طریق درخت هم‌کلام شدی

وَجَعَلْتَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ رِذَاءً وَوَزِيرًا، وَبَعْضُ أَوْلَادَتِهِ مِنْ غَيْرِ

و برادرش را وزیر و یاورش قرار دادی. و برخی دیگر را بدون پدر به وجود آوردی

أَبٍ وَآتَيْتَهُ الْبَيِّنَاتِ، وَأَيَّدْتَهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ. وَكُلُّ شَرَعْتَ لَهُ

و به او معجزات و دلایل آشکار عنایت نمودی و با روح‌القدس تأییدش کردی. و برای هر کدام (از پیامبران) شریعتی را عنایت

شَرِيعَةً، وَنَهَجْتَ لَهُ مِنْهَا جَاءً، وَتَخَيَّرْتَ لَهُ أَوْصِيَاءَ مُسْتَحْفِظًا

کردی و طریقه و راه روشنی معین فرمودی و برای هر یک جانشینانی برگزیدی تا یکی پس از دیگری حافظ

بَعْدَ مُسْتَحْفِظٍ، مِنْ مُدَّةٍ إِلَى مُدَّةٍ، إِقَامَةً لِدِينِكَ، وَحُجَّةً عَلَى

شریعت باشد؛ در زمان‌های معین برای برپا داشتن دین تو و حجت بودن بر

عِبَادِكَ، وَلَيْلًا يَزُولُ الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ، وَيَغْلِبُ الْبَاطِلُ عَلَى أَهْلِهِ،

بندگان تو تا این که حق از مدار خود زایل نگردد و باطل بر اهل آن زمان چیره نشود.

وَلَا يَقُولُ أَحَدٌ لَوْ لَا أُرْسِلَتْ إِلَيْنَا رَسُولًا مُنْذِرًا، وَأَقَمْتَ لَنَا عِلْمًا

و تا این که کسی نگوید: (خدایا!) اگر به سوی ما رسولی می‌فرستادی تا ما را بیم دهد

هَادِيًا، فَتَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ وَنَخْزَى. إِلَى أَنْ انْتَهَيْتَ

و برای ما رهبری هدایت‌کننده می‌گماشتی ما پیش از خذلان و رسوایی‌مان، از آیات پیروی می‌کردیم. تا این که

بِالْأَمْرِ إِلَى حَبِيبِكَ وَنَجِيْبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَكَانَ

امر رسالت به حبیبیت و رسول برگزیده‌ات، محمد - که درود خدا بر او و آل او باد - منتهی گردید؛ پس او

كَمَا انْتَجَبْتَهُ سَيِّدًا مِنْ خَلْقَتِهِ، وَصَفْوَةً مِنْ اصْطَفَيْتَهُ، وَأَفْضَلَ مَنْ

همچنان که او را انتخاب کردی، سرور بندگان و زبده زبندگان و برتر از همه برگزیدگانت

اجْتَبَيْتَهُ، وَأَكْرَمَ مَنْ اعْتَمَدْتَهُ، قَدَّمْتَهُ عَلَى أَنْبِيَائِكَ، وَبَعَثْتَهُ إِلَى

و گرامی‌تر از همه معتمدان تو بود. او را بر تمام پیامبران مقدم داشتی و بر

الثَّقَلَيْنِ مِنْ عِبَادِكَ، وَأَوْطَأْتَهُ مَشَارِقَكَ وَمَغَارِبَكَ، وَسَخَّرْتَ لَهُ

جن و انس از بندگان مبعوثش نمودی و شرق و غرب را زیرپای او و فرمان او قرار دادی و

الْبُرَاقَ، وَعَرَجْتَ بِهِ إِلَى سَمَائِكَ، وَأَوْدَعْتَهُ عِلْمَ مَا كَانَ وَمَا

بُراق را برایش مسخر کردی و او را به آسمانت بالا بردی و دانش آنچه بوده و خواهد

يَكُونُ، إِلَى انْقِضَاءِ خَلْقِكَ، ثُمَّ نَصَرْتَهُ بِالرُّعْبِ، وَحَفَقْتَهُ بِجَبْرِئِيلَ

بود را تا سرانجام خلقت، به او سپردی. سپس با ترسی که از او بر دل دشمنانش انداختی، یاریش کردی و گرداگرد او را به جبرئیل،

وَمِيكَائِيلَ وَالْمُسَوِّمِينَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ، وَوَعَدْتَهُ أَنْ تُظْهِرَ دِينَهُ

میکائیل و فرشتگان دیگر - که هر یک دارای علامت و اسمی هستند - احاطه نمودی و بدو وعده پیروزی دینش را

عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ، وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ. وَذَلِكَ بَعْدَ أَنْ بَوَّأْتَهُ مَبَوَّأً

بر تمامی ادیان دادی؛ گرچه مشرکان را خوش نیاید. و این پیروزی بعد از آن بود که پیامبر را به جایگاه

صِدْقٍ مِنْ أَهْلِهِ، وَجَعَلْتَ لَهُ وَلَهُمْ «أَوَّلَ بَيْتٍ وَضِعَ لِلنَّاسِ

صدقی از خاندانش جای دادی و برای او و آنان «اولین خانه‌ای را که برای (عبادت) مردم قرار داده شد،

لِلَّذِي بِبَيْتِكَ مَبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ * فِيهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ

که در مکه است بابرکت قرار دادی و باعث هدایت جهانیان گردانندی، و نیز در آن است نشانه‌های آشکار مانند مقام

إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا»^۱، وَقُلْتَ «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ

ابراهیم و هر که داخل آن خانه شد، در امان خواهد بوده. و گفתי: «خداوند اراده فرموده که

۱. در «مکیال المکارم» آورده است که «عرجت به» موافق نسخه‌ای است که آن را عالم ربّانی حاج میرزا حسین نوری رحمته

در کتاب «تحیة الزائر» از کتاب «مزار قدیم» و «مزار» شیخ محمد بن المشهدی و «مصباح الزائر» سید بن طاووس رحمته نقل فرموده است و همه آن‌ها برگرفته شده از کتاب «محمد بن علی بن ابی قرّة» است. ولی در «زاد المعاد» «عرجت بروحه» ذکر شده است و ظاهراً بر اثر اشتباهی است که در کتاب مصباح واقع شده و مجلسی هم از آن نقل نموده است و این مشهور گشته و سبب شبهه برخی کوتاه‌نظران و دشمنان گشته است؛ با این که معراج جسمانی از ضروریات مذهب و بلکه دین می‌باشد و روایات ائمه علیهم‌السلام در آن متواتر و قرآن به آن گویا است.

تذکر ارزشمند: هنگام تأمل در این عبارت، ملهم شدم که خود دعا، شهادت می‌دهد و دلالت دارد که صحیح همان است که ذکر نمودیم (عرجت به)، و در عبارت «زاد المعاد» تصحیفی واقع شده که چه بسا کار اهل عناد باشد و وجه دلالتش بدین گونه است: این که کلمه «سخرت له البراق» مقترن به «عرجت به» شده است، با توجه کامل برای خردمندان آشکار می‌گردد که همان صحیح است که گفتیم. چرا که عروج روح هیچ احتیاجی به براق ندارد و این بر هر که قلبی سلیم و عاری از شرک و نفاق داشته باشد، واضح است.

اگر گفته شود: «عبارت در مقام شمارش فضایل پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم است و عطف با «واو» اقتضا ندارد که به طور قطع، عروج به آسمان با براق بوده باشد.» در پاسخ می‌گوییم: «اگر هم بپذیریم که «بروحه» صحیح است، این، معراج جسمانی را نفی نمی‌کند؛ زیرا اثبات فضیلتی برای پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم منافات با ثبوت فضیلت دیگری ندارد. (مکیال المکارم: ۲/۱۰۰).

۲. سوره آل عمران، آیه ۹۶، ۹۷.

عَنْكُمْ الرَّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً^۱. ثُمَّ جَعَلْتَ أَجْرَ

هر پلیدی و ناپاکی را از شما اهل بیت پیامبر، ببرد و شما را کاملاً پاک و پاکیزه گردانده، آن گاه پاداش رسالت

مُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَإِلَيْهِ مَوَدَّتَهُمْ فِي كِتَابِكَ فَقُلْتَ ﴿قُلْ لَا

حضرت محمد را - که درودهای تو بر او و آل او باد - دوستی آنان مقدر نموده و در کتابت فرمودی: ﴿بگو

أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾^۲، وَقُلْتَ ﴿مَا سَأَلْتُكُمْ

من از شما پاداش نمی‌طلبم مگر دوستی خویشاوندان نزدیکم راه. و فرمودی: ﴿بگو﴾ پاداشی که از شما خواستم

مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ﴾^۳، وَقُلْتَ ﴿مَا سَأَلْتُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ

آن هم برای خودتان و به نفع شما است و فرمودی: ﴿بگو﴾ من از شما مزد رسالت نمی‌خواهم مگر آن که

شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَيَّ رَبِّي سَبِيلًا﴾^۴، فَكَانُوا هُمْ السَّبِيلَ إِلَيْكَ،

هر کدام از شما که بخواهد راه خدا را در پیش گیرد، پس آن‌ها همان راه به سوی تو هستند

وَالْمَسْلَكَ إِلَيَّ رِضْوَانِكَ. فَلَمَّا انقَضَتْ أَيَّامُهُ أَقَامَ وَلِيُّهُ عَلِيُّ بْنُ

و طریق برای خشنودی تو می‌باشند. پس وقتی مدت عمر پیامبر سپری شد، وصی و جانشین خود علی بن

أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمَا وَإِلَيْهِمَا هَادِيًا، إِذْ كَانَ هُوَ الْمُنذِرَ

ابی طالب - درودهای تو بر آن دو و آل آن دو باد - را برای هدایت امت برگزید؛ زیرا که خود او بیم‌دهنده بود،

وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ، فَقَالَ وَالْمَلَأُ أَمَامَهُ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ،

و برای هر قومی هدایتگری است. پس در حالی که همه در حضور او بودند چنین گفت: هر آن که من مولای اویم، پس علی مولای

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَاخْذُلْ

اوست؛ پروردگارا؛ دوستش را دوست بدار و دشمنش را دشمن، یاری نما هر که او را یاری نماید و خارگردان

مَنْ خَذَلَهُ. وَقَالَ مَنْ كُنْتُ أَنَا نَبِيَّهُ فَعَلِيٌّ أَمِيرُهُ. وَقَالَ أَنَا وَعَلِيٌّ

هر که او را مخدول نماید. و گفت: هر که را من پیامبر او هستم، پس علی امیر و فرمانروای اوست. و فرمود: من و علی

مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ وَسَائِرُ النَّاسِ مِنْ شَجَرٍ شَتَّى، وَأَحَلَّهُ مَحَلًّا

از یک درختیم و دیگر انسان‌ها از درختان مختلفند. و او را قرار داد

هَارُونَ مِنْ مُوسَى، فَقَالَ لَهُ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى

در جایگاه هارون نسبت به موسی، پس به او فرمود: تو نسبت به من، همانند هارون برای موسی هستی.

۱. سوره احزاب، آیه ۲۳. ۲. سوره شوری، آیه ۲۳. ۳. سوره سبأ، آیه ۴۷. ۴. سوره فرقان، آیه ۵۷.

إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي، وَزَوْجَهُ ابْنَتَهُ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَأَحَلَّ

جز این که پس از من پیامبری نیست. و دخترش را - که سرور و بانوی زنان عالم است - به او تزویج فرمود. و حلال کرد

لَهُ مِنْ مَسْجِدِهِ مَا حَلَّ لَهُ، وَسَدَّ الْأَبْوَابَ إِلَّا بَابَهُ. ثُمَّ أَوْدَعَهُ

از مسجدش برای او، آن چه برای خودش حلال بود. و همه درها (ی مسجد) را نیز جز در خانه علی بست. آن گاه

عِلْمَهُ وَحِكْمَتَهُ فَقَالَ أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا، فَمَنْ أَرَادَ

علم و حکمتش را نزد او و دبیعه نهاد و فرمود: من شهر علم و علی درب آن، پس هر که می خواهد به

الْمَدِينَةَ وَالْحِكْمَةَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا، ثُمَّ قَالَ أَنْتَ أَخِي وَوَصِيِّي

شهر علم و حکمت قدم نهاد، باید از دروازه آن داخل گردد. سپس فرمود: تو برادر من، وصی من

وَوَارِثِي، لَحْمُكَ مِنْ لَحْمِي، وَدَمُّكَ مِنْ دَمِي، وَسِلْمُكَ سِلْمِي،

و وارث من هستی، گوشت تو از گوشت من است و خون تو از خون من؛ سازش و آشتی تو، سازش و آشتی من

وَحَرْبُكَ حَرْبِي، وَالْإِيمَانُ مُخَالِطُ لَحْمِكَ وَدَمِّكَ، كَمَا خَالَطَ

و جنگ تو جنگ من است، و ایمان با گوشت و خون تو آمیخته است همان گونه که با

لَحْمِي وَدَمِي، وَأَنْتَ غَدَاً عَلَى الْحَوْضِ خَلِيفَتِي، وَأَنْتَ تَقْضِي

گوشت و خون من آمیخته است؛ و فردا (ی قیامت) تو خلیفه من بر حوض (کوثر) هستی و پس از من، تو هستی که

دَيْنِي، وَتُنْجِزُ عِدَاتِي، وَشَيْعَتُكَ عَلَى مَنَابِرٍ مِنْ نُورٍ مُبِيضَةٍ

قرض مرا می پردازی و به وعده های من وفا می کنی و پیروان تو بر منبرهایی از نور با چهره های سفید و نورانی

وَجُوهُهُمْ حَوْلِي فِي الْجَنَّةِ وَهُمْ جِيرَانِي. وَلَوْلَا أَنْتَ يَا عَلِيُّ

در اطراف من در بهشت اند و آنان همسایه من می باشند. ای علی؛ اگر تو نبود،

لَمْ يُعْرِفِ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدِي، وَكَانَ بَعْدَهُ هُدًى مِنَ الضَّلَالِ، وَنُوراً

مؤمنان پس از من شناخته نمی شدند؛ و به راستی که پس از پیامبر، او امت را از گمراهی به هدایت و از تاریکی به

مِنَ الْعَمَى، وَحَبْلَ اللَّهِ الْمَتِينِ، وَصِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمِ، لَا يُسْبِقُ

بصیرت رساند و اوست رشته محکم الهی و راه مستقیم او؛ هیچ کس در خویشاوندی و

بِقَرَابَةٍ فِي رَحِمٍ، وَلَا بِسَابِقَةٍ فِي دِينٍ، وَلَا يُلْحَقُ فِي مَنَقَبَةٍ مِنْ

نزدیکی با رسول خدا ﷺ به او نمی رسد و هیچ کس در دین بر او پیشی نگرفته است؛ و کسی نیست که در یکی از اوصاف نیکویش

پیامبر

بخش چهارم



۲۴۶

مَنَاقِبِهِ يَحْذُو حَذْوَ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا. وَيُقَاتِلُ

با او برابری کند؛ زیرا او گام می‌نهد جای پای رسول خدا که درود خدا بر آن دو و بر اهل بیت آن دو بزرگوار باد. و بپیکار

عَلَى التَّأْوِيلِ، وَلَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ، قَدْ وَتَرَ فِيهِ صَنَادِيدَ

می‌نمود بر اساس تأویل حقایق و مقاصد قرآن؛ و در راه رضای خدا هیچ ملامتی، او را باز نمی‌داشت؛ به راستی که بزرگان

العَرَبِ، وَقَتَلَ أَبْطَالَهُمْ، وَنَاوَشَ ذُؤُبَانَهُمْ، فَأَوْدَعَ قُلُوبَهُمْ أَحْقَادًا

عرب را ترسانید؛ و شجاعان آن‌ها را به خاک و خون کشید و با گرگ‌صفتان آن‌ها مقابله کرد؛ به همین جهت دل‌های آن‌ها

بَدْرِيَّةً وَخَيْبَرِيَّةً وَحَنْزِيَّةً وَغَيْرَهُنَّ، فَأَضَبَّتْ عَلَى عَدَاوَتِهِ،

پر از کینه شد از جنگ‌های بدر، خیبر، حنین و دیگر جنگ‌ها. پس دشمنی او را در دل پنهان کردند

وَأَكْبَتْ عَلَى مُنَابَذَتِهِ حَتَّى قَتَلَ النَّاكِثِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ.

و به اختلاف و درگیری روی آوردند تا این که پیمان‌شکنان، ستمگران و از دین بیرون‌رفتگان را به درک واصل کرد.

وَلَمَّا قَضَى نَحْبَهُ وَقَتَلَهُ أَشَقَى الْأَخْرِينَ، يَتَّبِعُ أَشَقَى الْأَوَّلِينَ،

وقتی اجلش به سر آمد و شقی‌ترین آخرین (امت) که از شقی‌ترین اولین پیروی کرد، آن حضرت را شهید کرد؛

لَمْ يُمَثَّلْ أَمْرُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْهَادِينَ بَعْدَ

فرمان رسول خدا - که درود خدا بر او و آل او باد - درباره هدایت‌گران امت، یکی پس از

الْهَادِينَ، وَالْأُمَّةُ مُصِرَّةٌ عَلَى مَقْتِهِ، مُجْتَمِعَةٌ عَلَى قَطِيعَةِ رَحِمِهِ،

دیگری، اطاعت نشد. مردم بر دشمنی با وی اصرار ورزیدند؛ جمع شدند تا نسل او را قطع کنند

وَإِقْضَاءِ وُلْدِهِ إِلَّا الْقَلِيلَ مِمَّنْ وَفِي لِرِغَايَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ. فَقَتَلَ

و اولاد او را تبعید و آواره نمایند؛ جز اندکی که در رعایت حق فرزندان رسول خدا، وفا نمودند. پس (بر اثر ظلم و بیداد) گروهی

مَنْ قَتَلَ، وَسُبِّي مَنْ سُبِّي، وَأُقْصِيَ مَنْ أُقْصِيَ، وَجَرَى الْقَضَاءِ

کشته شدند و گروه دیگری اسیر، جمعی دور از وطن، و حکم قضا و قدر الهی، بر آن‌ها جاری شد

لَهُمْ بِمَا يُرْجَى لَهُ حُسْنُ الْمَثُوبَةِ، إِذْ كَانَتْ الْأَرْضُ لِلَّهِ يُورِثُهَا

به چیزی که امید بهترین ثواب و پاداش از آن، می‌رود. زیرا زمین از آن خداست و آن را به هر

مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ، وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ، وَسُبْحَانَ رَبَّنَا إِنْ كَانَ

یک از بندگانش که بخواهد، ارث می‌دهد؛ و البته پایان نیکو از آن پرهیزکاران است. و منزّه است پروردگار ما؛ به راستی که

وَعَدُّ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا، وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ، وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.

وَعْدَهُ او انجام شده است و هرگز خلف وعده نمی‌کند، و او عزت‌مند حکیم است.

فَعَلَى الْأَطَائِبِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمَا

پس بر پاکیزگان از آل محمد و علی - درود خدا بر آنها

وَالِهَما فَلَيْبِكِ الْبَاكُونَ، وَإِيَّاهُمْ فَلَيَنْدُبِ النَّادِبُونَ، وَلِمِثْلِهِمْ

و اهل بیت آنها - بایستی گریه‌کنندگان اشک بریزند و بر آنان زاری‌کنندگان زاری نمایند و برای امثال آن بزرگواران،

فَلْتَذْرِفِ الدَّمُوعُ، وَلْيَصْرُخِ الصَّارِخُونَ، وَيَضِجِ الضَّاجُونَ،

باید سرشک از دیدگان جاری شود و شیون‌کنندگان شیون از دل برکشند و ضجه‌کنندگان فریاد بزنند

وَيَعِجُّ الْعَاجُونَ. أَيْنَ الْحَسَنِ أَيْنَ الْحُسَيْنِ، أَيْنَ أَبْنَاءِ الْحُسَيْنِ،

و ناله‌کنندگان ناله جانسوز سر دهند که حسن کجاست؟ حسین کجاست؟ فرزندان حسین کجا هستند؟

صَالِحٌ بَعْدَ صَالِحٍ، وَصَادِقٌ بَعْدَ صَادِقٍ، أَيْنَ السَّبِيلُ بَعْدَ السَّبِيلِ،

که هر یک شایسته‌ای پس از شایسته‌دیگر، و راست‌گویی بعد از راست‌گویی دیگر بودند؛ کجاست راه راست پس از راه راست دیگر؟

أَيْنَ الْخَيْرَةِ بَعْدَ الْخَيْرَةِ، أَيْنَ الشَّمْسِ الطَّالِعَةِ، أَيْنَ الْأَقْمَارِ

کجا بایند برگزیدگان یکی پس از دیگری؟ خورشیدهای تابان کجا هستند؟ ماه‌های

الْمُنِيرَةِ، أَيْنَ الْأَنْجَمِ الزَّاهِرَةِ، أَيْنَ أَعْلَامِ الدِّينِ وَقَوَاعِدِ الْعِلْمِ،

فروزان کجا بایند؟ ستارگان درخشان کجا بایند؟ نشانه‌ها و راهنمایان دین و پایه‌های دانش کجا بایند؟

أَيْنَ بَقِيَّةِ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ الْعِثْرَةِ الْهَادِيَةِ، أَيْنَ الْمَعْدُ لِقَطْعِ

باقی‌مانده حجج الهی کجاست؟ کسی که (جهان) از عترت هدایت‌گر خالی نخواهد بود. کجاست آن که برای قطع

دَابِرِ الظُّلْمَةِ، أَيْنَ الْمُنتَظَرِ لِإِقَامَةِ الْأُمَّتِ وَالْعِوَجِ، أَيْنَ الْمُرْتَجَى

دنباله ستمکاران آماده گشته است؟ کجاست آن که انتظارش را می‌کشند که کج‌روی‌ها و انحرافات را از بین ببرد؟ کجاست کسی که

لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ، أَيْنَ الْمُدَّخِرِ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ،

برای براندازی ظلم و بیدادگری به او امید است؟ کجاست آن ذخیره الهی برای تازه کردن واجبات و سنت‌های الهی؟

أَيْنَ الْمُتَخَيَّرِ لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَالشَّرِيعَةِ، أَيْنَ الْمُؤَمَّلِ لِإِحْيَاءِ

کجاست آن منتخب برای بازگرداندن کیش و آیین؟ کجاست آن که آرزو می‌رود بیايد

بیت چهارم



الْكِتَابِ وَحُدُودِهِ، أَيْنَ مُخَيِّ مَعَالِمِ الدِّينِ وَأَهْلِهِ. أَيْنَ قَاصِمٌ

و قرآن و حدودش را زنده کند؟ کجاست زنده کننده نشانه‌های دین و اهل آن؟ کجاست او که

شَوْكَةَ الْمُعْتَدِينَ، أَيْنَ هَادِمٌ أَيْبِيَّةِ الشُّرْكِ وَالنَّفَاقِ، أَيْنَ مُبِيدٌ أَهْلِ

شوکت ستمکاران را درهم می‌شکند؟ کجاست آن که بنیادهای شرک و نفاق را ویران می‌کند؟ کجاست او که

الْفُسُوقِ وَالْعِصْيَانِ وَالطُّغْيَانِ، أَيْنَ حَاصِدٌ فُرُوعِ الْغِيِّ وَالشَّقَاقِ،

فاسقان، نافرمانان و طغیان‌گران را به هلاکت می‌کشاند؟ کجاست آن که شاخه‌های گمراهی و بدبختی را درو می‌کند؟

أَيْنَ طَامِسٌ أَثَارِ الزَّيْغِ وَالْأَهْوَاءِ. أَيْنَ قَاطِعٌ حَبَائِلِ الْكِذْبِ

کجاست آن که آثار انحراف و هواپرستی را محو می‌نماید؟ کجاست آن که رشته‌های دروغ

وَالْإِفْتِرَاءِ، أَيْنَ مُبِيدٌ الْعُتَاةِ وَالْمَرَدَّةِ، أَيْنَ مُسْتَأْصِلٌ أَهْلَ الْعِنَادِ

و افترا را قطع می‌کند؟ کجاست نابودکننده سرکشان و تمردکنندگان؟ کجاست آن که ریشه معاندان،

والتَّضْلِيلِ وَالْإِلْحَادِ، أَيْنَ مُعِزُّ الْأَوْلِيَاءِ وَمُذِلُّ الْأَعْدَاءِ، أَيْنَ

گمراهان و کافران را برکنند؟ کجاست آن که دوستان را عزیز نماید و دشمنان را خوار و ذلیل؟ کجاست او که

جَامِعُ الْكَلِمَةِ عَلَى التَّقْوَى، أَيْنَ بَابُ اللَّهِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى، أَيْنَ

اتحاد کلمه بر اساس تقوا و پرهیزکاری فراهم آورد؟ کجاست درب ورودی به درگاه الهی که از آن در وارد شوند؟ کجاست

وَجْهٌ اللَّهِ الَّذِي إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الْأَوْلِيَاءُ، أَيْنَ السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ

آن (چهره و) آئینه تمام‌نمای خداوند که دوستان به سوی او توجه نمایند؟ کجاست آن که وسیله پیوند بین

الأَرْضِ وَالسَّمَاءِ، أَيْنَ صَاحِبُ يَوْمِ الْفَتْحِ وَنَاشِرُ رَايَةِ الْهُدَى،

زمین و آسمان است؟ کجاست صاحب روز ظفر و برافرازنده پرچم هدایت؟

أَيْنَ مُؤَلَّفٌ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَالرِّضَا. أَيْنَ الطَّالِبُ بِذُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ

کجاست گردآورنده پراکنده‌های درست‌کاری و مصلحت و خشنودی؟ کجاست آن که برای خون پیامبران

وَأَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ، أَيْنَ الطَّالِبُ بِدَمِ الْمُقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ أَيْنَ الْمَنْصُورُ

و فرزندان آن‌ها خونخواهی می‌کند؟ کجاست آن که به دنبال انتقام خون شهید کربلا است؟ کجاست آن که

عَلَى مَنْ اعْتَدَى عَلَيْهِ وَافْتَرَى، أَيْنَ الْمُضْطَرُّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا

بر هر ظالم تجاوزگر دروغگو، پیروزمند است؟ کجاست آن آقای گرفتاری که امر

دَعَا، أَيَنْ صَدْرُ الْخَلَائِقِ ذُو الْبِرِّ وَالتَّقْوَى، أَيَنْ ابْنُ النَّبِيِّ

دعا کند اجابت می‌شود؟ کجاست آن صدرنشین عالم و صاحب تقوا و نیکوکاری؟ کجاست آن فرزند پیامبر

الْمُصْطَفَى وَابْنُ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى وَابْنُ خَدِيجَةَ الْغُرَّاءِ وَابْنُ فَاطِمَةَ

مصطفی و فرزند علی مرتضی و فرزند خدیجه آن صاحب سیمای نورانی و فرزند فاطمه

الْكُبْرَى. بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي وَنَفْسِي لَكَ الْوَقَاءُ وَالْحِمَى، يَا ابْنَ

کبری؟ پدر و مادرم فدای تو باد و جانم بلاگردان و سپر و حامی تو باشد ای فرزند

السَّادَةِ الْمُقَرَّبِينَ، يَا ابْنَ النَّجْبَاءِ الْأَكْرَمِينَ، يَا ابْنَ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ،

سروران مقرب؛ ای فرزند انسان‌های اصیل و نجیب و بزرگوار؛ ای فرزند هدایت‌گران هدایت‌شده؛

يَا ابْنَ الْخَيْرَةِ الْمُهْدِيِّينَ، يَا ابْنَ الْغَطَارِفَةِ الْأَنْجَبِينَ، يَا ابْنَ الْأَطَائِبِ

ای فرزند برگزیدگان مهذب (خودساخته)؛ ای فرزند سروران شرافتمند؛ ای فرزند نیکوترین

الْمُطَهَّرِينَ، يَا ابْنَ الْخَضَارِمَةِ الْمُنتَجَبِينَ، يَا ابْنَ الْقِمَاقِمَةِ الْأَكْرَمِينَ.

پاکان؛ ای فرزند آقایان بسیار بخشنده، همانند دریاهاى پرچود؛ ای فرزند مهتران سخاوتمندگرامی؛

يَا ابْنَ الْبُدُورِ الْمُنِيرَةِ، يَا ابْنَ السَّرْجِ الْمُضِيئَةِ، يَا ابْنَ الشُّهُبِ

ای فرزند ماه‌های تابان؛ ای فرزند چراغ‌های تابان؛ ای فرزند شهاب‌های

الثَّاقِبَةِ، يَا ابْنَ الْأَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ، يَا ابْنَ السُّبُلِ الْوَاضِحَةِ، يَا ابْنَ

تابنده؛ ای فرزند اختران فروزان؛ ای فرزند راه‌های روشن؛ ای فرزند

الْأَعْلَامِ اللَّائِحَةِ، يَا ابْنَ الْعُلُومِ الْكَامِلَةِ، يَا ابْنَ السَّنَنِ الْمَشْهُورَةِ،

نشانه‌های آشکار؛ ای فرزند دانش‌های کامل خداوندی؛ ای فرزند سنن و روش‌های پسندیده مشهور (آسمانی)؛

يَا ابْنَ الْمَعَالِمِ الْمَأْثُورَةِ، يَا ابْنَ الْمُعْجَزَاتِ الْمَوْجُودَةِ، يَا ابْنَ الدَّلَائِلِ

ای فرزند نشانه‌های برجای مانده؛ ای فرزند معجزات پایان نیافته و موجود، ای فرزند دلیل‌های

الْمَشْهُودَةِ، يَا ابْنَ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ، يَا ابْنَ النَّبَا الْعَظِيمِ، يَا ابْنَ مَنْ

دیده شده؛ ای فرزند راه راست؛ ای فرزند خبر بزرگ؛ ای فرزند کسی که

هُوَ فِي أُمَّ الْكِتَابِ لَدَى اللَّهِ عَلِيٌّ حَكِيمٌ، يَا ابْنَ الْآيَاتِ وَالْبَيِّنَاتِ،

در ام کتاب، نزد خداوند، بلندمرتبه و حکیم است. ای فرزند نشانه‌ها و بیّنات (حجّت‌های آشکار خداوند)،

حقیقت

بخش چهارم



يَا بَنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ، يَا بَنَ الْبَرَاهِينِ الْوَاضِحَاتِ الْبَاهِرَاتِ،

ای فرزند دلایل آشکارا، ای فرزند برهان‌های نمایان و روشن،

يَا بَنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَاتِ، يَا بَنَ النُّعْمِ السَّابِغَاتِ، يَا بَنَ طَه

ای فرزند حجت‌های رسا، ای فرزند نعمت‌های فراوان و فراخ، ای فرزند طه

وَالْمُحْكَمَاتِ، يَا بَنَ يُسَ وَالذُّارِيَاتِ، يَا بَنَ الطُّورِ وَالْعَادِيَاتِ،

و آیات محکم قرآن، ای فرزند یاسین و ذاریات، ای فرزند طور و عادیات؛

يَا بَنَ مَنْ دَنَى فِتْدَلِي فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى دُنُوًّا وَاقْتِرَابًا

ای فرزند آن که در شب معراج نزدیک شد و در او یخت (به مقام قرب حق تعالی) به اندازه فاصله دو سر کمان و یا نزدیک‌تر، نزدیک

مِنَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى، لَيْتَ شِعْرِي أَئِنِ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى، بَلْ أَيُّ

به خدای علی اعلی. ای کاش می‌دانستم کجا اقامت گزیده‌ای؛ بلکه کدام

أَرْضٍ تُقَلِّكَ أَوْ تُرِي، أَبْرَضُوئِي أَوْ غَيْرِهَا أَمْ ذِي طُوئِي، عَزِيزُ

سرزمین یا منطقه‌ای اقامت داری؛ آیا در کوه رضوی هستی یا غیر آن؟ یا در ذی طوی هستی؟ بسیار

عَلِيٌّ أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَلَا تُرِي، وَلَا أَسْمَعُ لَكَ حَسِيْسًا وَلَا نَجْوَى،

بر من سخت است که همه را می‌بینم و تو دیده نمی‌شوی؛ و از تو هیچ صدا و هیچ رازی را نشنوم؛

عَزِيزُ عَلِيٌّ أَنْ تُحِيطَ بِكَ دُونِي الْبَلْوَى وَلَا يَنَالِكَ مِنِّي ضَجِيحٌ

بر من گران است که تو تنها در بلا گرفتار باشی و از من هیچ ناله

وَلَا شَكْوَى. بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُغَيَّبٍ لَمْ يَخْلُ مِنَّا، بِنَفْسِي أَنْتَ

و شکایتی به تو نرسد. جانم فدایت تو حقیقت پنهانی هستی که از میان ما بیرون نیستی؛ جانم فدایت گرچه

مِنْ نَارِحِ مَا نَزَحَ عَنَّا، بِنَفْسِي أَنْتَ أُمْنِيَّةٌ شَائِقٌ يَتَمَنَّى، مِنْ

از نظرم دوری ولی از ما جدا نیستی؛ جانم فدایت تو آرمان و آرزوی هر مرد و زن مشتاق

مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَةٍ ذَكَرًا فَحَنَّا، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ عَقِيدٍ عَزَّ لَا يُسَامَى،

مؤمن هستی که آرزویت کنند و به یادت ناله سر دهند. جانم فدایت تو آن سرشته عزتی هستی که هم‌تراز از برایت نتوان یافت؛

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ أَثِيلٍ مَجْدٍ لَا يُجَارَى، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ تِلَادٍ نِعَمٍ

جانم فدایت تو از ارکان مجد و شرف و بزرگواری هستی که هم‌قطاری نداری؛ جانم فدایت تو از نعمت‌های دیرین خدایی

دعای ندبه



لَا تُضَاهِي، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَصِيفٍ شَرَفٍ لَا يُسَاوِي. إِلَى مَتَى

هستی که مانندای نخواهد داشت، جانم فدایت، تو از خاندان شرافتی هستی که کسی با تو برابری ندارد. تا کی

أَخَارُ فَيْكَ يَا مَوْلَايَ، وَإِلَى مَتَى وَأَيِّ خِطَابٍ أَصِفُ فَيْكَ وَأَيِّ

سرگردان تو باشم ای مولای من؟ و تا کی و یا چه گفتاری به ستایش تو بپردازم؟ و چگونه

نَجْوَى، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَجَابَ دُونَكَ وَأَنَاغَى، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ

راز دل بگویم؟ بر من بسی گران است که غیر تو پاسخم را بدهد و سخنان فریبنده و خوش آیند برایم بگوید؛ بسی مشکل است بر من

أَبُكَيْكَ وَيَخَذُكَ الْوَرَى، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ يَجْرِيَ عَلَيْكَ دُونَهُمْ مَا

که بر دوری تو بگیریم و مردم تو را واگذارند؛ گران است بر من که آن چه (از مشکلات) می گذرد، بر تو بگذرد و بر غیر تو

جَرَى. هَلْ مِنْ مُعِينٍ فَأُطِيلَ مَعَهُ الْعَوِيلَ وَالْبُكَاءَ، هَلْ مِنْ جَزُوعٍ

بگذرد. آیا کسی هست که مرا کمک کند تا همراه با او ناله و شیون طولانی سردهم؟ آیا کسی هست که بسیار جزع و زاری

فَأَسَاعِدَ جَزَعَهُ إِذَا خَلَا، هَلْ قَدِيتُ عَيْنٌ فَسَاعَدَتْهَا عَيْنِي عَلَى

کند و من هم در تنهایی او با زاری و گریه یاریش نمایم؟ آیا چشمی خار و خاشاک رفته است تا چشم من در اشک ریختن

الْقَدَى، هَلْ إِلَيْكَ يَا بَنَ أَحْمَدَ سَبِيلٌ فَتُلْقَى، هَلْ يَتَّصِلُ يَوْمًا مِنْكَ

با او همدم شود؟ ای زاده احمد؛ آیا به سوی تو راهی است که بتوان تو را ملاقات نمود؟ آیا روز جدایی ما

بِعَدِهِ بَعْدَةً فَنَحْظِي. مَتَى نَرِدُ مَنَاهِلَكَ الرَّوِيَّةَ فَنَرَوِي، مَتَى نَنْتَقِعُ

به فردایی می رسد که روز وصال و بهره مندی از جمال مقدست باشد؟ کی می شود که بر چشمه های سیراب کننده ات در آییم و

مِنْ عَذْبِ مَائِكَ فَقَدْ طَالَ الصَّدَى، مَتَى نُنَادِيكَ وَنُرَاوِحُكَ فَنُقِرُّ

سیراب گردیم؟ کی می شود که از آب زلال و گوارایت بنوشیم که به راستی تشنگی طولانی شد؟ کی می شود که با تو صبح و شام کنیم

عَيْنًا، مَتَى تَرَانَا وَنَرَاكَ وَقَدْ نَشَرْتَ لِي وَا النَّصْرَ تَرَى. أَتَرَانَا

و چشممان روشن گردد؟ کی رسد آن وقت که تو ما را ببینی و ما تو را؛ در حالی که پرچم نصر و ظفرت

نَحْفُ بِكَ وَأَنْتَ تَأْمُ الْمَلَأُ وَقَدْ مَلَأْتَ الْأَرْضَ عَدْلًا، وَأَذَقْتَ

را گسترده باشی؟ آیا خواهی دید ما را که بر گرد تو حلقه زده ایم و تو بر مردم امامت کنی در حالی که زمین را پر از عدل

أَعْدَائِكَ هَوَانًا وَعِقَابًا، وَأَبْرَتِ الْعُتَاةَ وَجَحْدَةَ الْحَقِّ، وَقَطَعْتَ

و داد کرده ای، و به دشمنانت خواری و عقوبت را چشانده باشی و سرکشان و منکران حق را هلاک کرده باشی، و

دَابِرَ الْمُتَكَبِّرِينَ، وَاجْتَنَّتْ أَصُولَ الظَّالِمِينَ، وَنَحْنُ نَقُولُ الْحَمْدُ

ریشه متکبران را قطع نموده و اساس ستمکاران را از بیخ و بن برکنده باشی و ما آن موقع می‌گوییم: سپاس

لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَّافُ الْكُرْبِ وَالْبَلْوَى، وَإِلَيْكَ

مخصوص پروردگار جهانیان است؟ بار خدایا! تو برطرف‌کننده غم و اندوه و بلاها هستی و به درگاه تو درددل و تورا

أَسْتَعْدِي فَعِنْدَكَ الْعُدْوَى، وَأَنْتَ رَبُّ الْأَخِرَةِ وَالْدُنْيَا، فَأَغِثْ يَا

به فریاد می‌طلبم که یاری‌رساندن برای انتقام‌گرفتن از ظالم نزد توست، و تو پروردگار دنیا و آخرت هستی؛ پس دریاب ای

غِيَاثَ الْمُسْتَعِيثِينَ عِبِيدَكَ الْمُبْتَلَى، وَأَرِهِ سَيِّدَهُ يَا شَدِيدَ الْقُوَى،

فریادرس فریادخواهان؛ بنده کوچک گرفتار خود را؛ و آقایش را نشانش ده ای نیرومند بسیار مقتدر؛

وَأَزِلْ عَنْهُ بِهِ الْأَسَى وَالْجَوَى، وَبَرِّدْ غَلِيْلَهُ يَا مَنْ عَلَى الْعَرْشِ

و به این وسیله غم و اندوه و درد سینه‌اش را از بین ببر و سوز عشقش را آرام کن؛ ای کسی که بر عرش مسلط هستی

اسْتَوَى، وَمَنْ إِلَيْهِ الرَّجْعَى وَالْمُنْتَهَى. اللَّهُمَّ وَنَحْنُ عَبِيدُكَ

و بازگشت و پایان کارها به سوی اوست. خدایا! ما بندگان توئیم که

التَّائِقُونَ إِلَيْكَ وَالْمُذَكَّرُ بِكَ وَبِنَبِيِّكَ، خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَمَلَاذَأً،

شیفته ولی تو هستیم؛ او که یادآور تو و پیامبرت است، و تو او را برای حفظ و نگهداری ما و پناه ما آفریدی،

وَأَقَمْتَهُ لَنَا قِوَاماً وَمَعَاذاً، وَجَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِثْلَ إِمَامٍ، فَبَلِّغْهُ مِنَّا

و او را برپا داشتی تا پشتیبان و پناهگاه ما باشد و او را برای مؤمنان از ما، پیشوا قرار دادی؛ پس

تَحِيَّةً وَسَلَاماً، وَزِدْنَا بِذَلِكَ يَا رَبُّ إِكْرَاماً، وَاجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ لَنَا

سلام و تحیت ما را به او برسان، و به وسیله آن، بر کرامت ما بیفز؛ ای پروردگار ما؛ و جایگاه او را

مُسْتَقَرّاً وَمُقَاماً، وَأَتِمِّمْ نِعْمَتَكَ بِتَقْدِيمِكَ إِيَّاهُ أَمَامَنَا، حَتَّى

جایگاه و منزلگاه ما قرار ده، و با مقدم داشتن او را پیشاپیش ما، نعمت را بر ما کامل گردان تا

تُورِدَنَا جَنَّاتِكَ وَمُرَافَقَةَ الشُّهَدَاءِ مِنْ خُلَصَائِكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

ما را به بهشت خود وارد نمایی و هم‌نشین شهیدان مخلصت قرار دهی. خدایا؛ بر

حُجَّتِكَ وَوَلِيِّ أَمْرِكَ، وَصَلِّ عَلَى جَدِّهِ مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ السَّيِّدِ

حجت و ولی امرت درود فرست؛ و درود بفرست بر محمد جد او، پیامبرت، آن بزرگوارترین

الْأَكْبَرِ، وَصَلِّ عَلَى أَبِيهِ السَّيِّدِ الْقَسْوَرِ، وَحَامِلِ اللُّوَاءِ فِي

آقا، و بر پدرش علی، آقای دلیر و سلحشور و شجاع، و بر پادارنده پرچم در صحرای

الْمَحْشَرِ، وَسَاقِي أَوْلِيَاءِهِ مِنْ نَهْرِ الْكَوْثَرِ، وَالْأَمِيرِ عَلَى سَائِرِ

محشر، و سیراب کننده دوستدارانش از نهر کوثر، و فرمانروا بر تمام

الْبَشَرِ، الَّذِي مَنْ أَمَنَ بِهِ فَقَدْ ظَفَرَ وَشَكَرَ، وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِهِ فَقَدْ

بشر؛ که هر کس بدو ایمان آورد، پیروزمند و سرفراز گشته است و آن که ایمان نیاورد، به

خَطَرَ وَكَفَرَ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى أَخِيهِ وَعَلَى نَجْلِهِمَا الْمَيَامِينِ

خطر بزرگ و کفر افتد. درود خدا بر او و بر برادرش و بر فرزندان‌شان که نیک‌بختان

الْعُرْرِ، مَا طَلَعَتْ شَمْسٌ وَمَا أَضَاءَ قَمَرٌ^۱، وَعَلَى جَدَّتِهِ الصُّدَيْقَةِ

و بزرگوارند. مادامی که خورشید می‌تابد و ماه نور می‌افشاند. و درود بر مادر بزرگ او، صدیقه

الْكُبْرَى، فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ بِنْتِ مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى، وَعَلَى مَنْ

کبری، فاطمه زهرا دختر محمد مصطفی و بر آنان که

اصْطَفَيْتَ مِنْ آبَائِهِ الْبَرَّةِ، وَعَلَيْهِ أَفْضَلُ وَأَكْمَلُ وَأَتَمُّ وَأَدْوَمُ

تو برگزیدی از پدران نیکوکارش؛ و بر او بهترین، کامل‌ترین، تمام‌ترین، بادوام‌ترین،

وَأَكْثَرُ وَأَوْفَرُ مَا صَلَّيْتَ عَلَى أَحَدٍ مِنْ أَصْفِيَاءِكَ، وَخَيْرَتِكَ مِنْ

بیشترین، و فراوان‌ترین درود و رحمتی که بر هر یک از برگزیدگان و نیکان از

خَلْقِكَ، وَصَلِّ عَلَيْهِ صَلَاةً لَا غَايَةَ لِعَدَدِهَا، وَلَا نِهَائَةَ لِمَدَدِهَا،

بندگان فرستادی نثار باد. و بر او درود فرست؛ درودی که بی‌شمار و پایان‌ناپذیر و بی‌انتهاست

وَلَا نَفَادَ لِأَمَدِهَا. اللَّهُمَّ وَأَقِمْ بِهِ الْحَقَّ، وَأَدْحِضْ بِهِ الْبَاطِلَ،

و مدتش پایان ندارد. خدایا؛ حق را به وسیله او برپا دار و باطل را به وسیله او نابود کن

۱. این فقرة از دعا در بسیاری از کتب موجود می‌باشد؛ مانند: «إقبال الأعمال» سید بن طاووس (ص ۶۰۸)، «تحفة الزائر»

(چاپ سنگی بدون شماره صفحه)، «زاد المعاد» علامة مجلسی رحمته الله (ص ۵۰۲)، «الصحيفة الهادية» عالم بزرگوار شیخ

ابراهیم بن محسن کاشانی (ص ۸۷)، «مفتاح الجنات» عالم بزرگوار سید محسن امین (۲/۲۵۵)، «تکالیف الأنام» صدر

الإسلام همدانی (ص ۱۹۵)، «عمدة الزائر» آية الله سید حیدر کاظمی (ص ۳۵۸)، «فوز اکبر» علامه میرزا محمد باقر فقیه

ایمانی (ص ۱۲۴)، «مکیال المکارم» علامه سید محمد تقی موسوی اصفهانی (۲/۹۹)، «منهاج العارفين» علامه سمعانی

(ص ۱۵۹)، ضیاء الصالحین (ص ۵۴۲)، «الصحيفة الصادقية» (ص ۷۲۸)، «هدية الزائرین» محدث قمی رحمته الله (ص ۶۴۸)، و

ملحقات «جمال الأسبوع» نشر دار الذخائر.

صحیفه حضرت زین العابدین

بخش چهارم



۲۵۴

وَأَدِلُّ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ، وَأَذِلُّ بِهِ أَعْدَاءَكَ، وَصَلِ اللَّهُمَّ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ

و دوستانت را توسط او چیره گردان و دشمنانت را به وسیله او خوار و ذلیل نما. خدای من؛ بین ما و او

وَصَلَّةٌ تُوَدِّي إِلَيَّ مُرَافِقَةً سَلَفِهِ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَأْخُذُ بِحُجْرَتِهِمْ،

بیوندی برقرار کن که به همنشینی با پیشینیان پاک او منتهی گردد و ما را از کسانی قرار بده که به دامان آنان چنگ زده‌اند

وَيَمَكْتُ فِي ظِلِّهِمْ، وَأَعِنَّا عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ، وَالْإِجْتِهَادِ

و در سایه آنان زندگی می‌کنند. و ما را یاری کن در ادا کردن حقوقش به او، و کوشش کردن

فِي طَاعَتِهِ، وَاجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ، وَآمْنُنْ عَلَيْنَا بِرِضَاهُ، وَهَبْ لَنَا

در اطاعت از او، و دوری کردن از نافرمانی او، و بر ما منت بگذار به خشنودی او و

رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ، وَدُعَاءَهُ وَخَيْرَهُ، مَا نَنَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ،

مهر و رحمت و دعا و خیرش را بر ما ارزانی دار تا بدین وسیله به رحمت واسعه تو دست یابیم

وَفَوْزاً عِنْدَكَ، وَاجْعَلْ صَلَاتَنَا بِهِ مَقْبُولَةً، وَذُنُوبَنَا بِهِ مَغْفُورَةً،

و نزد تو به کامیابی نایل شویم؛ و قرار بده نماز ما را به واسطه او قبول شده، و گناهان ما را به واسطه او آمرزیده شده

وَدُعَاءَنَا بِهِ مُسْتَجَاباً، وَاجْعَلْ أَرْزَاقَنَا بِهِ مَبْسُوطَةً، وَهُمْومَنَا بِهِ

و دعاهای ما را به واسطه او مستجاب شده، و روزی‌های ما را به وسیله او وسعت داده شده، و اندوه‌های ما را به واسطه او

مَكْفِيَةً، وَحَوَائِجَنَا بِهِ مَقْضِيَةً، وَأَقْبِلْ إِلَيْنَا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ،

برطرف شده؛ و حوایج ما را توسط او برآورده شده، و با چهره کریمانهات به ما توجه کن و روی آور.

وَأَقْبِلْ تَقَرُّبَنَا إِلَيْكَ، وَانْظُرْ إِلَيْنَا نَظْرَةً رَحِيمَةً نَسْتَكْمِلُ بِهَا

و تقرب و توسل ما را به درگاهت پذیرا باش، و به ما نظر رحمتی بفرما که

الْكَرَامَةَ عِنْدَكَ، ثُمَّ لَا تَصْرِفْهَا عَنَّا بِجُودِكَ، وَاسْقِنَا مِنْ حَوْضِ

به واسطه آن، کرامت نزد تو را به کمال رسانیم. سپس با بخشش و بزرگواریت نظر لطف خود را از ما باز مگیر و از حوض

جَدِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، بِكَأْسِهِ وَبِيَدِهِ رِيًّا رَوِيًّا، هَنِيئًا سَائِغًا،

جدش - که درود خدا بر او و آل او باد - سیرابمان ساز با جام و کاسه او و به دست او؛ سیراب‌کردنی کامل و گوارا و خوش

لَا ظَمًا بَعْدَهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ۱.

که پس از آن تشنگی نباشد؛ ای مهربان‌ترین مهربانان؛

دعای ندبه





دعا در روز جمعه

بعد از نماز صبح برای تعجیل فرج

مستحب است روز جمعه بعد از نماز صبح، صد مرتبه سوره «توحید» بخوانند، و صد مرتبه هم از درگاه خداوند، طلب آمرزش نموده و استغفار کنند؛ صد مرتبه هم بدین صورت بر پیامبر ﷺ صلوات بفرستند:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ^۱.

خداوندا! بر محمد و آل محمد درود بفرست و فرج ایشان را تعجیل فرما.



دعا برای ظهور امام زمان عجل الله فرجه

در روز جمعه

شیخ طوسی رحمته الله در «مصباح المتهدج» فرموده است: هر گاه کسی خواست روز جمعه بر پیامبر ﷺ صلوات فرستد چنین بگوید:

اللَّهُمَّ اجْعَلْ صَلَاتِكَ، وَصَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ وَرُسُلِكَ، عَلَى مُحَمَّدٍ

خداایا! درود و رحمت خود را و درود فرشتگان و رسولان خودت را بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ.

و آل محمد نثار کن و درگشایش کارشان شتاب فرما.

یا بگوید: **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ^۲.**

بارالها! بر محمد و آل محمد درود بفرست و در فرج ایشان تعجیل فرما.

وی در جای دیگر می گوید: روایت شده است که صد مرتبه بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ^۱

بارالها! بر محمد و آل محمد درود بفرست و در فرج ایشان تعجیل فرما.



دعای دیگری برای ظهور آن حضرت در روز جمعه

مستحب است انسان در روز جمعه، صد مرتبه سوره قدر را بخواند و هزار مرتبه بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ.

بارالها! بر محمد و آل محمد درود بفرست و در فرج ایشان تعجیل فرما.

و اگر نتوانست صد مرتبه، اگر موفق نشده مرتبه، و بالأخره اگر نتوانست هر چه توانست بخواند.^۲



صلواتی که هر کس بعد از نماز جمعه بخواند از اصحاب امام زمان ارواحنا فداء خواهد بود

از مولایمان جعفر بن محمد علیه السلام و او از پدران علیهم السلام روایت کرده که فرمودند:
هر کس پس از نماز جمعه، هفت مرتبه بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ،

بارالها! بر محمد و آل محمد درود بفرست و در فرج آل محمد تعجیل فرما.

از اصحاب قائم صلوات الله علیه خواهد بود.^۳

۱. مصباح المتهجد: ۳۸۷.

۲. البلد الامین: ۱۱۲، و مانند آن در بحار الأنوار: ۳۳۱/۸۹ وارد شده است.

۳. بحار الأنوار: ۶۵/۹۰.



دعا برای ظهور آن حضرت عجل الله تعالی فرجه

در روز جمعه، عید فطر و عید قربان

از امام ابی جعفر محمد باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود:

در روز جمعه، عید فطر و قربان، وقتی قصد خروج از منزل نمودی، بگو:

اللَّهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ فِي هَذَا الْيَوْمِ، أَوْ تَعَبَّأَ أَوْ أَعَدَّ وَاسْتَعَدَّ لِيُفَادَةَ إِلَيَّ

خدایا؛ هر کس در این روز مهیا گشته یا آماده شده یا حاضر شده یا آمادگی یافته تا نزد

مَخْلُوقٍ، رَجَاءَ رِفْدِهِ وَجَائِزَتِهِ وَنَوَافِلِهِ، فَإِلَيْكَ يَا سَيِّدِي كَانَتْ

مخلوقی برود و امید پاداش و عطیه و بخششی از او دارد؛ پس ای آقای من؛

وِفَادَتِي وَتَهَيَّيْتِي وَإِعْدَادِي وَاسْتِعْدَادِي رَجَاءَ رِفْدِكَ، وَجَوَائِزِكَ

کوچ کردن من و مهیا شدن من و حاضر گشتن من و آمادگی من به سوی تو به امید پاداش و بخشش تو

وَنَوَافِلِكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَخَيْرَتِكَ

است. بار خدایا؛ بر بنده و فرستادهات و برگزیده

مِنْ خَلْقِكَ، وَعَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَصِيِّ رَسُولِكَ، وَصَلِّ يَا

از بندگانت، محمد صلی الله علیه و آله و بر علی علیه السلام امیر مؤمنان و وصی پیامبرت درود فرست، و ای

رَبِّ عَلَى أئِمَّةِ الْمُؤْمِنِينَ، الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ،

پروردگارم؛ درود فرست بر پیشوایان مؤمنان؛ امام حسن و امام حسین و امام سجاد و امام باقر ...

و امامان را تا آخر نام ببر تا به نام صاحب (حضرت مهدی ارواحنا فداء) برسی و بگو:

اللَّهُمَّ افْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا، وَأَنْصُرْهُ نَصْرًا عَزِيزًا. اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ

خدایا؛ گشایشی آسان برایش مقرر فرما؛ نصرتی باعزت عنایتش فرما؛ خداوند؛

دِينَكَ وَسُنَّةَ رَسُولِكَ، حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةً

دینت را و نیز سنت پیامبرت را به وسیله او ظاهر فرما تا هیچ حقی از ترس هیچ کسی

پنجشنبه
بخش چهارم
۲۵۸

أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ . اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ تُعِزُّ بِهَا

پوشیده ندارد. خدایا، ما به سوی تو مشتاق هستیم در مورد دولتی باکرامت،

الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ، وَتُذِلُّ بِهَا النِّفَاقَ وَأَهْلَهُ، وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ

که اسلام و اسلامیان را بدان عزیز نمایی و نفاق و اهلش را خوار و ذلیل کنی، و ما را در آن دولت، از فراخوانان

إِلَى طَاعَتِكَ وَالْقَادَةِ إِلَى سَبِيلِكَ، وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا

به فرمانبرداریت، و از رهبران راه خودت قرار ده و کرامت دنیا

وَالْآخِرَةِ . اللَّهُمَّ مَا أَنْكَرْنَا مِنْ حَقِّ فَعَرَّفْنَا، وَمَا قَصَرْنَا عَنْهُ فَبَلِّغْنَا.

و آخرت را روزیمان فرما. خدایا، آنچه از حق و حقیقت را که نشناختیم، به ما بشناسان و به آنچه دست نیافتیم، ما را به آن برسان.

در این جا برای امام عصر صلوات الله علیه دعا کن، و دشمنانش را نفرین نما، و حاجتت

را درخواست کن، و سخن آخرت این گونه باشد:

اللَّهُمَّ اسْتَجِبْ لَنَا، اللَّهُمَّ اجْعَلْنَا مِمَّنْ تَذَكَّرُ فِيهِ فَيَذَكَّرُ^۱.

خداوندا! (دعای ما را) به اجابت برسان، خداوندا! ما را از کسانی قرار ده که تذکر دهند و متذکر شوند.

حکایت صلوات ضرباب اصفهانی

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمته الله علیه می گوید: ذکر صلواتی بر پیامبر و آل او علیهم السلام (در عصر جمعه) که از مولایمان حضرت مهدی ارواحنا فداه روایت شده است (و به قدری اهمیت دارد که) اگر تعقیب نماز عصر را به خاطر عذری ترک کردی آن را ترک نکن، به دلیل جریانی که خداوند ما را بدان مطلع نمود.

گروهی که در چند مورد از آنها پیش از این یاد کردم، با سلسله سندشان به جدم، ابی جعفر طوسی رحمته الله علیه به من خبر دادند که گفت: به من خبر داد حسین بن عبیدالله از محمد بن احمد بن داود و هارون بن موسی تلعبیری که گفتند: به ما خبر داد ابوالعباس احمد بن علی رازی در آن چه در کتابش «الشفاء والجلاء» روایت کرده از ابی الحسین محمد بن جعفر الأسدی رحمته الله علیه که گفت: حدیث کرد برای من حسین بن

محمد بن عامر اشعری قمی، و او گفت: حدیث کرد برای من یعقوب بن یوسف
ضراب غسانی به هنگام بازگشت از اصفهان و گفت:

من در سال ۲۸۱ هـ ق حج گزاردم در حالی که با گروهی از سنی‌های شهرم بودم.
وقتی به مکه رسیدم گروهی از آنها پیش دستی کرده منزلی را در کوچه‌ای میان بازار
شب (اسم آن بازار بوده) برای ما اجاره نمودند؛ و آن خانه خدیجه و معروف به
«دارالرضا» بود، و پیرزنی گندمگون در آن جا سکونت داشت؛ از او (وقتی دانستم که
آن جا «دارالرضا» نام دارد) پرسیدم: با صاحبان این خانه چه نسبتی داری؟ و چرا خانه
را بدین نام خوانده‌اند؟

پیرزن گفت: من از خدمتگزاران آنها هستم و این، خانه علی بن موسی الرضا علیه السلام
بود و امام حسن عسکری علیه السلام مراد در اینجا سکونت داده است و من در خدمتش بودم.
وقتی این سخن را از او شنیدم، آن را از همراهان خود پنهان ساختم و با آن پیرزن
مأنوس شدم. شب‌ها وقتی از طواف باز می‌گشتم با آنها در رواق خانه می‌خوابیدم، و
درب را می‌بستیم و پشت آن، سنگ بزرگی قرار می‌دادیم.

چند شب نور چراغ را - در رواقی که بودیم - شبیه به نور مشعل دیدم. و دیدم که
درب باز شد - بدون این که کسی از ما آن را بگشاید - و مردی چهار شانه و گندمگون
مایل به زرد که در سیمایش اثر سجده بود و پیراهن و شلواری نازک بر تن داشت و
خود را پوشانده بود و نعلین قوس‌داری به پا کرده بود به طرف اتاق همان زن بالا
رفت؛ همان اتاقی که پیرزن ما را منع می‌کرد و می‌گفت: دخترش آنجاست.

همان نوری را که در رواق دیدم، هنگام بالا رفتن مرد به طرف اتاق بر روی راه پله
و نیز داخل اتاق مشاهده نمودم، بدون این که چراغی را ببینم! و همانند آنچه را که من
دیدم آنها هم که با من بودند مشاهده کردند و گمان می‌کردند که مرد برای متعه
(از دواج موقت) با دختر آن زن آمده است.

آنان می‌گفتند: این‌ها علوی هستند و متعه را جایز می‌شمارند (در حالی که در
مذهب آنها حرام بود)، به هر حال، آن شخص را می‌دیدم که داخل می‌شود و خارج

می‌گردد در حالی که سنگ، هم‌چنان در جای خود بود. ما، در راهم از خوف اموالمان می‌بستیم و نمی‌دیدیم که کسی آن را باز و بسته کند، ولی آن شخص داخل می‌شد و خارج می‌گشت؛ سنگ هم همان‌گونه بود تا آن‌که وقت خارج شدن خودمان آن را کنار می‌زدیم.

وقتی این جریان را دیدم، قلبم به طیش افتاد و هیبت آن شخص در دلم واقع شد و با پیرزن مهربانی نمودم و دوست داشتم از حال آن شخص بیشتر بدانم.

به او گفتم: ای زن؛ دوست دارم با تو سخن بگویم ولی دوستانم نباید متوجه شوند؛ بنابراین، اگر مرا در اتاقم تنها دیدی نزد من بیا تا از تو پرسشی نمایم.

زن به سرعت به من گفت: من نیز می‌خواهم رازی را با تو بگویم، ولی به دلیل حضور دوستانت چنین فرصتی پیش نیامد.

گفتم: می‌خواهی چه بگویی؟ گفت: می‌گویند: - و نام کسی را نبردا! - با همراهان و شریکانت خشونت و تندی نکن و با آن‌ها به نزاع و کشمکش پرداز؛ چرا که آنان دشمنان تو هستند و با آن‌ها مدارا کن.

گفتم: چه کسی این‌ها را می‌گوید؟

گفت: من می‌گویم؛ و دیگر هیبتش نگذاشت که بیش از این پرسم.

گفتم: حالا کدام همراهانم منظور توست؟ (و گمان می‌کردم همین همراهانم را در سفر می‌گوید).

گفت: شریکانی که در وطن داری و در این خانه نیز همراه تو می‌باشند.

در منزل بین من و همراهانم گفتگوهای تند و برخوردهای خشن نسبت به مسائل دینی اتفاق افتاده بود و آنان در مورد من سخن‌چینی کردند تا این‌که فرار نمودم و از آن‌ها پنهان شدم و این‌گونه بود که فهمیدم مراد او، همان‌هاست.

سپس به او گفتم: تو با «رضا علیه السلام» چه نسبتی داری؟

گفت: من خدمتکار حسن بن علی عسکری علیه السلام بودم. وقتی مطمئن شدم که او

راست می‌گوید، با خود گفتم: از او درباره امام غایب ارواحنا فداه پرسم.

گفتم: تو را به خدا؛ آیا او را با چشمانت دیدی؟

گفت: ای برادرم؛ من او را با چشمانم ندیدم، وقتی من خارج شدم، خواهرم حامله بود. حسن بن علی عسکری علیه السلام به من بشارت داد که امام علیه السلام را در آخر عمرم خواهم دید، سپس به من فرمود: برای او همان گونه باش که برای من هستی.

من از آن روز در مصر سکونت داشتم تا این که نامه‌ای همراه پول نزدم رسید و او آن را به دست مردی از اهل خراسان - که عربی فصیح نمی‌دانست - فرستاد؛ پولش سی دینار بود و به من دستور داد که امسال به حج بیایم، من هم بدین سوی آمدم به شوق این که او را زیارت نمایم.

در این وقت، به دلم افتاد همان شخصی که او را می‌دیدم آمد و رفت می‌کند، همو باشد؛ من ده درهم که یکی از آن‌ها سکه رضویّه بود و با نام امام رضا علیه السلام ضرب شده بود همراه داشتم و آن‌ها را پنهان کرده بودم که در مقام ابراهیم بیندازم. این گونه نذر کرده بودم و نیت داشتم، ولی گفتم پول را به زن می‌دهم و از او می‌خواهم که به یکی از فرزندان فاطمه علیها السلام بدهد که این بهتر از آن نیت قبلی‌ام است.

پس به او گفتم: این درهم‌ها را به فرزندی از فرزندان فاطمه علیها السلام که سزاوار باشد، بپرداز؛ چنین می‌اندیشیدم که او پول‌ها را به همان شخص خواهد داد. پول‌ها را گرفت و بالا رفت و بعد از ساعتی پایین آمد و گفت: او می‌گوید: در این درهم‌ها برای ما حقی نیست و آن را در همان جا که نیت کرده‌ای مصرف کن؛ و لکن این سکه رضویّه را بدلتش را از ما بگیر و در مکانی که نیت کرده‌ای بینداز.

من چنین کردم و با خود گفتم آنچه را پیرزن به من گفت از آن شخص نقل کرده است. همراه من نسخه توقیعی بود که از ناحیه امام علیه السلام برای قاسم بن علاء آذربایجانی صادر شده بود؛ آن را به زن نشان داده گفتم: این را به کسی عرضه کن که دستخط و توقیعات امام علیه السلام را بشناسد.

گفت: به من بده که من می‌شناسم. گمان کردم که او خود می‌تواند آن را بخواند و تشخیص دهد. ولی گفت: من نمی‌توانم آن را در این مکان بخوانم و به طرف اتاق بالا

رفت، سپس باز گشت و گفت: صحیح است.

در توقیع این گونه بود: شما را بشارت می‌دهم به بشارتی که دیگری را بدان بشارت نداده‌ام.

زن گفت: او می‌گوید: هنگامی که بر پیامبرت صلوات می‌فرستی، چگونه می‌فرستی؟
گفتم: می‌گویم:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ

خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست و بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ

محمد برکت بده، بهتر از آن چه بر ابراهیم و آل ابراهیم صلوات فرستادی و برکت دادی و ترحم نمودی!

إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

زیرا! همانا تو ستوده و بزرگوار هستی.

گفت: نه؛ در صلوات، همه آن‌ها را نام ببر و بر همه آن‌ها درود فرست. گفتم: باشد.
فردا که آن زن از غرفه فوقانی پایین آمد، دفتری کوچک همراهش بود و گفت: او
می‌گوید: هر گاه خواستی بر پیامبر و بر جانشینانش درود بفرستی، بر طبق این نسخه
صلوات فرست.

آن را گرفتم و بدان عمل نمودم؛ چند شب او را می‌دیدم که از اتاق پایین می‌آمد در
حالی که نور چراغ، همچنان برپا بود؛ درب را باز می‌کردم و به دنبال آن نور خارج
می‌شدم و من آن نور را می‌دیدم ولی کسی را نمی‌دیدم تا این که داخل مسجد می‌شد.
گروهی از اشخاص از کشورهای مختلف را می‌دیدم که به درب این منزل
می‌آمدند و بعضی به آن پیرزن، نامه‌هایی می‌دادند و او نیز به آن‌ها نامه‌هایی می‌داد و با
آنان سخن می‌گفت: آن‌ها نیز با پیرزن سخن می‌گفتند که من متوجه نمی‌شدم و بعضی
از آن‌ها را هنگام بازگشت در راه دیدم تا این که به بغداد رسیدم.^۱





صلوات ضراب اصفهانی

نسخه دفتري که از مولای ما حضرت مهدی ارواحنا فداه روایت شده است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَحُجَّةِ

خدایا! بر محمد سید رسولان و خاتم پیامبران و حجت

رَبِّ الْعَالَمِينَ، الْمُنْتَجَبِ فِي الْمِيثَاقِ، الْمُصْطَفَى فِي الظُّلَالِ،

پروردگار جهانیان درود فرست، او که در روز پیمان الهی، پسندیده شد و در عالم اظله اختیار شد،

الْمُطَهَّرِ مِنْ كُلِّ آفَةٍ، الْبَرِيِّ مِنْ كُلِّ عَيْبٍ، الْمَوْمَلِ لِلنَّجَاةِ،

از هر آفتی پاکیزه است، و از هر عیبی میزا؛ همگی برای نجات خود چشم امید به او دارند،

الْمُرْتَجَى لِلشَّفَاعَةِ، الْمَفْوُضِ إِلَيْهِ دِينُ اللَّهِ. اللَّهُمَّ شَرِّفْ بِنْيَانَهُ،

و امیدوار به شفاعت او هستند؛ دین خداوند بدو واگذار شده است. خداوندا؛ بنای هستی او را شرافت ده،

وَعَظْمُ بُرْهَانَهُ، وَأَفْلَحُ حُجَّتَهُ، وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ، وَأَضِي نُورَهُ،

و برهانش را بزرگ نما، و حجتش را پیروز فرما، و مقامش را بالا ببر؛ و نورش را تابنده کن،

وَبَيِّضْ وَجْهَهُ، وَأَعْطِهِ الْفَضْلَ وَالْفَضِيلَةَ، وَالْمَنْزِلَةَ وَالْوَسِيلَةَ،

و رویش را سفید نما، و به او فضیلت و برتری و فزونی و مقام و وسیله شفاعت

وَالدَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً يَغِيْطُهُ بِهِ الْأَوَّلُونَ

و درجه بلند عنایت کن، و او را به مقام پسندیده‌ای مبعوث نما که همگان از اولین و

وَالْآخِرُونَ. وَصَلِّ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ،

آخرین بر او غبطه خورند. و درود فرست بر امیر مؤمنان و وارث رسولان

وَقَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، وَسَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

و پیشوای سفید رویان و سرور همه جانشینان و حجت پروردگار جهانیان.

حجرت پیر

بخش چهارم



۲۶۴

وَصَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ،

و درود فرست بر حسن بن علی پیشوای مؤمنان و وارث رسولان

وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ، إِمَامِ

و حجت پروردگار جهانیان. و درود فرست بر حسین بن علی پیشوای

الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى

مؤمنان و وارث رسولان و حجت خداوند جهانیان. و درود فرست بر

عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ

علی بن الحسین مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار

الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ

جهانیان. و درود فرست بر محمد بن علی پیشوای مؤمنان و وارث

الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ،

پیامبران و حجت پروردگار جهانیان. و درود فرست بر جعفر بن محمد

إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ

پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار جهانیان. و درود فرست

عَلَى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ

بر موسی بن جعفر پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و حجت

رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ،

پروردگار جهانیان. و درود فرست بر علی بن موسی پیشوای مؤمنان

وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ

و وارث رسولان و حجت پروردگار جهانیان. و درود فرست بر محمد بن

عَلِيٍّ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

علی پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار جهانیان.

وَصَلِّ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ،

و درود فرست بر علی بن محمد پیشوای مؤمنان، و وارث رسولان

وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ،

و حجت پروردگار جهانیان. و درود فرست بر حسن بن علی، پیشوای مؤمنان

وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَصَلِّ عَلَى الْخَلْفِ

و وارث رسولان و حجت پروردگار جهانیان. و درود فرست بر بازمانده

الْهَادِي الْمَهْدِيِّ، إِمَامِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَارِثِ الْمُرْسَلِينَ، وَحُجَّةِ رَبِّ

هدایتگر هدایت شده، پیشوای مؤمنان و وارث رسولان و حجت پروردگار

الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَيْمَّةِ الْهَادِينَ،

جهانیان. خداوندا! بر محمد و اهل بیتش درود فرست که پیشوایان هدایتگر،

الْعُلَمَاءِ الصَّادِقِينَ، الْأَبْرَارِ الْمُتَّقِينَ، دَعَائِمِ دِينِكَ، وَأَرْكَانِ تَوْحِيدِكَ،

دانیان راستگو، نیکوکاران پرهیزکار؛ ستون‌های دینت و ارکان توحیدت

وَتَرَاجِمَةِ وَحْيِكَ، وَحُجَجِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَخُلَفَائِكَ فِي أَرْضِكَ،

و مفسران وحیت، و حجت‌های تو بر آفریدگانت و جانشینانت در زمین تو هستند؛

الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِنَفْسِكَ، وَأَصْطَفَيْتَهُمْ عَلَى عِبَادِكَ، وَأَرْتَضَيْتَهُمْ

آنان که برای خودت ایشان را اختیار کردی و بر تمام بندگانت برگزیدی و آنها را

لِدِينِكَ، وَخَصَّصْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ، وَجَلَّلْتَهُمْ بِكَرَامَتِكَ، وَغَشَّيْتَهُمْ

برای دینت پسندیدی و به شناخت خودت آنها را مخصوص گرداندی، و با کرامت خودت بر آنان شکوه و بزرگی بخشیدی و غرق

بِرَحْمَتِكَ، وَرَبَّيْتَهُمْ بِنِعْمَتِكَ، وَغَذَّيْتَهُمْ بِحِكْمَتِكَ، وَالْبَسْتَهُمْ

دریای رحمت خود کردی، و آنها را با نعمت خود پرورش دادی و با حکمت خود به آنان غذای روحی دادی

نُورِكَ، وَرَفَعْتَهُمْ فِي مَلَكُوتِكَ، وَحَفَفْتَهُمْ بِمَلَائِكَتِكَ، وَشَرَّفْتَهُمْ

و به نور خویش ایشان را پوشانیدی و در ملکوتت بالا بردی، و گرداگرد وجود ایشان را به فرشتگانت احاطه نمودی، و

بِنَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِمْ، صَلَوَةً

به واسطه پیامبرت - که درود تو بر او و آل او باد - به آنها شرافت بخشیدی. خدا یا! بر محمد و بر ایشان درود فرست؛ درودی

زَاكِيَةً نَامِيَةً كَثِيرَةً دَائِمَةً طَيِّبَةً لَا يُحِيطُ بِهَا إِلَّا أَنْتَ، وَلَا يَسَعُهَا

پاک و فزاینده و فراوان و دائمی و پاکیزه که جز خودت کسی بر آن احاطه پیدا نکند، و

مختصر

بخش چهارم



۲۶۶

إِلَّا عِلْمُكَ، وَلَا يُخْصِيهَا أَحَدٌ غَيْرُكَ. اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَيَّ وَوَلِيَّتِكَ،

جز در دانش تو ننگجد و غیر تو کسی نتواند آن را به شماره درآورد. خداوندا! بر ولایت درود فرست؛

الْمُخِي سُنَّتِكَ، الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ، الدَّاعِي إِلَيْكَ، الدَّلِيلِ عَلَيْكَ، حُجَّتِكَ

او که زنده‌کننده سنت توست و قیام‌کننده به امر تو، و دعوت‌کننده به سوی تو، و دلالت‌کننده بر تو، و حجت تو

عَلَى خَلْقِكَ، وَخَلِيفَتِكَ فِي أَرْضِكَ، وَشَاهِدِكَ عَلَى عِبَادِكَ. اللَّهُمَّ

بر بندگانت و جانشین تو در زمینت و گواه تو بر بندگان توست. خدایا!

أَعِزِّ نَصْرَهُ، وَمُدِّ فِي عُمُرِهِ، وَزَيِّنِ الْأَرْضَ بِطَوْلِ بَقَائِهِ. اللَّهُمَّ

یاری او را تقویت نما و عمرش را طولانی فرما، و با طولانی‌شدن ماندنش، زمین را زینت ببخش. خدایا!

اكْفِهِ بَغْيَ الْحَاسِدِينَ، وَأَعِذْهُ مِنْ شَرِّ الْكَائِدِينَ، وَازْجُرْ عَنْهُ إِزَادَةَ

از ستم حسودان او را کفایت کن، و از شر حيله‌گران پناهِش ده و اراده

الظَّالِمِينَ، وَخَلِّصْهُ مِنْ أَيْدِي الْجَبَّارِينَ. اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ

ستمکاران را از او دور کن، و او را از دست زورگویان رهایی ده. خداوندا! درباره خودش،

وَذُرِّيَّتِهِ، وَشَيْعَتِهِ وَرَعِيَّتِهِ، وَخَاصَّتِهِ وَغَامَّتِهِ وَعَدُوَّهُ وَجَمِيعِ أَهْلِ

ذریه‌اش، پیروانش، رعیتش، یاران ویژه‌اش، عموم پیروانش، دشمنانش و تمام اهل

الدُّنْيَا، مَا تُقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ، وَتَسْرُّ بِهِ نَفْسُهُ، وَبَلَغَهُ أَفْضَلَ مَا أَمَّلَهُ

دنیا، آنچه که چشمش را به آن روشن نمایی و روانش را به آن شادگردانی، به او عنایت فرما. و او را به برتر از آنچه آرزو دارد

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ جَدِّدْ بِهِ مَا

در دنیا و آخرت برسان؛ زیرا تو بر هر چیز توانایی. خدایا! آنچه از

امْتَحَنِي مِنْ دِينِكَ، وَأَخِي بِهِ مَا بُدِّلَ مِنْ كِتَابِكَ، وَأَظْهِرْ بِهِ مَا غَيَّرَ

دینت محو شده به وسیله او تازه کن، و آنچه از کتابت عوض شده به واسطه او زنده کن، و آنچه

مِنْ حُكْمِكَ، حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ غَضًّا جَدِيدًا خَالِصًا

از احکامت تغییر داده‌شده به وسیله او ظاهر کن؛ تا این که دینت به وسیله او و با دست او نو و تر و تازه گردد؛ آن گونه که خالص

مُخْلِصًا لَا شَكَّ فِيهِ، وَلَا شُبُهَةَ مَعَهُ، وَلَا بَاطِلَ عِنْدَهُ، وَلَا بِدْعَةَ

و بی‌الایش بوده که نه شکّی در آن باشد و نه شبهه‌ای به آن راه یابد، و نه باطل و بدعتی کنار آن و

لَدَيْهِ. اللَّهُمَّ نَوِّرْ نُورِهِ كُلَّ ظُلْمَةٍ، وَهْدِّ بِرُكْنِهِ كُلَّ بِدْعَةٍ، وَاهْدِمْ

نزد آن باشد. خدایا! هر تاریکی را به نور او روشن کن و هر بدعتی را به واسطه قدرت و قوتش ویران نما، و با

بِعِزِّهِ كُلَّ ضَلَالَةٍ، وَاقْصِمْ بِهِ كُلَّ جَبَّارٍ، وَأَخْمِدْ بِسَيْفِهِ كُلَّ نَارٍ،

عزت او هر گونه گمراهی را منهدم فرما، و هر فرد زورگوی گردنکش را به واسطه او هلاک گردان، و با شمشیرش هر آتشی را خاموش کن

وَأَهْلِكَ بِعَدْلِهِ جَوْرَ كُلِّ جَائِرٍ، وَأَجِرْ حُكْمَهُ عَلَى كُلِّ حُكْمٍ، وَأَذِلَّ

و ظلم هر ستمگری را به واسطه عدلش نابود کن، و دستور و حکمش را بر هر حکمی جاری ساز، و

بِسُلْطَانِهِ كُلَّ سُلْطَانٍ. اللَّهُمَّ أَذِلَّ كُلَّ مَنْ نَاوَاهُ، وَأَهْلِكَ كُلَّ مَنْ

با سلطنتش هر قدرتمندی را ذلیل و خوار ساز. خدایا! هر که قصد بدی به او کند ذلیل و خوار کن و هر که را که با او دشمنی نماید

عَادَاهُ، وَامْكُرْ بِمَنْ كَادَهُ، وَاسْتَأْصِلْ مَنْ جَحَدَهُ حَقَّهُ، وَاسْتَهَانَ

به هلاکت انداز و هر که را با او نیرنگ کند دچار نیرنگ گردان و هر که را منکر حقش باشد و امرش را سبک شمارد،

بِأَمْرِهِ، وَسَعَى فِي إِطْفَاءِ نُورِهِ، وَأَزَادَ إِخْمَادَ ذِكْرِهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ

و در خاموشی نورش بکوشد و بخواهد نامش و یادش را کم رنگ سازد از ریشه برکن. خدایا! درود فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُصْطَفَى، وَعَلَى الْمُرْتَضَى، وَفَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ،

بر محمد مصطفی، و بر علی مرتضی و فاطمه زهرا

وَالْحَسَنَ الرَّضَا، وَالْحُسَيْنَ الْمُصْطَفَى، وَجَمِيعِ الْأَوْصِيَاءِ، مَصَابِيحِ

و حسن صاحب مقام رضا و حسین صاحب مقام برگزیده و خالص بی‌آلایش و همه اوصیا و جانشینان آن حضرت که چراغ‌های

الدُّجَى، وَأَعْلَامِ الْهُدَى، وَمَنَارِ التَّقَى، وَالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى، وَالْحَبْلِ

روشن در تاریکی و نشانه‌های هدایت و جلوه‌گاه پرهیزکاری و دستاویز مورد اطمینان و ریسمان

الْمَتِينِ، وَالصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ. وَصَلِّ عَلَى وَاٰلِكَ وَسَلَّمَ، وَوَلَاةِ عَهْدِكَ،

محکم و راه راست هستند. و درود فرست بر ولی خود و عهده‌داران پیمانات

وَالْأئِمَّةِ مِنْ وُلْدِهِ، وَمُدِّ فِي أَعْمَارِهِمْ، وَزِدْ فِي أَجَالِهِمْ، وَبَلِّغْهُمْ

و امامان از فرزندان او؛ و بر عمرشان بیفزای و مدت آن‌ها را زیاد فرما، و ایشان را

أَقْصَى أَمْوَالِهِمْ، دِينًا وَدُنْيَا وَآخِرَةً، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. ۱

به نهایت آرزوهای دینی و دنیوی و اخروی‌شان برسان؛ چرا که تو بر هر کاری توانا هستی.

این خبر شریف در تعدادی از کتاب‌های معتبر علمای پیشین، و با سندهای متعدّد، روایت شده است؛ برخی از این کتاب‌ها نیز در تمام بخش‌های روایت، عبارت را به صورت «اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی ...» آورده‌اند.

و نیز، وقت مشخصی برای خواندن این صلوات و دعا، در هیچ یک از خبرهای مزبور، نیامده است؛ مگر آن که جناب سید بن طاووس رحمته الله در کتاب «جمال الأسبوع» پس از بیان تعقیبات وارد شده پس از نماز عصر روز جمعه می‌فرماید: «... اگر زمانی به خاطر عذر و بهانه‌ای تعقیبات نماز عصر روز جمعه را انجام ندادی؛ لیکن، به هیچ وجه این صلوات را ترک مکن. به جهت مطلبی که خدای بزرگ، ما را از آن آگاه فرموده است.» از این کلام شریف استفاده می‌شود که سید بن طاووس، از امام زمان صلوات الله علیه در مورد این صلوات، سفارشی دریافت کرده است. و البتّه از این بزرگوار بعید نیست؛ چرا که او تصریح می‌کند، راه رسیدن به آن حضرت ارواحنا فداء، باز است.^۱

در «مکیال المکارم» آمده است: این دعای شریف، از دعاهای بزرگی است که شایسته است بر آن مداومت بشود، و در تمام اوقات نسبت به خواندن آن اهمیّت داده شود؛ به خصوص، در زمان‌هایی که اختصاص بیشتری به امام عصر صلوات الله علیه دارد؛ همانند: شب نیمه شعبان، روز نیمه شعبان، شب و روز جمعه.

شاید، نویسنده «جمال الصالحین» نیز به همین جهت، این دعا را در اعمال شب نیمه شعبان آورده است؛ با آن که از ظاهر روایتی که ذکر کردیم بر می‌آید که اختصاص به وقت خاصی نداشته باشد، بلکه برای همه اوقات وارد شده است.^۲



صلوات و دعا در عصر روز جمعه برای ظهور حضرت بقیة الله ارواحنا فداء

از امام صادق رحمته الله روایت شده است که فرمود:

در روز قیامت، خدای تعالی روزها را برمی‌انگیزد؛ و روز جمعه را مانند عروسی -

۱. نجم الثاقب: ۷۷۰.

۲. مکیال المکارم: ۷۳/۲.

که دارای زیبایی و کمال باشد و به شخصی ثروت مند و دین داری هدیه گردد - پیشاپیش آن ها می آورد، و روز جمعه (در حالی که دیگر روزها در پشت سرش قرار دارند) جلو درب بهشت می ایستد؛ و برای تمام کسانی که بر محمد و آل محمد درود و صلوات بسیار فرستاده اند، شفاعت می کند.

عبدالله بن سنان می گوید: پرسیدم: بسیار؛ در مورد صلوات، یعنی چند تا؟ و صلوات فرستادن در کدام ساعت های روز جمعه، از فضیلت بیشتری برخوردار است؟
حضرت فرمود:

صد مرتبه، پس از عصر.

عبدالله بن سنان پرسید: چگونه باید صلوات بفرستم؟ فرمود: می گویی:

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ.

بار الها؛ درود پیوسته بر حضرت محمد و آل محمد نثار کن، و در فرج و راحتی ایشان شتاب فرما.

و آن را صد مرتبه تکرار می کنی.^۱



فضیلت خواندن سوره بنی اسرائیل

در هر شب جمعه

در پایان این بخش، روایتی را که در «تفسیر برهان» از کتاب «تفسیر عیاشی» و «ثواب الأعمال»، از امام صادق علیه السلام نقل شده است می آوریم.
آن حضرت فرمود:

هر کس سوره بنی اسرائیل را در هر شب جمعه بخواند، نمی میرد تا امام قائم (حضرت مهدی صلوات الله علیه) را درک کند، و از اصحاب آن بزرگوار باشد.^۲

۱. جمال الأسبوع: ۲۷۷، الصحیفة الصادقیة: ۹۲۹.

۲. مکیال المکارم: ۳۷۸/۲، المصباح: ۵۸۵، ثواب الأعمال: ۱۰۷، تفسیر برهان: ۷/۶ ح ۱ و ۲، تفسیر عیاشی: ۲۷۶/۲ ح ۱.

بخش پنجم

بخش پنجم



دعای ماهی هر ماه



دعا برای ظهور حضرت مهدی ارواحنا فداه در ظهر روز عاشورا

عبدالله بن سنان می گوید: در روز عاشورا، نزد آقایم امام صادق علیه السلام رفتم، و آن حضرت را با رنگی پریده و چهره‌ای اندوهگین یافتم، و دیدم اشک از چشمان مبارکش چون مرواریدهای غلطان، جاری بود. گفتم: ای فرزند رسول خدا؛ چرا گریه می کنی؟ خدا چشمانت را هرگز نگریاند.

حضرت فرمود:

مگر غافل می؟ مگر نمی دانی که در چنین روزی حسین بن علی علیه السلام به شهادت رسیده است؟

گفتم: آقای من، دربارهٔ روزه امروز چه می فرماید؟

حضرت فرمود:

امساک کن بدون این که نیت روزه کرده باشی؛ و افطار نما، بدون آن که غذاهای لذیذ بخوری. تمام روز را روزه مدار و ساعتی پس از نماز عصر با جرعه‌ای از آب، افطار کن. همانا در چنین ساعتی از روز عاشورا جنبش و هیاهوی دشمن تمام و جنگ و خونریزی شدید آن‌ها با خاندان پیامبر خاتمه یافت، و در روی زمین

سی کشته از آن‌ها در میان جسدهای پاک دوستان و هم‌پیمانانشان به خاک و خون افتاد. بر رسول خدا ﷺ این مصیبت بسیار گران و سخت است؛ اگر آن حضرت اکنون زنده بود خودش صاحب عزای آنان بود.

عبدالله می‌گوید: حضرت چنان گریه کرد که محاسن مبارکش از اشک دیده‌اش آغشته شد؛ سپس چنین فرمود:

خداوند عزّوجلّ آفرینش نور را در روز جمعه - اولین روز ماه مبارک رمضان - در تقدیرش قرار داد؛ و تاریکی را در روز چهارشنبه (روز عاشورا) دهمین روز محرم مانند چنین روزی آفرید. و برای هر یک از آن روزها، راه و شیوه‌ای قرار داد.

ای عبدالله؛ بهترین کاری که در این روز می‌توانی انجام دهی این است که لباس‌های پاکیزه‌ات را بپوشی و تسلّب نمایی. عرض کردم: تسلّب چیست؟

فرمود: گریبانت را باز کن و همانند عزاداران آستین خود را بالا بزن؛ سپس به بیابان بی‌آب و علف یا مکانی برو که کسی تو را نبیند، یا منزل خلوتی اختیار کن، یا به خلوتگاه دیگری برو و هنگام بالا آمدن آفتاب، چهار رکعت نماز بارکوع و سجود نیکو بجای آور، و بین هر دو رکعتی سلام بده؛ در رکعت اول سوره «حمد» و «قل یا ایها الکافرون»، و در رکعت دوم سوره «حمد» و «قل هو الله أحد» را بخوان.

سپس دو رکعت دیگر را بجای آور؛ در رکعت اول «حمد» و سوره «احزاب»، و در رکعت دوم «حمد» و «منافقون» را بخوان، یا سوره‌های دیگری را که می‌توانی بخوانی، اختیار کن. سپس نماز را تمام کرده و به طرف قبر و بارگاه امام حسین علیه السلام رومی کنی و در نظر آور قتلگاه آن حضرت را و کسانی که با آن بزرگوار بودند - از فرزندان و اهل بیت ایشان - و بر او سلام و درود فرست، و دشمنانش را نفرین نما و از کارهای‌شان بیزاری بجوی؛ با این عمل، خداوند تو را به مراتب بالایی در بهشت نایل کند و گناهانت را فرو ریزد. سپس از جایی که در بیابان یا هر محلّ خلوت دیگری که هستی، چند قدم بردار و بگو:

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، رِضًا بِقَضَاءِ اللَّهِ وَتَسْلِيمًا لِأَمْرِهِ».

همانا ما از خداییم و به سوی او باز می گردیم؛ راضی به قضا و حکم اویم، و تسلیم فرمانش هستیم.

در آن حال، باید حزن و اندوه در چهرهات آشکار باشد؛ هر چه می توانی یاد خدا کن؛ آیه استرجاع (إنا لله...) را بخوان. وقتی این کار را انجام دادی و این راه را رفتی به جایی که ابتدا در آن نماز گزاردی باز گرد، و چنین بگو:

اللَّهُمَّ عَذِّبِ الْفَجْرَةَ، الَّذِينَ شَاقُّوا رَسُولَكَ، وَحَارَبُوا أَوْلِيَاءَكَ،

خداوندا؛ فاجران و تبهکاران را به عذاب خود گرفتار کن؛ آنها که با پیامبرت دشمنی ورزیدند و با دوستانت به جنگ برخاستند،

وَعَبَدُوا غَيْرَكَ، وَاسْتَحَلُّوا مَحَارِمَكَ، وَالْعَنِ الْقَادَةَ وَالْأَتْبَاعَ، وَمَنْ

و غیر از تو را بندگی کردند، و حرام‌هایت را حلال شمردند. (خدایا؛) سران و پیروان آنها را لعنت کن و هر که

كَانَ مِنْهُمْ، فَخَبِّ وَأَوْضِعْ مَعَهُمْ، أَوْ رَضِيَ بِفِعْلِهِمْ لَعْنًا كَثِيرًا.

با آنها بوده پس فریب خورده و با آنان پست گردیدند، یا به کردار آنان راضی گشتند، بسیار نفرین فرما.

اللَّهُمَّ وَعَجِّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ،

خدایا؛ در فرج و راحتی آل محمد شتاب فرما، و درود و رحمتت را بر پیامبر و ایشان قرار ده،

وَاسْتَنْقِذْهُمْ مِنْ أَيْدِي الْمُنَافِقِينَ الْمُضِلِّينَ، وَالْكَفَرَةَ الْجَاهِدِينَ،

و آنان را از دست منافقین گمراه‌کننده رهایی ده؛ و از شر کافران و منکران خودت نجات بخش،

وَافْتَحْ لَهُمْ فَتْحًا يَسِيرًا، وَأَتِّخْ لَهُمْ رَوْحًا وَفَرَجًا قَرِيبًا، وَاجْعَلْ

و برای آنان گشایشی آسان مقدر فرما، و فرج و آسایش نزدیک برای ایشان فراهم نما،

لَهُمْ مِنْ لَدُنْكَ عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِمْ سُلْطَانًا نَصِيرًا.

و از جانب خودت بدان‌ها سلطه و حکومتی مقتدرانه بر دشمنان خود و دشمنان ایشان، عنایت فرما.

سپس دستانت را بلند کن و با این دعا برای خدا فروتنی کن؛ و در حالی که به

دشمنان خاندان پیامبر ﷺ اشاره می‌کنی، چنین دعا کن:

اللَّهُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِنَ الْأُمَّةِ نَاصَبَتِ الْمُسْتَحْفَظِينَ مِنَ الْأَسْمَةِ،

خدایا؛ گروه زیادی از امت، نسبت به امامان - که حافظ دین و شریعت‌اند - عداوت ورزیده‌اند؛

وَكَفَرَتْ بِالْكَلِمَةِ، وَعَكَفَتْ عَلَى الْقَادَةِ الظَّلْمَةِ، وَهَجَرَتْ الْكِتَابَ

و به کلمه (حق) کافر گشتند؛ و بر رهبران ستمگر روی آوردند و ملازم گشتند؛ و از کتاب خدا

وَالسُّنَّةَ، وَعَدَلْتُ عَنِ الْحَبْلَيْنِ اللَّذَيْنِ أَمَرْتُ بِطَاعَتِهِمَا، وَالتَّمَسُّكَ

و سنت پیامبر دور شدند و کناره گرفتند؛ و از دو ریسمان محکمی که به اطاعتشان دستور دادی (یعنی: قرآن و عترت

بِهِمَا، فَأَمَاتتِ الْحَقَّ، وَجَارَتْ عَنِ الْقَصْدِ، وَمَالَاتِ الْأَحْزَابَ،

پیامبر ﷺ) روی گردانند. در نتیجه حق را میرانند و از راه اعتدال و میانه‌روی منحرف شدند؛ و احزاب را یاری کردند؛

وَحَرَفَتِ الْكِتَابَ، وَكَفَرَتْ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهَا، وَتَمَسَّكَتْ بِالْبَاطِلِ

کتاب تو را تحریف و دگرگون ساختند، و به آن چه از حق و حقیقت بدان‌ها عرضه شد کفر ورزیدند؛ و به هر باطلی که بر آنان

لَمَّا اغْتَرَضَهَا، وَضَيَّعَتْ حَقَّكَ، وَأَضَلَّتْ خَلْقَكَ، وَقَتَلَتْ أَوْلَادَ

عرضه شد، تمسک جستند؛ و حق تو را ضایع ساختند، و بندگانت را گمراه نمودند، و فرزندان

نَبِيِّكَ، وَخَيْرَةَ عِبَادِكَ، وَحَمَلَةَ عِلْمِكَ، وَوَرَثَةَ حِكْمَتِكَ وَوَحْيِكَ.

پیامبرت، بهترین بندگانت، حاملان علمت و وارثان وحی و حکمت را کشتند.

اللَّهُمَّ فَزَلْزِلْ أَقْدَامَ أَعْدَائِكَ وَأَعْدَاءِ رَسُولِكَ وَأَهْلِ بَيْتِ رَسُولِكَ.

خداوندا؛ قدم‌های دشمنان خود و دشمنان پیامبرت و دشمنان اهل بیت پیامبرت را لرزان فرما،

اللَّهُمَّ وَأَخْرِبْ دِيَارَهُمْ، وَأَفْلِلْ سِلَاحَهُمْ، وَخَالَفْ بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ،

خدایا؛ سرزمین آنان را ویران کن، و سلاح‌هایشان را از کار بینداز، و اتحاد آنها را از بین ببر،

وَفُتِّ فِي أَعْضَادِهِمْ، وَأَوْهِنُ كَيْدَهُمْ، وَأَضْرِبُهُمْ بِسَيْفِكَ الْقَاطِعِ،

و در میان مددکاران آنها پراکندگی و پریشانی ایجاد کن، و مکر و حيله‌شان را سست گردان، و آنها را به شمشیر بزانت دچار کن،

وَأَرْمِهِمْ بِحَجَرِكَ الدَّامِغِ، وَطُمَّهُمْ بِالْبَلَاءِ طَمًّا، وَقُمَّهُمْ بِالْعَذَابِ

و با سنگ هلاک‌کننده‌ات سنگ‌باران بنما، و آنها را به شدت غرق بلا گردان، و عذاب فراگیری را بر آنان مسلط فرما،

قَمًّا، وَعَذِّبُهُمْ عَذَابًا نُّكْرًا، وَخُذْهُمْ بِالسِّنِينَ وَالْمَثَلَاتِ الَّتِي

و مجازات‌های زشت و دشوارت را گریبان‌گیر آنها بساز؛ و آنها را با قحطی و عقوبت‌ها گرفتار کن همان گونه که

أَهْلَكْتَ بِهَا أَعْدَائِكَ، إِنَّكَ ذُو نِقْمَةٍ مِنَ الْمُجْرِمِينَ. اللَّهُمَّ إِنَّ

دشمنانت را با آنها هلاک گرداندی. همانا، تو انتقامی بس شدید از مجرمان خواهی گرفت. خدایا؛

سُنَّتِكَ ضَائِعَةً، وَأَحْكَامَكَ مُعْطَلَةً، وَعِثْرَةَ نَبِيِّكَ فِي الْأَرْضِ

سنت و طریقت تو از بین رفته است، احکام (حیات‌بخشت) تعطیل گشته است، و عترت پیامبرت در زمین

تفسیر

بخش پنجم

۲۷۶

هَائِمَةٌ. اللَّهُمَّ فَأَعِنِ الْحَقَّ وَأَهْلَهُ، وَأَقْمِعِ الْبَاطِلَ وَأَهْلَهُ، وَمَنْ

سرگشته گردیده است. ای خدا، حق و اهل آن را یاری کن، و باطل و اهل آن را نابود کن، و با

عَلَيْنَا بِالنَّجَاةِ، وَاهْدِنَا إِلَى الْإِيمَانِ، وَعَجِّلْ فَرَجَنَا، وَأَنْظِمَهُ بِفَرَجِ

رهایی ما از دست آنان بر ما منت بگذار، و به راه ایمان هدایت‌مان فرما؛ و در فرج و گشایش امور ما تعجیل نما، و فرج ما را با فرج

أَوْلِيَائِكَ، وَاجْعَلْهُمْ لَنَا وَدًّا، وَاجْعَلْنَا لَهُمْ وَقْدًا. اللَّهُمَّ وَأَهْلِكَ

اولیایت سر و سامان ده، آنان را دوست‌دار ما قرار ده، و ما را گروه پیام‌رسان ایشان گردان. بار خدایا؛ هلاک گردان

مَنْ جَعَلَ يَوْمَ قَتْلِ ابْنِ نَبِيِّكَ وَخَيْرَتِكَ عِيدًا، وَاسْتَهَلَّ بِهِ فَرَحًا

کسی را که روز شهادت فرزند پیامبرت و برگزیده‌ات را عید قرار داده است، و اظهار شادی و سرور را در آن روز مرسوم

وَمَرَحًا، وَخَذَ آخِرَهُمْ كَمَا أَخَذْتَ أَوْلَهُمْ، وَأَضْعِفِ اللَّهُمَّ الْعَذَابَ

کرده است؛ با دست انتقامت، گریبان آخرشان را بگیر، همان طور که اولشان را گرفتار ساختی، و عذاب و عقوبت را بر آنان

وَالتَّكْيِيلَ عَلَى ظَالِمِي أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ، وَأَهْلِكَ أَشْيَاعَهُمْ

که بر اهل بیت پیامبرت ستم ورزیدند دوچندان بگردان؛ و رهبران و پیروان آنان را هلاک گردان؛

وَقَادَتَهُمْ، وَأَبِرْ حُمَاتِهِمْ وَجَمَاعَتَهُمْ. اللَّهُمَّ وَضَاعِفِ صَلَوَاتِكَ

و حمایت‌کنندگان و همه جمعیت ایشان را ریشه‌کن نما و نابود فرما. خدایا؛ درود

وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ عَلَى عِثْرَةِ نَبِيِّكَ، الْعِثْرَةِ الضَّائِعَةِ الْخَائِفَةِ

و رحمت و برکاتت را بر عترت پیامبرت، بیش از پیش نازل کن؛ عترتی که حقشان ضایع شد و از شر دشمنان همواره ترسان

الْمُسْتَذَلَّةِ، بِقِيَّةِ الشَّجَرَةِ الطَّيِّبَةِ الزَّاكِيَةِ الْمُبَارَكَةِ. وَأَعْلِ اللَّهُمَّ

بوده، و در میان مردم به خواری کشیده شدند؛ و باقی‌مانده درخت پاک و پاکیزه و پربرکت (شجره طیبه) بودند. خدایا؛

كَلِمَتَهُمْ، وَأَفْلِحْ حُجَّتَهُمْ، وَاكْشِفِ الْبَلَاءَ وَاللَّأْوَاءَ، وَحَنَادِسَ

کلمه آن‌ها را عالی و بلندمرتبه گردان، و حجت‌شان را غالب و پیروز نما؛ و بلا و سختی و تاریکی‌های

الْأَبْاطِيلِ وَالْعَمَى عَنْهُمْ، وَثَبِّتْ قُلُوبَ شَيْعَتِهِمْ وَحَزْبِكَ عَلَى

باطل و ناروا و کوری را از آنان دفع کن؛ و دل‌های پیروان آن‌ها و حزب خودت را بر

طَاعَتِهِمْ وَوَلَايَتِهِمْ وَنُصْرَتِهِمْ وَمُؤَالَاتِهِمْ، وَأَعِنَّهُمْ وَأَمْنَحَهُمْ

فرمان‌بری، دوستی، یاری و موالات آن‌ها ثابت و استوار بدار؛ و آنان را کمک کن و در برابر اذیت‌هایی که در راه توبه آنها می‌رسد

الصَّبْرَ عَلَى الْأَذَى فَيْكَ، وَاجْعَلْ لَهُمْ أَيَّاماً مَشْهُودَةً، وَأَوْقَاتاً

صبر و شکیبایی به ایشان عنایت فرما؛ و برای آنان روزهای تاریخی، و اوقاتی

مَحْمُودَةً مَسْعُودَةً، يُوشِكُ فِيهَا فَرَجُهُمْ، وَتُوجِبُ فِيهَا تَمْكِينَهُمْ

نیک و پسندیده قرار ده که فرج و گشایش امور آنها، بسی نزدیک باشد؛ و قدرت یافتن و پیروزی‌شان برسد

وَنَصْرَهُمْ، كَمَا ضَمِنْتَ لِأَوْلِيَائِكَ فِي كِتَابِكَ الْمُنَزَّلِ، فَإِنَّكَ قُلْتَ

و آنان را بر امور مسلط نمایی، که این حقیقت را خود در کتابت تضمین فرموده‌ای و چنین گفته‌ای

وَقَوْلِكَ الْحَقُّ، وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

و گفته تو حق مطلق است؛ خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده

لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ

داده است که در زمین خلافت دهد، همان گونه که به پیشینیان آنها نیز خلافت روی زمین را بخشیده؛

لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا

و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده پابرجا و برقرار سازد و ترس‌شان را به امنیت و آرامش مبدل کند (آن

يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا، ۱. اللَّهُمَّ فَاكْشِفْ غُمَّتَهُمْ، يَا مَنْ

چنان) که تنها مرا پرستش کنند و چیزی را شریک من قرار ندهند. خداوندا؛ غم و اندوه آنها را برطرف کن؛ ای کسی که

لَا يَمْلِكُ كَشْفَ الضَّرِّ إِلَّا هُوَ، يَا أَحَدُ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، وَأَنَا يَا

جز او، کس دیگری بیچارگی و سختی را نمی‌زداید؛ ای خدای یگانه و همواره زنده و پاینده؛ ای خدای من؛

إِلَهِي عَبْدُكَ الْخَائِفُ مِنْكَ، وَالرَّاجِعُ إِلَيْكَ، أَسْأَلُ لَكَ، الْمُقْبِلُ

همانا من بنده ترسان از تو هستم و به سوی تو باز می‌گردم و از تو درخواست می‌کنم و به درگاه تو

عَلَيْكَ، أَلَلَّاجِي إِلَى فِنَائِكَ، الْعَالِمُ بِأَنَّهُ لَا مَلْجَأَ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ.

رو می‌آورم و به آستان امن تو پناه می‌برم و نیک می‌دانم که از ترس تو، جز به خودت نمی‌توان پناه برد.

اللَّهُمَّ فَتَقَبَّلْ دُعَائِي، وَاسْمَعْ يَا إِلَهِي عَلَانِيَتِي وَنَجْوَائِي، وَاجْعَلْنِي

خدایا؛ دعایم را بپذیر؛ ای خدای من؛ به سخن آشکار و راز پنهان من گوش فرا ده، و مرا از آنان قرار ده

مِمَّنْ رَضِيَتْ عَمَلَهُ، وَقَبِلَتْ نُسْكَهَ، وَنَجَّيْتَهُ بِرَحْمَتِكَ، إِنَّكَ أَنْتَ

که از کردارش خشنود هستی و اعمالش را می‌پذیری و با رحمت خودت (او را از ورطه‌های زندگی) نجات می‌دهی؛

الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ. اللَّهُمَّ وَصَلِّ أَوْلَاً وَآخِرَاً عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

همانا تو خدای شکست‌ناپذیر بخشنده‌ای. خداوندا؛ در ابتدا و انتها بر محمد و آل محمد درود فرست،

وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ،

و برای محمد و آل محمد برکت و فزونی عطا کن، و بر محمد و آل محمد رحم نما

بِأَكْمَلِ وَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى أَنْبِيَائِكَ

به نوعی کامل‌تر و برتر از درود و برکت و رحمتی که بر پیامبران

وَرُسُلِكَ، وَمَلَائِكَتِكَ وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ بِإِلَهِ إِلَّا أَنْتَ. اللَّهُمَّ

و رسولان و فرشتگان و حاملان عرش فرستاده‌ای؛ به حرمت این واقعیت که جز تو خدایی نیست. خدایا؛

وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلَّوْاَتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ،

میان من و محمد و آل محمد - که درود تو بر او و ایشان باد - جدایی می‌فکن؛

وَاجْعَلْنِي يَا مَوْلَايَ مِنْ شِيعَةِ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ وَالْحَسَنِ

و ای مولای من؛ مرا از شیعیان و پیروان محمد و علی و فاطمه و حسن

وَالْحُسَيْنِ وَذُرِّيَّتِهِمُ الطَّاهِرَةَ الْمُتَجَبَّةَ، وَهَبْ لِي التَّمَسُّكَ

و حسین و اولاد پاک و نیک‌نژاد و شریف آنها قرار ده و به من توفیق عنایت کن که به

بِحَبْلِهِمْ، وَالرِّضَا بِسَبِيلِهِمْ، وَالْأَخْذَ بِطَرِيقَتِهِمْ، إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ.

ریسمان آنها چنگ زنم، و به راهشان خشنود گردم و روش آنان را در پیش گیرم؛ همانا تو بسیار کریم و بخشنده هستی.

سپس صورت به خاک بمال و بگو:

يَا مَنْ يَحْكُمُ مَا يَشَاءُ وَيَفْعَلُ مَا يُرِيدُ أَنْتَ حَكَمْتَ، فَلَكَ الْحَمْدُ

ای کسی که آنچه می‌خواهد حکم می‌کند، و هر چیزی را که اراده کند انجام می‌دهد؛ حکم از آن توست؛ پس حمد و ستایش سزاوار تو است

مَحْمُوداً مَشْكُوراً، فَعَجِّلْ يَا مَوْلَايَ فَرَجَهُمْ، وَفَرِّجْنَا بِهِمْ، فَإِنَّكَ

در حالی که ستایش‌شده و سپاسگزاری شده هستی. ای مولای من؛ در فرج آنان و فرج ما که به سبب آنان تحقق پیدا می‌کند تعجیل کن، همانا

ضَمِنْتَ إِعْزَاذَهُمْ بَعْدَ الذَّلَّةِ، وَتَكْثِيرَهُمْ بَعْدَ الْقِلَّةِ، وَإِظْهَارَهُمْ

تو عزت آنها را پس از خواری، و فزونی آنان را پس از کمی، و جلوه کردن‌شان را

بَعْدَ الْخُمُولِ، يَا أَصْدَقَ الصَّادِقِينَ، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

پس از گمنامی ضمانت کرده‌ای؛ ای راست‌گوترین راست‌گویان؛ ای مهربان‌ترین مهربانان؛

فَأَسْأَلُكَ يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي، مُتَضَرِّعاً إِلَيْكَ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ،

ای خدای من؛ ای آقای من؛ از تو با تضرع و گریه و زاری به درگاه کرم و بخششت، درخواست می‌کنم

بَسْطِ أَمَلِي وَالتَّجَاوُزَ عَنِّي، وَقَبُولَ قَلِيلِ عَمَلِي وَكَثِيرِهِ، وَالزِّيَادَةَ

که آرزوهایم را تحقق بخشی، و از گناهانم درگذری، و کم و زیاد عملم را بپذیری؛

فِي أَيَّامِي وَتَبْلِيغِي ذَلِكَ الْمَشْهَدَ، وَأَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ يُدْعَى

و در مدت عمرم زیاد مرا بدان حرم مطهر و بارگاه شریف شرفیاب گردانی. مرا از کسانی قرار ده که

فَيُجِيبُ إِلَى طَاعَتِهِمْ وَمُؤَالَاتِهِمْ وَنَصْرِهِمْ، وَتُرِينِي ذَلِكَ قَرِيباً

برای یاری، دوستی و فرمان‌برداری ایشان خوانده می‌شوند و بی‌درنگ پاسخ می‌دهند، و این زمان را هر چه زودتر

سَرِيعاً فِي عَافِيَةٍ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

با عافیت و سریع به من بنمایان که همانا تو بر آنچه خواهی توانایی.

سپس سرت را به طرف آسمان بلند کن و بگو:

أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَكُونَ مِنَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَكَ، فَأَعِذْنِي يَا

خدایا؛ به تو پناه می‌برم از این که از آنانی باشم که به روزهای (بزرگ) تو امید ندارند؛ پس

إِلَهِي بِرَحْمَتِكَ مِنْ ذَلِكَ.

به رحمتت مرا از این گرفتاری پناه ده.

ای پسر سنان؛ این دعا از چندین حج و عمره مستحبتی که ثروت را در آن راه مصرف کنی و بدنت را به زحمت بیندازی و از خانواده‌ات جدا شوی، برتر است. و آگاه باش که خدای تعالی به هر کس که در این روز این نماز را به جای آورد و این دعا را خالصانه بخواند و این عمل را با یقین و تصدیق (به خدا و ائمه علیهم‌السلام) انجام دهد، ده ویژگی عطا می‌کند:

از مرگ بد او را حفظ می‌کند؛ از مشکلات و فقر در امانش می‌دارد؛ تا زنده است دشمن را بر او چیره نمی‌گرداند؛ خودش و فرزندانش را تا چهار نسل از دیوانگی، جذام و پیسی می‌رهاند؛ بر او و فرزندانش تا چهار پشت، راهی برای شیطان و همکارانش باقی نمی‌گذارد.

پسر سنان می‌گوید: از نزد امام رفتم در حالی که می‌گفتم: سپاس خدای را که با

معرفت و دوستی شما بر من منت نهاد، و از او یاری می‌طلبم که با منت و رحمتش، بر اطاعت شما - که خدا بر من واجب کرده است - موفقم بدارد.^۱



دعای دیگری در روز عاشورا

«صالح بن عقبه» از پدرش از امام باقر علیه السلام روایت می‌کند که فرمود:

آن کس که در دهمین روز محرم، حسین بن علی علیه السلام را زیارت کند و تمام روز را نزد قبر مطهرش گریان باشد؛ روزی که خدا را ملاقات می‌کند ثواب دو هزار حج و دو هزار عمره و دو هزار غزوه (جهاد) دارد که ثواب هر غزوه و حج و عمره آن مانند ثواب کسی است که با پیامبر و امامان هدایتگر، حج و عمره بجای آورده و جهاد کند.

گفتم: فدایت شوم، اگر کسی در نقطه‌ای دور دست بود که امکان رسیدن به قبر امام حسین علیه السلام را در این روز نداشت چه کند؟ فرمود:

اگر آن گونه بود، به صحرائی برود و یا به مکان بلندی در خانه‌اش رود و با اشاره (به حضرت امام حسین علیه السلام) سلام کند و در لعن و نفرین بر قاتلانش، تلاش کند و پس از آن دو رکعت نماز بگذارد؛ و باید این اعمال را در آغاز روز، قبل از زوال خورشید انجام دهد.

سپس بر امام حسین علیه السلام گریه و ندبه کند و به هر کس که در خانه‌اش حضور دارد (جز کسی که از او تقیه می‌کند) امر کند که بر آن حضرت بگریند و با اظهار جزع و بی‌تابی بر این مصیبت در خانه‌اش عزاداری بپا نماید و به یکدیگر تعزیت بگویند. اگر این کارها را انجام دهد من ضمانت می‌کنم که همه آن اجرها را نزد خداوند بلند مرتبه، داشته باشد.

گفتم: فدایت کردم، آیا شما برای ایشان این گونه ضمانت می‌کنی؟



فرمود: آری، من ضامن هستم و عهده‌دار برای کسی که آن را انجام دهد.

گفتم: چگونه به یکدیگر تعزیت بگوییم؟ فرمود: بگویید:

أَعْظَمَ اللَّهُ أَجُورَنَا بِمُضَابِنَا بِالْحُسَيْنِ، وَجَعَلْنَا وَإِيَّاكُمْ مِنَ الطَّالِبِينَ

خداوند اجرهای ما را بر مصیبت‌مان بر حسین، بزرگ گرداند، و ما و شما را از انتقام‌جویان

بِثَارِهِ مَعَ وَلِيِّهِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

خونش همراه با ولیش، امام و پیشوای هدایت‌شده از آل محمد - که سلام بر آنان باد - قرار دهد.



دعای ایام ماه رجب

که از ناحیه مقدسه امام زمان ارواحنا فداء صادر شده است

ابن عیاش می‌گوید: از اموری که از ناحیه مقدسه امام عصر ارواحنا فداء به دست شیخ ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید رسیده، دعایی است که در هر روز از ماه رجب خوانده می‌شود:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَعَانِي جَمِيعَ مَا يَدْعُوكَ بِهِ وُلاةُ أَمْرِكَ،

پروردگارا! از تو درخواست می‌کنم به معانی تمام آنچه را که اولیاء امرت، تو را به آن می‌خوانند؛

الْمَأْمُونُونَ عَلَى سِرِّكَ، الْمُسْتَبْشِرُونَ بِأَمْرِكَ، الْوَأَصْفُونَ

آنان که بر سز تو امین و به امر تو خشنود و مفتخرند، آن‌ها که

لِقُدْرَتِكَ، الْمُعْلِنُونَ لِعَظَمَتِكَ، أَسْأَلُكَ بِمَا نَطَقَ فِيهِمْ مِنْ مَشِيَّتِكَ،

قدرت تو را توصیف و عظمت تو را نشان می‌دهند؛ درخواست می‌کنم به آنچه مشیت تو درباره آن‌ها ناطق است،

فَجَعَلْتَهُمْ مَعَادِنَ لِكَلِمَاتِكَ، وَأَرْكَاناً لِتَوْحِيدِكَ وَأَيَاتِكَ وَمَقَامَاتِكَ

پس آن‌ها را معدن کلمات، و ارکان توحید خود ساختی و نشانه‌ها و مقامات خویشان دادی؛

الَّتِي لَا تَعْطِيلَ لَهَا فِي كُلِّ مَكَانٍ يَعْرِفُكَ بِهَا مَنْ عَرَفَكَ، لَا فَرْقَ

نشانه‌ها و مقاماتی که تعطیلی برای آن‌ها در هیچ مکانی نیست، هر که تو را شناخت به آن آیات و نشانه‌ها شناخته است؛

۱. مصباح‌المتجهّد: ۷۷۲، المصباح: ۶۴۰، و مانند همین روایت در کامل‌الزیارات: ۳۲۵ آمده است.

بَيْنَكَ وَبَيْنَهَا إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ وَخَلْقُكَ، فَتَقُّهَا وَرَتَّقُهَا بِيَدِكَ، بَدْوُهَا

میان تو و آنان تفاوتی نیست جز آن که آن‌ها بندگان تو و آفریده تو هستند. باز و بسته شدن امور آن‌ها در دست تو است، ابتدا

مِنْكَ وَعَوْدُهَا إِلَيْكَ، أَعْضَادٌ وَأَشْهَادٌ وَمُنَاةٌ وَأَذْوَادٌ وَحَفَظَةٌ

و انتهای آن‌ها از تو و برگشت ایشان به سوی توست. (انان) پشتیبان و یاور تو و گواهان (بر خلق) و حامیان و مدافعان و نگهبانان

وَرُؤَادٌ، فِيهِمْ مَلَأَتْ سَمَاءَكَ وَأَرْضَكَ حَتَّى ظَهَرَ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا

و پیشوایان تو هستند. پس از وجود ایشان آسمان و زمینت را پر کردی تا آشکار شود که؛ معبودی جز

أَنْتَ، فَبِذَلِكَ أَسْأَلُكَ وَبِمَوَاقِعِ الْعِزِّ مِنْ رَحْمَتِكَ، وَبِمَقَامَاتِكَ

تو نیست. پس به واسطه آن و به جایگاه والای عزت از مهربانی تو، و به واسطه مقامات

وَعَلَامَاتِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ تَزِيدَنِي إِيمَانًا

و نشانه‌هایت از تو درخواست می‌کنم که بر محمد و آل او درود فرستی، و ایمان

وَتَشْبِيئًا، يَا بَاطِنًا فِي ظُهُورِهِ وَظَاهِرًا فِي بَطُونِهِ وَمَكْنُونِهِ، يَا

و استواری مرا فزونی بخشی؛ ای نهانی که در عین پنهان بودن آشکاری، و ای آشکاری که در عین آشکار بودن پنهانی؛ ای

مُفَرِّقًا بَيْنَ النُّورِ وَالذَّيْجُورِ، يَا مَوْصُوفًا بِغَيْرِ كُنْهِ، وَمَعْرُوفًا

جداکننده میان نور و تاریکی؛ ای آن که وصف شده‌ای ولی نه با کنه ذاتت؛ و ای آن که شناخته شده‌ای اما

بِغَيْرِ شَبْهِهِ، خَادٌّ كُلُّ مَخْدُودٍ، وَشَاهِدٌ كُلُّ مَشْهُودٍ، وَمَوْجِدٌ كُلُّ

نه به وسیله تشبیه و همانند؛ ای تعیین‌کننده حد و اندازه هر محدود؛ و ای گواه هر مشهود؛ و ای ایجاد کننده هر

مَوْجُودٍ، وَمُحْصِي كُلِّ مَعْدُودٍ، وَفَاقِدُ كُلِّ مَفْقُودٍ، لَيْسَ دُونَكَ مِنْ

موجود؛ و ای شمارشگر هر شمرده شده؛ و ای نابود کننده هر نابود شده؛ جز تو

مَعْبُودٍ أَهْلِ الْكِبْرِيَاءِ وَالْجُودِ، يَا مَنْ لَا يَكْفِي بِكَيْفٍ، وَلَا يُؤَيِّنُ

معبودی نیست؛ و تو اهل کبریا و بزرگواری و بخشش هستی. ای خدایی که به چگونگی و کیفیت توصیف نگردد، و از

بِأَيْنٍ، يَا مُحْتَجِبًا عَنْ كُلِّ عَيْنٍ، يَا دَيْمُومٌ يَا قَيُّومٌ، وَعَالِمٌ كُلُّ

جا و مکان او پیرسش نشود؛ ای آن که از چشم‌ها پنهانی؛ ای وجود دایم، ای پاینده، ای دانای هر

مَعْلُومٍ، صَلِّ عَلَى عِبَادِكَ الْمُتَّجِبِينَ، وَبَشْرِكَ الْمُحْتَجِبِينَ،

معلوم، درود فرست بر بندگان برگزیده‌ات؛ و انسان‌های پرده‌دارت؛

وَمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَالْبُيُوتِ الْمُتَوَكِّلِينَ، وَبَارِكْ لَنَا فِي

و بر فرشتگان مقربت؛ و آن خاموشان به صف ایستاده و احاطه کنندگان، و این

شَهْرِنَا هَذَا الْمُرَجَّبِ الْمُكْرَمِ، وَمَا بَعْدَهُ مِنَ الْأَشْهُرِ الْحُرْمِ، وَأَسْبِغْ

ماه گرامی رجب و نیز ماه‌های حرام بعد از آن را بر ما مبارک گردان؛

عَلَيْنَا فِيهِ النُّعْمَ، وَأَجْزِلْ لَنَا فِيهِ الْقِسْمَ، وَأَبْرِزْ لَنَا فِيهِ الْقِسْمَ،

و در آن، نعمت‌هایت را بر ما فرو ریز، و بهره‌های ما را در این ماه بسیار گردان، و سوگند ما را در آن صادق قرار بده،

بِاسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَى النَّهَارِ

به خاطر بزرگ‌ترین، بزرگ‌ترین، باشکوه‌ترین و گرامی‌ترین نامت؛ نامی که چون بر روز نهادی

فَأَضَاءَ، وَعَلَى اللَّيْلِ فَأَظْلَمَ، وَاعْفِرْ لَنَا مَا تَعَلَّمْنَا وَمَا لَمْ نَعْلَمْ،

روشن شد و وقتی بر شب قرار دادی، تاریک گشت. خداوندا؛ آنچه از گناهان ما را که تو می‌دانی و ما نمی‌دانیم بر ما ببخش؛

وَاعْصِمْنَا مِنَ الذُّنُوبِ خَيْرِ الْعِصْمِ، وَاكْفِنَا كَوَافِي قَدْرِكَ، وَامْنُنْ

و ما را به بهترین وجه از گناهان نگهداری و حفظ فرما؛ و ما را با تقدیر کفایت‌کننده خود بسنده باش؛

عَلَيْنَا بِحُسْنِ نَظْرِكَ، وَلَا تَكِلْنَا إِلَى غَيْرِكَ، وَلَا تَمْنَعْنَا مِنْ خَيْرِكَ،

و با نگاه نیکویت بر ما منت بگذار، و به غیر خودت وامگذار، و از خیر و خوبیت محروم‌مان مفرما؛

وَبَارِكْ لَنَا فِي مَا كَتَبْتَهُ لَنَا مِنْ أَعْمَارِنَا، وَأَصْلِحْ لَنَا خَيْبَةَ أَسْرَارِنَا،

و به عمری که برای ما مقدر داشته‌ای برکت عنایت کن، و درون و باطن‌مان را اصلاح فرما،

وَأَعْظِنَا مِنْكَ الْأَمَانَ، وَاسْتَعْمِلْنَا بِحُسْنِ الْإِيمَانِ، وَبَلِّغْنَا شَهْرَ

و برای ما از سوی خود امان بده، و ما را با ایمان نیکو و کردار نیک بکار گیر، و ما را به ماه

الصِّيَامِ، وَمَا بَعْدَهُ مِنَ الْأَيَّامِ وَالْأَعْوَامِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

مبارک رمضان و روزها و سال‌های پس از آن، برسان؛ ای دارای شکوه و بزرگواری.

نگارنده کتاب «عمدة الزائر» در مورد دعای فوق، چنین توضیح می‌دهد:

صاحبان امر و حکومت الهی، محمد ﷺ و آل محمد ﷺ هستند که بدین صفات

زیبا، موصوف گشته‌اند؛ آنان، دارای مقاماتی هستند که در هیچ مکانی تعطیل

ببخش پنجم
۲۸۴

نخواهد گشت؛ هر گاه با آن معانی و حقایقی که نزدشان ذخیره و پنهان است، خدا را بخوانند یا هر دعاکننده دیگری به وسیله آنها خدا را بخواند، و یا خدا را به آن دعاهایی که آن بزرگواران در جایی و بر هر چیزی خوانده‌اند بخواند، خداوند دعایشان را اجابت می‌کند بدون این که دعای آنها رد شود. زیرا خداوند فیض رسان است و آن عزیزان قابلیت دارند؛ لذا به برکت آنهاست که بر هر دعاکننده‌ای بلکه بر همه مخلوقات فیض نازل می‌شود.

این است راز این مطلب که باید در هر حاجت و نیازی بر آنها صلوات فرستاد و به خداوند از طریق آنان توسل جست. چرا که هر کس بر آنان درود فرستد، درخواستش رد نخواهد شد.^۱



دعای دیگر در ایام ماه رجب که از ناحیه مقدسه رسیده است

ابن عیاش می‌گوید: این دعانیز از ناحیه مقدسه به دست حسین بن روح رضی الله عنه رسیده است که در هر روز از ماه رجب خوانده می‌شود:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْمَوْئُودَيْنِ فِي رَجَبٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الثَّانِي،

خدایا! از تو درخواست می‌کنم به حق دو تولدیافته در ماه رجب، یعنی محمد بن علی دوم (حضرت جواد علیه السلام)

وَابْنِهِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُتَجَبِّ، وَأَتَقَرَّبُ بِهِمَا إِلَيْكَ خَيْرَ الْقُرْبِ،

و فرزندش علی بن محمد که برگزیده شده است؛ و به وسیله آن دو به سوی تو به بهترین وجهی تقرب می‌جویم.

يَا مَنْ إِلَيْهِ الْمَعْرُوفُ طَلِبٌ، وَفِيمَا لَدَيْهِ رُغْبٌ. أَسْأَلُكَ سُؤَالَ

ای کسی که هر نیکی از او درخواست می‌شود، و به آنچه نزد اوست رغبت می‌شود. از تو درخواست می‌کنم

مُعْتَرِفٍ مُذْنِبٍ قَدْ أَوْبَقَتْهُ ذُنُوبُهُ، وَأَوْثَقَتْهُ عِيُوبُهُ، فَطَالَ عَلَيَّ

همانند گناهکاری که به جرمش اعتراف می‌کند، و گناهانش او را به هلاکت و عیب‌هایش او را در بند کشیده؛ دیر زمانی است

الْخَطَايَا دُؤُوبُهُ، وَمِنَ الرَّزَايَا خُطُوبُهُ، يَسْأَلُكَ التَّوْبَةَ، وَحُسْنَ

که بر اشتباه کاری‌ها عادت کرده و کارش با مصیبت‌های بزرگ می‌گذرد؛ از تو درخواست توبه

الْأُوبَةِ، وَالنُّزُوعَ عَنِ الْحُوبَةِ، وَمِنَ النَّارِ فَكَأَنَّكَ رَقَبْتَهُ، وَالْعَفْوَ عَمَّا

و بازگشت نیکو و بیرون آمدن از گناه می‌کند، و می‌خواهد آزادی از آتش جهنم و بخشش

فِي رَبِّقَتِهِ، فَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ أَعْظَمُ أَمَلِهِ وَثِقَتِهِ. اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ

از آنچه در بند اوست را نصیبش سازی، ای مولای من؛ تو بزرگ‌ترین آرزو و مایه اطمینان او هستی. بار خدایا؛ از تو

بِمَسَائِلِكَ الشَّرِيفَةِ، وَوَسَائِلِكَ الْمُنِيفَةِ، أَنْ تَتَّعَمِدَنِي فِي هَذَا

به حق درخواست‌های شرافت‌مندانه‌ات، و دستاویزهای ولایت؛ درخواست می‌کنم که مرا در این

الشَّهْرِ بِرَحْمَةٍ مِنْكَ وَاسِعَةٍ، وَنِعْمَةٍ وَازِعَةٍ، وَنَفْسٍ بِمَا رَزَقْتَهَا

ماه در رحمت بی‌کرانت غرق گردانی، و بر من نعمت‌های فراوان عطا کنی، و به من نفسی عطا کنی که تا روزی که

قَانِعَةٍ إِلَى نَزُولِ الْخَافِرَةِ، وَمَحَلِّ الْآخِرَةِ، وَمَا هِيَ إِلَيْهِ صَائِرَةٌ. ۱

در قبر فرود آیم و در منزل آخرت سکونت گزینم و آنجا که روانم به سوی آن می‌شتابد، نسبت به آنچه نصیب آن نمودی قانع باشم.



دعای سوّم در ایّام ماه رجب

از محمّد بن عبدالرحمان (شوشتری) روایت شده است که گفت: روزی از بنی‌رواس گذشتم، یکی از دوستانم به من گفت: اگر دوست داری همراه ما به سوی مسجد صعصعه بیا، تا در آنجا نماز بخوانیم، زیرا این ماه، ماه رجب است و زیارت این مکان‌های شریف که اولیاء ما قدم گذاشته‌اند، و آن بزرگواران در آن‌ها نماز گزارده‌اند ثواب دارد؛ و مسجد صعصعه یکی از آن اماکن می‌باشد.

محمّد بن عبدالرحمان می‌گوید: باهم به سوی مسجد صعصعه رفتیم و در این هنگام شتری را دیدیم که جلوی درب مسجد خوابانده شده بود؛ داخل مسجد شدیم و به مردی برخورد کردیم که پیراهن حجازی بر تن و عمامه‌ای شبیه عمامه آن‌ها به

سر داشت و در حالی که نشسته بود این دعا را می خواند؛ من و همراهم نیز آن را حفظ کردیم، و آن دعا این است:

(شیخ طوسی اعلی الله مقامه می فرماید: در هر روز از ماه رجب مستحب است این دعا خوانده شود:)

اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمِنَّنِ السَّابِغَةِ، وَالْأَلَاءِ الْوَارِعَةِ، وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ،

خدایا؛ ای کسی که دارای لطف و احسان فراوان، و نعمت‌های گسترده، و رحمت فراگیر،

وَالْقُدْرَةِ الْجَامِعَةِ، وَالنُّعْمِ الْجَسِيمَةِ، وَالْمَوَاهِبِ الْعَظِيمَةِ،

و قدرت جامع و کامل، و نعمت‌های عظیم و بخشش‌های بزرگ،

وَالْأَيَادِي الْجَمِيلَةِ، وَالْعَطَايَا الْجَزِيلَةَ. يَا مَنْ لَا يُنْعَتُ بِتَمَثِيلٍ،

و هدیه‌های زیبا، و عطایای فراوان هستی. ای کسی که به وسیله تمثیل وصف نمی‌شود، و به هیچ موجودی به عنوان

وَلَا يُمَثَّلُ بِنَظِيرٍ، وَلَا يُغْلَبُ بِظَهِيرٍ، يَا مَنْ خَلَقَ فَرَزَقًا، وَاللَّهُمَّ

نظیر مثال زده نمی‌شود، و به کمک پشتیبان، مغلوب نمی‌شود؛ ای کسی که موجودات را خلق کرده؛ سپس به آنان رزق و روزی داد؛ و به آنان الهام

فَأَنْطَقَ، وَابْتَدَعَ فِشْرَعًا، وَعَلَا فَارْتَفَعَ، وَقَدَّرَ فَأَحْسَنَ، وَصَوَّرَ

کرد؛ پس به سخن درآورد؛ و نوآوری نمود، سپس تشریح کرد؛ و برتری یافت، پس رفیع و بلند مرتبه گردید؛ و تقدیر کرد پس نیکو گردانید؛

فَأَتَقَنَ، وَاحْتَجَّ فَأَبْلَغَ، وَأَنْعَمَ فَأَسْبَغَ، وَأَعْطَى فَأَجْزَلَ، وَمَنْحَ

و تصویر کرد پس محکم نمود؛ و با دلیل استدلال کرد پس زسا گردانید؛ و نعمت داد پس آن را کامل کرد؛ و عطا نمود

فَأَفْضَلَ. يَا مَنْ سَمَا فِي الْعِزِّ فَفَاتَ نَوَاطِرَ الْأَبْصَارِ، وَدَنَا فِي

پس آن را بیشتر کرد؛ و بخشش نمود، و آن را فرونی داد. ای کسی که اوج گرفت در عزت و توانندی، و به همین خاطر دیدگاه‌های چشمان

اللُّطْفِ فَجَازَ هَوَاجِسَ الْأَفْكَارِ، يَا مَنْ تَوَحَّدَ بِالْمُلْكِ فَلَا نِدَّ

نتوانست به سوی او راه یابد؛ و آن قدر به لطافت نزدیک شده که از هر آنچه به ذهن خطور می‌کند می‌گذرد؛ ای کسی که در پادشاهی،

لَهُ فِي مَلَكُوتِ سُلْطَانِهِ، وَتَفَرَّدَ بِالْأَلَاءِ وَالْكَبْرِيَاءِ، فَلَا ضِدَّ لَهُ

تنها هستی؛ پس همتایی برای او در قدرت و سلطنت بر هستی نیست؛ و در نعمت‌ها و شکوه و عظمت، یگانه و بی‌مانند هستی؛ پس

فِي جَبْرُوتِ شَأْنِهِ، يَا مَنْ حَارَتْ فِي كِبْرِيَاءِ هَيْبَتِهِ دَقَائِقُ لَطَائِفِ

در مقام جبروت و استیلاء ضدی برای او نیست؛ ای کسی که لطایف و دقت‌ها و ریزبینی‌های افکار و

الأوهام، وَأَنْحَسَرَتْ دُونَ إِدْرَاكِ عَظَمَتِهِ خَطَائِفُ أَبْصَارِ الْأَنْامِ.

تصوّرات و نیروی خیال در هیبت و شکوه او حیران و سرگردان، و در ادراک کمترین مرتبه بزرگی او دیدگان جستجوگر مردم ناتوان شده.

يَا مَنْ عَنَتِ الْوُجُوهُ لِهَيْبَتِهِ، وَخَضَعَتِ الرَّقَابُ لِعَظَمَتِهِ، وَوَجَلَتِ

ای کسی که صورت‌ها به خاطر عظمت و جلال او خوار و ذلیل گردید و از بین رفت، و گردن‌ها به خاطر عظمت او خم شد و خاشع

الْقُلُوبُ مِنْ خِيفَتِهِ، أَسْأَلُكَ بِهَذِهِ الْمِدْحَةِ الَّتِي لَا تَتَّبِعِي إِلَّا لَكَ،

گشت، و قلب‌ها از ترس او لرزان و هراسان شد؛ به خاطر این، مدح و ثنایی که هیچ کس به غیر تو سزاوار و شایسته آن نیست؛

وَبِمَا وَآيَتْ بِهِ عَلَي نَفْسِكَ لِذَاعِيكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَبِمَا ضَمِنْتَ

و به خاطر آنچه برای مؤمنانی که تو را می‌خوانند، بر خودت وعده داده‌ای؛ و به خاطر آنچه برای

الْإِجَابَةِ فِيهِ عَلَي نَفْسِكَ لِلذَّاعِينَ. يَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ، وَأَبْصَرَ

دعاکنندگان، اجابت‌کردن را ضامن شده‌ای؛ از تو طلب می‌کنم ای شنواترین شنوندگان، و بیناترین

النَّاطِرِينَ، وَأَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ، يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمُتَيْنِ، صَلِّ عَلَي

بینندگان، و سریع‌ترین محاسبه‌کنندگان؛ ای صاحب نیرو و توان محکم؛ بر

مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَعَلَي أَهْلِ بَيْتِهِ [الْأَيُّمَةَ الصَّادِقِينَ]، وَأَقْسِمُ

پایان‌بخش پیامبران حضرت محمد ﷺ و اهل بیت او - که پیشوایان راستگو هستند - درود بفرست؛ و

لِي فِي شَهْرِنَا هَذَا خَيْرَ مَا قَسَمْتُ، وَأَخْتِمُ لِي فِي قَضَائِكَ خَيْرَ

در این ماه، بهترین قسمت‌ها را برای من قرار بده؛ و بهترین حکم را در قضا و قدر خودت برای من

مَا حَتَمْتُ، وَأَخْتِمُ لِي بِالسَّعَادَةِ فِيمَنْ خَتَمْتُ، وَأَخِينِي مَا

حتمی گردان، و پایان کار مرا به سعادت ختم کن، در میان کسانی که کارشان را به پایان رسانیدی، و تا مادامی

أَخِيَّتِي مَوْفُوراً، وَأَمِشِي مَسْرُوراً وَمَغْفُوراً، وَتَوَلَّ أَنْتَ

که مرا زنده نگه می‌داری نعمتت را بر من زیاد و فراوان بگردان؛ و مرا در حالی که شادان و بخشیده شده‌ام، بمیران؛ و خودت

نَجَاتِي مِنْ مُسَائِلَةِ الْبَرْزَخِ، وَادْرَأْ عَنِّي مُنْكَراً وَنَكِيراً، وَأَرِ

نجات از پرسش‌های برزخ مرا بر عهده بگیر؛ و منکر و نکیر را از من دور کن؛

عَيْنِي مُبَشِّراً وَبَشِيراً، وَاجْعَلْ لِي إِلَى رِضْوَانِكَ وَجِنَانِكَ مَصِيراً

و مبشر و بشیر را به من نشان بده؛ و بازگشت مرا به سوی بهشت و رضوان خودت قرار بده؛

وَعَيْشاً قَرِيباً، وَمُلْكاً كَثِيراً، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ كَثِيراً.

و زندگی خوش و کامیاب، و دارایی بزرگ برایم قرار بده؛ و بر محمد و آل او درود فراوان بفرست.

سپس آن مرد سجده‌ای طولانی کرد، و از جایش برخاست و شترش را سوار شد و از آنجا رفت.

دوستم به من گفت: به نظر ما او حضرت خضر علیه السلام بود؛ چه شد که با او صحبت نکردیم؟ گویا زبان ما را از صحبت کردن باز داشته بودند!

از مسجد خارج شدیم و در راه پسر ابی رواد روایی را دیدیم؛ او به ما گفت: از کجا می‌آید؟

گفتیم: از مسجد صعصعه؛ و جریان را نیز برایش بازگو کردیم.

او گفت: این سوار دو سه روز یک بار به مسجد صعصعه می‌آید، و هیچ حرف نمی‌زند؛ به او گفتیم که: او کیست؟

گفت: شما فکر می‌کنید چه کسی باشد؟

گفتیم: گمان می‌کنیم حضرت خضر علیه السلام باشد.

گفت: به خدا سوگند، فکر می‌کنم او کسی است که حضرت خضر علیه السلام هم محتاج دیدار اوست. بروید که سعادت‌مند شدید.

دوستم به من گفت: به خدا سوگند، آن شخص امام زمان ارواحنا فداه بود.^۱

نگارنده می‌گوید: سید بزرگوار جناب علی بن طاووس رحمته الله علیه می‌فرماید: این دعا از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت شده است، ولی به خاطر این که در ایام ماه رجب خوانده می‌شود آن را در این جا (بخش ادعیه ماه‌ها) نقل کردیم.

و در بخش اول (نمازها، ص ۱۳۶) دوازده رکعت نماز را در روز بیست و هفتم ماه رجب با دستور آن نقل کردیم، به آنجا مراجعه کنید.



دعای روز سوّم ماه شعبان

علامه مجلسی رحمته الله در کتاب «بحار الأنوار» می فرماید: وکیل امام حسن عسکری علیه السلام - قاسم بن علاء همدانی - نامه‌ای از ناحیه مقدسه دریافت کرد که در آن فرموده بودند: همانا مولای ما امام حسین علیه السلام در روز پنج‌شنبه سوّم شعبان به دنیا آمدند؛ آن روز را روزه بگیر، و این دعا را بخوان.^۱

و در کتاب «زاد المعاد» می فرماید: امام زمان صلوات الله علیه این دستور را صادر فرمودند:
روز سوّم ماه شعبان را روزه بگیر و این دعا را بخوان؛ زیرا این روز، روز ولادت امام حسین علیه السلام است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ الْمَوْلُودِ فِي هَذَا الْيَوْمِ، الْمَوْعُودِ بِشَهَادَتِهِ

ای خدا؛ از تو درخواست می‌کنم به حق مولود در این روز که پیش از آن که چهره‌اش ظاهر شود و متولد گردد به

قَبْلِ اسْتِهْلَالِهِ وَوِلَادَتِهِ، بِكَتَّةِ السَّمَاءِ وَمَنْ فِيهَا، وَالْأَرْضِ وَمَنْ

شهادت او وعده داده شده، کسی که بر او آسمان و هر که در آن است و زمین و هر که بر روی آن است بر (مظلومیت) او گریستند،

عَلَيْهَا وَلَمَّا يَطَأُ لِابْتِئِهَا، قَتِيلِ الْعَبْرَةِ وَسَيِّدِ الْأُسْرَةِ، الْمَمْدُودِ

در حالی که هنوز قدم به این دنیا نگذاشته بود، او کشته گریه و سرور خاندان است که با انتقام خون پاکش

بِالنُّصْرَةِ يَوْمَ الْكُرَّةِ، الْمَعْوُضِ مِنْ قَتْلِهِ أَنَّ الْأَيْمَةَ مِنْ نَسْلِهِ،

در رجعت آل محمد نصرت و ظفر پایدار خواهد یافت، و در عوض شهادتش امامان و پیشوایان دین از نسل پاک آن حضرت،

وَالشُّفَاءَ فِي تُرْبَتِهِ، وَالْفَوْزَ مَعَهُ فِي أَوْبَتِهِ، وَالْأَوْصِيَاءَ مِنْ

و شفای هر درد و مرضی در تربت اوست، و رستگاری و پیروزی همراه اوست به هنگام رجعتش، و

عِثْرَتِهِ، بَعْدَ قَائِمِهِمْ وَغَيْبَتِهِ، حَتَّى يُدْرِكُوا الْأَوْثَارَ، وَيَثَارُوا

اوصیا از عثرت او هستند، پس از حضرت مهدی علیه السلام و بعد از غیبت آن حضرت تا اینکه به خونخواهی آن حضرت برخیزند و انتقام

الثَّارَ، وَيُرْضُوا الْجَبَّارَ، وَيَكُونُوا خَيْرَ أَنْصَارٍ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ،

گیرند، و خداوند جبار را از خودشان خشنود کند، و از بهترین یاوران (دین خدا) باشند. درود خدا بر آنان

مَعَ اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ. اللَّهُمَّ فَبِحَقِّهِمْ إِلَيْكَ أَتَوَسَّلُ، وَأَسْأَلُ

تا زمانی که روز و شب در رفت و آمد هستند. بار خدایا! به حق آنان به درگاه تو توسل می‌جویم، و از تو درخواست می‌کنم

سُؤَالَ مُقْتَرِفٍ [وَأَمَّا مُعْتَرِفٍ، مُسِيءٍ إِلَى نَفْسِهِ، مِمَّا فَرَّطَ فِي

مانند گنه‌کاری که اعتراف به گناهان خود می‌کند؛ به خود بدی نموده به خاطر این که

يَوْمِهِ وَأَمْسِهِ، يَسْأَلُكَ الْعِصْمَةَ إِلَى مَحَلِّ رَمْسِهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ

در روز و شب خود کوتاهی کرده است، از تو درخواست می‌کند که او را تا هنگام مرگ از گناه محفوظ بداری. خدایا!

عَلَى مُحَمَّدٍ وَعِثْرَتِهِ، وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ، وَبَوِّئْنَا مَعَهُ دَارَ

بر حضرت محمد و عترت پاکش درود فرست، و ما را در زمره آن بزرگوار محشور فرما، و در سرای

الْكَرَامَةِ، وَمَحَلِّ الْأِقَامَةِ. اللَّهُمَّ وَكَمَا أَكْرَمْتَنَا بِمَعْرِفَتِهِ، فَأَكْرِمْنَا

کرامت یعنی بهشت و محل اقامت ابدی، مرا با او هم‌نشین گردان. خدایا! همانطور که ما را با معرفت و شناخت او گرامی داشتی، پس با

بِزُلْفَتِهِ، وَارْزُقْنَا مُرَافَقَتَهُ وَسَابِقَتَهُ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يُسَلِّمُ لِأَمْرِهِ،

تقریب به او نیز گرامی دار؛ و دوستی، همراهی و شتافتن به سوی او را روزی ما بگردان، و ما را از کسانی قرار ده که در برابر امر او تسلیم

وَيُكْثِرُ الصَّلَاةَ عَلَيْهِ عِنْدَ ذِكْرِهِ، وَعَلَى جَمِيعِ أَوْصِيَاءِهِ وَأَهْلِ

است و در هنگام یاد نمودن از او درود بسیار بر او و تمامی اوصیا و برگزیدگان او می‌فرستد،

اصْطِفَائِهِ، الْمَمْدُودِينَ مِنْكَ بِالْعَدَدِ الْإِثْنَيْ عَشَرَ، النَّجُومِ الزُّهَرِ،

آنان که از طرف تو پیوسته آمده‌اند، و تعدادشان دوازده تن می‌باشد؛ همه آن‌ها ستارگان درخشان،

وَالْحُجَجِ عَلَى جَمِيعِ الْبَشَرِ. اللَّهُمَّ وَهَبْ لَنَا فِي هَذَا الْيَوْمِ خَيْرَ

و برای تمامی انسان‌ها حجت می‌باشند. خدایا! در این روز، بهترین بخشش خود را به ما ببخش؛

مَوْهَبَةٍ، وَأَنْجِحْ لَنَا فِيهِ كُلَّ طَلِبَةٍ، كَمَا وَهَبْتَ الْحُسَيْنَ لِمُحَمَّدٍ

و در این روز، تمامی حاجات ما را برآورده کن، همان طور که امام حسین علیه السلام را به جدش

جَدِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَعَاذَ فُطْرُسَ بِمَهْدِهِ، فَتَحْنُ عَائِدُونَ

حضرت محمد - که درود خدا بر او و آل او باد - هدیه دادی و فطرس - فرشته الهی - به گهواره‌اش پناه برد؛ ما نیز پس از شهادتش

بِقَبْرِهِ مِنْ بَعْدِهِ، نَشْهَدُ تَرْبَتَهُ، وَنَنْتَظِرُ أَوْبَتَهُ، أَمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۱.

به قبر او پناه می‌بریم و در نزد تربت او حاضر می‌شویم و منتظر بازگشتش می‌باشیم؛ ای پروردگار هستی؛ دعای ما را مستجاب کن.

فضیلت شب نیمه شعبان

سید بزرگوار رضی الدین علی بن طاووس رحمه الله می‌فرماید: سزاوار است تعظیم این شب به خاطر ولادت حضرت مهدی ارواحنا فداه نزد مسلمانان و کسانی که اعتراف به حقوق امامت ایشان دارند - به مقداری که پیامبر صلی الله علیه و آله آن را ذکر فرموده‌اند - و سعادت‌مندان از امت پیامبر صلی الله علیه و آله آن را بشارت داده‌اند؛ باشد.

همان طور که روزگار و زندگانی برای مسلمانان تنگ و تاریک شد و لشکریان دشمن بر آنان مسلط شدند و بدیمنی و شومی گناهان‌شان آنان را احاطه کرد؛ پس خداوند مولودی را به دنیا آورد که آنان را از اسارت و بردگی آزاد کند و آنان را بر حقوق از دست رفته ایشان قدرت و توانایی می‌دهد و به تمامی افراد بشر آنچه را که مستحق آن هستند، اعطا می‌کند؛ سفره رحمت خود را در شرق و غرب عالم می‌گستراند؛ سفره‌ای که همگان به طور یکسان از آن بهره‌مند می‌شوند.

کامل‌کننده الطاف خداوند با اوصافی نیکو است. او بر آن سفره مانند پدری دلسوز نسبت به فرزندان عزیزش یا مانند حاکمی مهربان و بزرگوار نسبت به رعیت و زیردستانش می‌نشیند و آن حضرت از مقدمات نشانه‌های سرور و بشارت‌های خیر و نیکی نسبت به جهان پایدار را به آن‌ها نشان می‌دهد؛ آنچه را که حاضر آن گواهی بر غایب آن می‌دهد و دل‌ها را به سوی اطاعت پروردگار می‌کشاند.

سید بن طاووس رحمه الله در ادامه می‌افزاید:

تمامی انسان‌ها باید برای شکرگزاری از آنچه خداوند به وسیله آن حضرت بر آنان منت گذاشته و به آنان عطا کرده، و به خاطر این که خداوند آنان را از رعیت و سربازان آن حضرت قرار داده تا برای یاری اسلام و ایمان، و ریشه‌کن کردن کفر و سرکشی و دشمنان اسلام، و برپا کردن خیمه‌های سعادت در تمامی عالم از شرق تا غرب و در

دورترین نقاط جهان، او را یاری دهند، این شب را گرامی بدارند و به عبادت بپردازند. و آن‌ها را در خدمت خداوندی که کسی به ذات او پی نمی‌برد قرار خواهد داد و نیز در خدمت رسول خدا ﷺ - که سبب این ولادت و سعادت و شرافت دادن به ریاست آن حضرت است - و نیز تشکری و خدمتی برای پدران پاک آن حضرت؛ آنان که اصل و ریشه این ولادت مبارک و یاوران آن حضرت در برپا داشتن حرمت و حفظ احترامش می‌باشند، و نیز تشکری و خدمتی به خود آن حضرت نماید.

همان گونه که واجب است هر بنده‌ای در برابر زمامدار خود که باعث استواری و پایداری او گردیده و سعادت او را تأمین نموده خدمت کند و گمان نمی‌کنم که قوت بشری قادر بر قیام به این حقوق عظیم و پسندیده باشد مگر با نیروی الهی.

پس هر بنده‌ای از بندگان سعادت‌مند به خاطر نعمت‌هایی که به وسیله آن حضرت و به خاطر طفیل وجود ایشان به او می‌رسد، باید با قدرت و جدیت به شکرگزاری قیام کند.

از جمله دعاها و سوگندهایی که در شب نیمه شعبان به واسطه این مولود عالی مقام و ارزشمند، به خدای تعالی می‌دهیم؛ این دعاست:



دعای شب نیمه شعبان

اللَّهُمَّ بِحَقِّ لَيْلَتِنَا هَذِهِ وَمَوْلُودِهَا، وَحُجَّتِكَ وَمَوْعُودِهَا، الَّتِي

خدایا! به حق امشب ما و مولود آن، و حجت تو و وعده داده شده آن، که

قَرَنْتَ إِلَيَّ فَضْلَهَا فَضْلاً فَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ صِدْقاً وَعَدْلاً، لَا مُبَدَّلَ

برتری دیگری بر برتری آن مقرون ساختی و پیوسته نمودی؛ پس کامل گردید کلمه تو به راستی و عدالت، که دگرگون‌کننده‌ای

لِكَلِمَاتِكَ، وَلَا مُعَقَّبَ لِآيَاتِكَ، نُورِكَ الْمُتَالِقِ، وَضِيَاؤِكَ الْمُشْرِقِ،

برای کلمات تو نیست، و نه پس‌زننده‌ای بر آیاتت نیست؛ او نور درخشان تو و روشنایی تابان تو

وَالْعَلَمُ النُّورُ فِي طَخِيَاءِ الدِّيَجُورِ، الْغَائِبُ الْمَسْتُورُ. جَلَّ مَوْلِدُهُ،

و پرچم نور در تاریکی شب سیاه، (که جمالش) پنهان و پوشیده است. ولادتش شکوه‌مند،

وَكَرَّمَ مَخْتِدَهُ، وَالْمَلَائِكَةُ شُهَدَاءُ، وَاللَّهُ نَاصِرُهُ وَمُؤَيِّدُهُ، إِذَا أَنْ

و نزادش شریف است، و فرشتگان شاهدان اویند، و خداوند یاری‌کننده و تأییدکننده اوست؛ هنگامی که

مِيعَادُهُ، وَالْمَلَائِكَةُ أَمْدَادُهُ، سَيْفُ اللَّهِ الَّذِي لَا يَنْبُو، وَنُورُهُ الَّذِي

زمان وعده‌اش فرا رسد، و فرشتگان مددکاران اویند. او شمشیر خداوندی است که کند نشود، و نور خداوندی است

لَا يَخْبُو، وَذُو الْحِلْمِ الَّذِي لَا يَصْبُو، مَدَارُ الدَّهْرِ، وَنَوَامِيسُ

که هرگز خاموش نگردد، و صاحب بردباری است که از جا در نرود. محور و مرکز چرخش روزگار، و ناموس‌های

الْعَصْرِ، وَوَلَاةُ الْأَمْرِ، وَالْمُنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الذِّكْرُ، وَمَا يَنْزِلُ فِي لَيْلَةِ

زمانه، و کارداران فرمان الهی؛ و کسانی که نازل گشته بر ایشان ذکر یعنی قرآن و آنچه در شب

الْقَدْرِ، وَأَصْحَابُ الْحَشْرِ وَالنَّشْرِ، تَرَاجِمَةٌ وَحِيَّةٌ، وَوَلَاةُ أَمْرِهِ

قدر نازل گردد، و صاحبان گردآوری و پراکندگی، بیان‌کننده پیام آسمانی او؛ و عهده‌داران امر

وَنَهْيِهِ. اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَى خَاتِمِهِمْ وَقَائِمِهِمْ، الْمَسْتُورِ عَنْ

و نهی او می‌باشند. بارخدا یا؛ بر آخرین، و قیام‌کننده ایشان درود بفرست که از

عَوَالِمِهِمْ (عَوَامِلِهِمْ)، وَأَدْرِكْ بِنَا أَيَّامَهُ وَظُهُورَهُ وَقِيَامَهُ، وَاجْعَلْنَا

عوالم ایشان پوشیده است؛ و ما را موفق به درک روزگار و دوران ظهور و قیامش بگردان؛ و ما را

مِنْ أَنْصَارِهِ، وَاقْرِنْ ثَارَنَا بِثَارِهِ، وَاكْتُبْنَا فِي أَعْوَانِهِ وَخُلَصَائِهِ،

از یاران آن حضرت قرار بده؛ و خونخواهی ما را به خونخواهی او پیوسته گردان؛ و ما را در گروه یاران و مخلصان بی‌آیشانش بنویس؛

وَأَحِينَا فِي دَوْلَتِهِ نَاعِمِينَ، وَبِصُحْبَتِهِ غَانِمِينَ، وَبِحَقِّهِ قَائِمِينَ،

و ما را در دولت آن حضرت، برخوردار از نعمت زنده بدار؛ و به همراهی او بهره‌مند، و به ادای حقش پابرجا،

وَمِنَ السُّوَاءِ سَالِمِينَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

و از بدی نیز برکنار بدار؛ ای مهربان‌ترین مهربانان؛ و ستایش مخصوص پروردگار جهانیان است؛

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، وَعَلَى أَهْلِ

و درود خدا بر حضرت محمد خاتم پیامبران و رسولان و بر اهل

حجرت پروردگار
بخش پنجم



بَيْتِهِ الصَّادِقِينَ وَعِثْرَتِهِ النَّاطِقِينَ، وَالْعَنْ جَمِيعَ الظَّالِمِينَ،

بیت راستگو و عثرت سخن‌گوی اندیشمند او باد. خدایا؛ به همه ستم‌کاران لعنت کن،

وَاحْكُم بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ يَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ.^۱

و خودت بین ما و آن‌ها داوری کن؛ ای بهترین داوران.

نگارنده می‌گوید: سزاوار است صلوات ضراب اصفهانی که آن را در صفحه ۲۶۴ این کتاب نقل کردیم، در شب نیمه شعبان و روزش، خوانده شود.

فضیلت (دعای خضر علیه السلام معروف به) دعای کمیل در آن شب

کمیل بن زیاد می‌گوید: با مولایم امیرالمؤمنین علی علیه السلام در مسجد بصره نشسته بودم و گروهی از اصحاب نیز همراه آن حضرت بودند، پس بعضی از آنان از ایشان سؤال کردند که معنای این فرمایش خداوند: ﴿فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ﴾^۲؛ «که در آن شب هر امری با حکمت معین گردد»، چیست؟
حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند:

مراد، شب نیمه شعبان است؛ قسم به آن کس که جان علی در دست اوست، هیچ بنده‌ای نیست مگر این که تمامی خیر و شری که در طول سال تا شب نیمه شعبان آینده بر او می‌گذرد، در آن شب برای او تقسیم می‌شود؛ و هیچ بنده‌ای نیست که این شب را با شب زنده‌داری سپری کند و دعای حضرت خضر علیه السلام را بخواند مگر این که اجابت شود.

امام علیه السلام از مسجد بیرون رفتند، من شب هنگام در پی ایشان به راه افتادم؛ حضرت فرمودند: ای کمیل؛ چه باعث شده که اینجا آمده‌ای؟
گفتم: ای امیر مؤمنان؛ دعای حضرت خضر علیه السلام را می‌خواهم.
حضرت فرمودند:

۱. إقبال الأعمال: ۲۱۸، زاد المعاد: ۶۳، المصباح: ۷۲۴، مصباح الزائر: ۳۱۵.

۲. سورة دخان، آیه ۴.

ای کمیل؛ بنشین؛ هنگامی که این دعا را حفظ کردی، هر شب جمعه یا در ماه یک مرتبه و یا در طول سال یک مرتبه یا در طول عمرت یک مرتبه این دعا را بخوان که تو را کفایت و یاری می‌کند، و روزی تو را زیاد می‌گرداند، و آمرزش الهی را هیچ‌گاه از دست نمی‌دهی.

ای کمیل؛ دوستی و همنشینی طولانی تو با ما، تو را سزاوار نموده که آنچه می‌خواهی به تو بخشش نمایم.^۱

حضرت، «دعای کمیل» را به او آموختند که این دعا را در صفحه ۶۸۳ این کتاب نقل می‌کنیم.

مؤلف گوید: در بخش اول (نمازها، ص ۱۳۸ و ۱۳۹) نمازهایی را که در شب نیمه شعبان خوانده می‌شوند، نقل کردیم به آنجا رجوع کنید.



دعای افتتاح

علامه مجلسی رحمته الله علیه می‌گوید: با سند معتبر روایت شده که: امام عصر ارواحنا فداه خطاب به شیعیان مرقوم فرمودند:

این دعا را در تمام شب‌های ماه مبارک رمضان بخوانید؛ زیرا فرشتگان به آن گوش فرا می‌دهند و برای خواننده آن، طلب بخشش می‌کنند.

دعا این است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَفْتَحُ الثَّنَاءَ بِحَمْدِكَ، وَأَنْتَ مُسَدِّدٌ لِلصَّوَابِ بِمَنْكَ،

بار الها؛ من ثناگویی تو را با ستایش و حمدت آغاز می‌کنم؛ و تو به لطف و احسانت هر کار راست و درستی را

وَأَيَّقَنْتُ أَنَّكَ أَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ فِي مَوْضِعِ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ،

استوار کننده‌ای؛ و یقین دارم که تو در جایگاه بخشش و مهربانی، مهربان‌ترین مهربانان هستی؛

وَأَشَدُّ الْمُعَاقِبِينَ فِي مَوْضِعِ النَّكَالِ وَالنَّقِمَةِ، وَأَعْظَمُ الْمُتَجَبِّرِينَ

و در جایگاه جایگاه انتقام و عقوبت نیز سخت‌ترین کیفرکننده‌ای؛ و

فِي مَوْضِعِ الْكِبْرِيَاءِ وَالْعِظَمَةِ. اللَّهُمَّ أَذِنْتَ لِي فِي دُعَائِكَ

در جایگاه بزرگی و عظمت، بزرگ‌ترین قدرت و شوکت را دارا هستی. بارالها! به من اجازه دادی تو را بخوانم

وَمَسْئَلَتِكَ، فَاسْمَعْ يَا سَمِيعُ مِدْحَتِي، وَأَجِبْ يَا رَحِيمُ دَعْوَتِي،

و از تو درخواست نمایم؛ بنابراین، ای شنونده؛ به ثناگویی من گوش بده؛ و ای مهربان؛ دعایم را اجابت کن؛

وَأَقِلْ يَا غَفُورُ عَثْرَتِي، فَكَمْ يَا إِلَهِي مِنْ كُرْبَةٍ قَدْ فَرَجْتَهَا،

و ای آمرزنده؛ از لغزشم درگذر. خدای من؛ چه اندوه جانکاه بسیاری که تو برطرف نمودی؛

وَهُمُومٌ قَدْ كَشَفْتَهَا، وَعَثْرَةٌ قَدْ أَقَلْتَهَا، وَرَحْمَةٌ قَدْ نَشَرْتَهَا،

و چه مصیبت‌هایی که تو کنار زدی؛ و چه لغزش‌هایی که درگذشتی؛ و چه رحمت و لطفی که تو گسترانیدی؛

وَحَلَقَةٌ بَلَاءٍ قَدْ فَكَّكْتُهَا. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ صَاحِبَةً وَلَا

و چه حلقه‌های بلایی که از هم گسستی؛ ستایش ویژه خدایی است که همسر و

وَلَدًا، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنْ

فرزندی ندارد، و در فرمان‌فرمایی او نیز شریکی نیست، و هیچ ولی و سرپرستی از روی

الذُّلِّ وَكِبْرَةٍ تَكْبِيرًا. الْحَمْدُ لِلَّهِ بِجَمِيعِ مَخَامِدِهِ كُلِّهَا عَلَى جَمِيعِ

ذلت و ناتوانی اختیار نکرده است، و خدای را در نهایت بزرگی یاد کن. ستایش به تمام انواع آن در مورد

نِعْمِهِ كُلِّهَا. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا مُضَادَّ لَهُ فِي مُلْكِهِ، وَلَا مُنَازِعَ لَهُ

تمام نعمت‌هایش، مخصوص خداست. ستایش ویژه خدایی است که در فرمان‌فرمایی او هیچ کس نمی‌تواند با او ضدیت کند و

فِي أَمْرِهِ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا شَرِيكَ لَهُ فِي خَلْقِهِ، وَلَا شَبِيهَ لَهُ

در فرمانش کشمکش‌کننده‌ای برای او نیست. ستایش ویژه خدایی است که در خلقت و آفرینش شریکی ندارد، و در عظمت و

فِي عِظَمَتِهِ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الْفَاشِي فِي الْخَلْقِ أَمْرُهُ وَحَمْدُهُ، الظَّاهِرِ

بزرگیش مانندی ندارد. ستایش ویژه خدایی است که فرمان او و ستایش او در بین آفریدگان آشکار و شکوهِش

بِالْكَرَمِ مَجْدُهُ، وَالْبَاسِطِ بِالْجُودِ يَدَهُ، الَّذِي لَا تَنْقُصُ خَزَائِنُهُ،

به واسطه کرامت و بزرگواریش هویدا است، و دستش با سخاوت‌مندی همواره گشوده است؛ همان خدایی که گنجینه‌هایش کم

وَلَا تَزِيدُهُ كَثْرَةُ الْعَطَاءِ إِلَّا جُوداً وَكَرَمًا، إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الْوَهَّابُ.

نمی‌شود، و بخشش زیادش تنها باعث افزایش بخشش و کرم و بزرگواری او می‌شود؛ همانا او، تنها عزتمند بسیار بخشنده است.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ قَلِيلاً مِنْ كَثِيرٍ مَعَ حَاجَةٍ بِي إِلَيْهِ عَظِيمَةٍ،

بارالها! از تو می‌خواهم اندکی از بسیار را به طوری که به این اندک بسیار نیازمندم؛ و تو از

وَعِنَاكَ عَنْهُ قَدِيمٌ، وَهُوَ عِنْدِي كَثِيرٌ، وَهُوَ عَلَيْكَ سَهْلٌ يَسِيرٌ.

قدیم بی‌نیاز از اینها بوده‌ای و این اندک، نزد من بسیار زیاد و ارزشمند است و برای تو (برآوردنش) هیچ کاری ندارد و کم و آسان می‌باشد.

اللَّهُمَّ إِنَّ عَفْوَكَ عَنْ ذَنْبِي، وَتَجَاوُزَكَ عَنْ خَطِيئَتِي، وَصَفْحَكَ

بارالها! واقعتاً آن است که بخشش تو نسبت به گناه من، و گذشت تو از اشتباه من، و چشم‌پوشی تو

عَنْ ظُلْمِي، وَسَرِّكَ عَلَيَّ قَبِيحَ عَمَلِي، وَحِلْمَكَ عَنْ كَثِيرِ جُرْمِي،

از ستم من، و پوشش تو بر رفتار زشت من، و بردباری تو نسبت به جرم سنگین و بسیار من

عِنْدَ مَا كَانَ مِنْ خَطِيئِي وَعَمْدِي، أَطْمَعَنِي فِي أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَا

چه از روی عمد انجام داده‌ام، و چه به طور اشتباهی مرتکب شده‌ام؛ باعث شده است باز هم طمع کنم و اقدام به

أَسْتَوْجِبُهُ مِنْكَ، الَّذِي رَزَقْتَنِي مِنْ رَحْمَتِكَ، وَأَرَيْتَنِي مِنْ

درخواست چیزی از تو نمایم که سزاوار آن نیستم؛ همان چیزی که از رحمتت نصیبم ساختی، و از

قُدْرَتِكَ، وَعَرَفْتَنِي مِنْ إِجَابَتِكَ، فَصِرْتُ أَدْعُوكَ أَمِنًا. وَأَسْأَلُكَ

قدرتت نشانم دادی، و از پاسخ‌گویییت که به من شناساندی؛ بدین‌سان، با آرامش تو را می‌خوانم. و نیز از تو می‌خواهم

مُسْتَأْنِسًا لَا خَائِفًا وَلَا وَجِلًا، مُدِلًّا عَلَيْكَ فِيمَا قَصَدْتُ فِيهِ

در حالت انس با تو، نه با ترس و هراس، و با اطمینان خاطر به سوی تو در آنچه به خاطر آن آهنگ تو کردم،

إِلَيْكَ، فَإِنْ أَبْطَأَ عَنِّي عَتَبْتُ بِجَهْلِي عَلَيْكَ، وَلَعَلَّ الَّذِي أَبْطَأَ

پس اگر دیر پاسخم را دادی، با نادانیم بر تو عتاب و سرزنش کنم؛ با آن که احتمال قوی می‌رفت چیزی که در دادنش

عَنِّي هُوَ خَيْرٌ لِي، لِعِلْمِكَ بِعَاقِبَةِ الْأُمُورِ، فَلَمْ أَرَ مَوْلَى كَرِيمًا

به من تأخیر کردی برایم بهتر باشد؛ زیرا، تو پایان همه کارها را می‌دانی؛ پروردگارا! هیچ مولای کریم و بزرگواری را

أَصْبَرَ عَلَيَّ عَبْدٌ لِيَمِّ مِنْكَ عَلَيَّ يَا رَبِّ، إِنَّكَ تَدْعُونِي فَأَوْلِي

بر بنده پستی شکیباتر از تو بر خود ندیدم. پروردگارا! تو مرا دعوت می‌کنی، ولی من روی می‌گردانم؛

مختصر

بخش پنجم



۲۹۸

عَنْكَ، وَتَحَبَّبَ إِلَيَّ فَأَتَبَعْتُ إِلَيْكَ، وَتَوَدَّدْتُ إِلَيَّ فَلَا أَقْبَلُ مِنْكَ،

تو به من محبت می‌کنی ولی من با تو دشمنی می‌کنم، تو به من مهر می‌ورزی ولی من از تو نمی‌پذیرم!

كَأَنَّ لِي التَّطَوُّلَ عَلَيْكَ، فَلَمْ يَمْنَعَكَ ذَلِكَ مِنَ الرَّحْمَةِ لِي،

گویا من از تو طلبکارم و نسبت به تو برتری دارم؛ ولی این هم باعث نمی‌شود تو از مهربانی

وَالْإِحْسَانَ إِلَيَّ، وَالتَّفَضُّلَ عَلَيَّ بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، فَارْحَمْ عَبْدَكَ

و احسان و فزون‌بخشیدن با سخاوتمندی و بزرگواریت نسبت به من، دست برداری. بنابراین (خدایا) به این بنده

الْجَاهِلَ، وَجُدْ عَلَيْهِ بِفَضْلِ إِحْسَانِكَ، إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ. الْحَمْدُ لِلَّهِ

نادانست رحم کن؛ و با فزونی احسانت بر او بخشش فرما؛ راستی که تو بخشنده و بزرگواری. ستایش ویژه خداست

مَالِكِ الْمَلِكِ، مُجْرِي الْفُلْكِ، مُسَخِّرِ الرِّيَّاحِ، فَالِقِ الْإِصْبَاحِ،

که صاحب فرمانروایی است، کشتی را در دریا روان می‌سازد، بادها را در اختیار دارد، شکافنده صبح است،

دَيَّانِ الدِّينِ، رَبِّ الْعَالَمِينَ. الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى حِلْمِهِ بَعْدَ عِلْمِهِ،

پاداش دهنده روز جزا است، پروردگار جهانیان است؛ ستایش ویژه خداست که با وجود آگاهیش بردباری می‌کند،

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَفْوِهِ بَعْدَ قُدْرَتِهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى طَوْلِ أَنْاتِهِ

و ستایش ویژه خداست که با وجود قدرت و تواناییش عفو و بخشش می‌کند. و ستایش ویژه خداست که در حال خشم نیز مهلت

فِي غَضَبِهِ، وَهُوَ قَادِرٌ عَلَى مَا يُرِيدُ. الْحَمْدُ لِلَّهِ خَالِقِ الْخَلْقِ،

طولانی می‌دهد، با این که می‌تواند هر کاری که اراده کند انجام بدهد؛ ستایش ویژه خداست که آفریننده مخلوقات است؛

بَاسِطِ الرِّزْقِ، فَالِقِ الْإِصْبَاحِ، ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، وَالْفَضْلِ

گستراننده روزی است؛ شکافنده صبح است؛ شکوه‌مند و ارجمند است؛ دارای فضل و احسان و

وَالْإِنْعَامِ، الَّذِي بَعْدَ فَلَا يُرَى، وَقَرَبَ فَشَهِدَ النَّجْوَى، تَبَارَكَ

نعمت‌بخشی است؛ همان خدای که دور است پس به چشم نمی‌آید، و نزدیک است که صحبت‌های درگوشی را نیز می‌شنود؛ پاک و

وَتَعَالَى. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَيْسَ لَهُ مُنَازِعٌ يُعَادِلُهُ، وَلَا شَبِيهٌ

بلندمرتبه است. ستایش ویژه خدایی است که برایش ستیزه‌جویی نیست که با او برابری کند؛ و شبیهی ندارد

يُشَاكِلُهُ، وَلَا ظَهِيرٌ يُعَاوِدُهُ، قَهَرَ بِعِزَّتِهِ الْأَعْزَاءَ، وَتَوَاضَعَ

که با او همانندی نماید؛ و کمک‌کاری ندارد که او را یاری برساند، با اقتدار خودش بر قدرتمندان چیره گشته؛ و

لِعَظَمَتِهِ الْعُظْمَاءُ، فَبَلَغَ بِقُدْرَتِهِ مَا يَشَاءُ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُجِيبُنِي

بزرگان، در برابر عظمت او فروتنی و کوچکی کنند؛ و بدین سان دست قدرتش بر آنچه بخواهد رسا است. ستایش ویژه خداست که

حِينَ أَنْادِيهِ، وَيَسْتُرُّ عَلَيَّ كُلَّ عَوْرَةٍ وَأَنَا أَغْصِيهِ، وَيُعْظِمُ النُّعْمَةَ

وقتی او را صدا می‌زنم پاسخم را می‌دهد؛ و در حالی که من او را نافرمانی می‌کنم تمام عیوب و زشتی‌هایم را پنهان می‌دارد؛ و نعمتهایش

عَلَيَّ فَلَا أُجَازِيهِ، فَكَمْ مِنْ مَوْهَبَةٍ هَنِيبَةٍ قَدْ أُعْطَانِي، وَعَظِيمَةٍ

را برایم زیاد می‌کند ولی من جواب خوبی به این نعمت‌بخشی‌ها نمی‌دهم. چه بخشش گوارایی که به من نمود، و چه امور بزرگ

مَخُوفَةٍ قَدْ كَفَانِي، وَبَهْجَةٍ مُوْنِقَةٍ قَدْ أَرَانِي، فَأُثْنِي عَلَيْهِ حَامِداً،

ترسناکی که مرا از آنها کفایت کرد، و چه بسیار خوشی‌های دوست‌داشتنی که به من نشان داد، به این جهات پیوسته او را با ستایش خود ثناگویی

وَأَذْكُرُهُ مُسَبِّحاً. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا يُهْتَكُ حِجَابُهُ، وَلَا يُغْلَقُ بَابُهُ،

می‌کنم، و همیشه با تسبیح کردن او به یادش می‌باشم. ستایش ویژه خدایی است که پرده و حجاب او دریده نمی‌شود؛ درگاهش بسته نمی‌شود؛

وَلَا يُرَدُّ سَأَلُهُ، وَلَا يُخَيِّبُ أَمَلُهُ. الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُؤْمِنُ الْخَائِفِينَ،

گدایش رد نمی‌شود؛ آرزومندش، ناامید برنمی‌گردد. ستایش ویژه خدایی است که بیمناکان را ایمنی می‌بخشد،

وَيُنَجِّي الصَّالِحِينَ، وَيَرْفَعُ الْمُسْتَضْعَفِينَ، وَيَضَعُ الْمُسْتَكْبِرِينَ،

صالحان و شایستگان را رها می‌سازد، ناتوان‌شمرده‌شدگان را والا و بالا می‌برد، و تکبرکنندگان را بر زمین می‌زند،

وَيُهْلِكُ مُلُوكًا، وَيَسْتَخْلِفُ آخِرِينَ. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ قَاصِمِ الْجَبَّارِينَ،

و پادشاهانی را نابود می‌کند و به جای ایشان افراد دیگری را می‌نشانند. و ستایش ویژه خدایی است که درهم‌شکننده زورگویان،

مُبِيرِ الظَّالِمِينَ، مُدْرِكِ الْهَارِبِينَ، نَكَالِ الظَّالِمِينَ، صَرِيحِ

نابودکننده ستمگران، به چنگ آورنده فراریان، کیفر دهنده ستمگران، فریادرس

الْمُسْتَضْرِحِينَ، مَوْضِعِ حَاجَاتِ الطَّالِبِينَ، مُعْتَمِدِ الْمُؤْمِنِينَ.

دادخواهان، پاسخ‌گوی حاجت‌خواهان و مورد اعتماد مؤمنان است.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مِنْ خَشْيَتِهِ تَرَعَدُ السَّمَاءُ وَسُكَّانُهَا، وَتَرْجَفُ

ستایش ویژه خدایی است که آسمان و ساکنانش از ترس و هراس او می‌غزند، و

الْأَرْضُ وَعُمَارُهَا، وَتَمْوِجُ الْبِحَارِ وَمَنْ يَسْبِحُ فِي غَمْرَاتِهَا.

زمین و آبادگرانش به لرزه درمی‌آیند، و دریاها و هر که در اعماق آن شناور است دچار موج‌گردند.

مخوفه

بخش پنجم



۳۰۰

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا، وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ.

ستایش ویژه خدایی است که ما را به این (راه خودش) هدایت فرمود، و اگر او هدایت‌مان نمی‌کرد به هیچ وجه هدایت نمی‌شدیم.

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَخْلُقُ وَلَمْ يَخْلُقْ، وَيَرْزُقُ وَلَا يُرْزَقُ، وَيُطْعِمُ

وَلَا يُطْعَمُ، وَيُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَيُحْيِي الْمَوْتَى، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ،

و خود نمی‌خورد، و زنده‌ها را می‌میراند و مردگان را زنده می‌کند، و او زنده‌ای است که هرگز نمی‌میرد،

وَلَا يُطْعَمُ، وَيُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَيُحْيِي الْمَوْتَى، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ،

و خود نمی‌خورد، و زنده‌ها را می‌میراند و مردگان را زنده می‌کند، و او زنده‌ای است که هرگز نمی‌میرد،

بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

خَيْرٍ وَخَوْبِي، تَنْهَا دَر دَسْتِ اَوْسْتِ؛ وَ اَوْ بَرِ مَر چِيزِي تَوَانِيي دَارِد. بَارِ اَلِهَاءِ بَرِ حَضْرَتِ مُحَمَّدِ

عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، وَأَمِينِكَ وَصَفِيِّكَ، وَحَبِيبِكَ وَخَيْرَتِكَ مِنْ

كِه بِنْدِه، فَرَسْتَادِه، اَمَانْتِ دَارِ، بَرِ گَزِيْدِه، مَحْبُوبِ، مَنْتَخِبِ تُو اَز

خَلْقِكَ، وَخَافِظِ سِرِّكَ، وَمُبَلِّغِ رِسَالَتِكَ، أَفْضَلَ وَأَحْسَنَ وَأَجْمَلَ

اَفْرِيْدِگَانْتِ، نِگِه دَارِنْدِه اَسْرَارْتِ، وَ رِسَانِنْدِه رِسَالْتِ هَائِي تُوَسْت - دَرُوْدِي پِيُوَسْتِه نَثَارِ كُنْ؛ بَرْتَرِيْنِ، نِيَكُوْتَرِيْنِ، زِيْبَاتَرِيْنِ،

وَأَكْمَلَ وَأَزْكَى وَأَنْمَى وَأَطْيَبَ وَأَطْهَرَ وَأَسْنَى وَأَكْثَرَ مَا صَلَّيْتَ

كَامِلْتَرِيْنِ، خُوْبْتَرِيْنِ، رَشْدِ كُنِنْدِه تَرِيْنِ، پَاكْتَرِيْنِ وَ پَاكِيْزِه تَرِيْنِ، وَالْاَتْرِيْنِ وَ بِيْشْتَرِيْنِ اَزِ دَرُوْدِ هَا،

وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ، وَتَحَنَّنْتَ وَسَلَّمْتَ، عَلَى أَحَدٍ مِنْ عِبَادِكَ

بَرِكْتِ هَا، رَحْمْتِ هَا وَ مَهْرِبَانِيْ هَا، وَ سَلَامْتِ بَخْشِيْ هَائِي بَاشْدِ كِه بَرِ هَرِ يَكِ اَزِ بِنْدِگَانِ خَاصِّ خُوْدِ،

وَأَنْبِيَائِكَ وَرُسُلِكَ وَصَفْوَتِكَ، وَأَهْلِ الْكِرَامَةِ عَلَيْكَ مِنْ خَلْقِكَ.

پِيَامْبِرَانِ، رَسُوْلَانِ، بَرِ گَزِيْدِگَانِ، وَ گَرَامِي دَاشْتِه شِدْگَانِ دَرِ بَيْنِ مَخْلُوْقَاتِ تُو؛ نَثَارِ فَرْمُوْدِه بَاشِي.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ

بَارِ اَلِهَاءِ بَرِ حَضْرَتِ عَلِيٍّ ؑ فَرْمَانْرُوْايِ مُؤْمِنَانِ، وَ وَصِيٍّ وَ جَانَشِيْنِ فَرَسْتَادِه پَرُوْرْدِگَارِ

الْعَالَمِينَ، عَبْدِكَ وَوَلِيِّكَ، وَأَخِي رَسُولِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ،

جِهَانِيَانِ، بِنْدِه تُو، وَ لِيِّ تُو، بَرَادَرِ رَسُوْلِ تُو، حُجَّتِ تُو بَرِ اَفْرِيْدِگَانْتِ،

وَآيَتِكَ الْكُبْرَى، وَالنَّبَا الْعَظِيمِ، وَصَلِّ عَلَى الصَّدِيقَةِ الطَّاهِرَةِ،

آيْتِ وَ بَزْرِگْتَرِيْنِ نِشَانِهَاتِ، وَ اَنْ خَبَرِ بَزْرِگِ؛ دَرُوْدِ پِيُوَسْتِه نَثَارِ كُنْ. وَ بَرِ حَضْرَتِ صَدِيْقَةِ طَآهْرِه

فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَصَلِّ عَلَى سِبْطِي الرَّحْمَةِ، وَإِمَامِي

فاطمه زهرا، سرور زنان جهانیان، درود فرست. و بر دو نواده ارجمند پیامبر رحمت، دو امام

الْهُدَى، الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ سَيِّدَي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ. وَصَلِّ عَلَى

و پیشوای هدایت؛ یعنی امام حسن و امام حسین علیهما السلام که سرور جوانان بهشتی هستند؛ درود فرست. و بر

أُمَّةِ الْمُسْلِمِينَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ، وَجَعْفَرِ بْنِ

پیشوایان مسلمانان، یعنی: علی بن الحسین (سجاد)، محمد بن علی (باقر)، جعفر بن

مُحَمَّدٍ، وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ، وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ،

محمد (صادق)، موسی بن جعفر (کاظم)، علی بن موسی (رضا)، محمد بن علی (جواد)،

وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، وَالْحَسَنَ بْنِ عَلِيٍّ، وَالْخَلْفَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ،

علی بن محمد (هادی) حسن بن علی (عسکری) و بازمانده او که راهنما و راه یافته است (علیه السلام)؛

حُبِّكَ عَلَى عِبَادِكَ، وَأَمْنًا فِي بِلَادِكَ، صَلَوةً كَثِيرَةً دَائِمَةً.

که همگی حجت‌های تو بر بندگانت، و امانت‌داران تو در شهرهایت می‌باشند؛ صلوات و درودی فراوان و دائمی نثار کن.

اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ، الْقَائِمِ الْمُؤَمَّلِ، وَالْعَدْلِ الْمُنتَظَرِ،

خدایا؛ درود فرست بر ولی امرت، قیام‌کننده مورد آرزو، و عدالت محض که همه در انتظارش بوده و هستند؛

وَحَفَّةً بِمَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَيِّدُهُ بِرُوحِ الْقُدْسِ، يَا رَبِّ

و با فرشتگان مقربت او را در برگیر؛ و با روح القدس تأییدش کن؛ ای پروردگار

الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ الدَّاعِيَ إِلَى كِتَابِكَ، وَالْقَائِمَ بِدِينِكَ،

جهانیان؛ بارالها؛ او را فرا خواننده مردم به سوی قرآن، و برپادارنده دین و ایمنت قرار ده؛

إِسْتَخْلَفَهُ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفْتَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِ، مَكَّنْ لَهُ

او را همانند دیگران که در زمین، خلافت بخشیدی و جانشین خودت کردی، جانشین ساز؛ دینی را که برای

دِينَهُ الَّذِي ارْتَضَيْتَهُ لَهُ، أَبَدِلْهُ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِ أَمْنًا، يَعْْبُدُكَ

او پسندیده‌ای، قدرتمند و ارزشمند ساز؛ پس از شرایط ترسناکی که دارد، او را به آرامش و ایمنی برسان، تا در نتیجه تو را بپرستد

لَا يُشْرِكُ بِكَ شَيْئًا. اللَّهُمَّ أَعِزَّهُ وَأَعِزِّزْ بِهِ، وَانصُرْهُ وَانصُرْ بِهِ،

و چیزی را با تو شریک نگیرد. خدایا؛ او را عزیز کن، و به وسیله او (مؤمنان را) عزت ببخش؛ او را یاری و پیروز کن، و (مؤمنان را) به واسطه او

محمد زهرا

بخش پنجم



۳۰۲

وَأَنْصُرُهُ نَصْرًا عَزِيزًا، وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا، وَاجْعَلْ لَهُ مِنْ

پیروز فرما؛ و یاری عزتمندت را بدو برسان، و برایش گشایش و پیروزی شایان و آسانی فراهم کن، و از

لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا. اللَّهُمَّ أَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ حَتَّى

جانب خودت برایش قدرت و سلطنتی پیروز مقرر دار. بارالها؛ آیین خودت، و سنت پیامبرت را به وسیله او آشکار ساز؛

لَا يَسْتَخْفِي بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ. اللَّهُمَّ إِنَّا

به گونه‌ای که از ترس یکی از آفریدگانت، هیچ بخشی از حق و حقیقت را پنهان نکنند. بارالها؛ واقعیت آن است که

نَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةٍ كَرِيمَةٍ، تُعْزِبُ بِهَا الْإِسْلَامَ وَأَهْلَهُ، وَتُذِلُّ

ما مشتاق دولت کریمه آن حضرت هستیم که (در سایه حضور پیشوای معصوم‌مان) اسلام و اسلامیان را عزیز و نیرومند گردانی،

بِهَا النُّفَاقَ وَأَهْلَهُ، وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ، وَالْقَادَةَ

و نفاق و منافقین را خوار و ذلیل نمایی؛ و در آن حکومت و دولت، ما را از کسانی قرار دهی که مردم را به فرمان‌برداری از تو فرا بخوانیم، و همه

إِلَى سَبِيلِكَ، وَتَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. اللَّهُمَّ مَا عَرَفْتَنَا

را به راه تو رهبری کنیم، و به واسطه این دولت شکوهمند، کرامت دنیا و آخرت را به ما ارزانی داری. بارالها؛ حقیقت‌هایی را که به ما شناساندی،

مِنَ الْحَقِّ فَحَمَلْنَا، وَمَا قَصْرْنَا عَنْهُ فَبَلَّغْنَا. اللَّهُمَّ أَلِّمْنَا بِهِ

توان تحملش را نیز بده تا آنها را باور کنیم؛ و هر چه را به آن دست نیافته‌ایم، خودت ما را بدان‌ها برسان. خدایا؛ به واسطه آن حضرت

شَعْنًا، وَأَشْعَبَ بِهِ صَدْعَنَا، وَارْتَقَ بِهِ فَتَقْنَا، وَكَثُرَ بِهِ قِلَّتْنَا،

پراکندگی ما را سامان بخش؛ اختلاف میان ما را اصلاح کن؛ گسستگی ما را تبدیل به پیوستگی فرما؛ کمی تعداد ما را تبدیل به بسیاری گردان؛

وَأَعَزَّزْ بِهِ ذِلَّتْنَا، وَأَغْنِ بِهِ عَائِلَتَنَا، وَأَقْضِ بِهِ عَنْ مَغْرَمِنَا، وَاجْبُرْ

خواری و ذلت ما را تبدیل به عزت کن؛ فقیران ما را بی‌نیاز و ثروتمند ساز؛ بدهی ورشکستگان و بدهکاران ما را ادا کن؛ فقر و نیازمندی

بِهِ فَقْرَنَا، وَسُدِّ بِهِ خَلَّتْنَا، وَيَسِّرْ بِهِ عُسْرَنَا، وَبَيِّضْ بِهِ وُجُوهَنَا،

ما را جبران فرما؛ نقص و خلل‌های ما را پر کن؛ سختی ما را تبدیل به راحتی کن؛ رخسارمان را سپید و نیکو گردان؛

وَفُكِّ بِهِ أَسْرَنَا، وَأَنْجِحْ بِهِ طَلِبَتَنَا، وَأَنْجِزْ بِهِ مَوَاعِيدَنَا، وَاسْتَجِبْ

اسیران‌مان را آزاد ساز؛ خواسته‌های ما را برآور؛ وعده‌های‌مان را محقق کن؛ دعای ما را

بِهِ دَعْوَتَنَا، وَأَعْطِنَا بِهِ سُؤْلَنَا، وَبَلِّغْنَا بِهِ مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

پاسخگو باش؛ خواسته‌های ما را عطا کن؛ ما را به آرمان‌ها و آرزوهای دنیوی و اخروی برسان؛

أَمَانًا، وَأَعْطِنَا بِهِ فَوْقَ رَغْبَتِنَا. يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ وَأَوْسَعَ

و برتر از آنچه بدان مایلیم به ما عطا کن. ای بهترین کسی که از او درخواست می‌شود؛ ای دارای فراگیرترین

الْمُعْطِينَ، إِشْفِ بِهِ صُدُورَنَا، وَأَذْهِبْ بِهِ غَيْظَ قُلُوبِنَا، وَاهْدِنَا

بخشش و عطا؛ سینه‌های ما را به وسیله او شفا بخش؛ خشم قلب‌مان را به وسیله او برطرف کن؛ به کمک او و به واسطه حضور او،

بِهِ لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِكَ، إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى

با اذن و خواست خودت ما را در مورد حقیقت‌هایی که در آن اختلاف شده، راهنمایی و هدایت فرما؛ به راستی، تو هر که را خودت بخواهی به راه

صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، وَانصُرْنَا بِهِ عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّنَا، إِلَهَ الْحَقِّ

راست رهنمون می‌شوی، ما را به واسطه او بر دشمن خودت و دشمن ما، یاری فرما؛ ای معبود به حق؛ دعای‌مان را

أَمِينَ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقَدْ نَبِينَا صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

مستجاب گردان. بارالها؛ واقعیت آن است که ما به تو شکایت می‌کنیم به خاطر فقدان و عدم حضور پیامبران - که درودت بر او و آل او باد -؛

وَعَيْبَةَ وَلِيِّنَا، وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا، وَقِلَّةَ عَدَدِنَا، وَشِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا،

و از پنهان بودن سرپرست مهربان‌مان، و از بسیاری دشمنان‌مان، و کمی تعداد خودمان، و از فتنه‌ها و آشوب‌های سختی که دچارشان هستیم؛

وَتَظَاهَرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَعِنَّا عَلَى ذَلِكَ

و به خاطر ظاهر شدن روزگار بر علیه ما. پس بر محمد و آل او درودی پیوسته نثار کن، و ما را در این گرفتاری‌ها کمک کن

بِفَتْحِ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ، وَيَضُرُّ تَكْشِفُهُ، وَنَصْرٍ تُعِزُّهُ، وَسُلْطَانِ حَقِّ

توسط پیروزی و گشایشی که در آن شتاب می‌کنی؛ و ضرر و زبانی که برطرف می‌سازی و یاری کردنی که با آن عزت می‌بخشی و قدرتمند حقی که

تُظَهِّرُهُ، وَرَحْمَةٍ مِنْكَ تُجَلِّلُنَاهَا، وَعَافِيَةٍ مِنْكَ تُلْبِسُنَاهَا، بِرَحْمَتِكَ

آشکارش می‌نمایی، و رحمتی که با آن به ما بزرگی و شکوه می‌دهی؛ و لباس عافیتی که بر ما می‌پوشانی، به حق رحمتت،

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ۱

ای مهربان‌ترین مهربانان.

مختصر

بخش پنجم





دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداه
بعد از هر نماز در ماه مبارک رمضان

پیامبر اکرم ﷺ فرمودند:

هر کس این دعا را در ماه رمضان بعد از نمازهای واجب بخواند، گناهانش تا روز
قیامت بخشیده می‌شود:

اللَّهُمَّ ادْخِلْ عَلَى أَهْلِ الْقُبُورِ السُّرُورَ. اللَّهُمَّ اغْنِ كُلَّ فَقِيرٍ.

خداوندا؛ بر ساکنان گورها، شادمانی و خوشی عطا فرما؛ خداوندا؛ تمام نیازمندان را بی‌نیاز گردان؛

اللَّهُمَّ اشْبِعْ كُلَّ جَائِعٍ. اللَّهُمَّ اكْسُ كُلَّ عُرْيَانٍ. اللَّهُمَّ اقْضِ دَيْنَ

خداوندا؛ تمام گرسنگان را سیر کن؛ خداوندا؛ هر عریانی را ببوشان؛ خداوندا؛ قرض

كُلِّ مَدِينٍ. اللَّهُمَّ فَرِّجْ عَن كُلِّ مَكْرُوبٍ. اللَّهُمَّ رُدِّ كُلَّ غَرِيبٍ.

هر مقروضی را ادا فرما؛ خداوندا؛ اندوه هر اندوهناکی را برطرف کن؛ خداوندا؛ هر غریبی را به (وطن) باز گردان؛

اللَّهُمَّ فَكِّ كُلَّ أَسِيرٍ. اللَّهُمَّ أَصْلِحْ كُلَّ فَاسِدٍ مِّنْ أُمُورِ الْمُسْلِمِينَ.

خداوندا؛ هر اسیری را آزاد کن؛ خداوندا؛ هر امر فاسدی را از امور مسلمانان اصلاح فرما؛

اللَّهُمَّ اشْفِ كُلَّ مَرِيضٍ. اللَّهُمَّ سُدِّ فَقْرَنَا بِغِنَاكَ. اللَّهُمَّ غَيِّرْ سُوَاءَ

خداوندا؛ هر مریضی را شفا مرحمت کن؛ خداوندا؛ فقر و تهیدستی ما را با بی‌نیازی خودت برطرف کن؛ خداوندا؛ بدی حال

حَالِنَا بِحُسْنِ حَالِكَ. اللَّهُمَّ اقْضِ عَنَّا الدَّيْنَ، وَأَغْنِنَا مِنَ الْفَقْرِ،

ما را به خوبی حال خودت تغییر بده؛ خداوندا؛ قرض ما را ادا بفرما، و ما را از فقر به توانگری برسان؛

إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

همانا تو بر هر چیزی توانایی.

... بعد از هر نماز در ماه رمضان



بر خواننده بزرگوار پوشیده نیست که مضمون این دعا تنها در دوران حکومت الهی و دولت حضرت مهدی ارواحنا فداء محقق می شود، و برای این دعا قضیه و داستانی است که به مناسب بودن دعا در این زمینه دلالت می کند؛ ولی در این کتاب مجالی برای ذکر آن نیست.



دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداء در روز سیزدهم ماه مبارک رمضان

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمته الله برای این روز، این دعا را نقل کرده است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَدِينُكَ بِطَاعَتِكَ وَوِلَايَتِكَ، وَوِلَايَةِ مُحَمَّدٍ نَبِيِّكَ،

بارخدایا! همانا من گردن می‌نهم به اطاعت و ولایت تو، و ولایت حضرت محمد صلی الله علیه و آله پیامبر تو،

وَوِلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَبِيبِ نَبِيِّكَ، وَوِلَايَةِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ،

و ولایت امیر مؤمنان (حضرت علی رضی الله عنه) دوست پیامبر، و ولایت امام حسن و امام حسین

سِبْطِي نَبِيِّكَ وَسَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ جَنَّتِكَ. وَأَدِينُكَ يَا رَبِّ بِوِلَايَةِ

دو نوه پیامبر و دو سرور جوانان اهل بهشت. و گردن می‌نهم (ای پروردگارا!) به ولایت

عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى

علی بن حسین (سجاد) و محمد بن علی (باقر) و جعفر بن محمد (صادق) و موسی

بْنَ جَعْفَرٍ وَعَلِيٍّ بْنِ مُوسَى وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ

بن جعفر (کاظم) و علی بن موسی (رضا) و محمد بن علی (جواد) و علی بن محمد (هادی)

وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ صَاحِبِ الزَّمَانِ. أَدِينُكَ يَا

و حسن بن علی (عسکری) و آقایم و مولایم صاحب زمان (عجل الله فرجه). گردن می‌نهم ای

رَبِّ بِطَاعَتِهِمْ وَوِلَايَتِهِمْ، وَبِالتَّسْلِيمِ بِمَا فَضَّلْتَهُمْ، رَاضِيًا غَيْرَ

پروردگارا! به اطاعت و ولایت آنان و تسلیم شدن نسبت به آنچه فضیلت و برتری داده‌ای ایشان را؛ در حالی که راضی و

پیامبر

بخش پنجم



مُنْكَرٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ، عَلَىٰ مَا أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ

خشنود هستم و انکار نمی‌کنم، و استکبار نمی‌ورزم بر آنچه که در قرآنت نازل کردی. خدایا؛ بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَادْفَعْ عَنْ وَلِيِّكَ وَخَلِيفَتِكَ وَلِسَانِكَ وَالْقَائِمِ

محمد و آل محمد درود بفرست؛ و دور کن (هر شتری) را از ولایت و جانشین و زبان گویای خودت و قیام‌کننده

بِقِسْطِكَ، وَالْمُعَظَّمِ لِحُرْمَتِكَ، وَالْمُعَبَّرِ عَنْكَ، وَالنَّاطِقِ بِحُكْمِكَ،

به عدلت، و بزرگ دارنده حرمتت، و بیان کننده از جانب خودت، و گوینده احکامت،

وَعَيْنِكَ النَّاطِرَةِ، وَأُذُنِكَ السَّامِعَةِ، وَشَاهِدِ عِبَادِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَىٰ

و چشم بینایت، و گوش شنوایت، و گواه بندگانت، و حجت تو بر

خَلْقِكَ، وَالْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِكَ، وَالْمُجْتَهِدِ فِي طَاعَتِكَ. وَاجْعَلْهُ

آفریدگانت، و جهادکننده در راهت، و کوشش کننده در اطاعت و پیرویت. او را در جمله

فِي وَدِيعَتِكَ الَّتِي لَا تَضِيعُ، وَأَيُّدُهُ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ، وَأَعِينَهُ وَأَعِنْ

امانت‌های خودت که ضایع نمی‌شود قرار بده، و او را به وسیله سپاهیان پیروز خودت یاری برسان؛ و او را یاری کن و از او حمایت

عَنْهُ، وَاجْعَلْنِي وَوَالِدِيَّ وَمَا وَلَدًا وَوُلْدِي مِنَ الَّذِينَ يَنْصُرُونَهُ،

کن؛ و من و پدر و مادر و فرزندان‌شان و فرزندان مرا از کسانی قرار بده که آن حضرت را یاری می‌کنند.

وَيَنْتَصِرُونَ بِهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، إِشْعَبْ بِهِ صَدْعَنَا، وَارْتُقْ بِهِ

و به وسیله او در دنیا و آخرت یاری می‌شوند؛ و پراکندگی ما را به وسیله او اصلاح کن، و گسستگی ما را به وسیله او تبدیل به

فَتَقْنَا. اللَّهُمَّ أُمَّتٌ بِهِ الْجَوْرَ، وَدَمْدِمٌ بِمَنْ نَصَبَ لَهُ، وَاقْصِمِ

پیوستگی فرما. بار خدایا؛ به وسیله آن حضرت، ستم و جور را بمیران؛ و غضب کن بر کسانی که علیه ایشان هستند، و

رُؤُوسَ الضَّلَالَةِ حَتَّىٰ لَا تَدَعَّ عَلَى الْأَرْضِ مِنْهُمْ دِيَّارًا. ۱.

سران گمراهی را درهم بشکن تا هیچ کسی از آنان بر روی زمین باقی نماند.



دعای دیگر

در روز سیزدهم ماه مبارک رمضان

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمه الله دعای دیگری را برای این روز نقل کرده است:

اللَّهُمَّ إِنَّ الظَّلْمَةَ جَحَدُوا أَيَاتِكَ، وَكَفَرُوا بِكِتَابِكَ، وَكَذَّبُوا

خدایا؛ همانا ستمگران آیات و نشانه‌های تو را انکار کردند، و به کتابت یعنی قرآن کفر ورزیدند،

رُسُلِكَ، وَاسْتَكْفَرُوا عَنْ عِبَادَتِكَ، وَرَغِبُوا عَنْ مِلَّةِ خَلِيلِكَ،

فرستادگانت را تکذیب کردند، و از بندگی تو سرباز زدند، و از آیین خلیل تو روی گردانیدند،

وَبَدَّلُوا مَا جَاءَ بِهِ رَسُولُكَ، وَشَرَّعُوا غَيْرَ دِينِكَ، وَاقْتَدُوا بِغَيْرِ

و آن چه را که فرستادهاآت آورده است دگرگون ساختند، و غیر از دین تو را تشریح نمودند، و به غیر از راه

هُدَاكَ، وَاسْتَتُّوا بِغَيْرِ سُنَّتِكَ، وَتَعَدَّوْا حُدُودَكَ، وَسَعَوْا مُعَاجِزِينَ

هدایت تو اقتدا کردند، و به غیر از سنت و آیین تو عمل کردند، و از حد و مرزهای تو تجاوز کردند، و با آیات تو به مقابله برخاستند و سعی

فِي أَيَاتِكَ، وَتَعَاوَنُوا عَلَى إِطْفَاءِ نُورِكَ، وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِكَ،

کردند آن‌ها را ناتوان جلوه دهند. برای خاموشی نور تو با یکدیگر همکاری کردند، و از پیمودن راه تو جلوگیری نمودند،

وَكَفَرُوا نِعْمَاءَكَ، وَشَاقُّوا وُلَاةَ أَمْرِكَ، وَوَالَوْا أَعْدَاءَكَ، وَغَادَوْا

و نعمت‌هایت را ناسپاسی کردند، و با اولیای امور تو به سختی دشمنی کردند، و با دشمنانت دوستی و هم‌عهدی کردند و با

أَوْلِيَاءِكَ، وَعَرَفُوا ثُمَّ أَنْكَرُوا نِعْمَتَكَ، وَلَمْ يَذْكُرُوا الْآءَكَ، وَأَمِنُوا

دوستانت دشمنی ورزیدند؛ با این‌که نعمت‌هایت را شناختند، آن‌ها را انکار کردند، و خوبی‌هایت را یادآور نشدند، و خودشان

مَكْرَكَ، وَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ عَنْ ذِكْرِكَ، وَاسْتَحَلُّوا حَرَامَكَ، وَحَرَّمُوا

را از مکر و حيلة تو ایمن دانستند، و دل‌هایشان نسبت به یاد تو سخت و محکم شد، و حرام تو را حلال شمردند، و

حَلَالَكَ، وَاجْتَرَأُوا عَلَى مَعْصِيَتِكَ، وَلَمْ يَخَافُوا مَقْتَكَ، وَنَسُوا

حلال تو را حرام کردند، و در انجام نافرمانی تو جرأت پیدا کردند، و از دشمنی و نفرت تو هراسی نداشتند، و انتقام تو را فراموش

مختصر

بخش پنجم



نِقْمَتِكَ وَلَمْ يَحْذَرُوا بِأَسْكَ، وَاعْتَرَوْا بِنِعْمَتِكَ. اللَّهُمَّ فَاصْبُبْ

کردند و از سختی‌ها و عذابت خود را بر حذر نداشتند، و به وسیله نعمت‌هایی که تو به آنان داده‌ای مغرور شدند. خدایا!

مِنْهُمْ، وَاصْبُبْ عَلَيْهِمْ عَذَابَكَ، وَاسْتَأْصِلْ شَافَتَهُمْ، واقطع

نعمت‌هایت را برای آنان از بین ببر، و عذابت را بر آنان فرود آور، و آنها را ریشه‌کن نما، و

دَابِرَهُمْ، وَضَعْ عِزَّهُمْ وَجَبَرُوتَهُمْ، وَأَنْزِعْ أَوْتَارَهُمْ، وَزَلْزِلْ

دنباله آنان را قطع کن، و عزت و بزرگی آنان را خوار و پست کن، و ستم‌های آنها را بکن، و قدم‌هایشان را متزلزل کن،

أَقْدَامَهُمْ، وَأَزْعِبْ قُلُوبَهُمْ. اللَّهُمَّ إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا دِينَكَ دَغْلًا،

و در دل‌های آنها ترس و وحشت بینداز. خدایا! همانا ایشان دین تو را وسیله گول‌زدن و حيله‌گری گرفتند،

وَمَا لَكَ دُولًا، وَعِبَادَكَ خَوْلًا. اللَّهُمَّ اكْفِهِمْ بِأَسْهُمْ، وَاقْلُلْ حَدَّهُمْ،

و اموال تو را وسیله چیرگی و استیلای خودشان قرار دهند، و بندگان تو را بنده و برده خود کردند. خدایا! بندگانت را از عذاب و شکنجه آنها

وَأَوْهِنُ كَيْدَهُمْ، وَأَشْمِتْ عَدُوَّهُمْ، وَأَشْفِ صُدُورَ الْمُؤْمِنِينَ.

باز بدار، و شمشیر تیز آنان را بشکن و نابود کن، و مکر و حيله‌هایشان را سست و بی‌اثر کن، و دشمنان‌شان را شاد کن، و سینه مؤمنان را شفا بده

اللَّهُمَّ افْتِتْ أَعْضَادَهُمْ، وَأَقْهَرْ جَبَابِرَتَهُمْ، وَاجْعَلِ الدَّائِرَةَ عَلَيْهِمْ،

نیرو و توان بازوهایشان (دشمنان) را از بین ببر، و شوکت و قدرت‌شان را مورد قهر و غلبه قرار بده، و آنان را در حلقه محاصره قرار بده،

وَأَقْضُضْ بُنْيَانَهُمْ، وَخَالِفْ بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ، وَفَرِّقْ جَمْعَهُمْ، وَشَتِّتْ

و بنیان و ریشه آنها را درهم بکوب، و اتحاد کلمه ایشان را بر هم بزن، و اجتماع ایشان را پراکنده ساز، و

أَمْرَهُمْ، وَاجْعَلْ بِأَسْهُمْ بَيْنَهُمْ، وَابْعَثْ عَلَيْهِمْ عَذَابًا مِنْ فَوْقِهِمْ،

کارهایشان را آشفته و پراکنده کن، و سختی و عذاب ایشان را بین خودشان قرار بده؛ از بالای سرشان

وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ، وَأَسْفِكْ بِأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ دِمَائَهُمْ، وَأُورِثِ

و از زیر پایشان عذابت را بر ایشان بفرست؛ خون ایشان را به دست مؤمنان بریز، و

الْمُؤْمِنِينَ أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ. اللَّهُمَّ أَضِلَّ أَعْمَالَهُمْ،

مؤمنان را وارث زمین‌ها و خانه‌ها و اموال آنان قرار بده. خدایا! اعمال ایشان را تباه کن؛

وَاقْطَعْ رَجَاءَهُمْ، وَأَدْحِضْ حُجَّتَهُمْ، وَأَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ

امید ایشان را قطع کن، و حجت و برهان ایشان را باطل کن، و آنان را به تدریج و از

لَا يَعْلَمُونَ، وَآتَتْهُمْ بِالْعَذَابِ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ، وَأَنْزِلُ

جایی که نمی‌دانند در هم بییچان، و بر ایشان عذاب بفرست به طوری که نفهمند که از کجا آمده است؛

بِسَاخَتِهِمْ مَا يَحْذَرُونَ، وَحَاسِبُهُمْ حِسَاباً شَدِيداً، وَعَذَابُهُمْ

و آن چیزی را که از آن بیم دارند، به سرای آن‌ها نازل کن؛ و به حساب آنان با سخت‌گیری رسیدگی کن، و آنان را به

عَذَاباً نُكْرًا، وَاجْعَلْ عَاقِبَةَ أَمْرِهُمْ خُسْرًا. اللَّهُمَّ إِنَّهُمْ اشْتَرَوْا

عذاب سخت گرفتار کن، و عاقبت آنان را زیان قرار بده. بار خدایا؛ همانا، ایشان

بِآيَاتِكَ ثَمَنًا قَلِيلاً، وَعَتَوْا عِتْوًا كَبِيراً. اللَّهُمَّ فَخُذْهُمْ أَخْذاً وَبِيلاً،

آیات را به قیمت کمی فروختند؛ و گردنکشی‌های بسیار کردند. خدایا؛ به شدت گرفتارشان کن،

وَدَمَّرْهُمْ تَدْمِيراً، وَتَبَّرْهُمْ تَبْبيراً، وَلَا تَجْعَلْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ

و آنان را درهم کوب و نابودشان فرما، و برای آنان در روی زمین یاور،

نَاصِراً، وَلَا فِي السَّمَاءِ عَازِراً، وَالْعَنَّهُمْ لَعْنًا كَبِيراً. اللَّهُمَّ فَخُذْهُمْ

و در آسمان عذرخواهنده قرار مده، و بر ایشان نفرین فراوان بفرست. خدایا؛ آن‌ها را به شدت

أَخْذاً وَبِيلاً. اللَّهُمَّ إِنَّهُمْ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ، وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ،

در چنگ خود گرفتارشان کن. بار خدایا؛ همانا ایشان نماز را ضایع و تباه کردند، و از شهوت‌ها پیروی کردند،

وَعَمِلُوا السَّيِّئَاتِ. اللَّهُمَّ فَخُذْهُمْ بِالْبَلِيَّاتِ، وَاخْلُلْ بِهِمُ الْوَيْلَاتِ،

و انواع گناهان را مرتکب شدند. خدایا؛ آنان را دچار بلاها کرده، و مصیبت‌ها و هلاکت‌ها به ایشان وارد کن،

وَأَرْهِمُ الْحَسْرَاتِ، يَا اللَّهُ إِلَهَ الْأَرْضِينَ وَالسَّمَاوَاتِ. اللَّهُمَّ صَلِّ

و حسرت و افسوس خوردن را بر آنان حاکم فرما. ای خدا، ای پروردگار آسمان‌ها و زمین‌ها. خدایا؛

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَارْحَمْنَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

بر حضرت محمد و آل محمد درود فرست، و ما را به رحمتت مورد ترحم قرار بده؛ ای مهربان‌ترین مهربانان؛

اللَّهُمَّ إِنِّي أَدِينُكَ يَا رَبِّ بِطَاعَتِكَ، وَلَا نُنْكِرُ وِلَايَةَ مُحَمَّدٍ

بار خدایا؛ من به اطاعت تو گردن می‌نهم، و ولایت حضرت محمد ﷺ

رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ، وَوِلَايَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

فرستاده تو را - که درود تو بر او و اهل بیت او باد - انکار نمی‌کنم؛ هم‌چنین ولایت امیر مؤمنان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِحَسْبِ الْبَلِغِ



عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَوَلَايَةَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ

(حضرت) علی بن ابی طالب - که سلام بر او باد - و امام حسن و امام حسین علیهما السلام

عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، سِبْطِي نَبِيِّكَ وَوَلَدِي رَسُولِكَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ،

- که بر آن دو سلام باد - دو نواده پیامبر و دو فرزند رسالت را - که بر آن دو سلام باد - انکار نمی‌کنم،

وَوَلَايَةَ الطَّاهِرِينَ الْمُعْصُومِينَ مِنْ ذُرِّيَّةِ الْحُسَيْنِ، عَلِيٌّ بْنُ

هم‌چنین، ولایت پاکان معصوم از نسل امام حسین علیه السلام، یعنی حضرت علی بن

الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ

حسین (امام سجاد علیه السلام)، محمد بن علی (امام باقر علیه السلام)، جعفر بن محمد (امام صادق علیه السلام)، موسی بن جعفر (امام کاظم علیه السلام)،

وَعَلِيٍّ بْنِ مُوسَى وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ وَعَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنِ بْنِ

علی بن موسی (امام رضا علیه السلام)، محمد بن علی (امام جواد علیه السلام)، علی بن محمد (امام هادی علیه السلام)، حسن بن

عَلِيٍّ سَلَامُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، وَوَلَايَةَ الْقَائِمِ، السَّابِقِ

علی (امام حسن عسکری علیه السلام) - که سلام و برکت‌های الهی نثارشان باد - و ولایت قائم (حضرت مهدی علیه السلام) که پیشی‌گیرنده است

مِنْهُمْ بِالْخَيْرَاتِ، الْمُفْتَرَضِ الطَّاعَةِ، صَاحِبِ الزَّمَانِ سَلَامُ اللَّهِ

به خوبی‌ها از ایشان، و اطاعتش واجب بوده و صاحب عصر و زمان می‌باشد را می‌پذیرم که سلام خدا

عَلَيْهِ. أَدِينُكَ يَا رَبِّ بِطَاعَتِهِمْ وَوَلَايَتِهِمْ، وَالتَّسْلِيمِ لِقَرَضِهِمْ،

بر او باد، بار پروردگارا؛ من با اطاعت از آنان و قبول ولایتشان و تسلیم شدن در برابر اوامر و نواهی ایشان، تو را پرستش می‌کنم؛

رَاضِيًا غَيْرَ مُنْكَرٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ وَلَا مُسْتَكْفٍ، عَلِيٌّ مَعْنَى مَا

در حالی که از این امر راضی هستم، نه انکار می‌کنم و نه استکبار می‌ورزم و نه آن را ننگ می‌دانم؛ بر معانی و مفاهیمی که

أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ، عَلِيٌّ مَوْجُودٌ مَا أَتَانَا فِيهِ، رَاضِيًا مَا رَضِيتَ

در کتابت نازل کردی و طبق آن موجودی که به من رسیده، به آنچه تو را راضی می‌کند من نیز راضی هستم،

بِهِ، مُسَلِّمًا مُقَرَّرًا بِذَلِكَ يَا رَبِّ، رَاهِبًا لَكَ، رَاغِبًا فِيمَا لَدَيْكَ.

و در برابر آنان تسلیم بوده و به آن اقرار می‌کنم؛ بار پروردگارا؛ در حالی که من از تو ترسان هستم، و به آنچه نزد توست مشتاقم.

اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنَّا وَلِيِّكَ وَابْنِ نَبِيِّكَ، وَخَلِيفَتِكَ وَحُجَّتِكَ عَلِيٌّ

بار خدایا؛ از ولایت و فرزند پیامبرت، و جانشین و حجتت بر

خَلْقِكَ، وَالشَّاهِدِ عَلَى عِبَادِكَ، الْمُجَاهِدِ الْمُجْتَهِدِ فِي طَاعَتِكَ،

بندگان، و گواه بر آنان؛ تلاش کننده‌ای کوشا در اطاعت از تو،

وَوَلِيِّكَ وَأَمِينِكَ فِي أَرْضِكَ، فَأَعِذْهُ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقْتَ وَبَرَأْتَ،

و ولی و امانت‌دار تو بر روی زمین؛ بلا را دور کن. او را از شر آن چه که آفریده‌ای و به وجود آورده‌ای، پناه بده؛

وَأَجْعَلْهُ فِي وَدَائِعِكَ الَّتِي لَا يَضِيعُ مَنْ كَانَ فِيهَا، وَفِي جِوَارِكَ

او را از جمله سپرده‌های ضایع‌نشدنی قرار بده؛ او را در جوار خود

الَّذِي لَا يَقْهَرُ، وَأَمِنَهُ بِأَمَانِكَ، وَأَجْعَلْهُ فِي كَنْفِكَ، وَأَنْصُرْهُ

که شکست نمی‌خورد قرار بده؛ و او را به امان خود ایمن گردان و در کنف حمایت خود قرار ده، و او را

بِنَصْرِكَ الْعَزِيزِ، يَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ. اللَّهُمَّ اغْصِمْنَا بِالسَّكِينَةِ،

به نصرت قوی و نیرومندی یاری ده؛ ای پروردگار جهانیان. بار خدایا؛ او را با وقار و آرامش حفظ کن؛

وَأَلْبِسْهُ دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ، وَأَعِزَّهُ وَأَنْصُرْهُ بِنَصْرِكَ الْعَزِيزِ نَصْرًا

و به او زره محکم خود را بپوشان؛ و او را مدد کن و به نصرت قوی و نیرومندی به نوعی مقتدرانه یاری فرما؛

عَزِيزًا، وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا، وَاجْعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا

و گشایش آسان برایش مقرر فرما؛ و از نزد خودت برای او قدرت و نیروی یاری‌شده‌ای قرار بده.

نَصِيرًا. اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَأَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ،

خدایا؛ دوست بدار هر کسی او را دوست می‌دارد، و دشمن بدار هر کسی را که با او دشمنی می‌ورزد، و یاری کن هر که او را یاری می‌کند

وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ. اللَّهُمَّ اشْعَبْ بِهٍ صَدْعَنَا، وَارْتُقْ بِهٍ فَتْقَنَا،

و هر کس قصد خوار کردنش را دارد خوار و ذلیلش کن. بار خدایا؛ جدایی بین ما را به وسیله او اصلاح کن، و گسستگی ما را به وسیله او پیوسته فرما

وَالْمُمْ بِهٍ شَعْنَنَا، وَكَثِّرْ بِهٍ قِلَّتَنَا، وَأَعِزِّزْ بِهٍ ذِلَّتَنَا، وَأَقْضِ بِهٍ عَنَّا

و پراکندگی و نابسامانی ما را به وسیله او سامان بخش، و کمی ما را به وسیله او زیاد فرما، و ذلت و خواری ما را به وسیله او به عزت و ابرومندی مبتدل فرما و

مَغْرَمَنَا، وَاجْبِرْ بِهٍ فَقْرَنَا، وَسُدِّ بِهٍ خَلَّتَنَا، وَأَغْنِ بِهٍ فَاقْتَنَا، وَيَسِّرْ

بدهکاری‌های ما را به وسیله او ادا فرما، و فقر و ناداری ما را به وسیله او جبران فرما، و نیازمندی و حاجتمندی ما را به وسیله او برطرف کن، و تنگدستی ما را به

بِهٍ عُسْرَتَنَا، وَكُفِّ بِهٍ وُجُوهَنَا، وَأَنْجِحْ بِهٍ طَلِبَتَنَا، وَاسْتَجِبْ بِهٍ

وسیله او تبدیل به دارایی و ثروت کن، و مشکلات ما را به وسیله او آسان فرما؛ ابروی ما را به وسیله او نگاه دار، و خواسته‌های ما را به وسیله او برآورده فرما، و

مختصر

بخش پنجم



دُعَائِنَا، وَأَعْطِنَا بِهِ فَوْقَ رَغْبَتِنَا، وَاشْفِ بِهِ صُدُورَنَا، وَاهْدِنَا لِمَا

دعای ما را به وسیله او مستجاب فرما، و برای ما به وسیله او بیشتر از آنچه که میل و رغبت ماست، عطا فرما؛ سینه‌های ما را به وسیله او شفا بده، و در اموری

اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ يَا رَبِّ، إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ

که در آن اختلاف وجود دارد ما را به حق هدایت فرما. ای پروردگارا؛ همانا، تو هر که را بخواهی به راه

مُسْتَقِيمٍ. اللَّهُمَّ أَمِتْ بِهِ الْجَوْرَ، وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ، وَقَوِّ نَاصِرَهُ،

راست هدایت می‌کنی. خدایا؛ به وسیله او ظلم و ستم را بعیران، و عدل و داد را ظاهر کن، و یاری کننده او را قدرت بده،

وَاخْذُلْ خَاذِلَهُ، وَدَمِّرْ مَنْ نَصَبَ لَهُ، وَأَهْلِكْ مَنْ غَشَّهٗ، وَاقْتُلْ بِهِ

و خوارکننده او را خوار و ذلیل فرما، و هر کسی که دشمنی یا بدی را برای او آشکار کند نابود فرما، و هر کسی به او خیانت می‌کند هلاک فرما؛ و به وسیله آن

جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ، وَأَقْصِمِ رُؤُوسَ الضَّلَالَةِ، وَسَائِرَ أَهْلِ الْبِدْعِ،

حضرت، سران کفر را نابود فرما، و رؤسای ضلالت و گمراهی و تمام بدعت‌گذاران و

وَمَقَوِّیَةَ الْبَاطِلِ، وَذَلِّلْ بِهِ الْجَبَابِرَةَ، وَأَبِرْ بِهِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ

تقویت‌کنندگان باطل و نادرستی را درهم بشکن، و زورگویان را به وسیله او به ذلت و خواری بيفکن؛ و به واسطه او کافران و منافقان

وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، بَرِّهَا وَبَحْرِهَا،

و منحرفان از دین را در شرق و غرب زمین، و در خشکی و دریای آن،

وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، لَا تَذُرْ عَلَى الْأَرْضِ مِنْهُمْ دَيَّارًا، وَلَا تُبْقِ لَهُمْ

و در کوه و بیابان آن؛ هلاک فرما، و هیچ یک از ایشان را بر روی زمین باقی نگذار و اثری از آنها بجای نگذار.

أَثَارًا. اللَّهُمَّ أَظْهِرْهُ، وَافْتَحْ عَلَى يَدَيْهِ الْخَيْرَاتِ، وَاجْعَلْ فَرْجَنَا

بار خدایا؛ او را ظاهر فرما و درهای خیر و برکت را به دست او بگشای، و گشایش امور ما را

مَعَهُ وَبِهِ. اللَّهُمَّ أَعِنَّا عَلَى سُلُوكِ الْمَنَاهِجِ، مِنْهَاجِ الْهُدَى،

به وسیله او و با فرج او قرار بده. بار خدایا؛ ما را یاری کن تا راه‌های روشن و واضح را بپیماییم، راه هدایت و راه روشن

وَالْمَحَجَّةِ الْعُظْمَى، وَالطَّرِيقَةَ الْوَسْطَى، الَّتِي يَرْجِعُ إِلَيْهِ الْغَالِي،

و واضح عظیم‌تری که راه میانه و معتدل می‌باشد و هیچ کجی در آن نیست؛ راهی که هر افراط‌گری دوباره به سوی آن برمی‌گردد،

وَيَلْحَقُ بِهِ التَّالِي، وَوَفَّقْنَا لِمُتَابَعَتِهِ، وَأَدِّأْ حَقَّهُ. وَآمِنُنْ عَلَيْنَا

و هر عقب‌ماندگی به آن ملحق می‌شود. ما را موفق به تبعیت و پیروی و ادای حق آن حضرت بفرما. بر ما منت بگذار

بِمُتَابَعَتِهِ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ، وَاجْعَلْنَا مِنَ الطَّالِبِينَ رِضَاكَ

به پیروی از آن حضرت در سختی‌ها و رنج‌ها، و ما را از جویندگان رضایت خودت

بِمُنَاصَحَتِهِ، حَتَّى تَحْشُرَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ،

با خیرخواهی برای آن حضرت، قرار بده؛ تا این که ما را روز قیامت در زمره کمک‌رسانان و یاران

وَمَعُونَةِ سُلْطَانِهِ. وَاجْعَلْ ذَلِكَ لَنَا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبْهَةٍ،

و مددکاران حکومتیش محشور فرمایی. آنچه گفتیم را برای ما خالص از هر شک و شبهه‌ای

وَرِيَاءٍ وَسُمْعَةٍ لِأَنْطَلُبُ بِهِ غَيْرَكَ، وَلَا نُرِيدُ بِهِ سِوَاكَ، وَتُحِلَّنَا

و خالی از خودنمایی و شهرت گردان؛ که به وسیله آن کسی غیر از تو را طلب نکنیم، و جز تو را اراده نکنیم، و ما را در نزد او

مَحَلَّهُ، وَتَجْعَلْنَا فِي الْخَيْرِ مَعَهُ، وَاصْرِفْ عَنَّا فِي أَمْرِهِ السَّامَةَ

جای بده، و ما را در بهره و خیرها همراه او قرار بده؛ در انجام اوامر آن حضرت، تنبلی و

وَالْكَسَلَ وَالْفِتْرَةَ، وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِنَا غَيْرَنَا، فَإِنَّ اسْتِبْدَالَكَ بِنَا غَيْرَنَا

و سستی و سهل‌انگاری کردن را از ما دور کن، کسی را نیز به جای ما جایگزین مفرما؛ زیرا عوض کردن جای ما با دیگران

عَلَيْكَ يَسِيرٌ وَعَلَيْنَا عَسِيرٌ، وَقَدْ عَلِمْنَا بِفَضْلِكَ وَإِحْسَانِكَ يَا

برای تو آسان است ولی برای ما مشکل و دشوار می‌باشد؛ با وجودی که ما نسبت به فضل و احسان تو آگاه هستیم؛ ای

كَرِيمٌ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَالْإِلَهِ وَسَلَّمَ. ۱

بزرگوار؛ درود و سلام خدا به طور دایم بر آقای ما حضرت محمد و اهل بیت آن حضرت نثار باد.



دعا هنگام واقع شدن صدای عجیب در ماه رمضان

از ابن مسعود روایت است که پیامبر ﷺ فرمودند:

وقتی در ماه مبارک رمضان، صدایی به گوش مردم رسید، همانا فتنه در ماه

شوال است، و در ماه ذیقعد نیز قبیله‌ها از یکدیگر جدا می‌شوند، و در ماه‌های

ذیحجه و محرم خون‌ریزی‌های زیادی صورت می‌پذیرد؛ چه محرمی؛ خدا می‌داند که مردم بسیار زیادی در آن به قتل می‌رسند.

گفته شد: ای رسول خدا؛ صیحه چیست؟

رسول خدا ﷺ فرمودند:

صدایی^۱ است که در نیمه ماه مبارک رمضان، و روز جمعه هنگام برآمدن خورشید خواهد شد. در آن سال، شروع ماه رمضان نیز در شب جمعه خواهد بود. این صدا به قدری مهیب است که هر کس را که خواب باشد بیدار می‌کند، و کسانی را که ایستاده‌اند می‌نشانند و عروسان را از حجله‌هایشان ناخودآگاه به بیرون می‌کشد. این جریانات در شب جمعه اتفاق می‌افتد و در آن سال زلزله‌ها و سرمای شدید زیاد پدیدار خواهد شد.

بدین سان، هرگاه هلال ماه مبارک رمضان آن سال در شب جمعه دیده شود، وقتی که نماز صبح روز جمعه نیمه ماه مبارک رمضان را به جای آوردید به خانه‌های خود بروید، و درب‌ها را ببندید و قفل کنید، و پنجره‌ها را نیز ببندید، و خودتان را پنهان داشته و گوش‌های‌تان را نیز ببندید. پس از احساس وقوع صدا در برابر خدای متعال به سجده بیفتید و بگویید:

سُبْحَانَ الْقُدُّوسِ، سُبْحَانَ الْقُدُّوسِ رَبِّنا.

خدای قدوس و پاک، ستوده و منزّه است؛ خدای پاک، ستوده است و پروردگار ماست.

زیرا، هر کس این کارها را انجام دهد رهایی می‌یابد، و هر که انجام ندهد به هلاکت می‌رسد.^۲

این دعا را در این بخش نقل کردیم چون در ماه رمضان خوانده می‌شود؛ هر چند در تمام ماه‌های رمضان خوانده نمی‌شود.

۱. در روایت «الهدّة» تعبیر شده است که به معنای صدای عجیبی است که از افتادن شیئی از آسمان به زمین ایجاد شود!

۲. التشریف بالمنن معروف به ملاحم و فتن؛ ۲۸۴ از عالم جلیل القدر سید بن طاووس. این روایت را در ص ۱۰۰ همان کتاب با تفاوت مختصری نقل نموده است.

دعا برای ظهور حضرت مهدی ارواحنا فداه
در روز هیجدهم ماه مبارک رمضان

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمه الله برای روز هیجدهم ماه مبارک رمضان، این دعا را نقل کرده است:

اللَّهُمَّ إِنَّ الظُّلْمَةَ كَفَرُوا بِكِتَابِكَ، وَجَحَدُوا آيَاتِكَ، وَكَذَّبُوا رُسُلَكَ،

بار خدایا؛ همانا ستمکاران نسبت به قرآن تو کفر ورزیدند، و آیاتت را انکار کردند، و فرستادگانت را تکذیب نمودند،

وَبَدَّلُوا مَا جَاءَ بِهِ رَسُولُكَ، وَشَرَعُوا غَيْرَ دِينِكَ، وَسَعَوْا بِالْفَسَادِ

و آنچه را که پیامبر تو آورده است دگرگون کردند، و غیر دین تو را قانون نهادند، و در روی زمین فساد را

فِي أَرْضِكَ، وَتَعَاوَنُوا عَلَى إِطْفَاءِ نُورِكَ، وَشَاقُّوا وِلَاةَ أَمْرِكَ،

رواج دادند، و برای خاموش کردن نور هدایت تو با یکدیگر همکاری کردند، و با سرپرستان امور تو مخالفت و دشمنی کردند،

وَوَالُوا أَعْدَاءَكَ، وَعَادُوا أَوْلِيَاءَكَ، وَظَلَمُوا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ. اللَّهُمَّ

و با دشمنانت دوستی و هم‌عهدی نمودند، و با دوستانت دشمنی ورزیدند و بر اهل بیت پیامبرت ظلم و ستم کردند. بار خدایا؛

فَانْتَقِمْ مِنْهُمْ، وَاصْبُبْ عَلَيْهِمْ عَذَابَكَ، وَاسْتَأْصِلْ شَأْفَتَهُمْ. اللَّهُمَّ

از آنان انتقام بگیر و عذابت را بر آنان سرازیر کن، و آنان را از ریشه برکن. خدایا؛ همانا ایشان

إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا دِينَكَ دَغْلًا، وَمَالِكَ دُولًا، وَعِبَادَكَ خَوْلًا، فَاكْفِفْ

دین تو را وسیله گول‌زدن و حيله گری گرفتند، و اموال تو را وسیله چیرگی و غلبه خودشان قرار دادند، و بندگان تو را بنده و برده خود کردند.

بَأْسَهُمْ، وَأَوْهِنْ كَيْدَهُمْ، وَاشْفِ مِنْهُمْ صُدُورَ الْمُؤْمِنِينَ، وَخَالِفْ

پس بندگانت را از عذاب و شکنجه آنان باز مدار، و مکر و حيله‌هایشان را سست و بی‌اثر کن، و سینه مؤمنان را از آنان شفا بده و

بَيْنَ قُلُوبِهِمْ، وَشَتِّتْ أَمْرَهُمْ، وَاجْعَلْ بِأَسْهَمُ بَيْنَهُمْ، وَاشْفِكْ

بین دل‌های آنان (دشمنان) اختلاف ایجاد کن، و کارهای‌شان را آشفته و پراکنده ساز، و سختی‌های‌شان را بین خودشان قرار ده،

بِأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ دِمَائِهِمْ، وَخُذْهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ. اللَّهُمَّ

و خون‌شان را به دست مؤمنان بریز، و آن‌ها را گرفتار کن؛ به طوری که نتوانند بفهمند از کجا گرفتار شدند. بار خدایا؛

پیامبر خدایا
ببخش پیغمبر
۳۱۶

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْهَدُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَيَوْمَ

بر محمد و آل محمد درود فرست. خدایا! ما در روز قیامت و روز

حُلُولِ الطَّامَّةِ، أَنَّهُمْ لَمْ يُذْنِبُوا لَكَ ذَنْبًا، وَلَمْ يَرْتَكِبُوا لَكَ مَعْصِيَةً،

فرا رسیدن بلای بزرگ، گواهی می‌دهیم که ایشان هرگز گناهی انجام نداده‌اند، و نافرمانی تو را مرتکب نشدند،

وَلَمْ يُضَيِّعُوا لَكَ طَاعَةً، وَأَنَّ مَوْلَانَا وَسَيِّدَنَا صَاحِبَ الزَّمَانِ،

و هرگز طاعتی از تو را ضایع نکرده‌اند؛ و به راستی که مولای ما و آقای ما و صاحب روزگار ما،

الْهَادِي الْمُهْتَدِي، النَّقِيُّ النَّقِيُّ الزَّكِيُّ الرَّضِيُّ، فَاسْئَلُكَ بِنَا عَلَى

هدایت‌کننده هدایت‌شده، و پرهیزکار، پاک و آراسته، صالح و پسندیده می‌باشد. پس، ما را به وسیله

يَدَيْهِ مِنْهَاجِ الْهُدَى، وَالْمَحَجَّةِ الْعُظْمَى، وَقَوْنَا عَلَى مُتَابَعَتِهِ،

آن حضرت در راه هدایت، و راه آشکار بزرگ بیره؛ و ما را قدرت بده تا از آن حضرت پیروی کنیم،

وَأَدَاءِ حَقِّهِ، وَاحْشُرْنَا فِي أَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ، إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ. ۱

و حقش را ادا کنیم؛ و ما را در زمرة یاران و مددکاران و یاوران آن حضرت محشور فرما؛ همانا تو شنونده دعا هستی.



دعا برای ظهور امام زمان ارواحنا فداء

در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان

این دعا ضمن اعمال شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان، در بعضی از کتاب‌ها

وارد شده است:

اللَّهُمَّ يَا ذَا الْمَجْدِ الشَّامِخِ وَالسُّلْطَانِ الْبَادِخِ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

بار خدایا! ای صاحب شکوه و عظمت رفیع و سلطنت والا؛ بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَكُنْ لَوْلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ،

و آل محمد درود فرست، و برای ولی و فرزند ولی خود محمد بن حسن، حضرت مهدی علیه السلام



فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَلِيًّا وَحَافِظًا، وَقَائِدًا وَنَاصِرًا، وَدَلِيلًا وَعَوْنًا،

در این ساعت سرپرست و محافظ و پیشوا و یاور و راهنما و مددکار و دیده‌بان و

وَعَيْنًا وَمُعِينًا، حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا، وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا.

کمک‌رسان باش؛ تا او را از روی میل و رغبت بر روی زمینت ساکن گردانی، و بهره‌مندی او را طولانی گردانی.

يَا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ، يَا بَاعِثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ، يَا مُجْرِيَ الْبُحُورِ، يَا

ای تدبیرکننده کارها؛ ای برانگیزاننده هر که در قبرهاست؛ ای جاری کننده دریاها؛ ای

مُلَيْنَ الْحَدِيدِ لِذَاوُودَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

نرم کننده آهن برای حضرت داوود - که درود بر او باد - ؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست،

وَأَفْعَلُ بِي كَذَا وَكَذَا. و به جای «کذا و کذا» حاجت خود را از خدا بخواه.^۱

و برای من انجام بده چنین و چنان.



دعای دیگر برای ظهور آن حضرت در شب بیست و سوم ماه مبارک رمضان

علامه مجلسی رحمته الله فرموده است که محمد بن عیسی بن عبید با سند خود از یکی از معصومین علیهم السلام نقل کرده که فرمود:

در شب بیست و سوم از ماه مبارک رمضان؛ این دعا را در حالت ایستاده یا نشسته و در هر حالی، و در تمام ماه مبارک رمضان، و هر طور که برایت ممکن و مقدور است، و در تمام دورات دوران عمرت تکرار کن؛ و بعد از تکریم و بزرگداشت خداوند متعال، و درود بر پیامبر و اهل بیت او علیهم السلام بگو:

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيِّكَ الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ، مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ، عَلَيْهِ

بار خدایا! برای ولی خودت - او که برای اجرای اوامر تو قیام می‌کند - حضرت محمد بن الحسن المهدی که بر او

وَعَلَىٰ آبَائِهِ أَفْضَلُ الصَّلَاةِ وَالسَّلَامِ، فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ

و بر پدرانش برترین سلامها و درودها باد، در این ساعت و در هر

سَاعَةٍ، وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَمُؤَيِّدًا، حَتَّىٰ

ساعت، سرپرست و محافظ و پیشوا و یاور و راهنما و تأیید کننده باشی؛ تا

تُسَكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا، وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوْلًا وَعَرْضًا، وَتَجْعَلَهُ

او را از روی میل و رغبت بر روی زمینت ساکن گردانی، و او را در طول و عرض زمین بهره‌مند گردانی؛ و او

وَذُرِّيَّتَهُ مِنَ الْأَيِّمَةِ الْوَارِثِينَ. اَللّٰهُمَّ اَنْصُرْهُ وَاَنْتَصِرْ بِهِ، وَاجْعَلِ

و فرزندانش او را از پیشوایانی که وارثان اصلی خلافت و امامت هستند، قرار دهی. بارخدا یا؛ او را یاری کن و ما را به وسیله او یاری ده؛

النَّصْرَ مِنْكَ عَلٰى يَدِهِ، وَاجْعَلِ النَّصْرَ لَهُ وَالْفَتْحَ عَلٰى وَجْهِهِ،

و نصرت و پیروزی خود را به دست او قرار بده؛ و پیروزی را برای او و گشایش را در راه او قرار بده؛

وَلَا تُوجِّهِ الْأَمْرَ إِلَىٰ غَيْرِهِ. اَللّٰهُمَّ اَظْهِرْ بِهِ دِينَكَ وَسُنَّةَ نَبِيِّكَ،

و حکومت و کار را به غیر او حواله نکن. خدا یا؛ دین خودت و سنت پیامبرت را به وسیله آن حضرت نمودار کن؛

حَتَّىٰ لَا يَسْتَخْفِيَ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ. اَللّٰهُمَّ

تا این که هیچ حقی را به خاطر ترس از فردی از مردم پنهان نسازد. بار خدا یا؛

اِنِّي اَرْغَبُ اِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيْمَةٍ تُعَزُّ بِهَا الْاِسْلَامَ وَاَهْلَهُ، وَتُدِلُّ

همانا من مشتاق دولت کریمه آن حضرت هستم که اسلام و اهلس را به واسطه آن عزیز کنی.

بِهَا النُّفَاقَ وَاَهْلَهُ، وَتَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ اِلَىٰ طَاعَتِكَ، وَالْقَادَةِ

و نفاق و اهلس را ذلیل و خوار گردانی، و ما را در آن از فراخوانان به طاعت خویش و رهبرانی

اِلَىٰ سَبِيلِكَ، وَاَتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا

به سوی راه خودت قرار دهی؛ و در دنیا و آخرت به ما خیر و خوبی عطا فرما، و ما را از

عَذَابِ النَّارِ، وَاجْمَعْ لَنَا خَيْرَ الدَّارَيْنِ، وَاَقْضِ عَنَّا جَمِيعَ مَا

عذاب جهنم محفوظ بدار، و برای ما خوبی‌های هر دو جهان را گرد آور؛ و برای ما تمامی آنچه را که

تُحِبُّ فِيهِمَا، وَاجْعَلْ لَنَا فِي ذَلِكَ الْخَيْرَةَ بِرَحْمَتِكَ وَمَنَّكَ فِي

در دو جهان دوست داری، از طرف ما انجام بده؛ و برای ما در این چیزها، آنچه خیر است به واسطه مهربانی و منت دیرینهات

عَافِيَةً، أَمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَزِدْنَا مِنْ فَضْلِكَ وَيَدُكَ الْمَلَأَ،

در عافیت قرار بده، اجابت کن ای پروردگار جهانیان؛ و از فضل و فزون بخشی خودت و دست پر خیر و برکتت بر ما افزون گردان!

فَإِنَّ كُلَّ مُعْطٍ يَنْقُصُ مِنْ مُلْكِهِ، وَعَطَاؤُكَ يَزِيدُ فِي مُلْكِكَ. ۱

پس همانا هر بخشنده‌ای، دارایی و تواناییش، در اثر بخشیدن به تدریج کم می‌شود، ولی بخشش تو، توانایی و داراییت را زیاد می‌کند.



دعای سوّم برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه در شب بیست و سوّم ماه مبارک رمضان

شیخ بزرگوار کفعمی رحمه الله می‌نویسد: از ائمه معصومین علیهم السلام به ما رسیده است که:

در شب بیست و سوّم ماه مبارک رمضان، این دعا را در حال سجده یا ایستاده یا نشسته، و در هر حالی و در تمامی ماه مبارک، و هر طور که برایت امکان دارد و در تمام دوران عمرت تکرار کن؛ و بعد از بزرگداشت و ادای احترام به خداوند متعال، و درود بر پیامبرش صلی الله علیه و آله بگو:

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ الْحُجَّةَ بْنَ الْحَسَنِ، (صَلِّوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى

بار خدایا؛ برای ولایت حضرت حجة بن الحسن (که درود تو بر او و

آبائِهِ)، فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَفِي كُلِّ سَاعَةٍ، وَلِيًّا وَحَافِظًا، وَقَائِدًا

پدران او باد)، در این ساعت و در هر ساعت، سرپرست و محافظ و پیشوا

و نَاصِرًا، وَدَلِيلًا وَعَيْنًا، حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا، وَتُمَتِّعَهُ

و یاور و راهنما و دیده‌بان باش، تا او را از روی میل و رغبت بر روی زمینت ساکن گردانی، و بهره‌مندی او را

فِيهَا طَوِيلًا. ۲

در زمین طولانی فرما.

۱. بحار الأنوار: ۳۴۹/۹۷، إقبال الأعمال: ۳۵۷.

۲. مصباح المتجهّد: ۶۳۰، المصباح: ۷۷۹.

از ادب شیعه نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه در روز عید فطر

سید بزرگوار رضی الدین علی بن طاووس رحمه الله در بخشی از کتابش به عنوان «ادب بنده در روز عید نسبت به کسی که معتقد است که او امام و دارای این مقام والا است»؛ می فرماید:

پس می گویم: بدان هنگامی که عید فطر فرارسد پس اگر صاحب حکومت و امور (امام زمان ارواحنا فداء) در ملت و مملکتش تصرف داشت و رعیت او آن گونه بودند که مولای شان خواسته بود، پس به آن حضرت به خاطر این که خدا به او رو کرده و به خاطر سلطنت و قدرتی که به او احسان نموده تهنیت گو، سپس به خودت و کسی که نزد تو عزیز است و برای دنیا و اهل آن و برای هر کسی که به امامت آن حضرت سعادت مند شده و از وجودش و امامتش و یمن او و هدایتش و بهره های دولتش بهره مند است تبریک بگو.

و اگر کسی که معتقد به وجوب اطاعتش هستی از تصرف در آنچه مقتضای ریاست او است منع شده باشد باید اثر خشم و غضب الهی بر تو نمودار باشد و بر آنچه از فضل و احسان او از تو فوت شده حسرت و اندوه داشته باشی.

پس همانا روایت کرده ایم با سند خود به شیخ صدوق رحمه الله از کتاب «من لا یحضره الفقیه» و غیر آن با سند او به حنان بن سدیر از عبدالله بن دینار از امام باقر رحمه الله؛ که حضرت فرمودند:

ای عبدالله؛ برای مسلمانان هیچ عید قربان و فطری نیست مگر این که در آن روز برای آل محمد صلی الله علیه و آله حزن و اندوه تازه می شود.

عبدالله گوید: عرض کردم برای چه؟

حضرت فرمودند: برای این که ایشان صلی الله علیه و آله حق خودشان را در دست دیگران می بینند.

می گویم: اگر احوال زمان ظهور را می دانستی و مستحضر بودی که در آن هنگام

چگونه پرچم‌های اسلام به عدل و عدالت باز و احکام مردمان به فضل و دانش آشکار گشته و اموال در راه خدا به بندگان او بذل و بخشش می‌شود و آرزوها شاداب و خندان و برآورده شده، و امنیت و آرامش شامل نقاط دور و نزدیک می‌شود؛ و نصرت و پیروزی، انسان‌های ضعیف و ذلیل و غریب را فرا گرفته است، و خورشید خوشبختی در دنیا طلوع کرده است و دنیا را روشن ساخته، و خوشبختی و اقبال در زمین‌های پست و بلند گسترده گردیده، و حکم روشن خداوند و سلطنت نیرومند او چنان ظاهر شده که خردها نشاط یافته و دل‌ها شادمان و همه کرانه‌ها را نور فرا گرفته، به راستی عیدی که به فرارسیدنش مسرور گشته‌ای بر تو مکدر می‌گشت و می‌فهمیدی که از کرم خدا و الطاف او چه مقدار از دست داده‌ای و گریه و سوز دل و آه و حسرت بر تو غالب می‌گشت و این سزاوارتر است و به وفا نسبت به کسی که نزد تو عزیز است نزدیک‌تر است.

با ذکر این مطالب مختصری پرده را برایت کنار زدم ولی آن گونه که باید شرح و توضیح ندادم و آن چه که ما آن را ذکر کردیم به نحو آگاه کردن و اشاره بود؛ به خاطر این که عبارات برای شرح آن چه که ما می‌خواهیم آن را بیان کنیم، عاجز می‌باشد. و بدان که همانا صفا و صمیمیت و وفاداری برای صاحبان حق هنگام جدایی و دوری نیکوتر است از صفا و صمیمیتی که در حال نزدیکی و حضور باشد؛ پس، صفا و صمیمیت و وفاداری باید شعار قلب تو برای مولایت باشد؛ و پروردگارت بر گشودن و برطرف کردن حزن و اندوه و مشقت تو قادر است.^۱

۱. اقبال الأعمال؛ ۵۸۴. دعای روز عید فطر را در بخش ۱۲ ص ۶۷۵ می‌آوریم به خاطر مناسبت دعا با آن بخش.



دعای روز عید غدیر

کسی که آن را بخواند مانند کسی است که زیر پرچم
حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه و در خیمه آن حضرت باشد

علامه مجلسی رحمته الله می فرماید: با سند متصل روایت می کنم آن چه را که ذکر کرده و روایت فرموده آن را محمد بن علی طرازی در کتابش؛ از محمد بن سنان، از داوود بن کثیر رقی، از عماره بن جوین ابو هارون عبدی، هم چنین با سندهای مان به شیخ مفید محمد بن محمد بن نعمان رحمته الله، روایت می کنیم آنچه را که روایت می کند آن را از عماره بن جوین ابو هارون عبدی؛ که گفت:

در روز هیجدهم ذی الحجّه خدمت امام صادق علیه السلام شرفیاب شدم در حالی که آن حضرت روزه دار بود؛ به من فرمودند:

همانا این روز، روزی است که خدا حرمتش را بین مؤمنان زیاد کرده است؛ چون خداوند در این روز دین آنها را کامل کرده و نعمتش را بر آنان تمام نموده است، و عهد و پیمانی که از ایشان در عالم ذر گرفته، برای آنان تجدید کرده است؛ زیرا آن موقف را از یاد آنها برده بود و خداوند آنان را توفیق داده که آن عهد و پیمان را از او قبول کنند، و خداوند آنان را از کسانی که این امر را انکار می کردند، قرار نداد. من به آن حضرت عرض کردم: جانم فدای شما باد؛ ثواب روزه گرفتن در این روز چیست؟ حضرت فرمودند:

همانا این روز، روز عید، شادی، سرور و روزه گرفتن به خاطر سپاسگزاری از خداوند می باشد. روزه گرفتن در این روز معادل شصت ماه روزه گرفتن در ماه های حرام می باشد.

در این روز هر موقع که خواست، (گرچه بهترین وقت آن نزدیک ظهر می باشد؛

دعای روز عید غدیر ...



و آن ساعتی است که حضرت علی علیه السلام در غدیر خم برای جانشینی پیامبر معین شد و مردم در آن وقت به منزل نزدیک شده بودند) دو رکعت نماز بخواند، سپس سجده کند و صد مرتبه خدا را شکر کند (و شُكْرًا لِلَّهِ بگویند) و بعد از سجده این دعا را بخواند :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ، وَحَدَّكَ لَا شَرِيكَ لَكَ، وَأَنَّكَ

بارخدایا؛ من از تو درخواست می‌کنم (با گواهی این) که حمد و ستایش مخصوص تو می‌باشد که تنها و بی شریک می‌باشی، و همانا

وَاحِدٌ أَحَدٌ صَمَدٌ، لَمْ تَلِدْ وَلَمْ تُوَلَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَكَ كُفُوًّا أَحَدٌ،

تو یگانه، تنها و بی‌نیاز هستی؛ نه فرزند کسی هستی و نه کسی فرزند توست، و نه هیچ کس همتای توست

وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَّى عَلَيْكَ وَآلِهِ، يَا مَنْ هُوَ

و همانا حضرت محمد بنده و فرستاده توست؛ که سلام و درود تو بر او و آل او باد؛ ای کسی که

كُلَّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ، كَمَا كَانَ مِنْ شَأْنِكَ أَنْ تَفَضَّلْتَ عَلَيَّ، بِأَنَّ

هر روز برای او شانی و امری است، همچنان که از شان توست که بر من تفضل فرموده و

جَعَلْتَنِي مِنْ أَهْلِ إِجَابَتِكَ، وَأَهْلِ دِينِكَ وَأَهْلِ دَعْوَتِكَ، وَوَفَّقْتَنِي

مرا از پاسخ‌دهندگان به تو، و اهل دین و دعوت خویش قرار دادی؛ و مرا

لِذَلِكَ فِي مُبْتَدَأِ خَلْقِي، تَفَضُّلاً مِنْكَ وَكِرَاماً وَجُوداً. ثُمَّ أَرَدَفْتَ

در آفرینش اولیام (عالم ذر) بر این کار از روی فضل و جود و کرم موفق کردی. سپس

الْفَضْلَ فَضْلاً، وَالْجُودَ جُوداً، وَالْكَرَمَ كِرَاماً، رَأْفَةً مِنْكَ وَرَحْمَةً

فضلی در پی فضل دیگر، و جود و بخششی در پی جود و بخشش دیگر، و کرامتی در پی کرامت دیگر از رأفت و رحمت خود تفضل

إِلَى أَنْ جَدَّدْتَ ذَلِكَ الْعَهْدَ لِي تَجْدِيداً بَعْدَ تَجْدِيدِكَ خَلْقِي

فرمودی تا آن که این عهد را بر من تازه کردی، و بعد از آن که مرا آفرینش جدیدی فرمودی؛

وَكَنتُ نَسِيًّا مَنْسِيًّا نَاسِيًّا سَاهِيًّا غَافِلاً، فَأَتَمَمْتَ نِعْمَتَكَ بِأَنَّ

و با آن که من به کلی فراموش شده و در سهو و نسیان و غفلت بودم، پس نعمتت را بر من کامل کردی به این که

ذَكَرْتَنِي ذَلِكَ، وَمَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ، وَهَدَيْتَنِي لَهُ. فَلْيَكُنْ مِنْ شَأْنِكَ

مرا یادآور آن عهد و پیمان کردی؛ و با آن بر من منت گذاشتی، و به سوی آن هدایت فرمودی. پس باید از شان تو این باشد

ببخشید به من



يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ، أَنْ تُتِمَّ لِي ذَلِكَ، وَلَا تَسْلُبْنِيهِ، حَتَّى

ای خدای من؛ و سرور من؛ و مولای من؛ که آن نعمت را بر من کامل گردانی و از من زایل نگردانی تا

تَتَوَفَّانِي عَلَى ذَلِكَ وَأَنْتَ عَنِّي رَاضٍ، فَإِنَّكَ أَحَقُّ الْمُنْعَمِينَ أَنْ

آن که مرا با آن عقیده و پیمان بگیری، و تو از من خشنود باشی؛ همانا تو سزاوارترین نعمت‌بخشان هستی که نعمتت را بر من

تُتِمَّ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ. اللَّهُمَّ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا، وَأَجَبْنَا دَاعِيَكَ بِمَنْكَ،

کامل گردانی. خدایا؛ (عهد تو را) شنیدیم و اطاعت کردیم؛ و همچنین دعوت‌کننده‌ات را که بر ما فرستادی به لطف و کرم تو اجابت

فَلَكَ الْحَمْدُ غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ، أَمَّا بِاللَّهِ، وَخُدَّةُ لَا

کردیم. پس حمد و سپاس بر تو باد. آمرزش تو را خواهیم ای پروردگار ما؛ و بازگشت همه به سوی توست؛ ما به خدای

شَرِيكَ لَهُ، وَبِرَسُولِهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَصَدَّقْنَا

یکتا و بی‌شریک و به فرستاده او حضرت محمد - که سلام و درود خدا بر او آل او باد - ایمان آوردیم؛

وَأَجَبْنَا دَاعِيَ اللَّهِ، وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فِي مَوْلَاةٍ مَوْلَانَا وَمَوْلَى

و دعوت‌کننده خدایی را تصدیق و اجابت کردیم و اوامر فرستاده او را در مورد دوستی و اطاعت از مولایمان و مولای

الْمُؤْمِنِينَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، عَبْدِ اللَّهِ وَأَخِي

مؤمنان، امیر مؤمنان حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام پیروی کردیم؛ او که بنده خدا، و برادر

رَسُولِهِ، وَالصُّدِّيقِ الْأَكْبَرِ، وَالْحُجَّةِ عَلَى بَرِيَّتِهِ، الْمُوَيَّدِ بِهِ نَبِيِّهِ

فرستاده او، و راست‌گویی بزرگ، و حجت خدا بر خلق اوست؛ او تأییدکننده پیامبر خدا

وَدِينَهُ الْحَقِّ الْمُبِينِ، عَلِمًا لِدِينِ اللَّهِ، وَخَازِنًا لِعِلْمِهِ، وَعَيْبَةَ

و دین اوست که حقیقت آن آشکار و واضح است، او علم و نشانه دین خدا و گنجینه دانش خدا، و صندوق

غَيْبِ اللَّهِ، وَمَوْضِعَ سِرِّ اللَّهِ، وَأَمِينَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، وَشَاهِدَهُ فِي

رازهای خدا، و محل سزای خدا و امین خدا بر آفریدگان او، و گواه او بر

بَرِيَّتِهِ. اللَّهُمَّ رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا

بندگان من می‌باشد. بار خدایا؛ ای پروردگار ما، همانا ما صدای نداده‌های که ندا سر داد که

بِرَبِّكُمْ فَأَمَّا رَبَّنَا فَاعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ

به پروردگارتان ایمان آوردیم و به پروردگارتان ایمان آوردیم؛ پس گناهان ما را ببخش و بدی‌های ما را ببوشان و ما را

الْأَبْرَارِ * رَبَّنَا وَآتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَى رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ

همراه با نیکان عالم بمیران. پروردگار ما؛ بر ما آنچه را که بر رسولانت وعده داده‌ای عطا فرما، و ما را در روز

الْقِيَامَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ، فَاَمَّا رَبَّنَا بِمَنِّكَ وَلُطْفِكَ، أَجَبْنَا

قیامت خوار و دلیل نفرما؛ که همانا تو از وعده‌های خود تخلف نمی‌کنی، پس ای پروردگار ما؛ ما به لطف و کرم تو ایمان آوردیم، و

دَاعِيكَ، وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ وَصَدَّقْنَاهُ وَصَدَّقْنَا مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ،

دعوت‌کننده به سوی تو را اجابت کردیم، و از فرستاده‌ات تبعیت کردیم و او و مولای مؤمنان را تصدیق کردیم،

وَكَفَرْنَا بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ، قَوْلُنَا مَا تَوَلَّيْنَا، وَاحْشُرْنَا مَعَ

و به جبت و طاغوت کفر ورزیدیم. پس تو ولی و سرپرست ما کن آن را که ما به ولایت برگزیدیم؛ و ما را با

أَيُّمَّتِنَا، فَإِنَّا بِهِمْ مُؤْمِنُونَ مُوقِنُونَ، وَلَهُمْ مُسْلِمُونَ، أَمَّا بِسِرِّهِمْ

پیشوایان ما محشور فرما. زیرا ما به آنان ایمان آورده‌ایم و به امامت آنان یقین داریم، و تسلیم آنان هستیم. ما به نهان و

وَعَلَانِيَتِهِمْ، وَشَاهِدِهِمْ وَغَائِبِهِمْ، وَحَيِّهِمْ وَمَيِّتِهِمْ، وَرَضِينَا بِهِمْ

آشکار آن‌ها، شاهد و غایب آن‌ها، و زنده و مرده آن‌ها ایمان آورده‌ایم؛ و به پیشوایی و رهبری و سروری آنان راضی و خشنود

أُمَّةً، وَقَادَةَ وَسَادَةً، وَحَسِبْنَا بِهِمْ يَبْتَئِنُ اللَّهُ دُونَ خَلْقِهِ،

هستیم؛ و برای وساطت بین ما و خدای ما، آنان کفایت می‌کنند؛ و نیازی به غیر ایشان از آفریدگانش نیست؛

لَا نَبْتَغِي بِهِمْ بَدَلًا، وَلَا نَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِمْ وَلِيَّةً، وَبَرَّئْنَا إِلَى اللَّهِ

و به جای آن‌ها جایگزین نمی‌جوییم؛ و غیر آنان را تکیه‌گاه خود نمی‌گیریم. و به درگاه خدا

مِنْ كُلِّ مَنْ نَصَبَ لَهُمْ حَرْبًا، مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، مِنَ الْأَوَّلِينَ

از هر کسی که با آنان به مبارزه و جنگ می‌پردازند، بیزار می‌جوییم؛ چه آن افراد از جن باشند؛ یا از انسان‌ها، از پیشینیان باشند

وَالْآخِرِينَ، وَكَفَرْنَا بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ، وَالْأَوْثَانِ الْأَرْبَعَةِ،

یا از افراد آخر الزمان؛ و به جبت و طاغوت کفر می‌ورزیم؛ و همچنین به بت‌های چهارگانه

وَأَشْيَاعِهِمْ وَأَتْبَاعِهِمْ، وَكُلِّ مَنْ وَالَاهُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، مِنْ

و دنباله‌روها و پیروانشان؛ و هر کسی که آنان را دوست دارند؛ چه از جنیان باشند و چه از انسان‌ها؛ از

أَوَّلِ الدَّهْرِ إِلَى آخِرِهِ. اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْهَدُكَ أَنَّا نَدِينُ بِمَا دَانَ بِهِ

اول خلقت تا آخر آن، کفر می‌ورزیم. بار خدایا؛ ما تو را گواه می‌گیریم که ما به دینی که

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



مُحَمَّدٌ وَآلُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ، وَقَوْلُنَا مَا قَالُوا،

حضرت محمد و آل محمد - که درود خدا بر او و بر آنان باد - به آن متدین هستند، گرویدیم؛ و گفتار ما، گفتار آنان؛

وَدِينُنَا مَا دَانُوا بِهِ، مَا قَالُوا بِهِ قُلْنَا، وَمَا دَانُوا بِهِ دِنًا، وَمَا

و دین ما دین آنان می باشد؛ آنچه آنان گفتند، ما می گوئیم؛ و به آنچه آنان عقیده دارند، ما هم معتقدیم؛ و آنچه را که آنان منکر شدند، ما

أَنْكَرُوا أَنْكَرْنَا، وَمَنْ وَالُوا وَالَيْنَا، وَمَنْ عَادُوا عَادَيْنَا، وَمَنْ

هم منکر آن هستیم؛ و هر کسی را آنان دوست داشتند، ما هم دوست داریم؛ و با هر کسی آنان دشمنی کردند، ما هم با آنان دشمنی می کنیم؛

لَعَنُوا لَعْنَا، وَمَنْ تَبَرَّأُوا مِنْهُ تَبَرَّأْنَا مِنْهُ، وَمَنْ تَرَحَّمُوا عَلَيْهِ

و هر کسی را لعن و نفرین کردند، ما هم لعن و نفرین می کنیم؛ و از هر کسی بیزار می جستنند، ما هم بیزار می شویم؛ و هر کسی را مورد رحمت

تَرَحَّمْنَا عَلَيْهِ، أَمَّنَّا وَسَلَّمْنَا وَرَضِينَا، وَاتَّبَعْنَا مَوَالِينَا صَلَوَاتُ

قرار دادند، ما هم مورد رحمت قرار می دهیم؛ به امامان خودمان ایمان آوردیم، و در برابر آن ها تسلیم هستیم؛ و راضی و خشنود می باشیم؛ و از

اللَّهُ عَلَيْهِمْ. اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ لَنَا ذَلِكَ وَلَا تَسْلُبْنَاهُ، وَاجْعَلْهُ مُسْتَقَرًّا

ایشان پیروی می کنیم؛ که سلام خدا بر آنان باد. بار خدایا! این ایمان و عقیده ما را کامل گردان، و آن را از ما بگیر، و آن را برای ما

ثَابِتًا عِنْدَنَا، وَلَا تَجْعَلْهُ مُسْتَعَارًا، وَأَخِينَا مَا أَحْيَيْتَنَا عَلَيْهِ، وَأَمِنَّا

مستقر و ثابت گردان، و آن را به صورت عاریه برای ما قرار مده؛ و ما را بر این عقیده زنده بدار، و بر آن بمیران هر

إِذَا أَمِنَّا عَلَيْهِ، أَلِ مُحَمَّدٍ أَيْمَانُنَا، فَبِهِمْ نَأْتُمُّ، وَإِيَّاهُمْ نُوَالِي،

گاه ما را بمیرانی. آل محمد علیهم السلام پیشوایان ما هستند؛ پس به آنان اقتدا می کنیم و فقط آنان را به سرپرستی می پذیریم.

وَعَدُوَّهُمْ عَدُوٌّ اللَّهِ نُعَادِي، فَاجْعَلْنَا مَعَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ

و دشمنان شان را - که دشمنان خداوند هستند - دشمن می داریم. پس ما را در دنیا و آخرت با آنان

وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ، فَإِنَّا بِذَلِكَ رَاضُونَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و از مقربان و نزدیکان درگاه خودت قرار بده؛ زیرا ما به این کار راضی و خشنود هستیم؛ ای مهربان ترین مهربانان.

سپس سجده نموده و صد مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگویند، و در حالت سجده صد

مرتبه خدا را شکر نموده بگویند: «شُكْرًا لِلَّهِ».

همانا هر کسی این عمل را انجام دهد مانند کسی است که در آن روز (غدیر)

حاضر بوده و با حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله بر آن امر بیعت کرده است. مقام آن

شخص ، مقام صادقان - کسانی که با دوست داشتنِ دوست خدا و رسولش در آن روز، خدا و رسولش را تصدیق کردند - می‌باشند .
 و مانند کسی است که با رسول خدا ﷺ ، حضرت علی علیه السلام ، امام حسن و امام حسین علیهم السلام حاضر بوده و ایشان را درک نموده است .
 و مانند کسی است که زیر پرچم امام زمان ارواحنا فداء و در خیمه آن حضرت ، یعنی نجباء و نقباء می‌باشد.^۱



تسبیح حضرت امام زمان ارواحنا فداء از روز هیجدهم تا آخر هر ماه

علامه مجلسی رحمته الله در «بحار الأنوار» ضمن نقل تسبیح چهارده معصوم علیهم السلام از «دعوات راوندی» تسبیح مولایمان امام زمان ارواحنا فداء را چنین نقل می‌نماید:

سُبْحَانَ اللَّهِ عَدَدَ خَلْقِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ رِضَى نَفْسِهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ

پاک و منزّه است خداوند، به تعداد موجوداتی که آفریده است؛ پاک و منزّه است خداوند، به مقدار رضایت خودش؛ پاک و منزّه است خداوند،

مِدَادَ كَلِمَاتِهِ، سُبْحَانَ [اللَّهِ] زِينَةِ عَرْشِهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ مِثْلَ ذَلِكَ.^۲

به گستردگی و پهنای کلماتش؛ پاک و منزّه است خداوند، به بزرگی عرش او؛ حمد و سپاس مخصوص خداوند است، همانند آنچه گفته شد.

این دعا از روز هیجدهم تا آخر هر ماه خوانده می‌شود.

حقیقه‌های
 بخش پنجم



۱. بحار الأنوار: ۲۹۸/۹۸، زاد المعاد: ۳۴۱.

۲. دعوات راوندی: ۹۴، بحار الأنوار: ۲۰۷/۹۴.

بخش هشتم

بخش هشتم



دعایابی که مخصوص روز معینی
از ایام هفته نیست



دعای عهد

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام می فرماید:

هر کس با این عهد، چهل روز به درگاه خداوند دعا کند از یاران قائم ما خواهد بود، و اگر هم پیش از ظهور آن حضرت بمیرد خداوند (در وقت ظهور) او را از قبرش خارج خواهد ساخت. و به ازای هر کلمه، هزار حسنه به او عطا می کند و هزار گناه را (از کارنامه اعمالش) محو می کند؛ آن عهد چنین است:

اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ، وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ، وَرَبَّ الْبَحْرِ

خدایا! ای پروردگار روشنی بزرگ، ای پروردگار جایگاه بلندمرتبه، ای پروردگار دریای

الْمَسْجُورِ، وَمُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ، وَرَبَّ الظِّلِّ

متلاطم؛ و ای فرو فرستنده تورات و انجیل و زبور؛ و ای پروردگار سایه

وَالْحَرُورِ، وَمُنْزِلَ الْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، وَرَبَّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ،

و گرمی آفتاب؛ و ای فرو فرستنده قرآن بزرگ؛ و ای پروردگار فرشتگان مقرب؛

وَالْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَبِنُورِ

و ای پروردگار پیامبران و رسولان؛ بار خدایا؛ من از تو درخواست می کنم به ذات کریمت، و به روشنی



وَجْهَكَ الْمُنِيرِ، وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

ذات روشنی‌بخش، و فرمانروایی بی‌آغازت؛ ای زنده؛ ای پایدار؛ درخواست می‌کنم به واسطه نامت،

الَّذِي أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُونَ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي يَصْلُحُ

همان نامی که آسمان‌ها و زمین‌ها به سبب آن روشن گردید؛ همان نامی که

بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ، يَا حَيًّا قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ، وَيَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ

پیشینیان و آیندگان با آن اصلاح می‌شوند. ای زنده پیش از هر زنده؛ و ای زنده پس از هر

حَيٍّ، وَيَا حَيًّا حِينَ لَا حَيٍّ، يَا مُحْيِي الْمَوْتَى وَمُحْيِي الْأَحْيَاءِ،

زنده؛ و ای زنده‌ای که زنده بودی در حالی که هیچ زنده نبود؛ ای زنده‌کننده مردگان؛ ای میراننده زندگان؛

يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيِّ

ای زنده‌ای که جز تو معبودی نیست؛ بار خدایا؛ به مولای ما، یعنی پیشوای هدایت‌گر هدایت‌شده‌ای

الْقَائِمَ بِأَمْرِكَ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ، عَنْ

که قیام‌کننده است به امر تو - که درود خدا بر او و بر تمام نیاکان پاکیزه‌اش باد - سلام برسان؛ سلام و درودی از

جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا،

طرف همه مردان و زنان باایمان که در شرق و غرب زمین،

سَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَعَنْي وَعَنْ وَالِدَيْ، مِنْ

بیابان و کوهسار، دریا و یا خشکی زمین هستند. سلامی از طرف من و پدر و مادرم.

الصَّلَوَاتِ زِنَةَ عَرْشِ اللَّهِ، وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ، وَمَا أَحْصَاهُ عِلْمُهُ،

سلام‌ها و درودهایی که هم‌سنگ عرش الهی و به قدر گستردگی کلمات او باشد. آن قدر که علم خدا آن را شماره کند،

وَأَخَاطَ بِهِ كِتَابَهُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّ لَكَ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا،

و کتاب الهی به آن احاطه دارد. بار خدایا؛ من در این صبحدم و در ابتدای این روز نو،

وَمَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي، عَهْدًا وَعَقْدًا وَبَيْعَةً لَكَ فِي عُنُقِي، لَا

و تمامی ایام زندگانیم، عهد (زبانی) و پیمان (قلبی) و بیعت (عملی) را با آن عزیز تجدید می‌کنم که

أَحُولُ عَنْهَا، وَلَا أَزُولُ أَبَدًا. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ،

هیچ گاه و به هیچ وجه از آن برنخواهم گشت و هرگز آن را از بین نمی‌برم. خداوندا؛ مرا از یاران و کمک‌رسانان

وَالذَّائِبِينَ عَنْهُ، وَالْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ وَالْمُمْتَثِلِينَ

و حمایت‌کنندگان و مدافعان آن بزرگوار قرار ده؛ جزو گروهی که به سرعت برای انجام خواسته‌های او به سویش می‌شتابند؛ جزو

لِأوامِرِهِ، وَالْمُحَامِلِينَ عَنْهُ، وَالسَّابِقِينَ إِلَى إِرَادَتِهِ، وَالْمُسْتَشْهِدِينَ

دسته‌ای که دستورات او را بدون کم و زیاد انجام می‌دهند؛ جزو حمایت‌کنندگان از او و پیشی‌گیرندگان برای انجام امور دلخواه او

بَيْنَ يَدَيْهِ. اَللّٰهُمَّ اِنْ خَالَ بَيْنِي وَبَيْنَهُ الْمَوْتُ، الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلٰى

و شهادت‌طلبان در پیش‌روی او قرار ده. بار خدایا؛ از تو می‌خواهم که اگر مرگ - که آن را یک امر حتمی و قطعی برای

عِبَادِكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا، فَاَخْرِجْنِيْ مِنْ قَبْرِيْ، مُؤْتَزِرًا كَفْنِيْ، شَاهِرًا

بندگان قرار داده‌ای - بین من و آن عزیز حایل شد، مرا از قبرم در حالی خارج کن که کفنم را به کمر بسته‌ام؛ شمشیرم را کشیده و بالا برده‌ام

سَيْفِيْ، مُجَرِّدًا قَنَاتِيْ، مُلَبِّيًا دَعْوَةَ الدَّاعِي، فِي الْخَاضِرِ وَالْبَادِي.

نیزه‌ام را آماده کرده‌ام و فراخوانی شخصی را که دعوت‌کننده به سوی اوست لَبَّيْكَ گفته و پاسخ مثبت می‌دهم؛ فراخوانی همان کسی که

اَللّٰهُمَّ ارِنِي الْطَّلْعَةَ الرَّشِيْدَةَ، وَالغُرَّةَ الْحَمِيْدَةَ، وَاكْحُلْ نَاطِرِي

در شهرها و صحراها ندا می‌دهد. بار خدایا؛ آن رخسار زیبای جذاب، و روی نورانی دوست‌داشتنی را به من نشان بده؛ و سرمه دیده‌ام را

بِنَظْرَةٍ مِّنِّيْ اِلَيْهِ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُ، وَسَهِّلْ مَخْرَجَهُ، وَاَوْسِعْ مِنْهَجَهُ،

نگاهی بر آن عزیز قرار ده، و در فرج و گشایش امورش شتاب کن، و شرایط قیام او را آسان گردان، و راهش را برای دستیابی به مقاصدش

وَاسْئَلْ بِي مَحَجَّتَهُ، وَاَنْفِذْ اَمْرَهُ، وَاَشْدُدْ اَزْرَهُ. وَاَعْمُرِ اللّٰهُمَّ بِهٖ

گسترش ده، و مرا در راه روشن او راه ببر، و فرمان او را مطاع و قابل اجرا گردان، و پشتش را محکم کن. خدایا؛ با حضور او

بِلَادِكَ، وَاٰخِيْ بِهٖ عِبَادِكَ، فَاِنَّكَ قُلْتَ وَقَوْلُكَ الْحَقُّ ﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ

سرزمین‌ها و شهرهای را آباد گردان، و بندگان را زنده گردان؛ زیرا، تو فرموده‌ای - به خوبی نیز می‌دانم که گفته‌های تو حق است - که ۱ - پیش از

فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ اَيْدِي النَّاسِ ﴿۱﴾، فَاظْهَرِ اللّٰهُمَّ لَنَا

آن که آن بزرگوار ظهور فرماید - فساد در خشکی و دریا آشکار شده که به دست مردمان به بار آمده است؛ پس، ای خدا،

وَلِيْكَ، وَاِبْنُ بِنْتِ نَبِيِّكَ، الْمُسَمَّى بِاسْمِ رَسُوْلِكَ، حَتَّى لَا يَظْفَرَ

ولیع و نماینده خود را که پسر دختر پیامبرت می‌باشد و هم‌نام فرستاده تو - محمد ﷺ - است؛ برای ما آشکار کن تا

بِشَيْءٍ مِّنَ الْبَاطِلِ اِلَّا مَرْقَهُ، وَيُحِقَّ الْحَقَّ وَيُحَقِّقَهُ. وَاَجْعَلْهُ

هر باطل و نادرستی را نابود کند و بر آن پیروز گردد، و حق را پایدار و محقق فرماید.

اللَّهُمَّ مَفْزَعًا لِمَظْلُومِ عِبَادِكَ، وَنَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا

بار خدایا؛ او را پناه بندگان ستمدیده‌ات، و یار و یاور کسانی قرار ده که جز تو یآوری برای خود نمی‌یابند،

غَيْرِكَ، وَمُجَدِّدًا لِمَا عَطَّلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ، وَمُشِيدًا لِمَا وَرَدَ

و خدایا؛ او را تجدیدکننده آن دستورات کتابت (قرآن) قرار ده که تعطیل شده است؛ و محکم‌کننده

مِنْ أَعْلَامِ دِينِكَ، وَسُنَنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَاجْعَلْهُ

نشانه‌های آشکار دینت، و روش‌های نیکوی پیامبرت - که درود بر او و آل او باد - قرار ده.

اللَّهُمَّ مِمَّنْ حَصَّنَتْهُ مِنْ بَأْسِ الْمُعْتَدِينَ. اللَّهُمَّ وَسِّرْ نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا

خدای من؛ او را جزو کسانی قرار ده که از بدی و عذاب تجاوزکاران در امان می‌داری. خدایا؛ پیامبرت حضرت محمد

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِرُؤْيَيْتِهِ، وَمَنْ تَبِعَهُ عَلَى دَعْوَتِهِ، وَارْحَمْ

- که درود بر او و آل او باد - را با دیدن این فرزند شایسته‌اش و کسانی که از دعوت او پیروی نموده‌اند، شاد و خوشحال فرما؛ و به

اسْتِكَانَتِنَا بَعْدَهُ. اللَّهُمَّ اكْشِفْ هَذِهِ الْغُمَّةَ عَنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ بِحُضُورِهِ،

بیچارگی ما که با غیبت او به وجود آمده است، رحم کن. خدایا؛ این اندوه و افسردگی را با حضور آن عزیز پنهان‌شده، از این امت برطرف کن؛

وَعَجِّلْ لَنَا ظُهُورَهُ، إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا، وَتَرِيَهُ قَرِيبًا، بِرَحْمَتِكَ يَا

و در ظهور و آشکار شدن او شتاب کن؛ چرا که آنها (دشمنان تو) زمان ظهور او را دیروقت می‌پندارند، ولی ما آن را نزدیک می‌دانیم؛ البته، به امید رحمت

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و مهربانی تو؛ ای مهربان‌ترین مهربانان؛

آن گاه سه مرتبه دست بر ران راست خود می‌زنی و در هر مرتبه می‌گویی:

الْعَجَلِ، الْعَجَلِ، يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ ۱.

بشتاب؛ بشتاب؛ ای مولای من؛ ای صاحب اختیار زمان.

پیوسته

بخش ششم



۱. مفاتیح الجنان: ۱۰۶۱، زاد المعاد: ۴۸۸، البلد الامین: ۱۲۴، مصباح الزائر: ۴۵۵، المصباح: ۷۲۹، الصحيفة الصا

۲۰۴، باب السعادة: ۲۱۴.

معنای بیعت با حضرت مهدی ارواحنا فداه

معنای بیعت بین طرفین؛ تعهد بیعت کننده، و پیمان محکم و میثاق استوار اوست به این که با جان و مال خود، کسی را که با او بیعت کرده است یاری کند، و هر چه از دستش برمی آید نسبت به او کوتاهی نکند، و هر گونه یاری که می تواند نسبت به او انجام دهد، و جان و مال خودش را سپر بلای او گرداند و فدای او کند. و بیعت به این معنی در دعای عهدی که هر روز آن را باید خواند، و در دعای عهدی که خواندن آن به مدت چهل صبح وارد شده، مطرح شده است.

و پیامبر اکرم ﷺ در خطبه غدیر که در کتاب «الإحتجاج» روایت شده است همه مردم را - چه حاضر در آن مکان و چه آنان که در آنجا نبودند - به این گونه بیعت با ائمه طاهرین علیهم السلام فرا خوانده است.

بدون شک، بیعت به این معنا، از لوازم و نشانه های ایمان است؛ بلکه ایمان بدون آن محقق نمی شود.

بیعت کننده (و فروشنده)، مؤمن است؛ و مشتری نیز خداوند عزوجل است. لذا، در قرآن فرموده است:

﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ...﴾^۱

همانا خداوند از مؤمنان جان و مالشان را خریده است؛ و در عوض آن، بهشت را به آنان ارزانی می دارد.

خداوند، پیامبران و رسولان خود را فرستاد تا این بیعت را تجدید نمایند، و بر آن تأکید ورزند؛ بنابراین، هر کس با آنان بیعت کند، با خداوند بیعت نموده است؛ و هر کس از آنان روی بگرداند، از خدا روی گردانده است. لذا، خداوند فرمود:

﴿إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا﴾^۲

۱. سوره توبه، آیه ۱۱۱.

۲. سوره فتح، آیه ۱۰.

همانا کسانی که با تو بیعت نمایند، با خداوند بیعت کرده‌اند؛ و البته دست خدا بالای دست آن‌ها است؛ پس هر کس پیمان شکند، پیمان را علیه خودش شکسته است، و هر کس وفا کند به آنچه با خدا عهد نموده است، البته خداوند به او پاداش بزرگی عنایت خواهد کرد.

این آیه دلالت دارد بر این که مراد از بیعت، همان پیمان محکم و میثاق استوار با خدا و رسولش است و به آنان که بدین عهد وفا کنند، اجری بزرگ و عده داده شده است. این بیعت با دو چیز کامل می‌شود:

۱- تصمیم استوار و پاینده قلبی بر اطاعت فرمان امام علیه السلام، و یاری آن حضرت با بذل جان و مال؛ آن گونه که خداوند به آن در این آیه شریفه اشاره فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ...».

چون بر فروشنده واجب است که آن چه را به مشتری فروخته است، هنگام مطالبه او، بدون فکر و اندیشه و تأخیر به او واگذارد و آنچه در ضمیر و نهان خود قرار گذاشته محقق سازد.

۲- اظهار قصد درونی و به زبان آوردن اراده قلبی؛ امر دومی است که هنگام بیعت باید مورد توجه قرار گیرد؛ و این گونه، بیعت کامل می‌گردد. همان طور که «عقد بیع» در سایر موارد، به دو چیز کامل می‌شود:

الف) قصد انشا و ایجاد آن به مقتضای آنچه دو طرف معامله قرار گذاشته‌اند.

ب) به زبان آوردن آنچه اراده کرده‌اند و در باطن به آن معتقدند.

گاهی به دست دادن بیعت گفته می‌شود؛ همان طور که در بین عرب‌ها در بعضی از زمانها مرسوم بوده که وقتی معامله تمام می‌شد دست یکدیگر را می‌فشرده‌اند.

از اطلاق آیه شریفه هم استفاده می‌شود که لفظ «ید» (دست) بر این مطلب دلالت دارد: «إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ...».

اضافه بر این که در روایات نیز وارد شده است که آن‌ها با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با دست‌شان بیعت می‌کردند.^۱



دعای عهد دیگر

جابر بن یزید جعفی گوید: حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود:

هر کس در همه عمرش یک بار این دعا را بخواند، در زمره بندگان نوشته می شود و در دفتر حضرت قائم (صلوات الله علیه) بالا برده می شود؛ وقتی قائم ما، خروج کرد آن شخص را به اسم خودش و پدرش می خواند، و این نامه را به او می دهد و می گوید: بگیر؛ این نامه، عهدی است که در دنیا با ما بسته ای. این سخن خداوند عزوجل نیز به همین اشاره دارد: «إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا»^۱، «جز آن کسی که نزد خدای بخشنده پیمانی فراهم کرده باشد».

با طهارت، این دعا را بخوانید:

اَللّٰهُمَّ يَا اِلٰهَ الْاَلِهَةِ، يَا وَاٰحِدٌ، يَا اَحَدٌ، يَا اٰخِرَ الْاٰخِرِيْنَ، يَا قَاهِرَ

خدایا؛ ای معبود معبودان؛ ای خدای یگانه؛ و ای خدای یکتا؛ ای از همه پیشینیان پیشین تر؛ ای چیره شوند و غالب

الْقَاهِرِيْنَ، يَا عَلِيُّ يَا عَظِيْمٌ، اَنْتَ الْعَلِيُّ الْاَعْلَىٰ، عَلَوْتَ فَوْقَ

بر همه قدرتمندان؛ ای برتر و ای بزرگ؛ تو خدای برتر و بلندمرتبه هستی، و برتری یافتی

كُلِّ عُلُوًّا، هٰذَا يَا سَيِّدِيْ عَهْدِيْ وَاَنْتَ مُنْجِزٌ وَعَدِيْ، فَصِلْ يَا

بر هر برتری؛ این است عهد من، ای سرور من؛ و تو وفاکننده وعده من هستی؛ پس

مَوْلَايَ عَهْدِيْ، وَاَنْجِزْ وَعَدِيْ، اَمَنْتُ بِكَ. وَاَسْأَلُكَ بِحِجَابِكَ

مولای من این عهد مرا به مقصد برسان، و به وعدهام وفا فرما که من به تو ایمان دارم. و از تو مسألت می کنم به حجاب

الْعَرَبِيِّ، وِبِحِجَابِكَ الْعَجْمِيِّ، وِبِحِجَابِكَ الْعِبْرَانِيِّ، وِبِحِجَابِكَ

عربیت، و به حجاب عجمیت، و به حجاب عبرانیت، و به حجاب



السُّرْيَانِيَّ، وَبِحِجَابِكَ الرَّومِيَّ، وَبِحِجَابِكَ الْهِنْدِيَّ، وَأَثْبِتْ

سریانی، و به حجاب رومی، و به حجاب هندی؛ و با

مَعْرِفَتِكَ بِالْعِنَايَةِ الْأُولَى، فَإِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا تُرَى، وَأَنْتَ بِالْمَنْظَرِ

عنايات اولیات، معرفت را در وجود من ثابت گردان؛ زیرا تو خدایی هستی که دیده نمی‌شوی، و تو

الْأَعْلَى. وَأَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِرَسُولِكَ الْمُنْذِرِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،

در چشم‌انداز برتری هستی. به تو تقرب می‌جویم به وسیله رسول و فرستاده بیم‌دهنده تو - که درود خدا بر او و آل او باد -

وَبِعَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ الْهَادِي، وَبِالْحَسَنِ

و به حضرت علی امیر مؤمنان - درود خدا بر او باد - که هدایت‌کننده بود؛ و به حسن،

السَّيِّدِ وَبِالْحُسَيْنِ الشَّهِيدِ سِبْطِي نَبِيِّكَ، وَبِفَاطِمَةَ الْبُتُولِ، وَبِعَلِيِّ

آقا و سرور؛ و به حسین، شهید؛ دو سبط پیامبرت و به فاطمه بتول؛ و به علی

بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ ذِي الثَّنَاتِ، وَ[بِ]مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ

بن حسین، زینت عبادت‌پیشه‌گان، و صاحب پینه‌هایی که بر اثر عبادت بر بدنش عارض شده بود؛ و به محمد بن علی،

الْبَاقِرِ عَنْ عِلْمِكَ، وَبِجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ، الَّذِي صَدَّقَ

شکافنده علم تو؛ و به جعفر بن محمد صادق، که

بِمِيثَاقِكَ وَبِمِيعَادِكَ، وَبِمُوسَى بْنِ جَعْفَرِ الْحَصُورِ الْقَائِمِ بِعَهْدِكَ،

ميثاق و میعاد تو را تصدیق نمود؛ و به موسی بن جعفر، که پارسا بود و به پیمان تو قیام کرد؛

وَبِعَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرَّضَا الرَّاضِي بِحُكْمِكَ، وَبِمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ

و به علی بن موسی، حضرت رضا که راضی به حکم تو بود؛ و به محمد بن علی،

الْحَبْرِ الْفَاضِلِ، الْمُرْتَضَى فِي الْمُؤْمِنِينَ، وَبِعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ

دانشمند بافضیلت و مورد پسند در میان مؤمنان؛ و به علی بن محمد،

الْأَمِينِ الْمُؤْتَمَنِ، هَادِي الْمُسْتَرَشِدِينَ، وَبِالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ

امین و امانت‌دار، هدایت‌کننده هدایت‌جویان؛ و به حسن بن علی،

الطَّاهِرِ الزَّكِيِّ، خَزَانَةِ الْوَصِيِّينَ. وَأَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِالْإِمَامِ الْقَائِمِ

پاک و پاکیزه، گنجینه رازهای اوصیا. و به تو تقرب می‌جویم (ای خدا) به وسیله امام قیام‌کننده

محمد زین

بخش ششم



۳۳۸

الْعَدْلِ الْمُتَنْظِرِ الْمَهْدِيِّ، إِمَامِنَا وَابْنِ إِمَامِنَا صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ

عدل گستر؛ همان هدایت شده‌ای که مورد انتظار است؛ که او امام ما و فرزند امام ماست؛ دروذهای خدا بر همه آنان باد.

أَجْمَعِينَ. يَا مَنْ جَلَّ فَعَظْمٌ وَ [هُوَ] أَهْلُ ذَلِكَ فَعَفَى وَرَحِمَ، يَا مَنْ

ای آن که باشکوه و بزرگ است، پس شایسته این جلالت و عظمت است؛ در عین حال به بندگانش ترحم می‌کند و آنان را عفو

قَدَرَ فَلَطَفَ، أَشْكُو إِلَيْكَ ضَعْفِي، وَمَا قَصُرَ عَنْهُ عَمَلِي مِنْ

می‌نماید؛ ای آن که تقدیر می‌نماید و تقدیرش دقیق است؛ از ضعف خود، و از کوتاهی عمل

تَوْحِيدِكَ، وَكُنْهِ مَعْرِفَتِكَ، وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِالتَّسْمِيَةِ الْبَيْضَاءِ،

نسبت به توحید و کنه شناخت تو به تو شکایت می‌برم؛ و به تو رو می‌کنم به وسیله نامیدن سپید،

وَبِالْوَحْدَانِيَّةِ الْكُبْرَى، الَّتِي قَصُرَ عَنْهَا مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّى. وَأَمَنْتُ

و به یگانگی بزرگ؛ که کسی که بدان پشت کند نمی‌تواند بدان دست یازد. ایمان آوردم

بِحِجَابِكَ الْأَعْظَمِ، وَبِكَلِمَاتِكَ التَّامَّةِ الْعُلْيَا، الَّتِي خَلَقْتَ مِنْهَا دَارَ

به بزرگترین حجاب، و به کلمات کامل عالی‌رتبه‌ات؛ که از آنها این دار دنیا و

الْبَلَاءِ، وَأَخْلَلْتَ مَنْ أَحْبَبْتَ جَنَّةَ الْمَأْوَى، وَأَمَنْتُ بِالسَّابِقِينَ

بلا را خلق نمودی، و آن که را دوست داشتی به منزل بهشتی وارد گردانیدی. ایمان آوردم به سبقت‌جویان

وَالصَّادِقِينَ، أَصْحَابِ الْيَمِينِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، [وَ] الَّذِينَ خَلَطُوا

و راست‌گویان؛ آنان که از میان مؤمنان، اصحاب یمین و سعادت‌یافتگان‌اند؛ و نیز به آنها که

عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ سَيِّئًا إِلَّا تَوَلَّيْتَنِي غَيْرَهُمْ، وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنِي

عمل شایسته و صالح را با عمل ناشایسته مخلوط کرده‌اند، این که سرپرست مرا غیر آنها قرار نده، و بین من و آنها جدایی

وَبَيْنَهُمْ غَدًا إِذَا قَدَّمْتَ الرِّضَا بِفَضْلِ الْقَضَاءِ. أَمَنْتُ بِسِرِّهِمْ

می‌کنم؛ در فردایی که رضا و خشنودی را مقدم داری با تمام‌شدن حکم و داوری. من به نهن

وَعَلَانِيَّتِهِمْ وَخَوَاتِيمِ أَعْمَالِهِمْ، فَإِنَّكَ تَخْتِمُ عَلَيْهَا إِذَا شِئْتَ، يَا

و آشکار و پایان اعمال‌شان، ایمان آوردم. پس همانا تو کار آنها را ختم خواهی کرد هر گاه که خواستی؛ ای

مَنْ أَتَّحَفَنِي بِالْإِقْرَارِ بِالْوَحْدَانِيَّةِ، وَحَبَانِي بِمَعْرِفَةِ الرَّبُّوبِيَّةِ،

آن که بر من متنت نهادی و به یکتایی خویش، مقز و معترفم نمودی؛ و با شناخت مقام ربوبی خودت بر من لطف کردی؛

وَخَلَّصَنِي مِنَ الشَّكِّ وَالْعَمَى، رَضِيْتُ بِكَ رَبًّا، وَبِالْأَصْفِيَاءِ

و مرا از شک و کوردلی رهایی؛ راضی گشتم به این که تو پروردگارم باشی؛ و برگزیدگانم،

حُجَبًا، وَبِالْمَحْجُوبِينَ أَنْبِيَاءَ، وَبِالرُّسُلِ أَدِلَّةً، وَبِالْمُتَّقِينَ أُمَرَاءَ،

حجّت‌های من باشند؛ و افراد محجوب، پیامبران من باشند؛ و رسولان تو راهنمایان من گردند؛ و پرهیزگاران نیز فرمانروایان من باشند؛

وَسَامِعًا لَكَ مُطِيعًا ۱.

که آگاهانه، حرف شنو و مطیع تو هستم.



دعای زمان غیبت

دعای روزگار غیبت که مولایمان حضرت امام هشتم علیه السلام امر به خواندن آن نموده است.

سید بزرگوار جناب رضی الدین علی بن طاووس رحمته الله علیه در کتاب «جمال الأسبوع» چنین می‌گوید:

در بیان اعمال شبانه‌روز ذکر کردیم که امامان ما علیهم السلام اهتمام زیادی به دعا نسبت به حضرت مهدی صلوات الله علیه داشته‌اند؛ به گونه‌ای که این مهم را از وظایف اساسی مسلمانان و مؤمنان دانسته‌اند.

از میان اعمال شبانه‌روز، در تعقیب نماز ظهر، دعای امام صادق علیه السلام را ذکر نمودیم که در آن برای حضرت مهدی ارواحنا فداه بهتر و بیشتر از دعا برای خودشان، دعا نموده‌اند. نیز در تعقیب نماز عصر از اعمال شبانه‌روز، فصل زیبایی از دعای امام کاظم علیه السلام را نقل کردیم که آن بزرگوار برای حضرت مهدی ارواحنا فداه بیشتر از برای خودشان دعا می‌کردند.

و این دلیل است برای اقتدای به این دو امام علیهم السلام برای کسی که مقام و منزلت دینی آنها را بداند؛ و علاوه بر آن، دستور امام رضا علیه السلام و غیر آن حضرت مبنی بر دعای برای

۱. مهج الدعوات: ۳۹۸، بحار الأنوار: ۳۳۷/۹۵، نجم الثاقب: ۷۸۲.

حضرت مهدی ارواحنا فداه را ذکر خواهیم کرد و دعای آن حضرت را نیز بیان می‌کنیم.
این دعا را جدّ من «ابو جعفر طوسی» با چند طریق از یونس بن عبدالرحمان
روایت کرده است که حضرت امام رضا علیه السلام پیوسته به دعا کردن برای امام زمان ارواحنا فداه
به وسیله خواندن این دعا امر می‌فرمود:

اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنِّي وَلِيِّكَ وَخَلِيفَتِكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَيَّ خَلْقِكَ، وَلِسَانِكَ

خدایا! (هر بلایی را) دفع بفرما از ولایت و خلیفه‌ها و حجتت بر بندگانت؛ و زبان گویای تو

المُعَبَّرِ عَنكَ بِإِذْنِكَ، النَّاطِقِ بِحِكْمَتِكَ، وَعَيْنِكَ النَّاطِرَةِ عَلَيَّ

که با اجازه تو، از طرف تو مطالب را بیان می‌کنند؛ آن که زبانش به حکمت تو گویا است؛ و چشم بینای تو است که بر

بَرِيَّتِكَ، وَشَاهِدِكَ عَلَيَّ خَلْقِكَ، أَلْبَحْجَاحِ الْمُجَاهِدِ، أَلْعَائِدِ بِكَ

بندگانت نظارت دارد؛ او که شاهد تو بر آفریده‌های تو و از مهتران مجاهد در راه توست؛ او که نزد تو به تو

عِنْدَكَ. وَأَعِذُهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ وَبِرَاتٍ، وَأَنْشَأَتْ

پناه می‌برد. او را در پناه خود قرار ده از شرّ هر آنچه آفریده و پدید آوردی، و ایجاد کردی،

وَصَوَّرْتَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ

و صورت و شکل بخشیدی؛ او را از رو به رو، پشت‌سر، طرف راست و

شِمَالِهِ، وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ

طرف چپ، و از بالای سرش و زیر پایش، حفظ کن به نگهداری و حفظی که وقتی کسی را به آن حفظ کنی ضایع و تباه نمی‌شود،

بِهِ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَأَبَاءَهُ، أَيْمَتَكَ وَدَعَائِمَ دِينِكَ. وَاجْعَلْهُ

و حفظ کن در وجود او رسول خودت و پدران او را؛ که امامان تو و ستون‌های دین تو هستند. و قرار ده او را

فِي وَدِيعَتِكَ الَّتِي لَا تَضِيعُ، وَفِي جِوَارِكَ الَّذِي لَا يُخْفَرُ، وَفِي

در ودیعه خودت که از بین رفتنی نیست، و در همسایگی خود که مورد خیانت قرار نگیرد، و در

مَنْعِكَ وَعِزِّكَ الَّذِي لَا يُقْهَرُ، وَأَمْنِهِ بِأَمَانِكَ الْوَثِيقِ، الَّذِي لَا يُخْذَلُ

حمایت و سایه عزت خودت که مقهور نگردد. و او را در امان محکم خود ایمن بدار؛ که هرگز آن که در سایه

مَنْ أَمْنَتَهُ بِهِ، وَاجْعَلْهُ فِي كَنْفِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ مَنْ كَانَ فِيهِ،

امن تو باشد ذلیل و خوار نگردد. و او را در کنف حمایت خویش قرار ده؛ زیرا حمایت‌شده تو هرگز مورد سوء قصد کسی قرار نخواهد گرفت؛

وَأَيُّدُهُ بِنَصْرِكَ الْعَزِيزِ، وَأَيُّدُهُ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ، وَقَوِّهِ بِقَوَّتِكَ،

و او را با یاری شکست‌ناپذیرت کمک فرما، و با سپاه پیروزمندت تأییدش کن، و با نیروی خود نیرومندش فرما،

وَأَزِدْفُهُ بِمَلَائِكَتِكَ، وَوَالٍ مَنْ وَالِ الْإِلَهِ، وَعَادٍ مَنْ عَادَاهُ، وَالْبِئْسَهُ

و فرشتگانت را با او همراه ساز؛ و دوستش را دوست دار، و دشمنش را دشمن بدار؛ و

دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ، وَخَفَّهُ بِالْمَلَائِكَةِ حَفًّا. اللَّهُمَّ وَبَلِّغْهُ أَفْضَلَ مَا

زره محکم و محافظ خود را بر او بپوشان؛ و فرشتگان را گرداگرد او درآور. بار خدایا؛ او را به برترین مرتبه‌ای برسان که

بَلَّغْتَ الْقَائِمِينَ بِقِسْطِكَ مِنْ أَتْبَاعِ النَّبِيِّينَ. اللَّهُمَّ اشْعَبْ بِهِ

هر یک از برپاکنندگان قسط و عدل از پیروان پیامبران را بدان مرتبه رسانیدی. خداوندا؛ اختلاف‌ها را به واسطه وجود مقدسش

الصَّدْعَ، وَارْتُقْ بِهِ الْفَتْقَ، وَأَمِتْ بِهِ الْجَوْرَ، وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ،

برطرف گردان، و تفرقه‌ها و پراکندگی‌ها را به واسطه او از میان بردار. و ظلم و ستم را به وسیله او بمیران، و عدل را به وسیله او آشکار

وَزَيْنٌ بِطُولِ بَقَائِهِ الْأَرْضَ، وَأَيُّدُهُ بِالنَّصْرِ، وَأَنْصُرُهُ بِالرُّعْبِ،

ساز، و زمین را با باقی ماندن طولانی‌اش زینت و کمال بخش؛ و او را به یاری خودت تأیید کن و با رعب افکندن بر دل دشمنانش

وَقَوِّ نَاصِرِيهِ، وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ، وَدَمِّمْ عَلَيَّ مَنْ نَصَبَ لَهُ، وَدَمَّرْ

پیروزش گردان، و یارانش را نیرومند ساز، و خوارکنندگان او را خوار و ذلیل گردان، و آن که رودررویش به جنگ ایستد به هلاکت

مَنْ غَشَّهٗ. وَاقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ، وَعُمُدَهُ وَدَعَائِمَهُ، وَأَقْصِمْ بِهِ

برسان، و آن که با او مکر و خدعه کند نابودش ساز، و با دست توانایش ستمگران و کافران و سردسته‌ها و ارکان آنان را به خاک هلاکت

رُؤُوسَ الضَّلَالَةِ وَشَارِعَةَ الْبِدْعِ، وَمُؤَيِّتَةَ السُّنَّةِ، وَمُقَوِّتَةَ الْبَاطِلِ،

انداز، و پشت سران گمراهی، بدعت‌گذاران و نابودکنندگان سنت الهی و تقویت‌کنندگان باطل را به واسطه او بشکن.

وَذَلِّلْ بِهِ الْجَبَّارِينَ، وَأَبِرْ بِهِ الْكَافِرِينَ وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ، فِي

با وجود شریفش، زورگویان متکبر را ذلیل کن، و همه کافران و ملحدان را

مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا،

- در شرق و غرب، دریا و خشکی، کوه و دشت - ریشه کن فرما؛

حَتَّى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ دِيَّارًا، وَلَا تُبْقِيَ لَهُمْ آثَارًا. اللَّهُمَّ طَهِّرْ مِنْهُمْ

تا کسی از آنان بر جای نماند، و اثری از آنان باقی نگذاری. بار خدایا؛ سرزمینت را از وجود آنها پاک گردان،

بِلَادِكَ، وَاشْفِ مِنْهُمْ عِبَادَكَ، وَأَعِزِّ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَخِي بِهِ سُنَنَ

و قلب بندگانت را با نابودی آنها شفا ده؛ و به واسطه آن وجود مقدس، اهل ایمان را عزیز گردان، و سنت‌های

الْمُرْسَلِينَ، وَدَارِسَ حِكْمَةِ النَّبِيِّينَ، وَجَدِّدْ بِهِ مَا أَمْتَحَى مِنْ

رسولان و آنچه از حکمت‌های پیامبران مندرس گشته به وسیله او زنده کن، و آنچه از دین تو که از بین رفته

دِينِكَ، وَبُدِّلْ مِنْ حُكْمِكَ، حَتَّى تُعِيدَ دِينَكَ بِهِ، وَعَلَى يَدَيْهِ

و از احکامت که دگرگون شده به وسیله او بازسازی کن؛ تا دین حقیقی خود را به وسیله او و به دست توانای او،

غَضًّا مَحْضًا صَاحِبًا، لَا عِوَجَ فِيهِ، وَلَا بِدْعَةَ مَعَهُ، وَحَتَّى تُشِيرَ

به گونه‌ای تازه و بی‌الایش و صحیح اعاده کنی و بازگردانی؛ که هیچ کجی در آن نباشد و هیچ بدعتی با آن آمیخته نباشد. و

بِعَدْلِهِ ظَلَمَ الْجَوْرَ، وَتُطْفِئَ بِهِ نِيرَانَ الْكُفْرِ، وَتُوضِحَ بِهِ مَعَاقِدَ

تاریکی‌های ظلم و بیداد با عدل او روشن گردد، و آتش کفر به وسیله او خاموش شود، و در نتیجه، پیچیدگی‌های حق آشکار گردد،

الْحَقِّ وَمَجْهُولِ الْعَدْلِ. فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ،

و اساس عدل و قسط - که مجهول مانده است - معلوم و روشن شود. زیرا آن حضرت، بنده‌توست که برای خودت خالصش گردانیدی،

وَاصْطَفَيْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ، وَاصْطَفَيْتَهُ عَلَى عِبَادِكَ، وَاسْتَمْتَهُ عَلَى

و از میان بندگانت او را برگزیدی، و بر آنها اختیار کردی، و او را برای سپردن

غَيْبِكَ، وَعَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ، وَبَرَّأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ، وَطَهَّرْتَهُ

غیب خودت، امین یافتی و از گناهان، او را ننگه داشتی، و از هر عیبی پیراسته‌اش کردی، و

مِنَ الرَّجْسِ، وَسَلَّمْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ. اَللّٰهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ

از هر پلیدی آراسته‌اش گردانیدی، و از هر ناپاکی رهایش ساختی. خدایا؛ ما در روز

الْقِيَامَةِ، وَيَوْمَ حُلُولِ الطَّامَةِ، أَنَّهُ لَمْ يُذْنِبْ ذَنْبًا وَلَا أَتَى حَوْبًا،

قیامت و آن حادثه بزرگ محشر، گواهی می‌دهیم که او هرگز گناهی نکرده، و جرمی انجامی نداده،

وَلَمْ يَزْتَكِبْ مَعْصِيَةً، وَلَمْ يُضَيِّعْ لَكَ طَاعَةً، وَلَمْ يَهْتِكْ لَكَ

و معصیتی مرتکب نشده، و طاعتی را از تو ضایع نساخته، و حرمتی را از تو هتک

حُرْمَةً، وَلَمْ يُبَدِّلْ لَكَ فَرِيضَةً، وَلَمْ يُغَيِّرْ لَكَ شَرِيعَةً، وَأَنَّهُ

نکرده، و فریضه‌ای از تو را دگرگون ننموده، و قانونی از دین تو تغییر نداده است. و او

الْهَادِي الْمَهْدِي الطَّاهِرُ النَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ. اَللّٰهُمَّ اَعْطِهِ

هدایت‌گر انسان‌ها، و هدایت‌یافته پاک سیرت با تقوای پاکیزه پسندیده آراسته است. خدایا؛ برای او

فِي نَفْسِهِ وَاَهْلِهِ، وَوَلَدِهِ وَذُرِّيَّتِهِ، وَاُمَّتِهِ وَجَمِيعِ رَعِيَّتِهِ، مَا تُقَرُّ

نسبت به خودش، اهلس، فرزندانش، امت و همه زیردستانش، چیزی عطا کن که

بِهِ عَيْنُهُ، وَتَسْرُّ بِهِ نَفْسُهُ، وَتَجْمَعُ لَهُ مُلْكُ الْمَمْلَكَاتِ كُلِّهَا،

چشمش را به آن روشن نمایی و روانش را به آن شاد گردانی؛ و حکومت سراسر کشورهای

قَرِيبَهَا وَبَعِيدَهَا، وَعَزِيزَهَا وَذَلِيلَهَا، حَتَّى يَجْرِيَ حُكْمُهُ عَلَى

نزدیک و دور؛ سرفراز و خوار را به او عطا فرما؛ تا حکمش بر حکم هر حکمرانی جاری

كُلِّ حُكْمٍ، وَيَغْلِبَ بِحَقِّهِ كُلَّ بَاطِلٍ. اَللّٰهُمَّ اسْأَلُكَ بِنَا عَلَى يَدَيْهِ

گردد، و حق او بر هر باطلی غالب گردد. خدایا؛ ما را به دست او، بر

مِنْهَاجِ الْهُدَى، وَالْمَحَجَّةِ الْعُظْمَى، وَالطَّرِيقَةِ الْوَسْطَى، الَّتِي

طریقت هدایت، و بر راه روشن عظیم و راه میانه و اعتدال سالک گردان؛ راهی که

يَرْجِعُ إِلَيْهَا الْغَالِي، وَيَلْحَقُ بِهَا التَّالِي، وَقَوْنَا عَلَى طَاعَتِهِ،

هر افراط‌گر پیشی‌گیرنده، و هر کوتاه‌نظر عقب‌مانده، باید بدان باز گردد، و ما را بر طاعتش قوی گردان،

وَتَبَّئْنَا عَلَى مُشَايَعَتِهِ، وَآمَنُ عَلَيْنَا بِمُتَابَعَتِهِ، وَاجْعَلْنَا فِي حِزْبِهِ

و بر پیرویش ثابت‌قدم بدار؛ و با نعمت پیرویش بر ما منت بگذار، و ما را در سپاه او قرار ده؛

الْقَوَّامِينَ بِأَمْرِهِ، الصَّابِرِينَ مَعَهُ، الطَّالِبِينَ رِضَاكَ بِمُنَاصَحَتِهِ،

که اجراکننده فرمان اویند، و در راهش صابر و شکیبا هستند، و از خیرخواهی او فقط رضا و خشنودی تو را طالبانند؛

حَتَّى تَحْشُرْنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَمُقَوِّبَةِ سُلْطَانِهِ.

تا در روز رستاخیز ما را در میان یاران و مددکاران و تقویت‌کنندگان حکومت بابرکتش محشور فرمایی.

اَللّٰهُمَّ وَاجْعَلْ ذَلِكَ لَنَا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبْهَةٍ وَرِيَاءٍ

خدایا؛ این را از ما، خالص و به دور از هر شک و شبهه و ریا

وَسُمْعَةٍ، حَتَّى لَا نَعْتَمِدَ بِهِ غَيْرَكَ، وَلَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ،

و سماعه قرار بده؛ آن گونه که با این کار، به غیر تو اعتماد نکنیم و از این کار، جز تو را نطلبیم؛

وَحَتَّى تُحِلَّنَا مَحَلَّهُ، وَتَجْعَلَنَا فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ، وَأَعِدَّنَا مِنَ السَّامَةِ

و تا این که به لطفت ما را به محل و مقام او وارد نمایی؛ و در بهشت با او و در جوار او جای دهی؛ و ما را از خستگی

وَالْكَسَلِ وَالْفَتْرَةِ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ، وَتُعِزُّ بِهِ نَصْرَ

و تنبلی و سستی در طاعت، در پناه خویش قرار دهی؛ و ما را از کسانی قرار دهی که دینت را به سبب او یاری می‌دهی و یاری

وَلِيِّكَ، وَلَا تَسْتَبَدِلْ بِنَا غَيْرَنَا، فَإِنَّ اسْتِبْدَالَكَ بِنَا غَيْرَنَا عَلَيْكَ

ولیت را تقویت می‌گردانی، و کسی را غیر از ما جایگزین ما مفرما، زیرا که این جایگزینی برای تو

يَسِيرٌ، وَهُوَ عَلَيْنَا عَسِيرٌ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وِلَاةِ عَهْدِهِ، وَالْأَيْمَةِ

بسی سهل و آسان است؛ ولی برای ما بسیار گران و سنگین می‌باشد. خدایا! رحمت فرست بر فرمانداران او؛ و پیشوایان

مِنْ وُلْدِهِ، وَبَلِّغْهُمْ أُمَالَهُمْ، وَزِدْ فِي أَجَالِهِمْ، وَأَعِزِّ نَصْرَهُمْ،

از فرزندان او؛ و آنان را به آرزوهایشان برسان، و بر عمرهایشان بیفزای، و نصرت باعزت به آنها عنایت فرما،

وَتَمِّمْ لَهُمْ مَا أَسْنَدْتَ إِلَيْهِمْ فِي أَمْرِكَ لَهُمْ، وَثَبَّتْ دَعَائِمَهُمْ،

و آنچه از امر دین خود را مربوط به آنان فرمودی به حد کمال و اتمام برسان؛ و اساس حکومت آنها را ثبات و پایداری عنایت کن؛

وَاجْعَلْنَا لَهُمْ أَعْوَانًا، وَعَلَى دِينِكَ أَنْصَارًا، فَإِنَّهُمْ مَعَادِنُ كَلِمَاتِكَ،

و ما را، برای آنان یار و برای دینت یاور قرار بده؛ زیرا آنان معدن‌های کلمات تو،

وَأَرْكَانُ تَوْحِيدِكَ، وَدَعَائِمُ دِينِكَ، وَوِلَاةُ أَمْرِكَ، وَخَالِصَتُكَ مِنْ

و پایه‌های توحید تو، استوانه‌های دین تو، و سرپرستان امر از طرف تو، و خالصان و خالصان از

عِبَادِكَ، وَصَفْوَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَوْلِيَاءُوكَ وَسَلَائِلُ أَوْلِيَاءِكَ،

بندگان تو، و برگزیده از خلق تو، و دوستان تو، و فرزندان اولیای تو

وَصَفْوَةُ أَوْلَادِ رُسُلِكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. ۱

و برگزیده از فرزندان پیامبران تو هستند، و درود بر آنها و رحمت و برکات الهی بر آنان نثار باد.

۱. جمال الأسبوع: ۳۰۷، و در مصباح المنتهجد: ۴۰۹، المصباح: ۷۲۶، و البلد الأمين: ۱۲۲ با تفاوتی اندک. نیز، سید بن

طاووس رضی الله عنه با کمی کاستی و فزونی همین را در کتاب مصباح الزائر: ۴۵۷ نقل کرده است.



دعای زمان غیبت

به روایتی دیگر

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمته الله چنین می گوید: یونس بن عبدالرحمان از امام رضا علیه السلام روایت می کند که آن حضرت پیوسته دستور به دعا برای صاحب الزمان ارواحنا فداء می داد و از جمله دعاهای ایشان برای حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداء این دعاست:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَادْفَعْ عَنْ وَلِيِّكَ وَخَلِيفَتِكَ

خدایا! بر محمد و آل محمد درود فرست و از ولی و خلیفیات

وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَلِسَانِكَ الْمُعَبَّرِ عَنْكَ بِإِذْنِكَ، النَّاطِقِ

و حجتت بر بندگانت، (هر بلایی را) دفع فرما. همان کسی که با اجازه تو زبان گویا و بیان کننده حقایق از طرف تو است، و

بِحِكْمَتِكَ، وَعَيْنِكَ النَّاطِرَةِ فِي بَرِّيَّتِكَ، الشَّاهِدِ عَلَى عِبَادِكَ،

با حکمت تو سخن می گوید؛ و چشم بینی تو در میان بندگانت است؛ گواه بر آنها است؛

الْجَحْجَاحِ الْمُجَاهِدِ الْمُجْتَهِدِ، عَبْدِكَ الْعَائِدِ بِكَ. اللَّهُمَّ وَأَعِذْهُ

آن مجاهد کوشا و بنده ای که به تو پناه آورده است. بار خدایا! او را

مِنْ شَرِّ مَا خَلَقْتَ وَذَرَأْتَ، وَبَرَأْتَ وَأَنْشَأْتَ وَصَوَّرْتَ، وَاحْفَظْهُ

از شر هر آنچه خلق کردی و آفریدی و پدید آوردی و ایجاد نمودی و صورت و شکل بخشیدی، و او را حفظ فرما

مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ، وَمِنْ فَوْقِهِ

از مقابلش و پشت سرش و راست و چپش و از بالای سرش

وَمِنْ تَحْتِهِ، بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظْتَهُ بِهِ، وَاحْفَظْ

و زیر پایش؛ به حفظی که هر که را به آن حفظ کنی ضایع نگردد. و با این محافظت،

فِيهِ رَسُولِكَ وَوَصِيِّ رَسُولِكَ وَأَبَائِهِ، أَيْمَتِكَ وَدَعَائِمَ دِينِكَ،

پیامبر و وصی پیامبر و پدران را - آنان که ائمه تو و استوانه های دین تو هستند - حفظ فرما.

مجموعه

بخش ششم



صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ، وَاجْعَلْهُ فِي وَدِيعَتِكَ الَّتِي لَا تَضِيْعُ،

درود تو بر همه آنان باد؛ و قرار بده او را در ودیعه خویش که از بین نمی‌زود؛

وَفِي جِوَارِكَ الَّذِي لَا يُحْتَقَرُّ، وَفِي مَنَعِكَ وَعِزِّكَ الَّذِي لَا يُقْهَرُّ.

و در جوار رحمتت که حقیر و پست نمی‌شود؛ و در حمایت و پناه عزتت که هرگز مقهور نمی‌شود.

اللَّهُمَّ وَآمِنَهُ بِأَمَانِكَ الْوَثِيقِ الَّذِي لَا يُخَذَلُ مِنْ أَمْنَتِهِ بِهِ، وَاجْعَلْهُ

خدایا؛ او را در نگاهبانی محکم خود ایمن دار؛ که هر کس در آن نگاهبانی درآید مخدول و مغلوب نشود. او را

فِي كَنَفِكَ الَّذِي لَا يُضَامُ مَنْ كَانَ فِيهِ، وَأَنْصُرُهُ بِنَصْرِكَ الْعَزِيزِ،

در احاطه و سایه لطف خود که هر کس در آن قرار گیرد مورد ستم واقع نشود قرار بده، او را با یاری قدرت‌مندت یاری کن.

وَأَيِّدْهُ بِجُنْدِكَ الْغَالِبِ، وَقَوِّهِ بِقُوَّتِكَ، وَأَرْدِفْهُ بِمَلَائِكَتِكَ. اللَّهُمَّ

و با سپاه غالبت تأییدش فرما، و با قوت لایتنهای خود نیرومندش گردان، و فرشتگانت را با او همراه ساز. خدایا؛

وَالِ مَنْ وَالِ الْإِلَهِ، وَعَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَالْأَيْسَهُ دِرْعَكَ الْحَصِيْنَةَ، وَحَقِّقْهُ

دوستش را دوست بدار، و دشمنش را دشمن بدار، و زره محکم خود را بر او بیوشان؛ و گرداگرد وجودش را

بِمَلَائِكَتِكَ حَقًّا. اللَّهُمَّ وَبَلِّغْهُ أَفْضَلَ مَا بَلَغْتَ الْقَائِمِينَ بِقِسْطِكَ

با فرشتگان، احاطه کن. خداوندا؛ او را به برترین مرتبه‌ای که هر برپاکننده عدلی را

مِنْ أَتْبَاعِ النَّبِيِّينَ. اللَّهُمَّ اشْعَبْ بِهِ الصَّدْعَ، وَارْتُقْ بِهِ الْفَتْقَ،

- از پیروان پیامبران - رساننده‌ای برسان. بار خدایا؛ اختلاف‌ها را به واسطه وجود مقدسش برطرف گردان، و تفرقه‌ها و پراکندگی‌ها را به واسطه او

وَأَمِتْ بِهِ الْجَوْرَ، وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ، وَزَيِّنْ بِطُولِ بَقَائِهِ الْأَرْضَ،

از میان بردار. ستم را به وسیله او بمیران و عدل را ظاهر فرما، و با ماندن طولانی‌اش زمین را زینت بخش.

وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَأَنْصُرْهُ بِالرُّعْبِ، وَافْتَحْ لَهُ فَتْحًا يَسِيرًا، وَاجْعَلْ

و با یاری خود تأییدش کن، و با رعب انداختن بر دل دشمنانش نصرتش بده؛ و فتح و گشایشی آسان بدو نصیب فرما، و

لَهُ مِنْ لَدُنْكَ عَلَى عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِ سُلْطَانًا نَصِيرًا. اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ

از جانب خودت سلطنت و قدرتی ظفرمندانانه بر دشمنان خود و دشمنان او، به او مرحمت فرما. خدایا؛ او را همان

الْقَائِمَ الْمُنْتَظَرَ، وَالْإِمَامَ الَّذِي بِهِ تَنْتَصِرُ، وَأَيِّدْهُ بِنَصْرِ عَزِيزٍ

برپاکننده عدل و داد قرار ده، که مورد انتظار همگان است؛ و او را امامی قرار ده که به وسیله او ما را یاری می‌نماید؛ و با نصرتی

وَفَتَحَ قَرِيبٍ، وَوَرِثَهُ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا اللَّاتِي بَارَكْتَ

باعزت و گشایشی زود هنگام تأییدش بفرما، مشرق و مغرب زمینت را به او ارث بده؛ البته قلمروی که برایش مبارک

فِيهَا، وَأَخِي بِهِ سُنَّةَ نَبِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، حَتَّى لَا يَسْتَخْفِيَ

قرار داده باشی؛ به واسطه او سنت پیامبرت را - که درود خدا بر او و آل او باد - حیاتی دیگر بخش، تا این که

بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةً أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ، وَقَوَّ نَاصِرَهُ، وَاخْذُلْ

چیزی از حق را از ترس کسی، پنهان ندارد. یاورش را قوی گردان، و کسی را که خذلان و خواریش را خواهد، مخدول

خَاذِلَهُ، وَدَمْدِمِ عَلَى مَنْ نَصَبَ لَهُ، وَدَمَّرْ عَلَى مَنْ غَشَّهٗ. اَللّٰهُمَّ

و مغلوب فرما؛ کسی که با او دشمنی آشکار نماید مورد خشم خویش قرار بده؛ آن که را یا او نیرنگ کند نابود کن. خداوند!

وَاقْتُلْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ وَعُمُدَهُ، وَدَعَائِمَهُ وَالْقُوَّامَ بِهِ، وَأَقْصِمْ بِهِ

به واسطه او کافران زورگو و ارکان و سردسته‌های آنها و هر آن که باعث دوام و قوام آنها باشد را نابود کن.

رُؤُوسَ الضَّلَالَةِ، وَشَارِعَةَ الْبِدْعَةِ، وَمُمِيتَةَ السُّنَّةِ، وَمُقَوِّتَةَ

سران گمراهی، و سرچشمه‌های بدعت و هر که سنت را بمیراند و باطل را تقویت کند، با نیروی الهی‌اش

الْبَاطِلِ، وَأَذِلُّ بِهِ الْجَبَّارِينَ، وَأَبْرِ بِهِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ،

درهم شکن. سرکشان ستمگر را به وسیله او ذلیل کن و کافران و دورویان

وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ، حَيْثُ كَانُوا وَأَيْنَ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ

و همه ملحدان را به واسطه او هلاک نما؛ در هر زمان و هر مکانی که باشند؛ مشرق

وَمَغَارِبِهَا، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، حَتَّى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ

و مغرب، دریا و خشکی، کوه و دشت؛ تا این که از آنان،

دِيَارًا، وَلَا تَبْقَى لَهُمْ آثَارًا. اَللّٰهُمَّ وَطَهِّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ، وَاشْفِ

کسی باقی نگذاری و اثری بجا نماند. خدایا؛ سرزمین خود را از وجود آنها پاک کن

مِنْهُمْ عِبَادَكَ، وَأَعِزِّ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَخِي بِهِ سُنَنَ الْمُرْسَلِينَ،

و قلب مؤمنان را با نابودی آنان شفا بخش؛ و به واسطه آن حضرت، مؤمنان را عزیز فرما، و سنت‌های رسولان

وَدَارِسَ حِكْمِ النَّبِيِّينَ، وَجَدِّدْ بِهِ مَا مَحِيَ مِنْ دِينِكَ، وَبُدِّلْ مِنْ

و فرستادگانت را، و احکام پیامبران را - که رو به نابودی رفته است - بار دیگر زنده نما، و هر آن چه از دینت محو شده و از

حقیقت

بخش ششم



۳۴۸

حُكْمِكَ، حَتَّى تُعِيدَ دِينَكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ غَضًّا جَدِيداً صَاحِبِ

احکامات دگرگون گشته است، تازه و نو گردان؛ تا این که دین حقیقی تو به دست او؛ شاداب، تازه، جدید، خالص و

مَحْضاً، لَا عِوَجَ فِيهِ، وَلَا بِدْعَةَ مَعَهُ، حَتَّى تُنِيرَ بِعَدْلِهِ ظُلْمَ الْجَوْرِ،

صحيح بدون هیچ کژی و بدعتی گردانی، تا آن که تاریکی‌های ستم را با نور عدلش روشن گردانی،

وَتُطْفِئَ بِهِ نِيرَانَ الْكُفْرِ، وَتُظْهِرَ بِهِ مَعَاقِدَ الْحَقِّ، وَمَجْهُولَ

و آتش فتنه‌های کفران را به وسیله او خاموش گردانی، و گره‌خوردگی‌ها و پیچیدگی‌های حق را به وسیله او آشکار گردانی و عدل و داد گم‌شده و

الْعَدْلَ، وَتُوضِحَ بِهِ مُشْكَلاتِ الْحُكْمِ. اللَّهُمَّ وَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي

ناشناخته را به وسیله او ظاهر گردانی؛ مشکلات و دشواری‌های احکام را - با پرتوهای نورافشان او - واضح گردانی. بار خدایا؛ همانا

اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ، وَاصْطَفَيْتَهُ مِنْ خَلْقِكَ، وَاصْطَفَيْتَهُ عَلَى

او بنده‌ای از بندگان توست که برای خود خالص گردانیدی، و از میان آفریدگانت او را برگزیدی، و او را

عِبَادِكَ، وَاتَّمَمْتَهُ عَلَى غَيْبِكَ، وَعَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ، وَبَرَأْتَهُ

بر بندگانت برگزیدی، و او را برای سیردن غیب خود امین یافتی، و از گناهان معصومش داشتی، و از عیب‌ها مبرايش کردی،

مِنَ الْعُيُوبِ، وَطَهَّرْتَهُ [مِنَ الرَّجْسِ]، وَصَرَّفْتَهُ عَنِ الدَّنَسِ،

و از هر گونه آلودگی پاکیزه‌اش کردی، و از ناپاکی و پلیدی به دورش گردانیدی،

وَسَلَّمْتَهُ مِنَ الرَّيْبِ. اللَّهُمَّ فَإِنَّا نَشْهَدُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَيَوْمَ

و از هر شک و شبهه‌ای سلامتت فرمودی. خدایا؛ ما در روز قیامت - و روز

حُلُولِ الطَّامَةِ، أَنَّهُ لَمْ يُذْنِبْ وَلَمْ يَأْتِ حَوْباً، وَلَمْ يَرْتَكِبْ لَكَ

برپا شدن حادثه عظیم محشر - گواهی می‌دهیم که او گناهی نکرده است؛ جرمی انجام نداده

مَعْصِيَةً، وَلَمْ يُضَيِّعْ لَكَ طَاعَةً، وَلَمْ يَهْتِكْ لَكَ حُرْمَةً، وَلَمْ يُبَدِّلْ

و معصیتی مرتکب نشده است؛ طاعتی را تباه نکرده است؛ حرمتی را هتک نکرده است؛ و

لَكَ فَرِيضَةً، وَلَمْ يُغَيِّرْ لَكَ شَرِيعَةً، وَأَنَّهُ الْأِمَامُ التَّقِيُّ الْهُدَايَ

واجبی را عوض ننموده است؛ و قانونی را تغییر نداده است؛ او امامی پرهیزکار، هدایت‌گر،

الْمَهْدِيُّ الطَّاهِرُ التَّقِيُّ الْوَفِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ. اللَّهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ

رهبری هدایت‌شده، پاک‌سرشت، باتقوا، باوفا، پسندیده و نیک سیرت است. خداوندا؛ بر او

وَعَلَىٰ آبَائِهِ، وَأَعْطَاهِ فِي نَفْسِهِ وَوَلَدِهِ، وَأَهْلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَأُمَّتِهِ

و پدرانش درود فرست، و در مورد خودش، فرزندان و خانواده‌اش، امت

وَجَمِيعِ رَعِيَّتِهِ، مَا تُقَرِّبُهُ عَيْنُهُ، وَتَسْرِبُهُ نَفْسُهُ، وَتَجْمَعُ لَهُ مُلْكَ

و رعیتش، چیزی عطا کن که چشمش را به آن روشن نمایی و روانش را به آن شاد گردانی؛ و حکومت همه

الْمَمْلُكَاتِ كُلِّهَا، قَرِيبَهَا وَبَعِيدَهَا، وَعَزِيزَهَا وَذَلِيلَهَا، حَتَّىٰ

ممالک - اعم از دور و نزدیک، قوی و ضعیف - تحت سیطره او درآید.

يَجْرِي حُكْمُهُ عَلَىٰ كُلِّ حُكْمٍ، وَيَغْلِبُ بِحَقِّهِ عَلَىٰ كُلِّ بَاطِلٍ.

و فرمانش بر هر حکمی نافذ باشد، و کلمه حقش، بر هر باطلی غالب گردد.

اللَّهُمَّ وَاسْلُكْ بِنَا عَلَىٰ يَدَيْهِ مِنْهَاجَ الْهُدَىٰ، وَالْمَحَجَّةَ الْعُظْمَىٰ،

خدایا؛ به دست مبارکش ما را بر طریق هدایت روان کن، و بر شاهراه روشن

وَالطَّرِيقَةَ الْوَسْطَىٰ، الَّتِي يَرْجِعُ إِلَيْهَا الْعَالِي، وَيَلْحَقُ بِهَا التَّالِي.

و راه میانه و اعتدال - که هر افراطگر پیشرو و هر تفریط‌پیشه عقب‌مانده باید بدان باز گردد - استوار فرما.

اللَّهُمَّ وَقَوِّنَا عَلَىٰ طَاعَتِهِ، وَثَبِّتْنَا عَلَىٰ مُشَايَعَتِهِ، وَآمِنُنْ عَلَيْنَا

خدایا؛ ما را بر طاعتش نیرومند گردان، و بر پیرویش ثابت قدم بدار، و با نعمت پیروی از او بر ما منت

بِمُتَابَعَتِهِ، وَاجْعَلْنَا فِي حِزْبِهِ الْقَوَّامِينَ بِأَمْرِهِ، الصَّابِرِينَ مَعَهُ،

بگذار، و ما را جزو گروه او که عهده‌دار امر او هستند قرار ده که به فرمانش، سر فرود می‌آورند، و در راهش صبر پیشه می‌کنند،

الطَّالِبِينَ رِضَاكَ بِمُنَاصَحَتِهِ، حَتَّىٰ تَحْشُرْنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي

و از خیرخواهی او رضای تو را می‌طلبند. تا در نهایت، در روز قیامت، ما را در

أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ، وَمُقَوِّبَةِ سُلْطَانِهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ

گروه یاران و مددکاران و تقویت‌کنندگان حکومت بابرکتش، محشور نمایی. خداوندا؛ بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ كُلَّهُ مِنْكَ خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبْهَةٍ

محمد درود فرست، و همه این‌ها را از ما خالص و به دور از هر شک و شبهه

وَرِيَاءٍ وَسُمْعَةٍ، حَتَّىٰ لَا نَعْتَمِدَ بِهِ غَيْرَكَ، وَلَا نَطْلُبَ بِهِ إِلَّا وَجْهَكَ،

و ریا و سمعه قرار بده؛ آن گونه که با این کار، به غیر تو اعتماد نکنیم و از این کار، جز تو را نطلبیم؛

مجموعه

بخش نهم



۳۵

وَحَتَّى تُحَلَّنَا مَحَلَّهُ، وَتَجْعَلَنَا فِي الْجَنَّةِ مَعَهُ، وَلَا تَبْتَلِنَا فِي

باشد که ما را در محل و جایگاه آن حضرت وارد نمایی، و ما را در بهشت همراه او گردانی، و در

أَمْرِهِ بِالسَّامَةِ وَالْكَسَلِ وَالْفَتْرَةِ وَالْفَشْلِ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَنْتَصِرُ

انجام فرمان او ما را به تنبلی، سستی، ضعف و گسستگی مبتلا نسازی، و ما را از کسانی قرار ده که

بِهِ لِدِينِكَ، وَتُعِزُّ بِهِ نَصْرَ وَلِيِّكَ، وَلَا تَسْتَبْدِلْ بِنَا غَيْرَنَا، فَإِنَّ

دینت را به وسیله آنان یاری می‌کنی، و یاری ولایت را به او تقویت می‌کنی، کسی را جایگزین ما مکن؛ زیرا،

اسْتَبْدَالَكَ بِنَا غَيْرَنَا عَلَيْكَ يَسِيرٌ، وَهُوَ عَلَيْنَا كَبِيرٌ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ

این جایگزینی بر تو آسان است، ولی بر ما بسی سنگین و دشوار. باور دارم که تو بر هر

شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى وُلَاةِ عَهْدِهِ، وَبَلِّغُهُمْ أَمَالَهْمُ،

چیزی توانایی. خدایا؛ بر فرماندارانش رحمت فرست، و به آرزوهای (مقدس‌شان) برسان،

وَزِدْ فِي أَجَالِهِمْ وَأَنْصُرْهُمْ وَتَمِّمْ لَهُمْ مَا أَسْنَدْتَ إِلَيْهِمْ مِنْ أَمْرِ

و بر عمرشان بیفزای، و یاریشان فرما، و آن چه از امر دینت به آن‌ها مربوط ساخته‌ای، کامل و

دِينِكَ، وَاجْعَلْنَا لَهُمْ أَعْوَانًا وَعَلَى دِينِكَ أَنْصَارًا، وَصَلِّ عَلَى

تمام گردان، و ما را از مددکاران آنان قرار ده، و از یاری‌کنندگان دینت مقرر فرما. بر

آبَائِهِ الطَّاهِرِينَ الْأَيْمَةَ الرَّاشِدِينَ. اللَّهُمَّ فَإِنَّهُمْ مَعَادِنُ كَلِمَاتِكَ،

پدران پاکش، امامان رشید و راهنمای بشر، درود فرست. بارخدایا؛ آنان، معدن‌های کلمات تو،

وَحِزَانُ عِلْمِكَ، وَوَلَاةُ أَمْرِكَ، وَخَالِصَتُكَ مِنْ عِبَادِكَ، وَخَيْرَتُكَ

و گنجینه‌های دانش، و علوم تو، و سرپرستان امر تو، و بندگان مخلص تو، و نیکوکاران

مِنْ خَلْقِكَ، وَأَوْلِيَاءُكَ وَسَلَائِلُ أَوْلِيَاءِكَ، وَصَفْوَتُكَ وَأَوْلَادُ

از میان بندگان تو، و دوستان تو و فرزندان اولیای تو، و برگزیدگان و فرزندان

أَصْفِيَاءِكَ، صَلَوَاتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ. اللَّهُمَّ

برگزیدگان تو هستند. درود و رحمت و برکت‌های تو بر آنان نثار باد. خدایا؛

وَشْرَكَائِهِ فِي أَمْرِهِ، وَمُعَاوِنُوهُ عَلَى طَاعَتِكَ، الَّذِينَ جَعَلْتَهُمْ

آنان که در امر او شریک‌اند، و بر طاعت تو مددکاران اوینده؛ کسانی که تو

حِصْنَهُ وَسِلَاحَهُ وَمَفْرَعَهُ وَأَنْسَهُ، الَّذِينَ سَلَوْا عَنِ الْأَهْلِ

دژ، اسلحه، پناهگاه و مایه انس او قرارشان دادی؛ آنهایی که از اهل

وَالْأَوْلَادِ، وَتَجَافَوْا الْوَطْنَ، وَعَطَّلُوا الْوَثِيرَ مِنَ الْمِهَادِ، قَدْ

و اولاد خود بریدند، و ترک وطن گفتند، و تخت‌های استراحت را رها کردند؛

رَفَضُوا تِجَارَاتِهِمْ، وَأَضَرُّوا بِمَعَايِشِهِمْ، وَفُقِدُوا فِي أُنْدِيَّتِهِمْ

تجارت‌ها را کنار گذاشتند؛ و به معیشت‌های خودشان ضرر زدند؛ و بدون این که از

بِغَيْرِ غَيْبَةٍ عَنِ مِصْرِهِمْ، وَخَالَفُوا الْبَعِيدَ مِمَّنْ عَاذَهُمْ عَلَى

شهرهای‌شان خارج شوند، به عزلت و گوشه‌نشینی افتادند؛ و با هر کس که در کارها یاری‌شان نماید پیمان بستند؛

أَمْرِهِمْ، وَخَالَفُوا الْقَرِيبَ مِمَّنْ صَدَّ عَنْ وَجْهِتِهِمْ، وَاتَّكَلُوا بَعْدَ

گرچه نسبتی دور با آنها داشتند، و با نزدیکانی که آنها را از مقصودشان باز ندارد مخالفت ورزیدند؛ بعد

التَّدَابُرِ وَالتَّقَاطُعِ فِي دَهْرِهِمْ، وَقَطَعُوا الْأَسْبَابَ الْمُتَّصِلَةَ بِعَاجِلِ

از جدایی‌ها گردهم آمدند و اسباب به هم پیوسته دنیوی را که وسیله بهره‌بردن

حُطَامٍ مِنَ الدُّنْيَا. فَاجْعَلْهُمُ اللَّهُمَّ فِي حِرْزِكَ وَفِي ظِلِّ كَنْفِكَ، وَرُدِّ

اندک از دنیا بود، قطع نمودند. بدین سان، خدایا؛ آنها را در حفظ و حراست خود، و در سایه لطف و حمایت خویش قرار ده،

عَنْهُمْ بِأَسْمَنِ مَنْ قَصَدَ إِلَيْهِمْ بِالْعَدَاوَةِ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَجْزَلُ لَهُمْ مِنْ

و شتر هر آن که قصد بدی به آنها را دارد، از آنان باز گردان؛ و

دَعْوَتِكَ مِنْ كِفَايَتِكَ وَمَعُونَتِكَ لَهُمْ، وَتَأْيِيدِكَ وَنَصْرِكَ إِيَّاهُمْ،

کفایت و کمک و تأیید و یاریت را نسبت به آنها زیاد کن،

مَا تُعِينُهُمْ بِهِ عَلَى طَاعَتِكَ، وَأَزْهِقْ بِحَقِّهِمْ بَاطِلَ مَنْ أَرَادَ إِطْفَاءَ

آنچه ایشان را بر طاعت تو یاری‌شان کند، و به واسطه حقانیت ایشان باطل هر کسی را که می‌خواهد

نُورِكَ، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ. وَأَمَلًا بِهِمْ كُلِّ أَفْقٍ مِنَ الْأَفَاقِ،

نور تو را خاموش کند نابود گردان، و بر محمد و آل او درود فرست. خدایا؛ به وسیله آنها تمام افق‌های عالم

وَقَطْرٍ مِنَ الْأَقْطَارِ قِسْطًا وَعَدْلًا وَرَحْمَةً وَفَضْلًا، وَاشْكُرْ لَهُمْ

و قطره دنیا را از عدل و قسط و رحمت و فضل خودت، پر کن، و از آنان به

صورت

بخش ششم



۳۵۲

عَلَى حَسَبِ كَرَمِكَ وَجُودِكَ، وَمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَى الْقَائِمِينَ بِالْقِسْطِ

اندازه کرم و بخشش خودت و آن گونه که بر برپاکنندگان عدل و داد

مِنْ عِبَادِكَ، وَادْخُرْ لَهُمْ مِنْ ثَوَابِكَ مَا تَرْفَعُ لَهُمْ بِهِ الدَّرَجَاتِ،

از میان بندگانت منت گذاردی سپاسگزاری کن، و برای آن‌ها ثوابی ذخیره ساز که به وسیله آن به درجات و مرتبه‌ای رفیع برسند؛

إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ، أَمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ.^۱

همانا تو هر آنچه را خواهی انجام می‌دهی، و بدان چه اراده نمایی حکم می‌کنی؛ ای پروردگار عالمیان؛ این دعاها را اجابت فرما.

سید بزرگوار رضی‌الدین علی بن طاووس رحمه الله می‌فرماید: این روایت، شامل بخشی از دعاست که روایت اولی آن را نداشت. پس، اگر می‌خواهی از اهل سعادت گردی این دعا را بخوان، و در این دعاها جانب پروردگار را حفظ کن، و در پیشگاه او کمال ادب را به جای آور.^۲

کفعمی رحمه الله در «المصباح» چنین می‌گوید: یونس بن عبدالرحمان از امام رضا علیه السلام روایت می‌کند که آن حضرت، پیوسته بر دعا کردن برای صاحب الامر صلوات الله علیه با خواندن این دعا دستور می‌داد: «اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنَّا وَلِيَّكَ وَخَلِيفَتِكَ...» وی، دعا را مانند آنچه گذشت تا عبارت «وهو علينا كبير» ادامه داده، سپس این قسمت را نقل کرده است:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وُلَاةِ عَهْدِهِ وَالْأَيِّمَةِ مِنْ بَعْدِهِ، وَبَلِّغْهُمْ أَمَالَهُمْ،

خدایا؛ بر والیان عهدش و پیشوایان پس از او رحمت فرست، و به آرزوهای‌شان برسان،

وَزِدْ فِي أَجَالِهِمْ، وَأَعِزِّ نَصْرَهُمْ، وَتَمِّمْ لَهُمْ مَا أَسْنَدْتَ إِلَيْهِمْ

و بر عمرشان بیفز، و یاری ایشان را تقویت فرما، و آن چه از دینت را به آن‌ها

مِنْ أَمْرِكَ لَهُمْ، وَثَبِّتْ دَعَائِمَهُمْ، وَاجْعَلْنَا لَهُمْ أَعْوَانًا، وَعَلَى

مربوط ساخته‌ای کامل نما، و پایه‌های آن‌ها را استوار کن، و ما را یاران آن‌ها و یاوران

دِينِكَ أَنْصَارًا، فَإِنَّهُمْ مَعَادِنُ كَلِمَاتِكَ، وَخُزَانُ عِلْمِكَ، وَأَرْكَانُ

دینت قرار ده. همانا آن‌ها معدن‌های کلمات تو، گنجینه‌های علم و دانش تو، استوانه‌های

تَوْحِيدِكَ، وَدَعَائِمُ دِينِكَ، وَوُلَاةُ أَمْرِكَ، وَخَالِصَتُكَ مِنْ عِبَادِكَ،

توحید تو، پایه‌های دین تو، سرپرستان امر تو، بندگان خالص تو،

وَصَفْوَتُكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَأَوْلِيَاؤُكَ وَسَلَائِلُ أَوْلِيَاءِكَ، وَصَفْوَةٌ

برگزیده از میان بندگان تو، دوستان و فرزندان دوستان تو، و برگزیدگان

أَوْلَادِ نَبِيِّكَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. ۱

فرزندان پیامبر تو هستند؛ درود و سلام و رحمت خداوند و برکت‌های او بر همه آنان نثار باد.



دعای معرفت در زمان غیبت

سید بزرگوار، جناب علی بن طاووس رحمته الله علیه در کتاب «جمال الأسبوع» می‌فرماید:
دعای دیگری است برای حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه که سزاوار است آن
دعا ترک نشود؛ گرچه همه تعقیبات و دعاهایی را که برای عصر روز جمعه ذکر
کردیم به خاطر داشتن عذر ترک شود.

و این سری دارد که خداوند ما را از فضل و احسان ویژه خود با آن آشنا نموده
است. پس به آن اعتماد کن و آن را انجام بده.

این دعای شریف به دو طریق از «محمد بن همام» روایت شده و او گفته است که:
شیخ ابو عمرو رحمته الله علیه این دعا را به او املا نموده و دستور به خواندن آن داده است؛
و آن، دعایی است برای زمان غیبت قائم آل محمد رحمته الله علیه:

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْكَ،

بارخدا! خودت را به من بشناسان؛ زیرا اگر خودت را به من نشناسانی تو و

وَلَمْ أَعْرِفْ رَسُولَكَ. اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي رَسُولَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي

پیامبرت را نمی‌شناسم. خدایا! پیامبرت را به من معرفی فرما؛ زیرا اگر پیامبرت را به من نشناسانی،

رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حُجَّتَكَ. اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ

حجت تو را نخواهم شناخت. خداوندا! حجتت را به من بشناسان؛ زیرا اگر

تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي . اللَّهُمَّ لَا تُمِتْنِي مِتَّةَ جَاهِلِيَّةٍ ،

حجّتت را به من شناسانی، نسبته به دینم گمراه می‌گردم. خدایا! مرا به مرگ جاهلیت نمیران

وَلَا تُزِعْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي . اللَّهُمَّ فَكَمَا هَدَيْتَنِي لِوِلَايَةِ مَنْ

و پس از آن که هدایت نمودی، قلبم را دچار انحراف و تردید مساز. ای خدا! همان گونه که مرا به ولایت و

فَرَضْتَ طَاعَتَهُ عَلَيَّ مِنْ وِلَاةِ أَمْرِكَ بَعْدَ رَسُولِكَ صَلِّوْا تُكَ عَلَيْهِ

دوستی آن کس که طاعتش را بر من واجب نمودی - یعنی: سرپرستان امرت پس از رسول گرامیت که درود تو بر او

وَالِهِ، حَتَّى وَالَيْتُ وِلَاةَ أَمْرِكَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ،

و آل او باد - رهنمون شدی، تا صاحبان حقیقی خلافت و والیان امرت یعنی: امیر مؤمنان علی بن ابی طالب،

وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَعَلِيًّا وَمُحَمَّدًا وَجَعْفَرًا وَمُوسَى وَعَلِيًّا

حسن، حسین، علی، محمد، جعفر، موسی، علی،

وَمُحَمَّدًا وَعَلِيًّا وَالْحَسَنَ وَالْحُجَّةَ الْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ صَلِّوْا تُكَ

محمد، علی، حسن و حجت قائم مهدی - که درودهای تو

عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ . اللَّهُمَّ ثَبِّتْنِي عَلَى دِينِكَ ، وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ ،

بر همه آنان باد - را دوست بدارم. ای خدا! مرا بر دین خودت ثابت بدار، و مرا بر طاعت خویش بکار گیر،

وَلْيَنْ قَلْبِي لِوَلِيِّ أَمْرِكَ، وَعَافِنِي مِمَّا امْتَحَنْتَ بِهِ خَلْقَكَ، وَثَبِّتْنِي

و قلبم را برای صاحب امرت مطیع و نرم کن، و مرا در عرصه‌های امتحان‌هایی که از بندگانت به عمل می‌آوری عافیت ببخش، و در

عَلَى طَاعَةِ وَلِيِّ أَمْرِكَ، الَّذِي سَتَرْتَهُ عَنْ خَلْقِكَ، فَبِإِذْنِكَ غَابَ

فرمان‌برداری از صاحب فرمانت استوارم ساز؛ همان کسی که از بندگانت پنهانش گرداندی؛ پس با اجازه تو

عَنْ بَرِيَّتِكَ، وَأَمْرِكَ يَنْتَظِرُ، وَأَنْتَ الْعَالِمُ غَيْرُ مُعَلَّمٍ بِالْوَقْتِ

از میان خلق پنهان شد، و منتظر فرمان توست؛ در حالی که تو آگاهی - بدون اینکه کسی تو را آگاه کند - به زمانی

الَّذِي فِيهِ صَلَاحُ أَمْرٍ وَّلِيِّكَ، فِي الْإِذْنِ لَهُ بِإِظْهَارِ أَمْرِهِ وَكَشْفِ

که در آن، کار ولایت را اصلاح فرمایی، و آن وقت به او اجازه فرمایی که امرش را آشکار نماید و از اسرارش برده

سِرِّهِ، وَصَبَّرْنِي عَلَى ذَلِكَ، حَتَّى لَا أَحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ، وَلَا

بردارد. و مرا بدان شکیبافردا تا شتاب در چیزی را نخواهم که تو تأخیرش را می‌خواهی، و

تَأخِيرَ مَا عَجَّلْتَ، وَلَا أَكْشِفَ عَمَّا سَتَرْتَ، وَلَا أَبْحَثَ عَمَّا كَتَمْتَ،

تأخیر چیزی را مطالبه نکنم که تو تعجیلش را اراده نموده‌ای، و پرده بر ندارم از آنچه تو پنهانش کرده‌ای، و چیزی را کاوش نکنم که تو پوشیده‌اش

وَلَا أَنَاذِعَكَ فِي تَدْبِيرِكَ، وَلَا أَقُولَ لِمَ وَكَيْفَ وَمَا بَالُ وَلِيِّ

فرموده‌ای، و نسبت به تدبیر تو (در کار عالم) با تو نزاع و مجادله نکنم، و در برابر اراده تو چون و چرا نکنم، و نگویم که چه شده و چرا صاحب

الْأَمْرِ لَا يَظْهَرُ وَقَدْ امْتَلَأَتِ الْأَرْضُ مِنَ الْجَوْرِ، وَأَفْوَضَ أُمُورِي

الأمر ظهور نمی‌کند - با این که زمین پر از ظلم و ستم گشته است؟! - (بلکه) همه کارها و امور عالم را به محضر مقدس

كُلِّهَا إِلَيْكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُرِينِي وَلِيِّ أَمْرِكَ ظَاهِرًا نَافِذًا

تو و می‌گذارم. بار خدایا! از تو می‌خواهم که جمال صاحب امرت را آشکارا به من بنمایانی در حالی که امرش در عالم،

الْأَمْرِ، مَعَ عِلْمِي بِأَنَّ لَكَ السُّلْطَانَ وَالْقُدْرَةَ، وَالْبُرْهَانَ وَالْحُجَّةَ،

نافذ است؛ با علم و آگاهییم به این که سلطنت، قدرت، برهان، دلیل رسا،

وَالْمَشِيئَةَ وَالْحَوْلَ وَالْقُوَّةَ، فَافْعَلْ ذَلِكَ بِي وَبِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ،

مشیت نافذه، نیرو و توانایی واقعی از آن توست. پس این لطف را به من و به همه مؤمنان بفرما

حَتَّى نَنْظُرَ إِلَى وِلِيِّكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، ظَاهِرَ الْمَقَالَةِ، وَاضِحَ

تا به ولایت - که درود تو بر او و آل او باد - آشکارا بنگریم، در حالی که با گفتار آشکار

الدَّلَالَةِ، هَادِيًا مِنَ الضَّلَالَةِ، شَافِيًا مِنَ الْجَهَالَةِ، وَأَبْرَزُ يَا رَبِّ

و دلالت روشنش، از گمراهی به راه هدایت رهنمون شویم، و از جهالت نجات پیدا کنیم. پروردگارا!

مُشَاهَدَتَهُ، وَثَبَّتْ قَوَاعِدَهُ، وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ تَقَرُّ عَيْنُهُ بِرُؤْيَيْتِهِ،

مشاهده او را آشکار فرما، و پایه‌های حکومتش را محکم گردان، و ما را از کسانی قرار ده که با دیدن جمالش، چشمش روشن گردد،

وَأَقِمْنَا بِخِدْمَتِهِ، وَتَوَقَّفْنَا عَلَى مِلَّتِهِ، وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ.

و ما را به خدمت او بپا دار، و بر ملت و آیین او بمیران، و روز قیامت نیز در گروه او محشور فرما.

اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ جَمِيعِ مَا خَلَقْتَ وَبَرَأْتَ، وَذَرَأْتَ وَأَنْشَأْتَ

خدایا! پناه بده او را از شر هر چه خلق کردی و پدید آوردی، آفریدی و ایجاد کردی،

وَصَوَّرْتَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ

و صورت و شکل بخشیدی، و حفظ فرما او را از مقابلش و پشت سرش و سمت راست و

بِحُجَّتِهِ

بِحُجَّتِ شَيْخِهِ



۳۵۶

شِمَالِهِ، وَمِنْ فَوْقِهِ وَمِنْ تَحْتِهِ، بِحِفْظِكَ الَّذِي لَا يَضِيعُ مَنْ

چپش، و از بالای سرش و زیر پایش؛ به نگهداری و حفظی که وقتی کسی را به آن گونه حفظ کنی

حَفِظْتَهُ بِهِ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَوَصِيَّ رَسُولِكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

ضایع و تباہ نمی‌شود، و با حفظ وجود او پیامبرت و وصی پیامبرت را - که درود بر ایشان باد - حفظ کن.

اللَّهُمَّ وَمُدِّ فِي عُمُرِهِ، وَزِدْ فِي أَجَلِهِ، وَأَعِنُّهُ عَلَى مَا وَلَّيْتَهُ

خداوندا؛ عمرش را طولانی کن، و بر مدت زندگانش بیفزای، و در ولایت و حکومتی که بدو عنایت کردی و واگذار نمودی

وَاسْتَرْعَيْتَهُ، وَزِدْ فِي كَرَامَتِكَ لَهُ، فَإِنَّهُ الْهَادِي الْمَهْدِي، وَالْقَائِمُ

و نگهبان ساختی کمکش فرما، و در کرامتت نسبت به او بیفزای؛ زیرا او هدایت‌کننده بشر و هدایت یافته و قیام‌کننده

الْمُهْتَدِي، الطَّاهِرُ التَّقِيُّ الزَّكِيُّ النَّقِيُّ الرَّضِيُّ الْمَرْضِيُّ الصَّابِرُ

برای هدایت خلق است؛ گوهر پاک، باتقوا، پاک سرشت، پاک سیرت، صاحب مقام رضا و خشنودی،

الشُّكُورُ الْمُجْتَهِدُ. اللَّهُمَّ وَلَا تَسْلُبْنَا الْيَقِينَ لِطُولِ الْأَمَدِ فِي

و شکوفا در بلا و مصایب، شکرگزار، مجاهد و تلاشگر است. خدایا؛ به واسطه دراز شدن زمان

غَيْبَتِهِ، وَانْقِطَاعِ خَبَرِهِ عَنَّا، وَلَا تُسِنَا ذِكْرَهُ وَانْتِظَارَهُ، وَالْإِيمَانَ

غیبتش و قطع شدن خبرش از ما، یقین ما را زایل مگردان؛ و از یاد ما مبر یادش را و انتظارش را و ایمان

بِهِ، وَقُوَّةَ الْيَقِينِ فِي ظُهُورِهِ، وَالِدُعَاءَ لَهُ وَالصَّلَاةَ عَلَيْهِ، حَتَّى

به او را، و یقین استوار بر ظهورش را، و دعاکردن برای (وجود نازنینش)، و درود فرستادن (بر آن حضرت) را؛ تا

لَا يُقِنُّنَا طَوْلُ غَيْبَتِهِ مِنْ [ظُهُورِهِ وَ] قِيَامِهِ، وَيَكُونَ يَقِينًا فِي

طولانی شدن زمان غیبتش ما را از ظهور و قیام برحقش ناامید نسازد؛ و یقین و باور ما به قیام او و ظهور او

ذَلِكَ كَيْقِينَا فِي قِيَامِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَمَا جَاءَ بِهِ

همانند یقین ما به قیام پیامبر خدا - که درود خدا بر او و آل او باد - و

مِنْ وَحْيِكَ وَتَنْزِيلِكَ، وَقَوِّ قُلُوبَنَا عَلَى الْإِيمَانِ بِهِ، حَتَّى تَسْلُكَ

وحی و کتاب نازل شده بر او، محکم و استوار باشد. و قلبهای ما را بر ایمان به او تقویت کن تا

بِنَا عَلَى يَدَيْهِ مِنْهَاجِ الْهُدَى وَالْمَحَجَّةِ الْعُظْمَى، وَالطَّرِيقَةَ

به دست مبارکش راه هدایت و شاهراه روشن و مسیر اعتدال را بییماییم.

الْوَسْطَى، وَقَوْنَا عَلَى طَاعَتِهِ، وَثَبَّتْنَا عَلَى مُتَابَعَتِهِ، وَاجْعَلْنَا فِي

و ما را بر اطاعت و فرمان برداری از او نیرو بخش، و بر پیرویش ثابت بدار، و ما را در

حِزْبِهِ وَأَعْوَانِهِ وَأَنْصَارِهِ، وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ، وَلَا تَسْلُبْنَا ذَلِكَ فِي

گروه او و یاران و یاورانش و کسانی که به کار او خشنودند؛ قرار بده. و این ایمان و عقیده را در

حَيَاتِنَا، وَلَا عِنْدَ وَفَاتِنَا، حَتَّى تَتَوَفَّانَا وَنَحْنُ عَلَى ذَلِكَ لَا شَاكِينَ

زندگی و مرگ ما از ما مگیر، تا در حالی ما را بمیرانی که نه دچار شک و تردید شده،

وَلَا نَاكِبِينَ، وَلَا مُرْتَابِينَ وَلَا مُكْذِبِينَ. اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ، وَأَيِّدْهُ

و نه پیمان شکسته باشیم، و نه در مورد آن دودل بوده و نه آن را تکذیب کنیم. خداوندا؛ در فرجش تعجیل فرما، و

بِالنَّصْرِ، وَأَنْصُرْ نَاصِرِيهِ، وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ، وَدَمِّمْ عَلَى مَنْ

با یاریت تأییدش کن، و یارانش را یاری کن، و آنان را که ترک یاری او می کنند ذلیل و خوار بنما، و هر آن که

نَصَبَ لَهُ وَكَذَّبَ بِهِ، وَأَظْهَرِ بِهِ الْحَقَّ، وَأَمِتْ بِهِ الْجَوْرَ، وَاسْتَنْقِذْ

رودررویش به جنگ بایستد و او را تکذیب کند نابودش کن، و حق را به واسطه او آشکار نما، و ستم را به وسیله او بمیران، و

بِهِ عِبَادَكَ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الذُّلِّ، وَانْعَشْ بِهِ الْبِلَادَ، وَاقْتُلْ بِهِ

بندگان مؤمنان را به واسطه او از خواری و ذلت برهان، و عالم را به وجودش آباد گردان، و

جَبَابِرَةَ الْكُفْرَةِ، وَأَقْصِمْ بِهِ رُؤُوسَ الضَّلَالَةِ، وَذَلِّلْ [بِهِ] الْجَبَّارِينَ

سرکشان کافر را توسط او هلاک کن، و سران گمراهی را به وسیله او درهم شکن، و طغیان پیشگان

وَالْكَافِرِينَ، وَأَبِرْ بِهِ الْمُنَافِقِينَ وَالنَّاكِبِينَ، وَجَمِيعَ الْمُخَالِفِينَ

و کافران را (توسط او) ذلیل فرما. و همه منافقان و عهدشکنان، و تمام مخالفان

وَالْمُلْحِدِينَ، فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا،

و ملحدان بی دین را - در شرق و غرب عالم، در دریا و خشکی،

وَسَهْلِهَا وَجَبَلِهَا، حَتَّى لَا تَدَعَ مِنْهُمْ دِيَارًا، وَلَا تُبْقِيَ لَهُمْ آثَارًا،

در کوهها و دشتها به وسیله او هلاک فرما؛ تا کسی از آنان وانگذاری، و اثری از آنها باقی نگذاری.

وَطَهَّرْ مِنْهُمْ بِلَادَكَ، وَأَشْفِ مِنْهُمْ صُدُورَ عِبَادِكَ. وَجَدِّدْ بِهِ مَا

و سرزمین هایت را از لوث وجود آنان پاک گردان، و سینه بندگانت را با هلاکت دشمنان، شفا عنایت فرما. و آنچه

امْتَحِي مِنْ دِينِكَ، وَأَصْلِحْ بِهِ مَا بَدَّلَ مِنْ حُكْمِكَ، وَغَيْرَ مَنْ

از دینت محو شده است به وسیله او بازسازی کن؛ و هر آنچه از احکامت دگرگونی یافته، و از سنت تو تغییر داده

سُنَّتِكَ، حَتَّى يَعُودَ دِينُكَ بِهِ وَعَلَى يَدَيْهِ غَضًّا جَدِيدًا صَاحِبًا

شده است اصلاح کن؛ تا دین تو به دست مبارکش به صورت تازه و نو و صحیح اعاده گردد به گونه‌ای

لَا عِوَجَ فِيهِ، وَلَا بِدْعَةَ مَعَهُ، حَتَّى تُطْفِئَ بِعَدْلِهِ نِيرَانَ الْكَافِرِينَ،

که هیچ کژی در آن نباشد و هیچ بدعتی به همراه آن نباشد تا با عدل و داد او آتش فتنه‌های کافران را خاموش نمایی؛

فَإِنَّهُ عَبْدُكَ الَّذِي اسْتَخْلَصْتَهُ لِنَفْسِكَ، وَأَرْتَضِيْتَهُ لِنُصْرَةِ دِينِكَ،

زیرا او بنده مخلص توست که برای خودت خالص گردانیدی، و برای پاری دینت او را پسندیدی،

وَاصْطَفَيْتَهُ بِعِلْمِكَ، وَعَصَمْتَهُ مِنَ الذُّنُوبِ، وَبَرَّأْتَهُ مِنَ الْعُيُوبِ،

و با علم بی‌نهایت او را برگزیدی، و از گناهان او را باز داشتی و نگهداری کردی، و از عیب‌ها پیراسته‌اش کردی،

وَأَطْلَعْتَهُ عَلَى الْغُيُوبِ، وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ، وَطَهَّرْتَهُ مِنَ الرَّجْسِ،

و بر پنهانی‌ها مطلعش ساختی، و بر او نعمت ارزانی داشتی، و از هر گونه پلیدی پاکش گردانیدی،

وَنَقَّيْتَهُ مِنَ الدَّنَسِ . اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ اٰبَائِهِ الْاَيْمَّةِ

و از هر نوع آلودگی پاکیزه‌اش ساختی. بار خدایا؛ بر او و پدرانش - آن پیشوایان

الطَّاهِرِينَ، وَعَلَىٰ شَيْعَتِهِ الْمُتَّجِبِينَ، وَبَلِّغْهُمْ مِنْ اَمَالِهِمْ اَفْضَلَ

پاک - و بر پیروان نیک‌نژادش رحمت فرست؛ و آن‌ها را به آرزوهای‌شان به برتر

مَا يَأْمُلُونَ، وَاجْعَلْ ذَلِكَ مِنَّا خَالِصًا مِنْ كُلِّ شَكٍّ وَشُبْهَةٍ وَرِيَاءٍ

از آنچه امید دارند برسان، و این دعا را از ما خالص و به دور از شک و شبهه و ریا

وَسُمْعَةٍ، حَتَّى لَا تُرِيدَ بِهِ غَيْرَكَ، وَلَا نَطْلُبَ بِهِ اِلَّا وَجْهَكَ . اَللّٰهُمَّ

و سماعه قرار بده؛ آن گونه که با این کار، به غیر تو اعتماد نکنیم و از این کار، جز تو را نطلبیم. خداوند!؛

اِنَّا نَشْكُو اِلَيْكَ فَقَدْ نَبِيْنَا، وَغَيْبَةَ وَّلِيْنَا، وَشِدَّةَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا،

ما به تو شکایت می‌بریم از فقدان پیامبران؛ و از غیبت ولی‌مان، و سختی دوران بر ما،

وَوُقُوعَ الْفِتَنِ بِنَا، وَتَظَاهِرَ الْاَعْدَاءِ [عَلَيْنَا]، وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا، وَقِلَّةَ

و وقوع فتنه‌های گوناگون نسبت به ما، و تظاهر و پشتیبانی دشمنان از یکدیگر علیه ما، و زیادی دشمن ما و کمی

عَدَدِنَا. اَللّٰهُمَّ فَفَرِّجْ ذٰلِكَ بِفَتْحٍ مِنْكَ تُعَجِّلُهُ، وَتَنْصُرِ مِنْكَ تَعِزُّهُ،

جمعیت خودمان. خدایا؛ با فتح و گشایشی از جانب خویش ما را از این اندوه‌ها به سرعت رهایی بخش. و یاری با عزت

وَ اِمَامٍ عَدْلٍ تُظْهِرُهُ، اِلٰهَ الْحَقِّ [اٰمِنَ] رَبِّ الْعٰلَمِيْنَ. اَللّٰهُمَّ اِنَّا

و ظهور پیشوای عادل را نصیب‌مان فرما؛ ای خدای به حق، و پروردگار جهانیان؛ این دعا را اجابت کن. خدایا؛

نَسْأَلُكَ اَنْ تَاذِنَ لَوْلِيِّكَ فِي اِظْهَارِ عَدْلِكَ فِي عِبَادِكَ، وَقَتْلِ

از درگاهت می‌خواهیم که به ولایت اجازه دهی تا عدلت را در میان خلقت آشکار نماید، و

اَعْدَائِكَ فِي بِلَادِكَ، حَتّٰى لَا تَدَعَ لِلْجَوْرِ يَا رَبِّ دِعَامَةً اِلَّا

دشمنانت را در سرزمین‌هایت هلاک گرداند؛ تا هیچ پایگاه و رکنی برای ستم باقی نگذاری ای پروردگار من؛ و همه پایگاه‌های

قَصَمْتَهَا، وَلَا بَقِيَّةً اِلَّا اَفْنَيْتَهَا، وَلَا قُوَّةً اِلَّا اَوْهَنْتَهَا، وَلَا رُكْنًا اِلَّا

آنان را درهم شکنی، و بقایای آنان را نابود گردانی، و نیروهای‌شان را سست نمایی، و پایه‌های آنها را

هَدَمْتَهُ، وَلَا حَدًّا اِلَّا فَلَئْتَهُ، وَلَا سِلَاحًا اِلَّا اَكَلْتَهُ، وَلَا رَايَةً اِلَّا

ویران سازی، و تیزی و سختی آنها را کند و بی‌اثر گردانی، و سلاح‌شان را از کار بیندازی، و پرچم آنها را

نَكَّسْتَهَا، وَلَا شُجَاعًا اِلَّا قَتَلْتَهُ، وَلَا جَيْشًا اِلَّا خَذَلْتَهُ، وَارْمِهِمْ

سرتگون سازی، و شجاعان آنها را نابود کنی، و سپاه‌شان را شکست‌خورده و خوار سازی.

يَا رَبِّ بِحَجَرِكَ الدَّامِغِ، وَاضْرِبْهُمْ بِسَيْفِكَ الْقَاطِعِ، وَبَأْسِكَ الَّذِي

پروردگارا؛ سنگ نابودکننده‌ات را به سوی ایشان رها کن، و شمشیر بزرگت را بر ایشان فرود آور، و آنها را دچار عذابی

لَا تَرُدُّهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِيْنَ، وَعَذِّبْ اَعْدَاءَكَ، وَاعْدَاءَ دِيْنِكَ

کن که هر گروه مجرم از آن رهایی ندارند، و دشمنانت و دشمنان دین

وَ اَعْدَاءَ رَسُوْلِكَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ، بِيَدِ وَّلِيِّكَ، وَاَيْدِي عِبَادِكَ

و پیامبرت - درود تو بر او و آل او باد - را به دست ولایت و بندگان

الْمُؤْمِنِيْنَ. اَللّٰهُمَّ اكْفِ وَّلِيَّكَ وَحُجَّتَكَ فِي اَرْضِكَ هَوْلَ عَدُوِّهِ،

مؤمنان، معذب فرما. خداوندا؛ ولی و حجت خویش را بر زمین از ترس دشمنانش

وَ كَيْدٍ مِّنْ كَادِهِ، وَاْمَكْرٍ بِمَنْ مَكَرَ بِهِ، وَاجْعَلْ دَايْرَةَ السُّوْءِ عَلٰى

و از مکر حيله‌گران کفایت فرما، و با آن کسی که با او مکر کند مکر کن، و حلقه بدی را برای

بِحَسْبِ

بِحَسْبِ شَشْمِ



۳۶۰

مَنْ أَرَادَ بِهِ سُوءًا، وَاقْطَعُ عَنْهُ مَادَّتَهُمْ، وَأَزْعِبْ لَهُ قُلُوبَهُمْ،

بدخواهانش قرار بده، و اصل و اساس آنها را از وجود مقدسش قطع کن، و ترس و هیبتش را در دل‌های ایشان ایجاد گردان؛

وَزَلِزِلْ [لَهُ] أَقْدَامَهُمْ، وَخُذْهُمْ جَهْرَةً وَبِغْتَةً، وَشَدِّدْ عَلَيْهِمْ

و قدم‌هایشان را سست و لرزان قرار ده، و به قهر ناگهانیت به طور آشکار گرفتارشان کرده، و عذابت را بر آنها شدید

عَذَابِكَ، وَأَخْزِهِمْ فِي عِبَادِكَ، وَالْعَنَّهُمْ فِي بِلَادِكَ، وَأَسْكِنَهُمْ

نما، و در بین بندگانت خوار و ذلیل‌شان فرما، و در میان شهرها آنها را مورد لعن قرار بده، و در

أَسْفَلَ نَارِكَ، وَأَحِطْ بِهِمْ أَشَدَّ عَذَابِكَ، وَأَصْلِحْ لَهُمْ نَارًا، وَاحْشُ

پست‌ترین نقطه جهنم سکونت‌شان بده، و اطراف آنها را با سخت‌ترین عذابت احاطه کن و به آتش دوزخ بیفکن،

قُبُورَ مَوْتَاهُمْ نَارًا، وَأَصْلِحْ لَهُمْ حَرَّ نَارِكَ، فَإِنَّهُمْ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ،

و قبرهای مردگان آنها را پر از آتش گردان، و حرارت و سوزندگی آتش را به آنها بچشان؛ زیرا آنها نماز را تباه کردند،

وَاتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ، وَأَضَلُّوا عِبَادَكَ. اللَّهُمَّ وَأَخِي بَوْلِيكَ الْقُرْآنَ،

از شهوت‌ها پیروی کردند، و بندگانت را گمراه ساختند. خدایا؛ با وجود ولایت (صاحب الامر علیه السلام) قرآن را زنده کن،

وَأَرِنَا نُورَهُ سَرْمَدًا، لَا ظُلْمَةَ فِيهِ، وَأَخِي [بِهِ] الْقُلُوبَ الْمَيِّتَةَ،

و نور جمال او را به طور دائم و همیشگی به ما بنمایان؛ به گونه‌ای که هرگز تاریکی گرد آن نور را نگیرد. و به واسطه او قلب‌های مرده را حیات

وَأَشْفِ بِهِ الصُّدُورَ الْوَعْرَةَ، وَاجْمَعْ بِهِ الْأَهْوَاءَ الْمُخْتَلِفَةَ عَلَى

بخش، و سینه‌های سوخته را شفا بده، و هواهای گوناگون و نظرات مختلف را با رأی او بر محور

الْحَقِّ، وَأَقِمْ بِهِ الْحُدُودَ الْمُعْطَلَةَ، وَالْأَحْكَامَ الْمُهْمَلَةَ، حَتَّى

حق جمع بگردان، و حدود الهی تعطیل شده و احکام ترک شده را به وسیله او برپا بدار؛ تا

لَا يَبْقَى حَقٌّ إِلَّا ظَهَرَ، وَلَا عَدْلٌ إِلَّا زَهَرَ، وَاجْعَلْنَا يَا رَبِّ مِنْ

حقی نماند مگر این که ظاهر گردد، و عدلی نماند مگر این که درخشان شود. بارپروردگارا؛ ما را از

أَعْوَانِهِ وَمَقْوِيَّةِ سُلْطَانِهِ وَالْمُؤْتَمِرِينَ لِأَمْرِهِ، وَالرَّاضِينَ بِفِعْلِهِ،

یاران او و تقویت‌کنندگان حکومتش و فرمان‌بران دستورش و از آنانی که به کار آن حضرت خشنود هستند،

وَالْمُسْلِمِينَ لِأَحْكَامِهِ، وَمِمَّنْ لَا حَاجَةَ بِهِ إِلَى التَّقِيَّةِ مِنْ خَلْقِكَ،

و در برابر احکام و فرامین او تسلیمند، و نیازی به تقیه‌کردن از آنها در میان بندگانت ندارد قرار ده.

أَنْتَ يَا رَبُّ الَّذِي تَكْشِفُ الضُّرَّ، وَتُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاكَ،

ای پروردگار! تو هستی که هر اندوه و بلایی را برطرف می‌کنی، و هر مضطر بیچاره‌ای را که تو را بخواند، اجابت می‌فرمایی،

وَتُنْجِي مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ، فَاكْشِفِ الضُّرَّ عَنِّي وَلِيَّكَ، وَاجْعَلْهُ

و از سختی و اندوه بزرگ نجاتش می‌دهی؛ پس ناراحتی را از وجود ولایت برطرف کن و او را

خَلِيفَتَكَ فِي أَرْضِكَ كَمَا ضَمِنْتَ لَهُ. اَللَّهُمَّ وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ

جانشینت در زمینت قرار ده؛ همان گونه که این امر را تضمین فرموده‌ای. خداوند! مرا از

خُصَمَاءِ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَعْدَاءِ آلِ

خصومتگران آل محمد - که سلام و درود بر آنها باد - قرار مده، و مرا در زمره دشمنان آل

مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَلَا تَجْعَلْنِي مِنْ أَهْلِ الْحَنَقِ وَالغَيْظِ عَلَيَّ

محمد - که سلام و درود بر آنها باد - مقرر نکن؛ و مرا از آنانی قرار مده که نسبت

إِلَى مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، فَإِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ ذَلِكَ فَأَعِدْنِي،

به آل محمد - سلام و درود بر آنها باد - کینه و خشم دارند؛ چرا که من از این امر به تو پناه می‌برم پس پناهم ده،

وَأَسْتَجِيرُ بِكَ فَأَجِرْنِي. اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

و از تو امان می‌طلبم؛ پس ایمان بده. خدایا! بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرست،

وَاجْعَلْنِي بِهِمْ فَائِزاً عِنْدَكَ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ،

و مرا در دنیا و آخرت به واسطه ایشان از رستگاران و مقربان درگاهت قرار ده.

أَمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ ۱

ای پروردگار جهانیان؛ این دعاها را اجابت فرما.

صاحب کتاب «مکیال المکارم» نگاشته است: سید بزرگوار علی بن طاووس رحمته الله علیه در «جمال الأسبوع» هنگام ذکر دعای مذکور و تشویق و ترغیب به خواندن آن در عصر روز جمعه می‌نویسد:

«اگر در مورد اعمالی که ذکر کردیم عذری داری، پس حذر کن که این دعا را در تعقیب نماز عصر روز جمعه ترک کنی؛ زیرا ما آن را با فضل الهی که به ما مخصوص

گردانیده است شناختیم؛ پس همواره بر آن اعتماد کن.»

سپس دعا را با همان اسنادی که گذشت ذکر می‌کند؛ و این عبارت دلالت دارد که دستوری در مورد این دعا از ناحیه حضرت صاحب الزمان عجل الله فرجه صادر شده است؛ البته نقل چنین مطلبی از مقامات عالیة سید، بعید نیست. امیدوارم خدا از بهترین برکاتش او را بهره‌مند سازد.^۱



دعای دیگر در زمان غیبت

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمه الله در «مهج الدعوات» می‌فرماید: به سند خود روایت می‌کنم از محمد بن احمد جعفی حدیثی را که او با سند خویش روایت نموده است و در آن، از غیبت حضرت مهدی ارواحنا فداء یاد کرده است. گفتم: شیعه باید در آن زمان چه کند؟ فرمود:

بر شما باد دعا کردن و انتظار فرج؛ زیرا به زودی برای شما نشانه‌ای آشکار خواهد شد و هر گاه نشانه بر شما آشکار گشت خدای را سپاس گوئید، و بدان تمسک جوئید. گفتم: چه دعایی بخوانیم؟ فرمود: می‌گویی:

اللَّهُمَّ أَنْتَ عَرَّفْتَنِي نَفْسَكَ، وَعَرَّفْتَنِي رَسُولَكَ، وَعَرَّفْتَنِي

خدایا؛ تو خود را به من شناساندی و فرستاده‌ات را به من معرفی کردی، و

مَلَائِكَتَكَ، وَعَرَّفْتَنِي نَبِيَّكَ، وَعَرَّفْتَنِي وِلَاةَ أَمْرِكَ. اللَّهُمَّ لَا اخِذَ

فرشتگان را شناساندی و پیامبرت را معرفی کردی و سرپرستان امرت را به من شناساندی. خدایا؛ گیرنده (عطایی) نیست

إِلَّا مَا أُعْطِيَ، وَلَا وَاقِيَ إِلَّا مَا وَقَّيْتَ. اللَّهُمَّ لَا تُغَيِّبْنِي عَنْ

مگر آنچه را تو عطا کنی، و بازدارنده‌ای نیست جز از آنچه تو باز داری. خداوندا؛ مرا از



مَنَازِلِ أَوْلِيَاءِكَ، وَلَا تُزِعْ قَلْبِي بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنِي. اللَّهُمَّ اهْدِنِي

مرتبه و جایگاه اولیای پنهان مدار، و قلبم را پس از هدایت دچار انحراف مگردان. خدایا! مرا به ولایت کسی راهنمایی کن

لِوَلَايَةِ مَنْ افْتَرَضْتَ طَاعَتَهُ. ۱

که طاعتش را بر من واجب گردانیدی.



دعای دیگری نیز در زمان غیبت

شیخ کلینی رضی الله عنه از زراره، و او از امام صادق رضی الله عنه روایتی را نقل می‌کند که مضمون آن چنین است:

چاره‌ای برای او نیست مگر این که غایب شود.

من گفتم: چرا چنین است؟

حضرت فرمودند: می‌ترسد - و با دست مبارکش به شکمش اشاره فرمود - و او امام منتظر می‌باشد که انتظارش را باید کشید، و او کسی است که مردم در ولاتش شک می‌کنند، پس عده‌ای از آنان می‌گویند که ایشان هنوز متولد نشده است و عده‌ای دیگر می‌گویند که پدر ایشان از دنیا رفته و جانشینی نداشته است و گروه دیگری می‌گویند که ایشان دو سال قبل از فوت پدرشان به دنیا آمده است.

زراره گفت: به حضرت گفتم: اگر آن زمان را درک کردم، به چه چیزی مرا امر می‌کنید؟ فرمود:

خدا را به این دعا بخوان:

اللَّهُمَّ عَرَّفْنِي نَفْسِكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْكَ. اللَّهُمَّ

بار خدایا! خودت را به من بشناسان، پس اگر تو خودت را به من نشناسانی، من هرگز تو را نمی‌توانم بشناسم. بار خدایا!

عَرَّفْنِي نَبِيِّكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي نَبِيَّكَ لَمْ أَعْرِفْهُ [قَطُّ]. اللَّهُمَّ

پیامبرت را به من بشناسان، پس اگر تو پیامبرت را به من نشناسانی، من هرگز نمی‌توانم او را بشناسم. بار خدایا!

عَرَّفَنِي حُجَّتَكَ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَكَ ضَلَّتُ عَنْ دِينِي.^۱

حجت خودت را به من بشناسان، پس اگر تو او را به من نشناسانی، از دین خود گمراه می‌شوم.



دعای غریق در زمان غیبت

سید بزرگوار رضی الدین علی بن طاووس رحمه الله در کتاب «مهج الدعوات» از عبدالله بن سنان نقل کرده که امام صادق علیه السلام فرمودند:

به زودی شبهه‌ای شما را فرا می‌گیرد، پس شما بدون راهنما و امامی هدایت کننده باقی خواهید ماند و نجات پیدا نمی‌کند مگر کسی که به وسیله «دعای غریق» خدا را بخواند.

عبدالله بن سنان گفت: دعای غریق چگونه است؟
حضرت فرمودند: می‌خوانی:

يَا اللَّهُ يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ، يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ.

ای خدا؛ ای مهربان؛ ای بخشنده؛ ای دگرگون کننده قلبها؛ قلب مرا بر دین خود (و لزوم پیروی از آن) ثابت بدار.

پس گفتم: يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ، ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ.

ای دگرگون کننده قلبها و دیده‌ها؛ قلب مرا در پیروی از دین خود استوار کن.

پس حضرت فرمودند:

همانا خداوند بلند مرتبه، «دگرگون کننده قلبها و دیده‌ها می‌باشد»، ولی تو آن طور که من می‌خوانم، بخوان، یعنی به این صورت: يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ.

سید رحمه الله می‌فرماید: شاید مراد از فرمایش حضرت در مورد «الأبصار» این باشد که دگرگونی قلبها و دیده‌ها مربوط به قیامت است؛ به خاطر این که ترس و وحشت در



آن روز بسیار شدید می باشد ولی ترس در زمان غیبت، از دگرگون شدن دلها است نه دیده‌ها.^۱



دعایی مناسب با زمان غیبت

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمه الله می فرماید: در خواب کسی را دیدم که دعایی را به من آموخت و مناسب است در زمان غیبت خوانده شود و الفاظ آن چنین بود:

يَا مَنْ فَضَّلَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ إِسْرَائِيلَ عَلَى الْعَالَمِينَ بِاخْتِيَارِهِ،

ای کسی که به انتخاب و اختیار خود آل ابراهیم و آل اسرائیل را بر عالمیان فضیلت و برتری دادی

وَأَظْهَرَ فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ عِزَّةَ اقْتِدَارِهِ، وَأَوْدَعَ

و در ملکوت آسمانها و زمین عزت و اقتدار خویش را آشکار کردی و

مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَهْلَ بَيْتِهِ غَرَائِبَ أَسْرَارِهِ، [صَلِّ عَلَى

اسرار شگفت خود را در نزد حضرت محمد و اهل بیت پاکش - که درود و سلام خدا بر او و اهل بیت او باد - به امانت گذاشتی، بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ]، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَعْوَانِ حُجَّتِكَ عَلَى عِبَادِكَ وَأَنْصَارِهِ.^۲

محمد و آل او درود بفرست و مرا از مددکاران حجتت بر بندگانت و از یاوران او قرار بده.



دعای نجات از فتنه‌های آخر الزمان

در کتاب «سلاح المؤمنین» این دعا برای رهایی و نجات از فتنه‌های آخر الزمان نقل شده است:

۱. مهج الدعوات: ۳۹۶.

۲. مهج الدعوات: ۳۹۶، بحار الأنوار: ۳۳۶/۹۵، النجم الثاقب: ۴۸۲/۲.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ، (يا أرحم

خدایا؛ بر محمد و آل محمد درود فرست و فرج ایشان را نزدیک فرما، (ای مهربان‌ترین

الرحمین هفت مرتبه تکرار شود). اللَّهُمَّ عَمَّ أَعْدَاءِ آلِ نَبِيِّكَ وَظَالِمِيهِمْ

خدایا؛ بدی و بدبختی را بر سر دشمنان و ستمگران بر آل پیامبر

(مهربانان)

وَأَعْدَاءِ شِيَعَتِهِمْ، وَأَعْدَاءِ مَوَالِيهِمْ بِالْشَّرِّ عَمَّا، وَطَمَّهِمْ بِالْشَّرِّ

و دشمنان شیعیان و موالیان آنان فرود آور، و بر آنان فراگیر کن، و آنان

طَمًّا، وَاطْرُقُهُمْ بِلَيْلَةٍ لَا أُخْتَّ لَهَا، وَسَاعَةَ لَا مَنْجِيَّ مِنْهَا، وَانْتَقِمْ

را در یک شب درهم یکوب که نظیری نداشته باشد، و در یک ساعت آنان را در هم یکوب که محل نجاتی برای آنان نباشد و از

مِنْهُمْ انتِقَامًا عَاجِلًا، وَأَحْرِقْ قُلُوبَهُمْ بِنَارِ غَضَبِكَ. اللَّهُمَّ شَتِّتْ

آنان به زودی انتقام بگیر و قلب‌هایشان را با آتش غضب خودت بسوزان. خدایا؛

شَمْلَهُمْ، وَفَرِّقْ جَمْعَهُمْ، وَقَلِّبْ تَدْبِيرَهُمْ، وَنَكِّسْ أَعْلَامَهُمْ،

اجتماع آنان را پراکنده و جمع ایشان را متفرق ساز، و چاره‌اندیشی‌ها و نقشه‌های آن‌ها را دگرگون کن، و پرچم‌های‌شان را واژگون فرما،

وَخَرِّبْ بُنْيَانَهُمْ، وَقَرِّبْ أَجَالَهُمْ، وَأَلْقِ بِأَسْهُمِ بَيْنَهُمْ، وَاجْعَلْنَا

و ریشه و بنیان آن‌ها را برکن، و زمان مرگ آنان را نزدیک فرما، و سختی‌های‌شان را بین خودشان ببنداز، و ما را

مِنْ بَيْنِهِمْ سَالِمِينَ، وَخُذْهُمْ أَخْذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ. اللَّهُمَّ أَلْقِ الْأَوْجَاعَ

در بین آنان سالم و محفوظ بدار، و آنان را گرفتار کن گرفتار شخص قدرتمند بااقتدار. بار خدایا؛ دردها

وَالْأَسْقَامَ فِي أَبْدَانِهِمْ، وَضَيِّقْ مَسَالِكَهُمْ، وَاسْلُبْهُمْ مَمَالِكَهُمْ،

و بیماری‌ها را بر بدن‌های آنان مسلط فرما و راه‌های آنان را تنگ نما و کشورهای تحت سلطه آنها را از دست ایشان خارج کن،

وَخَيِّرْهُمْ فِي سُبُلِهِمْ، وَاقْطَعْ عَنْهُمْ الْمَدَدَ، وَانْقُصْ مِنْهُمْ الْعَدَدَ.

و آنان را در راه‌ها و نقشه‌های‌شان متحیر و سرگردان کن و کمک‌رسانی را از ایشان قطع کن و تعداد آنان را کم کن.

اللَّهُمَّ وَاحْفَظْ مَوَالِيَ آلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مِنْ شُرُورِهِمْ،

بار خدایا؛ دوستان اهل بیت رسولت - که بر آنان درود باد - را از شر آنان محفوظ بدار،

وَسَلَّمْتَهُمْ مِنْ مَكْرِهِمْ، وَخَدَعْتَهُمْ وَضُرَّهِمْ، وَأَنْصَرْتَهُمْ عَلَيْهِمْ

و آنها را از مکر و خدعه و نیرنگ و زیان آنان سالم نگه دار؛ و آنها را با کمک خود بر آنان پیروز فرما؛

بِنَصْرِكَ، وَاجْمَعْ كَلِمَتَهُمْ، وَأَلْفَ جَمْعَهُمْ، وَدَبِّرْ أَمْرَهُمْ، وَعَرِّفْهُمْ

و بین ایشان وحدت و یکپارچگی برقرار فرما؛ و جمع ایشان را گردآوری کن؛ و امور ایشان را تدبیر فرما؛ و آنها را

مَا يَجْهَلُونَ، وَعَلَّمْتَهُمْ مَا لَا يَعْلَمُونَ، وَبَصَّرْتَهُمْ مَا لَا يُبْصِرُونَ،

با آنچه آشنایی ندارند، آشنا فرما؛ و آنچه را نمی دانند به آنها بیاموز؛ و با آنچه که نسبت به آن بصیرت و آگاهی ندارند، آگاه فرما؛

وَأَعْلِ كَلِمَتَهُمْ، وَاجْعَلْهَا الْعُلْيَا، وَاجْعَلْ كَلِمَةَ الْأَعْدَاءِ السُّفْلَى.

و حکم و اراده ایشان را والا و آن را برتر قرار بده و حکم و اراده دشمنان را پایین تر قرار بده.



دعای امام جواد علیه السلام

برای رفع ظلم و ستم از جهان

سید بزرگوار علی بن طاووس رحمته الله این دعا را در کتاب «مهج الدعوات» از مولایمان

امام جواد علیه السلام نقل می کند که عبارتست از:

اللَّهُمَّ إِنَّ ظُلْمَ عِبَادِكَ قَدْ تَمَكَّنَ فِي بِلَادِكَ حَتَّى أَمَاتَ الْعَدْلَ،

بار خدایا! همانا ظلم و ستم بندگانت در سرزمین های تو قدرت و توانایی یافته و عدالت را از بین برده

وَقَطَعَ السُّبُلَ، وَمَحَقَ الْحَقَّ، وَأَبْطَلَ الصِّدْقَ، وَأَخْفَى الْبِرَّ،

و راه های هدایت را قطع کرده و حق و حقیقت را از بین برده و صدق و راستی را نابود کرده و خیر و نیکی را مخفی کرده

وَأَظْهَرَ الشَّرَّ، وَأَخْمَدَ التَّقْوَى، وَأَزَالَ الْهُدَى، وَأَزَاخَ الْخَيْرَ،

و شرارت و بدبختی را آشکار کرده و نور تقوا را خاموش کرده و هدایت و خوشبختی را نابود کرده و خیر و برکت کنار گذاشته شده

وَأَثَبَتَ الضَّيْرَ، وَأَنْمَى الْفُسَادَ، وَقَوَّى الْعِنَادَ، وَبَسَطَ الْجَوْرَ،

و کجی و خروج از حق را تثبیت کرده و فساد و تباهی را رشد داده و کدورت و کینه توزی را در بین مردم تقویت نموده و ستمگری را گسترش داده

وَعَدَى الطُّورِ. اللَّهُمَّ يَا رَبِّ لَا يَكْشِفُ ذَلِكَ إِلَّا سُلْطَانُكَ، وَلَا

و از حدّ تجاوز کرده است. بار خدایا! ای پروردگار عالمیان؛ هیچ کس و هیچ چیزی جز سلطنت و قدرت تو آن‌ها را برطرف نمی‌کند

يُجِيرُ مِنْهُ إِلَّا امْتِنَانُكَ. اللَّهُمَّ رَبِّ فَاثْبُرِ الظُّلْمَ، وَبُتِّ حِبَالَ

و هیچ کس قادر به نجات مردم از دست آنان نیست مگر لطف و بخشش تو. بار پروردگارا؛ ریشهٔ ظلم و ستم را قطع کن، و طناب

الغشم، وَأَخْمِدُ سُوقَ الْمُنْكَرِ، وَأَعِزِّ مَنْ عَنَّهُ يَنْزَجِرُ، وَأَخْصِدُ

ستمگزی و بیدادگری را پاره پاره کن و بازار شرارت و بدی را کساد کن و کسانی را که از آنها نفرت دارند، عزیز فرما؛ و

شَافَةَ أَهْلِ الْجَوْرِ، وَالْبِسْهُمْ الْحَوْرَ بَعْدَ الْكُورِ، وَعَجِّلِ اللَّهُمَّ

ریشهٔ گروه ستمکاران را از بیخ و بن برکن و آنان را بعد از ناز و نعمت و فراوانی به کمبود و نقصان دچار فرما و به حمله و شیبخون

إِلَيْهِمُ الْبَيَاتِ، وَأَنْزِلْ عَلَيْهِمُ الْمُثَلَاتِ، وَأَمِتْ حَيَاةَ الْمُنْكَرِ

زدن و غافلگیری آنان شتاب کن؛ و عقوبت‌های سخت را بر آنان نازل فرما؛ و بدی‌ها و بدکاران را بمیران

لِيَوْمِ مَنْ الْمَخُوفُ، وَيَسْكُنَ الْمَلْهُوفُ، وَيَشْبَعِ الْجَائِعُ، وَيَحْفَظَ

تا آنان که از دست آنان در ترس و وحشت سر می‌برند، آرام گیرند و انسان‌های دلسوخته و اندوهگین به آرامش برسند و گرسنه‌ها سیر شوند و

الضَّائِعُ، وَيَأْوِي الطَّرِيدُ، وَيَعُودَ الشَّرِيدُ، وَيُغْنِي الْفَقِيرُ، وَيُجَارَ

چیزهایی که دچار تباهی شدند، محفوظ بمانند و فراری‌ها مأوی گیرند و آواره‌ها برگردند و فقرا غنی شوند

الْمُسْتَجِيرُ، وَيُوقَّرَ الْكَبِيرُ، وَيُرْحَمَ الصَّغِيرُ، وَيُعَزَّ الْمَظْلُومُ،

و به امان خواهان، امان داده شود، و پیران تکریم شوند و اطفال مورد ترحم واقع شوند و مظلوم عزیز شود

وَيُذَلَّ الظَّالِمُ، وَيُفْرَجَ الْمَغْمُومُ، وَتَنْفَرِجَ الْغَمَّاءُ، وَتَسْكُنَ

و ستمگر خوار و ذلیل شود و غم‌های انسان‌های اندوهگین برطرف شود و دشواری‌ها راحتی یابند و شورش‌ها

الدَّهْمَاءُ، وَيَمُوتَ الإِخْتِلَافُ، وَيَعْلُو الْعِلْمُ، وَيَشْمَلُ السَّلْمُ،

آرام شود و اختلاف و دوگانگی از میان برود؛ و علم و دانش برتری پیدا کند؛ و صلح و آشتی فراگیر شود

وَيُجْمَعُ الشَّتَاتُ، وَيَقْوَى الْإِيمَانُ، وَيُتْلَى الْقُرْآنُ، إِنَّكَ أَنْتَ

و تفرقه و پراکندگی به اتحاد و اجتماع مبدل شود و ایمان قدرت بگیرد و قرآن تلاوت گردد، همانا تو

الذِّيَانُ الْمُنْعِمُ الْمَنَّانُ. ۱

یاداش‌دهندهٔ روزی‌ده و بسیار احسان‌کننده هستی.

دعا برای حفظ شدن از شرّ دجال

از معاذ بن جبل روایت شده است که گفت: روزی حضرت پیامبر ﷺ مرا به سوی عبدالله بن سلام فرستاد در حالی که نزد پیامبر ﷺ عده‌ای از اصحابش حضور داشتند، عبدالله بن سلام نزد پیامبر ﷺ حاضر شد، حضرت پیامبر ﷺ فرمودند:

ای عبدالله؛ برای من خبر بده در مورد ده کلمه‌ای که خداوند به حضرت ابراهیم علیه السلام در روزی که می‌خواستند او را به آتش بیندازند آموخت، آنان را یافته‌ای که در تورات نوشته شده باشد؟

عبدالله گفت: ای رسول خدا؛ پدر و مادرم فدای شما، آیا برای شما در مورد آن ده کلمه چیزی نازل شده است؟ همانا من ثواب قرائت آن‌ها را در تورات یافتم ولی کلمات آن را نیافتم و آن ده عدد دعا بود که در تمامی آن‌ها اسم اعظم خداوند وجود داشت.

پیامبر ﷺ فرمودند: آیا خداوند آن‌ها را به حضرت موسی علیه السلام آموخت؟

عبدالله گفت: خداوند آن‌ها را به کسی جز حضرت ابراهیم علیه السلام نیاموخت.

پیامبر ﷺ فرمودند: چه چیزی در مورد ثواب آن در تورات دیده‌ای؟

عبدالله گفت: ای رسول خدا؛ چه کسی توانایی دارد که به آن ثواب‌ها برسد؟ من در

تورات دیدم که نوشته شده است:

هیچ بنده‌ای نیست که خداوند بر او منت گذارد و این کلمات را در قلب او قرار دهد مگر این که نور را در چشمان او و یقین را در قلبش قرار دهد و سینه‌اش را برای ایمان بگشاید و نوری برای او قرار دهد که از جایی که نشسته به سوی عرش تلالو کند و خداوند روزی دو بار به او بر فرشتگان مباحثات کند و حکمت را در زبانش قرار دهد و حفظ کتابش را به او عطا فرماید؛ گرچه نسبت به این امر حریص نباشد، و او را در

دین، فقیه و دانشمند قرار دهد و محبت او را در قلب‌های بندگانش بیفکند و او را از عذاب قبر و فتنه دجال و ترس و هراس بزرگ روز قیامت ایمن گرداند.

و او را در گروه شهدا محشور فرماید و خداوند او را احترام و تکریم کند و آنچه به کرامت و بزرگواری خویش به رسولانش عطا کرده، به او نیز عطا کند و چنین شخصی روزی که همه مردم می‌ترسند، نمی‌ترسد و روزی که تمام مردم غمگین هستند غمگین نمی‌باشد، و نام او در نزد خداوند به عنوان صدیق (تصدیق‌کننده) نوشته شود و در روز قیامت محشور شود در حالی که قلبش آرام و مطمئن باشد و تحت پوشش بزرگان همراه حضرت ابراهیم علیه السلام در روز قیامت باشد.

به برکت این دعا، بنده آنچه از خداوند بخواهد به او عطا فرماید و اگر خداوند را سوگند دهد، خداوند به سوگند او عمل کند و در مجاورت پروردگار مهربان در جایگاه باشکوه (بهشت) استقرار پیدا کند و برای او ثواب هر شهیدی که از ابتدای آفرینش دنیا به شهادت رسیده‌اند، نوشته شود.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: ای ابن سلام؛ مراد از جایگاه باشکوه چیست؟

ابن سلام گفت: مراد بهشت عدن می‌باشد و آن، محلّ عرش پروردگار با عظمت و در جوار خداوند می‌باشد.

ابن سلام گفت: ای رسول خدا؛ آن (دعا) را به ما یاد بده و همان‌گونه که خداوند به شما احسان نموده، شما نیز به ما احسان فرما.

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: برای خداوند به سجده بیفتید.

معاذ بن جبل گفت: آنان همگی به سجده افتادند، و چون سر از سجده برداشتند،

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: بخوانید:

يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، أَنْتَ الْمَرْهُوبُ مِنْكَ جَمِيعُ [خَلْقِكَ]، يَا نُورَ

خدايا، خدايا، خدايا، تو کسی هستی که تمامی مخلوقات از تو هراسان و ترسان هستند، ای روشنی‌بخش

النُّورِ، أَنْتَ الَّذِي احْتَجَبْتَ دُونَ خَلْقِكَ فَلَا تُدْرِكُ نُورَكَ نُورٌ، يَا

نور، تو کسی هستی که از خلق خود در حجاب و پنهان هستی و نور هم نمی‌تواند نورانيت تو را درک کند،

اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، أَنْتَ الرَّفِيعُ الَّذِي ارْتَفَعْتَ فَوْقَ عَرْشِكَ مِنْ

خدایا؛ خدایا؛ خدایا؛ تو بلندمرتبه‌ای هستی که بر عرش خودت که بالاتر از آسمان‌هاست می‌باشد

فَوْقِ سَمَائِكَ، فَلَا يَصِفُ عَظَمَتَكَ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ، يَا نُورَ النُّورِ

استیلا و برتری یافتی، پس عظمت و جلال تو را هیچ یک از مخلوقات نمی‌تواند وصف کند، ای روشنی‌بخش نور،

قَدْ اسْتَنَارَ بِنُورِكَ أَهْلُ سَمَائِكَ، وَاسْتَضَاءَ بِضَوْوِكَ أَهْلُ أَرْضِكَ.

همانا اهل آسمان‌ها از نور تو، نور گرفته‌اند و اهل زمین در پرتو روشنایی تو روشنی یافتند.

يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، أَنْتَ الَّذِي لَا إِلَهَ غَيْرُكَ، تَعَالَيْتَ عَنْ أَنْ

خدایا؛ خدایا؛ خدایا؛ تو کسی هستی که غیر تو خدایی نیست، تو بالاتر از آن هستی که

يَكُونَ لَكَ شَرِيكٌ، وَتَعَظَّمْتَ عَنْ أَنْ يَكُونَ لَكَ وَلَدٌ، وَتَكَرَّمْتَ

برایت شریکی باشد و بزرگ‌تر از آن هستی که برایت فرزندی باشد و بزرگوارتر از آن هستی که

عَنْ أَنْ يَكُونَ لَكَ شَبِيهٌ، وَتَجَبَّرْتَ عَنْ أَنْ يَكُونَ لَكَ ضِدٌّ،

برایت همانند و شبیهی باشد و برتر از آن هستی که برایت ضد و مخالفی باشد،

فَأَنْتَ اللَّهُ الْمَحْمُودُ بِكُلِّ لِسَانٍ، وَأَنْتَ الْمَعْبُودُ فِي كُلِّ مَكَانٍ،

پس تو خدایی هستی که به تمامی زبان‌ها ستایش شده‌ای و کسی که در تمامی مکان‌ها عبادت و پرستش شده‌ای

وَأَنْتَ الْمَذْكُورُ فِي كُلِّ أَوَانٍ وَزَمَانٍ، يَا نُورَ النُّورِ، كُلُّ نُورٍ

و کسی هستی که در تمامی ساعات و لحظات یاد شده‌ای، ای روشنی‌بخش نور، تمامی نورها

خَامِدٌ لِنُورِكَ، يَا مَلِيكَ كُلِّ مَلِيكِ، يَفْنَى غَيْرُكَ يَا دَائِمٌ، كُلُّ حَيٍّ

با وجود نور تو خاموش هستند، ای صاحب ملک هر مالکی؛ غیر تو همه چیز فانی و نابود می‌شود، ای کسی که ابدی

يَمُوتُ غَيْرُكَ. يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ الرَّحْمَانُ الرَّحِيمُ، إِرْحَمْنِي

هستی و تمامی زنده‌ها - غیر از تو - می‌میرند. خدایا؛ خدایا؛ خدایا؛ ای بخشنده مهربان؛ آن گونه مرا مورد مهر

رَحْمَةً تُطْفِئُ بِهَا غَضَبَكَ، وَتَكْفُ بِهَا عَذَابَكَ، وَتَرْزُقُنِي بِهَا

و رحمت خویش قرار بده که آتش خشم و غضب تو را خاموش کند و عذابت را از من باز بدارد و از جانب تو

سَعَادَةً مِنْ عِنْدِكَ، وَتَحُلْنِي بِهَا دَارَكَ الَّتِي تَسْكُنُهَا خَيْرُكَ مِنْ

سعادت و خوشبختی را رزق و روزی من فرماید و به وسیله آن در جایگاهی که بندگان نیکوکار در آنجا ساکن هستند،

بجوش نشینم



خَلْقِكَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. يَا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ، وَسَتَرَ الْقَبِيحَ،

ساکن شوم، ای مهربان‌ترین مهربانان؛ ای کسی که زیبایی را آشکار می‌کنی و زشتی را می‌پوشانی.

يَا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ، وَلَمْ يَهْتِكِ السُّتْرَ، يَا عَظِيمَ الْعَفْوِ، يَا

ای کسی که بندهات را به گناهش مؤاخذه نمی‌کنی و پرده‌داری نمی‌کنی، ای دارای عفو عظیم؛ ای

حَسَنَ التَّجَاوُزِ، يَا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ، يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ، يَا

کسی که گذشت نیکو داری، ای کسی که مغفرت و بخشش او فراگیر است، ای کسی که دست رحمت او برای همه باز است، ای

صَاحِبَ كُلِّ نَجْوَى، وَيَا مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى، يَا كَرِيمَ الصَّفْحِ، يَا

صاحب تمامی رازها و ای پایان تمامی شکایت‌ها (دادرسی تمامی شکایت‌ها به او ختم می‌شود)، ای صاحب الطاف بزرگ، ای

عَظِيمَ الْمَنِّ، يَا مُبْتَدِئًا بِالنُّعْمِ قَبْلَ اسْتِحْقَاقِهَا، يَا رَبَّاهُ يَا رَبَّاهُ،

بزرگ‌ترین بخشنده، ای کسی که به بندگان قبل از استحقاق آنان نعمت بخشیدی، پروردگارا؛ پروردگارا؛

وَيَا سَيِّدَاهُ وَيَا أَمَلَاهُ، وَيَا غَايَةَ رَغْبَاهُ، أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا

ای آقا و سرور؛ ای کعبه آمال و آرزوها و ای نهایت اشتیاق. خدایا؛ خدایا؛ خدایا؛ از تو می‌خواهم

اللَّهُ أَنْ لَا تُشَوِّهَ خَلْقِي فِي النَّارِ.

که هیأت مرا در آتش جهنم زشت و بدترکیب نکنی.

ابن سلام گفت: ای رسول خدا؛ ثواب کسی که این کلمات را بخواند، چیست؟

حضرت فرمودند:

هیئات هیئات، امکان ندارد که آن را به قلم آورد، اگر فرشتگان هفت آسمان و

زمین جمع شوند و بخواهند آن را تا روز قیامت توصیف کنند، هرگز نمی‌توانند

یک جزء از هزار جزء ثواب آن را بیان کنند.

سپس حضرت پیامبر ﷺ برای این کلمات ثواب‌ها و فضایل بسیاری ذکر

فرمودند، که در اینجا مجال ذکر آن‌ها نیست و به همین مقدار به خاطر این که مطلب

طولانی نشود، اکتفا می‌کنیم.^۱

دعای فرج (إلهی عظم البلاء)

مرحوم کفعمی در کتاب «البلد الامین» دعایی را برای حضرت امام زمان ارواحنا فداء نقل می‌فرماید که آن حضرت آن دعا را به مردی که زندانی بود یاد می‌دهند و بعد از خواندن، او از زندان آزاد می‌شود:

إِلَهِي عَظُمَ الْبَلَاءُ، وَبَرِحَ الْخَفَاءُ، وَانْكَشَفَ الْغِطَاءُ، وَانْقَطَعَ

بار خدایا! بلا و مصیبت بزرگ شد و پنهانی برطرف گشت (آنچه پنهان بود آشکار شد) و پرده (از کار ما) برداشته شد

الرَّجَاءُ، وَضَاقَتِ الْأَرْضُ، وَمُنِعَتِ السَّمَاءُ، وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ،

و امید قطع شد و زمین (بر ما) تنگ آمد و آسمان (رحمتش را از ما) دریغ کرد و تنها تویی که از تو یاری خواسته می‌شود،

وَإِلَيْكَ الْمُشْتَكِي، وَعَلَيْكَ الْمَعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ. اللَّهُمَّ

و شکایت ما نزد تو آورده می‌شود و در سختی و سستی بر تو اعتماد می‌شود. خدایا!

صَلِّ عَلَي مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، أُولَى الْأَمْرِ الَّذِينَ فَرَضْتَ عَلَيْنَا

بر محمد و آل محمد درود فرست، همان صاحبان امری که اطاعت آنها را بر ما واجب

طَاعَتَهُمْ، وَعَرَفْتَنَا بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ، فَفَرِّجْ عَنَّا بِحَقِّهِمْ فَرَجًا

کردی و به این وسیله مقام و منزلت آنان را برای ما شناساندی، پس به حق آنان برای ما گشایش

عَاجِلًا قَرِيبًا كَلِمَحِ الْبَصْرِ أَوْ هُوَ أَقْرَبُ، يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ، يَا

فوری و نزدیکی چون چشم بر هم زدن یا نزدیکتر از آن مرحمت فرما، ای محمد، ای علی، ای

عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ، إِكْفِيَانِي فَإِنَّكُمَا كَافِيَانِ، وَأَنْصُرَانِي فَإِنَّكُمَا

علی، ای محمد؛ مرا کفایت کنید که همانا شما کفایت‌کنندگان من هستید و مرا یاری کنید که همانا شما

نَاصِرَانِ، يَا مَوْلَانَا يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، الْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ،

یاری‌کنندگان من هستید، ای مولای ما، ای صاحب الزمان؛ به فریاد رس، به فریاد رس، به فریاد رس،

أَدْرِكُنِي أَدْرِكُنِي أَدْرِكُنِي، أَلْسَاعَةَ السَّاعَةِ السَّاعَةَ، أَلْعَجَلَ

مرا دریاب، مرا دریاب، مرا دریاب، هم اکنون، هم اکنون، هم اکنون، به شتاب، به شتاب، به شتاب

أَلْعَجَلَ أَلْعَجَلَ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ ١

به شتاب، به شتاب، ای مهربان‌ترین مهربانان، به حق حضرت محمد و آل پاکش



دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه

در حرم حضرت موسی بن جعفر عليهما السلام

در پایین پای حضرت، توقف می‌کنی و می‌خوانی:

اللَّهُمَّ عَظْمَ الْبَلَاءِ، وَبَرِحَ الْخَفَاءِ، وَأَنْكَشَفَ الْغِطَاءِ، وَضَاقَتِ

بار خدایا؛ بلا و مصیبت بزرگ شد و پنهانی برطرف گشت (آنچه پنهان بود آشکار شد) و پرده (از کار ما) برداشته شد و پهنای

الأَرْضِ، وَمُنِعَتِ السَّمَاءُ، وَأَنْتَ يَا رَبُّ الْمُسْتَعَانُ، وَإِلَيْكَ يَا

زمین تنگ شد، و آسمان (رحمتش را از ما) دریغ کرد و تویی ای پروردگار آن کس که از او یاری خواسته می‌شود، و

رَبِّ الْمُشْتَكَى. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، الَّذِينَ فَارَضَتْ

شکایت نزد تو آورده می‌شود. بار خدایا؛ بر محمد و آل او درود فرست، آنان که اطاعت ایشان را واجب کردی

طَاعَتَهُمْ، وَعَرَفْتَنَا بِذَلِكَ مَنْزِلَتَهُمْ، وَفَرَّجَ عَنَّا كَرْبَنَا قَرِيبًا كَلْمَح

و مقام و مرتبه آنان را بدین وسیله به ما شناساندی و اندوه ما را برطرف کن به زودی مانند یک چشم بر هم زدن

الْبَصْرِ، أَوْ هُوَ أَقْرَبُ، يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ، وَيَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ،

یا زودتر از چشم بر هم زدن، ای بیناترین بیننده و ای شنواترین شنونده

وَيَا أَسْرَعَ الْخَاسِبِينَ، وَيَا أَحْكَمَ الْخَاكِمِينَ. يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ،

و ای سریع‌ترین محاسبه‌کننده و ای حکیم‌ترین حکیمان. ای محمد ای علی،

يَا عَلِيُّ يَا مُحَمَّدُ، يَا مُصْطَفَى يَا مُرْتَضَى، يَا مُرْتَضَى يَا مُصْطَفَى،

ای علی ای محمد، ای برگزیده شده (مصطفی)، ای راضی شده (مرتضی)، ای راضی شده، ای برگزیده شده،

أَنْصُرَانِي فَإِنَّكُمْ نَاصِرَايَ، وَكَفَيْانِي فَإِنَّكُمْ كَافِيَايَ، يَا صَاحِبَ

مرا یاری کنید که شما یاری‌کنندگان من هستید و مرا کفایت کنید که شما کفایت‌کنندگان من هستید، ای صاحب

الزَّمَانِ، الْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ، أَذْرِكُنِي أَذْرِكُنِي أَذْرِكُنِي،

الزمان به فریاد رس، به فریاد رس، به فریاد رس، مرا دریاب، مرا دریاب، مرا دریاب،

این جمله (أدرکني) را می‌گویی تا نفس قطع شود، سپس حاجت خود را درخواست می‌کنی که به خواست خداوند برآورده می‌شود.^۱



دعا برای ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه

در سجده شکر

شیخ الطائفة، طوسی رحمته الله در کتاب «مصباح المتهجد» می‌فرمایند: سجده شکر بجا آور و بخوان آنچه را که حضرت امام کاظم رحمته الله برای عبدالله بن جنذب نوشت: در سجده سه مرتبه این دعا را بخوان:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ، وَأَشْهَدُ مَلَائِكَتَكَ وَأَنْبِيَاءَكَ وَرُسُلَكَ وَجَمِيعَ

بار خدایا؛ من تو را و فرشتگان و رسولانت و تمامی

خَلْقِكَ بِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ رَبِّي، وَالْإِسْلَامُ دِينِي، وَمُحَمَّدٌ نَبِيِّي،

مخلوقات را شاهد و گواه می‌گیرم که تو پروردگار من و اسلام دین من و حضرت محمد رحمته الله پیامبر من

وَعَلِيٌّ وَوَلِيِّي، وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ وَعَلِيٌّ بْنُ الْحُسَيْنِ وَمُحَمَّدٌ

و حضرت علی رحمته الله ولی و سرپرست من می‌باشد و امام حسن، امام حسین، امام سجاده،

بْنُ عَلِيٍّ وَجَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ وَمُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ وَعَلِيٌّ بْنُ مُوسَى

امام باقر، امام صادق، امام کاظم، امام رضا،

وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَعَلِيٌّ بْنُ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ وَالْخَلْفُ

امام جواد، امام هادی، امام عسکری و جانشین

صیغته شکر
بخش ششم



الصَّالِحُ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِمْ أُمَّتِي، بِهِمْ أَتَوَلَّى، وَمِنْ عَدُوِّهِمْ

صالح ایشان که درود تو بر تمامی ایشان باد، پیشوایان و امامان من هستند. به ایشان اظهار ارادت و ولایت دارم و از دشمنان ایشان

أَتَبَرَّءُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أُنشِدُكَ دَمَ الْمَظْلُومِ. و سه مرتبه می‌گویی: اللَّهُمَّ

بیزاری می‌جویم و با آنان دشمنی می‌کنم. خدایا! من به خون مظلوم تو را سوگند می‌دهم. بار خدایا!

إِنِّي أُنشِدُكَ بِوَأَيْكَ عَلَى نَفْسِكَ لِأَوْلِيَاءِكَ، لَتُظْهِرَنَّهُمْ عَلَى

تو را به وعده‌ای که به اولیا و دوستان خود فرموده‌ای که آنان را حتماً بر

عَدُوِّكَ وَعَدُوِّهِمْ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى الْمُسْتَحْفَظِينَ مِنْ

دشمنان خویش و دشمنان ایشان چیره گردانی سوگند می‌دهم که بر حضرت محمد ﷺ و نگهبانان دینت از

أَلِ مُحَمَّدٍ. و سه مرتبه می‌گویی: اللَّهُمَّ إِنِّي أُنشِدُكَ بِإِیْوَائِكَ عَلَى

آل محمد درود فرستی. بار خدایا! تو را به عهدی که در مورد

نَفْسِكَ لِأَعْدَائِكَ، لَتُهْلِكَنَّهُمْ وَلَتُخْرِجَنَّهُمْ بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي

دشمنانت با خود نموده‌ای که آن‌ها را هلاک و نابود کنی و به دست خودشان و به دست

الْمُؤْمِنِينَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى الْمُسْتَحْفَظِينَ مِنْ أَلِ

مؤمنان، آنان را به خواری و ذلت بکشانی سوگند می‌دهم که بر حضرت محمد ﷺ و بر نگهبانان دینت از آل

مُحَمَّدٍ. و سه مرتبه می‌گویی: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْيُسْرَ بَعْدَ الْعُسْرِ. ۱

محمد درود فرستی. بار خدایا! من از تو آسایش و راحتی را بعد از سختی و مشقت می‌خواهم.



دعای هنگام عطسه

در کتاب «جنات الخلود» آورده است: هنگام عطسه کردن، مستحب است که انگشت اشاره را روی سر بینی قرار داده و آنچه را که امام زمان ارواحنا فداه قرائت فرموده است، بخواند:

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ عِبْدًا

ستایش، ویژه خداست، که پروردگار جهانیان است؛ و درود خدا، بر محمد و آل او باد. در حالی که بنده‌ای هستم،

ذَكْرًا لِلَّهِ، غَيْرَ مُسْتَكْبِرٍ وَلَا مُسْتَكْبِرٍ ۱.

که همواره به یاد خدا می‌باشم، و روگردان نیستم و استکبار نمی‌ورزم.



دعای سفر در ساعت مخصوص

به حضرت بقیة الله ارواحنا فداء.

سید بن طاوس رحمته الله در کتاب «الأمان» آورده است: ما در کتاب خود به نام «الأسرار المودعة فی ساعات اللیل و النهار» گفتیم که هر ساعتی از روز، ویژه یکی از امامان علیهم السلام است، و هر ساعتی نیز دو دعا دارد. یکی را از دستخط جدم شیخ طوسی رحمته الله نقل کردم، و دیگری را از دستخط منسوب به ابن مقله روایت نمودم.

از روایات استفاده می‌شود که هر یک از امامان علیهم السلام، در ساعتی که به ایشان اختصاص دارد، نگاهبان و حمایت‌کننده از شیعیان، خواهند بود:

ساعت اول، اختصاص دارد به مولای ما امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام است.

و ساعت دوم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام حسن علیه السلام؛

و ساعت سوم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام حسین علیه السلام؛

و ساعت چهارم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام زین العابدین علیه السلام؛

و ساعت پنجم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام باقر علیه السلام؛

و ساعت ششم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام صادق علیه السلام؛

و ساعت هفتم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام کاظم علیه السلام؛

حقیقه سفر

بخش ششم



و ساعت هشتم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام رضا علیه السلام؛
 و ساعت نهم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام جواد علیه السلام؛
 و ساعت دهم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام هادی علیه السلام؛
 و ساعت یازدهم، اختصاص دارد به مولای ما حضرت امام عسکری علیه السلام؛
 و ساعت دوازدهم که اختصاص به امام دوازدهم حضرت مهدی صلوات الله علیه دارد.
 انسان، در هر یک از ساعت‌های دوازده گانه یاد شده، دعای ویژه آن ساعت را
 می‌خواند؛ و تفاوتی ندارد که روز بلند تابستانی، یا روز کوتاه زمستانی باشد؛ زیرا از
 روایات برمی‌آید که روز به هر اندازه باشد باید به دوازده بخش تقسیم شود و دعاهای
 مخصوص نیز دوازده بخش هستند.

بدین سان، هرگاه تصمیم به مسافرت گرفتی، هنگام حرکت در هر یک از ساعت‌های
 دوازده گانه که قرار داشتی - و آن ساعت به هر یک از امامان عزیزی که خدا او را
 حمایت‌کننده و وسیله نجات قرار داده اختصاص داشت - این دعا را بخوان:

اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا فُلَانًا صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْهِ اِنِّيْ اَسَلُّمُ عَلَيْهِ، وَاِنِّيْ

بارالها، به مولای ما، (نام امامی را ببر که آن ساعت به او اختصاص دارد) - که درودهایت بر او نثار باد - این خبر را برسان که من بر او درود و سلام

اَتَوَجَّهُ اِلَيْهِ بِاِقْبَالِكَ عَلَيْهِ، فِيْ اَنْ يَّكُوْنَ خَفَارَتِيْ وَحِمَايَتِيْ

می‌فرستم، و چون تو روی به ایشان داری من نیز به ایشان روی آورده‌ام؛ تا به ضمانت تو، مرا در حمایت و پناه

وَسَلَامَتِيْ وَكَمَالُ سَعَادَتِيْ ضِمَانَهَا بِكَ عَلَيْهِ، حَيْثُ قَدْ تَوَجَّهْتُ

و امنیت خویش بدانند و سعادت و خوشبختی کامل نصیبم شود؛ زیرا من

فِي السَّاعَةِ الَّتِي جَعَلْتَهُ كَالْخَفِيْرِ فِيْهَا وَحَدِيثُهَا فِيْ ذَلِكَ اِلَيْهِ.

در ساعتی آغاز به کار می‌کنم که آن حضرت را نگاهبان و امان‌دهنده در آن ساعت قرار داده‌ای.

به نظر می‌رسد که مناسب است هر گاه به توقفگاهی در بین راه رسیدی، در هر
 ساعتی که بود دعای ویژه آن ساعت را بخوانی؛ همچنین، هنگام حرکت از توقفگاه
 نیز به امامی که آن ساعت ویژه اوست، عرض سلام و ادب کنی، تا روحت با او انس

بیشتر بگیرد، و او را ضامن خود بسازی که از آن ساعت پیش آمدی برایت رخ ندهد. اگر خداوند بزرگ این کار را از تو نمی‌خواست، این مطالب را نمی‌آموختی. البته با این کار، تمام کارهایت در مسافرت‌هایت، عنوان عبادت خواهد یافت و ذخیره‌ای برای آن جهان خواهد شد.^۱



دعا برای ظهور آن حضرت ارواحنا فداه در ساعت دوازدهم روز

این دعا مخصوص ساعت دوازدهم - یعنی از هنگام زردی آفتاب تا غروب آن - در هر روز برای امام زمان ارواحنا فداه است:

يَا مَنْ تَوَحَّدَ بِنَفْسِهِ عَنِ خَلْقِهِ، يَا مَنْ غَنِيَ عَنِ خَلْقِهِ بِصُنْعِهِ، يَا
ای کسی که خود را از آفریدگانش جدا ساخته؛ ای کسی که به آفریده‌اش از آفریدگانش بی‌نیاز است؛ ای

مَنْ عَرَّفَ نَفْسَهُ خَلْقَهُ بِلُطْفِهِ، يَا مَنْ سَلَكَ بِأَهْلِ طَاعَتِهِ مَرْضَاتَهُ،
کسی که خود را با لطف و مهربانی به آفریدگانش شناسانده؛ ای کسی که فرمانبردارانش را به شاهراه خشنودی‌های خود کشانده؛

يَا مَنْ أَغَانَ أَهْلَ مَحَبَّتِهِ عَلَى شُكْرِهِ، يَا مَنْ مَنَّ عَلَيْهِمْ بِدِينِهِ،
ای کسی که دوست‌داران خود را برای سپاسگزاری‌اش یاری نموده؛ ای کسی که با آیین خویش بر دوست‌دارانش منت نهاده؛

وَلَطَفَ لَهُمْ بِنَائِلِهِ. أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَلِيِّكَ الْخَلْفِ الصَّالِحِ، بِقِيَّتِكَ
و با نعمت‌ها و بخشش‌های خود به آن‌ها لطف کرده است؛ از تو درخواست می‌کنم، به واسطه ولی خود و آن جانشین صالح؛ که یادگار و باقی‌مانده

فِي أَرْضِكَ، الْمُنْتَقِمِ لَكَ مِنْ أَعْدَائِكَ، وَأَعْدَاءِ رَسُولِكَ، بِقِيَّةِ
حجت‌های تو در زمینت می‌باشد، و از دشمنان تو و پیامبرت، انتقام می‌گیرد؛ هم او که یادگار

أَبَائِهِ الصَّالِحِينَ، مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ، وَأَتَضَرَّعُ إِلَيْكَ بِهِ، وَأَقْدِمُهُ
اجداد شایسته‌اش است، یعنی محمد فرزند حسن؛ و به واسطه او نزد تو تضرع و زاری می‌کنم، و او را

۱. الأمان من اخطار الأسفار والأزمان: ۱۰۱.

ببخشش ششم
۳۸۰

بَيْنَ يَدَيَّ حَوَائِجِي وَرَغْبَتِي إِلَيْكَ. أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

پیشاپیش حاجت‌ها و خواسته‌هایم نزد تو قرار می‌دهم؛ (از تو می‌خواهم) که بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا، وَأَنْ تُدَارِكَنِي بِهِ، وَتُنَجِّنِي

محمد درود بفرستی، و نسبت به من چنین و چنان کنی. و (می‌خواهم که) به واسطه او مرا دریابی، و از

مِمَّا أَخَافُهُ وَأَحْذَرُهُ، وَالْبِسْنِي بِهِ عَافِيَتَكَ وَعَفْوِكَ فِي الدُّنْيَا

آنچه برایم ترسناک و هولناک است و از آن پرهیز می‌کنم، نجاتم دهی. و به واسطه آن وجود شریف، لباس عافیت و عفو و بخشش خود را در دنیا

وَالْآخِرَةِ، وَكُنْ لَهُ وَلِيًّا وَحَافِظًا، وَنَاصِرًا وَقَائِدًا، وَكَالِيًّا وَسَاتِرًا،

و آخرت به من ببوشانی. نیز، برای او سرپرست و نگهبان و یاور و راهبر و نگهدارنده و پوشش‌دهنده باش،

حَتَّى تُسْكِنَهُ أَرْضَكَ طَوْعًا، وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا، يَا أَرْحَمَ

تا آن که او را از روی میل بر روی زمین ساکن گردانی و در آن برای مدت طولانی بهره‌مند نمایی؛ ای مهربان‌ترین

الرَّاحِمِينَ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، فَسَيَكْفِيكَهُمْ

مهربانان؛ به خوبی می‌دانم که هیچ جنبش و نیرویی جز به واسطه تو (ای خدای بلندمرتبه با عظمت) نیست؛ پس به زودی

اللَّهُ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

خداوند تو را از ایشان کفایت می‌کند، و اوست که شنوا و دانایان است. خدایا! بر محمد و آل محمد درود بفرست؛

الَّذِينَ أَمَرْتَ بِطَاعَتِهِمْ، وَأَوْلِي الْأَرْحَامِ الَّذِينَ أَمَرْتَ بِصِلَتِهِمْ،

همان بزرگوارانی که دستور به اطاعت از ایشان داده‌ای؛ همان عزیزان و خویشان نسبی پیامبر، که فرمان دادی به ایشان بپیوندیم؛

وَذَوِي الْقُرْبَى الَّذِينَ أَمَرْتَ بِمَوَدَّتِهِمْ، وَالْمَوَالِي الَّذِينَ أَمَرْتَ

همان نزدیکان پیامبر که امر فرمودی تا با ایشان اظهار مهربانی و دوستی کنیم؛ همان فرمان‌فرمایانی که دستور فرمودی

بِعِرْفَانِ حَقِّهِمْ، وَأَهْلِ الْبَيْتِ الَّذِينَ أَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ

به شناخت حق آنان؛ همان اهل بیت پیامبر که پلیدی و ناپاکی را از آن‌ها دور ساخته و بدین سان پاکیزگی و پاکی کامل

تَطْهِيرًا. أَسْأَلُكَ بِهِمْ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ

ظاهری و باطنی را بر ایشان مقرر داشتی. به واسطه ایشان از تو درخواست می‌کنم که بر محمد و آل محمد درود بفرستی، و

تَغْفِرَ ذُنُوبِي كُلَّهَا يَا غَفَّارُ، وَتَتُوبَ عَلَيَّ يَا تَوَّابُ، وَتَرْحَمَنِي يَا

تمام گناهانم را ببخشی؛ ای بسیار بخشنده؛ و از من درگذری و بازگشتم را بپذیری، ای بسیار توبه‌پذیر؛ و به من رحم کنی، ای

رَحِيمٌ، يَا مَنْ لَا يَتَغَاظَمُهُ ذَنْبٌ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.^۱

رحم کننده؛ ای کسی که گناه هیچ کس ضرری به عظمت و بزرگی او نمی‌رساند؛ و این در حالی است که بر هر چیز تواناست.



دعای دیگر در ساعت مخصوص

به آن حضرت ارواحنا فداء

در کتاب «مفتاح الفلاح» این دعا برای ساعت مخصوص امام زمان ارواحنا فداء - از هنگام زردی آفتاب تا غروب آن - در هر روز نقل شده است:

اللَّهُمَّ يَا خَالِقَ السَّقْفِ الْمَرْفُوعِ، وَالْمِهَادِ الْمَوْضُوعِ، وَرَازِقَ

بارالها؛ ای به وجود آورنده آسمان برافراشته و زمین گسترده؛ ای روزی بخش

الْعَاصِي وَالْمُطِيعِ، الَّذِي لَيْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ.

گناه‌کار و فرمان‌بر؛ ای کسی که هیچ سرپرستی ندارد، و کسی جز او قادر به شفاعت نیست؛

أَسْأَلُكَ بِأَسْمَائِكَ الَّتِي إِذَا سُمِّيَتْ عَلَى طَوَارِقِ الْعُسْرِ عَادَتْ

از تو درخواست می‌کنم، به واسطه نام‌هایت که اگر بر راه‌های صعب و دشوار خوانده شود،

يُسْرًا، وَإِذَا وُضِعَتْ عَلَى الْجِبَالِ كَانَتْ هَبَاءً مَنثورًا، وَإِذَا

آسان می‌گردند؛ و اگر بر کوه‌ها نهاده شود، از هم پاشیده و پراکنده می‌شوند؛ و اگر

رُفِعَتْ إِلَى السَّمَاءِ تَفْتَحَتْ لَهَا الْمَغَالِقُ، وَإِذَا هُبِطَتْ إِلَى ظُلُمَاتِ

به سوی آسمان بالا برده شود، تمامی بسته‌ها فراویش گشوده شوند؛ و اگر به تاریکی‌های

الْأَرْضِ اتَّسَعَتْ لَهَا الْمَضَائِقُ، وَإِذَا دُعِيَتْ بِهَا الْمَوْتَى انْتَشَرَتْ

زمین فرو فرستاده شود، تمامی تنگی‌ها فراویش گسترده شوند؛ و اگر بر مردگان خوانده شود،

مِنَ اللَّحُودِ، وَإِذَا نُودِيَتْ بِهَا الْمَعْدُومَاتُ خَرَجَتْ إِلَى الْوُجُودِ،

از قبرها به درآیند؛ و اگر بر نیست‌ها و نابودشدگان دمیده شود، به عرصه وجود درآیند؛

۱. البلد الأمين: ۲۱۱، المصباح: ۱۹۳، منهاج العارفين: ۱۲۷، همچنین، در دو کتاب «مصباح المجتهد: ۵۱۷» و «بحار

الأنوار: ۳۵۴/۸۶» با اندکی تفاوت آمده است.

مختصر

بخش ششم



۳۸۲

وَإِذَا ذُكِرْتُ عَلَى الْقُلُوبِ وَجِلْتُ خُشُوعاً، وَإِذَا قُرِعَتِ الْأَسْمَاعُ

و اگر بر دلها یادآوری شود، از روی خشوع به لرزه درآیند؛ و اگر بر گوش‌ها خوانده شوند،

فَاضَتْ الْعُيُونُ دُمُوعاً. أَسْأَلُكَ بِمُحَمَّدٍ رَسُولِكَ الْمُوَيَّدِ

اشک شوق از دیدگان سرازیر خواهد شد. از تو درخواست می‌کنم؛ به واسطه حضرت محمد ﷺ رسول و فرستاده‌ات که

بِالْمُعْجَزَاتِ، الْمَبْعُوثِ بِمُحْكَمِ الْآيَاتِ، وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ

با معجزه‌هایت او را تأیید نمودی، و او را با نشانه‌های محکم و استوار برانگیختی، و از تو درخواست می‌کنم به واسطه امیر مؤمنان

ابْنِ أَبِي طَالِبٍ، الَّذِي اخْتَرْتَهُ لِمُؤَاخَاتِهِ وَوَصِيَّتِهِ، وَاصْطَفَيْتَهُ

علی بن ابی طالب؛ که برای برادری و جانشینی آن حضرت اختیار کردی، و او را برای دوستی خالص

لِمُضَافَاتِهِ وَمُضَاهَرَتِهِ، وَبِصَاحِبِ الزَّمَانِ الْمَهْدِيِّ، الَّذِي تَجْمَعُ

و دامادی پیامبرت، برگزیدی، و نیز به واسطه حضرت مهدی - صاحب زمان و روزگار - از تو درخواست می‌کنم همان عزیزی

عَلَى طَاعَتِهِ الْأَرَاءَ الْمُتَفَرِّقَةَ، وَتَوَلَّفُ بِهِ بَيْنَ الْأَهْوَاءِ الْمُخْتَلِفَةِ،

که دیدگاه‌های پراکنده را بر فرمان‌برداری از او گرد می‌آوری؛ و به واسطه او خواسته‌های مختلف را به هم پیوند می‌دهی؛

وَتَسْتَخْلِصُ بِهِ حُقُوقَ أَوْلِيَائِكَ، وَتَسْتَقِمُّ بِهِ مِنْ شَرِّ أَعْدَائِكَ،

و حق دوستانت را به واسطه او باز می‌گردانی؛ و از بدترین دشمنانت، به واسطه آن بزرگوار انتقام می‌گیری؛

وَتَمَلَأُ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَإِحْسَانًا، وَتُوسِّعُ عَلَيَّ الْعِبَادِ بِظُهُورِهِ

و به وسیله او، زمین را پر از عدل و داد و نیکی می‌کنی؛ و با ظهور او، فضل و

فَضلاً وَامْتِناناً، وَتُعِيدُ الْحَقَّ إِلَى مَكَانِهِ عَزِيزاً حَمِيداً، وَتُرْجِعُ

احسانت را بر بندگانت توسعه می‌دهی و فراوان می‌گردانی؛ و حق و راستی را به جایگاه او در حالی که عزیز و نیرومند و ستوده باشد باز می‌گردانی؛

الدِّينَ عَلَى يَدَيْهِ غَضًّا جَدِيداً، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

و دین و آیین راستین خود را به دست باکفایت او تر و تازه می‌گردانی؛ (از تو می‌خواهم) که بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، فَقَدْ اسْتَشْفَعْتُ بِهِمْ إِلَيْكَ، وَقَدَّمْتُهُمْ أَمَامِي وَبَيْنَ يَدَيْ

محمد درود بفرستی، واقعتاً آن است که من ایشان را شفیع خود ساختم و آنان را پیشاپیش خود و پیشاپیش حوائجهم به درگاه تو آورده‌ام، تا

حَوَائِجِي، وَأَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ، فِي التَّوْفِيقِ لِمَعْرِفَتِهِ،

خواسته‌هایم را برآورده سازی، و (از تو می‌خواهم) سپاسگزاری نعمت خودت را نصیبم کنی؛ در این که مرا به شناخت آن حضرت توفیق داده،

وَالْهُدَايَةَ إِلَى طَاعَتِهِ، وَتَزِيدَنِي قُوَّةً فِي التَّمَسُّكِ بِعِصْمَتِهِ

و به فرمانبری از او رهنمون گشته‌ای، و نیرویم را برای چنگ زدن به نگهبانی ویژه او

وَالْإِقْتِدَاءَ بِسُنَّتِهِ، وَالْكَوْنَ فِي زُمْرَتِهِ، إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ،

و پیروی از روش‌های او، و بودن جزو همراهان و یارانش فزونی بخشی، راستی که تو شنوای دعا هستی،

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ^۱

به خاطر مهربانیت، ای مهربان‌ترین مهربانان؛

علامه خواجویی در تعلیقه خود آورده است:

این که فرموده: «الَّذِي تَجْمَعُ عَلَى طَاعَتِهِ الْآرَاءَ الْمَتَفَرِّقَةَ»؛ «دیدگاه‌های مختلف و پراکنده را بر فرمان‌برداری از او گرد می‌آوری»، دلالت بر این مطلب دارد که در زمان دولت و حکومت مقتدرانه و فراگیر آن حضرت، دیدگاه‌ها و خواسته‌ها باهم تفاوت ندارند و یکی می‌شوند؛ تا جایی که هر که سخن و نظری می‌گوید، در راستای فرمان‌برداری از آن حضرت است.

امام عصر صلوات الله علیه، رئیس و فرمان‌روایی مورد قبول و مورد اطاعت همگان است، و هر کس به حق خود می‌رسد، خمس در جای خود مصرف می‌شود، و زکات، غنیمت، انفال، دیه‌ها، قصاص و دیگر احکام نیز به درستی انجام می‌شوند و به مصرف می‌رسند.

فدک، به صاحبان واقعی‌اش می‌رسد، و از تمام دشمنان خدا، به نفع دوستان خدا انتقام گرفته می‌شود؛ چه زندگان آنها و چه مردگان آنها، که با زنده کردنشان برای آنها از دشمنان انتقام گرفته می‌شود.

دلیل مطالبی که عرض شد، روایت‌های فراوانی است که در خصوص این موضوعات آمده است.

از جمله حدیث‌های یادشده می‌توان اشاره کرد به این حدیث که خداوند به زودی

۱. مفتاح الفلاح: ۴۹۸، المصابیح: ۱۹۴ (با اندک تفاوت).

گروهی را هنگام ظهور حضرت مهدی صلوات الله علیه به دنیا برمی گرداند، که جزو شیعیان بوده‌اند و ایمانی خالص داشته‌اند، و از دنیا رفته‌اند. برگرداندن ایشان به جهت دست‌یابی به ثواب یاری و کمک‌رسانی به امام عصر صلوات الله علیه، و نیز شادکامی خودشان از دیدن برپایی دولت آن حضرت است.

نیز، گروهی را که کفرشان کامل بوده به دنیا برمی گرداند تا از ایشان انتقام بکشد، و بخشی از عذاب و رنجشی را که حق‌شان است - یعنی کشته شدن به دست شیعیان - به ایشان برسد؛ و با مشاهده اقتدار و حکمرانی نیرومند آن حضرت، به خواری و رسوایی کشیده شوند.

در آن زمان شریف، عدل و داد و نیکی در شرق و غرب هستی برپا می‌شود؛ چنان که خداوند در قرآن به این موضوع امر فرموده است.

همچنین، بندگان خداوند، توانگر و پر روزی خواهند شد، و هر چه برای زندگی مادی و نیز امور آخرت‌شان نیاز دارند، برای‌شان فراهم خواهد بود.

در آن روزگار، حقیقت و راستی به جایگاه ارزشمند و شایسته خود می‌رسد، و آیین‌های بخش اسلام نیز - با وجود از بین رفتنش - دوباره برمی‌گردد و از نو مطرح می‌شود؛ بدین سان، مسلمانان، اسلام تازه را اختیار می‌کنند، و در این روزگار است که حکومت زمین به طور کامل در اختیار نمایندگان الهی قرار می‌گیرد. خوشا به حال اهل آن روزگار؛ خوشا به حال‌شان.

بارالها؛ در ظهورش شتاب فرما، و کار قیام او را آسان گردان، و ما را از کسانی قرار بده که در زیر خیمه گاه‌های حکومت او درآیند، و به شرف دیدار او و دوستانش نایل می‌شوند، و پیش روی او به مبارزه می‌پردازند و دشمنان او را می‌کشند و خود نیز کشته می‌شوند تا فرمان او بلندمرتبه شود و آیین او قدرتمند گردد به حق محمد و آل و عترتش، که در روده‌های الهی نثارشان باد.^۱



صلوات بر امام زمان ارواحنا فداه

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ وَوَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيَّائِكَ، الَّذِينَ فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ،

بارالها! درود بفرست بر نماینده‌ات که فرزند نمایندگان ویژه توست؛ همان بزرگوارانی که فرمان‌برداری از ایشان را فرض و واجب فرمودی،

وَأَوْجِبْتَ حَقَّهُمْ، وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ، وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً.

و رعایت حق ایشان را بر همگان لازم کردی، و رجس و پلیدی را از ایشان زدودی، و بدین سان به طور کامل پاک و پاکیزه نگاهشان

اللَّهُمَّ انْتَصِرْ بِهِ لِدِينِكَ، وَاَنْصُرْ بِهِ أَوْلِيَّائِكَ وَأَوْلِيَاءَهُ وَشَيْعَتَهُ

داستی. خدایا! او را یاور و پیروزگر دینت قرار ده، و دوستانت را و دوستان و شیعیان و یاران باوفای او را به واسطه او یاری

وَأَنْصَارَهُ، وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ. اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ،

برسان؛ ما را نیز جزو این یاری‌شوندگان بگمار. خدایا! آن عزیز را از زیان و بدی تمام ستمگران و طاغوت‌ها و سرکشان

وَمِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَاخْفِظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ

و از بدی و زیان همه آفریدگانت در پناه خودت بدار. و او را از پیش روی، پشت سر،

يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ، وَاخْرُسْهُ وَاْمْنَعْهُ أَنْ يُوَصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ،

راست و چپ نگهبانی کن، و پاسداری و نگهدارنداهش باش تا هیچ گزند و بدی بدو نرسد؛

وَاخْفِظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَآلَ رَسُولِكَ، وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ، وَأَيِّدْهُ

و بدین سان، پیامبرت حضرت محمد ﷺ و آل رسولت را نیز محافظت فرما. خدایا! عدل و داد را به دست او آشکار فرما، و او را

بِالنَّصْرِ، وَاَنْصُرْ نَاصِرِيهِ، وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ، وَاَقْصِمْ بِهِ جَبَابِرَةَ

با یاری‌ات تأیید و موفق گردان، و یارانش را یاری کن، و مخالفان و بدخواهانش را خوار و رسوا کن؛ و به واسطه او ستمگران

الْكَفَرَةَ، وَاَقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ

کافر را درهم بکوبان، و کافران و منافقان و تمام منکرانت را

كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، وَبَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَاْمَلْأُ بِهِ

- در شرق و غرب هستی و خشکی و دریای جهان - به واسطه او نابود فرما. به دست باکفایتش

بیتنا



الأَرْضَ عَدْلًا، وَأَظْهَرُ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ السَّلَامُ. وَاجْعَلْنِي

زمین را پر از عدل و داد کن، و آیین راستین پیامبرت را - که بر او و آل او درود باد - را دوباره آشکار ساز. خدایا!

اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ، وَأَتْبَاعِهِ وَشِيعَتِهِ، وَأَرِنِي فِي آلِ

مرا جزو یاران و کمک‌رسانان به آن عزیز، و تابعان و پیروان آن بزرگوار مقتر فرما؛ و به من نشان بده در مورد آل

مُحَمَّدٍ مَا يَأْمُلُونَ، وَفِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ. ۱

محمد آنچه را ایشان آرزو دارند و در مورد دشمنان‌شان آنچه را از آن پرهیز می‌کنند و می‌ترسند. ای معبود راستین؛ اجابت فرما.



دعایی از امام زمان عجل الله تعالی فرجه در آغاز نمازها

سید حمیری رضی الله عنه در ضمن نامه‌ای به محضر مقدس امام عصر ارواحنا فداه از حضرتش پرسید: آیا در آغاز نماز به عنوان توجه می‌توان گفت: «علی ملة ابراهيم ودين محمد رضی الله عنه»؟

در توضیح این سؤال نیز بیان داشت که برخی از عالمان اظهار داشته‌اند که این بدعت است که گفته شود: «علی دین محمد رضی الله عنه» به این دلیل که در این مورد تنها یک حدیث در کتاب‌های مربوط آمده، و آن نیز در کتاب قاسم بن محمد موجود است که از جدش حسن بن راشد نقل کرده که امام صادق رضی الله عنه به او فرمودند:

چگونه شروع به نماز می‌کنی؟

گفت: می‌گویم: «لبيك وسعديك».

«خدایا؛ دعوت تو را پاسخ می‌گویم و از این باب خوشبختم.»

امام صادق رضی الله عنه فرمودند:

پرسش من این نبود؛ پرسش من این است که این عبارت را هنگام شروع نماز چگونه

می‌گویی: «وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا مُسْلِمًا».

روی به کسی آوردم که آسمان‌ها و زمین را آفرید؛ در حالی که تسلیم و پرستشگر او هستم؟
حسن بن راشد گفت: همان را می‌گوییم.

حضرت فرمودند: این عبارت را این گونه بگو:

«عَلَىٰ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَدِينِ مُحَمَّدٍ ﷺ وَمِنْهَاجِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ﷺ
وَإِلْتِمَامِ بَالِ مُحَمَّدٍ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ».

بر آیین ابراهیم و دین محمد و راه و روش علی بن ابی طالب، و پذیرش پیشوایی آل محمد - نماز می‌گزارم، در حالی که پرستشگر و تسلیم خدا هستم، و شرک نمی‌ورزم.

امام زمان صلوات الله علیه در پاسخ حمیری فرمودند:

توجه (یعنی خواندن این دعا در آغاز نماز) واجب نیست؛ و مستحب مؤکد در
این باره - که همانند اجماع مورد قبول همگان می‌باشد - این عبارت است:

وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا مُسْلِمًا

روی به کسی آورده‌ام که آسمان‌ها و زمین را بیافرید؛ در حالی که من تنها او را می‌پرستم و تسلیم او هستم،

عَلَىٰ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَدِينِ مُحَمَّدٍ ﷺ وَهُدًى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا مِنَ

بر آیین حضرت ابراهیم، و دین حضرت محمد ﷺ، و هدایت امیر مؤمنان علی ﷺ - هستم و به خدا نیز

الْمُشْرِكِينَ، إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ

شرک نمی‌ورزم. به راستی که نماز، عبادت، زندگانی و مرگ من برای خداست که پروردگار

الْعَالَمِينَ، لَا شَرِيكَ لَهُ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ. اللَّهُمَّ

جهانیان است و هیچ شریکی ندارد. من دستور یافته‌ام که چنین باشم و من جزو مسلمانان هستم. بار الهی!

اجْعَلْنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ، أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ

ما جزو مسلمانان قرار بده؛ از شیطان رانده‌شده به خدای شنوای دانا پناه می‌برم.

الرَّجِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، و پس از آن، حمد را می‌خواند.^۱

به کمک نام خدای بخشنده مهربان.

۱. بحار الأنوار: ۲۵۹/۸۴، به نقل از الإحتجاج: ۳۰۷/۲.



دعای حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه

سید بزرگوار، علی بن طاووس رحمه الله در «مہج الدعوات» این دعا را از جمله دعاہای امام زمان ارواحنا فداء نقل کرده است:

إِلٰهِي بِحَقِّ مَنْ نَاجَاكَ، وَبِحَقِّ مَنْ دَعَاكَ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ، تَفَضَّلْ

خدایا! از تو درخواست می‌کنم به حق هر کسی که با تو نجوا کرده است، و به حق هر کسی که در خشکی و دریا تو را خوانده است؛

عَلَى فَقَرَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَاءِ وَالثَّرْوَةِ، وَعَلَى مَرْضَى

که نسبت به مردان و زنان فقیر مؤمن لطف کنی و توانگری و دارایی را روزی‌شان گردانی؛

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالشِّفَاءِ وَالصَّحَّةِ، وَعَلَى أَحْيَاءِ الْمُؤْمِنِينَ

به مردان و زنان مریض مؤمن، شفا و سلامتی ارزانی بدار؛ و به مردان و زنان مؤمن که در قید حیات

وَالْمُؤْمِنَاتِ بِاللُّطْفِ وَالْكَرَمِ، وَعَلَى أَمْوَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

هستند نیکی و بزرگواریت را مرحمت کن؛ و به مردگان مؤمن - اعم از زن و مرد -

بِالْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ، وَعَلَى غُرَبَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالرَّدِّ

آمزش و رحمت (گسترده‌ات) را ببخشایی؛ و غریبان مؤمن را - اعم از زن و مرد -

إِلَى أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ غَانِمِينَ، بِمُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ أَجْمَعِينَ. ۱

در کمال سلامتی و بهره‌مندی، به وطن‌هایشان بازگردانی؛ به واسطه حضرت محمد و آل او.



دعای سهم اللیل، از امام زمان ارواحنا فداء

این دعا از حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه روایت شده است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَزِيزِ تَعَزُّزِ اعْتِرَازِ عِزَّتِكَ، بِطَوَّلِ حَوْلِ شَدِيدِ

خدایا؛ همانا از تو درخواست می‌کنم به واسطه عزتمندی راستین و عزت‌بخشت؛ به واسطه توانایی نیروی بزرگ

قُوَّتِكَ، بِقُدْرَةِ مِقْدَارِ اقْتِدَارِ قُدْرَتِكَ، بِتَأَكِيدِ تَحْمِيدِ تَمَجِيدِ

قدرتت؛ به واسطه توان اندازه‌های توانایی قدرتت؛ به واسطه بزرگیت که بسی جای سپاس و شکوهمندی حقیقی دارد؛ به واسطه

عَظَمَتِكَ، بِسُمُوِّ نُمُوِّ عُلُوِّ رَفْعَتِكَ، بِدَيْمُومِ قِيُومِ دَوَامِ مُدَّتِكَ،

رفعت و والایت که بسی والا و بلندمرتبه است؛ به واسطه دائمی‌بودنت که مدتت بسی پایدار و استوار است؛

بِرِضْوَانِ غُفْرَانِ أَمَانِ رَحْمَتِكَ، بِرَفِيعِ بَدِيعِ مَنِيعِ سَلْطَنَتِكَ،

به واسطه خشنودی آمرزش که امنیت رحمتت را به همراه می‌آورد؛ به واسطه پادشاهی نوآور و استوارت که بسیار والا مرتبه است و با

بِسُعَاةِ صَلَاةِ بَسَاطِ رَحْمَتِكَ، بِحَقَائِقِ الْحَقِّ مِنْ حَقِّ حَقِّكَ،

همه متفاوت و از همه بهتر است؛ به واسطه گستره رحمت تو به کوشندگان نماز؛ به واسطه حقیقت حق تو که دارای حقایقی راستین است؛

بِمَكْنُونِ السَّرِّ مِنْ سِرِّ سِرِّكَ، بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عِزِّ عِزِّكَ، بِحَنِينِ

به واسطه آن بخش از راز و رمز و بی‌زبات که آن را نیز در پرده راز نهاده‌ای؛ به واسطه آن بخش از عزت و اقتدارت که پایه‌های عزت تو است؛

أَنِينِ تَسْكِينِ الْمُرِيدِينَ، بِحَرَقَاتِ خِضَاعَاتِ زَفَرَاتِ الْخَائِفِينَ،

به واسطه ناله‌های پنهانی و شکوه‌های ارادتمندانت؛ به واسطه آه‌های آتشین و فروتنانه کسانی که از تو می‌ترسند؛

بِأَمَالِ أَعْمَالِ أَقْوَالِ الْمُجْتَهِدِينَ، بِتَخَشُّعِ تَخَضُّعِ تَقَطُّعِ مَرَارَاتِ

به واسطه آرزوها، کارها، گفتار کوشش‌کنندگان؛ به واسطه خشوع و خضوع شکیبایان که در هنگام تلخی‌ها از

الصَّابِرِينَ، بِتَعَبُدِ تَهَجُّدِ تَمَجُّدِ تَجَلُّدِ الْعَابِدِينَ. اللَّهُمَّ ذَهَلَتْ

خود نشان می‌دهند؛ به واسطه عبادت‌ها، شب‌زنده‌داری‌ها و ثنا و ستایش‌گویی‌ها و نشاط کسانی که به عبادت و پرستش تو مشغول‌اند؛

الْعُقُولُ، وَانْحَسَرَتِ الْأَبْصَارُ، وَضَاعَتِ الْأَفْهَامُ، وَخَارَتِ

خدای من؛ عقل‌ها و خردها از کار افتادند، و چشم‌ها ناتوان شدند، و فهم و درک‌ها تباہ شده و به نابودی گرایید، و

الْأَوْهَامُ، وَقَصُرَتِ الْخَوَاطِرُ، وَبَعُدَتِ الظُّنُونُ عَنْ إِدْرَاكِ كُنْهِ

خیال‌ها و اندیشه‌های ژرف‌نگر سرگردان شدند، و خاطر‌ها نتوانستند ادامه راه را بروند، و گمان‌ها در دوردست‌ها ناکام

كَيْفِيَّةٍ مَا ظَهَرَ مِنْ بَوَادِي عَجَائِبِ أَصْنَافِ بَدَائِعِ قُدْرَتِكَ، دُونَ

ماندند؛ ولی هیچ یک نتوانستند به طور کامل این را دریابند که شگفتی‌های آغازین و نوآوری‌های گوناگون قدرتت چگونه است؟

الْبُلُوعِ إِلَى مَعْرِفَةِ تَلَأُّوْ لَمَعَانِ بُرُوقِ سَمَائِكَ. اَللّٰهُمَّ مُحَرِّكَ

و نتوانستند به این شناخت دست یابند که چگونه آسمان تو به نورافشانی و درخشندگی برق خود می‌پردازد. بار الهای ای

الْحَرَكَاتِ، وَمُبْدِئِ نِهَائِيَةِ الْغَايَاتِ، وَمُخْرِجِ يَنَابِيْعِ تَفْرِيعِ قُضْبَانَ

جنبانده جنبنده‌ها؛ ای آغازگر پایان مقصودها؛ ای کسی که چشمه‌ها ساقه‌های گیاهان را بیرون می‌آورد؛

النَّبَاتِ، يَا مَنْ شَقَّ صَمَّ جَلَامِيْدِ الصُّخُوْرِ الرَّاسِيَّاتِ، وَأَنْبَعِ مِنْهَا

ای کسی که سنگ‌های سخت و به زمین چسبیده را شکافت و از آنها

مَاءً مَعِيْنًا حَيَاةً لِّلْمَخْلُوْقَاتِ، فَأَحْيَى مِنْهَا الْحَيَوَانَ وَالنَّبَاتَ،

آبی گوارا که باعث زندگانی آفریدگان است بیرون آورد و از آن آب نیز حیوان‌ها و گیاهان را زندگی بخشید؛

وَعَلِمَ مَا اخْتَلَجَ فِي سِرِّ أَفْكَارِهِمْ مِنْ نُّطْقِ إِشَارَاتِ خَفِيَّاتِ

و آن چه را در اندیشه‌های پنهان‌شان - همانند برق - می‌گذرد آگاهی دارد.

لُغَاتِ النَّمْلِ السَّارِحَاتِ. يَا مَنْ سَبَّحَتْ وَهَلَّلَتْ وَقَدَّسَتْ وَكَبَّرَتْ

چنان که از گفتاری که مورچگان با اشاره‌های رمزی (به عنوان لغت و زبان) دارند آگاه است؛

وَسَجَدَتْ لِجَلَالِ جَمَالِ أَقْوَالِ عَظِيْمِ عِزَّةِ جَبْرُوتِ مَلَكَوتِ

ای کسی که فرشتگان هفت آسمان برای شکوه زیبایی گفتارهای بزرگ مرتبه عزت جبروت

سَلْطَنَتِهِ مَلَائِكَةُ السَّبْعِ السَّمَاوَاتِ، يَا مَنْ دَارَتْ فَأَضَاءَتْ

پادشاهی استوارش، زبان به تسبیح و تهلیل و تقدیس و تکبیر گشوده‌اند و به سجده افتاده‌اند؛ ای کسی

وَأَنَارَتْ لِدَوَامِ دَيْمُومِيَّتِهِ النُّجُومُ الزَّاهِرَاتِ، وَأَخْصَى عَدَدَ

که ستارگان پرتوافشان، در برابر دایمی بودن راستین او به چرخش درآمده‌اند و به نورافشانی پرداخته‌اند؛ ای کسی که تعداد

الْأَحْيَاءِ وَالْأَمْوَاتِ، صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ خَيْرَ الْبَرِيَّاتِ،

زندگان و مردگان را می‌داند و به شماره درآورده است؛ بر محمد و آل محمد - که بهترین مردم هستند - درود بی‌پایان را نثار فرما؛

وَأَفْعَلُ بِي كَذَا وَكَذَا. و به جای «کذا و کذا» حاجات خود را مسألت می‌کنی.

و این کار را برای من انجام بده.

دعای سهم‌اللیل از امام زمان



۳۹۱

دعای دیگر از امام زمان عجل الله تعالی فرجه

این دعای شریف نیز از وجود مبارک حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه روایت شده است:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ، وَبُعْدَ الْمَعْصِيَةِ، وَصِدْقَ النِّيَّةِ،

بارالها! توفیق فرمان برداری از خودت را روزیمان گردان؛ و(نیز، توفیق) دوری از گناه و نافرمانی، نیت درست و راستین،

وَعِرْفَانَ الْحُرْمَةِ، وَأَكْرِمْنَا بِالْهُدَى وَالْإِسْتِقَامَةِ، وَسَدِّدْ أَلْسِنَتَنَا

شناخت حریم ممنوعه خود را نصیب ما بفرما، و ما را با هدایت و پایداری گرامی بدار. و زبان های ما را با

بِالصَّوَابِ وَالْحِكْمَةِ، وَامْلَأْ قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ وَالْمَعْرِفَةِ، وَطَهِّرْ

سخنان درست و حکیمانه، استوار گردان. و دل های ما را از علم و معرفت پر کن؛ و

بُطُونَنَا مِنَ الْحَرَامِ وَالشُّبْهَةِ، وَاكْفِفْ أَيْدِيَنَا عَنِ الظُّلْمِ وَالسَّرِقَةِ

شکم های ما را از حرام و شبهه ناک پاک گردان؛ و دستان ما را از ستم و دزدی باز بدار؛

وَاعْضُضْ أَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَالْخِيَانَةِ، وَاسْدُدْ أَسْمَاعَنَا عَنِ

و چشمانمان را از خیانت و تبه کاری فرو ببند؛ و دروازه گوش های ما را بر شنیدن

اللَّغْوِ وَالْغَيْبَةِ، وَتَفَضَّلْ عَلَيَّ عُلَمَائِنَا بِالزُّهْدِ وَالنَّصِيحَةِ، وَعَلَى

مطالب بیهوده و غیبت ببند. و به عالمان ما زهد و خیرخواهی مرحمت کن؛ و به

الْمُتَعَلِّمِينَ بِالْجُهْدِ وَالرَّغْبَةِ، وَعَلَى الْمُسْتَمِعِينَ بِالْإِتِّبَاعِ

دانش پژوهان تلاش، کوشش و اشتیاق کرم کن؛ و شنوندگان را موفق به پیروی

وَالْمَوْعِظَةِ، وَعَلَى مَرْضَى الْمُسْلِمِينَ بِالشِّفَاءِ وَالرَّاحَةِ، وَعَلَى

و پندپذیری بگردان، و به بیماران مسلمان شفا و راحتی از بیماری عنایت فرما؛ و

مَوْتَاهُمْ بِالرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ، وَعَلَى مَشَايِخِنَا بِالْوَقَارِ وَالسَّكِينَةِ،

مسلمانانی را که از دنیا رفته اند با آغوش رأفت و مهربانی خاص خودت ببذیر؛ و پیران ما را دارای وقار و متانت و آرامش کن؛

ببخش ششم

وَعَلَى الشَّبَابِ بِالْإِنَابَةِ وَالتَّوْبَةِ، وَعَلَى النِّسَاءِ بِالْحَيَاءِ وَالْعِفَّةِ،

جوانان مان را موفق به توبه و بازگشت به درگاهت ساز؛ و به زنان حیا و پاکدامنی مرحمت فرما؛

وَعَلَى الْأَغْنِيَاءِ بِالتَّوَّاضُعِ وَالسَّعَةِ، وَعَلَى الْفُقَرَاءِ بِالصَّبْرِ

و ثروت‌مندان ما را متواضع و دست و دل باز گردان؛ و فقیران ما را موفق کن تا شکیبایی

وَالْقَنَاعَةِ، وَعَلَى الْغَزَاةِ بِالنَّصْرِ وَالْغَلْبَةِ، وَعَلَى الْأَسْرَاءِ

و قناعت را پیشه کننده؛ و جنگجویان ما را به پیروزی و چیرگی برسان؛ و اسیران ما را

بِالْخُلَاصِ وَالرَّاحَةِ، وَعَلَى الْأَمْرَاءِ بِالْعَدْلِ وَالشَّفَقَةِ، وَعَلَى

به رهایی و راحتی از دست دشمن نایل کن؛ و فرمان‌فرمایان ما را دادگر و دل‌سوز گردان؛ و

الرَّعِيَّةِ بِالْإِنصَافِ وَحُسْنِ السَّيْرِ، وَبَارِكْ لِلْحُجَّاجِ وَالزُّوَّارِ فِي

رعیت را نیز دارای انصاف و خوش‌رفتاری گردان؛ و زاد و توشه حاجیان و زائران را بابرکت گردان

الزَّادِ وَالتَّقَةِ، وَأَقْضِ مَا أُوجِبْتَ عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَجِّ وَالْعُمْرَةِ،

و موفق‌شان کن تا حج و عمره‌ای را که بر آنان واجب نموده‌ای به درستی به انجام برسانند

بِفَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ۱

همه این‌ها را به خاطر لطف و احسان و مهربانیت بر ما ارزانی دار، ای مهربان‌ترین مهربانان!

دعای «یا نور النور»



دعای «یا نور النور»

از امام زمان عجل الله تعالی فرجه

این دعای شریف را کفعمی رحمه الله در کتاب «المصباح» از مولایمان امام زمان ارواحنا فداه

نقل کرده است:

يَا نُورَ النُّورِ، يَا مُدَبِّرَ الْأُمُورِ، يَا بَاعِثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ، صَلِّ

ای روشنی‌بخش روشنی‌ها، ای تدبیرکننده کارها، ای کسی که تمام مردگان درون قبرها را برمی‌انگیزی؛

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ لِي وَلِشِيعَتِي مِنَ الضِّيقِ

بر محمد و آل محمد درود بفرست، و گشایشی برای من، و پیروان من فراهم کن تا از این تنگنا

فَرَجاً، وَمِنَ الِهِمِّ مَخْرَجاً، وَأَوْسِعْ لَنَا الْمَنْهَجَ، وَأَطْلِقْ لَنَا مِنَ

رها شویم، و از اندوهها بدراییم؛ و مسیر و راه ما را وسیع گردان، و از نزد خودت به گونه‌ای برای ما رهایی مقرر کن که

عِنْدِكَ مَا يُفَرِّجُ، وَافْعَلْ بِنَا مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا كَرِيمٌ.^۱

گشایشی در تمام امورمان حاصل شود؛ و آن گونه که تو سزاوارش هستی - ای بزرگوار! - با ما رفتار کن.

در روایت است که: هر کس این دعا را همیشه بخواند، با امام عصر صلوات الله علیه محشور خواهد شد.^۲



دعای دیگر از امام زمان ارواحنا فداء برای رفع مشکلات

این دعای شریف برای رفع مشکلات، در کتاب «قصص الأنبياء» از مولایمان امام زمان ارواحنا فداء نقل شده است:

يَا مَنْ إِذَا تَضَايَقَتِ الْأُمُورُ فَتَحَ لَنَا بَاباً لَمْ تَذْهَبْ إِلَيْهِ الْأَوْهَامُ،

ای کسی که وقتی کارها بر ما تنگ آید، دری را به روی ما می‌گشاید که به خیال و اندیشه هیچ کس نرسید باشد؛

فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْتَحْ لِأُمُورِي الْمُتَضَايِقَةَ بَاباً

بنابراین، از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود بفرستی و دری فراروی کارهای گره خورده و بسته شده‌ام بگشایی

لَمْ يَذْهَبْ إِلَيْهِ وَهْمٌ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.^۳

که هیچ ذهنی بدان نرسیده باشد. ای مهربان‌ترین مهربانان.

در کتاب «التحفة الرضویة» آورده است: علامه پرهیزگار جناب سید حسن فرزند سید علی آقا شیرازی، این دعا را برایم روایت کرد و گفت که:

۱. المصباح: ۴۰۷، جنات الخلود: ۴۱، ضیاء الصالحین: ۵۲۳.

۲. منتخب الأثر: ۵۲۱. ۳. قصص الأنبياء: ۳۶۳.

مجموعه

بخش نهم



از امام زمان عجل الله تعالى فرجه روایت شده است.

این کلام را بعضی از بزرگانِ مورد اعتماد از ایشان نقل کرده‌اند.

وی گفت: برای برطرف شدن مشکلات و نیز دست‌یابی به خواسته‌ها و آرزوها، پس از نمازهای پنجگانه - و نیز در دیگر حالات - باید خوانده شود، و آن دعا این است:

يَا مَنْ إِذَا تَضَايَقَتِ الْأُمُورُ فَتَحَ لَهَا بَاباً لَمْ تَذْهَبْ إِلَيْهِ الْأَوْهَامُ،

ای کسی که وقتی کارها بر ما تنگ آید، دری را به روی آن می‌گشاید که به خیال و اندیشه هیچ کس نرسید باشد؛

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْتَحْ لِأُمُورِي الْمُتَضَايِقَةَ بَاباً

بنابراین، از تو می‌خواهم که بر محمد و آل محمد درود بفرستی و دری فراروی کارهای گره‌خورده و بسته شده‌ام بگشایی

لَمْ يَذْهَبْ إِلَيْهِ وَهْمٌ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ۱

که هیچ ذهنی بدان نرسیده باشد. ای مهربان‌ترین مهربانان.



دعای مهم دیگر از امام زمان عجل الله تعالى فرجه

برای برآورده شدن حاجت‌ها

سید علی خان در کتاب شریف «الکلم الطیب» می‌گوید: این دعای ارزشمندی است از امام زمان صلوات الله علیه برای کسی که چیزی از او ضایع گشته یا حاجتی دارد؛ لذا شخصی که خواسته یا مشکل مهمی دارد باید این دعا را بسیار بخواند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، مُبْدِيُ الْخَلْقِ وَمُعِيدُهُمْ وَأَنْتَ اللَّهُ

تو آن خدایی هستی که جز تو معبودی نیست؛ آغازگر و بازگرداننده آفریدگان هستی. و تویی آن خدایی



الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، مُدَبِّرُ الْأُمُورِ، وَبَاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ،

که جز تو معبودی نیست، تدبیر کننده کارها هستی، و هر که را در قبرهاست برمی انگیزی؛

وَأَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْقَابِضُ الْبَاسِطُ، وَأَنْتَ اللَّهُ الَّذِي

تو همان خدای یکتایی هستی که جز تو معبودی نیست؛ تنگگیرنده و گستراننده هستی؛ و تو آن خدایی هستی که

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَارِثُ الْأَرْضِ وَمَنْ عَلَيْهَا. أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

جز تو معبودی نیست؛ و وارث زمین و ساکنان آن هستی. از تو درخواست می‌کنم به واسطه نامت

الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ أُجِبْتَ، وَإِذَا سُئِلَ بِهِ أُعْطِيَ، وَأَسْأَلُكَ

که هر گاه بدان خوانده شدی پاسخ دادی، و هرگاه بدان وسیله از تو درخواست شده عطا کردی؛ و

بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ، وَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أُوجِبَتْهُ عَلَى نَفْسِكَ

به حق محمد و اهل بیت او؛ و به واسطه حقی که برای ایشان بر خود واجب ساخته‌ای از تو درخواست

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَقْضِيَ لِي حَاجَتِي،

می‌کنم تا بر محمد و آل محمد درود بفرستی و حاجتم را برآورده سازی؛

السَّاعَةَ السَّاعَةَ، يَا سَيِّدَاهُ، يَا مَوْلَاهُ، يَا غِيَاثَاهُ، أَسْأَلُكَ بِكُلِّ

همین ساعت، همین ساعت ای آقای من؛ ای مولای من؛ ای فریادرس من؛ از تو می‌خواهم به واسطه تمامی

اسْمٍ سَمَّيْتَهُ بِهِ نَفْسِكَ، وَاسْتَأْثَرْتُ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ أَنْ

نام‌هایی که خویشتن را بدان نامیده‌ای فرموده‌ای، و آن را در دانش پنهانیت نزد خود نگه داشته‌ای؛ که

تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُعَجِّلَ خَلَاصَنَا مِنْ هَذِهِ

بر محمد و آل محمد درود بفرستی، و در رهایی ما از این گرفتاری و

الشَّدَّةِ، يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَالْأَبْصَارِ، يَا سَمِيعَ الدُّعَاءِ، إِنَّكَ عَلَيَّ

سختی شتاب کنی. ای دگرگون‌کننده دل‌ها و چشم‌ها؛ ای شنوای دعا؛ به راستی که تو بر

كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .۱

هر چیزی توانا هستی؛ به واسطه رحمتت ای مهربان‌ترین مهربانان!

محمد ص

بخش ششم





دعای امام عصر عجل الله تعالى فرجه برای شفاء از بیماری‌ها

محدث نوری رحمته می‌فرماید: شیخ بزرگوار جناب کفعمی رحمته در کتاب «البلد الامین» از حضرت مهدی صلوات الله علیه روایت می‌کند:
کسی که این دعا را با تربت امام حسین علیه السلام در ظرف نو بنویسد، و آن را بشوید و بنوشد، از بیماریش رهایی می‌یابد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
به نام خداوند بخشنده مهربان

بِسْمِ اللَّهِ دَوَاءٌ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ شِفَاءٌ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كِفَاءٌ، هُوَ
(گفتن) بسم الله دواست؛ و الحمد لله شفاست؛ و لا اله الا الله موجب کفایت است؛ و

الشَّافِي شِفَاءٌ، وَهُوَ الْكَافِي كِفَاءٌ، أَذْهَبِ الْبَأْسَ بِرَبِّ النَّاسِ،
«هو الشافی» شفا است و «هو الکافی» کفایت است؛ تو را به پروردگار مردم سوگند می‌دهم که بدی را دور گردانی

شِفَاءٌ لَا يُغَادِرُهُ سَقَمٌ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ النَّجَبَاءِ.
و شفایی بدهی که هیچ بیماری در پی آن نباشد. و درود پیوسته خداوند بر محمد و آل نجیبش نثار باد.

محدث نوری رحمته در ادامه می‌افزاید: دستخطی از سید زین الدین علی بن حسین حسینی دیدم که بیان داشته است: این دعا را مردی از ساکنان کربلا در عالم خواب از حضرت مهدی ارواحنا فداه آموخته بود.

وی بیمار بود، و از بیماری خود به حضرت مهدی صلوات الله علیه شکایت کرد و آن حضرت دستور فرمود این دعا را بنویسد و بشوید و بنوشد. وی چنان کرد و فوراً بیماریش برطرف شد.^۱

۱. جنة المأوی: ۲۲۶، دار السلام: ۲۸۸/۱.

دعای دیگر از امام زمان ارواحنا فداه برای رهایی از سختی‌ها و حفظ شدن از دزدان

مرحوم آیه الله شیخ علی اکبر نهاوندی می نویسد: شیخ علی اکبر تهرانی - ساکن مشهد مقدس - برای ما قضیه‌ای تعریف کرد و گفت:

عالم متقی شیخ محمد تقی تربتی - که از دانشمندان بزرگ و علمای اخلاق و از شاگردان علامه میرزا حبیب الله رشتی بود و اجازه‌ای از ایشان داشت - فرمود: یکی از شاگردان متدین من - که از سادات شهر تربت بود - برای من تعریف کرد و گفت:

از زیارت عتبات عالیات که برمی‌گشتم، همراه طلبه‌ای از خانقین خارج شدم و پیاده به دنبال قافله به طرف قصر شیرین حرکت کردیم، از شدت تشنگی و خستگی ناتوان شده، و با زحمت زیاد خود را به قافله رساندیم، دیدیم قافله را دزدها غارت کرده و اموالشان را برده بودند؛ افرادی مجروح شده و در بیابان افتاده بودند، و محمول‌ها شکسته و روی زمین افتاده بود.

ما از ترس به کناری رفته و به بالای تپه‌ای رفتیم، ناگاه دیدیم سید بزرگواری کنار ما ایستاده، به ما سلام فرمود، بعد هفت دانه خرما را زاهدی به من داد و فرمود: چهار دانه را خودت بخور، و سه دانه آن را به شیخ بده.

چون خرماها را خوردیم تشنگی ما برطرف شد، و فرمود: این دعا را به جهت رهایی از سختی‌ها، و محفوظ بودن از شر دزدها بخوانید:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَخَافُكَ، وَأَخَافُ مِمَّنْ يَخَافُكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِمَّنْ لَا يَخَافُكَ.

بارالها! من از تو می‌ترسم؛ و از هر کسی که از تو می‌ترسد نیز می‌ترسم؛ و از کسانی که از تو نمی‌ترسند به خودت پناه می‌برم.

پس از آن؛ اندکی با آن سید بزرگواری راه رفتیم، ناگاه اشاره کرد و فرمود: این منزل شماست. نگاه کردیم، دیدیم منزل پایین آن تپه بود، و چون وارد منزل شدیم از شدت تشنگی خواب بر ما غلبه کرد، خوابیدیم، و متوجه آنچه برای ما اتفاق افتاده

بود نشدیم، چون بیدار شدیم دانستیم که آن بزرگوار حضرت ولی عصر، صاحب الزمان عجل الله فرجه بوده است.^۱



دعای دیگری از امام زمان عجل الله تعالی فرجه برای رهایی از سختی‌ها و مشکلات

در کتاب «الکلم الطیب» آورده است که: دستخطی از یکی از دوستان بزرگوار و صالح و مورد اعتماد و ثابت قدم خود - که جزو سادات نیز هست - مشاهده کردم که چنین نوشته بود:

در ماه رجب سال یکهزار و نود و سه، برادر دینی و دوست بسیار دوست داشتنی، دانشمند اهل عمل، دارای مراحل کمال انسانی، و صفات الهی، امیر اسماعیل بن حسین بیک بن علی بن سلیمان جابری انصاری برایم گفت: از شیخ نیکوکار و پرهیزگار و اهل احتیاط در رفتار، جناب حاج شیخ علی مکی شنیدم که فرمود: من به شدت دچار گرفتاری و مشکلات شدم و دشمنانم نیز پیوسته حقوق مرا پایمال می‌کردند، تا جایی که ترسیدم جانم را نیز از کف بدهم و کشته شوم. در همین اوضاع دعایی را دیدم که داخل جیبم بود - در حالی که کسی آن را به من نداده بود - از این جریان در شگفت شدم و پیوسته حیران بودم تا آن که در عالم خواب شخصی را در قیافه صالحان و زاهدان دیدم که به من گفت: آن دعا را، ما به تو دادیم؛ آن را بخوان که از گرفتاری و مشکلات رهایی یابی. و برایم روشن نشد که گوینده آن کیست؟ و این جریان بر شگفتی و حیرتم افزود؛ تا آن که امام عصر ارواحنا فداء را در خواب دیدم که به من فرمود:

دعایی را که به تو عطا کردم بخوان، و به هر کسی که می‌خواهی بیاموز.

۱. العیقری الحسان: ۱/۱۱۷ المسک الأذفر.

من بارها آن دعا را تجربه کردم و هر بار گشایشی سریع در کارم مشاهده کردم تا آن که آن را برای مدتی گم کردم و پیوسته تأسّف می‌خوردم و از رفتار بد خویش استغفار می‌کردم؛ تا این که شخصی نزد من آمد و گفت: این دعا در فلان جا از تو افتاده است.

البته من به خاطر نداشتم که آنجا رفته باشم، ولی به هر حال آن را پیدا کردم و برداشتم و سجده شکر الهی به جای آوردم. و دعا این است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

رَبِّ أَسْأَلُكَ مَدَدًا رُوحَانِيًّا تَقْوَى بِهِ قُوَايَ الْكُلِّيَّةُ وَالْجُزْئِيَّةُ،

بار پروردگارا! مدد و کمک روحانی از تو درخواست می‌کنم که نیروهای کلی و نیز جزئی مرا با آن تقویت و نیرومند گردانی؛

حَتَّى أَقْهَرَ بِمَبَادِي نَفْسِي كُلَّ نَفْسٍ قَاهِرَةٍ، فَتَقْبِضَ لِي إِشَارَةً

تا این که بتوانم با امکانات خویشتن هر کسی هر چه توانمند باشد شکست بدهم؛ به گونه‌ای که دقیق‌ترین

دَقَائِقِهَا، انْقِبَاضًا تَسْقُطُ بِهِ قُوَاهَا، حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْكَوْنِ ذُو

و حساس‌ترین حرکت‌های او در اختیارم قرار گیرد و بدین سان نیروهای او از کار بیفتند. تا جایی که هیچ موجود دارای

رُوحٍ إِلَّا وَنَارٌ قَهْرِي قَدْ أَخْرَقَتْ ظُهُورَهُ. يَا شَدِيدُ، يَا شَدِيدُ،

روحی گر هستی نباشد، جز آن که آتش قهر من نمود او را بسوزاند. ای سخت‌گیر! ای سخت‌گیر!

يَا ذَا الْبَطْشِ الشَّدِيدِ، يَا قَاهِرُ يَا قَهَّارُ، أَسْأَلُكَ بِمَا أَوْدَعْتَهُ

ای صاحب سخت‌گیری شدید؛ ای دارای سلطه؛ ای دارای غلبه و چیرگی فراوان؛ به واسطه آن

عِزْرَائِيلَ مِنْ أَسْمَائِكَ الْقَهْرِيَّةِ، فَانْفَعَلْتَ لَهُ النَّفْسُ بِالْقَهْرِ، أَنْ

نام‌های قهری که به عزرائیل سپرده‌ای و تمام جان‌ها خواه ناخواه تحت تأثیر قهر و غلبه او هستند، از تو درخواست می‌کنم تا در

تُودِعَنِي هَذَا السَّرِّ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ، حَتَّى الْيَنِّ بِهِ كُلَّ صَعْبٍ،

همین ساعت از زندگانیم آن راز (که به عزرائیل سپرده‌ای) را به من نیز عنایت فرمایی؛ تا در نتیجه هر سخت دشواری را نرم کنم،

وَأُذِلَّ بِهِ كُلَّ مَنِيْعٍ، بِقُوَّتِكَ يَا ذَا الْقُوَّةِ الْمَتِينِ.

و هر نیرومندی را خوار و در اختیار قرار دهم؛ به کمک نیرویت، ای دارای نیروی استوار.

سخت‌گیر

بخش ششم



این دعا هنگام سحر - در صورت امکان - سه مرتبه و هنگام صبح سه مرتبه و در شب نیز سه مرتبه خوانده شود. البته اگر مشکلات خواننده این دعا بسیار سخت و غیر قابل تحمل است پس از قرائت دعای مرتبه این دعا را نیز بخواند:

يَا رَحْمَانُ يَا رَحِيمُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، أَسْأَلُكَ اللَّطْفَ بِمَا

ای، بخشنده؛ ای مهربان حقیقی؛ ای مهربان‌ترین مهربانان؛ از تو لطف را نسبت به آنچه

جَرَتْ بِهِ الْمَقَادِيرُ. ۱

جاری گشته به آن مقدرات تقاضا دارم.



حرز امام زمان عجل الله تعالی فرجه

سید بزرگوار، علی بن طاووس رحمته الله در «مهج الدعوات»، و مرحوم کفعمی در «البلد الأمين» حرز مولای مان امام زمان ارواحنا فداه را چنین نقل کرده‌اند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

يَا مَالِكَ الرَّقَابِ، وَهَازِمَ الْأَحْزَابِ، يَا مُفْتِحَ الْأَبْوَابِ، يَا مُسَبِّبَ

ای صاحب اختیار همگان؛ ای شکست دهنده حزب‌های متحد شده؛ ای گشاینده درها؛ ای سبب‌ساز حقیقی تمام

الْأَسْبَابِ، سَبَّبْنَا سَبَبًا لَنْسَطِيعَ لَهُ طَلَبًا، بِحَقِّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ،

سبب‌ها؛ سببی برای ما بساز که توان دستیابی و جستجویش را نداریم؛ به حق کلمه شهادتین: «لا اله الا الله».

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ. ۲

محمد رسول الله؛ که صلوات و درودهای الهی پیوسته بر او و تمام آل او نثار باد.



۱. الکلم الطیب: ۱۰، جنة المأوی: ۲۲۵، دار السلام: ۲۸۸/۱.

۲. مهج الدعوات: ۶۴، المصباح: ۴۰۷.

دعای حجاب (پنهان بودن)، از امام عصر عجل الله تعالی فرجه

اللَّهُمَّ اخْجُبْنِي عَنْ عُيُونِ أَعْدَائِي، وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيَائِي،

بار الهای مرا از دیده دشمنانم بپوشان، و مرا با دوستانم گرد هم بیاور،

وَأَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي، وَاحْفَظْنِي فِي غَيْبَتِي إِلَى أَنْ تَأْذَنَ لِي

و آن چه را به من وعده فرموده‌ای به انجام برسان، و مرا در زمان غیبت و پنهانیم - تا آن گاه که اجازه آشکار شدنم

فِي ظُهُورِي، وَأَخِي بِي مَا دَرَسَ مِنْ فُرُوضِكَ وَسُنَنِكَ، وَعَجِّلْ

را صادر می‌فرمایی - در حفظ و نگهداری خود بدار، و واجبات و مستحباتی که کهنه شده‌اند به دست من زنده کن، و در

فَرَجِي، وَسَهِّلْ مَخْرَجِي، وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا،

گشایش امرم شتاب فرما، و شرایط قیام مرا آسان و فراهم گردان، و از جانب خودت برایم سلطنتی یاری‌کننده مقرر دار،

وَافْتَحْ لِي فَتْحًا مُبِينًا، وَاهْدِنِي صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا، وَقِنِي جَمِيعَ

و پیروزی آشکاری نصیبم ساز، و مرا در راه راست رهنمون باش، و مرا از

مَا أَخَذَرَهُ مِنَ الظَّالِمِينَ، وَاخْجُبْنِي عَنْ أَعْيُنِ البَاغِضِينَ،

ستمگرانی که حذر می‌کنم در حفظ و حراست بدار، و مرا از دیده کینه توزان

النَّاصِبِينَ العَدَاوَةَ لِأَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ، وَلَا يَصِلْ مِنْهُمْ إِلَيَّ أَحَدٌ

و دشمنان سرسخت آل پیامبرت که پرچم دشمنی به دوش دارند پنهان بدار، و مگذار هیچ گزندی از هیچ کسی به من رسد.

بِسُوءٍ. فَإِذَا أَذِنْتَ فِي ظُهُورِي فَأَيِّدْنِي بِجُنُودِكَ، وَاجْعَلْ مَنْ

آن گاه که اجازه ظهور و آشکار شدن مرا دادی نیز با سپاهیان خودت موفق و تأییدم فرما، و

يَتَّبِعُنِي لِنُصْرَةِ دِينِكَ مُؤَيِّدِينَ، وَفِي سَبِيلِكَ مُجَاهِدِينَ، وَعَلَى

پیروانم را که برای یاری دینت گرداگرد من هستند و در راه تو جهاد می‌کنند نیز تأیید کن و موفق فرما؛

مَنْ أَرَادَنِي وَأَرَادَهُمْ بِسُوءٍ مَنْصُورِينَ، وَوَفَّقْنِي لِإِقَامَةِ

(این دوستانم را) بر بدخواهان من و ایشان یاری کن. مرا موفق کن تا

حُدُودِكَ، وَأَنْصُرْنِي عَلَى مَنْ تَعَدَّى مَحْدُودَكَ. وَأَنْصُرِ الْحَقَّ،

حدود تو را برپا گردانم، و بر هر کسی که یا از مرز و حدود تو فراتر گذاشته است مرا یاری فرما و غالب گردان. حق و راستی را یاری کن،

وَأَزْهِقِ الْبَاطِلَ، إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا، وَأُورِدُ عَلَيَّ مِنْ شِيعَتِي

و باطل را نابود و نیست گردان؛ چرا که باطل رفتنی است. آن دسته از دوستان و پیروان

وَأَنْصَارِي مَنْ تَقَرَّرُ بِهِمُ الْعَيْنُ، وَيَشُدُّ بِهِمُ الْأَزْرُ، وَاجْعَلْهُمْ فِي

و یاران مرا که موجب چشم روشنی و پشت گرمی هستند، نزد من بیاور؛ و ایشان را نیز در

حِرْزِكَ وَأَمْنِكَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.^۱

نگهبانی و امنیت ویژه‌ات قرار بده؛ (این کارها را) با رحمت خود انجام بده، ای مهربان‌ترین مهربانان.

سید بزرگوار جناب علی بن طاووس رحمته الله در کتاب «مهج الدعوات» بعد از نقل این دعای حجاب و حجاب‌های دیگر فرموده است: این حجاب‌ها، از جمله چیزهایی هستند که به ما خواندن آنها الهام شد هنگامی که سیل آمد و موجب غرق شدن عده‌ای شد و آب همه جا را فرا گرفته بود و به سختی می‌توانستیم جان سالم به در ببریم، و شدت سیل باعث ویرانی مناطق سیل زده شده بود. با اجابت این دعاها امکان ماندن ما در آن جا و دفع شدن این گرفتاری‌ها حاصل شد و ضامن سلامتی ما از این حوادث گشت. و خداوند را سپاس.^۲

دعا برای فرج در روز ظهور



دعا برای فرج در روز ظهور

شیخ نعمانی رحمته الله در کتاب «الغیبة» این دعا را از یونس بن ظبیان نقل کرده است که امام صادق علیه السلام فرمود:

وقتی شب جمعه فرا می‌رسد، خدای تعالی فرشته‌ای را به آسمان دنیا

۱. مهج الدعوات: ۳۶۰، المصباح: ۲۹۶.

۲. مهج الدعوات: ۳۶۱.

می فرستد؛ پس از دمیدن صبح، آن فرشته بر عرش نشسته و بر بالای بیت المعمور قرار می گیرد، و منبرهایی از نور برای حضرت محمد، حضرت علی، امام حسن و امام حسین علیهم السلام آماده می کند، و آن ها بر فراز منبرها می روند و فرشتگان و پیامبران و مؤمنان گرداگرد ایشان در می آیند و درهای آسمان گشوده می شود.

هنگامی که ظهر فرا رسد، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله عرض می کند: پروردگارا؛ زمان انجام وعده تو که در قرآن فرموده ای کی فرا می رسد.
(و آن وعده، این آیه شریفه است:)

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ
كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ
وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا﴾^۱.

خدا به مؤمنانی که اعمال شایسته دارند و وعده داده که به طور حتم ایشان را - همانند پیشینیان که به خلافت رسانید - به خلافت و حکومت بر زمین گمارد، و شرایط اجرای دینی را که برای شان پسندیده است فراهم سازد، و به جای خوف و هراسی که در روزگار برای ایشان به وجود آمده است امنیت و آرامش را جایگزین سازد.
پس از این، فرشتگان و پیامبران نیز همین دعا را می کنند؛ سپس حضرت محمد و علی و حسن و حسین علیهم السلام به سجده می افتند، و عرضه می دارند:

يَا رَبِّ اغْضَبْ، فَإِنَّهُ قَدْ هُتِكَ حَرِيمُكَ، وَقُتِلَ أَصْفِيَاؤُكَ، وَأُذِلَّ

پروردگارا؛ خشم کن؛ زیرا، حرمتت شکسته شد، و برگزیدگان کشته شدند،

عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ.

و بندگان صالح و شایسته تو به خواری کشیده شدند.

خداوند دعای آنان را می پذیرد و «روز معلوم» همان روز است.^۲

۱. سوره نور، آیه ۵۵.

۲. مکیال المکارم: ۱/۳۹۳، از الغیة مرحوم نعمانی: ۲۷۶.



دعای حضرت بقیة الله ارواحنا فداءه در اول ظهور

در روایتی آمده است که مفضل از امام صادق علیه السلام پرسید: ای آقای من؛ از کجا و چگونه (حضرت مهدی صلوات الله علیه) آشکار می شود و ظهور می فرماید؟
حضرتش فرمود:

ای مفضل؛ او به تنهایی آشکار می شود؛ به تنهایی نزد خانه کعبه می آید؛ به تنهایی داخل خانه کعبه می شود.
تنهاست که تاریکی شب او را فرامی گیرد؛ و آن گاه که چشمان مردم به خواب رفت و تاریکی شب زیادتر گشت، جبرئیل و میکائیل و دیگر فرشتگان، در صف های منظم به خدمتش شرفیاب می شوند و جبرئیل به آن بزرگوار عرضه می دارد: ای آقای من؛ گفتارت پذیرفته شد، و اجازه کار (ظهور) به تو عطا شد.
آن امام بزرگوار، در این حال دستان مبارکش را بر چهره شریف خود می کشد و می گوید:

﴿ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقْنَا وَعَدَّهُ، وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ، نَتَّبِعُهُ مِنْ

سپاس ویژه خداست که وعده خویش را نسبت به ما انجام داد، و ما را وارث زمین گردانید، تا هر کجا که بخواهیم

الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ، فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ ﴿ ۱. ۲

در بهشت ساکن گردیم؛ بنابراین، چه نیکوست پاداش کسانی که اهل عمل هستند.

۱. سوره زمر، آیه ۷۴.

۲. بحار الأنوار: ۷/۵۳.





دعای شیعه

هنگام خروج حضرت قائم ارواحنا فداه

پیغمبر خدا ﷺ می فرمایند:

اگر می خواهی از غرق شدن و آتش سوزی و سرقت در امان باشی، در هنگام صبح بگو:

بِسْمِ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ، لَا يَصْرِفُ السُّوءَ إِلَّا اللَّهُ، بِسْمِ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ،

به نام خدا؛ هر چه خدا بخواهد، (همان خواهد شد)؛ جز خدا، کسی نمی تواند بدی ها را برطرف و دور کند. به نام خدا؛ هر چه خدا بخواهد،

لَا يَسُوقُ الْخَيْرَ إِلَّا اللَّهُ، بِسْمِ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ، مَا يَكُونُ مِنْ نِعْمَةٍ

(همان خواهد شد)؛ جز خدا کسی نمی تواند خیر و خوبی را بکشد. به نام خدا؛ هر چه خدا بخواهد، (همان می شود)؛ هر نعمتی که وجود

فَمِنْ اللَّهِ، بِسْمِ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ

داشته باشد از خداست. به نام خدا؛ هر چه خدا بخواهد (همان خواهد شد)؛ هر نیرو و جنبشی، تنها به واسطه خدای بلند مرتبه

الْعَظِيمِ، بِسْمِ اللَّهِ مَا شَاءَ اللَّهُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّيِّبِينَ.

بزرگوار خواهد بود. به نام خدا؛ هر چه خدا بخواهد، (همان خواهد شد)؛ و خدا بر محمد و آل بسیار پاکش درود بفرستد.

هر کس این دعا را در بامداد هر روز، سه مرتبه بخواند، از غرق شدن و آتش سوزی و سرقت در امان خواهد بود تا آن گاه که شب فرارسد؛ و اگر آن را شامگاهان سه بار بخواند، تا صبح از این بلاها در امان است.

خضر و الیاس علیهم السلام هر ساله یکدیگر را در مراسم حج ملاقات می کنند، و هنگام خداحافظی با خواندن این دعا از یکدیگر جدا می شوند.

این، شعار شیعیان من است، و در زمان قیام حضرت قائم ارواحنا فداه نیز دوستان و دشمنانم با این عبارات از یکدیگر شناخته و جدا می شوند.^۱

پیغمبر خدا

بخش ششم





دعای آن حضرت عجل الله تعالی فرجه هنگام عبور از وادی السلام

حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه می فرماید :

گویا او (حضرت بقیة الله ارواحنا فداء) را می بینم که سوار بر اسبی آراسته که پیشانی آن از سفیدی می درخشد ، از وادی السلام عبور می کند و به سوی رودخانه سهله می رود و این دعا را می خواند :

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَصِدْقًا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

به حقیقت و واقعیت اعتراف می کنم که جز خدا معبودی نیست؛ ایمان دارم و تصدیق می کنم که هیچ معبودی جز خدا نیست؛ از روی بندگی و

تَعْبُدًا وَرِقًّا. اللَّهُمَّ مُعِزُّ كُلِّ مُؤْمِنٍ وَحَيِّدٍ، وَمُذِلُّ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ،

سلب اختیار از خود در برابر خدا، عرضه می دارم که جز او معبودی نیست. بارالها! ای عزت بخش هر مؤمن غریب و تنها؛ ای کسی که

أَنْتَ كَنْفِي حِينَ تُعِينِي الْمَذَاهِبُ، وَتَضِيقُ عَلَيَّ الْأَرْضُ بِمَا

هر ستمگر زورگوی کینه توزی را تو خوار می کنی؛ تو تنها پناهگاه و حامی من هستی؛ آن گاه که راه های گوناگون مرا به رنج افکند؛ و زمین

رَحِبْتُ. اللَّهُمَّ خَلَقْتَنِي وَكُنْتَ غَنِيًّا عَنِ خَلْقِي، وَلَوْلَا نَصْرُكَ

با این همه گستره و پهنا، بر من تنگ آید. بارالها! تو مرا آفریده ای در حالی که بی نیاز از آفرینش من بودی؛ اگر جز یاری رساندن تو بود،

إِيَّايَ لَكُنْتُ مِنَ الْمَغْلُوبِينَ، يَا مُنْشِرَ الرَّحْمَةِ مِنْ مَوَاضِعِهَا،

به طور حتم من نیز از شکست خوردگان بودم. ای خدایی که رحمت و مهربانی خویش را از جایگاه های آن می پراکنی؛

وَمُخْرِجِ الْبَرَكَاتِ مِنْ مَعَادِنِهَا، وَيَا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِشُمُوحِ

ای خدایی که برکتها را از معدن های آن بیرون می آوری؛ ای خدایی که بلندمرتبتگی

الرَّفْعَةِ، فَأَوْلِيَاؤُهُ بِعِزِّهِ يَتَعَزَّزُونَ، يَا مَنْ وَضَعْتَ لَهُ الْمُلُوكُ نِيرَ

و والایی را به خویش اختصاص داد، و بدین سان دوستانش به واسطه عزت او عزت مند می شوند؛ ای که تمام پادشاهان،

الْمَدْلَةَ عَلَىٰ أَعْنَاقِهِمْ، فَهُمْ مِنْ سَطْوَتِهِ خَائِفُونَ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ

یوغ خواری و ذلت را بر گردن خویش در برابر تو افکنده‌اند، و از خشم تو و هیبت پیوسته بیمناک هستند؛ به واسطه آن نامت از تو

الَّذِي فَطَرْتَ بِهِ خَلْقَكَ، فَكُلُّ لَكَ مُذْعِنُونَ. أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ

درخواست می‌کنم که آفریدگانت را با آن آفریدی، و همه به فرمان برداریت گردن نهاده‌اند. از تو درخواست می‌کنم

عَلَىٰ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُنْجِزَ لِي أَمْرِي، وَتُعَجِّلَ لِي فِي الْفَرَجِ،

که بر محمد ﷺ درود بفرستی، و کار مرا به انجام برسانی، و در گشایش و فرج کار من شتاب فرمایی،

وَتَكْفِينِي وَتُعَافِينِي وَتَقْضِي حَوَائِجِي، أَلْسَاعَةَ السَّاعَةِ، اللَّيْلَةَ

و مرا کفایت کنی و عافیت و سلامتی ببخشی و خواسته‌هایم را برآورده سازی؛ در همین ساعت؛ در همین ساعت؛ همین امشب؛

اللَّيْلَةَ، إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

همین امشب؛ به راستی که تو بر هر چیزی توانایی.



صلوات بر حضرت فاطمة زهرا عليها السلام

(اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ فَاطِمَةَ وَأَيِّهَا ...)

یکی از صلوات‌های مجرب و مؤثر در گرفتن حاجت، صلوات حضرت فاطمه

زهرا عليها السلام است به این گونه که پانصد و سی مرتبه بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ فَاطِمَةَ وَأَيِّهَا وَبَعْلِهَا وَبَنِيهَا [وَالسِّرِّ الْمُسْتَوْدَعِ

خداوندا؛ درود فرست بر فاطمه و پدر بزرگوارش و همسر گرامیش و فرزندان عزیزش] و به آن رازی که در وجود او به

فِيهَا] بِعَدَدِ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ.

و دیعه نهادی] به تعداد آن چه دانش تو بر آن احاطه دارد.

این ختم در کتب قدیمه دعا ذکر نشده و از زمان شیخ اعظم انصاری رحمته الله در میان

زبان‌ها افتاده و معروف شده است.

ما به خاطر دو جهت این صلوات را نقل نمودیم:

۱- اگرچه این صلوات در کتب قدیمه وجود ندارد و از مرحوم شیخ انصاری شنیده شده ولی به خاطر ارتباطی که آن بزرگوار با حضرت بقیة الله ارواحنا فداء داشته است به احتمال قوی این دعا از حضرت صاحب الامر ارواحنا فداء صادر شده است.

۲- مقصود از «السرّ المستودع فیها» حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه می باشد.^۱



ثواب خواندن سوره مبارکه «کهف»

در این بخش از کتاب، به برخی از ویژگی های سوره های قرآن می پردازیم، که با موضوع کتاب نیز بی ارتباط نیستند.

۱- پیامبر اکرم ﷺ می فرماید:

هر که سوره مبارکه «کهف» را بخواند، تا هشت روز از آزار هر فتنه ای در امان خواهد بود؛ بدین سان، اگر دجال نیز در آن هشت روز خروج کند، خداوند متعال او را از فتنه دجال محافظت خواهد داشت.

۲- در حدیث دیگری نیز از آن بزرگوار روایت شده است که فرمود:

هر که ده آیه از سوره «کهف» را از حفظ بخواند، فتنه دجال به او ضرری نخواهد رسانید؛ و کسی که تمام سوره را بخواند، داخل بهشت می شود.

۳- در حدیث دیگری، حضرت می فرمایند:

هر که ده آیه از ابتدای سوره مبارکه «کهف» را حفظ کند، و پس از آن دجال را درک کند ضرر و زیانی به وی نخواهد رسید. و هر که آیات پایانی این سوره را حفظ کند در روز قیامت نوری روشنی بخش برایش خواهد بود.^۲

۱. رجوع کنید به: «الصحیفة المبارکة المهدیة».





از خواصّ سوره «یس»

یکی از اهل علم که مورد اعتماد من است قضیه‌ای را در فضیلت سوره مبارکه «یس» برایم نقل کرد: یکی از بندگان خدا در شهر یزد گرفتاری سختی داشت، خدمت حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداه شرفیاب می‌شود، در حالی که آن بزرگوار را نمی‌شناسد، حضرت به او می‌فرمایند:

سوره «یس» را بخوان، چون به کلمه «مبین» که در شش مورد آمده است، رسیدی حاجت خود را نیت کن و پس از قرائت سوره، حاجت خود را درخواست کن، تا خداوند دعای تو را مستجاب نماید.

گفت: چون در سوره «یس» تأمل کردم، دیدم کلمه «مبین» در هفت مورد از این سوره آمده است، از این مسئله تعجب کردم، ولی چون دقت نمودم، فهمیدم که در شش مورد کلمه «مبین» بدون «الف و لام» آمده است و در یک مورد با «الف و لام» است، آن گاه سوره را همان طوری که حضرت فرموده بودند خواندم، و خداوند متعال دعایم را مستجاب کرد.



فضیلت سوره‌های «مستباحات»

جابر از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که:

هر که سوره‌های مستباحه را پیش از خواب بخواند، پیش از مرگ، حضرت مهدی (صلوات الله علیه) را درک خواهد کرد، و اگر بمیرد نیز در همسایگی پیامبر خواهد بود.^۱



طریحی ﷺ سوره‌های مسَبَّحَه را سوره‌هایی می‌داند که با تسبیح الهی آغاز شده باشند.

ملاً محمد صالح مازندرانی ﷺ می‌گوید: مسَبَّحات سوره‌هایی هستند که در آغازشان کلمه‌های «سَبَّح» یا «یسَبَّح» یا «سَبَّح» یا «سُبْحان» آمده باشد.

بنابراین احتمال، این سوره‌ها هفت سوره هستند: سوره اسراء، سوره حدید، سوره حشر، سوره صف، سوره جمعه، سوره تغابن و سوره مبارکه اعلی.

ولی مرحوم کفعمی در حاشیه «مصباح» خود پس از بازگو کردن روایت مذکور، می‌گوید: مسَبَّحات؛ نام پنج سوره قرآنی است. و جز سوره اسراء و اعلی، بقیه را نام برده است. شیخ صدوق ﷺ در فضیلت سوره تغابن به عنوان آخرین سوره مسَبَّحَه، این روایت را آورده است و از کلامش برمی‌آید که وی نیز این سوره‌ها را پنج تا می‌داند. مجلسی ﷺ در «حلیة المتقین»، و نیز فیض کاشانی ﷺ در کتاب «وافی» تصریح کرده‌اند که تعداد این سوره‌ها پنج سوره است.

یکی از فضلاء می‌گوید: بهتر است بدانید که برای تحقق شرط مزبور در روایت فوق، خواندن این سوره‌ها برای یک مرتبه هم کفایت می‌کند و مراد - یعنی درک زمان حضرت مهدی صلوات الله علیه یا همسایگی پیامبر ﷺ - حاصل خواهد شد.

لیکن، در این مقام که مقصود تشویق به خواندن این سوره‌ها و عادت کردن به تلاوت آنهاست، ظاهر آن است که درک آن حضرت یا همسایگی پیامبر ﷺ با تکرار و عادت کردن به تلاوت سوره‌های یاد شده خواهد بود.

البته، پر واضح است که ترک آن در بعضی از اوقات، ضرری به تکراری که لازمه ادراک آن حضرت یا جوار پیامبر ﷺ است نمی‌زند.

از سویی در ظاهر مراد از درک آن حضرت، درک با آگاهی و شناخت آن حضرت است.

سببش نیز می‌تواند یا این باشد که این سوره‌ها در مورد حضرت مهدی صلوات الله علیه و ویژگی‌ها و حالت‌های اوست؛ اگرچه ما آن را ندانیم و یا خاصیت خواندن این سوره‌ها این خواهد بود. این مطلب در مورد سوره‌های دیگری که ثواب و پاداش

معینی دارند نیز صدق می‌کند.^۱

مؤلف گوید: درباره «آیه الکرسی» و آیه شریفه «نور» و آیه «رَبِّ أَدْخِلْنِي» و آیات دیگر ختوماتی ذکر شده است که مناسب با این موضوع است، ولی از نقل آنها صرف نظر نمودیم.

باید توجه داشته باشیم که عالی‌ترین راه برای تشرّف به محضر مقدّس حضرت بقیّة الله الأعظم ارواحنا فداه جلب توجه و رضایت کامل آن بزرگوار می‌باشد.



خواندن سورة «القارعة» سبب ایمنی از فتنه دجال است

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که می‌فرماید:

هر کسی که سورة مبارکه «قارعه» را تلاوت کند خداوند او را از فتنه دجال از این که به او بگردد و نیز از سختی جهنّم در امان نگاه می‌دارد.^۲

صحیفه مطهریه

بخش نهم



۱. دار السلام: ۹۱/۳.

۲. المصباح: ۶۰۰، ثواب الأعمال: ۱۲۵.

بخش ہفتم

بخش ہفتم



توسل بہ حضرت بقیۃ اللہ (ارواحنا فداہ)

علامه مستنبط رضوان الله علیه چنین می فرماید: از نظر عقل و نقل بر ما لازم است که به الطاف حضرت حجّت ارواحنا فداء چنگ زنیم و در سختی ها و مشکلات به او پناه بریم.

چرا که آن بزرگوار، سلطان زمان و امام و پیشوای عصر حاضر است؛ گرچه از دیدگان ما غایب است، همانا او ما را می بیند ولی ما او را نمی بینیم، یا او را می بینیم ولی نمی شناسیم. به هر حال خورشید عنایتش بر ما می تابد، حاجت هر کسی را که به او توسل جوید، برآورده می سازد.

ایشان می افزایند: از این توسل آثار و نتایج عجیبی یافتیم و هرگز خلافتی از آن مشاهده نکردم.

آری؛ هر کس لذت توسل به دامان باکرامتش را نچشیده باشد از این حقایق بی بهره است؛ «بنفسي [أنت] من مغيب لم یخل منا»؛ «جانم فدایت؛ تو آن غایبی هستی که از میان ما خارج نمی باشد».^۱

جریان دعای توسل خواجه نصیر رحمته اللہ علیہ

مرحوم خواجه نصیر الدین طوسی اهل قریهٔ جهرود ساوه بوده و ولادت باسعادت او در یازدهم جمادی الاولی سال پانصد و نود و هفت در شهر طوس اتفاق افتاده که مادهٔ تاریخ او با آیهٔ کریمه **﴿جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾** ۱ موافق است و در هیجدهم ماه ذیحجهٔ سال ششصد و هفتاد و دو از این جهان درگذشت و مجموع عمر شریفش هفتاد و پنج سال بوده است.

علامهٔ عراقی در کتاب «دار السلام» می‌نویسد: بنا بر آنچه در زبان‌ها افتاده و در بعضی از کتاب‌ها نوشته شده:

خواجه نصیر مدت بیست سال کتابی در مناقب اهل بیت عصمت علیهم‌السلام تألیف نمود و آن را با خود به بغداد برد که به نظر خلیفهٔ عباسی برساند.

اتفاقاً وقتی رسید که خلیفه با ابن حاجب برای تفریح و تماشا در کنار شطّ بغداد بودند. خواجه آن کتاب را نزد خلیفه نهاد و او آن را به ابن حاجب داد و چون آن ناصبی نظر به مناقب ائمهٔ اطهار علیهم‌السلام نمود از شدت بغض، آن کتاب را در آب انداخت و از روی استهزا گفت: «أعجبني تلمّه»؛ یعنی: صدای افتادن این کتاب در آب، مرا به تعجب درآورد.

پس رو به آن جناب کرد و گفت: اهل کجایی؟

خواجه فرمود: اهل طوسم.

گفت: از گاوان یا از خران آن محل هستی؟

خواجه فرمود: از گاوان آن محلّم!

ابن حاجب گفت: پس ساخت در کجاست؟

خواجه فرمود: شاخم را در طوس گذاشته‌ام می‌روم و آن را می‌آورم!

پس خواجه مهموم و مغموم و محروم روی به دیار خود نهاد، اتفاقاً شبی در

خواب بقعه‌ای را دید که در مکانی قرار گرفته و در آن بقعه مقبره‌ای است که بر آن مقبره صندوقی نهاده‌اند و بر آن صندوق دعایی را که معروف است به دعای توسل خواجه نصیر نوشته‌اند و حضرت حجت عجل‌الله فرجه در آن بقعه می‌باشد.

پس آن بزرگوار آن دعا و کیفیت ختم آن را تعلیم خواجه فرمود. چون از خواب بیدار شد قسمتی از آن را فراموش کرده بود. بار دیگر خوابید و همان جریان را دو مرتبه در خواب دید و قسمت فراموش شده را از آن بزرگوار یاد گرفت.

چون بیدار شد مجموع آن را که در خاطرش محفوظ مانده بود به رشته تحریر درآورد، و برای تلافی عمل خلیفه و ابن حاجب و انتقام‌گیری از آن‌ها مشغول انجام آن ختم گردید، تا آن که دعایش به اجابت مقرون شد، و حضرت صاحب‌الامر صلوات‌الله علیه او را بشارت داد که حاجتت به دست کودکی روا می‌گردد و تو باید آن کودک را تربیت کنی تا در آینده به قدرت برسد، و به شهر و بلد او اشاره فرمود.

پس خواجه با رمل، محله آن کودک را تعیین کرد و خانه او را جستجو نمود. زنی را در آن خانه دید که دو طفل داشت، آن دو طفل را از او درخواست کرد و به تربیت آن‌ها پرداخت و به فراست دانست که پادشاه آینده کدام یک از ایشان است و آن هلاکو خان بود. پس در تربیت او نهایت اهتمام را نمود تا هلاکو به حد رشد رسید.

روزی به او گفت: اگر تو پادشاه شوی زحمت مرا چگونه جبران می‌کنی؟
هلاکو گفت: تو را وزیر خود می‌کنم.

خواجه گفت: لازم است آنچه را می‌گویی بنویسی.

هلاکو آن را نوشت و به خواجه داد. پس از مدت زمانی هلاکو حاکم خراسان را کشت و به جای او نشست و خواجه را وزیر خود کرد. پس از استیلاء بر خراسان، به سوی شهرهای دیگر لشکر کشید و شهر به شهر را در حیطه تصرف خود درآورد تا آن که به بغداد هجوم آورد و مستعصم خلیفه عباسی را دستگیر نموده و او را کشت و با مردم آن دیار به عدالت رفتار کرد.

ابن حاجب چون واقعه را چنان دید در خانه شخصی پنهان شد و طشتی را پر از خون کرد و بر آن طشت چیزی گذاشت و روی آن نشست تا از دلالت رمل خواجه در امان بماند.

خواجه چون رمل انداخت ابن حاجب را در بالای دریایی از خون دید و حیران ماند هر چند از او جویا شد اثری نیافت؛ آخر الأمر در این مورد تدبیر و اندیشه نمود که تعدادی گوسفند وزن کند و بین اهل بغداد تقسیم نماید و با آنان شرط کند هر کس گوسفندی را که گرفته باید به همان وزن اول تحویل دهد، و گوسفندی هم به میزبان ابن حاجب داد.

او در این مورد که آن گوسفند را چگونه نگهداری کند تا در وقت تسلیم در وزن آن تفاوتی نباشد با ابن حاجب مشورت کرد.

ابن حاجب گفت: باید بچه گرگی به دست آوری و هر روز از صبح تا شام گوسفند را علوفه کافی داده و چون شب شود گرگ را به او نشان دهی تا هر چه در آن روز فربه گشته با دیدن گرگ از او کم شود و با مداومت بر این عمل تا زمانی که گوسفند نزد تو باشد در آن تفاوتی ظاهر نمی شود.

پس آن مرد به دستور ابن حاجب عمل کرد تا آن که گوسفند را رد کرد، دیدند همه آن گوسفندها تفاوت وزن پیدا کرده اند مگر گوسفندی را که در دست میزبان ابن حاجب بوده است.

خواجه به زیرکی و فراست دانست که ابن حاجب در خانه آن شخص است و این تدبیر او بوده است.

غلامان را به دنبال ابن حاجب فرستاد و آنها او را گرفته و نزد خواجه و هلاکو آوردند، خواجه به او گفت: شاخ من این پادشاه است که در طوس بود و من وعده آوردن او را به تو دادم.

بعد او را با خود به کنار شط برد و دستور داد همه کتاب های او را حاضر کردند؛ آنگاه تمام تألیفات او را جز شافیه، وافیه و مختصر که برای مبتدیان علم صرف و نحو مفید است، در آب انداخت و گفت: «أعجبنی تلمّه»؛ یعنی صدای به آب افتادن آن، مرا به تعجب درآورد، و سپس دستور قتل او را صادر کرد.^۱

این جریان را دربارهٔ صدور این دعا از حضرت بقیة الله ارواحنا فداء ذکر نموده‌اند، ولی همان گونه که در «دار السلام» به آن تصریح شده درستی این قضیه مورد تردید است؛ زیرا تاریخ فتح بغداد با زمان فوت ابن حاجب موافقت ندارد و در جریان حملهٔ هلاکو به بغداد که با تدبیر و اندیشهٔ خواجه نصیرالدین طوسی انجام شد و نیز در تاریخ این قضیه، نکاتی وجود دارد که صحت جریان مذکور را خدشه‌دار می‌کند:

۱- آن گونه که در تاریخ ثبت شده است، مرگ ابن حاجب در اسکندریه^۱ واقع شده است نه در بغداد آن هم با خصوصیات که در این قضیه نقل شده است.

۲- مرگ او نه سال قبل از فتح بغداد صورت گرفته است و در هنگام ورود هلاکو و خواجه نصیرالدین طوسی^۲ زنده نبوده است تا محتاج به نشستن در طشت پر خون باشد.

۳- همان گونه که خواجه نصیرالدین^۳ بر اثر استفاده از رمل، شهر و محل هلاکو را بدست آورد آیا نمی‌توانست از طریق رمل بفهمد که ابن حاجب در کجاست و خون‌هایی که بالای آن‌ها نشسته در کجا و کدام مکان قرار دارد؟ و اگر رمل، طشت خون را دریای خون نشان دهد آیا می‌توان از آن استفاده نمود؟

از همهٔ این‌ها گذشته خواجه می‌توانست با رمل، گوسفندی را که در خانهٔ میزبان ابن حاجب بوده معین کند و نیازی به شرط کردن عدم تغییر در وزن نداشت.

با این همه، در اهمیت دعای توسل منسوب به خواجه هیچ گونه تردیدی نیست و مؤلف این کتاب در حل برخی از مشکلات از این دعا نتیجه گرفته است.

از مرحوم شیخ بهایی نقل شده که ایشان فرموده‌اند: از مقدس اردبیلی سؤال شد که چه چیزی سبب شد تا به مقامات عالیه نایل شوی؟

ایشان در جواب فرمودند: مداومت به دعای توسل خواجه نصیر.



دعای توسل

معروف به دعای توسل خواجه نصیر رحمۃ اللہ علیہ

این دعا را سید بزرگوار، علی بن طاووس رحمۃ اللہ علیہ در «مهج الدعوات» نقل نموده است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الْعَرَبِيِّ الْهَاشِمِيِّ

خداوندا! درود و سلام و افزونی و برکت را بر پیامبر فرو فرست آن پیامبر امی، از مردم عرب از فرزندان هاشم،

الْقُرَشِيِّ الْمَكِّيِّ الْمَدَنِيِّ الْأَبْطَحِيِّ التَّهَامِيِّ، السَّيِّدِ الْبَهِيِّ، السَّرَّاجِ

از قبیله قریش، از مکه و مدینه، پیامبر سرزمین بطحاء و تهامه، آن سید

الْمُضِيِّ، الْكَوْكَبِ الدَّرِيِّ، صَاحِبِ الْوَقَارِ وَالسَّكِينَةِ، الْمَدْفُونِ

خوش سیما و چراغ درخشان و ستاره تابان، صاحب مناعت و آرامش، مدفون در شهر

بِالْمَدِينَةِ، الْعَبْدِ الْمُؤَيَّدِ، وَالرَّسُولِ الْمُسَدَّدِ، الْمُصْطَفَى الْأَمَّجِدِ،

مدینه، بنده تأیید شده (از خدا) و فرستاده محکم و استوارشده، آن برگزیده دارای شکوه و عظمت

الْمَحْمُودِ الْأَخْمَدِ، حَبِيبِ إِلَهِ الْعَالَمِينَ، وَسَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ، وَخَاتَمِ

و پسندیده ستوده، مورد محبت خدای جهانیان و آقای رسولان و پایان بخش

النَّبِيِّينَ، وَشَفِيعِ الْمُذْنِبِينَ، وَرَحْمَةِ لِلْعَالَمِينَ، أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدِ

پیامبران و شفاعت کننده گناه کاران و رحمت برای عالمیان، ابوالقاسم محمد

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ يَا

درود خدا بر او و آل او باد. درود و سلام بی کران بر تو ای ابوالقاسم؛ ای

رَسُولَ اللَّهِ، يَا إِمَامَ الرَّحْمَةِ، يَا شَفِيعَ الْأُمَّةِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى

رسول خدا؛ ای پیشوای رحمت؛ ای شفیع امت؛ و ای حجت خداوند بر تمام

پیامبر

بخش هفتم



خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى

بندگان؛ ای آقا و مولای ما؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل جسته‌ایم

اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا وَجِيهًا

و تو را در دنیا و آخرت پیشاپیش حاجت‌های ما مقدم می‌داریم. ای آبرومند

عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَيَّ

نزد خدا؛ برای ما، نزد خداوند شفاعت فرما. خداوند! سلام و صلوات و برکات فراوان را بر

السَّيِّدِ الْمُطَهَّرِ، وَالْإِمَامِ الْمُظَفَّرِ، وَالشُّجَاعِ الْغَضَنَفَرِ، أَبِي شُبَيْرِ

سید پاک‌سرشت و امام پیروز و شجاع دلیر، پدر شبیر

وَشَبْرَةَ، قَاسِمِ طُوبَى وَسَقَرِ، الْأَنْزَعِ الْبَطِينِ، الْأَشْجَعِ الْمَتِينِ،

و شبیر، قاسم طوبی و سقر، آنزاع شده از شرک و سرشار از دانش، شجاعت‌پیشه بامتانت،

الْأَشْرَفِ الْمَكِينِ، الْعَالِمِ الْمُبِينِ، النَّاصِرِ الْمُعِينِ، وَلِيِّ الدِّينِ،

شرافتمند صاحب جاه و منزلت، عالم آشکار و یار و مددکار (بیچارگان)، ولی و سرپرست دین،

الْوَالِيِ الْوَلِيِّ، السَّيِّدِ الرَّضِيِّ، الْإِمَامِ الْوَصِيِّ، الْحَاكِمِ بِالنَّصِّ

حاکم و زمامدار دوست‌داشته‌شده و سید پسندیده؛ امام جانشین و پیشوای منصوص به نص

الْجَلِيِّ، الْمَخْلِصِ الصَّفِيِّ، الْمَدْفُونِ بِالْغَرِيِّ، لَيْثِ بَنِي غَالِبِ،

آشکار، مخلص پاکیزه، دفن‌شده در سرزمین نجف، شیری از تبار فرزندان همیشه غالب،

مَظْهَرِ الْعَجَائِبِ، وَمُظْهَرِ الْغَرَائِبِ، وَمُفَرِّقِ الْكُتَائِبِ، وَالشُّهَابِ

مظهر و محل ظهور و بروز شگفتی‌ها و آشکار کننده شگفتی‌ها و غرایب، پراکنده کننده غارت‌گران، و شهاب

الثَّقَابِ، وَالْهَزْبِ السَّالِبِ، نُقْطَةَ دَائِرَةِ الْمَطَالِبِ، أَسَدِ اللَّهِ

فروزان، شیر بی‌شای که از کافران همه چیز را می‌گیرد، نقطه پرگار دایره همه مقصدها، شیر

الْغَالِبِ، غَالِبِ كُلِّ غَالِبٍ، وَمَطْلُوبِ كُلِّ طَالِبٍ، صَاحِبِ الْمَفَاخِرِ

همیشه پیروز خدا، چیره‌شونده بر هر چیره‌ای، و مطلوب هر جوینده، صاحب افتخارات

وَالْمَنَاقِبِ، إِمَامِ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ، مَوْلَانَا وَمَوْلَى الْكَوْنَيْنِ،

و مناقب، امام و پیشوای مشرق و مغرب، مولا و آقای ما و مولای هر دو جهان،

الْإِمَامِ أَبِي الْحَسَنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ

پیشوا پدر حسنین، امیر مؤمنان، حضرت علی بن ابی طالب نازل فرما، درود

اللَّهِ عَلَيْهِ. الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ، يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ،

خدا بر او باد. درود و سلام بر تو ای ابالحسن، ای امیر مؤمنان؛

يَا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ، يَا أَخَ الرَّسُولِ، يَا زَوْجَ الْبَتُولِ، يَا أَبَا

ای علی بن ابی طالب؛ ای برادر رسول خدا و همسر زهراى بتول و پدر

السَّبْطَيْنِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا يَا مَوْلَانَا، إِنَّا

دو سبط رسول خدا؛ ای حجت خدا بر بندگانش؛ ای آقا و مولای ما؛ ما

تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ

به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل جسته‌ایم و تو را پیشاپیش حاجت‌هایمان مقدم می‌داریم

حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ.

در دنیا و آخرت. ای آبرومند نزد خدا؛ برای ما، نزد خداوند شفاعت فرما.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى السَّيِّدَةِ الْجَلِيلَةِ الْجَمِيلَةِ،

بار خدایا؛ سلام و درود و برکت را بر سیده بزرگوار نیکوسیرت نازل فرما؛ آن بانوی

الْمَعْصُومَةِ الْمَظْلُومَةِ، الْكَرِيمَةِ النَّبِيلَةِ، الْمَكْرُوبَةِ الْعَلِيلَةِ، ذَاتِ

معصوم از گناه و خطا و مورد ستم قرار گرفته، شریف و بزرگوار، غم و اندوه دیده که سختی‌ها و مصائب دنیا وجود مقدسش را

الْأَحْزَانِ الطَّوِيلَةِ فِي الْمُدَّةِ الْقَلِيلَةِ، الرَّضِيِّةِ الْحَلِيمَةِ، الْعَفِيفَةِ

آزار داد و در اندک زمانی، طولانی‌ترین غصه‌ها و مصیبت‌ها را تحمل نمود، بانوی پسندیده بردبار و پاکدامن

السَّلِيمَةِ، الْمَجْهُولَةِ قَدْرًا، وَالْمَخْفِيَةِ قَبْرًا، الْمَدْفُونَةِ سِرًّا،

صاحب قلب سلیم که قدر و مقامش ناشناخته و قبرش پنهان مانده و پنهانی مدفون گردید

وَالْمَعْصُوبَةِ جَهْرًا، سَيِّدَةِ النِّسَاءِ، الْإِنْسِيَّةِ الْحَوْرَاءِ، أُمَّ الْأُمَّةِ

ولی آشکارا حقش غصب گردید، سرور زنان و حوریه‌ای در قالب انسان، مادر امامان

النُّبِيَّاءِ النَّجَبَاءِ، بِنْتِ خَيْرِ الْأَنْبِيَاءِ، الطَّاهِرَةِ الْمُطَهَّرَةِ، الْبَتُولِ

بزرگوار و نیک‌زادان، دختر بهترین پیامبران، پاک و پاکیزه، آن که از تعلقات دنیوی بریده و به سوی معبودش روی آورد

حجرت حضرت علی

بخش هفتم



۴۲۲

الْعَذْرَاءِ، فَاطِمَةَ التَّقِيَّةِ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ. الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ

و چون مروارید ناسفته تالو می نمود، فاطمه پرهیزگار و ستاره درخشان آسمان پیامبر که درود و سلام بر او باد. صلوات و سلام

عَلَيْكَ وَعَلَى ذُرِّيَّتِكَ يَا فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ رَسُولِ

بر تو و بر ذریه تو؛ ای فاطمه زهرا؛ ای دخت گرامی حضرت محمد ﷺ رسول

اللَّهِ، أَيُّهَا الْبَتُولُ، يَا قُرَّةَ عَيْنِ الرَّسُولِ، يَا بَضْعَةَ النَّبِيِّ، يَا أُمَّ

خدا؛ ای بتول؛ و ای نور چشم پیامبر؛ ای پاره تن رسول خدا؛ و ای مادر

السَّبْطَيْنِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَتَنَا وَمَوْلَاتَنَا، إِنَّا

دو سبط رسول خدا، ای حجت خدا بر بندگانش؛ ای سیده و مولای ما؛

تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ

ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل جسته ایم و تو را پیشاپیش

حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا وَجِيهَةَ عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعِي لَنَا عِنْدَ

حاجت هایمان مقدم می داریم در دنیا و آخرت، ای آبرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خدا شفاعت فرما.

اللَّهُ. اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى السَّيِّدِ الْمُجْتَبَى،

خداوند؛ بر سرور برگزیده سلام صلوات و برکات خویش را نازل فرما،

وَالْإِمَامِ الْمُرْتَجَى، سِبْطِ الْمُصْطَفَى، وَابْنِ الْمُرْتَضَى، عَلم

پیشوایی که امید (کرم و رحمت) از درگاهش می رود، سبط پیامبر مصطفی و فرزند علی مرتضی، پرچم

الْهُدَى، الْعَالِمِ الرَّفِيعِ، ذِي الْحَسَبِ الْمَنِيعِ، وَالْفَضْلِ الْجَمِيعِ،

هدایت و عالم بلندمرتبه و آن که دارای خسی گرامی و ارجمند و جامع فضیلتها

وَالشَّرَفِ الرَّفِيعِ، الشَّفِيعِ ابْنِ الشَّفِيعِ، الْمَقْتُولِ بِالسَّمِّ النَّقِيعِ،

و صاحب شرافت رفیع است، شفاعت کننده ای از زادگان شفاعت کننده، کشته شده با زهر کشنده

الْمَدْفُونِ بِأَرْضِ الْبَقِيعِ، الْعَالِمِ بِالْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ، صَاحِبِ

و مدفون در سرزمین بقیع، عالم و دانشمند نسبت به واجبات و مستحبات دین، صاحب

الْجُودِ وَالْمِنَنِ، كَاشِفِ الضَّرِّ وَالْبَلَوِ وَالْمِحَنِ، مَا ظَهَرَ مِنْهَا

بخشش و احسان، برطرف کننده بیچارگی ها و سختی ها و محنتها، از آشکار

وَمَا بَطَّنَ، الَّذِي عَجَزَ عَنْ عَدِّ مَدَائِحِهِ لِسَانُ اللُّسَنِ، الْإِمَامِ

و نهان، آن که زبان مادحان از شمارش خوبی‌هایش عاجز و ناتوان باشد، امام

بِالْحَقِّ الْمُؤْتَمَنِ، أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ (صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ

بر حق امانتدار، حضرت ابامحمد امام حسن - که درودها و سلام‌های خدا

عَلَيْهِ). الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا مُحَمَّدٍ، يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ،

بر او باد - درود و سلام بر تو ای ابامحمد؛ ای حسن بن علی؛

أَيُّهَا الْمُجْتَبَى، يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، يَا بَنَ

ای امام برگزیده؛ ای زاده رسول خدا؛ ای زاده امیر مؤمنان و

فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَ شَبَابِ أَهْلِ

فاطمه زهرا؛ ای حجت خداوند بر آفریدگانش، ای سرور جوانان اهل

الْجَنَّةِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ

بهشت؛ ای آقا و مولای ما؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل جستیم

إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا

و تو را پیشاپیش خواسته‌های ما در مقدم می‌داریم در دنیا و آخرت، ای

وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ

آبرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خدا شفاعت فرما. خداوند؛ سلام و صلوات و

وَبَارِكْ عَلَى السَّيِّدِ الزَّاهِدِ، وَالْإِمَامِ الْعَابِدِ، الرَّكَعِ السَّاجِدِ، وَوَلِيِّ

برکات خویش را بر آن سرور زهدپیشه و امام عبادت‌کننده فرو فرست او که همواره در رکوع و سجود بود، سرپرست از

الْمَلِكِ الْمَاجِدِ، وَقَتِيلِ الْكَافِرِ الْجَاحِدِ، زَيْنِ الْمَنَابِرِ وَالْمَسَاجِدِ،

طرف پادشاه صاحب اختیار باشکوه و عظمت، و کشته شده توسط کافر عنادپیشه، زینت‌بخش منبرها و مساجد،

صَاحِبِ الْمِحْنَةِ وَالْكَرْبِ وَالْبَلَاءِ، الْمَدْفُونِ بِأَرْضِ كَرْبَلَاءَ، سَبِطِ

صاحب سختی و اندوه و بلا، دفن شده در سرزمین کربلا، سبط

رَسُولِ الثَّقَلَيْنِ، وَنُورِ الْعَيْنَيْنِ، مَوْلَانَا وَمَوْلَى الْكُونَيْنِ، الْإِمَامِ

پیامبر جن و انس، و نور چشمان، مولای ما و مولای دو جهان امام

حفظ کنید

بخش هفتم



۴۲۴

بِالْحَقِّ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ (صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ). الصَّلَاةُ

بر حق حضرت اباعبدالله الحسین - درودها و رحمت‌های خدای بر او باد - درود

وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، يَا حُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ، أَيُّهَا الشَّهِيدُ

و سلام به محضر مقدس تو ای اباعبدالله؛ ای حسین بن علی؛ ای شهید راه خدا

يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، يَا

و ای زاده پیامبر او؛ ای فرزند امیر مؤمنان و فاطمه زهرا. ای

سَيِّدَ شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا

سرور جوانان اهل بهشت؛ و ای حجت خدا بر آفریدگانش؛ ای آقا

وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ

و مولای ما؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل جسته‌ایم و تو را

بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ

پیشاپیش خواسته‌هایمان مقدم می‌داریم در دنیا و آخرت. ای آبرومند نزد خدا؛

لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى أَبِي الْأَيْمَةِ،

برای ما نزد خدا شفاعت فرما. بار خدایا؛ درود و سلامت را بر پدر امامان

وَسِرَاجِ الْأُمَّةِ، وَكَاشِفِ الْغَمِّ، وَمُحْيِي السُّنَّةِ، وَسَنِيِّ الْأُمَّةِ،

و چراغ امت اسلام و برطرف‌کننده غم و اندوه و احیاکننده سنت فرو فرست، آن بزرگمرد بلندهمت

وَرَفِيعِ الرَّثْبَةِ، وَأَنْبَسِ الْكُرْبَةِ، وَصَاحِبِ النُّدْبَةِ، الْمَدْفُونِ

و عظیم‌الشان که همواره با اندوه فراوان همدم بود و نوحه و ناله داشت،

بِأَرْضِ طَيْبَةَ، الْمُبْرَأِ مِنْ كُلِّ شَيْنٍ، وَأَفْضَلِ الْمُجَاهِدِينَ، وَأَكْمَلِ

در زمین پاکیزه مدینه مدفون گشت و آواز هر عیب و زشتی به دور بود، برترین مجاهدان و کامل‌ترین

الشَّاكِرِينَ وَالْحَامِدِينَ، شَمْسِ نَهَارِ الْمُسْتَغْفِرِينَ، وَقَمَرِ لَيْلَةِ

شکرگزاران و ستایش‌گران بود، خورشید تابنده روزهای توبه‌کنندگان و ماه فروزنده شب‌های

الْمُتَهَجِّدِينَ، الْأِمَامِ بِالْحَقِّ زَيْنِ الْعَابِدِينَ، أَبِي مُحَمَّدِ عَلِيِّ بْنِ

متهجدان. پیشوای بر حق و زینت عبادت‌کنندگان حضرت ابامحمد علی بن

الْحُسَيْنِ (صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِمَا). الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ

حسین - درودها و سلامهای خدای بر او باد - درود و سلام بی‌کران خداوند بر تو باد

يَا أَبَا مُحَمَّدٍ، يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ، يَا زَيْنَ الْعَابِدِينَ، أَيُّهَا السَّجَّادُ

ای ابا محمد؛ ای علی بن حسین؛ ای زینت عبادت‌کنندگان، ای بسیار سجده‌کننده در درگاه خداوند؛

يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا بِنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ،

ای زاده پیامبر خدا؛ ای فرزند امیر مؤمنان؛ ای حجت خدا بر بندگانش؛

يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ،

ای اقا و مولای ما؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل جسته‌ایم

وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَتِنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ

و تو را پیشاپیش حاجت‌هایمان مقدم می‌داریم؛ در دنیا و آخرت. ای آبرومند نزد

اللَّهِ، اشفَعْنَا لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى قَمَرِ

خدا، برای ما نزد خدا شفاعت فرما. خداوند! سلام و رحمت و برکات را بر ماه

الْأَقْمَارِ، وَنُورِ الْأَنْوَارِ، وَقَائِدِ الْأَخْيَارِ، وَسَيِّدِ الْأَبْرَارِ، وَالطُّهْرِ

ماهرویان و روشنی‌بخش روشنائی‌ها و پیشرو نیکوکاران و آقای خوبان فرو فرست، آن پاک

الطَّاهِرِ، وَالْبَدْرِ الْبَاهِرِ، وَالنَّجْمِ الزَّاهِرِ، وَالْبَحْرِ الزَّاهِرِ، وَالدَّرِّ

و پاکیزه سرشت و ماه شب چهارده فروزان و ستاره درخشان دریای بی‌کران (علم و دانش)، و دز

الْفَاخِرِ، الْمَلَقَّبِ بِالْبَاقِرِ، السَّيِّدِ الْوَجِيهِ، الْأِمَامِ النَّبِيِّ، الْمَدْفُونِ

فاخر و گرانبها، و ملقب به باقر، آقای آبرومند و پیشوای شریف و آگاه، مدفون در

عِنْدَ جَدِّهِ وَأَبِيهِ، الْحَبْرِ الْمَلِيِّ عِنْدَ الْعَدُوِّ وَالْوَلِيِّ، الْأِمَامِ بِالْحَقِّ

نزد جد و پدرش، آن دانشمند سرشار از علم و دانش نزد دوست و دشمن، امام بر حق

الْأَزَلِيِّ، أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ. الصَّلَاةُ

همیشگی حضرت ابا جعفر محمد بن علی - بر هر دوی آنها درود خدا باد - . درود

وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا جَعْفَرٍ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، أَيُّهَا الْبَاقِرُ يَا بِنَ

و رحمت خدا بر تو ای ابا جعفر؛ ای محمد بن علی؛ ای شکافنده علوم؛ و ای

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِحَسْبِ هَفْتَمِ



۴۲۶

رَسُولِ اللَّهِ، يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا

زاده رسول خدا؛ و ای فرزند امیر مؤمنان؛ ای حجت خدا بر بندگانش؛ ای آقا

وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ

و مولای ما؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل جسته‌ایم و تو را

بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ

پیشاپیش خواسته‌هایمان مقدم می‌داریم در دنیا و آخرت، ای آبرومند نزد خدا؛

لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى السَّيِّدِ الصَّادِقِ

برای ما نزد خدا شفاعت فرما. خداوند؛ درود و رحمت فرست بر آقای راستگوی

الصِّدِّيقِ، الْعَالِمِ الْوَثِيقِ، الْحَلِيمِ الشَّفِيقِ، الْهَادِي إِلَى الطَّرِيقِ،

تصدیق‌کننده، و دانشمند مورد اطمینان، بردبار دلسوز و هدایت‌کننده به راه حق،

السَّاقِي شَيْعَتَهُ مِنَ الرَّحِيقِ، وَمُبَلِّغُ أَعْدَائِهِ إِلَى الْحَرِيقِ، صَاحِبِ

او که شیعیانش را از شراب طهور سیراب می‌سازد و دشمنانش را به آتش جهنم سرازیر می‌نماید. صاحب

الشَّرَفِ الرَّفِيعِ، وَالْحَسَبِ الْمَنِيعِ، وَالْفَضْلِ الْجَمِيعِ، الشَّفِيعِ ابْنِ

شرافتی بلند و حسی برجسته و فضل و دانش جامع، آن که خود و پدرش هر دو شفاعت‌کننده‌اند،

الشَّفِيعِ، الْمَدْفُونِ بِالْبَقِيعِ، الْمُهَذَّبِ الْمُؤَيَّدِ، الْأِمَامِ الْمُمَجَّدِ

او که در بقیع مدفون است، آن تهذیب شده تأیید گشته، پیشوای عظیم الشأن، حضرت

أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ). الصَّلَاةُ

آبا عبدالله جعفر بن محمد - درودها و سلام خدا بر او باد - درود

وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، أَيُّهَا الصَّادِقُ

و سلام بر تو ای اباعبدالله؛ ای جعفر بن محمد؛ ای صادق راستگو و

يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ،

ای زاده پیامبر؛ و ای فرزند امیر مؤمنان؛ و حجت خدا بر بندگانش؛

يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ،

ای آقا و مولای ما؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل جسته‌ایم

وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيَّ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ

و وجود مقدست را پیشاپیش حاجت‌های مان مقدم می‌داریم در دنیا و آخرت، ای آبرومند در درگاه

اللَّهِ، اِسْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلٰى السَّيِّدِ

خدا؛ برای ما نزد خدا شفاعت فرما. بار خدایا؛ درود و رحمت و برکت خویش را بر سید

الْكَرِيمِ، وَالْاِمَامِ الْحَلِيمِ، وَسَمِيِّ الْكَلِيمِ، الصَّابِرِ الْكَظِيمِ، قَائِدِ

بخشنده و پیشوای بردبار، همانام موسی کلیم، شکیبائی که خشمش را فرو می‌برد، فرمانده

الْجَيْشِ، الْمَدْفُونِ بِمَقَابِرِ قُرَيْشٍ، صَاحِبِ الشَّرَفِ الْاَنْوَرِ،

گروه (شیعه) فرو فرست، او که در مقبره‌های قریش مدفون گشت، دارای شرف نورانی

وَالْمَجْدِ الْاَظْهَرِ، وَالْجَبِينِ الْاَطْهَرِ [الْاَزْهَرِ خ]، الْاِمَامِ بِالْحَقِّ

و شکوه و عظمت آشکار و جبین و بیشانی پاکیزه (درخشان)، پیشوای بر حق

اَبِي اِبْرَاهِيْمَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ (صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ).

حضرت ابا ابراهیم موسی بن جعفر - درودها و سلام خدا بر او باد -

الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَا اِبْرَاهِيْمَ، يَا مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ،

درود و رحمت خدا بر تو ای ابا ابراهیم؛ ای موسی بن جعفر؛

اَيُّهَا الْكَاطِمُ، وَاَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ، يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا بَنَ

ای امام کاظم؛ ای بنده شایسته خدا؛ ای زاده رسول خدا؛ و ای فرزند

اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلٰى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا اِنَّا

امیر مؤمنان؛ ای حجت خدا بر بندگانش؛ ای آقا و مولای ما؛ ما

تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيَّ

به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل جستیم و تو را

حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اِسْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ.

پیشاپیش حاجت‌های مان مقدم می‌داریم در دنیا و آخرت. ای آبرومند در درگاه خدا؛ برای ما نزد خدا شفاعت فرما.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلٰى السَّيِّدِ الْمَعْصُومِ، وَالْاِمَامِ

بار خدایا؛ درود و رحمت و برکت خود را فرو فرست بر آن سرور معصوم و امام

پیشاپیش

بخش هفتم



الْمَظْلُوم، وَالشَّهِيدِ الْمَسْمُوم، وَالْغَرِيبِ الْمَغْمُوم، وَالْقَتِيلِ

ستمیدیده و شهید مسموم و غریب غمدیدیده، کشته شده‌ای که

الْمَحْرُوم، عَالِمِ عِلْمِ الْمَكْتُوم، بَدْرِ النُّجُوم، شَمْسِ الشُّمُوسِ،

محروم (از حق خود) گشت، او که به علم غیب و نهان آگاه بود، ماه ستارگان و خورشید خورشیدها

وَأَنْبِيسِ النُّفُوسِ، الْمَدْفُونِ بِأَرْضِ طُوسِ، الرَّضِيِّ الْمُرْتَضَى،

و همدم جان‌ها، دفن شده در سرزمین طوس، آن که همگان از او خوشنود و راضی بودند،

الْمُرْتَجَى الْمُجْتَبَى، الْأِمَامِ بِالْحَقِّ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى

برگزیده‌ای که همگان به لطفش چشم امید دوخته بودند، پیشوای برحق حضرت ابالحسن علی بن موسی

الرِّضَا (صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ). الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

الرضا (که درودها و سلام خدا بر او باد). سلام و رحمت خدای بر تو ای

أَبَا الْحَسَنِ، يَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرَّضَا، يَا بِنَّ رَسُولِ اللَّهِ، يَا بِنَّ

ابا الحسن؛ ای علی بن موسی الرضا؛ ای زاده پیامبر خدا و ای فرزند

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا

امیر مؤمنان؛ ای حجت خدا بر بندگانش؛ ای سید و مولای ما؛ ما

تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ

به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل جسته‌ایم و تو را پیشاپیش

حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ.

خواسته‌های ما در دنیا و آخرت، ای آبرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خدا شفاعت فرما.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى السَّيِّدِ الْعَادِلِ الْعَالِمِ، الْعَامِلِ

بارخدا؛ درود و سلام و برکات را بر سرور دادگر دانشمند فرو فرست، آن عامل به

الْكَامِلِ، الْفَاضِلِ الْبَازِلِ، الْأَجْوَدِ الْجَوَادِ، الْعَارِفِ بِأَسْرَارِ الْمَبْدَءِ

کمال رسیده و دارای فضل و بخشنده، بخشنده‌ترین بخشش‌کننده، عارف به اسرار مبدأ

وَالْمَعَادِ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ، مَنَاصِ الْمُحِبِّينَ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادُ،

و معاد (آغاز و فرجام عالم) و آو که برای قوم، هادی و راهنما بود و پناهگاه دوستدارانش در روز محشر.

الْمَذْكُورِ فِي الْهُدَايَةِ وَالْإِرْشَادِ، الْمَدْفُونِ بِأَرْضِ بَغْدَادَ، السَّيِّدِ

و آن که در راه راهنمایی و ارشاد امت، راهبر است و در بغداد مدفون گشت. آن سید

الْعَرَبِيِّ، وَالْإِمَامِ الْأَحْمَدِيِّ، وَالنُّورِ الْمُحَمَّدِيِّ، الْمُلَقَّبِ بِالتَّقِيِّ،

عرب نژاد و پیشوای احمدی نسب و نور محمدی که به «تقی» (پرهیزکار) ملقب شد،

الْإِمَامِ بِالْحَقِّ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ. الصَّلَاةُ

امام بر حق حضرت ابا جعفر محمد بن علی - بر او سلام باد - درود

وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا جَعْفَرٍ، يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، أَيُّهَا التَّقِيُّ

و سلام بر تو ای ابا جعفر؛ ای محمد بن علی؛ ای تقوی همیشه

الْجَوَادُ، يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى

بخشنده؛ ای زاده رسول خدا و ای فرزند امیر مؤمنان؛ ای حجت خدا بر

خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى

بندگان؛ ای آقا و مولای ما؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل جسته‌ایم

اللَّهِ، وَقَدَّمَ نَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا وَجِيهًا

و تو را پیشاپیش خواسته‌هایمان مقدم می‌داریم در دنیا و آخرت، ای آبرومند

عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى

نزد خدا؛ برای ما نزد خدا شفاعت فرما. خدایم! درود و رحمت و برکات خود را

الْإِمَامَيْنِ الْهُمَامَيْنِ، السَّيِّدَيْنِ السَّنْدَيْنِ، الْفَاضِلَيْنِ الْكَامِلَيْنِ،

بر دو امام بزرگوار نازل فرما. بر دو آقا و پشتیبان امت، بر دو فاضل کامل

الْبَادِلَيْنِ الْعَادِلَيْنِ، الْعَالَمَيْنِ الْعَامِلَيْنِ، الْأَوْرَعَيْنِ الْأَطْهَرَيْنِ،

و بخشنده عادل، دو دانشمند عمل‌کننده، و دو پرهیزکارتر پاک‌تر،

النُّورَيْنِ النَّبِيِّينِ، وَالشَّمْسَيْنِ الْقَمَرَيْنِ، الْكَوْكَبَيْنِ الْأَسْعَدَيْنِ،

دو نور درخشنده و دو خورشید تابنده و دو ماه (هدایت) و دو ستاره سعادت‌بخش،

وَارِثِي الْمَشْعَرَيْنِ، وَأَهْلِي الْحَرَمَيْنِ، كَهْفِي التَّقِيِّ، غَوْثِي

دو وارث مشعر و بنی، و دو اهل مکه و مدینه، و دو استوائه تقوی و دو فریادرس

محمد مصدق

بخش هفتم



الْوَرَى، بَدْرِي الدُّجَى، طَوْدِي النُّهَى، عَلَمِي الْهُدَى، الْمَدْفُونَيْنِ

مردم و دو ماه درخشنده تاریکی‌ها و دو کوه عقل و خرد، و دو بیرق هدایت، آن بزرگوارانی که

بِسْرِّ مَنْ رَأَى، كَاشِفِي الْبَلَوَى وَالْمِحْنَ، صَاحِبِي الْجُودِ وَالْمِنَنِ،

در سَرِّ من رَأَى (سامرا) دفن گشتند. آنانی که بلا و محنت‌ها را برطرف می‌کنند و بر امت، جود و احسان دارند.

الْإِمَامَيْنِ بِالْحَقِّ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ النَّقِيِّ وَأَبِي مُحَمَّدٍ

دو امام بر حق ابا الحسن علی بن محمد نقی (پاکیزه) و ابا محمد

الْحَسَنِ (صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِمَا). الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمَا

حسن (درودها و سلام خدا بر هر دوی آنان باد). درود و سلام بر شما

يَا أَبَا الْحَسَنِ وَيَا أَبَا مُحَمَّدٍ، وَيَا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ وَيَا حَسَنَ بْنَ

ای ابا الحسن؛ و ای ابا محمد؛ ای علی بن محمد؛ و ای حسن بن

عَلِيٍّ، أَيُّهَا النَّقِيُّ الْهَادِي وَأَيُّهَا الزَّكِيُّ الْعَسْكَرِيُّ، يَا بَنِي رَسُولِ

علی؛ ای امام پاک خالص هدایت‌گر؛ و ای امام زکی عسکری؛ (پاکیزه سرشت همیشه محصور) ای زادگان رسول

اللَّهِ، يَا بَنِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، يَا حُجَّتِي اللَّهُ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ،

خدا و ای فرزندان امیر مؤمنان؛ ای حجت‌های خداوند بر بندگانش؛

يَا سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكُمَا إِلَى اللَّهِ،

و ای دو سرور و مولای ما؛ ما به واسطه شما به درگاه الهی روی آورده و شفاعت طلبیده و توسل جسته‌ایم

وَقَدَّمْنَا كَمَا بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا وَجِيهَيْنِ

و شما را پیشاپیش حاجت‌هایمان مقدم می‌داریم در دنیا و در آخرت، ای ابرومندان

عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْنَا لَنَا عِنْدَ اللَّهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ وَزِدْ وَبَارِكْ عَلَى

نزد خدا؛ برای ما نزد خدا شفاعت کنید. خدای من؛ سلام و صلوات و برکات خویش را فرو فرست بر

صَاحِبِ الدَّعْوَةِ النَّبَوِيَّةِ، وَالصَّوْلَةِ الْحَيْدَرِيَّةِ، وَالْعِصْمَةِ الْفَاطِمِيَّةِ،

صاحب دعوت نبوی و دلیری حیدری و عصمت فاطمی

وَالْحِلْمِ الْحَسَنِيِّ، وَالشُّجَاعَةِ الْحُسَيْنِيَّةِ، وَالْعِبَادَةِ السَّجَّادِيَّةِ،

و بردباری حسنی و شجاعت حسینی و عبادت و بندگی سجادی

وَالْمَآثِرِ الْبَاقِرِيَّةِ، وَالْآثَارِ الْجَعْفَرِيَّةِ، وَالْعُلُومِ الْكَآظِمِيَّةِ،

و آثار بجای مانده باقری، و آثار جعفری و دانش‌های کاظمی

وَالْحُجَجِ الرَّضَوِيَّةِ، وَالْجُودِ التَّقْوِيَّةِ، وَالنَّقَاوَةَ النَّقْوِيَّةِ، وَالْهَيْبَةَ

و حجت‌های رضوی و بخشنده‌گی تقوی و پاکیزگی نقوی و هیبت

الْعَسْكَرِيَّةِ، وَالْغَيْبَةَ الْإِلَهِيَّةِ، الْقَائِمِ بِالْحَقِّ، وَالِدَاعِي إِلَى الصِّدْقِ

عسکری و غیبت الهی، آن قیام‌کننده بر حق و فراخواننده به راستی

الْمُطْلَقِ، كَلِمَةِ اللَّهِ وَأَمَانِ اللَّهِ وَحُجَّةِ اللَّهِ، الْغَالِبِ بِأَمْرِ اللَّهِ،

مطلق، کلمه خدا و امان خدا و حجت خدا، ظفرمند با امر خدا

وَالذَّابِّ عَنِ حَرَمِ اللَّهِ، إِمَامِ السِّرِّ وَالْعَلَنِ، دَافِعِ الْكُرْبِ وَالْمِحَنِ،

و حمایت‌کننده از حرم خدا، پیشوای آشکار و نهان، دورکننده اندوه و محنت،

صَاحِبِ الْجُودِ وَالْمِنَنِ، الْإِمَامِ بِالْحَقِّ أَبِي الْقَاسِمِ مُحَمَّدِ بْنِ

دارای بخشنده‌گی و احسان، پیشوای بر حق حضرت ابا القاسم محمد بن

الْحَسَنِ، صَاحِبِ الْعَصْرِ وَالزَّمَانِ، وَخَلِيفَةِ الرَّحْمَانِ، وَإِمَامِ

حسن، صاحب عصر و زمان، و جانشین خدای رحمان و پیشوای

الْإِنْسِ وَالْجَانِّ (صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ). الصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ

انسان‌ها و پریان، (درودها و سلام خدا بر او باد). درود و رحمت

عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ الْحَسَنِ، وَالْخَلْفَ الصَّالِحَ، يَا إِمَامَ زَمَانِنَا،

بر تو ای وصی امام حسن؛ ای جانشین شایسته و ای امام زمان ما؛

الْقَائِمِ الْمُنتَظَرِ الْمَهْدِيِّ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا

قیام‌کننده هدایت شده‌ای که مورد انتظار همگان است. ای آقا و مولای ما؛ ما به واسطه تو به درگاه الهی روی آورده و شفاعت

وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا فِي الدُّنْيَا

طلبیده و توسل جسته‌ایم، و تو را پیشاپیش حاجت‌هایمان مقدم می‌داریم در دنیا

وَالْآخِرَةِ، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، إِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ.

و آخرت، ای ابرومند نزد خدا؛ برای ما نزد خدا شفاعت فرما.

پیشوای

بخش هفتم



حاجت‌ها را از خداوند بخواهید و سپس دست‌ها را بلند نموده بگویید:

يَا سَادَتِي وَمَوَالِيَّ، اِنِّي تَوَجَّهْتُ بِكُمْ، اَنْتُمْ اَيْمَتِي وَعُدَّتِي لِيَوْمِ

ای عزیزانی که سرور و سالار من هستید؛ من به شما رو آوردم که شما پیشوایان من هستید و شما سرمایه من در روز

فَقْرِي وَفَاقَتِي وَحَاجَّتِي اِلَى اللّٰهِ، وَتَوَسَّلْتُ بِكُمْ اِلَى اللّٰهِ، وَبِحَبِّكُمْ

فقر و بیچارگی و نیازم نزد خداوند هستید و به وسیله شما به خداوند توسل جسته و با دوستی

وَبِقُرْبِكُمْ اَرْجُو النَّجَاةَ مِنَ اللّٰهِ، فَكُونُوا عِنْدَ اللّٰهِ تَعَالَى رَجَائِي، يَا

و تقرب به شما نجات را از درگاه خدا امید دارم. پس نزد خدای بلندمرتبه امید من باشید. ای

سَادَاتِي يَا اَوْلِيَاءَ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكُمْ اَجْمَعِينَ. اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰؤُلَاءِ

سروران من؛ ای دوستان خدا؛ درود خدا بر همگی شما باد. بارخدا یا؛ همانا اینان،

اَيْمَتُنَا وَسَادَتُنَا وَقَادَتُنَا وَكِبْرَائِنَا وَشَفَعَاءُنَا، بِهِمْ اَتَوَلَّى وَمِنْ

امامان و سروران و فرماندهان و بزرگان و شفعیان ما هستند، به ایشان ارادت و دوستی دارم و از

اَعْدَائِهِمْ اَتَبَرَّءُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. اَللّٰهُمَّ وَاِلِ مَنْ وَاِلاَهُمْ، وَعَادِ

دشمنان‌شان بیزاری می‌جویم در دنیا و آخرت. خداوندا؛ آن که آنان را دوست بدارد دوست بدار و آن که دشمن بدارد دشمن بدار،

مَنْ عَادَاهُمْ، وَاَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُمْ، وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُمْ، وَاَلْعَنُ

کسی را که به آنها یاری رساند، یاری کن و کسی که ترک یاری ایشان نمود خوار و ذلیل فرما، و از رحمت خویش دور

عَلَى مَنْ ظَلَمَهُمْ، وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ، وَاَهْلِكَ عَدُوَّهُمْ مِنَ الْجِنِّ

بدار هر آنکه را که به آنان ستم نساید. و در فرج آنان تعجیل فرما، و دشمن ایشان را نابود فرما، چه از جن باشد

وَالْاِنْسِ مِنَ الْاَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، اٰمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ. اَللّٰهُمَّ

و چه از انسان، چه از دوران‌های سابق باشد و چه از دوران‌های بعد از آن، ای پروردگار عالمیان؛ این دعا را اجابت فرما. خداوندا؛

اَرْزُقْنَا فِي الدُّنْيَا زِيَارَتَهُمْ، وَفِي الْآخِرَةِ شَفَاعَتَهُمْ، وَاَحْشُرْنَا

در دنیا زیارت آنان و در آخرت شفاعت‌شان را نصیب ما بفرما. و ما را با آنان محشور کن

مَعَهُمْ وَفِي زُمْرَتِهِمْ وَتَحْتَ لَوَائِهِمْ، وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ طَرْفَةَ

و در گروه آنان و در زیر پرچم آنان فرارمان ده. و بین ما و آنان، لحظه‌ای

عَيْنٌ أَبَدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ١.

(چشم بهم زدنی) جدایی می‌فکند نه در دنیا و نه در آخرت. به رحمت ای مهربانترین مهربانان.



دعای توسل به حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه

در کتاب «قبس المصباح» دعای مختصری (برای توسل به مولایمان صاحب الزمان ارواحنا فداء) نقل شده که عبارت است از:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ وَوَلِيِّكَ وَحُجَّتِكَ صَاحِبِ الزَّمَانِ إِلَّا

خداوند! از تو درخواست می‌کنم به حق ولی و حجت، صاحب زمان، این که

أَعْتَنِي بِهِ عَلَى جَمِيعِ أُمُورِي، وَكَفَيْتَنِي بِهِ مَوْوَنَةً كُلِّ مُوَدِّ

به واسطه آن حضرت، مرا در همه کارهایم یاری رسانی و به وسیله او مرا از شر هر

وَطَاغٍ وَبَاغٍ، وَأَعْتَنِي بِهِ، فَقَدْ بَلَغَ مَجْهُودِي، وَكَفَيْتَنِي كُلَّ عَدُوِّ

طغیانگر و ستمگر و آزاررسانی در امان بداری و کمک کنی. به راستی که ناتوان گشته و جانم به لب رسیده و از هر دشمن

وَهُمْ [وَعَمٌّ] وَدَيْنٍ، وَوُلْدِي وَجَمِيعِ أَهْلِي وَإِخْوَانِي، وَمَنْ

و (غم و اندوهی) و مشکلات و قرضی، کفایت کنی مرا و فرزندانم و همه اهل و برادرانم را، و هر کس

يُعْنِينِي أَمْرُهُ وَخَاصَّتِي، أَمِينَ رَبِّ الْعَالَمِينَ ٢.

کار او به من مربوط می‌شود و نیز خاصان مرا، این دعا را بپذیر ای پروردگار جهانیان.

در کتاب «جنات الخلود» می‌فرماید: فتح و پیروزی بر دشمنان در جنگ‌ها و غیر آن، و نیز ادای قرض‌ها، بستگی به توسل به حضرت مهدی ارواحنا فداء به این طریق دارد. ٣ و سپس این دعا را نقل نموده است.

١. مهج الدعوات: ٤٢٥.

٢. نجم الثاقب: ٧٣١.

٣. جنات الخلود: ٤٠.



توسّل به حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه در مشکلات

از وظائف بزرگ ما توجّه و توسّل به حضرت بقیّة الله ارواحنا فداه می باشد؛ مخصوصاً در هنگام سختی ها، مشکلات شدید و بیماری های دشوار که بر انسان وارد می شود.

در این هنگام وظیفه ما برای حلّ آن مشکلات و رهایی از آنها، توسّل به امام زمان ارواحنا فداه است که سرپرست امور ما است.

بنابراین در همه گرفتاری ها مخصوصاً زمانی که بیچارگی و اضطراب سراسر وجودمان را احاطه کرده، باید به منتقم آل الله امام زمان صلوات الله علیه متوسّل شویم و بدانیم همه گرفتاری ها و سختی هایی که به ما می رسد بر اثر غیبت آن حضرت است، و ما موظف هستیم برای ظهور آن بزرگوار دعا کنیم.

در «بحار الأنوار» می فرماید: ابوالوفاء شیرازی چنین گوید: در زندانی محصور بودم و به خاطر آن پریشان بودم و به واسطه امامان علیهم السلام با خدا به راز و نیاز پرداختم، هنگامی که شب جمعه رسید پس از نماز خوابیدم و پیامبر صلی الله علیه و آله را در خواب دیدم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله او را در خواب راهنمایی فرمود که برای هر حاجتی به کدام امام و چگونه متوسّل گردد؟ آن گاه پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله به او فرمود:

وَأَمَّا صَاحِبُ الزَّمَانِ فَإِذَا بَلَغَ مِنْكَ السَّيْفُ الذَّبْحَ، فَاسْتَعِنْ بِهِ، فَإِنَّهُ يَعِينُكَ
وَوَضِعَ يَدَهُ عَلَى حَلْقِهِ.

و اما صاحب الزمان؛ پس هر گاه شمشیر به گلوگاهت رسید - و دستش را بر حلقش نهاده بود - از او یاری بخواه که یاریت می رساند.

(ابو الوفاء می گوید:) در خواب صدا زدم:

یا مولای من؛ یا صاحب الزمان؛ ادرکنی فقد بلغ مجهودی.

ای مولای من؛ ای صاحب الزمان؛ مرا دریاب که همانا جانم به لب رسیده است.

و ناگهان بیدار شدم و دیدم که زندان بانان، زنجیر از من باز می کنند.^۱

در «سلاح المؤمنین» می فرماید: پدرم چنین فرمود:

إِنْ دَنَا مِنْ نَحْرِكَ السَّيْفُ اسْتَعِثْ بِوَلِيِّ الْعَصْرِ مَوْلَاكَ وَقُلْ:

يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ أَغْنِنِي، يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ أَدْرِكْنِي

فَهُوَ بَابُ اللَّهِ وَالرَّحْمَةِ وَالْغَوْثُ وَابْنُ الْمُصْطَفَى فَخْرِ الرَّسُولِ

هنگامی که شمشیر بر گردنت نهادند استغاثه کن و یاری بخواه از مولایت ولی عصر

و چنین بگو: ای صاحب الزمان؛ به فریادم برس، ای صاحب الزمان؛ مرا دریاب.

او باب خدا و رحمت الهی و فریادرس و زاده مصطفی فخر پیامبران است.^۲

محدث نوری رحمته الله می فرماید: ظاهراً مقصود پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از این سخن این

نیست که فقط در هنگام گرفتاری در دست دشمنان - که قصد کشتن و نابودی شما را

دارند - به امام عصر ارواحنا فداء متوسل شوید، بلکه کنایه از این است که باید به آن

حضرت توسل جست هر وقت سختی به حد آخر رسیده باشد و اسباب مادی و امید

به مخلوقین از بین رفته باشد و صبر انسان لبریز گردد. و تفاوتی نمی کند که بلا و

مصیبت دینی باشد یا دنیوی، از شرّ انسان باشد یا از شرّ جن، چنان که از دعای مذکور

(در ص ۴۳۴)، این مطلب روشن می گردد.

بنابراین، وظیفه مضطرّ، بیچاره و ناتوان، دادخواهی و کمک خواستن از آن وجود

مقدس ارواحنا فداء است و اجابت و فریادرسی از منصب های الهی آن بزرگوار می باشد.

۱. بحار الأنوار: ۳۳/۹۴.

۲. سلاح المؤمنین: ۱۲۸.

و چنانچه شخص مضطرب از شدت پریشانی و بیچارگی اش نتواند با زبان اظهار کند و دعایی که از اهل بیت علیهم السلام رسیده بخواند و به حضرت استغاثه کند، کافی است با زبان حال از او یاری بخواهد یعنی بداند و اقرار کند که او ولی و امامش می باشد و مربی او و واسطه فیض خدا، فقط وجود مقدس اوست و چراغ هدایت در تاریکی های بیابان غیبت فقط اوست.

پس بفهمد و بشناسد که آنهایی که در سفر طاعت مثل مسافرت حج و زیارت استغاثه می کنند، کسی جز امام زمان که فریادرس دوران است، آنهارا نجات نمی دهد و به فریادشان نمی رسد.

شاهد بر این ادعا آن است که «غوث» از لقب های اختصاصی آن حضرت است که در زیارت های معتبر وارد شده است و معنای آن فریادرس است. و البته بدیهی است این لقب خدادادی مجرد اسم نیست و طبعاً صاحب این لقب باید بتواند صدای هر کسی را از هر جایی بشنود و به هر زبانی هم که فریادرسی از او شود، باید بداند. بلکه علمی داشته باشد که به حالات فریاد طلبان و دادخواهان احاطه داشته باشد بدون این که آنان استغاثه ای نمایند، همان گونه که در توقیعیش به شیخ مفید رحمته الله چنین می فرماید.

و او قدرت دارد که در صورت صلاحدید، استغاثه کننده را از دریای گرفتاری و بلا نجات دهد به هر حالی که باشد و به هر زبانی که فریاد برآورد و لایق این مقام نیست مگر کسی که از مقام والای امامت برخوردار است و قدم بر بساط ولایت نهاده است. و نیز این سخن را تأیید می کند آنچه بین عرب (شهرنشین و بادیه نشین) مشهور است که او را «ابا صالح» می خوانند و بدو متوسل نمی شوند و شکایت به نزدش نمی برند و استغاثه و ندبه اش نمی کنند، مگر به این اسم مقدس یعنی «ابا صالح»^۱.



توسّل دیگر به حضرت بقیّة الله عجل الله تعالی فرجه
در مشکلات (یا فارس الحجاز)

روایت شده است که:

هر مؤمنی که امری از امور دنیوی یا آخروی بر او دشوار گردد، به صحرا رود و این دعا را هفتاد مرتبه بخواند، یاری حضرت صاحب الأمر ارواحنا فداه به او می‌رسد:

يَا فَارِسَ الْحِجَازِ أَذْرِكُنِي، يَا أَبَا صَالِحِ الْمَهْدِيِّ أَذْرِكُنِي، يَا

ای اسب سوار حجاز؛ مرا دریا، ای ابا صالح المهدی؛ مرا دریا، ای

أَبَا الْقَاسِمِ أَذْرِكُنِي وَلَا تَدْعُنِي، فَإِنِّي عَاجِزٌ ذَلِيلٌ.^۱

ابالقاسم؛ مرا دریا، و مرا دریا، نکن که همانا من درمانده‌ای ناتوان و خوار هستم.

صحیح

بخش هفتم



توسّل دیگر به حضرت بقیّة الله عجل الله تعالی فرجه
در مشکلات (یا محمّد یا علی...)

عالم بزرگوار عراقی رحمته الله در کتاب «دار السلام» می‌فرماید: ملا قاسم رشتی رحمته الله چنین گوید:

به اصفهان رفتم و به مقبره تخت فولاد در روزی غیر از پنجشنبه روانه شدم و چون در آن دیار غریب بودم نمی‌دانستم که مردم آن شهر فقط شبهای جمعه به زیارت اهل قبور می‌روند، و در دیگر ایام، مقبره خالی از مردم است و چیزی در آنجا یافت نمی‌شود، وقتی در خیابان قدم برمی‌داشتم، میل داشتم که قلیانی بکشم، خادمی که

۱. منتخب الختموم: ۱۹۶.

همراه من بود گفت: در این اطراف جز شب‌های جمعه چیزی پیدا نمی‌شود.
من هم گفتم: زیارت اهل قبور را برای کشیدن قلیان ترک نمی‌کنم و داخل قبرستان
شدم و شروع به قرائت فاتحه کردم که ناگاه مردی را مشاهده نمودم که در گوشه حیاط
نشسته بود.

آن شخص گفت: ملا قاسم؛ چرا وقتی وارد شدی، طبق سنت پیامبر ﷺ، سلام
نکردی؟ شرمنده شدم و از او معذرت خواستم و گفتم: دور بودم و می‌خواستم وقتی
نزدیک شدم سلام کنم.
گفت: نه، شما اهل علم ادب ندارید.

هیبتش بر دلم افتاد و به او نزدیک شدم و سلامش نمودم. جوابم داد و نام والدین
مرا برد گفت: آن‌ها فرزندان پسر نداشتند و پدرت نذر کرد که اگر خداوند به او فرزند
پسری عنایت کند، او را از اهل حدیث و از نیکان قرار دهد. آن‌گاه خدا تو را به او
عنایت کرد و او هم به نذرش وفا نمود.

گفتم: بلی؛ این را شنیده‌ام. سپس گفتم: اگر می‌خواهی قلیان بکشی در کیسه من
موجود است، بردار و آماده کن تا باهم بکشیم.
اراده کردم که به خادمم دستور دهم، ولی به مجرد این اراده و همینکه از دلم
خطور کرد به من گفت: نه، خودت آماده کن.

گفتم: چشم و قلیان را آماده نمودم و کشیدم، سپس به او دادم، او هم کشید و به من
بازگردانید، آن‌گاه چنین گفت: چند روز قبل به اینجا آمدم و هیچ میلی به اهل این
شهر و به داخل شدن در این شهر نداشتم و همانا دوستی در مازندران دارم و
می‌خواهم به زیارت او بروم. سپس به من گفت: در این مقبره، قبور عده‌ای از
پیامبران است، برخی از آن‌ها را همراه من زیارت کن.

پس برخاست و کیسه‌اش را برداشت و باهم رفتیم تا به جایی رسیدیم، گفت:
اینجا، قبور انبیا است و آن‌گاه زیارتی خواند که من هرگز در کتاب‌ها آن را ندیده
بودم، به هر حال، همراه او خواندم، سپس از قبرها دور شد و گفت: من عازم
مازندران هستم، می‌توانی از من چیزی بخواهی.

از او خواستم که به من علم کیمیا را بیاموزد.

گفت: آن را به تو نمی‌آموزم، اصرار ورزیدم.

گفت: رزق و روزی هر کسی مقدر و معین شده، و آنچه می‌خواهی در اواخر

عمرت به تو می‌رسد.

گفتم: چه می‌شود اگر من از فقر و فلاکت نجات یابم؟

گفت: دنیا ارزشی ندارد.

گفتم: به خاطر دوستی و حب دنیا این تقاضا را از تو نکردم.

گفت: پس چرا فقط از امور دنیوی تقاضا نمودی؟ ولی من همچنان به خواسته

خود پافشاری کردم.

گفت: اگر در مسجد سهله مرادیدی، خواسته‌ات را برمی‌آورم.

گفتم: پس دعایی به من تعلیم نما.

گفت: دو تا دعا به تو یاد می‌دهم؛ یکی به تو اختصاص دارد و دیگری برای همگان، و

اگر مؤمن گرفتاری آن را بخواند حتماً مؤثر واقع می‌شود، سپس آن دعاها را برایم خواند.

گفتم: متأسفانه قلمی ندارم تا دعاها را بنویسم و قدرت حفظ کردن آن را هم ندارم.

گفت: در کیسه من قلم و کاغذ است، بردار.

دست در کیسه نمودم و با تعجب دیدم که قلیان و دیگر وسایلی که قبلاً بود، در آن

نیست و فقط دوات و قلم و کاغذی به اندازه نیاز و نوشتن آن دو دعا موجود است.

بسی شگفت زده شدم! با تندی به من گفتم: زود باش و معطلم نکن که می‌خواهم بروم.

مضطرب شدم و سر به طرف زمین نهاده مهیای نوشتن شدم. دعای اولی را املاء

کرد و من نوشتم. به دعای دوم که رسید این گونه قرائت کرد:

يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيُّ يَا فَاطِمَةَ، يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ أَذْرِكُنِي وَلَا تُهْلِكُنِي.

ای محمد، ای علی، ای فاطمه، ای صاحب زمان، مرا دریاب و هلاکم نکن.

من در عبارت دعا تأملی کردم و او که دید به فکر فرو رفته‌ام گفتم: آیا عبارت را

غلط می‌دانی؟

گفتم: آری، زیرا خطاب به چهار نفر است و فعل آن باید جمع باشد.

گفت: اشتباه نمودی، اکنون نظم دهنده این عالم، امام زمان ارواحنا فداه است و غیر او در عالم تصرف نمی کند و در دعا آن سه بزرگوار یعنی حضرت محمد، علی و فاطمه علیهم السلام را شفیعان نزد امام عصر ارواحنا فداه قرار می دهیم و فقط از او استمداد می کنیم.^۱

دیدم سخن متینی می گوید، پس دعا را نوشتم ولی وقتی سر بلند کردم کسی را ندیدم. از خادم درباره او سؤال کردم.

گفت: من کسی را ندیدم، با حالتی که در من سابقه نداشت به شهر باز گشتم و وارد خانه حاجی کرباسی شدم.

او گفت: آیا تبی بر تو عارض گشته است؟

گفتم: خیر، و ماجرا را برایش تعریف کردم.

او گفت: این دعا را شیخ محمد بیدآبادی به من یاد داد و من در پشت کتاب دعا آن را نوشتم. برخاست و کتاب را آورد ولی در آن چنین بود: «أدرکونی ولا تهلکونی»، آن را پاک کرد و نوشت: «أدرکني ولا تهلکني».^۲



توسل دیگر به حضرت بقیة الله ارواحنا فداه (یا صاحب الزمان)

روایت شده است که:

هر که را شدت و مصیبتی برسد هفتاد بار بگوید:

يَا اللَّهُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيَّ يَا فَاطِمَةَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، أَدْرِكُنِي

ای خدایا، ای محمد، ای علی، ای فاطمه، ای صاحب الزمان، مرا دریاب

وَلَا تُهْلِكُنِي.^۳

و هلاکم نکن.

۱. از این عبارت معلوم می شود که آن شخص، امام زمان ارواحنا فداه نبوده است.

۲. دار السلام عراقی: ۳۱۷.

۳. منهاج العارفين: ۴۸۳.



توسّل دیگر به آن حضرت صلوات الله علیه

در کتاب «التحفة الرضویّة» آمده است: بعد از نافله مغرب، صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد علیهم السلام بفرست، سپس هفتاد مرتبه بگو:

يَا اللَّهُ يَا مُحَمَّدُ يَا عَلِيَّ يَا فَاطِمَةَ يَا حَسَنُ يَا حُسَيْنُ، يَا صَاحِبَ

ای خدا؛ ای محمد؛ ای علی؛ ای فاطمه؛ ای حسن؛ ای حسین؛

الزَّمانِ، أَذْرِكُنِي يَا صَاحِبَ الزَّمانِ.

ای صاحب الزمان؛ مرا دریاب ای صاحب الزمان.

سپس صد مرتبه دیگر صلوات بفرست و آن گاه حاجت خود را طلب کن. صاحب کتاب «التحفة الرضویّة» در ادامه می نویسد: سید علامه، حضرت والد فرموده است: این دعا برای برطرف شدن مشکلات و سختی های مهم تجربه شده است.^۱



توسّل دیگر به حضرت حجّت ارواحنا فداء

(یا حُجَّةَ الْقَائِمِ)

از سید بزرگوار و استاد معظم، عالم ربّانی و حکیم و فقیه بلندمرتبه سید محمد هندی نجفی دام ظلّه و او از دانشمند محترم سید حسن قزوینی و او از سید حسین شوشتری که از امامان جماعت بود و او از اساتیدش نقل می کند که:

(در سختی ها و مشکلات) سر برهنه رو به قبله بایست و پانصد و هفتاد مرتبه بگو: «يَا حُجَّةَ الْقَائِمِ»، و این عمل تجربه شده است.^۲

۱. التحفة الرضویّة: ۱۵۰.

۲. تکالیف الأنام في غيبة الإمام: ۲۵۱.



توسّل برای رفع بیماری

توسّل به اسمی که مولای مان حضرت بقیة الله ارواحنا فداء در دعا برای پایان یافتن دوران غیبت می خوانند :

داوود بن زربی می گوید: در مدینه شدیداً مریض شدم و خبر مریضی من به امام صادق علیه السلام رسید. حضرت به من چنین نوشت:

خبر مریضی توبه من رسید. یک صاع ^۱ گندم بخر، آنگاه بر پشت بخواب و گندم را به روی سینهات بریز هر گونه که ریخته شد و چنین بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي إِذَا سَأَلْتُكَ بِهِ الْمُضْطَرُّ كَشَفْتَ مَا

بار خدایا! از تو درخواست می کنم به آن اسمت که هرگاه مضطر (امام زمان علیه السلام) به آن اسم تو را بخواند،

بِهِ مِنْ ضَرٍّ، وَمَكَّنْتَ لَهُ فِي الْأَرْضِ، وَجَعَلْتَهُ خَلِيفَتَكَ عَلَى خَلْقِكَ،

مشکلش را برطرف می کنی و در زمین توانایی و قدرتش می دهی و خلیفه خود بر بندگانت قرارش می دهی.

أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ، وَأَنْ تُعَافِيَنِي مِنْ عِلَّتِي.

(از تو می خواهم) که بر محمد و اهل بیتش درود فرستی و مرا از این بیماریم عافیت بخشی.

سپس بنشین و گندم را جمع کن و همین دعا را بخوان. سپس گندم را یک مدّ، یک مدّ (که هر مدّه سیر است) تقسیم کن و به هر مسکینی یکی از آن را بده و باز همان دعا را بخوان.

داوود می گوید: این کار را که انجام دادم، گویی از بند آزاد شدم و عده ای دیگر هم این دستور را عمل کردند و از آن بهره مند گردیدند.^۲

۱. یک صاع، ۳۹ سیر است که قریب یک من می باشد.

۲. بحار الأنوار: ۳۵/۹۵، المصباح: ۱۹۹.

بخش هشتم

بخش هشتم



عریضه ما

نوشتن عریضه و نامه حاجت به محضر مولای کریم حضرت مهدی ارواحنا فداء یکی از انواع توسل‌ها و استغاثه‌های مؤثر است و اثر عجیبی در برآمدن حاجت دارد؛ زیرا، **مولای ما حضرت مهدی** ارواحنا فداء - چنان که در روایات نیز بیان شده است - نسبت به دوستانش بسیار لطف و رأفت دارد و مهربان است. این جانب، بارها به محضر مقدس آن حضرت نامه نوشته و آثار و فواید عجیبی مشاهده کرده‌ام.

در این بخش، چگونگی چند نوع نامه حاجت را یادآور شده و برخی از داستان‌هایی را که برای برخی از بزرگان پیش آمده است، بیان می‌کنیم.



در کتاب «التحفة الرضویة» می‌فرماید: علامه سید محمد تقی اصفهانی رحمته الله در فصلی از کتابش که در مورد معجزه‌های امام زمان ارواحنا فداء ترتیب داده است می‌نویسد: یکی از معجزه‌ها و کرامت‌های آشکار آن حضرت این است که با انداختن رقعۀ حاجت و درخواست از آن حضرت، حاجت‌ها برآورده می‌شود؛ و این مطلبی است که با چشم مشاهده گردیده و تجربه شده است.

علامۀ بزرگوار مرحوم شیخ عبدالحسین امینی نیز حکایت عجیبی را که در اثر توسل به آن حضرت برایش رخ داده بود برای من بازگو کرد که مجاز نیستم آن را در کتاب بنویسم؛ ولی همین قدر بگویم که با نامه نوشتن به ناحیۀ مقدسه آن حضرت، آن جریان برایش پیش آمده بود.

سپس افزود: توسّل به حضرت مهدی ارواحنا فداء را برای کارهای مهمّ و برآورده شدن حاجت‌ها تجربه کرده‌ام.^۱

جریانی در مورد نوشتن نامه

به محضر امام زمان ارواحنا فداء

محدّث نوری علیه السلام در کتاب «جَنَّة المأوی» می‌نویسد:

شخصی بود عابد، نیکوکار و باتقوا به نام جناب سیّد محمّد عاملی، فرزند سیّد عبّاس (از خاندان عبّاس شرف الدین) که در روستای جشیث^۲ در نزدیکی جبل عامل لبنان می‌زیست.

داستانی دارد که در اثر تجاوز افراد به حقوقش و ستم بر او، مجبور شد از وطنش با وجود فقر شدید و ناتوانی‌ها به دلیل ترس و وحشت فرار کند. با این که در هنگام خارج شدن از وطن، حتّی به قدری که بتواند خرج یک روز خود را تأمین کند نداشت؛ با این همه، آن قدر آبروداری می‌کرد که به خود اجازه نمی‌داد از کسی درخواست کمک کند.

وی، مدّتی از عمر خود را به جهانگردی پرداخت و در این دوران، در عالم خواب و بیداری جریاناتی شگفت‌انگیز برایش اتفاق افتاد؛ تا این که در نهایت به نجف اشرف رسید و مجاورت آن را اختیار کرد و در یکی از اتاق‌های طبقه بالای صحن مقدّس آن حضرت سکونت گزید.

در آن روزها نیز فقر شدیدی او را رنج می‌داد و جز چند تن، کسی او را نمی‌شناخت و محل سکونتش را نمی‌دانست. و سرانجام پس از پنج سال که از روستای خودش بیرون رفت، در شهر مقدّس نجف دار فانی را وداع گفت.

در ایّام زندگانش گاهی با من رفت و آمد داشت و بسیار باعفت و باشرم و ادب بود، و در مراسم عزاداری اهل بیت علیهم السلام نیز نزد من حاضر می‌شد. گاهی برای برطرف

۱. النحفة الرضویّة: ۱۵۹.

۲. این کلمه، ترکیب شده است از کلمه «جبّ» و «شیث»؛ که نام چاهی است که منسوب به حضرت شیث پیامبر علیه السلام است.

شدن تنگدستی خود، برخی از کتاب‌های دعا را از من به امانت می‌گرفت. زندگی او به گونه‌ای بود که برای غذای روزانه خود جز چند دانه خرما چیزی در اختیار نداشت. وی، پیوسته دعاهای درخواست روزی و توسعه آن را می‌خواند و از هیچ ذکر و دعایی در این مورد فرو گزار نکرد.

در برخی از ایام نیز به نوشتن نامه حاجت به امام زمان ارواحنا فداه اقدام کرد و تا چهل روز این کار را ادامه داد و هر روز پیش از طلوع آفتاب از درب کوچکی که به طرف دریا باز می‌شود از شهر خارج می‌شد و یک فرسخ یا بیشتر از طرف راست حرکت می‌کرد به گونه‌ای که هیچ کس او را نمی‌دید. پس از آن، نامه خود را گل اندود می‌نمود و آن را به یکی از چهار نایب بزرگوار می‌سپرد، و آن را در آب می‌انداخت. بالأخره سی و هشت یاسی و نه روز گذشت، و در آن روز نیز کار هر روز را انجام داد و برگشت.

او برایم گفت: آن روز بسیار اندوهگین بودم و حالم گرفته بود؛ سرم را پایین انداختم و راه می‌رفتم که در بین راه ناگهان مردی را دیدم که از پشت سر به طرف من آمد و طرز لباس پوشیدنش نیز همانند عرب‌ها بود.

وی بر من سلام کرد و من سلام او را بسیار کوتاه پاسخ دادم، و به دلیل کسالت روحیم به او توجهی نکردم، او مقداری راه را به همراه من آمد؛ در حالی که من همچنان افسرده بودم. و آنگاه با لهجه مردم روستای خودم به من فرمود:

سید محمد؛ حاجت شما چیست؟ سی و هشت (یا سی و نه) روز است که پیش از طلوع آفتاب از نجف اشرف بیرون می‌آیی و به فلان مکان می‌روی و عریضه‌ات را به آب می‌افکنی و گمان می‌کنی که امام تو، حاجت تو را نمی‌داند و از آن بی‌اطلاع است؟! سید محمد گوید: از سخنان او در شگفت شدم؛ زیرا من این جریان خود را برای هیچ کس بازگو نکرده بودم، و حتی یک نفر مرا ندیده بود؛ از همه مهم‌تر آن که از اهالی جبل عامل، کسی در نجف نبود که من او را شناسم! به خصوص که برخی از لباس‌هایی که آن بزرگوار پوشیده بود در منطقه ما - جبل عامل - مرسوم نبود. به خاطر آنکه من به مهم‌ترین آرزوی خود - که دست‌یابی به بزرگ‌ترین

نعمت بود - دست یافته‌ام و این شخص ، همان حجت خداوند بر مردم ، یعنی امام عصر صلوات الله علیه است .

البته پیش از این شنیده بودم که دست مبارک آن حضرت در نرمی و لطافت به گونه‌ای است که دست هیچ یک از مردم همانند آن نیست ؛ لذا ، با خود گفتم: من با ایشان دست می‌دهم و مصافحه می‌کنم ؛ اگر دستش همان گونه باشد که شنیده‌ام ، آن طور که شایسته آن حضرت است رسم ادب را به جای می‌آورم .

در همین اندیشه بودم که دست خود را دراز کردم و آن بزرگوار نیز دست مبارکش را به طرف من آورد و با وی مصافحه کردم و دریافتم که همان خصوصیت در دست مبارکش می‌باشد . لذا ، یقین کردم که کامیاب و رستگار شده‌ام . سرم را بلند کرده و روبروی آن حضرت قرار گرفته و خواستم دست مبارکش را ببوسم که دیگر کسی را ندیدم .^۱

جریان دیگر در مورد نوشتن نامه

به حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه

محدث نوری علیه السلام می‌فرماید : دانشمند گران‌قدر ، دارنده فضیلت‌ها و فضل‌ها و توانمندی‌های معنوی ، پیش‌کسوت در میان هم‌رتبگان ، جناب امیرزا ابراهیم شیرازی حایری - که خداوند آینده‌اش را اصلاح و خواسته‌هایش را برآورده کند - فرمود :
خواسته‌های مهمی در شیراز برایم پیش آمد که فکرم را سرگردان و سینه‌ام را تنگ کرده بود ؛ از جمله این خواسته‌ها زیارت سرور و سالارم حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام بود . در این زمینه ، چاره‌ای جز توسل به محضر مقدس و دریای کرامت امام حاضر ارواحناده ندیدم . همو که دیدگان هر بیننده‌ای که کمتر او را ببیند زیان می‌بیند ، بر او سلام خدا باد که آگاه از همه رازهاست .

خواسته‌هایم را با استفاده از «عریضة حاجت» که از امامان علیهم السلام روایت شده است ؛ نوشتم و نزدیک غروب به طور پنهانی از شهر شیراز بیرون رفتم و به جایی رسیدم که آب فراوانی گرد آمده بود که فارس‌ها بدان استخر می‌گویند .

در آن جا ایستادم و از بین نایبان خاص، جناب ابو القاسم حسین بن روح نوبختی رضی الله عنه را ندا دادم و همان طوری که در احادیث وارد شده است به وی سلام کردم و نامه را به او سپردم و درخواست کردم تا به سرور خود و سرور همه مردمان برساند، و نامه را به آب افکندم.

آن گاه باز گشتم و کسی جز خدای تعالی رفت و آمد مرا و کاری را که انجام دادم، ندید. پس از غروب به شهر رسیدم و از دروازه دیگری وارد شدم و به خانه ام رفتم و جریان را با کسی بازگو نکردم.

صبحگاهان، نزد استاد حدیثم رفتم و با جماعتی دیگر در محضر او اجتماع کردیم، همین که مجلس آراسته گردید سیدی خوش سیما و محترم که لباس خادمان حرم امام حسین رضی الله عنه را بر تن داشت، وارد شد و سلام کرد و نزدیک استاد نشست. من و سایر شاگردان، او را از پیش نمی شناختیم و پس از آن نیز نه در شیراز و نه در خارج آن او را ندیدیم.

آن گاه رو به من کرد و مرا با نامم صدا زد و گفت: ای فلانی؛ نامه ات را به مولایمان حضرت مهدی ارواحنا فداء تسلیم کردم و آن را به ایشان رسانیدم.

من از این سخن مبهوت شدم؛ و دیگران معنای سخن او را نفهمیدند و بدین جهت از آن آقا درخواست کردند تا بی پرده سخن بگوید.

وی فرمود: شب گذشته گروه زیادی را در خواب دیدم که دور سلمان محمدی گرد آمده بودند، در حالی که نامه های بسیاری در دست داشت و مشغول نگریستن به نامه ها بود. وقتی مرا دید، ندایم کرد و گفت: برو نزد فلان شخص - اسم و فامیل مرا یاد کرد - و به او بگو: (در حالی که دستش را بلند کرد) این نامه تو است.

من دیدم که بالای آن نامه مهر خورده است یعنی به محضر امام زمان ارواحنا فداء رسیده است و پس از آن مهر خورده است؛ لذا، دانستم که هر کس حاجتش برآورده شده باشد نامه اش مهر می خورد، و کسانی که درخواست شان رد شده باشد، نامه شان به همان شکل - بدون مهر - برمی گردد.

کسانی که در مجلس درس حضور داشتند به من گفتند: آیا خواب این مرد راست

است؟ من جریان را برای شان گفتم و نزدشان سوگند یاد کردم که هیچ کس از این جریان اطلاع نداشته است. دوستانم به من بشارت دادند که درخواست‌هایم برآورده شده است و جریان همان گونه شد که آن‌ها بشارت دادند.

چندی نگذشت که به کربلای حسینی علیه السلام مهاجرت کردم و هم اکنون نیز ساکن کربلا هستم. ناگفته نماند، سایر خواسته‌هایم که در آن عریضه نوشته بودم نیز به طور کامل برآورده شدند. ستایش سزاوار خداوند است و درود بر اولیاء خداوند.^۱

مرحوم علامه شیخ علی اکبر نهاوندی می‌فرماید: مرحوم علامه حاج میرزا علی قاضی طباطبایی نجفی، استاد بزرگ اخلاق، در عصر روز جمعه اول ماه ربیع الاول سال ۱۳۵۸ هجری قمری در شهر نجف اشرف برایم فرمود:

یکی از دوستانش - که نامش را نبرد - در شب نیمه شعبان المعظم، نامه حاجتی به محضر مقدس امام عصر صلوات الله علیه ارسال کرد و آن را در آب افکند؛ هم چنان که در آن شهر مرسوم بود.

پس از چند روز مردی نزد او آمده و گفت: نامه تو به امام زمان ارواحنا فداء رسید و من در شب عاشورا نزد تو می‌آیم تا تو را به خدمت امام ارواحنا فداء برسانم. من تلاش کردم و تا جایی که در توان داشتم به عبادت‌های مختلف پرداختم تا اندکی لیاقت برای رسیدن به محضر امام صلوات الله علیه را پیدا کنم.

در شب موعود - یعنی شب عاشورا - ناگهان آن مرد آمد و در چشم برهم زدنی، مرا به جزیره‌ای برد که محل سکونت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف بود.

در آن جا چیزهایی را به چشم دیدم که فراتر از توصیف و بیان است. در آن جزیره، ارواح مطهر پیامبران و اوصیای ایشان حضور داشتند و آثار عظمت الهی را مشاهده کردم؛ به گونه‌ای که بیهوش شدم، و نمی‌دانم آیا امام ارواحنا فداء را نیز مشاهده کردم یا نه؛ سپس آن مرد - در کمتر از چشم برهم زدنی - مرا به خانه‌ام باز گرداند.^۲

۱. دار السلام: ۲/۲۶۴.

۲. العبرئ الحسان: ۱/۱۲۸ المسک الأذفر.



کیفیت نوشتن نامه

به محضر امام عصر عجل الله تعالی فرجه

بعضی از قضایا و فوائد را در زمینه نوشتن نامه حاجت به پیشگاه امام عصر ارواحنا فداه ذکر کردیم و اکنون به کیفیت و چگونگی عریضه می پردازیم:

عباراتی را که در پی می آید در کاغذی نوشته و آن را بر روی قبر یکی از امامان علیهم السلام می افکنی. یا آن را بسته و مهر کن و در میان گل پاکی که ساخته ای قرار ده؛ سپس آن را در جوی آب یا چاهی عمیق یا برکه آبی بینداز که نامه به محضر مقدس امام عصر ارواحنا فداه خواهد رسید و آن حضرت، خودش عهده دار بر آوردن خواستهات می گردد. کیفیت نوشتن نامه بدین صورت است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

كَتَبْتُ يَا مَوْلَايَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ مُسْتَعِيثًا، وَشَكْوَتُ مَا نَزَلَ

ای مولای من - که درود خدا بر تو باد - به پیشگاه مقدس می نویسم در حالی که تو را به فریاد می طلبم؛ و به تو از مشکلی که برایم پیش

بی مُسْتَجِيرًا بِاللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ثُمَّ بِكَ، مِنْ أَمْرٍ قَدْ دَهَمَنِي، وَأَشْغَلَ

آمده شکوه و شکایت می نمایم، در حالی که به خداوند و تو پناه آورده ام؛ از مصیبتی که تحملش برای من مشکل است و

قَلْبِي، وَأَطَالَ فِكْرِي، وَسَلَبَنِي بَعْضَ لُبِّي، وَغَيْرَ خَطِيرٍ نِعْمَةِ اللَّهِ

قلبم را به خود واداشته است، و اندیشه ام در موردش به درازا کشیده است، و مقداری از عقل و خرد مرا زایل گردانده، و نعمت ارزشمندی را که خدا به

عِنْدِي، أَسْلَمَنِي عِنْدَ تَخِيلٍ وَرُودِهِ الْخَلِيلُ، وَتَبَرَّأَ مِنِّي عِنْدَ

من داده است دگرگون ساخته است. هنگام گمان ورود این مشکل، دوست صمیمی من، مرا وا گذاشت، و خویشاوند صمیمی من نیز وقتی

تَرَأَيْتُ إِقْبَالَهُ إِلَيَّ الْحَمِيمُ، وَعَجَزْتُ عَنْ دِفَاعِهِ حِيلَتِي، وَخَانَنِي

متوجه شد این مشکل در راه است از من بیزاری جست. چاره جویی های من در مقابله با این گرفتاری راه به جایی نبرده است، و بردباری و نیروی

فِي تَحْمَلِهِ صَبْرِي وَقُوَّتِي . فَلَجَأْتُ فِيهِ إِلَيْكَ ، وَتَوَكَّلْتُ فِي

من قادر به تحمل آن نیست و به وظیفه خود عمل نکرده است. بدین سان، چاره‌ای ندیدم جز آن که به سرعت به آستان مقدس بنه آورم.

الْمَسْأَلَةِ لِلَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْكَ فِي دِفَاعِهِ عَنِّي ، عِلْمًا

و برای درخواست از خداوند - که ستایش شکوهمند، از آن اوست - به خداوند و همچنین به حضرت توکل کردم تا این گرفتاری را از من دور کنید. این گفتارهای

بِمَكَانِكَ مِنَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، وَلِيِّ التَّدْبِيرِ وَمَالِكِ الْأُمُورِ ،

من، از (روی بی‌دقتی نیست؛ بلکه) علم دارم به جایگاه با عظمت تو نزد خداوندی که پروردگار جهانیان است صاحب تدبیر و مالک همه امور است. در این حالات

وَإِثْقَا بِكَ فِي الْمُسَارَعَةِ فِي الشَّفَاعَةِ إِلَيْهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ فِي أَمْرِي ،

روحانی به تو اطمینان دارم و امیدوارم که برای شفاعت نزد خداوند - که ستایش او شکوهمند باد - در مورد انجام کارهای مربوطه به من شتاب می‌کنی؛ و از سویی

مُتَيْنًا لِإِجَابَتِهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِيَّاكَ بِإِعْطَائِي سُؤْلِي . وَأَنْتَ يَا

نیز یقین و اعتقاد دارم که خداوند - که مرتبه‌اش والا و مبارک است - درخواست تو را با برآورده کردن درخواست من اجابت می‌فرماید. ای سرور

مَوْلَايَ جَدِيرٌ بِتَحْقِيقِ ظَنِّي وَتَصَدِيقِ أَمَلِي فَيْكَ فِي أَمْرٍ كَذَا وَكَذَا

و سالار من؛ خودت نیز آن قدر بزرگوار و سزاوار هستی که مطمئن هستم گمانم را محقق می‌سازی و آرزویم را به واقعیت پیوند می‌دهی در مورد این کارها ...

(در این قسمت حاجت نوشته شود) ، فِيمَا لَا طَاقَةَ لِي بِحَمْلِهِ ، وَلَا صَبْرَ

که برایم سخت شده است و دیگر طاقت تحمل آنها را ندارم، و شکیم در این موارد

لِي عَلَيْهِ ، وَإِنْ كُنْتُ مُسْتَحِقًّا لَهُ وَلَا ضَعْفَافِهِ بِقَبِيحِ أَفْعَالِي

تمام شده است؛ البته به خوبی می‌دانم که همه این مشکلات، حق من است و سزاوار چند برابرش نیز هستم؛ چرا که کارهای زشت من،

وَتَفْرِيطِي فِي الْوَأَجِبَاتِ الَّتِي لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ ، فَأَغْنِي يَا مَوْلَايَ

و کوتاهی و کنندی در انجام واجباتی که برای خداوند - شکوهمند بزرگ - است نتیجه‌ای جز این مشکلات دربر نخواهد داشت. ای سرور و آقای من؛ - که

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ عِنْدَ اللَّهْفِ ، وَقَدِّمِ الْمَسْأَلَةَ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي

درود خداوند نثارت باد - با این همه، در این دل سوختگی و اندوه به فریادم برس، و در پیشگاه الهی درخواست انجام کارهای من و برطرف شدن مشکلم را

أَمْرِي ، قَبْلَ حُلُولِ التَّلَفِ ، وَشِمَاتَةِ الْأَعْدَاءِ ، فَيْكَ بِسِطِّ النُّعْمَةِ

تقدیم کن، و زودتر این کار را انجام بده؛ پیش از آن که تلفاتی به بار آید، و دشمنان به مسخرگی و شماتت من بپردازند؛ زیرا، تنها به خاطر توست که این

عَلَيَّ ، وَاسْأَلِ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ لِي نَصْرًا عَزِيزًا ، وَفَتْحًا قَرِيبًا ، فِيهِ

همه نعمت بر من گسترده شده است. نیز، از خداوند - شکوهمند - درخواست کن که یاری بزرگ و ارزشمند، و فتح و پیروزی نزدیک و سریع خود

بُلُوغُ الْأَمَالِ، وَخَيْرُ الْمَبَادِي، وَخَوَاتِيمُ الْأَعْمَالِ، وَالْأَمْنُ مِنْ

را نصیب من فرماید؛ به گونه‌ای که به آرزوهایم برسیم و آغاز و پایان کارها نیز به نیکی باشد؛ و در هر حال از

الْمَخَاوِفِ كُلِّهَا فِي كُلِّ حَالٍ، إِنَّهُ جَلَّ ثَنَاؤُهُ لِمَا يَشَاءُ فَعَالٌ، وَهُوَ

تمام ترسناک‌ها در امان باشم. اعتقاد بر این است که خداوند - که ستایشش شکوهمند باد - هر چه بخواهد به طور کامل انجام می‌دهد؛

حَسْبِي وَنِعْمَ الْوَكِيلُ فِي الْمَبْدَاءِ وَالْمَالِ.

و کفایت‌گرم و وکیل نیکوی من نیز در دنیا و آخرت، تنها خداست.

پس از آماده شدن نامه، به طرف جوی آب یا برکه (یا چاه) می‌روی و یکی از چهار نایب خاص حضرت بقیة الله ارواحنا فداء یعنی: جناب عثمان بن سعید، پسرش محمد بن عثمان، حسین بن روح نوبختی، و علی بن محمد سمري (که راه‌های دستیابی و واسطه ما به آن حضرت هستند) را انتخاب می‌کنی و با این عبارات او را صدا زده و می‌گویی:

يَا فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ، سَلَامٌ عَلَيْكَ، أَشْهَدُ أَنَّ وَفَاتَكَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ،

ای (فلان فرزند فلان)؛ سلام و درود بر تو. گواهی می‌دهم که درگذشت تو در راه خدا بوده،

وَأَنَّكَ حَيٌّ عِنْدَ اللَّهِ مَرْزُوقٌ، وَقَدْ خَاطَبْتُكَ فِي حَيَاتِكَ الَّتِي

و اینک تو نزد خداوند زنده هستی و روزی خاض او را دریافت می‌کنی. و بدین‌سان، من در حیاتی که

لَكَ عِنْدَ اللَّهِ جَلٌّ وَعِزٌّ وَهَذِهِ رُقْعَتِي وَخَاجَتِي إِلَى مَوْلَانَا عَلَيْهِ

نزد خدا داری تو را مخاطب قرار می‌دهم، و این نامه و عریضه و درخواست حاجت من به سرورمان حضرت مهدی علیه

السَّلَامُ، فَسَلَّمَهَا إِلَيْهِ، فَأَنْتَ الثَّقَةُ الْأَمِينُ.

السلام است، پس آن را به حضرتش تسلیم کن. به راستی که تو مورد اطمینان و امانت‌دار هستی.

آن گاه نامه را در جوی آب یا درون چاه یا برکه بینداز که به خواست خداوند، خواسته‌ات برآورده خواهد شد.^۱

ناگفته نماند: علامه مجلسی رحمته الله پس از این عبارت افزوده است:

۱. المصباح، ۵۳۱، البلد الامین: ۲۲۷، منهاج العارفين: ۴۴۸.

در این حالات روحانی، در اندیشه‌ات این گونه باشد که نامه را به دست آن حضرت تسلیم کرده‌ای؛ زیرا، نامه به دست مبارکش می‌رسد و به خواست خدا، حاجت و خواسته برآورده می‌شود.^۱

محدث نوری رحمته الله فرموده است: از این روایت شریف استفاده می‌شود که این چهار بزرگوار، که در زمان غیبت صغری و اولیة امام زمان ارواحنا فداء به عنوان واسطه بین امام و شیعیانش بودند و خواسته‌ها و نامه‌ها را عرضه می‌داشتند و پاسخ‌ها و نامه‌های آن امام عزیز را نیز به صاحبانش می‌رساندند؛ در زمان غیبت طولانی و کبرای امام زمان ارواحنا فداء نیز در رکاب گرامی و ارزشمند آن حضرت هستند و این مقام (واسطه بودن) را هنوز در اختیار دارند.

و نیز از این روایت شریف برمی‌آید که سفره احسان، بخشش، بزرگواری، کرم، لطف و نعمت امام زمان ارواحنا فداء در سراسر کره زمین برای هر پریشان ناتوان، و نیز برای هر گمگشته سرگردان و هر حیرت زده نا آگاه و گناهکار حیران گسترده و در دسترس است. این درگاه الهی برای همه باز و گشوده است و این هدایت و دستگیری فراگیر برای همه وجود دارد. البته، به شرط صداقت، اضطرار، نیاز، تصمیم و اراده، صفای درون، اخلاص و بی‌غل و غش بودن فراهم است.

وقتی که شخص نا آگاه و نادان از او درخواست و التماس کند که به علم و دانش او دست یابد، و خود را گمگشته و سرگردان ببیند، مسلم است که آن بزرگوار او را به سر منزل و راه اصلی می‌رساند، و اگر بیمار باشد، لباس سلامتی را بر تنش می‌پوشاند. چنان که از داستان‌هایی که پیشتر نقل کردیم برمی‌آید.

نتیجه‌ای که در این جا مقصود است آن است که امام بزرگوار، حضرت صاحب الامر ارواحنا فداء در بین بندگان حضور دارد و به شیعیان و نیز سایر افرادی که تحت حکومت او هستند نظاره می‌کند، و قدرت و توان بر طرف کردن بلاها را دارد، و از رازها و امور پنهانی آگاه است، و پنهان شدن او از چشم مردم و غیبت او، به معنای

کناره گیری از مقام خلافت و حکومت الهی نیست. آن حضرت، از لوازم و آداب ریاست الهی اش دست برنداشته است، و نیروی الهی و ربّانی که در اختیار دارد به ناتوانی نگراییده است.

هر گاه بخواهد مشکلی را حل کند و گرهی را بگشاید، راه حلّ آن را در قلبها می افکند به گونه ای که چشمی ندیده و گوشی نشنیده باشد. گاهی دل را به سوی کتاب یا عالمی که دواي درد شخص در آن کتاب یا نزد آن عالم است مایل می کند؛ و گاهی آن حضرت دعایی را به او تعلیم می نماید و یا در خواب دواي دردش را بیان می فرماید.

و آنچه دیده شده و شنیده شده است که بیچارگان و مضطّران و نیازمندان با حالت عجز و ناتوانی و زاری و تضرع، به آن حضرت شکایت می کنند و درخواست دفع گرفتاری می نمایند؛ ولی اثری از پاسخ و برطرف شدن بلا مشاهده نمی کنند! دلیلش این است که گاهی مانعی برای دعا و نیز پذیرش دعا هست که بیشتر این موانع به شخص درخواست کننده مربوط می شود؛ از طرفی امکان دارد شخص اشتباه کرده باشد و خود را مضطّر گمان کرده در حالی که این گونه نباشد، و گاهی شخص خود را تباه شده و سرگردان می بیند، در حالی که راه روشن در پیش رویش می باشد و برایش مشخص است.

همانند کسی که می گوید که من حکم خدا را در فلان مورد نمی دانم در حالی که امام ارواحنا فداه از پیش فرموده است که نزد عالمان به آن احکام برو. نظیر آنچه در توقیع و نامه ای که در پاسخ پرسش های اسحاق بن یعقوب مرقوم فرمودند آمده است:

در حادثه هایی که پیش می آید به راویان حدیث ما مراجعه کنید؛ زیرا آنان حجت من بر شما هستند، و من نیز حجت الهی می باشم.

بدین سان، روشن است که کسی که احکام را نمی داند، تا زمانی که دسترسی به عالم ربّانی دارد - حتی اگر لازم باشد مسافرت کند یا به کتاب آن عالم مراجعه کند - دیگر مضطّر به حساب نمی آید.

هم‌چنین، تا زمانی که دانشمند دینی می‌تواند با استفاده از منابع و مصادر احکام یعنی قرآن و سنت و اجماع به حل اشکالات و دفع شبهه‌ها و نیز برطرف شدن حیرت خود در مسایل دینی اقدام کند؛ دیگر مضطرّ و وامانده و ناتوان به حساب نمی‌آید.

مطلب دیگر آنکه کسانی که از حدود و دستورات الهی تجاوز کرده و در چگونگی زیستن خود و استفاده از وسایل مختلف در زندگی زیاده‌روی کرده‌اند، و به مقداری که در شرع مقدّس اسلام نیکو دانسته است اکتفا و قناعت نکرده‌اند؛ این افراد نیز وامانده به حساب نمی‌آیند؛ چرا که چیزهایی که درخواست کرده‌اند از چیزهایی نیست که پایه‌ی زندگانی بر آن استوار است و چنین چیزهایی اضطراری نیست.

گاهی نیز شخص خود را مضطرّ و وامانده فرض می‌کند؛ در حالی که پس از دقت راستین برایش آشکار می‌شود که مضطرّ نیست، و اگر هم اضطراری در کار است یک چیزی است که مصلحت او یا مصلحت عمومی در آن است که دعایش اجابت نمی‌شود. از سویی، به تمام مضطرّان و واماندگان نیز وعده‌رهایی داده نشده است.

درست است که جز خدا و جانشینان او، بیچارگان را پاسخ نمی‌دهند و رهایی نمی‌بخشند، ولی این دلیل نمی‌شود که تمام واماندگان را نجات دهند.

در زمان حضور و ظهور امامان علیهم‌السلام، در شهرهای مدینه، مکه و کوفه و دیگر شهرها شیعیان و محبّان بسیاری بودند که گرفتار و وامانده و ناتوان بودند، و بسیاری از ایشان درخواست رفع مشکلات را داشتند ولی اجابت نمی‌شدند. لذا، آن‌گونه نیست که هر ناتوانی در هر زمانی، هر چیزی را که می‌خواهد با اجابت دعایش بتواند به دست آورد و واماندگیش را بر طرف سازد.

زیرا، در این صورت اختلال و بی‌نظمی در نظام هستی به وجود می‌آید، و از سویی نیز پاداش و ثواب‌های ارزش‌مند و با عظمتی که برای تحمّل مصیبت‌ها و بلاها در نظر گرفته شده است، از بین می‌رود. به راستی که مصیبت دیدگان و بلازدگان این دنیا، وقتی در جهان آخرت به پاداش‌های بزرگ و ثواب‌هایی که در ازای تحمّل مشکلات به آن‌ها عطا می‌شود، نظاره می‌کنند، آرزو می‌کنند و می‌گویند: ای کاش؛ در

دنیا گوشت‌های بدن ما را با قیچی تکه تکه می‌کردند.

از این توضیحات به این نتیجه می‌رسیم که خدای تعالی - با وجود توان و قدرت کامل و بی‌نیازی مطلق خود، و آگاهی از تمام ذره‌های جهان هستی و موجودات ظریف آن - این رفتار را با بندگانش نمی‌کند (که به همه آنان هر چه می‌خواهند عنایت کند).^۱



عریضه‌ای به خداوند

که در عریضه حضرت بقیة الله ارواحنا فداء قرار داده می‌شود

مرحوم علامه مجلسی در کتاب «بحار الأنوار» می‌نویسد: این رقعہ را نوشته و آن را می‌بندی، سپس نامه دیگری به محضر امام زمان صلوات الله علیه می‌نویسی، سپس آن نامه و عریضه به خداوند را درون نامه‌ای که برای امام ارواحنا فداء نوشته‌ی قرار می‌دهی، سپس آن را گل اندود کرده و درون دریا یا چاه آب می‌افکنی.

متن عریضه به خداوند چنین است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ وَتَقَدَّسَتْ أَسْمَاؤُهُ، رَبِّ الْأَرْبَابِ، وَقَاصِمِ

(این نامه‌ای است) به سوی خداوندی که منزّه و نام‌هایش مقدّس و پاک است؛ پروردگار و پرورش‌دهنده پرورش‌دهندگان، درهم‌کوبنده

الْجَبَابِرَةِ الْعِظَامِ، عَالِمِ الْغَيْبِ وَكَاشِفِ الضُّرِّ، الَّذِي سَبَقَ فِي عِلْمِهِ

سرکشان بزرگ؛ دانای پنهانی‌ها، و بر طرف‌کننده گرفتاری‌ها؛ خدایی که هر چه اتفاق افتاده است

مَا كَانَ وَمَا يَكُونُ، مِنْ عَبْدِهِ الذَّلِيلِ الْمِسْكِينِ، الَّذِي انْقَطَعَتْ

و هر چه در آینده به وقوع خواهد پیوست بیشتر در آگاهی و علم و دانش او بوده است. از بنده بیچاره و خوار و ناتوانش، که تمام



بِهِ الْأَسْبَابِ، وَطَالَ عَلَيْهِ الْعَذَابُ، وَهَجَرَهُ الْأَهْلُ، وَبَايَنَهُ

سببها و وسیله‌ها را از دست داده است، و عذاب و شکنجه‌ای طولانی بر او وارد شده است، و خانواده‌اش او را رها کردند، و

الصَّدِيقُ الْحَمِيمُ فَبَقِيَ مُرْتَهِنًا بِذَنْبِهِ، قَدْ أَوْبَقَهُ جُرْمُهُ، وَطَلَبَ

دوست صمیمی‌اش او را وا گذاشته پس در گرو گناه و خطایش مانده است، و جرم بزهش او را هلاک گردانیده است؛ و به دنبال راه

النَّجَاةِ] فَلَمْ يَجِدْ مَلْجَأً وَلَا مُلْتَجَأً، غَيْرَ الْقَادِرِ عَلَى حَلِّ الْعَقْدِ،

نجات نیز رفته است، ولی هیچ پناهگاه و تکیه‌گاهی پیدا نکرده است؛ جز خدایی که برگشودن گره و برطرف کردن مشکل توانایی دارد

وَمُؤَبَّدِ الْأَبَدِ، فَفَزَعِي إِلَيْهِ وَاعْتِمَادِي عَلَيْهِ، وَلَا لَجَأً وَلَا مُلْتَجَأً

و او جاودانگی را ابدیت بخشیده است، پس به سوی او پناه آوردم و بر او تکیه نمودم که پناهی و تکیه‌گاهی

إِلَّا إِلَيْهِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعِلْمِكَ الْمَاضِي، وَبِنُورِكَ الْعَظِيمِ،

جز به سوی او نیست. بارالها؛ به واسطه دانش و آگاهی قاطعت و به واسطه روشنی بزرگ و با عظمت،

وَبِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَبِحُجَّتِكَ الْبَالِغَةِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

و به خاطر قدر و منزلت کریمانه‌ات و به واسطه حجت و دلیل رسایت؛ از تو درخواست می‌کنم بر محمد

وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَأْخُذَ بِيَدِي وَتَجْعَلَنِي مِمَّنْ تَقْبَلُ دَعْوَتَهُ،

و آل محمد درود بفرستی؛ دستم را بگیری؛ مرا جزو کسانی که دعایش پذیرفته،

وَتُقِيلُ عَثْرَتَهُ، وَتَكْشِفُ كُرْبَتَهُ، وَتُزِيلُ تَرْحَتَهُ، وَتَجْعَلُ لَهُ مِنْ

و لغزشش مورد گذشت واقع شده است، و گرفتاریش برطرف گشته، و واماندگی او از بین رفته، قرار دهی؛ و برای او

أَمْرِهِ فَرَجًا وَمَخْرَجًا، وَتَرُدَّ عَنِّي بَأْسَ هَذَا الظَّالِمِ الْغَاشِمِ، وَبَأْسَ

در کارش گشایش و گریزگاهی فراهم نمایی، و اذیت و آزار این ظالم ستمگر و آزار

النَّاسِ يَا رَبَّ الْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ، حَسْبِي أَنْتَ وَكَفَى مَنْ أَنْتَ

همه مردمان را از من برطرف کنی؛ ای پروردگار فرشتگان و انسان‌ها، تو برایم کافی هستی و هر کس تو برایش بی‌نیازکننده و کفایتگر باشی همه امورش

حَسْبُهُ، يَا كَاشِفَ الْأُمُورِ الْعِظَامِ، فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ.

کفایت شده و درست است. ای برطرف‌کننده مشکلات بزرگ؛ واقعیت و باورم این است که هیچ جنبش و نیرویی نیست جز آن که از تو سرچشمه می‌گیرد.

پس از این نامه، نامه درخواست حاجت از مولایمان صاحب الزمان ارواحنا فداه را

چنین می‌نویسی:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

تَوَسَّلْتُ بِحُجَّةِ اللَّهِ الْخَلْفِ الصَّالِحِ، مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ

به حجت خداوند و جانشین شایسته و نیک، (حضرت) محمد فرزند حسن توسل جستهام، او که فرزند علی

بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ

فرزند محمد فرزند موسی فرزند جعفر فرزند محمد فرزند علی فرزند

الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، النَّبِيِّ الْعَظِيمِ، وَالصِّرَاطِ

حسین فرزند علی بن ابی طالب می باشد؛ که همان خیر بزرگ و راه

الْمُسْتَقِيمِ، وَالْحَبْلِ الْمَتِينِ، عِصْمَةِ الْمَلْجَأِ، وَقَسِيمِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ.

راست، و ریسمان محکم الهی است و پناهگاهی مطمئن و تقسیم کننده بهشت و دوزخ است.

أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ يَا أَبَاكَ الطَّاهِرِينَ الْخَيْرِينَ الْمُنتَجَبِينَ، وَأُمَّهَاتِكَ

من به سوی تو توسل می جویم به واسطه پدران پاک و نیکوکار و برگزیده ات، و نیز به واسطه مادران

الطَّاهِرَاتِ الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ، الَّذِينَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ،

پاکت؛ که همگی باقی ماندگان نیکوکار و شایسته اند؛ همان هایی که خداوند - این بهترین و عزیزترین گوینده - در کتابش از آنان یاد

فَقَالَ عَزَّ مَنْ قَائِلُ ﴿الْبَاقِيَاتِ الصَّالِحَاتِ﴾^۱، وَبِحَدِّكَ رَسُولِ اللَّهِ

کرده است و فرموده است: «آنچه باقی می ماند و نیک و شایسته است»، نیز به واسطه جد بزرگوارت رسول خدا

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَخَلِيلِهِ وَحَبِيبِهِ وَخَيْرَتِهِ مِنْ خَلْقِهِ، أَنْ

- درود بر او و آل او - کسی که خدا را دوست دارد و خدا او را دوست دارد و برگزیده مخلوقاتش است؛ در این توسل ها،

تَكُونُ وَسِيلَتِي إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي كَشْفِ ضُرِّي، وَحَلِّ عَقْدِي،

درخواست من آن است که شما وسیله و واسطه من باشید تا خدای - عز و جل - گرفتارم را برطرف کند، و گره از کارم بگشاید، و این همه

وَفَرَجِ حَسْرَتِي، وَكَشْفِ بَلِيَّتِي، وَتَنْفِيسِ تَرْحَتِي، وَبِكَهَيْعِصِ

آه و حسرت را از من دور کند، و بلاها را از من بزدايد، و آندوه و واماندگيم را از بين ببرد. درخواست می کنم، به واسطه کهیعیص

وَيَيْسِ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ، وَبِالْكَلِمَةِ الطَّيِّبَةِ، وَبِمَجَارِي الْقُرْآنِ،

و یست و قرآن حکیم، و نیز به واسطه کلمه طیبیه و پاکیزه الهی، و مجاری قرآنی،



وَبِمُسْتَقَرِّ الرَّحْمَةِ، وَبِجَبْرُوتِ الْعِظَمَةِ، وَبِاللُّوحِ الْمَحْفُوظِ،

و به قرارگاه رحمت، و بزرگی عظمت، و لوح محفوظ،

وَبِحَقِيقَةِ الْإِيمَانِ، وَقِوَامِ الْبُرْهَانِ، وَبِنُورِ النُّورِ، وَبِمَعْدَنِ النُّورِ،

و حقیقت ایمان، و بایندگی برهان، و روشنی نور، و معدن نور،

وَالْحِجَابِ الْمَسْتُورِ، وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ، وَبِالسَّبْعِ الْمُثَانِي،

و به واسطه حجاب پنهان داشته شده، و بیت المعمور (طوافگاه اهل آسمان)، و سبع المثانی (سوره حمد)،

وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، وَفَرَائِضِ الْأَحْكَامِ، وَالْمُكَلَّمَ بِالْعِبْرَانِيَّ،

و قرآن با عظمت، و واجبات احکام، و آن چه به زبان عبرانی گفتگو شده،

وَالْمُتَرَجِّمِ بِالْيُونَانِيَّ، وَالْمُنَاجِيَّ بِالسَّرِّيَانِيَّ، وَمَا دَارَ فِي

و آن چه به یونانی ترجمه شده، و آن چه به سریانی راز و نیاز شده، و آن چه در

الْخَطَرَاتِ، وَمَا لَمْ يُحِطْ بِهِ لِلظُّنُونِ، مِنْ عِلْمِكَ الْمَخْزُونِ،

خاطره‌ها و خطورها وارد شده، و به واسطه آن چه گمان‌ها آن را در بر نمی‌گیرند؛ یعنی دانش پنهانی تو،

وَبِسِرِّكَ الْمَصُونِ، وَالتَّوْرَةِ وَالْأَنْجِيلِ وَالزَّبُورِ. يَا ذَا الْجَلَالِ

و راز محفوظت، و تورات و انجیل و زبور؛ به واسطه همه آن چه عرض شد از تو درخواست می‌کنم - ای صاحب شکوه

وَالْأَكْرَامِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَخُذْ بِيَدِي، وَفَرِّجْ عَنِّي

و بزرگواری؛ - که بر محمد و آل او درود بفرستی؛ و دستم را بگیر، و به واسطه

بِأَنْوَارِكَ وَأَقْسَامِكَ وَكَلِمَاتِكَ الْبَالِغَةِ، إِنَّكَ جَوَادٌ كَرِيمٌ، وَحَسْبُنَا

روشنی‌ها و انوارت و قسم‌هایت و کلمه‌های رسابت در کارم گشایشی کنی. باور دارم که تو بخششگر بزرگوار هستی؛ خداوند برای ما

اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ،

بس است و خوب وکیلی است. هیچ جنبش و نیرویی نیست جز آن که به واسطه خداوند والای بزرگ به وجود می‌آید.

وَصَلَوَاتُهُ وَسَلَامُهُ عَلَى صَفْوَتِهِ مِنْ بَرِيَّتِهِ مُحَمَّدٍ وَذُرِّيَّتِهِ.

درودها و سلام‌های ویژه الهی بر برگزیده‌اش از بین مردم یعنی حضرت محمد و نسل پاکش نثار باد.

پس از نوشتن نامه دوم، هر دو نامه را خوشبو کرده و نامه اول را (که به خداوند

نوشته شد) در میان نامه دوم (که به امام ارواحنا فداه نوشته شد) قرار داده و هر دو را در

آب روان یا چاه آب می افکنی. البته پیش از این کار، نامه‌ها را در گِل نرم (یعنی بدون سنگریزه) قرار ده. سپس دو رکعت نماز گزارده و به واسطهٔ محمد و آل محمد علیهم السلام به خدای تعالی روی می آوری، و انداختن نامه‌ها در آب، باید در شب جمعه باشد.

یادآور می‌شود که این عریضه نویسی را برای آزمایش انجام مده، بلکه باور داشته باش که خواسته‌ات اجابت می‌شود. و تنها در مورد سختی‌ها و کارهای بسیار دشوار انجام شود.

هم‌چنین، کسی را که شایستگی ندارد از این جریان مطلع مکن و این نامه را برایش ننویس؛ زیرا فایده‌ای برایش ندارد. از طرفی این نامه‌ها، امانتی است که بر عهدهٔ توست که آن را حفظ کنی و در مورد آن بازخواست خواهی شد.

پس از انداختن نامه‌ها، این دعا را بخوان:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي لَحَظْتَ بِهَا الْبَحْرَ الْعِجَاجَ، فَأَزِيدَ

بار الها؛ از تو می‌خواهم به قدرتت؛ همان قدرتی که دریاهای بزرگ را با آن ملاحظه فرمودی، پس به خروش و

وَهَاجَ وَمَاجٍ، وَكَانَ كَاللَّيْلِ الدَّاجِ، طَوْعاً لِأَمْرِكَ، وَخَوْفاً مِنْ

موج واداشتی، و همانند شبی تاریک شدند؛ این همه، از سر فرمانبرداری دریاها از تو، و نیز از ترس و هیبت تو بود.

سَطْوَتِكَ، فَأَفْتَقَ أَجَاجُهُ، وَاتَّلَقَ مِنْهَا جُهُ، وَسَبَّحَتْ جَزَائِرُهُ،

بدین سان، آب شور دریاها شکافته، و راههای زینت داده شد، و جزایر آن تسبیح گفتند،

وَقَدَّسَتْ جَوَاهِرُهُ، تُنَادِيكَ حَيْثَانُهُ بِاخْتِلَافِ لُغَاتِهَا، إِلَهِنَا وَسَيِّدِنَا

و جواهر آن تقدیس نمودند. ماهیان دریاها با زبان‌ها و لغات مختلف تو را ندا دادند: خدای ما؛ آقای ما؛

مَا الَّذِي نَزَلَ بِنَا، وَمَا الَّذِي حَلَّ بِبَحْرِنَا فَقُلْتَ لَهَا أُسْكِنِي،

چه چیزی بر ما فرود آمد؟ چه چیزی در دریای ما پیش آمد؟ و به ماهی‌ها فرمودی: آرام باش؛ (و به دریا فرمودی:) به

سَأُسْكِنُكَ مَلِيًّا، وَأَجَاوِرُ بِكَ عَبْدًا زَكِيًّا، فَسَكَنْ وَسَبَّحَ وَوَعَدَ

زودی تو را به آرامش می‌رسانم؛ و بنده‌ای شایسته و پاک را مجاور تو می‌گردانم؛ پس آرام گرفت و تسبیح گفت و به بخشش‌های نهانی

بِضَمَائِرِ الْمِنْحِ. فَلَمَّا نَزَلَ بِهِ ابْنُ مَتَّى بِمَا أَلِمَ الظُّنُونُ، فَلَمَّا صَارَ

وعده داده شد. آن‌گاه که یونس پسر متی در آنجا فرود آمد چون گرفتار مصیبت‌هایی شد که حتی تصور آن‌ها دردناک است، و آن‌گاه که

فِي فِيهَا سَبَّحَ فِي أَمْعَانِهَا، فَبَكَتِ الْجِبَالُ عَلَيْهِ تَلَهُفًا، وَأَشْفَقَتْ

وارد دهان آن ماهی شد و درون شکم آن ماهی رفت، به تسبیح گویی تو پرداخت و در این شرایط، کوه‌ها غصه او را خوردند و به گریه افتادند؛

عَلَيْهِ الْأَرْضُ تَأْسَفًا، فَيُونُسُ فِي حُوتِهِ كَمُوسَى فِي ثَابُوتِهِ

و زمین برای او متأسف شد و برایش دلسوزی کرد. پر واضح است که حال یونس در شکم ماهی همانند موسی در میان تابوتش بود؛

لِأَمْرِكَ طَائِعٌ، وَلِوَجْهِكَ سَاجِدٌ خَاضِعٌ، فَلَمَّا أَحْبَبْتَ أَنْ تَقِيَهُ

هر دو اطاعت دستور تو کردند، و به خاطر ذات پاکت به سجده و فروتنی پرداختند. در نهایت، آن گاه که خواستی او را ننگه داری، به

أَلْقَيْتَهُ بِسَاطِئِ الْبَحْرِ شَلَوْا لَا تَنْظُرُ عَيْنَاهُ، وَلَا تَبْطِشُ يَدَاهُ،

کنار دریایش افکندی در حالی که چشمانش، توان دیدن نداشت، و دستان و

وَلَا تَرَكُضُ رِجْلَاهُ، وَأَنْبَتَ مِنْهُ مِنْكَ عَلَيْهِ شَجَرَةٌ مِنْ يَقْطِينٍ،

پاهایش قادر به حرکت نبودند؛ که در این هنگام بر او منت نهادی و درختی از کدو برایش رویاندی،

وَأَجْرَيْتَ لَهُ قُرَاتًا مِنْ مَعِينٍ، فَلَمَّا اسْتَغْفَرَ وَتَابَ خَرَقْتَ لَهُ إِلَى

و آبی گوارا را برایش جاری ساختی. آن گاه که درخواست آمرزش و بازگشت کرد نیز راهی به سوی

الْجَنَّةِ يَا أَبَا، إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ.

بهشت برایش گشودی. در واقع، تو تنها کسی هستی که بسیار بخشنده است.

در پایان، هر یک از چهارده معصوم علیهم السلام را نیز یاد می‌کنی و بر یکایک آنان سلام می‌دهی.^۱



عريضة استغاثه ديگري به امام زمان عجل الله تعالى فرجه

محدث نوری رحمته الله می‌فرماید: رقعۀ استغاثه به امام عصر ارواحنا فداه به نام‌های مختلف روایت شده است، و در کتاب‌های مشهور دعا موجود است؛ لیکن، نسخه‌ای که من یافتم در آن کتاب‌ها نیست، حتی در کتاب مزار «بحار الأنوار» نیز نیامده است. در

۱. بحار الأنوار: ۲۷/۹۴.

حقیقه هر چه در

بخش هشتم



کتاب دعای «بحار الأنوار» نیز - که در آن، سعی در جمع آوری دعاها شده است - به آن اشاره نشده است؛ و چون این روایت، کم استنساخ شده و تعداد نسخه آن اندک است، بدین جهت لازم دیدم که آن را در اینجا نقل کنم.

فاضل متبحر، جناب محمد بن محمد طیب - که از علمای دوره صفویه بوده است - در کتاب خود به نام «انیس العابدین» از کتاب «السعادات» این عبارت را نقل کرده است: دعای توسل برای تمام کارهای مهم و خواسته‌ها:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

تَوَسَّلْتُ إِلَيْكَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ

به تو توسل جست‌ام ای ابو القاسم؛ ای محمد فرزند حسن فرزند علی فرزند محمد

بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ

فرزند علی فرزند موسی فرزند جعفر فرزند محمد فرزند علی فرزند حسین فرزند

عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، النَّبِيِّ الْعَظِيمِ، الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ، وَعِصْمَةِ

علی بن ابی طالب؛ که خیر بزرگ، و راه راست، و پناه

اللاجين. بِأَمِّكَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَبِأَبَائِكَ الطَّاهِرِينَ،

پناه‌آوردندگان است؛ (به تو توسل می‌جویم) به واسطه مادرت سرور زنان جهانیان؛ و نیز به واسطه پدران پاک،

وَبِأُمَّهَاتِكَ الطَّاهِرَاتِ، بِيَّاسِينَ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ، وَالْجَبْرُوتِ

و مادران طاهره و پاکت؛ به واسطه یاسین و قرآن حکیم، و بزرگی جبروت الهی،

الْعَظِيمِ، وَحَقِيقَةِ الْإِيمَانِ، وَنُورِ النُّورِ، وَكِتَابِ مَسْطُورٍ، أَنْ تَكُونَ

و حقیقت ایمان، و روشنی‌بخش نورها، و کتاب نگاشته‌شده، از تو درخواست می‌کنم و متوسل می‌شوم؛ تا به عنوان سفیر و فرستاده

سَفِيرِي إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فِي الْحَاجَةِ لِفُلَانٍ، أَوْ هَلَاكِ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ.

من به سوی خدای تعالی در مورد برآوردن حاجت (...) یا هلاک کردن و نابودی دشمنم یعنی فلانی فرزند فلانی؛ این درخواست را انجام بده.

این نامه را در خاک پاک، گل اندود کرده، و آن را در آب جاری یا چاه آب می‌افکنی و در این هنگام می‌گویی:

يَا سَعِيدَ بْنِ عُثْمَانَ، وَيَا مُحَمَّدَ بْنَ عُثْمَانَ، أَوْصِلَا قِصَّتِي إِلَى

ای سعید بن عثمان و ای محمد بن عثمان؛ از شما دو نفر درخواست می‌کنم که این جریان و داستان کار مرا به

صَاحِبِ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ.

حضرت صاحب الزمان - که مورد خدا بر او نثار باد - برسانید.

* * *

نسخه روایت یاد شده به این شکل بود که گفتم؛ لیکن، اگر روایات دیگر و نیز روش دیگر عریضه‌نویسی‌ها را بنگریم، در می‌یابیم که صحیح باید چنین باشد که هنگام افکندن نامه به آب، گفته شود: «یا عثمان بن سعید و یا محمد بن عثمان...» البته، خداوند از واقعیت آگاه است.^{۱، ۲}

۱. نجم الثاقب: ۴۲۰.

۲. مؤلف می‌گوید: شکی نیست که در نسخه روایت یاد شده اشتباه رخ داده است و صحیح همان است که مرحوم محدث نوری تصریح فرموده است؛ زیرا، نایب اول و دوم امام علی (علیه السلام) همان عثمان بن سعید و محمد بن عثمان هستند. این جانب، در برخی از کتاب‌ها دیده‌ام که روایت رقیه مورد بحث را با کمی تفاوت آورده‌اند و در آخرش آمده است که هنگام به آب انداختن نامه بگو: «یا عثمان بن سعید؛ اوصول قصتی هذه إلى صاحب الزمان (علیه السلام)...». در این جا این روایت را نیز به طور کامل نقل می‌کنیم:

نامه حاجت، به محضر مولایمان امام زمان ارواحنا فداء

تَوَسَّلْتُ إِلَيْكَ يَا أبا الْقَاسِمِ مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ

ای ابو القاسم؛ ای محمد بن حسن بن فرزند علی بن فرزند محمد بن فرزند علی بن فرزند موسی بن فرزند جعفر بن فرزند

مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ، النَّبِيِّ الْعَظِيمِ وَالصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ، وَعِضْمَةِ

محمد بن فرزند علی بن فرزند حسین بن فرزند علی بن ابی طالب؛ که خیر بزرگ، و راه راست، و پناه

اللَّاجِينَ، بِأُمَّكَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَبِأُمَّهَاتِكَ الطَّاهِرَاتِ، وَحَقِيقَةِ الْإِيمَانِ،

پناهجویان است؛ به واسطه مادرت فاطمه زهرا - که سرور و خانم زنان جهانیان است - و به واسطه پدران پاکت، و اصل و حقیقت ایمان و باور،

وَتُورِ النُّورِ، وَكِتَابٍ مَسْطُورٍ أَنْ تَكُونَ سَفِيرِي إِلَى اللَّهِ فِي الْحَاجَةِ.

و روشنی بخش نورها، و کتاب نگاشته‌شده؛ به تو توسل می‌جویم و از تو درخواست می‌کنم که فرستاده و سفیر من به سوی خداوند در مورد خواسته و حاجتم، باشی.

در پایان، نام خود و پدرت را نیز بنویس و نامه را در خاک پاکی گل اندود کن، و آن را در چاه یا آب روان بیفکن؛ و در

این هنگام رو به قبله بایست و بگو: يَا عُثْمَانَ بْنَ سَعِيدٍ، أَوْصِلْ قِصَّتِي هَذِهِ إِلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ.

ای عثمان بن سعید؛ این نامه را که جریان خود را در آن نوشته‌ام به امام زمان (علیه السلام) برسان.

بخش پنجم

بخش پنجم



انتشاره

در این بخش کتاب به مطالبی می‌پردازیم^۱ که موجب چشم‌روشنی و آرامش قلبی خواننده محترم شود؛ نسیم‌هایی از جهان پنهان^۲ که موجب دست‌یابی شما به کلید گشایش و فرج^۳، و رسیدن به مقام روشنی بخشیدن^۴ می‌شود و توان و نیرویی به شما برای گشودن درها^۵ی بسته می‌دهد.

خداوند تعالی این منت را بر ما نهاد تا به راهنمایی شخص حقیقت‌جو^۶ بپردازیم. و روایاتی را که در مورد استخاره‌ها^۷ از سرور و سالار جهان مادیات و معنویات نقل



۱. مؤلف محترم در مقدمه این بخش نیز همچون مقدمه کتاب از فنون بلاغت یعنی بראعت استهلال استفاده نموده، و در ضمن مقدمه، اسامی کتاب‌هایی که دانشمندان اسلامی در مورد استخاره تألیف کرده‌اند؛ نام برده است. (ویراستار)
۲. کتاب «روایح الغیب فی رفع التردد و الريب»؛ تألیف: مولا عبد‌النبی بن عبدالرزاق رحمته الله.
۳. کتاب «مفتاح الفرّج فی الإستخارات»؛ تألیف: امیر محمد حسین خاتون آبادی رحمته الله.
۴. کتاب «الإنارة عن معانی الإستخارة»؛ تألیف: شیخ محمد بن فیض کاشانی رحمته الله.
۵. کتاب «فتح الأبواب بین ذوی الألباب و بین ربّ الأرباب فی الإستخارات»؛ تألیف: سید بزرگوار علی بن طاووس رحمته الله.
۶. کتاب «إرشاد المستبصرین فی الإستخارات»؛ تألیف: سید عبدالله شبّر رحمته الله.
۷. «الإستخارات»؛ نام چند کتاب است که علما و دانشمندان اسلامی آن‌ها را تألیف کرده‌اند؛ از جمله:

الف) شیخ احمد بن صالح بحرانی رحمته الله؛

ب) احمد بن عبدالسلام بحرانی رحمته الله؛

ج) شیخ ابوالحسن سلیمان ماحوزی بحرانی رحمته الله؛

د) سید علی بن محمد حسینی میبدی یزدی رحمته الله؛

ه) شیخ میرزا ابوالمعالی کلباسی رحمته الله؛

و) سید میرزا محمد حسین حسینی مرعشی معروف به شهرستانی رحمته الله.

شده برای شما بیان کنیم برای هدایت شدن خواهان^۱، و اگر شما از علاقه‌مندان هستید اینها کلیدهای غیب^۲ است که اکنون در دست شماست، آنها را گرفته و غنیمت شمارید.

البته لازمه‌اش این است که شرایط استخاره^۳ را یاد بگیری تا راه و روش استخاره گیرنده^۴ را بشناسی و از کلیدهای پنهان و چراغ وحی^۵ استفاده کنی.

از آن جا که استخاره نیز نوعی دعاست، و آداب دعا را در مقدمه همین کتاب بیان کردیم، به مقدمه کتاب مراجعه فرماید تا آگاهی شما افزایش یابد؛ جهت تأکید بر این مطلب، تذکراتی لازم است:

از مهم‌ترین چیزهایی که لازم است دعاکننده و استخاره‌کننده رعایت کند، پاک کردن دل از چیزهایی است که باعث خشم خداوند می‌شود، و نیز به دست آوردن یقین و اطمینان است؛ زیرا اساس دعا و توسل همین است، و اگر استخاره با آداب و شرایط آن انجام شود، گرفتن قبضه تسبیح به اختیار استخاره‌گیرنده نیست بلکه به اختیار خداوندی است که از او طلب خیر شده است.

بدین سان، اگر استخاره به گونه‌ای صحیح انجام شود، گرفتن قبضه تسبیح، یا انتخاب یکی از رقعها (در استخاره ذات الرقاع)، یا باز کردن یکی از صفحات قرآن؛ همگی، با خواست و اراده خداوند خواهد بود نه به اختیار و برگزیدن استخاره‌گیرنده؛ و اگر با آداب و شرایط لازم انجام نشود بی اعتبار خواهد بود.

بنابراین، استخاره‌گیرنده باید قلب خود را پاک گرداند، و یقین داشته باشد؛ تا بتواند به خدای تعالی روی آورد؛ و بدون یقین و اعتقاد، استخاره‌اش بی فایده است. سید جلیل جناب علی بن طاووس رحمته الله در مورد حالات برخی از مردم می‌نویسد:

۱. کتاب «هدایة المسترشدين في الإستشارة و الإستخارة»؛ تألیف: حسن بن محمد صالح نصیری طوسی رحمته الله.

۲. کتاب «مفاتيح الغيب في الإستخارة»؛ تألیف: علامه مجلسی رحمته الله.

۳. کتاب «الإستخارة»؛ تألیف: ابو النضر محمد بن مسعود عیاشی رحمته الله (صاحب تفسیر عیاشی).

۴. کتاب «منهاج المستخیر»؛ تألیف: حاج میرزا محمد حسین حسینی تبریزی رحمته الله.

۵. کتاب «مفتاح الغيب و مصباح الوحي»؛ تألیف: سید مهدی غریبی رحمته الله.

جهت اطلاع بیشتر از کتاب‌هایی که در مورد «استخاره» نوشته شده، به مقدمه کتاب «فتح الأبواب» رجوع شود.

برخی از مردم عوام، در دل‌شان یقین و نیروی شناخت و اطمینان به مالک روز قیامت را ندارند؛ زیرا، روان این دسته، تنها نظر مشورتی کسی را می‌پذیرد که او را با چشم مشاهده کنند و با او مأنوس بوده و بشناسند و چنین شخصی نیز باید از بین مردم باشد؛ چرا که خداوند را نمی‌توان با چشم مشاهده کرد، و نیز این افراد نمی‌توانند او را بشناسند تا با او اُنس بگیرند، و از لذت اعتماد به خداوند نیز بهره‌مند نیستند؛ از همه مهم‌تر، از بس که کوتاه‌فکرند فایده‌ای در مشورت با خداوند نمی‌بینند!

وَمَنْ يَكُ ذَا فَمٍ مَّرٍّ مَرِيضٍ يَجِدُ مَرًّا بِهَ الْمَاءِ الزَّلَالَا

کسی که دهانش (در اثر بیماری) تلخ باشد آب گوارا و زلال را نیز تلخ می‌یابد.

این افراد، از جمله کسانی هستند که مولای بزرگوار ما امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام در برخی از خطبه‌های گهربارش به بیان حال ایشان پرداخته می‌فرماید:

هَمَجٌ رِعَاعٍ، لَا يَعْباُ اللهُ بِهِمْ، أَتْبَاعُ كُلِّ نَاعِقٍ وَنَاعِقَةٍ.

مردم پست و فرومایه؛ خداوند تعالی توجهی به ایشان نمی‌کند؛ دنباله‌رو هر سر و صدایی هستند و از آن پیروی خواهند کرد.^۱

دعای استخاره

آخرین توقیعی بود که از ناحیه مقدسه صادر شد

سید بن طاووس رحمته الله علیه می‌فرماید: از دعاهای پیامبر و امامان علیهم السلام در مورد استخاره دریافتم که آن حضرات، عنایت و توجه وافر به استخاره داشته‌اند و آن را بزرگ می‌شمرده‌اند؛ تا آن جا که استخاره را از اسرار خداوند عزوجل یافتیم که در شب معراج به پیامبر صلی الله علیه و آله آموخت، و از مهم‌ترین امور است، و دریافتم که دعای استخاره آخرین مرقوم و نوشته‌ای است که از ناحیه مقدسه امام زمان ارواحنا فداه صادر شده است، و این دلیلی رسا و گویا، نزد عارفان به حساب می‌آید.^۲

۱. فتح الأبواب: ۳۰۰.

۲. فتح الأبواب: ۱۹۲.



دعای استخاره

که از امام عصر ارواحنا فداء روایت شده است

دعایی که در مورد استخاره از ناحیه مقدسه رسیده است و آخرین توقیعی می باشد که در زمان غیبت صغری صادر شده است.

محمد بن علی بن محمد در کتاب جامعش چنین می نگارد: «استخاره اسماء» که علما بدان عمل می کنند و در نماز حاجت و دیگر نمازها خوانده می شود، و ابودلف محمد بن مظفر رحمته الله آن را آخرین توقیع امام عصر ارواحنا فداء در غیبت صغری می داند، بدین شرح است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي عَزَمْتَ بِهِ عَلَى السَّمَاوَاتِ

بارالها! از تو درخواست می کنم به آن نامت که با آن اراده کردی نسبت به آسمانها

وَالْأَرْضِ، فَقُلْتَ لَهُمَا ﴿إِتِيَا طَوْعاً أَوْ كَرْهاً قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ﴾^۱

و زمین، پس به آن دو فرمودی: «از در اطاعت یا از روی نافرستندی، بیایید؛ آن دو گفتند: از سر اطاعت در خواهیم آمد»

وَبِاسْمِكَ الَّذِي عَزَمْتَ بِهِ عَلَى عَصَا مُوسَى، ﴿فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ

و به آن نامت که نسبت به عصای موسی اراده کردی، پس، ناگهان آن چه را که افکنده بودند

مَا يَأْفِكُونَ﴾^۲. وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي صَرَفْتَ بِهِ قُلُوبَ السَّحَرَةِ

بلعیده. و از تو درخواست می کنم به آن نامت که با آن، دل های جادوگران را

إِلَيْكَ، حَتَّى ﴿قَالُوا آمَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ * رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ﴾^۳

به سوی خویش برگرداندی تا آن که گفتند: به پروردگار جهان؛ پروردگار موسی و برادرش - هارون؛ ایمان آوردیم»

۱. سوره فصلت، آیه ۱۱. ۲. سوره اعراف، آیه ۱۱۷.

۳. سوره اعراف، آیه ۱۲۱ و ۱۲۲.

أَنْتَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ، وَأَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي تُبْلِي بِهَا كُلَّ

پروردگار جهانیان، تویی ای خداوند؛ و از تو درخواست می‌کنم به آن نیرویی که هر تازه‌ای را با آن کهنه می‌کنی.

جَدِيدٍ، وَتُجَدِّدُ بِهَا كُلَّ بَالٍ. وَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ كُلِّ حَقٍّ هُوَ لَكَ،

و چیزهای قدیمی و کهنه را با آن نو می‌سازی. و از تو درخواست می‌کنم به حق تمام حقوقی که برای تو است

وَبِكُلِّ حَقٍّ جَعَلْتَهُ عَلَيْكَ، إِنْ كَانَ هَذَا الْأَمْرُ خَيْرًا لِي فِي دِينِي

و به واسطه هر حقی که بر عهده خود قرار دادی، که اگر کاری که در نظرم است برایم خیر و خوبی،

وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتُسَلِّمَ

از نظر دین و دنیا و آخرت دارد، بر محمد و آل محمد درود بفرستی، و سلامی شایسته

عَلَيْهِمْ تَسْلِيمًا، وَتُهَيِّئْ لِي، وَتُسَهِّلْ عَلَيَّ، وَتُلَطِّفْ لِي فِيهِ

بر ایشان نثار کنی؛ و کار مورد نظرم را برای من آماده و راحت و آسان گردانی، و در مورد این کار به من لطف کنی و آن را نرم و هموار گردانی.

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. وَإِنْ كَانَ شَرًّا لِي فِي دِينِي وَدُنْيَايَ

به واسطه رحمت، ای مهربان‌ترین مهربانان؛ از سویی، اگر بدی و ناهنجاری دینی، دنیایی

وَآخِرَتِي، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتُسَلِّمَ عَلَيْهِمْ

و آخرتی برایم دارد نیز بر محمد و آل محمد درود و سلامت را نثار کنی.

تَسْلِيمًا، وَأَنْ تَصْرِفَهُ عَنِّي بِمَا شِئْتَ، وَكَيْفَ شِئْتَ، (وَحَيْثُ

و هر گونه که می‌خواهی و به هر وسیله که می‌خواهی (و هر مکان و زمان که می‌خواهی) آن را از من دور کنی،

شِئْتَ)، وَتَرْضِيَنِي بِقَضَائِكَ، وَتُبَارِكَ لِي فِي قَدْرِكَ، حَتَّى لَا

و مرا به حکم و فرمانت و آنچه انجام می‌دهی خشنود و راضی گردانی و در تقدیرت برایم برکت قرار دهی؛ به گونه‌ای که

أَحِبُّ تَعْجِيلَ شَيْءٍ آخِرَتَهُ، وَلَا تَأْخِيرَ شَيْءٍ عَجَلْتَهُ، فَإِنَّهُ لَا حَوْلَ

شتاب در آن چه به تأخیر افکندی، و تأخیر در آن چه زود قرار دادی را نخواهم و دوست نداشته باشم. زیرا هیچ نیرو

وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ، يَا عَلِيُّ يَا عَظِيمُ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ.

و جنبشی جز از ناحیه تو نیست؛ ای بلند مرتبه؛ ای بزرگ؛ ای صاحب بزرگی و بزرگواری.

نکته حایز اهمیت!

سید بن طاووس حسنی رحمته الله علیه می فرماید: شاید این گونه به ذهن برخی خطور کند که مولای ما حضرت مهدی ارواحنا فداء مقارن رسیدن زمان غیبت و پنهان شدن طولانی شان، این (دعای استخاره) را یاد داده‌اند تا شیعیان آگاه، به جای ملاقات و مشورت حضوری با آن حضرت، بتوانند از آن راه با خدای تعالی مشورت کنند و بدین وسیله نیز ارزش فراوان مشورت با خداوند جل جلاله و طلب خیر و خوبی از او را به دوستان خود یادآور شده‌اند.

نکته مهمی در این جا هست که من مدرکی نیافتم تا ثابت کند این دعا را کسی از امام صلوات الله علیه درخواست کرده باشد، بلکه از ناحیه خود حضرت و بدون درخواست دیگری صادر شده است و آخرین یادگاری که (به عنوان هدیه) عنایت فرموده‌اند، همین دعاست؛ و آگاهان و متدینان، این را به خوبی درمی‌یابند.^۱



دعا برای ظهور آن حضرت عجل الله تعالی فرجه

در دعای استخاره با قرآن

سید بن طاووس رحمته الله علیه در کتاب «فتح الأبواب» می‌نگارد: بدر بن یعقوب مقرئ اعجمی رحمته الله علیه در کاظمین، سه روایت در مورد تفأل - و استخاره - با قرآن (بدون نمازگزاردن برای آن)^۲ برایم گفت.

روایت اول:

قرآن را برمی‌داری و این دعا را می‌خوانی:

۱. فتح الأبواب: ۲۰۶.

۲. در برخی روایات آمده است که پیش از استخاره، نماز جعفر طیار رحمته الله علیه خوانده شود.

اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ مِنْ قَضَائِكَ وَقَدْرِكَ أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ أُمَّةً نَبِيِّكَ

بارالها! اگر از جمله قضا و قدر تو آن است که با ظهور ولی خودت

بِظُهُورِ وَلِيِّكَ وَابْنِ بِنْتِ نَبِيِّكَ، فَعَجِّلْ ذَلِكَ، وَسَهِّلْهُ وَيَسِّرْهُ

و فرزند دختر پیغمبرت صلی الله علیه و آله، بر امت پیامبرت منت بگذاری؛ پس در این کار بشتاب، و آن را سهل و آسان

وَكَمِّلْهُ، وَأَخْرِجْ لِي آيَةً أَسْتَدِلُّ بِهَا عَلَى أَمْرٍ فَأَتَمِّرُ، أَوْ نَهِي

و کامل گردان، و برای من آیه و نشانه‌ای بیاور که اگر در چیزی که مورد نظرم است امر می‌کنی آن را انجام دهم، و اگر نهی می‌کنی

فَأَنْتَهِي (أَوْ مَا تُرِيدُ الْفَعَالَ فِيهِ) فِي عَافِيَةٍ.

آن را انجام ندهم (یا در آنچه که تفأل می‌زنم) و در عافیت و سلامتی این کار انجام شود.

آن گاه هفت ورق از قرآن را می‌شماری؛ سپس، در طرف دوم ورق هفتم نیز شش سطر را می‌شماری و از سطر هفتم مطلب مورد نظر خود را در می‌آوری.

روایت دوم:

پس از قرائت دعای یاد شده، قرآن را گشوده و هفت ورق را بشمارد و در طرف دوم از ورق هفتم و نیز در طرف اول از ورق هشتم، هر چه اسم خداوند جل جلاله تکرار شده است را شمرده، آن گاه به تعداد آن، ورق‌های قرآن را بشمارد. سپس از طرف دوم آخرین ورقی که در پیش روی قرار دارد شروع به شمردن سطور به اندازه اسم‌هایی که قبل از این شمرده بود، کند و از آخرین سطر، مطلب (و تفأل) خود را در بیاورد.

روایت سوم:

پس از دعای یاد شده، هشت ورق را شمرده، آن گاه در صفحه اول از ورق هشتم، یازده سطر را شمرده و فال و خواسته مورد نظر را در همان سطر یازدهم جستجو کند.

این (سه روایت) را در مورد تفأل به قرآن همان گونه که شنیده بودیم نقل کردیم.^۱



استخاره با رقعہ

کہ از حضرت بقیۃ اللہ عجل اللہ تعالیٰ فرجہ روایت شدہ است

این استخاره از حضرت حجّت علیہ السلام روایت شدہ است:

در دو کاغذ می نویسی: «خَيْرَةٌ مِنْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِفُلَانِ بْنِ فُلَانَةٍ» «خیرخواهی از خدا و رسولش برای فلان شخص (نام شخص) فرزند فلان زن (نام مادرش)؛ و در یکی از کاغذها می نویسی: «إِفْعَلْ»؛ «انجام بده»، و در دیگری می نویسی «لَا تَفْعَلْ»؛ «انجام مده». دو کاغذ را پس از آماده شدن در قالب گلی قرار می دهی و در ظرف آبی می اندازی. سپس وضو ساخته نماز می گزاری و پس از آن، این دعا را می خوانی:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ خِيَارَ مَنْ فَوَّضَ إِلَيْكَ أَمْرَهُ، وَأَسْلَمَ إِلَيْكَ

بارالها! در واقع، من از تو طلب خیر می کنم مانند کسانی که کارشان را به تو واگذار کرده اند و خویشان را تسلیم تو داشته اند،

نَفْسَهُ، وَتَوَكَّلَ عَلَيْكَ فِي أَمْرِهِ، وَاسْتَسْلَمَ بِكَ فِيمَا نَزَلَ بِهِ مِنْ

و در کارشان بر تو توکل کرده اند، و در هرچه به ایشان رسیده است تسلیم بوده اند.

أَمْرِهِ. اللَّهُمَّ خِرْ لِي وَلَا تَخِرْ عَلَيَّ، وَأَعِنِّي وَلَا تَعِنْ عَلَيَّ، وَمَكِّنِي

بارالها! برایم نیک بخواه و بد مخواه؛ کمک کن و دیگران را علیه من کمک مکن؛ مرا توانایی بده

وَلَا تُمَكِّنْ مِنِّي، وَاهْدِنِي لِلْخَيْرِ وَلَا تُضِلَّنِي، وَأَرْضِنِي بِقَضَائِكَ،

و کسی را بر من مسلط مکن؛ مرا به خوبی و نیکی راهنمایی کن و مگذار گمراه شوم؛ به قضایت راضی و خشنودم کن

وَبَارِكْ لِي فِي قَدْرِكَ، إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ، وَتُعْطِي مَا تُرِيدُ.

و در تقدیرت برایم برکت و مبارکی قرار بده؛ به راستی تو هر چه را اراده کنی انجام می دهی و هر چه را بخواهی عطا می فرمایی.

اللَّهُمَّ إِنْ كَانَتْ الْخَيْرَةُ لِي فِي أَمْرِي هَذَا وَهُوَ كَذَا وَكَذَا، فَمَكِّنِي

بارالها! اگر خیر و خوبی در کار مورد نظر من هست؛ پس، آن را در اختیار من قرار بده و توان

مِنْهُ، وَأَقْدِرْ لِي عَلَيْهِ، وَأْمُرْنِي بِفِعْلِهِ، وَأَوْضِحْ لِي طَرِيقَ الْهُدَايَةِ

و نیروی انجام آن را بر من ارزانی بدار، و دستور انجامش را به من بده، و راه هدایت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



إِلَيْهِ، وَإِنْ كَانَ اللَّهُمَّ غَيْرَ ذَلِكَ فَاصْرِفْهُ عَنِّي إِلَى الَّذِي هُوَ خَيْرٌ

به سوی آن را برایم روشن فرما. بارالها! اگر جز این است، آن را از من دور کن و تبدیل به چیزی کن که برایم بهتر است!

لِي مِنْهُ، فَإِنَّكَ تَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ وَتَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ، وَأَنْتَ عَلَّامٌ

زیرا تو توانایی داری نه من؛ و تو می‌دانی، نه من؛ و تو به طور کامل از

الْغُيُوبِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

پنهانی‌ها خیر داری؛ ای مهربان‌ترین مهربانان!

سپس به سجده رفته و صد مرتبه در حالت سجده می‌گویی: «أَسْتَخِيرُ اللَّهَ خَيْرَةً فِي عَاقِبَتِهِ»؛ «از خداوند، خیر و نیکی با عاقبت درخواست می‌کنم». سپس سرت را از سجده برداشته و منتظر می‌شوی تا یکی از آن‌ها از قالب گِل خارج شود. هر یک از آن‌ها زودتر خارج شد به آن عمل کن.^۱

انواع استخاره با تسبیح

که از حضرت بقیة الله ارواحنا فداء روایت شده است



استخاره اول

علامة حلّى در کتاب «مصباح» می‌فرماید: این استخاره از صاحب الامر ارواحنا فداء روایت شده است؛ بدین شکل: ده مرتبه یا سه مرتبه یا یک مرتبه سوره «حمد» بخواند، و پس از آن ده مرتبه سوره «قدر» بخواند، و پس از آن سه مرتبه این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ لِعِلْمِكَ بِعَاقِبَةِ الْأُمُورِ، وَأَسْتَشِيرُكَ لِحُسْنِ

بارالها! به راستی من از تو طلب خیر می‌کنم؛ چرا که تو پایان تمام کارها را می‌دانی. نیز با تو مشورت می‌کنم؛ زیرا، به تو خوش‌گمان

ظَنِّي بِكَ فِي الْمَأْمُولِ وَالْمَخْذُورِ. اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ الْأَمْرُ الْفُلَانِي وَ

هستم و خوش‌گمانی‌ام در مورد همه چیزهایی است که آرزویش را دارم که انجام شود یا از وقوع آن ترسانم. بارالها! اگر کاری که در نظر دارم

کار خود را نام می برد بِمَا قَدْ نَيْطَتْ بِالْبَرَكَاتِ أَعْجَازُهُ وَبَوَادِيهِ، وَحَفَّتْ

انتها و ابتدای آن به برکت پیوند خورده و در

بِالْكَرَامَةِ أَيَّامُهُ وَلِيَالِيهِ، فَخِرَ لِيِ اللَّهُمَّ فِيهِ خَيْرَةٌ تَرُدُّ شُمُوسَهُ

تمامی روزها و شبهایش کرامت او را دربرگرفته است؛ پس، به گونه‌ای برایم انتخاب کن که چموشی آن از بین رفته

ذُلُولًا، وَتَقْعُضُ أَيَّامَهُ سُرُورًا. اللَّهُمَّ إِمَّا أَمْرٌ فَأَتَمِرْ، وَإِمَّا نَهْيٌ

و رام گردد، و دارای ایامی خوش و روشن باشد. خدایا؛ اگر دستور می‌دهی تا انجام دهم؛ و اگر می‌گویی: نه، تا

فَأَتَمِّي. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِرَحْمَتِكَ خَيْرَةً فِي عَافِيَةٍ.

اجتناب کنم. خدای من؛ به راستی که من به واسطه رحمت و مهربانی‌ات از تو طلب خیر می‌کنم، خیری که با عافیت همراه باشد.

پس از خواندن دعا، مقداری از تسبیح را - در حالی که خواسته‌اش را نیز در نظر آورده است - می‌گیرد و می‌شمرد. پس از شمردن دانه‌هایی که در آن مقدار از تسبیح قرار دارند؛ اگر تعدادشان عدد فرد بود، کار را انجام بدهد، و اگر عدد زوج بود، انجام ندهد.^۱



استخاره دوم

علامه مجلسی اعلی الله مقامه در کتاب «بحار الأنوار» می‌فرماید: از پدرم شنیدم که این روایت را از شیخ بهایی نورالله ضریحه روایت کرده است که گفت: با اساتیدم گفت و گویی داشتم که ایشان فرمودند: از امام قائم ارواحنا فداه در مورد استخاره با تسبیح نقل است که فرمود:

تسبیح را برداشته و پس از سه مرتبه صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد علیهم السلام قطعه‌ای از تسبیح را گرفته و دو تا دو تا دانه‌های آن را می‌شمرد و در نهایت، اگر یک دانه باقی ماند یعنی کار مورد نظر را انجام بده؛ و اگر دو دانه باقی ماند، یعنی انجام مده.^۲

۱. البلد الامین: ۲۳۱، المصباح: ۵۱۵، و مانند آن در الصحیفة الصادقیة: ۴۲۰ وارد شده است.

۲. بحار الأنوار: ۲۵۰/۹۱.



استخاره سوم

در کتاب «المختار من کلمات الإمام المهدي (عجل الله فرجه)» آمده است: در مورد استخاره با تسبیح، استخاره‌ای را اجازه داریم که از حضرت مهدی ارواحنا فداء روایت شده است، یکی از علما نیز در مورد انجام این استخاره به من اجازه داده‌اند تا هم خودم انجام بدهم و هم بتوانم به دیگران اجازه انجام آن را بدهم؛ لذا، با توجه به اجازه‌ای که از ایشان دارم، ضمن بیان چگونگی این استخاره، اجازه آن را به همگان می‌دهم تا به این کیفیت استخاره کنند:

ابتدا بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ گفته؛ سپس سه مرتبه صلوات فرستاده سپس دعای مختصری بخواند مثل اینکه بگوید: «يَا مَنْ يَعْلَمُ إِهْدِنَا مَنْ لَا يَعْلَمُ»؛ «ای کسی که می‌داند؛ کسی را که نمی‌داند راهنمایی کن»، یا بگوید: «يَا رَبِّ خِرْلِي مَا هُوَ الصَّالِحُ»؛ «پروردگارا؛ آنچه شایسته و صلاح من است برایم انتخاب کن» یا دعاهایی از این قبیل. پس از این دعای کوتاه، قسمتی از تسبیح را به دست گرفته و بشمرد؛ اگر فرد بود انجام دهد و اگر زوج بود ترک کند.^۱



استخاره چهارم

در برخی از کتاب‌های کهن دیدم که این استخاره را نیز به امام عصر ارواحنا فداء نسبت داده است: ابتدا سوره حمد را تا «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» قرائت کرده، و پس از آن سه مرتبه صلوات فرستاده و پس از آن نیز سه مرتبه بگو: «يَا مَنْ يَعْلَمُ إِهْدِنَا مَنْ لَا يَعْلَمُ»، سپس، قبضه‌ای از تسبیح را با دست گرفته و دانه‌های آن را شمرده اگر عدد فرد بود یعنی خوب است و آن را انجام بده و اگر زوج بود آن را انجام مده.

اگر می‌خواهی بدانی کار مورد نظرت که برای آن استخاره می‌کنی بسیار بسیار

۱. المختار من کلمات الإمام المهدي (عجل الله فرجه) : ۵۳۹/۲.

خوب است یا خیر؛ پس از این استخاره، استخاره‌ای دیگر به نیت ترک کار مورد نظرت بگیر. در نتیجه اگر اصل کار خوب بود و در استخاره دوم که برای ترک انجام آن بود، زوج آمد که بد است؛ بنابراین، کار مورد نظر در نهایت خیر و نیکی خواهد بود. و اگر در ترک آن فرد آمد که خوب است، معلوم می‌شود که انجام دادن یا انجام ندادن کار مورد نظر فرقی ندارند. از سویی، اگر استخاره برای اصل کار بد بود و برای ترک کار خوب بود نیز، باید آن کار را ترک کرده و به طور جدی از انجام آن صرف نظر کنی؛ ولی اگر فعل و ترک، هر دو بد بود از انجام آن کار نهی شده ولی نه مثل استخاره قبل.



استخاره پنجم

فقیه بزرگوار، صاحب کتاب «جواهر الکلام» در آن کتاب می‌فرماید: استخاره دیگری هست که برخی از علمای زمان ما از آن استفاده می‌کنند، و گویا به امام عصر ارواحنا فداء نسبت داده می‌شود؛ و کیفیت آن چنین است:

پس از این که آیه و دعا خواند، قبضه‌ای از تسبیح را می‌گیرد و هشت دانه هشت دانه می‌شمرد؛ اگر یک دانه باقی بماند، یعنی کمی خوب است؛ اگر دو تا بماند، یعنی در انجام آن کار یک نهی وجود دارد؛ اگر سه دانه تسبیح باقی بماند، یعنی صاحب استخاره خودش صاحب اختیار است، چرا که انجام آن کار و انجام ندادن آن مساوی است یعنی میانه است؛ اگر چهار دانه تسبیح باقی بماند به معنای وجود دو نهی و بدی در آن کار است؛ اگر پنج تا باقی بماند نزد بعضی به معنای این است که در آن کار سختی وجود دارد و برخی نیز به وجود سرزنش در آن کار معتقدند؛ اگر شش دانه باقی بماند به معنای نیکی و خیر کامل در آن کار است به گونه‌ای که باید در انجامش شتاب کرد؛ اگر هفت دانه از تسبیح باقی بماند همانند آن است که پنج دانه باقی مانده باشد که در آن دو رأی یا دو روایت وجود دارد؛ و اگر هشت دانه باقی بماند کار مورد نظر در نهایت بدی است و چهار نهی در آن وجود دارد.^۱

۱. الباقیات الصالحات حاشیه کتاب مفاتیح الجنان: ۴۱۱.

بخش دهم

بخش دهم



دعایابی که حضرت یقیناً اللہ ارواحنا فداہ
از پدران بزرگوار خود نقل فرموده اند



دعای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در سختی‌ها به نقل از حضرت بقیة الله ارواحنا فداء

دعایی با اجابت فوری از ناحیه خداوند تعالی که حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام خواندن آن را در مورد سختی‌ها و هنگامه حادثه‌های خطرناک، سفارش فرموده‌اند. جناب سید بن طاووس رحمه الله این دعا را بدون اشاره به نام راوی آن نقل کرده است؛ لکن علامه مجلسی رحمه الله گفته است: سند دیگری برای این دعا دارم که بسیار عالی است؛ گرچه خالی از غرابت نیست.

من این دعا را از پدرم نقل می‌کنم و ایشان توسط یکی از صالحان - بدون واسطه - از حضرت مهدی ارواحنا فداء نقل کرده است.^۱

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ الَّذِي لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ وَاَنَا عَبْدُكَ، ظَلَمْتُ

بارالها؛ تو فرمانروایی راستین هستی که جز تو معبودی نیست، و من نیز بنده تو هستم؛ بر خود ستم کردم،

نَفْسِي وَاعْتَرَفْتُ بِذَنْبِي، فَاغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا

و به گناهم اعتراف دارم؛ پس، گناهان مرا ببخش؛ جز تو خدایی نیست، ای

غَفُورٌ. اَللّٰهُمَّ اِنِّى اَحْمَدُكَ وَاَنْتَ لِلْحَمْدِ اَهْلٌ، عَلٰى مَا خَصَصْتَنِى

آمرزند؛ بارالها؛ تو را می‌ستایم در حالی که می‌دانم تو سزاوار ستودن هستی؛ چرا که هر چه میل آن را داشته‌ام

بِهِ مِنْ مَوَاهِبِ الرَّغَائِبِ، وَوَصَلَ اِلَيَّ مِنْ فَضَائِلِ الصَّنَائِعِ،

بر من ارزانی داشته‌ای، و نیکی‌ها و احسان فراوانی که به من رساندی،

وَ عَلٰى مَا اَوْلَيْتَنِى بِهِ، وَتَوَلَّيْتَنِى بِهِ مِنْ رِضْوَانِكَ، وَاَنْلَيْتَنِى مِنْ

و بر آنچه به من لطف نمودی، و از رضوان خود به من واگذار نمودی، و مرا

مِنْكَ الْوَاصِلِ اِلَيَّ، وَمِنَ الدَّفْعِ عَنِّي، وَالتَّوْفِيقِ لِي، وَالْاِجَابَةِ

از منت خویش برخوردار گردانیدی؛ و همیشه از من دفع فرمودی و توفیق دادی، و دعایم را اجابت فرمودی؛

لِدُعَائِي، حَتَّى اُنَاجِكَ رَاغِبًا، وَاَدْعُوكَ مُصَافِيًا، وَحَتَّى اَرْجُوكَ

تا آن که با شوق و رغبت به مناجات بپردازم و با صفای باطن تو را بخوانم؛ نیز، به گونه‌ای رفتار کرده‌ای که به تو امید ببندم،

فَاَجِدُكَ فِي الْمَوَاطِنِ كُلِّهَا لِي جَابِرًا، وَفِي اُمُورِي نَاطِرًا،

و در همه جا تو را نسبت به خود مهربان، و در کارهایم ناظر،

وَلِلذُّنُوبِي غَافِرًا، وَلِغُورَاتِي سَاتِرًا، لَمْ اَعْدِمْ خَيْرَكَ طَرْفَةَ عَيْنٍ

و برای گناهانم آمرزنده، و نسبت به عیب‌ها و زشتی‌هایم پرده‌پوش بیاوم. به اندازه یک چشم برهم‌زدن نیز، از زمانی که در دنیا که محل آزمایشات است

مُدَّ اَنْزَلْتَنِى دَارَ الْاِحْتِبَارِ، لِتَنْظُرَ مَاذَا اَقْدَمُ لِدَارِ الْقَرَارِ. فَاَنَا

مرا منزل دادی - نیکی‌های تو از من دریغ نشده است تا این که بنگری برای سرای آخرت که محل همیشگی و زندگی جاودان من است، چه پیش خواهم

عَتَيْكَ اَللّٰهُمَّ مِنْ جَمِيعِ الْمَصَآئِبِ وَاللِّوَاذِبِ، وَالْغُمُومِ الَّتِي

فرستاد؟ بدین سان - خدایا؛ - من یکی از آزادشدگان تو هستم در مورد تمام مصیبت‌ها و بدبختی‌ها، و غصه‌هایی که

سَاوَرْتَنِى فِيهَا الْهُمُومُ، بِمَعَارِضِ الْقَضَاءِ، وَمَصْرُوفِ جُهْدِ

در آن نازامی‌ها و اندوه‌ها بر من هجوم آورده است؛ در مورد پیش‌آمدهای (بد) قضا و نیز رخ دادن سختی‌های

الْبَلَاءِ، لَا اَذْكُرُ مِنْكَ اِلَّا الْجَمِيلَ، وَلَا اَرٰى مِنْكَ غَيْرَ التَّفْضِيلِ.

بلا؛ همیشه، تنها از تو زیبایی و رفتار نیک سراغ داشته و جز فضل و رفتار بزرگوارانه از تو ندیده‌ام.

خَيْرُكَ لِي شَامِلٌ، وَفَضْلُكَ عَلَيَّ مُتَوَاتِرٌ، وَنِعْمُكَ عِنْدِي مُتَّصِلَةٌ،

نیکی و خیرت مرا در بر گرفته، و فضل و احسانت یکی پس از دیگری به من رسیده، و نعمت‌هایت پیوسته و بدون لحظه‌ای درنگ در اختیار من قرار

سَوَابِغٌ لَمْ تُحَقِّقْ حِذَارِي، بَلْ صَدَّقْتَ رَجَائِي، وَصَاحَبْتَ

گرفته است. نعمت فراوانی که محقق نساختی بر حذر شدنم (ناامیدیم) را، بلکه امیدم را صادق قرار دادی؛ و در سفرها همراهی‌ام

أَسْفَارِي، وَأَكْرَمْتَ أَحْضَارِي، وَشَفَيْتَ أَمْرَاضِي، وَعَافَيْتَ

کرده‌ای، و در زمان حضور در وطنم نیز مرا بزرگ داشتی، بیماری‌هایم را شفا بخشیدی و درد و

أَوْضَابِي، وَأَحْسَنْتَ مُنْقَلَبِي وَمَثْوَايَ، وَلَمْ تُشْمِتْ بِي أَعْدَائِي،

الم مرا عافیت بخشیدی و نیکو گرداندی حال حرکتم را و آرام گرفتتم را، و مرا مورد شماتت و سرزنش دشمنانم قرار ندادی؛

وَرَمَيْتَ مَنْ رَمَانِي، وَكَفَيْتَنِي شَرَّ مَنْ عَادَانِي. اَللّٰهُمَّ كَمْ مِنْ

هرکس مرا هدف گرفت تو نیز او را هدف تیر انتقام خود قرار دادی، و در نهایت از شرّ ویدی تمام کسانی که با من دشمنی کردند مرا کفایت کردی.

عَدُوٍّ انْتَضَى عَلَيَّ سَيْفَ عَدَاوَتِهِ، وَشَحَذَ لِقَتْلِي ظُبَّةَ مُدْيَتِهِ،

بارالها! چه بسیار دشمنانی داشتم که شمشیر کینه و دشمنی‌اش را بر روی من کشید، و نوک نیزه‌اش را برای کشتن من تیز کرد،

وَأَرْهَفَ لِي شِبَا حَدِّهِ، وَدَافَ لِي قَوَاتِلَ سُومِيهِ، وَسَدَّدَ لِي

و تیزی لبه شمشیرش را برای من آماده کرد، و کشنده‌ترین زهرهایش را برایم مهیا ساخته، و

صَوَائِبَ سِهَامِيهِ، وَأَضْمَرَ أَنْ يَسُومَنِي الْمَكْرُوهَ، وَيُجَرِّعَنِي

تیرهای دقیقش را بر من نشانه گرفت، و در دل نهان داشته بود که مرا گرفتار ناخوشی‌ها و ناملایمات کند، و تلخی‌ها را جرعه جرعه

ذُعَافَ مَرَارَتِهِ، فَنَظَرْتُ يَا إِلَهِي إِلَى ضَعْفِي عَنِ احْتِمَالِ

به کام من کند؛ لیکن، ای خدای من؛ به ناتوانی و ضعف من در برابر تحمل

الْفَوَادِحِ، وَعَجْزِي عَنِ الْإِنْتِصَارِ مِمَّنْ قَصَدَنِي بِمُحَارَبَتِهِ،

مشکلات، و عجز و بیچارگی‌ام و عدم توانم برای پیروزی در برابر کسی که به قصد جنگ با من آمد،

وَوَحَدَتِي فِي كَثِيرٍ مِنْ نَاوَانِي، وَأَرُصِدَ لِي فِيمَا لَمْ أَعْمَلْ

و تنهایی‌ام در میان آن همه دشمن قسم خورده که در خیال ستیز با من بودند، و چنان در کمین من بودند که حتی فکر نمی‌کردم

فِكْرِي فِي الْإِنْتِصَارِ مِنْ مِثْلِهِ. فَأَيَّدْتَنِي يَا رَبِّ بِعَوْنِكَ،

بتوانم در مقابل‌شان در چنان مواردی پیروز و کامیاب شوم؛ نگرستی، و با کمک خودت مرا تأیید و کمک کردی،

وَشَدَّدَتْ أَيْدِي بِنَصْرِكَ، ثُمَّ فَلَلْت لِي حَدَّهُ، وَصَيَّرْتَهُ بَعْدَ جَمْعٍ

و با یاریت دستانم را نیرومند ساختی؛ آن گاه، تیزی (لبه شمشیرها و) سختی‌ها را به نفع من کند کردی، و پس از آن همه توانایی و یارانی که

عَدِيدِهِ وَحَدَّهُ، وَأَعْلَيْتَ كَعْبِي عَلَيْهِ، وَرَدَدْتَهُ حَسِيراً لَمْ تَشْفِ

دشمنم گرد آورده بود او را تنها گردانیدی، و در نهایت نیز مرا بر او برتری دادی و سلاحم را بر او توان بخشیدی، تا آن که با اندوه و حسرت او را

غَلِيلَهُ، وَلَمْ تُبْرِدْ حَزَازَاتِ غَيْظِهِ، وَقَدْ غَضَّ عَلَيَّ شَوَاهُ، وَأَبِ

برگرداندی به گونه‌ای که کینه درونی‌اش برطرف نشد و خشم افروخته‌اش نسبت به من سرد نگردد؛ با این که بر من چنگ

مَوْلِيَاً قَدْ أَخْلَفْتَ سَرَايَاهُ، وَأَخْلَفْتَ أَمَالَهُ. اللَّهُمَّ وَكَمْ مِنْ بَاغٍ

انداخته بود، ولی در حالی که تو خواب و خیال‌هایش را بر باد دادی، بازگشت. بارالها؛ چه دشمنان و ستمگرانی

بَغِيٍّ عَلَيَّ بِمَكَائِدِهِ، وَنَصَبَ لِي شَرِكَ مَضَائِدِهِ، وَضَبَّ أَيْلِيَّ

که با نیرنگ‌های خود بر من جفا کرده، و دام‌های خود را برایم گسترده، همانند درنده‌ای که برای طعمه و شکار خود کمین می‌کند

ضُبُوءَ السَّبْعِ لِطَرِيدَتِهِ، وَأَنْتَهَزَ فُرْصَتَهُ، وَاللَّحَاقَ لِفَرِيَسَتِهِ،

برای من کمین کرده و فرصت به دست آورده را استفاده کرده و به تندی و شتاب بر شکار خود می‌جهد،

وَهُوَ مُظَهَّرٌ بِشَاشَةِ الْمَلَقِ، وَيَبْسُطُ إِلَيَّ وَجْهًا طَلِقًا. فَلَمَّا رَأَيْتَ

در حالی که خوشرونی منافقانه از خودش آشکار می‌کند و با چهره‌ای باز نه درهم کشیده برخورد می‌کند؛ لیکن، ای

يَا إِلَهِي دَغَلَ سَرِيرَتِهِ، وَقُبِحَ طَوِيَّتِهِ، أَنْكَسْتَهُ لِأُمِّ رَأْسِهِ فِي

خدای من؛ وقتی دیدی چه نیرنگی برایم در سینه دارد، و چه نیت زشتی در سر دارد، او را در دام خودشی

رُؤْيِيَّتِهِ، وَأَرْكَسْتَهُ فِي مَهْوِي حَفِيرَتِهِ، وَأَنْكَصْتَهُ عَلَى عَقْبِيَّتِهِ،

سرنگون ساختی، و او را در گودالی که برای من کنده بود افکندی و وادار به عقب‌نشینی کردی،

وَرَمَيْتَهُ بِحَجَرِهِ، وَنَكَأْتَهُ بِمِشْقَصِهِ، وَخَنَقْتَهُ بِوَتْرِهِ، وَرَدَدْتِ

و با سنگی که داشت بر خودش زدی، و با تیر خودش او را مجروح کردی، و با زه کمانش او را خفه ساختی، و

كَيْدَهُ فِي نَحْرِهِ، وَرَبَقْتَهُ بِنَدَامَتِهِ فَاسْتَخَذَلَ وَتَضَاءَلَ بَعْدَ نِخْوَتِهِ،

نیرنگش را به حلقوم خودش برگرداندی، و آن متکبر را به پشیمانی تمام گریبان‌گیر نمودی و پس از آن همه ادعای چیرگی و غرور و تکبر او را

وَبَخَعَ وَانْقَمَعَ بَعْدَ اسْتِطَالَتِهِ، ذَلِيلًا مَأْسُورًا فِي حَبَائِلِهِ الَّتِي كَانَ

سرافکنده نمودی، و بعد از سرکشی ذلیل و مغلوب کردی، در حالی که با ذلت و خواری در دام‌هایی که می‌خواست

ببخشیدم

ببخشیدم



۴۸۶

يُحِبُّ أَنْ يَرَانِي فِيهَا، وَقَدْ كِدْتُ لَوْلَا رَحْمَتِكَ أَنْ يَحِلَّ بِي مَا

مرا در آن ببیند گرفتارش کردی؛ این همه در شرایطی بود که اگر رحمت شامل من نمی شد زود بود که بر من وارد شود آنچه نسبت به

حَلِّ بِسَاحَتِهِ، فَالْحَمْدُ لِرَبِّ مُقْتَدِرٍ لَا يُنَازَعُ، وَلِوَلِيِّ ذِي أَنَاةٍ

او وارد شده است؛ بنابراین، حمد و ستایش را مخصوص پروردگاری می دانم که دارای قدرتی لا یتنازع و بی رقیب است، سرپرستی که مهلت دهنده

لَا يَعْجَلُ، وَقَيُّومٍ لَا يَغْفُلُ، وَحَلِيمٍ لَا يَجْهَلُ. نَادَيْتُكَ يَا إِلَهِي

است و شتاب نمی کند؛ پایداری که غفلت نمی کند؛ و بردباری که از هیچ چیز بی اطلاع نیست. ای خدای من؛

مُسْتَجِيراً بِكَ، وَاثِقاً بِسُرْعَةِ إِجَابَتِكَ، مُتَوَكِّلاً عَلَى مَا لَمْ أَزَلْ

در حالی تو را ندا در می دهم که پناهنده ات هستم؛ به اجابت و پاسخ دادن سرعت اطمینان دارم؛ با اعتماد بر آنچه از دیر باز

أَعْرِفُهُ مِنْ حُسْنِ دِفَاعِكَ عَنِّي، عَالِماً أَنَّهُ لَنْ يُضْطَهَدَ مَنْ أَوْى

شناختم که تو به خوبی از من دفاع می کنی؛ می دانم که هر کس در سایه کفایت

إِلَى ظِلِّ كِفَايَتِكَ، وَلَا يَقْرَعُ الْقَوَارِعُ مَنْ لَجَأَ إِلَى مَعْقِلِ الْإِنْتِصَارِ

تو درآید شکست نمی خورد؛ و هر کس به تو پناه برد ستیزه گران با او ستیزه نمی کنند و او را نمی کوبند؛

بِكَ، فَخَلَّصْتَنِي يَا رَبِّ بِقُدْرَتِكَ وَنَجَّيْتَنِي مِنْ بَأْسِهِ بِتَطَوُّلِكَ

بنابراین، ای پروردگار من؛ با قدرت و توان وصف ناپذیرت مرا خلاصی بخشیدی، و با منت و نعمت بخش الهی ات مرا از بدی و آزار

وَمَنَّكَ. اللَّهُمَّ وَكَمْ مِنْ سَخَائِبَ مَكْرُوهٍ جَلَّيْتَهَا، وَسَمَاءٍ نِعْمَةٍ

او نجات دادی. بار خدایا؛ چه بسیار ابرهای ناخوشایندی که راندی و دور کردی، و چه آسمان های نعمت باری که

أَمْطَرْتَهَا، وَجَدَّأُولَ كَرَامَةٍ أَجْرَيْتَهَا، وَأَعْيُنَ أَحْدَاثٍ طَمَسْتَهَا،

به بارش درآوردی، و چه نهرهای کرامت و بزرگواری که روان نمودی، و چشمه های حادثه های ناگوار که ناپدید ساختی،

وَنَاشِي رَحْمَةٍ نَشَرْتَهَا، وَغَوَاشِي كُرْبٍ فَرَّجْتَهَا، وَغَمَمَ بَلَاءٍ

و رحمت هایی که گستردی، و مصیبت های فراگیری که برطرف کردی و بلاهایی که رفع کردی،

كَشَفْتَهَا، وَجَنَّةٍ عَافِيَةِ الْبَسْتِهَا، وَأُمُورٍ حَادِثَةٍ قَدَّرْتَهَا، لَمْ تُعْجِزْكَ

و لباس عافیتی که بر من پوشانیدی، و چیزهای تازه ای که برای آینده در نظر گرفتی؛

إِذْ طَلَبْتَهَا، فَلَمْ تَمْتَنِعْ مِنْكَ إِذْ أَرَدْتَهَا. اللَّهُمَّ وَكَمْ مِنْ حَاسِدٍ سُوءٍ

آن گونه که هنگام جستجوی آنها ناتوان نیستی و بدین جهت وقتی اراده کنی نیز سرپیچی نمی کنی. بار خدایا؛ چه بسیار حسود

تَوَلَّيْتُ بِحَسَدِهِ، وَسَلَّقَنِي بِحَدِّ لِسَانِهِ، وَوَحَزَنِي بِقَرْفِ عَيْبِهِ،

بداندیشی که با حسادت مرا گرفتار کرد، و به تندی زبانش مرا از رده ساخت، و با عیب‌نهادنش مرا به درد آورد،

وَجَعَلَ عِرْضِي غَرَضاً لِمَرَامِيهِ، وَقَلَّدَنِي خِلَالاً لِمَ تَزَلُ فِيهِ

و آبرویم را مورد هدف خود قرار داد، و قلاده‌ای به گردنم افکنده است که همواره تو

كَفَيْتَنِي أَمْرَهُ. اللَّهُمَّ وَكَمْ مِنْ ظَنٍّ حَسَنِ حَقَّقْتَ، وَعُدْمِ إِمْلَاقِ

امر او را بر من کفایت نمودی، بار الهی! چه خوش‌گمانی‌هایی که تاکنون به تو داشتم و آنها به وقوع پیوست، و چه بسیار تنگدستی

ضَرَّنِي جَبْرَتَ وَأَوْسَعْتَ، وَمِنْ صَرْعَةٍ أَقَمْتَ، وَمِنْ كُرْبَةٍ

که به من زیان زد و تو جبران کردی و توان‌گری بخشیدی، و چه بسیار که بر زمین افتادم و سقوط کردم و تو مرا برپا کردی، و چه بسیار

نَفَّسْتَ، وَمِنْ مَسْكَنَةٍ حَوَّلْتَ، وَمِنْ نِعْمَةٍ خَوَّلْتَ، لَا تُسْأَلُ عَمَّا

حادثه‌های اندوه‌باری که از آن رهایی بخشیدی، و چه بیچارگی‌هایی که از بین بردی، و چه نعمت‌هایی که ارزانی داشتی؛ در مورد آن چه

تَفْعَلُ، وَلَا بِمَا أُعْطِيْتَ تَبْخَلُ، وَلَقَدْ سُئِلْتَ فَبَدَّلْتَ، وَلَمْ تُسْأَلْ

انجام می‌دهی از تو پرس و جو نمی‌شود، در عطاییت بخل نمی‌ورزی؛ همانا، از تو درخواست شد و بلافاصله بخشیدی، و چیزهایی را که درخواست

فَابْتَدَأْتَ وَاسْتُمِيعَ فَضْلُكَ فَمَا أَكْدَيْتَ، أَيْتَ إِلَّا أَنْعَاماً وَامْتِنَاناً

نشد پیش از درخواست تو احسان کردی، از تو بخشش و بزرگواری درخواست شد و تو دریغ نورییدی؛ و نخواسته‌ای که جز نعمت بخشیدن و منت

وَتَطَوُّلاً، وَأَيْتَ إِلَّا تَقَحُّماً عَلَى مَعْاصِيكَ، وَأَنْتِهَاكَ لِحُرْمَاتِكَ،

نهادن و بهره‌مند ساختن، کار دیگری نکنی؛ در مقابل - چنان که از اعمالم پیداست - من نیز سرباز زدم جز مرتکب شدن گناهان و هتک حرمت

وَتَعَدِّيًّا لِحُدُودِكَ، وَغَفْلَةً عَنْ وَعِيدِكَ، وَطَاعَةً لِعَدُوِّي وَعَدُوِّكَ،

نسبت به تو و تجاوز و گذشتن از مرزها و حدودت، و بی‌توجهی نسبت به وعده‌های عذابت و فرمانبرداری از دشمن مشترک من و خودت

لَمْ تَمْتَنَّعْ عَنْ إِثْمَامِ إِحْسَانِكَ، وَتَتَابِعْ امْتِنَانِكَ، وَلَمْ يَحْجُزْنِي

کاری انجام ندادم؛ تو نیز با این وجود دست از کامل کردن نعمت و پی در پی فرستادن خوبی‌ها و منت نهادن‌هایت، برداشته‌ای؛ لیکن این‌ها نیز

ذَلِكَ عَنْ اِرْتِكَابِ مَسَاخِطِكَ. اللَّهُمَّ فَهَذَا مَقَامُ الْمُعْتَرِفِ لَكَ

باعث بازداشتن من از انجام گناهان و دست برداشتن از خشم تو نشد؛ بار خدایا! این جایگه، جایگاه کسی است که دارد اعتراف

بِالتَّقْصِيرِ عَنْ أَدَاءِ حَقِّكَ، الشَّاهِدِ عَلَى نَفْسِهِ بِسُبُوعِ نِعْمَتِكَ،

می‌کند در ادای حق تو کوتاهی کرده است؛ خودش گواهی بر ضد خودش می‌دهد که نعمت تو کامل

میزان

بخشش دوم



وَحُسْنِ كِفَايَتِكَ، فَهَبْ لِي اللَّهُمَّ يَا إِلَهِي مَا أَصِلُ بِهِ إِلَيَّ

و نگاه‌داری و حفاظت تو از او نیز به نیکی انجام شده است؛ پس، ای خدای من؛ ای معبود من؛ به من ببخش آنچه را که به سبب آن

رَحْمَتِكَ، وَأَتَّخِذُهُ سُلْمًا أَعْرُجُ فِيهِ إِلَيَّ مَرْضَاتِكَ، وَأَمْنٌ بِهِ مِنْ

به رحمت تو برسم، و آن را نردبانی برای بالا آمدن به سوی کارهای خشنودکننده و رضای تو قرار دهم و بدان وسیله از

عِقَابِكَ، فَإِنَّكَ تَفْعَلُ مَا تَشَاءُ وَتَحْكُمُ مَا تُرِيدُ، وَأَنْتَ عَلَيَّ كُلِّ

کیفر تو در امان بمانم. به راستی، تو هر چه بخواهی انجام داده، به هر کاری بخواهی دستور می‌دهی و تو بر هر

شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ حَمْدِي لَكَ مُتَوَاصِلٌ، وَثَنَائِي عَلَيْكَ دَائِمٌ،

کاری توانایی. خدایا؛ سپاس من بی در پی به درگاه تو واصل، و ثنا و ستایشم به طور دائم نثار آستان تو،

مِنَ الدَّهْرِ إِلَى الدَّهْرِ بِالْأَوَانِ التَّسْبِيحِ، وَفُنُونِ التَّقْدِيسِ، خَالِصًا

از روزگاری تا روزگار دیگر است؛ و این تسبیحاتم به شکل‌های گوناگون بوده، و تقدیس تو را از راه‌های مختلف به جای می‌آورم؛ خالصانه

لِذِكْرِكَ، وَمَرْضِيًّا لَكَ بِنَاصِعِ التَّوْحِيدِ، وَمَحْضِ التَّحْمِيدِ، وَطُولِ

به یاد توام، و با یگانه‌دانستن و سپاس بی‌شائبه‌ات و به وسیله دروغ‌گوشمردن همیشگی و پیوسته آن‌هایی که

التَّعْدِيدِ فِي إِكْذَابِ أَهْلِ التَّنْذِيدِ. لَمْ تُعَنْ فِي شَيْءٍ مِنْ قُدْرَتِكَ،

برای تو مثل و مانند و همتا قائلند؛ سعی دارم مورد رضایت و خشنودیت قرار گیرم. در قدرت‌مندیت کسی به تو یاری نمی‌رساند،

وَلَمْ تُشَارِكْ فِي إِهْيَتِكَ، وَلَمْ تُعَايِنِ إِذْ حَبَسْتَ الْأَشْيَاءَ عَلَيَّ

و در خدایت کسی با تو شریک نیست، و هنگامی که اشیاء را بر غریزه‌های گوناگون پوشش دادی و نگهداری کردی

الْغَرَائِزِ الْمُخْتَلِفَاتِ، وَفَطَرْتَ الْخَلَائِقَ عَلَى صُنُوفِ الْهَيْئَاتِ، وَلَا

کسی تو را معاینه و مشاهده نمی‌کرد، و آن گاه که هر مخلوقی را در صنف و هیئت ویژه‌ای خلق کردی کسی تو را نمی‌دید.

خَرَقَتْ الْأَوْهَامَ حُجْبَ الْغُيُوبِ إِلَيْكَ، فَاعْتَقَدْتُ مِنْكَ مَحْدُودًا

(عقل و) وهم و قوای باطنیه هیچ کس، یارای دریدن پرده‌های پنهانی به سوی تو را ندارد، تا در نتیجه تو را در

فِي عَظَمَتِكَ، وَلَا كَيْفِيَّةً فِي أَرْزَلِيَّتِكَ، وَلَا مُمَكِّنًا فِي قَدَمِكَ،

عظمتت محدود باور دارد، و نمی‌تواند برای ازلیت تو کیفیتی و برای قدیمیت تو امکانی فرض کند.

وَلَا يَبْلُغُكَ بَعْدُ الْهَمَمِ، وَلَا يَنَالُكَ غَوْصُ الْفِطَنِ، وَلَا يَنْتَهِي إِلَيْكَ

هر چه همت کسی عالی باشد به گنه حقیقت تو نمی‌رسد، و ژرف‌اندیشی و زیرکی هیچ کسی به تو دست نمی‌یازد، و

نَظَرُ النَّاطِرِينَ فِي مَجْدِ جَبْرُوتِكَ، وَعَظِيمِ قُدْرَتِكَ. إِرْتَفَعَتْ عَنْ

نگرش هیچ کسی به منتهای جبروت و نیروی عظیم تو نخواهد رسید.

صِفَةِ الْمَخْلُوقِينَ صِفَةً قُدْرَتِكَ، وَعَلَا عَنْ ذَلِكَ كِبْرِيَاءُ عَظَمَتِكَ،

صفت و ویژگی قدرت تو برتر از توصیف آفریدگان، و عظمت کبریایی تو بلندمرتبه‌تر از آن‌هاست؛

وَلَا يَنْتَقِصُ مَا أَرَدْتَ أَنْ يَزِدَادَ، وَلَا يَزِدَادُ مَا أَرَدْتَ أَنْ يَنْتَقِصَ،

آنچه را که اراده کنی زیاد گردد کم نمی‌شود، و اگر کمی چیزی را اراده کنی توان افزایش ندارد؛

وَلَا أَحَدٌ شَهِدَكَ حِينَ فَطَرْتَ الْخَلْقَ، وَلَا ضِدُّ حَضْرِكَ حِينَ

در هنگام آفرینش مخلوقات هیچ کس گواه تو نبود، و در زمان خلقت جان‌دارها نیز هیچ کس که با تو ضدیت داشته باشد

بَرَأَتِ النُّفُوسَ. كَلَّتِ الْأَلْسُنُ عَنْ تَبْيِينِ صِفَتِكَ، وَأَنْحَسَرَتِ

زردت حضور نداشت. زبان‌ها از روشنگری در مورد صفت تو عاجز و ناتوانند، و

الْعُقُولُ عَنْ كُنْهِ مَعْرِفَتِكَ، وَكَيْفَ تُدْرِكُكَ الصِّفَاتُ، أَوْ تَحْوِيكَ

عقل‌ها در حسرت رسیدن به کنه و نهایت شناخت تو در مانده‌اند؛ آخر، چگونه صفت‌ها تو را درمی‌یابند؟ و به چه صورت،

الْجِهَاتُ، وَأَنْتَ الْجَبَّارُ الْقُدُّوسُ الَّذِي لَمْ تَزَلْ أَزَلِيًّا دَائِمًا فِي

جهت‌ها می‌توانند تو را در بگیرند؟ در حالی که تو جبار و قدوس (پاک و در نهایت پاک) هستی؛ همان که پیوسته،

الْغُيُوبِ وَحَدِّكَ، لَيْسَ فِيهَا غَيْرُكَ، وَلَمْ يَكُنْ لَهَا سِوَاكَ. حَارَتْ

و همیشگی و به طور دائم تنها در غیب مطلق هستی، جز تو در آن نیست، و غیر از تو کسی شایسته‌شان نیست.

فِي مَلَكُوتِكَ عَمِيقَاتُ مَذَاهِبِ التَّفَكِيرِ، وَحَسَرَ عَنْ إِدْرَاكَكَ

در ملکوت تو نیز عمیق‌ترین راهروهای اندیشه، حیران شده‌اند؛ دیده ژرف‌نگر و باز، از ادراک حقیقت تو خسته

بَصَرَ الْبَصِيرِ، وَتَوَاضَعَتِ الْمُلُوكُ لِهَيْبَتِكَ، وَعَنَتِ الْوُجُوهُ بِذُلِّ

و درمانده است؛ پادشاهان در برابر هیبت تو فروتن اند؛ آبروداران در برابر عزت تو سر خواری و بیچارگی

الْإِسْتِكَانَةِ لِعِزَّتِكَ، وَانْقَادَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِكَ، وَاسْتَسَلَّمَ كُلُّ

فروید آورده‌اند؛ همه چیز منقاد و سرافکنده در برابر عظمت و بزرگی تو است؛ هر چیزی در برابر نیرو و قدرت تو سر تسلیم فرود

شَيْءٍ لِقُدْرَتِكَ، وَخَضَعَتِ الرَّقَابُ بِسُلْطَانِكَ، فَضَلَّ هُنَالِكَ

آورده است؛ با سلطنت و چیرگی تو، تمام گردن‌ها به خضوع و افتادگی درآمده است، و در این جاست که هر

بجانب دهم

بجانب دهم



التَّدْبِيرُ فِي تَصَارِيفِ الصِّفَاتِ لَكَ، فَمَنْ تَفَكَّرَ فِي ذَلِكَ رَجَعَ

تدبیر و چاره‌جویی در پیدا کردن صفاتی برای تو، دچار گمراهی و سرگردانی شده است؛ هر کس در مورد صفات اندیشه کند

طَرَفُهُ إِلَيْهِ حَسِيراً، وَعَقْلُهُ مَبْهُوتاً مَبْهُوراً، وَفِكْرُهُ مُتَحَيِّراً.

درمانده و خسته از این کار برمی‌گردد، و عقلش ناتوان و شگفت‌زده و اندیشه‌اش سرگردان می‌شود؛

اللَّهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ حَمداً مُتَوَاتِراً مُتَوَالِياً مُتَّسِقاً مُسْتَوْثِقاً يَدُومٌ

ای خدا! پس، تمام حمد و سپاس‌ها را مخصوص تو می‌دانم؛ حمد و سپاسی پی در پی، متصل، همراه و محکم به هم چسبیده، که

وَلَا يَبِيدُ غَيْرَ مَفْقُودٍ فِي الْمَلَكُوتِ، وَلَا مَطْمُوسٍ فِي الْعَالَمِ،

دایمی باشد و قطع نشود و در ملکوت نیز ناپدید نشود، و در جهان آفرینش محو و نابود نشود،

وَلَا مُنْتَقَصٍ فِي الْعِرْفَانِ، فَلَكَ الْحَمْدُ حَمداً لَا تُحْصِي مَكَارِمَهُ

و از نظر شناخت نیز کم نداشته باشد؛ پس، سپاس و ستایشی که مکرمت‌ها و خوبی‌هایش را نتوان برشمرد سزاوار توست،

فِي اللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ، وَفِي الصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ، وَفِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ،

و تو را سپاس هنگامی که شب پشت می‌کند و هنگامی که صبح طلوع می‌کند؛ در دریا و خشکی،

وَبِالْغَدُوِّ وَالْأَصَالِ، وَالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ، وَالظُّهْرِ وَالْأَسْحَارِ.

و صبح و شام، و در شبانگاه و بامدادن و در ظهر و سحرگاهان.

اللَّهُمَّ بِتَوْفِيقِكَ أَحْضَرْتَنِي النَّجَاةَ، وَجَعَلْتَنِي مِنْكَ فِي وَايَةٍ

بارالها! با توفیقت مرا نجات بخشیدی، و در دایره حفظ و حراست خود سرپرستی و نگهداری کردی،

الْعِصْمَةِ، لَمْ تُكَلِّفْنِي فَوْقَ طَاقَتِي إِذْ لَمْ تَرْضَ مِنِّي إِلَّا بِطَاعَتِي،

بیش از طاقت و توانم برای من وظیفه‌ای نگذاشتی؛ زیرا، تنها فرمان‌برداریت را از من خواستی تا مورد رضایتت قرار بگیرم.

فَلَيْسَ شُكْرِي وَإِنْ دَأَبْتُ مِنْهُ فِي الْمَقَالِ، وَبَالَغْتُ مِنْهُ فِي

بنابراین، سپاسگزاری و تشکر من از تو (هر چند در گفتار خسته شوم، و نهایت توانم را در انجام آن به کار بگیرم) نخواهد توانست

الْفِعَالِ بِبَالِغِ آدَاءِ حَقِّكَ، وَلَا مُكَافِ فَضْلِكَ، لِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا

حَقَّتْ رَا آدَا كُنْد و هَم‌پایه فِضْل تو بَاشْد؛ زِیرا، تو خدایی هستی كه

إِلَهٍ إِلَّا أَنْتَ، لَمْ تَغِبْ عَنْكَ غَائِبَةً، وَلَا تَخْفَى عَلَيْكَ خَافِيَةٌ،

معبودی جز تو نیست؛ هیچ پنهان‌شده‌ای از تو پنهان نشده است، و هیچ چیز پوشیده و مخفی نیز بر تو پوشیده نیست،

وَلَا تَصِلُ لَكَ فِي ظُلْمِ الْخَفِيَّاتِ ضَالَّةٌ، إِنَّمَا أَمْرُكَ إِذَا أَرَدْتَ

و در تاریکی‌های پنهان، گم‌شده‌ای از نظر تو گم نمی‌شود. شأن تو چنین است که هر گاه چیزی را اراده کنی

شَيْئًا أَنْ تَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ. أَللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ مِثْلَ مَا حَمَدْتَهُ

به آن می‌گویی: (انجام) شو! آن نیز (بلافاصله) انجام می‌شود. بار الها! تو را سپاس به همان گونه که

بِهِ نَفْسِكَ، وَحَمْدِكَ بِهِ الْخَامِدُونَ، وَمَجْدَكَ بِهِ الْمُمَجِّدُونَ،

خود را ستوده‌ای! و همان گونه که تمام ستایشگران تو را حمد و سپاس گفته‌اند، و تمام ثناگویان تو را ثنا و تمجید نموده‌اند،

وَكَبَّرَكَ بِهِ الْمُكَبِّرُونَ، وَعَظَّمَكَ بِهِ الْمُعَظِّمُونَ، حَتَّىٰ يَكُونَ لَكَ

و بزرگ‌دارندگان تو را بزرگ داشته‌اند، و به عظمت یادکنندگان تو را تعظیم کرده‌اند؛ تا جایی که

مِنِّي وَخُدِي فِي كُلِّ طَرْفَةِ عَيْنٍ، وَأَقَلُّ مِنْ ذَلِكَ، مِثْلُ حَمْدِ

من در هر چشم به هم زدن و بلکه در زمانی کمتر از آن، به تنهایی به اندازه

جَمِيعِ الْخَامِدِينَ وَتَوْحِيدِ أَصْنَافِ الْمُخْلِصِينَ، وَتَقْدِيسِ أَحْبَابِكَ

تمام ستایشگران تو را ستایش کنم، و به اندازه تمام مخلصان تو را یگانه بخوانم، و به اندازه تمام دوستان عارف تو را

الْعَارِفِينَ، وَثَنَاءِ جَمِيعِ الْمُهَلَّلِينَ، وَمِثْلُ مَا أَنْتَ عَارِفٌ بِهِ،

تقدیس کنم، و به اندازه تمام تهلیل‌گویان تو را ثناگویی کنم؛ همانند آنچه که تو خودت نسبت به آن شناخت داری،

وَمَحْمُودٌ بِهِ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ مِنَ الْحَيَوَانَ وَالْجَمَادِ. وَأَرْغَبُ

و با آن ستایش‌شونده‌ای از تمام مخلوقات اعم از حیوان و جمادات. بارها! اشتیاق دارم

إِلَيْكَ اللَّهُمَّ فِي شُكْرِ مَا أَنْطَقْتَنِي بِهِ مِنْ حَمْدِكَ، فَمَا أَيْسَرَ مَا

شکر و سپاس تمام ستایش‌هایی را که زبانم را بدان گویا کردی نیز به جای آورم. چه قدر آسان است

كَلَّفْتَنِي مِنْ ذَلِكَ، وَأَعْظَمَ مَا وَعَدْتَنِي عَلَىٰ شُكْرِكَ، إِبْتَدَأْتَنِي

انجام آن چه مرا بدان موظف فرمودی، و چه عظیم است وعده‌هایی که برای سپاسگزاریت به من دادی؛ از راه

بِالنِّعَمِ فَضلاً وَطَوْلاً، وَأَمَرْتَنِي بِالشُّكْرِ حَقّاً وَعَدَلاً، وَوَعَدْتَنِي

فضل و دوستی و لطف شروع به نعمت‌بخشیدن به من کردی، و به من دستور دادی که در مقابل آن نعمت‌ها - چنان که حق توست و عدالت نیز

عَلَيْهِ أَضْعَافاً وَمَزِيداً، وَأَعْطَيْتَنِي مِنْ رِزْقِكَ اعْتِبَاراً وَامْتِحَاناً،

همین را اقتضا می‌کند - به شکرگزاریت بپردازم؛ نیز به من وعده فرمودی که در مقابل شکر و سپاسگزاریت نیز چند برابر به من ببخشی و پاداش

وَسَأَلْتَنِي مِنْهُ فَرَضاً يَسِيراً صَغِيراً، وَوَعَدْتَنِي عَلَيْهِ أَضْعَافاً

بدهی، از روزی و رزقت جهت عبرت جوئی و آزمایش، به من ارزانی داشتی، ولی در مقابل مقدار کم و کوچک از آن را از من درخواست کردی و باز هم در

وَمَزِيداً وَإِعْطَاءً كَثِيراً، وَعَافَيْتَنِي مِنْ جُهِدِ الْبَلَاءِ، وَلَمْ تُسَلِّمْ لِي

مقابل پرداخت آن، وعده پاداش‌های چند برابر و نیز بخشش‌های بسیار به من دادی، و مرا از سختی بلا عافیت و سلامت دادی و

لِلسُّوءِ مِنْ بَلَائِكَ، وَمَنْحَتَنِي الْعَافِيَةَ، وَأَوْلَيْتَنِي بِالْبَسْطَةِ

به بدی‌های بلایت رها نکردی، و عافیت و سلامتی را به من احسان نمودی، و مرا با گستردگی

وَالرِّخَاءِ، وَضَاعَفْتَ لِي الْفَضْلَ مَعَ مَا وَعَدْتَنِي بِهِ مِنَ الْمَحَلَّةِ

و رفاه یاری کردی و برای من فضل و احسان را - با این که در محل بزرگواری برای من وعده دادی -

الشَّرِيفَةَ، وَبَشَّرْتَنِي بِهِ مِنَ الدَّرَجَةِ الرَّفِيعَةِ الْمَنْيَعَةِ، وَاصْطَفَيْتَنِي

چندین برابر قرار دادی، و به وسیله او مرا به درجه رفیع و والا بشارت دادی، و مرا به

بِأَعْظَمِ النَّبِيِّينَ دَعْوَةً، وَأَفْضَلِهِمْ شَفَاعَةً مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

بزرگ‌ترین پیامبران از نظر فراخوان و برترین آنان از نظر شفاعت یعنی حضرت محمد - که درود خدا بر او و آل او باد - برگزیدی.

وَالِهِ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا لَا يَسَعُهُ إِلَّا مَغْفِرَتُكَ، وَلَا يَمْحَقُهُ إِلَّا

بار خدایا؛ بیامرز برای من آنچه را که جز آمرزش تو آن را توان ندارد، و جز

عَفْوِكَ، وَهَبْ لِي فِي يَوْمِي هَذَا وَسَاعَتِي هَذِهِ يَقِيناً يَهْوَنُ عَلَيَّ

عفو تو آن را محو و نابود نکند؛ امروز و در ساعت حاضر یقینی به من ببخشی که

مُصِيبَاتِ الدُّنْيَا وَأَحْزَانِهَا، وَيُشَوِّقُنِي إِلَيْكَ، وَيُرَغِّبُنِي فِي مَا

مصیبت‌ها و اندوه‌های دنیا را بر من آسان گرداند، و مرا مشتاق تو کند، و ترغیب به چیزهایی که

عِنْدَكَ، وَاکْتُبْ لِي الْمَغْفِرَةَ، وَبَلِّغْنِي الْكِرَامَةَ، وَارْزُقْنِي شُكْرَ مَا

نزد توست بنماید. مغفرت و آمرزش خویش را برای من بنویس، و مرا به کرامت برسان، و شکر و سپاسگزاری بر

أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ، فَإِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الرَّفِيعُ الْبَدِيُّ الْبَدِيعُ

نعمت‌هایت را که بر من عنایت کردی، روزیم کن؛ زیرا، تو خدای یکتای والای آغازگر نوآور

السَّمِيعُ الْعَلِيمُ الَّذِي لَيْسَ لِأَمْرِكَ مَدْفَعٌ، وَلَا عَنْ قَضَائِكَ

شنوای دانا هستی؛ خدایی که هیچ چیزی نمی‌تواند دستورت را برگرداند، و از قضا و نظر تو

مُمْتَنِعٌ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ رَبِّي وَرَبُّ كُلِّ شَيْءٍ فَاطِرُ السَّمَاوَاتِ

جلوگیری کند، و گواهی می‌دهم که تو پروردگار من و پرورش‌دهنده تمام چیزی‌هایی؛ آفریننده آسمان‌ها و

وَالْأَرْضِ، عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ، الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالَى. اللَّهُمَّ

زمینی! دانای پنهانی‌ها و دیدنی‌ها؛ بلندمرتبه، بزرگ و والامقام. بار خدایا؛

إِنِّي أَسْأَلُكَ الثَّبَاتَ فِي الْأَمْرِ، وَالْعَزِيمَةَ فِي الرَّشْدِ، وَالْإِهَامَ

به راستی من از تو درخواست ثبات و پایداری را در ولایت، و عزم راسخ در انجام خوبی‌ها، و الهام

الشُّكْرَ عَلَى نِعْمَتِكَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ جَوْرِ كُلِّ جَائِرٍ، وَبَغْيِ كُلِّ

به من برای سپاسگزاری بر نعمت‌هایت دارم. از جور و ستم تمام جائران و ستم کاران، از جفا کاری

بِأَعْيُنٍ، وَحَسَدِ كُلِّ حَاسِدٍ. اللَّهُمَّ بِكَ أَصُولُ عَلَى الْأَعْدَاءِ، وَإِيَّاكَ

زورگویان، و از حسد حسادت‌کنندگان به تو پناه می‌آورم. بارالها به واسطه تو می‌خواهم بر دشمنان ظفر و چیرگی یابم؛ و تنها از تو

أَرْجُو وَلايَةَ الْأَحِبَّاءِ، مَعَ مَا لَا أَسْتَطِيعُ إِخْصَاءَهُ مِنْ فَوَائِدِ

ولایت و دوستی و دوستان را امید دارم؛ با این که هنوز نمی‌توانم موارد

فَضْلِكَ، وَأَصْنَافِ رِفْدِكَ، وَأَنْوَاعِ رِزْقِكَ، فَإِنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا إِلَهَ

فضل سودمندت، و انواع پذیرایی و روزی‌ات را به شماره درآورم. همانا، تو خدایی هستی که

إِلَّا أَنْتَ الْفَاشِي فِي الْخَلْقِ حَمْدُكَ، الْبَاسِطُ بِالْجُودِ يَدُكَ،

جز تو معبودی نیست و ستایشت در بین خلقت گسترده و آشکار است، و دست جود و بخشش باز و گسترده است،

لَا يُضَادُّ فِي حُكْمِكَ، وَلَا تُنَازِعُ فِي سُلْطَانِكَ وَمُلْكِكَ، وَلَا تُرَاجِعُ

و در حکم و فرمان تو با تو ضدیت نمی‌توان کرد، و در سلطنت و فرمان‌روایی، کسی نمی‌تواند به جنگ تو بیاید، و امر و دستور تو

فِي أَمْرِكَ، تَمْلِكُ مِنَ الْأَنْعَامِ مَا شِئْتَ، وَلَا يَمْلِكُونَ إِلَّا مَا تُرِيدُ.

باز گردانده نمی‌شود، هر چه از مردم را بخواهی ملک توست؛ لیکن هر چه آن‌ها بخواهند - جز با اراده تو - بدست نمی‌آورند.

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمُنْعِمُ الْمَفْضِلُ الْقَادِرُ الْقَاهِرُ الْمُقَدَّسُ فِي نُورِ

بارالها؛ تو نعمت‌بخش، فضل و فزونی‌بخش، توانا، چیره و غالب و پاکیزه دانسته‌شده در نور

الْقُدْسِ، تَرَدَّدَتْ بِالْعِزَّةِ وَالْمَجْدِ، وَتَعَظَّمَتْ بِالْقُدْرَةِ وَالْكَبْرِيَاءِ،

باک هستی؛ لباس عزت و بزرگواری بر تن داری، و با قدرت و کبریاویت ابراز بزرگی می‌کنی،

مختصر

بخش دهم



وَعَشَّيْتَ النُّورَ بِالبَهَاءِ، وَجَلَّلْتَ البَهَاءَ بِالمَهَابَةِ. اللَّهُمَّ لَكَ

و نور را به زیبایی و درخشندگی پوشانده‌ای، و درخشندگی را با هیبت جلالت بخشیده‌ای. بار خدایا؛

الْحَمْدُ الْعَظِيمُ، وَالْمَنْ الْقَدِيمُ، وَالسُّلْطَانُ الشُّامِخُ، وَالْحَوْلُ

ستایش فراوان از آن توست؛ منت دیرینه مخصوص توست؛ سلطنت رفیع و پابرجا مال توست؛ جنبش

الْوَاسِعُ، وَالقُدْرَةُ الْمُقْتَدِرَةُ، وَالْحَمْدُ الْمُتَّبَعُ الَّذِي لَا يَنْقَدُ

و توان فراگیر، قدرت شایان، و ستایش بی دریغی که پایان نپذیرد و تا

بِالشُّكْرِ سَرْمَدًا وَلَا يَنْقُضِي أَبَدًا، إِذْ جَعَلْتَنِي مِنْ أَفْاضِلِ بَنِي

ابدیت نیز از بین‌رفتگی نیست، سزاوار توست؛ زیرا، تو مرا از بافضیلت‌ترین فرزندان حضرت

أَدَمَ، وَجَعَلْتَنِي سَمِيعًا بَصِيرًا صَحِيحًا سَوِيًّا مُعَافًا لَمْ تَشْغَلْنِي

آدم قرار دادی، و مرا شنوا، بینا، سالم درست اندام، با عافیت و سلامتی قرار دادی

بِنُقْصَانٍ فِي بَدَنِي، وَلَا بِإِفَاقَةٍ فِي جَوَارِحِي، وَلَا عَاهَةً فِي نَفْسِي

و در بدنم کمبودی نیست تا مرا به خود مشغول کند، و اعضا و جوارحم نیز دچار آفت و بیماری نیستند، و در روان

وَلَا فِي عَقْلِي، وَلَمْ يَمْنَعْكَ كَرَامَتُكَ إِيَّايَ، وَحُسْنُ صُنْعِكَ

و عقلم نیز آسیبی وجود ندارد. کرامت و بزرگواری تو بر من، و کارهای نیکی که برایم می‌کنی،

عِنْدِي، وَفَضْلُ نِعْمَائِكَ عَلَيَّ إِذْ وَسَّعْتَ عَلَيَّ فِي الدُّنْيَا،

و فزونی نعمت‌هایت تو را باز نداشت که نعمت‌هایت را در این دنیا بر من گسترانندی،

وَفَضَّلْتَنِي عَلَى كَثِيرٍ مِنْ أَهْلِهَا تَفْضِيلًا، وَجَعَلْتَنِي سَمِيعًا أَعْي مَا

و مرا بر بسیاری از اهل دنیا برتری و فضیلت بخشیدی، و مرا شنوا قرار دادی تا به

كَلَّفْتَنِي، بَصِيرًا أَرَى قُدْرَتَكَ فِيمَا ظَهَرَ لِي، وَاسْتَرْعَيْتَنِي

وظایفم گوش فرا دهم، و مرا بینا قرار دادی تا قدرت تو را که برایم آشکار ساختی ببینم، و مرا مراعات کردی و

وَاسْتَوَدَعْتَنِي قَلْبًا يَشْهَدُ بِعِظَمَتِكَ، وَلِسَانًا نَاطِقًا بِتَوْحِيدِكَ،

قلبی به من دادی تا با این ودیعه ارزشمند بتوانم عظمت تو را مشاهده کنم، و زبانی گویا به یگانگی‌ات، ارزانی‌ام کردی. لذا،

فَإِنِّي لِفَضْلِكَ عَلَيَّ حَامِدٌ، وَلِتَوْفِيقِكَ إِيَّايَ بِحَمْدِكَ شَاكِرٌ،

من تو را جهت فضل و فزونی که بر من بخشیدی ستایش‌گرم، و به خاطر این که توفیق ستایشت را به من دادی شکرگزارم

وَبِحَقِّكَ شَاهِدٌ، وَإِيَّاكَ فِي مُلْمِي وَمُهَمِّي ضَارِعٌ، لِإِنَّكَ حَيٌّ قَبْلَ

و به حق تو گواهی دهنده‌ام و در امور سخت و مهم به تو تضرع‌کننده‌ام؛ زیرا تو قبل

كُلِّ حَيٍّ، وَحَيٌّ بَعْدَ كُلِّ مَيِّتٍ، وَحَيٌّ تَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا،

از هر زنده‌ای زنده بوده‌ای، و پس از هر که بمیرد نیز زنده خواهی بود، و زنده‌ای هستی که وارث زمین و هر که بر آن قرار دارد

وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ. اللَّهُمَّ لَا تَقْطَعْ عَنِّي خَيْرَكَ فِي كُلِّ وَقْتٍ،

می‌باشی، و تو بهترین وارثان هستی. خدایا؛ خیر و نیکیات را هیچ گاه از من قطع مکن.

وَلَمْ تُنْزِلْ بِي عُقُوبَاتِ النَّقْمِ، وَلَمْ تُغَيِّرْ مَا بِي مِنَ النَّعْمِ، وَلَا

و کیفرهای انتقامی‌ات را بر من مفرست، و نعمتهایی را که بر من ارزانی داشته‌ای تغییر مده،

أَخْلَيْتَنِي مِنْ وَثِيقِ الْعِصَمِ، فَلَوْ لَمْ أَذْكَرْ مِنْ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ

و از حفاظت‌گاه‌های محکم و مطمئن مرا خالی مگردان؛ زیرا، اگر من از احسان

وَإِنْعَامِكَ عَلَيَّ إِلَّا عَفْوَكَ عَنِّي، وَالْإِسْتِجَابَةَ لِدُعَائِي، حِينَ

و نعمت‌بخشی‌ات بر من، جز عفو و بخشش و پاسخ‌دادن به دعایم - هنگامی که

رَفَعْتُ رَأْسِي بِتَحْمِيدِكَ وَتَمْجِيدِكَ، لَا فِي تَقْدِيرِكَ جَزِيلَ حَظِّي

سر بلند کردن برای ستایش و بزرگ‌شماریت - را یاد نمی‌کردم، با قراردادن بهره فراوان،

حِينَ وَفَّرْتَهُ أَنْتَقَصَ مُلْكُكَ، وَلَا فِي قِسْمَةِ الْأَرْزَاقِ حِينَ قَتَّرْتَ

چیزی از فرمان‌روایی تو کم نمی‌گشت، و در تقسیم‌نمودن رزق و روزی‌ها نیز با کم‌گذاشتن سهمیه من چیزی

عَلَيَّ تَوْفَرَ مُلْكُكَ. اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ مَا أَحَاطَ بِهِ عِلْمُكَ،

بر پادشاهی‌ات افزون نمی‌شد. خدایا؛ حمد و ستایش را به تعداد آنچه علم و دانش تو بر آن احاطه دارد، مخصوص تو دانم؛

وَعَدَدَ مَا أَدْرَكَتَهُ قُدْرَتُكَ، وَعَدَدَ مَا وَسِعَتْهُ رَحْمَتُكَ، وَأَضْعَافَ

به تعداد آنچه قدرت و توان تو آن را درک کند و دریابد؛ به تعداد آنچه رحمت تو آن را شامل و فراگیرد؛ بلکه چندین برابر

ذَلِكَ كُلِّهِ، حَمْدًا وَاصِلًا مُتَوَاتِرًا مُتَوَازِيًا لِأَلْيَتِكَ وَأَسْمَائِكَ.

همه آن چه گفتم، حمد و ستایش رسنده پی در پی هم‌راستا بر نعمت‌ها و نام‌هایت (نشانه‌هایت) نثار می‌کنم.

اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ إِحْسَانَكَ إِلَيَّ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي، كَمَا أَحْسَنْتَ إِلَيَّ

بار پروردگارا؛ احسان و نیکیات را بر من در باقی‌مانده دوران زندگانی‌ام تمام گردان، همان گونه که در

سوره بقره

بخش دوم



۴۹۶

[مِنْهُ] فِيمَا مَضَى، فَإِنِّي أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِتَوْحِيدِكَ وَتَهْلِيلِكَ

گذشته زندگانی‌ام نیز چنین کردی؛ زیرا من با یگانه‌دانستن تو، و تهلیل‌گفتن

و تمجیدیک و تکبیریک و تعظیمیک، [وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي خَلَقْتَهُ

و ثناگوئی تو و گرامی‌داشت و تعظیم تو به تو توسل می‌جویم (و تو را می‌خوانم به واسطه نامی که از آن آفریدی

مِنْ ذَلِكَ فَلَا يَخْرُجُ مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ] . وَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الرُّوحِ

و از تو جز به سوی خودت خارج نخواهد شد). و تو را می‌خوانم به واسطه اسمت، روح

الْمَكْنُونِ الْحَيِّ الْحَيِّ وَبِهِ وَبِهِ وَبِهِ، وَبِكَ وَبِكَ، إِلَّا

پنهان، زنده زنده زنده، و به او، و به او، و به او؛ و به تو، و به تو، و به تو؛ که

تَحْرِمَنِي رِفْدَكَ، وَفَوَائِدَ كَرَامَتِكَ، وَلَا تَوْلِّنِي غَيْرَكَ، وَلَا تُسَلِّمَنِي

مرا از جایزه و کرامت‌های سودمندت محروم مگردانی، و سرپرستی‌ام را به دست کسی جز خودت مسپار، و مرا

إِلَى عَدُوِّي، وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي، وَأَحْسِنْ إِلَيَّ أُمَّ الْإِحْسَانِ

به دست دشمنم تسلیم مکن، و به خودم نیز مسپار و وامگذار؛ و کامل‌ترین احسان را در حال حاضر

عَاجِلًا وَاجِلًا، وَحَسِّنْ فِي الْعَاجِلَةِ عَمَلِي، وَبَلِّغْنِي فِيهَا أَمَلِي

و به زودی و نیز در آینده‌ها بر من فرو فرست، و در زمان‌های نزدیک باعث نیکی عملم، و در نزدیک و دور زمانه، مرا به آرزوهایم

وَفِي الْآجِلَةِ، وَالْخَيْرَ فِي مُنْقَلَبِي، فَإِنَّهُ لَا تُفْقِرُكَ كَثْرَةُ مَا يَنْدَفِقُ

برسان، و در بازگشتن نیز به من خیر برسان؛ زیرا، جوشش زیاد فضل و احسان تو نیازمندت نخواهد کرد؛

بِهِ فَضْلُكَ، وَسَيَبُ الْعَطَايَا مِنْ مَنِّكَ، وَلَا يُنْقِصُ جُودَكَ تَقْصِيرِي

بخشش‌ها از ناحیه تو می‌رسد، و کوتاهی من در سپاسگزاری نعمت تو باعث کاستی در بخشش

فِي شُكْرِ نِعْمَتِكَ، وَلَا تُجَمُّ خَزَائِنَ نِعْمَتِكَ النُّعَمِ، وَلَا يُنْقِصُ عَظِيمَ

و جودت نمی‌گردد، و گنجینه‌های نعمتت را نعمت‌ها زیاد و انبوه نمی‌گرداند، و بخشش‌های بزرگ تو

مَوَاهِبِكَ مِنْ سِعَتِكَ الْأَعْطَاءِ، وَلَا تُؤَثِّرُ فِي جُودِكَ الْعَظِيمِ الْفَاضِلِ

باعث کاستی در عطاهای فراگیرت نمی‌شود، و عطاهای خاص تو تأثیری در سخاوت بزرگ

الْجَلِيلِ مَنْحِكَ، وَلَا تَخَافُ ضَيْمَ إِمْلَاقٍ فَتُكْذِبِي، وَلَا يَلْحَقُكَ

و افزون و شکوه‌مندت ندارد، و از تنگدستی نمی‌هراسی تا دست نگره داری، و

خَوْفٌ عُدْمٌ فَيَنْقُصُ فَيْضُ مُلْكِكَ وَفَضْلِكَ. اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي قَلْبًا

ترس از بی‌چیزی به تو نمی‌رسد تا از فیض پادشاهی و فضلت کم کند. بار خدایا! قلبی

خَاشِعًا، وَيَقِينًا صَادِقًا، وَبِالْحَقِّ صَادِعًا، وَلَا تُؤْمِنِي مَكْرَكَ،

خاشع، یقینی راستین و حقیقت جو، و سخن حق را آشکارکننده نصیبم کن؛ و کاری کن که خود را از مکر در امان ندانم،

وَلَا تُنْسِنِي ذِكْرَكَ، وَلَا تَهْتِكَ عَنِّي سِرَّكَ، وَلَا تُؤَلِّنِي غَيْرَكَ،

و یادت را از یادم مبر، و پرده‌پوشیات را از من برمدار، و سرپرستی‌ام را به دیگری مسپار،

وَلَا تُقَنْطِنِي مِنْ رَحْمَتِكَ بَلْ تَعْمَدْنِي بِفَوَائِدِكَ، وَلَا تَمْنَعْنِي جَمِيلَ

مرا از رحمتت ناامید مساز بلکه با سودبخشیات مرا بهره‌مند گردان، و از بهره‌های زیبایت محرومم مساز،

عَوَائِدِكَ، وَكُنْ لِي فِي كُلِّ وَحْشَةٍ أُنَيْسًا، وَفِي كُلِّ جَزَعٍ حِصْنًا،

و در هر وحشتی انیس من باش، و در هر بی‌تابی و ناشکیبایی جای امن و حصن من باش،

وَمِنْ كُلِّ هَلَاكَةٍ غِيَاثًا، وَنَجِّنِي مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ، وَاعْصِمْنِي مِنْ كُلِّ

و از هر هلاکتی دادرس من باش، و از همه بلاها نجاتم بخش، و از هر

زَلَلٍ وَخَطَاةٍ، وَتَمِّمْ لِي فَوَائِدَكَ، وَقِنِي وَعِيدَكَ، وَأَصْرِفْ عَنِّي

لغزش و اشتباهی نگاهم دار، و سودبخشیات را برابم کامل کن، و

أَلِيمَ عَذَابِكَ وَتَدْمِيرَ تَنكِيلِكَ، وَشَرِّفْنِي بِحِفْظِ كِتَابِكَ، وَأَصْلِحْ

عذاب دردناکت و هلاکت عقوبت و مجازاتت را از من دور گردان، و با نگهداری از کتابت به من شرافت ببخش، و

لِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي وَأَهْلِي وَوَلَدِي، وَوَسَّعْ رِزْقِي،

و دین و دنیا و آخرت و اهل و فرزندانم را برابم اصلاح کن، و رزقم را وسعت بده،

وَأَدِرَّهُ عَلَيَّ، وَأَقْبِلْ عَلَيَّ، وَلَا تُعْرِضْ عَنِّي. اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي

و روزیم را ریزان گردان، و به من رو کن و روی مبارکت را از من مگردان. بارالها! مرا بالا ببر

وَلَا تَضَعْنِي، وَارْحَمْنِي وَلَا تُعَذِّبْنِي، وَأَنْصُرْنِي وَلَا تَخْذُلْنِي،

و پست مگردان، و به من رحم کن و مرا عذاب مکن، و یاریم کن و خوارم مکن،

وَأَثِرْنِي وَلَا تُؤَثِّرْ عَلَيَّ، وَاجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي يُشْرًا وَفَرَجًا،

و مرا بر دیگران ترجیح بده و دیگران را بر من ترجیح مده، و در کارم راحتی و گشایش بیاور،

ببخش ده

ببخش ده



وَعَجِّلْ إجابتي، وَاسْتَقِذني مِمَّا قَدْ نَزَلَ بي، إِنَّكَ عَلَي كُلِّ

و در پاسخ مثبت دادن به من شتاب کن، و از مشکلاتی که بر من وارد شده است رهایم بخش؛ اعتقاد و باورم آن است که تو بر هر

شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَذَلِكَ عَلَيْكَ يَسِيرٌ، وَأَنْتَ الْجَوَادُ الْكَرِيمُ. ۱

چیزی توانایی، و این کارها برایت آسان است، و تو سخاوتمندی بزرگواری هستی.

حکایت حرز یمانی

در «دار السلام» نقل فرموده است: دستخط علامه مجلسی اول علیه السلام را در پشت دعایی که معروف به حرز یمانی است چنین یافتیم:

به نام خداوند بخشنده مهربان، ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است، و درود بر شرافتمندترین پیامبران مرسل محمد صلی الله علیه و آله و سلم و عترت پاک او باد. و بعد؛ سید نجیب و ادیب بزرگواری، برگزیده بزرگواران و نقیبان ارجمند، جناب امیر محمد هاشم - که خداوند تأیید و توفیقش را به واسطه مقام ارجمند محمد و آل پاکش صلی الله علیه و آله و سلم ادامه دهد - از من خواست تا اجازه حرز یمانی را که به امیر مؤمنان علیه السلام و امام پرهیزگاران و بهترین مخلوقات پس از آقا و سرور پیامبران (که درودها و سلام‌های الهی تا آن گاه که بهشت، جایگاه شایستگان خواهد ماند، بر آن دو بزرگواری نثار باد) نسبت داده می‌شود، به او بدهم.

به این خاطر، اجازه روایت این دعا را به او می‌دهم؛ با سندم که از سید عابد و زهد پیشه ارجمند امیر اسحاق استرآبادی (که نزدیک قبر آقای تمام جوانان اهل بهشت در کربلا دفن شده است) و او از امام و مولای ما و مولای جن و انس، جانشین خدای تعالی، حضرت صاحب العصر و الزمان - که بر او و پدران پاکش درود الهی نثار باد - نقل می‌کند.

آن سید بزرگواری فرمود: در راه مکه بودم که گم شدم و از قافله عقب ماندم و کارم به جایی رسید که از زندگی ام ناامید شدم و همانند کسی که در حال مرگ است شدم و

شروع به گفتن شهادتین کردم. ناگهان مشاهده کردم مولای ما و مولای جهان یعنی جانشین خداوند بر تمام مردم روی زمین، بالای سرم است.

آن حضرت فرمودند: ای اسحاق؛ برخیز. برخاستم و ایستادم، در حالی که تشنه بودم، مرا سیراب فرمود و در پشت سرش بر مرکب سوار کرد، پس شروع به خواندن این حرز نمودم و آن حضرت که درود خداوند بر ایشان باد اشتباهات آن را اصلاح می نمود تا دعا به پایان رسید؛ در این هنگام مشاهده کردم که در «ابطح» هستم؛ از مرکب پیاده شدم و آن بزرگوار غایب شدند، و کاروان من نیز پس از گذشت نه روز بدان جا رسید. در بین اهل مکه مشهور شد که من با طيّ الأرض به مکه آمده‌ام؛ لذا، پس از انجام مناسک حجّ پنهان شدم.

مرحوم مجلسی اول می فرماید: ایشان (امیر اسحاق استرآبادی) چهل بار با پای پیاده به حجّ رفته بود. وقتی در اصفهان به خدمتش رسیدم، از کربلا آمده بود تا به زیارت آقای دو جهان یعنی امام علی بن موسی الرضا صلوات الله علیهما مشرف شود. وی هفت تومان مهریه همسرش بر گردنش بود، و همین مقدار را نیز از یکی از ساکنان مشهد مقدّس طلب داشت.

از سویی، در خواب دیده بود که مرگش نزدیک شده، سید فرمود: من پنجاه سال در کربلا ساکن بودم تا در آن جا بمیرم، و حالا می ترسم مرگ در غیر کربلا مرا دریابد و در شهر دیگری بمیرم. وقتی یکی از دوستان ما این جریان را دانست، هفت تومان به سید داد و یکی از برادران دینی را به همراهش روانه کرد.

آن شخص می گوید: وقتی سید امیر اسحاق به کربلا رسید و قرضش (مهریه همسرش) را ادا کرد، بیمار شد و در روز نهم بیماریش از دنیا رفت و در خانه خویش دفن شد. کرامت‌های زیادی از این قبیل، در مدتی که ایشان در اصفهان بودند، از وی مشاهده کردم.

من چندین اجازه برای روایت این دعای شریف دارم که به همین یک اجازه بسنده کردم؛ از ایشان (امیر محمد هاشم) درخواست می کنم در جاهایی که بیشتر احتمال

اجابت دعا هست مرا از یاد مبرد، و از وی می‌خواهم که این دعا را مگر برای رضای خدای تعالی قرائت نکند، و اگر دشمنش از مؤمنان است هیچ‌گاه دعا را به قصد هلاک آن مؤمن نخواند اگرچه گناهکار یا اهل ستم باشد. و نیز این دعا را برای اندوختن دنیای پست به کار نبرد، بلکه شایسته است تنها برای نزدیک شدن به خدای تعالی و برای رد کردن زیان‌های شیطان‌های جنّی و آدمی از خودش و از تمام مؤمنان، این دعا را بخواند، اگر بتواند چنین نیّتی داشته باشد؛ و اگر نمی‌تواند این‌گونه نیّت کند، بهتر است هیچ نیّتی جز نزدیک شدن به خدای تعالی نداشته باشد.

این مطالب را محتاج‌ترین بندگان به رحمت پروردگار بی‌نیازش، یعنی محمد تقی فرزند مجلسی اصفهانی نوشت؛ در حالی که خدا را ستایش، و بر سرور و سالار پیامبران و جانشینان نجیب و برگزیده‌اش ﷺ درود می‌فرستد. پایان کلام ایشان که خداوند جایگهش را در بهشت ابدی بالا ببرد.

فرزندش مرحوم علامه ابتدای این داستان را که در مورد دیدار حضرت مهدی ارواحنا فداه توسط امیر اسحاق بود، در جلد سیزدهم «بحار الأنوار» آورده است، ولی اختلاف زیادی با این حکایت دارد.^۱

علامه مجلسی رحمته الله می‌فرماید: از جمله دعا‌های مشهور، دعای «حرز یمانی» - که معروف به دعای سیفی نیز هست - می‌باشد. این دعا چند طریق و روایت مختلف دارد که طریق مهم آن را نقل می‌کنیم، ان شاء الله:

ابو عبدالله حسین بن ابراهیم بن علی فتی معروف به ابن خیاط به ما گزارش داد و گفت: ابو محمد هارون بن موسی تلعبیری برایم گفت:

ابو القاسم عبد الواحد (عبدالله، خ) بن یونس موصلی در حلب برایم نقل کرد که علی بن محمد بن احمد معروف به مستنجد برایم حدیث گفت که: ابو الحسن کاتب برایم نقل کرد که عبد الرحمان بن علی بن زیاد گفت: عبدالله بن عباس و عبدالله بن جعفر گفتند:

روزی در هنگامی که ما نزد مولایمان امیر مؤمنان حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام بودیم، به ناگاه حسن بن علی علیه السلام وارد شد و عرض کرد:
 ای امیر مؤمنان؛ مردی آمده است و اجازه ورود می‌طلبد و بوی مُشک می‌دهد.
 فرمود: بگو بیاید.

مردی تنومند و خوش سیما وارد شد که چهره‌ای گیرا داشت و بزرگ‌منش بود و لهجه‌ای فصیح و خوش داشت و لباس پادشاهان بر تن داشت؛ گفت:
 السلام عليك يا أمير المؤمنين ورحمة الله وبركاته. من مردی هستم که از دورترین مناطق سرزمین یمن آمده‌ام و از بزرگان عرب‌های منسوب به شما (شیعیان) می‌باشم، من ملکی عظیم و نعمتی فراوان به جای نهاده‌ام و دارای زندگانی خوش و حالی آسوده و اموالی با رشد و ترقی داشتم، و جریانات را آزموده بودم و روزگار مرا ورزیده ساخته بود و دشمنی دارم که بسیار سرسخت است و با سپاهیان فراوانش و نیروهای بزرگی که به کمک گرفته بود بر من حمله کرد و پیروز شد و راه‌های حيله و فرار از آن مرا در مانده ساخت.

شبی، به خواب رفته بودم که شخصی ندا داد: ای مرد؛ برخیز و به سوی بهترین خلق خدا پس از رسول او یعنی علی بن ابی طالب امیر و فرمان‌روای مؤمنان صلوات الله علیه و علی آله برو و از آن حضرت درخواست کن تا دعایی به تو بیاموزد که حبیب خداوند و برگزیده و انتخاب شده از مخلوقاتش، یعنی حضرت محمد بن عبدالله بن عبدالمطلب صلوات الله علیه و علی آله به او آموخته است؛ زیرا در آن دعا، اسم (ویژه) خدای عزوجل است؛ با آن دعا خدا را بخوان و دشمنت را که با تو به نبرد پرداخته است، نفرین کن.

ای امیر مؤمنان؛ من از خواب بیدار شدم و به سرعت به همراه چهار صد بنده نزد تو آمدم، و خدا و رسول او و تو را گواه می‌گیرم که تمام‌شان را آزاد کردم و این کار را تنها برای خاطر خدای بزرگ انجام دادم. حالا با تنی لاغر و رنجور از راهی پرپیچ و خم و سرزمین دور نزدت آمدم؛ پس بر من منت بگذار و به خاطر فضل و بزرگواریت، و

نیز به خاطر حقّ پدری و خویشاوندیت دعایی را که در خواب از آن مطلع شدم و مأمور شدم برای دریافت آن به خدمت شما برسم، به من بیاموز.

مولای مان حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه فرمود:

باشد؛ این کار را انجام می‌دهم إن شاء الله.

آن گاه، دوات و کاغذی خواست و این دعا را برای آن مرد نوشت:



حرز یمانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

اللَّهُمَّ أَنْتَ الْمَلِكُ الْحَقُّ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، وَأَنَا عَبْدُكَ،

بارالها! تو پادشاه راستینی هستی که جز تو معبودی نیست؛ و من بنده تو هستم؛

ظَلَمْتُ نَفْسِي، وَاعْتَرَفْتُ بِذَنْبِي، وَلَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ،

بر خود ستم کردم، و به گناهم اعتراف دارم؛ در حالی که (می‌دانم) جز تو کسی گناهان را نمی‌بخشد،

فَاغْفِرْ لِي يَا غَفُورٌ يَا شَكُورٌ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَحْمَدُكَ، وَأَنْتَ لِلْحَمْدِ

پس بخشش و آمرزشت را شامل من گردان، ای آمرزنده؛ ای پاداش دهنده؛ بارالها! من تو را ستایش می‌کنم، و می‌دانم که تو شایسته

أَهْلٌ، عَلَى مَا خَصَصْتَنِي بِهِ مِنْ مَوَاهِبِ الرَّغَائِبِ، وَمَا وَصَلَ

ستایش هستی، ستایش بر بخشش‌های خوش‌آیندی که به من اختصاص دادی، و فضل و احسان فراوانی که

إِلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ السَّابِغِ، وَمَا أَوْلَيْتَنِي بِهِ مِنْ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ،

به من رسانیدی، و نیکی و احسان که بر من ارزانی داشتی،

وَبَوَّأْتَنِي بِهِ مِنْ مَظَنَّةِ الْعَدْلِ، وَأَنْلَتَنِي مِنْ مَنِّكَ الْوَاصِلِ إِلَيَّ،

و آنچه از جایگاه عدل برای من جای دادی، و از لطف و احسان بی‌پایات به من رسانیدی،

وَمِنَ الدَّفَاعِ عَنِّي، وَالتَّوْفِيقِ لِي، وَالْإِجَابَةِ لِدُعَائِي حِينَ أَنْجَبِكَ

و از من دفاع کردی، و توفیقم دادی، و دعایم را مستجاب می‌کنی هنگامی که در حال دعا با تو مناجات می‌کنم؛

دَاعِيًا. وَأَدْعُوكَ مُضَامًا، وَأَسْأَلُكَ فَأَجِدُكَ فِي الْمَوَاطِنِ كُلِّهَا لِي

و هنگامی که تو را می‌خوانم در حالی که ستم‌دیده‌ام. و درخواست می‌کنم و می‌بینم که در همه جا نسبت به من

جَابِرًا، وَفِي الْأُمُورِ نَاطِرًا، وَلِذُنُوبِي غَافِرًا، وَلِعَوْرَاتِي سَاتِرًا،

مهربان و نیکوکاری، و در تمام کارها نظاره‌گر من هستی، و گناهانم را می‌بخشی، و عیب‌هایم را می‌پوشانی؛

لَمْ أَعْدَمْ خَيْرَكَ طَرْفَةَ عَيْنٍ مُنْذُ أَنْزَلْتَنِي دَارَ الْإِخْتِيَارِ^۱، لِسْتَنْظُرَ

از ابتدای ورود به دنیا (که منزلگاه اختیار است) حتی به قدر یک چشم برهم‌زدن نیز سراغ ندارم که خیر و خوبی‌ات به من نرسیده

مَا أَقْدَمُ لِدَارِ الْقَرَارِ، فَأَنَا عَتِيقُكَ مِنْ جَمِيعِ الْآفَاتِ وَالْمَصَائِبِ،

باشد. چنین کردی تا ببینی برای خانه همیشگی‌ام (آخرت) چه چیزی می‌فرستم (ای خدا!) بدین سان، من آزاد شده‌ام تو از تمام

فِي اللُّوَازِبِ وَالْغُمُومِ الَّتِي سَاوَرْتَنِي فِيهَا الْهُمُومُ، بِمَعَارِضِ

آسیب‌ها و مصیبت‌ها، در سختی‌ها و غم و اندوه‌هایی هستم که ناراحتی‌ها را بر من حمله‌ور ساخته؛ به پیش آمدن

أَصْنَافِ الْبَلَاءِ، وَمَصْرُوفِ جُهْدِ الْقَضَاءِ، لَا أَذْكَرُ مِنْكَ إِلَّا

بلاهای گوناگون، و رخ دادن سختی قضا. از تو جز خوبی و زیبایی به یاد ندارم

الْجَمِيلَ، وَلَا أَرَى مِنْكَ غَيْرَ التَّفْضِيلِ. خَيْرُكَ لِي شَامِلٌ، وَفَضْلُكَ

و جز مهربانی و فضل، از تو نمی‌بینم. خیر و نیکی تو مرا فرا گرفته است، و فضل و فزون‌بخشی تو

عَلَيَّ مُتَوَاتِرٌ، وَنِعْمَتُكَ عِنْدِي مُتَّصِلَةٌ، وَسَوَابِقُ لَمْ تُحَقِّقْ حِذَارِي،

پی در پی به من می‌رسد، و نعمتت به طور متصل به من می‌رسد، و سابقه‌هایی که محقق‌نساختی برحذر شدنم (ناامیدیم) را،

بَلْ صَدَّقْتَ رَجَائِي، وَصَاحَبْتَ أَسْفَارِي، وَأَكْرَمْتَ أَحْضَارِي،

بلکه امیدم را به راستی رسانده‌ای، و در سفرها همراهم بودی، و در وطن نیز با کرامت و بزرگواری با من رفتار کردی،

وَشَفَيْتَ أَمْرَاضِي وَأَوْهَانِي، وَعَافَيْتَ مُنْقَلَبِي وَمَشْوَايَ، وَلَمْ

و بیماری‌ها و سستی‌هایم را شفا بخشیدی، و پناهگاه و آرامگاهم را عافیت بخشیدی،

تُشِمْتُ بِي أَعْدَائِي، وَرَمَيْتَ مَنْ رَمَانِي، وَكَفَيْتَنِي مَوْوَنَةً مِّنْ

و دشمنان مرا اجازه شمت‌کردن نسبت به من ندادی، و هر که مرا هدف گرفت او را هدف گرفتی، و سختی و رنج

بِحَسْبِ

بِحَسْبِ



۱. دَارَ الْإِخْتِيَارِ «منزلگاه آزمایش»، بحار الأنوار: ۲۴۲/۹۵.

عَادَانِي . فَحَمْدِي لَكَ وَاصِلٌ ، وَثَنَائِي عَلَيْكَ دَائِمٌ ، مِنْ الدَّهْرِ

دشمنانم را از من کفایت نمودی. بنابراین، ستایشم به تو پیوسته، و ثناگویی‌ام بر تو همیشگی است، از هر زمانی

إِلَى الدَّهْرِ ، بِالْأَوَانِ التَّسْبِيحِ ، خَالِصاً لِدِكْرِكَ ، وَمَرْضِيّاً لَكَ

تا زمان دیگر، با تسبیح‌گویی‌های گوناگون، فقط به خاطر یاد تو و جلب خشنودی تو

بِنَاصِعِ التَّوْحِيدِ ، وَإِمْحَاضِ التَّمْجِيدِ بِطُولِ التَّعْدِيدِ ، وَمَزِيَّةِ أَهْلِ

به توحید ناب و ستایشگری خالص، با طولانی‌شدن شمارش و فزونی اهل

الْمَزِيدِ ، لَمْ تُعَنْ فِي قُدْرَتِكَ ، وَلَمْ تُشَارِكْ فِي إِيْهِتِكَ ، وَلَمْ تُعَلِّمْ

افزایش خواهم بود، کسی در توانایی یاریت نکرده است، و در خدایت نیز شریک نشده،

لَكَ مَا يَبْتَغِي فَتَكُونُ لِلْأَشْيَاءِ الْمُخْتَلِفَةِ مُجَانِساً ، وَلَمْ تُعَايِنْ إِذْ

و ماهیتی برای تو ندانسته‌اند تا هم‌جنس اشیاى مختلف باشی، و هنگامی که به

حَبَسْتَ الْأَشْيَاءَ عَلَى الْغَرَائِزِ ، وَلَا خَرَقْتَ الْأَوْهَامَ حُجُبَ

هر چیزی غریزه خاصی عطا می‌کردی دیده نشده‌ای، و اوهام و خیال‌ها نتوانسته‌اند پرده‌های

الْغُيُوبِ ، فَتَعْتَقِدُ فِيكَ مَحْدُوداً فِي عَظَمَتِكَ ، فَلَا يَبْلُغُكَ بَعْدُ

عالم پنهان را بدرد تا اعتقاد به محدودیتی در مورد عظمت تو پیدا کنند. بنابراین،

الْهِمَمِ ، وَلَا يَنَالُكَ غَوْصُ الْفِكْرِ ، وَلَا يَنْتَهِي إِلَيْكَ نَظْرُ نَاطِرٍ فِي

همت‌های والا توان رسیدن به تو را ندارند، و اندیشه‌های ژرف‌نگر نمی‌توانند به تو دست یازند، و نگرش کسانی که بر

مَجْدِ جَبْرُوتِكَ ، إِزْتَفَعَتْ عَنْ صِفَةِ الْمَخْلُوقِينَ صِفَاتُ قُدْرَتِكَ ،

شکوه جبروت تو چشم دوخته‌اند به تو منتهی نمی‌شود، ویژگی‌های قدرتت برتر از توصیف آفریدگان است،

وَعَلَا عَنْ ذَلِكَ كِبْرِيَاءُ عَظَمَتِكَ ، لَا يَنْقُصُ مَا أَرَدْتَ أَنْ يَزِدَّادَ ،

و بزرگی کبریاییت برتر از آن‌هاست. چیزی را که اراده کرده‌ای تا افزون باشد کم نمی‌شود،

وَلَا يَزِدُّادُ مَا أَرَدْتَ أَنْ يَنْقُصَ ، لَا أَحَدَ خَضَرَكَ حِينَ بَرَأْتَ

و چیزی که خواسته‌ای کم باشد افزون نمی‌گردد. هیچ کس، در هنگام آفرینش

النُّفُوسِ ، كَلَّتِ الْأَوْهَامُ عَنْ تَفْسِيرِ صِفَتِكَ ، وَانْحَسَرَتِ الْعُقُولُ

جان‌ها نزد تو حضور نداشته است، اندیشه و خیال از تفسیر و بیان وصف تو درمانده‌اند، و عقل‌ها در دست‌یابی

۱. این کلمه به تعبیّرات مختلف وارد شده: بِنَاصِعِ التَّوْحِيدِ، بِنَاصِعِ التَّمْجِيدِ، وَبِنَاصِعِ التَّوْحِيدِ، ولی نسخه‌ای که در متن ذکر کرده‌ایم صحیح‌تر است.

عَنْ كُنْهِ عَظَمَتِكَ، وَكَيْفَ تُوصَفُ وَأَنْتَ الْجَبَّارُ الْقُدُّوسُ،

به کنه و عمق حقیقت بزرگی تو در مانده اند؛ چگونه قابل وصف هستی، در حالی که تو بسیار قدرتمند و در نهایت پاکی هستی؟

الَّذِي لَمْ تَزَلْ أَزَلِيًّا دَائِمًا فِي الْغُيُوبِ وَحَدَّكَ لَيْسَ فِيهَا غَيْرُكَ

که همیشه و به طور دائم، به تنهایی در پنهانی‌ها هستی و کسی جز تو

وَلَمْ يَكُنْ لَهَا سِوَاكَ، حَارَ فِي مَلَكُوتِكَ عَمِيقَاتُ مَذَاهِبِ التَّفَكِيرِ،

نمی‌تواند چنین باشد. ژرف‌ترین راه‌های اندیشه در ملکوت تو سرگردان شده است؛

فَتَوَاضَعَتْ الْمُلُوكُ لِهَيْبَتِكَ، وَعَنْتِ الْوُجُوهُ بِذُلِّ الْأَسْتِكَانَةِ

و بدین سان، پادشاهان برای عظمت تو به فروتنی افتاده‌اند، و ابرومندان با ذلت و بیچارگی صورت بر خاک نهاده‌اند؛

لَكَ، وَانْقَادَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِكَ، وَاسْتَسَلَّمَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِكَ،

و هر چیزی منقاد و سرافکننده عظمت توست، و هر چیزی در برابر توان و قدرت تو سر تسلیم و بندگی فرود آورده است،

وَخَضَعَتْ لَكَ الرَّقَابُ، وَكَلَّ دُونَ ذَلِكَ تَحْيِيرُ اللُّغَاتِ، وَضَلَّ

و گردن‌ها در برابر فروتن و کج شده است، و لغات را یارای رسیدن به آن نیست، و

هُنَالِكَ التَّدْبِيرُ فِي تَصَارِيفِ الصِّفَاتِ، فَمَنْ تَفَكَّرَ فِي ذَلِكَ رَجَعَ

تدبیر عقلا در چگونگی صفات تو دچار سرگردانی شده است. بدین سان، هر کس در آن تفکر کند

طَرْفَهُ إِلَيْهِ حَسِيرًا، وَعَقْلُهُ مَبْهُورًا، وَتَفَكَّرَهُ مُتَحِيرًا. اللَّهُمَّ فَلَكَ

چشمش در حالی که خسته و در مانده گشته به سوی او برمی‌گردد، و عقلش مبهوت و اندیشه‌اش سرگردان می‌شود. بار الها! تو را

الْحَمْدُ مُتَوَاتِرًا مُتَوَالِيًا مُتَّسِقًا مُسْتَوْثِقًا، يَدُومٌ وَلَا يَبِيدُ غَيْرَ

ستایش می‌کنم به طور پی در پی و پیوسته و محکم و متصل؛ به گونه‌ای که دائمی باشد و از بین نرود

مَفْقُودٍ فِي الْمَلَكُوتِ، وَلَا مَطْمُوسٍ فِي الْمَعَالِمِ، وَلَا مُنْتَقِصٍ فِي

و در ملکوت نیز گم نشود، و در مکان‌های مخصوص آن محو و نابود نشود، و از نظر شناخت نیز کمبودی

الْعِرْفَانِ، وَلَكَ الْحَمْدُ مَا لَا تُحْصِي مَكَارِمُهُ فِي اللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ،

نداشته باشد. و ستایش مخصوص توست آن چنان که خوبی‌های آن قابل شمارش نیست در آن هنگام که شب پایان می‌رسد

وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ، وَفِي الْبَرَارِيِّ وَالْبِحَارِ، وَالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ،

و صبحگاهان طلوع می‌کند و در خشکی‌ها و دریاها و صبح و شام

وَالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَارِ، وَفِي الظُّهَائِرِ وَالْأَسْحَارِ. اللَّهُمَّ بِتَوْفِيقِكَ قَدْ

و شبانگاهان و بامدادان و در نیمه‌های روز و سحرگاهان. بارالها! با توفیقت

أَحْضَرْتَنِي الرَّغْبَةَ، وَجَعَلْتَنِي مِنْكَ فِي وِلَايَةِ الْعِصْمَةِ لَمْ أَبْرَحْ

مرا به اشتیاق آوردی، و در حفظ و سرپرستی خودت قرار دادی به گونه‌ای که همیشه

فِي سُبُوغِ نِعْمَائِكَ، وَتَتَابِعِ الْإِيكَ مَحْفُوظًا لَكَ فِي الْمَنْعَةِ

در نعمت‌های بی‌شمارت به سر برده‌ام و خوبی‌های پیوسته‌ات به من رسیده است، و در قلعهٔ حفظ و حراست تو محفوظ بوده

وَالدِّفَاعِ مَحُوطًا بِكَ فِي مَثْوَايَ وَمُنْقَلَبِي، وَلَمْ تُكَلِّفْنِي فَوْقَ

و در حال آرام گرفتتم و حرکتم در احاطهٔ تو بودم، بیش از توانم نیز برای من وظیفه مقرر نفرموده‌ای؛

طَاقَتِي، إِذْ لَمْ تَرْضَ مِنِّي إِلَّا طَاعَتِي، وَلَيْسَ شُكْرِي وَإِنْ أَبْلَغْتُ

زیرا، تنها فرمان‌برداری از خودت را سبب خشنودیت از من قرار دادی. با این که سپاسگزاری من - هر

فِي الْمَقَالِ وَبَالِغَتْ فِي الْفِعَالِ بِبَالِغِ آدَاءِ حَقِّكَ، وَلَا مُكَافِيًا

چند در گفتن بکوشم و با تمام توانم کار کنم - نمی‌تواند حق تو را ادا کند، و پاداش

لِفَضْلِكَ، لِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، لَمْ تَغِبْ وَلَا تَغِيبُ

فضل و احسان تو باشد؛ زیرا، تو خدایی هستی که جز تو معبودی نیست؛ هیچ گاه چیزی

عَنْكَ غَائِبَةٌ، وَلَا تَخْفَى عَلَيْكَ خَافِيَةٌ، وَلَمْ تَضِلَّ لَكَ فِي ظُلْمِ

که غایب است برای تو غایب نبوده و نخواهد بود، و هیچ چیز پنهانی برای تو پنهان نیست؛ و هیچ گم شده‌ای در تاریکی‌های

الْخَفِيَّاتِ ضَالَّةٌ، إِنَّمَا أَمْرُكَ إِذَا أَرَدْتَ شَيْئًا أَنْ تَقُولَ لَهُ كُنْ

پنهانی، برای تو گم‌شده نیست. فرمان تو این گونه است که هرگاه به چیزی بفرمایی: باش؛

فَيَكُونُ. اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ مِثْلَ مَا حَمِدْتَ بِهِ نَفْسَكَ، وَحَمِيدَكَ بِهِ

می‌شود. بارالها! ستایش مخصوص توست به همان شکلی که تو خودت را ستوده‌ای، و ستایشگران به

الْحَامِدُونَ، وَمَجْدُكَ بِهِ الْمُمَجِّدُونَ، وَكَبَّرَكَ بِهِ الْمُكَبِّرُونَ،

ستایشت پرداخته‌اند، و ثناگوین تو را بزرگ شمرده‌اند، و تکبیرگوین به بیان بزرگی تو پرداخته‌اند،

وَعَظَمَكَ بِهِ الْمُعَظِّمُونَ، حَتَّى يَكُونَ لَكَ مِنِّي وَحْدِي بِكُلِّ

و تعظیم‌کنندگان در پیشگاه تو به تعظیم پرداخته‌اند؛ به طوری که از من به تنهایی به اندازه

طَرْفَةٍ عَيْنٍ، وَأَقَلَّ مِنْ ذَلِكَ مِثْلُ حَمْدِ الْحَامِدِينَ، وَتَوْحِيدِ

چشم بر هم زدن و حتی کمتر از چشم بر هم زدن، قدر ستایش ستایشگران، و یگانه دانستن

أَصْنَافِ الْمُخْلِصِينَ، وَتَقْدِيسِ أَجْنَاسِ الْعَارِفِينَ، وَثَنَاءِ جَمِيعِ

تمام مخلصان نسبت به تو، و منزه دانستن تمام عارفان نسبت به ساحت تو، و ثناگویی تمام

الْمُهَلَّلِينَ، وَمِثْلُ مَا أَنْتَ بِهِ عَارِفٌ مِنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ مِنَ الْحَيَوَانِ،

تهلیل گویان، و همانند آن چه تو از تمام مخلوقات زندهات سراغ داری؛ باشد.

وَأَرْغَبُ إِلَيْكَ فِي رَغْبَةٍ مَا أَنْطَقْتَنِي بِهِ مِنْ حَمْدِكَ، فَمَا أَيْسَرَ مَا

و از طرفی مشتاق تو هستم که ستایش‌هایی را که بر زبانم آوردی برایت به جای آوردم. بدین سان، چه قدر آسان است

كَلَّفْتَنِي بِهِ مِنْ حَقِّكَ، وَأَعْظَمَ مَا وَعَدْتَنِي عَلَى شُكْرِكَ، ابْتِدَاءً تَنِي

وظیفه‌ای که برای ادای حقت برایم معین فرمودی، و چه قدر وعده پاداش تو نسبت به من در مقابل ستایشم، عظیم است. با فضل

بِالنِّعَمِ فَضْلاً وَطَوَّلاً، وَأَمَرْتَنِي بِالشُّكْرِ حَقّاً وَعَدْلاً، وَوَعَدْتَنِي

و احسان خود شروع به نعمت‌بخشی به من کردی، و از آنچه که حق تو بود و عدالت اقتضا می‌کرد به من فرمودی که سپاسگزاری از نعمت‌هایت را

عَلَيْهِ أَضْعَافاً وَمَزِيداً، وَأَعْطَيْتَنِي مِنْ رِزْقِكَ اعْتِبَاراً وَفَضْلاً،

به جای آورم، و وعده فرمودی که چند برابر سپاسگزاری من، به من پاداش خواهی داد؛ و از رزق و روزیت به من اعتبار و ارزش و فزونی عطا

وَسَأَلْتَنِي مِنْهُ يَسِيراً صَغِيراً، وَأَعْفَيْتَنِي مِنْ جُهْدِ الْبَلَاءِ وَلَمْ

کردی، و در مقابل، مقدار کوچک و کمی از آن را از من خواستی؛ و از سختی و رنج گرفتاری‌ها عافیتم بخشیدی، و

تُسَلِّمَنِي لِلسُّوءِ مِنْ بَلَاءِكَ مَعَ مَا أَوْلَيْتَنِي مِنَ الْعَافِيَةِ، وَسَوَّغْتَ

مرا به بلاهای بدت و انگذاشتی؛ به خاطر عافیتی که با آن مرا سرپرستی نمودی، و

مِنْ كَرَامَتِ النَّحْلِ، وَضَاعَفْتَ لِي الْفَضْلَ مَعَ مَا أَوْدَعْتَنِي مِنْ

از عطایای کریمانهات بخشیدی، و فضل و احسان را بر من دوچندان نمودی با آنچه از

الْمَحَجَّةِ الشَّرِيفَةِ، وَيَسَّرْتَ لِي مِنَ الدَّرَجَةِ الْعَالِيَةِ الرَّفِيعَةِ،

طریقه شرافتمندانه در وجودم و دینچه نهادی، و درجه والا و بلندمرتبه‌ای را برایم فراهم فرمودی؛

وَاصْطَفَيْتَنِي بِأَعْظَمِ النَّبِيِّينَ دَعْوَةً، وَأَفْضَلِهِمْ شَفَاعَةً، مُحَمَّدٍ

و برگزیدی مرا در دوران پیامبری که از جهت فراخوانی، بزرگترین انبیا و از جهت شفاعت، برترین آنها است؛ یعنی حضرت محمد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



۵۰۸

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ . اللَّهُمَّ فَاعْفِرْ لِي مَا لَا يَسَعُهُ إِلَّا مَغْفِرَتُكَ ،

که درود خدا بر او و آل او باد. بار خدایا؛ بیامرز برای من آن چه را که جز آمرزش تو فراگیر آن نباشد.

وَلَا يَمْحَقُهُ إِلَّا عَفْوُكَ ، وَلَا يُكْفِرُهُ إِلَّا فَضْلُكَ ، وَهَبْ لِي فِي يَوْمِي

و جز عفو و بخشش تو آن را نابود نکند، و جز فضل تو آن را نبوشاند. و امروز به من

يَقِينًا تَهَوَّنُ عَلَيَّ بِهِ مُصِيبَاتِ الدُّنْيَا وَأَحْزَانُهَا بِشَوْقٍ إِلَيْكَ ،

یقینی عطا کن که با آن تمام مصیبت‌ها و غصه‌های دنیا را به واسطه اشتیاق به سوی خودت

وَرَغْبَةٍ فِيمَا عِنْدَكَ ، وَاکْتُبْ لِي عِنْدَكَ الْمَغْفِرَةَ ، وَبَلِّغْنِي الْكَرَامَةَ ،

و میل و علاقه به نعمت‌هایی که نزد تو است آسان گردانی. و برایم نزد خودت بخشش و مغفرت را بنویس، و مرا به کرامت برسان،

وَارْزُقْنِي شُكْرَ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ ، فَإِنَّكَ أَنْتَ اللهُ الْوَاحِدُ الرَّفِيعُ

و سپاسگزاری از نعمت‌های ارزانی شده‌ات را نصیبم کن؛ زیرا تو خدای یکتا، والا،

الْبَدِيُّ الْبَدِيعُ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ، الَّذِي لَيْسَ لِأَمْرِكَ مَدْفَعٌ ، وَلَا

آغازگر، نوآور، شنوا و دانا هستی؛ خدایی که دستورت قابل رد شدن نیست؛

عَنْ قَضَائِكَ مُمْتَنِعٌ ، أَشْهَدُ أَنَّكَ رَبِّي وَرَبُّ كُلِّ شَيْءٍ ، فَاطِرُ

و بازدارنده‌ای از حکم و قضای تو وجود ندارد. گواهی می‌دهم که پروردگار من و پروردگار هر چیزی تو هستی؛

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ، عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ ، الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ .

آسمان‌ها و زمین را آفریدی؛ آگاه از پنهانی و آشکاری؛ بلندمرتبه و بزرگ هستی.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الثَّبَاتَ فِي الْأَمْرِ ، وَالْعَزِيمَةَ عَلَى الرَّشْدِ ،

خدایا؛ به راستی از تو ثبات و پایداری در امر دین و ولایت، اراده قوی بر کامل شدن

وَالشُّكْرَ عَلَى نِعْمَتِكَ ، أَعُوذُ بِكَ مِنْ جَوْرِ كُلِّ جَائِرٍ ، وَبَغْيِ كُلِّ

و سپاسگزاری نعمت‌هایت را درخواست می‌کنم. به تو پناه می‌آورم از جور و ستم هر ستمگر، و از تجاوز و ستم هر

بَاغٍ ، وَحَسَدِ كُلِّ حَاسِدٍ ، بِكَ أَصُولُ عَلَى الْأَعْدَاءِ ، وَبِكَ أَرْجُو

ستم‌پیشه و حسادت هر حسود؛ با کمک تو بر دشمنانم هجوم می‌آورم و چیره می‌گردم،

وَلَايَةَ الْأَحِبَّاءِ مَعَ مَا لَا أَسْتَطِيعُ إِحْصَاءَهُ ، وَلَا تَعْدِيدَهُ مِنْ عَوَائِدِ

و سرپرستی دوستان را نیز از تو امید دارم، با این که نمی‌توانم

قرن یمانی



۵۰۹

فَضْلِكَ، وَطُرْفِ رِزْقِكَ، وَالْأَوَانِ مَا أَوْلَيْتَ مِنْ إِزْفَادِكَ، فَإِنَّكَ

فضل و عایدات تو، و نصیب‌های خوش‌آیند، و بخشش‌نمودن رنگارنگ تو را به شماره درآورم. راستی که تو

أَنْتَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، الْفَاشِي فِي الْخَلْقِ رِفْدُكَ، الْبَاسِطُ

خدایی هستی که جز تو معبودی نیست؛ بخشش نسبت به همه مخلوقات آشکار است، و دست مبارکت به جود و بخشش

بِالْجُودِ يَدُكَ، وَلَا تُضَادُّ فِي حُكْمِكَ، وَلَا تُتَارَعُ فِي أَمْرِكَ، تَمْلِكُ

گسترده است؛ و در دستورت کسی به ضدیت با تو نمی‌تواند برخیزد (تا انجام نشود)؛ در فرمانت کسی را یارای نزاع و جدال با تو نیست؛

مِنَ الْأَنْامِ مَا تَشَاءُ، وَلَا يَمْلِكُونَ إِلَّا مَا تُرِيدُ. ﴿قُلِ اللَّهُمَّ مَالِكَ

از مردم آنچه بخواهی می‌گیری، ولی آنان، جز آن چه را تو اراده کرده باشی در اختیار نخواهند داشت. بگو: پروردگارا؛ ای

الْمُلْكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَنْ تَشَاءُ، وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّنْ تَشَاءُ، وَتُعْزِزُ

صاحب فرمان‌روایی و حکومت؛ به هر که بخواهی فرمانروایی را می‌دهی، و از هر که بخواهی می‌گیری، و هر که را بخواهی عزت

مَنْ تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

می‌بخشی و هر که را بخواهی به ذلت و خواری می‌کشانی؛ خیر و خوبی، تنها در دست توست؛ راستی که تو بر هر کاری توانایی.

* تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُورِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ

شب را در روز وارد می‌کنی، و روز را وارد شب می‌گردانی؛ و زنده را

مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَنْ تَشَاءُ بِغَيْرِ

از مرده بیرون می‌آوری، و مرده را از زنده خارج می‌کنی؛ و هر که را بخواهی بدون

حِسَابٍ ۗ ۱. أَنْتَ الْمُنْعِمُ الْمُفْضِلُ الْخَالِقُ الْبَارِيُّ الْقَادِرُ الْقَاهِرُ

حساب، روزی می‌بخشی. تو نعمت‌بخش فزونی‌دهنده، آفریننده و بوجود آورنده، توانا چیره،

الْمُقَدَّسُ فِي نُورِ الْقُدْسِ، تَرَدَّدَتْ بِالْمَجْدِ وَالْعِزِّ، وَتَعْظَمَتْ

و تقدیس‌شده در روشنی قدس هستی؛ ردای عزت و بزرگواری را بر تن کرده‌ای، و با

بِالْكِبْرِيَاءِ، وَتَغَشَّيْتَ بِالنُّورِ وَالْبَهَاءِ، وَتَجَلَّلْتَ بِالْمَهَابَةِ وَالسَّنَاءِ،

کبریایی عظمت داری، و با روشنی و شکوه و جلال خود را پوشانده‌ای، و با هیبت و عظمت خود را بزرگ نموده‌ای،

لَكَ الْمَنْ الْقَدِيمُ، وَالسُّلْطَانُ الشَّامِخُ، وَالْجُودُ الْوَاسِعُ، وَالْقُدْرَةُ

منت دیرینه، پادشاهی بلندمرتبه، و بخشش فراگیر و توان و

بخشش به هم



الْمُقْتَدِرَةَ، جَعَلْتَنِي مِنْ أَفْضَلِ بَنِي آدَمَ، وَجَعَلْتَنِي سَمِيعاً بَصِيراً،

قدرت و اقتدار واقعی از آن توست، مرا از برترین فرزندان آدم قرار دادی، مرا شنوا و بینا

صَاحِباً سَوِياً مُعَافِئاً، لَمْ تَشْغَلْنِي بِنُقْضَانٍ فِي بَدَنِي، وَلَمْ تَمْنَعَكَ

و صحیح و درست اندام و سالم قرار دادی، مرا گرفتار کم و کاستی در اندامم نکردی،

كَرَامَتِكَ إِيَّايَ، وَحُسْنُ صَنِيعِكَ عِنْدِي، وَفَضْلُ إِعْطَائِكَ عَلَيَّ،

و کرامت و بزرگواری تو، نسبت به من و بهترین رفتار تو با من و فزون‌ترین بخشش‌هایت به من، مانع نشد که

أَنْ وَسَّعْتَ عَلَيَّ فِي الدُّنْيَا، وَفَضَّلْتَنِي عَلَى كَثِيرٍ مِنْ أَهْلِهَا،

در دنیا مرا توانگر گردانی و مرا بر بسیاری از اهل دنیا برتری دهی،

فَجَعَلْتَ لِي سَمْعاً يَسْمَعُ آيَاتِكَ، وَفُؤَاداً يَعْرِفُ عَظَمَتِكَ، وَأَنَا

پس گوش به من دادی تا آیات تو را بشنوم، و قلبی عطا کردی تا بتوانم به کمک آن عظمتت را بشناسم؛ و من

بِفَضْلِكَ حَامِداً، وَبِجُهْدِ يَقِينِي لَكَ شَاكِراً، وَبِحَقِّكَ شَاهِداً. فَإِنَّكَ

به ستایش فضل تو می‌پردازم؛ و در نهایت یقین و باور، به سپاسگزاریات مشغول و گواه حقانیت تو هستم. راستی که تو

حَيٌّ قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ، وَحَيٌّ بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ، وَحَيٌّ لَمْ تَرِثِ الْحَيَاةَ مِنْ

زنده پیش از هر زنده، و زنده پس از هر زنده‌ای هستی، و زنده‌ای هستی که زنده بودن را از زنده‌ای دیگر به ارث نبرده‌ای؛

حَيٌّ، وَلَمْ تَقْطَعْ خَيْرَكَ عَنِّي طَرْفَةَ عَيْنٍ فِي كُلِّ وَقْتٍ، وَلَمْ تُنْزِلْ

و خیر و خوبی‌هایت را برای یک چشم بر هم زدن در هیچ لحظه‌ای از من قطع نکرده‌ای؛

بِي عُقُوبَاتِ النَّقْمِ، وَلَمْ تُغَيِّرْ عَلَيَّ دَقَائِقَ الْعِصْمِ، فَلَوْ لَمْ أَدْكُرْ مِنْ

و کیفر انتقامت را بر من فرو نفرستادی؛ و حراست‌ها و نگهبانی‌های دقیقیت را از من دگرگون ننموده‌ای. اگر از

إِحْسَانِكَ إِلَّا عَفْوَكَ، وَإِجَابَةَ دُعَائِي حِينَ رَفَعْتُ رَأْسِي بِتَحْمِيدِكَ

احسانت جز عفو بخشش تو و پاسخ مثبت تو را نسبت به دعای من - در هنگام بلند کردن سرم برای ستایش و بزرگ داشت تو -

وَتَمْجِيدِكَ، وَفِي قِسْمَةِ الْأَرْزَاقِ حِينَ قَدَّرْتَ، فَلَكَ الْحَمْدُ عَدَدَ

یاد نکنم؛ و اگر جز تقسیم روزی در هنگام تقدیر برابم نبود؛ لازم می‌دانستم تا ستایش به اندازه و تعداد

مَا حَفَظَهُ عِلْمُكَ، وَعَدَدَ مَا أَحَاطَتْ بِهِ قُدْرَتُكَ، وَعَدَدَ مَا وَسِعَتْهُ

آن چه دانش تو در حفظ دارد، و به اندازه و تعداد آن چه در حیطة قدرت توست، و به عدد آن چه در دامنه

قرن بیانی



رَحْمَتِكَ. اللَّهُمَّ فَتَمِّمْ إِحْسَانَكَ فِيمَا بَقِيَ، كَمَا أَحْسَنْتَ فِيمَا مَضَى،

رحمت تو قرار دارد؛ نثار تو کنم. بارالها! احسان و نیکی‌ات را در باقی‌ماندهٔ عمرم بر من کامل گردان چنان‌که در گذشته نیز چنین

فَانِي أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِتَوْحِيدِكَ وَتَمْجِيدِكَ، وَتَحْمِيدِكَ وَتَهْلِيلِكَ،

کردی؛ چرا که من به واسطهٔ یگانه دانستن تو و ثنا گفتن تو، و ستایش و «لا اله الا الله» گفتن،

وَتَكْبِيرِكَ وَتَعْظِيمِكَ، وَبِنُورِكَ وَرَأْفَتِكَ، وَرَحْمَتِكَ وَعُلُوكَ،

و تکبیر و بزرگداشت تو؛ و به واسطهٔ نور و مهربانی، و رحمت و والایی،

وَجَمَالِكَ وَجَلَالِكَ، وَبِهَائِكَ وَسُلْطَانِكَ، وَقُدْرَتِكَ وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ

و زیبایی و بزرگی و شکوه، و پادشاهی، و قدرتت به تو متوسل می‌شوم و به واسطهٔ محمد و آل

الطَّاهِرِينَ، أَلَّا تَحْرِمَنِي رِفْدَكَ وَقَوَائِدَكَ، فَإِنَّهُ لَا يَغْتَرِيكَ لِكَثْرَةِ

پاک او از تو می‌خواهم که مرا از عطا و بخشش و سودبخشی‌هایت محروم مساز؛ چون، تو را به خاطر بخشش فراوانت بازدارندگی

مَا يَتَدَفَّقُ بِهِ عَوَاقِقُ الْبُخْلِ، وَلَا يَنْقُصُ جُودَكَ تَقْصِيرٌ فِي شُكْرِ

بخل فرا نمی‌گیرد، و کوتاهی در سپاسگزاری نعمت تو، باعث کم و کاستی در جود و سخاوت تو

نِعْمَتِكَ، وَلَا تُفْنِي خَزَائِنَ مَوَاهِبِكَ النُّعْمَ، وَلَا تَخَافُ ضَيْمَ إِمْلَاقِ

نمی‌شود، و نعمت بخشیدن‌ها باعث از بین رفتن گنجینه‌های بخشش تو نمی‌گردد؛ تو را ترس تنگدستی

فَتُكْدِي، وَلَا يُلْحِقُكَ خَوْفٌ عَدَمٍ فَيَنْقُصَ فَيْضُ فَضْلِكَ. اللَّهُمَّ

فرا نمی‌گیرد تا دست از بخشش برداری، و ترس ناداری نیز به تو راه نمی‌یابد که باعث کاستی در ریزش فضلت گردد. بارخدایا!

ارزُقْنِي قَلْبًا خَاشِعًا، وَيَقِينًا صَادِقًا، وَلِسَانًا ذَاكِرًا، وَلَا تُؤْمِنِي

به من قلبی باخشوع و فروتن، و یقین و باوری راستین و زبانی گویا به ذکرت، ارزانی دار؛ مرا ایمن از

مَكْرِكَ، وَلَا تَكْشِفْ عَنِّي سِتْرَكَ، وَلَا تُسِنِي ذِكْرَكَ، وَلَا تُبَاعِدْنِي

مکر خود مگردان، و پرده‌پوشی‌ات را از من بر مگیر؛ و یادت را از یاد من مبر؛

مِنْ جَوَارِكَ، وَلَا تَقْطَعْنِي مِنْ رَحْمَتِكَ، وَلَا تُؤْيِسْنِي مِنْ رَوْحِكَ،

و از جوار رحمتت دورم مکن؛ و از رحمتت جدایم مساز؛ و از رحمت و مهربانی خویش ناامیدم مگردان؛

وَكُنْ لِي أَنْيْسًا مِنْ كُلِّ وَحْشَةٍ، وَأَعْصِمْنِي مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ،

و همواره در تمام وحشت‌ها، همدم من باش؛ و مرا از هر هلاکتی حفظ کن؛

ببخشیدم

بخشیدم



512

وَنَجِّنِي مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ، فَإِنَّكَ لَا تُخَلِّفُ الْمِيعَادَ. اللَّهُمَّ ارْفَعْنِي

و از هر بلا و گرفتاری نجاتم بخش؛ زیرا، واقعیت آن است که تو خلاف وعدهات عمل نمی‌کنی. بار الها؛ مرا سرفراز کن

وَلَا تَضَعْنِي، وَزِدْنِي وَلَا تَنْقُصْنِي، وَارْحَمْنِي وَلَا تُعَذِّبْنِي،

و سرافکنده مگردان؛ برایم افزون کن و کم مگردان؛ و به من رحم کن و عذابم مکن؛

وَانصُرْنِي وَلَا تَخْذَلْنِي، وَاثِرْنِي وَلَا تُؤْتِرْ عَلَيَّ، وَصَلِّ عَلَيَّ

و یاریم کن و خوارم مگردان؛ و مرا ترجیح بده و دیگران را بر من ترجیح مده؛ و بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا.

محمد و آل پاک و پاکیزه‌اش درود بفرست و بسیار بسیار سلام خود را نثارشان کن.

ابن عباس، ادامه کلام امام علیه السلام را چنین نقل می‌کند:

مراقب باش که حفظ کنی، و باید تمام این دعا در یک روز خوانده شود؛ و همانا من امیدوارم در حالی به سرزمینت برسی که خداوند دشمنانت را نابود و هلاک فرموده باشد.

راستی من از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: اگر مردی این دعا را با نیتی راستین و قلبی خاشع و فروتن بخواند، آن گاه به کوه‌ها دستور بدهد که همراه او حرکت کنند، به طور حتم به دنبالش حرکت خواهند کرد؛ و اگر به دریا دستور دهد می‌تواند بر روی آن راه برود.

آن مرد به طرف وطنش حرکت کرد، و پس از چهل روز نامه‌اش به امیر مؤمنان علیه السلام رسید که در آن گفته بود: واقعیت آن است که خداوند تعالی دشمنم را به هلاکت رساند؛ به گونه‌ای که حتی یک مرد از آنان در سرزمین ما باقی نمانده است؛

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز فرمودند:

این را می‌دانستم؛ و این حقیقت را رسول خدا صلی الله علیه و آله به من آموخته است؛ هیچ کاری نیز به من دشوار نمی‌شود، جز آن که با این دعا آسان می‌شود.^۱

۱. بحار الأنوار: ۲۴۰/۹۵، و مهج الدعوات: ۱۲۷ (با تفاوت اندک).



دعای حریق

که صبحگاهان خوانده می شود^۱

اللَّهُمَّ إِنِّي أَصْبَحْتُ أَشْهَدُكَ وَكَفَى بِكَ شَهِيداً، وَأُشْهِدُ مَلَائِكَتَكَ

بارالها! من صبح کرده‌ام در حالی که تو را گواه می‌گیرم و البته تو برای گواه بودن، بسنده و کافی هستی - و فرشتگان

وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ وَسُكَّانَ سَبْعِ سَمَاوَاتِكَ وَأَرْضِيكَ وَأَنْبِيَاءَكَ

و حاملان عرش و ساکنان آسمان‌های هفت‌گانه و زمین‌هایت؛ و پیامبران

وَرُسُلِكَ وَوَرِثَةَ أَنْبِيَاءِكَ وَرُسُلِكَ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكَ وَجَمِيعَ

و رسولان و وارثان انبیا و فرستادگانت، و بندگان شایسته‌ات، و تمام مخلوقات را نیز گواه می‌گیرم؛

خَلْقِكَ، فَاشْهَدْ لِي وَكَفَى بِكَ شَهِيداً أَنِّي أَشْهَدُ أَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ لَا

بس تو گواه و شاهد من باش - و گواهی تو، بسنده و کافی است - که من با باوری راستین گواهی می‌دهم که همانا تو خدایی هستی

إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَعْبُودُ وَحَدَّكَ لِأَشْرِيكَ لَكَ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ

که جز تو خدایی نیست و تنها معبود حقیقی و شایسته پرستش تویی؛ یگانه‌ای؛ شریک نداری؛ و محمد - که

عَلَيْهِ وَالِاهِ عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ، وَأَنَّ كُلَّ مَعْبُودٍ مِمَّا دُونَ عَرْشِكَ

بر او و آل او درود الهی نثار باد - بنده و فرستاده توست؛ هر پرستش‌شونده‌ای که از زیر عرش تو

إِلَى قَرَارِ أَرْضِكَ السَّابِعَةِ السُّفْلَى بَاطِلٌ مُضْمَحِلٌ مَا خَلَا وَجْهَكَ

تا طبقه هفتم پایینی زمین باشد، باطل و نابود است جز ذات

الكَرِيمِ، فَإِنَّهُ أَعَزُّ وَأَكْرَمُ وَأَجَلُّ وَأَعْظَمُ مِنْ أَنْ يَصِفَ الْوَاصِفُونَ

بزرگوار تو؛ زیرا، آن عزت‌مندتر، کریم‌تر، شکوه‌مندتر و عظیم‌تر از آن است که توصیف‌کنندگان بتوانند

كُنْهَ جَلَالِهِ أَوْ تَهْتَدِيَ الْقُلُوبُ إِلَى كُنْهِ عَظَمَتِهِ، يَا مَنْ فَاقَ مَدْحَ

کنه و نهایت شکوهش را توصیف کنند؛ یا دل‌ها و قلبها بتوانند به حقیقت عظمت او راه یابند، ای کسی که ارزش و سربلندی مدح

۱. این دعا از امام سجّاد علیه السلام، از پدرانش علیهم السلام، از رسول خدا صلی الله علیه و آله، از خدای تعالی نقل شده است؛ و قسمتی که بر آن افزوده شده از مولایمان امام زمان ارواحنا فداء است.

بخش دهم



الْمَادِحِينَ فَخُرُّ مَدْحِهِ، وَعَدَا وَصَفَ الْوَاصِفِينَ مَثَرُ حَمْدِهِ، وَجَلَّ

و ستایش او برتر از مدح و ستایش ستایشگران است، و ستایش‌های شایسته او از وصف توصیف کنندگان گذشته است،

عَنْ مَقَالَةِ النَّاطِقِينَ تَعْظِيمُ شَأْنِهِ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

و بزرگداشت شأن او از گفتار گویندگان بالاتر و شکوه‌مندتر است؛ بر محمد و آل محمد درود فرست

وَأَفْعَلُ بِنَا مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، يَا أَهْلَ التَّقْوَى وَأَهْلَ الْمَغْفِرَةِ سَهْ مَرْتَبَةً.

و آن گونه که شایسته و بایسته مقام توست با ما رفتار کن؛ ای کسی که شایستگی مقامش تقواست و مغفرت شیوه رفتار او می‌باشد.

سِپِسِ يَزْدَهُ مَرْتَبَةً هَيْنَ بَخْشِ خَوَانِدَه شُود: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ

جز خداوند معبودی نیست؛ یگانه و بی‌شریک است؛

لَهُ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ

خداوند منزّه و پاک است و مشغول حمد و ستایش او هستم؛ از او طلب بخشش می‌کنم و به سوی او باز می‌گردم؛ هر چه او بخواهد

وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ، لَهُ الْمُلْكُ

می‌شود؛ و هر توان و حرکتی تنها به سبب خداوند است، او اول و آخر و ظاهر و باطن است، فرمان‌روایی تنها از آن اوست

وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَيُمِيتُ وَيُحْيِي، وَهُوَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ،

و ستایش تنها برای اوست، او زنده می‌کند و می‌میراند، و می‌میراند و زنده می‌کند، و او زنده‌ای است که هرگز نمی‌میرد،

بِيَدِهِ الْخَيْرُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

همه خیرات به دست اوست و او بر هر چیزی تواناست.

سِپِسِ يَزْدَهُ مَرْتَبَةً مِي‌گویی: سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ

پاک و منزّه است خداوند و حمد و ستایش مخصوص خداست و معبودی جز خدا نیست، و خدا

أَكْبَرُ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ وَأَتُوبُ إِلَيْهِ، مَا شَاءَ اللَّهُ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا

بزرگ‌تر از آن است که وصف شود، از خدا طلب آمرزش نموده و به سوی او باز می‌گردم، آنچه او بخواهد می‌شود، هر توان و حرکتی تنها به

بِاللَّهِ الْحَلِيمِ الْكَرِيمِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ

سبب خداوند است، که بردبار بزرگوار، بلندمرتبه، بزرگ، بخشنده، مهربان، پادشاه، در نهایت پاکي،

الْحَقِّ الْمُبِينِ، عَدَدَ خَلْقِهِ وَزِنَةَ عَرْشِهِ وَمِثْلَ سَمَاوَاتِهِ وَأَرْضِيهِ،

و حق آشکار است. این ثناگویی را به تعداد مخلوقاتش و به وزن عرش و به اندازه پر شدن آسمان‌ها و زمین‌هایش،

دعای
مربوب...



۵۱۵

وَعَدَدَ مَا جَرَى بِهِ قَلَمُهُ وَأَحْصَاهُ كِتَابُهُ وَمِدَادُ كَلِمَاتِهِ وَرِضَا نَفْسِهِ.

و به تعداد آن چه قلمش به آن جاری گشته، و کتابش دربر گرفته، و به قدر کلمات و به اندازه رضایت خودش، انجام می‌دهم.

سپس بگو: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ الْمُبَارَكِينَ،

بارالها؛ بر محمد و اهل بیت پربرکتش درود بفرست،

وَصَلِّ عَلَى جِبْرَائِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَإِسْرَافِيلَ، وَحَمَلَةَ عَرْشِكَ

و بر جبرئیل و میکائیل و اسرافیل و تمامی حاملان عرشت

أَجْمَعِينَ، وَالْمَلَائِكَةَ الْمُقَرَّبِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ حَتَّى تُبَلِّغَهُمْ

و فرشتگان مقربت درود بفرست. بارالها؛ آن قدر بر ایشان درود بفرست که به

الرِّضَا، وَتَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

رضایت‌شان برسانی، و پس از رضایت نیز آن چه شایسته و بایسته مقام توست به ایشان افزون کنی؛ ای مهربان‌ترین مهربان!

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلَى مَلِكِ الْمَوْتِ

بارالها؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست؛ و بر فرشته مرگ

وَأَعْوَانِهِ، وَصَلِّ عَلَى رِضْوَانَ وَخَزَنَةِ الْجَنَانِ، وَصَلِّ عَلَى مَالِكِ

و یارانش درود بفرست، و بر جناب رضوان و خزانه‌داران بهشت درود بفرست؛ و بر جناب مالک

وَحَزَنَةِ النَّيِّرَانِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ حَتَّى تُبَلِّغَهُمُ الرِّضَا، وَتَزِيدَهُمْ

و دیگر خزانه‌داران جهنم نیز درود بفرست. بارالها؛ آن قدر بر ایشان درود بفرست که به مقام رضا و خشنودی تو برسند و

بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ

پس از رضایت نیز آن گونه که شایسته و بایسته مقام توست بر ایشان فزونی بخش؛ ای مهربان‌ترین مهربانان؛ بارالها؛

عَلَى الْكِرَامِ الْكَاتِبِينَ، وَالسَّفَرَةَ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ، وَالْحَفَظَةَ لِبَنِي

بر فرشتگان بزرگواری نویسندگان؛ بر سفیران بزرگواری و نیکوکار؛ و بر نگهبانان بنی

آدَمَ، وَصَلِّ عَلَى مَلَائِكَةِ الْهَوَاءِ وَالسَّمَاوَاتِ الْعُلَى، وَمَلَائِكَةِ

آدم درود بفرست؛ و بر فرشتگان هوا و آسمان‌های بالا؛ بر فرشتگان

الْأَرْضِينَ السُّفْلَى، وَمَلَائِكَةِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَالْأَرْضِ وَالْأَقْطَارِ،

زمین‌های پایین و بر فرشتگان شب و روز، و زمین و کرانه‌ها،

محمّد

بخش دهم



وَالْبَحَارِ وَالْأَنْهَارِ، وَالْبَرَاري وَالْفَلَوَاتِ وَالْقِفَارِ، وَصَلِّ عَلَى

دریاها و نهرها، خشکی‌ها و دشت‌ها و بیابان‌های بی‌آب و علف؛ درود بفرست، و بر

مَلَائِكَتِكَ الَّذِينَ أَعْنَيْتَهُمْ عَنِ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ بِتَسْبِيحِكَ

فرشتگانی که ایشان را به وسیله تسبیح‌گویی و تقدیس‌گویی و پرستش از خوردن و آشامیدن بی‌نیاز کردی درود بفرست.

وَ تَقْدِيرِكَ وَعِبَادَتِكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ حَتَّىٰ تَبْلُغَهُمُ الرِّضَا،

بارالها! آن قدر بر ایشان درود بفرست که ایشان را به مقام رضا برسانی،

وَتَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ

و پس از رضایت نیز برای ایشان افزون کنی آن گونه که شایسته و بایسته مقام توست؛ ای مهربان‌ترین مهربانان. بارالها!

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّ عَلَى أَبِينَا آدَمَ، وَأُمَّنَا حَوَّاءَ

بر محمد و آل محمد درود بفرست؛ و بر پدرمان حضرت آدم و مادرمان حواء،

وَمَا وَكَلَدْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصُّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ. اللَّهُمَّ

و آن دسته از فرزندان‌شان که پیامبر، صدیق، شهید و صالح و شایسته بودند؛ درود بفرست. بارالها!

صَلِّ عَلَيْهِمْ حَتَّىٰ تَبْلُغَهُمُ الرِّضَا، وَتَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا أَنْتَ

بر آنان درود بفرست آن چنان که به مقام رضا دست یابند و پس از رضایت نیز آنچه

أَهْلُهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ

شایسته و بایسته‌تر است بر ایشان افزون کن؛ ای مهربان‌ترین مهربانان. بارالها! بر محمد و اهل بیت

الطَّيِّبِينَ، وَعَلَىٰ أَصْحَابِهِ الْمُتَجَبِّينَ، وَعَلَىٰ أَزْوَاجِهِ الْمُطَهَّرَاتِ،

پاک او؛ بر یاران نجیبش، و همسران پاک او،

وَعَلَىٰ ذُرِّيَّةِ مُحَمَّدٍ، وَعَلَىٰ كُلِّ نَبِيٍّ بَشَّرَ بِمُحَمَّدٍ، وَعَلَىٰ كُلِّ نَبِيٍّ

و بر نسل و فرزندان محمد، و بر هر پیامبری که بشارت به آمدن او داد، و بر هر پیامبری

وَلَدَ مُحَمَّدًا، وَعَلَىٰ كُلِّ مَنْ فِي صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ رِضَىٰ لَكَ

که جزو اجداد محمد بود، و بر هر کسی که درود فرستادن تو بر او باعث رضایت تو

وَرِضَىٰ لِنَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِمْ

و باعث رضایت پیامبرت حضرت محمد - که درود خدا بر او و آل او باد - است، درود بفرست. بارالها! بر آنان درود بفرست آن

حَتَّى تَبْلُغَهُمُ الرِّضَا، وَتَزِيدَهُمْ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ، يَا

چنان که به مقام رضا برسانی و پس از رضایت نیز آن چنان که شایسته و بایسته توسط بر ایشان فزونی بخش؛ ای

أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارِكْ

مهربان‌ترین مهربانان. بارالها! بر محمد و آل محمد درود بفرست؛ و بر

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَرْحَمَ مُحَمَّدًا وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَأَفْضَلِ

محمد و آل محمد برکت بفرست؛ و رحمت خویش را بر محمد و آل محمد نازل فرما؛ برتر از آنچه

مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ

درود و برکت و رحمت خویش را بر ابراهیم و آل ابراهیم مقرر فرمودی؛ همانا، تو

حَمِيدٌ مَجِيدٌ. اللَّهُمَّ أَعْطِ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْوَسِيلَةَ

ستوده و شکوه‌مند هستی. بارالها! وسیله را به محمد - که درود بر او و آل او باد - عطا فرما،

وَالْفَضْلَ، وَالْفَضِيلَةَ وَالذَّرَجَةَ الرَّفِيعَةَ، وَأَعْطِهِ حَتَّى يَرْضَى،

و فضل و فضیلت و درجه والا به او ببخش؛ آن قدر به او عنایت کن که خشنودیش فراهم شود،

وَزِدَّهُ بَعْدَ الرِّضَا مِمَّا أَنْتَ أَهْلُهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ

و پس از رضایت او هر چه شایسته و بایسته مقام توسط بر او افزون کن؛ ای مهربان‌ترین مهربانان. بارالها!

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا أَمَرْتَنَا أَنْ نُصَلِّيَ عَلَيْهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ

بر محمد و آل محمد درود بفرست، چنان که به ما دستور فرمودی بر او درود بفرستیم. بارالها!

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نُصَلِّيَ عَلَيْهِ. اللَّهُمَّ

بر محمد و آل محمد درود بفرست، آن گونه که برای ما سزاوار است که بر او درود بفرستیم. بارالها!

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بَعْدَ مَنْ صَلَّى عَلَيْهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ

بر محمد و آل محمد درود فرست به عدد کسانی که بر او درود فرستاده‌اند. بارالها!

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بَعْدَ مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

نیز بر محمد و آل محمد درود بفرست به تعداد کسانی که بر محمد و آل محمد درود نفرستاده‌اند. بارالها!

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بَعْدَ كُلِّ حَرْفٍ فِي صَلَاةِ صَلَّيْتَ عَلَيْهِ. اللَّهُمَّ

به عدد هر حرف در درودهایی که بر او فرستاده شده بر محمد و آل محمد درود بفرست. بارالها! به

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِحَسْبِ دَمْعٍ



صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ مَنْ صَلَّى عَلَيْهِ وَمَنْ لَمْ يُصَلِّ

تعداد تمام کسانی که بر محمد و آل محمد صلوات فرستادند و به تعداد تمام کسانی که بر محمد و آل محمد صلوات نفرستاده‌اند،

عَلَيْهِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ كُلِّ شَعْرَةٍ وَلَفْظَةٍ

بر محمد و آل محمد درود بفرست. بارالها! به تعداد تمام موی‌ها، کلمه‌ها،

وَلَحْظَةٍ وَنَفْسٍ وَصِفَةٍ وَسُكُونٍ وَحَرَكَةٍ مِمَّنْ صَلَّى عَلَيْهِ، وَمِمَّنْ

لحظه‌ها، نفس‌ها، ویژگی‌ها، ایست‌ها و جنبش‌های تمام کسانی که بر محمد صلوات فرستاده‌اند و نیز تمام کسانی که

لَمْ يُصَلِّ عَلَيْهِ، وَبِعَدَدِ سَاعَاتِهِمْ وَدَقَائِقِهِمْ، وَسُكُونِهِمْ وَحَرَكَاتِهِمْ،

صلوات نفرستاده‌اند؛ بر محمد و آل محمد درود بفرست. نیز به اندازه تمام ساعت‌ها و دقیقه‌های عمرشان، و ایست‌ها و حرکت‌هایشان،

وَحَقَائِقِهِمْ وَمِيقَاتِهِمْ، وَصِفَاتِهِمْ وَأَيَّامِهِمْ، وَشُهُورِهِمْ وَسِنِّيهِمْ،

و حقیقت‌ها و وعده‌گاه‌های‌شان، و ویژگی‌ها و روزهای‌شان، و ماه‌ها و سال‌های‌شان،

وَأَشْغَارِهِمْ وَأَبْشَارِهِمْ، وَبِعَدَدِ زَنَةِ ذَرِّ مَا عَمِلُوا، أَوْ يَعْمَلُونَ أَوْ

و موها و پوست‌های بدن‌شان؛ و به عدد وزن ذرات آنچه عمل کرده‌اند یا عمل می‌کنند یا

بَلَغَهُمْ أَوْ رَأَوْا أَوْ ظَنُّوا أَوْ فَطِنُوا، أَوْ كَانَ مِنْهُمْ، أَوْ يَكُونُ إِلَى

به ایشان رسیده یا دیده‌اند یا گمان کرده‌اند یا با فطانت و زیرکی آگاه شده‌اند، یا از ایشان سر زده است یا از ایشان تا

يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَكَأَضْعَافِ ذَلِكَ أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ،

روز قیامت سر خواهد زد؛ بلکه چندین برابر آن‌ها تا روز قیامت؛ (به تعداد و اندازه تمام چیزهایی که گفته شد) بر محمد و آل او

يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ

درود بفرست؛ ای مهربان‌ترین مهربانان، بارالها! بر محمد و آل محمد درود بفرست به تعداد تمام چیزهایی که

مَا خَلَقْتَ، وَمَا أَنْتَ خَالِقُهُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، صَلَوَةً تُرْضِيهِ.

آفریده‌ای و آنچه که تا روز قیامت خواهی آفرید؛ آن چنان درودی که موجب رضایت و خشنودی آن بزرگوار شود.

اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ وَالشُّنَاءُ وَالشُّكْرُ، وَالْمَنُّ وَالْفَضْلُ، وَالطَّوْلُ

بارالها! ستایش و ثناگویی و سپاسگزاری و منت و برتری،

وَالْخَيْرُ وَالْحُسْنَى وَالنُّعْمَةُ، وَالْعِزَّةُ وَالْجَبْرُوتُ، وَالْمَلِكُ

و احسان و نیکی و خوبی و نعمت، و عظمت و قدرت و شوکت، و عالم ظاهر



وَالْمَلَكَوْتُ، وَالْقَهْرُ وَالسُّلْطَانُ، وَالْفَخْرُ وَالسُّؤْدُدُ، وَالْإِمْتِنَانُ

و عالم باطن، و چیرگی محض و سلطنت، و افتخار و ریاست و آقایی، و منت نهادن،

وَالْكَرَمُ، وَالْجَلالُ وَالْإِكْرَامُ، وَالْجَمالُ وَالْكَمَالُ، وَالْخَيْرُ

و بزرگواری و شکوه و کرامت کردن، و زیبایی و کمال، و خیر

وَالتَّوْحِيدُ وَالتَّمْجِيدُ، وَالتَّحْمِيدُ وَالتَّهْلِيلُ وَالتَّكْبِيرُ وَالتَّقْدِيسُ،

و یکتادانستن و بزرگ شمردن، و ستایش کردن و تهلیل گفتن و تکبیرگویی و مقدس دانستن،

وَالرَّحْمَةُ وَالمَغْفِرَةُ وَالكِبْرِيَاءُ وَالعِظَمَةُ. وَلكَ مَا زَكَى وَطابَ

و رحمت و بخشش، و کبریایی و بزرگ مرتبه‌ای اختصاص به تو دارد. بارالها! خالص‌ترین، پاک‌ترین

وَطَهْرٌ مِنَ الثَّنَاءِ الطَّيِّبِ، وَالمَدِيحِ الْفَاحِرِ، وَالقَوْلِ الْحَسَنِ

و پاکیزه‌ترین مدح و ثنای ارزنده، گفتار نیک و

الْجَمِيلِ الَّذِي تَرْضَى بِهِ عَنْ قَائِلِهِ، وَتَرْضَى بِهِ قَائِلُهُ وَهُوَ

زیبایی که باعث رضایت تو از گوینده‌اش شود و تو نیز گوینده‌اش را راضی کنی و آن گفتار نیز موجب

رِضَى لَكَ، يَتَّصِلُ حَمْدِي بِحَمْدِ أَوَّلِ الْحَامِدِينَ، وَثَنَائِي بِثَنَاءِ

رضایت تو باشد؛ اختصاص به تو دارد. و این باعث شود ستایش من به ستایش اولین ستایشگران تو متصل گردد. و ثناگویم به ثناگوئی

أَوَّلِ الْمُثْنِينَ عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ مُتَّصِلاً بِذَلِكَ بِذَلِكَ، وَتَهْلِيلِي

نخستین ثناگو بر پروردگار جهان اتصال یابد، حمد و ثنایم نیز به یکدیگر وصل شوند؛ تهلیل و «لا إله إلا الله» گفتیم

بِتَهْلِيلِ أَوَّلِ الْمُهْلِلِينَ، وَتَكْبِيرِي بِتَكْبِيرِ أَوَّلِ الْمُكْبِرِينَ، وَقَوْلِي

به تهلیل اولین تهلیل‌گر اتصال یابد، و تکبیرگویی و بزرگداشت من به تکبیرگویی اولین تکبیرگویان، و گفتار

الْحَسَنِ الْجَمِيلِ بِقَوْلِ أَوَّلِ الْقَائِلِينَ الْمُجْمِلِينَ الْمُثْنِينَ عَلَى رَبِّ

نیکی و زیبای من به گفتار اولین خوش‌گفتار زیباگوی ثناگوی پروردگار

الْعَالَمِينَ، مُتَّصِلاً بِذَلِكَ بِذَلِكَ، مِنْ أَوَّلِ الدَّهْرِ إِلَى آخِرِهِ. وَبِعَدَدِ

جهان اتصال یابد و هر یک نیز به دیگری وصل شوند؛ از ابتدای روزگار تا آخرش. به تعداد

زِينَةِ ذُرِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، وَالرَّمَالِ وَالتَّلالِ وَالْجِبَالِ، وَعَدَدِ

و هم‌سنگ تمام ذره‌های موجود در آسمان‌ها و زمین‌ها و سنگریزه‌ها و تپه‌ها و کوه‌ها؛ و به تعداد

صیغہ حمد

بخش دوم



۵۲۰

جُرْعَ مَاءِ الْبِحَارِ، وَعَدَدِ قَطْرِ الْأَمْطَارِ، وَوَرَقِ الْأَشْجَارِ، وَعَدَدِ

جرعه‌های آب دریاها، و به تعداد دانه‌های باران، و برگ درختان، و تعداد

النُّجُومِ، وَعَدَدِ الثَّرَى وَالْحَصَى وَالنَّوَى وَالْمَدَرِ، وَعَدَدِ زِنَةِ

ستارگان، و تعداد ذرات خاک و سنگریزه‌ها و دانه‌ها و هسته‌ها و کلوخ‌ها؛ و هم‌سنگ

ذَلِكَ كُلِّهِ، وَعَدَدِ زِنَةِ ذَرِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، وَمَا فِيهِنَّ وَمَا

تمام آنچه گفته شد، و هم‌سنگ ذره‌های آسمان‌ها و زمین‌ها، و آنچه در آنها

بَيْنَهُنَّ وَمَا تَحْتَهُنَّ، وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ وَمَا فَوْقَهُنَّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ،

و بین آن هاست، و در زیر آن‌ها قرار داد؛ و باز آن چه مابین آن‌ها، و بالای آن‌ها قرار دارد تا روز قیامت،

مِنْ لَدُنِ الْعَرْشِ إِلَى قَرَارِ أَرْضِكَ السَّابِعَةِ السُّفْلَى. وَبِعَدَدِ

از جایگاه عرش الهی تا پایین‌ترین جای زمین هفتم پایینیات؛ و به تعداد

حُرُوفِ الْأَفَاظِ أَهْلِهِنَّ، وَعَدَدِ أَرْمَانِهِمْ وَدَقَائِقِهِمْ وَشَعَائِرِهِمْ

حروف لفظ‌هایی که اهل این جاها استفاده می‌کنند، و به تعداد زمان‌ها و دقیقه‌ها و علامت‌های‌شان،

وَسَاعَاتِهِمْ وَأَيَّامِهِمْ، وَشُهُورِهِمْ وَسِنِّيهِمْ، وَسُكُونِهِمْ وَحَرَكَاتِهِمْ،

ساعت‌ها و روزهای‌شان، ماه‌ها و سال‌های‌شان، ایست‌ها و حرکت‌های‌شان،

وَأَشْعَارِهِمْ وَأَبْشَارِهِمْ. وَعَدَدِ زِنَةِ ذَرِّ مَا عَمِلُوا أَوْ يَعْمَلُونَ أَوْ

موها و پوست‌های بدن‌شان؛ تو را می‌ستایم. نیز به تعداد و هم‌سنگ هر ذره عملی که انجام داده یا می‌دهند

بَلَّغَهُمْ أَوْ رَأَوْا أَوْ ظَنُّوا أَوْ فَطِنُوا أَوْ كَانَ مِنْهُمْ أَوْ يَكُونُ إِلَى

از آن خبردار شده‌اند یا دیده‌اند یا گمان کرده‌اند یا با فطانت و زیرکی آگاهی یافته‌اند یا از ایشان بوده است یا تا

يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَعَدَدِ زِنَةِ ذَرِّ ذَلِكَ وَأَضْعَافِ ذَلِكَ، وَكَأَضْعَافِ

روز قیامت از ایشان سر خواهد زد؛ و عدد ذرات آن بلکه چندین برابر آن چه گفته شد، و نیز چندین برابر این‌ها،

ذَلِكَ أَضْعَافًا مُضَاعَفَةً لَا يَعْلَمُهَا وَلَا يُحْصِيهَا غَيْرُكَ يَا ذَا الْجَلَالِ

به گونه‌ای که جز تو کسی را یارای دانستن و شمارش آن‌ها نباشد - ای صاحب شکوه

وَالْإِكْرَامِ، وَأَهْلُ ذَلِكَ أَنْتَ، وَمُسْتَحِقُّهُ وَمُسْتَوْجِبُهُ مِنِّي وَمِنْ

و کرامت؛ - ستایشت می‌کنم. البته تو شایسته این‌ها هستی، و بایسته مقام تو و سزاوار آستان تو می‌باشی؛

جَمِيعَ خَلْقِكَ يَا بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ . اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ لَسْتَ

این ستایش‌ها از من و از تمام آفریدگانت نثار تو باد؛ ای آفریننده و پدیدآور آسمان‌ها و زمین؛ بار خدایا؛ تو پروردگاری نیستی که

بِرَبِّ اسْتَحْدَثْنَاكَ ، وَلَا مَعَكَ اِلَهٌ فَيَشْرَكَكَ فِي رُبُوبِيَّتِكَ ، وَلَا

ما تو را به تازگی خوانده باشیم؛ و معبودی نیز همراه تو نیست که در پروردگاریت با تو شرکت داشته باشد؛

مَعَكَ اِلَهٌ اَعَانَكَ عَلٰى خَلْقِنَا ، اَنْتَ رَبُّنَا كَمَا تَقُولُ وَفَوْقَ مَا يَقُولُ

و خدایی نیز با تو نیست که برای آفریدن ما یاریت کرده باشد. تو پروردگار ما هستی همان‌گونه که خودت می‌گویی، و بالاتر از آنچه

الْقَائِلُونَ ، اَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ ، وَاَنْ

گویندگان می‌گویند؛ از تو می‌خواهم بر محمد و آل محمد درود بفرستی، و

تُعْطِيَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ اَفْضَلَ مَا سَأَلْتُكَ ، وَاَفْضَلَ مَا

به محمد - که درود بر او و آل او باد - فزون‌تر از آنچه که از تو درخواست می‌کند، و برتر از آنچه که مورد درخواست قرار می‌گیری؛ و

سُئِلْتُ ، وَاَفْضَلَ مَا اَنْتَ مَسْئُوْلٌ لَهٗ اِلٰى يَوْمِ الْقِيَامَةِ . اُعِيْذُ اَهْلَ

برتر از آن چه تا روز قیامت از تو برای او خواسته می‌شود عطا فرمایی. می‌سپارم اهل

بَيْتِ النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ وَنَفْسِي وِدِينِي وَذُرِّيَّتِي

بیت پیغمبر اکرم - که درودت بر او و ایشان باد - و خودم، و دینم، و نسلم،

وَمَالِي وَوٰلِدِي وَاَهْلِي وَّقَرَابَاتِي وَاَهْلَ بَيْتِي وَاَهْلَ ذِي رَحْمٍ لِي

و دارایی و فرزندانم و اهل من، و خویشانم و خاندانم و تمام کسانی که با من نسبتی دارند

دَخَلَ فِي الْاِسْلَامِ ، اَوْ يَدْخُلُ اِلٰى يَوْمِ الْقِيَامَةِ ، وَحُرَاْنَتِي

در اسلام وارد شده یا وارد می‌شوند تا روز قیامت، و عیالات من،

وَخَاصَّتِي ، وَمَنْ قَلَّدَنِي دُعَاءً اَوْ اَسْدَى اِلَيَّْ يَدًا ، اَوْ رَدَّ عَنِّي

و مخصوصان من، و تمام کسانی که واگذار نموده‌اند به من دعا کردن را یا به من نیکی و بخششی کرده‌اند، یا از

غَيْبَةً ، اَوْ قَالَ فِيَّ خَيْرًا ، اَوْ اتَّخَذْتُ عِنْدَهُ يَدًا اَوْ صَنِيعَةً ،

غیبت من جلوگیری کرده، یا در مورد من زبان به نیکی گشوده، یا از او کمک خواسته‌ام یا کاری برایش کرده است؛

وَجِيرَانِي وَاِخْوَانِي مِنَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ، بِاللّٰهِ وَبِاسْمَائِهِ

و نیز همسایگان و برادران و خواهران مؤمن خود را، به خدا و به نام‌های

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بخش نهم



۵۲۲

التَّامَّةِ الْعَامَّةِ الشَّامِلَةِ الْكَامِلَةِ الطَّاهِرَةِ الْفَاضِلَةِ الْمُبَارَكَةِ

کامل، عمومی، فراگیر، کامل، پاک، فزون، بخش، بابرکت،

الْمُتَعَالِيَةِ الزَّائِكِيَةِ الشَّرِيفَةِ الْمَنِيعَةِ الْكَرِيمَةِ الْعَظِيمَةِ الْمَخْرُونَةِ

بلندمرتبه، خالص و پاکیزه، شرافت‌مند، بازدارنده، بزرگوارانه، عظیم، پنهان و

الْمَكْنُونَةِ الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ، وَبِأَمِّ الْكِتَابِ وَخَاتِمَتِهِ،

ذخیره‌شده الهی - نام‌هایی که هیچ شخصی نیک و بدی از آن‌ها درنگردد - و به ام‌الکتاب (سوره حمد که ابتدای قرآن است) و به انتهای آن،

وَمَا بَيْنَهُمَا مِنْ سُورَةٍ شَرِيفَةٍ، وَآيَةٍ مُحْكَمَةٍ، وَشِفَاءٍ وَرَحْمَةٍ،

و آنچه بین این دو بخش از سوره‌های شریفه و آیات محکمه و شفا و رحمت

وَعَوْدَةٍ وَبَرَكَاتٍ، وَبِالتَّوْرِيَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ وَالْفُرْقَانِ وَصَحُفِ

و تعوید و برکت وجود دارد، و به تورات و انجیل و زبور و فرقان (قرآن) و صحیفه‌های

إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى، وَبِكُلِّ كِتَابٍ أَنْزَلَهُ اللَّهُ، وَبِكُلِّ رَسُولٍ أَرْسَلَهُ

ابراهیم و موسی، و به تمام کتاب‌هایی که خداوند تعالی فرو فرستاده است، و به تمام رسولانی که خداوند فرستاده است،

اللَّهُ، وَبِكُلِّ حُجَّةٍ أَقَامَهَا اللَّهُ، وَبِكُلِّ بَرْهَانٍ أَظْهَرَهُ اللَّهُ، وَبِكُلِّ

و به تمام براهین و دلیل‌های آشکاری که خداوند اقامه کرده است، و به تمام دلایل قاطع و روشنی که خداوند آشکار کرده است، و

نُورٍ أَنْارَهُ اللَّهُ، وَبِكُلِّ آيَةٍ اللَّهِ وَعَظْمَتِهِ. أَعِيدُ وَأَسْتَعِيدُ مِنْ شَرِّ

به تمام روشنی‌هایی که خداوند روشن گردانیده است، و به تمام نعمت‌ها و عظمت الهی. پناه می‌برم و پناه می‌جویم

كُلِّ ذِي شَرٍّ، وَمِنْ شَرِّ مَا أَخَافُ وَأَحْذَرُ، وَمِنْ شَرِّ مَا رَبِّي مِنْهُ

(از خداوند) نسبت به هر چیزی که شر و بدی دارد، و از بدی و شر تمام چیزهایی که می‌ترسم و از آن حذر می‌کنم، و از شر تمام

أَكْبَرُ، وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ، وَمِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنَّ

چیزهایی که پروردگارم از آن‌ها بزرگ‌تر است، و از شر فاسقان و گناهکاران عرب و عجم، و از شر فاسقان جنی

وَالْإِنْسِ وَالشَّيَاطِينِ وَالسَّلَاطِينِ، وَإِبْلِيسَ وَجُنُودَهُ وَأَشْيَاعِهِ

و انسی، و از شر شیاطین و پادشاهان، و ابلیس (شیطان بزرگ) و لشکرش و پیروان

وَأَتْبَاعِهِ، وَمِنْ شَرِّ مَا فِي النُّورِ وَالظُّلْمَةِ، وَمِنْ شَرِّ مَا دَهَمَ أَوْ

و دنباله‌روان او، و از شر تمام چیزهایی که در روشنی یا تاریکی قرار دارند، و از شر پیشامدهایی که دامنگیر (انسان) می‌شود یا

هَجَمَ أَوْ أَلَمَّ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ غَمٍّ وَهَمٍّ وَأَفَةٍ وَنَدَمٍ وَنَازِلَةٍ وَسَقَمٍ،

هجوم می‌آورد یا باعث درد و الم می‌شود، و از شر هر حزن و اندوه و گزند و پشیمانی و مصیبت و مریضی.

وَمِنْ شَرِّ مَا يَخْدُثُ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَتَأْتِي بِهِ الْأَقْدَارُ، وَمِنْ

نیز، از شر چیزهایی که در روز و شب پدید می‌آیند و مقدر می‌گردند، و از

شَرِّ مَا فِي النَّارِ، وَمِنْ شَرِّ مَا فِي الْأَرْضِينَ وَالْأَقْطَارِ وَالْفَلَوَاتِ

شر تمام چیزهایی که در آتشاند، و از شر تمام چیزهایی که در زمین‌ها و کرانه‌ها و خشکی‌ها و بیابان‌ها

وَالْقِفَارِ وَالْبِحَارِ وَالْأَنْهَارِ، وَمِنْ شَرِّ الْفُسَاقِ وَالْفُجَّارِ وَالْكُهَّانِ

و زمین‌های بی‌آب و علف و دریاها و رودها هستند، و از شر تمام فاسقان و بدکاران و کاهنان

وَالسُّحَّارِ وَالْحُسَّادِ وَالذُّعَّارِ وَالْأَشْرَارِ، وَمِنْ شَرِّ مَا يَلْجُ فِي

و جادوگران و حسودان و ترس ایجادکنندگان و شروران؛ و از شر تمام چیزهایی که در زمین فرو می‌روند،

الْأَرْضِ، وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا، وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ، وَمَا يَعْرُجُ

و از شر چیزهایی که از زمین درمی‌آیند، و آن چه از آسمان فرو می‌آید، و آن چه به سمت آسمان بالا می‌رود،

إِلَيْهَا، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ ذِي شَرٍّ، وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّي أَخَذُ

و از شر و بدی هر چه شر و بدی دارد، و از شر تمام جنبندگانی که پروردگارم

بِنَاصِيَّتِهَا، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ

زمام او را به دست دارد پناه می‌آورم؛ به راستی پروردگارم بر صراط مستقیم استقرار دارد؛ پس اگر رو گردانند بگو:

اللَّهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ، وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ.

خدا مرا پس است، جز او معبودی نیست، تنها بر او توکل دارم، و او پروردگار عرش با عظمت است.

وَأَعُوذُ بِكَ اللَّهُمَّ مِنَ الْهَمِّ وَالْغَمِّ وَالْحُزْنِ، وَالْعَجْزِ وَالْكَسَلِ،

خدایا؛ به تو پناه می‌برم از اندوه و غم و غصه و ناتوانی و کسالت

وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ، وَمِنْ ضَلَعِ الدِّينِ وَغَلْبَةِ الرِّجَالِ، وَمِنْ عَمَلٍ

و ترس و بخل و گرفتاری قرض و چیرگی بزرگان؛ نیز از عملی که

لَا يَنْفَعُ، وَمِنْ عَيْنٍ لَا تَدْمَعُ، وَمِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ، وَمِنْ دُعَاءٍ

سودمند نیفتد، و چشمی که نگرید و اشک نریزد، و قلبی که خاشع نگردد، و دعایی که

لَا يُسْمَعُ، وَمِنْ نَصِيحَةٍ لَا تَنْجَعُ، وَمِنْ صَحَابَةٍ لَا تَرْدَعُ، وَمِنْ

شنیده نشود، و نصیحتی که مؤثر نیفتد، و یارانی که باز گرداننده نشوند؛ و

اجْمَاعٍ عَلَى نِكْرٍ وَتَوَدُّدٍ عَلَى خُسْرٍ أَوْ تَوَاقُظٍ عَلَى خُبثٍ، وَمِمَّا

پناه می‌برم از تجمع بر زشتی و ناپسندی، و دوستی نمودن زیان‌بار، و داد و ستد ناپاک؛ نیز از

اسْتِعَاذَ مِنْهُ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبُونَ وَالْأَنْبِيَاءُ الْمُرْسَلُونَ، وَالْأَيْمَّةُ

تمام چیزهایی که فرشتگان مقرب و پیامبران مرسل و امامان

الْمُطَهَّرُونَ، وَالشُّهَدَاءُ وَالصَّالِحُونَ، وَعِبَادُكَ الْمُتَّقُونَ. وَأَسْأَلُكَ

پاک، و شهیدان و صالحان و بندگان پرهیزگارت از آن‌ها به تو پناه برده‌اند به تو پناه می‌برم.

اللَّهُمَّ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُعْطِينِي مِنْ

خدایا؛ از تو درخواست می‌کنم بر محمد و آل محمد درود فرستی، و خیر و

الْخَيْرِ مَا سَأَلُوا، وَأَنْ تُعِيدَنِي مِنْ شَرِّ مَا اسْتَعَاذُوا، وَأَسْأَلُكَ

خوبی‌هایی را که ایشان از تو خواسته‌اند به من نیز عطا فرمایی، و مرا از شر چیزهایی که آن‌ها به تو پناه برده‌اند پناه دهی؛

اللَّهُمَّ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ عَاجِلِهِ وَآجِلِهِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ،

خدایا؛ و از تو درخواست می‌کنم تمام خیرها را به من برسانی، شتابان و مدّت‌دارش را؛ آن چه را می‌دانم و آن چه را نمی‌دانم،

وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ، وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ

پروردگارا؛ از وسوسه‌های شیطان‌ها به تو پناه می‌برم؛ و ای پروردگارا؛

يَحْضُرُونِ. بِسْمِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

از این که مرا حاضر سازند به تو پناه می‌آورم. از نام خدا کمک می‌گیرم بر اهل بیت پیامبرم، که درود خدا بر او

وَالِهِ، بِسْمِ اللَّهِ عَلَى نَفْسِي وَدِينِي، بِسْمِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِي وَمَالِي،

و آل او باد. از نام خدا کمک می‌گیرم بر خودم و دینم. از نام خدا کمک می‌گیرم بر خانواده و دارائی‌ام؛

بِسْمِ اللَّهِ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ أُعْطَانِي رَبِّي، بِسْمِ اللَّهِ عَلَى أَحِبَّتِي

از نام خدا کمک می‌گیرم بر تمام چیزهایی که پروردگارم به من عطا فرموده است. از نام خدا کمک می‌گیرم بر دوستان

وَوَلَدِي وَقَرَابَاتِي، بِسْمِ اللَّهِ عَلَى جِيرَانِي وَإِخْوَانِي، وَمَنْ

و فرزندم و خویشاوندانم. از نام خدا کمک می‌گیرم بر همسایگان و برادرانم، و کسانی که

دعای
حریق



قَلَدْنِي دُعَاءً، أَوْ اتَّخَذَ عِنْدِي يَدًا، أَوْ ابْتَدَأَ إِلَيَّ بِرَأٍ مِنْ

سفارش به دعا کرده‌اند یا از من کمک گرفته‌اند و تمام زنان و مردان مؤمنی که نسبت به من کار خوبی را بدون سابقه آغاز کرده‌اند؛

الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، بِسْمِ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَنِي رَبِّي وَيَرْزُقَنِي،

از نام خدا کمک می‌گیرم بر آن چه پروردگارم نصیبم فرموده است یا در آینده نصیبم خواهد کرد؛

بِسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّهُ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي

از نام خدایی که با نامش هیچ چیزی در زمین و

السَّمَاءِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

آسمان نمی‌تواند ضرر و زیانی برساند؛ و او شنوای داناست. بارالها! بر محمد و آل محمد درود فرست؛

وَصَلِّ عَلَىٰ بَنِي عَدْنَانَ، أَمْ نَسِيتُ أَنَّكَ تَعْلَمُ مَنْ هِيَ أُمَّتِي، وَ

و آن چه پندگاران مؤمنند از تو درخواست کرده‌اند تا از خیرات به ایشان هدیه دهی، به من نیز احسان کنی؛

الْخَيْرِ، وَاصْرِفْ عَنِّي جَمِيعَ مَا سَأَلَكَ الْمُؤْمِنُونَ، أَنْ

و از تمام آنچه پندگان مؤمنند از تو درخواست کرده‌اند که

تَصْرِفَهُ عَنْهُمْ مِنَ السُّوَاءِ وَالرِّدَىٰ، وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ مَا أَنْتَ

بلاها و پستی‌ها را از آن‌ها بازگردانی از من نیز بازگردان و دور کن، و به واسطه فضل و آن گونه که

أَهْلُهُ وَوَلِيُّهُ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ

شایسته و بایسته مقام توست و تو سرپرستی‌اش را بر عهده داری، بر من بیفزای ای مهربان‌ترین مهربانان. بارالها! بر محمد و اهل

بَيْتِهِ الطَّيِّبِينَ، وَعَجِّلِ اللَّهُمَّ فَرَجَهُمْ وَفَرِّجِي وَفَرِّجِي عَنْ كُلِّ

بیت پاکیزه‌اش درود فرست، و در فرج و راحتی ایشان و من شتاب کنی؛ و در کار هر

مَهْمُومٍ مِنْ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ

اندوهگینی از مردان و زنان باایمان فرج و گشایش عنایت کن. بارالها! بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَارْزُقْنِي نَصْرَهُمْ، وَأَشْهِدْنِي أَيَّامَهُمْ، وَاجْمَعْ بَيْنِي

محمد درود فرست؛ و یاری ایشان را نصیبم کن، و مرا شاهد روزگار حکومت‌شان فرما، و من

وَبَيْنَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَاجْعَلْ مِنْكَ عَلَيْهِمْ وَاقِيَةً حَتَّىٰ

و ایشان را در دنیا و آخرت گرد هم آور؛ و از جانب خودت نگهداری برای‌شان قرار ده

بِسْمِ اللَّهِ

بِحَسْبِ



۵۲۶

لَا يُخْلَصَ إِلَيْهِمْ إِلَّا بِسَبِيلِ خَيْرٍ، وَعَلَىٰ مَعَهُمْ، وَعَلَىٰ شِيعَتِهِمْ
تا جز خیر و خوبی به ایشان نرسد، و برای من و شیعیان

وَمُحِبِّهِمْ، وَعَلَىٰ أَوْلِيَائِهِمْ، وَعَلَىٰ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ،
و دوست‌داران‌شان و موالیان‌شان و تمام مردان و زنان باایمان نیز چنین نگرهبانی مقرر فرما؛

فَإِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَمِنَ اللَّهِ وَإِلَى اللَّهِ،
همانا تو بر هر چیزی توانایی داری. به نام خدا، به کمک خدا، از جانب خدا، به سوی خدا؛

وَلَا غَالِبَ إِلَّا اللَّهُ، مَا شَاءَ اللَّهُ، لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، حَسْبِيَ اللَّهُ،
و پیروزمندی جز خدا نیست؛ هر چه خدا بخواهد همان می‌شود؛ نیرویی جز به واسطه خداوند نیست؛ خدا مرا بس است؛

تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، وَأَفْوِضُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ، وَأَلْتَجِي إِلَى اللَّهِ
بر خدا توکل دارم؛ کارم (سرپرستی‌ام) را به خدا واگذار می‌کنم؛ به خدا پناهنده می‌شوم،

وَبِاللَّهِ أَهْوَلُ وَأَضْوَلُ وَأَكْثَرُ وَأَفَاخِرُ وَأَعْتَزُّ وَأَعْتَصِمُ، عَلَيْهِ
و به کمک خداوند، طلب نیرو و چیرگی و بسیاری و افتخار و عزت‌مندی و نگرهبانی می‌کنم؛ تنها بر

تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابٌ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، عَدَدَ الشَّرَى
او توکل دارم و بازگشتم نیز تنها به سوی اوست؛ جز خداوند زنده پاینده، معبودی نیست؛ به تعداد ذرات خاک

وَالنُّجُومِ، وَالْمَلَائِكَةِ الصُّفُوفِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ
و ستارگان و فرشتگان صف‌کشیده؛ جز خداوند معبودی نیست، یکی است و شریکی ندارد

الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ.^۱
بلندمرتبه و عظیم است؛ جز خداوند معبودی نیست؛ خدایا؛ تو منزهی؛ واقعیت آن است که، من از ستمکاران بوده‌ام.

امام عصر ارواحنا فداه این عبارات را به دعای حریق افزوده‌اند که توسط محمد بن
صلت قمی رضی الله عنه رسیده است:

اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ، وَرَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيعِ، وَرَبَّ الْبَحْرِ
بارها؛ ای پروردگار نور و روشنی با عظمت؛ و پروردگار کرسی و جایگاه والا و بلندمرتبه؛ و پروردگار دریای

الْمَسْجُورِ، وَمُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ، وَرَبَّ الظِّلِّ وَالْحَرُورِ،
بی‌پایان؛ و ای فروفرستنده تورات و انجیل؛ و پروردگار سایه و آفتاب؛

۱. البلد الأمين: ۹۱، مصباح‌المتجهّد: ۲۲۰ (با تفاوتی اندک).

وَمُنزِلَ الزُّبُورِ وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، وَرَبِّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ

و فرستنده زبور و قرآن با عظمت، و پروردگار فرشتگان مقرب

وَالْأَنْبِيَاءِ الْمُرْسَلِينَ. أَنْتَ إِلَهُ مَنْ فِي السَّمَاءِ، وَإِلَهُ مَنْ فِي

و پیامبران مرسل؛ تو، معبود اهل آسمان و معبود اهل

الْأَرْضِ، لَا إِلَهَ فِيهِمَا غَيْرُكَ، وَأَنْتَ جَبَّارٌ مَنْ فِي السَّمَاءِ،

زمین هستی. جز تو معبودی در زمین و آسمان نیست؛ تو متسلط بر ساکنان آسمان

وَجَبَّارٌ مَنْ فِي الْأَرْضِ، لَا جَبَّارَ فِيهِمَا غَيْرُكَ، وَأَنْتَ خَالِقُ مَنْ

و زمین هستی؛ جز تو جبار و متسلطی در آن دو وجود ندارد؛ تو آفریننده هر چه در

فِي السَّمَاءِ، وَخَالِقُ مَنْ فِي الْأَرْضِ، لَا خَالِقَ فِيهِمَا غَيْرُكَ،

آسمان و زمین است می‌باشی، جز تو آفریننده‌ای در آسمان و زمین نیست؛

وَأَنْتَ حَكَمُ مَنْ فِي السَّمَاءِ، وَحَكَمُ مَنْ فِي الْأَرْضِ، لَا حَكَمَ

تو حکم‌کننده ساکنان آسمان و زمین هستی و جز تو حکم‌کننده و داوری در

فِيهِمَا غَيْرُكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَبِنُورِ وَجْهِكَ

این دو وجود ندارد. بار الهای به واسطه ذات بزرگوارت از تو درخواست می‌کنم؛ به واسطه نور

الْمُنِيرِ، وَمُلْكِكَ الْقَدِيمِ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي

روشنی‌بخشت، و فرمان‌روایی دیرینه‌ات؛ ای زنده؛ ای پایدار؛ به واسطه آن نامت از تو درخواست می‌کنم که

أَشْرَقَتْ بِهِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُونَ، وَبِاسْمِكَ الَّذِي يَصْلُحُ بِهِ

آسمان‌ها و زمین‌ها بدان روشنی یافتند؛ و با آن اسمی از تو درخواست می‌کنم که

الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ، يَا حَيًّا قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ، وَيَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ،

مخلوقات پیشین و آیندگان با آن صالح و شایسته می‌گردند و اصلاح می‌شوند؛ ای زنده پیش از هر زنده؛ ای زنده پس از هر زنده؛

وَيَا حَيًّا حِينَ لَا حَيٍّ، وَيَا مُخَيِّي الْمَوْتَى، وَيَا حَيًّا لَا إِلَهَ إِلَّا

ای زنده، آن گاه که زنده‌ای وجود نداشت؛ ای زنده‌کننده مردگان؛ ای زنده که جز تو

أَنْتَ، يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ. أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

معبودی وجود ندارد؛ ای زنده؛ ای پایدار؛ از تو درخواست می‌کنم بر محمد و آل

صحیفه
بخش دهم



مُحَمَّدٌ، وَارْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ

محمد درود بفرستی، و از آن جا که گمان آن را داشتم، و از آن جا که فکرش را هم نمی‌کنم،

رِزْقًا وَاسِعًا حَلَالًا طَيِّبًا، وَأَنْ تَفْرِجَ عَنِّي كُلَّ غَمٍّ وَهَمٍّ، وَأَنْ

روزی و نصیب فراوان و حلال و پاکیزه‌ای به من برسانی، و تمام اندوه‌ها و مشکلات و گرفتاری‌ها را از من برطرف فرمایی،

تُعْطِيَنِي مَا أَرْجُوهُ وَأُؤْمِلُهُ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ^۱.

و آن چه امید و آرزویش را دارم به من عطا کنی؛ به راستی تو بر هر چیزی توانایی.



دعای الحاح از امام صادق علیه السلام

به نقل از حضرت بقیة الله ارواحنا فداه

ابو نعیم انصاری می‌گوید: در مکه، کنار رکن مستجار بودم و گروهی از طایفه مقصره نیز حضور داشتند. محمودی و علان کلینی و ابو هیثم دیناری و ابو جعفر احول همدانی در میان آنان بودند و در مجموع حدود سی نفر بودند و جز محمد بن قاسم علوی عقیقی، شیعه مخلصی در بین شان نمی‌شناختم.

روز ششم ذیحجه سال ۲۹۳ هجری بود که در آن جا بودیم، ناگهان جوانی که مشغول طواف بود و با دو پارچه احرام بسته بود و کفش‌هایش را در دست داشت، به طرف ما آمد که هیبت و شکوهش ما را گرفت و بی اختیار از جا برخاستیم؛ همه ما بدون استثنا از جا برخاستیم و بر او سلام کردیم؛ آن گاه نشست و به طرف راست و چپ نگریست و فرمود:

آیا می‌دانید، امام صادق علیه السلام در دعای الحاح (اصرار) چه می‌گفت؟

گفتیم: چه می‌گفت؟

فرمود: ایشان چنین می‌گفتند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي بِهِ تَقُومُ السَّمَاءُ، وَبِهِ تَقُومُ

الأرض؛ همانا من از تو درخواست می‌کنم به آن نام مقدست که آسمان با آن برپاست و زمین با آن برپاست،

وَبِهِ تَفَرَّقُ بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ، وَبِهِ تَجْمَعُ بَيْنَ الْمُتَفَرِّقِ،

و حق و باطل را به سبب آن از هم جدا می‌کنی، و پراکنده‌ها را با آن گرد می‌آوری،

وَبِهِ تَفَرَّقُ بَيْنَ الْمُجْتَمِعِ، وَبِهِ أَحْصَيْتَ عَدَدَ الرَّمَالِ، وَزِنَةَ

و با آن بین گردآمده‌ها جدایی می‌افکنی، و تعداد سنگریزه‌ها را به شماره درمی‌آوری؛ و وزن

الجبالِ، وَكَيْلَ الْبِحَارِ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ

کوه‌ها و پیمانه دریاها را می‌دانی؛ می‌خواهم بر محمد و آل محمد درود فرستی، و در

تَجْعَلَ لِي مِنْ أَمْرِي فَرَجًا وَمَخْرَجًا.^۱

کار من گشایش و گریزگاهی قرار دهی.

در کتاب «الجنة الواقية» روایت می‌کند که امام عصر ارواحنا فداء فرموده‌اند: امام

صادق علیه السلام این دعا را هر روز صبح می‌خواندند.^۲



دعای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام پس از نماز واجب

به نقل از حضرت بقية الله ارواحنا فداء

ابو نعیم انصاری می‌گوید: سپس آن جوان برخاست و به طواف کنندگان پیوست؛ ما به خاطر برخاستن ایشان برخاستیم و فراموش کردیم نامش را پیرسیم. فردای آن روز نیز در همان وقت، از طواف به سمت ما آمد؛ ما همانند روز گذشته

۱. کمال الدین: ۴۷۰، البحار: ۱۵۷/۹۵، الصحيفة الصادقية: ۳۶۳، دلائل الإمامة: ۵۴۳.

۲. الجنة الواقية، منسوب به میر داماد (چاپ سنگی، قطع جیبی): گفتنی است که برخی می‌گویند: این کتاب از تألیفات مرحوم کفعمی است، ولی علامه مجلسی رحمه الله در نسبت این کتاب به شیخ کفعمی رحمه الله تردید نموده، و در «بحار الأنوار: ۱۷/۱» می‌گوید: کتاب «الجنة الواقية» تألیف بعضی از متأخرین است، و چه بسا به شیخ کفعمی رحمه الله نسبت داده شده است، و مولا افندی نیز در «الرياض: ۲۳/۱» در نسبت این کتاب به کفعمی رحمه الله تردید کرده است. (المقام الأسنى: ۱۳).

بدون اختیار برخاستیم. وی در آن میان نشست و به راست و چپ نگرست و فرمود:

آیا می‌دانید امیرالمؤمنین علیه السلام پس از نمازهای واجب چه می‌گفت؟

گفتیم: چه می‌گفت؟ فرمود: می‌گفت:

اللَّهُمَّ إِلَيْكَ رُفِعَتِ الْأَصْوَاتُ، [وَدُعِيَتِ الدَّعَوَاتُ]، وَلَكَ عَنَتِ

بارالها؛ صداها، تنها به سوی تو بالا برده می‌شود [و دعاها خوانده می‌شود] و روی‌ها تنها

الْوُجُوهُ، وَلَكَ خَضَعَتِ الرَّقَابُ، وَإِلَيْكَ التَّحَاكُمُ فِي الْأَعْمَالِ، يَا

برای تو خوار و فروتن شد، و گردن‌ها تنها در برابر تو خمیده می‌شوند، و حکومت و داوری در کارها تنها به سوی تو است. ای

خَيْرَ مَسْئُولٍ وَخَيْرَ مَنْ أُعْطِيَ، يَا صَادِقُ يَا بَارِيُّ، يَا مَنْ

بهترین درخواست شونده و بهترین کسی که چیزی عطا می‌کند؛ ای راستگو؛ ای ایجادکننده؛ ای کسی که

لَا يُخْلِفُ الْمِيْعَادَ، يَا مَنْ أَمَرَ بِالْدُّعَاءِ وَتَكْفَلُ بِالْإِجَابَةِ. يَا مَنْ

برخلاف وعده عمل نمی‌کند؛ ای کسی که دستور به دعا کردن داد، و خودش نیز برآوردن دعا را به عهده گرفت؛ ای کسی که

قَالَ ﴿أُدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾^۱، يَا مَنْ قَالَ ﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي

گفت: «مرا بخوانید؛ پاسخ مثبت به شما می‌دهم»، ای کسی که فرمود: «و هنگامی که بندگانم

عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي

در مورد من از تو پرسیدند (بگو): همانا من نزدیک هستم، دعای دعاکننده را هنگامی که مرا بخواند پاسخ می‌دهم؛ پس، از من

وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ﴾^۲، يَا مَنْ قَالَ ﴿يَا عِبَادِي الَّذِينَ

درخواست اجابت کنند، و به من ایمان آورند؛ شاید به راه نیک و درست درآیند». ای کسی که گفت: «ای بندگان من که

أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ

در مورد خویشان زیاد روی کردند؛ از رحمت الهی نومید مشوید؛ (زیرا) واقعیت آن است که خداوند،

الذُّنُوبَ جَمِيعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ﴾^{۳، ۴}

تمام گناهان را می‌بخشد؛ همانا، او بخشنده مهربان است.

۱. سوره غافر، آیه ۶۰.

۲. سوره بقره، آیه ۱۸۶.

۳. سوره زمر، آیه ۵۳.

۴. کمال الدین: ۴۷۰.

در «بحار الأنوار» آمده است (که ادامه این دعا چنین است):

لَبَّيْكَ وَسَعْدَيْكَ، هَا أَنَا ذَابَيْنَ يَدَيْكَ، الْمُسْرِفُ عَلَى نَفْسِي، وَأَنْتَ

خدایا! دعوتت را شنیدم و پاسخ می‌گویم این منم که در پیش روبروت هستم؛ همان که در مورد خوبشتن زیاده‌روی کرده است؛ در

الْقَائِلُ ﴿لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً﴾ ۱.

حالی که تو می‌فرمایی: «از رحمت الهی نومید مشوید؛ (زیرا) واقعیت آن است که خداوند، تمام گناهان را می‌بخشد».



دعای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در سجده شکر

به نقل از حضرت بقیة الله ارواحنا فداء

(در ادامه روایت پیشین آمده است:) آن گاه - پس از این دعا - به سمت راست و

چپ نگر است و فرمود:

آیا می‌دانید امیرالمؤمنین علیه السلام در سجده شکر چه می‌گفت؟

گفتیم: چه می‌گفت؟

فرمود: می‌گفت:

يَا مَنْ لَا يَزِيدُهُ إِلَّا جُوداً وَكِرْماً، يَا مَنْ لَهُ خَزَائِنُ

ای کسی که اصرار اصرارکنندگان، تنها سخاوت‌مندی و کرامت او را افزون می‌کند؛ ای کسی که گنجینه‌های

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، يَا مَنْ لَهُ خَزَائِنُ مَا دَقَّ وَجَلَّ، لَا تَمْنَعُكَ

آسمان‌ها و زمین برای اوست؛ ای کسی که گنجینه‌ها و ذخیره‌گاه‌های هر چیز کوچک و بزرگ برای اوست؛ (به خوبی می‌دانم که)

إِسَاءَتِي مِنْ إِحْسَانِكَ إِلَيَّ. إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَفْعَلَ بِي مَا أَنْتَ

بدرفتاری من، از احسان و نیکی توبه سوی من جلوگیری نمی‌کند. در واقع، من از تو درخواست می‌کنم آن چنان‌که شایسته و بایسته مقام توست

أَهْلُهُ، وَأَنْتَ أَهْلُ الْجُودِ وَالْكَرَمِ وَالْعَفْوِ يَا رَبَّاهُ يَا اللَّهَ، إِفْعَلْ بِي

با من رفتار کنی؛ این نیز روشن است که شایسته و بایسته مقام تو، سخاوت‌مندی و کرامت و عفو و بخشش است؛ پروردگارا! خدایا! آن گونه که

مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، فَأَنْتَ قَادِرٌ عَلَى الْعُقُوبَةِ وَقَدْ اسْتَحَقَّقْتَهَا، لَا حُجَّةَ

شایسته مقام توست با من رفتار کن؛ تو می‌توانی مجازات کنی و من به راستی سزاوار عقوبتیم هیچ حجت و دلیلی نیز ندارم (که

لی، وَلَا عُدْرَ لِي عِنْدَكَ، أَبُوءُ إِلَيْكَ بِذُنُوبِي كُلِّهَا، وَأَعْتَرِفُ بِهَا

دفاع از خود کنم)؛ و هیچ عذر و بهانه‌ای نیز نزد تو نمی‌توانم بیاورم تمام گناهانم را در پیشگاهت آورده به همه آن‌ها اعتراف می‌کنم

كِي تَغْفُو عَنِّي، وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِهَا مِنِّي، بُوْتُ إِلَيْكَ بِكُلِّ ذَنْبٍ

به خاطر این که مرا عفو کنی؛ این در حالی است که تو از من بهتر می‌دانی چه گناهانی کرده‌ام. تک تک

أَذْنِبْتُهُ، وَبِكُلِّ خَطِيئَةٍ أَخْطَأْتُهَا، وَبِكُلِّ سَيِّئَةٍ عَمِلْتُهَا، يَا رَبِّ

گناهان، تک تک اشتباهات و تک تک بدرفتاری‌هایم را که انجام داده‌ام، به آن اعتراف و اقرار می‌کنم؛ ای پروردگارا؛

اغْفِرْ لِي وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ.

مرا ببخش؛ رحم کن؛ بگذر از تمام چیزهایی که می‌دانی؛ در واقع این تویی که عزت‌مندترین و باکرامت‌ترین هستی.



دعای سجده امام سجاد علیه السلام در مسجد الحرام

به نقل از حضرت بقیة الله ارواحنا فداه

(در ادامه حدیث پیشین) ابو نعیم (انصاری) می‌افزاید: آن شخص برخاست و به طواف مشغول شد و ما دوباره به احترام ایشان برخاستیم.

فردای آن روز و در همان وقت، دوباره تشریف آورد و ما برای استقبال از ایشان - همانند روزهای گذشته - برخاستیم و احترام کردیم؛ در میانه مجلس نشست و به راست و چپ نگاه کرد و فرمود:

حضرت امام علی بن الحسین سید العابدین علیه السلام در سجده‌اش در این مکان -

آن گاه به سوی سنگی که در طرف ناودان بود اشاره فرمود - می‌گفت:

عُبَيْدُكَ بِفِنَائِكَ، [فَقِيرُكَ بِفِنَائِكَ]، مِسْكِينُكَ بِبَابِكَ، أَسْأَلُكَ مَا

بنده کوچکت به درگاهت آمده است؛ [نیازمندت به درگاهت آمده است]؛ بیچاره‌ات بر درت است؛ از تو درخواست می‌کنم آنچه را

لَا يَقْدِرُ عَلَيْهِ سِوَاكَ .

که جز تو، توان (انجام) آن را نداشته باشد.

دوباره به راست و چپ نگاه کرد و به محمد بن قاسم علوی نگریست و فرمود:

ای محمد بن قاسم؛ تو در مسیر صحیحی هستی این شاء الله.

آن گاه برخاست و به طواف مشغول شد. هر یک از مآدعاهایی را که بیان فرمود یاد گرفتیم، ولی همگی فراموش کردیم در مورد او باهم صحبت کنیم مگر در روز آخر.

محمودی به ما گفت: ای دوستان؛ آیا این مرد را می شناسید؟ گفتیم: نه.

گفت: به خدا سوگند، این صاحب الزمان صلوات الله علیه است.

گفتیم: از کجا این مطلب را می گویی، ای ابو علی!؟

وی گفت که: مدت ها است در آنجا مانده و پروردگار را می خواند و درخواست می کند که صاحب الأمر ارواحنا فداء را به او نشان دهد و هفت سال است به این کار ادامه داده است.

(وی افزود:) در شامگاه روز عرفه، ناگهان همین شخص را دیدم دعایی را خواند. از او پرسیدم: این دعا از چه کسی است؟

فرمود: از مردم. گفتم از کدام مردم؛ عرب یا عجم؟

فرمود: عرب. عرض کردم: از چه طایفه ای از آنها؟

فرمود: از باشرافت ترین و والاترین آنها.

گفتم: مقصودت کیست؟

فرمود: بنی هاشم.

گفتم: کدام یک از بنی هاشم؟

فرمود: از برترین و بلند مرتبه ترین شان.

گفتم: یعنی کدام شان؟

فرمود: کسی که سرهای کفار را می شکافت و به فقرا غذا می داد، و در نیمه های

شب که مردم خواب بودند به نماز می ایستاد.

با این سخنان متوجه شدم که او از فرزندان حضرت علی علیه السلام است و بدین جهت نسبت به او محبت پیدا کردم، ولی در حالی که در پیش رویم بود او را گم کردم؛ نفهمیدم به آسمان بالا رفت یا به زمین وارد شد. از مردمی که در اطرافش بودند پرسیدم: آیا این شخص علوی را می شناسید؟

گفتند: آری؛ هر سال با پای پیاده و به همراه ما به سفر حج می آید.

گفتم: سبحان الله؛ به خدا سوگند، اثری از پیاده روی در او مشاهده نکردم. پس از آن به مزدلفه رفتم و بسیار اندوهگین شدم که چرا از او جدا شدم.

آن شب به خواب رفتم و در عالم خواب رسول خدا صلی الله علیه و آله را دیدم که فرمود: ای محمد؛ به خواسته مهم خود که دنبالش می گشتی رسیدی و او را مشاهده کردی.

گفتم: ای آقای من؛ چه کسی را می گویی؟

فرمود: همان که امشب او را دیدی؛ او امام زمان شما بود.^۱

حکایت دعای عبرات

علامه حلی رحمته الله در آخر کتاب «منهاج الصلاح» در مورد دعای عبرات می فرماید: این دعای مشهوری است که از امام صادق جعفر بن محمد علیه السلام روایت شده است.

سید سعادت مند جناب رضی الدین محمد بن محمد بن محمد آوی رحمته الله در مورد این دعا جریانی دارد که مشهور است و یکی از فضلا در حاشیه آن دعا نوشته است:

مولای سعادت مند جناب فخرالدین محمد بن شیخ جمال الدین از پدر بزرگوارش، از جدّ فقیهش یوسف، از همان سید رضی الدین روایت می کند که فرمود:

مدتی طولانی در زندان یکی از فرمانداران سلطان جرماغون گرفتار بود و به شدت در تنگنا و سختی به سر می برد. تا آن که در خواب، جانشین شایسته پیامبر،

یعنی صاحب الزمان ارواحنفاذ را زیارت کرد و با گریه عرضه داشت: ای مولای من؛ برای نجات من از دست این ستمکاران، نزد خدا شفاعت کن.

فرمود: دعای عبرات را بخوان.

گفت: دعای عبرات چیست؟

فرمود: در کتاب مصباح تو هست.

عرض کرد: ای مولای من؛ در کتاب مصباح من نیست.

فرمود: در مصباح نگاه کن آن را می‌یابی.

وی از خواب بیدار شد و نماز صبح را گزارد و کتاب مصباح را گشود، و دید که در بین برگ‌های کتاب، برگی قرار داده شده که دعای عبرات روی آن نوشته شده است؛ و این دعا را چهل بار خواند.

فرماندار یادشده دو همسر داشت؛ یکی عاقل و دارای تدبیر در امور بود، و همین زن نزد فرماندار از اعتماد ویژه‌ای برخوردار بود.

نوبت این زن شد و فرماندار نزد او آمد. زن به او گفت: آیا یکی از فرزندان امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام را زندانی کرده‌ای؟

گفت: چرا چنین سؤالی می‌پرسی؟

زن گفت: شخصی را دیدم که گویا نور خورشید از چهره‌اش می‌درخشید با دو انگشتش حلقوم مرا گرفت و گفت: می‌بینم شوهرت فرزند مرا زندانی کرده است، و در آب و غذا به او سخت‌گیری می‌کند!؟ گفتم: شما کیستید، ای سرور من؟

فرمود: من علی بن ابی طالب علیه السلام هستم؛ به همسرت بگو: اگر فرزندم را آزاد نکند، به طور حتم خانه‌اش را ویران می‌کنم.

این خواب تأثیر زیادی در حاکم گذاشت و گفت: من از این جریان بی‌خبرم؛ آن گاه، نمایندگان خود را فراخواند و پرسید: آیا کسی را زندانی کرده‌اید؟

گفتند: همان پیرمرد علوی که دستور دادی او را بگیریم.

گفت: رهایش کنید، و اسبی به او بدهید تا بر آن سوار شود و راه را نیز به او نشان دهید تا به خانه‌اش برود. (پایان داستان)

سید بزرگوار جناب علی بن طاووس رحمته الله علیه در آخر کتاب «مهج الدعوات» آورده است: از جمله آنها، جریانی است که دوست و برادر عزیزم جناب محمد بن محمد بن قاضی آوی - که خدای بزرگ بر خوشبختی‌اش بیفزاید و عاقبت به خیرش کند - برایم بازگو کرد و جریان شگفت و بی نظیری در آن مورد گفت.

جریان از این قرار است: حادثه‌ای برای ایشان پیش آمده بود، تا آن‌که این دعا را دید که در برگ‌هایی نوشته شده است و در کتابش قرار گرفته است (با این که این کاغذها را او در کتابش نگذاشته بود). از روی آن برگ‌ها نسخه برداری کرد و پس از بازنویسی، نسخه اصلی که یافته بود گم شد.

ایشان در ادامه، دعا را بیان کرده و نسخه دیگری از طریقی دیگر نیز ذکر کرده است که با این نسخه تفاوت دارد.^۱



دعای عبرات^۲

ما، در این جا «دعای عبرات» را از کتاب «بلد الامین» مرحوم کفعمی اعلی الله مقامه نقل می‌کنیم، ایشان فرموده است:

این، دعایی بزرگ و با ارزش است که از امام قائم صلوات الله علیه روایت شده است و در امور مهم و مشکلات بزرگ خوانده می‌شود؛ این دعا را «دعای عبرات» نامیده‌اند. (و دعا این است:)

۱. جنّة المأوی: ۲۲۱.

۲. از علامه حلی رحمته الله علیه نقل کردیم که دعای عبرات مربوط به مولایمان حضرت امام صادق رحمته الله علیه است و امام عصر صلوات الله علیه به سید رضی الدین آوی رحمته الله علیه دستور قرائت آن را داد. البته برخی از بزرگان گمان کرده‌اند که این دعا را از ابتدا، حضرت مهدی ارواحنا فداه فرموده‌اند.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا رَاحِمَ الْعَبْرَاتِ، وَيَا كَاشِفَ الزَّفَرَاتِ، أَنْتَ

بارالها؛ از تو درخواست می‌کنم ای رحم کننده بر قطرات اشکها و ای برطرف کننده سوز دلها؛ تو

الَّذِي تَقْشَعُ سَحَابَ الْمِحْنِ، وَقَدْ أَمْسَتْ ثِقَالاً، وَتَجْلُو ضَبَابَ

کسی هستی که ابرهای محنت و اندوه را پراکنده می‌کنی در حالی که بسیار سنگین و بربار شده‌اند؛ و ابرهای فتنه را در حالی

الْفِتَنِ، وَقَدْ سَحَبَتْ أَذْيَالاً، وَتَجْعَلُ زَرْعَهَا هَشِيمًا، وَبُيُوتَانَهَا

که دامن بر زمین کشیده‌اند برطرف می‌کنی، و کشته آنها را خشک و شکننده قرار می‌دهی، و پایه‌اش را نابود و منهدم می‌گردانی،

هَدِيمًا، وَعِظَامَهَا رَمِيمًا، وَتَرُدُّ الْمَغْلُوبَ غَالِبًا، وَالْمَطْلُوبَ

و استخوان‌هایش را پوسیده می‌کنی، و شکست‌خورده را پیروز می‌گردانی، و طلب‌شده را

طَالِبًا، وَالْمَقْهُورَ قَاهِرًا، وَالْمَقْدُورَ عَلَيْهِ قَادِرًا. فَكَمْ مِنْ عَبْدٍ

طلب‌کننده می‌گردانی؛ و کسی را که بر او چیره شده‌اند چیره‌شونده می‌گردانی، و کسی را که بر او توانایی و قدرت داشته‌اند، قدرتمند می‌کنی. چه

نَادَاكَ رَبِّ إِنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ، فَفَتَحَتْ لَهُ مِنْ نَصْرِكَ أَبْوَابَ

بسیار بنده‌ای که تو را ندا داد و عرض کرد: پروردگارا؛ واقعیت آن است که من شکست خورده‌ام؛ پس، مرا یاری کن. و تو برای یاری‌کردنش درهای

السَّمَاءِ بِمَاءٍ مِنْهُمْ، وَفَجَّرَتْ لَهُ مِنْ عَوْنِكَ عُيُونًا، فَالْتَقَى الْمَاءُ

آسمان را با آبی ریزان باز کردی؛ و چشمه‌هایی از مددکاری خود برای او گشودی، پس آب

عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ، وَحَمَلَتْهُ مِنْ كِفَايَتِكَ عَلَى ذَاتِ الْأَوَاحِ وَدُسْرِ،

بر امری که مقدر شده و اندازه‌گیری شده پیوست؛ و او را از کفایت خودت بر چیزی که دارای تخته‌ها و میخ‌ها است (کشتی) سوار کردی.

رَبِّ إِنِّي مَغْلُوبٌ فَانْتَصِرْ سه مرتبه تکرار شود. رَبِّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ

پروردگارا؛ من شکست خورده‌ام؛ پس یاری کن. بر محمد

وَالِ مُحَمَّدٍ، وَافْتَحْ لِي مِنْ نَصْرِكَ أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مِنْهُمْ،

و آل محمد درود بفرست، و در یاری من درهای آسمان را با آبی ریزان بگشا،

وَفَجِّرْ لِي مِنْ عَوْنِكَ عُيُونًا لِيَلْتَقِيَ مَاءُ فَرْجِي عَلَى أَمْرٍ قَدْ

و چشمه‌هایی از مددکاری خود برای من بگشا تا ملاقات کند مایه فرج و گشایش بر امری که

قُدِرَ، وَاحْمِلْنِي يَا رَبِّ مِنْ كِفَايَتِكَ عَلَى ذَاتِ الْأَوَاحِ وَدُسْرِ. يَا

تقدیر شده، مرا نیز از کفایت خودت بر چیزی که دارای تخته‌ها و میخ‌ها است (کشتی) سوار کن. ای

بجانب

بخش



۵۳۸

مَنْ إِذَا وَلَجَ الْعَبْدُ فِي لَيْلٍ مِنْ حَيْرَتِهِ يَهِيمُ، وَلَمْ يَجِدْ لَهُ صَرِيحاً

کسی که وقتی بنده در شب وارد شود که از تحیر سرگردان گردد، و هیچ فریادرسی

يَصْرُخُهُ مِنْ وَلِيِّ وَلَا حَمِيمٍ، وَجَدَ يَا رَبِّ مِنْ مَعُونَتِكَ صَرِيحاً

از دوست و خویشاوند برای فریادرسی‌اش نیابد؛ ای پروردگارا کمک تو را

مُعِيثاً، وَوَلِيّاً يَطْلُبُهُ حَثِيثاً، يُنْجِيهِ مِنْ ضَيْقِ أَمْرِهِ وَحَرَجِهِ،

فریادرس خود می‌یابد و یار و سرپرستی که شتابان او را طلب می‌کند تا او را از گرفتاری و رنجش نجات بخشد

وَيُظْهِرُ لَهُ أَعْلَامَ فَرَجِهِ. اللَّهُمَّ فَيَا مَنْ قُدْرَتُهُ قَاهِرَةٌ، وَأَيَاتُهُ

و نشانه‌های گشایش و راحتی را برایش آشکار کند. بارالها؛ ای کسی که توانش نیرومند و پیروز، و نشانه‌هایش

بَاهِرَةٌ، وَنَقِمَاتُهُ قَاصِمَةٌ لِكُلِّ جَبَّارٍ، دَامِغَةٌ لِكُلِّ كَفُورٍ خَتَّارٍ،

آشکار و روشن است، و انتقامش تمام جباران و سرکشان را هلاک می‌کند، و هر کافر مکار و حيله‌گر را از بین می‌برد؛

صَلِّ يَا رَبِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَانْظُرْ إِلَيَّ يَا رَبِّ نَظْرَةً

بر محمد و آل محمد درود بفرست، و - ای پروردگارا؛ - به من نگاه کن نگاهی

مِنْ نَظْرَاتِكَ رَحِيمَةً، تَجْلِي بِهَا عَنِّي ظُلْمَةٌ عَاكِفَةٌ مُقِيمَةٌ مِنْ

از نگاه‌های پر محبت و مهوت تا برطرف شود تاریکی پایداری و دیرینه‌ای را که مرا گرفتار کرده است؛

عَاهَةِ جَفَّتْ مِنْهَا الضُّرُوعُ، وَتَلِفَتْ مِنْهَا الزُّرُوعُ، وَأَنْهَمَلَتْ مِنْ

از قبیل آفتی که از آن سینه‌ها بخشکد، و کشت و زرع‌ها تباه گردد، و

أَجْلَهَا الدُّمُوعُ، وَاشْتَمَلَ لَهَا عَلَى الْقُلُوبِ الْيَأْسُ، وَخَرَّتْ بِسَبَبِهَا

خاطر آن اشک‌ها سرازیر گردد، و ناامیدی بر قلب‌ها احاطه کند، و به سبب آن

الْأَنْفَاسُ. إِلَهِي فَحِفْظاً حِفْظاً لِعَرَائِسِ غَرْسِهَا بِيَدِ الرَّحْمَانِ،

نفس‌ها بند آید. بارخدایا؛ درخت‌هایی را که با دست خدای مهربان نشانده شده،

وَشُرْبُهَا مِنْ مَاءِ الْحَيَوَانِ، وَنَجَاتُهَا بِدُخُولِ الْجِنَانِ، أَنْ تَكُونَ

و با آب زندگی‌بخش آبیاری شده، و با ورود به بهشت نجات می‌یابد، حفظ کن

بِيَدِ الشَّيْطَانِ تُحَزُّ، وَبِفَاسِهِ تُقَطَّعُ وَتُجَزُّ. إِلَهِي فَمَنْ أَوْلَى مِنْكَ

و نگه دار که به دست شیطان بریده نشود و با تبر او تکه‌تکه نشود. بار خدایا؛ چه کسی سزاوارتر از توست

بِأَنْ يَكُونَ عَنْ حَرِيمِكَ دَافِعًا، وَمَنْ أَجْدَرُ مِنْكَ بِأَنْ يَكُونَ عَنْ

برای این که از حریم خود دفاع کند؟ و چه کسی شایسته‌تر از توست برای این که

حِمَاكَ حَارِسًا وَمَانِعًا. إِلَهِي إِنَّ الْأَمْرَ قَدْ هَالَ فَهَوْنُهُ، وَخَشْنِ

حراست و نگهبانی از نزدیکان خود را بر عهده گیرد؟ خدای من؛ کار مشکل شده است، پس آسانش گردان؛ و کارها سخت و خشن شده‌اند، پس

فَالِنِّهِ، وَإِنَّ الْقُلُوبَ كَاعَتْ فَطَمَّنْهَا، وَالنُّفُوسَ ارْتَاعَتْ فَسَكَّنْهَا.

آنها را به نرمی و ملایمت بگردان؛ دل‌ها، سست و لرزان شده است، آنها را آرام گردان؛ و نفس‌ها (جانها) دچار ترس و دلهره شده‌اند، پس آنها را به

إِلَهِي إِلَهِي تَدَارِكُ أَقْدَامًا زَلَّتْ، وَأَفْكَارًا فِي مَهَامَةِ الْحَيْرَةِ

آرامش و سکون برسان. خدایا؛ خدایا؛ قدم‌های لغزان را دریاب؛ اندیشه‌های گم‌شده در سرگردانی‌ها را دریاب

ضَلَّتْ، بِأَنْ رَأَتْ جَبْرَكَ عَلَى كَسِيرِهَا، وَإِطْلَاقَكَ لِأَسِيرِهَا،

که ببینند شکست‌شان را جبران کرده‌ای، و اسیران‌شان را آزاد کرده‌ای،

وَإِجَارَتَكَ لِمُسْتَجِيرِهَا أَجْحَفَ الضَّرِّ بِالْمَضْرُورِ، وَلَبِّي دَاعِيَهُ

و پناه‌جویان‌شان را پناه ده، که بیچارگی بیش از توان و طاقت به خسارت‌دیده ضرر وارد کرده، و فراخوان خود را

بِالْوَيْلِ وَالشُّبُورِ. فَهَلْ يَحْسُنُ مِنْ عَدْلِكَ يَا مَوْلَايَ أَنْ تَدَعَهُ

با وای و ناله پاسخ داده، ای مولای من؛ آیا از عدل تو نیکو است کسی را که

فَرِيْسَةَ الْبَلَاءِ وَهُوَ لَكَ رَاجٍ، أَمْ هَلْ يَجْمَلُ مِنْ فَضْلِكَ أَنْ

به تو امیدوار است طعمهٔ بلا گردانی؟ یا از فضل تو زیباست

يَخُوضُ لُجَّةَ الْغَمِّاءِ وَهُوَ إِلَيْكَ لَاجٍ. مَوْلَايَ لَيْنٌ كُنْتُ لَا أَشَقُّ

کسی را که به تو پناهنده شده است در گرداب غم و غصه فرو رود؟ ای مولای من؛ اگر چه من برای

عَلَى نَفْسِي فِي التَّقَى، وَلَا أَبْلُغُ فِي حَمْلِ أَعْبَاءِ الطَّاعَةِ مَبْلَغَ

رعایت پرهیزگاری و تقوا بر خود سخت نگرفته‌ام، و آن چنان که موجب رضایت تو شود به فرمان‌برداریت نپرداخته‌ام،

الرَّضَى، وَلَا أَنْتَظِمُ فِي سِلْكِ قَوْمٍ رَفَضُوا الدُّنْيَا فَهُمْ خُمْصُ

و در زمرهٔ گروهی درنیامده‌ام که دنیا را رها کرده‌اند و در نتیجه

الْبُطُونِ مِنَ الطَّوِيِّ، ذُبُلُ الشَّفَاهِ مِنَ الظَّمَاءِ، وَعُمُشُّ الْعُيُونِ مِنَ

شکم‌های‌شان از گرسنگی تو رفته است و از تشنگی لب‌های‌شان خشک شده است و چشمان‌شان از

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



۵۴۰

الْبُكَاءِ، بَلْ أَتَيْتُكَ بِضَعْفٍ مِنَ الْعَمَلِ، وَظَهَرَ ثَقِيلٌ بِالْخَطَايَا

گریه رنجور شده است؛ (بلکه) در عمل و رفتارهای دینی ضعیف بوده‌ام، و پشتم از بار گناهان

وَالزَّلَلِ، وَنَفْسٍ لِلرَّاحَةِ مُعْتَادَةٍ، وَلِدَوَاعِي الشَّهْوَةِ مُنْقَادَةٍ. أَمَا

و لغزش‌ها سنگین شده، و روانم را به راحتی و خوشی عادت داده‌ام، و تسلیم انگیزه‌های شهوت هستم، با این وجود،

يَكْفِينِي يَا رَبِّ وَسِيلَةً إِلَيْكَ، وَذَرِيعَةً لَدَيْكَ، أَنَّنِي لِأَوْلِيَاءِ

ای پروردگار من؛ آیا از جهت وسیله و واسطه و سبب که به سوی تو راه پیدا کنم کافی نیست که من، ارادتمند

دِينِكَ مُوَالٍ، وَفِي مَحَبَّتِهِمْ مُغَالٍ، وَلِجَلْبَابِ الْبَلَاءِ فِيهِمْ لَابِسٌ،

اولیا و سرپرستان دینت هستم، و در دوستی‌شان سعی فراوان می‌کنم، و لباس بلا را در مورد ایشان بر تن می‌کنم.

وَلِكِتَابٍ تَحْمَلُ الْعَنَاءَ بِهِمْ دَارِسٌ. أَمَا يَكْفِينِي أَنْ أُرُوحَ فِيهِمْ

و کتاب تحمل سختی را به سبب آنان فراگیرنده‌ام. آیا برایم بس نیست که به خاطر آن بزرگواران

مَظْلُومًا، وَأَعْدُو مَكْظُومًا، وَأَقْضِي بَعْدَ هُمُومٍ هُمُومًا، وَبَعْدَ

مظلوم واقع شده‌ام، و سکوت کرده‌ام و خشم خود را بازداشته‌ام، و پیوسته گرفتار اندوه هستم؟ و از شدت

وَجُومٍ وَجُومًا، أَمَا عِنْدَكَ يَا مَوْلَايَ بِهَذِهِ حُرْمَةٌ لَا تُضَيِّعُ، وَذِمَّةٌ

ترس پیوسته گرفتار خاموشی‌ام؟ ای مولای من؛ آیا این باعث نمی‌شود که برای من حرمتی باشد که ضایع نشود و تباه نگردد، و

بِأَدْنَاهَا تُقْتَعُ، فَلِمَ لَا تَمْنَعُنِي يَا رَبِّ وَهَا أَنَا ذَا غَرِيقٍ، وَتَدَعُنِي

باعث حقی شود که هر چند کم باشد ولی نجات‌بخش است؟ ای پروردگار من؛ می‌بینی که من غرق شده‌ام پس چرا از غرق شدن نگاهم نمی‌داری؟

هَكَذَا وَأَنَا بِنَارِ عَدُوِّكَ حَرِيقٌ. مَوْلَايَ أَتَجْعَلُ أَوْلِيَاءَكَ لِأَعْدَائِكَ

می‌بینی که با آتشی که دشمنت افروخته است آتش گرفته‌ام، (پس چرا مرا این گونه رها می‌کنی؟) مولای من؛ آیا دوستانت را جلوی دشمنانت

طَرَائِدًا، وَلِمَكْرِهِمْ مَصَائِدًا، وَتَقْلُدُهُمْ مِنْ خَسْفِهِمْ قَلَائِدًا، وَأَنْتَ

می‌اندازی؟ و آن‌ها را گرفتار مکر و حيله‌شان قرار می‌دهی؟ و از خواری و فرومایگی آنان، حلقه‌ای بر گردن ایشان می‌افکنی؟ در

مَالِكُ نَفُوسِهِمْ، أَنْ لَوْ قَبَضْتَهَا جَمَدُوا، وَفِي قَبْضَتِكَ مَوَادُّ

حالی که صاحب‌اختیار جان همه‌شان تویی، به گونه‌ای که اگر جان‌شان را بگیری جماد و بی‌جان می‌گردند؛ از طرفی مایه

أَنْفُسِهِمْ، أَنْ لَوْ قَطَعْتَهَا خَمَدُوا، فَمَا يَمْنَعُكَ يَا رَبِّ أَنْ تَكْفَ

نفس‌کشیدن‌شان در دست توست، و اگر آن را قطع کنی می‌میرند؛ پس - پروردگار من؛ - چه چیزی مانع جلوگیری تو

بَأْسَهُمْ، وَتَنْزِعَ عَنْهُمْ مِنْ حِفْظِكَ لِبِئْسَ لَهُمْ، وَتَعْرِيبِهِمْ مِنْ سَلَامَةِ

از بدرفتاری آنهاست، تا لباس نگهبانی خودت را از نشان بیرون کنی، و سلامتی را که به واسطه آن

بِهَا فِي أَرْضِكَ يَسْرَحُونَ، وَفِي مَيْدَانِ الْبَغْيِ عَلَى عِبَادِكَ

در زمین تو می‌گردند از آنها بگری؛ همان سلامتی که به واسطه آن در میدان تجاوز و ستم بر بندگان

يَمْرَحُونَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَذْرِكُنِي وَلَمَّا

با تکبر و خودپسندی راه می‌روند؟! بار الهای بر محمد و آل محمد درود فرست، و مرا دریاب تا

يُذْرِكُنِي الْغَرَقُ، وَتَذَارِكُنِي وَلَمَّا غِيبَ شَمْسِي الشَّفَقُ، إِلَهِي كَمْ

غرق نشده‌ام؛ پیش از آن که خورشید عرم غروب شود و غروب زندگانیم فرا رسد مرا تذارک کن. خدای من؛

مِنْ خَائِفٍ إِيْتَجَى إِلَى سُلْطَانٍ فَأَبَّ عَنْهُ مَحْفُوظًا بِأَمْنٍ وَأَمَانٍ،

چه بسیار ترسان‌هایی که به پادشاهی پناه برده‌اند و با امنیت و ایمنی از پیش آن پادشاه بازگشتند؛

أَفَأَقْصِدُ يَا رَبِّ أَعْظَمَ مِنْ سُلْطَانِكَ سُلْطَانًا، أَمْ أَوْسَعَ مِنْ

پروردگار من؛ آیا باعظمت‌تر از سلطنت و قدرت تو سلطانی هست که به طرف او بروم؟ آیا از

إِحْسَانِكَ إِحْسَانًا، أَمْ أَكْبَرَ مِنْ إِقْتِدَارِكَ إِقْتِدَارًا، أَمْ أَكْرَمَ مِنْ

احسان تو احسانی فراگیرتر هست؟ آیا از اقتدار تو اقتداری بزرگ‌تر هست؟ آیا از

إِنْتِصَارِكَ إِنْتِصَارًا، مَا عُذْرِي يَا إِلَهِي إِذَا حَرَمْتَ مِنْ حُسْنِ

یاری‌رساندن تو یاری‌رساندنی گرامی‌تر هست؟ خدای من؛ اگر تو کسی را که نزدت آمده است از رفتار بزرگوارانه

الْكَرَامَةِ نَائِلَكَ، وَأَنْتَ الَّذِي لَا تُخَيِّبُ أَمْلَكَ، وَلَا تَرُدُّ سَأْلَكَ.

و نیکویت محروم گردانی دیگر من چه عذری دارم؟ البته تو هیچ‌گاه آرزومندت را ناامید و درخواست‌کننده‌ات را رد نمی‌کنی.

إِلَهِي إِلَهِي أَيْنَ أَيْنَ كِفَايَتِكَ الَّتِي هِيَ نُصْرَةُ الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنْ

خدای من؛ خدای من؛ کجاست، کجاست کفایت و بسندگی تو که یاری‌گر مردم مستضعف است؟

الْأَنَامِ، وَأَيْنَ أَيْنَ عِنَايَتِكَ الَّتِي هِيَ جُنَّةُ الْمُسْتَهْدَفِينَ بِجَوْرِ

کجاست، کجاست عنایت و توجه تو که سیری نگهبان برای کسانی است که هدف جور و ستم

الْأَيَّامِ، إِلَيَّ إِلَيَّ بِهَا يَا رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ، إِنِّي

روزگار قرار می‌گیرند؟ آن را به من بده، آن را به من بده، ای پروردگار من؛ از گروه ستم پیشگان نجاتم بخش؛ واقعیت آن است که

یوسف

بخش دهم



مَسْنِي الضُّرِّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ. مَوْلَايَ تَرَى تَحْيِرِي فِي

من بیچاره‌ام، و این در حالی است که تو مهربان‌ترین مهربانان هستی. مولای من؛ سرگردانی مرا در کارهایم می‌بینی.

أَمْرِي، وَتَقْلِبِي فِي ضُرِّي، وَأَنْطَوَايَ عَلَى حُرْقَةِ قَلْبِي، وَحَرَارَةِ

و دست و پا زدن در گرفتاری و بیچارگی‌ام را می‌نگری، و قلب سوخته و آتش گرفته، و گداختگی

صَدْرِي، فَصَلِّ يَا رَبِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَجُدْ لِي يَا رَبِّ

سینه مرا شاهد هستی؛ پس، بر محمد و آل محمد درود بفرست، و - ای پروردگار؛ - آن گونه که

بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ فَرَجًا وَمَخْرَجًا، وَيَسِّرْ لِي يَا رَبِّ نَحْوَ الْبُشْرَى

تو شایسته آن هستی برایم گشایشی و گریزگاهی مرحمت کن، و - ای پروردگار من؛ - راهی روشن به شادمانی فرارویم بگشای

مَنْهَجًا، وَاجْعَلْ يَا رَبِّ مَنْ يَنْصِبُ لِي الْحِبَالَةَ لِيَضْرَعَنِي بِهَا

و رسیدن به آن را برایم آسان کن، ای پروردگار؛ هر کسی برایم دامی می‌افکند تا با حيله‌اش مرا در آن بیفکند، خودش را

صَرِيحَ مَا مَكَرَ، وَمَنْ يَحْفِرُ لِي الْبُئْرَ لِيُوقِعَنِي فِيهَا وَإِقِعًا فِيمَا

گرفتار دام و حيله‌اش گردان؛ هر کس برایم چاهی می‌کند تا مرا در آن بیندازد، خودش را در آن چاه بیندازد؛

حَفَرَ، وَاصْرِفِ اللَّهُمَّ عَنِّي مِنْ شَرِّهِ وَمَكَرِهِ وَفَسَادِهِ وَضُرِّهِ، مَا

و خدایا؛ شر و مکر و حيله و تباهی و ضرر و زیانش را از من برطرف کن، آن چنان که

تَصْرِفُهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُتَّقِينَ، وَعَمَّنْ قَادَ نَفْسَهُ لِدِينِ الدِّيَّانِ،

از پرهیزگاران برطرف می‌کنی؛ و از کسانی که خویشتن را تسلیم محض دین

وَمُنَادٍ يُنَادِي لِلْإِيمَانِ. إِلَهِي عَبْدُكَ عَبْدُكَ أَجِبْ دَعْوَتَهُ،

و تسلیم منادی ایمان کرده است، برطرف می‌کنی. خدای من؛ بنده‌ات؛ بنده‌ات؛ خواهشش را پاسخ بده،

ضَعِيفِكَ ضَعِيفِكَ فَرَجٌ غُمَّتَهُ، فَقَدْ انْقَطَعَ بِهِ كُلُّ حَبْلٍ إِلَّا حَبْلَكَ،

ضعیف، ناتوانت؛ اندوهش را برطرف کن. هر دستاویزی جز رشته اتصال تو را از دست داده است،

وَتَقَلَّبَ عَنْهُ كُلُّ ظِلٍّ إِلَّا ظِلَّكَ. مَوْلَايَ دَعْوَتِي هَذِهِ إِنْ رَدَدْتَهَا

و جز سایه رحمت تو هر سایه‌ای از سرش رفته است. مولای من؛ اگر این خواهش و دعایم را رد کنی،

أَيْنَ تُضَادِفُ مَوْضِعَ الْأَجَابَةِ، وَمَخِيلَتِي هَذِهِ إِنْ كَذَّبْتَهَا أَيْنَ

پس در کجا به هدف اجابت برسد؟ این خوش گمانی مرا اگر راست مگردانی در کجا به

تُلَاقِي مَوْضِعَ الْإِغَانَةِ، فَلَا تَرُدُّ عَنِّ بَابِكَ مَنْ لَا يَعْلَمُ غَيْرَهُ بَاباً،

جایگاه کمک خواهد رسید؟ پس کسی که جز درگاه تو دری را بلد نیست، هیچگاه از درگاهت برمگردان!

وَلَا تَمْنَعْ دُونَ جَنَابِكَ مَنْ لَا يَعْلَمُ سِوَاهُ جَنَاباً.

و کسی که جز آستان حضرت تو سراغ ندارد، از آستان سخاوت‌مندت محروم نفرما.

سپس به سجده برو و بگو: اَللّٰهُمَّ اِنِّ وَجْهًا اِلَيْكَ فِي رَغْبَتِهِ تَوَجَّهَ خَلِيقٌ

معبود من؛ اعتقادم بر این است، رویی که با اشتیاق به سوی تو آمده است سزاوار

بِأَنْ تُجِيبَهُ، وَاِنَّ جَبِيْناً لَكَ بِاِبْتِهَالِهِ سَجَدَ حَقِيْقٌ اَنْ يَبْلُغَ مَا قَصَدَ،

پاسخ مثبت توست؛ و پیشانی که با نهایت تضرع و زاری در برابرت سجده کرده است شایسته است به نیت و مقصودش برسد؛

وَاِنَّ خِداً لَدَيْكَ بِمَسْئَلَتِهِ تَعَفَّرَ جَدِيْرٌ اَنْ يَفُوْزَ بِمُرَادِهِ وَيَظْفَرَ،

و گونه‌ای که به خاطر درخواستش، در پیشگاه تو خود را به خاک مالیده است، لایق آن است که با دست‌یابی به آن چه اراده کرده است کامیاب و

وَهَا اَنَا ذَا يَا اِلٰهِيْ قَدْ تَرَى تَعْفِيْرَ خَدِيْ وَاَجْتِهَادِيْ فِيْ مَسْئَلَتِكَ

بیروز شوم؛ ای خدای من؛ این منم که می‌بینی گونه‌ام را بر خاک نهاده‌ام و تلاش و کوشش را برای درخواست از تو،

وَجِدِّيْ، فَتَلَقَّ يَا رَبِّ رَغْبَاتِيْ بِرَحْمَتِكَ قَبُولاً، وَسَهْلٌ اِلَيْ

بکار برده‌ام. ای پروردگار من؛ به خاطر رحمت و مهربانیت آن چه را مشتاق هستم بپذیر، و مرا با

طَلِبَاتِيْ بِرَأْفَتِكَ وُصُولاً، وَذَلَّلُ قُطُوْفَ ثَمَرَةِ اِجَابَتِكَ لِيْ تَذَلِيْلاً.

رافت و مهربانی ویژه‌ات، به آسانی به آن چه خواستم برسان؛ و چیندن میوه اجابتت را برایم فراهم گردان.

اِلٰهِيْ فَاِذَا قَامَ ذُوْ حَاجَةٍ بِحَاجَتِهِ شَفِيْعاً، فَوَجَدْتَهُ مُمْتَنِعَ النَّجَاحِ

معبود من؛ هنگامی که حاجت‌خواهی برای حاجت و خواسته‌اش شفیعی معرفی می‌کند، پس می‌یابی او را در حالی که رستگارش ممتنع است

سَهْلَ الْقِيَادِ مُطِيْعاً، فَاِنِّيْ اَسْتَشْفِعُ اِلَيْكَ بِكَرَامَتِكَ، وَالصَّفْوَةِ مِنْ

کسی که به آسانی منقاد و مطیع می‌گردد، من نیز کرامت و بزرگواریت را، و برگزیدگانت از بین مردم را شفیع می‌گردانم؛

اَنَامِكَ الَّذِيْنَ اَنْشَأْتَ لَهُمْ مَا تُظِلُّ وَتُقِلُّ، وَبَرَأْتَ مَا يَدُقُّ

همان‌هایی که هر آنچه سایه می‌افکند و هر چیز کوچک و بزرگ را برای‌شان خلق کرده‌ای.

وَيَجِلُّ. اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِاَوَّلِ مَنْ تَوَجَّهَتْ تَاجَ الْجَلَالَةِ، وَاَحْلَلْتَهُ مِنْ

به تو تقرب می‌جویم به واسطه اول شخصیتی که تاج شکوه‌مندی را بر سرش نهادی، و

محبوبت

بخش دهم



الْفِطْرَةَ الرُّوحَانِيَّةَ مَحَلَّ السُّلَالَةِ، حُجَّتِكَ فِي خَلْقِكَ، وَأَمِينِكَ

فطرت و سرشت روحانیت را برایش قرار دادی؛ یعنی حجت و دلیل آشکار تو در آفریدگانت، و امین تو

عَلَى عِبَادِكَ، مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَبِمَنْ جَعَلْتَهُ

بر بندگانت، حضرت محمد، فرستاده‌ات - که درود خدا بر او و آل او باد - را شفیع گردانیدم. هم چنین شفیع خود را کسی قرار دادم

لِنُورِهِ مُغْرَبًا، وَعَنْ مَكْنُونِ سِرِّهِ مُغْرَبًا، سَيِّدِ الْأَوْصِيَاءِ وَإِمَامِ

که برای نور پیامبر ﷺ بگناه است؛ و کسی که راز پوشیده آن حضرت را به گونه‌ای فصیح بیان کرد؛ یعنی، سالار و سرور جانشینان، و

الْأَتْقِيَاءِ، يَعْسُوبِ الدِّينِ، وَقَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، وَأَبِي الْأَيْمَةِ

پیشوای پرهیزکاران، پادشاه دین، و زمامدار روسفیدان، و پدر امامان

الرَّاشِدِينَ عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ. وَأَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ

رشید درستکار، حضرت علی امیر مؤمنان - که بر او درود و سلام باد - . نیز به تو تقرب می‌جویم به واسطه شفیع

بِخَيْرَةِ الْأَخْيَارِ، وَأُمِّ الْأَنْوَارِ، الْأَنْسِيَّةِ الْحَوْرَاءِ، الْبَتُولِ الْعَذْرَاءِ،

قرار دادن بهترین نیکان به اصل و اساس نورها، حوریه انسان‌نما، بتول پاک پاک،

فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، وَبِقُرَّتِي عَيْنِ الرَّسُولِ، وَثَمَرَتِي فُوَادِ الْبَتُولِ،

حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام). هم چنین با شفیع قرار دادن دو نور دیده رسول، دو میوه قلب حضرت زهرا بتول،

السَّيِّدَيْنِ الْأِمَامَيْنِ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ وَأَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ،

یعنی دو آقا و دو امام حضرت ابو محمد حسن و حضرت ابو عبدالله امام حسین، (علیهم السلام)

وَبِالسَّجَادِ زَيْنِ الْعِبَادِ، ذِي الثَّفَنَاتِ، رَاهِبِ الْعَرَبِ، عَلِيِّ بْنِ

و نیز با شفیع قراردادن حضرت سجاده، زینت عبادت‌کنندگان، صاحب پینه‌ها (در سجده گاه‌ها)، راهب در میان قوم عرب، یعنی علی بن

الْحُسَيْنِ. وَبِالْإِمَامِ الْعَالِمِ، وَالسَّيِّدِ الْحَاكِمِ، النَّجْمِ الزَّاهِرِ، وَالْقَمَرِ

الحسین (علیه السلام) و نیز با امام و پیشوای دانشمند، آقای حکم کننده، ستاره درخشانده، ماه روشن و

الْبَاهِرِ مَوْلَايَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْبَاقِرِ، وَبِالْإِمَامِ الصَّادِقِ، مُبِينِ

زیباروی، مولای من حضرت محمد بن علی امام باقر (علیه السلام)؛ و نیز با امام راستگو که بیان‌کننده

الْمُشْكَلَاتِ، مُظْهِرِ الْحَقَائِقِ، الْمُفْحِمِ بِحُجَّتِهِ كُلَّ نَاطِقٍ، مُخْرِسِ

مسائل مشکل، آشکارکننده حقیقت‌ها، کسی که با حجت و دلیلش هر گوینده‌ای را ساکت و خاموش می‌کند، و زبان کسانی را

أَلْسِنَةَ أَهْلِ الْجِدَالِ، مَسَاكِينَ الشَّقَاشِقِ مَوْلَايَ جَعْفَرَ بْنِ مُحَمَّدٍ

که به جدال و ستیزه برمی‌خواستند لال می‌کرد، کسی که بهترین جایگاه‌ها را داشت یعنی حضرت امام جعفر بن محمد

الصَّادِقِ، وَبِالْإِمَامِ التَّقِيِّ وَالْمُخْلِصِ الصَّفِيِّ، وَالنُّورِ الْأَحْمَدِيِّ،

صادق (علیه السلام)، هم‌چنین با شفیع قرار دادن امام پرهیزگار باخلاص برگزیده، نور احمدی،

النُّورِ الْأَنْوَرِ، وَالضِّيَاءِ الْأَزْهَرِ مَوْلَايَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرَ، وَبِالْإِمَامِ

روشنی روشنی‌ها، پرتو درخشنده، مولایم حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام)؛ نیز به واسطه امام

الْمُرْتَضَى، وَالسَّيْفِ الْمُنتَضَى، وَالرَّاضِي بِالْقَضَا مَوْلَايَ عَلِيِّ

برگزیده شده، شمشیرکشیده از نیام، کسی که به حکم و قضای الهی راضی است یعنی مولایم حضرت علی

بْنِ مُوسَى الرَّضَا، وَبِالْإِمَامِ الْأَمْجَدِ، وَالْبَابِ الْأَقْصَدِ، وَالطَّرِيقِ

ابن موسی الرضا (علیه السلام) و نیز به واسطه امام بزرگ، بهترین باب الهی که مورد توجه و قصد و هدف است، بهترین راه

الْأَرْشَدِ، وَالْعَالِمِ الْمُؤَيَّدِ، يَنْبُوعِ الْحِكْمِ، وَمِصْبَاحِ الظُّلْمِ، سَيِّدِ

به سوی رشد و کمال و هدایت، دانشمند مورد تأیید، سرچشمه حکمت‌ها، چراغ تاریکی‌ها، آقا و سرور

الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ، الْهَادِي إِلَى الرَّشَادِ، وَالْمُؤَفَّقِ بِالتَّأْيِيدِ وَالسُّدَادِ

عرب و عجم، هدایت کننده به سوی راه درست، و کسی که با تأیید و موفقیت و راستی و درستی و استواری زندگی کرد

مَوْلَايَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ الْجَوَادِ، وَبِالْإِمَامِ مَنَحَةِ الْجَبَّارِ، وَوَالِدِ

یعنی مولایم حضرت محمد بن علی الجواد (علیه السلام)، نیز با شفیع قرار دادن امام بزرگوار، هدیه الهی، پدر

الْأَيِّمَةِ الْأَطْهَارِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْمُؤَلُّودِ بِالْعَسْكَرِ، الَّذِي حَذَّرَ

امامان پاک، حضرت علی بن محمد که در لشکرگاه دشمن به دنیا آمد، و

بِمَوَاعِظِهِ وَأَنْذَرَ، وَبِالْإِمَامِ الْمُنَزَّهِ عَنِ الْمَآثِمِ، الْمُطَهَّرِ مِنْ

با پند و اندرزهای خود بیم داد و ترسانید؛ نیز به واسطه امام منزّه و پاک از بدی‌ها، به دور از

الْمَظَالِمِ، الْحَبْرِ الْعَالِمِ، رَبِيعِ الْأَنْامِ، وَبَدْرِ الظَّلَامِ، التَّقِيِّ النَّقِيِّ

ستم‌ها، دانشمند کامل، بهار دل مردمان، ماه روشنی‌بخش تاریکی‌ها، پرهیزگار پاکیزه

الطَّاهِرِ الزَّكِيِّ، مَوْلَايَ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ الْعَسْكَرِيِّ،

پاک خالص، مولایم حضرت امام ابو محمد حسن بن علی عسکری؛ به سوی تو نزدیک می‌شوم و تقرب می‌جویم.

محمد بن علی

بخش دهم



۵۴۶

وَأَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِالْحَفِيفِ الْعَلِيمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَى خَزَائِنِ الْأَرْضِ،

همچنین، به واسطه کسی که او را نگهبان و دانای گنجینه‌ها و پنهانی‌های زمین خود قرار دادی،

وَالْأَبِ الرَّحِيمِ الَّذِي مَلَكَتَهُ أَزِمَّةَ الْبَسِطِ وَالْقَبْضِ، صَاحِبِ

و او را پدری مهربان قرار دادی و زمام هر گشایش و بستگی را در اختیارش گذاشتی؛ صاحب

النَّقِيَّةِ الْمَيْمُونَةِ، وَقَاصِفِ الشَّجَرَةِ الْمَلْعُونَةِ، مُكَلِّمِ النَّاسِ فِي

پیشوایی و ریاست مبارک، برکننده درخت لعنت‌شده (بنی‌امیه)، سخن‌گوی در

الْمَهْدِ، وَالِدَالِّ عَلَى مِنْهَاجِ الرُّشْدِ، الْغَائِبِ عَنِ الْأَبْصَارِ،

گهواره با مردمان، راهنما به راه روشن کمال و درستی، پنهان از دیدگان،

الْحَاضِرِ فِي الْأَمْصَارِ، الْغَائِبِ عَنِ الْعُيُونِ، الْحَاضِرِ فِي الْأَفْكَارِ،

کسی که همیشه در شهرها حضور دارد ولی از چشم مردم پنهان می‌باشد، لیکن در اندیشه‌ها حضور دارد،

بَقِيَّةِ الْأَخْيَارِ، الْوَارِثِ لِذِي الْفِقَارِ، الَّذِي يَظْهَرُ فِي بَيْتِ اللَّهِ ذِي

باقی مانده نیکوکاران، ارث‌برنده ذوالفقار، که در خانه خدا - که صاحب

الْأَسْتَارِ، الْعَالِمِ الْمُطَهَّرِ، مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ عَلَيْهِمْ أَفْضَلُ التَّحِيَّاتِ

پرده‌ها است - ظهور می‌فرماید، دانشمند پاک و پاکیزه، حضرت محمد فرزند حسن، که بر تمام آن بزرگواران برترین

وَأَعْظَمُ الْبَرَكَاتِ، وَأَتَمُّ الصَّلَوَاتِ. اللَّهُمَّ فَهَوِّ لَاءِ مَعَاقِلِي إِلَيْكَ

و بافضیلت‌ترین برکت‌ها و تحت‌ها و کامل‌ترین درودها نثار باد. بار خدایا؛ این عزیزان پناهگاه و وسیله

فِي طَلِبَاتِي وَوَسَائِلِي، فَصَلِّ عَلَيْهِمْ صَلَوةً لَا يَعْرِفُ سِوَاكَ

من برای عرضه درخواست‌هایم در محضر تو هستند؛ پس درودی نثارشان کن که مقدارهایش را جز تو نداند،

مَقَادِيرَهَا، وَلَا يَبْلُغُ كَثِيرٌ هِمَمِ الْخَلَائِقِ صَغِيرَهَا، وَكُنْ لِي بِهِمْ

و هر چه مردم با همت‌های بسیار بالا تلاش کنند نتوانند به کوچک‌ترین مقدار درودهایت برسند. از طرفی نیز به واسطه ایشان

عِنْدَ أَحْسَنِ ظَنِّي، وَحَقِّقْ لِي بِمَقَادِيرِكَ تَهْيِئَةَ التَّمَنِّي. إِلَهِي لَا

نیک‌ترین گمان‌هایم را برآورده، و آرزوهایم را محقق گردان. خدای من؛

رُكْنَ لِي أَشَدُّ مِنْكَ، فَأَوِي إِلَى رُكْنٍ شَدِيدٍ، وَلَا قَوْلَ لِي أَسَدُّ

رکن و پایه و جایگاهی محکم‌تر از تو ندارم، پس به این پایگاه و جایگاه محکم پناهنده می‌شوم؛ گفتاری نیک‌تر و استوارتر

مِنْ دُعَائِكَ، فَأَسْتَظْهِرُكَ بِقَوْلِ سَدِيدٍ، وَلَا شَفِيعَ لِي إِلَيْكَ أَوْجَهُ

از خواندن تو ندارم. پس با بهترین گفتار از تو کمک می‌جویم؛ و شفیع و واسطه‌ای آبرومندتر

مِنْ هَؤُلَاءِ فَاتِيكَ بِشَفِيعٍ وَدِيدٍ، وَقَدْ أَوَيْتُ إِلَيْكَ، وَعَوَّلْتُ فِي

از این بزرگواران (محمد و آل محمد ﷺ) ندارم، پس با واسطه‌ای دوست داشتنی نزدت می‌آیم؛ حال به سوی تو پناه آورده‌ام، و

قَضَاءِ حَوَائِجِي عَلَيْكَ، وَدَعَوْتُكَ كَمَا أَمَرْتَ، فَاسْتَجِبْ لِي كَمَا

برای برآوردن خواسته‌هایم به تو اعتماد کرده‌ام، و همان گونه که دستور داده‌ای تو را خواندم؛ پس دعایم را نیز طبق

وَعَدْتِ، فَهَلْ بَقِيَ يَا رَبِّ غَيْرَ أَنْ تُجِيبَ وَتَرْحَمَ مِنِّي الْبُكَاءَ

وعددهات پاسخ مثبت بده. ای پروردگار من؛ آیا با این شرایط، جز پاسخ‌گویی به خواسته من و جز رحم‌کردن به گریه و ناله‌های جانسوز من، کار

وَالنَّحِيبَ. يَا مَنْ لَا إِلَهَ سِوَاهُ، يَا مَنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ،

دیگری باقی مانده است؟ ای کسی که جز او معبود پرستش‌شونده‌ای نیست؛ ای کسی که پاسخ شخص درمانده که او را می‌خواند، می‌دهد؛

يَا كَاشِفَ ضُرِّ أَيُّوبَ، يَا رَاحِمَ عَبْرَةَ يَعْقُوبَ، اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي،

ای کسی که بیماری و گرفتاری حضرت ایوب را برطرف فرمود؛ ای کسی که به اشک‌های چشم یعقوب پیامبر رحم کرد؛ مرا ببخش و به من رحم

وَانصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ، وَافْتَحْ لِي وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ،

کن، و مرا بر گروه کافران یاری ده؛ و برایم پیروزی عنایت فرما که تو بهترین پیروزکنندگان هستی.

وَالطُّفُّ بِي يَا رَبِّ وَبِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، يَا ذَا الْقُوَّةِ

ای پروردگار من؛ به من لطف و مرحمت کن، و به تمام مردان و زنان مؤمن نیز لطف فرما. ای صاحب نیروی

الْمَتِينِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،

محکم. یا رحمت و مهربانیت ای مهربان‌ترین مهربانان؛ و تمام ستایش‌ها اختصاص به خداوند - پروردگار جهانیان - دارد.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَالِإِلِهِ الطَّاهِرِينَ. ۱

و درود خداوند بر سرور و سید ما حضرت محمد ﷺ پیامبر خدا و خاندان پاکش نثار باد.

پیوسته

بخش دوم



بخش یازدهم

بخش یازدهم



زیارت‌ها

استحباب زیارت حضرت بقیة الله ارواحنا فداء در هر زمان و مکان

علامه مجلسی رحمته الله می فرماید: زیارت حضرت بقیة الله ارواحنا فداء همیشه و در همه جا مستحب است؛ و در سرداب مقدس (سامرا)، و نزد قبرهای اجداد پاکش صلوات الله عليهم اجمعین، از فضیلت و ارزش بیشتری برخوردار است. و نیز در زمان های شریف به خصوص شب میلادش یعنی نیمه شعبان (بنا بر صحیح ترین روایات)، و شب قدر (که فرشتگان و روح در آن شب نزد آن حضرت می آیند) مناسبت بیشتری دارد.^۱

در این جا روایتی را که این مطلب از آن استفاده می شود، نقل می کنیم:
 سلیمان بن عیسی از پدرش روایت می کند که گفت:
 به امام صادق علیه السلام عرض کردم: هنگامی که نتوانم به زیارت شما بیایم و نزدتان حاضر شوم، چگونه شما را زیارت کنم؟
 حضرت فرمود:

ای عیسی؛ هنگامی که نتوانستی نزد من بیایی، در روز جمعه غسل کن یا وضو بگیر، و بر پشت بام خانه ات برو، و دو رکعت نماز بخوان، و به طرف من توجه کن (و زیارت بخوان)؛ زیرا هر کس در زمان زندگانیم مرا زیارت کند، گویا پس از

رحلتهم مرا زیارت کرده است، و هر کس پس از وفاتم مرا زیارت کند گویا در زمان زندگانیم زیارت نموده است.

بیان و توضیح مطلب: این خبر دلالت دارد بر این که زیارت امام زنده نیز به این شکل جایز است. لذا، این سند و دلیلی می باشد بر این که در هر مکانی که خواست امام قائم ارواحنا فداء را زیارت کند، رو به سوی سرداب مقدس کند و آن حضرت را زیارت نماید.^۱

شیخ بزرگوار جناب کفعمی رحمته الله علیه می فرماید: مستحب است در هر مکان و زمانی، امام مهدی صلوات الله علیه زیارت شود، و برای تعجیل و سرعت بخشیدن به فرج آن حضرت نیز در هنگام زیارتش دعا شود. البته زیارت آن بزرگوار در سرداب مقدس در شهر سرّ من رأی (سامرا) بیش تر مورد تأکید قرار گرفته است.^۲

زیارت حضرات معصومین علیهم السلام

و هدیه ثواب آن به پیشگاه حضرت بقیة الله ارواحنا فداء

می توان ثواب هر زیارتی را به پیامبر صلی الله علیه و آله یا به یکی از امامان علیهم السلام هدیه کرد.

شیخ طوسی رحمته الله علیه با سند خود از داود صرمی روایت می کند که گفت:

به امام بزرگوار امام هادی علیه السلام عرض کردم: من پدرت را زیارت کردم، و - ثواب - آن را برای شما قرار دادم.

حضرت فرمود:

با این کار، خداوند برای تو پاداش و ثواب بزرگ قرار داد، و ما تشکر می کنیم.^۳

بنابراین، اکنون که شیعیان در دوران غیبت امام زمان ارواحنا فداء، در هجران آن بزرگوار به سر می برند و در عصر حضور و ظهور حضرتش نیستند و نمی توانند همیشه در مکان های مقدسی که مربوط به آن بزرگوار است مانند سرداب مقدس،

۱. بحار الأنوار: ۱۰۱/۳۶۶.

۲. البلد الامین: ۴۳۲.

۳. مفتاح الجنات: ۵۳۱/۱.

مسجد کوفه، مسجد سهله و مسجد جمکران و... شرفیاب شوند؛ می توانند این کمبود و خسارت را با اهداء ثواب زیارت اماکن مقدسه دیگر به آن حضرت جبران کنند. و همچنین با خواندن زیارت‌های آن بزرگوار در حرم و زیارتگاهی که هستند به تقرب خود نزد خداوند مهربان بيفزایند و عنایات آن حضرت را به سوی خود جلب نمایند.

تاکنون افراد بسیاری از دوستان خاندان وحی در سرداب مقدس و همچنین اماکن مقدسه دیگر مورد عنایت امام زمان ارواحنا فداه قرار گرفته‌اند که در کتاب‌های متعدّد ذکر شده و نمونه‌هایی از آنها را در این کتاب نقل کرده‌ایم.

آداب زیارت

از آن جا که هدیه کردن ثواب زیارت اهل بیت علیهم‌السلام به پیشگاه صاحب الزمان ارواحنا فداه مستحب است؛ در این جا به بیان «آداب زیارت» می‌پردازیم:

محدّث قمی رحمته‌الله نقل کرده‌است: آداب زیارت بسیار است و در اینجا به چند چیز اکتفا می‌شود:

اول: پیش از بیرون رفتن برای سفر زیارت غسل نماید.

دوم: کلام بیهوده و لغو و دعوا و مجادله را در راه ترک کند.

سوم: برای زیارت هر امامی غسل نماید و دعایی که در هنگام غسل وارد شده است بخواند.

چهارم: با طهارت باشد.

پنجم: جامه‌های پاک و پاکیزه و نو بپوشد، و خوب است رنگ لباسی که می‌پوشد سفید باشد.

ششم: در وقت رفتن به روضه مقدسه گام‌ها را کوتاه برداشته و به آرامی و وقار سیر نموده و خاضع و خاشع باشد و سر به زیر اندازد و به بالا و اطراف خود التفات ننماید.

هفتم: در غیر زیارت امام حسین علیه‌السلام خود را خوش بو نماید.

هشتم: در وقت رفتن به حرم مطهر زبان را به ذکر تکبیر و تحمید و تسبیح و تهلیل و تمجید مشغول نماید و به صلوات فرستادن بر محمد و آل محمد علیهم السلام دهان خود را معطر سازد.

نهم: بر در حرم شریف ایستاده و طلب اذن ورود به حرم نماید و سعی در تحصیل رقت قلب و خضوع و شکستگی خاطر نماید، و در عظمت و جلالت قدر صاحب آن مرقد منور فکر کند، و باور داشته باشد که می بیند ایستادن او را، و می شنود کلام او را، و جواب می دهد سلام او را؛ چنانچه به همه این ها شهادت می دهد در وقت خواندن اذن دخول.

و اندیشه کند در محبت و لطفی که به شیعیان و زائران خود دارند و تأمل کند در خرابی حال خود و جفایی که به آن بزرگواران کرده و فرموده های بسی شماری که از ایشان نشنیده و آزارها و اذیت ها که از او به ایشان یا به خاصان و دوستان ایشان رسیده که برگشت آن به آزردن ایشان است و اگر برآستی در خود نگرد قدم هایش از رفتن باز ایستد و قلبش خاشع گردد و چشمش گریان شود و این روح آداب زیارت است.

دهم: بوسیدن عتبه عالیه و آستانه مبارکه است.^۱

۱. مؤلف گوید: درباره عتبه بوسی و بوسیدن درگاه مطهر آستان مقدس انعمه اطهار علیهم السلام در کلمات اهل بیت عصمت علیهم السلام عبارات بسیار مهمی وارد شده است.

در زیارت وداع انعمه اطهار علیهم السلام که مرحوم علامه مجلسی آن را در بحار الأنوار نقل کرده وارد شده است: ... و اشواقه إلى تقبيل أعتابكم، والولوج بإذنكم لأبوابكم، وتعفير الخدّ علی اریح ترابکم، واللیاذ بعرضاتکم، ومحالّ أبدانکم وأشخاصکم، المحفوفة بالملائكة الكرام، والمتحوفة من الله بالرحمة والرضوان ... «بحار الأنوار»: ۲/۱۰۵-۲۰۵.

چقدر شوق دارم به بوسیدن آستانه درگاه شما و وارد شدن با اذن شما به خانه شما و خاک آلود نمودن گونه ام را با خاک خوش بوی شما و پناه بردن به سرای شما را و مکانهای ابدان و اشخاص شما که از ملائکه کرام احاطه شده و مشمول رحمت و سلام از سوی خداوند شده است.

بنابراین، بوسیدن درگاه مقدس و خاک آلود نمودن گونه خود با خاک مشک بوی آستان مقدس آنان و پناه بردن به حرم های مطهر آن بزرگواران، نه تنها مورد تأیید آن بزرگواران است، بلکه آرزو و اشتیاق آن نیز باعث تقرب به خداوند متعال می شود.

و مرحوم شهید علیه السلام فرموده است: اگر زیارت کننده سجده کند و نیت کند که از برای خدا سجده می‌کنم به شکرانه این که مرا به این مکان رسانیده بهتر خواهد بود.

→ نکته بسیار مهمی که در هنگام عتبه بوسی باید به آن توجه داشت این است که عتبه حرم اهل بیت عصمت علیهم السلام قدمگاه حضرت بقیة الله الأعظم ارواحنا فداه است، که حضرتش در طول غیبت صغری و کبری، مکرر بر عظمت و شرافت آن مکان‌های مقدس افزوده‌اند و با قدم خود آن‌ها را مورد توجه و عظمت بیشتر قرار داده‌اند.

ما جلد قرآن را به خاطر قرآن می‌بوسیم، به خاطر احترامی که برای قرآن مجید قائل هستیم، همین گونه عتبه حرم‌های مطهر ائمة اطهار و اهل بیت عصمت علیهم السلام را می‌بوسیم هم به خاطر شرافتی که برای آنان قائل هستیم و هم به این جهت که آنجا محل رفت و آمد حضرت بقیة الله الأعظم ارواحنا فداه و قدمگاه محترم آن بزرگوار و همچنین جای قدم اولیاء خدا است.

مگر نه این است که در مدت سال‌های طولانی، عتبه مقدسه اهل بیت علیهم السلام محل رفت و آمد و جایگاه قدم مبارک امام عصر ارواحنا فداه بوده و می‌باشد، پس چرا این مکان‌های مقدس را نبوسیم؟

مرحوم آیه الله سید احمد مستنبط فرموده است:

از آداب زیارت، بوسیدن عتبه مقدسه است و ما در رساله خود یادآور شدیم که این از مصداق سجده خارج است، بلکه از باب محبت و مهر ورزیدن است مانند آن که انسان برای بوسیدن فرزند خود خم شود، زیرا کسی گمان نمی‌کند که این کار سجده (یا رکوع) برای اوست.

و نقل شده است که از مرحوم آیه الله شیخ انصاری سؤال شد درباره بوسیدن عتبه‌های مقدسه ائمة اطهار علیهم السلام، ایشان فرمودند:

من عتبه حرم حضرت ابوالفضل العباس علیه السلام را می‌بوسم تا چه رسد به عتبه حرم ائمة اطهار علیهم السلام آن هم به خاطر این است که آنجا، قدمگاه زوار حضرت ابوالفضل علیه السلام است.

از بعضی از علماء ربانی دیده شده که عتبه زیارتگاه حر بن یزید ریاحی رضوان الله علیه را می‌بوسید. (الزيارة والبشارة: ۱۳/۱).

و نیز ایشان فرمودند: از آداب زیارت بوسیدن زمین در برابر امام علیه السلام است. به خاطر روایتی که در وسائل از کتاب «عیون» در باب ۱۲۹ از ابواب «عشرة» از کتاب حج با سند از صفوان بن یحیی نقل شده است که ایشان گفت:

ابو قرّة مصاحب جاثلیق به من گفت که او را به حضور امام رضا علیه السلام برسانم، من از آن بزرگوار در این باره اذن خواستم، فرمودند: او را پیاور.

چون بر حضرت وارد شد، بساط حضرت را بوسید و عرض کرد در دین ما بر ما لازم است که نسبت به بزرگان عصر خود این گونه رفتار کنیم.

امام علیه السلام او را از این کار منع نفرمودند. و معلوم است که سکوت در برابر امر منکر از معصوم علیه السلام صادر نمی‌شود.

و همین گونه روایت دیگری متضمن این مطلب است که قافله‌ای از قم خدمت حضرت بقیة الله ارواحنا فداه رسیدند و آن حضرت از علامت و نشانه‌های اموالی که آورده بودند به آن آنان خبر دادند. آنان خود را به عنوان شکر الهی به زمین افکنده و زمین را در برابر آن حضرت از باب احترام بوسیدند. (الزيارة والبشارة: ۱۷/۱).



یازدهم: پای راست را در وقت داخل شدن مقدم داشته و پای چپ را در وقت بیرون آمدن مقدم بدارد، مانند آنچه در وارد شدن و خارج شدن از مسجد عمل می‌کند.

دوازدهم: نزد ضریح مطهر بایستد به گونه‌ای که خود را بتواند به آن بچسباند. و توهم آن که دور ایستادن ادب می‌باشد و هم است؛ زیرا که چسبیدن به ضریح و بوسیدن آن در روایت وارد شده است.

سیزدهم: در وقت زیارت پشت به قبله و رو به قبر منور بایستد، و ظاهراً این ادب مختص به زیارت معصوم است و چون از خواندن زیارت فارغ شد گونه‌ی راست را به ضریح بگذارد و به حال تضرع دعا کند پس گونه‌ی چپ را بگذارد و بخواند خدا را به حق صاحب قبر که او را از اهل شفاعت آن بزرگوار قرار دهد و در دعا مبالغه نموده و اصرار نماید. پس به سمت سر مطهر برود و رو به قبله بایستد و دعا کند.

چهاردهم: در وقت خواندن زیارت - اگر عذری ندارد از ضعف و درد کمر و درد پا و غیر این‌ها - بر روی پا بایستد.

پانزدهم: در هنگام دیدن قبر مطهر پیش از شروع در خواندن زیارت تکبیر بگویند، و در خبریست که هر که تکبیر بگوید پیش روی امام علیه السلام و بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَخَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ» نوشته شود برای او خشنودی خدای بزرگ.

شانزدهم: زیارت‌هایی که از ائمه علیهم السلام روایت شده بخواند و خواندن زیارت‌های ساختگی که بعضی از بی‌خردان از عوام آن‌ها را با بعضی از زیارات تلفیق کرده و نادانان را به آن مشغول ساخته‌اند، ترک نماید.

شیخ کلینی علیه السلام روایت کرده از عبدالرحیم قصیر که گفت: وارد شدم بر حضرت صادق علیه السلام و گفتم: فدایت شوم از پیش خود دعایی اختراع کردم.

حضرت فرمود:

واگذار مرا از اختراع خود، هر گاه تو را حاجتی روی دهد به حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم پناه برو و دو رکعت نماز بخوان و هدیه کن آن را به سوی آن حضرت الخ.

هفدهم: نماز زیارت را بخواند، و اقل آن دو رکعت است.

مرحوم شهید فرموده: که اگر زیارت پیغمبر ﷺ است نماز را در روضه مطهره بجا آورد و اگر در حرم یکی از ائمه علیهم السلام است در بالای سر بجا آورد و اگر آن دو رکعت را در مسجد آن مکان یعنی مسجد حرم انجام دهد جایز است.

و علامه مجلسی رحمته الله فرموده: به نظر من اگر نماز زیارت و غیر آن را در پشت قبر یا بالای سر انجام دهد بهتر است. (و نماز خواندن جلوتر از قبر امام علیه السلام چون بی احترامی و بی ادبی نسبت به مقام مقدس آن بزرگوار است، جایز نیست).

هیجدهم: در رکعت اول سوره «یس» و در رکعت دوم سوره «الرحمن» را بخواند؛ اگر کیفیت مخصوصی برای نماز زیارتی که می خواند وارد نشده باشد، و بعد از نماز به آنچه وارد شده یا به آنچه در خاطر او می رسد برای دین و دنیای خود و برای عموم مؤمنین دعا کند؛ زیرا که آن به اجابت نزدیک تر است.

نوزدهم: مرحوم شهید رحمته الله فرموده: اگر کسی داخل حرم مطهر شود و ببیند نماز جماعت منعقد شده است اول نماز بخواند پیش از آنکه زیارت نماید. (در صورتی که شرایط شرکت در نماز جماعت برای او وجود داشته باشد)....

بیستم: مرحوم شهید از جمله آداب زیارت، تلاوت کردن قرآن را نزد ضریح های مطهره و هدیه کردن آن را به روح مقدس آن امام یا آن که زیارت می شود برشمرده و گفته است که این کار فایده اش به زیارت کننده برمی گردد و نوعی احترام و بزرگداشت کسی است که زیارت می شود.

بیست و یکم: ترک نمودن سخنان ناشایسته و کلمات لغو و بیهوده و ترک اشتغال به صحبت های دنیوی که همیشه در هر جامذموم و قبیح و مانع رزق و باعث قساوت قلب است خصوص در این بقعه های مطهره و زیر این گنبد های بلند مرتبه و ارزشمند که خدای تعالی خبر می دهد از بزرگی و جلالت آن ها در سوره نور ﴿فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ﴾ تا آخر آیه.

بیست و دوم: صدای خود را در وقت زیارت بلند نکند، چنانچه در «هدیة الزائرین» ذکر کردم.

بیست و سوم: وقتی می‌خواهد مراجعت کند و از شهر خارج شود، با امام علیه السلام وداع کند به آنچه در روایات آمده یا به غیر آن.

بیست و چهارم: به سوی خدا بازگردد و از گناهان خویش استغفار نماید و کردار و گفتار خود را بعد از زیارت نسبت به پیش از آن بهتر نماید.

بیست و پنجم: به قدر توان بر خادمان آستانه شریفه انفاق نماید، و سزاوار است که خدام آن مکان شریف از اهل خیر و صلاح و صاحب دین و مروّت باشند و تحمّل نمایند آنچه از زائرین می‌بینند و خشم خود را بر آنها فرو نشانند و غلظت و درشتی بر آنها ننمایند و بر قضاء حوائج محتاجین اقدام کنند و افراد غریب و ناآشنا را راهنمایی و دلالت کنند اگر راه را گم نمایند، و خلاصه باید خدام به حقیقت و راستی در خدمات لازمه از تنظیف و حراست و محافظت زائران و غیره، مشغول باشند.

بیست و ششم: انفاق و احسان نماید بر مجاورین آن بقعه مبارکه که دچار فقر و ناداری هستند ولی آبرومندند؛ خصوصاً سادات و اهل علم که ترک دیار کرده‌اند و به تلخی غربت و تنگدستی مبتلایند و همواره پرچم تعظیم شعائر الهی را برپا نموده، و جهاتی را دارا هستند که ملاحظه هر یک از آنها کافی در لزوم اعانت به آنها و رعایت حالشان است.

بیست و هفتم: مرحوم شهید فرموده که از جمله آداب این است که وقتی از زیارت بهره‌مند گردید، زودتر از آن مکان شریف بیرون رود، برای مزید تعظیم و احترام و شدت شوق به رجوع و نیز فرموده که در وقتی که زن‌ها می‌خواهند زیارت کنند باید از مردان جدا باشند و تنها زیارت کنند و اگر در شب زیارت کنند اولی است و باید که وضع خود را تغییر دهند، یعنی لباس خوب و عالی را به لباس پست بدل کنند که شناخته نشوند و مخفی و پنهان بیرون آیند که کسی کمتر ایشان را ببیند و بشناسد و اگر با مردان زیارت کنند نیز جایز است اگرچه مکروه است.

از این گفتار معلوم شد کثرت قبح و زشتی آنچه متعارف شده که زن‌ها به اسم تشرّف به زیارت خود را آرایش نموده با لباس‌های نفیس از خانه‌ها بیرون می‌آیند و در حرم‌های مطهره با نامحرمان برخورد می‌نمایند.

زنانی که در طرف قبله مردان می‌نشینند و با رفتار خود حواس مردم را پریشان می‌کنند، و زائرین و نمازگزاران و گریه‌کنندگان را از عبادت باز می‌دارند از گروهی شمرده می‌شوند که راه خدا را می‌بندند. در واقع این گونه زیارتِ زنان از منکرات شمرده می‌شود نه از عبادات، و وسیلهٔ هلاکت است نه تقرّب.

از حضرت صادق علیه السلام نقل شده که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به اهل عراق فرمود:

يا أهل العراق نبئت أنّ نساؤکم یوافقن الرجال فی الطريق أما تستحيون؟

ای اهل عراق؛ به من خبر رسیده که زن‌های شما در راه به مردان می‌رسند یعنی در کوچه و بازار به نامحرمان بر می‌خورند، آیا شماها حیا نمی‌کنید؟

وقال: لعن الله من لا یغار.

و فرمود: خداوند لعنت کند کسی را که غیرت ندارد.

بیست و هشتم: سزاوار است وقتی که زوّار بسیارند کسانی که خود را زودتر به ضریح رسانده‌اند زیارت را کم نموده و کنار روند تا دیگران نیز مثل آن‌ها به نزدیک شدن به ضریح فائز گردند.^۱

بیست و نهم: هنگام تشرّف به اماکن مقدّسه و حرم‌های مطهر اهل بیت علیهم السلام بهترین موقعیت از لحاظ مکان و حال زائر برای دعا نمودن برای تعجیل ظهور امام زمان ارواحنا فداه وجود دارد؛ بنابراین زائرین محترم باید به این وظیفهٔ اساسی خود در همهٔ اماکن مقدّسه توجه داشته باشند.

سی‌ام: چون انسان از هر کجا که بخواهد می‌تواند امام زمان ارواحنا فداه را زیارت کند، سزاوار است پس از خواندن زیارت در حرم‌های مطهر، به امام عصر ارواحنا فداه

توجه نموده و با خواندن زیارت آن حضرت نیز قلب خود را صفا بخشیده و وظیفه خود را انجام دهد.

اکنون بعضی از زیارت‌های آن حضرت را نقل می‌کنم:



زیارت آل یس

شیخ بزرگوار جناب طبرسی رحمته الله در کتاب «الإحتجاج» می‌گوید:

از ناحیه مقدسه حضرت مهدی ارواحنا فداه - پس از پاسخ به سؤالات جناب محمد حمیری - صادر گردید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
به نام خداوند بخشنده مهربان

لَا لِأَمْرِهِ تَعْقُلُونَ، وَلَا مِنْ أَوْلِيَائِهِ تَقْبَلُونَ، حِكْمَةٌ بِالْغَةِ فَمَا تُغْنِي

نه در مورد امر او اندیشه می‌کنید، و نه از اولیای الهی می‌پذیرید؛ حکمتی است کامل و رسا، ولی

النُّذْرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.

بیم دادن‌ها، برای کسانی که ایمان نیاورده‌اند، فایده‌ای ندارد؛ سلام بر ما و بر بندگان شایسته خداوند.

هر گاه خواستید به واسطه ما، به خداوند تعالی و نیز به سوی ما توجه کرده و روی آورید، همان گونه که خدای تعالی فرموده است، بگویید:

«سَلَامٌ عَلَىٰ آلِ يَسٍّ»، أ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّنِي

«سلام بر آل یاسین»، سلام بر تو ای دعوت کننده مردم به سوی خدا و پرورنده

آيَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَدَيَانَ دِينِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

آیات او؛ سلام بر تو ای باب رحمت خداوند و حاکم و مدبر دین او؛ سلام بر تو ای



خَلِيفَةَ اللَّهِ وَنَاصِرَ حَقِّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَدَلِيلَ إِرَادَتِهِ،

جانشین خداوند و یاری کننده حق او؛ سلام بر تو ای حجت خدا و دلیل و راهنمای اراده او؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَّ كِتَابِ اللَّهِ وَتَرْجُمَانَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي

سلام بر تو ای تلاوت کننده کتاب خداوند و بازگو کننده مقصود آن؛ سلام بر تو در

أَنَاءِ لَيْلِكَ وَأَطْرَافِ نَهَارِكَ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي

تمام لحظه‌های شب و در همه بخش‌های روزت؛ سلام بر تو ای باقی‌مانده (حجت‌های) خدا در

أَرْضِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ، السَّلَامُ

زمینش؛ سلام بر تو ای عهد و پیمان خداوند که آن را (از مردم) گرفت و آن را مورد تأکید قرار داد؛ سلام

عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَلَمُ

بر تو ای وعده الهی که خدا آن را ضمانت کرد؛ سلام بر تو ای پرچم

الْمَنْصُوبُ، وَالْعِلْمُ الْمَضْبُوبُ، وَالْعَوْتُ وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ،

برافراشته؛ و دانش ریزان و فراگیر، و فریادرس، و رحمت گسترده

وَعْدًا غَيْرَ مَكْذُوبٍ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

بر اساس وعده‌ای که دروغ نیست. سلام بر تو آن وقتی که بپامی‌خیزی؛

حِينَ تَقْعُدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ

سلام بر تو هنگامی که می‌نشینی؛ سلام بر تو آن هنگامی که قرائت (قرآن) می‌کنی، و آن را بیان می‌نمایی، سلام بر تو آن هنگامی

تُصَلِّي وَتَقْنَتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَتَسْجُدُ، السَّلَامُ

که نماز می‌گزاری و قنوت می‌نمایی، سلام بر تو آن هنگامی که رکوع و سجود می‌کنی؛ سلام

عَلَيْكَ حِينَ تَهَلَّلُ وَتُكَبِّرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَتَسْتَغْفِرُ،

بر تو در وقتی که خدا را به یکتایی و بزرگی می‌ستایی، سلام بر تو آن هنگامی که حمد و ستایش و طلب بخشش می‌کنی،

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصْبِحُ وَتُمْسِي، السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا

سلام بر تو آن هنگامی که صبح می‌کنی و شام می‌نمایی؛ سلام بر تو در شب آن هنگام که

يَغْشَى وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَأْمُونُ،

همه جا را تاریکی فرا گیرد، و در روز آن هنگام که روشنی‌اش جلوه‌گر شود، سلام بر تو ای امام مورد اعتماد و اطمینان؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَقْدَّمُ الْمَأْمُولُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ

سلام بر تو ای جلودار و آرزو شده؛ سلام بر تو به سلام‌های گوناگون

السَّلَامِ. أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَخَدَهُ لَا

و فراگیر. مولایم؛ تو را گواه می‌گیرم که من شهادت می‌دهم معبودی جز خداوند نیست یگانه‌ای که

شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَأَهْلُهُ،

شریکی ندارد؛ و این که محمد بنده و فرستاده او است؛ جز او و اهلیش محبوبی وجود ندارد.

وَأَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتَهُ، وَالْحَسَنَ

و تو را گواه می‌گیرم ای مولای من که علی علیه السلام امیر و فرمانروای مؤمنان، حجت خداوند است؛ و امام حسن علیه السلام

حُجَّتَهُ، وَالْحُسَيْنَ حُجَّتَهُ، وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ حُجَّتَهُ، وَمُحَمَّدَ بْنَ

حجت اوست، و امام حسین علیه السلام حجت اوست، و امام سجاد علیه السلام حجت اوست، و امام باقر علیه السلام

عَلِيٍّ حُجَّتَهُ، وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ، وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتَهُ،

حجت اوست، و امام صادق علیه السلام حجت اوست، و امام کاظم علیه السلام حجت اوست،

وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى حُجَّتَهُ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ، وَعَلِيَّ بْنَ

و امام رضا علیه السلام حجت اوست، و امام جواد علیه السلام حجت اوست، و امام هادی علیه السلام

مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ، وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ.

حجت اوست، و امام حسن عسکری علیه السلام حجت اوست، و گواهی می‌دهم که تو حجت خداوند هستی.

أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ، وَأَنَّ رَجْعَتَكُمْ حَقٌّ لَا رَيْبَ فِيهَا يَوْمَ لَا يَنْفَعُ

شما آغاز و پایان هستید؛ و رجعت و بازگشت همه شما به دنیا حقیقتی است که هیچ شک و تردیدی در آن راه ندارد، در آن روزی

نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ أَمْنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا،

که ایمان کسی که از پیش ایمان نیاورده یا در ایمانش خیر و بهره‌ای به دست نیاورده است، برایش سودی ندارد. (و اعتقاد این

وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ، وَأَنَّ نَاكِرًا وَنَكِيرًا حَقٌّ، وَأَشْهَدُ أَنَّ النَّشْرَ

است که) به راستی مرگ حق است، و (دو فرشته قبر) نکیر و منکر حق هستند، و گواهی می‌دهم که پراکنده شدن از قبرها حق است

حَقٌّ، وَالْبَعْثَ حَقٌّ، وَأَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ، وَالْمِرْضَادَ حَقٌّ، وَالْمِيزَانَ

و برانگیخته شدن موجودات (در روز قیامت) حق است، و به راستی که صراط (و راه بهشت) حق است، و مرصاد (و جایگاه مراقبت) حق است، و

بخش یازدهم



حَقٌّ، وَالْحَشْرَ حَقٌّ، وَالْحِسَابَ حَقٌّ، وَالْجَنَّةَ وَالنَّارَ حَقٌّ،

میزان (و سنجش اعمال) حق است، و گرد آمدن حق است، و حساب (روز جزا) حق است و بهشت و جهنم حق است،

وَالْوَعْدَ وَالْوَعِيدَ بِهِمَا حَقٌّ. يَا مَوْلَايَ شَقِيٍّ مَنْ خَالَفَكَ، وَسَعِيدٍ

و وعده و بیم نسبت به بهشت و جهنم حق است. مولای عزیزم؛ هر کس با شما مخالفت کند بدبخت است، و هر کس از شما

مَنْ أَطَاعَكُمْ، فَاشْهَدْ عَلَيَّ مَا أَشْهَدُكَ عَلَيْهِ، وَأَنَا وَلِيُّ لَكَ،

فرمانبری نماید خوشبخت است؛ پس، تو گواه باش بر آنچه تو را گواه گرفتم؛ اینها در حالی است که من ارادتمند تو هستم،

بِرِيءٍ مِنْ عَدُوِّكَ، فَالْحَقُّ مَا رَضَيْتُمُوهُ، وَالْبَاطِلُ مَا سَخِطْتُمُوهُ،

از دشمنت بیزارم؛ پس اعتقاد دارم که حق و درستی همان چیزی است که شما از آن راضی باشید، و باطل و نادرستی چیزی است که شما

وَالْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ، وَالْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ، فَفَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ

نسبت به آن ناخشنود باشید؛ و کار خیر آن کاری است که شما دستور بدان داده‌اید، و کار زشت همان است که شما از آن باز داشته‌اید. پس

بِاللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَبِرَسُولِهِ وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَبِكُمْ يَا

روان و جان من ایمان به خدای یگانه بی‌شریک دارد، و به فرستاده‌اش حضرت محمد ﷺ، و به امیر مؤمنان حضرت علی علیه السلام و به شما (اهل

مَوْلَايَ أَوْلَكُمْ وَأَخْرِكُمْ، وَنُصْرَتِي مُعَدَّةٌ لَكُمْ، وَمَوَدَّتِي خَالِصَةٌ

بیت)، ای مولای من؛ به اولین تا آخرین شما اعتقاد و ایمان دارم. و یاریم آماده است برای شما، و دوستی خاص و اظهار محبت خالص من

لَكُمْ أَمِينَ أَمِينَ.

تنها برای شماست؛ برآورده کن ای پروردگارا؛ برآورده کن ای پروردگارا.

دَعَايَ پس از زیارت: اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ نَبِيِّ

بارالها؛ از تو می‌خواهم و درخواست می‌کنم که بر محمد پیامبر

رَحْمَتِكَ وَكَلِمَةِ نُورِكَ، وَاَنْ تَمَلِّأَ قَلْبِيْ نُوْرَ الْيَقِيْنِ، وَصَدْرِيْ

رحمتت، و کلمه تام نورت درود بفرستی، و قلبم را از نور یقین و باور پر گردانی، و سینهام را

نُوْرَ الْاِيْمَانِ، وَفِكْرِيْ نُوْرَ النِّيَّاتِ، وَعَزْمِيْ نُوْرَ الْعِلْمِ، وَقُوَّتِيْ

از روشنی ایمان، و اندیشه‌ام را از نور و روشنی نیت‌ها، و تصمیم و اراده مرا از نور دانش، و نیرویم را از

نُوْرَ الْعَمَلِ، وَلِسَانِيْ نُوْرَ الصِّدْقِ، وَدِيْنِيْ نُوْرَ الْبَصَائِرِ مِنْ

نور و روشنی کردار، و زبانم را از نور راستگویی، و دینم را از روشنی بینش‌ها که از جانب

عِنْدِكَ، وَبَصْرِي نُورَ الضِّيَاءِ، وَسَمْعِي نُورَ الْحِكْمَةِ، وَمَوَدَّتِي

خودت است، و چشمم را از نور هدایت، و گوش مرا از نور و روشنی حکمت، و مودت و دوستی خالص مرا از نور

نُورَ الْمُوَالَاةِ لِمُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، حَتَّى أَلْقَاكَ وَقَدْ

موالات و دوستی نسبت به حضرت محمد و آل او - که درود بر ایشان باد - پُر کنی؛ تا در نتیجه، با حالتی تو را ملاقات کنم

وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ وَمِيثَاقِكَ، فَتَغَشَّيْنِي رَحْمَتَكَ، يَا وَلِيَّيَ يَا حَمِيدُ.

که به عهد و پیمان تو وفا کرده باشم، و در پایان نیز رحمت تو مرا فرا گیرد؛ ای سرپرست؛ ای ستوده؛

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ، وَخَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ،

بارالها! بر محمد درود فرست؛ همان کسی که حجت تو در زمینت، و جانشینت در سرزمین‌هایت،

وَالدَّاعِي إِلَى سَبِيلِكَ، وَالْقَائِمُ بِقِسْطِكَ، وَالثَّائِرُ بِأَمْرِكَ، وَوَلِيَّيَ

و فراخوان به راهت، و بپادارنده قسط و عدلت، و برانگیخته به دستور است؛ سرپرست

الْمُؤْمِنِينَ، وَبَوَارِ الْكَافِرِينَ، وَمُجَلِّي الظُّلْمَةِ، وَمُنِيرِ الْحَقِّ،

مؤمنان، و نابود کننده کافران، و روشنی‌بخش تاریکی، و نورانی‌کننده حقیقت،

وَالنَّاطِقِ بِالْحِكْمَةِ وَالصِّدْقِ، وَكَلِمَتِكَ التَّامَّةِ فِي أَرْضِكَ،

و گویا به حکمت و راستی، و کلمه تام و کامل تو در زمینت،

الْمُرْتَقِبِ الْخَائِفِ، وَالْوَلِيِّ النَّاصِحِ، سَفِينَةِ النَّجَاةِ، وَعَلَمِ الْهُدَى،

چشم به راه و هراسان، و سرپرست خیرخواه، کشتی نجات، و نشانه هدایت،

وَنُورِ أَبْصَارِ الْوَرَى، وَخَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَارْتَدَى، وَمُجَلِّي

و روشنی دیدگان مردم، و بهترین کسی که پیراهن و عبا بر تن گرفت، و برطرف کننده

الْعَمَى، الَّذِي يَمَلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا، كَمَا مَلَأَتْ ظُلْمًا

کورگی و نابینایی، (بالآخره) کسی که زمین را از عدل و داد پر می‌کند؛ چنان که از ستم و

وَجَوْرًا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَابْنِ

جور پر شده است، راستی که تو بر هر چیزی توانایی داری. بارخدایا؛ بر ولی خودت، فرزند

أَوْلِيَّائِكَ، الَّذِينَ فَرَضَتْ طَاعَتَهُمْ، وَأَوْجَبَتْ حَقَّهُمْ، وَأَذْهَبَتْ

اولیایبت درود فرست. همان اولیایی که فرمانبری از ایشان را واجب و مسلم گردانیدی، و حقشان را لازم شمردی،

عَنْهُمْ الرَّجْسَ، وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيراً. اللَّهُمَّ انصُرْهُ، وَأَنْتَصِرْ بِهِ

و رجس و پلیدی را از وجود ایشان دور ساخته و آنان را پاک و پاکیزه نمودی. بارالها! او را یاری کن، و به کمک او

لِدِينِكَ، وَأَنْصُرْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ وَأَوْلِيَاءَهُ، وَشَيْعَتَهُ وَأَنْصَارَهُ،

دینت و دوستانت و دوستانش و پیروانش و یارانش را نیز یاری کن،

وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ. اللَّهُمَّ أَعِذْهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ وَطَاغٍ، وَمِنْ شَرِّ

و ما را نیز از این افراد قرار بده. بارالها! او را از شر هر جفاکار سرکش، و از شر

جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ

تمام آفریدگانت پناه داده و نگه دار؛ و او را از پیش روی مبارکش، از پشت سر، از طرف راست

وَعَنْ شِمَالِهِ، وَاحْرُسْهُ وَأَمْنَعْهُ مِنْ أَنْ يُوَصَلَ إِلَيْهِ بِسُوءٍ،

و چپ حفظ کن؛ و او را از این که هر ناخوش آیند و بدی به ساحت قدس او برسد نگاهش دار،

وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ وَالرَّسُولَ، وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ، وَأَيِّدْهُ

و با این حفظ، رسولت و آل رسولت را حفاظت کن. و عدل و داد را به واسطه او آشکار گردان، و با

بِالنَّصْرِ، وَأَنْصُرْ نَاصِرِيهِ، وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ، (وَأَقْصِمِ قَاصِمِيهِ،)

یاریت تأییدش کن، و یارانش را یاری کن، و کسانی را که او را وا می‌گذارند واگذار، (و بشکن پشت کسانی را که آن حضرت را

وَأَقْصِمِ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ، وَأَقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ

درهم می‌شکنند)، و تمام قدرت کافران زورگو را به واسطه او درهم شکن، و تمام کافران و منافقان و

وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ، حَيْثُ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا،

همه ملحدان را در هر جایی که باشند؛ در مشرق زمین و مغرب آن،

بَرِّهَا وَبَحْرِهَا، وَأَمْلَأْ بِهَا الْأَرْضَ عَدْلًا، وَأَظْهِرْ بِهِ دِينَ نَبِيِّكَ

خشکی آن و دریای آن؛ به قتل برسان؛ و به واسطه او زمین را پر از عدل و داد فرما، و دین پیامبرت را

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ،

- که درود خدا بر او و آل او باد - به خوبی ظاهر و آشکار گردان. و مرا نیز - بارالها! - از یاران و مددکاران

وَأَتْبَاعِهِ وَشَيْعَتِهِ، وَأَرِنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَا

و پیروان و شیعیان او قرار بده؛ و در مورد آل محمد - سلام بر آنان باد - آن چه را ایشان آرزو دارند

يَأْمُلُونَ، وَفِي عَدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ، يَا ذَا

به من بنمایان، و در مورد دشمنان شان نیز آنچه می ترسند و از آن حذر دارند به من بنمایان؛ ای معبود حقیقی؛ بپذیر و قبول کن.

الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. ۱

ای صاحب شکوه و بزرگواری؛ ای مهربان ترین مهربانان؛



زیارت ندبه

علامه مجلسی رحمته الله می فرماید: ابو علی حسن بن اشناس گفت: ابوالمفضل محمد بن عبدالله شیبانی خبر داد که ابو جعفر جناب محمد بن عبدالله بن جعفر حمیری برایش روایت کرد - و اجازه داده است به او که آنچه را او روایت کرده است روایت کند - که نامه ای از ناحیه مقدسه - که خداوند نگهبانش باد - برایش ارسال شد، و در آن نامه پس از پاسخ به سؤالاتی چند که داشته است، درباره نماز و توجه به این شرح وارد شده است: ۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

لَا لِأَمْرِ اللَّهِ تَعْقِلُونَ، وَلَا مِنْ أَوْلِيَاءِهِ تَقْبَلُونَ، حِكْمَةٌ بِالْعَقَّةِ

نه در مورد امر خداوند اندیشه می کنید، و نه از اولیای الهی می پذیرید؛ حکمتی کامل و رساست،

فَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ وَالنُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْنَا

ولی نشانه ها و بیم دادن ها، برای کسانی که ایمان نیاورده اند، فایده ای ندارد؛ سلام بر ما

وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ.

و بر بندگان شایسته خداوند.

پس هر گاه قصد توجه به خداوند و ما، به واسطه ما را داشتید، همان گونه که خدای تعالی فرموده است، بگویید:

۱. الإحتجاج: ۳۱۶/۲، بحار الأنوار: ۲/۹۴، معادن الحکمة: ۲/۲۹۱.

۲. مرحوم علامه مجلسی دستور نماز را در اینجا نقل فرموده ولی ما آن را در بخش نمازها بیان کرده ایم.

﴿سَلَامٌ عَلَىٰ آلِ يَاسِينَ﴾، ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ، وَاللَّهُ ذُو

سلام بر آل یاسین، این، همان فضل آشکار است؛ و خداوند صاحب

الْفَضْلِ الْعَظِيمِ، لِمَنْ يَهْدِيهِ صِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمَ، قَدْ آتَاكُمْ اللَّهُ

فضل و فزون بخشی بزرگ است (البته) برای کسی که او را به راه مستقیم خود هدایت می‌کند.

يَا آلَ يَاسِينَ خِلَافَتَهُ، وَعِلْمَ مَجَارِي أَمْرِهِ، فِيمَا قَضَاهُ وَدَبَّرَهُ

ای آل یاسین؛ خداوند، جانشینی‌اش را به شما داد، و دانش مجراهای امر خودش را به شما عطا کرد. در مورد چیزهایی که قضا، تدبیر،

وَرَتَّبَهُ وَأَرَادَهُ فِي مَلَكُوتِهِ، فَكَشَفَ لَكُمْ الْغِطَاءَ، وَأَنْتُمْ خَزَنَتُهُ

ترتیب، و اراده‌اش در ملکوتش بدانها تعلق گرفته بود. بدین سان، پرده از همه چیز برای شما برداشت، و شما خازنان

وَشُهَدَاؤُهُ، وَعُلَمَاؤُهُ وَأَمَنَّاؤُهُ، سِيَاسَةِ الْعِبَادِ، وَأَرْكَانُ الْبِلَادِ،

و شاهدان و عالمان و امینان الهی می‌باشید؛ اداره کننده امور واقعی بندگان خدا و ارکان و اساس سرزمین

وَقُضَاةُ الْأَحْكَامِ، وَأَبْوَابُ الْإِيمَانِ، وَسَلَالَةُ النَّبِيِّينَ، وَصَفْوَةُ

و قاضیان احکام، و درهای ایمان، و نسل و زاده پیامبران، و منتخب و برگزیده

الْمُرْسَلِينَ، وَعِثْرَةُ خَيْرَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. وَمِنْ تَقْدِيرِهِ مَنَاحَ

رسولان، و خاندان بهترین برگزیده از جانب پروردگار جهانیان هستید. و از تقدیر الهی است که

الْعَطَاءِ بِكُمْ إِنْفَاذَهُ مَحْتُومًا مَقْرُونًا، فَمَا شَيْءٌ مِنْهُ إِلَّا وَأَنْتُمْ لَهُ

نافذ شدن بخشش‌های هدیه (به خلایق) به وسیله شما حتمی شده و به آنان می‌رسد، هیچ چیزی نیست مگر آن که

السَّبَبُ، وَإِلَيْهِ السَّبِيلُ، خِيَارُهُ لَوْلِيَّكُمْ نِعْمَةٌ، وَأَنْتِقَامُهُ مِنْ عَدُوِّكُمْ

سببش شما، و راه به سوی او شما هستید؛ چیزی که برای دوستان برگزیند نعمت است، و انتقام او از دشمنان

سَخِطَةٌ، فَلَا نَجَاةَ وَلَا مَفْرَعَ إِلَّا أَنْتُمْ، وَلَا مَذْهَبَ عَنْكُمْ، يَا

خشم است. پس جز شما هیچ راه نجات و پناهگاهی نیست، و هیچ راه و چاره‌ای جز این وجود ندارد؛ ای

أَعْيُنَ اللَّهِ النَّاطِرَةِ، وَحَمَلَةَ مَعْرِفَتِهِ، وَمَسَاكِينَ تَوْحِيدِهِ فِي أَرْضِهِ

دیدگان بینای خداوند؛ و ای حاملان و دربردارندگان معرفت او؛ ای منزلگاه یگانه پرستی او در زمین

وَسَمَائِهِ. وَأَنْتَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَبَقِيَّتَهُ كَمَالُ نِعْمَتِهِ، وَوَارِثُ أَنْبِيَائِهِ

و آسمان؛ و تو نیز ای حجت خداوند، و باقی‌مانده حجت‌های او؛ حدّ نهایی و کمال نعمت او؛ و وارث پیامبران

وَخَلْفَائِهِ مَا بَلَغْنَاهُ مِنْ دَهْرِنَا، وَصَاحِبِ الرَّجْعَةِ لِعِدِّ رَبِّنَا الَّتِي

و جانشینان او تا این زمان هستی، تو صاحب رجعت و بازگشت برای وعده پروردگار ما می باشی که

فِيهَا دَوْلَةُ الْحَقِّ وَفَرَجُنَا وَنَصْرُ اللَّهِ لَنَا وَعِزُّنَا. السَّلَامُ عَلَيْكَ

در آن، دولت حق و راحتی و گشایش در کار ما و یاری خداوند به ما و عزت ما است. سلام بر تو،

أَيُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ، وَالْعِلْمُ الْمَضْبُوبُ، وَالْغَوْثُ وَالرَّحْمَةُ

ای پرچم برافراشته، و دانش ریزان و فراگیر، و دادرسی و رحمت

الْوَاسِعَةُ، وَعِدًّا غَيْرَ مَكْذُوبٍ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْمَرَأَى

گسترده، بر اساس وعده ای که دروغ نیست؛ سلام بر تو ای صاحب دیدگاه

وَالْمَسْمَعِ، الَّذِي بَعَيْنِ اللَّهِ مَوَاطِئُهُ، وَبِيَدِ اللَّهِ عُهُودُهُ، وَبِقُدْرَةِ اللَّهِ

و شنیدگاه، که عهد و پیمان هایش در محضر خداوند، و تعهداتش به دست خدا، و پادشاهی اش با قدرت

سُلْطَانُهُ. أَنْتَ الْحَلِيمُ الَّذِي لَا تُعَجِّلُهُ الْعَصِيَّةُ^۱، وَالكَرِيمُ الَّذِي

و توان خداوند است، تو، همان بردباری هستی که تعصب باعث شتابزدگی اش نمی شود؛ و بزرگواری و صاحب کرامتی هستی که

لَا تُبْخِلُهُ الْحَفِيظَةُ، وَالْعَالِمُ الَّذِي لَا تُجْهِلُهُ الْحَمِيَّةُ، مُجَاهِدَتُكَ

غضب و خشم موجب بخل او نمی شود؛ و دانشمندی هستی که غیرت باعث نادانی اش نمی گردد؛ جهاد تو

فِي اللَّهِ ذَاتُ مَشِيَّةِ اللَّهِ، وَمُقَارَعَتُكَ فِي اللَّهِ ذَاتُ انْتِقَامِ اللَّهِ،

در راه خداوند همان خواست خداوندی است؛ و کوبندگی تو در راه خدا همان انتقام الهی است؛

وَصَبْرُكَ فِي اللَّهِ ذُو أَنَاةِ اللَّهِ، وَشُكْرُكَ لِلَّهِ ذُو مَزِيدِ اللَّهِ وَرَحْمَتِهِ.

و صبر و بردباری تو در راه خدا همان صبر خداوندی و مهلت اوست؛ و سپاسگزاری تو از خدا همان فزون بخشی و رحمت الهی است.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَحْفُوظًا بِاللَّهِ، اللَّهُ نُورٌ أَمَامِهِ وَوَرَائِهِ، وَيَمِينِهِ

سلام بر تو ای کسی که به وسیله خداوند حفاظت و نگهبانی شده است؛ خداوند، روشنی بخش پیش روی و پشت سرش و راست

وَشِمَالِهِ، وَفَوْقِهِ وَتَحْتِهِ، يَا مَحْرُوزًا فِي قُدْرَةِ اللَّهِ، اللَّهُ نُورٌ

و چپش و بالای سر و زیر پایش است؛ ای کسی که جایگاه استواری در سایه قدرت خدا دارد؛ خداوند، روشنی

سَمِعِهِ وَبَصَرِهِ، وَيَا وَعْدَ اللَّهِ الَّذِي ضَمِنَهُ، وَيَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي

گوش و چشم اوست. ای وعده تضمین شده الهی؛ و ای پیمان و میثاق خداوند که آن را (از مردم)

ببخش یازدهم



۱. الغضبة خ، المعصية خ.

أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ اللَّهِ وَرَبَّانِي أَيَاتِهِ، السَّلَامُ

پیمان گرفت و آن را مورد تأکید قرار داد؛ سلام بر تو ای فراخوان به خدا و ای پرورنده آیات الهی؛ سلام

عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ وَدِيَانَ دِينِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ

بر تو ای درگاه خداوندی و ای حاکم و مدبر دین او؛ سلام بر تو ای جانشین خداوند

وَنَاصِرَ حَقِّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ وَدَلِيلَ إِزَادَتِهِ، السَّلَامُ

و یاری‌گر حق او؛ سلام بر تو ای حجت خدا و دلیل و راهنمای اراده و خواست او؛ سلام

عَلَيْكَ يَا تَالِي كِتَابِ اللَّهِ وَتَرْجُمَانَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي أَنَاءِ لَيْلِكَ

بر تو ای تلاوت کننده کتاب خدا و بیان‌گر مقصود آن؛ سلام بر تو در لحظه‌های شب

وَأَطْرَافِ نَهَارِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، السَّلَامُ

و بخش‌های روزت. سلام بر تو ای باقی‌مانده حجت‌های خداوند در زمین او؛ سلام

عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ

بر تو هنگامی که بپا می‌خیزی، سلام بر تو هنگامی که می‌نشینی، سلام بر تو هنگامی که

تَقْرَأُ وَتُبَيِّنُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّي وَتَقْنُتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

می‌خوانی و بیان می‌کنی، سلام بر تو هنگامی که نماز می‌گزاری و قنوت می‌خوانی، سلام بر تو

حِينَ تَرْكَعُ وَتَسْجُدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَعُوذُ وَتُسَبِّحُ، السَّلَامُ

هنگامی که رکوع و سجده می‌کنی، سلام بر تو هنگامی که تعویذ و تسبیح می‌گویی، سلام

عَلَيْكَ حِينَ تُهَلِّلُ وَتُكَبِّرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَحْمَدُ وَتَسْتَغْفِرُ،

بر تو هنگامی که خدا را به یکتایی و بزرگی می‌ستایی، سلام بر تو هنگامی که حمد و استغفار می‌کنی،

السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُمَجِّدُ وَتَمْدَحُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُمَسِي

سلام بر تو هنگامی که مدح و ثنای الهی را بجا می‌آوری، سلام بر تو هنگامی که

وَتُصْبِحُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى، وَ[فِي] النَّهَارِ إِذَا

صبح می‌کنی و شب می‌نمایی، سلام بر تو در شب هنگامی که تاریکی همه جا را می‌پوشاند، و در روز که روشنی‌اش همه جا را

تَجَلَّى، وَالْآخِرَةَ وَالْأُولَى. السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا حُجَجَ اللَّهِ وَرُعَاتِنَا،

فرا گرفته و جلوه‌گر می‌شود، و در آخرت و دنیا، سلام بر شما ای حجت‌های خداوند و سرپرستان ما،

وَهْدَاتِنَا وَدُعَاتِنَا، وَقَادَتِنَا وَأَيْمَتِنَا، وَسَادَتِنَا وَمَوَالِينَا، السَّلَامُ

و هدایت‌گران و فراخوانان و رهبران و امان و سروران و آقایان و سرپرستان ما؛ سلام

عَلَيْكُمْ أَنْتُمْ نُورُنَا، وَأَنْتُمْ جَاهُنَا أَوْقَاتُ صَلَاتِنَا (صَلَوَاتِنَا)،

بر شما؛ شما نور و روشنی ما هستید؛ شما مواج‌ه ما در هنگام نمازهای ما هستید.

وَعِصْمَتُنَا بِكُمْ لِدُعَائِنَا وَصَلَاتِنَا، وَصِيَامِنَا وَاسْتِغْفَارِنَا، وَسَائِرِ

و بازدارنده ما از خطا در هنگام دعا، نماز، روزه، استغفار و دیگر

أَعْمَالِنَا، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمَأْمُونُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

کارهای ما، شما هستید، سلام بر تو ای پیشوای مورد اعتماد و اطمینان؛ سلام بر تو

أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُولُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ السَّلَامِ.

ای پیشوای مقدم و آرزو شده؛ سلام بر تو به سلام‌های گوناگون و فراگیر؛

أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَخَدَهُ وَخَدَهُ

مولای من؛ تو را گواه می‌گیرم بر این که من شهادت می‌دهم جز خداوند معبودی نیست، یگانه، یگانه

وَخَدَهُ، لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، لَا حَبِيبَ إِلَّا

و یکتاست؛ بی‌شریک است؛ و این که حضرت محمد ﷺ بنده و فرستاده اوست؛ جز او و اهلیش هیچ محبوبی

هُوَ وَأَهْلُهُ، وَأَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ الْحَسَنَ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ

وجود ندارد؛ و این که امیر مؤمنان علی علیه السلام حجت الهی است؛ و امام حسن حجت اوست، و

الْحُسَيْنَ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدَ بْنَ

امام حسین حجت اوست، و امام سجاد حجت اوست، و امام محمد باقر

عَلِيِّ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ مُوسَى بْنَ جَعْفَرِ

حجت اوست، و امام صادق حجت اوست، و امام کاظم

حُجَّتَهُ، وَأَنَّ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى حُجَّتَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ،

حجت اوست، و امام رضا حجت اوست، و امام جواد حجت اوست،

وَأَنَّ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ، وَأَنَّ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ، وَأَنْتَ

و امام هادی حجت اوست، و امام حسن عسکری حجت اوست و نیز تو

ببخش یازدهم



حُجَّتُهُ، وَأَنَّ الْأَنْبِيَاءَ دُعَاءُ وَهُدَاةٌ رُشْدِكُمْ. أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ

حجت الهی هستی، و پیامبران فراخوانان و راهنمایان به سوی نیکی شما بودند. شما آغاز

و خاتمه اش هستید؛ به راستی، رجعت و بازگشت شما یک امر ثابتی است که در آن شکی نیست در روزی که اگر کسی

و پایان و ختم کننده اش هستید؛ به راستی، رجعت و بازگشت شما یک امر ثابتی است که در آن شکی نیست در روزی که اگر کسی

ایمان از پیش نداشته یا از ایمان خود بهره و خیری به دست نیاورده باشد هیچ سودی برایش ندارد که در آن روز ایمان بیاورد.

ایمان از پیش نداشته یا از ایمان خود بهره و خیری به دست نیاورده باشد هیچ سودی برایش ندارد که در آن روز ایمان بیاورد.

الْمَوْتِ حَقٌّ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُنْكَرًا وَنَكِيرًا حَقٌّ، وَأَنَّ النَّشْرَ حَقٌّ،

- گواهی می‌دهم که - مرگ حق است، و گواهی می‌دهم (دو فرشته قبر) نکیر و منکر حق است، و بخش شدن موجودات حق است،

وَالْبَعْثَ حَقٌّ، وَأَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ، وَالْمِرْصَادَ حَقٌّ، وَأَنَّ الْمِيزَانَ

و برانگیخته شدن موجودات حق است، و صراط (پلی که بر روی دوزخ کشیده شده) حق است، و مرصاد (و جایگاه مراقبت) حق است، و ترازوی

حَقٌّ وَالْحِسَابَ حَقٌّ، وَأَنَّ الْجَنَّةَ وَالنَّارَ حَقٌّ، وَالْجَزَاءَ بِهِمَا

سنجش اعمال حق است، و حساب‌رسی اعمال حق است، و بهشت و جهنم حق است، و پاداش دادن به وسیله بهشت و جهنم

لِلْوَعْدِ وَالْوَعْدِ حَقٌّ، وَأَنَّكُمْ لِلشَّفَاعَةِ حَقٌّ، لَا تُرَدُّونَ وَلَا تَسْبِقُونَ

بر اساس وعده و تهدید حق است. و به راستی شما سزاوار راستین برای شفاعت هستید، و بازگردانده نمی‌شوید، نسبت به

بِمَشِيَّةِ اللَّهِ، وَبِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ، وَلِلَّهِ الرَّحْمَةُ وَالْكَلِمَةُ الْعُلْيَا، وَبِيَدِهِ

خواست خداوند پیشی نمی‌گیرید، و تنها به دستور او رفتار می‌کنید، و رحمت و کلمه والا تنها به خدا اختصاص دارد،

الْحُسْنَى، وَحُجَّةُ اللَّهِ النُّعْمَى (الْعُظْمَى)، خَلَقَ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ

و هر خیر و خوبی تنها در دست اوست، و حجت خدا از همه مبارک‌تر (بزرگ‌تر) است؛ جنیان و آدمیان را

لِعِبَادَتِهِ، أَرَادَ مِنْ عِبَادِهِ عِبَادَتَهُ فَشَقِيٌّ وَسَعِيدٌ، قَدْ شَقِيٌّ مَنْ

برای پرستش خود آفرید؛ از بندگانش پرستش را خواست پس برخی سعادتمند و برخی بدبخت شدند؛ بدبخت کسی است که

خَالَفَكُمْ، وَسَعِدَ مَنْ أَطَاعَكُمْ. وَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ فَاشْهَدْ بِمَا

با شما مخالفت کند، و سعادتمند کسی است که از شما فرمان ببرد. و تو ای مولای من؛ به آنچه تو را گواه

أَشْهَدُكَ عَلَيْهِ، تَخْزِنُهُ وَتَحْفَظُهُ لِي عِنْدَكَ، أَمُوتُ عَلَيْهِ، وَأَنْشُرُ

گرفتم گواه باش، و آن را نزدت برای من ذخیره و نگهداری کن، تا بر آن اعتقاد بمیرم، و با همین اعتقاد نیز برانگیخته شوم، و در

عَلَيْهِ، وَأَقْفُ بِهِ وَلِيًّا لَكَ، بَرِيئاً مِنْ عَدُوِّكَ، مَا قِتاً لِمَنْ أَبْغَضَكُمْ،

پیشگاه الهی بایستم در حالی که ولایت شما را دارم، و از دشمن تو بیزار باشم، و نسبت به کسی که با شما دشمنی کند دشمنی سرسختانه داشته

وَأَدَاً لِمَنْ أَحَبَّكُمْ، فَالْحَقُّ مَا رَضِيْتُمْوهُ، وَالْبَاطِلُ مَا سَخِطْتُمْوهُ،

باشم، و نسبت به کسی که دوست شماست دوستی ویژه‌ای برقرار کنم. پس حق، همان چیزی است که شما از آن خوشنود باشید، و باطل و نادرستی،

وَالْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ، وَالْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ، وَالْقَضَاءُ

همان چیزی است که شما از آن ناخشنود باشید؛ و خوبی و نیکی همان چیزی است که بدان دستور فرمایید، و بدی و زشتی، همان چیزی است

الْمُثَبَّتُ مَا اسْتَأْثَرْتُمْ بِهِ مَشِيئَتِكُمْ، وَالْمَمْحُورُ مَا لَا اسْتَأْثَرْتُمْ بِهِ

که شما از آن باز دارید، و قضای حتمی و محکم الهی همان است که خواست شما بدان تعلق پذیرد، و آنچه از بین‌برنده است همان چیزهایی

سُنَّتِكُمْ. فَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، مُحَمَّدٌ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ،

است که سنت شما بر آن تعلق نگرفته باشد. پس، معبودی جز خداوند نیست که شریک ندارد؛ محمد، بنده و فرستاده‌اش است؛

عَلِيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتُهُ، الْحَسَنِ حُجَّتُهُ، الْحُسَيْنِ حُجَّتُهُ، عَلِيٍّ

حضرت علی فرمان‌روای مؤمنان حجت اوست، امام حسن حجت اوست، امام حسین حجت اوست، امام سجاد

حُجَّتُهُ، مُحَمَّدٌ حُجَّتُهُ، جَعْفَرٌ حُجَّتُهُ، مُوسَى حُجَّتُهُ، عَلِيٌّ حُجَّتُهُ،

حجت اوست، امام باقر حجت اوست، امام صادق حجت اوست، امام کاظم حجت اوست، امام رضا حجت اوست،

مُحَمَّدٌ حُجَّتُهُ، عَلِيٌّ حُجَّتُهُ، الْحَسَنِ حُجَّتُهُ، أَنْتَ حُجَّتُهُ، أَنْتُمْ

امام جواد حجت اوست، امام هادی حجت اوست، امام عسکری حجت اوست و تو، حجت او هستی؛ شما، همگی

حُجَّتُهُ وَبِرَاهِينُهُ. أَنَا يَا مَوْلَايَ مُسْتَبَشِرٌ بِالْبَيْعَةِ الَّتِي أَخَذَ اللَّهُ

حجت‌های خداوند هستید و دلیل‌های آشکار او می‌باشید. مولای من؛ من، خوشنود و بشارت‌یافته از بیعتی هستم که

عَلِيٍّ شَرْطُهُ قِتَالاً فِي سَبِيلِهِ اشْتَرَى بِهِ أَنْفُسَ الْمُؤْمِنِينَ، فَنَفْسِي

خداوند بر من مقرر فرمود تا در راه او به جنگ بپردازم و در آن نبرد خداوند جان مؤمنان را از ایشان می‌خرد؛ بدین سان، روان من

مُؤْمِنَةٌ بِاللَّهِ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَبِرَسُولِهِ وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَبِكُمْ

به خداوند یگانه بی‌شریک ایمان دارد، و به رسول خدا، و امیر مؤمنان، و نیز به شما

يَا مَوْلَايَ، أَوْلَكُمْ وَأَخْرِكُمْ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، وَمَوَدَّتِي

ای مولای عزیزم؛ از اول تا آخرتان ایمان دارد، و یاریم آماده برای شماست، و ابراز محبت

حجرت

بخش یازدهم



572

خَالِصَةً لَكُمْ، وَبِرَأْتِي مِنْ أَعْدَائِكُمْ أَهْلِ الْحِرْدَةِ وَالْجِدَالِ ثَابِتَةً،

خالصانهام برای شماست؛ و بیزاریم از دشمنان شما که اهل ستیز و دعوایند، دایم و همیشگی است؛ من، به

لِثَارِكُمْ أَنَا وَلِيٌّ وَحِيدٌ، وَاللَّهُ إِلَهُ الْحَقِّ يَجْعَلُنِي كَذَلِكَ، آمِينَ

تنهایی دوستی هستم که طالب انتقام خون شمایم (بدون این که به دیگران کاری داشته باشم). و خداوندی را معبود راستین می دانم و می خواهم

آمِينَ. مَنْ لِي إِلَّا أَنْتَ فِيمَا دِنْتُ، وَاعْتَصَمْتُ بِكَ فِيهِ، تَحْرُسُنِي

که مرا چنان که می گویم قرار دهد؛ ای خدا! پاسخ بده بپذیر. چه کسی جز تو برای من هست در آنچه اعتقاد دارم و در آن به تو تمسک جستهم

فِيمَا تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ، يَا وَقَايَةَ اللَّهِ وَسِتْرَهُ وَبَرَكَتَهُ، أَغْنِي

در این امور، که با آن ها خود را به تو نزدیک کردم مرا نگهداری و حفظ می کنی، ای نگه دارنده و پوشش و برکت الهی؛ بفریادم برس،

[أَدْنِي، أَعْنِي] أَدْرِكُنِي، صَلِّنِي بِكَ وَلَا تَقْطَعْنِي. اللَّهُمَّ إِلَيْكَ

مرا نزدیک کن، کمکم کن، مرا دریاب، مرا به خودت پیوند ده و جدا مفرما. بارالها؛

بِهِمْ تَوْسَلِي وَتَقْرُبِي. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَصَلِّنِي

توسل و تقرب من به تو، تنها به وسیله آنان (محمد و آل محمد ﷺ) است؛ بارالها؛ بر محمد و آل او درود بفرست؛ و مرا

بِهِمْ وَلَا تَقْطَعْنِي. اللَّهُمَّ بِحُجَّتِكَ وَاعْصِمْنِي، وَسَلَامُكَ عَلَيَّ أَل

به ایشان پیوند ده و جدا مکن. بارالها؛ به وسیله حجتت مرا حفظ کن، و بر آل یاسین سلام بفرست،

يَسَ، مَوْلَايَ أَنْتَ الْجَاهُ عِنْدَ اللَّهِ رَبِّكَ وَرَبِّي، [إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ].

مولای من؛ تو آبرودار نزد خدا که پروردگار من و توست می باشی؛ راستی، او ستوده و شکوهمند است.

دَعَايَ پس از زیارت: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي خَلَقْتَهُ مِنْ

بارالها؛ در واقع من به واسطه اسمت از تو درخواست می کنم همان اسمی که آن را از

كُلِّكَ (ذَلِكَ) فَاسْتَقَرَّ فِيكَ، فَلَا يَخْرُجُ مِنْكَ إِلَى شَيْءٍ أَبَدًا، أَيَا كَيْنُونُ

تمامیت خود آفریدی و تنها در وجود تو قرار گرفته است و هرگز به سوی چیز دیگری از ذات تو بیرون نمی رود. ای وجود حقیقی؛

أَيَا مَكْنُونُ، أَيَا مُتَعَالُ، أَيَا مُتَقَدِّسُ، أَيَا مُتَرَحِّمُ، أَيَا مُتَرَفُّ،

ای پنهان؛ ای والا مرتبه؛ ای متقدس و پاکیزه؛ ای رحم کننده؛ ای رافت ماب؛

أَيَا مُتَحَنِّنُ. أَسْأَلُكَ كَمَا خَلَقْتَهُ غَضًّا أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ

ای مهربان عزیز؛ از تو درخواست می کنم همان گونه که آن نام را با شکوفایی آفریدی، بر محمد - پیامبر

رَحْمَتِكَ، وَكَلِمَةِ نُورِكَ، وَوَالِدِ هُدَاةِ رَحْمَتِكَ، وَآمِلًا قَلْبِي نُورَ

رحمتت، و کلمه نورت، و پدر راهنمایان به رحمتت - درود فرستی؛ و قلبم را از روشنی

الْيَقِينِ، وَصَدْرِي نُورَ الْإِيمَانِ، وَفِكْرِي نُورَ الثَّبَاتِ، وَعَزْمِي

یقین پر کنی، و سینهام را از نور ایمان، و اندیشهام را از نور پایداری، و تصمیم را از

نُورَ التَّوْفِيقِ، وَذِكَايَ نُورَ الْعِلْمِ، وَقُوَّتِي نُورَ الْعَمَلِ، وَلِسَانِي

نور موفقیت، و هوشمندیام را از نور و روشنی دانش، و نیرویم را از روشنی عمل، و زبانم را از

نُورَ الصِّدْقِ، وَدِينِي نُورَ الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِكَ، وَبَصْرِي نُورَ

نور راستگویی، و دینم را از روشنی آگاهی بخش‌های خودت، و دیده‌ام را از

الضِّيَاءِ، وَسَمْعِي نُورَ وَعْيِ الْحِكْمَةِ، وَمَوَدَّتِي نُورَ الْمَوَالَاةِ

روشنی هدایت، و گوشم را از روشنی حفظ کردن حکمت، و دوستی خالصم را از نور دوستی

لِمُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَيَقِينِي قُوَّةَ الْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِ

محمد و آل او - که درود بر ایشان باد - و یقینم را از نیروی بی‌زاری از دشمنان

مُحَمَّدٍ وَأَعْدَائِ آلِ مُحَمَّدٍ، حَتَّى أَلْقَاكَ وَقَدْ وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ

محمد و دشمنان آل محمد پر گردانی؛ تا در نتیجه تو را با وفای به عهد و

وَمِيثَاقِكَ، فَلْتَسْعِنِي رَحْمَتِكَ، يَا وَلِيَّيَ يَا حَمِيدُ، بِمَرَآكَ وَمَسْمَعِكَ

پیمانت دیدار کنم، و باعث فراگیری رحمتت نسبت به من گردد. ای سرپرست؛ ای ستوده؛

يَا حُجَّةَ اللَّهِ دُعَائِي، فَوَفِّئْنِي مُنْجِزَاتِ اجَابَتِي، أَعْتَصِمُ بِكَ،

ای حجت خدا؛ دعای من در محل دیدن و شنیدن تو است؛ پس وعده‌های اجابتت را به من وفا کن و کامل گردان؛ به تو تکیه می‌کنم.

مَعَكَ مَعَكَ مَعَكَ سَمْعِي وَرِضَائِي يَا كَرِيمُ^۱

گوش من و خشنودی من با توست، با توست، با توست، ای بزرگواری.

پند

بخش یازدهم



۱. المزار الكبير: ۵۶۷، بحار الأنوار: ۳۶/۹۴، مصباح الزائر: ۴۳۰ (با تفاوتی اندک).



زیارت امام زمان ارواحنا فداه

در روز جمعه

سید جلیل القدر، علی بن طاووس رحمته این زیارت را در روز جمعه برای مولایمان امام زمان ارواحنا فداه نقل کرده است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ اللَّهِ

سلام بر تو ای حجت خدا در زمینش؛ سلام بر تو ای چشم خدا

فِي خَلْقِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي يَهْتَدِي بِهِ الْمُهْتَدُونَ،

در میان آفریدگانش؛ سلام بر تو ای نور خدا، که هدایت جویان با آن هدایت می‌یابند،

وَيُقَرِّجُ بِهِ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُهَذَّبُ الْخَائِفُ،

و به وسیله آن بر مؤمنان گشایش و راحتی داده می‌شود؛ سلام بر تو ای پاک شده بی‌آلایش و ترسان؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ النَّاصِحُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَفِينَةَ

سلام بر تو ای سرپرست خیرخواه؛ سلام بر تو ای کشتی

النَّجَاةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَيْنَ الْحَيَاةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ صَلَّى اللَّهُ

نجات؛ سلام بر تو ای چشمه حیات و زندگانی؛ سلام بر تو؛ درود پیوسته خدا

عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ عَجَلًا

بر تو و بر آل پاکیزه و پاک تست؛ سلام بر تو،

اللَّهُ لَكَ مَا وَعَدَكَ مِنَ النَّصْرِ وَظُهُورِ الْأَمْرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

خداوند هر چه زودتر به تو ارزانی دارد آن چه را به تو وعده داده که یاریت کند و حکومت تو را آشکار گرداند. سلام بر تو ای

مَوْلَايَ، أَنَا مَوْلَاكَ، عَارِفٌ بِأَوْلَاكَ وَأُخْرَاكَ، أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ

مولای من؛ من ارادتمند تو هستم؛ با آغاز و پایانت آشنایم؛ به واسطه تو

تَعَالَى بِكَ وَبِأَلِ بَيْتِكَ، وَأَنْتَظِرُ ظُهُورَكَ وَظُهُورَ الْحَقِّ عَلَى

و ال تو به سوی خدا نزدیک می‌شوم، و منتظر ظهور تو و آشکار شدن حق و حقیقت به

يَدَيْكَ، وَأَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ

دست تو هستم؛ از خدا درخواست می‌کنم که بر محمد و آل محمد درود بفرستد، و

يَجْعَلَنِي مِنَ الْمُنتَظِرِينَ لَكَ، وَالتَّابِعِينَ وَالتَّاصِرِينَ لَكَ عَلَى

مرا از منتظران تو قرار دهد، و جزو پیروان و یاران تو بر

أَعْدَائِكَ، وَالْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْكَ فِي جُمْلَةِ أَوْلِيَاءِكَ. يَا

ضد دشمنان تو قرار دهد، و مرا در زمره کسانی که در پیش روی تو و جزو دوستان تو طالب شهادت می‌باشند قرار دهد. ای

مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَعَلَى آلِ بَيْتِكَ،

مولای من؛ ای صاحب الزمان؛ درود خداوند بر تو و بر آل تو نثار باد.

هَذَا يَوْمُ الْجُمُعَةِ، وَهُوَ يَوْمُكَ الْمَتَوَقَّعُ فِيهِ ظُهُورُكَ، وَالْفَرَجُ فِيهِ

امروز، جمعه است؛ همان روزی که انتظار می‌رود ظهورت در چنین روزی به وقوع بپیوندد،

لِلْمُؤْمِنِينَ عَلَى يَدَيْكَ، وَقَتْلُ الْكَافِرِينَ بِسَيْفِكَ، وَأَنَا يَا مَوْلَايَ

و به دست تو مؤمنان از گرفتاری نجات یابند؛ و شمشیر باکفایت تو کافران را بکشد. و من ای مولای من؛

فِيهِ ضَيْفُكَ وَجَارُكَ، وَأَنْتَ يَا مَوْلَايَ كَرِيمٌ مِنْ أَوْلَادِ الْكِرَامِ،

در این روز میهمان و پناهنده تو هستم؛ و تو ای مولا و سرورم؛ بزرگوار و از فرزندان بزرگواران هستی.

وَمَأْمُورٌ بِالضِّيَافَةِ وَالْإِجَارَةِ، فَأَضِيفْنِي وَأَجِرْنِي، صَلَوَاتُ اللَّهِ

و دستور الهی به تو آن است که میهمان را بپذیری و پناه دادن را انجام دهی؛ پس، مرا میهمان نما و پناه بده. درود

عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّاهِرِينَ.

دایم خداوند بر تو و آل پاکت باد.

سید بزرگوار جناب رضی الدین علی بن طاووس حسنی رحمته الله می‌فرماید: من پس از

این زیارت، با اشاره و کنایه به حضرتش عرض می‌کنم:

نَزِيلُكَ حَيْثُ مَا اتَّجَهْتَ رِكَابِي وَضَيْفُكَ حَيْثُ كُنْتُ مِنَ الْبِلَادِ

هر جا مرکبم روی نماید بر خوان احسان تو فرود آیم، و در هر شهری که باشم میهمان تو هستم.



زیارت حضرت بقیة الله ارواحنا فداه

که در مشکلات و موارد ترسناک خوانده می شود

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ الْحُجَّةَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

سلام بر تو ای محمد بن حسن، ای حجت (خدا)؛ سلام بر تو ای

صَاحِبِ الْأَمْرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ التَّدْبِيرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

صاحب امر و فرمان؛ سلام بر تو ای صاحب تدبیر و چاره اندیشی؛ سلام بر تو

يَا مَوْلَانَا يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمُنتَظَرُ،

ای مولای ما؛ ای صاحب زمان؛ سلام بر تو ای امام مورد انتظار؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْقَائِمُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْخَلْفُ الصَّالِحُ

سلام بر تو ای قیام کننده؛ سلام بر تو ای جانشین شایسته

لِلْأَيِّمَةِ الْمَعْصُومِينَ الْمُطَهَّرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمُسْلِمِينَ،

امامان معصوم و پاک؛ سلام بر تو ای پیشوای مسلمانان؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ رَسُولِ اللَّهِ

سلام بر تو ای ولی خدا؛ سلام بر تو ای جانشین راستین رسول خدا

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فِلْذَةَ كَبِدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى

که درود خدا بر او و آل او باد؛ سلام بر تو ای جگرگوشه پیامبر خدا که درود

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

خدا بر او و آل او باد؛ سلام بر تو ای حجت خدا؛ سلام بر تو ای

بَضْعَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَادَّةَ

پاره تن رسول خدا که درود خدا بر او و آل او باد، سلام بر تو ای راهی که به خدا می‌رسد؛

اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا غَوْثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا غَوْثَ

سلام بر تو ای فریادرس فریاد کنندگان؛ سلام بر تو ای فریادرس

الْمَلْهُوفِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَوْنَ الْمَظْلُومِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

دلسوختگان؛ سلام بر تو ای یاور ستم‌دیدگان؛ سلام بر تو ای

قُطْبَ الْعَالَمِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْمَسِيحِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

محور جهان هستی؛ سلام بر تو ای امام و پیشوای حضرت (عیسی) مسیح؛ سلام بر تو ای

عَدِيلَ الْخَيْرِ، أَذْرِكُنِي، أَذْرِكُنِي، أَذْرِكُنِي، أَعِنِّي وَلَا تَعْنِ عَلَيَّ،

همسنگ خوبی‌ها؛ مرا دریاب، مرا دریاب، مرا دریاب؛ کمک کن و بر علیه من کمک مکن؛

وَأَنْصُرْنِي وَلَا تَنْصُرْ عَلَيَّ، كُنْ مَعِيَ وَلَا تُفَارِقْنِي، تَوَكَّلْتُ عَلَى

یاریم رسان و مخالفانم را یاری مکن؛ همراهم باش و از من جدا مشو. بر خدا توکل کرده

اللَّهِ شَاكِرًا وَمُصَلِّيًا وَهُوَ حَسْبِي وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيَّ

در حالی که او را سپاسگزاری می‌کنم و نماز می‌خوانم؛ او مرا بس است و وکیل خوبی است؛ و درود پیوسته خداوند بر

سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ . ۱

آقای ما حضرت محمد و آل او، نثار باد.



زیارت حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام در روز یکشنبه

که از حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه روایت شده است

زیارت حضرت امیرالمؤمنین عليه السلام، بنا بر روایت شخصی که در حال بیداری - نه خواب - امام زمان ارواحنا فداه را زیارت کرد و مشاهده نمود که در روز یکشنبه - که

متعلق به امیر مؤمنان علی علیه السلام است - این گونه آن حضرت را زیارت نمود:

السَّلَامُ عَلَى الشَّجَرَةِ النَّبَوِيَّةِ، وَالذَّوْحَةِ الْهَاشِمِيَّةِ الْمُضِيَّةِ،

سلام بر شجره مبارکه نبوت؛ و سایبان بزرگ فروزنده هاشمی،

الْمُثْمِرَةِ بِالنُّبُوَّةِ، الْمُونِعَةِ بِالْإِمَامَةِ، وَعَلَى ضَجِيعِكَ أَدَمَ

که میوه‌اش نبوت و شاخ و برگش امامت است. سلام بر دو نفری که پهلوی تو یعنی آدم

وَنُوحَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ،

و نوح آرمیده‌اند. سلام بر تو و اهل بیت پاک پاکیزه‌ات؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُحَدِّقِينَ بِكَ وَالْحَاقِقِينَ بِقَبْرِكَ.

سلام بر تو و فرشتگانی که گرداگرد تو و دربرگیرنده قبر تو هستند.

يَا مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، هَذَا يَوْمُ الْأَحَدِ، وَهُوَ يَوْمُكَ

ای مولای من؛ ای فرمانروای مؤمنان؛ امروز، یک‌شنبه است؛ و آن، روز تو

وَبِاسْمِكَ، وَأَنَا ضَيْفُكَ فِيهِ وَجَارُكَ، فَأَضِيفْنِي يَا مَوْلَايَ

و به نام توست؛ من نیز مهمان و پناهنده تو در این روز هستم؛ پس مرا به مهمانی بپذیر - ای مولای من -

وَأَجِرْنِي، فَإِنَّكَ كَرِيمٌ تُحِبُّ الضِّيَافَةَ، وَمَأْمُورٌ بِالْإِجَارَةِ، فَافْعَلْ

و پناهم ده؛ زیرا، تو بزرگواری هستی که مهمانی کردن و پذیرایی را دوست می‌داری، و از جانب خداوند دستور پناه‌دادن مردم را داری.

مَا رَغِبْتُ إِلَيْكَ فِيهِ، وَرَجَوْتُهُ مِنْكَ بِمَنْزِلَتِكَ، وَالْأَلِ بَيْتِكَ عِنْدَ

بنابراین، امروز آنچه من بدان اشتیاق دارم و امید دارم که تو انجام دهی برایم انجام بده؛ به خاطر جایگاه خودت و خاندانت

اللَّهِ وَمَنْزِلَتِهِ عِنْدَكُمْ، وَبِحَقِّ ابْنِ عَمِّكَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

نزد خداوند، و جایگاه و ارزشی که خداوند نزد شما دارد، و نیز به حق پسرعمویت رسول خدا؛ درود پیوسته الهی

عَلَيْهِ وَعَلَيْكُمْ أَجْمَعِينَ. ۱

نثار او و همه شما باد.



زیارت ناحیه مقدسه

علامه مجلسی رحمته الله در «بحار الأنوار» می گوید: شیخ مفید رحمته الله روایت کرده است:
هر گاه خواستی امام حسین رضی الله عنه را در روز عاشورا زیارت کنی، نزد آن حضرت
بایست، و بگو:

السَّلَامُ عَلَىٰ أَدَمَ صِفْوَةَ اللَّهِ مِنْ خَلْقَتِهِ، السَّلَامُ عَلَىٰ شَيْثٍ وَوَلِيِّ

سلام بر آدم، برگزیده خداوند از بین آفریدگانش؛ سلام بر حضرت شیث، ولی

اللَّهِ وَخَيْرَتِهِ، السَّلَامُ عَلَىٰ إِدْرِيسَ الْقَائِمِ لِلَّهِ بِحُجَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَىٰ

خدا و انتخاب شده او، سلام بر جناب ادريس، برپادارنده حجت الهی؛ سلام بر

نُوحِ الْمُجَابِ فِي دَعْوَتِهِ، السَّلَامُ عَلَىٰ هُودِ الْمَمْدُودِ مِنَ اللَّهِ

نوح، پاسخ داده شده در دعایش؛ سلام بر هود که از طرف خداوند

بِمَعُونَتِهِ، السَّلَامُ عَلَىٰ صَالِحِ الَّذِي تَوَجَّهَ اللَّهُ بِكَرَامَتِهِ، السَّلَامُ

کمک‌های بسیار به او شد؛ سلام بر صالح که خداوند به او تاج کرامت و بزرگواری بخشید؛ سلام

عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ الَّذِي حَبَّاهُ اللَّهُ بِخَلَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَىٰ إِسْمَاعِيلَ الَّذِي

بر ابراهیم که خداوند مقام خلعت و دوستی ویژه خود را به او بخشید؛ سلام بر اسماعیل که

قَدَّاهُ اللَّهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ مِنْ جَنَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَىٰ إِسْحَاقَ الَّذِي جَعَلَ

خداوند قربانی بزرگی از بهشت را فدیة او قرار داد (و او را آزاد نمود)؛ سلام بر اسحاق که

اللَّهُ النَّبُوَّةَ فِي ذُرِّيَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَىٰ يَعْقُوبَ الَّذِي رَدَّ اللَّهُ عَلَيْهِ

خداوند پیامبری و نبوت را در نسل او قرار داد؛ سلام بر یعقوب که خداوند

بَصْرَهُ بِرَحْمَتِهِ، السَّلَامُ عَلَىٰ يُوسُفَ الَّذِي نَجَّاهُ اللَّهُ مِنَ الْجُبِّ

با رحمتش نور چشمانش را به وی بازگردانید؛ سلام بر یوسف که خداوند به عظمتش او را از چاه

حفظ

بخش یازدهم



بِعَظَمَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى مُوسَى الَّذِي فَلَقَ اللَّهُ الْبَحْرَ لَهُ بِقُدْرَتِهِ،

نجات بخشید؛ سلام بر موسی که خداوند دریا را با نیروی خودش برای او شکافت؛

السَّلَامُ عَلَى هَارُونَ الَّذِي خَصَّهُ اللَّهُ بِنُبُوَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى

سلام بر هارون که خداوند او را به پیامبری خود مخصوص گردانید؛ سلام بر

شُعَيْبٍ الَّذِي نَصَرَهُ اللَّهُ عَلَى أُمَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى دَاوُدَ الَّذِي تَابَ

شعیب که خدا او را بر امتش پیروز کرد؛ سلام بر داود که خدا توبه او را

اللَّهُ عَلَيْهِ مِنْ خَطِيئَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى سُلَيْمَانَ الَّذِي ذَلَّتْ لَهُ الْجِنُّ

از خطا و اشتباهش پذیرفت؛ سلام بر سلیمان که جنیان به واسطه عزتش، در مقابلش

بِعِزَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَيُّوبَ الَّذِي شَفَاهُ اللَّهُ مِنْ عِلَّتِهِ، السَّلَامُ

فروتن شدند؛ سلام بر ایوب که خدا از بیماری و گرفتاری بهبودش بخشید؛ سلام

عَلَى يُونُسَ الَّذِي أَنْجَزَ اللَّهُ لَهُ مَظْمُونَ عِدَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى

بر یونس که خداوند وعده‌اش را برای او وفا کرد؛ سلام بر

عُزَيْرٍ الَّذِي أَحْيَاهُ اللَّهُ بَعْدَ مَيِّتَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى زَكَرِيَّا الصَّابِرِ فِي

عزیر که خداوند او را پس از مردن دوباره زنده کرد؛ سلام بر زکریا که در محنت

مِحْنَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى يَحْيَى الَّذِي أَرْزَقَهُ اللَّهُ بِشَهَادَتِهِ، السَّلَامُ

و اندوهش شکیبایی ورزید؛ سلام بر یحیی که خدا با مقام شهادتش او را منزلت داد؛ سلام

عَلَى عِيسَى رُوحِ اللَّهِ وَكَلِمَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللَّهِ

بر عیسی که روح خدا و کلمه الهی بود؛ سلام بر حضرت محمد که محبوب

وَصِفْوَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ

و برگزیده پروردگار است؛ سلام بر امیر مؤمنان حضرت علی فرزند ابو طالب

الْمَخْصُوصِ بِأَخُوَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ ابْنَتِهِ، السَّلَامُ

که برادری پیامبر ویژه او شد؛ سلام بر حضرت فاطمه زهرا، دختر رسول خدا؛ سلام

عَلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ وَصِيِّ أَبِيهِ وَخَلِيفَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى

بر حضرت ابو محمد امام حسن که وصی پدرش و جانشین او بود؛ سلام بر

الْحُسَيْنِ الَّذِي سَمَحَتْ نَفْسُهُ بِمُهْجَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ

امام حسین که نفسش بزرگواری نمود با ریختن خون او (در راه خدا)؛ سلام بر کسی که خدا را

فِي سِرِّهِ وَعَلَانِيَتِهِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ جَعَلَ اللَّهُ الشُّفَاءَ فِي تَرْبَتِهِ،

در پنهان و آشکارا فرمانبرداری کرد؛ سلام بر کسی که خداوند شفا را در خاک قبرش قرار داد؛

السَّلَامُ عَلَى مَنْ الْإِجَابَةُ تَحْتَ قُبَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ الْأَيْمَةُ مِنْ

سلام بر کسی که اجابت و پاسخگویی خداوند به دعاها در زیر گنبد شریفش حتمی است؛ سلام بر کسی که امامان و پیشوایان

ذُرِّيَّتِهِ، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ خَاتَمِ الْأَنْبِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ سَيِّدِ

اسلام از نسل او هستند. سلام بر فرزند آخرین پیامبران، سلام بر فرزند سرور

الْأَوْصِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ

جانشینان، سلام بر فرزند حضرت فاطمه زهرا، سلام بر فرزند

خَدِيجَةَ الْكُبْرَى، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَى، السَّلَامُ عَلَى

خدیجه کبری، سلام بر فرزند سدره المنتهی (بالاترین مکان در بهشت)، سلام بر

ابْنِ جَنَّةِ الْمَأْوَى، السَّلَامُ عَلَى ابْنِ زَمْزَمَ وَالصَّفَا، السَّلَامُ عَلَى

فرزند بهشتی که جایگاه آسایش است، سلام بر فرزند زمزم و صفا، سلام بر

الْمُرْمَلِ بِالِدَّمَاءِ، السَّلَامُ عَلَى الْمَهْتُوكِ الْخِبَاءِ، السَّلَامُ عَلَى

کسی که در خونش غلتید، سلام بر کسی که خیمه‌گاهش هتک حرمت شد، سلام بر

خَامِسِ أَصْحَابِ أَهْلِ الْكِسَاءِ، السَّلَامُ عَلَى غَرِيبِ الْغُرَبَاءِ،

پنجمین نفر از اصحاب کساء؛ سلام بر غریب غریبان،

السَّلَامُ عَلَى شَهِيدِ الشُّهَدَاءِ، السَّلَامُ عَلَى قَتِيلِ الْأَدْعِيَاءِ، السَّلَامُ

سلام بر شهید شهیدان، سلام بر کشته شده به دست حرام‌زادگان؛ سلام

عَلَى سَاكِنِ كَرْبَلَاءَ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ بَكَتُهُ مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ،

بر ساکن کربلا؛ سلام بر کسی که فرشتگان آسمان بر او گریستند؛

السَّلَامُ عَلَى مَنْ ذُرِّيَّتُهُ الْأَزْكِيَاءُ، السَّلَامُ عَلَى يَعْسُوبِ الدِّينِ،

سلام بر کسی که فرزندان پاک‌ترین و ناب‌ترین انسان‌ها بودند. سلام بر پادشاه و پیشوای دین؛

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بخش یازدهم



582

السَّلَامُ عَلَى مَنَازِلِ الْبَرَاهِينِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَيِّمَةِ السَّادَاتِ،

سلام بر منزلگاه‌های دلایل روشن الهی، سلام بر امامان والا و شرافتمند!

السَّلَامُ عَلَى الْجُيُوبِ الْمُضَرَّجَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الشِّفَاهِ الذَّابِلَاتِ،

سلام بر گریبان‌های خون آلوده؛ سلام بر لب‌های خشکیده،

السَّلَامُ عَلَى النَّفُوسِ الْمُضْطَلَّمَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَزْوَاحِ

سلام بر جان‌های بلا دیده؛ سلام بر روح‌های

الْمُخْتَلَسَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَجْسَادِ الْغَارِيَاتِ، السَّلَامُ عَلَى

از بدن رها شده، سلام بر پیکرهای عریان شده، سلام بر

الْجُسُومِ الشَّاحِبَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الدِّمَاءِ السَّائِلَاتِ، السَّلَامُ

جسم‌های رنگ پریده، سلام بر خون‌های جاری شده، سلام

عَلَى الْأَعْضَاءِ الْمُقَطَّعَاتِ، السَّلَامُ عَلَى الرَّؤُوسِ الْمُشَالَاتِ،

بر عضوهای قطعه قطعه شده، سلام بر سرهای به نیزه رفته،

السَّلَامُ عَلَى النَّسْوَةِ الْبَارِزَاتِ، السَّلَامُ عَلَى حُجَّةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ،

سلام بر زنانی که نمودار گشته (از خیمه بیرون آمده)، سلام بر حجت پروردگار جهانیان؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ الطَّاهِرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى

سلام بر تو (ای حسین) و بر پدران پاکت؛ سلام بر تو و بر

أَبْنَائِكَ الْمُسْتَشْهِدِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى ذُرِّيَّتِكَ النَّاصِرِينَ،

فرزندان شهادت طلبت، سلام بر تو و بر نسل یاری‌کننده‌ات،

السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمُضَاجِعِينَ، السَّلَامُ عَلَى الْقَتِيلِ

سلام بر تو و بر فرشتگان کنار آرامگاهت، سلام بر کشته

الْمَظْلُومِ، السَّلَامُ عَلَى أَخِيهِ الْمَسْمُومِ، السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ الْكَبِيرِ،

ستم‌دیده، سلام بر برادر مسمومش (امام حسن)، سلام بر علی بزرگ (علی اکبر)،

السَّلَامُ عَلَى الرَّضِيعِ الصَّغِيرِ، السَّلَامُ عَلَى الْأَبْدَانِ السَّلِيبَةِ،

سلام بر آن شیرخوار کوچک؛ سلام بر بدن‌هایی که (جامه‌های آنان) به تاراج رفته؛

السَّلَامُ عَلَى الْعِثْرَةِ الْقَرِيبَةِ (الْغَرِيبَةِ)، السَّلَامُ عَلَى الْمُجَدِّلِينَ

سلام بر خاندان نزدیک به پیامبر، سلام بر زمین افتادگان

فِي الْفَلَوَاتِ، السَّلَامُ عَلَى النَّازِحِينَ عَنِ الْأَوْطَانِ، السَّلَامُ عَلَى

در بیابان‌ها؛ سلام بر دورشدگان از سرزمین خویش، سلام بر

الْمَدْفُونِينَ بِلَا أَكْفَانٍ، السَّلَامُ عَلَى الرَّؤُوسِ الْمَفْرَقَةِ عَنِ الْأَبْدَانِ،

خاک سپرده‌شدگان بی‌کفن؛ سلام بر سرهای جدا شده از بدن‌ها؛

السَّلَامُ عَلَى الْمُخْتَسِبِ الصَّابِرِ، السَّلَامُ عَلَى الْمَظْلُومِ بِلَا نَاصِرٍ،

سلام بر کسی که مصائبش را به حساب خدا گذارد و شکیبیا بود؛ سلام بر ستم‌دیده بی‌یاور؛

السَّلَامُ عَلَى سَاكِنِ التُّرْبَةِ الزَّاكِيَةِ، السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ الْقُبَّةِ

سلام بر کسی که در خاک پاک سکونت گزید؛ سلام بر صاحب گنبدی

السَّامِيَةِ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ طَهَّرَهُ الْجَلِيلُ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ افْتَخَرَ

بلندمرتبه، سلام بر کسی که خدای بزرگ، او را پاک نمود؛ سلام بر کسی که

بِهِ جَبْرَائِيلُ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ نَاغَاهُ فِي الْمَهْدِ مِيكَائِيلُ، السَّلَامُ

جبرئیل به او افتخار می‌کرد، سلام بر کسی که در گهواره میکائیل برایش لایلی می‌گفت؛ سلام

عَلَى مَنْ نَكِثَتْ ذِمَّتُهُ، السَّلَامُ عَلَى مَنْ هُتِكَتْ حُرْمَتُهُ، السَّلَامُ

بر آن که پیمانش را شکستند؛ سلام بر کسی که حرمتش را هتک نمودند؛ سلام

عَلَى مَنْ أَرِيقُ بِالظُّلْمِ دَمَهُ، السَّلَامُ عَلَى الْمَغْسَلِ بِدَمِ الْجِرَاحِ،

بر کسی که خونش را به ناحق و با ستمکاری ریختند، سلام بر کسی که با خون جراحاتش شستشو داده شد،

السَّلَامُ عَلَى الْمُجْرَعِ بِكَأْسَاتِ الرَّمَاحِ، السَّلَامُ عَلَى الْمُضَامِ

سلام بر کسی که از کاسه‌های نیزه‌ها جرعه نوشید، سلام بر کسی که بر وی ستم کرده

الْمُسْتَبَاحِ، السَّلَامُ عَلَى الْمَنْحُورِ فِي الْوَرَى، السَّلَامُ عَلَى مَنْ

و ریختن خونش را حلال شمردند؛ سلام بر او که جلوی همه مردم سرش را از تن جدا کردند - و کسی چیزی نگفت -، سلام بر

دَفَنَهُ أَهْلُ الْقَرْيِ، السَّلَامُ عَلَى الْمَقْطُوعِ الْوَتِينِ، السَّلَامُ عَلَى

آن آقای بزرگ‌زاده‌ای که روستانشینان (بنی‌اسد) دفنش کردند؛ سلام بر آن که رگ گردن مبارکش بریده شد، سلام بر

پیامبر

بخش یازدهم



الْمُحَامِي بِإِلَاءِ مُعِينٍ، السَّلَامُ عَلَى الشَّيْبِ الْخَضِيبِ، السَّلَامُ

آن حمایتگر بی‌یاور، سلام بر محاسن با خون خضاب شده، سلام

عَلَى الْخَدِّ التَّرِيبِ، السَّلَامُ عَلَى الْبَدَنِ السَّلِيبِ، السَّلَامُ عَلَى

بر آن گونه و رخسار خاک‌الوده، سلام بر آن بدنی که لباس‌هایش به تاراج رفته، سلام بر

الثَّغْرِ الْمَقْرُوعِ بِالْقَضِيبِ، السَّلَامُ عَلَى الرَّأْسِ الْمَرْفُوعِ، السَّلَامُ

آن دندان مبارکی که با چوب (خیزران) کوبیده شد، سلام بر آن سری که بر بالای نیزه رفت، سلام

عَلَى الْأَجْسَامِ الْعَارِيَةِ فِي الْفَلَوَاتِ، تَنْهَشُهَا الذُّنَابُ الْعَادِيَاتُ،

بر بدن‌هایی که بدون پوشش در بیابان‌ها افتاده بودند، گرگ‌های متجاوز آن‌ها را دریدند

وَتَخْتَلِفُ إِلَيْهَا السَّبَاعُ الضَّارِيَاتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ

و درندگان وحشی پیرامون‌شان رفت و آمد می‌کردند. سلام بر تو ای مولای من؛

وَعَلَى الْمَلَائِكَةِ الْمَرْفُوفِينَ حَوْلَ قُبَّتِكَ، الْأَحَافِينَ بِتُرْبَتِكَ،

و بر فرشتگانی که گرداگرد گنبد شریفت بال گشوده‌اند؛ خاک پاک قبرت را در برگرفته‌اند؛

الطَّائِفِينَ بِعَرْصَتِكَ، الْوَارِدِينَ لِزِيَارَتِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ فَإِنِّي

به طواف حرمت مشغول‌اند، و برای زیارتت وارد می‌شوند. سلام بر تو؛ من به

قَصَدْتُ إِلَيْكَ، وَرَجَوْتُ الْفَوْزَ لَدَيْكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ سَلَامٌ

قصد زیارت تو آمده‌ام و امیدوارم نزد تو رستگار شوم. سلام بر تو؛ سلام

الْعَارِفِ بِحُرْمَتِكَ، الْمَخْلِصِ فِي وِلَايَتِكَ، الْمُتَقَرِّبِ إِلَى اللَّهِ

کسی که عارف و آشنا به حرمت تو، و اخلاص‌دارنده در ولایت تو، تقرب جوینده به سوی خدا

بِمَحَبَّتِكَ، الْبَرِيِّ مِنْ أَعْدَائِكَ، سَلَامٌ مَنْ قَلْبُهُ بِمُضَابِكَ مَقْرُوحٌ،

با محبت تو، و بی‌زاری جوینده از دشمنانت می‌باشد، سلام کسی که دلش از مصیبت تو جریحه‌دار،

وَدَمْعُهُ عِنْدَ ذِكْرِكَ مَسْفُوحٌ، سَلَامٌ الْمَفْجُوعِ الْحَزِينِ الْوَالِيهِ

و اشکش با یاد تو ریزان است؛ سلام دردمندی اندوهگین و سرگشته‌ای

الْمُسْتَكِينِ، سَلَامٌ مَنْ لَوْ كَانَ مَعَكَ بِالطُّفُوفِ لَوْ قَاكَ بِنَفْسِهِ حَدٌّ

بیچاره؛ سلام کسی که اگر در آن صحرای کربلا همراهت بود به طور حتم تو را با جان خود در برابر تیزی

السُّيُوفِ، وَبَدَلَ حُشَاشَتَهُ دُونَكَ لِلْحُتُوفِ، وَجَاهَدَ بَيْنَ يَدَيْكَ،

شمشیرها نگهداری می‌کرد، و نیمه جانی را که در بیکرش باقی مانده برای تو در معرض مرگ قرار می‌داد؛ و در پیشگاه تو به نبرد می‌پرداخت،

وَنَصَرَكَ عَلَى مَنْ بَغَى عَلَيْكَ، وَقَدَاكَ بِرُوحِهِ وَجَسَدِهِ وَمَالِهِ

و در مقابل ستمکاران بر تو، یاریت می‌کرد؛ و روح و جسم و دارایی و

وَوَالِدِهِ، وَرُوحَهُ لِرُوحِكَ فِدَاءً، وَأَهْلَهُ لِأَهْلِكَ وَقَاءً. فَلَيْنُ

فرزندان خود را فدایت می‌ساخت، و روحش را فدای روح شریف‌ت می‌کرد و خانواده‌اش را به حفظ و نگهداری خانواده‌ات می‌گماشت. پس اگر

أَخَّرْتَنِي الدُّهُورُ، وَعَاقَنِي عَنْ نَصْرِكَ الْمَقْدُورُ، وَلَمْ أَكُنْ لِمَنْ

روزگار مرا از زمان تو دور داشته، و مقدرات مرا از یاریت بازداشت، و نبودم که با

خَارِبِكَ مُحَارِبًا، وَلِمَنْ نَصَبَ لَكَ الْعَدَاوَةَ مُنَاصِبًا، فَلَأَنْدُبَنَّكَ

جنگجویانی که به جنگ تو آمدند بچنگم، و با دشمنانت بستیزم؛ لیکن، هر

صَبَاحًا وَمَسَاءً، وَلَا أَبْكِيَنَّ لَكَ بَدَلَ الدَّمُوعِ دَمًا، حَسْرَةً عَلَيْكَ،

صبح و شام بر تو ناله و زاری و شیون می‌کنم، و به جای اشک، برایت خون می‌گیرم؛ از حسرتی که بر تو می‌خورم،

وَتَأْسَفًا عَلَى مَا دَهَاكَ، وَتَلَهْفًا حَتَّى أَمُوتَ بِلَوْعَةِ الْمُضَابِ،

و تأسفی که بر رنج تو دارم و در سوز و گداز می‌مانم تا زمانی که از این مصیبت

وَعُصَّةِ الْإِكْتِيَابِ. أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ،

و عصه و اندوه بمیرم. گواهی می‌دهم که تو نماز را برپا داشتی، و زکات را پرداختی،

وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْعُدْوَانِ، وَأَطَعْتَ اللَّهَ

و به معروف و نیکی فرمان دادی، و از بدی‌ها و ستمکاری‌ها بازداشتی، و از خدا فرمان بردی

وَمَا عَصَيْتَهُ، وَتَمَسَّكَتَ بِهِ وَبِحَبْلِهِ فَأَرْضَيْتَهُ وَخَشَيْتَهُ، وَرَاقَبْتَهُ

و نافرمانی نکردی، و به خدا و ریسمان او چنگ زدی تا آن که او را از خود راضی و خشنود کردی در حالی که از او ترس داشتی؛ و مراقب

وَأَسْتَجَبْتَهُ، وَسَنَنْتَ السُّنَنَ، وَأَطَفَاتِ الْفِتَنِ، وَدَعَوْتَ إِلَيَّ

و مواظب او بودی و او را پاسخ دادی، و به سنت‌ها و مستحبات عمل کردی و فتنه‌ها را خاموش نمودی، و به سوی

الرِّشَادِ، وَأَوْضَحْتَ سُبُلَ السَّدَادِ، وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ الْجِهَادِ.

رشد و تکامل فراخواندی، و راه‌های استوار را آشکار ساختی، و آن گونه که حق جهاد و تلاش بود انجام دادی.

وَكَنتَ لِلَّهِ طَائِعًا، وَلِجَدِّكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَابِعًا،

و تو فرمان برداری نیک برای خداوند بودی، و از جدت حضرت محمد - که درود خدا بر او و آل او باد - پیروی می کردی،

وَلِقَوْلِ أَبِيكَ سَامِعًا، وَإِلَى وَصِيَّةِ أَخِيكَ مُسَارِعًا، وَلِعِمَادِ الدِّينِ

و به گفتار پدرت گوش فرامی دادی، و برای انجام وصیت برادرت شتاب می نمودی، و ستون های دین را

رَافِعًا، وَلِلطُّغْيَانِ قَامِعًا، وَلِلطُّغَاةِ مُقَارِعًا، وَلِلْأُمَّةِ نَاصِحًا، وَفِي

بالا بردی، و سرکشی را در هم کوبیدی، و طغیان گران را نابود کردی، و برای امت اسلام خیرخواهی می کردی، و در

غَمْرَاتِ الْمَوْتِ سَابِحًا، وَلِلْفُسَاقِ مُكَافِحًا، وَبِحُجَجِ اللَّهِ قَائِمًا،

گرداب مرگ شناور بودی، و فاسقان را به مبارزه می طلبیدی، و حجّت های الهی را بر پا داشتی،

وَلِلْإِسْلَامِ وَالْمُسْلِمِينَ رَاحِمًا، وَلِلْحَقِّ نَاصِرًا، وَعِنْدَ الْبَلَاءِ

و برای اسلام و مسلمانان مهربان و رحم کننده، و یار حق بودی، و در بلاها و گرفتاری ها

صَابِرًا، وَلِلدِّينِ كَالِئًا، وَعَنْ حَوْزَتِهِ مُرَامِيًا. تَحُوطُ الْهُدَى

شکیبا، و برای دین نگهبان، و از حوزه و حریم دینی دفاع کننده بودی. نگهبان هدایت

وَتَنْصُرُهُ، وَتَبْسُطُ الْعَدْلَ وَتَنْشُرُهُ، وَتَنْصُرُ الدِّينَ وَتُظْهِرُهُ،

و یاری کننده آن و گستراننده عدل و نشردهنده آن، و یاری کننده دین و آشکارکننده آن هستی،

وَتَكْفُ الْغَائِبِ وَتَرْجُرُهُ، وَتَأْخُذُ لِلدِّينِ مِنَ الشَّرِيفِ، وَتُسَاوِي

و بازیچه شمارنده دین را از کارش بازداشته و او را منع نمودی، و حق زبردستان را از ثروتمندان و اشراف می گرفتی،

فِي الْحُكْمِ بَيْنَ الْقَوِيِّ وَالضَّعِيفِ. كُنْتَ رَبِيعَ الْأَيْتَامِ، وَعِصْمَةَ

و بین قوی و ضعیف به مساوات حکم می کردی. تو بهار یتیمان و پناهگاه

الْأَنَامِ، وَعِزَّ الْإِسْلَامِ، وَمَعْدِنَ الْأَحْكَامِ، وَحَلِيفَ الْإِنْعَامِ، سَالِكًا

مردم، و عزت و سربلندی اسلام و معدن احکام و هم پیمان بخشش و احسان بودی. پوینده

طَرَاتِقَ جَدِّكَ وَأَبِيكَ، مُشْبِهًا فِي الْوَصِيَّةِ لِأَخِيكَ. وَفِي الذَّمِّ،

راه جد و پدرت بودی، و همانند برادرت در وصیت پدرت بودی. وفاکننده به عهدها و پیمان ها،

رَضِيَ الشُّيْمِ، ظَاهِرَ الْكَرَمِ، مُتَهَجِّدًا فِي الظُّلْمِ، قَوِيمَ الطَّرَائِقِ،

دارای خصلت ها و خوی های نیکو، آشکارکننده بزرگواری ها، کوشش کننده در عبادت به هنگام تاریکی (شب زنده دار)، دارنده روش های استوار،

كَرِيمَ الْخَلَائِقِ، عَظِيمَ السَّوَابِقِ، شَرِيفَ النَّسَبِ، مُنِيفَ الْحَسَبِ،

و اخلاق بزرگ منشی و بخشندگی، با پیشینه‌های بزرگ و درخشان، نژادی شریف، خسبی برتر،

رَفِيعَ الرَّتَبِ، كَثِيرَ الْمَنَاقِبِ، مَحْمُودَ الضَّرَائِبِ، جَزِيلَ الْمَوَاهِبِ.

درجاتی عالی و رفیع، افتخاراتی فراوان، سرشته‌های ستوده، موهبت‌ها و بخشش‌های بسیار بود.

حَلِيمٌ رَشِيدٌ مُنِيبٌ، جَوَادٌ عَلِيمٌ شَدِيدٌ، اِمَامٌ شَهِيدٌ، اَوَّاهٌ مُنِيبٌ،

بردار، کمال یافته، انابه‌کننده به سوی خدا، بخشنده، دانا، قدرت‌مند، پیشوا، شهید، شیون‌کننده و انابه‌کننده،

حَبِيبٌ مَهِيْبٌ. كُنْتَ لِلرَّسُولِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوَلَدًا، وَلِلْقُرْآنِ

دوست‌دارنده، باهویت هستی. تو برای حضرت پیامبر - که درود خدا بر او و آل او باد - فرزند، و برای قرآن

سَدَادًا، وَلِلْأُمَّةِ عَضُدًا، وَفِي الطَّاعَةِ مُجْتَهِدًا، حَافِظًا لِلْعَهْدِ

بشعبان، و برای امت بازویی توانا و یاور بودی، و در فرمانبرداری از دستورات الهی کوشا، نگهبان و نگه‌دارنده پیمان

وَالْمِيثَاقِ، نَاكِبًا عَنِ سَبْلِ الْفُسَاقِ، [وَ]بَاذِلًا لِلْمَجْهُودِ، طَوِيلَ

و تعهد عالم ذر، کناره‌گیر از راه مردمان فاسق و تبه‌کار، و بکار برنده تمام سعی و کوشش خود بودی. دارای

الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ، زَاهِدًا فِي الدُّنْيَا زُهْدَ الرَّاحِلِ عَنْهَا، نَاطِرًا

رکوع و سجود طولانی بودی، و نسبت به دنیا بی‌اعتنا و بی‌رغبت بودی، همچون کسانی که می‌خواهد آن را رها کند و از آن کوچ کند

إِلَيْهَا بَعَيْنِ الْمُسْتَوْحِشِينَ مِنْهَا، أَمَالِكَ عَنْهَا مَكْفُوفَةٌ، وَهَمَّتِكَ عَنْ

و همواره به آن به دیده وحشت‌زدگان می‌نگریستی. از آرزوهای دنیویت دل‌کنده، و همت تو از

زِينَتِهَا مَصْرُوفَةٌ، وَالْحَاطِكَ عَنْ بَهْجَتِهَا مَطْرُوفَةٌ، وَرَغْبَتِكَ فِي

زینت‌های آن رو گردان شده، و نگاهت از سرور و شادمانی آن پوشیده شده، و شوق و اشتیاق تو

الْآخِرَةِ مَعْرُوفَةٌ، حَتَّى إِذَا الْجَوْرُ مَدَّ بَاعَهُ، وَأَسْفَرَ الظُّلْمَ قِنَاعَهُ،

به آخرت معروف بود؛ تا آن‌که ستم، دست ستمگرش را دراز کرد و ظلم، نقاب از چهره افکند،

وَدَعَا الْغِيَّ أَتْبَاعَهُ، وَأَنْتَ فِي حَرَمِ جَدِّكَ قَاطِنٌ، وَلِلظَّالِمِينَ

و گمراهی پیروان خویش را فرا خواند؛ و در حالی که تو در حرم جدت ساکن و از ستمگران

مُبَايِنٌ، جَلِيسُ الْبَيْتِ وَالْمِحْرَابِ، مُعْتَزِلٌ عَنِ اللَّذَاتِ وَالشَّهَوَاتِ،

دوری گزیده بودی، مونس محراب و خانه گشته و از شهوت‌ها و لذت‌ها دوری گزیده،

تُكِرُّ الْمُنْكَرَ بِقَلْبِكَ وَلِسَانِكَ، عَلَى حَسَبِ طَاقَتِكَ وَإِمْكَانِكَ، ثُمَّ

و در حدّ طاقت و امکانت با قلب و زبانت زشتی را زشت شمردی. سپس

اِقْتَضَاكَ الْعِلْمُ لِلْإِنْكَارِ، وَلَزِمَكَ أَنْ تُجَاهِدَ الْفُجَّارَ، فَسِرْتَ فِي

اقتضا کرد علم و آگاهی، تو را بر انکار؛ و بر تو لازم شد با فاجران و بدکاران جهاد کنی؛ پس با

أَوْلَادِكَ وَأَهْلِيكَ، وَشَيْعَتِكَ وَمَوَالِيكَ، وَصَدَعْتَ بِالْحَقِّ وَالْبَيِّنَةِ،

فرزندان و خاندان و پیروان و دوستانت به راه افتادی، و حقّ و حقیقت را با برهان‌های الهی آشکار ساختی،

وَدَعَوْتَ إِلَى اللَّهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَأَمَرْتَ بِإِقَامَةِ

و مردم را با حکمت و پند نیکو به سوی خدا فرا خواندی، و امر به برپایی

الْحُدُودِ، وَالطَّاعَةِ لِلْمَعْبُودِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْخَبَائِثِ وَالطُّغْيَانِ،

حدود الهی و اطاعت پروردگار، و نهی از پلیدی‌ها و سرکشی‌ها نمودی،

وَوَاجَهُوْكَ بِالظُّلْمِ وَالْعُدْوَانِ. فَجَاهَدْتَهُمْ بَعْدَ الْإِيغَازِ لَهُمْ،

و آنان با ستم و عدوان با تو مقابله نمودند. پس از آن‌که آن‌ها را پند داده و از کار خود بازداشتی،

وَتَأْكِيدِ الْحُجَّةِ عَلَيْهِمْ، فَكَثَرُوا ذِمَامَكَ وَبَيَّعَتَكَ، وَأَسْخَطُوا رَبَّكَ

و اتمام حجت نمودی، با آنان جهاد کردی؛ پس آنان پیمان و بیعت تو را شکستند، و پروردگار تو

وَجَدَّكَ، وَبَدَّوْكَ بِالْحَرْبِ، فَثَبَّتَ لِلطُّغْنِ وَالضَّرْبِ، وَطَحَنَتْ

و جذت را خشمگین کردند، و با تو شروع به جنگ نمودند؛ پس تو در برابر ضربات (شمشیرها و نیزه‌ها) استوار ماندی، و

جُنُودَ الْفُجَّارِ، وَاقْتَحَمْتَ قَسْطَلَ الْغُبَارِ، مُجَالِدًا بِذِي الْفِقَارِ،

لشکریان بدکاره را درهم کوبیدی، و در گرد و غبار برخاسته در میدان جهاد با ذوالفقار آنگونه وارد شدی

كَأَنَّكَ عَلِيٌّ الْمُخْتَارُ. فَلَمَّا رَأَوْكَ ثَابِتَ الْجَاشِ، غَيْرَ خَائِفٍ وَلَا

که گویا تو همان علی برگزیده خدا هستی. پس، هنگامی که تو را ثابت قدم و دلیر دیدند، در حالی که هیچ‌گونه ترس

خَاشٍ، نَصَبُوا لَكَ غَوَائِلَ مَكْرِهِمْ، وَقَاتَلُوكَ بِكَيْدِهِمْ وَشَرِّهِمْ،

و هراسی در تو نبود برای تو دام‌های مکرشان را نصب کردند، و با مکر و شزشان به جنگ با تو پرداختند؛

وَأَمَرَ اللَّعِينُ جُنُودَهُ، فَمَنَعُوكَ الْمَاءَ وَوَرُودَهُ، وَنَاجَزُوكَ الْقِتَالَ،

و آن شخص ملعون به لشکریانش دستور داد، پس تو را از آب و وارد شدن به آن بازداشتند، و به مبارزه با تو پرداخته

وَعَاجِلُوكَ النَّزَالَ، وَرَشَقُوكَ بِالسَّهَامِ وَالنَّبَالِ، وَبَسَطُوا إِلَيْكَ

و در این امر شتافتند، و تیرها و سنگها را به تو پرتاب کردند، و

أَكْفَ الْأَصْطِلَامِ، وَلَمْ يَرْعَوْا لَكَ ذِمَاماً، وَلَا رَاقَبُوا فَيْكَ إِثَاماً،

دستهای ویرانگر خود را به سوی تو گشودند، و حق تو را مراعات نکردند، و

فِي قَتْلِهِمْ أَوْلِيَاءَكَ، وَنَهَبِهِمْ رِحَالَكَ، وَأَنْتَ مُقَدَّمٌ فِي الْهَبَوَاتِ،

در کشتن عزیزان تو و غارت زاد و توشه تو هیچ ترسی از جزای گناه خویش به خود راه ندادند؛ و تو در میان گرد و غبار میدان به پیش می‌ناختی،

وَمُحْتَمِلٌ لِلْأَذِيَّاتِ، قَدْ عَجِبْتُ مِنْ صَبْرِكَ مَلَائِكَةُ السَّمَاوَاتِ.

و آزار و اذیتها را تحمل می‌کردی، که به راستی فرشتگان آسمان از صبر تو در شگفت آمدند.

فَأَحْدَقُوا بِكَ مِنْ كُلِّ الْجِهَاتِ، وَأَثَخَنُوكَ بِالْجِرَاحِ، وَحَالُوا بَيْنَكَ

پس آنان (دشمنان) از هر سو، اطراف تو را گرفتند؛ و زخم‌های عمیقی بر تو وارد کردند و میان تو

وَبَيْنَ الرَّوَّاحِ، وَلَمْ يَبْقَ لَكَ نَاصِرٌ، وَأَنْتَ مُحْتَسِبٌ صَابِرٌ، تَدْبُ

و بین راحتی و نجات فاصله انداختند (یعنی نگذاشتند کار به شبانگاه برسد)، و تو را هیچ یاورى باقى نمانده بود، و تو کار را به حساب خدا واگذار

عَنْ نِسْوَتِكَ وَأَوْلَادِكَ، حَتَّى نَكْسُوكَ عَنْ جَوَادِكَ، فَهَوَيْتَ إِلَى

کرده و صبر نمودی، و از زنان و اولادت دفاع می‌کردی. تا آن که تو را از اسب سرنگون ساختند، و با بدنی مجروح بر

الْأَرْضِ جَرِيحاً، تَطَّوُّكَ الْخَيُْولُ بِحَوَافِرِهَا، وَتَعْلُوكَ الطُّغَاةُ

زمین افتادی؛ اسبها با سم‌هایشان تو را لگدکوب کردند و طغیان‌گران تو را

بِبَوَاتِرِهَا. قَدْ رَشَحَ لِمَوْتِ جَبِينِكَ، وَاخْتَلَفَتْ بِالْإِنْقِبَاضِ

با شمشیرهایشان ضربه می‌زدند. عرق مرگ بر پیشانی‌ت نشست، و

وَالْإِنْبِساطِ شِمَالِكَ وَيَمِينِكَ، تُدِيرُ طَرْفاً خَفِيّاً إِلَى رَحْلِكَ

راست و چپ بدن مبارکت را با جمع کردن و گشودن جابجا می‌کردی. و با گوشه چشم به خیام

وَبَيْتِكَ، وَقَدْ شَغَلَتْ بِنَفْسِكَ عَنْ وُلْدِكَ وَأَهَائِكَ، وَأَسْرَعَ فَرَسُكَ

و حرمت نگاه می‌کردی، و مصیبتی که بر تو وارد می‌شد تو را از فرزندان و اهل بیتت به خود مشغول ساخته بود، و اسب تو

شَارِداً، إِلَى خِيَامِكَ قَاصِداً، مُحَمِّحاً بِأَكْيَا، فَلَمَّا رَأَيْنِ النِّسَاءَ

شیون‌کنان و گریه‌کنان با سرعت به سوی حرمت آمد، هنگامی که زنان

ببخش یازدهم

ببخش یازدهم



۵۹.

جَوَادِكَ مَخْزِيًّا، وَتَنْظُرَنَّ سَرْجَكَ عَلَيْهِ مَلُويًّا، بَرَزَنَّ مِنَ الْخُدُورِ،

اسب را شرمسار دیدند و به زین واژگونش نظر افکندند، از خیمه‌ها بیرون آمدند،

نَاشِرَاتِ الشُّعُورِ عَلَى الْخُدُودِ، لِاطِمَاتِ الْوُجُوهِ سَافِرَاتِ،

موهایشان را بر چهره‌هایشان پریشان کرده، بر چهره‌های بدون نقابشان سیلی می‌زدند،

وَبِالْعَوِيلِ دَاعِيَاتِ، وَبَعْدَ الْعِزِّ مُذَلَّلَاتِ، وَإِلَى مَصْرَعِكَ مُبَادِرَاتِ.

و با صدای بلند ناله می‌زدند و تو را می‌خواندند، و آنان بعد از عزت ذلیل شده بودند، و به سوی قتلگاه تو شتافتند.

وَالشُّمْرُ جَالِسٌ عَلَى صَدْرِكَ، وَمَوْلَعٌ سَيْفُهُ عَلَى نَحْرِكَ، قَابِضٌ

در حالی که شمر (لعنة الله عليه) بر روی سینه‌ات نشسته بود و شمشیرش را بر گودی زیر گلوی تو فرو برده

عَلَى شَيْبَتِكَ بِيَدِهِ، ذَابِحٌ لَكَ بِمُهَنْدِهِ، قَدْ سَكَنْتَ حَوَاسِكَ،

و محاسنت را به دست گرفته بود، سرت را با شمشیر تیز خود می‌برید؛ در آن حالت حواست از حرکت ایستاد،

وَخَفِيَتْ أَنْفَاسُكَ، وَرَفَعَ عَلَى الْقَنَاةِ رَأْسُكَ، وَسَبَى أَهْلُكَ

و نفس‌هایت پنهان شد، و سرت بر بالای نیزه بلند شد، و اهل بیت تو

كَالْعَبِيدِ، وَصَفَّدُوا فِي الْحَدِيدِ، فَوْقَ أَقْتَابِ الْمَطِيَّاتِ، تَلْفَحُ

مانند بندگان و بردگان اسیر شدند، و در غل و زنجیر به بند کشیده شدند. در فراز جهاز شتران،

وَجُوهَهُمْ حَرُّ الْهَاجِرَاتِ، يُسَاقُونَ فِي الْبَرَارِي وَالْفَلَوَاتِ،

چهره‌هایشان را گرمای شدید می‌سوزاند، و در بیابان‌ها و دشت‌ها پیش برده می‌شدند؛

أَيْدِيهِمْ مَغْلُولَةٌ إِلَى الْأَعْنَاقِ، يُطَافُ بِهِمْ فِي الْأَسْوَاقِ. فَالْوَيْلُ

دست‌هایشان به گردن‌هایشان آویخته و بسته بود، و آنها را دور بازارها می‌چرخاندند. پس، وای

لِلْعَصَاةِ الْفَاسِقِ، لَقَدْ قَتَلُوا بِقَتْلِكَ الْإِسْلَامَ، وَعَطَّلُوا الصَّلَاةَ

بر آن گناه‌کاران فاسق که به راستی با کشتن تو اسلام را کشتند، و نماز

وَالصِّيَامَ، وَنَقَضُوا السُّنَنَ وَالْأَحْكَامَ، وَهَدَمُوا قَوَاعِدَ الْإِيمَانِ،

و روزه را رها کردند، و سنت‌ها و احکام را شکستند، و ستون‌های دین و ایمان را منهدم کردند،

وَحَرَّفُوا آيَاتِ الْقُرْآنِ، وَهَمَلَجُوا فِي الْبَغْيِ وَالْعُدْوَانِ. لَقَدْ

و آیات الهی قرآن را تحریف نمودند، و در دشمنی و ظلم و ستم پیش ناختند. آن گاه که تو را شهید کردند

أَصْبَحَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَوْثُورًا، وَعَادَ كِتَابُ اللَّهِ

به راستی رسول خدا - که درود خدا بر او و آل او باد - خون‌خواه تو شد، و بار دیگر کتاب خدا

عَزَّوَجَلَّ مَهْجُورًا، وَعُودِرَ الْحَقُّ إِذْ قُهِرْتَ مَقْهُورًا، وَفُقِدَ بِفَقْدِكَ

متروک و دور افتاده شد؛ و حق، مورد خیانت قرار گرفت، چون تو شکست خوردی؛ و با نبود تو،

التَّكْبِيرُ وَالتَّهْلِيلُ، وَالتَّحْرِيمُ وَالتَّحْلِيلُ، وَالتَّنْزِيلُ وَالتَّأْوِيلُ،

بانگ «الله اکبر» و «لا اله الا الله» و حرام و حلال خدا و تنزیل و تاویل قرآن، ناپدید شد؛

وَوَظَهَرَ بَعْدَكَ التَّغْيِيرُ وَالتَّبْدِيلُ، وَالأَلْحَادُ وَالتَّعْطِيلُ، وَالأَهْوَاءُ

و بعد از تو، تغییر و دگرگونی (در احکام دینی) و کفر و بی‌دینی، و کنار گذاشتن سنتها و هواهای نفسانی،

وَالْأَضَالِيلُ، وَالفِتْنُ وَالْأَبْاطِيلُ. فَقَامَ نَاعِيكَ عِنْدَ قَبْرِ جَدِّكَ

و گمراهی‌ها و فتنه‌ها و باطل‌ها پدیدار گشت، پس، خیردهنده شهادت تو نزد قبر جد تو

الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فَنَعَاكَ إِلَيْهِ بِالدَّمْعِ الطُّوْلِ، قَائِلًا

رسول خدا - درود خدا بر او و آل او باد - ایستاد، و با اشک ریزان خیر شهادت تو را به پیامبر داد؛ در حالی که می‌گفت:

يَا رَسُولَ اللَّهِ قَتَلَ سِبْطُكَ وَقَتَاكَ، وَاسْتَبِيحَ أَهْلُكَ وَحِمَاكَ،

ای رسول خدا؛ نوه و جوان تو کشته شد، و حرمت اهل بیت تو شکسته و مباح شمرده شد؛

وَسُبِيَّتُ بَعْدَكَ ذُرَارِيكَ، وَوَقَعَ الْمَحْذُورُ بِعِثْرَتِكَ وَذَوِيكَ.

و فرزندان و ذریه تو را بعد تو اسیر کردند، و خانواده و اطرافیان در گرفتاری افتادند.

فَانزَعَجَ الرَّسُولُ، وَبَكَى قَلْبُهُ الْمَهُولُ، وَعَزَاهُ بِكَ الْمَلَائِكَةُ

پس، پیامبر آشفته گردید، و قلب وحشت‌زده‌اش گریست؛ و به خاطر تو فرشتگان

وَالْأَنْبِيَاءُ، وَفَجِعَتْ بِكَ أُمَّكَ الزُّهْرَاءُ، وَاخْتَلَفَتْ جُنُودُ الْمَلَائِكَةِ

و پیامبران بر او تسلیت گفتند؛ و به خاطر تو مادرت زهرا سوگوار و مصیبت‌زده شد؛ و لشکریان فرشتگان

الْمُقَرَّبِينَ، تُعْزِي أَبَاكَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَأُقِيمَتْ لَكَ الْمَاتِمُ فِي

مقرب الهی برای تسلیت گفتن به پدرت امیر مؤمنان آمد و شد کردند، و در

أَعْلَى عَلِّيْنَ، وَلَطَمَتْ عَلَيْكَ الْحُورُ الْعَيْنُ، وَبَكَتِ السَّمَاءُ

اعلی علیین برای تو ماتم برپا شد، و به خاطر تو حورالعین سیلی بر صورت خود زدند، و آسمان

پیامبر
بخش یازدهم



592

وَسُكَّانُهَا، وَالْجَنَانُ وَخَزَائِنُهَا، وَالْهَضَابُ وَأَقْطَارُهَا، وَالْبِحَارُ

و ساکنان آن، و بهشت و خزانهداران آن، و کوهها و دامنه‌هایشان، و دریا

وَحَيْثَانُهَا، وَالْجَنَانُ وَوِلْدَانُهَا، وَالْبَيْتُ وَالْمَقَامُ، وَالْمَشْعَرُ

و ماهیانش، و بهشت و پسران آن، و خانه خدا، و مقام، و مشعرالحرام

الْحَرَامُ، وَالْحِلُّ وَالْأَحْرَامُ^۱. اللَّهُمَّ فَبِحُرْمَةِ هَذَا الْمَكَانِ الْمُئَيَّفِ،

و خارج خانه خدا و اطراف آن، همه گریه کردند. خدایا! پس، به خاطر حرمت و احترام این مکان شریف،

صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِمْ، وَأَدْخِلْنِي

بر محمد و آل محمد درود فرست؛ و مرا در زمره آنان محشور فرما، و مرا به شفاعت آنان

الْجَنَّةَ بِشَفَاعَتِهِمْ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ يَا أَسْرَعَ الْحَاسِبِينَ،

داخل بهشت نما. خدایا! به تو توسل پیدا می‌کنم؛ ای سریع‌ترین حساب‌گران؛

وَيَا أَكْرَمَ الْأَكْرَمِينَ، وَيَا أَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ، بِمُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ،

و ای کریم‌ترین کریمان؛ و ای بااقتدارترین حاکمان؛ و به محمد خاتم پیامبران؛

رَسُولِكَ إِلَى الْعَالَمِينَ أَجْمَعِينَ، وَيَا خِيَةَ وَابْنَ عَمِّهِ الْأَنْزَعِ

فرستاده تو بر همه جهانیان؛ و به برادر و پسرعمویش که از شرک و بت‌پرستی جدا شده و

الْبَطِينِ، الْعَالِمِ الْمَكِينِ، عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَبِفَاطِمَةَ سَيِّدَةِ

درونش انباشته از دانش بود، آن عالم و دانشمند و الامقام یعنی حضرت علی امیر مؤمنان؛ و به فاطمه سرور

نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، وَبِالْحَسَنِ الزَّكِيِّ عِصْمَةِ الْمُتَّقِينَ، وَبِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ

زنان جهانیان، و به حسن، که پاکیزه و پناه پرهیزکاران است؛ و به ابی عبدالله

الْحُسَيْنِ أَكْرَمِ الْمُسْتَشْهِدِينَ، وَبِأَوْلَادِهِ الْمَقْتُولِينَ، وَبِعِزَّتِهِ

الحسین، گرامی‌ترین شهادت جوین و به فرزندان شهیدش و به خاندان

الْمَظْلُومِينَ، وَبِعَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ، وَبِمُحَمَّدِ بْنِ

مظلومش؛ و به علی بن الحسین زینت عبادت کنندگان؛ و به محمد بن

عَلِيِّ قِبْلَةِ الْأَوَابِينَ، وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ أَصْدَقِ الصَّادِقِينَ،

علی، قبله‌گاه توبه کنندگان؛ و به جعفر بن محمد، راست‌گوترین راستگویان؛

۱. أحرام - جمع حرم - : به اطراف خانه خدا گفته می‌شود.

وَمُوسَىٰ بْنِ جَعْفَرٍ مُّظَهَّرِ الْبَرَاهِينِ، وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَىٰ نَاصِرِ

و به موسی بن جعفر، آشکار کننده حجت‌ها؛ و به علی بن موسی یاری‌کننده

الدِّينِ، وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قُدْوَةَ الْمُهْتَدِينَ، وَعَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ أَزْهَدِ

دین؛ و به محمد بن علی، آسوه هدایت‌کنندگان؛ و به علی بن محمد، زاهدترین

الزَّاهِدِينَ، وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ وَارِثِ الْمُسْتَخْلَفِينَ، وَالْحُجَّةَ عَلِيَّ

زاهدان؛ و به حسن بن علی وارث جانشینان، و حجت بر

الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، الصَّادِقِينَ

همه خلق خدا؛ اینکه درود فرستی بر محمد و آل محمد آن راستگویان

الْأَبْرَرِينَ، آلِ طه وِيسَ، وَأَنْ تَجْعَلَنِي فِي الْقِيَامَةِ مِنَ الْأَمِينِينَ

نیکوکاران، آل طه و یس؛ و این که مرا در قیامت از جمله امان‌یافتگان

الْمُطْمَئِنِّينَ الْفَائِزِينَ الْفَرِحِينَ الْمُسْتَبَشِّرِينَ. اللَّهُمَّ اكْتُبْنِي فِي

و آسودگان و رستگاران و شادمانان و بشارت‌یافتگان قرار دهی. خدایا؛ مرا از جمله

الْمُسْلِمِينَ، وَالْحَقَنِي بِالصَّالِحِينَ، وَاجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي

مسلمانان قرار ده، و مرا به صالحان بپیوند، و برای من در میان آیندگان سخن راست قرار ده.

الْآخِرِينَ، وَأَنْصُرْنِي عَلَى الْبَاغِينَ، وَاكْفِنِي كَيْدَ الْخَاسِدِينَ،

و مرا بر ستمگران پیروز فرما، و مرا از مکر حسودها کفایت کن،

وَأَصْرِفْ عَنِّي مَكْرَ الْمَاكِرِينَ، وَأَقْبِضْ عَنِّي أَيْدِي الظَّالِمِينَ،

و از من حيلة مکاران را باز گردان، و دست ستمکاران را از من کوتاه کن،

وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ السَّادَةِ الْمِيَامِينَ، فِي أَعْلَىٰ عِلِّيِّينَ، مَعَ الَّذِينَ

و مرا با سروران فرخنده در اعلا علیین؛ با آنان که بر آنها

أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ، مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ، وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ،

نعمت ارزانی داشتی - از پیامبران و راستگویان و شهدا و صالحان - جمع نما؛

بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَقْسِمُ عَلَيْكَ بِنَبِيِّكَ

به رحمتت ای مهربان‌ترین مهربانان. خدایا؛ تو را سوگند می‌دهم به حق پیامبرت

حجرت

بخش یازدهم



الْمَعْصُومِ، وَبِحُكْمِكَ الْمَخْتُومِ، وَنَهْيِكَ الْمَكْتُومِ، وَبِهَذَا الْقَبْرِ

که معصوم از گناه است و به آن حکم حتمیت، و نهی پوشیده‌ات؛ و به این قبر شریف

الْمَلْمُومِ، الْمَوْسَدِ فِي كَنَفِهِ، الْأِمَامِ الْمَعْصُومِ الْمَقْتُولِ الْمَظْلُومِ،

که به زیارت آن آمد و شد می‌شد، و امام معصومی که در سایه آن آرمیده است، که مظلومانه کشته شده؛

أَنْ تَكْشِفَ مَا بِي مِنَ الْغُيُومِ، وَتَصْرِفَ عَنِّي شَرَّ الْقَدَرِ الْمَخْتُومِ،

این که آنچه از غم دارم برطرف سازی، و از من شر قضا و قدر حتمی را بازگردانی،

وَتُجِيرَنِي مِنَ النَّارِ ذَاتِ السَّمُومِ. اللَّهُمَّ جَلِّلْنِي بِنِعْمَتِكَ،

و از آتش گرم و سوزان جهنم مرا پناه دهی، خدایا؛ مرا به نعمت خودت بزرگی بخش،

وَرَضْنِي بِقِسْمِكَ، وَتَعَمَّدْنِي بِجُودِكَ وَكَرَمِكَ، وَبَاعِدْنِي مِنْ

و مرا به قسمت راضی نما، و مرا غرق جود و کرمت فرما، و مرا از

مَكْرِكَ وَنِقْمَتِكَ. اللَّهُمَّ اعْصِمْنِي مِنَ الزَّلَلِ، وَسَدِّدْنِي فِي الْقَوْلِ

مکر و مجازات خود دور نما، خدایا؛ مرا از لغزش‌ها محفوظ بدار، و مرا در قول

وَالْعَمَلِ، وَافْسَحْ لِي فِي مُدَّةِ الْأَجَلِ، وَأَعْفِنِي مِنَ الْأَوْجَاعِ

و عمل استوار گردان، و وسعت و فراخی در دوران عمرم برابم قرار بده، و از دردها و

وَالْعَلَلِ، وَبَلِّغْنِي بِمَوَالِيٍّ وَبِفَضْلِكَ أَفْضَلَ الْأَمَلِ. اللَّهُمَّ صَلِّ

مریضی‌ها مرا عافیت بخش، و به حق اولیایم، و به بخشش و کرمت، مرا به بهترین آرزوهایم برسان، خدایا؛

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاقْبَلْ تَوْبَتِي، وَارْحَمْ عِبْرَتِي، وَأَقِلْنِي

بر محمد و آل محمد درود فرست، و توبه مرا قبول فرما؛ و بر گریه‌ام رحم نما، و از

عَثْرَتِي، وَنَفْسِ كُرْبَتِي، وَاعْفِرْ لِي خَطِيئَتِي، وَأَصْلِحْ لِي فِي

لغزشم درگذر، و اندوهم را برطرف کن، و گناهان مرا ببخش، و نسل مرا از صالحان قرار ده

ذُرِّيَّتِي. اللَّهُمَّ لَا تَدْعُ لِي فِي هَذَا الْمَشْهَدِ الْمُعْظَمِ، وَالْمَحَلِّ

خدایا؛ برای من و امگذار در این حرم شریف و بارگاه

الْمُكْرَمِ ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ، وَلَا عَيْبًا إِلَّا سَتَرْتَهُ، وَلَا غَمًّا إِلَّا كَشَفْتَهُ،

باکرامت هیچ گناهی را مگر آن که آن را ببخشی و هیچ عیبی را مگر آنکه بپوشانی، و هیچ غمی را مگر آن که برطرف کنی؛

وَلَا رِزْقًا إِلَّا بِسَطْتِهِ، وَلَا جَاهًا إِلَّا عَمْرَتَهُ، وَلَا فَسَادًا إِلَّا

و هیچ رزق و روزی را مگر آن که گسترده گردانی، و هیچ منزلت و مقامی را مگر آن که آن را آباد کنی، و هیچ فساد را مگر آن که آن را

أَصْلَحْتَهُ، وَلَا أَمَلًا إِلَّا بَلَّغْتَهُ، وَلَا دُعَاءً إِلَّا أَجَبْتَهُ، وَلَا مَضِيْقًا إِلَّا

اصلاح فرمایی؛ و هیچ آرزویی را مگر آن که مرا به آن برسانی، و هیچ دعایی را مگر آن که آن را اجابت فرمایی، و هیچ تنگی و فشاری را مگر آن را

فَرَجْتَهُ، وَلَا شَمْلًا إِلَّا جَمَعْتَهُ، وَلَا أَمْرًا إِلَّا أَتَمَمْتَهُ، وَلَا مَالًا إِلَّا

گشایش دهی، و هیچ تفرق و پراکندگی را مگر آن که آن را به اجتماع مبتدل گردانی، و هیچ کاری را مگر آن که آن را تمام کنی، و به پایان رسانی؛

كثْرَتَهُ، وَلَا خُلُقًا إِلَّا حَسَنَتَهُ، وَلَا انْفِقًا إِلَّا أَخْلَفْتَهُ، وَلَا خَالًا إِلَّا

و هیچ مالی را مگر آن که آن را زیادش کنی، و هیچ اخلاقی را مگر آن که آن را نیکو فرمایی، و هیچ انفاقی را مگر آن که جایگزین برایش قرار دهی،

عَمْرَتَهُ، وَلَا حَسُودًا إِلَّا قَمَعْتَهُ، وَلَا عَدُوًّا إِلَّا أَرْدَيْتَهُ، وَلَا شَرًّا

و هیچ دگرگونی حالی را مگر آن که آن را خوب و آباد نمایی؛ و هیچ حسودی را مگر آن که آن را ریشه کن نمایی، و هیچ دشمنی را مگر آن که آن را از

إِلَّا كَفَيْتَهُ، وَلَا مَرَضًا إِلَّا شَفَيْتَهُ، وَلَا بَعِيدًا إِلَّا أَدْنَيْتَهُ، وَلَا شَعْنًا

میان ببری، و هیچ شر و بدی را مگر آن که کفایت کنی، و هیچ مرضی را مگر آن که آن را شفا دهی، و هیچ دوری را مگر آن که آن را نزدیک فرمایی،

إِلَّا لَمَمْتَهُ، وَلَا سُؤَالَ إِلَّا أَعْطَيْتَهُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْعَاجِلَةِ،

و هیچ پراکندگی را مگر آن که آن را سامان دهی، و هیچ درخواستی را مگر آن که آن را عطا نمایی. خدایا! از تو می‌خواهم خیر و خوبی حاضر

و ثَوَابَ الْأَجَلَةِ. اللَّهُمَّ أَغْنِنِي بِحَلَالِكَ عَنِ الْحَرَامِ، وَبِفَضْلِكَ

و ثواب و پاداش آینده را. خدایا! مرا به واسطه حلالیت از حرام بی‌نیاز فرما، و با فضل و کرم

عَنْ جَمِيعِ الْأَنْامِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ عِلْمًا نَافِعًا، وَقَلْبًا خَاشِعًا،

از تمام مردم بی‌نیاز ساز. خدایا! از تو می‌خواهم علمی که سودمند باشد، و قلبی که خاشع باشد،

وَيَقِينًا شَافِيًا، وَعَمَلًا زَاكِيًا، وَصَبْرًا جَمِيلًا، وَأَجْرًا جَزِيلًا.

و یقینی را که قاطع باشد، و عملی که پاک باشد، و صبری را که زیبا باشد، و اجری را که زیاد باشد.

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شُكْرَ نِعْمَتِكَ عَلَيَّ، وَزِدْ فِي إِحْسَانِكَ وَكَرَمِكَ

خدایا! شکر و سپاس نعمتت را که بر گردن من است روزیم فرما، و احسان و کرمت را بر من زیاد نما،

إِلَيَّ، وَاجْعَلْ قَوْلِي فِي النَّاسِ مَسْمُوعًا، وَعَمَلِي عِنْدَكَ مَرْفُوعًا،

و سخنم را در میان مردم پذیرفته شده قرار ده، و عملم را در نزد خودت بالا ببر و بپذیر،

مجموعه سخن

بخش یازدهم



۵۹۶

وَأَثَرِي فِي الْخَيْرَاتِ مَتْبُوعاً، وَعَدُوِّي مَقْمُوعاً. اَللّٰهُمَّ صَلِّ

و اثر مرا در خیرات مورد پیروی دیگران قرار بده، و دشمنم را ریشه کن نما. خدایا! مورد فرست

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الْأَخْيَارِ، فِي آنَاءِ اللَّيْلِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ،

بر محمد و آل محمد، که نیکوکاران (در میان بندگان) هستند، در تمامی لحظات شب و روز؛

وَكَفِّنِي شَرَّ الْأَشْرَارِ، وَطَهِّرْنِي مِنَ الذُّنُوبِ وَالْأَوْزَارِ، وَأَجِرْنِي

و از من دور نما شرّ اشخاص شرور و بدکاران را، و مرا از گناهان و بار گران آن پاک فرما، و

مِنَ النَّارِ، وَأَحِلَّنِي دَارَ الْقَرَارِ، وَاعْفِرْ لِي وَلِجَمِيعِ إِخْوَانِي فِيكَ

از آتش جهنم بناهم ده. و در خانه بهشت وارد کن، و مرا و تمامی برادران

وَأَخَوَاتِي الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و خواهران مؤمنی که در راه تو آن‌ها را یافته‌ام به رحمت بیامرز، ای مهربان‌ترین مهربانان؛

سپس رو به قبله کن و دو رکعت نماز به جای آور؛ در رکعت اول بعد از حمد،

سورة «انبياء»، و در رکعت دوم بعد از حمد، سورة «حشر» را بخوان، و در قنوت بگو:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، لَا إِلَهَ

هیچ معبودی جز خدای بردبار و کریم نیست؛ هیچ معبودی جز خدای بلندمرتبه و بزرگ نیست، هیچ معبودی نیست

إِلَّا اللَّهُ رَبُّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ، وَالْأَرْضِينَ السَّبْعِ، وَمَا فِيهِنَّ

جز خدایی که پروردگار آسمان‌های هفت‌گانه و زمین‌های هفت‌گانه و آنچه در آن‌ها

وَمَا بَيْنَهُنَّ، خِلَافاً لِأَعْدَائِهِ، وَتَكْذِيباً لِمَنْ عَدَلَ بِهِ، وَإِقْرَاراً

و میان آن‌هاست؛ برخلاف دشمنانش، و تکذیب کسانی که از او روی برتافته‌اند، و اقرار

لِرُبُوبِيَّتِهِ، وَخُضُوعاً لِعِزَّتِهِ، الْأَوَّلُ بِغَيْرِ أَوَّلٍ، وَالْآخِرُ إِلَى غَيْرِ

به ربوبیت او، و خضوع در برابر عزت او، او اول و ابتدایی است که آغاز ندارد، و آخری است که هیچ

آخِرٍ، الظَّاهِرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ بِقُدْرَتِهِ، الْبَاطِنُ دُونَ كُلِّ شَيْءٍ

انتهايي ندارد و او، غلبه دارد بر هر چیز به سبب قدرتش، و با

بِعِلْمِهِ وَلَطْفِهِ، لَا تَقِفُ الْعُقُولُ عَلَى كُنْهِ عَظَمَتِهِ، وَلَا تُدْرِكُ

دانش و دقتش از درون هر چیز آگاه است. عقل‌ها بر کنه بزرگی و عظمت او راه ندارند و

الْأَوْهَامُ حَقِيقَةٌ مَا هِيَئِهِ، وَلَا تَتَّصِرُ الْأَنْفُسُ مَعَانِي كَيْفِيَّتِهِ، مُطَّلِعًا

اوهام حقیقت ذات او را درک نمی‌کنند، و جان‌ها کیفیت و چگونگی او را نمی‌توانند تصور کنند،

عَلَى الضَّمَائِرِ، عَارِفًا بِالسَّرَائِرِ، يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي

بر امور نهانی آگاه و بر پنهانی‌ها آشنا است؛ خیانت چشم‌ها و آن چه در سینه‌ها پنهان است را می‌داند.

الضُّدُورُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ عَلَى تَصْدِيقِي رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ

خدایا؛ تو را گواه می‌گیرم بر تصدیقم نسبت به پیامبرت - که درود خدا بر او

عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَإِيمَانِي بِهِ، وَعِلْمِي بِمَنْزِلَتِهِ، وَإِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ

و آل او باد - و ایمانم به او؛ و آگاهیم نسبت به مقام و منزلتش؛ و شهادت می‌دهم که همانا او

النَّبِيُّ الَّذِي نَطَقَتِ الْحِكْمَةُ بِفَضْلِهِ، وَبَشَّرَتِ الْأَنْبِيَاءُ بِهِ، وَدَعَتِ

پیامبری است که حکمت به فضل و دانش او گویا گشت، و پیامبران به آمدن او بشارت دادند، و دعوت

إِلَى الْأَقْرَارِ بِمَا جَاءَ بِهِ، وَحَثَّتْ عَلَى تَصْدِيقِهِ بِقَوْلِهِ تَعَالَى

به اقرار به آن چه آورده است، کردند و تشویق به تصدیقش نمودند؛ همان گونه که خداوند فرمود:

﴿الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ

«کسی است که نامش را در تورات و انجیل نوشته شده می‌یابند، او آنها را

بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَيْهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ

به کارهای نیکو امر می‌کند و از کارهای زشت باز می‌دارد و پاک‌ها را برای آنها حلال می‌کند، و

عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ

الودگی‌ها و پلیدی‌ها را برای آنها حرام می‌نماید؛ و برمی‌دارد از دوش ایشان سنگینی و بار گران و غل و زنجیری را که

عَلَيْهِمْ﴾ ۱. فَصَلُّ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِكَ إِلَى الثَّقَلَيْنِ، وَسَيِّدِ

بر گردن دارند». پس، درود فرست بر محمد رسول و فرستاده‌ات به سوی جن و انس و سید و سرور

الْأَنْبِيَاءِ الْمُصْطَفَيْنِ، وَعَلَى أَخِيهِ وَابْنِ عَمِّهِ الَّذِينَ لَمْ يُشْرِكَا

انبیای برگزیده‌ات؛ و درود فرست بر برادرش و پسرعمویش، آن دو که حتی برای

بِكَ طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا، وَعَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ،

یک لحظه و یک چشم به هم زدن برای تو شرک نوزیدند؛ و بر فاطمه زهرا، سیده و سرور زن‌های جهانیان؛

وَعَلَى سَيِّدِي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، صَلَاةً خَالِدَةً

و بر دو سرور جوانان اهل بهشت، حسن و حسین، درودی که جاودانی و

الدَّوَامِ، عَدَدَ قَطْرِ الرَّهَامِ، وَزِنَةَ الْجِبَالِ وَالْأَكَامِ مَا أَوْرَقَ

دایمی باشد؛ به تعداد قطره‌های باران، و به سنگینی کوه‌ها و تنه‌ها تا وقتی که

السَّلَامِ، وَاخْتَلَفَ الضِّيَاءُ وَالظَّلَامُ، وَعَلَى إِلِهِ الطَّاهِرِينَ، الْأَيْمَةَ

سلام برگ (و نتیجه) می‌دهد؛ و تا وقتی که نور و ظلمت (شب و روز) در رفت و آمدند؛ و سلام بر آل پاک او، امامان

الْمُهْتَدِينَ، الذَّاكِرِينَ عَنِ الدِّينِ، عَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَجَعْفَرٍ وَمُوسَى

هدایت شده - آن مدافعان دین - یعنی علی و محمد و جعفر و موسی

وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَالْحُجَّةَ الْقَوَامِ بِالْقِسْطِ وَسَلَالَةَ

و علی و محمد و علی و حسن و حجت؛ که پیادارندگان عدالت و قسطاند، و از نسل

السَّبْطِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْأِمَامِ، فَرَجاً قَرِيباً، وَصَبْرًا

سبط پیامبرند. خدایا؛ از تو می‌خواهم به حق این امام گشایش نزدیک، و صبر

جَمِيلاً، وَنَصْرًا عَزِيزًا، وَغِنَى عَنِ الْخَلْقِ، وَثَبَاتًا فِي الْهُدَى،

جمیل، و یاری باعزت، و بی‌نیازی از خلق، و پایداری در هدایت،

وَالْتَوْفِيقَ لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى، وَرِزْقًا وَاسِعًا حَلَالًا، طَيِّبًا مَرِيئًا،

و توفیق بر آنچه آن را دوست داری، و می‌پسندی؛ و رزق و روزی گسترده، حلال، پاک، و گوارا،

دَارًا سَائِغًا، فَاضِلًا مَفْضَلًا، صَبًّا صَبًّا، مِنْ غَيْرِ كَدٍّ وَلَا نَكْدٍ وَلَا

قطع‌نشدنی، خوش‌گوار، فراوان، زیاد شده، و پیوسته‌ریزان بدون زحمت و سختی، و بی‌هیچ

مِنَّةٍ مِنْ أَحَدٍ، وَعَافِيَةً مِنْ كُلِّ بَلَاءٍ وَسُقْمٍ وَمَرَضٍ، وَالشُّكْرَ عَلَى

منتی از کسی، و مصون از هر بلا و بیماری و مرضی، و شکرگزاری بر سلامت و

الْعَافِيَةَ وَالنَّعْمَاءِ، وَإِذَا جَاءَ الْمَوْتُ فَاقْبِضْنَا عَلَى أَحْسَنِ مَا

عافیت و نعمت را به من عنایت کنی. و هنگامی که مرگ فرا رسید جان ما را در بهترین حال،

يَكُونُ لَكَ طَاعَةً، عَلَى مَا أَمَرْتَنَا مُحَافِظِينَ، حَتَّى تُؤَدِّيَنَا إِلَى

از نظر اطاعت و فرمانبرداری بگیر؛ در حالی که رعایت‌کننده و اجرا‌کننده فرامین تو باشیم؛ تا این که ما را به

جَنَاتِ النَّعِيمِ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ

بهشت بر نعمت برسانی؛ به رحمت، ای مهربان‌ترین مهربانان. خدایا؛ بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَوْحِشْنِي مِنَ الدُّنْيَا، وَأِنْسِنِي بِالْآخِرَةِ،

محمد و آل محمد درود فرست، و مرا از دنیا وحشت‌زده و با آخرت مأنوس گردان؛

فَإِنَّهُ لَا يُوحِشُ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا خَوْفُكَ، وَلَا يُؤْنِسُ بِالْآخِرَةِ إِلَّا

چرا که به هراس از دنیا نمی‌اندازد مگر هراس از تو؛ و با آخرت مأنوس نمی‌سازد مگر

رَجَاؤُكَ. اللَّهُمَّ لَكَ الْحُجَّةُ لَا عَلَيْكَ، وَإِلَيْكَ الْمُشْتَكَى لَا مِنْكَ،

امید به تو. خدایا؛ حجت و برهان به نفع توست، نه بر ضرر تو؛ و شکوه‌ها به سوی توست، نه شکوه از تو باشد؛

فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَعِنِّي عَلَى نَفْسِي الظَّالِمَةِ العَاصِيَةِ،

پس، درود فرست بر محمد و آل او؛ و مرا بر نفس ستمگر و سرکشم،

وَشَهْوَتِي الغَالِبَةِ، وَاخْتِمْ لِي بِالْعَافِيَةِ. اللَّهُمَّ إِنَّ اسْتِغْفَارِي إِثَّاكَ

و بر شهوت چیره‌شونده‌ام یاری نما؛ و با عافیت‌کارم را به پایان برسان. خدایا؛ همانا طلب آمرزشم از تو، در حالی که

وَأَنَا مُصِرٌّ عَلَى مَا نَهَيْتَ قَلَّةً حَيَاءٍ، وَتَرْكِي الأِسْتِغْفَارَ مَعَ عِلْمِي

بر آن چه از من نهی فرمودی پافشاری می‌کنم، از کمی حیا و شرم من است، و ترک کردن من استغفار را، با علم من

بِسَعَةِ حِلْمِكَ تَضْيِيعٌ لِحَقِّ الرَّجَاءِ. اللَّهُمَّ إِنَّ ذُنُوبِي تُؤِيسُنِي أَنْ

به گسترش بردباری تو، از بین‌برنده حق امیدواری است. بارالها؛ همانا گناهانم مرا از امیدوار بودن به تو

أَرْجُوكَ، وَإِنَّ عِلْمِي بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ يَمْنَعُنِي أَنْ أَخْشَاكَ، فَصَلِّ

ناامید ساخته، و علم من بر زیادی رحمت مرا از هراس از تو باز می‌دارد؛ پس درود فرست

عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَصَدِّقْ رَجَائِي لَكَ، وَكَذِّبْ خَوْفِي

بر محمد و آل محمد، و امید مرا بر خودت صادق و به جا و به مورد قرار بده، و ترسم را از تو بی‌مورد و بی‌جا فرما،

مِنْكَ، وَكُنْ لِي عِنْدَ أَحْسَنِ ظَنِّي بِكَ، يَا أَكْرَمَ الأَكْرَمِينَ. اللَّهُمَّ

و برای من آن گونه که به تو خوش‌گمان هستم باش؛ ای کریم‌ترین کریم‌ها؛ خدایا؛

صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَيِّدْنِي بِالْعِصْمَةِ، وَأَنْطِقْ لِسَانِي

بر محمد و آل محمد درود فرست، و مرا با بازداشتن از گناه نایید کن، و زبانه را

بِالْحِكْمَةِ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَنْدَمُ عَلَى مَا ضَيَّعَهُ فِي أَمْسِهِ،

به حکمت گویا نما، و مرا از کسانی قرار ده که بر گذشته ضایع شده خود بشیمانند؛

وَلَا يَغْبِنُ حَظَّهُ فِي يَوْمِهِ، وَلَا يَهْمُ لِرِزْقِ غَدِهِ. اَللّٰهُمَّ اِنَّ الْغَنِيَّ

و نسبت به بهره امروزشان مغبون نگشته‌اند؛ و اهمّی به روزی فردا ندارند. بارالها؛ دارا کسی

مَنْ اسْتَعْنَى بِكَ وَافْتَقَرَ إِلَيْكَ، وَالْفَقِيرَ مَنْ اسْتَعْنَى بِخَلْقِكَ عَنْكَ،

است که به واسطه تو بی‌نیازی بجوید و خود را نیازمند تو بداند؛ و نیازمند و فقیر، کسی است که به جای تو از خلق و آفریدگانت

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَغْنِنِي عَنْ خَلْقِكَ بِكَ، وَاجْعَلْنِي

بی‌نیازی بجوید؛ پس، بر محمد و آل محمد درود بفرست، و مرا به وسیله خودت از آفریدگانت بی‌نیاز گردان، و مرا

مِمَّنْ لَا يَبْسُطُ كَفًّا إِلَّا إِلَيْكَ. اَللّٰهُمَّ اِنَّ الشَّقِيَّ مَنْ قَنَطَ وَامَامَهُ

از کسانی قرار ده که دستش را جز به سوی تو دراز نکند. بار خدایا؛ به راستی، بدبخت و بدعاقبت کسی است که ناامید باشد از درگاه تو

التَّوْبَةُ، وَوَرَاءَهُ الرَّحْمَةُ، وَإِنْ كُنْتُ ضَعِيفَ الْعَمَلِ فَإِنِّي فِي

در حالی که پیش رویش توبه و پشت سرش رحمت باشد، و گرچه من دارای ضعف و سستی در عمل به

رَحْمَتِكَ قَوِيٌّ الْأَمَلِ، فَهَبْ لِي ضَعْفَ عَمَلِي لِقُوَّةِ أَمَلِي. اَللّٰهُمَّ

دستورات هستم، لیکن نسبت به رحمت تو آرزو و امیدم قوی است؛ پس ضعف رفتارم را به خاطر قوت آرزو و امیدم بر من ببخشای. خدایا؛

إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ مَا فِي عِبَادِكَ مَنْ هُوَ أَقْسَى قَلْبًا مِنِّي، وَأَعْظَمُ

اگر در بین بندگانت سنگدل‌تر از من و گناهکارتر از من سراغ نداشته باشی؛

مِنِّي ذَنْبًا، فَإِنِّي أَعْلَمُ أَنَّهُ لَا مَوْلَىٰ أَعْظَمُ مِنْكَ طَوْلًا، وَأَوْسَعُ

من هم به خوبی می‌دانم که مولا و سروری بخشنده‌تر، و دارای

رَحْمَةً وَعَفْوًا، فَيَا مَنْ هُوَ أَوْحَدٌ فِي رَحْمَتِهِ، إِغْفِرْ لِمَنْ لَيْسَ

رحمت و عفو و بخشش فراگیرتر از تو وجود ندارد؛ پس، ای کسی که در رحمتش بی‌نظیر است، بیامرز؛ کسی را که

بِأَوْحَدٍ فِي خَطِيئَتِهِ. اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ اَمَرْتَنَا فَعَصَيْنَا، وَنَهَيْتَ فَمَا

در گناهش تنها و یگانه‌تاز نیست. بارالها؛ تو به ما دستور دادی ولی نافرمانی کردیم؛ و ما را بازداشتی ولی اجتناب

انتهینا، وَذَكَّرْتَ فَتَنَّا سَيْنَا، وَبَصَّرْتَ فَتَعَامَيْنَا، وَحَذَّرْتَ فَتَعَدَّيْنَا،

نکردیم؛ و یادآوری کردی، و ما خود را به فراموشی زدیم؛ و ما را بینا کردی، ولی ما خود را به کوری زدیم؛ و ما را برحذر داشتی، و ما

وَمَا كَانَ ذَلِكَ جَزَاءَ إِحْسَانِكَ إِلَيْنَا، وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِمَا أَعْلَنَّا وَأَخْفَيْنَا،

تجاوز کردیم؛ و به خوبی می‌دانم که این کارها پاداش احسان و نیکی تو نسبت به ما نمی‌باشد؛ و تو بهتر از ما، از کرده‌های پنهان

وَأَخْبِرُ بِمَا نَأْتِي وَمَا أَتَيْنَا، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا

و اشکارمان آگاهی؛ و آن چه را انجام خواهیم داد و در گذشته انجام داده‌ایم بهتر می‌دانی؛ پس، بر محمد و آل محمد

تَوَاخِذُنَا بِمَا أَخْطَأْنَا وَنَسِينَا، وَهَبْ لَنَا حُقُوقَكَ لَدَيْنَا، وَأَتِمِّمْ

درود بفرست و ما را مؤاخذه مکن به جهت گناهان و اشتباهات و فراموش کاری‌هایمان و هر حقی که برگردن ما داری ببخش؛ و

إِحْسَانِكَ إِلَيْنَا، وَأَسْئَلُ رَحْمَتَكَ عَلَيْنَا. اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ

احسان و نیکی‌هایت را بر ما کامل و تمام گردان؛ و رحمتت را بر ما سرازیر کن. بارالها؛ ما،

بِهَذَا الصِّدِّيقِ الْأَمَامِ، وَنَسْأَلُكَ بِالْحَقِّ الَّذِي جَعَلْتَهُ لَهُ، وَلِجَدِّهِ

به واسطه این امام صدیق و راستگوی راستین، به تو توسل می‌جوئیم و از تو درخواست می‌کنیم به خاطر حقی که مخصوص او قرار

رَسُولِكَ، وَلِأَبَوَيْهِ عَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ أَهْلِ بَيْتِ الرَّحْمَةِ، إِذْ رَارَ الرَّزْقِ

دادی و مخصوص جدش رسول خودت و مخصوص پدرش علی و مادرش فاطمه، آن اهل بیت رحمت قرار دادی؛ رزق و روزی

الَّذِي بِهِ قِوَامُ حَيَاتِنَا، وَصَلَاحُ أَحْوَالِ عِيَالِنَا، فَأَنْتَ الْكَرِيمُ

ما را که پابرجائی زندگی‌مان و اصلاح امور خانواده‌مان به آن بستگی دارد، افزون گردان؛ زیرا تو کریم و بزرگواری هستی

الَّذِي تُعْطِي مِنْ سَعَةٍ، وَتَمْنَعُ مِنْ قُدْرَةٍ، وَنَحْنُ نَسْأَلُكَ مِنْ

که با توانگری می‌بخشی، و از روی قدرت باز می‌داری؛ و ما از

الرِّزْقِ مَا يَكُونُ صَلاَحًا لِلدُّنْيَا، وَبِلاغًا لِلاٰخِرَةِ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

رزق و روزی، مقداری می‌خواهیم که موجب صلاح دنیا و وسیله سعادت آخرت ما شود. بار خدایا؛ بر

مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعْفِرْ لَنَا وَلِوَالِدَيْنَا، وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ

محمد و آل محمد درود بفرست و ما و پدر و مادر ما، و تمام زنان

وَالْمُؤْمِنَاتِ، وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ، الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ،

و مردان مؤمن و مسلمان را که زنده و یا مرده‌اند پیامرز؛

وَأَتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ.

و در دنیا و آخرت، به ما خیر و نیکی عطا فرما، و از جهنم نگاه دار.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بخش یازدهم



۶۰۲

وقتی قنوت تمام شد، رکوع و سجده نموده و می‌نشیند و تشهد و سلام نماز را انجام می‌دهد و پس از آن که تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را گفتی، دو طرف صورتت را خاک آلود نموده و چهل بار بگو:

«سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ».

خدا منزّه است، ستایش ویژه اوست، و جز او معبودی نیست، و او بزرگ است.

سپس از خدای تعالی بخواه که تو را از ارتکاب گناه باز دارد، و از عذاب خود نجات دهد و ببخشد، و توفیق انجام کارهای نیک که موجب تقرب به خدا می‌شود و باعث جلب رضایت او می‌گردد و پذیرش آنها را عطا کند. آنگاه نزد سر مطهر بایست و دو رکعت نماز مانند نمازی که پیش از این گفتیم به جای آور و پس از نماز، خود را به روی قبر مطهر بینداز و آن را ببوس و بگو:

زَادَ اللَّهُ فِي شَرَفِكُمْ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

خداوند شرافت شما را بیفزاید، و سلام و رحمت و برکات خداوند نیز به طور دائم نثار شما باد.

آن گاه برای خودت، پدرت، مادرت، و هر کسی که می‌خواهی دعا کن.^۱

علامه مجلسی رحمته الله علیه می‌فرماید: نویسنده کتاب «المزار الکبیر» می‌گوید: زیارت دیگری برای امام حسین علیه السلام در روز عاشورا هست که از ناحیه مقدسه امام زمان ارواحنا فداء به یکی از نواب خویش صادر شده: نزد قبر آن حضرت می‌ایستی و می‌گویی:

السَّلَامُ عَلَى آدَمَ صِفْوَةِ اللَّهِ مِنْ خَلْقَتِهِ، وَ زِيَارَتِ رَا مَانِنْدَ أَنْجَحَ نَقْلَ شِدَادَامَه مِي دَهْد.

بدین سان روشن می‌شود که این زیارت به راستی از حضرت مهدی ارواحنا فداء روایت شده است. البته احتمال دارد که این زیارت به روز عاشورا اختصاص نداشته باشد؛ چنان که سید مرتضی اعلی الله مقامه نیز همین اعتقاد را داشته است.^۲

آیه الله سید احمد مستنبط رحمته الله علیه نیز می‌نویسد: روایت زیارت ناحیه مقدسه دلالتی ندارد که خواندن آن، به روز عاشورا اختصاص داشته باشد.^۳

۱. بحار الأنوار: ۳۱۷/۱۰۱.

۲. بحار الأنوار: ۳۲۸/۱۰۱.

۳. الزیارة والبشارة: ۴۸۸/۲.



زیارت رجبیه

که در حرم‌های مطهر اهل بیت علیهم‌السلام در ماه رجب خوانده می‌شود

جناب ابوالقاسم حسین بن روح نوبختی رضی‌الله‌عنه (سومین نایب خاص امام عصر ارواحنا فداه) می‌فرماید: اگر کسی این زیارت را در یکی از حرم‌ها و زیارتگاه‌های اهل بیت پیامبر صلی‌الله‌عنه بخواند، حتماً با برآورده شدن حاجتش از آنجا باز خواهد گشت و دعای او در مورد دین و دنیا به اجابت خواهد رسید. اگر قصد این زیارت را داشتی، بر درگاه حرم مطهر امام علیه‌السلام بایست و بگو:

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَشْهَدُنَا مَشْهَدَ أَوْلِيَائِهِ فِي رَجَبٍ، وَأَوْجَبَ

ستایش ویژه خداوندی است که ما را در این ماه رجب به زیارتگاه و محل حضور اولیای خود حاضر گردانید، و حقوقی چند

عَلَيْنَا مِنْ حَقِّهِمْ مَا قَدْ وَجَبَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ الْمُتَجَبِّ،

که از حق ایشان بر ما لازم بود، واجب نمود؛ و درود پیوسته خداوند بر محمد برگزیده،

وَعَلَى أَوْصِيَاءِهِ الْحُجْبِ. اللَّهُمَّ فَكَمَا أَشْهَدْتَنَا مَشْهَدَهُمْ، فَأَنْجِزْ

و بر اوصیای او که پرده‌دار حریم الهی هستند، نثار باد. بار الها؛ همان‌گونه که ما را به حضور ایشان حاضر گردانیدی، پس

لَنَا مَوْعِدَهُمْ، وَأُورِدْنَا مَوْرِدَهُمْ غَيْرَ مُحَلِّينَ عَنْ وَرْدِ فِي دَارِ

وعدۀ ایشان را نیز برای ما وفا کن، و ما را به محل ورودشان برسان که پس از آن، از ورود به جایگاه

الْمُقَامَةِ وَالْخُلْدِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ إِنِّي قَصَدْتُكُمْ، وَاعْتَمَدْتُكُمْ

بهشت ابدی و جاودانی نیز محروم نشویم. سلام بر شما؛ من به قصد دیدار شما آمده‌ام؛ و در مورد

بِمَسْأَلَتِي وَحَاجَّتِي، وَهِيَ فَكَأَنَّكَ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَالْمَقَرُّ مَعَكُمْ

درخواست و نیازی که رهایی من از جهنم، و ماندگاری من

فِي دَارِ الْقَرَارِ، مَعَ شِيعَتِكُمُ الْأَبْرَارِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ بِمَا

در بهشت در نزد شما، همراه با شیعیان نیکوکار شماست، به شما اعتماد نموده‌ام. سلام بر شما به خاطر آن که

زیارت رجبیه

بخش یازدهم



صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ . أَنَا سَأَلْتُكُمْ وَأَمَلْتُكُمْ فِيمَا إِلَيْكُمْ

شکیبایی ورزیدید و صبر نمودید؛ پس چه خوب است عاقبت این خانه (در آخرت). من خواستار و آرزومند شما در مورد آنچه

التَّقْوِيضُ ، وَعَلَيْكُمْ التَّغْوِيضُ ، فَبِكُمْ يُجْبَرُ الْمَهِيضُ ، وَيُشْفَى

به شما واگذار شده هستیم؛ و آنچه عوض کردن آن به عهده شماست؛ زیرا تنها به وسیله شما شکسته جبران می‌شود، و

الْمَرِيضُ ، وَمَا تَزْدَادُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَغِيضُ ، إِنِّي بِسِرِّكُمْ مُؤْمِنٌ ،

بیمار بهبود می‌یابد، و به وسیله شما کمی و فزونی در ارحام انجام می‌پذیرد. من به طور واقعی به سر شما ایمان دارم،

وَلِقَوْلِكُمْ مُسَلِّمٌ ، وَعَلَى اللَّهِ بِكُمْ مُقْسِمٌ فِي رَجْعِي بِحَوَائِجِي ،

و تسلیم گفتارتان هستیم، و خدا را به شما سوگند می‌دهم که تنها با پاسخ مثبت به خواسته‌هایم مرا برگرداند

وَقَضَائِهَا وَإِمْضَائِهَا ، وَإِنْجَاحِهَا وَإِبْرَاحِهَا ، وَبِشُؤْنِي لَدَيْكُمْ

و آن‌ها را برآورده و امضا شده و حتمی و انجام شده نماید و همه کارهایم نزد شما را

وَصَلَاحِهَا . وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ سَلَامَ مُودِعٍ ، وَلَكُمْ حَوَائِجُهُ مُودِعٌ ،

اصلاح فرماید. و سلام بر شما، سلام کسی که دارد خداحافظی می‌کند و خواسته‌هایش را نزد شما سپرده تا برآورده شود.

يَسْأَلُ اللَّهُ إِلَيْكُمْ الْمَرْجِعَ ، وَسَعِيَّهُ إِلَيْكُمْ غَيْرُ مُنْقَطِعٍ ، وَأَنَّ

از خدا می‌خواهد که دوباره نزد شما بیاید، و رفت و آمد او به این مکان مبارک و نزد شما پیوسته باشد،

يَرْجِعُنِي مِنْ حَضْرَتِكُمْ خَيْرَ مَرْجِعٍ ، إِلَى جَنَابِ مُرْعٍ ، وَخَفِضٍ

و مرا برگرداند از حضورتان به بهترین بازگشت به سوی آستانه‌ای خرم و سرسبز

[عَيْشٍ] مُوسِعٍ ، وَدَعَا وَمَهْلٍ إِلَى حِينِ الْأَجَلِ ، وَخَيْرِ مَصِيرٍ

و با آسایش و پروسعت، با راحتی و آسانی تا هنگام مرگ، و بهترین سرانجام

وَمَحَلٍّ فِي النَّعِيمِ الْأَزَلِ ، وَالْعَيْشِ الْمُقْتَبِلِ ، وَدَوَامِ الْأَكْلِ ،

و جایگاه در بهشت همیشگی، و زندگی خوشی نو و پسندیده، و خوراک همیشگی

وَشُرْبِ الرَّحِيقِ وَالسَّلْسَلِ ، وَعَلٍّ وَنَهْلٍ ، لَا سَامَ مِنْهُ وَلَا مَلَلٍ ،

و آشامیدنی ناب و خالص و گوارای دایم و با خوردنی دوباره و سیراب‌گشتن بدون این که هیچ خستگی و ملال و دلنگی در آن‌ها باشد.

وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ وَتَحِيَّاتِهِ عَلَيْكُمْ ، حَتَّى الْعُودِ إِلَى حَضْرَتِكُمْ ،

و رحمت، برکات، و تحیت‌ها و احترامات خداوندی، تا بازگشت به حضور شما

وَالْفَوْزِ فِي كَرَّتِكُمْ، وَالْحَشْرِ فِي زُمَرَتِكُمْ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ

و کامیابی در رجعت شما و محشور شدن در زمرة شما، بر شما نثار باد. و سلام

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ، وَصَلَوَاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ، وَهُوَ حَسْبُنَا

و رحمت و برکات الهی بر شما باد، و درودها و احترامات ویژه خداوندی نثاران باد. و او برای ما بس است

وَنِعْمَ الْوَكِيلُ ۱

و چه پشتیبانی شایسته و نیکوست.



زیارت حضرت صاحب الامر ارواحنا فداه

در حرم مطهر حضرت امام رضا علیه السلام

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ

سلام بر تو ای صاحب عصر و زمان؛ سلام بر تو ای جانشین خدای

الرَّحْمَانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَرِيكَ الْقُرْآنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

رحمان؛ سلام بر تو ای شریک و همسنگ قرآن؛ سلام بر تو ای

قَاطِعَ الْبُرْهَانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْإِنْسِ وَالْجَانِّ، السَّلَامُ

دارای دلیل و برهان قاطع؛ سلام بر تو ای امام آدمیان و جنیان؛ سلام

عَلَيْكَ وَعَلَىٰ آبَائِكَ الطَّيِّبِينَ، وَأَجْدَادِكَ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ

بر تو و بر اجداد پاک و پدران پاکیزه‌ات که معصوم بودند؛

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ ۲

و رحمت و برکت‌های الهی نثاران باد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



۱. مصباح المنتهجد: ۸۲۱، مصباح الزائر: ۴۹۳، المزار الكبير: ۲۰۳، إقبال الأعمال: ۱۲۴.

۲. ضیاء الصالحین: ۲۴۳، ملحقات التحفة الطوسیة: ۱۴۰.



اذن ورود به حرم‌های ائمه علیهم‌السلام و سرداب مقدس^۱

علامه مجلسی رحمته‌الله می‌فرماید: در یک نسخه کهن که مربوط به علمای شیعه است، این عبارت‌ها را یافتیم: طلب اذن برای ورود به سرداب مقدس و نیز حرم امامان علیهم‌السلام:

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ بُقْعَةٌ طَهَّرْتَهَا، وَعُقُودٌ شَرَّفْتَهَا، وَمَعَالِمٌ زَكَّيْتَهَا،

بارالها! این مکان جایی است که آن را پاکیزه و مطهر گردانیدی، و صحن و سرانی است که شرافت‌مند کردی، و نشانه‌هایی است که

حَيْثُ أَظْهَرْتَ فِيهَا أَدِلَّةَ التَّوْحِيدِ، وَأَشْبَاحَ الْعَرْشِ الْمَجِيدِ،

خالص و ناب قرار داده‌ای؛ زیرا، دلیل‌های یگانه پرستی، و نمایشگران عرش شکوه‌مندت را در آن‌ها گذاشتی.

الَّذِينَ اصْطَفَيْتَهُمْ مُلُوكًا لِحِفْظِ النِّظامِ، وَاخْتَرْتَهُمْ رُؤَسَاءَ لِجَمِيعِ

همان‌هایی که به عنوان پادشاهان برگزیدی تا نظام هستی را نگهبان باشند، و به عنوان سرآمد و رئیس تمام

الْأَنَامِ، وَبَعَثْتَهُمْ لِقِيَامِ الْقِسْطِ فِي ابْتِدَاءِ الْوُجُودِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ،

مردم انتخاب کردی و برگزیدی، و برای برپایی عدالت از ابتدای هستی تا روز قیامت برانگیختی.

ثُمَّ مَنَنْتَ عَلَيْهِمْ بِاسْتِنَابَةِ أَنْبِيَائِكَ لِحِفْظِ شَرَائِعِكَ وَأَحْكَامِكَ،

پس از آن نیز بر آنان منت نهادی تا پیامبران را جهت حفظ و نگهداری شرایع و احکام دینت به عنوان نایبان ایشان بفرستی.

فَأَكْمَلْتَ بِاسْتِخْلَافِهِمْ رِسَالَةَ الْمُنْذِرِينَ، كَمَا أَوْجَبْتَ رِيَاسَتَهُمْ

پس با این جانشینی نیز رسالت بیم‌دهندگان را تکمیل کردی؛ چنان‌که فطرت و سرشت تمام مکلفان ریاست این بزرگواران را

فِي فِطْرِ الْمُكَلَّفِينَ. فَسُبْحَانَكَ مِنْ إِلَهٍ مَا أَرَأَيْكَ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا

بر خود واجب می‌داند. تو منزهی؛ چه خدای مهربان و رئوفی هستی؛ جز تو معبودی نیست؛

أَنْتَ مِنْ مَلِكٍ مَا أَعْدَلُكَ، حَيْثُ طَابَقَ صُنْعُكَ مَا فَطَرْتَ عَلَيْهِ

چه پادشاه عادل و دادگری هستی؛ چنان‌که ساختار آفریدگانت با آن چه

۱. چون این دعا، اذن دخول برای زیارت حرم‌های ائمه اطهار علیهم‌السلام و سرداب مقدس است در بخش «زیارت‌ها» ذکر کردیم.

الْعُقُولَ، وَوَافَقَ حُكْمَكَ مَا قَرَّرْتَهُ فِي الْمَعْقُولِ وَالْمَنْقُولِ، فَلَكَ

خردها را بر آن سرشته‌ای مطابقت دارد، و حکمت و دستورت در آنچه با عقل و نقل ادراک شود موافق است.

الْحَمْدُ عَلَى تَقْدِيرِكَ الْحَسَنِ الْجَمِيلِ، وَلَكَ الشُّكْرُ عَلَى قَضَائِكَ

حمد و ستایش ویژه توست؛ به جهت تقدیر و سرنوشت زیبا و نیکوی تو، و سپاسگزاری مخصوص توست؛ به جهت قضا و سرنوشت تو

الْمُعَلَّلِ بِأَكْمَلِ التَّغْلِيلِ، فَسُبْحَانَ مَنْ لَا يُسْئَلُ عَنْ فِعْلِهِ، وَلَا

که به کامل‌ترین علل و اسباب ثابت گردیده. منزّه است خدایی که در مورد انجام کارهایش کسی نمی‌تواند از او چیزی بپرسد و

يُنَازِعُ فِي أَمْرِهِ، وَسُبْحَانَ مَنْ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ قَبْلَ

دستورانش مورد چون و چرا قرار نمی‌گیرد. منزّه است کسی که مهربانی و رحمت را بر خویشتن پیش از

إِبْتِدَاءِ خَلْقِهِ. وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَنْ عَلَيْنَا بِحُكْمٍ يَقُومُونَ مَقَامَهُ

شروع به آفرینش مخلوقات لازم فرموده است. ستایش ویژه خدایی است که بر ما منت نهاد و حاکمانی مقرر کرد که جای او

لَوْ كَانَ حَاضِرًا فِي الْمَكَانِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الَّذِي شَرَّفْنَا بِأَوْصِيَاءَ

می‌ایستند اگر خداوند در مکان حاضر بود؛ جز خدا معبودی نیست؛ خدایی که به ما شرافت بخشید به اوصیا و جانشینانی که

يَحْفَظُونَ الشَّرَائِعَ فِي كُلِّ الْأَزْمَانِ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ الَّذِي أَظْهَرَهُمْ

دین و آیین الهی را در هر زمان نگهبانی فرمایند. خدا بزرگ‌تر از این است که توصیف گردد؛ همان که به

لَنَا بِمُعْجَزَاتٍ يَعْجُزُ عَنْهَا الثَّقَلَانِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

فرستادگان و نمایندگان معجزاتی داد که هیچ یک از جن و انس توان انجام آن معجزات را ندارند. هیچ جنبش و نیرویی جز از

الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، الَّذِي أَجْرَانَا عَلَى عَوَائِدِهِ الْجَمِيلَةِ فِي الْأُمَمِ

خداوند نیست؛ خدای بلندمرتبه و باعظمتی که لطف و مهربانی و احسان زیبایش از امت‌های

السَّالِفِينَ. اللَّهُمَّ فَلَكَ الْحَمْدُ وَالثَّنَاءُ الْعَلِيُّ كَمَا وَجَبَ لِرُوحِكَ

پیشین را برای ما نیز ادامه داده است. بارالها! تنها تو را می‌ستایم و به ثناگویی و مدح والای تو می‌پردازم؛

الْبَقَاءِ السَّرْمَدِيِّ، وَكَمَا جَعَلْتَ نَبِيَّنَا خَيْرَ النَّبِيِّينَ، وَمُلُوكَنَا أَفْضَلَ

زیرا، بقای همیشگی مخصوص ذات توست؛ و پیامبر ما را بهترین پیامبران، و پادشاهان و امامان ما را بافضیلت‌ترین

الْمَخْلُوقِينَ، وَاخْتَرْتَهُمْ عَلَى عِلْمِ عَلَى الْعَالَمِينَ، وَقَفُّنَا لِلسَّعْيِ

مخلوقات قرار دادی، و با علم و آگاهی ایشان را بر همه جهانیان برگزیدی؛ ما را موفق گردان تا برای رسیدن

إِلَىٰ آبَائِهِمُ الْعَامِرَةِ إِلَىٰ يَوْمِ الدِّينِ، وَاجْعَلْ أَرْوَاحَنَا تَحِنُّ

به درگاهشان که آباد است تا قیامت، تلاش کنیم. روح و روان ما را مشتاق و مایل

إِلَىٰ مَوَاطِيِ أَقْدَامِهِمْ، وَنُفُوسَنَا تَهْوِي النَّظَرَ إِلَىٰ مَجَالِسِهِمْ

قدمگاهشان کن. جان ما را واله و شیدای نگاه کردن به مجلسها

وَعَرَصَاتِهِمْ، حَتَّىٰ كَأَنَّنا نُخَاطِبُهُمْ فِي حُضُورِ أَشْخَاصِهِمْ،

و سخن و سرایشان گردان. به گونه‌ای که گویا حضور عینی دارند و ما با آنان گفت‌وگو می‌کنیم.

فَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنْ سَادَةِ غَائِبِينَ، وَمِنْ سُلَالَةِ طَاهِرِينَ، وَمِنْ

پس خداوند بر این آقایان و سروران پنهان از دیدگان، از نسل پاکان، و

أَيِّمَّةٍ مَعْصُومِينَ. اللَّهُمَّ فَأَذِّنْ لَنَا بِدُخُولِ هَذِهِ الْعَرَصَاتِ الَّتِي

امامان معصوم و دور از گناهان؛ درودی پیوسته نثار کند. بارالها؛ اجازه بفرما تا وارد این سخن و سراها شویم که

اسْتَعْبَدْتَ بِزِيَارَتِهَا أَهْلَ الْأَرْضِينَ وَالسَّمَاوَاتِ، وَأَرْسِلْ

از ساکنان زمینها و آسمانها خواسته‌ای با زیارتشان تو را بپرستند و عبادتت را به جای آورند؛

دُمُوعَنَا بِخُشُوعِ الْمَهَابَةِ، وَذَلِّلْ جَوَارِحَنَا بِذُلِّ الْعُبُودِيَّةِ وَفَرَضِ

اشکهای ما را با خشوعی که از هیبت سرچشمه گرفته بریزان، و اعضا و جوارح ما را به فروتنی بندگی و وجوب فرمان برداری رام گردان؛

الطَّاعَةِ، حَتَّىٰ نُقَرَّ بِمَا يَجِبُ لَهُمْ مِنَ الْأَوْصَافِ، وَنَعْتَرِفَ بِأَنَّهَمْ

تا بدین وسیله، به اوصافی که لازمه وجودی ایشان است اقرار کنیم، و اعتراف نماییم که ایشان

شُفَعَاءُ الْخَلَائِقِ إِذَا نُصِبَتْ الْمَوَازِينُ فِي يَوْمِ الْأَعْرَافِ، وَالْحَمْدُ

در روز شناخته شدن (قیامت) که میزان سنجش اعمال برقرار می‌شوند شفیعان تمام مخلوقات (لایق شفاعت) هستند. ستایش

لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ مُحَمَّدٌ وَإِلِهِ الطَّاهِرِينَ.

ویژه خداست؛ و سلام بر بندگان برگزیده خداوند، حضرت محمد و آل پاکش.

پس از این دعا؛ آستان را ببوس و در حال فروتنی و باگریه و اشک و آه وارد شو؛

زیرا فروتنی و گریه، علامت این است آن بزرگواران اجازه ورودت داده‌اند.^۱

زیارت حضرت بقیة الله ارواحنا فداء در سرداب مقدس

زیارت امام زمان ارواحنا فداء در سرداب مقدس را باید پس از زیارت امام حسن
عسکری و پدر بزرگوارش امام هادی علیه السلام انجام دهی.
پس از آن که از زیارت آن دو بزرگوار فارغ شدی و بهره کامل بردی، به سوی
سرداب مقدس حرکت کن و بر کنار درب آن بایست و بگو:

إِلٰهِي إِنِّي قَدْ وَقَفْتُ عَلَىٰ بَابِ بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ

بارالها! همانا، من بر درگاه خانه‌ای از خانه‌های پیامبرت حضرت محمد

صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَقَدْ مَنَعَتِ النَّاسَ مِنَ الدُّخُولِ إِلَىٰ بُيُوتِهِ

- صلوات و درود تو بر او و آل او - ایستاده‌ام و تو با تأکید مردم را از این که بدون اجازه وارد خانه‌هایش شوند، باز داشته‌ای

إِلَّا بِإِذْنِهِ، فَقُلْتُ: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا

و فرموده‌ای: ای ایمان‌آوردگان! جز با اجازه، وارد خانه‌های پیامبر نشوید.

أَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ. ۱. اَللّٰهُمَّ وَإِنِّي أَعْتَقِدُ حُرْمَةَ نَبِيِّكَ فِي غَيْبَتِهِ، كَمَا

خداوندا! به راستی که من به احترام پیامبرت در فقدانش عقیده دارم

أَعْتَقِدُ فِي حَضْرَتِهِ، وَأَعْلَمُ أَنَّ رَسُولَكَ وَخُلَفَاءَكَ أَحْيَاءٌ عِنْدَكَ

آنسان که در دوران حضورش اعتقاد داشتم، و به یقین می‌دانم که پیامبر و جانشینان زنده‌اند

يُرْزَقُونَ، يَرَوْنَ مَكَانِي، وَيَسْمَعُونَ كَلَامِي، وَيَرُدُّونَ سَلَامِي

و در پیشگاه تو روزی داده می‌شوند، مکان و جایگاه مرا می‌بینند و سختم را می‌شنوند و پاسخ سلامم را مرحمت می‌نمایند،

عَلَيَّ، وَأَنَّكَ حَبَبْتَ عَنِّي كَلَامَهُمْ، وَفَتَحْتَ بَابَ فَهْمِي

و این تویی که مرا از شنیدن کلام آنان باز داشته و درب فهم مرا

بخش یازدهم
 پیوسته



بَلَدِيذٍ مُنَاجَاتِهِمْ، فَإِنِّي أَسْتَأْذِنُكَ يَا رَبِّ أَوَّلًا، وَأَسْتَأْذِنُ رَسُولَكَ

به لذت مناجات با آنان گشوده‌ای. بدین سان، من ابتدا از تو، آن گاه از رسولت،

صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ ثَانِيًا، وَأَسْتَأْذِنُ خَلِيفَتَكَ الْإِمَامَ الْمَفْرُوضَ

که صلوات و درود تو بر او و آل او باد، و پس از او از جانشین تو و امام عزیزی که فرمان‌بری

عَلَيَّ طَاعَتُهُ، فِي الدُّخُولِ فِي سَاعَتِي هَذِهِ إِلَى بَيْتِهِ، وَأَسْتَأْذِنُ

از او بر من واجب است؛ کسب اجازه می‌کنم تا در این ساعت وارد خانه‌اش شوم. و از

مَلَائِكَتِكَ الْمُوَكَّلِينَ بِهَذِهِ الْقِطْعَةِ الْمُبَارَكَةِ الْمُطِيعَةِ السَّامِعَةِ.

فرشتگانی که در این بقعه بابرکت گمارده شده‌اند و فرمانبردار و شنوا هستند نیز کسب اجازه می‌کنم.

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَيُّهَا الْمَلَائِكَةُ الْمُوَكَّلُونَ بِهَذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِيفِ

سلام بر شما، ای فرشتگان گمارده‌شده در این زیارتگاه بابرکت

الْمُبَارَكِ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. بِإِذْنِ اللَّهِ، وَإِذْنِ رَسُولِهِ، وَإِذْنِ

شرافت‌مند؛ و رحمت و برکات خدا نیز بر شما باد. با اجازه خدا، رسولش،

خُلَفَائِهِ، وَإِذْنِ هَذَا الْإِمَامِ، وَإِذْنِكُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ أَجْمَعِينَ،

جانشینانش؛ و با اجازه این امام عزیز، و با اجازه شما فرشتگان - که بر همه شما درود باد -

أَدْخُلُ إِلَى هَذَا الْبَيْتِ مُتَقَرِّبًا إِلَى اللَّهِ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

وارد این خانه می‌شوم در حالی که به سوی خداوند تقرب می‌جویم، به کمک خداوند و رسول خدا محمد ﷺ و آل

الطَّاهِرِينَ، فَكُونُوا مَلَائِكَةَ اللَّهِ أَعْوَانِي، وَكُونُوا أَنْصَارِي، حَتَّى

پاک او. حالا، ای فرشتگان الهی؛ شما کمک‌رسان و یاوران من باشید تا بتوانم به درستی

أَدْخُلَ هَذَا الْبَيْتِ، وَأَدْعُو اللَّهَ بِفُنُونِ الدَّعَوَاتِ، وَأَعْتَرِفَ لِلَّهِ

وارد این بیت عظیم‌الشان گردم، و به انواع دعاها خدا را بخوانم، و اعتراف کنم

بِالْعُبُودِيَّةِ، وَلِهَذَا الْإِمَامِ وَأَبَائِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ بِالطَّاعَةِ.

به عبودیت و بندگی برای خداوند و اطاعت و فرمانبرداری برای این امام عزیز و پدران بزرگوارش که درود خدا بر ایشان باد.

آنگاه با پای راست وارد می‌شوی و به سمت سرداب مقدس پایین می‌روی، در

حالی که می‌گویی:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ، وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ
به نام خدا، با کمک خدا، در راه خدا، و بر آیین رسول خدا - که درود خدا

عَلَيْهِ وَاللَّهِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ
بر او و آل او باد - (وارد می‌شوم) و گواهی می‌دهم که جز خدای یگانه بی‌شریک، معبودی نیست

أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

و حضرت محمد ﷺ بنده و فرستاده الهی است.

پس از آن، تکبیر (اللَّهُ أَكْبَرُ)، تحمید (الْحَمْدُ لِلَّهِ)، تسبیح (سُبْحَانَ اللَّهِ) و تهلیل (لَا إِلَهَ إِلَّا
اللَّهُ) می‌گویی تا وقتی که به محل اصلی سرداب مقدس برسی. آنگاه رو به قبله بایست و بگو:

سَلَامٌ لِلَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَتَحِيَّاتُهُ وَصَلَوَاتُهُ عَلَى مَوْلَايَ صَاحِبِ
سلام خدا و برکت‌ها و احترامات ویژه و درودهای خداوند بر مولایم صاحب

الزَّمَانِ، صَاحِبِ الضِّيَاءِ وَالنُّورِ، وَالَّذِينَ الْمَأْثُورِ، وَاللُّوَاءِ
زمان؛ او که دارنده نور و روشنایی، دین راستین بجای مانده از پدرانش، رایت

الْمَشْهُورِ، وَالْكِتَابِ الْمَنْشُورِ، وَصَاحِبِ الدُّهُورِ وَالْعُصُورِ،
اشکار، کتاب منتشر شده، صاحب تمام روزگاران و عصرها؛

وَخَلْفِ الْحَسَنِ، الْأِمَامِ الْمُؤْتَمَنِ، وَالْقَائِمِ الْمُعْتَمَدِ، وَالْمَنْصُورِ
یعنی فرزند و جانشین امام حسن عسکری، امام و پیشوای مورد اطمینان، قیام‌کننده مورد اعتماد، یاری‌شونده

الْمُؤَيَّدِ، وَالْكَهْفِ وَالْعُضْدِ، عِمَادِ الْإِسْلَامِ، وَرُكْنِ الْأَنْبِيَاءِ،
مورد تأیید، پناهگاه و پشتیبان، پایه اصلی اسلام، تکیه‌گاه مردم،

وَمِفْتَاحِ الْكَلَامِ، وَوَلِيِّ الْأَحْكَامِ، وَشَمْسِ الظَّلَامِ، وَبَدْرِ التَّمَامِ،
کلید سخن، سرپرست احکام الهی، خورشید روشنی‌بخش تاریکی‌ها، ماه کامل تمام،

وَنَضْرَةِ الْأَيَّامِ، وَصَاحِبِ الصَّمْصَامِ، وَقَلَّاقِ الْهَامِ، وَالْبَحْرِ
و خرمی و طراوت روزگاران، دارای شمشیر برنده و به هدف زننده، شکافنده سرها، دریای

الْقَمَمَاتِ، وَالسَّيِّدِ الْهَمَامِ، وَحُجَّةِ الْخِصَامِ، وَبَابِ الْمَقَامِ لِيَوْمِ
برآب، سالار و سرور دلیر و بخشنده، حجت و دلیل علیه دشمنان، و درگاه آستان الهی در روز

الْقِيَامِ. وَالسَّلَامُ عَلَى مُفَرِّجِ الْكُرْبَاتِ، وَخَوَاضِ الْغَمْرَاتِ،

قیام و برپایی. و سلام بر آن کسی که گرفتاری‌ها را برطرف می‌کند، و سختی‌های مرگبار را آسان می‌کند،

وَمُنْقِسِ الْحَسَرَاتِ، وَبَقِيَّةِ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَصَاحِبِ فَرَضِهِ،

و حسرت‌ها را از بین می‌برد، و باقی‌مانده حجت‌های خدا در زمین است، و صاحب فرض و دستور اکید الهی است،

وَحُجَّتِهِ عَلَى خَلْقِهِ، وَعَيْبَةِ عِلْمِهِ، وَمَوْضِعِ صِدْقِهِ، وَالْمُنْتَهَى

و حجت خدا بر خلقش است، و جایگاه دانش الهی است، و محل استقرار راستگویی اوست،

إِلَيْهِ مَوَارِيثُ الْأَنْبِيَاءِ، وَلَدَيْهِ مَوْجُودُ آثَارِ الْأَوْصِيَاءِ، وَحُجَّةُ اللَّهِ،

و میراث پیامبران به او رسیده است، و آثار اوصیا نیز نزد اوست، و حجت خدا

وَإِبْنِ رَسُولِهِ، وَالْقِيمِ مَقَامَهُ، وَوَلِيِّ أَمْرِ اللَّهِ، وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ.

و فرزند رسول خدا و قائم مقام اوست، و ولی و سرپرست امر و فرمان الهی است؛ و رحمت و برکات خداوند بر او باد.

اللَّهُمَّ كَمَا أَنْتَجِبْتَهُ لِعِلْمِكَ، وَأَصْطَفَيْتَهُ لِحُكْمِكَ، وَخَصَصْتَهُ

بارالها؛ همان گونه که او را برای دانشت برگزیدی، و برای حکمت و دستورت انتخاب کردی، و مخصوص

بِمَعْرِفَتِكَ، وَجَلَلْتَهُ بِكَرَامَتِكَ، وَغَشَّيْتَهُ بِرَحْمَتِكَ، وَرَبَّيْتَهُ

شناخت ویژه‌ات گردانیدی، و با کرامت خود شکوه‌مندش ساختی و او را با رحمت فرا گرفتی، و با نعمت خویش

بِنِعْمَتِكَ، وَغَذَيْتَهُ بِحِكْمَتِكَ، وَاخْتَرْتَهُ لِنَفْسِكَ، وَاجْتَبَيْتَهُ لِبَأْسِكَ،

پرورش دادی، و با حکمت خود او را تغذیه نمودی، و برای خویشتن اختیار و انتخاب کردی، و برای خشم و قدرتت برگزیدی،

وَأَرْتَضَيْتَهُ لِقُدْسِكَ، وَجَعَلْتَهُ هَادِيًا لِمَنْ شِئْتَ مِنْ خَلْقِكَ، وَدَيَّانَ

و برای قدس و پاکیتی او را پسندیدی، و هدایت‌گری برای بندگان و مخلوقاتی که خواستی قرارش دادی، و او را حاکم و فرمانروای

الدِّينِ بَعْدَكَ، وَفَضَلَ الْقَضَايَا بَيْنَ عِبَادِكَ. وَوَعَدْتَهُ أَنْ تَجْمَعَ

حکومت عادلانه خویش قرار دادی، و برای پایان‌دادن به داوری‌ها بین مردم برگزیدی، و به او وعده دادی

بِهِ الْكَلِمَ، وَتَفَرَّجَ بِهِ عَنِ الْأُمَّمِ، وَتُنِيرَ بَعْدَهُ الظُّلْمَ، وَتُطْفِئَ بِهِ

وحدت کلمه به وسیله او ایجاد کنی، و امت‌های مختلف را نجات بخشی، و تاریکی‌ها را با عدالتش به روشنی بدل سازی و

نِيرَانَ الظُّلْمِ، وَتَقْمَعَ بِهِ حَرَّ الْكُفْرِ وَآثَارَهُ، وَتُطَهِّرَ بِهِ بِلَادَكَ،

آتش ظلم را با او خاموش کنی، و گرمی بازار ناسپاسی و کفر و آثار آن را از بین ببری، و سرزمین‌هایت را به کمک او پاکسازی کنی،

وَتَشْفِي بِهٖ صُدُورَ عِبَادِكَ، وَتَجْمَعُ بِهٖ الْمَمَالِكَ كُلَّهَا، قَرِيبَهَا

و سینه بندگانت را شفا بخشی، و تمام مملکتها را یکی کنی؛ نزدیک آن را

وَبَعِيدَهَا، عَزِيزَهَا وَذَلِيلَهَا، شَرْقَهَا وَغَرْبَهَا، سَهْلَهَا وَجَبَلَهَا،

و دور آن را، باعزت آن را و زبردست و ذلیل آن را، شرق آن را و غرب آن را، دشت آن را و کوه آن را،

صَبَاها وَدُبُورَهَا، شِمَالَهَا وَجَنُوبَهَا، بَرَّهَا وَبَحْرَهَا، حُزُونَهَا

چراگاههای آن را و بیابانهای آن را، شمال آن را و جنوب آن را، خشکی آن را و دریای آن را، زمینهای درشت و برآمده آن را

وَوُعُورَهَا، يَمْلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا، كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا،

و راههای سخت و دشوار آن را؛ همه را پر از عدل و داد میگرداند همان طور که پر از ظلم و جور و ستم شده باشد.

وَتُمْكِنُ لَهُ فِيهَا، وَتُنْجِزُ بِهٖ وَعْدَ الْمُؤْمِنِينَ، حَتَّى لَا يُشْرِكَ بِكَ

نیز، وعده دادی که او را استقرار بخشی و قدرتمند گردانی، وعده مؤمنان را محقق کنی، تا جایی که چیزی شریک تو گرفته نشود،

شَيْئًا، وَحَتَّى لَا يَبْقَى حَقٌّ إِلَّا ظَهَرَ، وَلَا عَدْلٌ إِلَّا زَهَرَ، وَحَتَّى

و حقی نماید جز آن که آشکار گردد، و عدلی نماید مگر آن که درخشش نماید،

لَا يَسْتَخْفِي بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ

و چیزی از حقی و حقیقت را به دلیل ترس از هیچ یک از مخلوقات مجبور به پنهان کردن نشود. بارالها! آن طور

عَلَيْهِ صَلَاةً تُظْهِرُ بِهَا حُجَّتَهُ، وَتُوضِحُ بِهَا بَهْجَتَهُ، وَتَرْفَعُ بِهَا

بر او درود بفرست که حجت و دلیلش را بدین وسیله ظاهر کنی، و تر و تازگی و شادمانیاش را آشکار گردانی، و درجهاش را بالا

دَرَجَتَهُ، وَتُوَيِّدُ بِهَا سُلْطَانَهُ، وَتُعْظِمُ بِهَا بُرْهَانَهُ، وَتُشَرِّفُ بِهَا

ببری، و سلطنتش را تأیید و تقویت گردانی، و دلیل و برهانش را ارزشمند کنی، و جایگاهش را شریف گردانی،

مَكَانَهُ، وَتُعْلِي بِهَا بِنْيَانَهُ، وَتُعِزُّ بِهَا نَصْرَهُ، وَتَرْفَعُ بِهَا قَدْرَهُ،

و اساس و بنیان او را بلندمرتبه کنی، و یاری او را عزیز و نیرومند بفرمایی، و ارزش او را بالا ببری،

وَتُسَمِّي بِهَا ذِكْرَهُ، وَتُظْهِرُ بِهَا كَلِمَتَهُ، وَتُكثِّرُ بِهَا نَصْرَتَهُ، وَتُعِزُّ

و یادش را نمودار کنی، و کلمه‌اش را آشکار گردانی، همچنین درود تو باعث افزایش یاریش، عزت‌مندی

بِهَا دَعْوَتَهُ، وَتُزِيدُهُ بِهَا اِكْرَامًا، وَتَجْعَلُهُ لِلْمُتَّقِينَ اِمَامًا، وَتُبَلِّغُهُ

دعوتش، افزایش کرامتش، و پیشوا شدن او برای پرهیزگاران شود.

فِي هَذَا الْمَكَانِ مِثْلَ هَذَا الْأَوَانِ، وَفِي كُلِّ مَكَانٍ مِنَّا تَحِيَّةٌ

در این جا و این لحظه و در هر جای دیگری از ما به او سلام و

وَسَلَامًا، لَا يَبْلَى جَدِيدُهُ، [وَلَا يَفْنَى عَدِيدُهُ]. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا

احترامات ویژه‌ای را برسانی که جدید آن کهنه نگردد و بهره آن از بین نرود. سلام بر تو ای

بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَبِلَادِهِ، وَحُجَّتَهُ عَلَى عِبَادِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

باقی‌مانده حجت‌های الهی در زمین و شهرهای آن، و حجت خدای تعالی بر بندگانش؛ سلام بر تو

يَا خَلْفَ السَّلَفِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الشَّرَفِ، السَّلَامُ

ای جانشین راستین گذشتگان، سلام بر تو ای صاحب شرافت، سلام

عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ الْمَعْبُودِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا كَلِمَةَ الْمَحْمُودِ،

بر تو ای حجت خدای شایسته پرستش، سلام بر تو ای کلمه ستوده‌شده؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَمْسَ الشُّمُوسِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَهْدِيَّ

سلام بر تو ای خورشید خورشیدها، سلام بر تو ای هدایت‌شده

الْأَرْضِ وَعَيْنَ الْفَرَضِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ

و هدایت‌کننده اهل زمین، سلام بر تو ای چشمه دین، سلام بر تو ای مولای من و ای صاحب اختیار

الزَّمَانِ وَالْعَالِي الشَّانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ الْأَوْصِيَاءِ وَابْنَ

زمان، و ای دارای مقام و شأن والا، سلام بر تو ای پایان‌بخش اوصیا و جانشینان الهی، ای فرزند

الْأَنْبِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُعَزَّ الْأَوْلِيَاءِ وَمُذِلَّ الْأَعْدَاءِ، السَّلَامُ

پیامبران؛ سلام بر تو ای عزت‌بخش دوستان و ذلیل‌کننده دشمنان؛ سلام

عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْفَرِيدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمُنْتَظَرُ

بر تو ای امام تنها، سلام بر تو ای پیشوای مورد انتظار همگان،

وَالْحَقُّ الْمُسْتَهْرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْوَلِيُّ الْمُجْتَبَى

ای حقیقت‌مشهور و معروف و آشکار در بین همگان؛ سلام بر تو ای ولی و سرپرستی که با دقت انتخاب شده است،

وَالْحَقُّ الْمُسْتَهْيُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمُرْتَجَى لِإِزَالَةِ

ای حقیقتی که همه، خواهش دیدارش را دارند، سلام بر تو ای پیشوایی که برای از بین بردن

الْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْمُبِيدُ لِأَهْلِ

ستم و تجاوز و دشمنی امیدوارش هستیم؛ سلام بر تو ای امام نابودگر

الْفُسُوقِ وَالطُّغْيَانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْإِمَامُ الْهَادِمُ لِبُنْيَانِ

فاسقان و سرکشان؛ سلام بر تو ای امام ویرانکننده اساس

الشُّرْكِ وَالنَّفَاقِ، وَالْحَاصِدُ فُرُوعَ الْغَيِّ وَالشَّقَاقِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

شرك و دورویی؛ ای دروکننده شاخه‌های گمراهی و بدبختی؛ سلام بر تو

أَيُّهَا الْمُدَّخِرُ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا طَامِسَ

ای ذخیره‌شده برای توسازی واجبات و مستحبات؛ سلام بر تو ای

أَثَارِ الزَّيْغِ وَالْأَهْوَاءِ، وَقَاطِعَ حَبَائِلِ الْكِذْبِ وَالْفِتَنِ وَالْإِفْتِرَاءِ،

از بین‌برنده نشانه‌های انحراف و هواپرستی؛ و قطع کننده رشته‌های دروغ و فتنه و تهمت؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُؤَمَّلُ لِأَحْيَاءِ الدَّوْلَةِ الشَّرِيفَةِ، السَّلَامُ

سلام بر تو ای کسی که برای احیای دولت شریف اسلامی مورد آرزو است. سلام

عَلَيْكَ يَا جَامِعَ الْكَلِمَةِ عَلَى التَّقْوَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ،

بر تو ای ایجادکننده وحدت بر اساس تقوا و پرهیزکاری؛ سلام بر تو ای باب و درگاه الهی؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحْيِيَ مَعَالِمِ الدِّينِ

سلام بر تو ای خون خدا؛ سلام بر تو ای زنده کننده نشانه‌های اصلی دین و زنده کننده

وَأَهْلِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قَاصِمَ شَوْكَةِ الْمُعْتَدِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

دین‌داران؛ سلام بر تو ای درهم شکننده شکوه ظاهری تجاوزکاران؛ سلام بر تو

يَا وَجَهَ اللَّهِ الَّذِي لَا يَهْلِكُ وَلَا يَبْلَى إِلَى يَوْمِ الدِّينِ، السَّلَامُ

ای وجه خدا که نه نابودی دارد و نه کهنه می‌شود؛ تا روز قیامت؛ سلام

عَلَيْكَ أَيُّهَا السَّبَبُ الْمُتَّصِلُ بَيْنَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

بر تو ای سبب اتصال و ارتباط بین زمین (ناسوتیان) و آسمان (عرشیان)؛ سلام بر تو

يَا صَاحِبَ الْفَتْحِ وَنَاشِرَ رَايَةِ الْهُدَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُؤَلَّفَ

ای دارنده پیروزی و برافرازنده پرچم و نشانه هدایت؛ سلام بر تو ای گردآورنده

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



شَمَلِ الصَّلَاحِ وَالرِّضَا، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا طَالِبَ ثَارِ الْأَنْبِيَاءِ

پراکندگی شایستگی و خشنودی، سلام بر تو ای کسی که خون پیامبران و

وَأَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ، وَالثَّائِرِ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

پسران‌شان را طلب می‌کنی، و به خون‌خواهی امام حسین علیه السلام که در کربلا کشته شده، به قیام برمی‌خیزی؛ سلام بر تو

أَيُّهَا الْمَنْصُورُ عَلَى مَنْ اِعْتَدَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُنْتَظَرُ

ای کسی که در مقابله با کسانی که تجاوز کرده‌اند، یاری می‌شوی؛ سلام بر تو ای کسی که مورد انتظار هستی

الْمُجَابُّ إِذَا دَعِيَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ الْخَلَائِفِ، الْبَرُّ التَّقِيُّ،

و هنگامی که دعا کنی پاسخ داده می‌شوی، سلام بر تو ای باقی‌مانده جانشینان الهی، ای نیک‌مرد پرهیزکار

الْبَاقِي لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ وَالْعُدْوَانِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ مُحَمَّدٍ

که برای از بین بردن ستم و تجاوزگری، باقی مانده‌ای؛ سلام بر تو ای فرزند محمد

الْمُصْطَفَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ

مصطفی، سلام بر تو ای فرزند علی مرتضی، سلام بر تو

يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى،

ای فرزند فاطمه زهرا، سلام بر تو ای فرزند خدیجه بزرگ‌ترین زن زمانه‌اش،

وَابْنِ السَّادَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَالْقَادَةَ الْمُتَّقِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ

و فرزند سرورانی که مقرب درگاه ربوبی‌اند، و فرزند فرمانروایان پرهیزکار؛ سلام بر تو ای فرزند

النُّجَبَاءِ الْأَكْرَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْأَصْفِيَاءِ الْمُهْدَبِينَ،

نجیبان بزرگوار، سلام بر تو ای فرزند برگزیدگان پاک،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْهُدَاةِ الْمُهْدِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَيْرَةِ

سلام بر تو ای فرزند هدایت‌گران هدایت‌شده، سلام بر تو ای فرزند خوب‌ترین

الْخَيْرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ سَادَةِ الْبَشَرِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ

خوبان، سلام بر تو ای فرزند سروران بشریت، سلام بر تو ای فرزند

الْغَطَارِفَةِ الْأَكْرَمِينَ، وَالْأَطَائِبِ الْمُطَهَّرِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ

سروران بزرگواران، و خوبان پاکیزگان، سلام بر تو ای فرزند

الْبَرَّةِ الْمُتَجَبِّينَ، وَالْخَضَارِمَةَ الْأَنْجَبِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ

نیکان انتخاب شده، و بسیار عطاکنندگان بزرگواران و بخشندگان سلام بر تو ای فرزند

الْحُجَجِ الْمُنِيرَةِ، وَالسُّرُجِ الْمُضِيئَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الشُّهْبِ

حجت‌های پرتویخش، و چراغ‌های تابان، سلام بر تو ای فرزند ستارگان

الثَّاقِبَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ قَوَاعِدِ الْعِلْمِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ

درختان، سلام بر تو ای فرزند پایه‌ها و ارکان دانش حقیقی، سلام بر تو ای فرزند

مَعَادِنِ الْحِلْمِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْكَوَاكِبِ الزَّاهِرَةِ، وَالنُّجُومِ

معدن‌های حلم و بردباری، سلام بر تو ای فرزند کوكب‌های درخشانده و ستارگان

الْبَاهِرَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الشُّمُوسِ الطَّالِعَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

زیبا و نورانی، سلام بر تو ای فرزند خورشیدهای آشکارشده تابان، سلام بر تو

يَا بَنَ الْأَقْمَارِ السَّاطِعَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ السُّبُلِ الْوَاضِحَةِ،

ای فرزند ماه‌های تابنده، سلام بر تو ای فرزند راه‌های آشکار،

وَالْأَعْلَامِ اللَّائِحَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ السُّنَنِ الْمَشْهُورَةِ،

و نشانه‌های هویدا، سلام بر تو ای فرزند سنت‌های مشهور و زبانزد،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْمَعَالِمِ الْمَأْثُورَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ

سلام بر تو ای فرزند نشانه‌های بجای مانده از گذشتگان، سلام بر تو ای فرزند

الشَّوَاهِدِ الْمَشْهُودَةِ، وَالْمُعْجَزَاتِ الْمَوْجُودَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

شاهدان گواهی‌شده، و معجزاتی که هنوز موجودند، سلام بر تو

يَا بَنَ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ، وَالنَّبَا الْعَظِيمِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ

ای فرزند راه راست، و خبر بزرگ، سلام بر تو ای فرزند

الْآيَاتِ الْبَيِّنَاتِ، وَالذَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ

نشانه‌ها و آیه‌های روشنی و دلایل‌های آشکار و هویدا، سلام بر تو ای فرزند

الْبَرَاهِينِ الْوَاضِحَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَاتِ،

برهان‌های نمایان، سلام بر تو ای فرزند حجت‌ها و دلیل‌های رسا،

ببخشید

بخش یازدهم



وَالنَّعْمِ السَّابِغَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ طَهَ وَالْمُحْكَمَاتِ، وَيَسَ

و نعمت‌های فراوان و فراگیر، سلام بر تو ای فرزند طه و آیات محکم الهی، و یاسین

وَالذَّارِيَاتِ، وَالطُّورِ وَالْعَادِيَاتِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ مَنْ دَنَى

و ذاریات، و طور و عادیات، سلام بر تو ای فرزند کسی که آن قدر نزدیک شد

فَتَدَلِّي فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى، وَاقْتَرَبَ مِنَ الْعَلِيِّ الْأَعْلَى.

که نزدیکش با خداوند هم چون دو طرف کمان یا کم‌تر از آن بود، و به خداوند بلندمرتبه و الامقام (از جهت معنوی) نزدیک شد؛

لَيْتَ شِعْرِي أَئِنِ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى، أَوْ أَنْتَ بِوَادِي طُوًى،

ای کاش می‌دانستم در کجا استقرار یافته‌ای، آیا در وادی طوا هستی؟

عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَلَا تُرَى، وَلَا يُسْمَعُ لَكَ حَسِيسٌ وَلَا

چه قدر برایم سخت و تحملش دشوار است که مردم را ببینم ولی تو - محبوبم - را نبینم؛ و حتی هیچ صدای پنهان

نَجْوَى، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ يُرَى الْخَلْقُ وَلَا تُرَى، عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ

و صحبت آرامی نیز از تو نشنوم؛ برای من سنگین است که مردم و مخلوقات دیده شوند ولی تو دیده نشوی؛ برای من سنگین است

تُحِيطَ بِكَ الْأَعْدَاءُ، بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ مُغَيَّبٍ مَا غَابَ عَنَّا،

که دشمنان تو را احاطه کرده باشند. جانم فدایت ای پنهان‌شده‌ای که در واقع از ما پنهان نیستی

بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَازِحٍ مَا نَزَحَ عَنَّا وَنَحْنُ نَقُولُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

جانم فدایت، ای دوری که در واقع از ما جدا نیستی؛ و ما می‌گوییم: ستایش به خدا، پروردگار

الْعَالَمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَإِلَيْهِ أَجْمَعِينَ.

هستی، اختصاص دارد؛ و خدا درودی پیوسته بر محمد و تمام خاندانش نثار فرماید.

آن گاه دو دست خود را به سوی آسمان بلند نموده و می‌گویی:

اللَّهُمَّ أَنْتَ كَاشِفُ الْكُرْبِ وَالْبَلْوَى، وَإِلَيْكَ نَشْكُو غَيْبَةَ إِمَامِنَا،

بار الها؛ تو برطرف‌کننده اندوه و بلا و مصیبت‌ها هستی؛ از پنهانی و غیبت امامان به تو شکایت می‌کنیم؛

وَإِبْنِ بِنْتِ نَبِيِّنَا. اللَّهُمَّ فَاْمَلًا بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا، كَمَا

همو که فرزند دختر پیغمبرمان است. بار الها؛ (از تو می‌خواهیم که) زمین را همان گونه که پر از ستم‌های آشکار و پنهان است، پر

مِلَّتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ، وَاَرِنَا

از عدل و داد کنی و این کار را به وسیله او به انجام برسانی. بار الهی! بر محمد و اهل بیت او درودی پیوسته نثار کن؛ و

سَيِّدَنَا وَصَاحِبَنَا وَاِمَامَنَا وَمَوْلَانَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، وَمَلْجَأَ اَهْلِ

آقای ما، صاحب اختیار ما، پیشوای خوب ما، مولای ما، صاحب زمان ما، پناه مردم

عَصْرِنَا، وَمَنْجَا اَهْلِ دَهْرِنَا، ظَاهِرَ الْمَقَالَةِ، وَاَضِحَ الدَّلَالَةِ، هَادِيًا

و موجودات روزگار ما، نجات‌بخش مخلوقات زمانه ما را به ما بنمایان؛ با گفتاری آشکار و دلانلی روشن، و هدایت‌گری

مِنَ الضَّلَالَةِ، مُنْقِذًا مِنَ الْجَهَالَةِ، وَاظْهَرَ مَعَالِمَهُ، وَثَبَّتَ قَوَاعِدَهُ،

از گمراهی‌ها، و نجات‌بخشی از نادانی‌ها و دستورات و نشانه‌هایش را آشکار ساز، پایه‌هایش را محکم گردان،

وَاَعَزَّ نَصْرَهُ، وَاَطْلُ عُمُرَهُ، وَاَبْسِطْ جَاهَهُ، وَاَخِي اَمْرَهُ، وَاظْهَرُ

یارش را با عزت و نیرومند گردان، دوران زندگانش را طولانی فرما، اعتبار و مقامش را گسترش بده، امر ولایتش را زنده کن،

نُورَهُ، وَقَرِّبْ بَعْدَهُ، وَاَنْجِزْ وَعْدَهُ، وَاَوْفِ عَهْدَهُ، وَزَيِّنِ الْاَرْضَ

روشنی و نورش را ظاهر کن، دوریش را نزدیک فرما، وعده‌اش را جامه عمل بپوشان و به عهد و پیمان او وفا کن، و زمین را به

بَطُولِ بَقَائِهِ، وَدَوَامِ مُلْكِهِ، وَعَلِّوْ اَرْتِقَائِهِ وَارْتِفَاعِهِ، وَاَنْزِرْ

واسطه حضور و باقی‌ماندن طولانیش و پایداری حکومت و دولتش، و بلندی و بلندمرتبه‌اش مزین فرما. مکان‌های

مَشَاهِدَهُ، وَثَبَّتْ قَوَاعِدَهُ، وَعَظَّمْ بُرْهَانَهُ، وَاَمِدْ سُلْطَانَهُ، وَاَعْلِ

حضورش را نورباران کن، پایه‌های حکومتش را محکم و پایدار فرما، دلیل و برهان او را مورد تعظیم قرار بده، سلطنتش را امتداد بده،

مَكَانَهُ، وَقَوِّ اَرْكَانَهُ، وَاَرِنَا وَجْهَهُ، وَاَوْضِحْ بَهْجَتَهُ، وَاَرْفَعْ

جایگاهش را رفیع و والا کن، ارکان حکومتش را قوی کن، روی مبارکش را به ما بنمایان، تر و تازگی و شادمانی‌اش را آشکار ساز،

دَرَجَتَهُ، وَاظْهَرِ كَلِمَتَهُ، وَاَعِزَّ دَعْوَتَهُ، وَاَعْطِهِ سُؤْلَهُ، وَبَلِّغْهُ يَا

درجه و رتبه‌اش را بالا ببر، کلمه او را آشکار کن، فراخوانی او را عزت‌مند گردان، خواسته‌هایش را به او عطا کن، ای

رَبِّ مَأْمُولَهُ، وَشَرِّفْ مَقَامَهُ، وَعَظِّمْ اِكْرَامَهُ، وَاَعِزِّ بِهِ الْمُؤْمِنِينَ،

پروردگار من! به آرزوهایش به طور کامل برسان، مقام و منزلتش را شرافتمند کن، و گرامی داشت او را عظیم گردان، مؤمنان را به وسیله او عزت‌مند

وَاَخِي بِهِ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ، وَاَذِلَّ بِهِ الْمُنَافِقِينَ، وَاَهْلِكَ بِهِ

کن، سنت‌های رسولان را به وسیله او زنده کن، منافقان را به وسیله او خوار ساز، و زورگویان را به وسیله او هلاک کن،

الْجَبَّارِينَ، وَآكْفِهِ بَغْيَ الْحَاسِدِينَ، وَأَعِذْهُ مِنْ شَرِّ الْكَائِدِينَ،

و او را از ستم حسودان کفایت کن، و او را از شر حيله‌گران پناه بده.

وَأَزْجُرْ عَنْهُ إِزَادَةَ الظَّالِمِينَ، وَأَيِّدْهُ بِجُنُودٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ

اراده و تصمیم ستمکاران را از او دور کن، با سپاهانی از فرشتگانی که

مُسَوِّمِينَ، وَسَلِّطْهُ عَلَى أَعْدَاءِ دِينِكَ أَجْمَعِينَ، وَأَقْصِمْ بِهِ كُلَّ

علامت دارند یاریش کن، و بر تمامی دشمنان دینت او را چیره و مسلط فرما. هر کسی را که

جَبَّارٍ عَنِيدٍ، وَأَخْمِدْ بِسَيْفِهِ كُلَّ نَارٍ وَقِيدٍ، وَأَنْفِذْ حُكْمَهُ فِي كُلِّ

زورگوی عنادپیشه است به واسطه آن حضرت نابود کن، هر آتش افروخته‌ای را با شمشیر او خاموش کن، دستورش را در تمام

مَكَانٍ، وَأَقِمْ بِسُلْطَانِهِ كُلَّ سُلْطَانٍ، وَأَقْمِعْ بِهِ عِبَادَةَ الْأَوْثَانِ،

جاها نافذ گردان و عملی کن؛ با پادشاهی او، هر سلطنتی را ایجاد کن، بت پرستان را به واسطه او نابود کن.

وَشَرِّفْ بِهِ أَهْلَ الْقُرْآنِ وَالْإِيمَانِ، وَأَظْهِرْهُ عَلَى كُلِّ الْأَدْيَانِ،

و اهل قرآن و ایمان را با او شریف گردان، و او را بر تمام دین‌ها چیره گردان و نمودار کن؛ و تمام

وَأَكْبِتْ مَنْ عَادَاهُ، وَأَذِلَّ مَنْ نَاوَاهُ، وَاسْتَأْصِلْ مَنْ جَحَدَ حَقَّهُ،

دشمنانش را بیچاره و رسوا کن، و هر که او را هدف بگیرد و قصد سوء کند خوار گردان، و هر کس حق او را انکار کرد مستأصل و درمانده گردان.

وَأَنْكَرَ صِدْقَهُ، وَاسْتَهَانَ بِأَمْرِهِ، وَأَرَادَ إِخْمَادَ ذِكْرِهِ، وَسَعَى فِي

و هر کس منکر صداقت او شد یا دستورش را ضعیف و کوچک به حساب آورد، و در فکر از بین بردن یادش باشد، و در جهت

إِطْفَاءِ نُورِهِ. اللَّهُمَّ نَوِّرْ نُورَهُ كُلَّ ظُلْمَةٍ، وَاكْشِفْ بِهِ كُلَّ غُمَّةٍ،

خاموشی نورش تلاش کند را وامانده و بدبخت گردان. بار الها؛ با نور و روشنی او هر تاریکی را به روشنی بدل کن، و هر غم و اندوهی را برطرف

وَقَدِّمُ أَمَامَةَ الرَّعْبِ، وَثَبَّتْ بِهِ الْقَلْبَ، وَأَقِمْ بِهِ نُصْرَةَ الْحَرْبِ،

گردان، و پیشاپیش او، رعب و وحشت را بفرست؛ دل و قلب مؤمنان را به وسیله او محکم و پایدار گردان، و پیروزی در جنگ را به او برپا دار؛

وَأَجْعَلْهُ الْقَائِمَ الْمُؤَمَّلَ، وَالْوَصِيَّ الْمَفْضَّلَ، وَالْإِمَامَ الْمُنْتَظَرَ،

و او را همان قیام‌کننده‌ای که همه آرزویش را دارند، و برترین وصی و جانشینان و به عنوان پیشوای مورد انتظار

وَالْعَدْلَ الْمُخْتَبَرَ، وَامْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا، كَمَا مِلَّتْ

و عدالت‌مند امتحان پس‌داده، قرارش بده، و به وسیله او زمین را - که پر از ستم‌های آشکار و پنهان است - پر از عدل

جَوْرًا وَظُلْمًا، وَأَعِنُّهُ عَلَىٰ مَا وَلَّيْتَهُ وَأَسْتَخْلِفْتَهُ وَأَسْتَرْعِيْتَهُ، حَتَّىٰ

و داد گردان؛ و در مورد انجام چیزهایی که سرپرستی و جانشینی و رعایتش را به او واگذار نموده‌ای یاری کن تا به انجام برساند، و

يَجْرِي حُكْمُهُ عَلَىٰ كُلِّ حُكْمٍ، وَيَهْدِي بِحَقِّهِ كُلَّ ضَلَالَةٍ، وَأَحْرُسُهُ

در نتیجه حکم و حکومت او بر هر دستوری فایق آید، و با حقیقتش هر گمراهی را هدایت فرماید.

اللَّهُمَّ بِعَيْنِكَ الَّتِي لَا تَنَامُ، وَآكُنْفُهُ بِرُكْنِكَ الَّذِي لَا يُرَامُ، وَأَعِزَّهُ

بارالها! با آن دیده همیشه بیدارت که خواب برایش مفهوم و معنا ندارد، او را حراست و نگهداری کن؛ او را در کنف رکن رکین و محکم خود که

بِعِزِّكَ الَّذِي لَا يُضَامُ، وَاجْعَلْنِي يَا إِلَهِي مِنْ عَدَدِهِ وَمَدَدِهِ،

شکسته نمی‌شود درآور؛ با عزت پایدارت که چیزی بر آن چیره نشود، عزت‌مندش کن. مرا نیز - ای خدای من! - از جمله لشکریان و در شمار

وَأَنْصَارِهِ وَأَعْوَانِهِ وَأَرْكَانِهِ وَأَشْيَاعِهِ وَأَتْبَاعِهِ، وَأَذِقْنِي طَعْمَ

یاران او، و جزو انصار و کمک‌رسانان جبهه‌اش و سرداران سپاهش و شیعیان و دنباله‌روان او قرار بده. و طعم شادی

فَرَحَتِهِ، وَالْبِسْنِي ثَوْبَ بَهْجَتِهِ، وَأَحْضِرْنِي مَعَهُ لِبَيْعَتِهِ، وَتَأْكِيدِ

و سرور او را به من بچشان، و لباس طراوت بهجتش را به من بپوشان، و مرا به حضورش برسان، تا در

عَقْدِهِ بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ عِنْدَ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، وَوَفِّقْنِي يَا رَبِّ

بین رکن و مقام و در کنار خانه محترمت نزد او باشم و با او بیعت کنم و پیمانی را که با او بستم بر آن تأکید و رزم. بار پروردگارا؛

لِلْقِيَامِ بِطَاعَتِهِ، وَالْمَثْوَىٰ فِي خِدْمَتِهِ، وَالْمَكْتُ فِي دَوْلَتِهِ،

مرا توفیق بده برای انجام فرمان او، و منزل گرفتن در خدمت او، و درنگ کردن و ماندن در دولت او،

وَاجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ، فَإِنْ تَوَفَّقْتَنِي اللَّهُمَّ قَبْلَ ذَلِكَ، فَاجْعَلْنِي يَا

و دوری گزیدن از نافرمانی او. خدایا؛ اگر پیش از تشکیل حکومت او مرا میراندی، از کسانی قرار ده - ای

رَبِّ فِي مَنْ يَكْرُ فِي رَجْعَتِهِ، وَيَمْلِكُ فِي دَوْلَتِهِ، وَيَتِمَكَّنُ فِي

پروردگار من؛ - که در زمان بازگشت او باز می‌گردند، و در دولت او فرمانروا می‌شوند، و در ایام حکومت او قدرتمند می‌شوند،

أَيَّامِهِ، وَيَسْتَظِلُّ تَحْتَ أَعْلَامِهِ، وَيُحْشَرُ فِي زُمْرَتِهِ، وَتَقَرُّ عَيْنُهُ

و در زیر پرچم‌های او درمی‌آیند، و در زمره او محشور می‌شوند، و چشم‌شان

بِرُؤْيَتِهِ، بِفَضْلِكَ وَإِحْسَانِكَ، وَكَرَمِكَ وَامْتِنَانِكَ، إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ

به دیدارش روشن می‌شود. این همه را با فضل و احسان و کرامت و منت‌بخشی خودت انجام بده. راستی، تو دارای فضل

الْعَظِيمِ، وَالْمَنْ الْقَدِيمِ، وَالْإِحْسَانِ الْكَرِيمِ.

باعظمت، متنت دیرینه، و نیکویی و احسان بزرگوارانه هستی.

سپس دوازده رکعت نماز (شش نماز دو رکعتی)، در همان جایی که هستی بجا می‌آوری، و در آن هر سوره‌ای که خواسته باشی قرائت نموده و ثوابش را به آن حضرت ارواحنا فداء هدیه می‌کنی. و پس از سلام هر دو رکعت نماز، تسبیح حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را انجام داده، سپس می‌گویی:

اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ، وَإِلَيْكَ يَعُودُ السَّلَامُ، حَيْثَا

بارالها! تو، سلام هستی، و سلام و سلامتی، تنها از توست، و سلام به سوی تو برمی‌گردد؛ پروردگار ما؛ سلامی از خودت،

رَبَّنَا مِنْكَ بِالسَّلَامِ. اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ الرَّكَعَاتِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَيْكَ

به ما هدیه کن. بارالها! این چند رکعت نماز، هدیه‌ای از جانب من به ولی و دوست تو

وَأَبْنِ وَلِيِّكَ وَأَبْنِ أَوْلِيَاءِكَ، الْإِمَامِ بْنِ الْأَيْمَةِ، الْخَلْفِ الصَّالِحِ،

و فرزند ولایت و فرزند اولیای راستین است؛ همان پیشوایی که فرزند پیشوایان دین است، جانشین شایسته،

الْحُجَّةِ صَاحِبِ الزَّمَانِ، فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَلِّغْهُ

حضرت حجت و صاحب زمانه می‌باشد. پس، بر محمد و آل محمد درود بفرست؛ و این نمازها را

إِيَّاهَا، وَأَعْطِنِي أَفْضَلَ أَمَلِي وَرَجَائِي فِيكَ وَفِي رَسُولِكَ،

به آن حضرت برسان؛ و به من نیز برترین آرزو و امیدم به تو و رسالت و امام زمان؛ را عطا کن؛

صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَى آلِهِ أَجْمَعِينَ وَفِيهِ ^۱.

درودهای بی‌کران تو بر حضرت رسول و تمام آل او نثار باد.

سید بزرگوار جناب سید بن طاووس رحمه الله می‌فرماید: پس از نماز، دعای مشهوری

را که در زمان غیبت حضرت قائم ارواحنا فداء خوانده می‌شود، بخوان ^۲.

۱. مصباح الزائر: ۴۱۸.

۲. این دعا را در ص ۲۵۴ این کتاب نقل نمودیم.



زیارت دوّم حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداء

این زیارت، به زیارت ندبه معروف است که از ناحیه مقدّسه صادر شده و به دست مبارک ابو جعفر محمّد بن عبدالله حمیری رضی الله عنه رسیده است.^۱ و امر فرموده‌اند که این زیارت در سرداب مقدّس خوانده شود.^۲



زیارت سوّم حضرت صاحب الزمان ارواحنا فداء

زیارت دیگری که مولای ما حضرت بقیّة الله ارواحنا فداء در این مکان مقدّس با آن زیارت می‌شود؛ چنین است: دو رکعت نماز خوانده و پس از آن می‌گویی: **سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلُ الشَّامُ... ۳، ۴**



زیارت چهارم در سرداب مقدّس

سید بن طاووس رضی الله عنه می‌فرماید: پیش‌تر، کیفیت اذن ورود را در ابتدای زیارت آن حضرت ارواحنا فداء بیان کردیم؛ بدین سان، نیازی نیست که همراه با هر یک از زیارت‌های حضرتش دوباره تکرار شود.

۱. این زیارت در ص ۵۶۶ این کتاب آمده است.

۲. مصباح الزائر: ۴۳۰.

۳. این زیارت نیز در ص ۱۲۷ کتاب آمده است.

۴. مصباح الزائر: ۴۳۵.

پس از اذن ورود هنگامی که به سرداب مقدس وارد شدی بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَخَلِيفَةَ رَسُولِهِ وَإِبَائِهِ

سلام بر تو ای جانشین خداوند در روی زمینش؛ ای جانشین رسول خدا، و پدرانش

الْأَيِّمَّةِ الْمَعْصُومِينَ الْمَهْدِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَافِظَ أَسْرَارِ

امامان معصوم و هدایت‌شده؛ سلام بر تو ای حفظ‌کننده اسرار و رازهای

رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِلْمِ الْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ

پروردگار جهانیان؛ سلام بر تو ای ارث برنده دانش رسولان الهی؛ سلام

عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ مِنَ الصَّفْوَةِ الْمُتَجَبِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ

بر تو ای باقی‌مانده حجت‌های انتخاب‌شده و برگزیده الهی؛ سلام بر تو ای فرزند

الْأَنْوَارِ الزَّاهِرَةِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْأَشْبَاحِ الْبَاهِرَةِ، السَّلَامُ

نورهای تابان؛ سلام بر تو ای فرزند اشباح زیبارویان، سلام

عَلَيْكَ يَا بَنَ الصُّورِ النَّيِّرَةِ الطَّاهِرَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ كَنْزِ

بر تو ای فرزند چهره‌های نورانی پاک، سلام بر تو ای ارث‌برنده گنج‌های

الْعُلُومِ الْإِلَهِيَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَافِظَ مَكْنُونِ الْأَسْرَارِ الرَّبَّانِيَّةِ،

دانش خداوندی؛ سلام بر تو ای نگهبان رازهای پنهان ربانی،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ خَضَعَتْ لَهُ الْأَنْوَارُ الْمَجْدِيَّةُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر تو ای کسی که روشنی‌های شکوهمند در برابر او ابراز فروتنی کرده‌اند. سلام بر تو

يَا بَابَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُوتَى إِلَّا مِنْهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَبِيلَ اللَّهِ

ای درب ورودی به درگاه الهی که جز آن راهی برای رفتن نزد خدا نیست؛ سلام بر تو ای راه الهی

الَّذِي مَنْ سَلَكَ غَيْرَهُ هَلَكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حِجَابَ اللَّهِ الْأَزَلِيِّ

که هر که جز آن را ببیند نابود و هلاک می‌شود؛ سلام بر تو ای حجاب دیرینه و پایدار الهی؛

الْقَدِيمِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ شَجَرَةِ طُوبَى وَسِدْرَةِ الْمُنْتَهَى،

سلام بر تو ای فرزند درخت طویا و سدره المنتهی (برترین و بالاترین مکان در بهشت)؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نُورَ اللَّهِ الَّذِي لَا يُطْفَأُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ

سلام بر تو ای نور خدا که هرگز خاموش نمی‌شود؛ سلام بر تو ای حجت

اللَّهِ الَّتِي لَا تُخْفَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا لِسَانَ اللَّهِ الْمُعَبَّرُ عَنْهُ، السَّلَامُ

خدا که پنهان نمی‌شود؛ سلام بر تو ای زبان گویای الهی که مقصود او را بیان می‌کند؛ سلام

عَلَيْكَ يَا وَجْهَ اللَّهِ الْمُتَقَلَّبُ بَيْنَ أَظْهُرِ عِبَادِهِ، سَلَامَ مَنْ عَرَفَكَ بِمَا

بر تو ای روی الهی که در بین پشت‌های بندگانش جایجا شده؛ سلام کسی که تو را شناخته است، آن چنان که تو خواستی شناخته

تَعَرَّفْتَ بِهِ إِلَيْهِ، وَنَعَتِكَ بِبَعْضِ نِعْوَتِكَ الَّتِي أَنْتَ أَهْلُهَا وَفَوْقُهَا.

شوی و خودت را برای او معرفی فرمودی. سلام کسی که برخی از صفات و ویژگی‌هایی را که تو شایسته آن بلکه بالاتر از آن هستی توصیف نموده

أَشْهَدُ أَنَّكَ الْحُجَّةُ عَلَى مَنْ مَضَى وَمَنْ بَقِيَ، وَأَنَّ حِزْبَكَ هُمُ

است. گواهی می‌دهم که تو حجت بر گذشتگان و باقی‌ماندگان هستی؛ حزب و گروه تو

الْغَالِبُونَ، وَأَوْلِيَاءَكَ هُمُ الْفَائِزُونَ، وَأَعْدَاءُكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ،

چیره‌شونده و پیروزند؛ دوستان تو کامیابند، دشمنان تو زیان‌کارند؛

وَأَنَّكَ حَازِرٌ كُلِّ عِلْمٍ، وَفَاتِقٌ كُلِّ رَتْقٍ، وَسَابِقٌ لَا يُلْحَقُ، رَضِيْتُ

تو دارای تمام دانش‌ها؛ و گشاینده و شکافنده هر بسته‌ای هستی؛ آن چنان پیشی‌گیرنده‌ای که کسی به او نمی‌رسد؛

بِكَ يَا مَوْلَايَ إِمَامًا وَهَادِيًا، لَا أَبْتَغِي بَدَلًا، وَلَا أَتَّخِذُ مِنْ دُونِكَ

تو را - ای مولای من - به عنوان پیشوا و هدایتگرم پسندیدم، و کسی را جایگزین تو نمی‌کنم، و جز تو سرپرستی بر نمی‌گزینم؛

وَلِيًّا، وَأَنَّكَ الْحَقُّ الثَّابِتُ، الَّذِي لَا أَعْتَابُ وَلَا أُرْتَابُ لِأَمَدِ

و می‌دانم که تو حقیقت پایدار و ثابت هستی؛ به گونه‌ای که طول‌کشیدن دوران غیبت و پنهان‌بودن تو باعث بدگویی و شک و تردید من

الْغَيْبَةِ، وَلَا أَتَحِيرُ لِطُولِ الْمُدَّةِ. وَعَدُّ اللَّهِ بِكَ حَقٌّ، وَنُصْرَتُهُ

نشود و به درازا کشیدن مدت پنهان‌بودن تو باعث تحیر و سرگردانی من نشود. وعده‌ای که خدا در موردت داده است حقیقت

لِدِينِهِ بِكَ صِدْقٌ، طُوبَى لِمَنْ سَعِدَ بِوِلَايَتِكَ، وَوَيْلٌ لِمَنْ شَقِيَ

دارد، و این که گفته است به وسیله تو دینش را یاری می‌کند راست است؛ خوشا به حال کسی که با ولایت تو سعادت‌تمند گشته، و وای بر

بِجُحُودِكَ، وَأَنْتَ الشَّافِعُ الْمُطَاعُ الَّذِي لَا يُدْفَعُ، ذَخَرَكَ اللَّهُ

کسی که با انکار تو بدبخت شود. تو همان شفاعت‌کننده اطاعت‌شونده‌ای هستی که شفاعتش رد نمی‌شود، خدای

سُبْحَانَهُ لِنُصْرَةِ الدِّينِ، وَإِعْزَازِ الْمُؤْمِنِينَ، وَالْإِنْتِقَامِ مِنَ

سبحان تو را برای یاری دین، عزت بخشیدن به اهل ایمان، و انتقام گرفتن از

الْجَاهِدِينَ. الْأَعْمَالُ مَوْقُوفَةٌ عَلَى وِلَايَتِكَ، وَالْأَقْوَالُ مُعْتَبَرَةٌ

منکرین ذخیره کرده است. پذیرش اعمال مردم توسط خداوند، متوقف بر ولایت تو است، و هر گفتاری تنها به واسطه پذیرش

بِإِمَامَتِكَ، مَنْ جَاءَ بِوِلَايَتِكَ وَاعْتَرَفَ بِإِمَامَتِكَ قُبِلَتْ أَعْمَالُهُ،

امامت و پیشوایی تو اعتبار دارد؛ هر کس ولایت تو را داشته باشد و به پیشوایی و امامت تو اعتراف کند اعمالش پذیرفته

وَصُدِّقَتْ أَقْوَالُهُ، تَضَاعَفَ لَهُ الْحَسَنَاتُ، وَتُمَحَى عَنْهُ السَّيِّئَاتُ،

و گفتارش تصدیق، و نیکی‌هایش چند برابر، و گناهانش محو و نابود می‌گردد.

وَمَنْ زَلَّ عَنِ مَعْرِفَتِكَ، وَاسْتَبَدَلَ بِكَ غَيْرَكَ، أَكْبَهُ اللهُ عَلَى

و هر کس نسبت به شناخت تو لغزش پیدا کند و منحرف گردد، و کسی دیگر را جایگزین تو گرداند خداوند او را

مِنْخَرِيهِ فِي النَّارِ، وَلَمْ يَقْبَلْ لَهُ عَمَلًا، وَلَمْ يَقُمْ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ

به رو در آتش افکند، و به هیچ وجه عملی از او را نپذیرد، و روز قیامت برای او

وَزْنًا. أَشْهَدُ يَا مُوَلَايَ أَنَّ مَقَالِي ظَاهِرَةٌ كَبَاطِنِهِ، وَسِرُّهُ كَعَلَانِيَتِهِ،

وزن و قیمتی قرار ندهد. مولای من! گواهی می‌دهم که ظاهر گفتارم همانند باطن و درونش است، و پنهانیش همانند آشکاری آن می‌باشد؛

وَأَنْتَ الشَّاهِدُ عَلَيَّ بِذَلِكَ، وَهُوَ عَهْدِي إِلَيْكَ، وَمِيثَاقِي الْمَعْهُودُ

و تو خودت به خوبی از این جریان آگاه و گواه هستی. و آن عهد من با تو و پیمان بسته شده من

لَدَيْكَ، إِذْ أَنْتَ نِظَامُ الدِّينِ، وَعِزُّ الْمُؤَحِّدِينَ، وَيَعْسُوبُ الْمُتَّقِينَ،

نزد تو است؛ زیرا، تو باعث سامان بخشیدن به آیین الهی هستی، و عزت بخش موحدان، و امیر و فرمان‌روای پرهیزکاران هستی،

وَبِذَلِكَ أَمَرَنِي فَيْكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ. فَلَوْ تَطَاوَلَتِ الدُّهُورُ، وَتَمَادَتِ

و پروردگار جهانیان در مورد تو این گونه به من فرمان داده است. پس اگر روزگاران به طول انجامد، و

الْأَعْصَارُ، لَمْ أَزِدْ بِكَ إِلَّا يَقِينًا، وَلَكَ إِلَّا حُبًّا، وَعَلَيْكَ إِلَّا

زمان‌ها به درازا کشیده شود؛ جز بر یقین من در موردت افزوده نخواهد شد، و تنها باعث فرونی محبت و دوستی من به تو

اعْتِمَادًا، وَلِظُهُورِكَ إِلَّا مُرَابَطَةٌ بِنَفْسِي وَمَالِي وَجَمِيعَ مَا أَنْعَمَ

و اعتماد بر تو می‌گردد و آمادگی بیشتر برای ظهورت به واسطه مرزداری و جلوگیری از نفوذ دشمن و دفاع و دفع دشمنانت با جان و مال و همه

بِهِ عَلَيَّ رَبِّي . فَإِنْ أَدْرَكْتُ أَيَّامَكَ الزَّاهِرَةَ ، وَأَعْلَامَكَ الْقَاهِرَةَ ،

نعمت‌های پروردگارم خواهد گردید. اگر روزگار درخشان ظهورت و نشانه‌های پیروزی را دریابم؛

فَعَبْدٌ مِنْ عِبِيدِكَ ، مُعْتَرِفٌ بِأَمْرِكَ وَنَهْيِكَ ، أَرْجُو بِطَاعَتِكَ

من نیز یکی از کوچک‌ترین خاکساران درگاهت خواهم بود، و امر و نهی تو را می‌پذیرم؛ با فرمان‌برداری تو،

الشَّهَادَةَ بَيْنَ يَدَيْكَ ، وَبِوِلَايَتِكَ السَّعَادَةَ فِي مَا لَدَيْكَ . وَإِنْ

شهادت پیشاپیش تو را امیدوار هستم، و می‌خواهم با پذیرش ولایت تو، به دست تو سعادت‌مند شوم. و اگر

أَدْرَكَنِي الْمَوْتُ قَبْلَ ظُهُورِكَ ، فَأَتَوَسَّلُ بِكَ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ أَنْ

پیش از ظهورت مرگ به سراغ من آید، به واسطه تو به خدای سبحان توسل می‌جویم تا

يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ ، وَأَنْ يَجْعَلَ لِي كَرَّةً فِي ظُهُورِكَ ،

بر محمد و آل محمد درود فرستد، و مرا در زمان ظهورت بازگرداند،

وَرَجْعَةً فِي أَيَّامِكَ ، لِأَبْلُغَ مِنْ طَاعَتِكَ مُرَادِي ، وَأَشْفِي مِنْ

و در زمان دولت و حکومت رجعت کنم، تا آن چنان که دلم می‌خواهد از دستورات فرمان‌بری کنم، و

أَعْدَائِكَ فُوَادِي . يَا مَوْلَايَ وَقَفْتُ فِي زِيَارَتِي إِيَّاكَ مَوْقِفَ

قلیم را با انتقام‌گیری از دشمنانت شفا بخشم. مولای من؛ در حال زیارت تو، در جایگاه

الْخَاطِئِينَ الْمُسْتَغْفِرِينَ النَّادِمِينَ ، أَقُولُ عَمِلْتُ سُوءًا ، وَظَلَمْتُ

خطاکاران آمرزش‌طلبان و پشیمانان قرار گرفتم؛ و به صراحت می‌گویم که بدرفتاری کرده‌ام،

نَفْسِي ، وَعَلَى شَفَاعَتِكَ يَا مَوْلَايَ مُتَّكِلِي وَمُعَوَّلِي ، وَأَنْتَ رُكْنِي

و بر خود ستم نموده‌ام، و توکل و تکیه‌ام - ای مولای من؛ - تنها بر شفاعت توست؛ چرا که رکن و تکیه‌گاه

وَتِقَّتِي ، وَوَسِيلَتِي إِلَى رَبِّي ، وَحَسْبِي بِكَ وَوَلِيًّا وَمَوْلِي وَشَفِيعًا ،

و مورد اطمینان من و واسطه من نزد خدا تو هستی؛ و تو برای سرپرستی و سروری و شفاعت من نزد پروردگار کافی و بس هستی.

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانِي لَوْلَايَتِكَ وَمَا كُنْتُ لِأَهْتَدِي لَوْلَا أَنْ

ستایش ویژه‌ی خدایی است که مرا هدایت کرد تا ولایت تو را از جان و دل پذیرا باشم، و به هیچ وجه راه را نمی‌یافتم اگر

هَدَانِي اللَّهُ ، حَمْدًا يَقْتَضِي ثَبَاتَ النُّعْمَةِ ، وَشُكْرًا يُوجِبُ الْمَزِيدَ

خدا مرا هدایت نمی‌کرد. ستایش می‌کنم ستایشی که باعث پایداری نعمت شود؛ و سپاسی که

مِنْ فَضْلِهِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَعَلَىٰ آبَائِكَ مَوَالِيٍّ

موجب افزایش فضل و احسان او گردد. سلام بر تو ای مولای عزیزم؛ و سلام بر پدرانت که سرپرستان

الْأئِمَّةِ الْمُهْتَدِينَ وَرَحْمَةً اللَّهُ وَبَرَكَاتُهُ، وَعَلَيَّ مِنْكُمْ السَّلَامُ.

و پیشوایانی هدایت‌گر بودند؛ رحمت و برکات الهی و سلام و درود من بر شما نثار باد.

سپس، نماز زیارت را که در زیارت اول بیان شد به جای آور و پس از آن بگو:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْهَادِينَ الْمُهْتَدِينَ، الْعُلَمَاءِ

بار الها؛ بر محمد و اهل بیت پاک، هدایت‌گر، و هدایت‌یافته‌اش درود فرست؛ همان‌هایی که دانشمندانی

الصَّادِقِينَ، الْأَوْصِيَاءِ الْمَرْضِيِّينَ، دَعَائِمِ دِينِكَ، وَأَرْكَانِ

راستگو، و جانشینانی پسندیده بودند. پایه‌های دینت، ارکان و اساس

تَوْحِيدِكَ، وَتَرَاجِمَةِ وَحْيِكَ، وَحُجَجِكَ عَلَىٰ خَلْقِكَ، وَخُلَفَائِكَ

یگانه‌پرستی تو، و بیان‌کنندگان وحیت، حجت‌های تو بر آفریدگانت، و جانشینانت

فِي أَرْضِكَ، فَهُمْ الَّذِينَ اخْتَرْتَهُمْ لِنَفْسِكَ، وَأَصْطَفَيْتَهُمْ عَلَىٰ

در زمین هستند. ایشان کسانی هستند که برای خود اختیار کرده‌ای، و بر بندگان خویش برگزیده‌ای،

عِبَادِكَ، وَأَرْتَضَيْتَهُمْ لِدِينِكَ، وَخَصَّصْتَهُمْ بِمَعْرِفَتِكَ، وَجَلَّلْتَهُمْ

و برای دین خود پسندیده‌ای، و شناخت کاملت را به ایشان اختصاص دادی، و

بِكِرَامَتِكَ، وَغَدَّيْتَهُمْ بِحِكْمَتِكَ، وَغَشَّيْتَهُمْ بِرَحْمَتِكَ، وَزَيَّنْتَهُمْ

با کرامت و بزرگواریت شکوه‌مندشان ساختی، و با حکمت خویش تغذیه‌شان کردی، و غرق رحمت خویش ساختی، و

بِنِعْمَتِكَ، وَأَلْبَسْتَهُمْ مِنْ نُورِكَ، وَرَفَعْتَهُمْ فِي مَلَكُوتِكَ، وَحَفَفْتَهُمْ

با نعمت خود آراستی، و روشنی و نورت را برایشان پوشانیدی، و در ملکوت والای خود بالا بردی، و

بِمَلَائِكَتِكَ، وَشَرَّفْتَهُمْ بِنَبِيِّكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِمْ

فرشتگانت را گرداگردشان قرار دادی، و به پیامبرت ایشان را شرافت بخشیدی. بار الها؛ بر محمد ﷺ و بر ایشان درود بفرست

صَلَاةً زَاكِيَةً نَامِيَةً كَثِيرَةً، طَيِّبَةً دَائِمَةً لَا يُحِيطُ بِهَا إِلَّا أَنْتَ،

درودی خالص، افزون‌شونده، و بسیار، پاکیزه و دائمی، که جز تو هیچ کس را یارای احاطه بر آن نباشد،

وَلَا يَسَعُهَا إِلَّا عِلْمُكَ، وَلَا يُحْصِيهَا أَحَدٌ غَيْرُكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى

و جز دانشت آن را دربرنگیرد، و جز تو هیچ کس تعدادش را به شماره درنیاورد. بار الها؛ بر

وَلِيِّكَ الْمُحْيِي السَّبِيلِ، الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ، الدَّاعِي إِلَيْكَ، الدَّلِيلِ عَلَيْكَ،

ولیت درود فرست که راه تو را زنده می‌کند، به دستور قیام می‌کند، به سوی تو فرا می‌خواند، دلیل بر توست،

وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ، وَخَلِيفَتِكَ فِي أَرْضِكَ، وَشَاهِدِكَ عَلَى

حجت تو بر بندگان، جانشینت در زمینت، و گواه تو بر

عِبَادِكَ. اللَّهُمَّ أَعِزِّ نَصْرَهُ، وَأَمْدُدْ فِي عُمُرِهِ، وَزَيِّنِ الْأَرْضَ بِطُولِ

بندگانت می‌باشد. بارالها؛ یاری او را تقویت کن، عمرش را دراز کن، و با زندگانی طولانی

بِقَائِهِ. اللَّهُمَّ اكْفِهِ بَغْيَ الْخَاسِدِينَ، وَأَعِذْهُ مِنْ شَرِّ الْكَائِدِينَ،

زمین را زینت بده. بار الها؛ از شر و ستم حسودان او را کفایت کن، و از شر حيله‌گران او را پناه بده،

وَأَزْجُرْ عَنْهُ إِزَادَةَ الظَّالِمِينَ، وَخَلِّصْهُ مِنْ أَيْدِي الْجَبَّارِينَ.

تصمیم و سوء قصد ستمکاران را از او دور کن، و از دست زورگویان او را رهایی بخش.

اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَذُرِّيَّتِهِ، وَشَيْعَتِهِ وَرَعِيَّتِهِ، وَخَاصَّتِهِ

بارالها؛ به او عطا فرما؛ در مورد خودش، ذریه‌اش، شیعیان و پیروانش، رعیتش، نزدیکان و اطرافیانش،

وَعَامَّتِهِ وَجَمِيعِ أَهْلِ الدُّنْيَا، مَا تُقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ، وَتَسْرُّ بِهِ نَفْسُهُ،

افراد معمولی در خدمتش، و تمام اهل دنیا. آنچه که چشمش را به آن روشن نمایی و روانش را به آن شاد گردانی؛

وَبَلِّغْهُ أَفْضَلَ أَمَلِهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

و او را به برترین آرزوهایش در دنیا و آخرت برسان؛ راستی، تو بر هر چیز توانایی.

سپس برای هر چه دوست داری دعا کن.^۱

حجّت تو بر بندگان، جانشینت در زمینت، و گواه تو بر
بندگانت می‌باشد. بارالها؛ یاری او را تقویت کن، عمرش را دراز کن، و با زندگانی طولانی
بِقَائِهِ. اللَّهُمَّ اكْفِهِ بَغْيَ الْخَاسِدِينَ، وَأَعِذْهُ مِنْ شَرِّ الْكَائِدِينَ،
وَأَزْجُرْ عَنْهُ إِزَادَةَ الظَّالِمِينَ، وَخَلِّصْهُ مِنْ أَيْدِي الْجَبَّارِينَ.
اللَّهُمَّ أَعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَذُرِّيَّتِهِ، وَشَيْعَتِهِ وَرَعِيَّتِهِ، وَخَاصَّتِهِ
وَعَامَّتِهِ وَجَمِيعِ أَهْلِ الدُّنْيَا، مَا تُقَرُّ بِهِ عَيْنُهُ، وَتَسْرُّ بِهِ نَفْسُهُ،
وَبَلِّغْهُ أَفْضَلَ أَمَلِهِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.



۱. مصباح الزائر: ۴۳۷، و در المزار شهید: ۲۲۶ با تفاوت زیاد.

زیارت پنجم حضرت بقیة الله عجل الله تعالى فرجه

در کتاب «مصباح الزائر» زیارت دیگری نیز نقل شده است:

السَّلَامُ عَلَى الْحَقِّ الْجَدِيدِ، وَالْعَامِلِ الَّذِي لَا يَبِيدُ، السَّلَامُ عَلَى

سلام بر حقیقت تازه، و عمل کننده‌ای که هرگز قدیمی نمی‌شود، سلام بر

مُحْيِي الْمُؤْمِنِينَ، وَمُبِيرِ الْكَافِرِينَ، السَّلَامُ عَلَى مَهْدِيِّ الْأُمَمِ،

زنده کننده مؤمنان، و هلاک کننده کافران؛ سلام بر هدایت‌گر امت‌ها،

وَجَامِعِ الْكَلِمِ، السَّلَامُ عَلَى خَلْفِ السَّلَفِ، وَصَاحِبِ الشَّرَفِ،

و گردآورنده کلمات، سلام بر جانشین گذشتگان، و صاحب شرافت الهی؛

السَّلَامُ عَلَى حُجَّةِ الْمَعْبُودِ، وَكَلِمَةِ الْمَحْمُودِ، السَّلَامُ عَلَى مُعِزِّ

سلام بر حجت پروردگار و کلمه پسندیده و ستوده شده؛ سلام بر عزت‌بخش

الْأَوْلِيَاءِ، وَمَذِلِّ الْأَعْدَاءِ، السَّلَامُ عَلَى وَارِثِ الْأَنْبِيَاءِ، وَخَاتَمِ

دوستان و خوارکننده دشمنان. سلام بر وارث پیامبران، و آخرین

الْأَوْصِيَاءِ، السَّلَامُ عَلَى الْقَائِمِ الْمُنتَظَرِ، وَالْعَدْلِ الْمُسْتَهَرِّ،

جانشینان، سلام بر قیام کننده مورد انتظار، و عدالت شهرت یافته،

السَّلَامُ عَلَى السَّيْفِ الشَّاهِرِ، وَالْقَمَرِ الزَّاهِرِ، السَّلَامُ عَلَى شَمْسِ

سلام بر شمشیر نمایان، و ماه تابان، سلام بر خورشید

الظَّلَامِ، وَبَدْرِ التَّمَامِ، السَّلَامُ عَلَى رَبِيعِ الْأَنَامِ، وَفِطْرَةِ الْأَيَّامِ،

تاریکی‌ها و ماه کامل و تمام؛ سلام بر بهار انسان‌ها، و سرشت روزها،

السَّلَامُ عَلَى صَاحِبِ الصَّمْصَامِ، [وَفَلَّاقِ الْهَامِ، السَّلَامُ عَلَى

سلام بر صاحب شمشیر بزان، و شکافنده سرها، سلام بر

۱. در مزار شهید علیه السلام چنین آمده است: وَالْعَالِمِ الَّذِي عِلْمُهُ لَا يَبِيدُ؛ «و دانشمندی که دانشش کهنه نمی‌شود».

الدِّينِ الْمَأْثُورِ، وَالْكِتَابِ الْمَسْطُورِ، السَّلَامُ عَلَى بَقِيَّةِ اللَّهِ فِي

دین بجای مانده، و کتاب نگاشته شده، سلام بر باقی مانده حجت های خدا در

بِلَادِهِ، وَحُجَّتِهِ عَلَى عِبَادِهِ، الْمُنتَهَى إِلَيْهِ مَوَارِيثُ الْأَنْبِيَاءِ،

سرزمین هایش، و حجت خداوند بر بندگانش؛ کسی که میراث پیامبران به او رسیده،

وَلَدَيْهِ مَوْجُودٌ أَثَارُ الْأَصْفِيَاءِ، الْمُؤْتَمَنِ عَلَى السِّرِّ، وَالْوَلِيِّ

و نشانه ها و آثار برگزیدگان نزد اوست، امین سر الهی است، و سرپرست

لِلْأُمَّمِ، الْمَهْدِيِّ الَّذِي وَعَدَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ الْأُمَّمَ أَنْ يَجْمَعَ بِهِ

امت هاست؛ همان مهدی که خداوند عزیز و بلندمرتبه به امتها وعده داده است که به سبب او

الْكَلِمَ، وَيَلْمُ بِهِ الشَّعْثَ، وَيَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا،

وحدت کلمه ایجاد می کند، و پراکندگی را بهم می آورد، و زمین را پر از عدل و داد می گرداند،

وَيُمْكِنُ لَهُ، وَيُنْجِزُ بِهِ وَعْدَ الْمُؤْمِنِينَ. أَشْهَدُ يَا مَوْلَايَ أَنَّكَ

و او را توانایی و قدرت می بخشد و وعده هایی را که به مؤمنان داده محقق می گرداند. ای مولای من؛ گواهی می دهم که تو

وَالْأئِمَّةَ مِنْ أَبَائِكَ أُمَّتِي وَمَوَالِيَّ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ

و امامان دیگر از پدرانت، پیشوایان من و سرپرستان حقیقی من در زندگی دنیا و روز اقامه

الْأَشْهَادِ، أَسْأَلُكَ يَا مَوْلَايَ أَنْ تَسْأَلَ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي

شهود (قیامت) هستید. از تو در خواست می کنم ای مولای من؛ تا از خداوند بلندمرتبه بخواهی که

صَلَاحِ شَأْنِي، وَقَضَاءِ حَوَائِجِي، وَغُفْرَانِ ذُنُوبِي، وَالْأَخْذِ بِيَدِي

کارم را اصلاح کند و حاجت هایم را برآورد، و گناهانم را ببخشد، و دستم را

فِي دِينِي وَدُنْيَايَ وَآخِرَتِي، لِي وَإِخْوَانِي وَإِخْوَتِي الْمُؤْمِنِينَ

در مورد دینم و دنیا و آخرتم بگیرد؛ برای من و تمام برادران و خواهران

وَالْمُؤْمِنَاتِ كَافَّةً، إِنَّكَ غَفُورٌ رَحِيمٌ.^۱

مؤمنم، این کارها را انجام دهد. همانا تو بخشنده ای مهربان هستی.

سپس نماز زیارت را که در زیارت اول بیان شد به جای آور و پس از آن بگو:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ فِي أَرْضِكَ، وَخَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ،

بارالها؛ درود فرست بر حجتت در روی زمینت، و جانشینت در سرزمین هایت،

الدَّاعِي إِلَى سَبِيلِكَ، وَالْقَائِمِ الصَّادِعِ بِالْحِكْمَةِ، وَالْمَوْعِظَةِ

فراخوان مردم به طرف راهت، قیام کننده‌ای که آشکارکننده (دین تو) با حکمت و موعظه

الْحَسَنَةِ وَالصِّدْقِ، وَكَلِمَتِكَ وَعَيْنِكَ فِي أَرْضِكَ،

نیکو و راستگویی است، او که کلمه، محل راز، و چشم تو در زمینت است

الْمُتَرَقِّبِ الْخَائِفِ، الْوَلِيِّ النَّاصِحِ، سَفِينَةِ النَّجَاةِ، وَعَلِمِ الْهُدَى،

و چشم به راهی ترسان است، و سرپرستی خیرخواه، کشتی نجات، و نشانه هدایت،

و نُورِ أَبْصَارِ الْوَرَى، وَخَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَارْتَدَى، وَالْوِثْرِ

و نور چشمان مردم، و بهترین کسی که لباس و عبا پوشیده، و خون‌خواه کسی که

الْمَوْتُورِ، وَمُفَرِّجِ الْكَرْبِ، وَمُزِيلِ الْهَمِّ، وَكَاشِفِ الْبَلْوَى.

انتقامش گرفته نشده، و از بین برنده غم، و زداینده اندوه، و برطرف کننده بلاست؛

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ الْأَيْمَّةِ الْهَادِينَ، وَالْقَادَةِ الْمَيَامِينِ،

صلوات خدا بر او و پدران او که امامانی هدایتگر و فرمانروایانی فرخنده هستند، باد؛

مَا طَلَعَتْ كَوَاكِبُ الْأَسْحَارِ، وَأُورِقَتِ الْأَشْجَارُ، وَأَيْنَعَتِ

تا آن زمان که ستارگان سحری طلوع می‌کنند، و درختان برگ می‌دهند، و میوه‌ها می‌رسند و قابل چیده شدن

الْأَثْمَارُ، وَاخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، وَغَرَّدَتِ الْأَطْيَارُ. اللَّهُمَّ انْفَعْنَا

می‌گردند، و شب و روز یکی پس از دیگری در رفت و آمدند، و پرندگان نغمه‌سرای و آوازخوانی می‌کنند، بارالها؛ ما را

بِحَبِّهِ، وَاحْشُرْنَا فِي زُمْرَتِهِ وَتَحْتِ لُؤَائِهِ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ رَبَّ

به دوستی او بهره‌مند گردان، و ما را در زمره او و زیر پرچمش محشور کن؛ ای خدای حق و ای پروردگار

العالمين . ۱

جهانیان؛ اجابت کن.

ذکر صلوات بر امام زمان ارواحنا فداه

و پس از زیارت می‌گویی: **اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ،**

بارالها! بر محمد و اهل بیتش درود بفرست!

وَصَلِّ عَلَيَّ وَلِيِّ الْحَسَنِ وَوَصِيِّهِ وَوَارِثِهِ، الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ،

و بر ولی و وصی و وارث امام حسن عسکری درود بفرست؛ که برپادارنده امر و فرمان توست،

وَالْغَائِبِ فِي خَلْقِكَ، وَالْمُنْتَظَرِ لِإِذْنِكَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ، وَقَرِّبْ

و در بین مردم پنهان شده است، و منتظر اجازه توست. بارالها! بر او صلوات و درود بفرست، و

بُعْدَهُ، وَأَنْجِزْ وَعْدَهُ، وَأَوْفِ عَهْدَهُ، وَاكْشِفْ عَنِّ بَأْسَهُ حِجَابَ

دوریش را نزدیک کن، و وعده‌اش را محقق گردان، و بر عهد و پیمانش وفا کن، و پرده غیبت را از (چهره) ناراحت او

الْغَيْبَةِ، وَأَظْهِرْ بِظُهُورِهِ صَحَائِفَ الْمِحْنَةِ، وَقَدِّمُ أَمَامَهُ الرَّعْبَ،

برگیر، و با ظهور آن حضرت دفترهای امتحان و آزمایش را بیدار کن، و پیشاپیش او رعب و وحشت را بفرست،

وَتَبَّتْ بِهِ الْقَلْبَ، وَأَقِمْ بِهِ الْحَرْبَ، وَأَيِّدْهُ بِجُنْدٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ

و دل مؤمنان را ثابت و محکم گردان و جنگ را به وسیله او برپا کن، و او را با سپاه فرشتگان

مُسَوِّمِينَ، وَسَلِّطْهُ عَلَى أَعْدَاءِ دِينِكَ أَجْمَعِينَ، وَالْهَمُّهُ أَنْ لَا يَدَعَ

که نشان دارند تأییدش گردان، و او را به تمام دشمنان دینت مسلط کن. و به او الهام کن که هیچ

مِنْهُمْ رُكْنًا إِلَّا هَدَاهُ، وَلَا هَامًا إِلَّا قَدَّاهُ، وَلَا كَيْدًا إِلَّا رَدَّاهُ، وَلَا

رکنی از آنان را باقی نگذارد مگر این که منهدم کند، و هیچ سری را مگر این که آن را دونیم کند، و هیچ نیرنگی را مگر این که باطل سازد و به

فَاسِقًا إِلَّا حَدَّاهُ، وَلَا فِرْعَوْنَ إِلَّا أَهْلَكَاهُ، وَلَا سِتْرًا إِلَّا هَتَكَاهُ، وَلَا

خودشان برگرداند، و هیچ فاسقی را مگر این که ادب کند، و هیچ فرعونی را مگر این که هلاک گرداند، و هیچ پرده‌ای را مگر این که بدرد، و هیچ

عَلَمًا إِلَّا نَكَّسَهُ، وَلَا سُلْطَانًا إِلَّا كَبَسَهُ، وَلَا رُمْحًا إِلَّا قَصَفَهُ، وَلَا

پرچمی را مگر اینکه سرنگون کند، و هیچ پادشاهی را مگر این که او را مورد هجوم و حمله ناگهانی خویش قرار دهد، و هیچ نیزه‌ای را مگر اینکه

مُطْرِدًا إِلَّا خَرَقَهُ، وَلَا جُنْدًا إِلَّا فَرَّقَهُ، وَلَا مِثْرًا إِلَّا أَحْرَقَهُ، وَلَا

بشکند؛ و هیچ خنجر را مگر این که بشکند، و هیچ لشکری را مگر این که پراکنده سازد، و هیچ منبری را مگر این که بسوزاند، و هیچ

صحنه‌ها

بخش یازدهم



۶۳۴

سَيْفًا إِلَّا كَسْرَهُ، وَلَا صَنْمًا إِلَّا رَضَّهُ، وَلَا دَمًا إِلَّا أَرَاقَهُ، وَلَا جَوْرًا

شمشیری را مگر اینکه بشکند، و هیچ بتی را مگر اینکه درهم بکوبد و خرد کند، و هیچ خونی را مگر اینکه بریزد، و هیچ ستمی را

إِلَّا أَبَادَهُ، وَلَا حِصْنًا إِلَّا هَدَمَهُ، وَلَا بَابًا إِلَّا رَدَمَهُ، وَلَا قَصْرًا

مگر این که از بین ببرد، و هیچ دژی را مگر این که فرو بریزد، و هیچ دری را مگر این که ببندد، و هیچ کاخی را

إِلَّا أَخْرَبَهُ، وَلَا مَسْكَنًا إِلَّا فَتَشَهُ، وَلَا سَهْلًا إِلَّا وَطِئَهُ، وَلَا جَبَلًا

مگر این که ویران سازد، و هیچ منزلگاهی را مگر این که واری کند، و هیچ بیابانی را مگر این که زیر پا بگذارد، و هیچ کوهی را

إِلَّا صَعَدَهُ، وَلَا كَنْزًا إِلَّا أَخْرَجَهُ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ ۱

مگر این که بالا رود، و هیچ گنجی را مگر این که بیرون آورد؛ به واسطه رحمتت، ای مهربان‌ترین مهربانان.



زیارت ششم حضرت بقیة الله ارواحنا فداه

پس از زیارت امام هادی و امام حسن عسکری علیهما السلام، به سوی سرداب مقدس آمده و همانند کسی که اجازه ورود می‌طلبد درب سرداب را بگیر، و با نام خداوند و با حالت آرامش و وقار و سنگینی، و با ادب کامل پایین برو، و دو رکعت نماز در آستانه سرداب مقدس به جای آور و بگو:

اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، وَاللَّهُ الْحَمْدُ.

الله اکبر، خدا بزرگ‌تر از آن است که وصف شود؛ جز خدا معبودی نیست؛ الله اکبر، خدا بزرگ‌تر از آن است که وصف شود؛ سپاس و ستایش،

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا، وَعَرَّفَنَا أَوْلِيَاءَهُ وَأَعْدَاءَهُ، وَوَفَّقَنَا

مخصوص ذات خداوند است؛ ستایش، ویژه خداست؛ خدایی که ما را به این امر، راهنمایی کرد؛ دوستانش و دشمنانش را به ما شناساند،

لِزِيَارَةِ أَيْمَتِنَا وَلَمْ يَجْعَلْنَا مِنَ الْمُعَانِدِينَ النَّاصِبِينَ، وَلَا مِنَ الْغُلَاةِ

و ما را به زیارت پیشوایانمان موفق فرمود، و ما را از نواصب و کسانی که دشمنی و سرسختی با آن بزرگواران دارند، یا تندروانی که همانند

۱. مصباح الزائر: ۴۴۲.

ظاهر آن است که زیارت پنجم، دوّم و سوّم، اختصاص به سرداب مقدس ندارند، ولی چنان که از نسخه شهید علیه السلام نیز برمی‌آید، زیارت ششم و زیارت‌های اوّل و چهارم مخصوص سرداب مقدس اند.

الْمُفَوِّضِينَ، وَلَا مِنَ الْمُرْتَابِينَ الْمُقْصِرِينَ. السَّلَامُ عَلَيَّ وَلِيِّ اللَّهِ

مفوضه عمل می‌کنند، یا کسانی که شک می‌کنند و مقصّرند؛ قرار نداد. سلام بر ولی خدا

وَأَبْنِ أَوْلِيَاءِهِ، السَّلَامُ عَلَيَّ الْمُدَّخِرِ لِكِرَامَةِ اللَّهِ وَبَوَارِ أَعْدَائِهِ،

که فرزند دوستان خدا است، سلام بر ذخیره شده برای بزرگداشت خداوند و خوار و نابودکردن دشمنان خدا؛

السَّلَامُ عَلَيَّ النُّورِ الَّذِي أَرَادَ أَهْلُ الْكُفْرِ إِطْفَاءَهُ فَأَبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ

سلام بر نوری که کافران خواستند خاموش کنند، ولی خدا خواست نورش را

يُتِمَّ نُورَهُ بِكُرْهِهِمْ، وَأَمَدَهُ بِالْحَيَاةِ حَتَّى يُظْهِرَ عَلَيَّ يَدِهِ الْحَقَّ

علیرغم آن‌ها و با ناخشنودی آن‌ها کامل کند، و زندگانی آن حضرت را طولانی کرد تا حق و حقیقت را برخلاف میل باطنی آن‌ها به

بِرَغْمِهِمْ، أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكَ صَغِيْرًا، وَأَكْمَلَ لَكَ عُلُومَهُ

دست مبارکش آشکار سازد. گواهی می‌دهم که خدا تو را در سن کم برگزید، و در بزرگی دانش‌هایش را برایت تکمیل فرمود؛

كَبِيْرًا، وَأَنَّكَ حَيٌّ لَا تَمُوتُ حَتَّى تُبْطِلَ الْجِبْتَ وَالطَّاغُوتَ.

تو زنده‌ای از دنیا نخواهی رفت تا آن گاه که جبت و طاغوت را نابود سازی.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَعَلَى خُدَّامِهِ وَأَعْوَانِهِ عَلَيَّ غَيْبَتِهِ وَنَأْيِهِ،

بارالها؛ بر امام زمان و خادمان و کمک‌رسانان او در زمان غیبت و دوریش، درود بفرست؛

وَاسْتُرْهُ سِتْرًا عَزِيْزًا، وَاجْعَلْ لَهُ مَعْقَلًا حَرِيْزًا، وَأَشْدُدِ اللَّهُمَّ

او را به خوبی و عزت‌مندی در پوشش و پنهایی خودت قرار ده، و پناهگاهی محکم و استوار برایش بساز، و - خداوند! -

وَطَّأَتِكَ عَلَيَّ مُعَانِدِيْهِ، وَاحْرُسْ مَوَالِيَهُ وَزَائِرِيْهِ. اللَّهُمَّ كَمَا

دشمنانش را با شدت درهم بکوب، و دوستان و زائرانش را حفاظت و نگهبانی فرما. بارالها؛ همان گونه که

جَعَلْتَ قَلْبِي بِذِكْرِهِ مَعْمُورًا، فَاجْعَلْ سِلَاحِي بِنُصْرَتِهِ مَشْهُورًا،

قلب مرا با یادش آباد گردانیدی، پس اسلحه مرا نیز در یاری او نمایان ساز.

وَإِنْ حَالٌ بَيْنِي وَبَيْنَ لِقَائِهِ الْمَوْتُ الَّذِي جَعَلْتَهُ عَلَيَّ عِبَادِكَ

و اگر مرگ - که یک امری حتمی برای بندگان است و با آن بر بندگانت تسلط داری - مرا دریافت، و میان من و دیدار او فاصله شد

حَتْمًا، وَأَقْدَرْتَ بِهِ عَلَيَّ خَلْقَتِكَ رَغْمًا، فَابْعَثْنِي عِنْدَ خُرُوجِهِ

پس مرا در هنگام قیام او از قبرم بیرون آورده و آشکار ساز.

بخش یازدهم



ظَاهِرًا مِنْ حُفْرَتِي، مُؤْتَزِرًا كَفْنِي، حَتَّى أَجَاهِدَ بَيْنَ يَدَيْهِ فِي

در حالی که کفنم بر تنم است؛ تا من نیز در پیش روی مبارکش در صفی قرار بگیرم که جهاد کنم؛

الصَّفِّ الَّذِي أَثْنَيْتَ عَلَى أَهْلِهِ فِي كِتَابِكَ فَقُلْتَ ﴿كَانَهُمْ بَنِيَانٌ

همان صفی که در کتاب عزیزت قرآن، افرادی را ستوده و فرموده‌ای: «در صف مبارزه با کافران گویی اینان بنیانی آهنین

مَرُصُوصٌ﴾ ۱. اَللّٰهُمَّ طَالَ الْاِنْتِظَارُ، وَشِمَتَ بِنَا الْفُجَارُ، وَصَعَبَ

و بهم پیوسته هستند». بارالها! انتظار، طولانی شد؛ فاجران و بدکاران ما را به مسخره گرفته و سرزنش می‌کنند؛

عَلَيْنَا الْاِنْتِظَارُ. اَللّٰهُمَّ اَرِنَا وَجْهَ وَلِيِّكَ الْمَيْمُونِ فِي حَيَاتِنَا وَبَعْدَ

منتظرماندن بیش از این برای ما بسیار سخت شده است. بارالها! چهره مبارک ولی بزرگوارت را در زمان زندگانی و پس از

الْمَيْمُونِ. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَدِيْنُ لَكَ بِالرَّجْعَةِ بَيْنَ يَدَيْ صَاحِبِ هَذِهِ

مرگمان به ما بنمایان. بارالها! تو را دینداری می‌کنم با رجعت و بازگشتن و حضور در پیش‌روی صاحب این

الْبُقْعَةِ، الْغَوْثَ الْغَوْثَ الْغَوْثَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ، قَطَعْتُ فِي

بارگاه و گنبد. فریاد، فریاد، فریاد، ای صاحب زمان؛ برای رسیدن به تو و با تو بودن

وَصَلَّتِكَ الْخُلَانِ، وَهَجَرْتُ لِيْزِيَارَتِكَ الْاَوْطَانَ، وَاخْفَيْتُ اَمْرِي

از دوستان نزدیکم بریدم، و برای زیارتت از وطنم هجرت کردم، و از مردم شهر مخفی داشتم

عَنْ اَهْلِ الْبُلْدَانِ، لِتَكُوْنَ شَفِيْعًا عِنْدَ رَبِّكَ وَرَبِّيْ، وَاِلَى اَبَائِكَ

که می‌خواهم به دیدار تو بیایم؛ این کارها را کردم تا نزد پروردگارت و پروردگارم شفیع و واسطه‌ام باشی، و نزد پدرانت که

مَوَالِيِّيْ فِي حُسْنِ التَّوْفِيْقِ، وَاسْبَاغِ النُّعْمَةِ عَلَيَّ، وَسَوْقِ

سرپرستان و اولیای من هستند نیز واسطه و شفیع من باش تا به من توفیق نیکو و نعمت فراوان و ریزان،

الْاِحْسَانِ اِلَيَّ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَعَلٰى اٰلِ مُحَمَّدٍ،

و احسان بی‌کران لطف فرمایند. بارالها! بر محمد و آل محمد درود بفرست؛

اَصْحَابِ الْحَقِّ، وَقَادَةَ الْخَلْقِ، وَاسْتَجِبْ مِنِّيْ مَا دَعَوْتُكَ،

همان حق‌پرستان و رهبران خلق؛ و دعایم را پاسخ بده،

وَأَعْطِنِيْ مَا لَمْ أَنْطِقْ بِهِ فِي دُعَائِيْ، مِنْ صَلَاحِ دِيْنِيْ وَدُنْيَايَ،

و آنچه را در ضمن دعایم ذکر نکردم ولی صلاح دین و دنیای من در آن است به من عطا فرما؛

إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ.

راستی تو ستوده شکوه‌مند هستی؛ و خدا بر محمد و خاندان پاکش درود فرستد.

سپس به داخل جایگاه اصلی سرداب برو، و دو رکعت نماز به جای آور و بگو:

اللَّهُمَّ عَبْدُكَ الزَّائِرُ فِي فِنَاءِ وَلِيِّكَ الْمَزُورِ، الَّذِي فَارَضْتَ طَاعَتَهُ

بارالها؛ بنده زائرت به بارگاه ولایت که مورد زیارت من است وارد گشته است؛ همان ولیتی که فرمان‌برداری از او را

عَلَى الْعَبِيدِ وَالْأَحْرَارِ، وَأَنْقَذْتَ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ مِنْ عَذَابِ النَّارِ.

بر بندگان و آزادان واجب و حتمی فرمودی، و دوستانت را به واسطه او از عذاب دوزخ نجات بخشیدی.

اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا زِيَارَةً مَقْبُولَةً ذَاتَ دُعَاءٍ مُسْتَجَابٍ، مِنْ مُصَدِّقٍ

بارالها؛ این زیارت را پذیرفته و با دعایی مستجاب از زائری قرار ده که ولایت را تصدیق می‌کند

بِوَلِيِّكَ غَيْرِ مُرْتَابٍ. اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ بِهِ وَلَا بَزِيَارَتِهِ،

و در او شکی ندارد. بارالها؛ این را آخرین زیارت من و آخرین تجدید عهد با او قرار مده؛

وَلَا تَقْطَعْ أَثْرِي مِنْ مَشْهَدِهِ وَزِيَارَةِ أَبِيهِ وَجَدِّهِ. اللَّهُمَّ اخْلُفْ

اثر و نشانه حضورم را از محل حضور و زیارت خودش و پدرش و جدش برمینداز. خدایا؛

عَلَيَّ نَفَقَتِي، وَانْفَعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي، لِي

هزینه‌ام را از خودت جایگزین کن، و آن چه نصیبم فرمودی برای دنیا و آخرت من سودمند ساز؛ این کارها را برای من،

وَلِإِخْوَانِي وَأَبَوِيَّ وَجَمِيعِ عِثْرَتِي. أَسْتَوْدِعُكَ اللَّهُ أَيُّهَا الْأِمَامُ

برادرانم؛ پدر و مادرم و جمیع خاندانم انجام بده. تو را به خدا می‌سپارم؛ ای امامی

الَّذِي يَفُوزُ بِهِ الْمُؤْمِنُونَ، وَيَهْلِكُ عَلَى يَدَيْهِ الْكَافِرُونَ

که مؤمنان به واسطه او کامیاب و کافران دروغ‌پرداز با دستان تو هلاک می‌گردند؛

الْمُكَذِّبُونَ، يَا مَوْلَايَ يَا بَنَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، جِئْتُكَ زَائِرًا لَكَ

ای مولای من، ای فرزند حسن فرزند علی؛ به عنوان زائری برای تو،

وَلِأَيِّكَ وَجَدُّكَ، مُتَيَقِّنًا الْفَوْزَ بِكُمْ، مُعْتَقِدًا إِمَامَتَكُمْ. اللَّهُمَّ

بدرت و جدت خدمتتان شرفیاب شدم، در حالی که یقین دارم رستگارم می‌سازید، و به پیشوایی و امامت شما اعتقاد دارم. بارالها؛

ببخش بزرگوارم

بخش بزرگوارم



۶۳۸

اَكْتُبْ هَذِهِ الشَّهَادَةَ وَالزِّيَارَةَ لِي عِنْدَكَ فِي عَلِيِّينَ، وَبَلِّغْنِي بِلَاغٍ

این گواهی و زیارت را در علیین، نزد خودت برایم ثبت کن؛ و به آن جا که شایستگی

الصَّالِحِينَ، وَانْقَعْنِي بِحُبِّهِمْ، يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ. ۱

نیکوکار می‌رسند مرا برسان، و مرا به دوستی ایشان بهره‌مند ساز؛ ای پروردگار جهانیان.

سید بن طاووس رحمته الله می‌فرماید:

هنگام بازگشت از حرم شریف عسکرین علیهم السلام، دوباره به سرداب مقدس باز گرد و تا می‌توانی نماز بخوان، سپس رو به قبله بایست و بگو: اللَّهُمَّ ادْفَعْ عَنِّي وَلِيِّكَ وَخَلِيفَتِكَ... تا آخر ۲.



چگونگی سلام کردن بر امام زمان

ارواحنا فداء

امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

هر یک از شما شیعیان باقی ماندید و مهدی علیه السلام را ملاقات کردید، در هنگامی که او را می‌بینید بگویید:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَمَعْدَنَ الْعِلْمِ وَمَوْضِعِ

سلام بر شما ای اهل بیت پیامبر، و معدن دانش، و جایگاه

الرِّسَالَةُ ۳

رسالت الهی

۱. مصباح الزائر: ۴۴۴.

۲. تمام این دعا را در ص ۳۴۱ نقل کردیم.

۳. بحار الأنوار: ۳۶/۵۱، منتخب الأثر: ۵۱۷.





سلام بر آن حضرت ارواحنا فداه به شیوه‌ای دیگر

روایت شده است که سلام دادن بر امام قائم صلوات الله علیه بدین گونه است:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ ۱.

سلام و درود بر تو، ای باقی مانده حجت‌های الهی در روی زمینش.



زیارت امام هادی و امام عسکری علیهما السلام

به این بخش، زیارت دو امام بزرگوار، حضرت هادی و عسکری علیهما السلام و نیز زیارت مادر و عمه محترم امام قائم علیه السلام را ملحق می‌کنیم:

۱- هنگامی که خواستی به حرم امام هادی و امام عسکری علیهما السلام بروی، غسل زیارت می‌کنی و وقتی کنار مرقد پاک‌شان ایستادی بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا وَلِيَّيَ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا نَجِيَّيَ اللَّهِ،

سلام بر شما ای دو ولی خدا، سلام بر شما ای دو همراه خدا،

السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا نُورِيَّ اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ، السَّلَامُ

سلام بر شما ای دو نور خدا در تاریکی‌های زمین، سلام

عَلَيْكُمَا يَا أَمِينِيَّ اللَّهِ. أَتَيْتُكُمَا زَائِرًا لَكُمَا، عَارِفًا بِحَقِّكُمَا،

بر شما ای دو امین خدا. به قصد زیارت شما به حضورتان رسیده‌ام، در حالی که به حق شما معرفت و شناخت دارم.

۱. بحار الأنوار: ۲۶/۵۱، منتخب الأثر: ۵۱۷.

مُؤْمِنًا بِمَا أَمَنَّا بِهِ، كَافِرًا بِمَا كَفَرْنَا بِهِ، مُحَقَّقًا لِمَا حَقَّقْنَا،

به آنچه شما ایمان دارید مؤمنم و به آنچه شما انکار دارید من نیز انکار دارم، آنچه را شما حق و ثابت می‌دانید حق می‌دانم،

مُبْطِلًا لِمَا أَبْطَلْنَا. أَسْأَلُ اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمَا أَنْ يَجْعَلَ حَظِّي مِنْ

و آنچه را باطل می‌دانید من نیز باطل می‌دانم. از خداوند تبارک و تعالی که پروردگار من و شما است می‌خواهم که بهره مرا از

زِيَارَتِكُمَا، الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَأَنْ يَرْزُقَنِي شَفَاعَتِكُمَا،

زیارت شما این قرار دهد که بر محمد و آل محمد درود فرستد، و شفاعت شما را روزی من گرداند،

وَلَا يُفَرِّقَ بَيْنِي وَبَيْنَكُمَا، وَلَا يَسْلُبَنِي حُبَّكُمَا وَحُبَّ آبَائِكُمَا

و میان من و شما جدایی نیفکند و دوستی شما و پدران صالح و شایسته شما را از من نگیرد،

الصَّالِحِينَ، وَأَنْ لَا يَجْعَلَ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِكُمَا، وَيَحْشُرَنِي

و این زیارت را آخرین زیارت من از شما قرار ندهد، و مرا با شما محشور گرداند و در بهشت مرا

مَعَكُمْ، وَيَجْمَعُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمَا فِي الْجَنَّةِ بِرَحْمَتِهِ.

با شما و به رحمتش در جمع شما قرار دهد.

سپس خود را بر هر یک از این دو قبر بیفکن، آنها را بوسه زن، و گونه خود را بر

آن بگذار، آنگاه سر بردار و بگو:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حُبَّهُمْ، وَتَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِمْ. اللَّهُمَّ اَعْنِ ظَالِمِي

خدایا! دوستی اهل بیت علیهم السلام را روزی من گردان، و مرا بر دین و ملت ایشان بمیران. خدایا! ستمگران در

الِ مُحَمَّدٍ حَقَّهُمْ، وَأَنْتَقِمِ مِنْهُمْ. اللَّهُمَّ اَعْنِ الْأَوْلِيْنَ مِنْهُمْ

حق آل محمد را لعنت کن و از آنها انتقام بگیر. خدایا! اولین

وَالْآخِرِينَ، وَضَاعِفِ عَلَيْهِمُ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ

و آخرین، پیشینیان و آیندگان آنان را لعنت کن و عذاب دردناک خود را بر ایشان دوچندان کن که تو بر هر چیز

قَدِيرٌ. اللَّهُمَّ عَجِّلْ فَرَجَ وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ، وَاجْعَلْ فَرَجَنَا مَعَ

توانایی. بارالها! در فرج ولیت و فرزند ولیت شتاب فرما، و فرج ما را

فَرَجِهِمْ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

با فرج ایشان مقرون گردان، ای مهربان‌ترین مهربانان.

سپس چهار رکعت نماز و بعد از آن هر چه خواستی بالای سر آن دو امام علیهم السلام نماز بخوان، و برای خود و پدر و مادر و برای همه اهل ایمان به آنچه خواهی دعا کن و هنگامی که خواستی بازگرددی با ایشان وداع کن و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا وَلِيِّيَ اللَّهُ، أَسْتَوْدِعُكُمَا اللَّهَ وَأَقْرَأُ عَلَيْكُمَا

سلام بر شما ای دو ولی خدا، یا شما خدا حافظی می‌کنم و بر شما

السَّلَامَ، أَمْنَا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَبِمَا جِئْتُمَا بِهِ وَدَلَّلْتُمَا عَلَيْهِ.

سلام می‌فرستم، به خدا و رسول و آنچه شما آورده‌اید و مرا به آن راهنمایی نموده‌اید ایمان دارم.

اللَّهُمَّ اكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ.

خدایا! نام ما را با گواهی‌دهندگان ثبت فرما.

۲- زیارتی دیگر برای آن دو امام علیهم السلام: وقتی به سامرا وارد شدی، پیش از آن که به حرم روی غسل کن و هنگامی که به حرم مطهر شرفیاب شدی، کنار آن دو مرقد پاک رو به قبله بایست و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا وَلِيِّيَ اللَّهُ، السَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا أَمِينِي اللَّهُ، السَّلَامُ

سلام بر شما ای دو ولی خدا، سلام بر شما ای دو امین خدا و امانتدار او، سلام

عَلَيْكُمَا يَا نُورِي اللَّهِ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمَا مِنْ

بر شما ای دو نور خدا در تاریکی‌های زمین، سلام بر شما از

مُعْتَمِدٍ بَعْدَ اللَّهِ سُبْحَانَهُ عَلَيْكُمَا مِنْ عَبْدِكُمَا وَزَائِرِكُمَا وَوَلِيِّكُمَا.

طرف کسی که اعتمادش بعد از خدا بر شما است، از طرف بنده و زائر و ارادتمند شما.

أَتَيْتُكُمَا زَائِرًا لَكُمَا، عَارِفًا بِحَقِّكُمَا، مُؤْمِنًا بِمَا أَمَنْتُمَا بِهِ،

به قصد زیارت شما به بارگاهتان آمده‌ام در حالی که به حق شما آشنایم، به آنچه ایمان دارید مؤمنم،

كَافِرًا بِمَا كَفَرْتُمَا بِهِ، مُحَقِّقًا لِمَا حَقَّقْتُمَا، مُبْطِلًا لِمَا أَبْطَلْتُمَا.

به آنچه انکار دارید منکرم، آنچه را حق بدانید حق می‌دانیم، آنچه را باطل بدانید باطل می‌دانم.

فَأَسْأَلُ اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمَا بِحَقِّكُمَا أَنْ يَجْعَلَ حَظِّي مِنْ زِيَارَتِكُمَا

پس از خداوند پروردگار من و پروردگار شما می‌خواهم که به حق شما بهره مرا از این زیارت،

مَغْفِرَةً ذُنُوبِي، وَإِعْطَائِي سُؤْلِي، وَأَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

آمزش گناهانم قرار دهد، و درخواست مرا عطا کند و بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَيَرْزُقَنِي شَفَاعَتَكُمَا، وَلَا يُفَرِّقَ بَيْنِي وَبَيْنَكُمَا،

محمد درود فرستد، و شفاعت شما را روزی من گرداند و میان من و شما جدائی نیفکند،

وَيَجْمَعَنِي وَإِيَّاكُمَا فِي مُسْتَقَرٍّ مِنْ رَحْمَتِهِ.

و در قرارگاه رحمتش یعنی بهشت مرا در جمع شما قرار دهد.

سپس دست‌ها را به دعا بالا ببر و بگو:

اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حُبَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِمْ.

بارالها! دوستی محمد و آل محمد را به من روزی فرما، و مرا بر دین و ملت ایشان بمیران.

اللَّهُمَّ الْعَنْ ظَالِمِي آلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْتِقِمْ مِنْهُمْ. اللَّهُمَّ وَعَجِّلْ فَرَجَ

خداوندا! ظالمان و ستمگران به آل محمد را لعنت کن و از آنان انتقام بگیر. خداوندا! در فرج

وَلِيِّكَ وَابْنِ وَلِيِّكَ، وَاجْعَلْ فَرَجَنَا مَقْرُونًا بِفَرَجِهِمْ.

ولیت و فرزند ولیت شتاب فرما، و فرج و گشایش کار ما را با فرج ایشان مقرون فرما.

سپس در هر مکانی که ایستاده‌ای، چهار رکعت نماز بخوان و آنچه می‌توانی دعا

کن.^۱

زیارت حضرت نرجس خاتون علیها السلام

سپس مادر امام قائم حضرت نرجس خاتون علیها السلام را که قبر مطهرش پشت قبر منور

مولای مان امام عسکری علیه السلام است زیارت کن و بگو:

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، الصَّادِقِ الْأَمِينِ،

سلام بر رسول خدا - درود خدا بر او و آل او باد - که راستگو و امین بوده است،

السَّلَامُ عَلَى مَوْلَانَا أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَى الْأَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ،

سلام بر مولایمان امیرالمؤمنین علیه السلام، سلام بر امامان پاک

الْحُجَجِ الْمَيَامِينِ، السَّلَامُ عَلَى وَالِدَةِ الْأِمَامِ، وَالْمُودَعَةِ أَسْرَارِ

که حجت‌های برکت‌آفرین الهی هستند، سلام بر مادر امام، و کسی که اسرار خداوند

الْمَلِكِ الْعَلَامِ، وَالْحَامِلَةَ لِأَشْرَفِ الْأَنَامِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا

بسیار دانا نزد او و دایعه نهاده شد، و او دربردارنده بهترین مخلوقات و ارزشمندترین آنها بود. سلام بر تو ای

الصَّدِيقَةَ الْمَرْضِيَّةَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَبِيهَةَ أُمِّ مُوسَى، وَابْنَةَ

دارای ایمان کامل و مقام خشنودی خدا، سلام بر تو ای شبیه مادر موسی، و ای دختر

خَوَارِي عَيْسَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا التَّقِيَّةُ النَّقِيَّةُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

یار مسیح علیه السلام، سلام بر تو ای باتقوای پاکیزه، سلام بر تو

أَيَّتُهَا الرَّضِيَّةُ الْمَرْضِيَّةُ. السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيَّتُهَا الْمَنْعُوتَةُ فِي

ای آنکه خدا از تو راضی و تو از خدا راضی هستی. سلام بر تو ای کسی که در انجیل توصیف شده‌ای،

الْأَنْجِيلِ، الْمَخْطُوبَةُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ الْأَمِينِ، وَمَنْ رَغِبَ فِي وَصَلَتِهَا

و خطبه عقدت را روح الامین (جبرائیل) خواند، و به این وصلت و پیوند حضرت

مُحَمَّدٌ سَيِّدُ الْمُرْسَلِينَ، وَالْمُسْتَوْدَعَةُ أَسْرَارِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ

محمد صلی الله علیه و آله که سرور رسولان و فرستاده‌شدگان است مایل بود، و اسرار پروردگار جهانیان به او سپرده شد، سلام

عَلَيْكَ وَعَلَى آبَائِكَ الْخَوَارِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى بَعْلِكَ

بر تو و پدرانت که از خواریون و یاران حضرت عیسی بودند، سلام بر تو و بر همسرت

وَوَلَدِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ الطَّاهِرِ. أَشْهَدُ

و فرزندت، سلام بر تو و بر روح و جسم پاکت، گواهی می‌دهم

أَنَّكَ أَحْسَنْتِ الْكِفَالََةَ، وَأَدَيْتِ الْأَمَانَةَ، وَاجْتَهَدْتِ فِي مَرْضَاةِ

که خوب سرپرستی و امانتداری نمودی، و در راه رضای خدا کوشش کردی

اللَّهِ، وَصَبَرْتِ فِي ذَاتِ اللَّهِ، وَحَفِظْتِ سِرَّ اللَّهِ، وَحَمَلْتِ وَلِيَّ اللَّهِ،

و در راه او صبر پیشه کردی و پایداری نمودی، و سر الهی را حفظ و نگهداری کردی، و ولی خدا را حامله بودی

بخت یازدهم

بخت یازدهم



۶۴۴

وَبَالِغَتْ فِي حِفْظِ حُجَّةِ اللَّهِ، وَرَغِبَتْ فِي وَصْلَةِ أَبْنَاءِ رَسُولِ اللَّهِ،

و در نگهداری حجت خدا سعی تمام نمودی، و در پیوند با فرزندان رسول خدا ﷺ راغب و مایل بودی،

عَارِفَةً بِحَقِّهِمْ، مُؤْمِنَةً بِصِدْقِهِمْ، مُعْتَرِفَةً بِمَنْزِلَتِهِمْ، مُسْتَبْصِرَةً

در حالی که به حق ایشان عارف بودی و به راستی گفتارشان ایمان داشتی، و به مقام و مرتبه آنان اعتراف داشتی و به امر ایشان

بِأَمْرِهِمْ، مُشْفِقَةً عَلَيْهِمْ، مُؤَثِّرَةً هَوَاهُمْ. وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتِ

آگاه بودی و نسبت به آنها مهربان و دلسوز بودی و خواسته آنان را بر خواسته خودت ترجیح می دادی. و گواهی می دهم که تو

عَلَى بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ، مُقْتَدِيَةً بِالصَّالِحِينَ، رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً،

نسبت به کاری که اقدام کردی و انجام دادی بینش صحیح داشتی و به شایستگان اقتدا نمودی در حالی که فرمانبردار، پسندیده،

تَقِيَّةً نَقِيَّةً زَكِيَّةً، فَرَضِي اللَّهُ عَنْكَ وَأَرْضَاكَ، وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَنْزِلَكَ

باتقوا، خالص و پاکیزه بودی، خداوند از تو خشنود و تو از خود خشنود بودی، بهشت را منزل

وَمَاوَاكَ، فَلَقَدْ أَوْلَاكَ مِنَ الْخَيْرَاتِ مَا أَوْلَاكَ، وَأَعْطَاكَ مِنْ

و جایگاه همیشگی تو قرار داد، و به راستی دربارت احسان نمود چه احسان نیکویی، و از

الشَّرَفِ مَا بِهِ أَغْنَاكَ، فَهَتَاكَ اللَّهُ بِمَا مَنَحَكَ مِنَ الْكِرَامَةِ وَأَمْرَاكَ.

شرافت و بزرگواری به تو آن قدر عطا کرد که بی نیازت نمود، پس آنچه را خداوند به تو از کرامت و ارزشمندی بخشیده گوارایت باد.

سِپَسِ سِرِّ بَلَنْدِ كُنْ وَ بَگُو: اَللّٰهُمَّ اِيَّاكَ اعْتَمَدْتُ، وَلِرِضَاكَ طَلَبْتُ،

خداوندا! به تو اعتماد نمودم، و رضا و خشنودی تو را جويا گشتم،

وَبِأَوْلِيَّائِكَ اِلَيْكَ تَوَسَّلْتُ، وَعَلَى غُفْرَانِكَ وَحِلْمِكَ اِتَّكَلْتُ،

و به واسطه اولیایت به درگاه تو توسل جستم، و بر آمرزش و بردباریت تکیه کردم،

وَبِكَ اعْتَصَمْتُ، وَبِقَبْرِ أُمَّ وَلِيِّكَ لُذْتُ، فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

و به لطف تو چنگ زدم (تا محفوظ بمانم) و به مرقد پاک مادر ولایت پناهنده شدم، پس بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَانْفَعْنِي بِزِيَارَتِهَا، وَثَبِّتْنِي عَلَى مَحَبَّتِهَا، وَلَا تُحْرِمْنِي

محمد درود فرست و مرا به زیارت این بزرگوار بهره مند فرما و بر محبت و دوستی او ثابت بدار، و از

شَفَاعَتِهَا وَشَفَاعَةَ وَلَدِهَا، وَأَرْزُقْنِي مُرَافَقَتَهَا، وَاحْشُرْنِي مَعَهَا

شفاعتش و شفاعت فرزند عزیزش محروم مگردان، همراهی با او را روزی من گردان، و مرا با آن حضرت و

وَمَعَ وَلَدِهَا كَمَا وَفَّقْتَنِي لَزِيَارَةِ وَلَدِهَا وَزِيَارَتِهَا. اَللّٰهُمَّ اِنِّي

فرزند بزرگوارش محشور فرما همان‌گونه که به زیارت فرزندش و به زیارت او موفق ساختی، خداوندا!

اَتُوْجَّهٗ اِلَيْكَ بِالْاَئِمَّةِ الطَّاهِرِيْنَ، وَاتَوْسَّلُ اِلَيْكَ بِالْحُجْبِ الْمِيَامِيْنَ

به وسیله ائمه طاهرين علیهم‌السلام به تو روی آوردم و به حجت‌های فرخنده و بابرکت

مِنْ اٰلِ طَهٍ وَيَسَّ، اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ الطَّيِّبِيْنَ،

از آل طه و یس به درگاه تو توسل جستم که بر محمد و آل پاک او درود فرستی،

وَاَنْ تَجْعَلَنِي مِنَ الْمُطْمَئِنِّينَ الْفَائِزِيْنَ، الْفَرِحِيْنَ الْمُسْتَبْشِرِيْنَ،

و مرا از اطمینان دارندگان و بهره‌مندان و شادمانان و بشارت‌داده‌شدگان

الَّذِيْنَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُوْنَ، وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ قَبِلْتَ

که بیمی بر آنها نیست و دچار غم و غصه نمی‌شوند قرار بده، و از کسانی که تلاش آنها را پذیرفتی،

سَعْيَهُ، وَيَسَّرْتَ اَمْرَهُ، وَكَشَفْتَ ضُرَّهُ، وَامَنْتَ خَوْفَهُ. اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ

و امر آنان را آسان گردانیدی و بیچارگی و اندوهشان را برطرف کردی و ترس آنها را به ایمنی تبدیل کردی قرار بده، خداوندا!

مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ، صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَّ اٰلِ مُحَمَّدٍ، وَلَا تَجْعَلْهُ اٰخِرَ

به حقی محمد و آل محمد بر محمد و آل او درود فرست، و این زیارت را آخرین زیارت من نسبت

الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِيْ اِيَّاهَا، وَارْزُقْنِي الْعَوْدَ اِلَيْهَا اَبَدًا مَا اَبَقَيْتَنِي،

به این بزرگوار قرار مده، و تا مادامی که مرا در این جهان باقی داشته‌ای بازگشتن به سوی این بانوی بزرگوار را روزی من گردان،

وَ اِذَا تَوَفَّيْتَنِيْ فَاخْشُرْنِيْ فِيْ زُمْرَتِهَا، وَاَدْخِلْنِيْ فِيْ شَفَاعَةِ

و هنگامی که وفاتم فرا رسید مرا در زمره او محشور فرما، و مرا از شفاعت

وَلَدِهَا وَشَفَاعَتِهَا. وَاغْفِرْ لِيْ وَلِوَالِدِيْ وَلِلْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ،

او و فرزند عزیزش بهره‌مند گردان، و مرا و پدر و مادرم را و همه مردان و زنان مؤمن را بیامرز،

وَ اَتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْاٰخِرَةِ حَسَنَةً، وَقِنَا بِرَحْمَتِكَ

و در دنیا به ما خیر و خوبی و در آخرت خیر و خوبی مرحمت فرما، و به رحمت گسترده‌ات ما را

عَذَابِ النَّارِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا سَادَتِيْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ. ۱

از عذاب دوزخ حفظ کن، و سلام و درود و رحمت و برکات خداوند بر شما سروران من باد.

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

بخش یازدهم



زیارت حضرت حکیمه خاتون علیها السلام

السَّلَامُ عَلَى جَدِّكَ الْمُصْطَفَى، السَّلَامُ عَلَى أَبِيكَ الْمُرْتَضَى، السَّلَامُ

سلام بر جدت محمد مصطفی، سلام بر پدرت علی مرتضی، سلام

عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، السَّلَامُ عَلَى خَدِيجَةَ

بر (امام) حسن و (امام) حسین که بر هر دو سلام باد، سلام بر خدیجه

الْكُبْرَى، السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ،

کبری، سلام بر فاطمه زهرا سرور زنان عالمیان،

السَّلَامُ عَلَى النَّفُوسِ الْفَاخِرَةِ وَشَفَعَائِي فِي الْآخِرَةِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ

سلام بر شخصیت‌های ارزشمند و شفاعت‌کنندگان من در آخرت. سلام بر تو

يَا بِنْتَ وَلِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ حُجَّةِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

ای دختر ولی خدا، سلام بر تو ای دختر حجت خدا، سلام بر تو

يَا أُخْتَ وَلِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّةَ وَلِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

ای خواهر ولی خدا، سلام بر تو ای عمه ولی خدا، سلام بر تو

يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ التَّقِيِّ الْجَوَادِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

ای دختر امام محمد تقی حضرت جواد، سلام و رحمت و برکات خداوندی بر تو باد.

أَشْهَدُ أَنَّكَ مَضَيْتِ عَلَى بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكِ، رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً،

گواهی می‌دهم که تو با بصیرت و آگاهی نسبت به کار خود روزگار گذراندی در حالی که تو از خدا خشنود و خدا از تو خشنود بود،

وَتَقِيَّةً نَقِيَّةً زَكِيَّةً، فَرَضِي اللَّهُ عَنْكَ وَأَرْضَاكَ، وَجَعَلَ الْجَنَّةَ مَأْوَاكَ

باتقوا، خالص و پاکیزه بودی، خداوند از تو خشنود بود و تو را از خود خشنود نمود و بهشت را منزل و مأوا

وَمَنْزِلِكَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ جَمِيعاً وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. ۱

و جایگاه همیشگیات قرار داد، و درود و سلام و رحمت و برکات بی‌پایان الهی بر همه شما باد.

بخش دوازدهم

بخش دوازدهم



زیارت نواب امام عصر ارواحنا فداه
و بعضی از دعائانی که اصحاب
آن حضرت نقل نموده اند

نایبان امام زمان ارواحنا فداه در زمان غیبت صغری چهار نفر بودند که به ترتیب عبارتند از: ۱- ابو عمرو عثمان بن سعید بن عمرو عَمْرِي اسدی، ۲- پسرش ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید عَمْرِي، ۳- جناب ابو القاسم حسین بن روح بن ابو بحر نوبختی، ۴- جناب ابو الحسن علی بن محمد سمري^۱.

این بزرگواران، نایبان امام عصر ارواحنا فداه در زمان غیبت صغری بودند. تمام نامه‌ها و دستورات آن حضرت به واسطه ایشان و با دست ایشان به شیعیان می‌رسید. پس از آن زمان، غیبت کبری پیش آمد و نیابت پایان پذیرفت.



زیارت نواب امام زمان ارواحنا فداه

شیخ طوسی رحمته الله در کتاب «تهذیب الأحکام» و سید بن طاووس رحمته الله در کتاب «مصباح الزائر» آورده‌اند: مستحب است زیارت کردن نایبان خاص و بزرگوار حضرت مهدی ارواحنا فداه را به زیارتی که به جناب حسین بن روح رحمته الله منسوب است.

بدین صورت که کنار قبر مطهر جناب عثمان بن سعید رحمته الله ایستاده و بگوییم:

۱. آیه الله سید احمد مستنبط رحمته الله می‌گوید: ممکن است این چهار نفر از اصحاب بقیه ائمه علیهم السلام دارای فضیلت بیشتری بوده، بلکه بعید نیست معصوم باشند. و در حال حاضر نیز واسطه بین امام و شیعیان هستند؛ همان گونه که در دوران غیبت صغری حدود هفتاد سال دارای این مقام بودند. (الزيارة والبشارة: ۱/۱۳۲)

السَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ

سلام بر رسول خدا؛ سلام بر امیر و فرمانروای مؤمنان، حضرت علی بن

أَبِي طَالِبٍ، السَّلَامُ عَلَى خَدِيجَةَ الْكُبْرَى، السَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ

ابی طالب؛ سلام بر حضرت خدیجه، بزرگترین زن؛ سلام بر حضرت فاطمه

الزَّهْرَاءِ، السَّلَامُ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ، السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ

زهرا؛ سلام بر امام حسن فرزند حضرت علی؛ سلام بر امام حسین، فرزند

عَلِيٍّ، السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ

حضرت علی؛ سلام بر علی بن الحسین (امام سجاد)، سلام بر محمد بن علی (امام باقر)،

عَلِيٍّ، السَّلَامُ عَلَى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، السَّلَامُ عَلَى مُوسَى بْنِ

سلام بر جعفر بن محمد (امام صادق)، سلام بر موسی بن جعفر (امام کاظم)،

جَعْفَرٍ، السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ

سلام بر علی بن موسی (امام رضا)، سلام بر محمد بن علی (امام جواد)،

عَلِيٍّ، السَّلَامُ عَلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ، السَّلَامُ عَلَى الْحَسَنِ بْنِ

سلام بر علی بن محمد (امام هادی)، سلام بر حسن بن علی (امام عسکری)؛

عَلِيٍّ، السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الْمَهْدِيِّ صَاحِبِ الزَّمَانِ،

سلام بر محمد بن حسن، حضرت مهدی صاحب عصر و زمان (عجل الله فرجه).

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَثْمَانَ بْنَ سَعِيدٍ، أَشْهَدُ أَنَّكَ بَابُ الْمَوْلَى، أَدَّيْتُ

سلام بر تو ای عثمان بن سعید؛ گواهی می‌دهم که تو باب و راه رسیدن به مولای من هستی؛ پیغام‌ها را از او به دیگران،

عَنْهُ وَأَدَّيْتُ إِلَيْهِ، مَا خَالَفْتَهُ وَلَا خَالَفْتَ عَلَيْهِ، قُمْتَ خَاصًّا،

و از دیگران به او رسانیدی؛ نه با او مخالفت کردی و نه کسی را علیه او به مخالفت برانگیختی؛ بپا خاستی در حالی که اولین نایب خاص بودی

وَأَنْصَرَفْتَ سَابِقًا، جِئْتُكَ عَارِفًا بِالْحَقِّ الَّذِي أَنْتَ عَلَيْهِ، وَأَنَّكَ مَا

و از دنیا رفتی در حالی که بر همه (از نظر عقیده) سبقت گرفتی. در حالی خدمتت شرفیاب شده‌ام که حقی را که تو بر آن هستی می‌شناسم، و

خُنتَ فِي التَّأْدِيَةِ وَالسَّفَارَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ مِنْ بَابِ مَا أَوْسَعَكَ،

می‌دانم که در ادای رسالت و انجام وظیفه سفیربودنت هیچ خیانتی انجام نداده‌ای، سلام بر تو ای در رحمتی که بسیار گسترش داشتی؛

وَمِنْ سَفِيرٍ مَا أَمَّنَكَ، وَمِنْ ثِقَةٍ مَا أَمَّكَ، أَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ

و ای سفیری که بسیار امانت‌دار و مورد اعتماد بودی؛ و ای مورد اطمینانی که قدرتت بسیار بالا بود. گواهی می‌دهم که خداوند

اِخْتَصَّكَ بِنُورِهِ حَتَّى عَايَنْتَ الشَّخْصَ، فَأَدَيْتَ عَنْهُ وَأَدَيْتَ إِلَيْهِ.

تو را به نورش اختصاص داد تا آن که شخص مبارک حضرتش را با چشم دیدی، و بدین سان پیغام‌ها را از او به دیگران و از دیگران به او رسانیدی.

سپس بر پیامبر و امامان علیهم‌السلام تا امام زمان ارواحنا فداه دوباره سلام می‌دهی و می‌گویی:

جِئْتُكَ مُخْلِصاً بِتَوْحِيدِ اللَّهِ وَمُؤَالَاةِ أَوْلِيَاءِهِ، وَالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِهِمْ

با یگانه دانستن خالصانه خداوند و دوستی و موالات خالصانه اولیای الهی، و بیزاری از دشمنانشان

وَمِنَ الَّذِينَ خَالَفُوكَ، يَا حُجَّةَ الْمَوْلَى، وَبِكَ اللَّهُمَّ تَوَجَّهِي،

و بیزاری از کسانی که با تو مخالفت کردند، خدمتت شرفیاب شدم. ای دلیل و حجت مولا امام زمان بر ما؛ بارالها! تنها به تو روی آورده و توجّه دارم.

وَبِهِمْ إِلَيْكَ تَوَسَّلِي.

و تنها به واسطه این بزرگواران به سوی تو توسل می‌جویم.

پس از آن، هر دعایی که می‌خواهی بخوان و حاجت و خواسته‌ات را از خدای تعالی بخواه.

آن گاه دیگر نایبان بزرگوار را نیز همین گونه زیارت کن، و تنها به جای اسم «عثمان بن سعید»، نام همان نایبی را که زیارت می‌کنی بگو.^۱



زیارت نایب اول

جناب عثمان بن سعید رضوان الله علیه

علامه مجلسی رحمته‌الله می‌فرماید: در یکی از نسخه‌های کهن از تألیفات عالمان بزرگوار شیعه که مورد اعتماد می‌باشند، زیارتی برای مولایمان جناب عثمان بن سعید عمری اسدی رضی‌الله‌عنه دیدم که این گونه است:

۱. مفتاح الجنات: ۴۶۲/۱ به نقل از مصباح الزائر: ۵۱۴.

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ، النَّاصِحُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ وَلَا وُليَّائِهِ،

سلام بر تو، ای بنده شایسته که خیرخواهی برای خدا، رسولش و اولیایش کردی؛

الْمُجِدُّ فِي خِدْمَةِ مُلُوكِ الْخَلَائِقِ، أَمْنَاءِ اللَّهِ وَأَصْفِيَاءِهِ، السَّلَامُ

به طور جدی و فعال، در خدمت پادشاهان حقیقی مخلوقات، یعنی امینان خداوند و برگزیدگانش بودی؛

عَلَيْكَ أَيُّهَا الْبَابُ الْأَعْظَمُ، وَالصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ، وَالْوَلِيُّ الْأَكْرَمُ،

سلام بر تو ای بزرگ‌ترین باب و واسطه، و ای راه بسیار استوار، و ای ولی و سرپرست بسیار بزرگوار.

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُتَوَجُّجُ بِالْأَنْوَارِ الْإِمَامِيَّةِ، الْمُتَسَرِّبِلُ

سلام بر تو ای کسی که تاجی از نورهای امامیه بر سر داری؛ کسی که پوشیده شده‌ای

بِالْجَلَابِيبِ الْمَهْدِيَّةِ، الْمَخْصُوصِ بِالْأَسْرَارِ الْأَحْمَدِيَّةِ، وَالشُّهْبِ

به پوشش‌های مهدویت؛ کسی که اختصاص یافتی به اسرار احمدی و ستاره‌های درخشان

الْعَلَوِيَّةِ، وَالْمَوَالِدِ الْفَاطِمِيَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا قُرَّةَ الْعُيُونِ،

علوی، و فرزندان حضرت فاطمه علیها السلام؛ سلام بر تو ای نور دیدگان

وَالسِّرِّ الْمَكْنُونِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَرَجَ الْقُلُوبِ، وَنَهَايَةَ

و راز پنهان؛ سلام بر تو ای راحتی دل‌ها و گشایش‌دهنده قلب‌ها، و نهایت

الْمَطْلُوبِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَمْسَ الْمُؤْمِنِينَ، وَرُكْنَ الْأَشْيَاعِ

خواهش‌ها و خواسته‌ها؛ سلام بر تو ای خورشید مؤمنان، و تکیه‌گاه شیعیان

الْمُنْقَطِعِينَ، السَّلَامُ عَلَى وَلِيِّ الْأَيْتَامِ، وَعَمِيدِ الْجَحَاجِحَةِ

راه‌گم‌کرده و دور از امام، سلام بر سرپرست یتیمان (آل محمد علیهم السلام)، و مورد اعتماد سروران

الْكِرَامِ، السَّلَامُ عَلَى الْوَسِيلَةِ إِلَى سِرِّ اللَّهِ فِي الْخَلَائِقِ، وَخَلِيفَةَ

بزرگوار؛ سلام بر وسیله و واسطه دسترسی به سزای الهی که در بین مردم است؛ و جانشین

وَلِيِّ اللَّهِ الْفَاتِقِ الرَّاتِقِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَائِبَ قِوَامِ الْإِسْلَامِ،

ولی خدا که به رفق و فتق امور شیعیان و مردم می‌پردازد. سلام بر تو ای نایب کسی که پایداری اسلام به واسطه اوست؛

وَبَهَاءِ الْأَيَّامِ، وَحُجَّةِ اللَّهِ الْمَلِكِ الْعَلَّامِ عَلَى الْخَاصِّ وَالْعَامِّ،

و روشنی و درخشندگی ایام است؛ و حجت خداوند که صاحب ملک و ملکوت و بسیار دانا است - بر همه مردم از خواص و عوام؛

الْفَارُوقِ بَيْنَ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ، وَالنُّورِ الزَّاهِرِ، وَالْمَجْدِ الْبَاهِرِ

همان کسی که حلال و حرام را از هم جدا می‌کند، و روشنی تابان، و شکوه زیبا و درخشان،

فِي كُلِّ مَوْقِفٍ وَمَقَامٍ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ بَقِيَّةِ الْأَنْبِيَاءِ وَخَيْرَةِ

در هر جایگاه و توقفگاه است؛ سلام بر تو ای ولی و نماینده باقی‌مانده پیامبران و برگزیده

إِلَى السَّمَاءِ، الْمَخْتَصَّ بِأَعْلَى مَرَاتِبِ الْمُلْكِ الْعَظِيمِ، الْمُنْجِي مِنْ

خدای آسمان؛ که بلندترین مرتبه‌ها در هستی اختصاص به او دارد؛ باعث نجات همگان از

مَتَالِفِ الْعَطَبِ الْعَمِيمِ، ذِي اللُّوَاءِ الْمَنْصُورِ، وَالْعِلْمِ الْمَنْشُورِ،

حوادث هلاکت‌بار فراگیر و همه‌گیر اوست؛ دارای بیرق پیروز، و پرچم افراشته

وَالْعِلْمِ الْمَسْتُورِ، وَالْمَحَجَّةِ الْعُظْمَى، وَالْحُجَّةِ الْكُبْرَى، سُلَالَةَ

و دانش پنهان، و طریقه و راه و روش بزرگ‌مرتبه، و دلیل و برهانی والا، و از نسل سروران

الْمُقَدَّسِينَ، وَذُرِّيَّةِ الْمُرْسَلِينَ، وَابْنِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَبَهْجَةِ

پاک و از فرزندان فرستادگان الهی، و فرزند آخرین و ارجمندترین پیامبر، و نشاط و شادمانی

الْعَابِدِينَ، وَرُكْنِ الْمُوَحِّدِينَ، وَوَارِثِ الْخَيْرَةِ الطَّاهِرِينَ، صَلَّى

پرستش‌مندان، و تکیه‌گاه یکتاپرستان، و ارث‌برنده از بهترین پاکان است. درود پیوسته

اللَّهُ عَلَيْهِمْ صَلَاةً لَا تَنْفَدُ وَإِنْ نَفَدَ الدَّهْرُ، وَلَا تَحُولُ وَإِنْ حَالَ

الهی بر ایشان؛ درودی که پایان نپذیرد، گرچه روزگار پایان یابد؛ درودی که دگرگون نشود گرچه

الزَّمَنُ وَالْعَصْرُ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَقْدَمُ بَيْنَ يَدَيْ سُؤَالِي، الْأَعْتِرَافَ

زمان و عصر دگرگون گردد. بارالها؛ من پیش از عرض حال و درخواستم به پیشگاه مقدس تو،

لَكَ بِالْوَحْدَانِيَّةِ، وَلِمُحَمَّدٍ بِالنُّبُوَّةِ، وَلِعَلِيِّ بِالْإِمَامَةِ، وَلِذُرِّيَّتَيْهِمَا

اعتراف خود به یگانگی تو را؛ و نیز اعتراف به پیامبر بودن حضرت محمد ﷺ، امامت حضرت علیؑ، و

بِالْعِصْمَةِ وَفَرَضِ الطَّاعَةِ، وَبِهَذَا الْوَلِيِّ الرَّشِيدِ، وَالْمَوْلَى

عصمت‌داشتن و واجب‌الطاعة بودن نسل پاک این دو بزرگوار را تقدیم و پیشکش می‌کنم. و همچنین به این سرپرست و نماینده راه‌یافته و این

السَّدِيدِ، أَبِي مُحَمَّدٍ عُثْمَانَ بْنِ سَعِيدٍ، أَتَوَسَّلُ إِلَى اللَّهِ بِالشَّفَاعَةِ

مولای باثبات و استقامت یعنی جناب ابو محمد عثمان بن سعید، به سبب شفاعت او به سوی خداوند توسل می‌جویم.

إِلَيْهِ، لِيَشْفَعَ إِلَيَّ شُفْعَائِهِ، وَأَهْلٍ مَوَدَّتِهِ وَخُلَصَائِهِ، أَنْ

تا شفاعت کند نزد شفیعیانش و آنها که مودت و دوستی ایشان را دارند و خود را در راه آنان خالص نموده‌اند که

يَسْتَنْقِذُونِي مِنْ مَكَارِهِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ

مرا از ناخوش‌آیندهای دنیا و آخرت نجات بخشند. بارالها؛ من به واسطه

بِعَبْدِكَ عُثْمَانَ بْنِ سَعِيدٍ، وَأَقْدَمُهُ بَيْنَ يَدَيَّ حَوَائِجِي أَنْ تُصَلِّيَ

بنده خوبت جناب عثمان بن سعید، به تو متوسل می‌شوم؛ و او را پیشاپیش حوائجم مقدم می‌دارم که

عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَشِيعَتِهِ وَأَوْلِيَائِهِ، وَأَنْ تَغْفِرَ لِي الْحَوْبَ

بر محمد و آل محمد و شیعیان و دوستانشان درود فرستی، و گناهان و اشتباهاتم را ببخشی،

وَالْخَطَايَا، وَتَسْتُرْ عَلَيَّ الزَّلَلَ وَالسَّيِّئَاتِ، وَتَرْزُقَنِي السَّلَامَةَ

و لغزش‌ها و زشتی‌ها را بر من ببوشانی، و سالم ماندن

مِنَ الرَّزَايَا. فَكُنْ لِي يَا وَلِيَّ اللَّهِ شَافِعًا نَافِعًا، وَرُكْنًا مَنِيعًا

از مصیبت‌ها را نصیب گردانی. بدین سان، ای ولی خدا؛ واسطه‌گری سودمند، و تکیه‌گاهی محکم

دَافِعًا، فَقَدْ أَلْقَيْتُ إِلَيْكَ بِالْأَمَالِ، وَوَثِقْتُ مِنْكَ بِتَخْفِيفِ الْأَثْقَالِ،

و مدافع برای من باش؛ می‌دانی که با آرزوهای فراوان نزدت آمده‌ام، و اطمینان دارم که سنگینی گناهان مرا کم می‌کنی،

وَقَرَعْتُ بِكَ يَا سَيِّدِي بَابَ الْحَاجَةِ، وَرَجَوْتُ مِنْكَ جَمِيلَ

و به واسطه تو اقدام به کوبیدن درب حاجت کرده‌ام، و از تو امید بهترین

سِفَارَتِكَ، وَحُصُولَ الْفَلَاحِ بِمَقَامِ غِيَاثٍ أَعْتَمِدُ عَلَيْهِ وَأَقْصِدُ إِلَيْهِ،

پیغام‌رسانی را دارم، و امیدوارم به واسطه شما رستگاری حاصل کنم به جایگاه دادرسی که به او اعتماد دارم و به قصد دستیابی به

وَأَطْرَحُ نَفْسِي بَيْنَ يَدَيْهِ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

او نزد شما آمده‌ام، و جانم را پیش رویش بیفکنم. سلام و رحمت و برکات خداوند نثار باد.

سپس، نماز زیارت را به جای آورده و به او و دیگر کسانی که در نیابت با او شریک

بوده‌اند هدیه کن، درود خدا بر همه آنان باد. سپس در حالی که رو به روی ایشان

می‌باشی، با آن بزرگوار وداع کن.^۱

پیامدهای بخش روز دهم

۱. بحار الأنوار: ۲/۱۰۲/۲۹۲.



نماز برای وسعت رزق

که از جناب محمد بن عثمان رضی الله عنه نقل شده است

مبشر بن عبدالعزیز روایت کرده و می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام بودم که یکی از شیعیان وارد شد و عرض کرد: قربانت شوم، من فقیر و نیازمندم.
امام صادق علیه السلام فرمود:

منتظر باش، تا روز چهارشنبه فرارسد؛ آن روز را و روز پنجشنبه و جمعه را که بعد از آن است روزه بگیر. هنگام ظهر روز جمعه، بر بالای پشت بامت یا به دشت و صحرا برو و به گونه‌ای که هیچ کس تو را نبیند رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیارت کن، آن گاه در همان جا دو رکعت نماز به جای آور. سپس بر دو زانویت بنشین و آن‌ها را بر زمین بچسبان و در حالی که رو به قبله هستی دست راستت را بالای دست چپت رو به آسمان بالا ببر و بگو:

اللَّهُمَّ أَنْتَ أَنْتَ، انْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْكَ، وَخَابَتِ الْأُمَالُ إِلَّا فِيكَ،

خدایا! تو، تویی؛ امید، جز از تو بریده شد؛ و آرزوها، جز در مورد تو ناکام گشت؛

يَا ثِقَّةَ مَنْ لَا ثِقَّةَ لَهُ، لَا ثِقَّةَ لِي غَيْرُكَ، اجْعَلْ لِي مِنْ أَمْرِي فَرَجًا

ای تنها مورد اطمینان کسی که هیچ شخص مورد اطمینانی ندارد؛ من نیز هیچ شخص مورد اعتمادی جز تو ندارم؛ در کارم راحتی

وَمَخْرَجًا، وَارْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ، وَمِنْ حَيْثُ لَا أَحْتَسِبُ.

و گشایش و گریزگاهی قرار بده و از جایی که گمان می‌برم و حتی از جایی که گمان نیز نمی‌برم به من روزی و نصیب برسان.

سپس روی زمین سجده کن و بگو: يَا مُغِيثُ، اجْعَلْ لِي رِزْقًا مِنْ فَضْلِكَ.

ای فریادرس؛ برای من روزی و نصیبی از فضلت قرار ده.

پس خورشید روز شنبه طلوع نخواهد کرد مگر با رزق و روزی تازه‌ای که برایت فراهم شده باشد.

احمد بن مابنداذ - راوی این حدیث - می گوید: به ابو جعفر جناب محمد بن عثمان بن سعید عُمَری رضی اللہ عنہ عرض کردم: اگر کسی بخواهد این نماز و دعای درخواست رزق را بخواند و در شهر مدینه نباشد، باید چه کند؟

فرمود: آقا و سرورمان رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله و سلم را در حرم امامی که در شهر و سرزمین خودش است در قسمت بالای سر آن امام زیارت کند.

عرض کردم: اگر در شهر خودش قبر هیچ یک از امامان نباشد، چه کند؟

فرمود: بعضی از مؤمنان نیکوکار و شایسته را زیارت کند، و سپس به صحرا برود، و در قسمت راست صحرا دستوری را که در روایت آمده است اجرا کند؛ ان شاء الله این کار باعث رستگاری و کامیابی او خواهد بود.^۱



دعای مهم

که جناب محمد بن عثمان رضی اللہ عنہ آن را بسیار عظیم و باارزش دانسته است

این دعا را حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و امام باقر و امام صادق علیهم السلام می خوانده اند، دعای حاضر را به جناب ابو جعفر محمد بن عثمان رضی اللہ عنہ عرضه کردند، فرمود: دعایی مانند این دعا وجود ندارد و خواندن این دعا، از باارزش ترین عبادت هاست.
دعا این است:

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ رَبِّيْ وَاَنَا عَبْدُكَ، اَمَنْتُ بِكَ مُخْلِصًا لَكَ عَلٰى عَهْدِكَ

بارالها؛ تو پروردگار من هستی، و من بنده توام؛ مخلصانه به تو ایمان آوردم، و در حدّ توأم و تا آنجا که

وَوَعْدِكَ مَا اسْتَطَعْتُ، اَتُوْبُ اِلَيْكَ مِنْ سُوْءِ عَمَلِي، وَاَسْتَغْفِرُكَ

توانستم بر عهد و پیمانی که با تو دارم هستم؛ از بدرفتاری هایم توبه کرده و به سوی تو باز می گردم،

لِذُنُوْبِي الَّتِي لَا يَغْفِرُهَا غَيْرُكَ، اَصْبَحَ ذَلِي مُسْتَجِيْرًا بِعِزَّتِكَ،

و در مورد گناهاتم که جز تو بخشنده ای برای آنها وجود ندارد، از تو طلب بخشش می کنم. ضعف و ذلت من پناهنده به عزت و قدرت تو گردیده،

۱. مصباح المتهدّد: ۳۲۹، البلد الامین: ۴۷۵.

وَأَصْبَحَ فَقْرِي مُسْتَجِيرًا بِغِنَاكَ، وَأَصْبَحَ جَهْلِي مُسْتَجِيرًا

و برای برطرف شدن نیازم به بی‌نیازی تو پناه آوردم، و نادانی خود را با آویختن

بِحِلْمِكَ، وَأَصْبَحَتْ قَلَّةُ حِيلَتِي مُسْتَجِيرَةً بِقُدْرَتِكَ. وَأَصْبَحَ

به حلم و بردباری تو جبران می‌کنم، و بیچارگی خود را با پناه آوردن به قدرت تو برطرف می‌کنم.

خَوْفِي مُسْتَجِيرًا بِأَمَانِكَ، وَأَصْبَحَ دَائِي مُسْتَجِيرًا بِدَوَائِكَ،

ترسم به دامن امان و امنیت تو پناه آورده، دردم به دواي تو پناه آورده است؛

وَأَصْبَحَ سُقْمِي مُسْتَجِيرًا بِشِفَائِكَ، وَأَصْبَحَ حَيْنِي مُسْتَجِيرًا

ببیماریم در پناه شفای تو آمده، از هلاکت و نابودی‌ام دست به دامن

بِقَضَائِكَ، وَأَصْبَحَ ضَعْفِي مُسْتَجِيرًا بِقُوَّتِكَ، وَأَصْبَحَ ذَنْبِي

قضای تو شده‌ام، ناتوانی من از نیروی تو کمک می‌جوید، و گناهانم

مُسْتَجِيرًا بِمَغْفِرَتِكَ، وَأَصْبَحَ وَجْهِي الْفَانِي الْبَالِي مُسْتَجِيرًا

در پی بخشش تو، و رخسار نابودشدنی و کهنه‌شونده‌ام

بِوَجْهِكَ الْبَاقِي الدَّائِمِ الَّذِي لَا يَبْلَى وَلَا يَفْنَى. يَا مَنْ لَا يُوَارِيهِ

به روی مبارک و همیشگی و پایدار تو که فنا و کهنگی در آن نیست پناهنده شده است. ای کسی که پنهان نمی‌کند

لَيْلٌ دَاجٍ، وَلَا سَمَاءٌ ذَاتُ أَبْرَاجٍ، وَلَا حُجُبٌ ذَاتُ ارْتِجَاجٍ (أَبْرَاجٍ)،

شب تاریک از او چیزی را، و نه آسمان پر از برج‌ها (مجموعه ستارگان)، و نه حجاب‌های پیوسته

وَلَا مَاءٌ ثَجَّاجٌ فِي قَعْرِ بَحْرِ عَجَاجٍ، يَا دَافِعَ السَّطَوَاتِ، يَا كَاشِفَ

و نه آب‌های ریزان در ژرفای دریا، ای کسی که چیرگی دشمنان را برطرف می‌کند، ای کسی که

الْكُرْبَاتِ، يَا مُنْزِلَ الْبَرَكَاتِ مِنْ فَوْقِ سَبْعِ سَمَاوَاتٍ. أَسْأَلُكَ يَا

اندوه‌ها را برطرف می‌کند، ای کسی که برکت‌ها را از بالای هفت آسمان می‌فرستد، ای

فَتَّاحُ يَا نَفَّاحُ يَا مُرْتَّاحُ، يَا مَنْ بِيَدِهِ خَزَائِنُ كُلِّ مِفْتَاحٍ، أَنْ

بسیار گشایش‌گر، ای بسیار نعمت‌دهنده؛ ای راحتی؛ ای کسی که گنجینه‌های تمام کلیدها در دست توست؛

تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ الطَّاهِرِينَ الطَّيِّبِينَ، وَأَنْ تَفْتَحَ

از تو در خواست می‌کنم بر محمد و آل محمد - که پاک و پاکیزه‌اند - درود بفرستی و

لِي مِنْ خَيْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَنْ تَحْجُبَ عَنِّي فِتْنَةَ الْمُوَكَّلِ بِي،

از خیر و خوشی دنیا و آخرت برایم گشایش کنی، و هر فتنه‌ای را که دامنگیر من شده است برداری؛

وَلَا تُسَلِّطْهُ عَلَيَّ فَيُهْلِكُنِي، وَلَا تَكِلْنِي إِلَى أَحَدٍ طَرْفَةَ عَيْنٍ؛

و بر من مسلطش نکنی که نابودم کند؛ و حتی یک چشم بر هم زدن مرا به کسی (جز خودت) وامگذار؛

فَيَعْجَزَ عَنِّي، وَلَا تَحْرِمْنِي الْجَنَّةَ، وَارْحَمْنِي وَتَوَفَّنِي مُسْلِمًا،

زیرا نمی‌تواند برایم کاری بکند. مرا از بهشت محروم مساز، و به من رحم کن، و مرا مسلمان بمیران،

وَأَلْحِقْنِي بِالصَّالِحِينَ، وَارْحَمْنِي بِالْحَلَالِ عَنِ الْحَرَامِ، وَبِالطَّيِّبِ

و به صالحان و شایستگان ملحق کن، و به سبب حلال از حرام و به سبب پاک

عَنِ الْخَبِيثِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ خَلَقْتَ الْقُلُوبَ عَلَيَّ

از ناپاکی مرا بی‌نیاز گردان و کفایت کن، ای مهربان‌ترین مهربانان. بارخدایا؛ دل‌ها را بر اساس

إِرَادَتِكَ، وَفَطَرْتَ الْعُقُولَ عَلَيَّ مَعْرِفَتِكَ، فَتَمَلَّمْتِ الْأَفِيدَةَ مِنْ

اراده خودت آفریدی، و عقل‌ها را با شناخت خودت به وجود آوردی؛ بدین سان، دل‌ها از

مَخَافَتِكَ، وَصَرَخْتَ الْقُلُوبُ بِالْوَالِهِ، وَتَقَاصَرَ وَسْعُ قَدْرِ الْعُقُولِ

ترس تو ناآرام گردید، و قلب‌ها صدا و فریاد در دادند که حیران تواند، و توان عقل‌ها

عَنِ الثَّنَاءِ عَلَيْكَ، وَانْقَطَعَتِ الْأَلْفَاظُ عَنْ مِقْدَارِ مَحَاسِنِكَ،

در ثناگویی تو کم شد، و کلمات تمام شدند و نتوانستند اندازه خوبی‌هایت را دریابند،

وَكَلَّتِ الْأَلْسُنُ عَنْ إِحْصَاءِ نِعَمِكَ، فَإِذَا وَلَجَتْ بِطُرُقِ الْبَحْثِ عَنْ

و زبان‌ها از شمارش نعمت‌هایت خسته شدند و هر گاه خواستند به هر شکلی صفات تو را بازگو کنند

نِعَتِكَ بَهْرَتُهَا حَيْرَةٌ الْعَجْزُ عَنْ إِدْرَاكِ وَصْفِكَ. فَهِيَ تَتَرَدَّدُ فِي

در ناتوانی از درک صفات تو حیرت‌زده شدند. پس آن دچار تردید شد در

التَّقْصِيرِ عَنْ مُجَاوَزَةِ مَا حَدَّدْتَ لَهَا، إِذْ لَيْسَ لَهَا أَنْ تَتَجَاوَزَ مَا

کوتاهی کردن نسبت به گذشتن از حد مجازی که برایش تعیین کردی؛ چرا که حق ندارد از حد مجازی که به او

أَمَرَتْهَا، فَهِيَ بِالْإِقْتِدَارِ عَلَيَّ مَا مَكَّنْتَهَا تَحْمَدُكَ بِمَا أَنْهَيْتَ إِلَيْهَا،

فرمان داده‌ای عبور کرده و بگذرد، و آن قدرت دارد طبق آنچه به او توانایی داده‌ای تو را ستایش کند به مقداری که به او نیرو رسانیده‌ای،

وَالْأَلْسُنُ مُنْبَسِطَةٌ بِمَا تُمَلِي عَلَيْهَا، وَلَكَ عَلَى كُلِّ مَنْ اسْتَعْبَدْتَ

و زبان‌ها تا جایی که تو برای‌شان املا کردی گویا هستند. بدین جهت حق تو بر تمام

مِنْ خَلْقِكَ إِلَّا يَمْلُؤُوا مِنْ حَمْدِكَ، وَإِنْ قَصُرَتْ الْمَحَامِدُ عَنْ

آفریده‌هایی که باید تو را بپرستند آن است که از ستایش تو خسته و افسرده نشوند؛ با این که هر چه تو را بستايند

شُكْرِكَ عَلَى مَا أَسَدَيْتَ إِلَيْهَا مِنْ نِعْمِكَ. فَحَمْدُكَ بِمَبْلَغِ طَاقَةِ

و سپاس گذارند، باز هم ستایش‌ها در مقابل نعمت‌هایت نارسا است. پس ستایشگران به اندازه توان

جُهْدِهِمْ (حَمْدِهِمْ) الْحَامِدُونَ، وَاعْتَصَمَ بِرَجَاءِ عَفْوِكَ الْمُقَصِّرُونَ،

و کوشش خود تو را ستایش کردند، و مقصران به رشته عفو و بخشش تو چنگ زدند،

وَأَوْجَسَ بِالرُّبُوبِيَّةِ لَكَ الْخَائِفُونَ، وَقَصَدَ بِالرَّغْبَةِ إِلَيْكَ الطَّالِبُونَ،

و ترسناکان از مقام ربوبیت تو لرزاندند، و آن‌ها که در جستجوی تو با اشتیاق به درگاهت می‌شتابند،

وَأَنْتَسَبَ إِلَى فَضْلِكَ الْمُحْسِنُونَ، وَكُلُّ يَتَقِيًّا فِي ظِلَالِ تَأْمِيلِ

و نیکوکاران، منتسب به فضل و فزون بخشی تو؛ همگی نیز در سایه آرزوی

عَفْوِكَ، وَيَتَضَائَلُ بِالذُّلِّ لِحَوْفِكَ، وَيَعْتَرِفُ بِالتَّقْصِيرِ فِي

عفو تو نشسته‌اند، و در هراس از تو، و به کوتاهی در سپاس تو اعتراف دارند.

شُكْرِكَ. فَلَمْ يَمْنَعَكَ صُدُوفٌ مِّنْ صَدَفٍ عَنْ طَاعَتِكَ، وَلَا

آن‌ها که از فرمان‌برداریت رو گردان‌اند، یا به

عُكُوفٌ مِّنْ عَكَفٍ عَلَى مَعْصِيَتِكَ أَنْ أُسْبِغَتْ عَلَيْهِمُ النَّعْمُ،

نافرمانیت مشغول‌اند، تو را مانع نشد و باز نداشت از این که نعمت‌هایت را بر ایشان سرازیر کنی،

وَأَجْزَلَتْ لَهُمُ الْقِسْمُ، وَصَرَفَتْ عَنْهُمْ النَّقْمُ، وَخَوَّفَتْهُمْ عَوَاقِبُ

و نصیب و قسمت ایشان را فراوان گردانی؛ و بلاها و مصیبت‌ها را از آن‌ها بگردانی، و از عاقبت و آینده که دچار ندامت

النَّدَمِ، وَضَاعَفَتْ لِمَنْ أَحْسَنَ، وَأَوْجِبَتْ عَلَى الْمُحْسِنِينَ شُكْرَ

و پشیمانی می‌شوند بترسانی، و برای کسی که نیکی کند چند برابر پاداش دهی. بر نیکوکاران لازم کردی که شکر و سپاس تو را در برابر

تَوْفِيقِكَ لِلْإِحْسَانِ، وَعَلَى الْمُسِيِّءِ شُكْرَ تَعَطُّفِكَ بِالْإِمْتِنَانِ،

توفیق نیکوکاری به جای آورند، و بر بدکاران نیز واجب کردی تا شکر و سپاس تو را به خاطر مهربانی و ممت نهادنت به جای آورند؛

وَوَعَدْتُمْ مَحْسِنَهُمْ بِالزِّيَادَةِ فِي الْإِحْسَانِ مِنْكَ. فَسُبْحَانَكَ

البته به نیکوکاران نیز وعده دادی احسان و نیکی خود را به ایشان - در برابر سپاسشان - افزون گردانی. ای خدای سبحان! تو چه قدر منزّه و

تُشِيبُ عَلَيَّ مَا بَدَأْتَهُ مِنْكَ، وَانْتِسَابُهُ إِلَيْكَ، وَالْقُوَّةُ عَلَيْهِ بِكَ،

بی‌عیبی! چون، پاداشی که می‌دهی در ازای چیزی است که آغازش از ناحیه تو است، و همه می‌دانند از جانب توست، و توان انجام آن را نیز

وَالْإِحْسَانُ فِيهِ مِنْكَ، وَالتَّوَكُّلُ فِي التَّوْفِيقِ لَهُ عَلَيْكَ، فَلَكَ

خودت داده‌ای، و این نیکی از جانب توست، و توفیق بر انجام آن نیز با توکل بر تو حاصل می‌شود. پس تو را

الْحَمْدُ حَمْدٌ مَنْ عِلْمٌ أَنَّ الْحَمْدَ لَكَ، وَأَنَّ بَدَأَهُ مِنْكَ، وَمَعَادَهُ

ستایش می‌کنم؛ ستایش کسی که می‌داند ستایش‌ها ویژه توست، و آغازش از تو بوده، و بازگشت آن نیز

إِلَيْكَ حَمْدًا لَا يَقْصُرُ عَنْ بُلُوغِ الرِّضَا مِنْكَ، حَمْدٌ مَنْ قَصْدَكَ

به سوی خودت است؛ ستایشی که مرا به طور حتم به رضایت و خشنودیت می‌رساند؛ ستایش کسی که

بِحَمْدِهِ، وَاسْتَحَقَّ الْمَزِيدَ لَهُ مِنْكَ فِي نِعْمِهِ، وَلَكَ مُؤَيِّدَاتٌ مِنْ

با ستایش خود تو را قصد کرده، و بدین سان استحقاق فزونی نعمت‌هایت را نیز پیدا کرده است. و تو تأییدکنندگانی از

عَوْنِكَ، وَرَحْمَةٌ تَخُصُّ بِهَا مَنْ أَحْبَبْتَ مِنْ خَلْقِكَ. فَصَلِّ عَلَيَّ

راه کمک‌رسانی داری؛ و مرحمتی که به هر یک از آفریدگانت که دوستش داشته باشی اختصاص خواهی داد. پس بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَاخْصُصْنَا مِنْ رَحْمَتِكَ وَمُؤَيِّدَاتِ لُطْفِكَ، بِأَوْجِبِهَا

محمد و آل او درود بفرست، و ما را از آن رحمت‌ها و الطاف تأیید کننده و موفقیت بارت ارزانی دار که

لِلْإِقَالَاتِ، وَأَعْصِمِهَا مِنَ الْأَضَاعَاتِ، وَأَنْجِهَا مِنَ الْهَلَكَاتِ،

بیشتر باعث درگذشتن از گناهان، و حفظ از تباهی‌ها، و نجات از هلاکت‌ها،

وَأَرْشِدِهَا إِلَى الْهُدَايَاتِ، وَأَوْقَاها مِنَ الْآفَاتِ، وَأَوْفِرْهَا مِنْ

و راهنمایی به مسیرهای هدایت، و نگهداری از آفت‌ها، و فراوانی خوبی‌ها و

الْحَسَنَاتِ، وَأَنْزِلْهَا بِالْبَرَكَاتِ، وَأَزِيدْهَا فِي الْقِسْمِ، وَأَسْبِغْهَا

نیکی‌ها، و نزول برکت‌ها، و فزونی قسمت‌ها و سهم‌ها، و ریزش و فراوانی

لِلنِّعَمِ، وَأَسْتِرْهَا لِلْعُيُوبِ، وَأَغْفِرْهَا لِلذُّنُوبِ، إِنَّكَ قَرِيبٌ

نعمت‌ها، و پوشش عیب‌ها، و بخشش گناهان گردد. همانا تو نزدیک و

مُجِيبٌ. فَصَلِّ عَلَى خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ، وَصَفْوَتِكَ مِنْ بَرِيَّتِكَ،

پاسخ‌دهنده هستی. پس بر بهترین آفریده‌ات، و برگزیده و زبده مخلوقات،

وَأَمِينِكَ عَلَى وَحْيِكَ بِأَفْضَلِ الصَّلَوَاتِ، وَبَارِكْ عَلَيْهِ بِأَفْضَلِ

و امین وحی خودت، برترین و ارزشمندترین درودها را بفرست و به او به برترین برکت‌ها

الْبَرَكَاتِ، بِمَا بَلَغَ عَنْكَ مِنَ الرِّسَالَاتِ، وَصَدَعَ بِأَمْرِكَ، وَدَعَا

برکت بده؛ آن گونه که او نیز رسالت‌ها و پیغام‌های تو را رساند، و دستورت را آشکار کرد، و به سوی تو فرا خواند،

إِلَيْكَ، وَأَفْصَحَ بِالدَّلَائِلِ عَلَيْكَ بِالْحَقِّ الْمُبِينِ، حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ،

و به طور روشن و فصیح و گویا به آنچه حق و آشکار است به دلیل آوردن بر وجود تو پرداخت؛ تا آن که مرگ به سراغش آمد.

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الْأَوَّلِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ،

خدا در ابتدایان بر او درود فرستد، و در آیندگان نیز بر او درود فرستد،

وَعَلَى آلِهِ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ، وَاخْلُفَهُ فِيهِمْ بِأَحْسَنِ مَا خَلَفْتَ

و بر آل و اهل بیت پاکش نیز درود فرستد، و به بهترین چیزی که جایگزین کردی

بِهِ أَحَدًا مِنَ الْمُرْسَلِينَ بِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. اللَّهُمَّ لَكَ

به آن چیز یکی از رسولانت را، در مورد ایشان جایگزین کن؛ ای مهربان‌ترین مهربانان. بارالها؛ تو

إِرَادَاتٌ لَا تُعَارِضُ دُونَ بُلُوغِهَا الْغَايَاتِ، قَدْ انْقَطَعَ مُعَارَضَتُهَا

اراده‌هایی داری که به طور حتم به مقصد و هدف نهایی خواهند رسید و کسی را یارای درگیری با اراده تو نیست.

بِعَجْزِ الْأِسْتِطَاعَاتِ عَنِ الرَّدِّ لَهَا دُونَ النَّهَايَاتِ، فَأَيَّةُ إِرَادَةٍ

اگر به رویارویی و درگیری اراده تو نیز بیایند ناتوان می‌شوند و به طور حتم به مقصود کامل خودت می‌رسی. پس هر اراده‌ای که

جَعَلْتَهَا إِرَادَةً لِعَفْوِكَ، وَسَبَبًا لِنَيْلِ فَضْلِكَ، وَاسْتِزَالًا لِخَيْرِكَ،

برای بخشش کرده‌ای، و هر سببی که برای رسیدن به فضلت قرار داده‌ای، و هر چیزی را که باعث فرود آمدن خیرات و برکات است؛

فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ، وَصَلِّهَا اللَّهُمَّ بِدَوَامٍ،

بر محمد و اهل بیت محمد درود بفرست، و آنها را به جاودانگی متصل فرما،

وَابْدَأْهَا بِتَمَامٍ، إِنَّكَ وَاسِعُ الْحِبَاءِ، كَرِيمُ الْعَطَاءِ، مُجِيبُ النَّدَاءِ

و به طور کامل آغاز گردان؛ همانا تو دارای بخشش فراگیر، عطای کریمانه، پاسخ‌دهنده به ندا

سَمِيعُ الدُّعَاءِ ١

و شنونده خوبی برای دعا هستی.



دعای سمات

که از نایب دوم جناب محمد بن عثمان رضی الله عنه روایت شده است

محمد بن علی می گوید: در مجلس جناب محمد بن عثمان بن سعید رضی الله عنه حضور داشتیم، ایشان بعد از کلماتی که ذکر کردند فرمودند: ابو عمرو و محمد بن سعید به من خبر داد، و او از محمد بن اسلم و او از محمد بن سنان و ایشان از مفضل بن عمر جعفی، و آن بزرگوار از امام صادق رضی الله عنه روایت کرد. البته در این روایت چنین آمده است که مستحب است این دعا در ساعت پایانی روز جمعه خوانده شود.

شیخ طوسی رضی الله عنه نیز در هنگام بازگو کردن این دعا فرموده است: دعای سمات، از جناب عمری (محمد بن عثمان) رضی الله عنه روایت شده است، و مستحب است در ساعت پایانی روز جمعه خوانده شود.

اکنون متن دعا را طبق روایت کفعمی رضی الله عنه می آوریم:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ، الْأَعَزِّ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ،

بارالها! به واسطه آن نام بزرگ و بزرگ‌ترت از تو درخواست می‌کنم؛ همان نامی که عزت‌مندتر و شکوهمندتر و گرامی است؛

الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَى مَغَالِقِ أَبْوَابِ السَّمَاءِ لِفَتْحِهَا بِالرَّحْمَةِ

همان اسمی که هر گاه بر قفل‌های درهای آسمان به آن اسم خوانده شوی اثر می‌کند و با رحمت تو درهای آسمان

انْفَتَحَتْ، وَإِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَى مَضَائِقِ الْأَرْضِ لِفَرَجِ

باز می‌شود؛ همان نامی که اگر بر گرفتگی‌های درهای زمین برای گشایش به آن اسم خوانده شوی، اثر می‌کند

بِالرَّحْمَةِ انْفَرَجَتْ، وَإِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَى الْعُسْرِ لَيْسَ تَيْسَرًا،

و گشایش ایجاد می‌شود؛ و اگر برای آسان شدن سختی‌ها بدان خوانده شوی، راحتی و آسانی دست می‌دهد

۱. این فقره از دعا در کتاب‌های ادعیه چنین آمده است: «وَإِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَى الْعُسْرِ لَيْسَ تَيْسَرًا» به صورت تأنیث ولی صحیح «تیسر» می‌باشد.

علامه بزرگوار شیخ علی اکبر نهاوندی رحمته در کتاب «العبری الحسان» می‌گوید: خطیب پرهیزکار حاج میرزا حسن نجلی امین الواعظین اردبیلی برای من تعریف کرد و گفت: در سال هزار و سیصد و چهل و سه مشاهده مقدسه عراق را زیارت کردم. تنها آرزوی من و مهم‌ترین حاجتم در این مشاهده مقدسه، تشرّف به خدمت حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه بود.

در کاظمین علیه السلام مشرف بودم و طبق برنامه‌ای که داشتم روزهای جمعه غسل می‌کردم و وارد حرم مطهر می‌شدم و بعد از اداء نماز ظهر و عصر اعمال و مستحبات وارده روز جمعه را انجام می‌دادم و تا وقت نماز مغرب و عشاء در حرم می‌ماندم، سپس از حرم مطهر بیرون می‌آمدم.

روز جمعه‌ای به حرم مطهر مشرف شدم، بالا سر مطهر حضرت جواد علیه السلام نشسته و مشغول قرائت شدم تا آن که وقت دعای سمات - ساعت آخر روز - فرارسید، ازدحام جمعیت به جهت درک ثواب آن ساعت زیاد شد. از زیادی جمعیت جا بر من تنگ شد و از طرفی زمان کمی تا غروب مانده بود، با عجله مشغول خواندن دعای سمات شدم.

ناگاه متوجه شدم که شخص درشت اندام زیبارویی در کنار من نشسته، او عمامه سفیدی به سر بسته و محاسن سیاهی داشت، قامتی معتدل و لباس و محاسنی معمولی داشت و برگونه راستش خالی بود؛ من دعا می‌خواندم و او گوش می‌کرد و عباراتی را که من غلط می‌خواندم تصحیح می‌نمود.

از آن جمله چون این عبارت را خواندم: «وَإِذَا دُعِيَ بِهَا عَلَى الْعُسْرِ لَيْسَ تَيْسَرًا»، فرمود: چرا فعل را مؤنث می‌خوانی در صورتی که فاعل مؤنث نیست؟

گفتم: به جهت رعایت مجانست با افعال ما قبل و ما بعد آن؛ زیرا که افعال در آن‌ها مؤنث آمده است.

فرمود: این مطلب غلط است، البته منظور من از این کلام ایراد به تو نبود، فقط خواستم بدانی، چون تو از اهل علم هستی. من از او به خاطر این مطلب تشکر نمودم، هنگامی که از جا برخاست، در دلم افتاد که بینم این آقا با این اوصاف کیست؟ و چگونه در اینجا نشست با این که از زیادی جمعیت کنار من جایی نبود، دعا را ترک کرده و برخاستم، به دنبال او رفتم تا او را بشناسم؟ و با جدیت تمام او را جستجو نموده ولی پیدا نکردم.

با حالت تأسف نشستم و بقیه دعا را با اشک‌های جاری و ناله تمام کردم، پس از آن هرگاه این قضیه به یادم می‌افتاد آه می‌کشیدم.

به وطنم بازگشتم و این قضیه را فراموش کردم. سه سال گذشت شبی در عالم خواب دیدم که مشرف به حرم مطهر کاظمین علیه السلام شده‌ام، حضرت جواد علیه السلام نشسته است، و آن حضرت گندم‌گون است، من از آن حضرت پیرامون مسائل مشکله سؤال می‌کردم که برخی از آن‌ها را فراموش کرده‌ام.

از مسائلی که به یادم مانده این است که از حضرتش پرسیدم:

من همیشه در مشاهده مشرفه از خدای تعالی می‌خواستم و به شما و نیاکان شما - ائمه طاهرين علیهم السلام - متوسل می‌شدم ←

وَإِذَا دُعِيتَ بِهِ عَلَى الْأَمْوَاتِ لِلنُّشُورِ انْتَشَرْتَ، وَإِذَا دُعِيتَ بِهِ

و اگر برای برانگیخته شدن مردگان، با آن خوانده شوی، مردگان برانگیخته می‌شوند؛ و اگر

عَلَى كَشْفِ الْبُاسَاءِ وَالضَّرَّاءِ انْكَشَفَتْ، وَبِجَلَالِ نُورِ وَجْهِكَ

برای برطرف شدن سختی و بلا و رنج به آن اسم خوانده شوی، برطرف شود. و خدایا؛ تو را به واسطه نور چهره

الْكَرِيمِ أَكْرَمِ الْوُجُوهِ، وَأَعَزِّ الْوُجُوهِ، الَّذِي عَنَتْ لَهُ الْوُجُوهُ،

بزرگوارانه‌ات که با کرامت‌ترین رخسارها، و عزت‌مندترین آنهاست می‌خوانم؛ همان روی مبارکی که همه روها و همه آبروداران در برابرش

وَخَضَعَتْ لَهُ الرِّقَابُ، وَخَشَعَتْ لَهُ الْأَصْوَاتُ، وَوَجِلَتْ لَهُ

خوار و فروتنند، و گردن‌ها در مقابلش خم شده‌اند، و همه صداها در برابر او به لرزه افتاده‌اند، و

الْقُلُوبُ مِنْ مَخَافَتِكَ، وَبِقُوَّتِكَ الَّتِي بِهَا تُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ

دل‌ها از ترس تو در هراسند. و به واسطه قدرتت و نیرو و توانت از تو درخواست می‌کنم؛ نیرویی که با آن آسمان را از افتادن

عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِكَ وَتُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا،

بر روی زمین نگه داشته‌ای - و این تنها با اذن تو خواهد شد - و آسمان‌ها و زمین را از نابودی نگه داشتی،

وَبِمَشِيَّتِكَ الَّتِي دَانَ لَهَا الْعَالَمُونَ، وَبِكَلِمَتِكَ الَّتِي خَلَقْتَ بِهَا

و به واسطه مشیتت و خواست تو از تو درخواست می‌کنم؛ همان مشیتی که جهانیان در مقابلش پای‌بند هستند؛ و نیز تو را می‌خوانم به واسطه

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَبِحِكْمَتِكَ الَّتِي صَنَعْتَ بِهَا الْعَجَائِبَ،

کلمات که آسمان‌ها و زمین را به وسیله آن آفریدی؛ و به حکمتی که با آن چیزهای شگفت‌انگیز را ساختی،

وَخَلَقْتَ بِهَا الظُّلْمَةَ وَجَعَلْتَهَا لَيْلًا، وَجَعَلْتَ اللَّيْلَ سَكَنًا، وَخَلَقْتَ

و تاریکی را آفریدی و آن را شب قرار دادی، و شب را مایه آرامش قرار دادی؛

→ که به دیدار ولی منتظرش سلام الله علیه نائل شوم، ولی دعای من مستجاب نشد.

حضرت فرمود: نه، چنین نیست بلکه تاکنون دو مرتبه آن امام را دیده‌ای: یک مرتبه در راه سامراء، مرتبه دوم موقعی بود که در حرم کاظمین علیه السلام در بالای سر نشسته بودی، و دعای سمات می‌خواندی، شخصی با اوصافی که در یادت هست، کنار تو نشسته بود، تو فقره‌ای از دعا را چنین خواندی: «وَإِذَا دُعِيتَ بِهِ عَلَى الْعَسْرِ لِلْسَّرِّ تَسَّرْتَ»، او ایراد گرفت و اشکال کرد، و فرمود: چرا فعل را مؤنث می‌خوانی در صورتی که فاعل مؤنث نیست؟ او امام زمان تو بود. این را فرمود و من از خواب بیدار شدم.

بِهَا النُّورَ وَجَعَلْتَهُ نَهَاراً، وَجَعَلْتَ النَّهَارَ نُشُوراً مُبْصِراً، وَخَلَقْتَ

و با آن روشنی را آفریده، و آن را روز قرار دادی، و روز را هنگام جنب و جوش به همراه بینایی قرار دادی؛

بِهَا الشَّمْسَ وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ ضِيَاءً، وَخَلَقْتَ بِهَا الْقَمَرَ وَجَعَلْتَ

و با آن خورشید را به وجود آورده و آن را روشنی‌بخش ساختی؛ و با آن ماه را آفریدی و آن را

الْقَمَرَ نُوراً، وَخَلَقْتَ بِهَا الْكَوَاكِبَ وَجَعَلْتَهَا نُجُوماً وَبُرُوجاً،

روشنی شب قرار دادی؛ و با آن ستارگان را خلق کردی و آنها را اختران تابان و برج‌های آسمان

وَمَصَابِيحَ وَزِينَةً وَرُجُوماً لِلشَّيَاطِينِ، وَجَعَلْتَ لَهَا مَشَارِقَ

و چراغ‌ها، و زینت‌بخش، و برای راندن شیطان‌ها قرار دادی، و برای آن مشرق‌ها

وَمَغَارِبَ، وَجَعَلْتَ لَهَا مَطَالِعَ وَمَجَارِيَ، وَجَعَلْتَ لَهَا فَلَكَاً

و مغرب‌ها، و محل‌های طلوع و محل‌های جریان قرار دادی، و برای آن محور و مدار حرکت و محل گردش

وَمَسَابِحَ، وَقَدَّرْتَهَا فِي السَّمَاءِ مَنَازِلَ فَأَحْسَنْتَ تَقْدِيرَهَا،

و شناوری قرار دادی. و در آسمان برای آنها جایگاه مقرر فرمودی و اندازه‌اش را نیکو قرار دادی،

وَصَوَّرْتَهَا فَأَحْسَنْتَ تَصْوِيرَهَا، وَأَحْصَيْتَهَا بِأَسْمَائِكَ إِخْصَاءً،

و صورت بخشیدی، و نیکو صورت‌نگاری کردی؛ و با نام‌هایت به شماره درآوردی،

وَدَبَّرْتَهَا بِحِكْمَتِكَ تَدْبِيراً فَأَحْسَنْتَ تَدْبِيرَهَا، وَسَخَّرْتَهَا بِسُلْطَانِ

و با حکمتت تدبیر نمودی پس به خوبی تدبیر فرمودی، و تحت سلطه

اللَّيْلِ وَسُلْطَانِ النَّهَارِ وَالسَّاعَاتِ، وَعَدَدِ السِّنِينَ وَالْحِسَابِ،

شب و روز و ساعت‌ها و شماره سال‌ها و حساب آنها را مسخر نمودی؛

وَجَعَلْتَ رُؤْيَتَهَا لِجَمِيعِ النَّاسِ مَرَأًى وَاحِداً. وَأَسْأَلُكَ اللَّهُمَّ

و دیدن آنها را برای تمام مردم، یکسان کردی. بارالها! از تو به واسطه

بِمَجْدِكَ الَّذِي كَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ

شکوهت درخواست می‌کنم؛ همان که بدان وسیله با بنده و فرستاده‌ات حضرت موسی پسر عمران

السَّلَامُ فِي الْمُقَدَّسِينَ، فَوْقَ إِحْسَاسِ الْكَرُّوبِيِّينَ، فَوْقَ غَمَائِمِ

- سلام بر او باد - سخن گفתי در میان قدسیان، بالاتر از آن چه کزوبیان قادر به درک آن باشند؛ بالاتر از ابرهای

النُّورِ، فَوْقَ تَابُوتِ الشَّهَادَةِ فِي عَمُودِ النَّارِ، وَفِي طُورِ سَيْنَاءَ،

نور و روشنی، بالاتر از صندوق گواهی در ستون آتش؛ و در طور و صحرای سینا،

وَفِي جَبَلِ حُورَيْثٍ فِي الْوَادِ الْمُقَدَّسِ، فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنْ

و در کوه حوریت، در سرزمین مقدس، و در بقعه‌ای مبارک در

جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ مِنَ الشَّجَرَةِ، وَفِي أَرْضِ مِصْرَ بِتِسْعِ آيَاتٍ

جانب راست کوه طور، از درخت مخصوص؛ و در سرزمین مصر، با نه آیه

بَيِّنَاتٍ، وَيَوْمَ فَرَقْتَ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ، وَفِي الْمُنْبَجِسَاتِ

و نشانه آشکار و (همچنین) در روزی که دریا را برای بنی‌اسرائیل شکافتی؛ و نیز در چشمه‌های جوشان

الَّتِي صَنَعْتَ بِهَا الْعَجَائِبَ فِي بَحْرِ سُوفٍ، وَعَقَدْتَ مَاءَ الْبَحْرِ

که با آن شگفتی‌ها را به وجود آوردی در دریای سوف، و آب دریا را

فِي قَلْبِ الْغَمْرِ كَالْحِجَارَةِ، وَجَاوَزْتَ بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ،

در ژرفای افیانوس همچون سنگ منجمد کردی؛ و بنی‌اسرائیل را از دریا گذراندی،

وَتَمَّتْ كَلِمَتُكَ الْحُسْنَى عَلَيْهِمْ بِمَا صَبَرُوا، وَأَوْرَثْتَهُمْ مَشَارِقَ

و نعمت نیکویت را بر آنان تمام و کامل کردی، به دلیل این که شکیبایی ورزیدند. و شرق

الْأَرْضِ وَمَغَارِبَهَا الَّتِي بَارَكْتَ فِيهَا لِلْعَالَمِينَ، وَأَعْرَفْتَ فِرْعَوْنَ

و غرب جهان را که موجب برکت برای جهانیان قرار داده بودی به ایشان به ارث رساندی، و فرعون

وَجُنُودَهُ وَمَرَاكِبَهُ فِي الْيَمِّ، وَبِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الْأَعْظَمِ

و سپاهش را با مرکب‌های سواری‌شان در دریا غرق کردی. (خدایا) و با آن اسم بزرگ، بزرگ‌تر، بزرگ‌تر

الْأَعْظَمِ، الْأَعَزُّ الْأَجَلُّ الْأَكْرَمُ، وَبِمَجْدِكَ الَّذِي تَجَلَّيْتَ بِهِ

بزرگ‌تر از هر چیز، که عزت‌مندتر، شکوه‌مندتر، گرامی‌تر از هر چیز است، از تو درخواست می‌کنم؛ و نیز به واسطه شکوه

لِمُوسَى كَلِمِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي طُورِ سَيْنَاءَ، وَلَا بُرَاهِيمَ خَلِيلِكَ

و بزرگواریت که با آن برای موسی هم‌گفتارت - که سلام بر او باد - در طور (صحرای) سینا تجلی کردی؛ و برای ابراهیم که دوست

عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ قَبْلُ فِي مَسْجِدِ الْخَيْفِ، وَلَا إِسْحَاقَ صَفِيِّكَ

ویژه‌ات بود، - سلام بر او باد - از پیش‌تر، در مسجد خیف تجلی فرمودی؛ و برای برگزیده‌ات اسحاق



عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَيْتِ شَيْعٍ، وَلِيَعْقُوبَ نَبِيَّكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَيْتِ

- سلام بر او باد - در چاه شیعی جلوه نمودی؛ و برای پیامبرت حضرت یعقوب - سلام بر او باد - در خانه

إِبْرَاهِيمَ، وَأَوْفَيْتَ لِإِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمِيثَاقِكَ، وَلَا إِسْحَاقَ عَلَيْهِ

إِبْرَاهِيمَ مَتَجَلَّى گشتی؛ و وفا نمودی بپیمانت را برای ابراهیم - سلام بر او باد -

السَّلَامُ بِحَلْفِكَ، وَلِيَعْقُوبَ بِشَهَادَتِكَ، وَلِلْمُؤْمِنِينَ بِوَعْدِكَ،

و سوگندت را برای اسحاق - سلام بر او باد - و گواهی خود را برای یعقوب، و وعدهات را برای مؤمنان،

وَاللِّدَّاعِينَ بِأَسْمَائِكَ فَأَجَبْتَ، وَبِمَجْدِكَ الَّذِي ظَهَرَ لِمُوسَى بْنِ

و اجابت خود را برای دعا کنندگان با نام‌هایت، و نیز به واسطه شکوهت که برای موسی پسر

عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى قُبَّةِ الرُّمَّانِ وَبِآيَاتِكَ الَّتِي وَقَعْتَ عَلَى

عمران - سلام بر او باد - بر روی گنبد رمان (عبادتگاهش) ظهور کرد؛ و به واسطه آیات و نشانه‌هایت

أَرْضِ مِصْرَ بِمَجْدِ الْعِزَّةِ وَالْغَلْبَةِ، بِآيَاتِ عَزِيزَةٍ، وَبِسُلْطَانِ الْقُوَّةِ،

که در سرزمین مصر با شکوه تمام و عزت‌مندی و برتری و چیرگی واقع شد؛ با آیاتی عزت‌مند، و قدرت و سلطه‌ای توان‌مند،

وَبِعِزَّةِ الْقُدْرَةِ، وَبِشَأْنِ الْكَلِمَةِ التَّامَّةِ، وَبِكَلِمَاتِكَ الَّتِي تَفَضَّلْتَ

و عزتی توانا، و مقام کلمه کامل، و به واسطه کلمات که

بِهَا عَلَى أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَأَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ،

بر آسمانیان و زمینیان و اهل دنیا و آخرت تفضل فرمودی،

وَبِرَحْمَتِكَ الَّتِي مَنَنْتَ بِهَا عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَبِاسْتِطَاعَتِكَ

و به واسطه رحمتی که بر تمام مخلوقات منت نهادی، و به واسطه تواناییات

الَّتِي أَقَمْتَ بِهَا عَلَى الْعَالَمِينَ، وَبِنُورِكَ الَّذِي قَدْ خَرَّ مِنْ فَرْعِهِ

که با آن تمام جهانیان را برپا داشته‌ای، و به واسطه نوری که

طُورُ سَيْنَاءَ، وَبِعِلْمِكَ وَجَلَالِكَ وَكِبْرِيَاءِكَ وَعِزَّتِكَ وَجَبْرُوتِكَ

صحرای سینا از ترسش فرو ریخت، و به واسطه دانش و جلال و کبریایی و عزت‌مندی و تسلطت

الَّتِي لَمْ تَسْتَقِلَّهَا الْأَرْضُ، وَانْخَفَضَتْ لَهَا السَّمَاوَاتُ، وَأَنْزَجَرَ

که زمین توانش را نداشت، و آسمان‌ها برای آن فروتنی کرد، و

لَهَا الْعُمُقُ الْأَكْبَرُ، وَرَكَدَتْ لَهَا الْبِحَارُ وَالْأَنْهَارُ، وَخَضَعَتْ لَهَا

زرقای بزرگ رانده شد، و دریاها و رودها را کد مانند، و

الْجِبَالُ، وَسَكَنْتْ لَهَا الْأَرْضُ بِمَنَاقِبِهَا، وَاسْتَسَلَمَتْ لَهَا الْخَلَائِقُ

کوهها رام گردیدند، و زمین با کرانه‌هایش آرام گرفت، و تمام آفریدگان تسلیم آن شدند،

كُلُّهَا، وَخَفَقَتْ لَهَا الرِّيحُ فِي جَرَيَانِهَا، وَخَمَدَتْ لَهَا النَّيْرَانُ فِي

و جریان وزش بادها بهم ریخت، و آتشها در جایگاه‌هایشان خاموش گشتند؛

أَوْطَانِهَا، وَبِسُلْطَانِكَ الَّذِي عُرِفَتْ لَكَ بِهِ الْغَلْبَةُ دَهْرَ الدُّهُورِ،

و نیز به واسطه سلطه و پادشاهیت که غلبه و چیرگیست بر تمام روزگاران با آن شناخته می‌شود،

وَحَمِدَتْ بِهِ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ، وَبِكَلِمَتِكَ كَلِمَةَ الصِّدْقِ

و به وسیله آن در آسمانها و زمینها ستایش شدی؛ و نیز تو را به واسطه کلمات همان کلمه راستی

الَّتِي سَبَقَتْ لِأَبِينَا آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَذُرِّيَّتِهِ بِالرَّحْمَةِ. وَأَسْأَلُكَ

که برای پدرمان آدم - که سلام بر او باد - و نسلش با رحمت پیشی گرفت،

بِكَلِمَتِكَ الَّتِي غَلَبَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي تَجَلَّيْتَ بِهِ

و به واسطه کلمات که بر هر چیز پیروز شد و سلطه یافت؛ و به واسطه نور رخسارت که با آن بر کوه تجلی فرمودی

لِلْجَبَلِ فَجَعَلْتَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا، وَبِمَجْدِكَ الَّذِي ظَهَرَ

و آن را از هم پاشیدی و موسی از این جریان بر زمین افتاد و بیهوش شد؛ و نیز به واسطه شکوهت که

عَلَى طُورِ سَيْنَاءَ فَكَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ مُوسَى بْنَ عِمْرَانَ،

بر صحرای سینا ظاهر شد و با آن بر بنده و فرستاده‌ات موسی پسر عمران سخن گفتی؛

وَبِطَّلَعَتِكَ فِي سَاعِيرٍ، وَظُهُورِكَ فِي جَبَلِ فَارَانَ بِرَبَوَاتِ

و به واسطه برتوافتنیت در ساعیر، و ظهور نورت در کوه فاران با نفس‌های

الْمُقَدَّسِينَ، وَجُنُودِ الْمَلَائِكَةِ الصَّافِينَ، وَخُشُوعِ الْمَلَائِكَةِ

مقدسان و سپاهیان صفکشیده فرشتگان، و فروتنی فرشتگان

الْمُسَبِّحِينَ، وَبِبَرَكَاتِكَ الَّتِي بَارَكْتَ فِيهَا عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ

تسبیح‌گوی؛ نیز به واسطه برکاتت که برای ابراهیم دوست ویژه‌ات

ببخش دوازدهم



عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَبَارَكْتَ

- که سلام بر او باد - در امت حضرت محمد - درود خدا بر او و آل او باد - برکت دادی؛

لِإِسْحَاقَ صَفِيكَ فِي أُمَّةٍ عِيسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، وَبَارَكْتَ

و برای اسحاق - که برگزیده‌ات بود - در امت عیسی - که درود بر هر دو باد - برکت دادی؛

لِيَعْقُوبَ إِسْرَائِيلِكَ فِي أُمَّةٍ مُوسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ، وَبَارَكْتَ

و برای یعقوب یکتاپرست در امت موسی - سلام بر هر دو باد - برکت دادی؛

لِحَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي عِثْرَتِهِ وَذُرِّيَّتِهِ عَلَيْهِمُ

و برای دوست خودت محمد - که درود بر او و آل او باد - در میان عترت و نسل او - درود بر آنان باد -

السَّلَامُ وَأَمَّتِهِ. اللَّهُمَّ وَكَمَا غَبْنَا عَنْ ذَلِكَ وَلَمْ نَشْهَدْهُ، وَأَمَّا بِهِ

و امت او برکت دادی؛ از تو درخواست می‌کنم. بارالها! همان‌گونه که ما آن حضرت را ندیدیم و در آن زمان حضور نداشتیم، و با این

وَلَمْ نَرَهُ صِدْقًا وَعَدْلًا، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ

وجود، به او به راستی و درستی ایمان آوردیم؛ از تو درخواست می‌کنم بر محمد و آل محمد درود پیوسته نثار کنی،

تُبَارِكَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَتَرْحَمَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

و برکت و رحمت خود را بر محمد و آل محمد بفرستی،

كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرْحَمْتَ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ،

برتر از آن چه برای ابراهیم و آل ابراهیم درود و برکت و رحمت نثار کردی؛

إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، فَعَالٌ لِمَا تُرِيدُ، وَأَنْتَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. ۱

راستی، تو ستوده شکوهمند هستی؛ هر چه بخواهی بدون کم و کاست انجام می‌دهی؛ و تو بر هر چیز توانایی؛

پس از دعا نیز می‌خوانی: اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الدُّعَاءِ، وَبِحَقِّ هَذِهِ الْأَسْمَاءِ

بارالها؛ به حق این دعا، و به حق این اسم‌هایی

الَّتِي لَا يَعْلَمُ تَفْسِيرَهَا وَلَا يَعْلَمُ بَاطِنَهَا غَيْرُكَ، [صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ

که تفسیر و معنای باطنش را کسی جز تو نمی‌داند، [بر محمد

وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَ] أَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ، وَلَا تَفْعَلْ بِي مَا أَنَا أَهْلُهُ،

و آل محمد درود فرست و] آن‌چنان که شایسته‌توست با من رفتار کن نه آن‌چنان که من سزاوارش هستم؛

وَأَنْتَقِمَ لِي مِنْ ظَالِمِي، وَعَجَّلْ فَرَجَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَهَلَاكَ أَعْدَائِهِمْ

او از کسی که نسبت به من ستمکار است انتقام مرا بگیر، و در راحتی و فرج آل محمد و نابودی دشمنان آنان

مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَاعْفِرْ لِي مِنْ ذُنُوبِي مَا تَقَدَّمَ مِنْهَا وَمَا

از آدمیان و جنیان شتاب کن؛ و گناهان گذشته و آینده‌ام را ببامرز،

تَأَخَّرَ، وَوَسَّعْ عَلَيَّ مِنْ حَلَالِ رِزْقِكَ، وَاكْفِنِي مَوْوَنَةَ إِنْسَانٍ

و از روزی و سهمیه حلالت برای من وسعت بده، و از شتر آدم

سَوْءٍ [وَجَارِ سَوْءٍ وَقَرِينِ سَوْءٍ] وَسُلْطَانِ سَوْءٍ، إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ

بد، [و همسایه و همنشین بد] و سلطان بد، مرا کفایت کن؛ راستی تو بر هر

شئی [قدیر]، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. ۱

چیز [توان داری، و ستایش مخصوص (تو) پروردگار جهانیان است.

آن گاه بگو: اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الدُّعَاءِ تَفَضَّلْ عَلَيَّ فَقَرَأَ الْمُؤْمِنِينَ

بارها؛ به حق این دعای شریف، نسبت به

وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَاءِ وَالثَّرْوَةِ، وَعَلَىٰ مَرْضَىٰ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

مرد و زن مؤمن فقیر و نیازمند تفضل کن و آنان را بی‌نیاز و ثروت‌مند گردان؛ و زن و مرد مؤمن مریض را

بِالشِّفَاءِ وَالصِّحَّةِ، وَعَلَىٰ أَحْيَاءِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِاللُّطْفِ

شفا و سلامتی بخش، و هر زن و مرد زنده مؤمن را مورد لطف

وَالْكَرَامَةِ، وَعَلَىٰ أَمْوَاتِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ،

و بزرگواریت قرار ده، و مردگان‌شان را مورد آمرزش و رحمت خویش قرار ده،

وَعَلَىٰ مُسَافِرِي الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِالرَّدِّ إِلَىٰ أَوْطَانِهِمْ سَالِمِينَ

و مسافران‌شان را سالم و پر بهره به سرزمین خودشان بازگردان؛

غَانِمِينَ، بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَصَلَّىٰ اللَّهُ عَلَىٰ سَيِّدِنَا

این همه را با رحمت خویش انجام ده، ای مهربان‌ترین مهربانان؛ و درود پیوسته خداوند بر آقا و سرور ما

مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَعِثْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ، وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا. ۲

حضرت محمد خاتم پیامبران، و بر عترت پاکش و بسیار بسیار سلام بر آنان باد.

در کتاب «جمال الصالحین» این دعا را پس از آن، ذکر کرده است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ هَذَا الدُّعَاءِ، وَبِمَا فَاتَ مِنْهُ مِنَ

بَارِئَاتِهَا؛ مِنْ بَعْضِ خَاطِرِ احْتِرَامِ هَذِهِ الدُّعَاةِ وَاسْمِهَايَ الْمُحْتَرَمَةِ كَمَا فِيهَا مِنْ

الْأَسْمَاءِ، وَبِمَا يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ مِنَ التَّفْسِيرِ وَالتَّدْبِيرِ الَّذِي لَا يُحِيطُ

بِهِ إِلَّا أَنْتَ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُعَجِّلَ

فَرَجَهُمْ فِي عَافِيَةٍ، وَتُهْلِكَ أَعْدَاءَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَنْ

تَرْزُقَنَا بِهِمْ خَيْرَ مَا نَرْجُو، وَخَيْرَ مَا لَنْ نَرْجُو، وَتَصْرِفَ بِهِمْ عَنَّا

شَرَّ مَا نَحْذَرُ، وَشَرَّ مَا لَنْ نَحْذَرُ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ،

وَأَنْتَ أَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ. ۱

و تو باکرامت‌ترین بزرگواری.

عالم بزرگوار جناب سید بن طاووس رحمته الله علیه می‌فرماید: در بین تفسیرهایی که برای

کلمات این دعا بود یافتیم که «کوه حوریت» یا «حوریتا» همان کوهی است که خداوند

در ابتدا با حضرت موسی رحمته الله علیه سخن گفت و او را مورد گفتگو قرار داد، و تابوت

یوسف رحمته الله علیه نیز به یکی از قسمت‌های پایین همین کوه انتقال یافت و در گوشه‌ای از

طور سینا قرار داد.

«دریای سوف» را به زبان عبری؛ «یومسوف» می‌گویند و به معنای دریای عمیق

است. و «ساعیر» - که به نام کوه «سراء» نیز شناخته می‌شود - کوهی است که حضرت

عیسی رحمته الله علیه در آن جا مناجات می‌کرد.

و «جبل فاران»، همان کوهی است که حضرت محمد ﷺ در آن جا به مناجات پروردگار می پرداخت؛ و در نزدیکی مکه قرار دارد.^۱

محمد بن علی راشدی می گوید: من در هیچ مشکل یا اندوه سختی این دعا را نخواندم مگر آن که با سرعت به اجابت رسید؛ هر کس این دعا را برای هر هدفی که دارد و یا مقصودی که به دنبال آن است بخواند و یا پیشاپیش خروجش به طرف دشمنی که از او می ترسد، یا قدرتمندی که از او هراس دارد بخواند، به خواسته اش برسد و از کسی نهراسد. البته اگر نمی تواند بخواند، آن را بنویسد و همراه خود داشته باشد.

علامه شیخ محمد باقر بیرجندی رحمته الله در کتاب «فاکهة الذاکرین» می گوید: این دعا از نظر اجابت و برآمدن حاجت، بی نظیر است.

مرحوم سید محمد خامنه تبریزی در یکی از تألیفاتش می گوید: خواندن دعای سمات در ساعت پایانی روز جمعه برای برآورده شدن حاجت ها به خصوص برای دفع دشمن - مجرب است و این مطلب یقینی است، به خصوص اگر چهل روز جمعه ادامه یابد.^۲



دعای روز عید فطر

که از جناب محمد بن عثمان رضی الله عنه روایت شده است

این دعا را سرورمان جناب محمد بن عثمان رضی الله عنه قرائت می فرموده، و در دفترش موجود بوده است؛ که دعاهای ماه مبارک رمضان را نیز در آن یادداشت کرده بودند. این دعا پس از نماز صبح روز عید فطر خوانده می شود:

۱. جمال الأسبوع: ۳۲۵.

۲. التحفة الرضویة: ۱۱۹.

اللَّهُمَّ إِنِّي تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ أَمَامِي، وَعَلَيٍّ مِنْ خَلْفِي وَعَنْ

بار الها؛ به تو روی آوردم به واسطه (حضرت) محمد ﷺ که پیش روی من است، و (حضرت) علی ﷺ پشت سر و از

يَمِينِي، وَأَيْمَتِي عَنْ يَسَارِي، أَسْتَتِرُ بِهِمْ مِنْ عَذَابِكَ، وَأَتَقَرَّبُ

سمت راست، و امامانم از سمت چپ، گرداگرد خود این بزرگواران را آورده‌ام تا خود را به وسیله ایشان از عذابت بیوشانم، و خود را

إِلَيْكَ زُلْفَى لَا أَجِدُ أَحَدًا أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْهُمْ، فَهَمَّ أَيْمَتِي، فَاَمِنْ

از نظر مرتبه به تو نزدیک گردانم، هیچ کسی را که از نظر رتبه و مقام از ایشان نزدیک تر به تو باشند سراغ ندارم. اینان، پیشوایان من اند؛

بِهِمْ خَوْفِي مِنْ عِقَابِكَ وَسَخَطِكَ، وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ

ترسم از کيفرت و خشمت را به واسطه ایشان تبدیل به آرامش کن؛ و به رحمتت مرا در زمره بندگان

الصَّالِحِينَ. أَصْبَحْتُ بِاللَّهِ مُؤْمِنًا مُخْلِصًا عَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ

صالح و شایسته‌ات درآور. صبح کردم در حالی که ایمان و اخلاص نسبت به پروردگار دارم و بر دین و آیین حضرت محمد ﷺ،

وَسُنَّتِهِ، وَعَلَى دِينِ عَلِيٍّ وَسُنَّتِهِ، وَعَلَى دِينِ الْأَوْصِيَاءِ وَسُنَّتِهِمْ،

و نیز دین و آیین حضرت علی ﷺ، و بر دین و آیین و روش جانشینان ایشان پایدار و ثابتم؛

أَمَنْتُ بِسِرِّهِمْ وَعَلَانِيَّتِهِمْ، وَأَرَعَبْتُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فِيمَا رَعِبْتُ

به امور پنهان و آشکارشان ایمان دارم، و به چیزهایی که حضرت

فِيهِ إِلَيْهِ مُحَمَّدٌ وَعَلِيٌّ وَالْأَوْصِيَاءُ، وَأَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ مَا

محمد و علی ﷺ و جانشینان‌شان نسبت به پروردگار مشتاق بودند، اشتیاق می‌ورزم، و از شر هر چه ایشان به خدا پناه بردند،

اسْتَعَاذُوا مِنْهُ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، وَلَا عِزَّةَ وَلَا مَنَعَةَ

من نیز پناه می‌برم؛ هیچ توان و جنبشی جز به واسطه خداوند نیست؛ هیچ نیرو و بازدارنده‌ای

وَلَا سُلْطَانَ إِلَّا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ الْعَزِيزِ الْجَبَّارِ الْمُتَكَبِّرِ، تَوَكَّلْتُ

و قدرتی، جز برای خدای یگانه، چیره، عزت‌مند، جبار و متکبر نیست. بر خدا توکل می‌کنم؛

عَلَى اللَّهِ ﴿فَهُوَ حَسْبُهُ﴾ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ ﴿۱﴾ اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُكَ

خدا به تنهایی (مرا بس است)؛ همانا خداوند دستورش و خواستش را به طور کامل انجام می‌دهد. بار الها؛ من قصد و اراده تو کرده‌ام

فَأَرِدُنِي، وَأَطْلُبُ مَا عِنْدَكَ فَيَسِّرْهُ لِي، وَأَقْضِ لِي حَوَائِجِي

بس تو نیز مرا اراده کن؛ آن چه نزد تو است جستجو می‌کنم، رسیدن به آن را برایم آسان کن؛ حاجت‌هایم را برآور؛

فَأَنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ وَقَوْلِكَ الْحَقُّ ﴿ شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ

تو در کتابت فرموده‌ای - و گفتارت ثابت و راست است - که: «ماه رمضان ماهی است که

فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ ﴿۱﴾،

قرآن در آن فرود آمد، تا مردم را راهنمایی کند، و دلیل‌هایی آشکار برای هدایت و جدایی حق از باطل بیاورد».

فَعَظَّمْتَ حُرْمَةَ شَهْرِ رَمَضَانَ، بِمَا أُنزِلَتْ فِيهِ مِنَ الْقُرْآنِ،

پس احترام ماه رمضان را بالا بردی؛ چون قرآن را در آن فرو فرستادی،

وَخَصَّصْتَهُ وَعَظَّمْتَهُ بِتَضْيِيرِكَ فِيهِ لَيْلَةَ الْقَدْرِ، فَقُلْتَ ﴿ لَيْلَةُ الْقَدْرِ

و با قراردادن شب قدر در ماه رمضان، آن را ویژگی و عظمت بخشیدی؛ پس گفتی: «شب قدر،

خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ * تَنزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ

از هزار شب بهتر است؛ فرشتگان، و روح با اجازه خداوند،

مِن كُلِّ أَمْرٍ * سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ ﴿۲﴾. اَللَّهُمَّ وَهَذِهِ أَيَّامٌ

برای هر کاری در شب قدر فرود می‌آیند؛ شب قدر، سلام و سلامت است تا طلوع فجر. بارالها؛ روزهای

شَهْرِ رَمَضَانَ قَدْ انْقَضَتْ، وَلِيَالِيهِ قَدْ تَصَرَّمَتْ، وَقَدْ صِرْتُ مِنْهُ

ماه رمضان نیز سپری شدند، و شب‌هایش نیز تمام شدند؛

يَا إِلَهِي إِيَّيْ مَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي، وَأَخْصِي لِعَدَدِهِ مِنْ عَدَدِي،

خدای من؛ خودت بهتر می‌دانی که من چه کردم، و عدد آن را بهتر می‌دانی؛

فَأَسْأَلُكَ يَا إِلَهِي بِمَا سَأَلْتُكَ بِهِ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ، أَنْ تُصَلِّيَ

پس، خدایا؛ از تو چیزهایی را درخواست می‌کنم که بندگان صالحت خواسته‌اند؛ که

عَلَىٰ مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ آلِ مُحَمَّدٍ وَعَلَىٰ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ. وَأَنْ تَقْبَلَ

بر محمد و بر آل محمد و اهل بیت محمد درود پیوسته نثار کنی. و آنچه را

مِنِّي كُلَّمَا تَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ، وَتَتَفَضَّلَ عَلَيَّ بِتَضْعِيفِ عَمَلِي،

وسیله تقرب خود به درگاهت نمودم از من بپذیری، و با چند برابر نمودن پاداش اعمالم

وَقَبُولِ تَقَرُّبِي وَقُرْبَاتِي، وَاسْتِجَابَةِ دُعَائِي، وَهَبْ لِي مِنْكَ عِثْقَ

و پذیرش کارهایی را که به قصد قربت و رضای تو انجام دادم، و اجابت دعایم بر من لطف و احسان کنی، و این بخشش را به من

رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ، وَمَنْ عَلَيَّ بِالْفَوْزِ بِالْجَنَّةِ وَالْأَمْنِ يَوْمَ الْخَوْفِ

بنمائی که از آتش رهاییم بخشی، و با برخورداری از بهشت و ایمنی از ترس‌های بزرگ قیامت بر من منت گذاری.

مِنْ كُلِّ فَرْعٍ، وَمِنْ كُلِّ هَوْلٍ أَعَدَدْتَهُ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ. أَعُوذُ بِحُرْمَةِ

و از تمام هول و هراس‌هایی که برای روز قیامت آماده کرده‌ای در امانم بداری. به حرمت

وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، وَبِحُرْمَةِ نَبِيِّكَ وَحُرْمَةِ الصَّالِحِينَ، أَنْ يَنْصَرِمَ

وجه کریم و بزرگواریت و به حرمت پیامبرت و به حرمت بندگان شایستهات پناه می‌برم که

هَذَا الْيَوْمِ، وَلَكَ قِبَلِي تَبِعَةٌ تُرِيدُ أَنْ تُوَاخِذَنِي بِهَا، أَوْ ذَنْبٌ

امروز بگذرد و هنوز برای تو به عهده من جرمی باشد که بخواهی مرا به آن مؤاخذه کنی، و گناهی

تُرِيدُ أَنْ تُقَايِسَنِي بِهِ، وَتُشْقِيَنِي وَتَفْضَحَنِي بِهِ، أَوْ خَطِيئَةٌ تُرِيدُ

باقی بماند که بخواهی به خاطر آن مرا عذاب کنی و بدبخت و رسوایم گردانی؛ و اشتباهی باقی باشد که به خاطر آن

أَنْ تُقَايِسَنِي بِهَا وَتَقْتَصَّهَا مِنِّي لَمْ تَغْفِرْهَا لِي، وَأَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ

قصد قصاص و عذاب مرا داشته باشی و مرا نبخشیده باشی. به واسطه احترام

وَجْهِكَ الْكَرِيمِ الْفَعَّالِ لِمَا يُرِيدُ، الَّذِي يَقُولُ لِلشَّيْءِ كُنْ فَيَكُونُ،

ذات بزرگواریت از تو درخواست می‌کنم؛ همان که هر چه بخواهد آن را انجام می‌دهد، و اگر به چیزی بگوید: باش، می‌شود؛

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ. اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْأَلُكَ بِاِلٰهٍ اِلَّا اَنْتَ، اِنْ كُنْتَ

جز او نیز خدایی نیست. بار الها! به واسطه این که - اعتقاد دارم - جز تو خدایی نیست از تو درخواست می‌کنم: اگر

رَضِيْتَ عَنِّيْ فِيْ هَذَا الشَّهْرِ اَنْ تَزِيْدَنِيْ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِيْ

در این ماه از من راضی شده‌ای، رضایت و خشنودیت را در باقی‌مانده عمرم نیز افزون فرمایی؛

رِضًا، فَاِنْ كُنْتَ لَمْ تَرْضَ عَنِّيْ فِيْ هَذَا الشَّهْرِ، فَمِنْ اَلْاَنَ

و اگر در این ماه مبارک از من خشنود نشده‌ای، از حالا از من

فَارِضَ عَنِّيْ السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ، وَاجْعَلْنِيْ فِيْ هَذِهِ السَّاعَةِ

راضی و خشنود شو؛ در همین ساعت، در همین ساعت، و در این ساعت

وَفِيْ هَذَا الْمَجْلِسِ مِنْ عِتْقَائِكَ مِنَ النَّارِ، وَطَلْقَائِكَ مِنْ جَهَنَّمَ،

و در همین مجلس مرا از آزادشدگان از آتش قرار ده، و از رهاشدگان از جهنم قرار ده.

وَسُعْدَاءِ خَلْقِكَ بِمَغْفِرَتِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ . اللَّهُمَّ

و از بندگانی که به واسطه آمرزش و رحمت سعادتمند شدند قرار ده؛ ای مهربان‌ترین مهربانان. بار الها؛

إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحُرْمَةِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ، أَنْ تَجْعَلَ شَهْرِي هَذَا خَيْرَ

به احترام آبروی کریمانهات از تو درخواست می‌کنم که این ماه را برایم نسبت به ماه رمضان‌های دیگر در دوران عمرم بهترین

شَهْرٍ رَمَضَانَ عَبْدَتِكَ فِيهِ، وَصُمَّتُهُ لَكَ، وَتَقَرَّبْتُ بِهِ إِلَيْكَ مِنْذُ

ماه رضانی قرار ده که تو را در آن پرستیده‌ام، و روزه‌داری کرده‌ام، و به تو تقرب جستهم؛

أَسْكَنْتَنِي فِيهِ، أَعْظَمَهُ أَجْرًا، وَأَتَمَّهُ نِعْمَةً، وَأَعَمَّهُ عَافِيَةً،

دارای بزرگ‌ترین پاداش و کامل‌ترین نعمت، و فراگیرترین عافیت،

وَأَوْسَعَهُ رِزْقًا، وَأَفْضَلَهُ عِثْقًا مِنَ النَّارِ، وَأَوْجِبَهُ رَحْمَةً،

و فراخ‌ترین نصیب، و برترین آنان از جهت رهاییم از آتش، و سزاوارترین آن برای رحمت تو، و

وَأَعْظَمَهُ مَغْفِرَةً، وَأَكْمَلَهُ رِضْوَانًا، وَأَقْرَبَهُ إِلَيَّ مَا تُحِبُّ وَتَرْضَى.

بزرگ‌ترین بخشش، و کامل‌ترین رضوان و خشنودی، و نزدیک‌کننده‌ترین ماه‌ها به چیزهایی که تو دوست داری و از آن خشنود می‌شوی.

اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ شَهْرِ رَمَضَانَ صُمَّتُهُ لَكَ، وَأَرْزُقْنِي الْعُودَ ثُمَّ

بار الها؛ این ماه رمضان را آخرین ماه رمضان من - که در آن به روزه‌داری می‌پردازم - قرار مده؛ و آن قدر حضور ماه‌های رمضان

الْعُودَ حَتَّى تَرْضَى وَبَعْدَ الرِّضَا، وَحَتَّى تُخْرِجَنِي مِنَ الدُّنْيَا سَالِمًا

بعدی را نصیب کن تا رضایت تو حاصل شود، و پس از راضی شدنت باز هم مرا در ماه‌های رمضان حاضر فرما؛ تا آن که مرا از دنیا

وَأَنْتَ عَنِّي رَاضٍ وَأَنَا لَكَ مَرْضِيٌّ . اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِيمَا تَقْضِي

بدون عیب و آفت خارج کنی در حالتی که تو از من راضی باشی و من نیز مورد رضایت و خشنودیت باشم. بار الها؛ در آن چه قضا و

وَتَقْدِرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمُحْتَمِومِ الَّذِي لَا يَرُدُّ وَلَا يُبَدِّلُ أَنْ تَجْعَلَنِي مِمَّنْ

قدرت به آن تعلق می‌پذیرد؛ و از امور قطعی و حتمی است که رد نمی‌شود و تغییر و تبدیلی نیز در آن راه نمی‌یابد؛ مرا از کسانی قرار ده

تُثِيبُ وَتُسَمِّي وَتَقْضِي لَهُ، وَتَزِيدُ وَتُحِبُّ لَهُ وَتَرْضَى، وَأَنْ

که ثواب می‌گیرند، و مرتبه‌شان بالا می‌رود و حاجت‌شان برآورده می‌شود، و برایش افزون می‌کنی، و دوستش می‌داری و از او خشنود هستی؛ نیز

تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي هَذَا الْعَامِ، وَفِي كُلِّ عَامٍ،

مرا از حاجیان خانهات در حج امسال و سال‌های آینده قرار ده؛

الْمَبْرُورِ حَجُّهُمْ، الْمَشْكُورِ سَعْيُهُمْ، الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمْ، الْمُتَقَبَّلِ

آن دسته‌ای که حج‌شان عالی، و تلاش‌شان مورد سپاسگزاری، و گناهان‌شان بخشیده شده،

مِنْهُمْ مَنَاسِكُهُمْ، الْمُعَافِينَ عَلَى أَسْفَارِهِمْ، الْمُتَقَبِّلِينَ عَلَى نُسُكِهِمْ،

و عبادات حج‌شان پذیرفته شده، سفرهای‌شان با عافیت و سلامتی، و علاقه‌مند به انجام عبادت‌های مخصوص‌شان،

الْمَحْفُوظِينَ فِي أَنْفُسِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ وَذَرَارِيهِمْ، وَكُلِّ مَا أَنْعَمْتَ

و در مورد خودشان و داراییشان و بچه‌های‌شان و همه نعمت‌هایی که به آنان داده‌ای، محفوظ و نگهداری

بِهِ عَلَيْهِمْ. اللَّهُمَّ اقْلِبْنِي مِنْ مَجْلِسِي هَذَا، فِي شَهْرِي هَذَا، فِي

شده باشند. بار الهای مرا از این جایی که نشسته‌ام، و این ماه،

يَوْمِي هَذَا، فِي سَاعَتِي هَذِهِ، مُفْلِحاً مُنْجِحاً مُسْتَجَاباً لِي،

و امروز، و همین ساعت و لحظه، رستگار و کامیاب، و پاسخ مثبت شنیده

مَغْفُوراً ذَنْبِي، مُعَافَاً مِنَ النَّارِ، وَمُعْتَقاً مِنْهَا عِتْقاً لَا رِقَّ بَعْدَهُ

و گناه بخشیده، و معاف‌شده از آتش و آزادگشته از آن به گونه‌ای که دیگر هیچ‌گاه گرفتار نشوم

أَبَداً، وَلَا رَهْبَةً يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَجْعَلَ

و از آن نیز نترسم، بازگردان؛ ای پروردگار پرورش دهنندگان؛ بار الهای درخواست من آن است که

فِي مَا شِئْتُ، وَأَرَدْتُ وَقَضَيْتَ وَقَدَّرْتَ وَحَتَمْتَ وَأَنْفَذْتَ أَنْ

در آن چه مورد مشیت و اراده و حکم و تقدیر و دستور حتمیت است و دستور اجرای آن را داده‌ای، مقرر کنی که

تُطِيلَ عُمْرِي، وَأَنْ تُنْسِيَ فِي أَجَلِي، وَأَنْ تُقَوِّيَ ضَعْفِي، وَأَنْ

زندگانیم طولانی، و مرگم دیر رس، و ناتوانی‌م تبدیل به نیرومندی، و

تُغْنِيَ فَقْرِي، وَأَنْ تَجْبِرَ فَاقَتِي، وَأَنْ تَرْحَمَ مَسْكِنَتِي، وَأَنْ تُعِزَّنِي

نیازمندی‌م تبدیل به ثروت‌مندی گردد؛ و بیچارگی‌م جبران، و به بدبختی‌ام رحم کنی، و خواری‌م را به عزت،

ذَلِّي، وَأَنْ تَرْفَعَ ضَعْفِي، وَأَنْ تُغْنِيَ عَائِلَتِي، وَأَنْ تُؤْنِسَ وَحْشَتِي،

افتادگی‌م را به والایی تبدیل کنی، و خانواده‌ام را بی‌نیاز سازی؛ مونس وحشت و تنهایی‌م باشی

وَأَنْ تُكْثِرَ قَلْبِي، وَأَنْ تُدِرَّ رِزْقِي فِي عَافِيَةٍ وَيُسِّرَ وَخَفُضَ،

و کمبودم را به فزونی و بسیاری برسانی، و نصیب و رزق مرا با عافیت و راحتی و دستیابی آسان و سبکی، به فراوانی به من برسانی.

وَأَنْ تَكْفِينِي مَا أَهَمَّنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي، وَلَا تَكِلْنِي إِلَىٰ

نیز مرا در امور مهم دنیا و آخرت کفایت کرده و بسنده باشی، و مرا به خودم وامگذاری

نَفْسِي فَأَعْجِزَ عَنْهَا، وَلَا إِلَىٰ النَّاسِ فَيَرْفُضُونِي، وَأَنْ تُعَافِيَنِي فِي

که در مقابل آن عاجز و ناتوان شوم، و به مردم وامگذاری که مرا به کناری بیندازند و طرد کنند؛ و مرا در

دِينِي وَبَدَنِي وَجَسَدِي وَرُوحِي وَوَلَدِي وَأَهْلِي وَأَهْلِ مَوَدَّتِي

مورد دینم و بدنم و جسم و روحم و فرزندانم و خانواده و دوستان

وَإِخْوَانِي وَجِيرَانِي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ

و برادران و همسایگان مؤمن و مسلمان من

وَالْمُسْلِمَاتِ، الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ، وَأَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ بِالْأَمْنِ

زنده باشند یا مرده - عافیت عطا فرمایی، نیز امنیت و ایمان را در

وَالْإِيمَانَ مَا أَبْقَيْتَنِي، فَإِنَّكَ وَلِيِّي وَمَوْلَايَ، وَثِقْتِي وَرَجَائِي،

تمام زندگانیم بر من منت نهی؛ زیرا، تو ولی و سرپرست و صاحب‌اختیار من، مورد اعتماد و امید من،

وَمَعْدِنُ مَسْأَلَتِي، وَمَوْضِعُ شَكْوَايَ، وَمُنْتَهَىٰ رَغْبَتِي. فَلَا تُخَيِّبْنِي

محل درخواست‌ها و شکایت من، و آخرین درجه آرزوی من هستی.

فِي رَجَائِي يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ، وَلَا تُبْطِلْ طَمَعِي وَرَجَائِي، فَقَدْ

ای آقا و سرور من؛ امیدم را ناامید مکن، و خوش‌خیالی و امیدواریم را نادرست از آب درمیاور؛ زیرا،

تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَقَدَّمْتَهُمْ إِلَيْكَ أُمَامِي،

که من به واسطه محمد و آل محمد به تو رو آوردم، و آنان را پیشاپیش خود

وَأُمَامَ حَاجَتِي وَطَلِبَتِي، وَتَضَرَّعِي وَمَسْأَلَتِي، فَاجْعَلْنِي بِهِمْ

و حاجت و خواسته‌ها و مغربه و زاری و خواهشم به درگاه تو آوردم؛ پس مرا

وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ، فَإِنَّكَ مَنَنْتَ عَلَيَّ

در دنیا و آخرت، از آبرومندان و مقربان درگاهت قرار ده؛ زیرا، تو با شناخت ایشان بر من منت نهادی؛

بِمَعْرِفَتِهِمْ، فَاخْتِمْ لِي بِهِمُ السَّعَادَةَ، إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

پس، سعادت و خوشبختی مرا در آخر کارم به واسطه آنان نصیب گردان؛ راستی تو قدرت بر هر چیزی داری.

پیر به بخش دوازدهم



این عبارات، در برخی از روایات، افزون است:

مَنْتَ عَلَيَّ بِهِمْ، فَاخْتِمْ لِي بِالسَّعَادَةِ وَالْأَمْنِ وَالسَّلَامَةِ

به واسطه ایشان بر من منت نهادی؛ پس پایان کارم را خوشبختی، امنیت و آرامش، سلامتی،

وَالْإِيمَانَ وَالْمَغْفِرَةَ وَالرِّضْوَانَ وَالسَّعَادَةَ وَالْحِفْظَ، يَا اللَّهُ أَنْتَ

ایمان کامل، بخشش و رضوان خودت، سعادت و نگرهبانی از جانب خودت قرار ده. ای خدا؛ تو برآورنده

لِكُلِّ حَاجَةٍ لَنَا فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، وَعَافِنَا وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيْنَا

تمام خواسته‌های ما هستی؛ پس، بر محمد و آل او درود پیوسته نثار کن، و ما را عافیت بخش، و

أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ، وَاكْفِنَا كُلَّ أَمْرٍ مِنْ أُمُورِ الدُّنْيَا

هیچیک از مخلوقات را که توان تحملش را نداشته باشیم بر ما مسلط مفرما؛ و تمام امور دنیا

وَالْآخِرَةِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ. صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

و آخرت ما را کفایت کن؛ ای صاحب شکوه و بزرگواری؛ بر محمد و آل محمد درود فرست،

وَتَرَحَّمْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَسَلِّمْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،

و بر محمد و آل محمد ترخم و مهربانی ویژه نما، و بر محمد و آل محمد سلام بفرست؛

كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ وَسَلَّمْتَ وَتَحَنَّنْتَ عَلَيَّ

مانند برترین صلوات و برکات و رحمت و سلام و درودی که بر

إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

ابراهیم و آل ابراهیم فرستادی؛ راستی، تو ستوده شکوه‌مند هستی.



زیارت مولای ما امام صادق علیه السلام

به نقل از عثمان بن سعید و حسین بن روح قدس سرهما

ابوالحسین احمد بن حسین بن رجاء صیداوی، این زیارت را از عثمان بن سعید رضی الله عنه - که حسین بن روح رضی الله عنه نیز در آن هنگام همراهش بود - نقل می‌کند و می‌گوید: هنگامی که این دو بزرگوار به زیارت امام صادق علیه السلام آمده بودند، در کنار باب السلام ایستادند و گفتند:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ، وَأَبَا مَوْلَايَ وَرَحْمَةً اللَّهُ

سلام و رحمت و برکات الهی بر تو ای مولا و فرزند مولا من و پدر صاحب‌اختیار و سروران من!

وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهِيدَ دَارِ الْفَنَاءِ، وَرَعِيمَ دَارِ الْبَقَاءِ،

سلام بر تو ای آن که در این دنیا گواه ما و اعمال ما هستی و در آخرت زعیم و رئیس و مهتر ما می‌باشی!

إِنَّا خَالِصَتُكَ وَمَوْلَايَكَ وَنَعْتَرِفُ بِأَوْلَاكَ وَأُخْرَاكَ. فَاشْفَعْ لَنَا إِلَى

ما، مخلص تو و دوست‌دار تو هستیم، به آغاز و پایانت اعتراف می‌کنیم، پس، نزد شفاعت‌پذیرت یعنی

مُشَفِّعِكَ اللَّهُ تَعَالَى رَبَّنَا وَرَبِّكَ، فَمَا خَابَ عَبْدٌ قَصَدَ بِكَ رَبَّهُ

خدای تعالی - که پروردگار ما و توست - برای ما شفاعت کن. هر بنده‌ای که به سبب تو قصد کند پروردگارش را

وَأَتَّعَبَ فِيكَ قَلْبَهُ، وَهَجَرَ فِيكَ أَهْلَهُ وَصَحْبَهُ، وَاتَّخَذَكَ وَلِيًّا

و قلب خودش را در مورد تو به رنج افکند، و از خانواده و دوستانش کناره‌گیری و دوری‌گزید تا به تو برسد؛ و تو را ولی و سرپرست

وَحَسْبَهُ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

و بسنده برای خودش دانست؛ هیچ‌گاه زیان ندید. سلام و رحمت و برکات الهی نثارت باد.

علامه مجلسی رحمته الله علیه می‌فرماید: بعید نیست که این زیارت، در مورد امام حسین علیه السلام بوده

باشد، و نسخه‌برداران اشتباه کرده و آن را به امام صادق علیه السلام نسبت داده باشند.^۱



دعای حضرت خضر علیه السلام

معروف به دعای کمیل^۱

قرائت این دعا در شب نیمه شعبان و نیز شب‌های جمعه استحباب دارد.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَبِقُوَّتِكَ

بارالها؛ من از تو درخواست می‌کنم به واسطه رحمتت که همه چیز را فرا گرفته است؛ و نیز به واسطه نیرویت

الَّتِي قَهَرْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ، وَخَضَعَ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ، وَذَلَّ لَهَا كُلُّ

که با آن بر هر چیزی چیرگی یافتی، و همه چیز در برابر آن خاضع و فروتن و همه چیز در برابر آن ذلیل و خوار شد،

شَيْءٍ، وَبِجَبْرُوتِكَ الَّتِي غَلَبْتَ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ، وَبِعِزَّتِكَ الَّتِي

و به واسطه جبروت و سلطهات که با آن بر همه چیز غالب شدی، و به واسطه عزتت که هیچ چیزی در برابرش

لَا يَقُومُ لَهَا شَيْءٌ، وَبِعَظَمَتِكَ الَّتِي مَلَأَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَبِسُلْطَانِكَ

ایستادگی نمی‌کند، و به واسطه بزرگی و عظمتت که همه چیز را پر کرده است؛ و به واسطه سلطنت و چیرگی و توانائی‌ات

الَّذِي عَلَا كُلَّ شَيْءٍ، وَبِوَجْهِكَ الْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ كُلِّ شَيْءٍ،

که بر هر چیز برتری یافته است، و به واسطه ذات پاکت که پس از فانی شدن همه چیز باقی می‌ماند،

وَبِأَسْمَائِكَ الَّتِي مَلَأَتْ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ، وَبِعِلْمِكَ الَّذِي أَحَاطَ

و به نام‌هایت که اساس و پایه هر چیز را پر کرده است، و به دانشت که همه چیز را احاطه کرده است،

بِكُلِّ شَيْءٍ، وَبِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَضَاءَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ، يَا نُورُ يَا

و به نور رخسارت که هر چیزی به سبب آن روشن شد؛ (از تو درخواست می‌کنم) ای نور! ای

۱. دعای کمیل از حضرت خضر می‌باشد که حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آن را به جناب کمیل تعلیم فرموده‌اند؛ به این جهت به

«دعای کمیل» معروف شده است.

لازم به ذکر است که دعاهاى حضرت خضر و حضرت الیاس علیه السلام - که آن دو بزرگوار از همراهان حضرت بقیة الله ارواحنا

فداء هستند - و سائر یاران آن حضرت مانند حضرت عیسی بن مریم علیه السلام زیاد است، ما به جهت اختصار به ذکر این دعا

اکتفا کردیم.

قُدُوسُ، يَا أَوَّلَ الْأَوَّلِينَ، وَيَا آخِرَ الْآخِرِينَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي

منزه از هر عیب و نقص؛ ای پیش از هر ابتدا؛ ای پس از هر پایان؛ بارالها؛ بیامرز بر من

الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصْمَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِلُ

گناهانی را که پرده‌های حیا و عصمت را می‌درود. خدایا؛ بیامرز بر من گناهانی را که عذاب‌ها را فرود می‌آورد.

النِّقَمَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي

خدایا؛ بیامرز بر من گناهانی را که نعمت‌ها را دگرگون می‌سازد؛ خدایا؛ بیامرز بر من

الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِلُ

گناهانی را که دعا را محبوس می‌کند؛ خدایا؛ بیامرز بر من گناهانی را که

الْبَلَاءَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ، وَكُلَّ خَطِيئَةٍ أَخْطَأْتُهَا.

بلا را نازل می‌کند؛ خدایا؛ بیامرز بر من تمام گناهانی را که انجام داده‌ام، و همه اشتباهاتی را که مرتکب شده‌ام.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ بِذِكْرِكَ، وَأَسْتَشْفَعُ بِكَ إِلَى نَفْسِكَ،

بارالها؛ من با یادت به سوی تو تقرب می‌جویم، و خودت را نزد تو شفیع و واسطه می‌کنم،

وَأَسْأَلُكَ بِجُودِكَ أَنْ تُدْنِيَنِي مِنْ قُرْبِكَ، وَأَنْ تُوزِعَنِي شُكْرَكَ،

و به خاطر جود و بخشش از تو می‌خواهم که مرا به مقام قرب خود نزدیک گردانی، و شکر را نصیبم نمایی،

وَأَنْ تُلْهِمَنِي ذِكْرَكَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ سُؤَالَ خَاضِعٍ مُتَذَلِّلٍ

و یادت را به من الهام کنی. بارالها؛ من خاضعانه و ذلیلانه و از روی فروتنی، از تو می‌خواهم

خَاشِعٍ أَنْ تُسَامِحَنِي وَتَرْحَمَنِي وَتَجْعَلَنِي بِقِسْمِكَ رَاضِيًا قَانِعًا،

که یا من مدارا کنی، و بر من رحم کنی، و مرا خشنود و راضی و قانع نسبت به تقسیم نصیبت قرار دهی

وَفِي جَمِيعِ الْأَحْوَالِ مُتَوَاضِعًا. اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ اشْتَدَّتْ

و در همه حالات مرا فروتن سازی. بارالها؛ من از تو درخواست می‌کنم همانند درخواست کسی که

فُاقَتْهُ، وَأَنْزَلَ بِكَ عِنْدَ الشَّدَائِدِ حَاجَتَهُ، وَعَظَّمَ فِيمَا عِنْدَكَ

فقر و بی‌نوابی او سخت شده است، و در سختی‌ها درخواستش را به درگاه تو آورده است، و به آنچه نزد تو است

رَغْبَتَهُ. اللَّهُمَّ عَظَّمَ سُلْطَانُكَ، وَعَلَا مَكَانُكَ، وَخَفِيَ مَكْرُكَ،

بسیار مشتاق گشته است. خدایا؛ سلطه و چیرگی تو بزرگ، و جایگاهت والا، و مکر تو پنهان،

ببخش دوازدهم
۶۸۴

وَزَهَرَ أَمْرُكَ، وَغَلَبَ قَهْرُكَ، وَجَرَتْ قُدْرَتُكَ، وَلَا يُمَكِّنُ الْفِرَارُ

و دستورت آشکار، و قهر و خشمت چیره، و توانت و قدرتت در جریان است، و به هیچ وجه نمی‌توان

مِنْ حُكُومَتِكَ. اللَّهُمَّ لَا أَجِدُ لِذُنُوبِي غَافِرًا، وَلَا لِقَبَائِحِي سَاتِرًا،

از حکومتت فرار کرد. بارالها! من برای بخشش گناهانم کسی را سراغ ندارم، و برای پوشاندن زشتی‌هایم کسی را نیافتم؛

وَلَا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي الْقَبِيحِ بِالْحَسَنِ مُبَدَّلًا غَيْرَكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا

و برای تبدیل کارهای زشت و ناهنجارم به خوبی و نیکی، کسی را نیافتم جز تو. معبودی جز تو نیست،

أَنْتَ سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ، ظَلَمْتُ نَفْسِي، وَتَجَرَّاتُ بِجَهْلِي،

منزه و ستوده‌ای، و تنها به ستایش تو می‌پردازم؛ بر خود ستم کردم؛ و با نادانی و جهل خود بر تو جرأت یافتم؛

وَسَكَنْتُ إِلَى قَدِيمِ ذِكْرِكَ لِي، وَمَنْكَ عَلَيَّ. اللَّهُمَّ مَوْلَايَ مِنْ جِه

و به خاطر یاد دیرینهات و احسان و لطفی که بر من داری، آرامش داشتم و خیالم راحت بود. بارالها! مولای من؛ چه

مِنْ قَبِيحِ سَتْرَتِهِ، وَكَمْ مِنْ فَادِحِ مِنَ الْبَلَاءِ أَقْلَتَهُ، وَكَمْ مِنْ عِثَارِ

زشتی‌های بسیاری که از من پوشاندی و بلاهای سنگینی که از من بازگرداندی، و چه لغزش‌های بسیاری که از آن

وَقَيْتَهُ، وَكَمْ مِنْ مَكْرُوهٍ دَفَعْتَهُ، وَكَمْ مِنْ ثَنَاءٍ جَمِيلٍ لَسْتُ أَهْلًا

نگاهم داشتی، و چه ناپسندی‌هایی که از من دور ساختی، و چه ثنا و مدح زیبا که لایقش نبودم ولی در بین مردم

لَهُ نَشْرَتَهُ. اللَّهُمَّ عَظُمَ بَلَائِي، وَأَفْرَطَ بِي سُوءُ حَالِي، وَقَصُرَتْ

بخش کردی. بارالها! بلای من بزرگ است، و بدحالیم از حد گذشته است،

بِي أَعْمَالِي، وَقَعَدْتُ بِي أَغْلَالِي، وَحَبَسَنِي عَنْ نَفْعِي بُعْدُ

و اعمالم مرا مقصر ساخته، و غل و زنجیرهایم مرا زمین‌گیر کرده است، و آرزوهای دور و درازم باعث جلوگیری از سودمندیم

أَمَلِي، وَخَدَعْتَنِي الدُّنْيَا بِغُرُورِهَا، وَنَفْسِي بِجِنَايَتِهَا، وَمِطَالِي

شده است، و دنیا مرا با ظاهر فریبنده‌اش فریفته است، و نفسم با جنایت‌هایش و امروز و فردا کردنم مرا فریب داده است.

يَا سَيِّدِي، فَأَسْأَلُكَ بِعِزَّتِكَ أَنْ لَا يَخْجُبَ عَنْكَ دُعَائِي سُوءُ

ای آقای من؛ به خاطر عزتمندیت از تو می‌خواهم که کردار زشتم و رفتار نادرستم مانع تو

عَمَلِي وَفِعَالِي، وَلَا تَفْضَحْنِي بِخَفِيِّ مَا أَطَّلَعْتَ عَلَيْهِ مِنْ سِرِّي،

از اجابت دعایم نشود، و به کارهای زشت پنهانی من که تو بر آن آگاهی داری مرا رسوا نسازی؛

وَلَا تُعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلَىٰ مَا عَمِلْتُهُ فِي خَلَوَاتِي مِنْ سُوءٍ فِعْلِي

و بد رفتاری و بد کرداریم و در تنهایی‌ها،

وَإِسَاءَتِي، وَدَوَامَ تَفْرِيطِي وَجَهَالَتِي، وَكَثْرَةَ شَهَوَاتِي وَغَفْلَتِي.

و کوتاهی و نارسائی پیوسته‌ام در عمل، و نادانی و شهوت‌های نفسانی زیاد، و غفلت و بی‌توجهیم باعث شتاب در عقوبت و کیفر تو نشود.

وَكَنَ اللَّهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِي فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ رَوْفًا، وَعَلَيَّ فِي جَمِيعِ

بارها؛ به خاطر اقتدارت بر من، در همه حالات با من مهربانی کن، و در تمام امورم.

الْأُمُورِ عَطُوفًا، إِلَهِي وَرَبِّي مَنْ لِي غَيْرُكَ، أَسْأَلُهُ كَشْفَ ضُرِّي،

مرا مورد عطوفت و خوش‌رفتاریت قرار ده؛ خدای من؛ و پروردگارم؛ من چه کسی جز تو دارم که از او درخواست کنم که بیچارگی و

وَالنَّظَرَ فِي أَمْرِي. إِلَهِي وَمَوْلَايَ أَجْرَيْتَ عَلَيَّ حُكْمًا اتَّبَعْتُ

گرفتاری مرا برطرف کند و در امورم نگاهی مهربانانه نماید؟! خدای من؛ و مولای من؛ حکم و دستوری به من دادی

فِيهِ هَوَىٰ نَفْسِي، وَلَمْ أَحْتَرِسْ فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ عَدُوِّي، فَغَرَّنِي بِمَا

ولی از هوای نفسم پیروی کردم، و از فریبکاری دشمنم (شیطان) در امان نماندم؛ در نتیجه، با

أَهْوَىٰ وَأَسْعَدَهُ عَلَيَّ ذَلِكَ الْقَضَاءُ فَتَجَاوَزْتُ بِمَا جَرَىٰ عَلَيَّ مِنْ

خواهش‌هایش مرا فریفت، و قضا و قدر نیز به او کمک کرد، و باعث شد نسبت به

ذَلِكَ بَعْضَ حُدُودِكَ، وَخَالَفْتُ بَعْضَ أَوْامِرِكَ. فَلَكَ الْحَمْدُ (الْحُجَّةُ)

بعضی از حدودت تجاوز کنم، و با برخی از دستوراتت مخالفت نمایم. پس برای توست

عَلَيَّ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ، وَلَا حُجَّةَ لِي فِيمَا جَرَىٰ عَلَيَّ فِيهِ قَضَاؤُكَ،

در تمام این‌ها حجت بر من؛ و هیچ حجتی به نفع من نیست در آنچه بر من از قضا و فرمان تو جاری گشته؛

وَأَلْزَمَنِي حُكْمَكَ وَبَلَاؤُكَ، وَقَدْ أَتَيْتُكَ يَا إِلَهِي بَعْدَ تَقْصِيرِي

و حکم و آزمایشت مرا ملزم ساخته و رها نمی‌کند. اینک خدای من؛ پس از این همه تقصیر و کوتاهی،

وَإِسْرَافِي عَلَيَّ نَفْسِي، مُعْتَذِرًا نَادِمًا مُنْكَسِرًا مُسْتَقْبِلًا مُسْتَغْفِرًا

و اسراف بر خویش، نزدت آمده‌ام با حالت عذرخواهی، پشیمانی، دل شکسته، خواهان گذشت و آمرزش تو،

مُنِيبًا مُقِرًّا مُذْعِنًا مُعْتَرِفًا، لَا أَجِدُ مَفْرَأً مِمَّا كَانَ مِنِّي، وَلَا مَفْرَعًا

توبه و بازگشت‌کننده، اعتراف‌کننده، و اقرارکننده. هیچ راه فراری از آنچه از من صادر گشته ندارم، و پناهگاهی

أَتَوَجَّهُ إِلَيْهِ فِي أَمْرِي غَيْرَ قَبُولِكَ عُذْرِي، وَإِدْخَالِكَ إِيَّايَ فِي

نیز برای روی آوردی پیدا نکرده‌ام؛ جز این که تو پوزشم را بپذیری و مرا در

سَعَةِ رَحْمَتِكَ. اللَّهُمَّ فَاقْبَلْ عُذْرِي، وَارْحَمْ شِدَّةَ ضُرِّي، وَفُكَّنِي

رحمت فراگیریت وارد کنی. بارالها! عذرم و پوزشم را بپذیر، و برگرفتاری سختم رحم کن؛

مِنْ شِدِّ وَثَاقِي، يَا رَبِّ ارْحَمْ ضَعْفَ بَدَنِي، وَرِقَّةَ جِلْدِي، وَدِقَّةَ

و از بند محکم و سختم رهاییم بخش؛ ای پروردگار من؛ به ناتوانی بدنم رحم کن، و به پوست نازک، و استخوان نحیف من رحم کن؛

عَظْمِي، يَا مَنْ بَدَأَ خَلْقِي وَذَكَرِي وَتَرْبِيَّتِي وَبِرِّي وَتَغْذِيَّتِي،

ای کسی که آفرینش و یاد و پرورش و نیکی و غذا دادن به من را خودت آغاز فرمودی؛

هَبْنِي لِابْتِدَاءِ كَرَمِكَ وَسَالِفِ بَرِّكَ بِي. يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَرَبِّي،

به خاطر کرامت آغازین و اولیئات، و نیکی‌های دیرینه‌ات به من؛ مرا ببخش. ای خدای من؛ آقای من؛

أَتْرَاكَ مُعَذِّبِي بِنَارِكَ بَعْدَ تَوْحِيدِكَ، وَبَعْدَ مَا انطَوَى عَلَيْهِ قَلْبِي

پروردگار من؛ آیا بینم تو را که می‌خواهی پس از یگانه پرستی‌ام، مرا با آتش دوزخت عذاب کنی؟ و پس از این که قلبم آمیخته

مِنْ مَعْرِفَتِكَ، وَلَهَجَ بِهِ لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ، وَاعْتَقَدَهُ ضَمِيرِي مِنْ

از شناخت نسبت به تو شده است؟ و پس از این که زبانم به ذکرت گویا شده است؟ و درون من با دوستی تو گره خورده؟

حُبِّكَ، وَبَعْدَ صِدْقِ اعْتِرَافِي وَدُعَائِي خَاضِعاً لِرُبُوبِيَّتِكَ، هَيْهَاتَ،

و پس از اعتراف صادقانه و دعای خاضعانه‌ام در پیشگاه ربوبیت تو؟ نه، هرگز

أَنْتَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ تُضَيِّعَ مَنْ رَبَّيْتَهُ، أَوْ تُبْعِدَ مَنْ أَدْنَيْتَهُ، أَوْ

تو، بزرگوارتر از آن هستی که پرورده‌ات را ضایع و تباه گردانی، یا کسی را که نزدیک کرده‌ای دور کنی، یا

تُشَرِّدَ مَنْ أَوَيْتَهُ، أَوْ تُسَلِّمَ إِلَى الْبَلَاءِ مَنْ كَفَيْتَهُ وَرَحِمْتَهُ، وَلَيْتَ

کسی را که پناه داده‌ای آواره کنی، یا کسی را که مورد کفایت و رحمتت قرار داده‌ای به دست بلاها بسپاری؛ و ای

شِعْرِي يَا سَيِّدِي وَإِلَهِي وَمَوْلَايَ أَتَسَلِّطُ النَّارَ عَلَيَّ وَجُوهٍ

کاش می‌دانستم، ای آقای من؛ معبود من؛ و مولای من؛ آیا تو بر چهره‌هایی که در پیشگاه

خَرَّتْ لِعَظَمَتِكَ سَاجِدَةً، وَعَلَى أَلْسِنٍ نَطَقَتْ بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً،

عظمتت خاکساری کرده و به سجده افتاده است؟ و بر زبان‌هایی که صادقانه به توحید و یگانگی‌ات گویا گشته،

وَبِشُكْرِكَ مُادِحَةً، وَعَلَى قُلُوبٍ اعْتَرَفَتْ بِإِلَهِيَّتِكَ مُحَقَّقَةً، وَعَلَى

و برای ستایش تو را شکرگزاری کرده است، و بر دل‌هایی که به طور حقیقی به خدایی تو اعتراف کرده‌اند؛

ضَمَائِرَ حَوَتْ مِنَ الْعِلْمِ بِكَ حَتَّى صَارَتْ خَاشِعَةً، وَعَلَى جَوَارِحَ

و بر درون‌هایی که از بس نسبت به تو آگاهی یافته‌اند، فروتن گشته‌اند؛ و بر اعضا و جوارحی که از روی فرمانبرداری به

سَعَتْ إِلَى أَوْطَانِ تَعْبُدِكَ طَائِعَةً، وَأَشَارَتْ بِاسْتِغْفَارِكَ مُذْعِنَةً،

سوی محل‌های عبادت و بندگی تو تلاش کرده‌اند؛ و با اعتراف به گناهان خود به سمت آمرزش تو قدم برداشته‌اند؛ آتش را مسلط

مَا هَكَذَا الظَّنُّ بِكَ، وَلَا أَخْبِرْنَا بِفَضْلِكَ عَنْكَ يَا كَرِيمُ يَا رَبِّ،

می‌کنی؟ چنین گمانی نسبت به تو راه ندارد و درباره فضل و بزرگواری تو، این‌گونه برای ما بازگو نکرده‌اند؛ ای بزرگوار؛ ای پروردگار

وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَعُقُوبَاتِهَا، وَمَا

من؛ این‌ها در حالی است که تو می‌دانی، در مقابل تحمل بلاهای کم دنیایی و مجازات آن‌ها تاب و توان ندارم؛

يَجْرِي فِيهَا مِنَ الْمَكَارِهِ عَلَى أَهْلِهَا، عَلَى أَنْ ذَلِكَ بَلَاءٌ وَمَكْرُوهٌ

و در برابر ناخوشی‌های دنیا که بر اهل دنیاست نیز توان تحمل ندارم؛ با این که این بلا و مصیبتی است که

قَلِيلٌ مَكْتَهُ، يَسِيرٌ بِقَاتِهِ، قَصِيرٌ مُدَّتُهُ، فَكَيْفَ اِحْتِمَالِي لِبَلَاءِ

مدت کمی می‌ماند، و پایداری آن اندک و زمانش کوتاه است. پس، با این اوصاف، من چگونه بلای

الْآخِرَةِ، وَجَلِيلٌ وَقُوعُ الْمَكَارِهِ فِيهَا، وَهُوَ بَلَاءٌ تَطُولُ مُدَّتُهُ،

آخرت، و ناخوشی‌های طاقت‌فرسایش را تحمل کنم؟ در حالی که آن بلایی است که مدت آن طولانی،

وَيَدُومُ مَقَامُهُ، وَلَا يُخَفَّفُ عَنْ أَهْلِهِ، لِأَنَّهُ لَا يَكُونُ إِلَّا عَنْ

و ماندگاریش دائمی است، و نسبت به اهل آن نیز تخفیف‌پذیر نیست؛ چرا که این (بلا) از

غَضَبِكَ وَانْتِقَامِكَ وَسَخَطِكَ، وَهَذَا مَا لَا تَقُومُ لَهُ السَّمَاوَاتُ

غضب و انتقام و خشم تو سرچشمه گرفته است. و این، چیزی است که آسمان‌ها و زمین را یارای مقاومت در برابر آن نیست؛

وَالْأَرْضُ، يَا سَيِّدِي، فَكَيْفَ لِي وَأَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيفُ الذَّلِيلُ

ای آقای من؛ پس من چگونه این‌ها را تحمل کنم، با وجود این که بنده‌ای ضعیف، خوار،

الْحَقِيرُ الْمِسْكِينُ الْمُسْتَكِينُ. يَا إِلَهِي وَرَبِّي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ،

کوچک، نیازمند و بیچاره هستم؟ ای معبود من؛ و پروردگار من؛ و آقای من؛ و مولای من؛

بعضی موارد هم



لِأَيِّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَشْكُو، وَلِمَا مِنْهَا أَضِجُ وَأَبْكِي، لِأَلِيمِ الْعَذَابِ

برای کدام یک از این امور به تو شکایت کنم؟ و برای کدام یک از آنها ضجه و ناله و گریه سر دهم؟ (ایا) برای دردناکی

وَشِدَّتِهِ، أَمْ لِنُطُولِ الْبَلَاءِ وَمُدَّتِهِ، فَلَمَّا صَبَّرْتَنِي لِلْعُقُوبَاتِ مَعَ

و سختی عذاب؟ یا برای طولانی شدن و مدت زیاد مصیبت و بلا؟ (خدایا) اگر برای عذاب، مرا در کنار

أَعْدَائِكَ، وَجَمَعْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ أَهْلِ بَلَائِكَ، وَفَرَّقْتَ بَيْنِي وَبَيْنَ

دشمنانت قرار دهی، و میان من و گرفتاران بلایت را جمع کنی، و بین من و

أَحِبَّائِكَ وَأَوْلِيَّائِكَ، فَهَبْنِي يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَرَبِّي،

دوستان و اولیای جدایی بیفکنی؛ گیرم که ای خدای من و ای آقا و مولا و پروردگار من؛

صَبَّرْتُ عَلَىٰ عَذَابِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَىٰ فِرَاقِكَ، وَهَبْنِي صَبْرْتُ

بر عذابت صبر و شکیبایی بورزم؛ ولی چگونه بر جدایی و فراق شکیبا باشم؟! گیرم که

عَلَىٰ حَرِّ نَارِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ إِلَىٰ كِرَامَتِكَ، أَمْ كَيْفَ

بر گرمی و سوزندگی آتش صبر کنم؛ ولی چگونه نسبت به محرومیت از تماشای کرامت و بزرگواریت، صبر کنم؟ یا چگونه،

أَسْكُنُ فِي النَّارِ وَرَجَائِي عَفْوِكَ. فَبِعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي وَمَوْلَايَ

با وجود آمیدی که به عفو و بخشش تو دارم، در آتش دوزخ مسکن گزینم؟ ای آقا و مولای من؛

أُقْسِمُ صَادِقًا لَنْ تَرَكْتَنِي نَاطِقًا، لِأَضِجَنَّ إِلَيْكَ بَيْنَ أَهْلِهَا ضَجِيجَ

سوگند صادقانه می‌خورم، که اگر به من اجازه سخن‌گفتن بدهی، به طور حتم در بین دوزخیان فریاد

الْأَمِلِينَ، وَلَا أَصْرُخَنَّ إِلَيْكَ صُرَاخَ الْمُسْتَصْرِخِينَ، وَلَا أَبْكِينَ

آرزومندان درخواستم داد و دردمندان ضجه و ناله فریادرس جویان سرخواهم داد، و همانند

عَلَيْكَ بُكَاءَ الْفَاقِدِينَ، وَلَا نَادِيَّتِكَ أَيْنَ كُنْتَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ،

عزیز از دست دادگان گریه‌های فراق خواهم کرد، و تو را ندا خواهم داد که: کجایی ای سرپرست مؤمنان؛

يَا غَايَةَ أَمَالِ الْعَارِفِينَ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، يَا حَبِيبَ قُلُوبِ

ای نهایت آرزوی عارفان و خداشناسان؛ ای فریادرس دادخواهان؛ ای محبوب دل‌های

الصَّادِقِينَ، وَيَا إِلَهَ الْعَالَمِينَ. أَفْتَرَاكَ سُبْحَانَكَ يَا إِلَهِي وَبِحَمْدِكَ

راستگویان؛ و ای معبود جهانیان؛ آیا پس ببینم تو را - ای کسی که منزهی؛ ای خدای من و من به حمد تو مشغولم -

دعای کبیر



تَسْمَعُ فِيهَا صَوْتَ عَبْدٍ مُسْلِمٍ سُجِنَ فِيهَا بِمُخَالَفَتِهِ، وَذَاقَ طَعْمَ

که صدای بندهٔ مسلمان را می‌شنوی که در جهنم به خاطر مخالفت و نافرمانیش زندانی شده است؛ و به خاطر

عَذَابِهَا بِمَعْصِيَّتِهِ، وَحُبْسِ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا بِجُرْمِهِ وَجَرِيرَتِهِ وَهُوَ

معصیت و گناهش مزه عذاب جهنم را چشیده است و بین طبقه‌های مختلف جهنم به خاطر جرم و گناهش زندانی شده است؛ او

يَضِجُ إِلَيْكَ ضَجِيجَ مُؤَمِّلٍ لِرَحْمَتِكَ، وَيُنَادِيكَ بِلِسَانِ أَهْلِ

با ضجه و ناله، به امید و آرزوی رحمت فریاد برمی‌آورد، و با زبان و طرز گفتار

تَوْحِيدِكَ، وَيَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِرُبُوبِيَّتِكَ. يَا مَوْلَايَ، فَكَيْفَ يَبْقَى فِي

یگانه‌پرستانت تو را ندا می‌دهد و توسل به ربوبیت و پروردگاری تو پیدا می‌کند. ای مولای من؛ چگونه این

الْعَذَابِ وَهُوَ يَرْجُو مَا سَلَفَ مِنْ حِلْمِكَ، أَمْ كَيْفَ تُوَلِّمُهُ النَّارَ

بندهات در عذاب باقی بماند با وجود این که به حلم و بردباری دیرینهات امیدوار است؟ یا چگونه آتش او را به درد آورد؛

وَهُوَ يَأْمَلُ فَضْلَكَ وَرَحْمَتَكَ، أَمْ كَيْفَ يُحْرِقُهُ لَهَيْبَتِهَا وَأَنْتَ

با این که او به فضل و مهربانیت، آرزومند است؟ یا چگونه زیانه‌های آتش، او را بسوزاند

تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَتَرَى مَكَانَهُ، أَمْ كَيْفَ يَشْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا وَأَنْتَ

در حالی که صدایش را می‌شنوی و جایگاهش را می‌نگری؟ یا چگونه شعله‌ها و شراره‌های آتش او را در برگرد در حالی که

تَعْلَمُ ضَعْفَهُ، أَمْ كَيْفَ يَتَقَلَّلُ بَيْنَ أَطْبَاقِهَا وَأَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ، أَمْ

ناتوانی او را می‌دانی؟ یا چگونه با وجود راستگویی‌اش - که تو نیز از آن آگاهی - بین طبقه‌های جهنم بالا و پایین رود؟ یا

كَيْفَ تَرْجُرُهُ زَبَانِيَّتِهَا وَهُوَ يُنَادِيكَ يَا رَبَّهُ، أَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ

چگونه مأموران آتش او را به سوی دوزخ می‌رانند در حالی که او ندا می‌دهد و می‌گوید: ای پروردگار من؛ یا چگونه او به فضل تو امیدوار

فِي عِتْقِهِ مِنْهَا فَتَّرَكُهُ فِيهَا، هَيْهَاتَ، مَا ذَلِكَ الظَّنُّ بِكَ، وَلَا

باشد تا رهاش کنی، ولی تو او را در آتش وامی‌گذاری؟ نه هرگز؛ این بعید است و چنین گمان و اندیشه‌ای در مورد تو نیست؟ و این

الْمَعْرُوفُ مِنْ فَضْلِكَ، وَلَا مُشَبَّهُ لِمَا عَامَلْتَ بِهِ الْمُوَحِّدِينَ مِنْ

گونه در مورد فضل تو معروف نیست؛ و این، شبیه رفتار بزرگوارانه و

بِرِّكَ وَإِحْسَانِكَ، فَبِالْيَقِينِ أَقْطَعُ لَوْلَا مَا حَكَمْتَ بِهِ مِنْ تَعْذِيبِ

نیکی و احسان تو، نسبت به یکتاپرستان نیست. پس یقین دارم و باورم بر این است که اگر حکم و دستور تو

چگونه دوزخ را در دهم

جَاحِدِيكَ، وَقَضَيْتَ بِهِ مِنْ إِخْلَادِ مُعَانِدِيكَ لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا

در مورد عذاب کردن منکرانت و جاودانه ماندن دشمنان خود در آتش؛ صادر نشده بود؛ به طور حتم (در روز قیامت)، تمام آتش را

بَرْدًا وَسَلَامًا، وَمَا كَانَ لِأَحَدٍ فِيهَا مَقْرًا وَلَا مُقَامًا، لَكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ

سرد و سلامت می‌کردی، و هیچ کس در آن استقرار نمی‌یافت و جا نمی‌گرفت. لیکن، تو - که

أَسْمَاؤُكَ أَقْسَمْتَ أَنْ تَمَلَّأَهَا مِنَ الْكَافِرِينَ مِنَ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ

نام‌های شریف پاک و مقدس است - سوگند یاد کردی که جهنم را پر از تمام کافران جنتی و انسی کنی،

أَجْمَعِينَ، وَأَنْ تُخَلِّدَ فِيهَا الْمُعَانِدِينَ، وَأَنْتَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ قُلْتَ

و معاندان و دشمنان سرسختت را برای همیشه در آتش نگاه داری. و تو - که مدح و ثنایت شکوهمند باد -

مُبْتَدَأً، وَتَطَوَّلْتَ بِالْإِنْعَامِ مُتَّكِرًا، أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ

در آغاز فرمودی، و در ادامه نیز بزرگواریه با نعمت بخشیدنت فرصت دادی که: آیا کسی که ایمان آورده با کسی که اهل

فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ. إِلَهِي وَسَيِّدِي، فَأَسْأَلُكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِي قَدَّرْتَهَا،

فسق و بدی باشد؛ مساوی نیستند. خدای من؛ و آقای من؛ از تو می‌خواهم به واسطه قدرتت که آن را تقدیر فرمودی،

وَبِالْقَضِيَّةِ الَّتِي حَتَمْتَهَا وَحَكَمْتَهَا، وَغَلَبْتَ مَنْ عَلَيْهِ أَجْرِيَّتَهَا،

و دستوری که حتمی و لازم نمودی، و بر هر که اجرا کردی نیز پیروز شدی؛

أَنْ تَهَبَ لِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَفِي هَذِهِ السَّاعَةِ كُلَّ جُرْمٍ أَجْرَمْتُهُ،

برای من ببخشی در این شب و این ساعت، هر جرمی که از من سر زده است،

وَكُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ، وَكُلَّ قَبِيحٍ أَسْرَرْتُهُ، وَكُلَّ جَهْلٍ عَمِلْتُهُ،

و هر گناهی مرتکب شده‌ام، و هر زشتی که آن را پنهان داشته‌ام، و هر نادانی که انجام داده‌ام،

كَتَمْتُهُ أَوْ أَعْلَنْتُهُ، أَخْفَيْتُهُ أَوْ أَظْهَرْتُهُ، وَكُلَّ سَيِّئَةٍ أَمَرْتُ بِإِثْبَاتِهَا

آن را کتمان نمودم یا علنی ساختم، پنهان کردم یا آشکار نمودم؛ و هر کار بدی را که به

الْكَرَامَ الْكَاتِبِينَ، الَّذِينَ وَكَلْتَهُمْ بِحِفْظِ مَا يَكُونُ مِنِّي، وَجَعَلْتَهُمْ

نویسندگان بزرگوارت دستور ثبت آنها را داده‌ای؛ همان نویسندگان بزرگواری که موظف به حفظ و ثبت اعمال من کرده‌ای و آنان را به

شُهُودًا عَلَيَّ مَعَ جَوَارِحِي، وَكُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيَّ مِنْ وَرَائِهِمْ،

همراه اعضا و جوارح خودم به عنوان شاهد و گواه رفتار من قرار داده‌ای؟ و از طرفی خودت نیز پیشاپیش آنها مواظب و مراقب رفتارم بوده‌ای

وَالشَّاهِدَ لِمَا خَفِيَ عَنْهُمْ، وَبِرَحْمَتِكَ أَخْفَيْتَهُ، وَبِفَضْلِكَ سَتَرْتَهُ،

و هر چه از آنان مخفی شده است را نیز خودت گواه بوده‌ای؛ البته، کارهای مخفی را خودت به واسطه رحمتت پنهان نمودی و به فضل خودت

وَأَنْ تُوفِّرَ حَظِّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ، أَوْ إِحْسَانٍ فَضَّلْتَهُ، أَوْ بِرٍّ

پوشیدی، و از تو می‌خواهم فراوان کنی حظ و نصیبم را از هر خیر و خوبی که فرو می‌فرستی، یا هر احسان و نیکی که لطف می‌کنی، یا هر خوبی

نَشَرْتَهُ، أَوْ رِزْقٍ بَسَطْتَهُ، أَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ، أَوْ خَطَا تَسْتُرُهُ. يَا

بین بندگانت بخش نموده‌ای، یا روزی و نصیبی که گسترده ساخته‌ای، یا هر گناهی که بخشیده‌ای، یا هر اشتباهی که آن را پنهان

رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ، يَا إِلَهِي وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ وَمَالِكِ رِقِّي، يَا

داشته‌ای. پروردگارا؛ پروردگارا؛ پروردگارا؛ ای خدای من؛ و آقای من؛ و مولای من؛ و مالک هستی من؛ ای

مَنْ بِيَدِهِ نَاصِيَّتِي، يَا عَلِيماً بَضْرِي وَمَسْكَنَتِي، يَا خَيْراً بِفَقْرِي

کسی که اختیار و زمام من در دست اوست؛ ای کسی که بیچارگی و درماندگی‌ام را می‌دانی؛ ای کسی که از نیازمندی

وَفَاقَتِي. يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ، أَسْأَلُكَ بِحَقِّكَ وَقُدْسِكَ،

و بی‌نوابی من آگاهی؛ ای پروردگارا؛ ای پروردگارا؛ ای پروردگارا؛ از تو می‌خواهم به حق خودت و پاکبت،

وَأَعْظَمَ صِفَاتِكَ وَأَسْمَائِكَ، أَنْ تَجْعَلَ أَوْقَاتِي مِنَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ

و بزرگ‌ترین صفات و نام‌هایت؛ که تمام لحظه‌های شب و روزم را

بِذِكْرِكَ مَعْمُورَةً، وَبِخِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً، وَأَعْمَالِي عِنْدَكَ مَقْبُولَةً،

با یادت آباد کنی؛ و پیوسته در خدمت خودت قرار دهی؛ و کارهایم را نزد خودت پذیرفته‌شده قرار دهی؛

حَتَّى تَكُونَ أَعْمَالِي وَأَوْزَادِي كُلُّهَا وَرِثَةً وَاحِدَةً، وَخَالِي فِي

تا آن‌که تمام کارها و وردهایم یک ورد (و یک جهت) باشد، و حال من

خِدْمَتِكَ سَرْمَدًا. يَا سَيِّدِي يَا مَنْ عَلَيْهِ مَعْوَلِي، يَا مَنْ إِلَيْهِ

در خدمت تو پاینده باشد. ای آقای من؛ ای کسی که تکیه‌گاه و مورد اعتمادم، تنها تو هستی؛ ای کسی که بد حالی‌هایم را

شَكْوَتُ أَحْوَالِي، يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ، قَوِّ عَلَيَّ خِدْمَتِكَ

تنها به تو شکایت می‌کنم؛ پروردگارا؛ پروردگارا؛ پروردگارا؛ اعضا و جوارحم را برای خدمتگزاریت نیرومند کن،

جَوَارِحِي، وَاشْدُدْ عَلَيَّ الْعَزِيمَةَ جَوَانِحِي، وَهَبْ لِي الْجِدَّ فِي

و دلم را بر قصد و آهنگ به سوی خودت محکم گردان، و نصیبم کن که به طور جدی از تو

خَشِيَّتِكَ، وَالِدَّوَامَ فِي الْإِتِّصَالِ بِخِدْمَتِكَ، حَتَّى أَسْرَحَ إِلَيْكَ فِي

در هراس باشم، و همیشه و به طور دائم به خدمت تو بپردازم؛ تا در نتیجه در

مَيَادِينِ السَّابِقِينَ، وَأَسْرِعَ إِلَيْكَ فِي الْبَارِزِينَ، وَأَشْتَاقَ إِلَى

میدان‌های پیشی‌گیرندگان به سوی تو روانه‌گردم، و در زمره کسانی که نمودار گشته‌اند به سرعت به سوی تو بیایم، و در زمره

قُرْبِكَ فِي الْمُشْتَاقِينَ، وَأَدْنُو مِنْكَ دُنُو الْمُخْلِصِينَ، وَأَخَافُكَ

مشاققت با شوق فراوان به مقام قرب تو راه پیدا کنم، و همچون نزدیک‌بودن اهل اخلاص به تو نزدیک‌گردم، و

مَخَافَةَ الْمُوقِنِينَ، وَأَجْتَمِعَ فِي جِوَارِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ. اللَّهُمَّ وَمَنْ

همانند ترسی که اهل یقین از تو دارند بترسم؛ و در جوار رحمتت با مؤمنان گرد آیم. بارالها؛ هر کس

أَزَادَنِي بِسُوءٍ فَأَرِدَهُ، وَمَنْ كَادَنِي فَكِدَهُ، وَاجْعَلْنِي مِنْ أَحْسَنِ

قصد بدی در مورد من دارد، خودت در موردش قصد بد کن؛ و هر کس برایم مکر و حيله‌ای فراهم کند، تو نیز با او مکر کن؛ و مرا از بهترین

عَبِيدِكَ نَصِيبًا عِنْدَكَ، وَأَقْرَبِهِمْ مَنْزِلَةً مِنْكَ، وَأَخْصِهِمْ زُلْفَةً

بنده‌های بهره‌مند در نزد خودت، و از کسانی که نزدیک‌ترین جایگاه معنوی را نسبت به تو دارند، و بهترین درجه را به

لَدَيْكَ، فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ، وَجُدْ لِي بِجُودِكَ، وَاعْطِفْ

ایشان اختصاص داده‌ای، قرار ده؛ زیرا، این‌ها جز با فضل و فزون‌بخشی تو به دست نمی‌آید؛ و با سخاوتمندیت بر من ببخشای، و

عَلَيَّ بِمَجْدِكَ، وَاحْفَظْنِي بِرَحْمَتِكَ، وَاجْعَلْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجًا،

با بزرگواری و شکوهت بر من عطوفت و مهربانی کن، و با رحمتت مرا حفظ کن؛ و زبانت را به ذکر و یاد خود گویا،

وَقَلْبِي بِحُبِّكَ مُتَيِّمًا، وَمَنْ عَلَيَّ بِحُسْنِ إِجَابَتِكَ، وَأَقْلِنِي عَشْرَتِي،

و قلبم را از دوستیت بی‌قرار ساز، و با اجابت نیکو به درخواست من بر من منت گذار، و از لغزش من درگذر

وَاعْفِرْ زَلَّتِي، فَإِنَّكَ قَضَيْتَ عَلَيَّ عِبَادَتِكَ بِعِبَادَتِكَ، وَأَمَرْتَهُمْ

و لغزشم را نادیده بگیر؛ زیرا، تو به بندگانت دستور دادی تو را بپرستند، و بر آنان امر کرده‌ای

بِدُعَائِكَ، وَضَمِنْتَ لَهُمُ الْإِجَابَةَ. فَالَيْكَ يَا رَبِّ نَصَبْتُ وَجْهِي،

تا تو را بخوانند، و در مقابل نیز ضمانت کرده‌ای که اجابتشان کنی. پس پروردگارا؛ به سوی تو روی آورده‌ام،

وَإِلَيْكَ يَا رَبِّ مَدَدْتُ يَدِي، فَبِعِزَّتِكَ اسْتَجِبْ لِي دُعَائِي،

و دستم را تنها به طرف تو دراز کردم؛ پس، تو را به عزتت سوگند؛ دعایم را مستجاب فرما.

وَبَلِّغْنِي مُنَايَ، وَلَا تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِكَ رَجَائِي، وَاكْفِنِي شَرَّ الْجِنِّ

و مرا به آرزویم برسان، و امیدم را از فضلت قطع مکن، و از شر دشمنانم چه جنتی

وَالْإِنْسِ مِنْ أَعْدَائِي. يَا سَرِيعَ الرِّضَا، إِغْفِرْ لِمَنْ لَا يَمْلِكُ إِلَّا

و چه آدمی، مرا در امان دار و کفایتم کن. ای کسی که زود راضی می‌شوی؛ بیامرز کسی را که جز دعا کاری از دستش

الدُّعَاءُ، فَإِنَّكَ فَعَالٌ لِمَا تَشَاءُ، يَا مَنْ اسْمُهُ دَوَاءٌ، وَذِكْرُهُ شِفَاءٌ،

نمی‌آید، زیرا، تو کاری را که بخواهی به طور کامل انجام می‌دهی. ای کسی که نامش، دواست؛ و یادش، شفاست؛

وَطَاعَتُهُ غِنَى، إِزْحَمُ مَنْ رَأْسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ، وَسِلَاحُهُ الْبُكَاءُ،

و فرمان برداریش، مایه بی‌نیازی است؛ رحم کن به کسی که سرمایه‌اش امید است، و تنها اسلحه‌اش گریه است.

يَا سَابِغَ النُّعْمِ، يَا دَافِعَ النِّقَمِ، يَا نُورَ الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلْمِ،

ای فرو ریزنده نعمت‌ها؛ ای برطرف کننده سختی‌ها و مجازات‌ها؛ ای روشنی وحشت‌زدگان در تاریکی‌ها؛

يَا عَالِمًا لَا يُعَلِّمُ، صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بِي مَا

ای عالمی که تعلیم داده نشده‌ای؛ بر محمد و آل محمد درود پیوسته بفرست، و آن

أَنْتَ أَهْلُهُ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ وَالْأَيْمَّةِ الْمِيَامِينِ مِنْ آلِهِ،

چنان که شایسته و بایسته توست با من رفتار کن. و درود پیوسته خداوند بر فرستاده‌اش و امامان پربرکت از آل او؛

وَسَلِّمْ تَسْلِيمًا كَثِيرًا ۱.

و سلام بسیارش بر آنان باد.

خاتمه کتاب یا ملحقات

خاتمه کتاب



بعضی از عبادانی که مورد توجه
حضرت بقیۃ اللہ ارواحنا فداہ می باشند



در پایان کتاب، به بیان برخی از مطالبی می پردازیم که حضرتش صلوات الله علیه به گونه ای دستور به انجام آنها فرموده اند؛ آنها عبارتند از بعضی از دعاها و زیارت ها، و برخی از دستورات و مطالبی که با موضوع کتاب مناسبت دارد. در ابتدا، جریان سید رشتی رضوان الله علیه را بیان می کنیم؛ زیرا جریان دیدار او، مطالبی را در بر دارد که مولای ما امام زمان ارواحنا فداه به انجام آن امر فرموده اند.

محدث نوری رحمته الله علیه می فرماید: سید رشتی گفت: در سال ۱۲۸۰ (قمری) به قصد انجام حج حرکت کردم، و از طرف رشت به تبریز رفتم. در تبریز به خانه حاج صفر علی تاجر معروف تبریزی رفته و به دلیل این که کاروانی برای عزیمت به حج نیافتم، سرگردان شده بودم؛ تا آن که حاج جبّار جلو دار سده ای اصفهانی، کاروانی برای رفتن به «طربوزن» تدارک دید.

من، یک مرکب برای خودم از او کرایه کردم و به راه افتادم، و وقتی به اولین منزلگاه بین راه رسیدم، بنا بر تشویق حاج صفر علی تاجر، سه نفر دیگر نیز به من پیوستند و با یکدیگر هم سفر شدیم؛ آن سه نفر: ۱- حاج ملا باقر تبریزی (که به نیابت از شخص دیگری عازم حج شده بود، و نزد علما شناخته شده بود)؛ ۲- حاج سید حسین تاجر تبریزی؛ ۳- مردی که خدمتکار بود، و او را حاج علی می گفتند.

در بین راه به شهر «ارضروم» رسیدیم و از آن جا نیز عازم شهر «طربوزن» بودیم. در یکی از استراحتگاه های بین این دو شهر، حاج جبّار جلو دار (رئیس کاروان) نزد

من آمد، و گفتم: منزلگاه بعدی که در پیش داریم، ترسناک است؛ بدین جهت، لازم است عجله کنید و از قافله عقب نمانید.

زیرا ما در بین راه کمی از کاروان فاصله می گرفتیم، حدود دو و نیم یا سه ساعت به صبح مانده بود، که همگی با هم حرکت کردیم، هنوز به طور تقریبی نیم فرسخ یا سه چهارم فرسخ از منزلگاه قبلی دور نشده بودیم که ناگهان هوا دگرگون و تاریک شد، و شروع به بارش برف کرد.

در این حال، هر یک از دوستانم سرش را پوشانید و به سرعت، حرکت کرد. من نیز چنین کردم، لیکن نمی توانستم به سرعت آنان بروم؛ آنان دور شدند و من تنها ماندم. لذا، از اسب پیاده شدم و در کنار جاده نشستم و به شدت دچار اضطراب و نگرانی شدم؛ چون، حدود ششصد تومان برای خرجی سفرم همراه داشتم. پس از اندیشه در مورد وضعیتم، بدین نتیجه رسیدم که همان جا بمانم تا صبح شود، و به همان منزلگاه قبلی برگردم و از آن جا چند نفر را برای نگهبانی از خود استخدام کنم، تا دوباره به کاروان برسم.

در همین اندیشه بودم که ناگهان باغی زیبا را در پیش رویم دیدم، و مشاهده کردم باغبانی در آن جاست و بیلی در دست دارد و برفها را از شاخ و برگ درختان می ریزد. باغبان نزد آمد و به قدری پیش آمد که فاصله کمی بین من و ایشان بود. فرمود: تو کیستی؟

گفتم: دوستانم رفتند و من تنها ماندم، و راه را نیز بلد نیستم؛ سرگردان شده‌ام. وی با زبان فارسی گفت: **نافله بخوان** تا راه را پیدا کنی؛ و مقصودش نماز شب بود. من مشغول نماز شب شدم، تا از تهجد فارغ گردیدم پس از آن دوباره نزد آمد و فرمود: آیا هنوز نرفته‌ای؟

گفتم: به خدا، راه را بلد نیستم.

فرمود: **جامعه بخوان**. من زیارت جامعه را حفظ نکرده بودم، و هیچگاه نمی توانستم آن را حفظ و بدون نگاه کردن به کتاب بخوانم؛ با این که بارها به حرم مطهر امامان علیهم السلام شرفیاب شده بودم، با این حال، در همان جا ایستادم و از حفظ شروع

به خواندن زیارت جامعه کردم و آن را به طور کامل خواندم.

بار دیگر آن شخص آمد و فرمود: هنوز نرفته‌ای؟ بی‌اراده، اشکم سرازیر شد و گریستم؛ گفتم: این همه وقت است که این جا هستم، و راه را بلد نشده‌ام!
فرمود: عاشورا بخوان.

در مورد زیارت عاشورا نیز همان وضع را داشتم، یعنی مانند زیارت جامعه نمی‌توانستم آن را از حفظ بخوانم، ولی برخاستم و بی‌اختیار آن را تا آخر خواندم و لعن و سلام و دعای علقمه را نیز قرائت کردم. دیدم دوباره آمد و فرمود: هنوز هم که نرفته‌ای؟!

گفتم: نه، تا صبح هم این جا می‌مانم.

فرمود: حالا من، تو را به کاروان می‌رسانم. رفت، و بر الاغی سوار شد و بیل خود را بر دوش گذاشت و آمد و گفت: پشت سر من سوار الاغ شو.

من سوار شدم و افسار اسبم را نیز به دست گرفتم ولی اسبم حرکت نکرد.

فرمود: افسار اسب را به من بده. افسارش را به دست آن شخص سپردم و او بیل خود را بر شانه چپ گذاشت و افسار اسب مرا با دست راست گرفت و به راه افتاد. اسبم، به گونه‌ای شگفت‌انگیز، گوش به فرمان او بود و به دنبال او به راه افتاد.

آن گاه دستش را بر زانویم نهاد و فرمود:

شما چرا نافله نمی‌خوانید؟ نافله، نافله، نافله. شما چرا عاشورا نمی‌خوانید؟

عاشورا، عاشورا، عاشورا. شما چرا جامعه نمی‌خوانید؟ جامعه، جامعه، جامعه.

ایشان به گونه‌ای مسیر را می‌پیمود که گویی زمین در زیر پایش در می‌نوردد؛ ناگهان برگشت و به من فرمود: دوستانت، آن‌ها هستند. دیدم که دوستانم در کنار نهر آبی فرود آمده‌اند، و از آب آن برای نماز صبح وضو می‌گیرند.

من، از الاغ پیاده شدم که سوار اسبم شوم ولی نتوانستم. ایشان، از الاغ پیاده شدند و بیل خود را در میان برف‌ها زدند و مرا سوار بر اسبم نمودند. سپس، سر اسب را رو به محلی که دوستانم بودند، گردانیدند.

در این اثناء بود که در خاطرم گذشت: این شخص کیست که به راحتی، فارسی

سخن می گوید؟ با این که می دانم، مردم این منطقه، فقط به زبان ترکی ترکیه آشنا هستند! بیشترشان نیز مسیحی اند. از طرفی، چگونه با این سرعت، مرا به دوستانم رسانید؟ همین که برگشتم و به پشت سرم نگاه کردم هیچ کس را نیافتم و اثری از او ندیدم؛ لذا نزد دوستانم رفتم.

نماز شب: آگاه باش؛ فایده و ارزش نماز شب، خارج از حدی است که بتوان بیان کرد؛ چون نکات دقیق و اسراری دارد که در قرآن و احادیث، به طور مختصر بدانها اشاره شده است. بدین جهت، در برخی از روایات هنگام یاد از نماز شب، سه مرتبه نام آن تکرار شده است.

شیخ کلینی و شیخ صدوق، و شیخ برقی از امام صادق علیه السلام روایت کرده اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام وصیت و سفارشات فرمود و دستور داد که آنها را حفظ کرده و به آن عمل نمایند؛ آن گاه از خدای تعالی خواست تا آن حضرت را برای عمل به این سفارشات، یاری دهد. از جمله سفارشات یاد شده این است که فرمود:

تو را به نماز شب سفارش می کنم؛ بر تو باد به نماز شب؛ بر تو باد به نماز شب.

در کتاب «فقه الرضا علیه السلام» نیز روایتی نزدیک به همین معنا، آمده است.

زیارت جامعه: گروهی از علما تصریح فرموده اند که این زیارت؛ بهترین و کامل ترین زیارت ها است.

علامه مجلسی رحمته الله علیه پس از توضیح کوتاهی در مورد عبارات های زیارت جامعه که در دیگر زیارت ها چنین شرح و توضیحی نداده است می فرماید:

اندکی در شرح این زیارت کلام را طولانی کردم - گرچه حقش را ادا نکرده ام - چون نخواستم سخن به درازا کشد؛ چون این زیارت، دارای صحیح ترین سند و مشهورترین راویان، (فراگیرترین زیارت در مورد ائمه علیهم السلام)، فصیح ترین الفاظ، رساترین معانی و بلندمرتبه ترین زیارات است.

زیارت عاشورا: در فضیلت و جایگاه آن، همین بس که سنخیت با دیگر زیارات ندارد؛ چون - گرچه سخنان و دستوره های معصومان علیهم السلام، از عالم بالا گرفته شده است،

و این زیارت (به حسب ظاهر) و نیز دیگر زیارات، از دستورات معصومان علیهم السلام است؛ ولی - زیارت عاشورا، یک حدیث قدسی است و این عبارات، از جمله لعن، سلام و دعاهای آن، به همین شکل از خدای سبحان به جبرئیل امین و از او به حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله رسیده است.

تجربه نشان داده است که اگر چهل روز یا کمتر، به طور دائم (هر روز) به خواندن این زیارت پرداخته شود؛ هیچ دعایی همانند آن برای برآوردن حاجات، رسیدن به مقصود و دفع دشمنان وجود ندارد.

بهترین فایده‌ای که می‌توان از طریق مواظبت بر خواندن این زیارت به دست آورد، آن چیزی است که یکی از اشخاص مورد اعتماد، نیکو رفتار و پرهیزگار، یعنی جناب حاج ملا حسن یزدی رحمته الله که از بهترین ساکنان شهر نجف بود، و پیوسته به عبادت و زیارت می‌پرداخت؛ از حاج محمد علی یزدی که او نیز مورد وثوق و اطمینان، نیکو رفتار، و از افراد فاضل و برجسته شهر یزد بود، می‌گوید:

مردی در یزد بود که از افراد نیک و برجسته بود. وی، شب‌ها به قبرستانی خارج از شهر یزد (که به زیارتگاه معروف بود) می‌رفت در آن زیارتگاه، چند تن از افراد صالح دفن شده بودند. سید احمد، همسایه‌ای داشت که از کودکی باهم بزرگ شده بودند، و معلم‌شان نیز یکی بود و باهم درس خوانده بودند تا آن که جزو صنف مالیات‌گیران دولت درآمد. البته این شخص از دنیا رفت، و محلّ دفنش نیز نزدیک همان مکانی بود که حاج محمد علی به عبادت می‌پرداخت.

وی، پس از مرگ آن شخص، او را با وضعی بسیار خوب و در نعمت‌های بهشتی مشاهده کرد. او در عالم خواب به طرف دوست مرده‌اش رفته و گفت: من از ابتدا تا پایان، و از ظاهر و باطن تو باخبر هستم؛ به خوبی نیز می‌دانم کسی نبوده‌ای که از نظر باطنی خوب باشی و کارهای زشت را بتوان حمل بر تقیه و پنهان‌کاری شرعی کرد، یا بتوان گفت به ناچار و برای کمک به مظلومان و ... وارد کارهای دولتی شده‌ای. کارهای تو، تنها سزاوار عذاب و بدبختی بود؛ بگو بدانم از کجا به این مقام و منزلت پس از مرگ دست یافته‌ای؟!

گفت: درست است؛ همین طور است که گفتم. من در عذاب سختی بودم و از روزی که مردم تا دیروز به شدت عذاب می‌شدم؛ تا آن که دیروز، همسر استاد اشرف آهنگر از دنیا رفت و در نزدیکی من حدود پنجاه متری بین قبر من تا جایگاه تو، دفن شد، دیشب که آن زن را در این جا به خاک سپردند، حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام، سه مرتبه به دیدارش تشریف فرما شدند، و در مرتبه سوم دستور فرمودند تا عذاب را از تمام قبرستان بردارند. بدین جهت، من نیز راحت شدم و نعمت‌ها و شادی‌ها، مرا فرا گرفت.

وی، ناگهان از خواب پریده و چون استاد اشرف آهنگر و جای او را نمی‌شناخت، در بازار آهنگران به جستجو پرداخت و او را یافت؛ به آهنگر گفت: آیا شما همسر دارید؟

گفت: آری. او دیروز از دنیا رفته و در فلان مکان - همان مکان را نام برد - دفنش کردم؟

گفت: آیا زنت به زیارت امام حسین علیه السلام شرف یاب شده بود؟ گفت: خیر.

پرسید: آیا برای آن حضرت عزاداری می‌کرد؟ گفت: نه.

گفت: آیا در خانه مجالس روضه تشکیل می‌داد؟ گفت: خیر.

آهنگر پرسید: مقصودت از این پرسش‌ها چیست؟ او نیز خوابش را تعریف کرد.

و گفت: می‌خواهم بینم همسرت چه رابطه‌ای با امام حسین علیه السلام داشته است؟

استاد اشرف آهنگر گفت: زنم، پیوسته زیارت عاشورا می‌خواند.

پوشیده نماند، سید احمد (که این جریان در مورد او نقل شده است) از صالحان و پرهیزگاران بود، و در امور عبادی و زیارات، و ادای حقوق الهی و حقوق مردم، و پاکیزگی و پاکی لباس و بدن از نجاسات و کثیفی‌ها؛ معروف بود.

نیز، همگی او را به ورع و تقوا و نیکوکاری می‌شناختند و نزد مردم یزد و دیگر شهرها مشهور بود. البته، هر بار که زیارت می‌کرد نیز الطاف ویژه‌ای به او می‌رسید که نقلش در این جا مناسب نیست.^۱

نماز شب

اکنون به چگونگی نماز شب می پردازیم؛ پس از آن زیارت جامعه کبیره و زیارت عاشورا را نیز نقل می کنیم.

نماز شب: زمانش از نیمه شب آغاز می شود، و هر چه زمان انجام آن به صبح نزدیک تر باشد، فضیلتش افزون است. البته اگر هنگام صبح، نماز گزار چهار رکعت از نماز شب را به جا آورده باشد، باید بقیه نمازها را بدون سوره و با حمد تنها انجام دهد. نماز شب، هشت رکعت است که دو رکعت دو رکعت انجام می شود؛ مستحب است در دو رکعت اول در هر رکعت بعد از حمد، سی مرتبه سوره «توحید» را بخواند؛ در این صورت با پایان نماز، هیچ گناهی بین او و خداوند باقی نمی ماند.

بِقَدْرِ
تَقَاتِهِ

هم چنین می تواند در رکعت اول پس از حمد، سوره «توحید» بخواند و در رکعت دوم سوره «کافرون» را قرائت کند و در نمازهای دیگر (شش رکعت باقی مانده) هر سوره ای را خواست، بخواند.

نیز، می تواند در هر رکعت از هشت رکعت نماز شب، پس از حمد، سوره «توحید» را بخواند یا این که سوره ای نخواند و به حمد تنها بسنده کند.



(مستحب است بعد از دو رکعت اول، دعایی را که برای تعجیل فرج در ص ۱۹۸ نقل کردیم بخواند. و بعد از رکعت چهارم، دعایی را که در ص ۲۰۰ نقل کردیم بخواند.)
قنوت نماز شب نیز مانند قنوت در نمازهای واجب، مستحب است که در رکعت های دوم هر نماز، قنوت خوانده شود. در ذکر قنوت می تواند سه مرتبه «سبحان الله» بگوید، یا این دعا را بخواند:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَعَافِنَا وَاعْفُ عَنَّا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ،

بارالها! ما را ببخش، و رحم کن، و سلامتی بده، و در دنیا و آخرت ما را ببخش؛

إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

به راستی که تو هر چیزی خواهی، می توانی انجام دهی.

یا بگوید: رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعَلَّمُ، إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ

پروردگارا؛ ببخش، رحم کن، از هر چه می‌دانی بگذر؛ به راستی، تو عزت‌مندترین،

الْأَجَلُّ الْأَكْرَمُ

باشکوه‌ترین، و بزرگواری‌ترین هستی.

روایت شده است: حضرت موسی بن جعفر علیه السلام، هنگامی که شب، در محراب عبادت می‌ایستادند، می‌گفتند: اللَّهُمَّ إِنَّكَ خَلَقْتَنِي سَوِيًّا... «بارالها؛ راستی، تو مرا با اندامی متناسب آفریده‌ای...»، و این، دعای پنجاهم صحیفه کامله سجادیه است.

پس از انجام هشت رکعت نماز شب، دو رکعت نماز شفع و یک رکعت نماز وتر را به جا آورید؛ در این سه رکعت نماز، پس از «حمد» در هر رکعت سوره «توحید» را بخوانید؛ تا ثواب یک ختم کامل قرآن را به دست آورید؛ چون، هر بار قرائت سوره «توحید»، ثواب خواندن یک سوّم از قرآن را دارد.

نیز می‌توانید در رکعت اول شفع پس از «حمد»، سوره «ناس»؛ و در رکعت دوم پس از «حمد»، سوره «فلق» را قرائت کنید.

پس از نماز شفع، یک رکعت نماز وتر با سوره «حمد» و سوره «توحید» بخوانید، و یا آن که بعد از سوره «حمد» سه مرتبه ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ و معوذتین - یعنی ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ﴾ و ﴿قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ﴾ - را قرائت کنید. پس از سوره، دست‌ها را به دعا برداشته و در قنوت، هر چه خواستید بخوانید.

شیخ طوسی رحمته الله می‌گوید: دعا‌های قنوت، بی‌شمار است؛ و هیچ قنوت مخصوصی وارد نشده است که واجب باشد همان خوانده شود.

مستحب است انسان در حال قنوت از ترس خدا و هراس از عذاب الهی بگریزد، یا حالت گریه‌کنندگان را به خود بگیرد؛ و برای مؤمنان دعا کند، و مستحب است نام چهل مؤمن (شیعه) را یاد کند؛ زیرا، هر کس برای چهل تن از شیعیان (مؤمنان) دعا کند، دعای خودش نیز به خواست خداوند مستجاب خواهد شد. نیز، هر چه خواست پس از آن دعا کند.

شیخ صدوق رحمه الله در کتاب «من لا یحضر الفقیه» روایت می‌کند که پیامبر صلی الله علیه و آله در قنوت نماز وترش این دعا را می‌خواند:

اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ، وَعَافِنِي فِيمَنْ عَافَيْتَ، وَتَوَلَّنِي

خدایا! در بین کسانی که هدایت می‌فرمایی مرا نیز هدایت کن، و در بین عافیت یافتگان مرا نیز سلامتی و عافیت ببخش، و هر که را سرپرستی

فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ، وَبَارِكْ لِي فِي مَا أُعْطِيتَ، وَقِنِي شَرَّ مَا قَضَيْتَ،

می‌کنی مرا نیز در زمره‌شان درآور؛ و هر چه به من عطا فرمودی بابرکت گردان، و هر قضایی مقرر فرمودی مرا از شر و بدی آن حفظ کن؛

فَإِنَّكَ تَقْضِي وَلَا يُقْضَى عَلَيْكَ، سُبْحَانَكَ رَبَّ الْبَيْتِ أَسْتَغْفِرُكَ

زیرا تو حکم می‌کنی ولی کسی بر تو حکم نمی‌کند؛ منزهی، ای پروردگار خانه کعبه؛ از تو بخشش می‌خواهم

وَأَتُوبُ إِلَيْكَ، وَأُؤْمِنُ بِكَ، وَأَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

و به سویت بازگشت می‌کنم، و به تو ایمان می‌آورم، و بر تو توکل می‌کنم، و هیچ نیرو و جنبشی

إِلَّا بِكَ يَا رَحِيمٌ.

جز از تو، نیست؛ ای مهربان.

سزاوار است در قنوت، هفتاد مرتبه بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ (رَبِّي) وَأَتُوبُ إِلَيْهِ»؛ «طلب

بخشش از خدا (پروردگارم) می‌کنم، و به سویش بازگشت می‌نمایم».

شایسته است انسان، در این هنگام دست چپ را بالا برده، و با دست راست تعداد

استغفارهای خود (هفتاد مرتبه) را بشمارد،^۱ و مستحب است سیصد مرتبه بگوید:

«الْعَفْو».

هر کس چهار رکعت از نماز شب را پیش از اذان صبح خوانده باشد، می‌تواند بقیه

را پس از نماز صبح به نیت ادا بخواند. هر کس نمی‌تواند نماز شب را پس از نیمه شب

بخواند، جایز است که آن را پیش از نیمه شب بخواند.

باز
باز



زیارت عاشورا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ،

سلام بر تو ای ابا عبدالله؛ سلام بر تو ای پسر رسول خدا؛

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ

سلام بر تو ای پسر امیر مؤمنان، و پسر سرور اوصیا؛ سلام

عَلَيْكَ يَا بْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ

بر تو ای پسر حضرت فاطمه، سرور زنان جهانیان؛ سلام بر تو، ای خون

اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ، وَالْوِثْرَ الْمَوْثُورَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ

خدا، و پسر خون خدا، و خونی که به ناحق ریخته شده و تاکنون انتقامش گرفته نشده، سلام بر تو و بر روان‌های پاک

الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعاً سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ

که در آستان تو آرمیدند؛ من، بر تمامی شما، سلام الهی را - تا زنده‌ام و

وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ. يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ، وَجَلَّتْ

تا شب و روز باقی است - نثار می‌کنم. ای ابا عبدالله؛ به راستی که سوگ تو بسیار بزرگ بود،

وَعَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْإِسْلَامِ، وَجَلَّتْ

و مصیبت تو بر ما و بر تمام مسلمانان بسیار گران و سنگین و بزرگ است؛

وَعَظُمَتِ مُصِيبَتُكَ فِي السَّمَاوَاتِ عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ،

و مصیبت تو در آسمان‌ها بر تمام اهل آسمان‌ها بزرگ و گران آمد.

فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَهَّأَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ،

پس خدا لعنت کند مردمی را که پایه ستم و جور بر شما اهل بیت را بنا نهادند؛

وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَنْ مَقَامِكُمْ، وَأَزَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمْ الَّتِي

و خدا لعنت کند مردمی را که شما را از جایگاه‌تان دور کردند؛ و از مرتبه‌ها و درجاتی که

رَتَّبَكُمْ اللَّهُ فِيهَا، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ، وَلَعَنَ اللَّهُ الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ

خداوند، شما را در آن مرتبه‌ها قرار داده بود، راندند؛ و خداوند لعنت کند کسانی را که شما را کشتند؛ و خدا لعنت کند کسانی را که

صحیفه شریف

خاتمه کتاب



۷۰۶

بِالتَّمَكِينِ مِنْ قِتَالِكُمْ، بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَمِنْ أَشْيَاعِهِمْ

زمینه جنگ را برای دشمنان با قادر ساختن آنان به جنگ با شما فراهم کردند؛ من به سوی خدا و شما از آنان، و از پیروان آنها،

وَأَتْبَاعِهِمْ وَأَوْلِيَاءِهِمْ. يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، إِنِّي سِلْمٌ لِمَنْ سَأَلَكُمْ،

و دنباله‌روان آنها، و دوستان و موالیان آنها بی‌زاری می‌جویم. ای اباعبدالله؛ من، نسبت به کسانی که با شما سازش دارند، سازش دارم؛

وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَلَعَنَ اللَّهُ آلَ زِيَادٍ

و با کسانی که به جنگ شما برخیزند، سر جنگ دارم تا روز قیامت، و خدا لعنت کند آل زیاد،

وَأَلِ مَرْوَانَ، وَلَعَنَ اللَّهُ بَنِي أُمَيَّةَ قَاطِبَةً، وَلَعَنَ اللَّهُ ابْنَ مَرْجَانَةَ،

و آل مروان را، و خدا لعنت کند تمام افراد خاندان بنی‌امیه را، و خدا لعنت کند پسر مرجانه را،

وَلَعَنَ اللَّهُ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ، وَلَعَنَ اللَّهُ شِمْرًا، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ

و خدا لعنت کند عمر بن سعد را، و خدا لعنت کند شمر را، و خدا لعنت کند مردمی را که اسبها را زین کردند

وَأَلْجَمَتْ وَتَنَقَّبَتْ لِقِتَالِكَ، يَا أَبَا أَنْتَ وَأُمِّي لَقَدْ عَظُمَ مُضَابِي

و لجام زدند، و نقاب زدند برای جنگیدن با تو. پدر و مادرم فدایت؛ به راستی که مصیبت تو بر من بسیار گران آمده است؛

بِكَ، فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ، وَأَكْرَمَنِي بِكَ أَنْ يَرْزُقَنِي

پس از خداوند، که مقام و منزلت تو را ارجمند ساخت، و مرا نیز به واسطه تو گرامی داشت؛ درخواست می‌کنم که را

طَلَبَ تَارِكًا مَعَ إِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

خون‌خواهی تو به همراه امام پیروزمندی از اهل بیت محمد - که درود خدا بر او

وَالِهِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي

و آل او باد - نصیبم سازد. خدایا؛ مرا نزد خودت به واسطه امام حسین - که سلام بر او باد - در

الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ. يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ

دنیا و آخرت، آبرومند قرار بده. ای اباعبدالله؛ من به درگاه خدا و رسولش

وَإِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِلَى فَاطِمَةَ وَإِلَى الْحَسَنِ وَإِلَيْكَ بِمُؤَالَاتِكَ،

و امیر مؤمنان؛ و فاطمه زهرا، و امام حسن و تو، خود را نزدیک می‌سازم با دوستی و موالات تو،

وَبِالْبِرَاةِ مِمَّنْ قَاتَلَكَ وَنَصَبَ لَكَ الْحَرْبَ، وَبِالْبِرَاةِ مِمَّنْ أَسَسَ

و نیز با بی‌زاری جستن از نبردکنندگان و برپاکنندگان آتش جنگ علیه تو؛ و نیز با بی‌زاری از هر کسی که

أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ عَلَيْكُمْ، وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ مِمَّنْ

پایه ستم و جور به شما را بنا نهاد. و به خدا و رسولش بیزاری خود را اعلام می‌دارم از کسی که

أَسَّسَ أَسَاسَ ذَلِكَ، وَبَنَى عَلَيْهِ بُنْيَانَهُ، وَجَرَى فِي ظُلْمِهِ وَجَوْرِهِ

پایه این کارها را بنا نهاد، و بنیان خویش را بر آن بنا نهاد، و ستم و جور خود را

عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَشْيَاعِكُمْ. بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكُمْ مِنْهُمْ، وَأَتَقَرَّبُ

بر شما و شیعیان شما روا داشت. به خدا و نیز به شما بیزاری خود را از آنان اعلام می‌کنم. و

إِلَى اللَّهِ ثُمَّ إِلَيْكُمْ بِمُؤَالَاتِكُمْ وَمُؤَالَاتِهِ وَلِيَّكُمْ، وَبِالْبَرَاءَةِ مِنْ

به سوی خدا و نیز به سوی شما تقرب می‌جویم، با دوستی شما و دوستی دوستان شما، و نیز با بیزاری جستن از

أَعْدَائِكُمْ وَالنَّاصِبِينَ لَكُمْ الْحَرْبِ، وَبِالْبَرَاءَةِ مِنْ أَشْيَاعِهِمْ

دشمنان شما و کسانی که آتش جنگ را علیه شما برپا کردند، و نیز با اعلام بیزاری از پیروان‌شان

وَأَتْبَاعِهِمْ، إِنِّي سِلْمٌ لِمَنْ سَأَلَكُمْ، وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ، وَوَلِيٌّ

و دنباله‌روان آن‌ها. من با کسانی که با شما سازش دارند سازش دارم، و سر جنگ دارم با هر که با شما سر جنگ دارد، و دوست

لِمَنْ وَالَاكُمْ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ، فَأَسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَنِي

هستم نسبت به کسی که با شما دوستی کند، و دشمن هستم نسبت به کسی که با شما دشمنی کند؛ بدین‌سان، از خداوند

بِمَعْرِفَتِكُمْ وَمَعْرِفَةِ أَوْلِيَاءِكُمْ، وَرَزَقَنِي الْبَرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ، أَنْ

که با شناخت شما و اولیای شما بر من ارج نهاده، و بیزار بودن از دشمنان‌تان را نصیبم ساخته است - درخواست می‌کنم تا

يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَنْ يُثَبِّتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمَ

در دنیا و آخرت، مرا با شما قرار دهد؛ و قدم راستی و دوستی نزد شما را

صِدْقٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ

در دنیا و آخرت برایم ثابت و استوار گرداند. و نیز درخواست می‌کنم مرا به جایگاه پسندیده‌ای که

لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ، وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِي مَعَ إِمَامٍ مَهْدِيٍّ ظَاهِرٍ

شما نزد خدا دارید برساند؛ و خون‌خواهی را همراه امام هدایت‌گری از شما که آشکار

نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ، وَأَسْأَلُ اللَّهَ بِحَقِّكُمْ، وَبِالشَّانِ الَّذِي لَكُمْ

و گوینده به حق است، نصیبم سازد. و از خدا درخواست می‌کنم به خاطر حق شما و به منزلتی که در

عِنْدَهُ، أَنْ يُعْطِيَنِي بِمُصَابِي بِكُمْ أَفْضَلَ مَا يُعْطِي مُصَاباً بِمُصِيبَتِهِ

پیشگاه او دارید، به واسطه این که مصیبتی که به جهت شما به من رسیده، پرازش ترین ثوابی را که به مصیبت زدگان می دهد، عطایم

مُصِيبَةً مَا أَعْظَمَهَا وَأَعْظَمَ رَزِيَّتَهَا فِي الْإِسْلَامِ وَفِي جَمِيعِ

کند؛ مصیبتی که چه بسیار بزرگ بود، و سوگنی که در اسلام و در تمام

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مَقَامِي هَذَا مِمَّنْ تَنَالُهُ

آسمانها و زمین، گران تمام شده است. بارالها؛ در این جایگاهی که هستم، مرا از کسانی قرار ده

مِنْكَ صَلَوَاتٌ وَرَحْمَةٌ وَمَغْفِرَةٌ. اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ

که درودها و رحمت و آمرزش تو، به ایشان می رسد. بارالها؛ زندگی و مرگ مرا همانند زندگی

وَأَلِ مُحَمَّدٍ، وَمَمَاتِي مَمَاتِ مُحَمَّدٍ وَأَلِ مُحَمَّدٍ. اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا

و مرگ محمد و آل محمد قرار بده. بارالها؛ امروز، روزی

يَوْمٌ تَبَرَّكَتْ بِهِ بَنُو أُمِّيَّةَ، وَابْنُ أَكِلَةَ الْأَكْبَادِ اللَّعِينُ بْنُ اللَّعِينِ

است که بنی امیه و پسر زن (هنده) جگر خواره آن را مبارک شمرند؛ همان فرزند ملعون پسر فرد لعنت شده

عَلَى لِسَانِكَ وَلِسَانِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، فِي كُلِّ مَوْطِنٍ

بر زبان تو و بر زبان پیامبرت که درود خدا بر او و آل او باد؛ در هر جا که

وَمَوْقِفٍ وَقَفَ فِيهِ نَبِيُّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. اللَّهُمَّ اَلْعَنُ

وقوف کرد و جای گرفت پیامبر تو - درود خدا بر او و آل او باد - بارالها؛

أَبَا سُفْيَانَ وَمُعَاوِيَةَ وَيَزِيدَ بْنَ مُعَاوِيَةَ، عَلَيْهِمْ مِنْكَ اللَّعْنَةُ أَبَدًا

ابوسفیان، معاویه و یزید را لعنت کن؛ از سوی تو لعنت تا ابد و

الْأَبْدِينَ، وَهَذَا يَوْمٌ فَرِحَتْ بِهِ آلُ زِيَادٍ وَأَلُ مَرْوَانَ بِقَتْلِهِمْ

همیشه بر آنها باد. و امروز روزی است که آل زیاد و آل مروان خوشحال شدند که توانسته اند

الْحُسَيْنِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ. اللَّهُمَّ فَضَاعِفْ عَلَيْهِمُ اللَّعْنَ مِنْكَ

حسین - که درودهای خدا بر او باد - را به قتل بوسانند. خدایا؛ به این خاطر، لعنت

وَالْعَذَابَ الْأَلِيمَ. اللَّهُمَّ إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ، وَفِي

و عذاب دردناکت را بر ایشان چند برابر کن. بارالها؛ به راستی که من در این روز (عاشورا)، و در

مَوْقِفِي هَذَا وَأَيَّامِ حَيَاتِي بِالْبَرَاءَةِ مِنْهُمْ، وَاللَّعْنَةَ عَلَيْهِمْ،

این جایگاه، و در تمام روزهای زندگانی، با بیزارى جستن از این دشمنان، و لعنت فرستادن بر ایشان؛

وَبِالْمُؤَالَاتِ لِنَبِيِّكَ وَآلِ نَبِيِّكَ، عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ.

و با دوستى و موالات پیامبرت و آل پیامبرت - که بر او و بر ایشان درود باد -؛ به تو تقرب مى جویم و به درگاهت نزدیک مى شوم.

سپس صد مرتبه بگوئید: اَللّٰهُمَّ الْعَنْ اَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

بارالها؛ اولین کسی را که در حق محمد و آل محمد ستم روا داشت،

مُحَمَّدٍ، وَاخِرَ تَابِعٍ لَهُ عَلَى ذَلِكَ. اَللّٰهُمَّ الْعَنْ الْعِصَابَةَ الَّتِي

و آخرین فردی که در این ستم از او پیروی کرد، لعنت کن؛ خدایا! جماعتی را که به

جَاهَدَتِ الْحُسَيْنَ، وَشَايَعَتْ وَبَايَعَتْ وَتَابَعَتْ عَلَى قَتْلِهِ. اَللّٰهُمَّ

نبرد با حسین علیه السلام پرداخت، و گروهی که در کشتن آن حضرت از آنان پیروی، بیعت و دنباله روی کردند، لعنت کن؛ خدایا؛

اَلْعَنَّهُمْ جَمِيعًا.

همه آنها را لعنت کن.

سپس صد مرتبه بگوئید: اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِاللهِ، وَعَلَى الْاَزْوَاحِ

سلام بر تو ای ابا عبدالله؛ و بر جانها و روانهایی

الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ، عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامُ اللهِ اَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَّ

که در آستانت آرمیدند، سلام همیشگی خداوند از من بر تو باد تا هنگامی که من هستم

اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ، وَلَا جَعَلَهُ اللهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ، اَلسَّلَامُ

و شب و روز باقی است. خدا این زیارت را آخرین زیارت من از شما قرار ندهد؛ سلام

عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى اَوْلَادِ الْحُسَيْنِ

بر حسین و بر علی بن حسین و بر فرزندان حسین،

وَعَلَى اَصْحَابِ الْحُسَيْنِ.

و بر یاران حسین.

آن گاه بگوئید: اَللّٰهُمَّ خُصَّ اَنْتَ اَوَّلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّي، وَاَبْدًا بِهِ

بارالها؛ اولین ظالم و ستمکار را به لعنت من گرفتار کن؛ و این لعنت را ابتدا بر

أَوَّلًا ثُمَّ الثَّانِي وَالثَّالِثَ وَالرَّابِعَ. اللَّهُمَّ الْعَنْ يَزِيدَ خَامِسًا،

اولی، سپس دومی و سومی و چهارمی بفرست. خدایا یزید را به عنوان پنجمین نفرشان لعنت کن.

وَالْعَنْ عُبَيْدَ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ وَابْنَ مَرْجَانَةَ وَعُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَشِمْرًا

و عبیدالله فرزند زیاد، و پسر مرجانه، و عمر پسر سعد، و شمر،

وَأَلَّ أَبِي سُفْيَانَ وَأَلَّ زِيَادٍ وَأَلَّ مَرْوَانَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

و آل ابوسفیان، و آل مروان را تا روز قیامت، لعنت کن.

و در سجده بگوید: اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَى مُصَابِهِمْ،

بار الها! ستایش برای توست، آن ستایشی که شکرگزاران بر مصیبت‌هایشان نسبت به تو دارند.

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى عَظِيمِ رَزِيَّتِي. اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ

ستایش برای خداست در این مصیبت بزرگ من. بار الها! شفاعت امام حسین علیه السلام را

يَوْمَ الْوُرُودِ، وَثَبَّتْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَأَصْحَابِ

هنگام ورود به صحنه قیامت نصیب کن، و گام صادقانه را برای من با حسین علیه السلام و یارانش، در نزد خودت استوار کن!

الْحُسَيْنِ، الَّذِينَ بَدَلُوا مُهَجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

همان‌هایی که جان‌شان را به پای حسین - که درود بر او باد - ریختند.

پس از زیارت دو رکعت نماز بخوانید، و بعد از آن دعای علقمه را قرائت کنید.

۱. البلد الأمين: ۳۸۲، مفاتیح الجنان: ۹۰۲.

علامه امینی رضوان الله علیه می‌فرماید: علامه مولی شریف شیروانی در کتاب «الصدق ج ۲ ص ۱۹۹» از مشایخ و اساتید بزرگوارش یکی پس از دیگری تا از امام هادی علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت فرمود:

هر کس زیارت عاشورا را بخواند و بعد از آن یک مرتبه بگوید: اللَّهُمَّ الْعَنْ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ... تا به آخر، و بعد از آن بگوید:

اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمِيعًا تِسْعًا وَتِسْعِينَ مَرَّةً. و بعد از آن بگوید: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، وَعَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ

تا به آخر، سپس بگوید: السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ تِسْعًا

وَتِسْعِينَ مَرَّةً، مانند کسی است که صد مرتبه لعن و سلام را از اول تا آخر به طور کامل خوانده است. (آداب الزائر: ۶۰)

در معنای این عبارت چند احتمال وجود دارد که به دو تا از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

الف) پس از آن که یک مرتبه لعن را کاملاً گفت، یک مرتبه بگوید: اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمِيعًا تِسْعًا وَتِسْعِينَ مَرَّةً. و پس از آن،

تمام سلام را بخواند و یک مرتبه بگوید: السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى... تِسْعًا وَتِسْعِينَ مَرَّةً.

ب) پس از آن که یک مرتبه لعن را کامل گفت، نود و نه مرتبه بگوید: اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمِيعًا و پس از آن که یک مرتبه سلام را

به طور کامل گفت، نود و نه مرتبه بگوید: السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى... أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ. احتمال اول ظاهرتر است و

مانند آن در روایات وارد شده است؛ نظیر جریان حضرت نوح علیه السلام، وقتی که آن حضرت قصد کرد سوار کشتی شود

خداوند به او وحی کرد هزار مرتبه بگو: «لا إله إلا الله» و چون آن حضرت فرصت نداشت، گفت: «لا إله إلا الله ألف مرة» و

وارد کشتی شد. رجوع کنید به بحار الأنوار: ۶۲/۱۱

دعای بعد از زیارت عاشورا

(دعای علقمه)^۱

يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، يَا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، يَا كَاشِفَ كُرْبِ

ای خدا؛ ای خدا؛ ای خدا؛ ای که دعای بیچارگان را مستجاب می‌کنی؛ ای که اندوه

الْمَكْرُوبِينَ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، يَا صَرِيحَ الْمُسْتَضْرِحِينَ،

اندوهگینان را برطرف می‌سازی؛ ای که به داد دادخواهان می‌رسی؛ ای که فریاد کمک‌خواهان را پاسخ می‌دهی؛

وَيَا مَنْ هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ، وَيَا مَنْ يَحُولُ بَيْنَ

و ای که از رگ گردنم به من نزدیک‌تری؛ و ای که بین

الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ، وَيَا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْأَعْلَىٰ وَبِالْأَفْقِ الْمُبِينِ، وَيَا

شخص و قلبش حایل می‌شوی؛ و ای که در بالاترین دیدگاه قرار داری، و در افق روشن هستی؛ و ای

مَنْ هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَىٰ، وَيَا مَنْ يَعْلَمُ

کسی که او بخشنده و مهربان است و بر عرش سلطه دارد، ای کسی که

خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ، وَيَا مَنْ لَا يَخْفَىٰ عَلَيْهِ خَافِيَةٌ.

خیانت چشم‌ها، و آنچه را که سینه‌ها پنهان می‌کند، می‌دانی؛ و ای کسی که هیچ پنهانی از او پنهان نیست؛

يَا مَنْ لَا تَشْتَبِهُ عَلَيْهِ الْأَصْوَاتُ، وَيَا مَنْ لَا تُغْلَطُهُ الْحَاجَاتُ، وَيَا

ای کسی که صداها را با یکدیگر اشتباه نمی‌کند؛ و ای کسی که خواسته‌ها او را به اشتباه نمی‌اندازد؛ و ای

مَنْ لَا يُبْرِمُهُ الْإِحَاحُ الْمُلْحِحِينَ، يَا مُدْرِكَ كُلِّ فَوْتٍ، وَيَا جَامِعَ

کسی که اصرار اصرارکنندگان، او را به رنج نمی‌اندازد؛ ای دریابنده از دست رفته‌ها؛ و ای گردآورنده

كُلِّ شَمْلٍ، وَيَا بَارِيَّ النَّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ، يَا مَنْ هُوَ كُلُّ يَوْمٍ

پراکنده‌گی‌ها؛ و ای که پس از مرگ، روان‌ها را دوباره به وجود می‌آوری؛ ای کسی که هر روزی

فِي شَأْنٍ، يَا قَاضِيَ الْحَاجَاتِ، يَا مُنْقِسَ الْكُرْبَاتِ، يَا مُعْطِيَ

در شانی هستی؛ ای برآورنده حاجت‌ها و خواسته‌ها؛ ای برطرف کننده گرفتاری‌ها و بلاها؛ ای عطا کننده

۱. در جریان مرحوم سید رشتی نقل شده که وقتی به او فرمودند: زیارت عاشورا بخوان، زیارت عاشورا و دعای علقمه را از حفظ خواند در حالی که قبلاً هیچ یک از آن دو در حافظه‌اش نبود و این نکته‌ای است لطیف که خواندن دعای علقمه نیز مورد توجه است.

مختصر

خاتمه کتاب



۷۱۲

السُّؤْلَاتِ، يَا وَلِيَّ الرَّغْبَاتِ، يَا كَافِيَ الْمُهْمَاتِ، يَا مَنْ يَكْفِي

خواسته‌ها؛ ای عهده‌دار خواهش‌ها؛ ای بسنده در امور مهم؛ ای کسی که

مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَا يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ.

از هر چیزی کفایت کننده هستی، ولی هیچ چیز در آسمان‌ها و زمین از او کفایت نمی‌کند؛

أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، وَعَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَبِحَقِّ

از تو می‌خواهم به حق محمد - که آخرین پیامبران است - ، و علی که امیر مؤمنان است، و به حق

فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ، وَبِحَقِّ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ، فَإِنِّي بِهِمْ أَتَوَجَّهُ

فاطمه - دختر پیامبرت - ، و به حق حسن و حسین، که من همانا،

إِلَيْكَ فِي مَقَامِي هَذَا، وَبِهِمْ أَتَوَسَّلُ، وَبِهِمْ أَتَشْفَعُ إِلَيْكَ، وَبِحَقِّهِمْ

در این جایگاهی که هستم تنها به واسطه آنها به تو روی آورم، و به واسطه ایشان توسل و شفاعت به درگاهت می‌جویم؛ به حق ایشان

أَسْأَلُكَ وَأُقْسِمُ وَأَعَزِّمُ عَلَيْكَ، وَبِالشَّانِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ،

از تو درخواست می‌کنم و سوگندت می‌دهم؛ و به جایگاهی که آنان نزد تو دارند،

وَبِالْقَدْرِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ، وَبِالَّذِي فَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ،

و به ارزشی که نزد تو دارند، و به واسطه آن چیزی که آنان را بر جهانیان برتری بخشیدی،

وَبِاسْمِكَ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ وَبِهِ خَصَّصْتَهُمْ دُونَ الْعَالَمِينَ،

و به واسطه نامت که نزدشان قرار دادی و آن نام را تنها و تنها به ایشان اختصاص دادی و به هیچ یک از جهانیان ندادی؛

وَبِهِ أَبْتَتِهِمْ، وَأَبْنَتْ فَضْلَهُمْ مِنْ فَضْلِ الْعَالَمِينَ حَتَّىٰ فُاقَ فَضْلَهُمْ

و به واسطه آن نام، ایشان را جدا کردی و فضل‌شان را نیز از فضل و ارزش دیگران جدا نمودی و در نهایت فضیلت آنان

فَضْلَ الْعَالَمِينَ جَمِيعًا. أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

بر فضیلت و ارزش تمام جهانیان برتری یافت؛ (به واسطه همه این‌ها) از تو درخواست می‌کنم که بر محمد و آل

مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَكْشِفَ عَنِّي غَمِّي وَهَمِّي وَكَرْبِي، وَتَكْفِينِي الْمُهْمَ

محمد درود پیوسته نثار کنی؛ و غم و اندوه و گرفتاری مرا برطرف کنی؛ و در امور مهم

مِنْ أُمُورِي، وَتَقْضِيَ عَنِّي دَيْنِي، وَتُجِيرَنِي مِنَ الْفَقْرِ، وَتُجِيرَنِي

مرا کفایت کنی؛ و بدهکاریم را از طرف من بپردازی، و از فقر و ناداری، و از تنگدستی رهاییم بخشی.

مِنَ الْفَاقَةِ، وَتُغْنِيَنِي عَنِ الْمَسْأَلَةِ إِلَى الْمَخْلُوقِينَ، وَتَكْفِيَنِي هَمًّا

و مرا از درخواست کردن از مخلوقات بی نیاز کنی، و کفایت کنی از هم

مَنْ أَخَافُ هَمَّهُ، وَعُسْرَ مَنْ أَخَافُ عُسْرَهُ، وَحُزُونََ مَنْ أَخَافُ

و غم هر که از هم و غم او می ترسم؛ و از سختی هر که از سختی او می ترسم، و اندوه هر که از اندوه او می ترسم،

حُزُونََتَهُ، وَشَرَّ مَنْ أَخَافُ شَرَّهُ، وَمَكْرَ مَنْ أَخَافُ مَكْرَهُ، وَبَغْيَ

و از شر هر که از شر او می ترسم، و از نیرنگ هر که از نیرنگ او می ترسم، و از ستم

مَنْ أَخَافُ بَغْيَهُ، وَجَوْرَ مَنْ أَخَافُ جَوْرَهُ، وَسُلْطَانَ مَنْ أَخَافُ

هر که از ستم او می ترسم، و از جور هر که از جور او می ترسم، و از سلطنت و چیرگی هر که از

سُلْطَانَهُ، وَكَيْدَ مَنْ أَخَافُ كَيْدَهُ، وَمَقْدِرَةَ مَنْ أَخَافُ مَقْدِرَتَهُ

چیرگی او می ترسم، و از دام گستری هر که از کید او می ترسم، و از قدرت مندی هر که از توانمندی او بر خودم می ترسم،

عَلَيَّ، وَتَرُدَّ عَنِّي كَيْدَ الْكَيْدَةِ، وَمَكْرَ الْمَكْرَةِ. اَللّٰهُمَّ مَنْ اَرَادَنِي

و توطئه و مکر و حيله مکاران و حيله گران را نیز از من دور کن. بارالها! هر کس اراده بد برایم دارد،

فَارِدَهُ، وَمَنْ كَادَنِي فَكِدَهُ، وَاصْرَفَ عَنِّي كَيْدَهُ وَمَكْرَهُ وَبِأَسِهِ

تو در مورد او اراده فرما، و هر که دام و توطئه ای برایم دارد، همان را به خودش برگردان، و حيله و نیرنگ و بدی

وَأَمَانِيَّهٖ، وَامْنَعُهُ عَنِّي كَيْفَ شِئْتَ وَأَنْتَ شِئْتَ. اَللّٰهُمَّ اشْغَلْهُ

و دام هایش را از من برگردان؛ و هر گونه می خواهی و هر زمان می خواهی او را از من باز دار. بارالها! او را مشغول کن

عَنِّي بِفَقْرٍ لَا تَجْبِرُهُ، وَبِبَلَاءٍ لَا تَسْتُرُهُ، وَبِفَاقَةٍ لَا تَسُدُّهَا، وَبِسُقْمٍ

به فقری جبران ناشدنی، و بلایی آشکار و پنهان نشدنی، و به تنگدستی و نیازی که چاره ندارد، و بیماری

لَا تُعَافِيهِ، وَذُلًّا لَا تُعِزُّهُ، وَبِمَسْكِنَةٍ لَا تَجْبِرُهَا. اَللّٰهُمَّ اضْرِبْ بِالذُّلِّ

که عافیت و بهبودی ندارد، و خواری که عزتی برایش نباشد، و بدبختی جبران ناپذیر. خدایا! ذلت و خواری را همواره

نَصَبَ عَيْنِيهِ، وَأَدْخِلْ عَلَيْهِ الْفَقْرَ فِي مَنْزِلِهِ، وَالْعِلَّةَ وَالسُّقْمَ فِي

نصب العین او و در مقابل چشمش قرار بده، و فقر و نیازمندی را وارد منزلش کن، و بدنش را گرفتار بیماری و درد کن؛

بَدَنِهِ حَتَّى تَشْغَلَهُ عَنِّي بِشُغْلٍ شَاغِلٍ لَا فَرَاغَ لَهُ، وَأَنْسِيهِ ذِكْرِي

تا از یاد من بیرون رود با مشغله هایی که رهایی از آن وجود نداشته باشد؛ و یادم را از یادش ببرد،

كَمَا أَنْسَيْتَهُ ذِكْرَكَ، وَخَذْتُ عَنِّي بِسَمْعِهِ وَبَصَرِهِ وَلِسَانِهِ وَيَدِهِ

همان گونه که یادت را از یادش برده‌ای؛ و چشم و گوش و زبان و دست و

وَرَجْلِهِ وَقَلْبِهِ وَجَمِيعِ جَوَارِحِهِ، وَأَدْخَلُ عَلَيْهِ فِي جَمِيعِ ذَلِكَ

با و قلب و تمام اعضایش را مانع شو تا به من آسیبی نرساند، و تمام آن اعضایش را نیز

السُّقْمَ، وَلَا تَشْفِهِ حَتَّى تَجْعَلَ ذَلِكَ لَهُ شُغْلًا شَاغِلًا بِهِ عَنِّي وَعَنْ

بیمار کن و شفایش مده، تا پیوسته مشغول بیماریش باشد و به فکر آزار

ذِكْرِي، وَاكْفِنِي يَا كَافِي مَا لَا يَكْفِي سِوَاكَ، فَإِنَّكَ الْكَافِي لَا

و از من و یاد من غافل گردد. و مرا کفایت کن؛ آنچه را که غیر تو کفایت نمی‌کند؛ تو کفایت‌گری هستی که

كَافِي سِوَاكَ، وَمُفْرَجٌ لَا مُفْرَجَ سِوَاكَ، وَمُعِيْثٌ لَا مُعِيْثَ سِوَاكَ،

جز تو کفایت‌گر و بسنده‌ای وجود ندارد؛ و گشایشگری هستی که جز تو گشایشگری نیست؛ و فریادرسی هستی که جز تو فریادرسی نیست

وَجَارٌ لَا جَارَ سِوَاكَ، خَابَ مَنْ كَانَ جَارُهُ سِوَاكَ، وَمُعِيْثُهُ سِوَاكَ،

و پناهنده‌ای هستی که جز تو پناهنده‌ای نیست، به مطلوب نرسید هر کس به غیر تو پناه برد، و فریادرسش غیر تو باشد،

وَمَفْرَعُهُ إِلَى سِوَاكَ، وَمَهْرَبُهُ إِلَى سِوَاكَ، وَمَلْجَأُهُ إِلَى غَيْرِكَ،

و پناهگاهش غیر تو باشد، و گریزگاهش به غیر تو باشد، و تکیه‌گاهش به غیر تو باشد

وَمَنْجَاهُ مِنْ مَخْلُوقِ غَيْرِكَ، فَأَنْتَ ثِقَتِي وَرَجَائِي وَمَفْرَعِي

و محل نجاتش جز تو باشد، پس تویی مورد اطمینان، امید، پناهگاه،

وَمَهْرَبِي وَمَلْجَائِي وَمَنْجَائِي، فَبِكَ اسْتَفْتَحُ، وَبِكَ اسْتَنْجِحُ،

گریزگاه، تکیه‌گاه، و محل نجات من؛ بدین جهت است که تنها از تو درخواست پیروزی و کامیابی می‌کنم،

وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ، وَأَتَوَسَّلُ وَأَتَشَفَّعُ. فَأَسْأَلُكَ

و تنها به واسطه محمد و آل محمد به سوی تو روی می‌آورم و توسل می‌جویم و شفاعت می‌طلبم.

يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، فَلَكَ الْحَمْدُ، وَلَكَ الشُّكْرُ، وَإِلَيْكَ الْمَشْتَكِي،

خدایا؛ خدایا؛ خدایا؛ از تو درخواست می‌کنم. سپاس و ستایش، سزاوار تو است. به درگاه تو شکوه و شکایت آورم،

وَأَنْتَ الْمُسْتَعَانُ، فَأَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ

و تو مددکار هستی؛ پس، از تو درخواست می‌کنم، ای خدا؛ ای خدا؛ ای خدا؛ به حق محمد و آل

مُحَمَّدٍ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَكْشِفَ عَنِّي

محمد، بر محمد و آل محمد درودی پیوسته نثار کنی و از تو می‌خواهم در

غَمِّي وَهَمِّي وَكَرْبِي فِي مَقَامِي هَذَا كَمَا كَشَفْتَ عَن نَبِيِّكَ هَمَّهُ

همین جا که هستم برطرف سازی غم و هم و کرب و گرفتاری‌ام را همان‌گونه که از پیامبر عزیزت، گرفتاری،

وَغَمَّهُ وَكَرْبَهُ، وَكَفَيْتَهُ هَوْلَ عَدُوِّهِ، فَاكْشِفْ عَنِّي كَمَا كَشَفْتَ

اندوه، مصیبت، بلا و ترس از دشمنش را برطرف کردی و برایش بسنده بودی، از من برطرف کن اندوهم را همان‌گونه که از ساحت

عَنْهُ، وَفَرِّجْ عَنِّي كَمَا فَرَّجْتَ عَنْهُ، وَاكْفِنِي كَمَا كَفَيْتَهُ، وَاصْرِفْ

مقدس او برطرف کردی، و برایم گشایشی عنایت فرما همان‌گونه که برای آن حضرت گشایش مرحمت کردی، و کفایت کن مرا

عَنِّي هَوْلَ مَا أَخَافُ هَوْلَهُ، وَمَوْؤِنَةَ مَا أَخَافُ مَوْؤِنَتَهُ، وَهَمَّ مَا

همان‌گونه که او را کفایت نمودی، از من بگردان ترس آنچه را که از آن بیمناکم، و زحمت آنچه را که از زحمت آن ترسناکم، و اندوه

أَخَافُ هَمَّهُ بِلا مَوْؤِنَةٍ عَلَيَّ نَفْسِي مِنْ ذَلِكَ، وَاصْرِفْ بِي بِقَضَاءِ

آنچه را که از اندوهش هراسناکم بدون زحمتی که از آن ناحیه بر من وارد شود. و مرا حاجت‌روا بگردان؛

حَوَائِجِي، وَكِفَايَةِ مَا أَهْمَنِي هَمَّهُ مِنْ أَمْرِ آخِرَتِي وَدُنْيَايَ.

و امور مهم دنیا و آخرت را کفایت کن و مرا بگردان.

يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، عَلَيْكُمَا مِنِّي سَلَامٌ اللَّهُ أَبَدًا

ای امیر مؤمنان؛ و ای ابا عبدالله؛ سلام الهی را پیوسته،

مَا بَقِيََتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، وَلَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ

تا من هستم و تا شب و روز هست نثار شما دو بزرگوار می‌نمایم؛ خدا این زیارت را آخرین دیدار و

زِيَارَتِكُمَا، وَلَا فَرَّقَ اللَّهُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمَا. اللَّهُمَّ أَحْيِنِي حَيَوَةَ مُحَمَّدٍ

زیارت از شما عزیزان قرار ندهد؛ و خدا میان من و شما جدایی نیاندازد. بارالها؛ مرا زنده بدار آن‌گونه که حضرت محمد ﷺ

وَذُرِّيَّتِهِ، وَأَمِّتْنِي مَمَاتِهِمْ، وَتَوَفَّنِي عَلَى مِلَّتِهِمْ، وَاحْشُرْنِي فِي

و فرزندانش را زندگی بخشیدی؛ و مانند مردن ایشان بمیران، و بر ملت و دین آنان قبض روح کن؛ و در

زَمْرَتِهِمْ، وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا فِي الدُّنْيَا

زمره‌شان محشور کن؛ و به قدر حتی یک چشم برهم‌زدن بین من و ایشان در دنیا

مجموعه

خاتمه کتاب



وَالْآخِرَةَ. يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَيَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، أَتَيْتُكُمَا زَائِرًا

و آخرت جدایی میفکن. ای امیر مؤمنان و ای ابا عبدالله الحسین؛ من، به عنوان یک زائر شما،

وَمُتَوَسِّلًا إِلَى اللَّهِ رَبِّي وَرَبِّكُمَا، وَمُتَوَجِّهًا إِلَيْهِ بِكُمَا، وَمُسْتَشْفِعًا

و توسل جوینده به خدا به واسطه شما دو نفر، و روی آورنده به سوی خدا به واسطه شما دو نفر، و شفاعت طلب

بِكُمَا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فِي حَاجَتِي هَذِهِ، فَاشْفَعَا لِي، فَإِنَّ لَكُمَا عِنْدَ

به سوی خدا به واسطه شما دو نفر، در مورد این خواسته‌ام؛ خدمت‌تان شرفیاب شده‌ام. پس، برایم نزد خدا شفاعت کنید؛

اللَّهِ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ، وَالْجَاهَ الْوَجِيهَ، وَالْمَنْزِلَ الرَّفِيعَ وَالْوَسِيلَةَ،

زیرا شما دارای مقامی ستوده شده، ابرویی شایسته، و جایگاهی والا، و وسیله و واسطه نزد خدا هستید؛

إِنِّي أَنْقَلِبُ عَنْكُمَا مُنْتَظِرًا لِتَنْجِزِ الْحَاجَةِ وَقَضَائِهَا وَنَجَاحِهَا مِنْ

من از خدمت‌تان مرخص می‌شوم ولی انتظار می‌کشم که خواسته‌ام را حتمی، برآورده و کامیاب،

اللَّهِ بِشَفَاعَتِكُمَا لِي إِلَى اللَّهِ فِي ذَلِكَ، فَلَا أُخِيبُ وَلَا يَكُونُ مُنْقَلَبِي

با شفاعت شما نزد خدا، دریافت کنم. خدا کند، من سر خورده و ناکام نشوم، و بازگشتم

مُنْقَلَبًا خَائِبًا خَاسِرًا بَلْ يَكُونُ مُنْقَلَبِي مُنْقَلَبًا رَاجِحًا رَاجِحًا مُفْلِحًا

با سرخوردگی و زیان همراه نباشد؛ بلکه بازگشتی کام‌یابانه، امید بخش، رستگار

مُنْجِحًا مُسْتَجَابًا بِقَضَاءِ جَمِيعِ حَوَائِجِي، وَتَشَفُّعًا لِي إِلَى اللَّهِ.

و پیروزمندانه از برآورده شدن تمام حاجت‌هایم باشد؛ و - از شما دو نفر می‌خواهم - برایم نزد خدا شفاعت ویژه‌ای انجام دهید.

إِنْقَلَبْتُ عَلَى مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، مُفَوَّضًا أَمْرِي

با اعتقاد و تمسک به این که تنها خواست خداوند انجام می‌شود، و نیز هیچ نیرو و جنبشی جز از ناحیه خداوند وجود ندارد، رهسپار

إِلَى اللَّهِ، مُلْجَأً ظَهْرِي إِلَى اللَّهِ، مُتَوَكِّلًا عَلَى اللَّهِ، وَأَقُولُ حَسْبِيَ

می‌شوم؛ البته، امورم را به خدای واگذار می‌کنم، و تکیه بر لطف او می‌دهم، و توکل بر او می‌کنم و می‌گویم:

اللَّهُ وَكَفَى، سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ دَعَى، لَيْسَ لِي وَرَاءَ اللَّهِ وَرَائِكُمْ يَا

خدا برایم بس و کافی است؛ خدا، دعای همه دعاکنندگان را می‌شنود؛ برای من جز خدا و شما - ای

سَادَتِي مُنْتَهَى، مَا شَاءَ رَبِّي كَانَ، وَمَا لَمْ يَشَأْ لَمْ يَكُنْ، وَلَا حَوْلَ

بزرگان من - درگاهی نیست؛ هر چه پروردگارم بخواهد همان می‌شود، و هر چه نخواهد به هیچ وجه انجام نمی‌شود؛ و هیچ نیرو

وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، أَسْتَوْدِعُكُمْ اللَّهُ، وَلَا جَعَلَ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي

و جنبشی جز از ناحیه خداوند، نیست؛ با شما دو عزیزم خداحافظی می‌کنم؛ خدا نکند این آخرین

إِلَيْكُمْ. انصرفتُ يَا سَيِّدِي يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَمَوْلَايَ، وَأَنْتَ يَا

دیدارمان باشد. ای امیر مؤمنان، آقای من، مولای من؛ و نیز، تو ای

أَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا سَيِّدِي، وَسَلَامِي عَلَيْكُمْ مُتَّصِلٌ مَا اتَّصَلَ اللَّيْلُ

ابا عبدالله، ای آقای من؛ در حالی از خدمتتان رهسپار وطن می‌شوم که سلام من بر شما همانند اتصال شب

وَالنَّهَارُ، وَاصِلٌ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ، غَيْرُ مَحْجُوبٍ عَنْكُمْ سَلَامِي إِنْ

و روز، پیوسته و متصل خواهد بود، و به شما دو بزرگوار خواهد رسید، و امیدوارم که از رسیدن به شما باز نماند و پنهان نشود (ان

شَاءَ اللَّهُ، وَأَسْأَلُهُ بِحَقِّكُمْ أَنْ يَشَاءَ ذَلِكَ وَيَفْعَلَ، فَإِنَّهُ حَمِيدٌ مُجِيدٌ.

شاء الله). و نیز، به واسطه حق شما از خدا می‌خواهم که این را بخواهد و انجام دهد؛ زیرا خداوند ستوده‌شده و شکوهمند است.

انْقَلَبْتُ يَا سَيِّدِي عَنْكُمْ تَائِباً حَامِداً لِلَّهِ، شَاكِراً رَاجِئاً لِلْإِجَابَةِ،

آقایان و سروران من؛ در حالی از خدمتتان رهسپار و مرخص می‌شوم که توبه‌کننده، ستایشگر، سپاسگزار و امیدوار به اجابت خداوند

غَيْرَ آيِسٍ وَلَا قَانِطٍ، آتِياً عَائِداً رَاجِعاً إِلَى زِيَارَتِكُمْ، غَيْرَ

هستم، و مایوس و ناامید نیستم؛ در حالی که خدمتتان خواهم آمد و دوباره زیارتتان خواهم کرد، و از شما رو نخواهم گرداند،

رَاجِبٍ عَنْكُمْ، وَلَا مِنْ زِيَارَتِكُمْ، بَلْ رَاجِعٌ عَائِدٌ إِنْ شَاءَ اللَّهُ، وَلَا

و نسبت به زیارت شما نیز بی‌میل نخواهم شد؛ بلکه، اگر خدا بخواهد دوباره بازگشت خواهم کرد؛ البته می‌دانم

حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ. يَا سَادَتِي رَغِبْتُ إِلَيْكُمْ وَإِلَى زِيَارَتِكُمْ

که هیچ نیرو و جنبشی، جز از ناحیه خداوند نیست. ای سروران من؛ به شما و زیارتتان مشتاق هستم و روی آورم،

بَعْدَ أَنْ زَهَدَ فِيكُمْ وَفِي زِيَارَتِكُمْ أَهْلُ الدُّنْيَا، فَلَا خَيْبَتِي

با آن که دنیاپرستان از شما و زیارتتان روگردانده‌اند؛ خداوند نسبت به آنچه

اللَّهُ مَا رَجَوْتُ، وَمَا أَمَلْتُ فِي زِيَارَتِكُمْ، إِنَّهُ قَرِيبٌ مُجِيبٌ.

امیدوارم مرا محروم نگرداند و آنچه را در زیارت شما آرزو دارم ناکام نسازد؛ در واقع، خداوند نزدیک و پاسخ‌دهنده است.

مختصر

خاتمه کتاب



ستایش مولای مان امام زمان عجل الله تعالی فرجه

از زیارت جامعه کبیره

مجلسی اول علیه السلام، در مورد زیارت جامعه کبیره می گوید: این زیارت، زیارتی کامل برای تمام امامان در حرم هر یک از ایشان است؛ هر گاه قصد زیارت داشته باشی، به نیت امامی که به زیارتش رفتی و نیز امامان دیگری که در دور و نزدیک هستند، می توانی همگی را زیارت کنی. و اگر در هر زیارت، یکی از امامان علیهم السلام را قصد کنی و بقیه را بالتبع قرار دهی بهتر است؛ همان طور که من نیز این گونه نیت می کنم.

در رؤیایی صادق، امام رضا علیه السلام را زیارت کردم که این کار را تأیید و آن را نیکو شمرد. زمانی که به زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام مشرف شدم و در اطراف آن روضه مقدسه شروع به مبارزه با نفس کردم، و به برکت آن امام عزیز، خداوند باب مکاشفه را بر من گشود؛ مکاشفاتی که عقل های ضعیف، تحمل شنیدنش را ندارند. در آن عالم مکاشفه - و اگر می خواهی بگو بین خواب و بیداری - در حالی که در رواق عمران نشسته بودم دیدم که در سامراء هستم، زیارتگاه آن دو امام علیهم السلام را دیدم که در نهایت ارتفاع و آراستگی است و بر مرقد پاک آن دو بزرگوار پوشش سبز رنگی دیدم که از لباس های بهشتیان بود و در دنیا نظیر آن را ندیده بودم.

در این حال، مولای مان و مولای همه مردمان امام زمان صلوات الله علیه را دیدم که پشت به ضریح و رو به درب حرم نشسته است. با دیدن آن حضرت، شروع به خواندن زیارت جامعه با صدای بلند مثل مداحان نمودم؛ پس از پایان زیارت، آن حضرت فرمودند: **زیارت خوبی است.**

عرض کردم: مولای من؛ جانم به قربانت؛ زیارت جد بزرگوارتان است، یعنی زیارتی است که از ناحیه جد بزرگوارتان امام هادی علیه السلام به ما رسیده است، و به قبر آن حضرت اشاره کردم.

فرمود: آری؛ وارد شو. پس از ورود، نزدیک درب ایستادم؛ فرمود: پیش بیا.

عرض کردم: مولای من؛ می ترسم بی ادبی شود، و کفر ورزیده باشم.

فرمود: اگر این کار با اجازه ما باشد، اشکالی ندارد. کمی پیش رفتم، و ترسان و لرزان بودم. فرمود: بیا جلو؛ بیا جلو. و آن قدر پیش رفتم که نزدیک حضرتش قرار گرفتم.

فرمود: بنشین. عرض کردم: مولای من؛ می ترسم.

فرمود: نترس. همانند غلام و نوکری که در پیشگاه مولای بزرگواری می نشیند، نشستم.

فرمود: راحت باش، و چهار زانو بنشین؛ تو خسته هستی؛ پیاده و پابرهنه آمده‌ای. خلاصه آن بزرگوار نسبت به غلام‌شان الطاف بزرگ نمودند، و گفتگوهای ارزشمندی کردند که توصیف آن و بازگو کردنش ممکن نیست؛ و بیشترش را نیز از یاد برده‌ام. سپس از خواب بیدار شدم و در آن روز شریف، اسباب زیارت فراهم شد، با آن که مدت طولانی بود که راه بسته بود، و موانع بزرگی در این راه ایجاد شده بود؛ به لطف خداوند راه باز شد و آن موانع برطرف گردید، و من توانستم - همان گونه که حضرت فرموده بودند - با پای پیاده و برهنه، به زیارت مشرف شوم.

شبی در حرم شریف ماندم، و بارها این زیارت را خواندم، در آن شب در بین راه نیز در حرم مطهر، کرامت‌هایی عجیب؛ بلکه - بهتر بگویم - معجزه‌هایی شگفت‌انگیز برایم آشکار شد که بیانش طول می‌کشد.

خلاصه شک ندارم که این زیارت، از امام هادی علیه السلام رسیده و امام زمان ارواحنا فداء نیز آن را تأیید فرموده‌اند و بهترین و کامل‌ترین زیارت‌هاست، و پس از خوابی که دیدم، بیشتر اوقات، امامان علیهم السلام را با این زیارت یعنی زیارت جامعه زیارت می‌کنم. و در عتبات عالیات، آن بزرگواران را زیارت نکردم مگر با این زیارت و به همین جهت شرح و توضیح اکثر زیارت‌ها را به تأخیر انداختم تا به شرح این زیارت شریف بپردازم.^۱

زیارت جامعه کبیره

شیخ صدوق رضی الله عنه در کتاب «من لا یحضره الفقیه»، و «عیون أخبار الرضا رضی الله عنه»، از موسی بن عبدالله نخعی روایت می کند که گفت: به امام هادی رضی الله عنه عرض کردم: ای پسر رسول خدا؛ کلامی بلیغ و رسا به من بیاموز تا هنگام زیارت هر یک از شما عزیزان، بتوانم با آن، شما را زیارت کنم. حضرت فرمودند:

هنگامی که به درب حرم مطهر رسیدی بایست و بر یگانگی خدا و رسالت حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم گواهی بده؛ یعنی بگو:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا

گواهی می دهم جز خدا، معبودی نیست؛ یگانه است؛ شریک ندارد؛ و گواهی می دهم که حضرت محمد

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ.

که درود خدا پیوسته بر او و آل او باد - بنده و فرستاده الهی است.

و در حالی که غسل داری وقتی که وارد شدی و قبر شریف را دیدی، بایست و سی مرتبه بگو: «اللَّهُ أَكْبَرُ»؛ سپس با آرامش و وقار در حالی که قدم هایت را نزدیک به هم برمی داری کمی راه برو. در این حال بیایست و سی مرتبه: «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگو؛ سپس به قبر مطهر نزدیک شو و چهل بار «اللَّهُ أَكْبَرُ» را تکرار کن. تا صد مرتبه تکبیر تمام شود. آن گاه بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ، وَمَوْضِعِ الرِّسَالَةِ، وَمُخْتَلَفِ

سلام بر شما، ای اهل بیت نبوت؛ و محل قرار گرفتن رسالت الهی و رفت و آمد

الْمَلَائِكَةِ، وَمَهْبِطِ الْوَحْيِ، وَمَعْدِنِ الرَّحْمَةِ، وَخُزَّانِ الْعِلْمِ،

فرشتگان، و فرود آمدن وحی و سخن خداوند، و معدن و گنجینه رحمت خداوند، و خزینه داران دانش،

وَمُنْتَهَى الْحِلْمِ، وَأُصُولِ الْكَرَمِ، وَقَادَةَ الْأُمَمِ، وَأَوْلِيَاءِ النَّعَمِ،

و نهایت بردباری، و اساس و بنیان کرامت و بزرگواری، و پیشوایان ملت ها، و صاحب اختیاران همه نعمت ها،

وَعَنَاصِرَ الْأَبْرَارِ، وَدَعَائِمَ الْأَخْيَارِ، وَ سَائِسَةَ الْعِبَادِ، وَأَرْكَانَ

و عنصرهای اصلی نیکوکاران، و پشتیبان‌های نیکوکاران، و مدبّر امور بندگان و رکن‌های

الْبِلَادِ، وَأَبْوَابَ الْإِيمَانِ، وَأَمْنَاءَ الرَّحْمَانِ، وَسُلَالَةَ النَّبِيِّينَ،

شهرها، و درگاه‌های ایمان، و امینان خدای رحمان، و فرزندان پیامبران،

وَصَفْوَةَ الْمُرْسَلِينَ، وَعِثْرَةَ خَيْرَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ

و برگزیده پیامبران مرسل، و عترت بهترین برگزیده پروردگار هستی؛ و رحمت و برکات خداوند نیز به طور ثابت

وَبَرَكَاتِهِ. السَّلَامُ عَلَى أُمَّةِ الْهُدَى، وَمَصَابِيحِ الدُّجَى، وَأَعْلَامِ

و دایمی نثاران باد. سلام بر امامان و پیشوایان هدایت، و چراغ‌های روشنی‌بخش در تاریکی‌ها، و پرچمداران

التَّقَى، وَذَوَى النَّهْيِ، وَأَوْلَى الْحِجَى، وَكَهْفِ الْوَرَى، وَوَرَثَةِ

پرهیزکاری و تقوا، و صاحبان عقل و خرد، و دارندگان ذکاوت، و پناهگاه مردم، و وارثان

الْأَنْبِيَاءِ، وَالْمَثَلِ الْأَعْلَى، وَالِدَعْوَةِ الْحُسْنَى، وَحُجَجِ اللَّهِ عَلَى

پیامبران الهی، و نمونه و الگوی والا و برتر، و دعوت نیکو، و حجت‌های پروردگار بر

أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْأُولَى، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ. السَّلَامُ

مردم دنیا و آخرت و پیشینیان؛ و رحمت و برکات خداوند نیز به طور ثابت و دایمی نثاران باد. سلام

عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ، وَمَسَاكِنِ بَرَكَاتِهِ، وَمَعَادِنِ حِكْمَةِ اللَّهِ،

بر جایگاه‌های شناخت الهی؛ و منزلگاه‌های برکت خداوندی، و معدن‌های حکمت خدا،

وَحَفَظَةِ سِرِّ اللَّهِ، وَحَمَلَةِ كِتَابِ اللَّهِ، وَأَوْصِيَاءِ نَبِيِّ اللَّهِ، وَذُرِّيَّةِ

و نگهبانان راز خداوند، و حاملان علوم و اسرار خداوند، و اوصیای پیامبر خداوند، و فرزندان

رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ. السَّلَامُ

فرستاده خداوند - که درود خدا بر او و آل او باد - و رحمت و برکات خداوندی نثارشان باد. سلام

عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ، وَالْأَدِلَّةِ عَلَى مَرْضَاتِ اللَّهِ، وَالْمُسْتَقَرِّينَ

بر دعوت‌کنندگان به سوی خدا، و دلالت‌کنندگان بر آنچه مورد رضایت او است؛ همان‌هایی که در اجرای دستور الهی پایدار و

فِي أَمْرِ اللَّهِ، وَالتَّامِّينَ فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ، وَالمُخْلِصِينَ فِي تَوْحِيدِ

بابرجایند، و محبت‌شان نسبت به خدا واقعی و کامل است، و اخلاص‌دارندگان در توحید و یکتائی خداوند هستند.

اللَّهِ، وَالْمُظْهِرِينَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ، وَعِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ، الَّذِينَ

و امر و نهی خداوند را آشکار می‌گردانند، و بنده‌های گرامی خدایند، همانان که

لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ، وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

در سخن گفتن بر او پیشی نمی‌گیرند و خودشان به دستور او رفتار می‌کنند؛ و رحمت و برکات خداوند، نیز به طور دائم و ثابت نثارشان

السَّلَامُ عَلَى الْأَئِمَّةِ الدُّعَاةِ، وَالْقَادَةِ الْهُدَاةِ، وَالسَّادَةِ الْوَلَاةِ،

باد. سلام بر پیشوایان دعوت‌کننده (به سوی حق) و رهبران هدایت‌گر و سروران سرپرست،

وَالذُّادَةِ الْحُمَاةِ، وَأَهْلِ الذُّكْرِ وَأَوْلَى الْأَمْرِ، وَبَقِيَّةِ اللَّهِ وَخَيْرَتِهِ،

و دفع‌کنندگان حمایت‌گر (دین) و اهل ذکر و فرمانداران و والیان (از جانب خدا)، و باقی‌مانده و برگزیدگان الهی؛

وَحِزْبِهِ وَعَيْبَةِ عِلْمِهِ، وَحُجَّتِهِ وَصِرَاطِهِ، وَنُورِهِ وَبُرْهَانِهِ،

و حزب خدا، مخزن دانش او، حجت، راه، نور و برهان و دلیل روشن الهی؛

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ

و رحمت و برکات خدا نثارشان باد. گواهی می‌دهم جز خدا، کسی شایسته برای پرستش نیست؛ یکی است؛ شریک ندارد؛

لَهُ، كَمَا شَهِدَ اللَّهُ لِنَفْسِهِ، وَشَهِدَتْ لَهُ مَلَائِكَتُهُ وَأَوْلُوا الْعِلْمِ مِنْ

چنان که خودش نیز در مورد خودش گواهی داده است، و فرشتگان او و دانشمندان واقعی

خَلْقِهِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ

از آفریدگانش نیز بر این معنا گواه‌اند؛ جز او که عزت‌مندی حکیم است، خدایی نیست. گواهی می‌دهم محمد، بنده

الْمُنْتَجَبُ، وَرَسُولُهُ الْمُرْتَضَى، أَرْسَلَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ،

انتخاب‌شده و فرستاده مورد رضایت الهی است؛ خدا، او را به هدایت و آیین حقیقی خود فرستاد،

لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ. وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ

تا او را بر تمام آیین‌ها پیروز و نمایان کند؛ گرچه مشرکان از این جریان ناخشنودند؛ نیز، گواهی می‌دهم که شما

الْأَئِمَّةُ الرَّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ، الْمَعْصُومُونَ الْمُكْرَمُونَ، الْمُقَرَّبُونَ

پیشوایان هدایت‌گر، هدایت‌شده، معصوم، ارجمند، از نظر رتبه و مقام نزدیک به خدا،

الْمُتَّقُونَ، الصَّادِقُونَ الْمُصْطَفَوْنَ، الْمُطِيعُونَ لِلَّهِ، الْقَوَّامُونَ

پرهیزگار، راستگو، برگزیده، مطیع اوامر الهی، اجرا‌کننده واقعی دستور خدا و بیادارنده

بِأَمْرِهِ، الْعَامِلُونَ بِإِرَادَتِهِ، الْفَائِزُونَ بِكَرَامَتِهِ، إِصْطَفَاكُمْ بِعِلْمِهِ،

آن، و عمل کننده به اراده الهی، و رستگاران به کرامت او هستید. خدا شما را از روی آگاهی

وَارْتِضَاكُمْ لِغَيْبِهِ، وَاخْتَارَكُمْ لِسِرِّهِ، وَاجْتَبَاكُمْ بِقُدْرَتِهِ، وَأَعَزَّكُمْ

برگزید، و برای امور پنهانی خود پسندید، و برای رازهای پنهانی خود اختیار کرده، شما را با قدرتش انتخاب کرد، و

بِهِدَاةٍ، وَخَصَّكُمْ بِبُرْهَانِهِ، وَانْتَجَبَكُمْ لِنُورِهِ (بِنُورِهِ)، وَأَيَّدَكُمْ

با هدایت خود شما را عزت مند کرد، و دلیل روشنش را به شما اختصاص داد، و برای روشنیش برگزید،

بِرُوحِهِ، وَرَضِيَكُمْ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ، وَحُجَجًا عَلَى بَرِيَّتِهِ،

و با روح خود تأیید و تقویت کرد، و به عنوان جانشینانش در زمینش پسندید؛

وَأَنْصَارًا لِدِينِهِ، وَحَفَظَةَ لِسِرِّهِ، وَخَزَنَةَ لِعِلْمِهِ، وَمُسْتَوْدَعًا

نیز به عنوان حجت‌های او بر بندگانش، یاران آیینش، نگهبانان رازش، گنجینه‌داران دانشش، محل ودیعه نهادن

لِحِكْمَتِهِ، وَتَرَاجِمَةً لِرُوحِيهِ، وَأَرْكَانًا لِتَوْحِيدِهِ، وَشُهَدَاءَ عَلَى

حکمتش، بیان‌کننده وحیش برای بیان مقصود وحی، پایه‌های توحیدش، گواهان بر

خَلْقِهِ، وَأَعْلَامًا لِعِبَادِهِ، وَمَنَارًا فِي بِلَادِهِ، وَأَدِلَّةً عَلَى صِرَاطِهِ.

آفریدگانش، نشانه‌های آشکار برای بندگانش، محل نورافشانی در شهرهایش، و راهنمایان به راهش؛ شما را پسندید.

عَصَمَكُمْ اللَّهُ مِنَ الزَّلَلِ، وَأَمَنَكُمْ مِنَ الْفِتَنِ، وَطَهَّرَكُمْ مِنَ

خدا، شما را از لغزش‌ها حفظ کرد، از فتنه‌ها ایمن داشت، و از هر گونه

الدَّنَسِ، وَأَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ، وَطَهَّرَكُمْ تَطْهِيرًا، فَعَظَّمْتُمْ

لودگی پاک گردانید، و هر گونه پلیدی را از وجود شما دور گردانید، و به خوبی پاک و پاکیزه گردانید؛ لذا، شما

جَلَالَهُ، وَأَكْبَرْتُمْ شَأْنَهُ، وَمَجَّدْتُمْ كَرَمَهُ، وَأَدَمْتُمْ ذِكْرَهُ، وَوَكَّدْتُمْ

جلالش را با عظمت، و شأنش را بزرگ داشتید و کرمش را ثنا گفتید، و یادش را همیشه ادامه دادید، و

مِيثَاقَهُ، وَأَحْكَمْتُمْ عَقْدَ طَاعَتِهِ، وَنَصَحْتُمْ لَهُ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ،

پیمانش را تأکید نمودید، و قرارداد فرمان‌برداریش را محکم کردید، و در پنهان و آشکار به انجام نصیحت و خیرخواهی پرداختید،

وَدَعَوْتُمْ إِلَى سَبِيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، وَبَدَلْتُمْ

و با حکمت و بند نیکو به راه او دیگران را فرا خواندید، و از

أَنْفُسَكُمْ فِي مَرْضَاتِهِ. وَصَبَرْتُمْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكُمْ فِي جَنْبِهِ،

جان و روان خویش در راه رضا و خشنودی او گذشتید، و بر مصیبتی که در کنارش بر شما وارد شد شکایتا نبودید،

وَأَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتُمُ عَنِ

و نماز را بر پا داشتید و زکات را پرداختید و امر به معروف کرده و نهی از

الْمُنْكَرِ، وَجَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، حَتَّىٰ أَعْلَنْتُمْ دَعْوَتَهُ،

منکر نمودید، و آن گونه که سزاوار بود در راه خدا جهاد کردید تا این که دعوت او را آشکار،

وَبَيَّنْتُمْ فَرَائِضَهُ، وَأَقَمْتُمْ حُدُودَهُ، وَنَشَرْتُمْ شَرَائِعَ أَحْكَامِهِ،

و فرایض او را بیان و حدودش را اقامه نمودید و دستورات احکامش را منتشر ساختید،

وَسَنَنْتُمْ سُنَّتَهُ، وَصَرَّيْتُمْ فِي ذَلِكَ مِنَ الرِّضَا، وَسَلَّمْتُمْ لَهُ

و روش او را سنت نهادید، و در این بین به سوی خشنودی او سیر کردید و به

الْقَضَاءِ، وَصَدَقْتُمْ مِنْ رُسُلِهِ مَنْ مَضَىٰ. فَالرَّاعِبُ عَنْكُمْ مَارِقٌ،

حکم و فرمان او تسلیم شدید و پیامبران گذشته او را تصدیق نمودید. پس آن که از راه شما روگرداند در واقع از دین خارج شده،

وَاللَّازِمُ لَكُمْ لَأَحِقُّ، وَالْمُقَصِّرُ فِي حَقِّكُمْ زَاهِقٌ، وَالْحَقُّ مَعَكُمْ

و ملازم و همراه شما به شما پیوسته، و آن که در حق شما کوتاهی کرده نابود گشت و حق با شماست

وَفِيكُمْ وَمِنْكُمْ وَإِلَيْكُمْ، وَأَنْتُمْ أَهْلُهُ وَمَعْدِنُهُ، وَمِيرَاثُ النَّبِيِّ

و در شما و از شما و به سوی شماست، و شما اهل حق و معدن آن هستید، میراث پیامبری

عِنْدَكُمْ، وَإِيَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ، وَحِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ، وَفَضْلُ

در اختیار شماست، و بازگشت آفریدگان به سوی شماست و حساب آنان با شماست، و سخنی که حق و باطل

الْخِطَابِ عِنْدَكُمْ، وَأَيَاتُ اللَّهِ لَدَيْكُمْ، وَعَزَائِمُهُ فِيكُمْ، وَنُورُهُ

را فیصله دهد در نزد شماست و آیات الهی در پیشگاه شماست، و اوامر و دستورات قطعی خداوند در شما خاندان است و نور

وَبُرْهَانُهُ عِنْدَكُمْ، وَأَمْرُهُ إِلَيْكُمْ. مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهِ، وَمَنْ

و برهان او نزد شماست، و امر او متوجه شماست. هر که ولایت شما را داشته باشد به راستی از ولایت خدا برخوردار است، و هر که

عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَ اللَّهُ، وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ

به شما دشمنی ورزد به طور قطع به خدا دشمنی ورزیده است و هر که شما را دوست بدارد به یقین خدا را دوست داشته و هر که

فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهُ، وَمَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ، أَنْتُمْ

از شما کینه داشته باشد به یقین از خدا کینه ورزیده، و هر که به دامن شما چنگ زده در واقع به (الطاف) خدا چنگ زده است، شما

الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ، وَشُهَدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ، وَشُفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ،

همان راه استوار و راست و گواهان دنیای گذرا و فناپذیر و شفیعان جهان همیشگی آخرت

وَالرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ، وَالْأَيَّةُ الْمَخْرُوجَةُ، وَالْأَمَانَةُ الْمَحْفُوظَةُ،

و رحمت و مهر پیوسته و نشانه ذخیره شده و امانت حفظ شده

وَالْبَابُ الْمُبْتَلَىٰ بِهِ النَّاسُ. مَنْ أَتَيْكُمْ نَجِيًّا، وَمَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ

و همان درگاهی که مردم بدان آزموده می‌شوند، هستید. هر کس نزد شما آید رهایی یابد، و هر کس نیاید

هَلَاكَ، إِلَى اللَّهِ تَدْعُونَ، وَعَلَيْهِ تَدُلُّونَ، وَبِهِ تُؤْمِنُونَ، وَلَهُ

نابود می‌گردد، شما به سوی خدا فرا می‌خوانید و بر او راهنمایی می‌کنید و به او ایمان دارید، و

تُسَلِّمُونَ، وَبِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ، وَإِلَىٰ سَبِيلِهِ تُرْشِدُونَ، وَبِقَوْلِهِ

تسلیم او هستید و به دستور او عمل می‌نمایید و به راه او ارشاد می‌کنید و طبق فرمایش او

تَحْكُمُونَ، سَعَدَ مَنْ وَالَاكُمْ، وَهَلَكَ مَنْ عَادَاكُمْ، وَخَابَ مَنْ

داوری می‌کنید. آن که ولایت شما را پذیرفت سعادتمند گردید و آن که با شما دشمنی ورزید هلاک و نابود گردید، و آن که

جَحَدَكُمْ، وَضَلَّ مَنْ فَارَقَكُمْ، وَفَارَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ، وَأَمِنَ مَنْ

منکر شما شد نومید گشت و آن که از شما جدا شد گمراه گشت و آن که به شما چنگ زد رستگار شد، و هر که به شما پناه آورد

لَجَأَ إِلَيْكُمْ، وَسَلِمَ مَنْ صَدَّقَكُمْ، وَهُدِيَ مَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ. مَنْ

ایمن شد، و هر که شما را تصدیق کرد سالم ماند و هر که به شما پیوست و ملازم گردید هدایت یافت. هر کس

اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَأْوِيَهُ، وَمَنْ خَالَفَكُمْ فَالنَّارُ مَثْوِيَهُ، وَمَنْ

از شما پیروی کرد بهشت جایگاه اوست و هر کس با شما مخالفت کرد دوزخ منزلگاه اوست و هر کس

جَحَدَكُمْ كَافِرٌ، وَمَنْ حَارَبَكُمْ مُشْرِكٌ، وَمَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ فِي أَسْفَلِ

منکر شما شد کافر است و هر کس با شما جنگید مشرک است و هر کس حکم شما را رد کرد در پایین‌ترین

دَرَكٍ مِنَ الْجَحِيمِ، أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا سَابِقٌ لَكُمْ فِيمَا مَضَىٰ، وَجَارِ

بخش دوزخ جای دارد. گواهی می‌دهم که این مقامات در گذشته برای شما بوده و در آینده نیز در

تفسیر

خاتمه کتاب



لَكُمْ فِيمَا بَقِيَ، وَأَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَنُورَكُمْ وَطَيْبَتَكُمْ وَاحِدَةٌ، طَابَتْ

حق شما جاری است، و بدون تردید ارواح شما و نور شما و سرشت شما یکی است، پاک است

وَطَهَّرَتْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ. خَلَقَكُمْ اللَّهُ أَنْوَاراً فَجَعَلَكُمْ بِعَرْشِهِ

و برخی از برخی دیگر به ارث برده. خداوند شما را به عنوان نورهایی آفرید آنگاه شما را گرداگرد عرش خود قرار داد

مُحَدِّقِينَ، حَتَّىٰ مَنْ عَلَيْنَا بِكُمْ، فَجَعَلَكُمْ فِي بُيُوتِ أَدْنِ اللَّهِ أَنْ

تا این که به سبب وجود شما منت نهاد، پس شما را در خانه‌هایی قرار داد که اذن داد

تُرْفَعُ وَيُذَكَّرُ فِيهَا اسْمُهُ، وَجَعَلَ صَلَاتِنَا (صَلَوَاتِنَا) عَلَيْكُمْ، وَمَا

بلندمرتبه گشته و نامش در آن‌ها برده شود، و صلوات و درود ما را بر شما و آنچه

خَصَّنَا بِهِ مِنْ وَلَايَتِكُمْ، طَيِّباً لِيَخْلُقْنَا، وَطَهَّارَةً لِأَنْفُسِنَا، وَتَزَكِيَةً

ویژه ما گردانید از ولایت شما، باعث پاکیزه‌بودن آفرینش ما و پاک‌شدن جان ما و تزکیه

لَنَا، وَكَفَّارَةً لِذُنُوبِنَا، فَكُنَّا عِنْدَهُ مُسَلِّمِينَ بِفَضْلِكُمْ، وَمَعْرُوفِينَ

ما و کفاره گناهان ما، قرار داد، پس ما در پیشگاه او تسلیم برتری شما بودیم، و به

بِتَّصَدِّقِنَا إِيَّاكُمْ. فَبَلَغَ اللَّهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ، وَأَعْلَىٰ

تصدیق شما شناخته شدیم. پس خداوند شما را به شریف‌ترین جایگاه گرامی‌شدگان و بالاترین

مَنَازِلِ الْمُقَرَّبِينَ، وَأَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ، حَيْثُ لَا يَلْحَقُهُ

منزلها و مرتبه‌های مقربان و والاترین درجه‌های پیامبران رسانید، به گونه‌ای که هیچ ملحق شونده‌ای به آن

لَا حِقٌّ، وَلَا يَفُوقُهُ فَائِقٌ، وَلَا يَسْبِقُهُ سَابِقٌ، وَلَا يَطْمَعُ فِي إِدْرَاكِهِ

نمی‌پیوندد و هیچ برتری‌جویی به آن فائق نباید، و هیچ پیشی‌گیرنده‌ای بدان پیشی نگیرد و هیچ طمع‌کننده‌ای به درک آن

طَامِعٌ، حَتَّىٰ لَا يَبْقَىٰ مَلَكٌ مُّقَرَّبٌ، وَلَا نَبِيٌّ مُّرْسَلٌ، وَلَا صِدِّيقٌ

طمع نورزد، تا این که هیچ فرشته مقرب و نه پیامبر مرسل و نه صدیق

وَلَا شَهِيدٌ، وَلَا عَالِمٌ وَلَا جَاهِلٌ، وَلَا دَنِيٌّ وَلَا فَاضِلٌ، وَلَا

و نه شهید و نه دانا و نه نادان و نه پست و نه شریف و نه

مُؤْمِنٌ صَالِحٌ، وَلَا فَاجِرٌ طَالِحٌ، وَلَا جَبَّارٌ عَنِيدٌ، وَلَا شَيْطَانٌ

مؤمن شایسته و نه بدکار ناشایسته و نه سرکش عنادپیشه و نه شیطان

مَرِيدٌ، وَلَا خَلْقٌ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ شَهِيدٌ إِلَّا عَرَفَهُمْ جَلَالَةَ أَمْرِكُمْ،

منمرد و نه آفریدگانی که در این میان گواهند، نیستند مگر آن که به آنها شناسانده جلالت امر شما را

وَعِظَمَ خَطَرِكُمْ، وَكِبَرَ شَأْنِكُمْ، وَتَمَامَ نُورِكُمْ، وَصِدْقَ

و عظمت منزلت شما را و بزرگی شأن شما را و تمامیت نور شما را و درستی

مَقَاعِدِكُمْ، وَثَبَاتَ مَقَامِكُمْ، وَشَرَفَ مَحَلِّكُمْ، وَمَنْزِلَتِكُمْ عِنْدَهُ،

و راستی جایگاه شما را و پابرجا بودن مقام شما را و شرافت موقعیت شما را و منزلت شما را در پیشگاه او

وَكَرَامَتِكُمْ عَلَيْهِ، وَخَاصَّتَكُمْ لَدَيْهِ، وَقُرْبَ مَنْزِلَتِكُمْ مِنْهُ. بِأَبِي

و کرامت شما را پیش او و مخصوص بودن شما را نزد او و منزلت نزدیک شما را به او. پدرم،

أَنْتُمْ وَأُمِّي وَأَهْلِي وَمَالِي وَأُسْرَتِي، أَشْهَدُ اللَّهَ وَأَشْهَدُكُمْ أَنِّي

مادرم و خانواده‌ام و دارایی‌ام و خاندانم فدای شما باد، خدا و شما را گواه می‌گیرم که به راستی من

مُؤْمِنٌ بِكُمْ، وَبِمَا أَمَنْتُمْ بِهِ، كَافِرٌ بَعْدُوكُمْ وَبِمَا كَفَرْتُمْ بِهِ،

به شما و آنچه شما ایمان آوردید، ایمان دارم و به دشمن شما و آنچه شما بدان کفر ورزیدید کفر می‌ورزم،

مُسْتَبْصِرٌ بِشَأْنِكُمْ، وَبِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكُمْ، مُوَالٍ لَكُمْ

به شأن شما و به گمراهی مخالفان شما بصیرت و بینش دارم، دوستدار شما

وَأَوْلِيَاءِكُمْ، مُبْغِضٌ لِأَعْدَائِكُمْ وَمُعَادٍ لَهُمْ، سِلْمٌ لِمَنْ سَأَلَكُمْ،

و دوستان شما هستم، کینه دشمنانتان را به دل گرفته و با آنان دشمنی دارم، با آن که با شما از در اشتی آید در صلح و اشتیم

وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ، مُحَقِّقٌ لِمَا حَقَّقْتُمْ، مُبْطِلٌ لِمَا أَبْطَلْتُمْ،

و با آن که با شما در جنگ باشد در جنگم، آنچه را شما اثبات کردید من ثابت می‌دانم، و آنچه شما ابطال کردید باطل می‌دانم،

مُطِيعٌ لَكُمْ، عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ، مُقَرَّرٌ بِفَضْلِكُمْ، مُحْتَمِلٌ لِعِلْمِكُمْ،

پیرو شما هستم، به حق شما عارفم و به فضل و برتری شما معترف هستم، دانش شما را تحمل می‌کنم و پذیرا هستم،

مُحْتَجِبٌ بِذِمَّتِكُمْ، مُعْتَرِفٌ بِكُمْ، مُؤْمِنٌ بِإِيَابِكُمْ، مُصَدِّقٌ

و در پناه شما پنهان شده‌ام، به شما معترف و به بازگشت شما مؤمن و

بِرَجْعَتِكُمْ. مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ، مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ، أَخِذْ بِقَوْلِكُمْ،

رجعت شما را تصدیق‌کننده‌ام. منتظر امر شما، در انتظار دولت شما و گیرنده گفتار شما،

عَامِلٌ بِأَمْرِكُمْ، مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ، زَائِرٌ لَكُمْ، لَا يَذُّ عَائِدُ بِقُبُورِكُمْ،

اجراکننده فرمان شما هستیم، به شما پناهنده بوده، زائر شما هستیم، به قبور شما پناه گرفته

مُسْتَشْفَعٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ بِكُمْ، وَمُتَقَرَّبٌ بِكُمْ إِلَيْهِ، وَمَقْدَمُكُمْ

و توسط شما به درگاه خدا شفاعت می‌طلبم، و به وسیله شما به او تقرب می‌جویم، و شما را پیشاپیش

أَمَامَ طَلِبَتِي وَحَوَائِجِي، وَإِرَادَتِي فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَأُمُورِي،

حواجیم و خواسته‌هایم در همه حالات و کارهایم قرار داده‌ام.

مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلَانِيَتِكُمْ، وَشَاهِدُكُمْ وَغَائِبِكُمْ، وَأَوَّلِكُمْ

من به نهان و آشکار شما، شاهد و غایب شما، اول

وَأَخْرِكُمْ، وَمَفْوُضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ، وَمُسَلَّمٌ فِيهِ مَعَكُمْ،

و آخر شما ایمان دارم، و همه امورم را به شما واگذارده‌ام، و به همراه شما در آن تسلیم شما هستیم،

وَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلَّمٌ، وَرَأْيِي لَكُمْ تَبَعٌ، وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ، حَتَّى

و دلم برای شما تسلیم و پذیرا، و رایم پیرو شماست و یاریم برای شما آماده است تا

يُحْيِيَ اللَّهُ تَعَالَى دِينَهُ بِكُمْ، وَيَرُدَّكُمْ فِي أَيَّامِهِ، وَيُظْهِرَكُمْ

آنگاه که خداوند دینش را توسط شما حیات جدیدی ببخشد و شما را در دوران خود بازگرداند، و شما را

لِعَدْلِهِ، وَيُمْكِنَكُمْ فِي أَرْضِهِ. فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ غَيْرِكُمْ،

برای دادگریش آشکار کند و در زمینش قدرت و توانمندی دهد. پس کسی که با شما است فقط با شما است، نه با غیر شما،

أَمْنٌ بِكُمْ، وَتَوَلَّيْتُ أَخْرَجَكُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوْلَكُمْ، وَبَرَّيْتُ إِلَى

به شما ایمان آوردم و ولایت و سرپرستی آخرین شما را بدان نخستین شما قبول نمودم، و بی‌زاری می‌جویم به سوی

اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ أَعْدَائِكُمْ، وَمِنَ الْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَالشَّيَاطِينِ

خداوند متعال از دشمنانتان و از جبت و طاغوت و شیطان‌ها

وَحَزْبِهِمُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ، الْجَا حِدِينَ لِحَقِّكُمْ، وَالْمَارِقِينَ مِنْ

و حزب‌های آنان؛ همان‌هایی که به شما ستم کرده، حق شما را منکر شده، و از

وَلَايَتِكُمْ، وَالغَاصِبِينَ لِإِرْثِكُمْ، الشَّاكِّينَ فِيكُمْ، الْمُنْحَرِفِينَ

ولایت شما خارج شدند، و ارث شما را غصب نموده و درباره شما به تردید افتاده و از شما منحرف شدند،

عَنْكُمْ، وَمِنْ كُلِّ وَلِيحَةٍ دُونَكُمْ، وَكُلِّ مُطَاعٍ سِوَاكُمْ، وَمِنْ الْأَيْمَةِ

و از هر تکیه‌گاه و دستاویزی که غیر شما هستند و از هر اطاعت‌شونده از غیر شما و از پیشوایانی

الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ. فَثَبَّتَنِي اللَّهُ أَبَدًا مَا حَيْتُ عَلَى

که به سوی آتش فرا می‌خوانند، بیزارم. از این رو خداوند همواره مرا مادامی که زنده هستم

مُؤَالَاتِكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ وَدِينِكُمْ، وَوَفَّقَنِي لِمَطَاعَتِكُمْ، وَرَزَقَنِي

بر ولایت و دوستی و دین شما استوار بدارد و مرا به فرمان‌بری از شما موفق گرداند، و

شَفَاعَتِكُمْ، وَجَعَلَنِي مِنْ خِيَارِ مَوَالِيكُمْ، أَلتَّابِعِينَ لِمَا دَعَوْتُمْ

شفاعت شما را روزیم کند، و مرا از بهترین دوستان شما قرار دهد، همان‌هایی که پیروی کردند از آنچه شما به سوی آن دعوت

إِلَيْهِ، وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَقْتَصُّ أَثَارَكُمْ، وَيَسْئَلُكُمْ سَبِيلَكُمْ، وَيَهْتَدِي

کردید، و مرا از جمله کسانی قرار دهد که بازگو کننده و در پی آثار شما هست و راه شما را می‌پیماید و به

بِهَدْيِكُمْ، وَيُخَشِرُ فِي زُمْرَتِكُمْ، وَيَكِرُّ فِي رَجْعَتِكُمْ، وَيُمَلِّكُ

هدایت شما هدایت می‌گردد، و در گروه شما محشور می‌گردد، و دوران شما باز می‌گردد، و

فِي دَوْلَتِكُمْ، وَيُشَرِّفُ فِي عَافِيَتِكُمْ، وَيُمْكِنُ فِي أَيَّامِكُمْ، وَتَقَرُّ

در دولت شما به حکومت می‌رسد، و در زمان عافیت شما شریف گردند و در روزگار شما اقتدار یابند و

عَيْنُهُ غَدًا بِرُؤْيَتِكُمْ. بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي،

فردای (رستاخیز) به دیدار شما چشمش روشن گردد. پدر و مادرم و جانم و خانواده‌ام و داراییم فدای شما باد،

مَنْ أَرَادَ اللَّهُ بَدَأَ بِكُمْ، وَمَنْ وَحَدَّهُ قَبْلَ عَنْكُمْ، وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ

هر که خدا را اراده کرد به شما آغاز کرد و هر که او را به یگانگی شناخت از شما پذیرفت و هر که او را قصد کرد متوجه

بِكُمْ. مَوَالِيَّ لَا أَحْصِي ثَنَائِكُمْ، وَلَا أَبْلُغُ مِنَ الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ،

شما شد. موالیان من؛ قدرت شمارش ثنای شما را ندارم و با مدح شما هرگز به کنه و حقیقت شما راه پیدا نمی‌کنم،

وَمِنْ الْوَصْفِ قَدْرَكُمْ، وَأَنْتُمْ نُورُ الْأَخْيَارِ، وَهُدَاةُ الْأَبْرَارِ،

و با توصیف شما هرگز به قدر و منزلت شما نمی‌رسم، و شما نور نیکان و هدایت صالحان

وَحُجَجُ الْجَبَّارِ، بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ، وَبِكُمْ يَخْتِمُ اللَّهُ، وَبِكُمْ يُنَزِّلُ

و حجت‌های خدای جبّار هستید، خداوند به وسیله شما (عالم هستی را) افتتاح و به توسط شما پایان می‌دهد و به سبب شما

پیشوایان

خاتمه کتاب



الْغَيْثَ، وَبِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ،

باران می‌فرستد، و به وسیله شما آسمان را نگاه داشته تا بر زمین - جز به فرمانش - نیفتد،

وَبِكُمْ يُنْفِثُ الُّهُمَّ، وَيَكْشِفُ الضُّرَّ، وَعِنْدَكُمْ مَا نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ،

و به وسیله شما غصه و اندوهها گشوده و زایل می‌گردد و بیچارگی‌ها برطرف می‌شود، و آنچه به پیامبرانش فرو فرستاده

وَهَبَطَتْ بِهِ مَلَائِكَتُهُ، وَإِلَى جَدِّكُمْ - و اگر زیارت امیرالمؤمنین علیه السلام باشد

و فرشتگان به آن فرود آمده‌اند نزد شماست و به سوی جدتان

بجای وَإِلَى جَدِّكُمْ بگو: وَإِلَى أَخِيكَ - بُعِثَ الرُّوحُ الْأَمِينُ. أَتَاكُمْ

- و به برادرت - روح‌الآمین برانگیخته شده.

اللَّهُ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ، طَاطًا كُلُّ شَرِيفٍ لَشَرَفِكُمْ،

خداوند به شما مقاماتی را داده که به هیچ یک از جهانیان نداده است، هر فرد شریفی در برابر شرافت شما سر فرود آورده

وَبَخَعَ كُلُّ مُتَكَبِّرٍ لَطَاعَتِكُمْ، وَخَضَعَ كُلُّ جَبَّارٍ لِقَضَائِكُمْ، وَذَلَّ كُلُّ

و هر سرکشی در برابر فرمان شما گردن نهاده است، و هر جبار و زورگویی در برابر فضل و برتری شما فروتن است، و هر

شَيْءٍ لَكُمْ، وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ، وَفَازَ الْفَائِزُونَ بِوِلَايَتِكُمْ،

چیزی در برابر شما ذلیل و خوار است و زمین به نور وجود شما روشن گشته و رستگاران به ولایت شما رستگار و فایز گشته‌اند.

بِكُمْ يُسَلِّكُ إِلَى الرِّضْوَانِ، وَعَلَى مَنْ جَحَدَ وَإِلَيْتِكُمْ غَضَبُ

به توسط شما به سوی رضوان و بهشت الهی رهسپار می‌گردند و کسی که منکر ولایت شماست خشم خدای

الرَّحْمَانِ. بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي، ذِكْرُكُمْ فِي

رحمان را فراهم نموده است. پدرم، مادرم، جانم، خانواده‌ام و داراییم فدای شما باد؛ یاد شما در

الذُّكْرِ، وَأَسْمَاؤُكُمْ فِي الْأَسْمَاءِ، وَأَجْسَادُكُمْ فِي الْأَجْسَادِ،

یادآوران و نام‌های شما در میان نام‌ها و جسد‌های شما در میان اجساد،

وَأَرْوَاحُكُمْ فِي الْأَرْوَاحِ، وَأَنْفُسُكُمْ فِي النَّفُوسِ، وَأَثَارُكُمْ فِي

و ارواح شما در میان ارواح و جان‌های شما در میان جان‌ها و آثارتان در میان

الْأَثَارِ، وَقُبُورُكُمْ فِي الْقُبُورِ. فَمَا أَحَلَّى أَسْمَائِكُمْ، وَأَكْرَمَ

آثار و بارگاه‌های شما در میان قبور. پس چه چیز نام‌های شما را شیرین و

أَنْفُسِكُمْ، وَأَعْظَمَ شَأْنَكُمْ، وَأَجَلَ خَطَرِكُمْ، وَأَوْفَى عَهْدِكُمْ،

جان شما را گرامی و شأن شما را با عظمت و مقام شما را بزرگ و شما را نسبت به عهد و پیمان با وفا

وَأَصْدَقَ وَعْدِكُمْ. كَلَامُكُمْ نُورٌ، وَأَمْرُكُمْ رُشْدٌ، وَوَصِيَّتِكُمْ

و در مورد وعده راستگو گردانیده است؟ سخن شما نور و فرمانتان باعث رشد و کمال، و سفارش شما

التَّقْوَى، وَفِعْلُكُمْ الْخَيْرُ، وَعَادَتُكُمْ الْإِحْسَانُ، وَسَجِيَّتُكُمْ الْكَرَمُ،

پرهیزکاری و کردار شما خیر و خوبی و روش و عادت شما نیکویی، و احسان و خوی و سرشت شما کرامت و بزرگواری،

وَشَأْنُكُمْ الْحَقُّ وَالصِّدْقُ وَالرِّفْقُ، وَقَوْلُكُمْ حُكْمٌ وَحَتْمٌ، وَرَأْيُكُمْ

و شأن شما حق و راستی و مدارا کردن است، و سخن شما حکم حتمی و لازم الاجرا است، و رای و ابده شما

عِلْمٌ وَحِلْمٌ وَحَزْمٌ، إِنَّ ذِكْرَ الْخَيْرِ كُنْتُمْ أَوْلَاهُ وَأَصْلَهُ، وَفِرْعَهُ

دانش و بردباری و استوارکردن امور است، اگر یادی از خیر شود شما پایه نخست آن، ریشه، شاخه

وَمَعْدِنَهُ، وَمَأْوِيَهُ وَمُنْتَهَاهُ. بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي، كَيْفَ

و معدن و جایگاه و سرانجام آن هستید. پدرم، مادرم و جانم فدای شما باد؛ چگونه

أَصِفُ حُسْنَ ثَنَائِكُمْ، وَأُحْصِي جَمِيلَ بَلَائِكُمْ، وَبِكُمْ أَخْرَجَنَا اللَّهُ

ثنای نیکوی شما را توصیف کنم و نعمت زیبایان را بشمارم، و خداوند به توسط شما ما را

مِنَ الذُّلِّ، وَفَرَّجَ عَنَّا غَمَرَاتِ الْكُرُوبِ، وَأَنْقَذَنَا مِنْ شَفَا جُرْفِ

از خواری بیرون آورد و از غم و اندوه سخت ما را گشایش داد و از وادی پرتگاه

الْهَلَكَاتِ وَمِنَ النَّارِ. بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي، بِمُؤَالَاتِكُمْ عَلَّمَنَا

نابودی و از آتش نجاتمان داد. پدرم، مادرم و جانم فدای شما باد؛ خداوند به وسیله پیروی از شما

اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا، وَأَصْلَحَ مَا كَانَ فَسَدَ مِنْ دُنْيَانَا، وَبِمُؤَالَاتِكُمْ

معالم دین ما را به ما آموخت و آنچه از امور دنیای ما فاسد بود، اصلاح نمود. و به موالات و دوستی و پیروی شما

تَمَّتِ الْكَلِمَةُ، وَعَظُمَتِ النُّعْمَةُ، وَاتْتَلَفَتِ الْفُرْقَةُ، وَبِمُؤَالَاتِكُمْ

کلام الهی کامل گشت، و نعمت؛ با عظمت و شکوه گردید و به جدایی الفت بخشید و به وسیله پیروی و موالات شما

تُقْبَلُ الطَّاعَةُ الْمُفْتَرِضَةُ، وَلَكُمْ الْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ، وَالذَّرَجَاتُ

طاعت واجب پذیرفته می شود و دوستی واجب و درجه های

صحة

خاتمه کتاب



۷۳۲

الرَّفِيعَةُ، وَالْمَقَامُ الْمَحْمُودُ، وَالْمَكَانُ الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ،

والا و مقام پسندیده و جایگاه معین در پیشگاه خداوند رحمان و مقام

وَالْجَاهُ الْعَظِيمُ، وَالشَّانُ الْكَبِيرُ، وَالشَّفَاعَةُ الْمَقْبُولَةُ. رَبَّنَا آمِنَّا

و جاه باشکوه و شان بزرگ و شفاعت پذیرفته شده برای شماست. پروردگارا! ما

بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ، رَبَّنَا لَا تَزِرُ

به آنچه نازل کرده‌ای ایمان آوردیم و از پیامبر پیروی کردیم، پس ما را از گواهان ثبت کن. پروردگارا!

قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا، وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً، إِنَّكَ أَنْتَ

دل‌های ما را پس از هدایت‌مان منحرف مکن و برای ما از جانب خود رحمتی ببخش، به راستی که تو

الْوَهَّابُ، سُبْحَانَ رَبَّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبَّنَا لَمَفْعُولًا. يَا وَلِيَّ اللَّهِ، إِنْ

بسیار بخشنده‌ای، پاک و منزّه است پروردگار ما به حقیقت وعده پروردگار ما محقق خواهد شد. ای ولی خدا! به راستی که

بَيْنِي وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ذُنُوبًا لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ، فَبِحَقِّ

میان من و خدای متعال گناہانی است که جز رضایت و خشنودی شما آنها را از بین نمی‌برد، پس به حق

مَنْ ائْتَمَنَكُمْ عَلَى سِرِّهِ، وَاسْتَرَعَاكُمْ أَمْرَ خَلْقِهِ، وَقَرْنَ طَاعَتَكُمْ

کسی که شما را بر راز خود امین قرار داده و تدبیر و امور و مراعات حال بندگانش را به شما سپرد و طاعت شما را قرین و پیوسته با طاعت خود

بِطَاعَتِهِ، لَمَّا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبِي، وَكُنْتُمْ شُفَعَائِي، فَإِنِّي لَكُمْ مُطِيعٌ،

قرار داد، که نسبت به گناہان من طلب آمرزش و بخشش کنید و شما شفیعان من باشید، پس من به حقیقت مطیع و فرمان‌بردار شما هستم،

مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ، وَمَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ، وَمَنْ

هر که از شما فرمان برد در واقع از خدا فرمان برده و هر که از (فرمان) شما عصیان کند در واقع از خدا عصیان نموده

أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ، وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ. اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ

است و هر کس شما را دوست بدارد در واقع خدا را دوست داشته و هر که شما را دشمن بدارد در واقع خدا را دشمن داشته. بار خداوند! من اگر

وَجَدْتُ شُفَعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ، الْأَيُّمَّةِ

شفیعانی نزدیک‌تر به تو جز محمد و اهل بیت برگزیده‌اش - که پیشوایان

الْأَبْرَارِ، لَجَعَلْتَهُمْ شُفَعَائِي، فَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبْتَ لَهُمْ عَلَيْكَ،

نیکوکارند - می‌یافتم آنان را شفیعان خود قرار می‌دادم، پس به حق آنها که آن را بر خود لازم شمرده‌ای

أَسْأَلُكَ أَنْ تُدْخِلَنِي فِي جُمْلَةِ الْعَارِفِينَ بِهِمْ وَبِحَقِّهِمْ، وَفِي زُمْرَةِ

از تو می‌خواهم که مرا در گروه اهل معرفت به آنان و حقیقتان قرار دهی و در زمره

الْمَرْحُومِينَ بِشَفَاعَتِهِمْ، إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى

کسانی که به شفاعت آنان مورد رحمت تو قرار گرفته‌اند، وارد سازی؛ زیرا که تو مهربان‌ترین مهربانان هستی، و درود خدا بر

مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَسَلِّمْ كَثِيرًا، وَحَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ. ۱

محمد و خاندان پاکش و سلام زیاد بر آنان باد و خداوند ما را بسنده است و خوب حمایتگری است.

زیارت امین الله

و فضیلت آن

زیارت «امین الله» را به چند جهت آوردیم:

۱- در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است که آن حضرت فرمودند:

این کلام و این دعا (زیارت امین الله) را هر یک از شیعیان ما نزد قبر امیر مؤمنان یا یکی از امامان علیهم السلام بخواند، به طور حتم و بی شک، دعایش در صندوقچه‌ای از نور بالا می‌رود و تسلیم قائم آل محمد ارواحنا فداه می‌شود....

۲- این زیارت از زیاراتی است که حضرت مهدی صلوات الله علیه آن را خوانده است؛ چنان که در جریان شرفیابی حاج علی بغدادی خدمت آن حضرت آمده است.

۳- امام زمان ارواحنا فداه در جریان دیدار حاج علی بغدادی، تصریح و تأکید فرمودند که: این زیارت از برترین زیارت‌هاست.

نکته مهمی که از آن جریان استفاده می‌شود این است که این زیارت، جزو زیارت‌های جامعه و عمومی امامان است و در تمام حرم‌های اهل بیت علیهم السلام می‌توان خواند؛ چنان که آن حضرت این زیارت را در حرم امام کاظم و امام جواد علیهم السلام در شهر کاظمین خواندند. البته، این نکته در روایت امام باقر علیه السلام نیز، به صراحت بیان شده است.

مرحوم محدث قمی می‌فرماید: این زیارت دارای اعتباری کامل است، و در تمام کتاب‌های ادعیه و زیارات آمده است.

علامه مجلسی رحمته الله این زیارت را بهترین زیارت‌ها از نظر متن و سند می‌شمارد؛ وی می‌افزاید: شایسته است در تمام حرم‌های مطهر و مقدس خوانده شود؛ چنان‌که با سندهای معتبر از جابر از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود:

امام سجّاد علیه السلام به زیارت قبر مطهر امیر مؤمنان علیه السلام رفت و نزد قبر ایستاد و گریست و قرائت نمود:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَحُجَّتَهُ عَلَى عِبَادِهِ،

سلام بر تو، ای امانت‌دار خداوند در زمینش، و حجت او بر بندگانش؛

(السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ) ^۱، أَشْهَدُ أَنَّكَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ

(سلام بر تو، ای فرمانروای مؤمنان؛) گواهی می‌دهم که شما به طور کامل در راه خدا جهاد کردی

حَقَّ جِهَادِهِ، وَعَمِلْتَ بِكِتَابِهِ، وَاتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ

و حقش را ادا فرمودی؛ به کتاب خدا عمل نمودی، و از سنت‌های پیامبر - درود خدا بر او و آل او - پیروی کردی؛

وَالِهِ، حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ إِلَى جِوَارِهِ، فَقَبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ، وَأَلْزَمَ

تا آن که خداوند تعالی، شما را به جوارش فرا خواند، و با اختیار و انتخابش شما را از این دنیا به سوی خود برد؛ و

أَعْدَاءَكَ الْحُجَّةَ، مَعَ مَا لَكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ.

با وجودی که حجت‌های رسایی بر تمام آفریدگان داشتی، باز هم حجت را بر دشمنانت تمام کرد.

اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً بِقَدْرِكَ، رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ، مُوَلَّعَةً

بارالها! نفس و روح مرا به تقدیرت مطمئن گردان، و به قضا و فرمانت خشنود گردان. حرص مرا

بِذِكْرِكَ وَدُعَائِكَ، مُحِبَّةً لِصَفْوَةِ أَوْلِيَائِكَ، مَحْبُوبَةً فِي أَرْضِكَ

به یاد خودت و دعا کردن به درگاهت افزون کن، و مرا دوست‌دار واقعی برای اولیای برگزیده‌ات قرار بده. مرا در زمین

وَسَمَائِكَ، صَابِرَةً عَلَى نَزُولِ بَلَائِكَ، شَاكِرَةً لِفَوَاضِلِ نِعْمَائِكَ،

و آسمانت محبوب گردان؛ بر فرو ریزی بلاهایت شکبیا ساز؛ بر زیادتی نعمت‌هایت سپاسگزار،

۱. این فقره از زیارت: در حرم حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام خوانده شود.

نمی خواند و دعا نمی کند، مگر آن که دعایش در نامه ای از نور بالا می رود، و مهر پیغمبر بر آن می خورد، و نگهداری می شود تا به قائم آل محمد علیه السلام سپرده می شود. در این حال نیز، بشارت و احترامات ویژه و اکرام، برای زیارت کننده ارسال می گردد. اگر خدا بخواهد...^۱

زیارت وارث^۲

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ اَدَمَ صَفْوَةَ اللهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ

سلام بر تو، ای ارث برنده از حضرت آدم که برگزیده خدا بود، سلام بر تو، ای ارث برنده از

نُوحِ نَبِيِّ اللهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ اِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللهِ، السَّلَامُ

نوح که پیامبر خدا بود، سلام بر تو، ای ارث برنده از ابراهیم که دوست ویژه خدا بود، سلام

عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسَى كَلِيمِ اللهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسَى

بر تو، ای ارث برنده از موسی که هم کلام خدا بود، سلام بر تو، ای ارث برنده از عیسی که

رُوحِ اللهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِيبِ اللهِ، السَّلَامُ

روح خدا بود، سلام بر تو، ای ارث برنده از حضرت محمد که دوست واقعی و محبوب خدا بود، سلام

عَلَيْكَ يَا وَارِثَ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَوَلِيِّ اللهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ

بر تو، ای ارث برنده از امیر مؤمنان که ولی خداست. سلام بر تو، ای فرزند

مُحَمَّدِ الْمُصْطَفَى، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى، السَّلَامُ

محمد مصطفی، سلام بر تو، ای فرزند علی مرتضی (پسندیده شده)، سلام

عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى،

بر تو، ای فرزند فاطمه زهرا، سلام بر تو، ای فرزند خدیجه که بزرگ زنان بود.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللهِ وَابْنَ ثَارِهِ وَالْوِثَرَ الْمُؤْتُورَ، اَشْهَدُ اَنَّكَ

سلام بر تو، ای خون خدا و پسر خون خدا که انتقامش گرفته نشده است؛ گواهی می دهم که تو

۱. مفاتیح الجنان: ۶۹۸، مصباح المتهجد: ۷۳۸، و در مصباح الزائر: ۴۷۴، و مزار آقا جمال خوانساری: ۹۸ با تفاوت اندک.

۲. در جریان تشرّف مرحوم حاج علی بغدادی در حرم مطهر کاظمین علیهم السلام، حضرت امام عصر صلوات الله علیه بعد از زیارت امین الله، زیارت وارث را قرائت نمودند.

قَدْ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ

نماز را به خوبی برپا داشتی، و زکات دادی، و امر به معروف و نهی

عَنِ الْمُنْكَرِ، وَأَطَعْتَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ حَتَّىٰ أَتَاكَ الْيَقِينُ، فَلَعَنَ اللَّهُ

از منکر کردی، و از خدا و فرستاده‌اش فرمان‌برداری کردی تا مرگ به سراغت آمد. پس، خداوند،

أُمَّةً قَتَلْتِكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمْتِكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ

کشندگان تو و اُمّتی که بر تو ستم کردند و گروه‌هایی را که با شنیدن خبر شهادت

فَرَضِيَتْ بِهِ. يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي

تو خشنود شدند، لعنت کند. ای مولای من؛ ای اباعبدالله الحسین؛ گواهی می‌دهم که تو نوری در

الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ الْمُطَهَّرَةِ، لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ

پشت‌های ارجمند، و رحم‌های پاک بودی؛ جاهلیت، با آن همه آلودگی و پلیدیش تو را آلوده نساخت؛

بِأَنْجَاسِهَا، وَلَمْ تُلْبَسْكَ مِنْ مُدْلَهَمَاتِ ثِيَابِهَا، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ

و از لباس‌های ناپاکش بر تنت نپوشانید. گواهی می‌دهم که تو یکی از

دَعَائِمِ الدِّينِ وَأَرْكَانِ الْمُؤْمِنِينَ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبَرُّ التَّقِيُّ

پایه‌های اصلی دین اسلام هستی، و از تکیه‌گاه‌های مؤمنان می‌باشی. گواهی می‌دهم که تو امام و پیشوای نیکوکار، پرهیزگار،

الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ الْهَادِي الْمَهْدِيُّ، وَأَشْهَدُ أَنَّ الْأَئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ

رضایت‌مند، خالص و پاک، هدایت‌گر و هدایت‌یافته هستی. گواهی می‌دهم پیشوایان و امامانی که از نسل تو هستند

كَلِمَةُ التَّقْوَى، وَأَعْلَامُ الْهُدَى، وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى، وَالْحُجَّةُ عَلَى

نشانه تقوا، پرچم‌های هدایت، ریسمان محکم الهی و حجت خدا بر

أَهْلِ الدُّنْيَا. وَأَشْهَدُ اللَّهُ وَمَلَائِكَتُهُ وَأَنْبِيَائُهُ وَرُسُلُهُ أَنِّي بِكُمْ

تمام مردم دنیا می‌باشند. خدا و فرشتگان و پیامبران و رسولانش را به گواهی می‌گیرم که نسبت به شما اهل بیت

مُؤْمِنٌ، وَبِإِيَابِكُمْ مُوقِنٌ، بِشَرَائِعِ دِينِي، وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي، وَقَلْبِي

ایمان و باور دارم، و به بازگشت شما یقین دارم؛ و این به خاطر راه‌های دین من و پایان‌های عمل من است؛ قلب من،

لِقَلْبِكُمْ سَلْمٌ، وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَى

تسلیم قلب شما است؛ و امر من تابع امر شماست؛ درود پیوسته الهی بر شما و

أَرْوَاحِكُمْ، وَعَلَى أَجْسَادِكُمْ وَعَلَى أَجْسَامِكُمْ، وَعَلَى شَاهِدِكُمْ

روح، تن، جسم، حاضر

وَعَلَى غَائِبِكُمْ، وَعَلَى ظَاهِرِكُمْ وَعَلَى بَاطِنِكُمْ.

و پنهان، آشکار و ناپیدای شما باد.

سپس خود را به قبر چسبانده، آن را بوسیده، می‌گویی:

بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ،

ای فرزند رسول خدا؛ پدر و مادرم فدایت؛ ای ابا عبدالله (الحسین)؛

لَقَدْ عَظَمْتَ الرَّزِيَّةَ، وَجَلَّتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ أَهْلِ

پدر و مادرم فدایت؛ تعزیت و مصیبتی که به شما وارد شد بر ما و تمام

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَأَلْجَمَتْ وَتَهَيَّأَتْ

زمینیان و آسمانیان بسیار بزرگ و گران است؛ پس، خدا گروه‌هایی را که اسبانشان را زین کردند و لگام زدند و برای

لِقِتَالِكَ. يَا مَوْلَايَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، قَصَدْتُ حَرَمَكَ، وَأَتَيْتُ إِلَى

کشتن تو آماده شدند، لعنت کند. ای مولای من؛ ای ابا عبدالله؛ به قصد زیارت حرم تو حرکت کردم، و به

مَشْهَدِكَ، أَسْأَلُ اللَّهَ بِالشَّانِ الَّذِي لَكَ عِنْدَهُ، وَبِالْمَحَلِّ الَّذِي لَكَ

حضور تو آمدم؛ از خدا درخواست می‌کنم، به خاطر جایگاه و منزلت ویژه‌ای که

لَدَيْهِ أَنْ يُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ يُجْعَلَنِي مَعَكُمْ

نزدش داری، بر محمد و آل محمد درود پیوسته نثار کند؛ و مرا

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ.

در دنیا و آخرت، با شما بدارد.

سپس، برخیز و دو رکعت نماز نزد سر مطهر بخوان، و هر سوره‌ای خواستی در

نماز قرائت کن؛ پس از پایان نماز، بگو:

اللَّهُمَّ إِنِّي صَلَّيْتُ وَرَكَعْتُ وَسَجَدْتُ لَكَ، وَخَدَاكَ لَا شَرِيكَ لَكَ،

بار الها؛ من، تنها برای تو نماز گزاردم و برای تو رکوع کرده و سر به سجده گذاشتم؛ یگانه‌ای و شریکی نداری؛

لِأَنَّ الصَّلَاةَ وَالرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ لَا يَكُونُ إِلَّا لَكَ، لِأَنَّكَ أَنْتَ اللَّهُ

زیرا، نماز و رکوع و سجده، جز برای تو جایز نیست؛ زیرا، تو خدا هستی و

لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَبْلِغْهُمْ

جز تو معبودی نیست. بار الهای بر محمد و آل محمد درود فرست، و

عَنِّي أَفْضَلَ السَّلَامِ وَالتَّحِيَّةِ، وَارْزُدْ عَلَيَّ مِنْهُمْ السَّلَامَ. اللَّهُمَّ

والاثرین سلام و احترامات را از من به ایشان برسان، و به من نیز پاسخ سلام را برگردان. خدایا؛

وَهَاتَانِ الرَّكْعَتَانِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى مَوْلَايَ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ

این دو رکعت نماز، هدیه‌ای است از جانب من به مولایم حسین بن علی

عَلَيْهِمَا السَّلَامُ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَيْهِ، وَتَقَبَّلْ مِنِّي،

که درود بر هر دو باد. خدایا؛ بر حضرت محمد ﷺ و بر او (امام حسین ﷺ) درود بفرست، و نماز و هدیه‌ام را بپذیر،

وَأَجْرُنِي عَلَى ذَلِكَ بِأَفْضَلِ أَمَلِي وَرَجَائِي فِيكَ وَفِي وَلِيِّكَ،

و افزون‌تر از امید و آرزویم در مورد خودت و ولایت، به من پاداش بده؛

يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ.

ای سرپرست مؤمنان؛

سپس برخیز و به طرف محل پاهای مبارک برو، و نزد سر مبارک حضرت علی

اکبر ﷺ بایست و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَ نَبِيِّ اللَّهِ،

سلام بر تو، ای فرزند رسول خدا، سلام بر تو، ای فرزند پیامبر خدا،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنَ الْحُسَيْنِ

سلام بر تو، ای فرزند امیر مؤمنان، سلام بر تو، ای فرزند امام حسین

الشَّهِيدِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الشَّهِيدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمَظْلُومُ

شهادت؛ سلام بر تو ای شهید، سلام بر تو ای ستم‌دیده

وَابْنِ الْمَظْلُومِ، لَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكَ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً ظَلَمَتْكَ،

و فرزند ستم‌دیده؛ خدا، گروه‌هایی را که تو را کشتند و بر تو ستم کردند، مورد لعن و نفرین خود قرار دهد،

وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ .

و آن‌ها که خیر این‌ها را شنیدند و خوشحال شده و این کارها را پسندیدند، لعنت و از رحمتش به دور سازد.

سپس، خود را به قبر مطهر بچسبان و قبر را ببوس و بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ وَابْنَ وَلِيِّهِ، لَقَدْ عَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ،

سلام بر تو، ای ولی خدا و فرزند ولی خدا؛ به یقین مصیبت و گرفتاری که به واسطه شهادت تو

وَجَلَّتِ الرَّزِيَّةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ الْمُسْلِمِينَ، فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً

بر ما و تمام مسلمانان وارد شد، بسیار گران و بزرگ است؛ خدا گروه‌های کشنده تو را

قَتَلَتْكَ، وَأَبْرَأُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَيْكَ مِنْهُمْ .

لعنت و از رحمتش به دور سازد؛ من نیز به سوی خدا و شما، از آن افراد ناپاک بیزاری می‌جویم.

سپس از دری که طرف پاهای مبارک علی اکبر علیه السلام است، از حرم بیرون برو، و رو

به قبر شهدای کربلا بگو:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَوْلِيَاءَ اللَّهِ وَأَحِبَّائَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَصْفِيَاءَ

سلام بر شما، ای اولیای خدا و دوستان او، سلام بر شما، ای برگزیدگان

اللَّهِ وَأَوْدِيَاءَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ دِينِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ

خدا و دوستان ویژه‌اش، سلام بر شما، ای یاران دین خدا، سلام بر شما،

يَا أَنْصَارَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ،

ای یاران رسول خدا، سلام بر شما، ای یاران امیر مؤمنان؛

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، السَّلَامُ

سلام بر شما، ای یاران حضرت فاطمه، سرور زنان جهان هستی، سلام

عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوَلِيِّ النَّاصِحِ،

بر شما، ای یاران امام حسن فرزند علی، سرپرست و ولی خیرخواه مسلمانان،

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَنْصَارَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي، طِبُّكُمْ

سلام بر شما، ای یاران ابی عبدالله الحسین؛ پدر و مادرم، فدای شما باد، شما پاک

وَطَابَتِ الْأَرْضُ الَّتِي فِيهَا دُفِنْتُمْ، وَفَزْتُمْ فَوْزاً عَظِيماً، فَيَا لَيْتَنِي

و زمینی که در آن دفن شده‌اید نیز پاک است؛ به کامیابی و رستگاری بزرگی دست یافتید؛ ای کاش من

كُنْتُ مَعَكُمْ فَأَفُوزَ مَعَكُمْ.

نیز همراهتان بودم و با شما رستگار می‌شدم.

سپس به طرف سر مطهر امام علیه السلام برگرد و تا می‌توانی برای خودت، خانواده‌ات، پدر و مادرت، و برادرانت دعا کن؛ زیرا، در آن حرم هیچ دعا و درخواستی رد نمی‌شود.^۱

* * * *

مطالبی که در این کتاب خواندید، نمازها، دعاها و زیارت‌هایی است که با توفیق خداوند و به برکت امام عصر عجل الله تعالی فرجه، آنها را گردآوری و تألیف نمودم. و أنا العبد الفانی مرتضی، ابن الورع العابد ذی المجد والسادات، السید محمد جواد، المتوفی فی یوم عاشوراء سنة ۱۴۱۵ هـ بعد قراءة زیارة عاشوراء فی مجلس العزاء لسید الشهداء علیه آلاف التحية والثناء، ابن العالم العابد الزاهد السید محمد باقر، ابن العالم الربانی آية الله العظمی السید علی السیستانی أعلى الله مقامه.

زیارت وارث



منابع و مصادر كتاب

قرآن كريم

«الف»

أبواب الجنات في آداب الجمعات:

تأليف: آية الله سيّد محمّد تقى موسى اصفهاني، مؤسسة الإمام المهدي - قم

الإحتجاج:

تأليف: عالم بزرگوار احمد بن على طبرسي، مكتبة مصطفى - قم

أدب الزائر:

تأليف: مرحوم علامة اميني، نجف اشرف

أربعة أيام:

تأليف: عالم نامى مرحوم ميرداماد، قم

اصول كافي:

تأليف: محدث شهير مرحوم كليني، دار الكتب الإسلاميه - تهران

إقبال الأعمال:

تأليف: عالم جليل القدر سيّد بن طاووس، مؤسسة مطبوعاتي اعلمى - بيروت

الأمان من أخطار الأسفار والأزمان:

تأليف: عالم جليل القدر سيّد بن طاووس، مؤسسة آل البيت - قم

«ب»

الباقيات الصالحات:

تأليف: مرحوم محدث قمى، علمى - تهران

بحار الأنوار:

تأليف: علامه محمد باقر مجلسى رحمه الله، منشورات مكتبة اسلاميه - تهران

بشارة الإسلام:

تأليف: عالم بزرگوار سيد مصطفى كاظمى، منشورات مكتبة حيدرته - نجف اشرف

البلد الأمين:

تأليف: عالم بزرگوار شيخ ابراهيم كفعمى، مؤسسة علمى - بيروت

«ت»

تبصرة الولي:

تأليف: علامه سيد هاشم بحراني، مؤسسة معارف اسلامى - قم

التحفة الرضوية في مجربات الإمامية:

تأليف: دانشمند محترم محمد رضى رضوى - طهران

تحفة طوسية:

تأليف: مرحوم محدث قمى، انتشارات فؤاد - تهران

التشريف بالمنن المعروف بالملاحم والفتن:

تأليف: عالم جليل القدر سيد بن طاووس، نشر مؤسسة صاحب الأمر - قم

تكاليف الأنام في غيبة الإمام:

تأليف: عالم محترم على اكبر همدانى، انتشارات بدر - تهران

«ث»

ثواب الأعمال:

تأليف: عالم جليل القدر شيخ صدوق رحمه الله، منشورات مطبعة حيدرته - نجف اشرف

مكتبة
الشيخ
المرجع



«ج»

جمال الأسبوع:

تأليف: عالم جليل القدر سيّد بن طاووس، مؤسسة آفاق - تهران

جنّات الخلود:

تأليف: عالم بزرگوار امامي خاتون آبادي، چاپ سنگي - تهران

جنة المأوى:

تأليف: مرحوم محدّث نوري، منشورات مكتبة اسلاميه - تهران

«د»

دار السلام:

تأليف: عالم بزرگوار شيخ محمود عراقي، منشورات مكتبة اسلاميه - تهران

دار السلام فيما يتعلّق بالرؤيا والمنام:

تأليف: مرحوم محدّث نوري، انتشارات معارف اسلامي - قم

الدعوات:

تأليف: عالم شهير قطب الدين راوندي، مؤسسة الإمام المهدي - قم

دلائل الإمامة:

تأليف: محدّث خبير ابي جعفر محمّد بن جرير بن رستم طبري، مؤسسة بعثت - قم

«ز»

زاد المعاد:

تأليف: علامة مجلسي، مكتبة اسلاميه - تهران

الزيارة والبشارة:

تأليف: آية الله سيّد احمد مستنبط، مطبعة جديد الغري - نجف

«ص»

الصحيفة الصادقية:

تأليف: آية الله شيخ احمد بحراني قطيفي، تحقيق دار المصطفى عليه السلام - قم

«ع»

العقري الحسن:

تأليف: آية الله شيخ علي اكبر نهاوندي، انتشارات دبستاني - تهران

عدة الداعي:

تأليف: عالم رباني أحمد بن فهد حلي، منشورات مكتبة وجداني - قم

العدد القوية:

تأليف: عالم جليل القدر علي بن يوسف حلي، منشورات كتابخانه آية الله مرعشي - قم

عمدة الزائر:

تأليف: آية الله سيد حيدر حسني كاظمي، منشورات دار التعارف - بيروت

«غ»

الغدير:

تأليف: علامة اميني، منشورات كتابخانه عمومي اميرالمؤمنين عليه السلام - تهران

الغيبة:

تأليف: شيخ الطائفة ابو جعفر محمد طوسي، منشورات كتابفروشي بصيرتي - قم

«ف»

فتح الأبواب:

تأليف: عالم جليل القدر سيد بن طاووس، مؤسسة آل البيت عليهم السلام - قم

فرحة الغري:

تأليف: عالم بزرگوار عبدالكريم بن طاووس، مطبعة حيدريه - نجف اشرف

تأليف



الفقه المنسوب للإمام الرضا عليه السلام :

تحقيق مؤسسه آل البيت عليهم السلام ، كنگره جهانى امام رضا عليه السلام - مشهد مقدس

فلاح السائل:

تأليف : عالم جليل القدر سيد بن طاووس ، منشورات دار الإسلاميه - بيروت

«ق»

قصص الأنبياء:

تأليف : عالم جليل القدر قطب الدين راوندى ، نشر الهادى - قم

«ك»

كامل الزيارات:

تأليف : محدث خير جعفر بن محمد بن قولويه ، نشر الفقاهه - قم

الكلم الطيب:

تأليف : عالم جليل القدر سيد على خان مدنى ، مكتبة نجاح - تهران

كمال الدين:

تأليف : عالم جليل القدر شيخ صدوق عليه السلام ، منشورات دار الكتب اسلاميه - تهران

«م»

المجموع الرائق من ازهار الحدائق:

تأليف : محدث بزرگوار سيد هبة الله موسى ، وزارت ارشاد - تهران

المختار من كلمات الإمام المهدي:

تأليف : آية الله شيخ محمد غروى - قم

المزار الكبير:

تأليف : عالم بزرگوار ابو عبدالله محمد بن جعفر مشهدى ، نشر قیوم - قم

المزار:

تأليف: عالم جليل القدر مرحوم شيخ مفيد، مؤسسة الإمام المهدي - قم

المزار:

تأليف: شهيد أول، مؤسسة معارف اسلامي - قم

مزار:

تأليف: عالم جليل القدر آقا جمال خوانساري، قم

مستدرك الوسائل:

تأليف: مرحوم محدث نوري، تحقيق مؤسسة آل البيت عليه السلام - قم

المصباح:

تأليف: عالم جليل القدر ابراهيم عاملي كفعمي، منشورات مؤسسة أعلمي - بيروت

مصباح الزائر:

تأليف: عالم جليل القدر سيد بن طاووس، مؤسسة آل البيت عليه السلام - قم

مصباح المتهجد:

تأليف: شيخ الطائفة ابو جعفر محمد طوسي، مؤسسة فقه الشيعة - بيروت

معادن الحكمة:

تأليف: محدث بزركوار محمد بن فيض كاشاني، مؤسسة نشر اسلامي - قم

مفتاح الغيب:

تأليف: علامة مجلسي، آستان قدس رضوي - مشهد مقدس

مفاتيح الجنان:

تأليف: مرحوم محدث قمي، مؤسسة علمي - تهران

مفتاح الجنات:

تأليف: آية الله سيد محسن امين، دار التعارف - بيروت

مفتاح الفلاح:

تأليف: عالم بزركوار بهاء الدين عاملي، مؤسسة نشر اسلامي - قم

مكتبة
البيروت



المقام الأسنى:

تأليف: عالم بزرگوار شيخ ابراهيم كفعمی، مؤسسه قائم آل محمد عجل الله فرجه - قم

مكارم الأخلاق:

تأليف: محدث نامی شيخ حسن بن فضل طبرسی، منشورات مؤسسه نشر اسلامي - قم

مکیال المکارم في فوائد الدعاء للقائم:

تأليف: آية الله سيّد محمد تقی موسوی اصفهانی، مؤسسه الإمام المهدي - قم

المنتخب:

تأليف: عالم بزرگوار فخرالدين طريحي، منشورات شريف رضى - قم

منهاج العارفين:

تأليف: عالم بزرگوار محمد حسن سمنانی، مكتبة محمودی - تهران

مهج الدعوات:

تأليف: عالم جليل القدر سيّد بن طاووس، دار الكتب اسلاميه - تهران

«ن»

نجم الثاقب:

تأليف: مرحوم محدث نوري، انتشارات مسجد مقدس جمکران - قم

نزہة الزاهد:

تأليف: یکی از اعلام قرن ششم، اهل قلم - تهران

دولت کریمه امام زمان

(عجل الله تعالی فرجه الشریف)

بحث‌های جالبی درباره

شکوفایی عقل و اندیشه، پیشرفت دانش و پیشرفت، توسعه اقتصادی و...
در حکومت آینده جهان با نکته‌های فراوان تازه مهم و حیاتی

تألیف

سید مرتضی محمدتقی سیدانی